

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات قانون مدنی

گردآوری و تحقیق:

احمد رضا نانینی

دفتر مطالعات حقوقی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نائبی، احمد رضا، گردآورنده
مشروح مذاکرات قانون مدنی / گردآوری
و تحقیق احمد رضا نائبی. -- تهران: مجلس
شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۶.
۳۱۲ ص.؛ جدول، -- (مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۶/۳۸)
ISBN: 978-964-8427-25-7: ۱۰۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه ص. [۱۳۱۱] - ۱۳۱۲.
۱. قانون مدنی- ایران. ۲. ایران.
مجلس شورای اسلامی- صورت مذاکرات. ۳.
ایران. مجلس شورای ملی. الف. مجلس شورای
اسلامی. مرکز پژوهش‌ها. ب. عنوان.
۵م۲ن/۲۲ / ۴۹۲ KMH
۱۳۸۶

کتاب مشروح مذاکرات قانون مدنی با آخرین اصلاحات، الحاقات و بازنگری
توسط روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران تجدید چاپ شده است.

عنوان: مشروح مذاکرات قانون مدنی
گردآوری و تحقیق: احمد رضا نائبی
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
طراح جلد: علیرضا عاشورزاده
نوبت چاپ: چاپ اول، بهار ۱۳۸۶
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نگاران الکترونیک
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

. O s t ù kĒq kĀg t kĀq O t D z
. O s t Ī N Ā T q Ā q Ē s t Ā t Ī N Ī 5 Q ĩ q Ā k ġ ġ p T ĩ z g Ē q Ā t Ī Ē kĀg ā N Ē f G Ō q g

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۹

بخش اول: کلیات

فصل اول. جدول و مشروح مذاکرات تقدیم لوایح
مربوط به قانون مدنی ۴۷

مبحث اول. جدول تقدیم لوایح مربوط به قانون
مدنی ۴۷
مبحث دوم. مشروح مذاکرات تقدیم لوایح مربوط
به قانون مدنی ۴۷
گفتار اول. مشروح مذاکرات تقدیم لایحه مواد ۹۵۶
تا ۹۷۵ ۴۸
گفتار دوم. مشروح مذاکرات تقدیم لایحه مواد ۹۷۶
تا ۱۰۳۰ ۴۸
گفتار سوم. تقدیم لوایح مواد ۱۰۳۱ تا ۱۳۳۵
..... ۵۱
بند اول. تقدیم لایحه مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱ ۵۱
بند دوم. تقدیم لایحه مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹ ۵۲
بند سوم. تقدیم لایحه مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ ۵۲
بند چهارم. تقدیم لایحه مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ ۵۲
بند پنجم. تقدیم لایحه مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶ ۵۳
بند ششم. تقدیم لایحه مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵ ۵۳

فصل دوم. متن لوایح تقدیمی ۵۵

مبحث اول. لایحه مربوط به مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵
..... ۵۵
مبحث دوم. لایحه مربوط به مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰
..... ۵۸
مبحث سوم. لایحه مربوط به مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱
..... ۶۷
مبحث چهارم. لایحه مربوط به مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹
..... ۷۲
مبحث پنجم. لایحه مربوط به مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷
..... ۷۷

مبحث ششم. لایحه مربوط به مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	۸۱.....
مبحث هفتم. لایحه مربوط به مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶	۸۷.....
مبحث هشتم. لایحه مربوط به مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵	۹۴.....

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی

فصل اول. صورت مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه

مجلس شورای ملی ۱۰۵.....	مبحث اول. صورت مشروح مذاکرات شور اول کمیسیون پارلمانی عدلیه
مجلس شورای ملی ۱۰۶.....	گفتار اول. شور اول مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵ ۱۰۷...
۱۱۵..	گفتار دوم. شور اول مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰ ۱۰۳۰..
۱۳۰..	گفتار سوم. شور اول مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱ ۱۰۶۱..
۱۱۱۹	گفتار چهارم. شور اول مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹
۱۴۲.....	گفتار پنجم. شور اول مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ ۱۴۶
۱۵۲..	گفتار ششم. شور اول مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ ۱۲۰۶..
۱۵۳	گفتار هفتم. شور اول مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶ ۱۲۵۶..
۱۷۱	گفتار هشتم. شور اول مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۹۶ ۱۲۹۶..
۱۸۰..	گفتار نهم. شور اول مواد ۱۲۹۷ تا ۱۳۳۵ ۱۳۳۵..
۱۹۶.....	گفتار دهم. پاره ای از پیشنهادات ۱۹۶.....
مبحث دوم. صورت مشروح مذاکرات شور دوم کمیسیون پارلمانی عدلیه	
مجلس شورای ملی ۱۹۹.....	گفتار اول. شور دوم مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵ ۹۷۵...
۲۰۰...	گفتار دوم. شور دوم مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰ ۱۰۳۰..
۲۰۷..	گفتار سوم. شور دوم مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱ ۱۰۶۱..
۲۱۷..	گفتار چهارم. شور دوم مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹ ۱۱۱۹
۲۲۹.....	گفتار پنجم. شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ و شور

مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ ۲۳۵
 گفتار ششم. شور دوم مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۲۳ ۲۴۳
 گفتار هفتم. شور دوم مواد ۱۲۲۴ تا ۱۲۵۶ ۲۴۵
 گفتار هشتم. شور دوم مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳ ۲۵۷
 گفتار نهم. شور دوم مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۵ ۲۶۶
 گفتار دهم. بحث پیرامون ماده ۱۱۵۲ و اصلاح مواد
 ۱۳۰۵، ۱۳۰۸، ۱۳۲۶،
 ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ ۲۷۳

فصل دوم. گزارشات کمیسیون قوانین عدلیه مجلس

شورای ملی ۲۷۹

مبحث اول. گزارش شور اول کمیسیون قوانین
 عدلیه

مجلس شورای ملی ۲۷۹
 گفتار اول. گزارش شور اول مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵
 ۲۷۹
 گفتار دوم. گزارش شور اول مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰
 ۲۸۲
 گفتار سوم. گزارش شور اول مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱
 ۲۹۱
 گفتار چهارم. گزارش شور اول مواد ۱۰۶۲ تا
 ۱۱۱۹ ۲۹۶
 گفتار پنجم. گزارش شور اول مواد ۱۱۲۰ تا
 ۱۱۵۷ ۳۰۰
 گفتار ششم. گزارش شور اول مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶
 ۳۰۱
 گفتار هفتم. گزارش شور اول مواد ۱۲۰۷ تا
 ۱۲۵۶ ۳۰۶
 گفتار هشتم. گزارش شور اول مواد ۱۲۵۷ تا
 ۱۳۳۵ ۳۱۳
 مبحث دوم. گزارش شور دوم کمیسیون قوانین
 عدلیه
 مجلس شورای ملی ۳۲۱
 گفتار اول. گزارش شور دوم مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵
 ۳۲۱
 گفتار دوم. گزارش شور دوم مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰
 ۳۲۴

گفتار سوم. گزارش شور دوم مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	۳۲۴.....
گفتار چهارم. گزارش شور دوم مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹	۳۲۹.....
گفتار پنجم. گزارش شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۲۰۶	۳۳۴.....
گفتار ششم. گزارش شور دوم مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶	۳۳۴.....
گفتار هفتم. گزارش شور دوم مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳	۳۴۱.....
گفتار هشتم. گزارش شور دوم مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۵	۳۴۴.....

بخش سوم: مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

فصل اول. مشروح مذاکرات قانون اجازه اجرای

لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی

کمیسیون پارلمانی عدلیه ۳۵۳.....

فصل دوم. مشروح مذاکرات قانون مدنی (مواد

۹۵۶ تا ۱۳۳۵) ۳۵۹.....

مبحث اول. شور اول	۳۵۹.....
گفتار اول. شور اول مواد ۹۵۶ تا ۹۶۲	۳۶۰....
گفتار دوم. شور اول مواد ۹۶۳ تا ۹۷۵	۳۶۸....
گفتار سوم. شور اول مواد ۹۷۶ تا ۱۰۰۱	۳۷۳..
گفتار چهارم. شور اول مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۳۰	۳۸۳.....
گفتار پنجم. شور اول مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	۳۸۹
گفتار ششم. شور اول مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹	۴۰۱.
گفتار هفتم. شور اول مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	۴۰۹
گفتار هشتم. شور اول مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	۴۱۵....
گفتار نهم. شور اول مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۲۵	۴۳۷..
گفتار دهم. شور اول مواد ۱۲۲۶ تا ۱۲۵۶	۴۵۶.
گفتار یازدهم. شور اول مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۰۵	۴۶۲.....

گفتار دوازدهم. شور اول مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۳۵
 ۴۷۷.....
 مبحث دوم. شور دوم ۴۸۹.....
 گفتار اول. شور دوم مواد ۹۵۶ تا ۹۶۲ ۴۹۰...
 گفتار دوم. شور دوم مواد ۹۶۳ تا ۹۷۵ ۴۹۴...
 گفتار سوم. شوردوم مواد ۹۷۶ تا ۹۸۶ ۴۹۸...
 گفتار چهارم. شور دوم مواد ۹۸۷ تا ۱۰۳۰ ۵۱۱
 گفتار پنجم. شور دوم مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۴۰ ۵۳۲
 گفتار ششم. شور دوم مواد ۱۰۴۱ تا ۱۰۶۱ ۵۴۸.
 گفتار هفتم. شور دوم مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹ ۵۶۰
 گفتار هشتم. شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ ۵۸۰
 گفتار نهم. شور مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ ۵۹۷.....
 گفتار دهم. شور دوم مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۴۰ ۵۹۸.
 گفتار یازدهم. شور دوم مواد ۱۲۴۱ تا ۱۲۵۶
 ۶۱۶.....
 گفتار دوازدهم. شور دوم مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳
 ۶۲۳.....
 گفتار سیزدهم. شور دوم مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۱۰
 ۶۳۳.....
 گفتار چهاردهم. شور دوم مواد ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵
 ۶۵۵.....

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني

فصل اول. اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني

قبل از پيروي انقلاب ۶۷۵.....
 مبحث اول. قانون مربوط به اصلاح تبصره ماده
 ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به
 ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه
 ترك تابعيت کرده اند
 مصوب ۱۳۲۷/۱۱/۱۱ ۶۷۵.....
 گفتار اول. متن لايحه ۶۷۵.....
 گفتار دوم. مشروح مذاكرات شور اول مجلس سنا
 ۶۷۶.....
 گفتار سوم. مشروح مذاكرات شور دوم مجلس سنا
 ۶۹۶.....

گفتار چهارم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس
 شوراي ملي ۶۹۸.....
 گفتار پنجم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس
 شوراي ملي ۷۰۰.....
 گفتار ششم. مشروح مذاکرات تصویب نهایی لایحه در
 مجلس سنا ۷۰۱.....
 گفتار هفتم. متن قانون مربوط به اصلاح تبصره
 ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به
 ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ایرانیانی که
 ترك تابعیت کرده اند ۷۰۵.....
 مبحث دوم. قانون اصلاح ماده ۲ قانون مدني
 مصوب ۱۳۴۸/۸/۲۹ ۷۰۶.....
 گفتار اول. متن لایحه ۷۰۶.....
 گفتار دوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شوراي
 ملي ۷۰۷.....
 گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شوراي
 ملي ۷۰۸.....
 گفتار چهارم. مشروح مذاکرات اعلام وصول لایحه
 در مجلس سنا ۷۱۷.....
 گفتار پنجم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس سنا
 ۷۱۷.....
 گفتار ششم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس سنا
 ۷۲۱.....
 گفتار هفتم. مشروح مذاکرات تصویب نهایی لایحه
 در
 مجلس شوراي ملي ۷۳۵.....
 گفتار هشتم. متن قانون اصلاح ماده ۲ قانون
 مدني ۷۳۶.....
 مبحث سوم. قانون اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده
 ۹۸۸ قانون مدني
 (کتاب تابعیت) مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ ۷۳۶.....
 گفتار اول. متن لایحه ۷۳۶.....
 گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون های مجلس
 شوراي ملي ۷۳۸.....
 گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شوراي
 ملي ۷۴۰.....

گفتار چهارم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس
 شوراي ملي ۷۴۲.....
 گفتار پنجم. اعلام وصول لایحه در مجلس سنا ۷۴۴.
 گفتار ششم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس سنا
 ۷۴۵.....
 گفتار هفتم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس سنا
 ۷۵۰.....
 گفتار هشتم. متن قانون اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره
 ماده ۹۸۸ قانون مدنی
 ۷۵۳..... (کتاب تابعیت)

فصل دوم. اسناد و مدارك و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدني

بعد از پيروزي انقلاب ۷۵۵.....

مبحث اول. قانون اصلاح موادي از قانون مدني
 مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ ۷۵۵.....
 گفتار اول. متن لایحه ۷۵۵.....
 گفتار دوم. مشروح مذاکرات ارسال لایحه به
 کمیسیون امور قضائي و حقوقي براي
 تصویب بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسي ۷۷۱.....
 گفتار سوم. ابلاغیه و متن قانون اصلاح موادي از
 قانون مدني ۷۷۴.....
 مبحث دوم. قانون اصلاح ماده ۱۲۰۵ قانون مدني
 مصوب ۱۳۶۳/۵/۶ ۷۸۱.....
 گفتار اول. متن لایحه ۷۸۱.....
 گفتار دوم. گزارش کمیسیون امور قضائي و
 حقوقي ۷۸۲.....
 گفتار سوم. مشروح مذاکرات ارسال لایحه به
 کمیسیون امور قضائي و حقوقي
 براي تصویب بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسي ۷۸۳
 گفتار چهارم. ابلاغیه و متن قانون اصلاح ماده
 ۱۲۰۵ قانون مدني ۷۸۷.....
 مبحث سوم. قانون اصلاح موادي از قانون مدني
 مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ ۷۸۸.....
 گفتار اول. متن لایحه تقدیمی در دوره دوم ۷۸۹..
 گفتار دوم. گزارش کمیسیون هاي اصلي و فرعي به
 مجلس در

دوره دوم	۷۹۶.....
گفتار سوم. متن لایحه تقدیمی در دوره سوم	۸۰۶..
گفتار چهارم. گزارش شور اول کمیسیون‌های اصلی و فرعی	۸۰۷.....
گفتار پنجم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی	۸۱۹.....
گفتار ششم. گزارش شور دوم کمیسیون‌های اصلی و فرعی	۸۲۲.....
گفتار هفتم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	۸۳۲.....
گفتار هشتم. ادامه مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	۸۷۴.....
گفتار نهم. نظریات شورای نگهبان	۸۷۹.....
گفتار دهم. مشروح مذاکرات تصویب اصلاحات کمیسیون در خصوص مصوبه مجلس	
در مورد اصلاح موادی از قانون مدنی برای تأمین نظر شورای نگهبان	۸۸۲.....
گفتار یازدهم. مشروح مذاکرات ادامه رسیدگی برای تصویب اصلاحات کمیسیون	
در خصوص مصوبه مجلس در مورد اصلاح موادی از قانون مدنی برای	
تأمین نظر شورای نگهبان	۸۸۸.....
گفتار دوازدهم. مشروح مذاکرات تذکراتی در خصوص مصوبه مجلس در مورد	
اصلاح موادی از قانون مدنی	۹۰۰.....
گفتار سیزدهم. ابلاغیه و متن قانون اصلاح موادی از قانون مدنی	۹۰۱.....
مبحث چهارم. قانون استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدنی	
مصوب ۱۳۷۲/۷/۲۷	۹۱۰.....
گفتار اول. متن طرح	۹۱۰.....
گفتار دوم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد طرح استفساریه	
ماده (۹۸۲) قانون مدنی	۹۱۲.....
گفتار سوم. ابلاغیه و متن قانون استفساریه	
ماده ۹۸۲ قانون مدنی	۹۱۸.....

مبحث پنجم. قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷ ۹۲۰.....	۹۲۰
گفتار اول. متن طرح ۹۲۰.....	۹۲۰
گفتار دوم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب دو فوریت طرح ۹۲۱.....	۹۲۱
گفتار سوم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب نهایی طرح ۹۲۳.....	۹۲۳
گفتار چهارم. ابلاغیه و متن قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی ۹۲۷.....	۹۲۷
مبحث ششم. قانون الحاق یک تبصره به ماده «۱۰۸۲» قانون مدنی در خصوص مهریه مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ ۹۲۸.....	۹۲۸
گفتار اول. متن طرح ۹۲۸.....	۹۲۸
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون امور قضائی و حقوقی ۹۳۰.....	۹۳۰
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی ۹۳۱.....	۹۳۱
گفتار چهارم. ادامه مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی ۹۶۲.....	۹۶۲
گفتار پنجم. پیشنهادات ۹۸۸.....	۹۸۸
گفتار ششم. گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی ۹۹۱.....	۹۹۱
گفتار هفتم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی ۹۹۲.....	۹۹۲
گفتار هشتم. نظریه شورای نگهبان ۱۰۰۶.....	۱۰۰۶
گفتار نهم. گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی در خصوص مصوبه	

مجلس شوراي اسلامي براي تأمين نظر شوراي نگهبان	۱۰۰۷
گفتار دهم. مشروح مذاکرات مجلس شوراي اسلامي در مورد تصويب اصلاحيه	۱۰۰۹
کمیسیون امور قضائي و حقوقي براي تأمين نظر شوراي نگهبان	۱۰۱۷
گفتار يازدهم. ابلاغيه و متن قانون الحاق يك تبصره به ماده «۱۰۸۲» قانون	۱۰۱۹
ميدني در خصوص مهريه	۱۰۱۹
مبحث هفتم. قانون اصلاح ماده «۱۱۷۳» قانون مدني	۱۰۱۹
صوب ۱۳۷۶/۸/۱۱	۱۰۲۱
گفتار اول. ميستن طرح	۱۰۲۱
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیونها	۱۰۲۴
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شوراي اسلامي	۱۰۴۲
گفتار چهارم. ادامه مشروح مذاکرات شور اول مجلس شوراي اسلامي	۱۰۵۲
گفتار پنجم. پيشنهايات	

گفتار ششم. گزارش شور دوم کمیسیون‌ها	۱۰۵۳
گفتار هفتم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	۱۰۵۵
گفتار هشتم. ابلاغیه و متن قانون اصلاح ماده «۱۱۷۳» قانون مـ	۱۰۶۰
مبحث هشتم. قانون اصلاح ماده «۱۱۸۴» قانون مدنی مـ	۱۰۶۲
گفتار اول. مـتن طـرح	۱۰۶۲
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون‌ها	۱۰۶۴
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی	۱۰۶۷
گفتار چهارم. گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی	۱۰۶۹
گفتار پنجم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	۱۰۷۰
گفتار ششم. ابلاغیه و متن قانون اصلاح ماده «۱۱۸۴» قانون مـ	

.....	۱۰۷۲
مبحث نهم. قانون اصلاح ماده «۱۰۴۱» قانون مدنی	
موضوع ماده «۲۴» قانون	
اصلاح مواد از قانون مدنی مصوب	
۱۳۷۰ صوب ۱/۴/۱۳۸۱	
.....	۱۰۷۴
گفتار اول. متن طرح تقدیمی در دوره پنجم	
.....	۱۰۷۴
گفتار دوم. متن طرح تقدیمی در دوره ششم	
.....	۱۰۷۶
گفتار سوم. گزارش شور اول کمیسیون‌ها	
.....	۱۰۷۸
گفتار چهارم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس	
شورای اسلامی	
.....	۱۰۸۰
گفتار پنجم. پیشنهادات	
.....	۱۰۹۹
گفتار ششم. گزارش شور دوم کمیسیون امور	
قضائی و حقوقی	
.....	۱۱۰۰
گفتار هفتم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس	
شورای اسلامی	
.....	۱۱۰۱
گفتار هشتم. مصوبه مجلس شورای اسلامی برای	
ارجاع به	

گفتار اول. متن طرح	۱۱۱۶
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون‌ها	۱۱۱۸
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی	۱۱۲۱
گفتار چهارم. پیشنهادات	۱۱۴۱
گفتار پنجم. گزارش شور دوم کمیسیون‌ها	۱۱۴۲
گفتار ششم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	۱۱۴۵
گفتار هفتم. مصوبه مجلس برای ارجاع به شورای نگهبانان	۱۱۵۷
گفتار هشتم. نظر شورای نگهبانان	۱۱۵۹
گفتار نهم. در دستور قرار گرفتن مصوبه مجلس دوره پنجم در مجلس دوره ششم بر اساس ماده ۱۸۵ آیین‌نامه داخلی مجلس	۱۱۶۰
گفتار دهم. گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی برای تأمین نظر شورای نگهبانان	۱۱۶۲

گفتار یازدهم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد مصوبه مجلس، اعاده شده از شورای نگهبان	۱۱۶۴
گفتار دوازدهم. مصوبه نهایی مجلس برای ارجاع به شورای نگهبان	۱۱۷۳
گفتار سیزدهم. نظر شورای نگهبان	۱۱۷۵
گفتار چهاردهم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد ارجاع مصوبه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۱۷۶
گفتار پانزدهم. متن نامه و مصوبه نهایی مجلس، ارسالی به مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۱۷۷
گفتار شانزدهم. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۱۷۸
گفتار هفدهم. ابلاغیه و متن مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد الحاق يك تبصره به ماده «۱۱۳۰» قانون مدنی	۱۱۸۰
مبحث یازدهم. قانون اصلاح موادی از قانون مدنی	۱۳۸۱/۸/۱۹
	۱۱۸۱

گفتار اول. متن طرح	۱۱۸۱
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون‌ها	۱۱۸۳
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی	۱۱۸۵
گفتار چهارم. پیشنهادات	۱۱۸۸
گفتار پنجم. گزارش شور دوم کمیسیون‌ها	۱۱۸۹
گفتار ششم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	۱۱۹۱
گفتار هفتم. نظر شورای نگهبان	۱۱۹۳
گفتار هشتم. گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی برای تأمین نظر شورای نگهبان	۱۱۹۵
گفتار نهم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب اصلاحات کمیسیون امور قضائی و حقوقی برای تأمین نظر شورای نگهبان	۱۱۹۷
گفتار دهم. ابلاغیه و متن قانون اصلاح موادی از قانون مدنی	

.....	۱۲۰۰
مبحث دوازدهم. قانون اصلاح ماده «۱۱۶۹» قانون	مدنی مصوب ۱۳۱۴
.....	۱۲۰۲
گفتار اول. متن طرح	
.....	۱۲۰۲
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون امور	قضائی و حقوقی
.....	۱۲۰۳
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای	اسلامی
.....	۱۲۰۴
گفتار چهارم. پی‌شهادات	
.....	۱۲۰۶
گفتار پنجم. گزارش شور دوم کمیسیون امور	قضائی و حقوقی
.....	۱۲۰۷
گفتار ششم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای	اسلامی
.....	۱۲۰۸
گفتار هفتم. مصوبه مجلس برای ارجاع به شورای	نگهبان
.....	۱۲۱۰
گفتار هشتم. نظرشورای نگهبان	
.....	۱۲۱۱

گفتار نهم . پیـــــــشـــــــنـــــــهـــــــات	۱۲۱۲
گفتار دهم . گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی در مورد مصوبه مجلس اعلانه شده از شورای نگهبان	۱۲۱۳
گفتار یازدهم . مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد ارجاع مصوبه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۲۱۴
گفتار دوازدهم . مصوبه نهایی مجلس برای ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۲۲۰
گفتار سیزدهم . مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۲۲۱
گفتار چهاردهم . ابلاغیه و متن مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد اصلاح ماده «۱۱۶۹» قانون مدنی	۱۲۲۲
مبحث سیزدهم . قانون استفساریه تبصره ذیل ماده «۱۰۸۲» قانون مدنی	۱۳۷۶ صوب ۱۳۸۴/۲/۲۷
گفتار اول . مـــــــتــــن طـــــــرح	۱۲۲۴

گفتار دوم. گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی.....	۱۲۲۶
گفتار سوم. پیوسته‌ها.....	۱۲۲۷
گفتار چهارم. قرار گرفتن طرح مذکور در دستور کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی.....	۱۲۲۸
گفتار پنجم. گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی.....	۱۲۲۹
گفتار ششم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب طرح مذکور.....	۱۲۳۰
گفتار هفتم. ابلاغیه و متن قانون استفساریه تبصره ذیل ماده «۱۰۸۲» قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶.....	۱۲۳۶
مبحث چهاردهم. قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲.....	۱۲۳۷
گفتار اول. متن طرح.....	۱۲۳۷
گفتار دوم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد اعلام وصول	

طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶)
قانون مدنی و الحاق
يك تبصره به آن
.....
۱۲۴۰

گفتار سوم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی
در مورد رد تقاضای بررسی
طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶)
قانون مدنی و الحاق يك تبصره
به آن طبق اصل (۸۵) قانون اساسی
.....
۱۲۴۵

گفتار چهارم. پیوندهای
.....
۱۲۴۹

گفتار پنجم. گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به
مجلس شورای اسلامی
.....
۱۲۵۰

گفتار ششم. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی
در مورد تصویب طرح
يك فوریتی تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از
ازدواج زنان ایرانی
بنا بر مردان خارجی
.....
۱۲۵۱

گفتار هفتم. ابلاغیه و متن قانون تعیین تکلیف
تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج
زنان ایرانی بنا بر مردان خارجی
.....
۱۲۷۹

مبحث پانزدهم. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام
در مورد الحاق يك تبصره
به ماده (۳۳۶) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ مصوب
۱۳۸۵/۱۰/۲۳

.....	۱۲۸۱
گفتار اول. مــــتــــن طــــرح	
.....	۱۲۸۱
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون های مجلس شورای اسلامی	
.....	۱۲۸۷
گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای اسلامی	
.....	۱۲۸۸
گفتار چهارم. گزارش شور دوم کمیسیون های مجلس شورای اسلامی	
.....	۱۲۹۱
گفتار پنجم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای اسلامی	
.....	۱۲۹۳
گفتار ششم. مصوبه مجلس شورای اسلامی برای ارجاع به شورای نگهبان	
.....	۱۲۹۶
گفتار هفتم. نظر شورای نگهبان	
.....	۱۲۹۷
گفتار هشتم. گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی در مورد مصوبه مجلس اعاده شده از شورای نگهبان	
.....	۱۲۹۸
گفتار نهم. مشروح مذاکرات مجلس در مورد مصوبه مجلس اعاده شده از	

شورای نگهبان	۱۲۹۹
گفتار دهم. ارسال مصوبه مجلس به مجمع تشخیص صلحت نظر	۱۳۰۶
گفتار یازدهم. ابلاغیه و متن مصوبه مجمع تشخیص صلحت نظام به	۱۳۰۷
مجلس شورای اسلامی	۱۳۰۹
گفتار دوازدهم. ابلاغیه و متن مصوبه مجمع تشخیص صلحت نظام در مورد	۱۳۱۱
الحاق یک تبصره به ماده (۳۳۶) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷	
منابع و مآخذ	

پیشگفتار

گفتار اول. کلیات

با توجه به ضرورت لغو کاپیتولاسیون، وزیر عدلیه وقت در تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ به همراه لایحه مربوط به قانون مدنی، لایحه ای تحت عنوان «لایحه اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» به عنوان ماده واحده و با قید دو فوریت تقدیم مجلس شورای ملی نمود.

مضمون لایحه اخیر چنین است: «دولت مجاز است از روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ که کاپیتولاسیون ملغی است لایحه قانون مدنی را که به مجلس شورای ملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی اتخاذ و اعلام شود به موقع اجرا گذارد». این لایحه عیناً در تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است. با توجه به مراتب فوق، نکات زیر در خور توجه است:

۱. لایحه مربوط به قانون مدنی که مشتمل بر ۹۵۵ ماده بود، به کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی برای بررسی و اعلام نظر ارسال گردیده است. با توجه به اینکه دوره ششم مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۰۷/۵/۲۲ خاتمه یافته است، لذا: اولاً. در مدت سه ماه و اندکی که به پایان عمر مجلس ششم باقی مانده بوده، فرصت رسیدگی به ۹۵۵ ماده در کمیسیون قوانین عدلیه نبوده است. ثانیاً. با توجه به مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه در دوره ششم به نظر می‌رسد که در این فرصت کوتاه هم، هیچگونه بحثی در مورد لایحه تقدیمی دولت در کمیسیون مذکور مطرح نشده است. برای اثبات موضوع فوق، سه صورت جلسه کمیسیون قوانین عدلیه دوره ششم که پس از تقدیم لایحه مربوط

به قانون مدنی، تشکیل شده و به صورت بسیار مختصر به ثبت رسیده، عیناً می‌آید:

یک. صورت جلسه مورخ ۱۳۰۷/۴/۱۶

روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر شانزدهم تیر ۱۳۰۷ کمیسیون قوانین عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه تشکیل، قانون تشکیلات وزارت عدلیه که در جلسات عدیده مطرح و در تحت مشاوره بود، آخرین شور آن شروع و اکثریت از ماده ... تا ماده ... که کلاً ... ماده است تصویب گردید.

دو. صورت مذاکرات جلسه مورخ ۱۳۰۷/۴/۲۰

کمیسیون قوانین عدلیه روز چهارشنبه چهار ساعت قبل از ظهر بیستم تیر ۱۳۰۷ با حضور وزیر عدلیه تشکیل و قانون تشکیلات وزارت عدلیه مطرح، چون شور دوم بود با مطالعات زیاد راجع به قانون مزبور، رأی قطعی به علت غام مواد موقوف شد به جلسه آتی. جلسه آتی روز شنبه ۲۳ تیر ۱۳۰۷ چهار ساعت قبل از ظهر مقرر گردید.

سه. صورت مذاکرات جلسه مورخ ۱۳۰۷/۴/۲۳

روز شنبه ۲۳ تیر ۱۳۰۷ کمیسیون قوانین عدلیه چهار ساعت قبل از ظهر، به ریاست آقای مدرس و با حضور آقای وزیر عدلیه تشکیل و شروع به بقیه شور ثانی قانون تشکیلات وزارت عدلیه گردید و کلیه مواد تصویب، بعد از ماده بندی در دفتر یادداشت خواهد شد.

۲. آنچه که در تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ به تصویب رسیده «قانون اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ است نه لایحه مربوط به قانون مدنی.

۳. با توجه به مصوبه فوق، لایحه قانون مدنی از تاریخ ۱۳۰۷/۲/۲۰ لازم الاجرا گردیده است.

۴. لایحه قانون مدنی به همان شکل و بدون تغییر

به موجب مصوبه مذکور اجازه اجرا یافته، ضمن اینکه همزمان به کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی برای بررسی و اعلام نظر ارسال گردیده است.

۵. با توجه به «لایحه اجازه اجرای لایحه قانون

مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» و نهایتاً قانون مذکور مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸، از

ابتدا بنا براین بوده که لایحه قانون مدنی در کمیسیون قوانین عدلیه بررسی و تصویب شود نه در صحن علنی مجلس شورای ملی.

۶. تدوین‌کنندگان قانون مدنی یا وزیر عدلیه وقت، عنوان «قانون مدنی» را برای آن انتخاب کرده

بودند، در حالی که تا زمانی که یک لایحه (یا طرح) به تصویب قوه مقننه نرسیده باشد و به طور کلی مراحل قانونی را طی نکرده باشد، عنوان «قانون»

به آن اطلاق نمی‌شود. لذا لایحه تقدیمی وزیر عدلیه «لایحه مدنی» است نه «لایحه قانون مدنی».

۷. با توجه به اینکه لایحه مذکور مراحل قانونی خود را طی نکرده و صرفاً به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ اجازه اجرای آن داده شده، لذا به جای استفاده از عنوان «قانون مدنی» استفاده

از عنوان «لایحه قانونی مدنی» صحیح به نظر می‌رسد.

۸. در «قانون اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا

موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» مصوب

۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ به «لایحه قانون مدنی» اشاره

شده است. در حالی که:

اولاً. چنانچه توضیح داده شد، عبارت «لایحه مدنی»

صحیح است.

ثانیاً. پس از تصویب مصوبه مورخ ۱۳۰۷/۲/۱۸

عبارت «لایحه قانونی مدنی» صحیح به نظر می‌رسد نه

عبارت «قانون مدنی» و نه آن طور که در مصوبه

مورخ ۱۳۰۷ / ۲ / ۱۸ تحت عنوان «لایحه قانون مدنی» آمده است.

بنابراین عنوان «لایحه قانونی مدنی» به مواد ۱ تا ۹۵۵ اختصاص می‌یابد و هر قسمت از موادی که بعداً به این لایحه قانونی الحاق گردیده است را می‌توان تحت عنوان «قانون الحاق موادی به لایحه قانونی مدنی» تلقی نمود. ذکر این نکته ضروری است که لایحه قانونی در حکم قانون است. به هر حال چون لایحه قانونی مذکور به قانون مدنی معروف شده، لذا در این مجموعه، همان عنوان مشهور آن، یعنی «قانون مدنی» استعمال خواهد شد.

گفتار دوم. نحوه تدوین قانون مدنی

این گفتار در دو بند مورد بررسی قرار گرفته که بند اول آن مربوط به کمیسیون‌های تدوین قانون مدنی است و بند دوم به تهیه‌کننده قانون مدنی می‌پردازد.

نکته‌ای که قابل ذکر است این است که در مورد تدوین پیش‌نویس قانون مدنی، تاریخ‌های متعددی ذکر شده که در ظاهر با یکدیگر مغایرت دارند، اما به نظر می‌رسد می‌توان همه آنها را با یکدیگر جمع کرد. یعنی در واقع تدوین پیش‌نویس قانون مدنی از یک زمانی شروع و به مرور در کمیسیون‌های مختلف و با افرادی بعضاً متغیر در طی چندین سال مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً مجموعه قانون مدنی تدوین شده است.

همچنین در مورد نام اعضای کمیسیون‌های تدوین پیش‌نویس قانون مدنی نیز در ظاهر تفاوت‌هایی وجود دارد که به نظر می‌رسد نام بعضی از افراد مذکور در بعضی از کتب که به آنها اشاره شده، از قلم افتاده است.

بند اول. کمیسیون‌های تدوین

در کتب مختلف حقوقی در مورد تدوین قانون مدنی

نکاتی وجود دارد که ذیلاً چند نمونه آن بیان می‌شود:

۱. «قانون مدنی ایران تا ۹۵۵ ماده اول آن در ۱۳۰۷/۳/۲۰ به تصویب رسید و باقی از ۱۳۱۳/۱۱/۶ تا تاریخ ۱۳۱۴/۸/۸ تصویب شد. شروع به تدوین مجموعه قوانین مدنی در حدود ششم میزان ۱۲۹۸ شمسی شد و مقداری از آن تا سال ۱۳۰۴ فراهم گردید».^۲

۲. «جلد اول قانون مدنی مشتمل بر ۹۵۵ ماده فی‌اجلس از طرف نمایندگان به تصویب رسید. تهیه و تنظیم قانون مدنی که از اهم قوانین است تحت نظر کمیسیون به ریاست علی‌اکبر داور وزیر عدلیه انجام گرفت. اعضای کمیسیون عبارت بودند از سیدمحسن صدر (صدراالشراف)، حاج نصرالله تقوی، حاج سیدمحمد فاطمی قمی، مصطفی عدل (منصورالسلطنه)، شیخ علی‌بابا عالم، سیدکاظم عصار و شیخ محمدعلی کاشی. اعضای کمیسیون مزبور در تهیه قانون مزبور به چند کتاب معتبر فقهی از جمله شرایع الاسلام، شرح لمعه و جواهر توجه داشته اند».^۳

۳. «کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی در ۲۰ حوت ۱۲۹۹ هیأتی را با عنوان «کمیسیون مطالعات قوانین»

۱. اولاً. تاریخ ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحیح است. ثانیاً. چنانچه توضیح داده شد تاریخ مذکور نیز مربوط به تاریخ اجرای قانون مدنی است، نه تاریخ تصویب آن.

۲. دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۴، شماره ۴۱۲۹. همین نویسنده در کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق نیز این عبارت را آورده است که: «تاریخ شروع به تدوین آن، حدود ششم میزان ۱۲۹۸ ه.ش است».

(دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، جلد چهارم، سال ۱۳۸۱، شماره ۱۰۶۳۴).

۳. باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، نشر گفتار، تهران، جلد اول، تابستان ۱۳۷۶، ص ۲۳۰.

(متشکل از سیدمصطفی منصورالسلطنه عدل، محمدعلی ذکاءالملل فروغی، حاج سیدنصرالله تقوی، آقاي سیدمحمد قمی، شیخ محمد عبده بروجردی، سیدعلی قمی و شریعت‌زاده) مأمور تدوین قوانین جدید راجع به عدلیه کرد که حقوق ایشان - در غیبت دیوان تمیز - از بودجه دیوان تمیز پرداخت می‌شد.^۱

۴. «پس از سقوط سیدضیاء این کمیسیون به کار خود ادامه داد و سرانجام به تدوین قوانین متعددی توفیق یافت. در اینجا (بدون رعایت ترتیب تقدم و تأخر سنی) بعضی از مهم‌ترین این قوانین مدون را برمی‌شماریم»^۲:

«قانون مدنی: جلد اول قانون مدنی (مشمول بر ۹۵۵ ماده) مربوط به مالکیت، اسباب تملک و حقوق قراردادهای مبتنی بر فقه امامیه و با استفاده از کتاب‌هایی همچون شرح لعه، شرایع، مکاسب. متن نهایی و منقح جلد اول قانون مدنی، هفت سال بعد برای تدارک الغاء کاپیتولاسیون - در اردیبهشت ۱۳۰۷ به صورت ماده واحده‌ای تصویب شد. جلد دوم و سوم قانون مدنی مربوط به تابعیت، احوال شخصیه، اقامتگاه و ادله اثبات دعوی با مراجعه به قوانین مدنی فرانسه، بلژیک و سوئیس تنظیم و در سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۴ از سوی مجلس تصویب شد»^۳.

۵. «مهم‌ترین اصلاحات و تحولات دادرسی عصر داور را می‌توان در زمینه‌های زیر خلاصه کرد:
تصویب قوانین مختلف، از جمله قانون مدنی، قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مجازات عمومی و

۱. همان مأخذ، صفحه ۲۰۸ و ۲۲۶ (به نقل از پروفیسور سیدحسن امین، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۵۱۱ و ۵۱۲)
۲. پروفیسور سیدحسن امین، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۵۱۲.
۳. ایران‌شهر (زیر نظر علی‌اصغر حکمت و ...) تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۳، جلد ۱، ص ۹۹۴ (به نقل از پروفیسور سیدحسن امین، تاریخ حقوق ایران، ص ۵۱۲).

دیگر قوانین مهم که همکاری سیدحسن مدرس در مجلس در تصویب آنها تأثیر فوق‌العاده‌ای داشت. قانون مدنی که توسط مجلس ایران (در دو مرحله قسمتی در زمان وزارت داور و بقیه در زمان وزارت حسن صدر به تصویب رسید)، در حقیقت تدوین فقه امامیه موجود به صورت قانون کشوری بود. اما، ده ماده اول (مقدمه) آن قانون، ترجمه‌ای از قانون مدنی فرانسه و به خصوص ماده ۱۰ اصل «آزادی قراردادهای» را براساس حقوق فرانسه در خود جای داده بود. اعضای کمیسیون تدوین قوانین عبارت بودند از مشیرالدوله، علی‌اکبر داور، سیدنصرالله تقوی، حسن صدر، سیدمحمد فاطمی، منصورالسلطنه عدل، شیخ علی‌بابا فیروزکوهی، سیدکاظم عصار، شیخ محمدعلی کاشانی.^۱

در مورد تاریخ تشکیل کمیسیون تدوین قانون مدنی و اعضای آن نکات دیگری نیز وجود دارد که ذیلاً می‌آید:

«در روز سه‌شنبه دهم دی ماه ۱۳۰۶ کمیسیون تدوین قانون مدنی در وزارت دادگستری تشکیل و جلد اول آن که مشتمل بر ۹۵۵ ماده است به موجب ماده واحده در جلسه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

کمیسیون که تحت ریاست مرحوم علی‌اکبر داور تشکیل می‌شد مرکب بود از آقایان حاج سیدنصرالله تقوی و حسن صدر و مصطفی عدل و کاظم عصار و مرحومین شیخ محمدعلی کاشانی و میرزا محمدرضا ایروانی و شیخ علی‌بابا و حاج میرزا سیدمحمد فاطمی. طرح قانون مدنی که مورد شور کمیسیون واقع شده از مرحوم میرزا سیدمحمد فاطمی است.^۲

علت تصویب جلد اول قانون مدنی به صورت ماده واحده این بود که دولت می‌خواست هر چه زودتر

۱. پروفیسور سیدحسن امین، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص. ۵۴۱ و ۵۴۲.
 ۲. دکتر سیدعلی شایگان، حقوق مدنی ایران، چاپخانه مجلس، جلد اول، چاپ سوم، آبان ماه ۱۳۲۴، ص ۳۶.

مقدمات الغای کاپیتولاسیون یعنی امتیازات قضائی اتباع خارجه را فراهم سازد چنانکه در خود ماده واحده مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ نیز صریحاً این امر ذکر شده است.^۱

جلد دوم و سوم قانون مدنی چنانکه ذیلأ ملاحظه می‌شود به طریق عادی به تصویب رسیده است. کمیسیون تهیه جلد دوم و سوم قانون مدنی در آبان ماه ۱۳۱۳ در وزارت عدلیه تشکیل و ۳۸۰ ماده آن در دو جلد به تدریج از ششم بهمن ۱۳۱۳ تا هشتم آبان ماه ۱۳۱۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^۲

این کمیسیون مرکب بود از آقایان محسن صدر و دکتر متین دفتری و حاج سیدنصرالله تقوی و مصطفی عدل و جواد عامری و محمد بروجردي و اسدالله محقانی و مرحوم فاطمی و مرحوم سیدمحمد رضا افجه‌ای.^۳ ده ماده اول که مقدمه قانون مدنی را تشکیل می‌دهد از مهم‌ترین مواد آن قانون محسوب می‌شود زیرا مواد مزبور فقط راجع به حقوق مدنی نبوده بلکه ناظر به تمام اقسام حقوق است. این مقدمه از قانون مدنی فرانسه اخذ شده است.^۴

بند دوم. تهیه‌کننده قانون مدنی

چنانچه فوقاً ذکر شد «طرح قانون مدنی که مورد شور کمیسیون واقع شده از مرحوم میرزا سیدمحمد فاطمی است».^۵

در کتاب ترمینولوژی حقوق و نیز مبسوط در ترمینولوژی حقوق نکاتی در مورد تهیه‌کننده قانون مدنی وجود دارد که عیناً می‌آید:

در کتاب ترمینولوژی حقوق چنین آمده است:

«قسمتی از مواد این قانون به توسط سیدمحمد فاطمی

۱. همان مأخذ، ص. ۳۷.

۲. همان مأخذ.

۳. همان مأخذ.

۴. همان مأخذ، صفحه ۳۹.

۵. همان مأخذ، صفحه ۳۶.

شاگرد میرزا محمدحسین آشتیانی تهیه شده است و در دفتر خاطراتش نوشته است: «... به ترتیب قانون مدنی فرانسه و قوانین مدنی مصر و عثمانی مواد قانون مدنی را تهیه کردم». قسمتی که او تهیه کرده قدر متیقن قسمت اموال و نکاح و طلاق است که در خاطرات روزانه به خط خود تصریح کرده است.^۱

در کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق نیز پیرامون شخصیت تهیه‌کننده قانون مدنی نکاتی به چشم می‌خورد که ذیلاً می‌آید:

«سیدمحمد فاطمی قمی مدون قانون مدنی کنونی ایران از تلامذه حاج میرزا محمد حسن^۲ آشتیانی و هم‌درس حاج شیخ مرتضی آشتیانی (راقم این سطور او را دیده بودم) و از اعظم مجتهدین بود که انشاء عبارات قانون مدنی از خود او است. وی به هنگام عبور چون با جمعی بود مقدم بر همه حرکت می‌کرد و دیگران احترام او را می‌داشتند. مرجع فتوی در دیوان عالی کشور بود. در دفتر خاطراتش نوشته است: «... به ترتیب قانون مدنی فرانسه و قوانین مدنی مصر و عثمانی مواد قانون مدنی را تهیه کردم». او اتوبیوگرافی خود را در رساله‌ای به خط خود نوشته است که در اختیار یکی از اقارب او بود و به اصرار من فقط بیست و چهار ساعت به من امانت داد و من تمام آن را خواندم. چاپ آن سودمند است. رابط بین او و وزارت عدلیه در ارسال مواد قانون مدنی به وزارتخانه غلامحسین وثیقی رئیس شعبه دیوان کشور و مرحوم منصورالسلطنه عدل بودند. پس از خاتمه عمل، مرحوم فروغی رئیس الوزراء وقت پیشنهاد کرد که عصای مرصعی به عنوان جایزه و قدردانی برای وی ارسال شود و شد. این مختصر را برای پاس

۱. دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۴، شماره ۴۱۲۹.
 ۲. در کتاب ترمینولوژی حقوق که فوقاً به آن اشاره شد، نام وی را «محمدحسین» آورده است.

زحمات او و خدمتی که به ملت و فرهنگ اسلام و ایران کرده است در این جا آوردم تا گرد غفلت روزگار بر آن ننشیند.^۱

گفتار سوم. مشروح مذاکرات قانون مدنی

در مورد مشروح مذاکرات قانون مدنی نکاتی وجود دارد که ذیلاً می‌آید:

بند اول. کمیسیون‌های تدوین قانون مدنی

چنانچه توضیح داده شد مواد قانون مدنی در کمیسیون‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این کمیسیون‌ها نوعاً در وزارت عدلیه سابق تشکیل گردیده، لذا این نوع مشروح مذاکرات را باید در آن حوزه جستجو کرد، که به هر حال:

اولاً. با تلاش‌هایی که صورت گرفت اطلاعی از آن به دست نیامد.

ثانیاً. معلوم نیست که مذاکرات مورد نظر به ثبت رسیده یا نه.

ثالثاً. چنانچه مشروح مذاکرات مورد نظر به ثبت رسیده باشد، با توجه به تاریخ‌هایی که از تدوین پیش‌نویس تا مرحله نهایی قانون مدنی (۱۲۹۸ تا ۱۳۱۴) ذکر شد به نظر می‌رسد هر قسمت از این مشروح مذاکرات در دست افراد خاصی باشد که از هویت آنها نیز اطلاعی به دست نیامد.

بند دوم. کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی

مواد مربوط به قانون مدنی برای بررسی و تصویب به کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی ارسال گردیده است. در مورد مشروح مذاکرات مواد ۱ تا

۱. دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، جلد چهارم، چاپ دوم، ۱۳۸۱، شماره ۱۰۲۶۳.

۹۵۵ با مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵ باید قائل به تفکیک شد که این مقوله در دو ردیف زیر می‌آید:

الف. مواد ۱ تا ۹۵۵

پس از تقدیم لایحه مربوط به قانون مدنی (مواد ۱ تا ۹۵۵) به کمیسیون قوانین عدلیه، به نظر می‌رسد کمیسیون مذکور این لایحه را در دستور کار خود قرار نداده، لذا گزارشی نیز از کمیسیون مزبور در این مورد وجود ندارد.

در این مورد سه صورت مذاکرات دوره ششم کمیسیون قوانین عدلیه، که لایحه تشکیلات وزارت عدلیه را در دستور کار خود داشته است ارائه شد. در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز اسنادی در مورد مشروح مذاکرات احتمالی مواد مذکور و حتی متن مربوط به لایحه قانون مدنی و نیز متن لایحه اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه، پیدا نشد.

چنانچه قبلاً توضیح داده شد، لایحه مربوط به قانون مدنی در تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ تقدیم ششمین دوره مجلس شورای ملی گردیده و نهایتاً به کمیسیون قوانین عدلیه برای بررسی و تصویب ارسال شده، در حالی که عمر مجلس ششم در تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۰۷ به پایان رسیده و مسلم است که بررسی ۹۵۵ ماده در این مدت کوتاه عملاً امکان‌پذیر نبوده است. ضمن اینکه چنانچه گذشت کمیسیون مذکور در حال بررسی سایر دستور جلسات خود بوده است.

ب. مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵

مواد ۹۵۶ تا ۱۲۰۶ در کمیسیون عدلیه دوره نهم مجلس شورای ملی مورد بررسی قرار گرفته و مواد ۱۲۰۷ تا ۱۳۳۵ در کمیسیون عدلیه دوره دهم مجلس شورای ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و گزارش آنها تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است.

مشروح مذاکرات کمیسیون عدلیه مربوط به مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود بود که مشروح مذاکرات مذکور به طور کامل در این مجموعه آمده است.

بند سوم. مجلس شورای ملی

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در مورد قانون مدنی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. مواد ۱ تا ۹۵۵

چنانچه قبلاً توضیح داده شد، بنا بر این بوده که کمیسیون عدلیه مواد ۱ تا ۹۵۵ را مورد بررسی و تصویب قرار دهد و کمیسیون مذکور موظف نبوده تا گزارشی را از این مواد تقدیم مجلس شورای ملی نماید تا مجلس نیز موظف به بررسی آن گزارش باشد. لذا در این رابطه صرفاً مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در مورد «لایحه اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» که در تاریخ ۱۳۰۸/۲/۱۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و عنوان قانون را به خود اختصاص داده است، وجود دارد.

ب. مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵

مواد ۹۵۶ تا ۱۲۰۶ در دوره نهم مجلس شورای اسلامی تصویب و مواد ۱۲۰۷ تا ۱۳۳۵ در دوره دهم مجلس شورای ملی به تصویب رسیده است. مشروح مذاکرات این دو دوره به طور کامل وجود دارد که در مجموعه حاضر آمده است. مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵ شامل جلدهای دوم و سوم قانون مدنی است. با توجه به نکات فوق قسمت اعظم جلد دوم (مواد ۹۵۶ تا ۱۲۰۶) در دوره نهم مجلس شورای ملی به تصویب رسیده و بقیه جلد دوم شامل (مواد ۱۲۰۷ تا ۱۳۳۵) در دوره دهم مجلس شورای ملی تصویب شده است. مواد ۱۲۰۷ تا ۱۳۳۵ که مربوط به جلد سوم است نیز در دوره دهم به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

گفتار چهارم. تاریخ لازم‌الاجرا شدن و تصویب قانون مدنی و اصلاحات بعدی

در این گفتار ابتدا نکاتی از کتب حقوقی در مورد تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مدنی (مواد ۱ تا ۹۵۵) ارائه می‌شود و در ادامه در این باره توضیحاتی

داده می‌شود.

در یکی از کتب حقوقی آمده است که:
«قانون مدنی ایران تا ۹۵۵ ماده اول آن در ۱۳۰۷/۲/۲۰ به تصویب رسید».^۱

در مقدمه کتاب دیگری آمده است که:
«در تهیه این قانون که به منظور الغاء کاپیتولاسیون در آن، شتاب به کار رفته بود حدود نهمصد و پنجاه ماده در تاریخ ۱۳۰۷/۲/۲۰ با یک قیام قعود وکلاء مجلس به تصویب رسید و به اجراء درآمد».^۲

در حالی که در متن کتاب مذکور، به تاریخ تصویب قانون مدنی اشاره و آن را ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ ذکر نموده است.^۳

در کتاب دیگری آمده است که:
«... قسمت اول قانون مدنی هم که در سنه ۱۳۰۷ به تصویب رسید».^۴ در جای دیگر همان کتاب آمده است که
«... جلد اول قانون مدنی که در سنه ۱۳۰۷ به تصویب رسید».^۵

در کتاب دیگری آمده است که:
«ماده یکم تا ۹۵۵ به ضرورت الغاء کاپیتولاسیون یک جا به سال ۱۳۰۷ تصویب شد و از تاریخ

۱. دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۴، شماره ۴۱۲۹
۲. دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، مجموعه محشی قانون مدنی، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۲، صفحه پنج مقدمه.
۳. همان مأخذ، ص. ۱.
۴. جواد عامری، حقوق بین‌الملل خصوصی، موسسه انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲، ص. ۹۲.
۵. همان مأخذ، صفحه ۱۷۳.

۱۳۰۷/۲/۲۰ ه. ش. به اجراء نهادند»^۱

در بعضی از مجموعه‌های تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی نیز تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ به عنوان تاریخ تصویب ذکر شده است.^۲ و
با توضیحاتی که قبلاً داده شد مشخص شد که مواد ۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی تاریخ تصویب ندارد بلکه تاریخی که به عنوان تاریخ تصویب قانون مدنی عنوان می‌شود تاریخ تصویب «قانون اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ است و چنانچه توضیح داده شد لایحه مربوط به قانون مدنی برای بررسی و تصویب در همان روز به کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی برای بررسی و تصویب ارسال شده است.
بنابراین به‌جاست که در کتب حقوقی و قانونی به جای درج تاریخ تصویب قانون مدنی (در مورد مواد ۱ تا ۹۵۵) به تاریخ اجرای آن که به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸، ۱۳۰۷/۲/۲۰ مشخص شده است، اشاره شود.

بند اول. تاریخ اجرا و تصویب قانون مدنی

قانون مدنی در سه دوره مجلس شورای ملی (دوره‌های ۶، ۹، ۱۰) بررسی و لازم‌الاجرا یا مورد تصویب قرار گرفته است. در این بند به ادوار قانونگذاری و مواد و تاریخ لازم‌الاجرا شدن یا تصویب آنها اشاره می‌شود.

در یکی از کتب حقوقی به مواد قانون مدنی و تاریخ تصویب آنها اشاره کرده، در حالی که تاریخ‌های

۱. محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، جلد چهارم، ۱۳۸۱، شماره ۱۰۶۲۴.

۲. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، غلامرضا شهری، فریدون تحصیل دوست، محمدحاشم صمدی‌اهری، عباسعلی رحیمی‌اصفهانی، حمیدرضا گودرزی، روزنامه رسمی کشور، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴، ص ۴۰۵.

مندرج در بندهای ۵ و ۷ آن دچار اشکال است.^۱ در مورد ایرادی که در بند ۱ آن درباره تاریخ تصویب مواد ۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی وجود دارد، نیز قبلاً توضیح داده شد. علاوه بر این در جلد دیگر همان مجموعه در مورد مواد ۱۱۰۰ و ۱۰۶۹ قانون مدنی آمده است که «هر دو ماده در تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۶ به تصویب رسیده است»^۲ در حالی که این تاریخ با تاریخی‌هایی که قبلاً در مورد مواد قانون مدنی و تاریخ تصویب آنها اشاره کرده بود، مغایرت دارد. در یکی از کتب حقوقی دیگر نیز آمده است که «قانون مدنی ایران در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ شمسی به تصویب رسیده است»^۳.

در بعضی از کتب حقوقی دیگر، تاریخی برای قانون مدنی ذکر نشده است.^۴ به هر حال، ادوار قانونگذاری، مواد، تاریخ اجرا و تاریخ تصویب قانون مدنی به صورت ذیل می‌آید:

الف. دوره ششم مجلس شورای ملی

دوره ششم مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۰۵ خورشیدی مطابق با ۳۰ ذیحجه ۱۳۴۴ هجری قمری و برابر با ۱۰ ژوئیه ۱۹۲۶ میلادی افتتاح و در تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۷ خورشیدی مطابق با ۲۶ صفر ۱۳۴۷ هجری قمری و برابر با ۱۳ اوت ۱۹۲۸

۱. محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، جلد چهارم، ۱۳۸۱، شماره ۱۰۶۳۴.
 ۲. همان مأخذ، جلد دوم، شماره ۵۲۴۹.
 ۳. دکتر ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، جلد دوم، ۱۳۸۱، ص ۶۱۵.
 ۴. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، نشر دادگستر، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷.

میلادی خانه یافته است.^۱
مواد ۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی به موجب ماده
واحد مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷^۲ اجازه اجرای آن
داده شده و از تاریخ ۱۳۰۷/۲/۲۰ لازم الاجرا گردیده
است.

ب. دوره نهم مجلس شورای ملی

دوره نهم مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۱۱
خورشیدی مطابق با ۱۸ ذیقعدة ۱۳۵۱ هجری قمری و
برابر با ۱۵ مارس ۱۹۳۳ میلادی افتتاح و در تاریخ
۲۴ فروردین ماه ۱۳۱۴ خورشیدی مطابق با ۱۰ محرم
۱۳۵۴ هجری قمری و برابر با ۱۳ آوریل ۱۹۳۵ میلادی
خانه یافته است.^۳

مواد ۹۵۶ الی ۱۲۰۶ قانون مدنی به شرح زیر در
دوره نهم به تصویب رسیده است:

۱. مواد ۹۵۶ الی ۹۷۵ در تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۶^۴
۲. مواد ۹۷۶ الی ۱۰۳۰ در تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۲۷^۵
۳. مواد ۱۰۳۱ الی ۱۰۶۱ در تاریخ ۱۳۱۳/۱۲/۲۱^۶
۴. مواد ۱۰۶۲ الی ۱۱۱۹ در تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱۷^۷
۵. مواد ۱۱۲۰ الی ۱۱۵۷ در تاریخ ۱۳۱۴/۱/۲۰^۸

۱. عطاءالله فرهنگهرمانی، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از
آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا
در هفت دوره تقنینیه، چاپخانه مجلس شورای ملی، خرداد ماه
۱۳۵۶، ص ۶۸.

۲. مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره ششم تقنینیه،
اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی، چاپ سوم، تیر ماه
۱۳۲۴، صفحه ۱۱۷ - مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره
نهم تقنینیه، اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی، چاپ
سوم، بهمن ماه ۱۳۲۹، صفحه ۱۰۰.

۳. عطاءالله فرهنگهرمانی، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از
آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا
در هفت دوره تقنینیه، چاپخانه مجلس شورای ملی، خرداد ماه
۱۳۵۶، ص ۱۱۱.

۴. مجموعه قوانین سال ۱۳۱۳، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۵۸.

۵. همان مأخذ، صفحه ۶۸.

۶. همان مأخذ، صفحه ۱۱۰.

۷. مجموعه قوانین سال ۱۳۱۴، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۵.

۶. مواد ۱۱۵۸ الی ۱۲۰۶ در تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱۹ ذکر این نکته ضروری است که مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ در تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده در حالی که مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ که شماره مواد آن مقدم بر مواد قبلی است در تاریخ ۱۳۱۴/۱/۲۰ به تصویب آن مجلس رسیده است.

ج. دوره دهم مجلس شورای ملی

دوره دهم مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ خورشیدی مطابق با ۴ ربیع الاول ۱۳۵۴ هجری قمری و برابر با ۶ ژوئن ۱۹۳۵ میلادی افتتاح و در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱۶ خورشیدی مطابق با ۳ ربیع الثانی ۱۳۵۶ هجری قمری و برابر با ۱۲ ژوئن ۱۹۳۷ میلادی خاتمه یافته است.^۳ مواد ۱۲۰۷ الی ۱۳۳۵ قانون مدنی به شرح زیر در این دوره به تصویب رسیده است:

۱. مواد ۱۲۰۷ الی ۱۲۵۶ در تاریخ ۱۳۱۴/۷/۱^۴
۲. مواد ۱۲۵۷ الی ۱۲۸۳ در تاریخ ۱۳۱۴/۷/۱۳^۵
۳. مواد ۱۲۸۴ الی ۱۳۳۵ در تاریخ ۱۳۱۴/۸/۸^۶

بند دوم. تاریخ تصویب تغییرات قانون مدنی

این بند به تغییراتی که در قانون مدنی صورت گرفته، می‌پردازد. بعضی از مواد قانون مدنی در ادوار مختلف، نسخ، اصلاح یا مواد یا تبصره‌ای به آن الحاق گردیده است. در این بند به اصلاحات قانون مدنی در قبل و بعد

۱. همان مأخذ، صفحه ۱۰.

۲. همان مأخذ، صفحه ۱۴.

۳. عطاءالله فرهنگهرمانی، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه، چاپخانه مجلس شورای ملی، خرداد ماه ۱۳۵۶، ص ۱۲۵.

۴. مجموعه قوانین سال ۱۳۱۴، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۳۹.

۵. همان مأخذ، صفحه ۴۷.

۶. همان مأخذ، صفحه ۷۲.

از پیروزی انقلاب اشاره می‌شود.

الف. تغییرات قانون مدنی قبل از پیروزی انقلاب

از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مدنی (۱۳۰۷/۲/۲۰) تا پیروزی انقلاب (۱۳۵۷/۱۱/۲۲) که در واقع بیش از پنجاه سال از عمر قانون مدنی گذشته بود، صرفاً سه بار و آن هم چهار ماده از قانون مدنی اصلاح یا تبصره‌ای به آن مواد الحاق و یک تبصره از همان مواد اصلاح گردیده است.

اصلاحات مذکور به شرح زیر است:

۱. در تاریخ ۱۳۳۷/۱۱/۱۱ تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی اصلاح و یک تبصره به ماده ۹۸۹ آن الحاق گردید.^۱

۲. در تاریخ ۱۳۴۸/۸/۲۹ ماده ۲ قانون مدنی اصلاح گردید.^۲

۳. در تاریخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ ماده ۹۷۷ قانون مدنی اصلاح شد. همچنین تبصره ماده ۹۸۸ اصلاح و به تبصره «الف» تبدیل و تبصره‌ای تحت عنوان تبصره «ب» به این ماده الحاق گردید.^۳

ب. تغییرات قانون مدنی بعد از پیروزی انقلاب

بحث در مورد مواد قانون مدنی و تغییرات آن، پس از پیروزی انقلاب در دو قسمت به شرح زیر بررسی می‌شود:

یک. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران دو مصوبه در مورد قانون مدنی دارد که این دو مصوبه در مورد ابقاء ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و ابقاء مقررات راجع به ولایت و قیمومت در مورد اطفال صغار است. مصوبات مذکور به شرح زیر است:

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۶۵۴.

۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۸، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۴۶۵.

۳. همان مأخذ، صفحه ۶۴۳.

یکم. لایحه قانونی الغاء مقررات مخالف با ماده

۱۰۴۱ قانون مدنی

مصوب ۱۳۵۸/۲/۸

«ماده واحده: ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به قوت خود

باقی است و مقررات مخالف با آن، ملغی می‌گردد»^۱

دوم. لایحه قانونی الغاء مقررات مخالف با قانون

مدنی راجع به ولایت و قیمومت

مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۱

«ماده واحده: قواعد و مقررات قانون مدنی راجع

به ولایت و قیمومت در مورد اطفال صغار به قوت و

اعتبار خود باقی است و مقررات مخالف با آن ملغی

می‌گردد»^۲

لازم به ذکر است که مشروح مذاکرات شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تا کنون منتشر نشده است.

دو. مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، ده‌ها ماده از قانون مدنی را اصلاح، نسخ یا مواد یا تبصره‌ای به مواد قانون مدنی الحاق کرده است. مواد منسوخ، اصلاحی یا الحاقی، با تاریخ‌های مربوطه ذیل می‌آید:

۱. در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ به موجب اصل ۸۵ قانون

۱. روزنامه رسمی شماره ۹۹۶۰ مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۷ - مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، روزنامه رسمی کشور، ص ۱۲.

۲. روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۹۴ مورخ ۱۳۵۸/۷/۲۶ - مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، روزنامه رسمی کشور، ص ۲۰۶.

تذکر: در روزنامه رسمی و مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸ تاریخ تصویب دو مصوبه شورای انقلاب وجود نداشت و صرفاً تاریخ ابلاغ آنها موجود بود. دو تاریخ تصویب مذکور از کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات، ۱۳۵۹، صفحات ۵۶ و ۲۳۸) استخراج گردیده است.

اساسي جمهوري اسلامي ايران^۱ کميسيون امور قضائي و حقوقي مجلس شوراي اسلامي موادي از قانون مدني را اصلاح، حذف، يا موادي به اين قانون الحاق کرد. اين قانون براي مدت ۵ سال به طور آزمایشي قابل اجرا بود که ذيلاً به تفکيک به مواد اصلاحي، حذف شده و الحاقی اشاره می‌شود:

الف. مواد اصلاحي عبارتند از:

مواد ۱، ۲۶، ۸۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۳۴۷، ۴۱۷، ۶۵۵، ۷۴۷، ۸۸۱، ۹۸۰، ۹۸۲، ۹۸۷، ۹۹۱، ۱۰۴۱، ۱۰۴۳، ۱۱۲۲، ۱۱۳۰، ۱۲۱۰، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۶، ۱۲۴۳، ۱۲۵۱، ۱۲۵۴، ۱۳۱۳، ۱۳۲۸، ۱۳۳۵.

ب. مواد حذف شده عبارتند از:

مواد ۲۱۸، ۶۵۳، ۷۰۶، ۹۸۱، ۱۰۳۶، ۱۰۳۹، ۱۰۴۲، ۱۲۰۹، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱.

۱. اصل ۸۵ قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران مصوب سال ۱۳۵۸ به این شرح است:

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروري می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود.

توجه: در بازنگری قانون اساسي در سال ۱۳۶۸ متن زیر به

اصل ۸۵ الحاق گردیده است:

همچنین مجلس شوراي اسلامي می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذریبط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسي مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شوراي نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شوراي اسلامي برسد.

ج. مواد الحاقی عبارتند از:
 مواد ۸۸۱ مکرر، ۱۳۱۳ مکرر، ۱۳۲۸ مکرر.^۱
 در اینجا ذکر این نکته ضروری است که چون این مصوبه به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی و در کمیسیون امور قضائی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به تصویب رسیده است، لذا مشروح مذاکرات منتشر شده‌ای ندارد.
 ۲. در تاریخ ۱۳۶۳/۵/۶ به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی را اصلاح نمود. قانون مذکور به مدت سه سال به صورت آزمایشی قابل اجرا بود.^۲ این مصوبه نیز چون به تصویب کمیسیون امور قضائی و حقوقی رسیده است، لذا مشروح مذاکرات منتشر شده‌ای ندارد.
 ۳. در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۱۴، مجلس شورای اسلامی موادی از قانون مدنی را اصلاح، نسخ یا موادی را به این قانون الحاق کرد.
 لازم به ذکر است که اکثر مواد اصلاحی، منسوخ یا الحاقی در سال ۱۳۷۰ همان مواردی بود که در سال ۱۳۶۱ اصلاح، حذف یا تحت عنوان موادی به قانون مدنی الحاق گردیده بود. چون مصوبه سال ۱۳۶۱ برای مدت ۵ سال به صورت آزمایشی قابل اجرا بود، لذا مصوبه اخیر که جنبه دائمی دارد در مجلس شورای

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۱، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۱۶۳.
 تذکر: در مورد حذف ماده «۱۲۰۹» نکته مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۱۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۱ و مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲ ص ۴۴۵ عیناً می‌آید:
 شماره ۴۱۶ ک ق مورخ ۱۳۶۲/۵/۳۱
 شورای محترم عالی قضائی
 اصلاحیه قانون اصلاح موادی از قانون مدنی
 پرو نامه شماره ۱/۲۶۳۶۱ - ۱۳۶۲/۵/۲۵ به اطلاع می‌رساند که ماده «۱۲۰۹» قانون مدنی در مصوبه کمیسیون امور قضائی حذف گردیده است و درج آن در مجموعه‌های چاپ شده اشتباه است.
 رئیس کمیسیون امور قضائی - سیدمحمد خامنه‌ای
 ۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۴، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۵۲۸.

اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و به تصویب رسیده است. مواد اصلاحی، منسوخ و الحاقی به شرح زیر است:

الف. مواد اصلاحی عبارتند از:

مواد ۱، ۲۶، ۸۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۱۸، ۳۴۷، ۴۱۷، ۶۵۵، ۷۴۷، ۸۸۱، ۹۸۰، ۹۸۲، ۹۸۷، ۹۹۱، ۱۰۴۱، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۱۲۲، ۱۱۳۰، ۱۲۰۵، ۱۲۱۰، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۶، ۱۲۴۳، ۱۲۵۴، ۱۳۱۳، ۱۳۲۸، ۱۳۳۵.

ب. مواد منسوخ عبارتند از:

مواد ۶۵۳، ۷۰۶، ۹۸۱، ۱۰۳۶، ۱۰۳۹، ۱۰۴۲، ۱۲۰۹، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۳ مکرر.

ج. مواد الحاقی عبارتند از:

مواد ۲۱۸ مکرر، ۸۸۱ مکرر، ۱۳۲۸ مکرر.^۱
 ۴. در تاریخ ۱۳۷۲/۷/۲۷ قانون استفساریه ماده «۹۸۲» قانون مدنی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۲

۵. در تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۷ قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده «۲» قانون مدنی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۳

۶. در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۹ قانون الحاق یک تبصره به ماده «۱۰۸۲» قانون مدنی در خصوص مهریه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۴

۷. در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۱ قانون اصلاح ماده «۱۱۷۳» قانون مدنی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۵

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۵۲۳.
 ۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۴۸۶.
 ۳. همان مأخذ، ص ۶۰۷.
 ۴. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۴۴۲.
 ۵. همان مأخذ، ص ۶۸۲.

۸. در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱ قانون اصلاح ماده «۱۱۸۴» قانون مدنی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۱
۹. در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱ قانون اصلاح ماده «۱۰۴۱» قانون مدنی موضوع ماده «۲۴» قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.^۲
۱۰. در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۹ قانون الحاق یک تبصره به ماده «۱۱۳۰» قانون مدنی به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.^۳
۱۱. در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۴
۱۲. در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۸ قانون اصلاح ماده «۱۱۶۹» قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.^۵
۱۳. در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ قانون استفساریه تبصره ذیل ماده «۱۰۸۲» قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۶
۱۴. در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^۷
۱۵. در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ قانون الحاق یک

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹، روزنامه رسمی کشور، صفحه ۵۶۲.
 ۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱، روزنامه رسمی کشور، ص ۴۳۲.
 ۳. همان مأخذ، ص ۷۶۳.
 ۴. همان مأخذ، ص ۱۰۷۹.
 ۵. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۲، روزنامه رسمی کشور، ص ۱۳۸۱.
 ۶. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۴، روزنامه رسمی کشور، ص ۵۷ قوانین.
 ۷. روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۶۲ مورخ ۱۳۸۵/۸/۷.

تبصره به ماده «۳۳۶» قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.^۱ در این قسمت نظریه شورای نگهبان در مورد ماده «۱۳۰۹» قانون مدنی که در روزنامه رسمی شماره ۱۲۷۳۴ مورخ ۱۳۶۷/۸/۲۴ و مجموعه قوانین سال ۱۳۶۷، ص ۶۳۶ درج گردیده، ذیل می‌آید:

شماره ۲۶۵۵ مورخ ۱۳۶۷/۸/۸

شورای عالی محترم قضائی

پیرو سؤالی که در مورد مشروعیت ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی از شورای نگهبان شده بود، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، نظر فقهای شورای نگهبان با استفاده از اصل ۴ قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی از این نظر که شهادت بینة شرعیه را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته خلاف موازین شرع و بدین وسیله ابطال می‌گردد».

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

گفتار پنجم. نکاتی پیرامون لوایح تقدیمی قانون مدنی

در مورد تقدیم لوایح مربوط به قانون مدنی نکات زیر در خور توجه است:

الف. مواد ۱ تا ۹۵۵

پیرامون مواد ۱ تا ۹۵۵ لایحه، نکاتی ارائه شد و در واقع مواد مذکور، همان موادی است که در حال حاضر نیز لازم‌الاجرا است (به استثنای موادی که به موجب تغییرات بعدی، نسخ، اصلاح یا مواد یا تبصره ای به آن الحاق شده است).

در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، لایحه دولت و گزارش احتمالی در مورد مواد فوق پیدا نشد.

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۸۰۴۹ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۴.

ب. مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵ طی لایحه ۲۰ ماده ای تقدیم مجلس شورای ملی شده است. متن لایحه در مشروح مذاکرات وجود ندارد. در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز لایحه دولت و گزارش کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی پیدا نشد.

ج. مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰ طی لایحه ای با شماره مواد ۲۱ تا ۷۶ تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است. مواد مذکور در مشروح مذاکرات دوره نهم مجلس شورای ملی آمده است.

۵۶ ماده لایحه تقدیمی به مجلس شورای ملی در حال حاضر مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰ قانون مدنی را تشکیل می‌دهد که مشتمل بر ۵۵ ماده است. ماده ای که در لایحه دولت وجود داشت، ولی به تصویب نرسید ماده ۳۹ لایحه است که متن آن چنین است:

«ماده ۳۹. هر کس طفلی را پیدا کند که نسب او

معلوم نیست یا جسدی را پیدا کند که هویت او نامعلوم است باید به دائره سجل احوال اطلاع دهد».

در واقع این ماده بعد از ماده ۹۹۳ فعلی قرار داشته است.

نکته دیگری که قابل ذکر است این است که ماده ۹۹۴ فعلی در گزارشی که کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی تقدیم کرده وجود نداشته است. ماده ۹۹۴ فعلی با چند تفاوت شکلی همان ماده ۴۰ لایحه دولت است. ماده ۹۹۴ چنین است:

«ماده ۹۹۴. حکم فوت فرضی غایب که بر طبق

مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر می‌شود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود».

د. مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

متن مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱ لایحه تقدیمی دولت در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی وجود ندارد ولی چون متن مذکور در اسناد دوره نهم تقنینیه در کتابخانه مجلس

شورای اسلامی وجود داشت به طور جداگانه خواهد آمد.

این لایحه تحت عنوان مواد ۷۶ تا ۱۰۷ تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است. لازم به ذکر است که لایحه قبلی نیز دارای ماده ۷۶ بود و این لایحه نیز از ماده ۷۶ شروع شده است.

ذکر این نکته لازم است که لایحه دولت ۳۲ ماده داشته ولی قانون، ۳۱ ماده را به خود اختصاص داده است. این موضوع دو دلیل دارد:

اولاً. ماده ۱۰۴۰ قانون مدنی در لایحه مذکور وجود نداشته است. ماده ۱۰۴۰ به شرح زیر است:

«ماده ۱۰۴۰. هر یک از طرفین می‌تواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد».

ثانیاً. مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ لایحه دولت، به تصویب نرسیده، لذا در قانون مدنی نیز وجود ندارد. ماده ۱۰۳ لایحه بعد از ماده ۱۰۵۸ فعلی قانون مدنی و ماده ۱۰۵ لایحه دولت بعد از ماده ۱۰۵۹ فعلی قانون مدنی پیشنهاد شده بود.

مواد مذکور به شرح زیر است:

«ماده ۱۰۳. داشتن بیش از چهار زن دائمی در

زمان واحد ممنوع است. در مورد این ماده زنی که به طلاق رجعی مطلقه شده باشد مادام که مدت عده او منقضی نشده در حکم زن غیر مطلقه است».

«ماده ۱۰۵. تزویج کتابیه (یهود و نصاری و

زرتشتی) جایز است».

لازم به ذکر است که گزارش مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱ در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود داشت. گزارش مذکور، ۳۱ ماده دارد.

در مورد گزارش کمیسیون قوانین عدلیه دو نکته قابل ذکر است:

الف. ماده ۱۰۴۰ قانون مدنی، در گزارش کمیسیون نیز (مانند لایحه دولت) وجود ندارد.

ب. ماده ۱۰۵ لایحه با حذف پرانتز آن، در گزارش کمیسیون به عنوان ماده ۱۰۵۹ آمده است. این ماده چنین است:

«ماده ۱۰۵۹. تزویج کتابیه جایز است».

این ماده در گزارش کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بعد از ماده ۱۰۵۹ فعلی قانون مدنی آمده بود.

چنانچه گفته شد مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ لایحه دولت و اصلاحیه‌ای که در کمیسیون عدلیه در مورد ماده ۱۰۵ صورت گرفته به قانون مدنی راه نیافت.

ه. مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

متن لایحه تقدیمی دولت مربوط به مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹، در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی وجود ندارد ولی در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی متن این لایحه بدون اینکه در کنار عبارت «ماده» شماره‌ای درج شده باشد، وجود داشت. این لایحه ۵۹ ماده دارد.

گزارش مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹ نیز که مشتمل بر ۵۹ ماده است وجود دارد.

در لایحه دولت (فصل پنجم: وکالت در نکاح) یک ماده‌ای وجود داشت که در قانون مدنی فعلی وجود ندارد. این ماده چنین است:

«ماده. نکاح فضولی با اجازه نافذ است»

این ماده بعد از ماده ۱۰۷۴ فعلی قانون مدنی پیشنهاد شده بود.

در گزارش کمیسیون قوانین عدلیه نیز این ماده تحت عنوان ماده ۱۰۷۵ عیناً آمده است. در گزارش مذکور شماره مواد از ۱۰۶۲ شروع و به ۱۱۲۰ ختم می‌شود. دلیل افزایش مواد این بوده است که ماده ۱۰۷۵ در گزارش کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی (مانند لایحه دولت) وجود داشت ولی در متن فعلی قانون مدنی وجود ندارد.

و. مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

متن لایحه تقدیمی دولت مربوط به مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی وجود ندارد ولی متن مذکور در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود داشت. این لایحه ۳۸ ماده دارد. در لایحه تقدیمی دولت در کنار مواد، شماره‌ای وجود نداشته ولی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۵۸ را به آن اختصاص داده است. در گزارش قبلی تا ماده ۱۱۲۰ گزارش شده بود.

کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بر روی لایحه تقدیمی که به آن کمیسیون ارجاع شده بوده، چنین نوشته است:

«عین همین لایحه به عنوان شور اول راپورت شده است». در واقع این لایحه عیناً در کمیسیون مذکور تصویب و به مجلس شورای ملی گزارش شده است.

ز. مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

متن لایحه تقدیمی دولت مربوط به مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی وجود ندارد، اما لایحه مذکور در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود داشت. این لایحه ۴۸ ماده دارد. در کنار مواد این لایحه نیز شماره‌ای وجود نداشته ولی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۵ را به آن اختصاص داده است.

لازم به ذکر است که در گزارش قبلی کمیسیون مذکور نیز شماره ۱۱۵۸ وجود داشت.

در مورد لایحه تقدیمی فوق دو نکته قابل ذکر است: یک. ماده ۱۱۸۷ فعلی قانون مدنی، در لایحه دولت وجود نداشت و دلیل اینکه لایحه دولت و گزارش کمیسیون قوانین عدلیه یک ماده کمتر از مواد فعلی قانون مدنی است، وجود همین ماده است. ماده مذکور چنین است:

«ماده ۱۱۸۷. هرگاه ولی قهری منحصر به واسطه

غیبت یا حبس به هر علتی که نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد».

دو. بر روی لایحه مذکور توسط کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی چنین نوشته شده است: «در جلسه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ کمیسیون عدلیه با تصمیم به اینکه لایحه مزبور از نظر ضیق وقت یک فوریتی می‌باشد تصویب و عین لایحه دولت با اصلاحات جزئی به مجلس راپورت شده است».

ج. مواد ۱۲۰۷ تا ۱۳۳۵

متن لایحه تقدیمی دولت مربوط به مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶ و همچنین متن لایحه دولت مربوط به مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵ در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی وجود ندارد ولی لوایح مذکور در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود داشت. متون مذکور در (بخش اول - فصل دوم) که مربوط به لوایح تقدیمی دولت می‌باشد، آمده است.

لازم به ذکر است که نسخه‌های اصلی لوایح مربوط به قانون مدنی در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود نداشت. صرفاً نسخه‌های چاپ شده توسط چاپخانه مجلس شورای ملی، وجود داشت که در نسخه‌های مذکور نیز اغلاط زیاد چاپی به چشم می‌خورد.

در خاتمه این قسمت ذکر این مطلب ضروری است که هر مصوبه مجلس دارای یک پرونده پارلمانی است که در آن پرونده، اسناد و مدارک مربوط به امور قانونگذاری وجود دارد. با جستجوهای فراوانی که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، رد پای از پرونده‌های قانون مدنی در سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ پیدا نشد، اما قسمت‌های زیادی از اسناد و مدارک پرونده‌های مذکور که در این مجموعه آمده است، در بخش‌های دیگری از مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی پیدا شد.

گفتار ششم. نکاتی پیرامون کتاب حاضر

تدوین و تحقیق در مورد مجموعه حاضر چهار سال به

طول انجامیده است. ابتدا برای پیدا کردن اسناد مربوط به قانون مدنی به کتابخانه مجلس شورای اسلامی مراجعه و پس از مدت‌ها جستجو که با همکاری مدیر و کارکنان مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، مقداری از لوایح مربوط به قانون مدنی و صورت مذاکرات کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی سابق که به صورت دستنویس و با دستخط قدیمی نوشته شده بود و نیز گزارشات کمیسیون مذکور، پیدا شد.

بازخوانی و بازنویسی صورت مذاکرات کمیسیون عدلیه، نیز چند ماه به طول انجامید. برای ادای امانت در ارائه متن صحیح، متن صورت مذاکرات موجود در CD بزرگنمایی و چندین بار بازنگری شد. در پاره‌ای از موارد، برای تشخیص صحیح یک کلمه، ساعت‌ها بر روی آن کلمه توقف نموده، تا نوشته مورد نظر مشخص گردد.

متون مربوط به مذاکرات کمیسیون عدلیه، مذاکرات مجلس شورای ملی سابق، مجلس سناي سابق، مذاکرات مجلس شورای اسلامی و به‌طور کلی کلیه اسناد موجود در این مجموعه بدون دخل و تصرف آمده است. لازم به یادآوری است که صرفاً در پاره‌ای از موارد و آن هم در مورد مذاکرات کمیسیون عدلیه، چنانچه جمله‌ای بدون فعل بوده، فعل مورد نظر اضافه شده است.

اسناد و مدارك مذکور، حاوی اغلاط زیادی بود که عبارت صحیح آن در متن اعمال و در بیشتر موارد در زیرنویس مربوطه، به اشکالات موجود در متن، اشاره شده است.

در مواردی نیز در کلماتی که به صورت عامیانه آمده بود، تغییراتی صورت گرفت. به عنوان مثال عبارت «درش» به «در آن» و عبارت «کیها» به «چه کسانی» و عبارت «ماها» به «ما» و عبارت «ول کرده» به «رها کرده» و عبارت «ثانیش» به عبارت «ثانیاً» و همچنین در مواردی حرف «ة» به «ای» تبدیل شد.

در مواردی نیز کلماتی به دو صورت در مشروح مذاکرات ثبت شده بود که اینگونه کلمات نیز با

همان دو صورت و بدون دخل و تصرف ارائه شد. به عنوان مثال «راپورت» و «راپرت» یا «قونسول» و «قنسل».

ذکر این نکته نیز ضروری است که برای استفاده هر چه بهتر از این مجموعه شماره مواد فعلی قانون مدنی در سر فصل‌ها قرار گرفته و شماره موادی که در متون مربوطه به کار رفته مربوط به لوایح یا گزارش‌های کمیسیون‌ها یا مذاکرات صحن علنی قوه مقننه بوده است.

در تدوین این مجموعه ابتدا تصمیم بر این بود که هر ماده‌ای از قانون مدنی در میجئی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. بدین معنی که از تقدیم لایحه یا طرح، گزارش‌های مربوط به آن مواد، مشروح مذاکرات قوه مقننه و بالاخره تا آخرین مرحله قانونی یک ماده در یک مبحث مورد بررسی قرار گیرد، ولی با مطالعاتی که انجام شد، مشخص شد که در موارد زیادی، جدا کردن یک قسمت از مشروح مذاکرات از کل آن، به فهم مطالب ضرر می‌رساند و در بعضی از موارد سلسله مباحث را دچار اشکال می‌کند. از طرفی نیز چون در مباحث مربوط به مواد بعدی، نکاتی پیرامون مواد قبلی وجود داشت، همچنین وجود اشکالات دیگری از این قبیل، از این تصمیم منصرف گردیده و به هر حال مجموعه حاضر به شکل فعلی ارائه شد.

در مواردی بسیار اندک، چه در صورت مذاکرات کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی سابق و چه در صورت مذاکرات مجلس شورای ملی و سنای سابق که در صحن آن مجالس پیرامون قانون مدنی صورت گرفته است، در مورد ملیت ایرانی و بعضاً اقوام یا قشری از اقشار جامعه ایرانی نکاتی به کار رفته که در واقع در موارد مذکور، رعایت ادب، فراموش شده است.

چون در مباحث مربوط به مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی در قبل از انقلاب، مشروح مذاکرات و اسناد و مدارکی از مجلس سنا نیز آمده است، لذا ذکر این نکته ضروری است که مجلس سنا در تاریخ ۱۳۲۸/۱۱/۲۰ گشایش یافته و اولین جلسه اولین دوره

آن روز شنبه ۱۳۲۸/۱۱/۲۲ برگزار شده است. بنابراین در سه اصلاحیه قانون مدنی که مربوط به قبل از انقلاب است، هم صورت مشروح مذاکرات و اسناد مربوط به مجلس شورای ملی سابق و نیز صورت مشروح مذاکرات و اسناد مربوط به مجلس سناي سابق، وجود دارد. ضمناً عدم وجود مشروح مذاکرات مجلس سناي سابق، در مورد مواد قانون مدنی که در سالهای قبل از ۱۳۲۸ مورد بررسی قرار گرفته، به دلیل عدم تشکیل این مجلس بوده است.

در خانه بر خود لازم می‌دادم که از همکاران کتابخانه مجلس شورای اسلامی به ویژه مرکز اسناد تقدیر نمايم، همچنین از خانه‌ها راضیه یوسف‌نیا، ساعده عتیق، مهوش رادبشري و نرگس عبدالهی‌طاهري که در زمینه اسناد مربوط به صورت مذاکرات کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی سابق و بازخوانی و بازنویسی صورت مذاکرات مذکور، اینجانب را یاری نمودند، سپاسگزارى نمايم.

از معاون محترم پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر بهزاد پورسید و از کلیه همکاران در دفتر مطالعات حقوقی و دفتر نشریه آن مرکز، که در چاپ این مجموعه نقش مؤثری داشتند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

احمد رضا نائینی

فروردین ماه ۱۳۸۶

بخش اول

کلیات

فصل اول

جدول و مشروح مذاکرات تقدیم

لوايح مربوط به قانون مدنی

مبحث اول. جدول تقدیم لوايح مربوط به قانون مدنی

لوايح مربوط به قانون مدني طی ۹ لایحه در سه دوره قانونگذاری تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است که ذیل تاریخ تقدیم مواد قانون مدني با ذکر دوره قانونگذاری، شماره و تاریخ جلسه آن ارائه می‌گردد:

ردیف	شماره مواد	دوره تقنینیه	شماره جلسه	تاریخ
۱	۱ تا ۹۵۵	دوره ششم	۲۴۰	۱۳۰۷/۲/۱۸
۲	۹۵۶ تا ۹۷۵	دوره نهم	۱۰۷	۱۳۱۳/۸/۲۴
۳	۹۷۶ تا ۱۰۳۰	دوره نهم	۱۱۸	۱۳۱۳/۱۰/۲۰
۴	۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	دوره نهم	۱۲۲	۱۳۱۳/۱۱/۱۳
۵	۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹	دوره نهم	۱۲۴	۱۳۱۳/۱۱/۲۷
۶	۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	دوره نهم	۱۲۶	۱۳۱۳/۱۲/۱۱
۷	۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	دوره نهم	۱۳۳	۱۳۱۴/۱/۱۶
۸	۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶	دوره دهم	۱۲	۱۳۱۴/۴/۲۹
۹	۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵	دوره دهم	۱۷	۱۳۱۴/۶/۸

مبحث دوم. مشروح مذاکرات تقدیم لوايح مربوط به قانون مدنی

در این مبحث مشروح مذاکرات تقدیم لوايح مربوط به قانون مدني به تفکیک مواد مربوطه ذیل می‌آید. لازم به ذکر است که در پاره‌ای از موارد پیرامون مواد لوايح تقدیمی مذاکراتی به عمل آمده و در

بعضی از موارد صرفاً لایحه مورد نظر تقدیم مجلس گردیده است.

گفتار اول. مشروح مذاکرات تقدیم لایحه مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

چنانچه در جدول میحث اول نیز مشخص شده است، مواد مذکور در جلسه ۱۰۷ مورخ ۱۳۱۳/۸/۲۴ به شرح زیر تقدیم نهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۴. تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]

وزیر عدلیه. ... بنده یک قدری لوایح زیاد دارم خدمت آقایان عرض می‌کنم امروز دو لایحه دارم یک قسمت راجع است به جلد دوم قانون مدنی که یکی از قوانین مهمه ما است و چند سال هم هست که همینطور مانده است راجع است به احوالات شخصیه. به نظر بنده آمد قسمت‌هایی که در کمیسیون عدلیه تهیه می‌شود قسمت قسمت بنده تقدیم کنم یعنی همانطوری که در آنجا رسیدگی می‌شود قسمت قسمت و راپورت داده می‌شود در اینجا تحت نظر آقایان واقع شود و به تصویب برسد.

گفتار دوم. مشروح مذاکرات تقدیم لایحه مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

مواد مذکور در جلسه ۱۱۸ مورخ ۱۳۱۳/۱۰/۲۰ به شرح زیر تقدیم نهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۶. تقدیم قسمتی از قانون مدنی از طرف آقای وزیر عدلیه و مباحثه در فوریت آن]

وزیر عدلیه. قسمت دیگر از قانون مدنی یعنی بقیه از جلد دوم قانون مدنی را تقدیم می‌کنم و تقاضا می‌شود که با قید یک فوریت از طرف مجلس تصویب شود.

لایحه دولت:

(تذکر: مواد ۲۱ تا ۷۶ که در حال حاضر مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰ قانون مدنی را تشکیل می‌دهند، در جلسه فوق تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است. چون مواد مذکور در فصل دوم که مربوط به لوایح تقدیمی است آمده است، لذا از آوردن آن در این قسمت خودداری شد.)

رئیس. فوریت مطرح است. آقای جمشیدی
جمشیدی. عرض کنم بنده به هیچ وجه مخالفی ندارم که این لایحه اساساً به مجلس نیاید. ورود در کمیسیون و از تصویب کمیسیون بگذرد و این بهتر از این است که این لایحه به فوریت بگذرد چرا برای اینکه ما کم کم داریم از نظامنامه مجلس به عقیده خودم سوءاستفاده می‌کنیم در نظامنامه مجلس اشاره شده است به اینکه در بعضی از موارد اگر یک لوایحی باشد که فوریت داشته باشد بیاورند به دو فوریت هم بگذارند زیرا ممکن است حقی تفویض شود یا یک کار مهمی بگذرد چون آن تشریفات که یک شور و دو شور دارد قدری اسباب تأخیر کار است ولی یک چنین لایحه مهمی در حالی که جنبه فوریت هم ندارد به عقیده بنده اگر حضرت آقای وزیر عدلیه مقتضی می‌دانند که این در مجلس مطرح نشود اهمیتی ندارد در همان کمیسیون بگذارند ولی به دو شوری بگذارند. در بعضی از ممالک دنیا که لوایح سه شوری است برای چه سه شوری است برای اینکه در اطراف لوایح بیشتر بحث شود بیشتر دقت شود نه اینکه یک چنین لایحه مهمی را ما امروز بیاوریم و به یک فوریت بگذاریم اگر دو شوری باشد این به کجا ضرر می‌زند بنده الان هر چه گوش دادم قانون تابعیتش خصوصاً عیناً همان است که در دوره هفتم از تصویب مجلس گذشته الان هم عمل می‌شود و هكذا اغلب قوانینش. بنابراین بنده اساساً عقیده‌ام این است که آقای وزیر عدلیه این را ببرند در کمیسیون و در همان جا بگذارند ولی در اینجا اجازه بدهند دو شوری بشود بهتر از این است که این جور ما با عجله بدون دقت و مطالعه با یک فوریت این را بگذاریم.

وزیر عدلیه. تقاضای فوریت که بنده خواستم نه برای این بود که خود لایحه قهراً مقتضی فوریت باشد چون چیزی نیست البته این قوانین باید به مرور و با تأنی هم بگذرد بنده هم موافقم ولی چون قوانینی که تهیه شده است زیاد است یک قسمت قوانین مدنی است که بنده همینطور قسمت به قسمت تقدیم می‌کنم و زیاد است یک قسمت هم قوانین اصول محاکمات حقوقی

که بعد تقدیم می‌کنم آنها هم هست نظر بر این بود که یک قدری قوانین از آن جنبه آزمایش بیرون بیاید و یک قدری حقیقتاً ثابت باشد و احساس کردم که نظر اکثریت مجلس محترم و آقایان این است من هم این را تعقیب کردم خودم هم سلیقه‌ام اینطور است اما شور که فرمودید البته در کمیسیون شور می‌شود در مجلس هم که باز شور می‌شود پس در حقیقت دو شور شده است نهایت این است که وقتی دو شور شد به اعتماد اینکه یک شور هم بعد خواهد شد شاید کمتر توجه کنند ولی وقتی دانستند یک شور خواهد شد تمام دقت را آنجا می‌کنند. این نظر بنده بود اما قسمت قانون تابعیت زمینه قانون همان است با اصلاحاتی که ضرور بود در آن قانون و اصلاح شده نهایت چون نظر ما بر این است که هر قانونی را به تناسب جایی خودش بگذاریم و از تکه‌تکه بودن قوانین احتراز کنیم این قانون تابعیت می‌بایستی در قانون مدنی باشد همه جا همینطور است از این جهت یک اصلاحاتی لازم داشت که اصلاح کردیم و آن اصلاحات ضمیمه شده است همچنین یک قسمت قانون سجل احوال. این قوانین دو جور است یک قوانین ماهوی^۱ است که ما اصطلاح درست نداریم برای آن ولی عقیده خودم این است که ماهوی^۲ یا ثبوتی بگوئیم یعنی ایجاد حق می‌کند یک قوانینی داریم که تقریباً قوانین شکلی^۳ است مثل اصول محاکمات آنها طرز اجرا است همین قانون تابعیت که یک نظامنامه خواهد داشت در بعضی قسمت‌هایش یا قانون سجل احوال در یک قسمت مربوط است به اجرای قانون سجل احوال یک قسمتش جزو قانون مدنی است آن قسمت که جزو قانون مدنی است اینجا ذکر شده است آن قسمت که راجع به طرز عمل است متعلق است به اداره احصائیه و سجل احوال.

رئیس. آقای احتشام‌زاده

۱. در متن اصلی عبارت «مادی» آمده بود.
۲. در متن اصلی عبارت «مادی» آمده بود.
۳. در متن اصلی عبارت «مشکل» آمده بود.

احتشام زاده . دلیلی که آقای وزیر عدلیه برای

لزوم فوریت این لایحه فرمودند این بود که چون قوانین زیادی تهیه شده و باید تصویب شود به عقیده بنده کمتر وقت مجلس صرف شود از این جهت مقتضی بود که این لایحه با یک فوریت تصویب شود به عقیده بنده این دلیل تنها کافی نخواهد بود که یک قانون به این مهمی به یک فوریت تصویب شود. اگر واقعاً کار زیاد است مجلس همیشه حاضر است. هر وقت کار زیادی باشد جلسات متوالی و متعدد تشکیل دهد. هیچ وقت مجلس خودش را منحصر نکرده به اوقات معینی. تابع کار است و مجلس حاضر است اگر کار باشد صبح و عصر هم جلسه کرده و کار کند. نسبت به قوانین عادی بایستی یک دلایل مقتضی برای فوریت آورد. مخصوصاً نسبت به یک قانون مهمی مثل قانون مدنی که در زندگانی مردم تأثیر دارد و جای این را دارد که اگر قوانین و نظامات اجازه دهد سه مرتبه شور شود. پس به عقیده بنده مقتضی است که آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند و از فوریت این لایحه صرفنظر کنند. اینکه فرمودند اگر دو شوری شود در شور اول از اظهار نظر و توجه خودداری کرده و همه را برای شور دوم میگذارند گمان نمیکنم این قضیه هم کلیت داشته باشد چه بسا اتفاق میافتد در یک مسائلی در شور اول مورد نظر نیست و بعد در اثر یک مطالعاتی که در خارج میکنند با اشخاص، خودشان را حاضر میکنند که در شور دوم اظهار نظر قطعی کنند. به عقیده بنده چون این قانون اهمیت دارد همان طوری که نماینده محترم آقای جمشیدی فرمودند اگر دو شوری باشد بهتر است اگر میخواهند کمتر وقت تلف شود در کمیسیون مطرح شود ولی بنده خودم ترجیح میدهم که چون این قانون، قانون مهمی است در خود مجلس و با دو شور تصویب شود.

وزیر عدلیه . عرض کردم علاقه مندی به یک فوریت برای رعایت وقت مجلس بوده است حالا هم به نظر اکثریت مجلس واگذار میکنیم.

رئیس . آقای افسر

افسر . البته قانون مدنی یک قانونی است که حتی الامکان موجباتی داشته که باید در خود مجلس

مطرح شود و اشکال ندارد. اما اگر اتفاقات و جهاتی به نظرمان برسد که یک شوری را ایجاد کند نظر ندارد که در یک قسمت‌هایی یک شوری باشد. مثلاً این چند کتاب بود. ممکن است قسمت تابعیت و سجل احوالش را که بیشتر مأنوسیم و کمتر تغییر کرده آن قسمت را تقاضای یک فوریت کنند بقیه‌اش را از قبیل مفقود^۱ و قسمت‌های دیگر که سابقه نداشته‌ایم مگر به همان قوانین شرعی این قسمت را بگذاریم به دو شور. خوب است تجزیه بفرمائید و به عقیده بنده اینطور بهتر است.

وزیر عدلیه. بنده هم موافقت می‌کنم فوریت برداشته شود. میل آقایان است.

رئیس. بنابراین قانون به کمیسیون می‌رود.

گفتار سوم. تقدیم لوایح مواد ۱۰۳۱ تا ۱۳۳۵

مواد مذکور در شش مرحله به شرح زیر تقدیم مجلس شورای ملی گردیده ولی پیرامون آنها مذاکراتی به عمل نیامده یا بعضاً به طور بسیار مختصر پیرامون آنها مذاکره شده است.

بند اول. تقدیم لایحه مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

مواد مذکور در جلسه ۱۲۲ مورخ ۱۳/۱۱/۱۳۱۳ به شرح زیر تقدیم نهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۳. تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]

رئیس. آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید؟

وزیر عدلیه. لایحه قسمتی از قوانین مدنی است راجع به احوال شخصیه که آن را جلد دوم قانون مدنی اسم خواهیم گذاشت راجع به قرابت و یک مقداری راجع به نکاح تقدیم می‌شود.

۱. منظور «مفقود الاثر» است.

بند دوم. تقدیم لایحه مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

مواد مذکور در جلسه ۱۲۴ مورخ ۱۱/۲۷/۱۳۱۳ به شرح زیر تقدیم نهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۴. تقدیم دو فقره لایحه از طرف وزارت عدلیه]

وزیر عدلیه. دو لایحه است که تقدیم می‌کنم: یکی قسمتی از قانون مدنی است مشتمل بر پنجاه و یک ماده^۱. دیگری ...

بند سوم. تقدیم لایحه مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

مواد مذکور در جلسه ۱۲۶ مورخ ۱۲/۱۱/۱۳۱۳ به شرح زیر تقدیم نهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۳. تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]

وزیر عدلیه. لایحه‌ای است راجع به قسمت دیگر از قانون مدنی، جلد دوم قانون مدنی که باز مربوط است به نکاح و طلاق، تقدیم می‌کنم.

بند چهارم. تقدیم لایحه مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

مواد مذکور در جلسه ۱۳۳ مورخ ۱/۱۶/۱۳۱۴ به شرح زیر تقدیم نهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۱۱. تقدیم لایحه راجع به یک قسمت از مواد قانون مدنی مربوط به احوالات

شخصیه و تصویب یک فوریت آن]

وزیر عدلیه (آقای صدر). لایحه‌ای است راجع به یک قسمت از جلد دوم قانون مدنی راجع به نسب و اوضاع خانواده و تربیت اولاد که تقدیم می‌شود و چون قدری زودتر باید بگذرد با قید یک فوریت تقدیم می‌شود. (صحیح است)
رئیس. قرائت می‌شود:
ساحت محترم مجلس شورای ملی

۱. در این مرحله ۵۹ ماده تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است.

در تعقیب قسمت پنجم از مواد قانون مدنی مربوط به احوال شخصیه اینک یک قسمت دیگر از مواد قانون مدنی جلد دوم که تهیه گردیده پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می‌شود.

رئیس. موادش هم قرائت بشود؟ (عده ای از نمایندگان. خیر) چون به تقاضای فوریت فقط رأی گرفته می‌شود از یک فوریت منظور ایشان این بوده است که مدت بین‌الشورین را نمی‌توانستند ادراک بکنند. آقایانی که یک فوریت این لایحه را موافقت دارند برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد.

بند پنجم. تقدیم لایحه مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶

مواد مذکور در جلسه ۱۲ مورخ ۱۳۱۴/۴/۲۹ به شرح زیر تقدیم دهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۷. تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]

رئیس. آقای وزیر عدلیه.

وزیر عدلیه. لایحه ای است راجع به قسمتی از قانون مدنی مربوط به حجر و قیمومت تقدیم می‌کنم. **رئیس.** لایحه می‌رود به کمیسیون.

بند ششم. تقدیم لایحه مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵

مواد مذکور در جلسه ۱۷ مورخ ۱۳۱۴/۶/۸ به شرح زیر تقدیم دهمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است:

[۳. تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]

رئیس. آقای وزیر عدلیه.

وزیر عدلیه (آقای صدر). لایحه ای است به عنوان جلد سوم قانون مدنی که مربوط است به ادله دعاوی تقدیم می‌شود. **رئیس.** به کمیسیون ارجاع خواهد شد.

فصل دوم

متن لوایح تقدیمی

مبحث اول. لایحه مربوط به مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۲۹۶

نمره ۱۸۹۰۸

به تاریخ ۱۳۱۳/۸/۲۳

ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر به اینکه قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه

۱۳۰۷ شمسی فقط متضمن احکام مربوطه به اموال

میباشد و در قانون مزبور مقررات راجع به احوال

شخصیه وجود ندارد و نظر به اینکه در قسمت‌های

مربوطه به احوال شخصیه نیز لزوم وجود قانون

مدنی محسوس است لذا دولت در نظر گرفته است که

مواد مربوطه به این قسمت را به عنوان جلد دوم

قانون مدنی تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی

پیشنهاد کند و اینک فعلاً مواد منضمه را که کتاب

اول جلد مزبور را تشکیل می‌دهد پیشنهاد و بقیه

قانون مزبور را به تدریج برای تصویب مجلس شورای

ملی تقدیم خواهد نمود.

رئیس‌الوزراء وزیر عدلیه

فروغی محسن صدر

قانون مدنی

جلد دوم

در اشخاص

کتاب اول. در کلیات

ماده ۱. اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

ماده ۲. حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

ماده ۳. هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

ماده ۴. هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق غنّج و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۵. هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف‌نظر نماید.

ماده ۶. جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.

۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

ماده ۷. تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد.

حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به

حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل خواهد بود.

ماده ۸. اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

ماده ۹. روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسب طفل فقط نسبت به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

ماده ۱۰. ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.

ماده ۱۱. تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء

منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند. معذک حمل و

نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده ۱۲. ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است، فقط از حیث قوانین اصلییه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

ماده ۱۳. تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده ۱۴. اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

ماده ۱۵. مأمورین سیاسی یا قنصلی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد. در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

ماده ۱۶. دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود.

مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

ماده ۱۷. احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر اجراء آنها صادر شده باشد.

ماده ۱۸. اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول قانون مدنی و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.

ماده ۱۹. مقررات مواد ۷ تا ۱۷ تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

ماده ۲۰. محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جرجه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارده اگر چه اجراء قوانین مزبور بر طبق مواد فوق اصولاً مجاز باشد.

تاریخ طبع ۲۷ آبان ۱۳۱۳
مطبعه مجلس

مبحث دوم. لایحه مربوط به مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

(مشروح مذاکرات دوره نهم تقنینیه، جلسه ۱۱۸ مورخ پنج شنبه ۱۳۱۳/۱۰/۲۰)

۶. تقدیم قسمتی از قانون مدنی از طرف آقای وزیر عدلیه و مباحثه در فوریت آن
وزیر عدلیه - قسمت دیگر از قانون مدنی یعنی بقیه از جلد دوم قانون مدنی را تقدیم می‌کنم و تقاضا

می‌شود که با قید يك فوریت از طرف مجلس تصویب شود.

لایحه دولت

کتاب دوم

در تابعیت

- ماده ۲۱.** اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:
۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
 ۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
 ۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.
 ۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند.
 ۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل يك سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
 ۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
 ۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.
- تبصره.** اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.
- ماده ۲۲.** اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام تا يك سال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد.

ماده ۲۳. نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دوی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند معامله متقابله خواهد شد.

ماده ۲۴. اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱. به سن هیجده سال تمام رسیده باشند.

۲. پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳. فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴. در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

ماده ۲۵. کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزراء به تبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۲۶. اگر تا پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیأت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره. اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای

مجازات‌های مقرر به اجازة هیأت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد:

الف. کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.
ب. کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفاء ننمایند.

ماده ۲۷. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثناء حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت و یا هر گونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت مجلس مقننه.
 ۲. عضویت انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی.
 ۳. استخدام وزارت امور خارجه.
- ماده ۲۸.** درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:
۱. سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او.

۲. تصدیق‌نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیأت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیأت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.

ماده ۲۹. زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هیجده سال تمام

می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۲ ضمیمه شود.

ماده ۳۰. تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هیجده سال تمام رسیده‌اند مؤثر نمی‌باشد.

ماده ۳۱. زن ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند و لی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد او به سن هیجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به نحو از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

ماده ۳۲. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و لی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواند تابعیت مملکت زوج

را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده‌اند ندارند.

ماده ۳۳. اتباع ایران نمی‌توانند تابعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

۲. هیأت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه

دهد.

۳. قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند و لو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی

منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیأت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴. خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشند.

ماده ۳۴. هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

ماده ۳۵. از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلی خود رجوع نمایند به مجرد درخواست

به تابعیت ایران قبول خواهند شد.
ماده ۳۶. تکالیف مربوطه به اجراء قانون تابعیت و اخذ حقوق شانسری در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند به موجب نظامنامه که به تصویب هیأت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.

کتاب سوم. در اسناد سجل احوال

ماده ۳۷. سجل احوال هر کس به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود.
ماده ۳۸. امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریق که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود.
 ۱. ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.
 ۲. ازدواج اعم از دائم و منقطع.
 ۳. طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت.
 ۴. وفات هر شخص.
ماده ۳۹. هر کس طفلی را پیدا کند که نسب او معلوم نیست یا جسدی را پیدا کند که هویت او نامعلوم است باید به دایره سجل احوال محل اطلاع دهد.
ماده ۴۰. حکم فوت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم صادر می‌شود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود.
ماده ۴۱. تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر به موجب حکم محکمه.
ماده ۴۲. اگر عدم صحت مطالبی که به دایره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال به عنوان مجهول‌الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود.
ماده ۴۳. هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد. اگر کسی نام‌خانوادگی خود را که در دفاتر سجل

احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی‌نفع می‌تواند در ظرف مدت و به طریقی که در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

ماده ۴۴. هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

ماده ۴۵. سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

ماده ۴۶. سایر مطالب راجع به سجل احوال به موجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است.

ماده ۴۷. مأمورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم در حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

کتاب چهارم. در اقامتگاه

ماده ۴۸. اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.

ماده ۴۹. هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

ماده ۵۰. تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور نیز به همان محل انتقال یافته باشد.

ماده ۵۱. اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

ماده ۵۲. اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است.

ماده ۵۳. اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.

ماده ۵۴. اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنها است.

ماده ۵۵. اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا خدمت خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا خدمت آنها خواهد بود.

ماده ۵۶. اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه خصوصی خود معین کند.

کتاب پنجم. در غایب مفقودالاثر

ماده ۵۷. غایب مفقودالاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.

ماده ۵۸. اگر غایب مفقودالاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی‌العموم و اشخاص ذینفع در این امر قبول می‌شود.

ماده ۵۹. محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

ماده ۶۰. اگر یکی از وراث غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور به این سمت معین خواهد شد.

ماده ۶۱. وظایف و مسؤولیت‌های امینی که به موجب مواد قبل معین می‌گردد همان است که برای قیم مقرر است.

ماده ۶۲. هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثر مسلم شود اموال او بین وراث موجود حین‌الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد.

ماده ۶۳. اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غایب بین وراثتی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند تقسیم می‌شود.

ماده ۶۴. مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود.

ماده ۶۵. حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

ماده ۶۶. موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود:

۱. وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضای مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد.

۲. وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جزء

قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود.

۳. وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

ماده ۶۷. در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضای مدت‌های ذیل که مبدأ آن از روز حرکت کشتی

محسوب می‌شود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برگشته و از وجود آن به هیچ وجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب می‌شود:

الف. برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یک سال.

ب. برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) بحر سیاه و بحر ازوف

دو سال.

ج. برای مسافرت در سایر بجا سه سال.
ماده ۶۸. اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۶۵ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد.

ماده ۶۹. در مورد ماده ۶۵ و ۶۷ محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود.
ماده ۷۰. اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند.

مفاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد ۸۷۳

و ۸۷۴ جلد اول قانون مدنی خواهد بود.
ماده ۷۱. وراث غایب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارایی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاد غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۶۹ راجع به اعلان مدت یک سال حتمی است.

ماده ۷۲. در مورد ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمینات کافیه دیگر بدهند تا در صورت مراجعت غایب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود.

ماده ۷۳. بعد از صدور فوت فرضی نیز اگر غایب

پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می باشد مسترد دارند.

ماده ۷۴. امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارایی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است.

ماده ۷۵. هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۶۹ حاکم او را طلاق می دهد.

ماده ۷۶. اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد.

مبحث سوم. لایحه مربوط به مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۴۴

نمره ۲۶۰۸۸

تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۱۱

ساحت محترم مجلس شورای ملی

در تعقیب قسمت دوم از مواد قانون مدنی مربوط به احوال شخصیه اینک یک قسمت دیگر از مواد قانون مدنی که تهیه گردیده پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می شود.

رئیس الوزراء وزیر عدلیه

فروغی محسن صدر

کتاب ششم

در قرابت

ماده ۷۶. قرابت بر دو قسم است قرابت نسبی و قرابت سببی.

ماده ۷۷. قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است: طبقه اول. پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد. طبقه دوم. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.

طبقه سوم. اعمام و عمات و اخیوال و خالات و اولاد آنها.

در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسلیها در آن طبقه معین می‌گردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد اولاد در درجه دوم خواهد بود و هكذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جدّه در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود.

و در طبقه سوم قرابت عمو و دائی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است.

ماده ۷۸. هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود.

کتاب هفتم. در نکاح و طلاق

باب اول. در نکاح

فصل اول

در خواستگاری

ماده ۷۹. هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتواند خواستگاری نمود.

ماده ۸۰. وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای

موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر يك از زن و مرد مادام كه عقد نكاح جاري نشده مي‌تواند از وصلت امتناع كند و طرف ديگر نمي‌تواند به هيچ وجه او را مجبور به ازدواج كرده و يا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتي نمايد.

ماده ۸۱. اگر يكي از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهي بهم زند در حالي كه طرف مقابل يا ابوين او يا اشخاصي ديگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجي كرده باشند طرفي كه وصلت را بهم زده است بايد از عهده خسارات وارده برآيد ولي خسارات مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.

ماده ۸۲. هر يك از نامزدها مي‌تواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور هدايايي را كه به طرف ديگر داده است مطالبه كند.

اگر عين هدايا موجود نباشد مستحق قيمت هدايايي خواهد بود كه عادتاً نگاهداشته ميشود مگر اينكه آن هدايا بدون تقصير طرف ديگر تلف شده باشد.

ماده ۸۳. مفاد ماده قبل از حيث رجوع به قيمت در موردی كه وصلت منظور در اثر فوت يكي از نامزدها بهم بخورد مجري نخواهد بود.

ماده ۸۴. مدت مرور زمان دعاوي ناشی از بهم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاريخ بهم خوردن آن محسوب ميشود.

فصل دوم. قابليت برای ازدواج

ماده ۸۵. نكاح اناث قبل از رسيدن به سن ۱۵ سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذلك در موارد مهمه با پيشنهاد مدعي‌العموم و تصويب محكمه ممكن است استثناء معافيت از شرط سن اعطاء شود ولي در هر حال اين معافيت نمي‌تواند به انائي داده شود كه كمتر از سال تمام و به ذكوري شامل گردد كه كمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

ماده ۸۶. بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نیز انثا نمی‌توانند مادام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.

ماده ۸۷. نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد متوقف به اجازه پدر یا جد پدری او است. هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرارداد شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط دفتر مزبور مراتب را به پدر یا جد پدری اطلاع می‌دهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع، دفتر مزبور می‌تواند نکاح را واقع سازد.

ماده ۸۸. در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی تحت قیمومت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۸۹. نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است:

۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود.
۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.
۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.
۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.

ماده ۹۰. قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط براینکه:

- اولاً. شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
- ثانیاً. شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
- ثالثاً. طفل لااقل یک شبانه روز یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.
- رابعاً. شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.
- خامساً. مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن

و از يك شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداري از شیر يك زن و مقداري از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد.

و همچنین اگر يك زن يك دختر و يك پسر رضاعي داشته باشد که هر يك را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعي نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

ماده ۹۱. نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:

۱. بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعي.

۲. بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعي باشد.

۳. بین مرد یا انثا از اولاد زن او از هر درجه که باشد ولو رضاعي مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشوئی واقع شده باشد.

ماده ۹۲. جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.

ماده ۹۳. هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود. در مورد این ماده و دو ماده قبل ممنوعیت نکاح موجود است اگر چه موجب قرابت نسب نامشروع باشد.

ماده ۹۴. هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۹۵. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و زناشوئی هم واقع شده باشد.

در صورت جهل و عدم وقوع زناشوئی عقد باطل ولی حرمت ابدي حاصل نمی‌شود.

ماده ۹۶. تفریقي که با لعان حاصل می‌شود موجب

حرمت ابدی است.

ماده ۹۷. عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.

ماده ۹۸. زنی با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعه است موجب حرمت ابدی است.

ماده ۹۹. همخوابگی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم همخوابگی با نکاح صحیح است ولی میطل نکاح سابق نیست.

ماده ۱۰۰. اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

ماده ۱۰۱. زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع زناشویی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.

ماده ۱۰۲. زن هر شخصی که به نه طلاق که شش‌تای آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۱۰۳. داشتن بیش از چهار زن دائمی در زمان واحد ممنوع است.

در مورد این ماده زنی که به طلاق رجعی مطلقه شده باشد مادام که مدت عده او منقضی نشده در حکم زن غیر مطلقه است.

ماده ۱۰۴. نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

ماده ۱۰۵. تزویج کتابیه (یهود و نصاری و زرتشتی) جایز است.

ماده ۱۰۶. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

ماده ۱۰۷. دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

تاریخ طبع ۱۵ بهمن ۱۳۱۳

مبحث چهارم. لایحه مربوط به مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۵۰

نمره ۲۷۶۰۴

تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۲۴

ساحت محترم مجلس شورای ملی
در تعقیب قسمت سوم از مواد قانون مدنی مربوط به
احوال شخصیه اینک یک قسمت دیگر مشتمل بر پنجاه
و نه ماده از مواد قانون مدنی جلد دوم که تهیه
گردیده پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می‌شود.

رئیس الوزراء وزیر عدلیه
فروغی محسن صدر

فصل چهارم. شرایط صحت نکاح

ماده. نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به
الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.
ماده. ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن
صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد
دارند.

ماده. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.
ماده. توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است.
ماده. هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند
عقد به اشاره از طرف لال نیز واضح می‌شود مشروط
بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.

ماده. تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از
طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح
است.

ماده. تعلیق در عقد موجب بطلان است.

ماده. شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است
ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صدق جایز

است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

ماده. رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

فصل پنجم. وکالت در نکاح

ماده. هر یک از مرد و زن میتواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.

ماده. در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمیتواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.

ماده. اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

ماده. حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.

ماده. نکاح فضولی با اجازه نافذ است.

فصل ششم. در نکاح منقطع

ماده. نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

ماده. مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

ماده. در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.

فصل هفتم. در مهر

ماده. هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملك نیز باشد میتواند مهر قرار داد.

ماده. مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

ماده. تعیین مقدار مهر منوط به تراشی طرفین است.

ماده. اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم

تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

ماده. به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

ماده. برای تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.

ماده. هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.

ماده. زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

ماده. اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود

دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

ماده. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها همبستری واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده. در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از همبستری بمیرد زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.

ماده. ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

ماده. اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

ماده. برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

ماده. هرگاه شوهر قبل از وقوع زناشوئی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

ماده. هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از وقوع زناشوئی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمثله است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده. برای تعیین مهرالمثله حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.

ماده. در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده. در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او همبستر نشود.

ماده. در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از وقوع زناشوئی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

ماده. در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و زناشوئی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

ماده. در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع زناشوئی مستحق مهرالمثل است.

ماده. در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه ننماید.

ماده. هرگاه عقد نکاح قبل از همبستری به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده. همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

ماده. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده. زوجین باید در تشبید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

ماده. در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

ماده. در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و خدام اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد.

ماده. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

ماده. در عده وفات زن حق نفقه ندارد.

ماده. زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

ماده. اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد زن می‌تواند به حاکم رجوع کند تا حاکم او را مطلقه سازد.

ماده. در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد بیئی^۱ بر آن جاری شده باشد.

۱. در جلسه ۱۸ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۱۴/۱/۱۲ عبارت «بیئی» به «میئی» تبدیل شده است.

ماده. تعیین منزل با شوهر است مگر آنکه خلاف آن شرط شده باشد.

ماده. اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف و ضرر بدني يا مالي يا شرافتي براي زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عده^۱ شوهر خواهد بود.

ماده. در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکني زن به تراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

ماده. شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات با زن باشد منع کند.

ماده. زن مستقلاً میتواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند.

ماده. طرفین عقد ازدواج میتوانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب یا ترك انفاق نمود یا بر علیه حیات زن سوء قصد کرد یا

سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقیق^۲ شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

۱. در جلسه ۱۴ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۱۳/۱۱/۳۰ عبارت «عده» به «عده» تبدیل شده است.

۲. در جلسه ۱۴ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۱۳/۱۱/۳۰ عبارت «تحقیق» به «تحقق» تبدیل شده است.

تاریخ طبع ۲۹ بهمن ۱۳۱۳
مطبعه مجلس

مبحث پنجم: لایحه مربوط به مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۵۴

نمره ۲۹۱۳۱

به تاریخ ۱۳۱۳/۱۲/۸

ساحت محترم مجلس شورای ملی

در تعقیب قسمت چهارم از مواد قانون مدنی مربوط
به احوالات شخصیه اینک یک قسمت دیگر از مواد
قانون مدنی جلد دوم که تهیه گردیده پیشنهاد و
تقاضای تصویب آن می‌شود.

رئیس الوزراء وزیر عدلیه

فروغی محسن صدر

باب دوم. در انحلال عقد نکاح

ماده. عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت
در عقد انقطاع منحل می‌شود.

فصل اول

در مورد امکان فسخ نکاح

ماده. جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار اعم
از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل
موجب حق فسخ است.

ماده. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه

زناشوئی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال

از تاریخ رجوع زن به محاکم^۱ رفع نشود.

۲. خصی.

۳. مقطوع بودن آلت تناسل.

ماده. عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱. قرن.

۲. جذام.

۳. برص.

۴. افضاء.

۵. زمین‌گیری.

۶. نابینائی از هر دو چشم.

ماده. عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است.

ماده. جنون و عتق در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

ماده. هر يك از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.

ماده. هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی به او امتناع نماید و امتناع به علت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.

ماده. هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.

ماده. در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید.

۱. در جلسه ۱۶ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۱۳/۱۲/۱۶ عبارت «محاکم» به «حاکم» تبدیل شده است.

همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.
ماده. حکم ماده قبل در موارد ذیل نیز جاری است:
۱. در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

۲. سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی زن را با او غیر قابل تحمل سازد.

۳. در صورتی که به واسطه امراض مسریه صعب‌العلاج دوام زناشوئی برای زن موجب مخاطره باشد.

ماده. خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع به علت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می‌شود به شرط اینکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است.

ماده. در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

فصل دوم. در طلاق

مبحث اول. در کلیات

ماده. مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

ماده. طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.

ماده. طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است.

ماده. طلاق دهنده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

ماده. ولی مجنون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت موی علیه زن او را طلاق دهد.

ماده. ممکن است صیغه طلاق را به توسط وکیل اجرا نمود.

ماده. طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود.

ماده. طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند.

ماده. طلاق در طهر موافقه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.

ماده. طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد.

مبحث دوم. در اقسام طلاق

ماده. طلاق بر دو قسم است: بائن و رجعی.

ماده. در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.

ماده. در موارد ذیل طلاق بائن است:

۱. طلاقی که قبل از همبستری واقع شود.

۲. طلاق یائسه.

۳. طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد.

۴. سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.

ماده. طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

ماده. طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.

ماده. در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.

ماده. رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد.

مبحث سوم. در عده

ماده. عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند.

ماده. عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقبضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

ماده. عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقبضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.

ماده. عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

ماده. عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.

ماده. زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود.

ماده. زنی که شوهر او غایب مفقودالثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد.

ماده. زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد.

مبحث ششم. لایحه مربوط به مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۶۳

نمره ۸۴۳

تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱۱

ساحت محترم مجلس شورای ملی

در تعقیب قسمت پنجم از مواد قانون مدنی مربوط به احوال شخصیه اینک یک قسمت دیگر از مواد قانون مدنی جلد دوم که تهیه گردیده پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می‌شود.

رئیس الوزراء وزیر عدلیه

فروغی محسن صدر

کتاب هشتم

در اولاد

باب اول

در نسب

ماده. طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ همبستری تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

ماده. هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ همبستری تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد.

ماده. در صورتی که عقد نکاح پس از همبستری منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق می‌شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است در صورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق به شوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه بر خلاف آن دلالت کند.

ماده. در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.

ماده. در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می‌باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء

دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود.

ماده. در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل به او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

ماده. احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از همبستری به شبهه نیز جاری است اگر چه مادر طفل مشتبه نباشد.

ماده. طفل متولد از همبستری به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده‌اند ملحق به هر دو خواهد بود.

ماده. هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسب طفل به هر یک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود.

در صورت جهل هر دو نسب طفل نسبت به هر دو مشروع است.

ماده. طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.

باب دوم

در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده. نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.

ماده. برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضای

این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم آنها با مادر خواهد بود.

ماده. اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا با دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.

ماده. در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.

ماده. هیچ يك از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگاهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگاهداری طفل به هر يك از ابوین که حضانت به عهده او است الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.

ماده. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه میتواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

ماده. در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوین طفل در يك منزل سکونت نداشته باشند هر يك از ابوین که طفل تحت حضانت او نمیباشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است.

ماده. طفل را نمیتوان از ابوین و یا از پدر و یا مادری که حضانت با او است گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

ماده. مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر مادر ممکن نباشد.

ماده. طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند.

ماده. ابوین مکلف هستند که در حدود توانائی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.

ماده. ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تأدیبه تنبیه نمایند.

باب سوم

در ولایت قهری پدر و جد پدری

ماده. طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.

ماده. هر يك از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.

ماده. هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها مجبور یا به علی ممنوع از تصرف در اموال مولی‌علیه گردد ولایت قانونی او ساقط می‌شود.

ماده. در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوقی مالی مولی‌علیه ولی نماینده قانونی او می‌باشد.

ماده. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی‌علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال مزبور مرتکب حیف و میل گردد محکمه مکلف است به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای مدعی‌العموم از ولی طفل تضمینات معتبر کافی بخواهد.

در صورتی که ولی مزبور نخواهد یا نتواند تضمینات مزبور را بدهد محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حفظ اموال مولی‌علیه لازم می‌داند اتخاذ کند منتهی حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولی‌علیه نباشد.

ماده. هرگاه ولی قهری طفل مجبور شود محکمه مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم قیمی برای طفل معین کند.

ماده. در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارائی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی‌العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد محکمه در این مورد به طرز اداری رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شود مطابقت می‌کند.

ماده ... رفتار می‌نماید.

ماده. ولی هر يك از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او

می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت او در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.

ماده. هیچ یک از پدر و جد پدری نمی‌تواند با حیات دیگری برای مولی‌علیه خود وصی معین کند.

ماده. ممکن است پدر یا جد پدری به کسی که به سمت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت خود برای مولی‌علیه بدهد.

ماده. اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگهداری یا تربیت مولی‌علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل می‌شود.

ماده. ولی مسلم نمی‌تواند برای مولی‌علیه خود وصی غیر مسلم معین کند.

ماده. همین که طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می‌شود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می‌شود.

ماده. پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود.

کتاب نهم

در خانواده

فصل اول

در الزام به انفاق

ماده. احکام نفقه زوجه همان است که به موجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و یا بر طبق همین فصل مقرر می‌شود.

ماده. در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.

ماده. کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم سازد.

ماده. کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از

این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخص در جامعه در نظر گرفته شود.

ماده. نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است.

هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید به حصه متساوی تأدیه کنند.

ماده. نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.

ماده. هرگاه یک نفر هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور به حصه متساوی تأدیه کنند بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند.

ماده. اگر اقارب واجبالنفقه متعدد باشند و منفق نتواند همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود.

ماده. در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجبالنفقه دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود.

ماده. نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

ماده. واجبالنفقه - اعم از زوجه و اقارب - میتواند برای مطالبه نفقه خود به محکمه رجوع

کند.

ماده ۵. زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود و اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.

مبحث هفتم. لایحه مربوط به مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶

دوره دهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۱۰

نمره ۱۲۴۲۳

مورخه ۱۳۱۴/۴/۲۸

ساحت محترم مجلس شورای ملی

در تعقیب قسمت ششم از مواد قانون مدنی مربوط به احوال شخصیه اینک يك قسمت دیگر از مواد قانون مدنی جلد دوم که تهیه گردیده پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می‌شود.

رئیس الوزراء وزیر عدلیه

فروغی محمدعلی محسن صدر

کتاب دهم

در حجر و قیمومت

فصل اول. در کلیات

ماده ۱۲۰۷. اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار.

۲. اشخاص غیر رشید.

۳. مجانین.

ماده ۱۲۰۸. غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

ماده ۱۲۰۹. هر کس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است. معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان به عنوان عدم رشد یا جنون بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

ماده ۱۲۱۱. جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است.

ماده ۱۲۱۲. اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذک صغیر می‌تواند تملک بلاعوض کند.

مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات.
ماده ۱۲۱۳. جنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد.

ماده ۱۲۱۴. معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل.

معذک تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.

ماده ۱۲۱۵. هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر می‌ز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

ماده ۱۲۱۶. هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشد باعث ضرر غیر شود ضامن است.

ماده ۱۲۱۷. اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید به عهده ولی یا قیم آنان است به طوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

فصل دوم

در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸. برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.

ماده ۱۲۱۹. هر يك از ابوین مكلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم به عمل آورد.

ماده ۱۲۲۰. در صورت نبودن هیچ يك از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که با شخص محتاج به قیم در يك جا زندگی می‌نمایند.

ماده ۱۲۲۱. اگر کسی که به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که مدعی‌العموم به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به محکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌دانند به محکمه مزبور معرفی کند.

محکمه شرع از میان اشخاص مزبور يك یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز محکمه مزبور می‌تواند علاوه بر قیم يك یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند. اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانین مدعی‌العموم باید قبلاً

رجوع به خیره کرده نظریات خیره را به محکمه ابتدائی ارسال دارد.

در صورت اثبات جنون مدعی‌العموم به محکمه شرع رجوع می‌کند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی‌العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاقت او به دست آورده در صورتی که سفاقت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به محکمه شرع رجوع نماید.

ماده ۱۲۲۴. نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود.

ماده ۱۲۲۵. همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی‌العموم می‌تواند حجر او را اعلام نماید. انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده‌ای واقع گردد الزامی است.

ماده ۱۲۲۶. اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد مجنون یا سفیه شده و مجبور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است.

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات عدلیه به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری به عمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب می‌شود.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران مأمورین قنسولی ایران حق دارند نسبت به ایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۰۷ تحت قیمومت درآیند و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند تا به محکمه مربوطه رجوع شود نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که محکمه شرع تهران تصمیم مأمور قونسولی را تنفیذ کند.

ماده ۱۲۲۹. وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در

امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین قونسولي خواهد بود. ماده ۱۲۳۰. اگر در عهد و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتي که مأمور قونسولي مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

ماده ۱۲۳۱. اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱. کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر.
۳. کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
۴. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.
۵. کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوائی

بر مجبور داشته باشند.

ماده ۱۲۳۲. با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء

مجبور مقدم بر سایرین خواهند بود.

ماده ۱۲۳۳. زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند.

ماده ۱۲۳۴. در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.

فصل سوم. در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی‌العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید

ماده ۱۲۳۵. مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قیم است.

ماده ۱۲۳۶. قییم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضاء خود برای مدعی‌العموم بدایت که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی‌العموم یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازمه به عمل آورد.

ماده ۱۲۳۷. مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است خارج سالیانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قییم نمی‌تواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۳۸. قییمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قییم نباشد.

ماده ۱۲۳۹. هرگاه معلوم شود که قییم عامداً مالی را که متعلق به مولی‌علیه بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوءنیت بوده قییم معزول خواهد شد.

ماده ۱۲۴۰. قییم نمی‌تواند مالی را از مولی‌علیه به سمت قیمومت به خود منتقل نماید و یا مالی را از خود به او انتقال دهد.

ماده ۱۲۴۱. قییم نمی‌تواند اموال غیر منقول مولی‌علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله‌ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی‌علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی‌علیه و تصویب مدعی‌العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی‌العموم ملائت قییم می‌باشد و نیز نمی‌تواند برای مولی‌علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۴۲. قییم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب

مدعی‌العموم. در صورت تخلف مسئول هر ضرری است که از مصالحه مزبور به مولی‌علیه متوجه بشود بعلاوه مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل قیم را بنماید.
ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه مدعی‌العموم می‌تواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهد.

تعیین نوع تضمین به نظر محکمه است هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

ماده ۱۲۴۴. قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی‌العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد معزول می‌شود.

ماده ۱۲۴۵. قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی‌علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیم بعدی داده شود.

ماده ۱۲۴۶. قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند. میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی‌علیه تعیین می‌گردد.

ماده ۱۲۴۷. مدعی‌العموم می‌تواند اعمال نظارت در امور مولی‌علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیأت یا مؤسسه واگذار نماید. شخص یا هیأت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی‌علیه خواهند بود.

فصل چهارم: در موارد عزل قیم

ماده ۱۲۴۸. در موارد ذیل قیم معزول می‌شود:
۱. اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.

۲. اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد:
سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتك ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال

- ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.

۳. اگر قییم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مولی‌علیه را اداره کند.

۴. اگر قییم ورشکسته اعلان شود.

۵. اگر عدم لیاقت قییم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم شود.

۶. در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۴ و قسمت اخیر ماده ۱۲۴۵.

۷. در مورد تخلف از مقررات ماده ۱۲۴۲ یا تقاضای مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۴۹. اگر قییم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل می‌شود.

ماده ۱۲۵۰. هرگاه قییم مورد تعقیب قرار گیرد محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتاً قییم دیگری برای اداره اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد.

ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به مدعی‌العموم بدایت حوز اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی‌العموم یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قییم جدید و یا ضم ناظر کند.

ماده ۱۲۵۲. در مورد ماده قبل اگر قییم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را بکند.

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳. پس از زوال سببی که موجب تعیین قییم شده قیمومت مرتفع می‌شود.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی‌نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم حوزه که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به محکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.

ماده ۱۲۵۵. در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا

نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات لازم به عمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید. در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد. ماده ۱۲۵۶. رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

تاریخ طبع ۳۰ تیرماه ۱۳۱۴

مبحث هشتم. لایحه مربوط به مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵

دوره دهم تقنینیه

نمره ترتیب ۲۴

نمره ۱۶۸۷۶

تاریخ ۱۳۱۴/۶/۸

مجلس شورای ملی

چون وزارت عدلیه مقتضی دانسته است دلائل اثبات دعوی را جمع‌آوری و تکمیل کرده ضمیمه قانون مدنی نماید اینک قسمت‌های مربوط به دلائل اثبات دعوی از قبیل اقرار - اسناد کتبی - شهادت - امارات و قسم را به عنوان جلد سوم از قانون مدنی پیشنهاد و تقاضای تصویب آن را می‌نماید.

رئیس الوزراء وزیر عدلیه

فروغی محمدعلی محسن صدر

جلد سوم

در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷. هر کس ادعای حقی می‌کند باید آن را اثبات نماید و اثبات سقوط حق بر عهده مدعی آن است.

ماده ۱۲۵۸. دلائل اثبات دعوي از قرار ذیل است:

۱. اقرار.
۲. اسناد کتبی.
۳. شهادت.
۴. امارات.
۵. قسم.

کتاب اول. در اقرار

باب اول. در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹. اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.

ماده ۱۲۶۰. اقرار واقع می‌شود بر هر لفظی که دلالت بر آن نماید.

ماده ۱۲۶۱. اشاره شخص لال که صریح در اقرار باشد صحیح است.

ماده ۱۲۶۲. اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۳. اقرار سقیه در امور مالی مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۴. اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست.

ماده ۱۲۶۵. اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشأ اثر نمی‌شود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد.

ماده ۱۲۶۶. در مقررله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود.

ماده ۱۲۶۷. اقرار به نفع میت درباره ورثه میت مؤثر خواهد بود.

ماده ۱۲۶۸. اقرار معلق مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۹. اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

ماده ۱۲۷۰. اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.

ماده ۱۲۷۱. مقله اگر بکلی مجهول باشد اقرار ائري ندارد و اگر في الجملة معلوم باشد مثل اقرار براي يکي از دو نفر معين صحيح است و مطابق قوانين محاکمات عمل خواهد شد.

ماده ۱۲۷۲. در صحت اقرار تصديق مقله شرط نيست ليکن اگر اقرار را تکذيب کند در حق او ائري نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۳. اقرار به نسب در صورتي صحيح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانياً کسی که به نسب او اقرار شده تصديق کند مگر در مورد صغيري که اقرار بر فرزندی او شده به شرط آنکه منازعی در بين نباشد.

ماده ۱۲۷۴. اختلاف مقرر و مقله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نيست.

باب دوم

در آثار اقرار

ماده ۱۲۷۵. هر کس اقرار به حقي براي غير کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۱۲۷۶. اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار ائري نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۷. انکار بعد از اقرار مسموع نيست ليکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد يا مبني بر اشتباه يا غلط بوده شنیده ميشود و همچنين است در صورتي که براي اقرار خود عذري ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اينکه بگويد اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند يا حواله بوده که وصول نشده ليکن دعاوي مذکوره مادامي که اثبات نشده مضر به اقرار نيست.

ماده ۱۲۷۸. اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق ديگري نافذ نيست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

ماده ۱۲۷۹. اقرار شفاهي واقع در خارج از محکمه را در صورتي ميتوان به شهادت شهود اثبات کرد که

اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.

ماده ۱۲۸۰. اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.

ماده ۱۲۸۱. قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است.

ماده ۱۲۸۲. اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقررله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمی از آنکه به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرفنظر کند.

ماده ۱۲۸۳. اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثار

باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند مثل اینکه مدعی‌علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا آنکه مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق بوده مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

کتاب دوم

در اسناد

ماده ۱۲۸۴. سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

ماده ۱۲۸۵. شهادت نامه سند محسوب نمی‌شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.

ماده ۱۲۸۶. سند بر دو نوع است: رسمی و عادی.

ماده ۱۲۸۷. اسنادی که در اداره ثبت اسناد و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است.

ماده ۱۲۸۸. غیر از اسناد مذکوره در ماده فوق سایر اسناد عادی است.

ماده ۱۲۸۹. اسناد رسمی در باره طرفین و وراث و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۲۹۰. اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است:

۱. اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه^۱ تصدیق نماید.
 ۲. هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء یا مهر کرده است.

ماده ۱۲۹۱. در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۱۲۹۲. هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.

ماده ۱۲۹۳. عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.

ماده ۱۲۹۴. محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در ممالک خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین مملکتی که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:
 اولاً. اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً. مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.
 ثالثاً. مملکتی که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد، اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعاً. نماینده سیاسی و یا قونسولی مملکتی که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا

۱. در متن لایحه فوق عبارت «منتسب‌علیه» درج شده بود.

قونسولي مملکت مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

ماده ۱۲۹۵. هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قونسولي خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

ماده ۱۲۹۶. دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجري بر تاجر دیگر در صورتي که دعوي از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب می شود مشروط براینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

ماده ۱۲۹۷. دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود

لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر او است ثابت کند.

ماده ۱۲۹۸. دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی شود:

۱. در صورتي که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲. وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳. وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً به جهتي از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

ماده ۱۲۹۹. در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

ماده ۱۳۰۰. امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

ماده ۱۳۰۱. هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتي از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر

محسوب است اگر چه تاریخ و امضا نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد.

ماده ۱۳۰۲. در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود.

ماده ۱۳۰۳. هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضا کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است.

ماده ۱۳۰۴. در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و قائم مقام آنان معتبر است.

کتاب سوم. در شهادت

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۵. جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از یک هزار ریال باشد نمی توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

ماده ۱۳۰۶. در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحو از انحاء قانونی بری شده است نمی تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت ثابت کند.

ماده ۱۳۰۷. دعوی پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء در مقابل سند ولو آنکه موضوع سند کمتر از یک هزار ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.

ماده ۱۳۰۸. در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار

آن در محکمه محرز شده دعوي که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد.

ماده ۱۳۰۹. اگر موضوع تعهد عقد یا ایقاعی بیش از یک هزار ریال باشد نمی‌توان آن را فقط به وسیله شهود اثبات کرد اگر چه مدعی دعوي خود را به یک هزار ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرف نظر کند.

ماده ۱۳۱۰. قیمت یک هزار ریال در زمان عقد مناط است نه موقع مطالبه.

ماده ۱۳۱۱. احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری نخواهد بود:

۱. در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوي موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲. در مواردی که به واسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳. نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمی‌باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و نمایشگاه‌ها می‌سپارند و مثل حق‌الزحمه اطباء و قابله.

۴. در صورتی که سند به واسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد.

۵. در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

ماده ۱۳۱۲. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. محکومین به مجازات جنائی.

۲. محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.

۳. اشخاص ولگرد و کسانیکه تکدی را شغل خود قرار دهند.

۴. اشخاص معروف به فساد اخلاق.

۵. کسی که نفع شخصی در دعوي داشته باشد.

۶. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

باب دوم. در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۴. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شك و تردید.

ماده ۱۳۱۵. شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد.

ماده ۱۳۱۶. شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود به خلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید.

ماده ۱۳۱۷. اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد.

ماده ۱۳۱۸. در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود.

ماده ۱۳۱۹. شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

کتاب چهارم. در امارات

ماده ۱۳۲۰. اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود.

ماده ۱۳۲۱. امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر.

ماده ۱۳۲۲. امارات قانونی در کلیه دعاوی اگر چه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود

باشد.
ماده ۱۳۲۳. اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

کتاب پنجم، در قسم

ماده ۱۳۲۴. در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.
ماده ۱۳۲۵. مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.

ماده ۱۳۲۶. مدعی یا مدعی‌علیه در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص آن طرف باشد بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر وی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب به یک طرف باشد.

ماده ۱۳۲۷. بر دعوی بر صغیر و مجنون و متوفی و در صورتی که طرف مدعی باشد وی یا وصی یا وارث علم به دین مورث و یا مولی‌علیه دارند می‌تواند تقاضا کند که طرف دیگر قسم بر عدم اطلاع خود از منشأ دعوی یاد کند.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳۲۹. قسم به کسی متوجه می‌گردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد.

ماده ۱۳۳۰. تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای

موکل قسم یاد کند.

ماده ۱۲۳۱. قسم قاطع دعوی است و هیچ گونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۱۲۳۲. قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده اند و قائم مقام آنها مؤثر است.

ماده ۱۲۳۳. در دعوی بر میت در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم می تواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند.

در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی تواند قسم را به مدعی علیه رد کند.

حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.

ماده ۱۲۳۴. در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می تواند نسبت به آنچه که مورد ادعاء او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند.

ماده ۱۲۳۵. در دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند قسم مورد ندارد.

بخش دوم

صورت مشروح مذاکرات و
گزارشات کمیسیون قوانین عدلیه
مجلس شورای ملی

فصل اول

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه

مجلس شورای ملی

در ابتدا جدول صورت مشروح مذاکرات لوایح مربوط به قانون مدنی به ترتیب رسیدگی در کمیسیون قوانین عدلیه می‌آید و سپس جدول جداگانه‌ای نیز در ابتدای شور اول و دوم صورت مشروح مذاکرات مذکور خواهد آمد.

ردیف	شماره مواد	دوره تقنینیه	شور	شماره جلسه	تاریخ جلسه
۱	۹۵۶ تا ۹۷۵	نهم	اول	۶	۱۳۱۲/۱۰/۱
۲	۹۷۶ تا ۱۰۳۰	نهم	اول	۸	۱۳۱۳/۱۰/۲۰
۳	۹۵۶ تا ۹۷۵	نهم	دوم	۹	۱۳۱۳/۱۰/۲۵
۴	۹۷۶ تا ۱۰۳۰	نهم	دوم	۱۱	۱۳۱۲/۱۱/۹
۵	۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	نهم	اول	۱۳	۱۳۱۳/۱۱/۲۳
۶	۱۱۱۹ تا ۱۰۶۲	نهم	اول	۱۴	۱۳۱۳/۱۱/۳۰
۷	۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	نهم	دوم	۱۵	۱۳۱۳/۱۲/۷
۸	۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	نهم	اول	۱۶	۱۳۱۳/۱۲/۱۶
۹	۱۱۱۹ تا ۱۰۶۲	نهم	دوم	۱۸	۱۳۱۴/۱/۱۲
۱۰	۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	نهم	دوم	۲	۱۳۱۴/۱/۱۷
۱۱	۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	نهم	یک شوری	۲	۱۳۱۴/۱/۱۷
۱۲	۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶	دهم	اول	۶	۱۳۱۴/۵/۱
۱۳	۱۲۰۷ تا ۱۲۲۳	دهم	دوم	۸	۱۳۱۴/۵/۱۵
۱۴	۱۲۲۴ تا ۱۲۵۶	دهم	دوم	۹	۱۳۱۴/۶/۱۲
۱۵	۱۲۵۷ تا ۱۲۹۶	دهم	اول	۱۰	۱۳۱۴/۶/۱۹

ردیف	شماره مواد	دوره تقنينيه	شور	شماره جلسه	تاريخ جلسه
١٦	١٢٩٧ تا ١٣٣٥	دهم	اول	١١	١٣١٤/٦/٢٦
١٧	١٢٥٧ تا ١٢٨٣	دهم	دوم	١٢	١٣١٤/٧/٩
١٨	١٢٨٤ تا ١٣٣٥	دهم	دوم	٢	١٣١٤/٧/٢٧
١٩	بحث پرامون ماده ١١٥٢ و اصلاح مواد ١٣٠٥، ١٣٠٨، ١٣٢٦، ١٣٣٤ و ١٣٣٥	دهم	دوم	٣ فوق العاد ه	١٣١٤/٧/٢٩

مبحث اول. صورت مشروح مذاكرات شور اول

كميسيون پارلماني عدليه

مجلس شورای ملی

جدول صورت مشروح مذاكرات شور اول كميسيون پارلماني عدليه

ردیف	شماره مواد	دوره تقنينيه	شور	شماره جلسه	تاريخ جلسه
١	٩٥٦ تا ٩٧٥	نهم	اول	٤	١٣١٣/١٠/١
٢	٩٧٦ تا ١٠٣٠	نهم	اول	٨	١٣١٣/١٠/٢٠
٣	١٠٣١ تا ١٠٦١	نهم	اول	١٣	١٣١٣/١١/٢٣
٤	١٠٦٢ تا ١١١٩	نهم	اول	١٤	١٣١٣/١١/٣٠
٥	١١٢٠ تا ١١٥٧	نهم	اول	١٦	١٣١٣/١٢/١٦
٦	١١٥٨ تا ١٢٠٦	نهم	يك شوري	٢	١٣١٤/١/١٧
٧	١٢٠٧ تا ١٢٥٦	دهم	اول	٤	١٣١٤/٥/١
٨	١٢٥٧ تا ١٢٩٦	دهم	اول	١٠	١٣١٤/٦/١٩
٩	١٢٩٧ تا ١٣٣٥	دهم	اول	١١	١٣١٤/٦/٢٦

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۰۷

گفتار اول. شور اول مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳
جلسه ۶ به تاریخ یوم شنبه اول دی ماه ۱۳۱۳
مطابق ایام ماه مبارک رمضان

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات قانون مدنی

لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت به عنوان جلد دوم قانون
مدنی بر حسب تقاضای آقای وزیر عدلیه مطرح چون
در کلیات لایحه مخالفی نبود ماده اول از این قرار
قرائن شد.

قانون مدنی

جلد دوم. در اشخاص

کتاب اول. در کلیات

ماده ۹۵۶- ماده اول. اهلیت برای دارا بودن حقوق
با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام
می شود.

آقای هراز. آقای هراز معتقد بودند هر وقت
گفته شد موجود دارای حقوق می شود.

آقای دیبا تذکر دادند یک اهلیت هایی است که
با مرگ تمام نمی شود - اگر مالی را حبس کرده باشند
این مال، مال کیست و مال کیست؟

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه توضیح دادند ملک
یعنی عقار^۱ اراضی داریم که غیر مملوک است یعنی صاحب

۱. در متن دستنویس عبارت «عقاب» درج شده بود.

ندارد حیازت^۱ حق اولویت می‌آورد پس ملک نیست حبس که فرمودید حبس هم برای محبوسله است مرده منقطع است.

ماده ۹۵۷. با ماده اول موافقت شده ماده ۲ از این قرار قرائت شد:

(حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود)

آقای کفائی. آقای کفائی اظهار نمودند اهلیت با نطفه منعقد شدن درست می‌شود منتهی باید زنده متولد شود بنابراین ماده اول و دوم یکی است.

آقای وزیر توضیح دادند در قسمت اول اهلیت تمتع است در قسمت دوم شفعییت تمتع است همان وقت هم ارث می‌برد اگر زنده متولد شود. قانون و قاعده این است که آن حمل ارث می‌برد در صورتی که زنده متولد شود و اگر ضمناً مرد حق او بین دیگران تقسیم می‌شود - فعلیت استحقاق دارا شدن حقوق اهلیت که گفتیم یعنی فعلاً زیرا معلوم نیست بعد متولد خواهد شد یا خیر - الان نمی‌توانیم بگوییم اهلیت دارد یا خیر.

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند از نقطه نظر دارا بودن حق یعنی دارای حقوقی می‌شود.

آقای شریعت‌زاده توضیح دادند من با بیانات آقای وزیر موافقم و تصور نمی‌کنم جای بحثی باقی باشد.

موافقت شده مواد ۳، ۴، ۵ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۵۸. (۳). هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد)

ماده ۹۵۹. (۴). هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب نماید.)

ماده ۹۶۰. (۵). هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت

۱. در متن دستنویس عبارت «حیاض» درج شده بود.

کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر نماید.)

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اهلیت برای مطالبه حقوق این است که رشید باشد و بالاخره مقصود این است که بتواند حق خود را مطالبه کند و همچنین هر کس می‌تواند حق خود را به دیگری ببخشد ولی اختیار مال منوط است ممکن است کسی مالی را رد کند و تصرف هم نکند.

آقای شریعت‌زاده. آقای شریعت‌زاده معتقد بودند باید رفع شبهه شود وقتی که بحث می‌شود از حقوق مدنی این یک امر کلی و معنوی است حق دارد هر نوع معاملاتی را بکند حالا مقصود این است که این شخص نمی‌تواند حق خود را مطابق قانون مدنی سلب کند.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند ماده ۴ راجع به این است که انسان دارای حقی است که نمی‌تواند سلب حق خود را بکند.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند اگر به جای تمتع یا حق اجرا بنویسیم اهلیت را از خود سلب کند بهتر است مثلاً کسی ممکن است بگوید که من ارث نمی‌خواهم ولی نمی‌تواند اهلیت خود را سلب کند.

آقای وزیر جواب دادند سلب حق باز مال خودش است که حق دارد ببخشد بالاخره حق اشخاص از کسی بالطبع سلب نمی‌شود.

آقای مؤید. راجع به ماده ۵ آقای مؤید احمدی اظهار داشتند اینجا می‌خواهد بگوید که بدهکار نمی‌تواند بگوید من غلام فلان آدم هستم و ندارم بدهم.

آقای شریعت‌زاده. آقای شریعت‌زاده توضیح دادند معنای حریت یعنی آزادی و آزادی انواع مختلفه دارد. آزادی در سیاست، آزادی در انتخاب، مشاغل و غیرها. اینها یک چیزهایی است که عضو هر جامعه باید روی آن زندگانی کند یعنی کسی که حق انتخاب کردن را از خود سلب نماید.

با مواد فوق موافقت شده و ماده ششم قرائت شد:

ماده ۹۶۱ (۶). جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.

۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.)

آقای دیبا. آقای دیبا تذکر دادند وقتی که ما گفتیم هر انسان متمتع خواهد شد دیگر اتباع خارجه و داخله تفاوتی نباید داشته باشند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند همان طور که در ماده تصریح شده تبعه خارجه از حیث حقوق مدنی فرقی با اتباع داخله ندارند ولی یک حقوقی هست که صرفاً^۱ از نظر جامعه ایرانی وضع شده است که نباید شامل اتباع خارجه شود.

آقای شریعتزاده. آقای شریعتزاده تذکر دادند اولاً گویا به جای «شخصیه» نوشته شده «شخصی که» و

لازم است کلمه اصلاح شود و ثانیاً بعد از آنکه داریوش اجداد خود را شماره می کند می گوید ایرانی از ایرانی است حالا که نوشته شده جامعه ایرانی مقصود نژاد است نه چیز دیگر.

آقای هراز. آقای هراز توضیح دادند یکی این است که قانون می گوید باید ایرانی انتخاب شود و یکی هم شأن ایرانی است که هر کس در ایران متولد شد تبعه ایران است.

آقای مؤید اظهار داشتند جامعه ایرانی مثل اشخاصی است که حق انتخاب شدن دارند و تبعه ایران آنهایی هستند که مثلاً امروز که می خواهند برای قضیه اگر محل کمیسیون انتخاب کنند باید از اتباع ایران انتخاب نمایند.

۱. در متن فوق عبارت «صرفاً» جایگزین عبارت «صرفه» گردید.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند چه حقی را قانون منع کند و چه ایجاد آن حق برای جامعه ایرانی باشد نتیجتاً یکی است هر کس پول دارد می‌تواند مالک شود آن وقت قانونی می‌گذرد و اتباع خارجه را از این حق محروم می‌نماید - یک وقت حقوقی است که تولیدش برای ایرانی شده اگر منع نشود شامل خواهد شد. اگر نگوئیم اجانب حق استملاک ندارند حق دارند آنها هم مالک شوند زیرا در قوانین ما بدون شرط و قید می‌گوید متعاملین باید اهلیت داشته باشند. موافقت شده و مواد ۷، ۸ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۹۶۲. (تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد. حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل نخواهد بود).

ماده ۹۶۳. (ماده ۸ - اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود).

آقای افسر. آقای افسر راجع به ماده ۸ سئوال نمودند اگر زن مسلمان باشد چرا اطاعت قانون مملکت شوهر را بنماید؟

آقای وزیر جواب دادند اصلاً زن مسلمان نمی‌تواند شوهر کافر داشته باشد. گفته شد چنین قانونی نیست.

ماده نهم از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۶۴. (روابط بین ایوین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط

نسبت به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود)

آقای شریعتزاده. آقای شریعتزاده اظهار نمودند سه فرض می‌توان کرد یکی آنکه پدر طفل معلوم باشد که آن هم دو فرض دارد اگر نتیجه ازدواج است که مشروع بوده و اگر نامشروع باشد که طفل باید تابع قانون مملکت مادر باشد.

آقای احتشامزاده تذکر دادند اولاد اشخاصی که قانونی نیستند باید تکلیفشان معین شود.

آقای وزیر جواب دادند بعداً معلوم خواهد شد و بعلاوه اولاد تا وقتی تابع است که بالغ نشده باشد وقتی که بالغ شد قانون تکلیف او را طور دیگر معین می‌کند.

آقای شریعتزاده اظهار نمودند طفل که متولد شد تابع مملکتی است که پدر تابع آن است کبیر هم که شد وقتی که تغییر تابعیت نداد تابع مملکت پدر است.

آقای وزیر توضیح دادند در قانون تابعیت که در تکمیل قانون مدنی پیشنهاد می‌شود خواهد آمد که اولاد تا چه حدی محکوم به تابعیت پدر است.

آقای شریعتزاده معتقد بودند چند فقره از قوانین مصوبه مثل قانون ازدواج و ثبت باید جزء قانون مدنی بشود زیرا آن قوانین از قوانین تغییر نکردنی است.

آقای وزیر اظهار نمودند مانعی ندارد.

مواد ۱۰، ۱۱ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۶۵. (ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.)

ماده ۹۶۶. (۱۱. تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند معذک حمل و

نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.)

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند اگر یک

نفر کاپیتان کشتی در سرحد ما آدم کشت و فوراً به کشتی سوار شده از سرحد خارج شد مطابق معمول خارجه این آدم از تعرض مصون است حالا باید دید برای ما هم صلاح است چنین قانونی وضع کنیم.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند جزائی از نظر صلاحیت محلی فرق می‌کند - کشتی‌های جنگی مطلقاً تابع قوانین مملکت متبوعه می‌باشند ولو آنکه در سرحد دیگری لنگر انداخته باشند و اما کشتی‌های غیرجنگی این طور نیست و داخله آن با خارجه آن فرق دارد و بعلاوه این قضایا برحسب قراردادهای بین‌المللی است و یکی دیگر قسمت حقوقی غیر از قسمت جزائی است ما جنبه اجرای حق را در نظر می‌گیریم که نفس حقوق است و مالکیت و ما می‌گوییم تابع مملکتی خواهد بود که اشیاء یا ملک در آنجا واقع است و به

اشخاص کاری نداریم.

موافقت شده مواد ۱۲، ۱۳ از این قرار قرائت شد:
ماده ۹۶۷. (ترکه منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراث و مقدار سهم‌الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت عملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.)

ماده ۹۶۸. (۱۳). تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.)

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر در فرانسه بین دو نفر معامله‌ای واقع شود که به یک نهج باطل و به یک نهج صحیح باشد آن معامله باطل است از حیث حکم، مگر آنکه قرار بگذارند که مطابق قانون ایران اختلاف رفع و حکم شود. فرض دیگر این است که ما با کمپانی ایتالیائی معامله‌ای می‌کنیم و در قرارداد می‌نویسیم رفع نزاع مطابق قانون ایران یا انگلیس بعمل خواهد آمد حالا اگر این قرارداد را بگذاریم چون کنترات در ایران صورت گرفته بایستی مطابق قوانین داخلی ایران عمل شود.

آقای شریعت‌زاده تذکر دادند عبارت ماده ۱۳

قدری گنگ است و ممکن است تصورات دیگری بشود. آقای وزیر جواب دادند قبض شرط رهن است اگر آمدند رهن کردند بدون قبض مطابق قانون ما آن رهن باطل است اگر چه آن محاکمه در فرانسه بشود عکس آن هم همینطور است اگر در قانون فرانسه قبض شرط رهن نباشد و محاکمه چنین دعوایی به محاکم ایران رجوع شد ما هم باید قبول کنیم و اساساً در ایران میتوانند دو نفر معامله ای نموده و شرط کنند مطابق قانون فرانسه نسبت به این معامله رفتار خواهد شد.

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند قانون مدنی ما را فرانسه قبول ندارد ما چرا قبول کنیم.

آقای وزیر جواب دادند اگر دو نفر مسلمان در فرانسه معامله شراب نمایند و محاکمه آنها در اینجا صورت گیرد محاکم ما مجبورند رسیدگی کرده حکم دهند زیرا اینها یک اصولی است که باید رعایت شود.

خالفی دیگر نبوده مواد ۱۴، ۱۵ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۶۹. (۱۴). اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود میباشد.)

ماده ۹۷۰. (۱۵). مأمورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی میتوانند به اجرای عقد نکاح میادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد - در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.)

آقای افسر. آقای افسر سئوال نمودند اگر این دو نفر زوجین هر دو تبعه خارجه باشند آیا نمیتوانند در سفارت فرانسه که سفارت دولت متبوع یکی از آنها است ازدواج خود را ثبت کنند؟

آقای وزیر جواب دادند خیر زیرا باید تابع اجرائیات باشند فقط اگر هر دو نفر فرانسوی باشند میتوانند در سفارت فرانسه عقد شوند.

ماده ۹۷۱. (دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود

که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.)
آقای وزیر. آقای وزیر اظهار داشتند یهودی‌ها و نصاری‌ها هم دفاتر ازدواج دارند ولی دفاتر مزبور مال دولت ایران است و تابع قوانین ایران.

ماده ۱۷ از این قرار قرائت گردید:
ماده ۹۷۲. (احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر اجراء آنها صادر شده باشد)

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده سؤال نمودند فورمول امر اجراء کدام است؟

آقای وزیر جواب دادند يك وقت مثلاً ممکن است قوانین ایران لازم بدانند که اسناد رسمی خارجه در ایران اجرا شود و الا مطلقاً اسناد خارجه در ایران قابل اجرا نیست.

آقای مؤید احمدي اظهار نمودند من موضوعی را سراغ دارم که با اینکه در اینجا سند رسمی سپرده چون تبعه بین‌النهرین بوده و رفته است بین‌النهرین دولت ایران هیچ کاری نمی‌تواند بکنند زیرا قراردادی هم در این خصوص بسته نشده است.

پس از مذاکرات مفصلی در خصوص قراردادهای راجع به معاملات بین اتباع ایران و خارجه بالاخره با ماده ۱۷ موافقت حاصل و ماده ۱۸ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۷۳. (اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول قانون مدنی و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.)

آقای وزیر توضیحاتی داده و آقای لیقوانی تذکر دادند خوب است نوشته شود به قراردادهای خصوصی احاله داده شده باشد نه به قانون دیگری.

آقای وزیر جواب دادند اگر قراردادی در این خصوص با ما نموده باشند که البته قبول و اگر هم که به قانون ما احاله داده باشند باز هم قبول

خواهیم کرد ولی اگر به قانون مملکت دیگر باشد قبول نمی‌نمائیم. آقای احتشام زاده معتقد بودند کلمه (مملکت) هم اضافه شود. آقای وزیر جواب دادند آن وقت شامل هر دو نمی‌شود.

ماده ۱۹ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۹۷۴. (مقررات مواد ۷ تا ۱۷ تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.)

آقای افسر. آقای افسر سؤال نمودند تا حدی یعنی چه؟

آقای وزیر جواب دادند اگر مخالف نباشد که اجرا می‌شود.

بالاخره برحسب پیشنهاد آقای احتشام زاده ابتدای ماده مزبور از این قرار اصلاح گردید: (مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا آلی آخر)

ماده ۲۰ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۹۷۵. (حکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارده اگر چه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.)

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در ایتالیا حکم تعدد زن را ولو طرفین هر دو مسلمان باشند نمی‌دهند و اجرا نمی‌نمایند.

مخالفتی نبوده تصویب و سپس راجع به فصل و ماده‌بندی این قانون مذاکراتی شده عده‌ای معتقد بودند نمره مواد در تعقیب نمره مواد قانون مدنی گذاشته شود - از همین قرار موافقت شده و چون آخرین ماده قانون مدنی که به موقع عمل و اجرا گذاشته شده ماده ۹۵۵ می‌باشد قرار شد ماده اول این لایحه ۹۵۶ باشد و همین طور سایر مواد و راپورتش برای تصویب به مجلس شورای ملی داده شود.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۱۷

در این موقع جلسه ختم و جلسه آتی به روز سه‌شنبه یک ساعت بعد از ظهر موکول گردید در صورتی که لایحه‌ای برای دستور حاضر باشد.

گفتار دوم. شور اول مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳
جلسه ۸ به تاریخ پنجشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳

جلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات
شور اول لایحه راجع به تابعیت در تعقیب مواد
قانون مدنی

به تاریخ یوم پنجشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ دو ساعت و نیم بعد از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای طباطبائی دیا تشکیل لایحه نمره ۲۲۶۶۷ وزارت عدلیه در تعقیب لایحه نمره ۱۸۹۰۸ به عنوان کتاب دوم از جلد دوم قانون مدنی مطرح ماده اول آن که در تعقیب مواد سابق ماده ۹۷۶ خواهد شد از این قرار قرائت شد.

کتاب دوم. در تابعیت

- ماده ۹۷۶.** اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:
۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
 ۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
 ۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.
 ۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی

که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند.

۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره. اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

آقای ملک مدنی تذکر دادند که چون امروز وقت ضیق است و این لایحه هم دو شوری است و بایستی به جلسه آتی به مجلس برسد خوب است زیاد در اطراف مواد مذاکره نشود که شاید امروز شور اولش تمام شود.

آقای دیبا راجع به فقره اول تذکری دادند.

آقای وزیر جواب دادند اگر مدارک تابعیت خارجی کسی مسلم نباشد او را تبعه خارجه نمی‌شناسیم.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند بعد از معاهده ترکمانچای اشخاصی از ایران مهاجرت نموده که پدر یا جدشان ایرانی بوده است و حالا مراجعت به ایران کرده اند بنده می‌خواستم بدانم آیا آنها تبعه ایران محسوب می‌شوند یا تبعه خارجه؟ بر طبق مقررات سابق آنها تبعه خارجه شده بودند ولی این ماده تطبیق با وضعیت آنها نمی‌نماید و بایستی تکلیف آنها هم معلوم شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند قضیه آنها خیلی کهنه شده و ما کاری به آنها نداریم سابقاً قفقازیه جزء ایران بوده و اجداد اهالی قفقاز در ایران متولد شده اند حالا که نمی‌شود به آنها سر و صورتی داد و یا گفت تبعه ایران هستند.

آقای افسر. آقای افسر تذکر دادند چند سال قبل عده‌ای از روس‌های قفقازی و عده‌ای از اهالی

افغانستان به ایران آمده و تبعه ایران شدند و بعد شاید دو مرتبه به مملکت خود عودت نمودند اینها چون از قسمت‌های نادر است نمی‌شود کاری برای آنها نمود.

آقای دیبا. آقای دیبا تذکر دادند ضمن قانون تابعیت بعضی از مواد این لایحه تصویب گردیده حالا آیا نسبت به آن مواد می‌شود مذاکره و اصلاحاتی نمود؟

گفته شد البته اگر لازم باشد اصلاح خواهد شد و ممانعی ندارد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند چون وقت ما کم است اگر آقایان توضیحاتی می‌خواهند بهتر است بگذارند برای شور دوم و به طور خلاصه نظر بنده این است که دست دولت را در این قسمت باز بگذاریم که بتواند اشخاصی را به تابعیت ایران بپذیرد.

آقای افسر معتقد بودند در موقع شور لوايح اگر اصلاحی لازم باشد بهتر است در ضمن شور اول بعمل آید - در ماده ۹۷۶ نظري نبوده موافقت و ماده ۹۷۷ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۷۷. (اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام تا يك سال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد.)

آقای افسر تذکر دادند تابعیت پدر خود را قبول کنند خوب نیست بلکه باید نوشته شود تابعیت دولت پدرشان را - گفته شد صحیح است و قرار شد در شور دوم اصلاح شود.

ماده ۹۷۸ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۷۸. (نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند معامله متقابل خواهد شد.)

مخالفی نبوده ماده ۹۷۹ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۹۷۹. (اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱. به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند.

۲. پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳. فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴. در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.)

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی معتقد بودند برای سکونت متوالی باید مدت کمتری قائل شد.

آقای وزیر جواب دادند این ماده عین قانون سابق است و بعلاوه سکونت متوالی و متناوب نتیجتاً تفاوتی ندارد و از این گذشته بسته به نظر دولت است اگر دولت صلاح دانست قبول می‌کند.

با این ماده هم موافقت شده و ماده ۹۸۰ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۸۰. (کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزراء به تابعیت ایران قبول شوند.)

آقای افسر. آقای افسر معتقد بودند این ماده خیلی پر رنگ است و هیچ کس نمی‌تواند در ظرف سال آن طور که فرمودید سه مرتبه خدمت شایانی بنماید.

آقای وزیر توضیح دادند مقصود از خدمت شایان خدمتی است که مورد توجه واقع شود.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده معتقد

بودند در امور عام المنفعه تخصص لازم نیست زیرا تمام مردم متخصص کارهای عام المنفعه می‌باشند. آقای وزیر جواب دادند آبیاری، کشف معادن و استخراج و نبات شناسی و حیوان شناسی اینها عملیات عام المنفعه می‌باشند و همه کس هم نمی‌توانند انجام دهد.

آقای لایقوani. آقای لایقوani معتقد بودند داشتن عیال ایرانی موجب تبعیت ایران است دیگر شرط داشتن اولاد لزومی ندارد. آقای وزیر جواب دادند این کار چیزی نیست که به زور بشود کسی را تابع نمود بالاخره دخول در تابعیت هر مملکتی باید دلیل داشته باشد. آقای احتشام زاده معتقد بودند قید اولاد حذف و این قسمت به نظر دولت واگذار گردد. آقای لایقوani اظهار نمودند خوب است برای خارجی‌هایی که زن ایرانی دارند و اولاد ندارند ارفاقی قائل و مدت پنج سال را سه سال قرار دهیم.

آقای وزیر جواب دادند خیلی تفاوت ندارد. موافقت شده و ماده ۹۸۱ از این قرار قرائت شد: **ماده ۹۸۱.** اگر تا پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره. اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالك خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرر با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد:

الف. کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

ب. کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفاء ننمایند.

خالفی نبود ماده ۹۸۲ از این قرار قرائت شد:
ماده ۹۸۲. (اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثنای حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت و یا هر گونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت مجالس مقننه.

۲. عضویت انجمن‌های ایالتی و ولایتی.

۳. استخدام وزارت امور خارجه.)

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند انجمن‌های بلدی مهم‌تر از انجمن‌های ایالتی است و لازم است اینجا ذکر شود.

آقای افسر هم نظرشان این بود که اعضای اتاق تجارت هم کمتر از انجمن‌های مزبور نیستند بالاخره قرار شد انجمن‌های بلدی هم در فقره ۲ ماده فوق اضافه شود.

ماده ۹۸۳ قرائت آقای وزیر معتقد بودند عبارت (رسید داده) در قانون خوب نیست و لازم است حذف شود.

از همین قرار حذف و آقای لایقوانی اظهار نمودند در این ماده مکنّت و حسن سابقه شرط قبول شدن به تبعیت ایران قرار داده شده در صورتی که صحت مزاج هم باید یکی از شروط باشد. گفته شد نمی‌شود.

و لذا ماده ۹۸۳ از این قرار موافقت شد:

ماده ۹۸۳. (درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:

۱. سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال

و اولاد او.

۲. تصدیق‌نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوءسابقه و داشتن

مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش - وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیئت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.)

ماده ۹۸۴ از این قرار مطرح گردید:

ماده ۹۸۴. (زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هیجده سال تمام می توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۱۲ ضمیمه شود.)

ماده ۹۸۵ هم از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۸۵. (تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن ۱۸ سال تمام رسیده اند مؤثر نمی باشد.)

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند زن تبعه خارجه که شوهر تبعه ایران کرده تبعه ایران می شود اگر شوهر این زن فوت کند آیا می تواند به تبعیت اولیه خود برگردد؟ به عقیده من باید دولت در رد و قبول تقاضای زن مختار باشد زیرا زن مزبور تبعه ایران شناخته شده و اموالی را هم تصاحب کرده است نباید گذاشت دارایی خود را که از شوهر ایرانی به او رسیده به خارجه ببرد.

آقای وزیر جواب دادند نمی شود زن را مجبور کرد که به تبعیت ایران باقی و در ایران بماند زیرا می خواهد برود نزد پدر و مادرش و اموالی هم اگر

به او رسیده باشد نمی‌شود از او گرفت.
موافقت شده و ماده ۹۸۶ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۸۶. (زن غیرایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند و لی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال غیرمنقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیرمنقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران با داراشدن ملك در مورد ارث مقدار مازاد را به‌نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع خارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.)
با این هم مخالفی نبوده ماده ۹۸۷ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۹۸۷. (زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و لی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.)

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به

وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل میکنند حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده اند ندارند.)

آقای خسرو تاش. آقای خسرو تاش اظهار نمودند شاید این زن ده شش دانگی داشته است.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند زن ایرانی که شوهر خارجی دارد اگر اموالی را بعد تحصیل کرده باشد نمیتواند مالک شود.

آقای افسر تذکر دادند این عبارت طوری مطلب را می‌رساند که زن تابع شوهر نیست.

آقای وزیر مجدداً توضیح دادند مقصود ملک است که تحصیل میکند نه تابعیت در دو مورد تابع خارجه میشوند یکی آنکه زن شوهر تبعه خارجی نماید و دیگر آنکه به میل خود تبعه خارجه شده باشد ملکی که در حین تابعیت به دستش آمده نمیتواند تصرف کند ولی ملکی که قبل از آن داشته مانعی ندارد و حق ملک آن را دارد.

آقای همراز. آقای همراز تذکر دادند معاهده با دولت فرانسه غیر از این ترتیب است در چنین موردی زن تبعه خارجه محسوب و اموال او هم مشمول اموال اتباع خارجه میشود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند ما باید قوانین را مطابق مصالح مملکت خودمان وضع نمائیم و بر فرض اگر عهودی با دول خارجه بر خلاف آن بستیم البته آن عهدنامه مراعات خواهد شد.

آقای همراز. آقای همراز اظهار نمودند در این صورت خوب است آن ماده ای که قبلاً تصویب کرده ایم راجع به عهود و گفته ایم اگر برخلاف عهود باشد اعتبار ندارد آن ماده را بعد از این مواد بنویسیم.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیحاً اظهار داشتند شاید عهدنامه ای را که شما می‌فرمائید فردا تغییر نماید البته عهدنامه ها رعایت خواهد شد به هر حال زنی که اموالی قبل از ازدواج داشته مال خودش است ولی آنچه را که بعد از مزاجت تحصیل کرده است

نمی‌تواند ببرد و اما در قسمت اموال غیرمنقول چون شوهر تبعه خارجه بوده اصلاً حق داشتن اموال غیرمنقولی را نداشته است که به زن خود بدهد.

بالاخره قرار شد این قسمت را آقای وزیر یادداشت نمایند که بعد از مراجعه به هیئت دولت در صورت لزوم اصلاح نمایند و لذا ماده ۹۸۸ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۸۸. (اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترك کنند مگر به شرایط ذیل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.
۲. هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه

دهد.

۳. قبلاً تعهد نمایند که در ظرف يك سال از تاریخ ترك تابعیت حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالورائه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملك آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی

منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترك تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴. خدمت تحت‌السلح خود را انجام داده باشند.) نسبت به این ماده هم نظری نبوده و ماده ۹۸۹ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۸۹. (هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کلاً منقطع بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیرمنقول او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.)

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند بعد از انقلاب يك اشخاصی رفتند تبعه خارجه شدند بدون

رعایت مقررات حالا ما می‌خواهیم بگوئیم ما آنها را تبعه خود می‌شناسیم و بعلاوه برای خلافتی که کرده اند از حقوقی هم محروم خواهند بود.

موافقت شده با اضافه کلمه (و بلدی) بعد از عبارت انجمن‌های ایالتی و ولایتی تصویب و ماده ۹۹۰ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۹۹۰. (از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلی خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد) ماده ۹۹۱ از این قرار مطرح شد:

ماده ۹۹۱. (تکالیف مربوطه به اجرای قانون تابعیت و اخذ حقوق شانس‌لری در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند به موجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.)

با مواد فوق هم مخالفی نبوده تصویب شد. کتاب سوم در اسناد سجل احوال مطرح ماده ۹۹۲ از این قرار قرائت شد:

ماده ۹۹۲. (سجل احوال هر کس به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود) آقای دیبا مخالف کلمه سجل احوال بوده و معتقد بودند به جای سجل احوال کلمه دیگری که فارسی باشد گذاشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر مخالف بوده و توضیح دادند این کلمات مدتها است مصطلح شده و همه می‌فهمند بر فرض آنکه فارسی ما با عربی داخل است چه اشکالی دارد که آقایان آن قدر اصرار در تبدیل کلمات به فارسی قدیم دارند.

موافقت شده ماده ۹۹۳ از این قرار قرائت شد: **ماده ۹۹۳.** (امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود:

۱. ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.

۲. ازدواج اعم از دائم و منقطع.
۳. طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت.
۴. وفات هر شخص).
- با این ماده هم موافقت شده و ماده ۹۹۴ از این قرار قرائت گردید:
- ماده ۹۹۴.** (هر کس طفلی را پیدا کند که نسبت او معلوم نیست و یا جسدی را پیدا نماید که هویت او نامعلوم است باید به دائره سجل احوال محل اطلاع دهد.)
- آقای وزیر.** آقای وزیر اظهار نمودند این قسمت جایز در قانون مدنی نیست و باید ضمن قانون سجل احوال گذاشته شود.
- اکثریت با نظریه ایشان موافقت نموده و ماده مزبور حذف شد.
- ماده ۹۹۵ به عنوان ماده ۹۹۴ از این قرار قرائت و موافقت شد:
- ماده ۹۹۴.** (حکم فوت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم صادر می شود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود.)
- ماده ۹۹۶ به عنوان ماده ۹۹۵ از این قرار قرائت شد:
- ماده ۹۹۵.** (تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر به موجب حکم محکمه)
- با این ماده هم موافقت شده و مواد ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱ از این قرار قرائت و تصویب شد.
- ماده ۹۹۶.** (اگر عدم صحت مطالبی که به دائره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال به عنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود.)
- ماده ۹۹۷.** (هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد - اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی نفع می تواند در ظرف مدت و به طریقی که در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است

اعتراض کند.)

ماده ۹۹۸. (هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد)

ماده ۹۹۹. (سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.)

ماده ۱۰۰۰. (سایر مطالب راجعه به سجل احوال به موجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است.)

ماده ۱۰۰۱. (مأمورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند).

کتاب چهارم. در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲ از این قرار قرائت و مطرح شد:

ماده ۱۰۰۲. (اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.)

آقای همراز. آقای همراز اظهار نمودند چه مانعی دارد زنی که خودش خانه دارد و در آنجا سکونت می‌کند اعلام نماید که اقامتگاه من منزل خود من است.

آقای وزیر جواب دادند زنی که شوهر دارد هرکجا که شوهرش اقامت دارد زن هم عادتاً آنجا است.

آقای همراز تذکر دادند شاید بین آنها اختلاف و نزاعی باشد و در نتیجه منزلشان از هم جدا شده باشد. آقای وزیر جواب دادند مانعی ندارد ولی باید زن اطلاع دهد که اقامتگاه من تغییر پیدا کرده است و این قسمت در مواد بعدی ذکر گردیده است.

مذاکرات کافی شده ماده ۱۰۰۲ به شرح فوق و ۱۰۰۳ الی ۱۰۲۰ به شرح ذیل عیناً تصویب گردید:

ماده ۱۰۰۳. (هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد)

ماده ۱۰۰۴. (تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد.)

ماده ۱۰۰۵. (اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.)

ماده ۱۰۰۶. (اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است)

ماده ۱۰۰۷. (اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند)

ماده ۱۰۰۸. (اقامتگاه افراد نظامی که در ساخو هستند محل ساخو آنها است.)

ماده ۱۰۰۹. (اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود.)

ماده ۱۰۱۰. (اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه خصوصی خود معین کند.)

کتاب پنجم. در غایب مفقودالاثار

ماده ۱۰۱۱. (غایب مفقودالاثار کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.)

ماده ۱۰۱۲. (اگر غایب مفقودالاثار برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم

نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد
محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند
تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی‌العموم و اشخاص
ذی نفع در این امر قبول می‌شود.)

ماده ۱۰۱۳. (محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند
تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.)

ماده ۱۰۱۴. (اگر یکی از وراث غایب تضمینات
کافی بدهد محکمه نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و
وراث مزبور به این سمت معین خواهند شد.)

ماده ۱۰۱۵. (وظایف و مسئولیت‌های امینی که به
موجب مواد قبل معین می‌گردد همان است که برای قیم
مقرر است.)

ماده ۱۰۱۶. (هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب
مفقودالاثَر مسلم شود اموال او بین وراث موجود
حین‌الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک یا چند نفر آنها
از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشند.)

ماده ۱۰۱۷. (اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت
ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن
تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غایب
بین وراثی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند
تقسیم می‌شود.)

ماده ۱۰۱۸. (مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت
می‌گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود.)

ماده ۱۰۱۹. (حکم موت فرضی غایب در موردی صادر
می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او
رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی
زنده نمی‌ماند.)

سپس ماده ۱۰۲۰ از این قرار قرائت شد:
ماده ۱۰۲۰. (موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است
که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود:

۱. وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که
از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضای مدت
مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد.

۲. وقتی که یک نفر به‌عنوانی از عناوین جزء

قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال
تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری

از او برسد هر گاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود.

۳. وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است دو سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.)

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه معتقد بودند مدت دو سال که در فقره ۳ نوشته شده کم است و من پیشنهاد می‌نمایم سه سال نوشته شود.

موافقت شده با تبدیل دو سال به سه سال.
ماده فوق تصویب و ماده ۱۰۲۱ از این قرار قرائت گردید:

ماده ۱۰۲۱. (در مورد فقره اخیر ماده قبل با انقضای مدت‌های ذیل که مبدأ آن از روز حرکت کشتی محسوب می‌شود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگشته و از وجود آن به هیچ وجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب می‌شود:

الف. برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یک سال.

ب. برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) - بحر سیاه و بحر ازوف دو سال

ج. برای مسافرت در سایر بحار سه سال.
(با این ماده هم موافقت شده) و ماده ۱۰۲۲

از این قرار مطرح شد:

ماده ۱۰۲۲. (اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد.)

عده‌ای معتقد بودند چون ممکن است اشخاصی در طیاره بوده و مفقود شوند و طیاره هم مفقود شود لذا لازم است آن هم ذکر گردد.

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند وقتی که

کسی مفقود شود دیگر جهت ندارد وراثت تا سه سال یا پنج سال معطل شوند من معتقدم مدعی العموم باید برای اداره اموال آن شخص اقدام و یا از ورثه تعهد بگیرد که اگر احیاناً پدرشان پیدا شد آنها از عهده اموالی که متعلق به او است برآیند. آقای دیبا مخالف بوده و اظهار نمودند ممکن است این وراثت مال پدر خود را تلف و بعد هم نتوانند از عهده برآیند.

آقای همراز جواب دادند اگر خود وراثت برای مدعی عمومی اظهار نمایند که ما یقین داریم پدرمان فوت نموده و تعهد کنند که در صورت عدم صحت از عهده خسارت برخوایم آمد دیگر چه اشکالی دارد؟

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند شخصی مسافرت نموده بدون آنکه تکلیفی برای اموال و دارائی خود معین نماید بعد از مدتی ورثه اگر بیایند اظهار کنند که مورث ما فوت کرده مال او را به دست ما بدهید فوراً نمی شود به حرف آنها گوش نمود و اساساً خوب نیست البته اگر در فوت او تردیدی نباشد مسئله ای نیست^۱ ولی صحبت ما در موردی است که مفقودالاثر شده و معلوم نیست مرده یا زنده است.

مجدداً آقای همراز در تعقیب نظریه خود شرحی اظهار و در نتیجه آقای وزیر موافقت نمودند که بعد از مطالعه بیشتری ممکن است تبصره ای به این ماده اضافه کنیم.

موافقت شده و ماده ۱۰۲۳ از این قرار قرائت شد:
ماده ۱۰۲۳. (در مورد مواد ۱۰۱۹، ۱۰۲۱ محکمه وقتی می تواند حکم موت فرضی را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند - هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان

۱. در متن دستنویس عبارت «است» درج شده بود.

بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود.)

آقای لیقوانی سؤال نمودند اگر کسی از نزد خانواده‌اش به نقطه‌ای مسافرت و بعد از مدتی شرحی به آنها بنویسد که اگر تا دو سال دیگر من پیش شما نیامدم بدانید که من خود را کشته و انتحار نموده‌ام آیا به این کاغذ می‌شود ترتیب اثر داد و محکمه حکم موت طرف را بعد از دو سال صادر کند؟

گفته شد خیر و با این ماده هم موافقت شده ماده ۱۰۲۴ قرائت شد:

ماده ۱۰۲۴. (اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند.

مفاد این ماده مانع از اجرای مقررات مواد ۸۷۳، ۸۷۴ جلد اول قانون مدنی نخواهد بود)

مخالفی نبوده ماده ۱۰۲۵ از این قرار قرائت شد:

ماده ۱۰۲۵. (وراث غایب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد - در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ راجع به اعلان مدت یک سال حتمی است).

گفته شد مانعی ندارد و مواد ۱۰۲۶، ۱۰۲۷ از این قرار قرائت و تصویب شد:

ماده ۱۰۲۶. (در مورد ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمینات کافی دیگر بدهند تا در صورت مراجعت غایب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند - تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۲۵

موت فرضی غایب باقی خواهد بود.)
ماده ۱۰۲۷. (بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می باشد مسترد دارند.)
مواد ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ از این قرار قرار قرائت شد:

ماده ۱۰۲۸. (امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می شود باید نفقه زوجه دائم و اولاد غایب را از دارائی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است.)

ماده ۱۰۲۹. (هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق می دهد.)

ماده ۱۰۳۰. (اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضای مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضای مدت مزبور حق رجوع ندارد.)

پس از مذاکراتی در اطراف ماده ۱۰۲۸ قرار شد بعد از کلمه (دائم) این جمله اضافه شود (یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را تعهد کرده باشد.)

آقای دیبا راجع به ماده ۱۰۲۹ سؤال نمودند آیا چهار سال غیبت برای طلاق کافی است؟
آقای وزیر جواب دادند همان طور که نوشته شده با رعایت ماده ۱۰۲۳ منظور این است که آن اعلان هم در جراید بشود و بعد از اعلان اگر کسی خبری نیاورد حاکم طلاق دهد.

با مواد فوق هم با اصلاحی که شد موافقت شده و شور اول لایحه مزبور خاتمه، قرار شد راپورتش فوری تهیه و به مجلس تقدیم شود و جلسه آتی هم قرار شد روز سه شنبه باشد و جلسه ختم گردید.

گفتار سوم. شور اول مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳
جلسه ۱۳ به تاریخ سه‌شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۳

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات قانون مدنی. در قرابت

به تاریخ یوم سه‌شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۳ سه ساعت قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای کفائی تشکیل لایحه نمره ۲۶۰۸۸ دولت به عنوان قسمتی دیگر از مواد قانون مدنی در تعقیب لایحه نمره ۱۸۹۰۸ مطرح و عنوان قانون و ماده اول آن از این قرار قرائت شد:

کتاب ششم از جلد دوم. در قرابت

ماده اول به عنوان ماده ۷۶. (قرابت بر دو قسم است قرابت نسبی و قرابت سببی)
پس از توضیحاتی که آقای وزیر دادند قرار شد این ماده در تعقیب مواد سابق قانون مدنی ماده ۱۰۳۱ شود و همین‌طور نمرات مواد بعدی هم اصلاح گردد. با این اصلاح موافقت شده و ماده ۷۷ به عنوان نمره ۱۰۳۲ به شرحی که ضمن لایحه نمره ۲۶۰۸۸ دولت ضمیمه این دفتر طبع شده است (مربوط به قرابت نسبی) قرائت مخالفی نداشته عیناً تصویب و ماده ۷۸ به عنوان ماده ۱۰۳۳ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت و تصویب شد.

کتاب هفتم. در نکاح و طلاق

باب اول. در نکاح

فصل اول. در خواستگاری

ماده ۷۹ به عنوان ماده ۱۰۳۴ قرائت عده ای معتقد بودند، کلمه خواستگاری خوب نیست.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند هرچه فکر کردیم کلمه ای بهتر از خواستگاری پیدا نکردیم.

آقای مولوی معتقد بودند در قسمت دوم ماده باید عقد و نکاح هر دو نوشته شود.

آقای وزیر توضیح دادند نکاح اعم است و عقد از نکاح حاصل می شود.

آقای مؤید احمدی تذکر دادند عقد وقتی حاصل می شود که صداق معین شده باشد.

بالاخره با عین ماده موافقت شده و ماده ۸۱ راجع به به هم زدن وصلت از طرف یکی از نامزدها قرائت شد.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی معتقد بودند اینجا نوشته شود ازدواجی که مطابق میل پدر و مادر باشد نه به میل دختر.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مقصود از نامزد یعنی خواستگاری شده به ترتیب مشهود و متعارفی و در این صورت اگر یکی از طرفین به هم یزند باید خارج متعارفی طرف دیگر را بدهد.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی توضیح داد.

آقای ملک مدنی اظهار نمودند من می ترسم این ماده عکس العمل بدی داشته باشد زیرا وسایل ازدواج باید فراهم شود آن وقت ازدواج صورت گیرد اگر صحبت هائی شده باشد و چیزهائی فرستاده اند این ماده ممکن است ایجاد دعوی نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه توضیح دادند اگر به واسطه عدم رضایت دختر ازدواج به هم بخورد تقصیر متوجه پدر و مادر دختر است که قبیل از استرضای خاطر او طرف (شوهر) را مغرور کرده اند چون شوهر به اطمینان وصلت، خارجی نموده باید پدر و مادر دختر از عهده خسارت او برآیند.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند

يك وقت صحبت ازدواج بين پسر و دختر شده و شوهر دختر را مطمئن به ازدواج نموده و قبل از ازدواج مرتكب عمل بي شرافتي شده باشد در اين صورت خسارت هتك ناموس چه ميشود؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اینجا صحبت خسارات مالي است نه خسارات ناموس. خسارات ناموس درجاي ديگر گفته شده است و به هرحال وعده ازدواج و پرداخت مبلغی از مهریه را عقد نمی‌شود گفت.

آقای مؤید احمدي. آقای مؤید احمدي اظهار نمودند همان‌طور که تا چندي قبل در تهران هم معمول بود حالا هم در ولایات هنوز معمول است که قوم خویش‌های داماد می‌روند دختر را می‌بینند و بدون اطلاع یا نشان دادن به داماد عقد می‌کنند و تصور می‌کنند که حکم مذهبی ما این طور است در صورتی که آقایان می‌دانند در شرع اسلام برای ازدواج حکم دارد که لازم است زن و شوهر همدیگر را ببینند و بخواهند روایت دارد که صاحب جواهر از حضرت...^۱ پرسید که می‌خواهم زن بگیرم آیا او را می‌توانم قبلاً ببینم یا خیر؟ حضرت جواب داد چطور می‌شود که ندیده انسان چیزی را بخرد حالا چون این قانون مورد ابتلاء

عموم است اگر بشود این قسمت را در اینجا گنجاند که مردم بدانند و متوجه شوند خیلی خوب است.

آقای افسر. آقای افسر معتقد بودند اهالی ایران طوري تربیت شده‌اند که نمی‌شود این‌طور راه‌ها را برای آنها باز کرد.

آقای جهانشاهی اظهار داشتند ما که احکام اسلامی نمی‌نویسیم بلکه قانون وضع می‌کنیم.

آقای جهانشاهی. مقنن باید اوضاع و احوال مملکت و اهالی را در نظر بگیرد و منافع و مضار هر قانونی را رعایت کند اگر در قانون خارجی‌ها این قسمت ذکر نشده برای این است که اصلاً آنها حجاب ندارند ولي ما که زنانمان حجاب دارند باید گوشزد

1. در متن دستنویس نیز چند نقطه گذاشته شده بود.

کنیم و بگوئیم که طرفین باید همدیگر را ببینند البته آقای وزیر عدلیه هم در موقع خود این قسمت‌ها را باید اصلاح نمایند.

آقای وزیر. آقای وزیر مخالف بوده و توضیح دادند مهر و محبت با یک نظر درست نمی‌شود بلکه مهر و محبت بعد از ازدواج حاصل می‌شود اگر قبل از آن محبتی پیدا شود نمی‌توان به آن محبت اطمینان کرد.

آزادی مطلق هم معایبی دارد که می‌بینیم و خود خارجی‌ها امروز تصدیق به آن معایب دارند و اما اینکه می‌فرمائید یکی دو نظر طرفین همدیگر را ببینند و صحبت نمایند بنده معتقدم که به هیچ وجه نتیجه‌ای ندارد زیرا مادر و پدری که بخواهند دختر خود را شوهر دهند موقع ملاقات، او را به قدری آرایش داده و به او یاد می‌دهند که چه طور صحبت کن و چه طور تواضع نما. مرد هم ممکن است روی این آرایش‌های ظاهری گول خورده و در چاه افتد. ولی مادر و عمه و فامیل داماد که به خواستگاری می‌روند سرزده و سرزده می‌توانند به منزل دختر رفته و بد و خوب او را کاملاً در نظر بگیرند و این کار را مرد نمی‌تواند بکند و به عقیده بنده اگر نظر خصوصی فامیل مرد نداشته باشند خیلی به آنها بیشتر می‌شود اعتماد کرد.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی هم با نظریه آقای وزیر موافق بوده و اظهار داشتند من مقالات متعددی در این خصوص نوشته‌ام و معتقدم با یکی دو نظر دیدن و یا دهن و زیر بغل را بو کردن فایده ندارد و مثل این است که انسان می‌خواهد حیوانی را بخرد به هرحال با این وصف مادر و عمه و خاله‌های سابق بهتر از خود مرد می‌توانستند زن بگیرند.

آقای وزیر. آقای وزیر در خاتمه معتقد بودند خود مردم هم بالاخره حس و فکری دارند هر طور خواستند همان طور بهتر است عمل نمایند و نمی‌شود دستوری در این خصوص داد.

با ماده ۸۱ به عنوان ماده ۱۰۳۶ موافقت شده و ماده ۸۲ راجع به مطالبه هدایا قرائت شد. آقای وزیر اظهار نمودند حکم این ماده این است

که اگر ازدواج به هم خورد ولو آنکه تقصیر متوجه يك طرف باشد باید هدایای را که طرفین گرفته اند پس بدهند و اگر از بین رفته باشد قیمت آن را بپردازند مگر آنکه بدون تقصیر تلف شده باشد.

آقای افسر. آقای افسر اظهار نمودند یکی از چیزهایی که قبل از ازدواج داده می شود شیربهاء است که پدر و مادر می دهند چون اینجا نوشته طرف مقابل، ممکن است شامل پدر و مادر نشود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند پدر و مادر طرفین با خود آنها تفاوتی ندارد البته يك چیزهایی داده می شود به عنوان اینکه دخترشان که در خانه شوهر می رود داشته باشد البته اینجا باید مسترد شود ولي اگر شيريني فرستادند ديگر قابل پس گرفتن نیست و چون مصرف شده از بین می رود.

آقای افسر. آقای افسر تذکر دادند اگر در ضمن مذاکرات پسر از دختر مظنون شده و ازدواج را به هم بزنند در اینجا بازهم تقصیر با مرد است؟ گفته شد عذر موجه است.

آقای وزیر جواب دادند مواعده الزام آور نیست. يك وقت موضوع ازدواج بین آنها شهرتی یافته و مقدمات از هر جهت فراهم گردیده و يك طرف به اطمینان خارجی نموده است آن وقت اگر طرف دیگر بدون علت موجه به هم بزنند باید خسارت طرف را بدهد و البته خسارت راجع به چیزهایی است که از بین می رود مثل انگشتر و آینه و جار و امثال اینها.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی سؤال نمودند اگر دختر خودش طرف را مغرور کرده باشد؟

آقای وزیر جواب دادند دختر باید از عهده خسارت برآید و اگر پدر و مادر هم دخالت داشته باشند آنها هم شريك هستند.

با ماده ۸۲ هم به عنوان ۱۰۳۷ موافقت شده و ماده ۸۳ به شرح مذکور در لایحه چاپی ضمیمه این دفتر قرائت شد.

آقای تهرانی. آقای تهرانی سؤال نمودند مگر تا به حال این طور دعاوي اقامه شده است که شما در این قانون پیش بینی کرده اید؟

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۴۱

آقای وزیر جواب دادند ما باید قانون مدنی داشته باشیم و اینها جزو قانون مدنی است و ناچاریم ذکر کنیم.
با ماده ۸۳ به عنوان ماده ۱۰۳۸ موافقت شده و ماده ۸۴ به شرحی که در لایحه ضمیمه مندرج است قرائت و عیناً به عنوان ماده ۱۰۳۹ موافقت شد.

فصل دوم. قابلیت برای ازدواج

ماده ۸۵ راجع به سن طرفین ازدواج به شرحی که در لایحه ضمیمه نوشته شده قرائت شد.
آقای وزیر تذکر دادند این ماده ناسخ ماده ای است که در قانون ازدواج نوشته شده است.
آقای افسر. آقای افسر اظهار نمودند در قانون ازدواج خیلی چیزها ذکر شده و نظر کمیسیون در آن موقع این بود که ۱۳ ساله اصلاً نتواند شوهر کند حالا دولت این طور مصلحت دانسته که اگر مصلحت اقتضاء نماید مدعی العموم میتواند اجازه ازدواج

دختر سیزده ساله و پسر ۱۵ ساله را بدهد.
آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه توضیح دادند مسئله نسل یک موضوع مهمی است و ازدواج برای شهوت نباید صورت گیرد اولاد دختری که ۱۳ ساله است نمیتواند جثه کامل داشته باشد و بعلاوه زن را هم برای خانه داری میگیرند همه جا که نباید فرض کرد مادر شوهر یا مادر دختر هست و آنها را اداره می نماید در موقعی که قانون ازدواج وضع میشد من معتقد بودم که طرفین وقتی که به سن بلوغ رسیدند یا استعداد جسمانی پیدا کردند میتوانند ازدواج کنند ولی از آن تاریخ تا به حال به تجربه معلوم شد که این طرز عملی نیست و ناندانی برای قابله ها پیدا شده است بعد گفتیم اطباء باید

معاینه نمایند باز همین محظورات پیش آمد و بعلاوه دخترها اغلب سجل احوالشان غلط است یعنی ولی آنها مخصوصاً سن آنها را کم قلمداد میکنند و حالا در زحمت افتاده اند - بنابراین من به فکر افتادم که میزان سن را معین نائیم و ملاک را قابلیت برای ازدواج قرار دهیم که عنوان بلوغی هم نداشته

باشد و بالاخره از نظر قابلیت صحت ازدواج صورت گیرد و البته از سن ۱۳ به پایین هم دیگر خوب نیست و مانع نکاح است.

آقای مولوی. آقای مولوی اظهار نمودند يك عرف و عادتى بين مردم هست كه با آن عرف و عادت اين ماده به اين طرز خوب نيست و بهتر اين است سن رشد را ذكر كنيم.

آقای وزير. آقای وزير توضيح دادند رشتي كه ما مي‌گوئيم رشد دماغي است كه عاقل باشد و بتواند معامله اي كند پسر و دختر وقتي رشيد مي‌شوند كه به سن ۱۸ رسيده باشند يك رشد هم جسماني است كه ما حالا ذكر مي‌كنيم و مي‌گوئيم دختر ۱۳ ساله رشیده است.

يك وقت مي‌خواهيد عملي را ممنوع كنيد كه آن را بايد در قانون ديگر بنويسيم اينجا قانون مدني است و ما مي‌گوئيم اگر چنين ازدواجي صورت گرفت دولت به آن ترتيب اثر نخواهد داد و دفتر ثبت ازدواج اين نكاح را ثبت نخواهد كرد.

آقای مولوی. آقای مولوي معتقد بودند اين طور نمي‌شود يا بايد اجازه داد يا اگر منع مي‌كنيد بايد مجازاتي هم قائل شويد - رشد جسماني هم چيز مشخصي نيست كه معلوم باشد بلكه بايد خبره معين نمايد.

آقای تهراني. آقای تهراني اظهار نمودند در مشرق زمين دخترها در سن ۱۴ قابليت شوهر كردن را دارند مخصوصاً در ايران و البته ممكن است استثنائي هم داشته باشد. حالا كه سن را اينجا معين نموده ايد خيلي خوب است و من همان موقع به آقای داور مي‌گفتم كه براي ازدواج سن قطعي قائل شويد نه رشد جسماني. ايشان موكل نمودند كه مطالعه نمايند حالا من تشكر مي‌كنم كه اين قسمت را دولت حل نمود ولي اگر سن دختر را به ۱۴ سال معين مي‌كرديد بهتر بود. پسر را اولياء آنها كمتر از ۱۸ سالگي زن

مي‌دهند و اين عادتى شده است ولي در قسمت دختر سن معيني قائل نشده اند و اگر در اينجا سن دختر را ۱۴ معين كنيم خيلي خوب است زيرا نگاهداري دختر از سن ۱۴ به بالا براي پدر و مادر خيلي مشكل است.

آقای وزیر. آقای وزیر موكول به نظريه اكثريت

كميسيون نمودند.

آقای ليقواني. آقای ليقواني اظهار داشتند

فلسفه طبيعي براي ازدواج بقاء نسل است البته

استعداد جسماني اهميت دارد و بنده فقط شرط

استعداد جسماني را كافي نمي دانم و معتقدم كه دختر

بايد قادر به خانه داري هم باشد و عقل او هم

كامل باشد. عقل هم كامل نمي شود مگر آنكه سن لااقل

به ۱۵ و ۱۶ برسد. اينكه استعداد جسماني قائل

شده ايد نتيجه اش اين است كه اطباء بايد به امور

سري و ناموسي مردم دخالت نمايند پس بهتر است با

درنظر گرفتن آب و هواي مملكت در تمام نقاط آن سني

قائل شويم كه دخترها در همه جا قابليت ازدواج پيدا

كرده باشند كه به عقیده من كمتر از ۱۵ سال صلاح

خواهد بود.

آقای مؤيد احمدي. آقای مؤيد احمدي خاطر نشان

نمودند كه در لايحه قانوني ازدواج پيشنهاد دولت

روي سن بود و ما اين طور اصلاح كرديم حالا هم بهتر

اين است كه سن معين شود. بين ۱۴ و ۱۵ سال هم

چندان فرقي نيست.

آقای ملك مدني. آقای ملك مدني اظهار نمودند با

اينكه آقای تهراني فرمودند با مردم تماس دارند من

تعجب مي كنم از فرمايشات ايشان. من معتقدم دختر

بايد بتواند آتیه خود را در نظر گرفته و تأمين

كند. تغيير سن ازدواج خيلي خوب بود زيرا به طوري

كه مي بينيم آن قانون اسباب زحمت شده و به عقیده

من ۱۵ سال كمتر به هيچ وجه صلاح نخواهد بود. اغلب

مردم دختر خود را براي استفاده شوهر مي دهند.

آقای جهانشاهي. آقای جهانشاهي اظهار نمودند

لايحه اي را كه آقای داور آوردند و تصويب شد در

اثر راپورتهايي بود كه به دفتر مخصوص شاهنشاهي

رسيده بود بنده اطلاع دارم در بختياري دختر ۹ ساله

را براي بختياري ها عقد مي كردند در صورتي كه آن

دختر نمي توانست راه برود حالا اين قانون، قانوني

است كه تمام اين قسمت ها بايد در آن نوشته شود و

سن ازدواج هم بايد معلوم شود و بد نيست ضمانت

اجرائی هم داشته باشد و بنده می‌خواستم استدعا کنم آقای وزیر موافقت بفرمایند به طور مطلق سن دختر ۱۵ و پسر از ۱۸ کمتر نباشد.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اغلب دیده شده که بین دو فامیل به واسطه الفت مفراط پسر و دختری را نامزد می‌نمایند و قبل از رسیدن به سن بلوغ هم عقد می‌کنند ولی عروسی نمی‌نمایند بنابراین باید استثنائی هم گذاشته شود که برای این قبیل موارد مانعی نباشد. یک عده که خیلی بی‌عاطفه هستند و فکر این چیزها را نمی‌کنند باید جلوگیری شوند و بالاخره در تمام ممالک هم استثناء قائل

می‌شوند و اشکالی ندارد.

آقای افسر. آقای افسر اظهار داشتند با توضیحی که آقایان دادند جای حرفی باقی نمی‌ماند و بین ۱۴ و ۱۵ سال هم چندان فرقی نیست قانون هم برای عموم وضع می‌شود نه برای افراد نادر.

آقای وزیر تذکر دادند دختر سیزده ساله که اولاد می‌آورد آن بچه سی سال بیشتر دوام پیدا نمی‌کند و همین‌طور مادر هم به سن سی سال پیر می‌شود.

آقای افسر سؤال نمودند اگر در خارج عقد شده باشند تکلیف چیست؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند ما آن را نکاح جایز نمی‌دانیم در سجل احوال هم وارد نمی‌کنند. چیزی را که شرع ما حلال می‌داند ما نمی‌توانیم حرام دانسته و جداً منع کنیم.

آقای تهرانی. آقای تهرانی مخالف این قسمت از نظریه آقای وزیر بوده و اظهار داشتند با این ترتیب از تعدیات جلوگیری نمی‌شود آن کسی که دخترش را به ۹ سالگی شوهر می‌دهد اگر با صورت مشروع نتواند بدهد با صورت غیرمشروع شوهر می‌دهد بنده ممکن است قبایله ازدواج چند نفر از مادران امروزه را بیاورم که در سن ۱۲ و ۱۴ شوهر اختیار کرده‌اند و اولادشان هم خیلی خوب و کامل هستند شاید خود من از همان مادرها متولد شده‌ام چیزی که در مملکت ما می‌تواند مجوز نکاح واقع شود سن چهارده است دختر در سن مزبور قابل خانه‌داری و تربیت اولاد می‌باشد بنده به مدرسه کار ندارم مدارس نسوان هم دختر را

باید برای خانه داری تربیت کند نه برای چیزهای دیگر. این طرز اصلاح نیست دختران امروزه که از مدرسه خارج میشوند هیچ چیز بلد نیستند جز جبر و مقایله و یا فرانسه.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه با این قسمت از بیانات آقای تهرانی موافق بوده و اظهار نمودند اگر اولیای دخترها خوب باشند و تربیت نمایند آنها خوب میشوند و الا نوعاً دختران محصل فاسد هستند. آقای تهرانی پیشنهاد نمودند سن دختر برای ازدواج چهارده نوشته شود.

آقای ملکمدنی مخالف این نظریه بوده و اظهار داشتند اگر مدرسه بد باشد ربطی به موضوع سن و شوهر ندارد ما منظورمان این است که از شوهر دادن دختر در سن ۱۳ سالگی جلوگیری کنیم.

به پیشنهاد آقای تهرانی که سن دختر ۱۴ سال نوشته شود رأی گرفته رد شد.

آقای مولوی سؤال نمودند موارد مهمه که در ماده ۸۵ نوشته شده کدام موارد است؟ بعد از توضیحی که داده شد قرار شد که نوشته شود:

(در مواردی که مصالحی اقتضاء کند) و با این

اصلاح ماده ۸۵ به عنوان ماده ۱۰۴۰ بدون تغییری در سن ازدواج تصویب و ماده ۸۶ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت شد.

آقای رهبری. آقای رهبری اظهار داشتند این ترتیب مخالف قانون شرع است قسمتی که برای رشد جسمانی آقای وزیر فرمودند که قابله ها پول میگیرند و تصدیق میدهند، مگر مصدقین پول نمیگیرند به عقیده بنده هم باید مراعات قانون اسلام بشود و هم مراعات این قسمت ها.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند ازدواج امری است که در تمام مملکت مجری است و قانون هم مربوط به همه است در تهران شاید دو نفر قابله باشند که بتوانند درست تشخیص دهند و در ولایات این قابله هم پیدا نمیشود. بعلاوه شاید پدر و مادر دختر راضی نشوند که دخترشان نزد طیب رفت و معاینه شود. بنابراین طور دیگر هم که نمیشود

تشخیص داد اینکه مراد شما این است که این ماده بد بوده و حذف شود آیا نظرتان چیست و چه چیز بنویسیم.

آقای رهبری. آقای رهبری جواب دادند بله من مخالف این ماده هستم و معتقدم باز همان رشد جسمانی بهتر است و ظاهرش برخلاف قانون اسلام هم نیست.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند من خودم مقیدم که قانون شرع محفوظ باشد ولی می بینیم با قوانینی که سابقاً وضع شده رعایت این قسمت مفاسدش بیشتر خواهد بود حالا هم ما نمی‌گوئیم چند ساله ممنوع است بلکه می‌نویسیم این طور ممکن است عمل شود ما باید قانون شرع و عرف و عادت هر سه را رعایت کنیم وقتی که ما به محاکم می‌گوئیم در قسمت ازدواج و طلاق یهودی‌ها باید مطابق قوانین مذهبی آنها عمل نمایند آن وقت چه طور می‌شود خودمان قوانین مذهبی خود را عمل نکنیم.

در نتیجه این مذاکرات قرار شد تیتر فصل دوم قبل از ماده ۸۵ به این ترتیب اصلاح شود:

(فصل دوم - قابلیت صحتی برای ازدواج)

که معلوم شود قابلیت مذکوره از نظر صحتی است.

ماده ۸۶ هم به‌عنوان ماده ۱۰۴۱ تصویب و ماده ۸۷ مطابق لایحه ضمیمه این دفتر قرائت شد.

آقای وزیر توضیح دادند در خارجه معمول است که سن دختر که به ۲۱ رسید دیگر برای اختیار شوهر اجازه اولیاء را لازم ندارد.

آقای مولوی. آقای مولوی اظهار نمودند در ماده ۸۶ می‌نویسد دختر که به سن ۱۸ رسید می‌تواند بدون اجازه پدر و مادر شوهر کند و حالا در این ماده باز منع کرده است؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند از سن ۱۸ به بالا باز هم اجازه پدر و جد لازم است ولی اگر اجازه ندادند می‌تواند شوهر کند.

رأی گرفته ماده ۸۷ به‌عنوان ماده ۱۰۴۲ با تبدیل کلمه (با او) به (به او) تصویب شد.

ماده ۸۸ هم به‌عنوان ماده ۱۰۴۳ عیناً مطابق لایحه پیشنهادی تصویب شد.

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۸۹ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه این دفتر قرائت شد.

آقای وزیر اظهار نمودند در متن ماده ۸۹ باید عبارتی اضافه شود که قرابت حاصل از شبیه یا زنا را هم شامل گردد و توضیحاتی دادند. با این نظر موافقت شده ماده ۸۹ به عنوان ماده ۱۰۴۴ از این قرار تصویب شد:

(نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبیه یا زنا باشد:

۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود.

۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.

۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.

۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات)

ماده ۹۰ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت شد.

آقای افسر معتقد بودند قسمت رضاعی را خوب است ضمن ماده فوق به عنوان تبصره نوشته شود. آقای وزیر توضیح دادند قانون رضاع برای ارث که نیست و برای حرمت ازدواج است و جایش هم همین اینجا است.

با ماده ۹۰ به عنوان ماده ۱۰۴۵ موافقت شد. مواد ۹۱ و ۹۲ به عنوان مواد ۱۰۴۶، ۱۰۴۷ مطابق لایحه پیشنهادی ضمیمه تصویب شد.

ماده ۹۳ به شرح مذکور در لایحه قرائت، در نتیجه تذکری که آقای افسر دادند قرار شد قسمت آخر ماده که از این قرار است حذف شود:

(در مورد این ماده و دو ماده قبل ممنوعیت نکاح موجود است اگر چه موجب قرابت نسب نامشروع باشد)

ماده ۹۴ قرائت شد.

آقای کفائی سئوال نمودند حرمت نکاح برای چیست؟

آقای وزیر جواب دادند اگر حکم حرمت را ندانند فقط عقد باطل است.

موافقت شده و ماده ۹۵ قرائت شد.

آقای وزیر توضیح دادند مقصود ما از زناشوئی ازدواج نیست بلکه واقعه است حالا اگر این کلمه، آن را نمی رساند ممکن است واضح تر بنویسیم. گفته شد مانعی ندارد ولی ممکن است به جای زناشوئی، نزدیکی نوشت.

از همین قرار اصلاح و قرار شد در کلیه مواد هر جا که زناشوئی به منظور واقعه نوشته شده اصلاح و نزدیکی شود.

آقای کفائی. آقای کفائی راجع به افشاء تذکری

دادند.

قرار شد ماده ای هم در این خصوص نوشته شود و ماده ۹۵ به عنوان ۱۰۵۰ تصویب و مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹ قرائت و با تبدیل کلمه (همخواهی) به (نزدیکی) به عنوان مواد ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴ تصویب و ماده ۱۰۰ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت شد.

آقای جهانشاهی معتقد بودند آن چیزهایی که مبتلابه مردم است باید اینجا ذکر شود این ماده علاوه از آنکه مبتلابه نیست زندگی هم دارد و خوب است حذف شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر کسی زن شوهرداری را با علم به اینکه شوهر دارد عقد کند ولو با رضای زن، ما می گوئیم حرام است آن زن به او. البته این موضوع محقق است و نباید این کار را بکنند ولی باید اینجا نوشت برفرض اثبات این مسائل مشکل است.

آقای افسر. آقای افسر تذکر دادند اگر ما دخالت در قوانین شرع نمی کردیم صحیح بود فرمایش آقای جهانشاهی ولی اینکه يك قسمت نوشته شده و يك قسمت نوشته نشود خوب نیست.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند تذکرات آقای افسر را از نظر قانونگذاری صحیح می دانم اگر وضعیات ایران مثل وضعیات مملکت عربی بود که هر کس دزدی می کرد دست او را می پریدند صحیح بود و عربها به هیچ وجه مقتضیات دنیا و

ممالك غربي را مراعات نمی‌کنند و قانون اسلام را کلاً اجرا نمی‌نمایند ولي در ایران احکام شرع تماماً اجرا نمی‌شود و ما خودمان قانون می‌گذارانیم از نظر مصالح جامعه که دختر از ۱۵ سال کمتر نباید شوهر کند و مجازات‌های شرعی را هم تبدیل می‌کنیم به مجازات‌هایی که در دنیای امروز و عالم متداول است به هر حال بنده نظر خودم را عرض کردم حالا دولت می‌خواهد قبول کند یا نکند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مبتلابه که فرمودید صحیح است ولي اتفاقات گاه‌به‌گاه پیش می‌آید اشخاصی که خودشان معتقدند به این قسمت‌ها که اصلاً مرتکب نمی‌شوند ما قانون را برای کسانی می‌نویسیم که یا دانسته کاری را می‌کنند و یا ندانسته. اگر زنی آمد شکایت کرد که عقد من با این مرد به این دلائل باطل است آیا محکمه نباید رسیدگی کند؟ البته باید حکم تفریق دهد - یک مردی با دختر صغیر خود به علف عمل شنیع کرده بود و ما نتوانستیم او را تعقیب کنیم زیرا با صرفنظر کردن مدعی خصوصی که خود مرد است دعوی تعقیب نمی‌شود.

بالاخره ماده ۱۰۰ به عنوان ماده ۱۰۵۵ تصویب و ماده ۱۰۱، ۱۰۲ مطابق لایحه ضمیمه به عنوان ۱۰۵۶، ۱۰۵۷ قرائت و تصویب شد.

ماده ۱۰۳ راجع به داشتن بیش از چهار زن دائمی در زمان واحد قرائت شد.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی مخالف این ماده بوده و معتقد بودند تبصره‌ای اضافه شود که زن در این صورت حق طلاق دارد.

آقای وزیر جواب دادند این قسمت در قانون هست و بعلاوه حالا هم عمل این است که در موقع نکاح از مرد سؤال می‌شود که زن دیگر دارد یا خیر.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند ولو آنکه داشتن چهار زن دائمی را قانون شرع اجازه داده است ولي بهتر این است این ماده حذف گردد.

اکثر با این نظر موافق بوده و رأی گرفته ماده ۱۰۳ حذف شد.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند ما خودمان تنقید می‌کنیم چند زن داشتن را و خودمان هم می‌گیریم من هم اصراری ندارم که این ماده باشد و اینکه خارجی‌ها فرمودید تنقید می‌کنند اگر ما سرنیزه‌مان قوی‌تر از آنها بود جواب خارجی‌ها را می‌دادیم - هیچ‌کدام از قوانین شرع ما بی فلسفه نیست مخصوصاً تعدد زوجات.

بالاخره با حذف ماده مزبور موافقت شده و ماده ۱۰۴ قرائت و به‌عنوان ماده ۱۰۵۸ تصویب و ماده ۱۰۵ راجع به جایز بودن تزویج کتابیه قرائت شد. آقای وزیر توضیح دادند در این قسمت حرف است و باید دقت شود زیرا بعضی‌ها معتقدند برخی از مذاهب که ما آنها را کتابی می‌دانیم کتابی نیستند.

پس از مذاکراتی در این خصوص قرار شد جمله در پرانتز (یهود و نصاری و زرتشتی) حذف شود و از همین قرار موافقت شده به‌عنوان ماده ۱۰۵۹ تصویب و ماده ۱۰۶ قرائت و به‌عنوان ۱۰۶۰ به طوری که در لایحه چاپی ضمیمه مندرج است تصویب و ماده ۱۰۷ راجع به ازدواج بعضی از مأمورین دولتی با زن اتباع خارجه قرائت پس از مذاکراتی موافقت شده و به‌عنوان ماده ۱۰۶۱ تصویب و مواد لایحه فوق تمام گردیده و شور اول این لایحه هم تمام و قرار شد راپورت شور اول به مجلس تقدیم شود و جلسه ختم گردید. جلسه آتیه موکول به روز سه شنبه ۳۰ بهمن‌ماه گردید.

گفتار چهارم. شور اول مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه

منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳

جلسه ۱۴ به تاریخ یوم سه‌شنبه ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۱۳

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

قانون مدني. شرایط صحت نکاح - وکالت در نکاح - در نکاح منقطع - در مهر

به تاریخ یوم سه شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۱۳ دو ساعت و نیم قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور اکثر از آقایان اعضاء و آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای کفائی تشکیل لایحه نمره ۲۷۶۰۴ دولت در تعقیب لایحه نمره ۲۶۰۸۸ قانون مدني که جلسه قبل شور اول آن شده است برای شور اول مطرح شد.

فصل چهارم. شرایط صحت نکاح

ماده اول آن به عنوان ماده ۱۰۶۲ از این قرار قرائت شد:

(ماده ۱۰۶۲. نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید) با این ماده مخالفی نبوده تصویب و مواد ۱۰۶۳ الی ۱۰۷۰ لایحه به طوری که در لایحه چاپی ضمیمه این دفتر درج شده است قرائت و عیناً موافقت شد.

فصل پنجم. وکالت در نکاح

مواد ۱۰۷۱ الی ۱۰۷۵ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت و عیناً تصویب شد.

فصل ششم. در نکاح منقطع

مواد ۱۰۷۶ الی ۱۰۷۸ قرائت و به شرحی که در لایحه ضمیمه مندرج است تصویب گردید.

فصل هفتم. در مهر

مواد ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲ قرائت و عیناً تصویب و ماده ۱۰۸۳ راجع به اینکه زن می تواند هر نوع تصرفی در مهر بنماید مطرح شد. آقای ملک مدني. آقای ملک مدني سئوال نمودند

اگر در قبالة قيد نشده باشد که مهر را حالا بدهد یا بعد زن چه وقت میتواند مطالبه کند؟ گفته شد اگر مدت داشته باشد مستأجل^۱ است و الا هر وقت زن بخواهد میتواند مطالبه کند. با این ماده هم موافقت شده و مواد بعد راجع به مهر و مهرالمثل مطرح، مذاکراتی شد. **آقای وزیر.** آقای وزیر توضیح دادند عدم و غیر عدم مهر مبطل نکاح نیست و بعد هم میتوانند تعیین کنند و اگر همبستری هم کردند و تعیین نکردند به تراضی آن وقت زن مستحق مهرالمثل خواهد بود. آقای وزیر مجدداً اظهار نمودند عقد بدون مهر باطل نیست و اگر در عقد شرط بکنند عدم تمکین زن را عقد باطل است. آقای احتشام زاده راجع به ماده ۱۰۸۸ اظهار نمودند عبارت ماده منظور آقای وزیر را نمی‌رساند برای روشن شدن مطلب باید نوشت ولو آنکه عدم مهر شرط شده باشد. **آقای مولوی.** آقای مولوی تذکر دادند مهر از ارکان عقد است. بالاخره مواد ۱۰۸۴ الی ۱۱۰۲ با تبدیل کلمات (زناشوئی) به (نزدیکی) و اضافه کلمه (مگر) در ماده ۱۱۰۲ قبل از (در صورتی که) به طوری که در لایحه چاپی ضمیمه مندرج است تصویب شد.

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۳ راجع به تکالیف زوجین قرائت راجع به اینکه مهر قبل از نزدیکی هم تعلق می‌گیرد یا خیر به کتاب شرایع مراجعه و معلوم شد مهر پس از دخول تعلق می‌گیرد ولو آنکه شرط نفی شده باشد. با مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ موافقت شد. ماده ۱۱۰۵ قرائت شد. آقای افسر معتقد بودند این ماده مثل احوال‌پرسی می‌ماند و الا نتیجه ندارد.

۱. در متن دستنویس عبارت «مستعجل» درج شده بود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند هم در قانون مذهبی ما و هم در قوانین مذهبی خارجه و قوانین عمومی این نصایح ذکر شده است و در حقیقت مثل تذکری است و نمی‌شود برای آن مجازاتی معین کرد. مواد ۱۱۰۵، ۱۱۰۶ هم به شرحی که در لایحه ضمیمه ذکر شده است تصویب و ماده ۱۱۰۷ قرائت شد.

آقای کفائی. آقای کفائی اظهار نمودند در جای دیگر گفتیم اگر عقد منقطع باشد نفقه بر عهده شوهر است حالا اینجا نفی آن را می‌رساند.

آقای وزیر توضیحاتی داده بالاخره تا ماده ۱۱۱۲ تصویب و ماده ۱۱۱۳ راجع به اجرای حکم ماده قبل قرائت و از این قرار اصلاح شد:

(۱۱۱۳- اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده^۱. ... رفتار خواهد شد)

ماده ۱۱۱۴ قرائت شد. ماده ۱۱۱۵ راجع به مسکن زن قرائت شد.

آقای کفائی معتقد بودند خوب است کلمه منزل را تبدیل به مسکن کنیم که شهرها را هم شامل شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند جایی را که باید سکنی کند آن را محل سکنی گویند و آن محل سکنی را منزل گویند.

آقای کفائی معتقد بودند زن می‌تواند محل اقامت و مسکن خود را در عقد معین کند.

آقای وزیر جواب دادند می‌تواند شرط کند که اختیار منزل و مسکن با خود زن است و در مورد حرفه زن، زن آزاد است فقط شوهر می‌تواند او را منع نماید نه اینکه جلوگیری کند.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی اظهار نمودند در قسمت اینکه مردی بر علیه حیات زن خود سوءقصد نماید لازم به شرط نیست. اگر زن این را ثابت نماید می‌تواند طلاق خود را بگیرد.

۱. در متن دستنویس شماره ماده درج نشده بود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند يك وقت ممكن است مرد عصبانی شده و زن خود را بزند اين زن موجهی برای طلاق نمی‌شود بعلاوه اغلب دیده شده البته اگر این جهات پیدا شد و ثابت گردید زن می‌تواند مراجعه نموده و طلاق بخواند.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده تذکر دادند در قانون ازدواج ماده‌ای داشت که اگر مرد زن دیگری داشته باشد باید در موقع عقد اقرار کند حالا در اینجا آن ماده ذکر نشده است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند این ماده را نمی‌شود در قانون مدنی آورد زیرا اگر مرد زن داشته باشد و بگوید ندارم مبطل عقد نیست بعلاوه این موضوع دو قسمت است یکی آنکه زن داشته باشد و یکی آنکه بعدها زن بگیرد هر دو را باید رعایت کرد.

آقای لبقوani. آقای لبقوani اظهار نمودند يك اختلافاتی که اغلب بین زن و شوهر پیدا می‌شود روی دارائی زن است و در این خصوص قوانین ما پیش‌بینی نکرده در صورتی که در خارجه مرسوم است و مقرراتی برای دارائی طرفین وضع شده است حالا اگر صلاح است خوب است شرایطی برای دارائی زن وضع شود.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند زنان ما در قسمت دارائی خود آزادتر هستند از دیگران. البته اگر طرفین مایل بودند ممکن است قراردادی بگذارند و الا به همین ترتیب فعلی بهتر است.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده پیشنهاد نمودند در ماده مربوطه خوب است اضافه شود که مرد باید در موقع عقد اظهار کند که زن دیگری دارد یا خیر و آیا بعدها می‌گیرد یا نمی‌گیرد.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار داشتند نظر آقای احتشام‌زاده خوب است ولي عكس‌العملي دارد برای آنهایی که این شرط را نکرده‌اند و ممکن است برای زن‌ها این فکر پیدا شود و اسباب زحمت مرد را فراهم کنند.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۵۵

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند این مواد مربوط به آتیه است و آنهایی که میخواهند زن بگیرند و ازدواج کنند نه مربوط به آنهایی که زن دارند.

بالاخره ماده ۱۱۱۵ عیناً و ۱۱۱۶ با تبدیل کلمه (عده) به (عهده) و ماده ۱۱۱۸ با تبدیل کلمه (با زن) به عبارت (خود یا زن) و ماده ۱۱۲۰ با تبدیل کلمه (تحقیق) به (تحقق) تصویب و شور اول این لایحه هم خاتمه یافته راپورت آن جهت مجلس به طوری که نسخه ای از آن به این دفتر ضمیمه شده است تهیه و یک ساعت قبل از ظهر جلسه ختم گردیده جلسه آتیه به روز سه شنبه ۷ اسفند موكول گردید.

گفتار پنجم. شور اول مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه

منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳

جلسه ۱۶ به تاریخ یوم پنج شنبه ۱۶ اسفندماه ۱۳۱۳

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

قانون مدنی. در انحلال عقد و امکان فسخ نکاح

لایحه نمره ۲۹۱۳۱ قانون مدنی در تعقیب لایحه نمره ۲۷۶۰۴ در انحلال عقد و امکان فسخ نکاح و در طلاق برای شور اول مطرح و ابتدای آن از این قرار قرائت شد:

باب دوم. در انحلال عقد نکاح

(ماده اول به عنوان ماده ۱۱۲۱ - عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل میشود)

آقای دیبا. آقای دیبا معتقد بودند طلاق را باین باید نوشت.

آقای وزیر جواب دادند فسخ معامله را در قانون مدنی همین‌طور نوشته‌ایم. آقای دیبا تذکر دادند فسخ آثارش مختلف است. با ماده ۱۱۲۱ موافقت شده و ماده دوم لایحه از این قرار قرائت شد:

فصل اول. در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۲. جنون هر يك از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند قانون مدنی باید مطابق قانون شرع باشد - بعلاوه باید عرف و شهرت و عادت را هم در نظر بگیریم - جنون اگر بعد از عقد هم عارض شود موجب فسخ است ولی تفاوتی که دارد این است که اگر قبل از عقد باشد خود به خود عقد فسخ می‌شود و اگر بعد از آن عارض گردد حاکم باید طلاق دهد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند جنون دو قسم متصور می‌شود یکی حین‌العقد و یکی بعد از عقد. البته برای مرد چون او همیشه حق طلاق دادن را دارد نگفته‌اند ولی برای زن گفته‌اند که حق فسخ برای او پیدا می‌شود.

آقای دیبا. آقای دیبا در تعقیب اظهارات خود توضیح دادند اگر شوهر مجنون شد حاکم شرع باید طلاق دهد و آقای وزیر جواب دادند این طور نیست و اکثر علما معتقدند که برای زن حق فسخ است و لزومی ندارد حاکم طلاق دهد.

آقای کفائی. آقای کفائی با نظر آقای دیبا موافق بود.

آقای وزیر اظهار نمودند اگر حاکم شرع امتناع از دادن طلاق نماید تکلیف چیست؟ آیا زن باید با شوهر دیوانه زندگانی نماید؟

بالاخره با این ماده هم موافقت شده ماده ۱۱۲۳

راجع به عیوب مرد از حیث زناشوئی قرائت گردید: (رجوع شود به لایحه دولت که ضمیمه این دفتر شده است).

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی اظهار نمودند در مورد محکومیت تعزیری^۱ اگر مردی مرتکب عملی شد که به حبس دائم یا ۱۵ سال محکوم گردید باید زن حق فسخ نکاح را داشته باشد و دیگر راجع به قطع آلت تناسلی است که آن هم باید مثل عنن محسوب گردد.

آقای کفائی. آقای کفائی تذکر دادند اگر عنن باشد و قابل معالجه نباشد دیگر فائده ای ندارد. آقای وزیر توضیح دادند یک سال اگر کسی معالجه کرد و نتیجه نگرفت دیگر فائده ندارد - اینها مثل غایب مفقودالثر است که مدت را سه سال قرار داده ایم.

آقای دیبا. آقای دیبا تذکر دادند مسئله عنن و قطع آلت تناسلی در نکاح دائمی موجب فسخ است ولی در منقطعه نیست زیرا منقطعه برای این کار نیست.

آقای وزیر توضیح دادند دلیلی ندارد برای منقطعه این حق نباشد زنی که برای مدت پنجاه سال به عقد انقطاعی در آمده و او هم می‌خواهد تمتع نماید دلیلی ندارد حق فسخ نداشته باشد.

مجدداً آقای دیبا اظهار نمودند در عقد منقطعه اگر مرد شرط کند که موافقه در بین نخواهد بود عقد مزبور باطل نیست ولی در نکاح دائمی این شرط را نمی‌تواند بکند و عقد باطل خواهد بود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند البته اگر شرط کند مسئله ای نیست. ما موردی را می‌گوئیم که شرط نشده و زن برای زناشوئی شوهر کرده است. به هر حال قضیه زناشوئی مثل خریدن مالی است که اگر

1. در متن دستنویس عبارت «ترزیلی» درج شده بود که به نظر می‌رسد «تعزیری» صحیح است. لذا در متن فوق عبارت اخیر جایگزین گردید.

2. در متن دستنویس عبارت «است» درج شده بود.

معیوب در آمد خریدار حق دارد پس بدهد زن به خیال اینکه مرد صحیح الخلقه است زن او شده حالا که معلوم شده که مرد مثلاً آلت تناسلی ندارد اصلاً عقد باطل می شود ولی در غیر منقطعه و منقطعه چون مطالعه کاملی نکرده ایم ممکن است جزئیات آن را به بعد موکول نمائیم.

رأی گرفته ماده ۱۱۲۳ با تبدیل کلمه (حاکم) به (حاکم) تصویب و ماده ۱۱۲۴ راجع به عیوب زن در مورد ازدواج قرائت گردید (مراجعة شود به لایحه چاپی دولت).

آقای افسر. آقای افسر اظهار نمودند مرحوم حاجی میرزا حسین مجتهد سفلیس را هم جزو مرض جذام آورده بود و آن را هم موجب فسخ نکاح می دانست در صورتی که اینجا جذام نوشته شده و سفلیس که بدتر از آن است ذکر نگردیده.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند آنچه فقهاء گفته اند این است که ما نوشته ایم و در قسمت سفلیس و سایر امراض مسریه بعد خواهد آمد.

آقای لایقوانی. آقای لایقوانی راجع به زمین گری و نابینائی اظهار نمودند البته اگر در بدو ازدواج این مرض پیدا شود یا قبلاً برای زن بوده موجب حق فسخ برای مرد است ولی اگر بعد از بیست سال زندگانی زناشوئی زن نابینا شود آیا انصافاً این حق را برای مرد باید قائل شویم؟!

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند در ماده بعد می نویسد که عیوب زن وقتی موجب فسخ است که در حال عقد آن عیب باشد.

سؤال شد قرن که در فقره اول این ماده ذکر شده چیست و چه مرضی است؟

جواب داده شد استخوانی است که در زن پیدا می شود و مانع مواقعه می گردد.

۱. در متن دستنویس ماده «۱۰۲۲» درج شده بود.

۲. در متن دستنویس ماده «۱۰۲۴» درج شده بود.

رأی گرفته ماده ۱۱۲۴ عیناً تصویب و مواد ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸ قرائت و مطابق لایحه چاپی ضمیمه موافقت گردید.

ماده ۱۱۲۹ قرائت شد.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند آیا مقصود از صفت‌ها کدام است اگر به فامیل زن بگویند که مرد مکننت زیادی دارد یا تاجر معتبری است و بعد معلوم شود دروغ بوده آیا موجب فسخ می‌شود؟

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند یک وقت صرفاً زن خیال می‌کند که شوهر آتیه او شخص متمولی است یا درجه ژنرالی دارد و بعد معلوم شود که این طور نبوده است حتی برای زن نیست ولی اگر مرد خودش را این‌طور نشان داده باشد و یا در مذاکرات ازدواج بنابراین بوده است البته حق فسخ برای زن خواهد بود.

موافقت شده ماده ۱۱۳۰ قرائت موافقت شده، ماده ۱۱۳۱ راجع به حق طلاق زن قرائت شد.

آقای افسر اظهار نمودند امراض مقاربتی را به ابهام گذاشتن خوب نیست و باید مرض از حدودی شروع و به نقطه‌ای ختم شود. به هر حال باید نوع امراض هم نوشته شود که در صورتی که چنین مرضی مرد داشته باشد زن حق دارد از ایفاء وظایف زناشویی امتناع نماید.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی معتقد بودند فقره اول این ماده زننده است و این طور می‌رساند که اگر مرد فقیر شد زن می‌تواند از او جدا شود. آقای وزیر معتقد بودند اگر زن، زن با

۱. در متن دستنویس ماده «۱۰۲۴» درج شده بود.

۲. در متن دستنویس مواد «۱۰۲۵»، «۱۰۲۶»، «۱۰۲۷»، «۱۰۲۸» درج شده بود.

۳. در متن دستنویس ماده «۱۰۲۹» درج شده بود.

۴. در متن دستنویس ماده «۱۰۳۰» درج شده بود.

۵. در متن دستنویس ماده «۱۰۳۱» درج شده بود.

عاطفه‌ای باشد که البته با هر طرز زندگانی مرد می‌سازد و اگر عاطفه نداشته باشد نمی‌شود او را اجبار نمود.

مواد ۱۱۳۲، ۱۱۳۳^۱ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت شد.

آقای کفائی سئوال نمودند فقره اول ماده ۱۱۳۱^۲ چه مواردی است؟

آقای وزیر جواب دادند آن موردی است که مرد پیش زن نمی‌رود.

آقای لایقوانی معتقد بودند یکی از موارد که زن باید حق فسخ داشته باشد و مهم‌تر از سایر موارد است وقتی است که مرد الکلیسم می‌شود و زن را اذیت می‌کند.

گفته شد آن قسمت جزو سوء معاشرت است و اگر

کار به جنون رسید که برای زن حق فسخ است و اگر نرسید که نمی‌شود اجبار نمود مرد را.

راجع به ماده ۱۱۳۲^۳ آقای دیبا معتقد بودند این ماده هم برخلاف عقاید فقها است - در احکام شرع ذکر از جاهل نشده کسی که متولد می‌شود باید احکام دینی را یاد بگیرد و اظهار جهل فائده‌ای ندارد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند چطور می‌فرمائید جهالت شرط نیست مردی که زن شوهردار را یا زنی که در عده است می‌گیرد بدون اطلاع، آن عقد باطل است. به هر حال علم به موضوع و علم به حکم هر دو شرط است اگر هر دو را دانست و عقد کرد حرام مؤبد می‌شود و اگر یکی را دانست عقد باطل می‌شود.

آقای دیبا. آقای دیبا مجدداً اظهار نمودند جهل بر چیزی عذر نمی‌شود - بالاخره با مواد فوق هم

۱. در متن دستنویس مواد «۱۰۳۲، ۱۰۳۳» درج شده بود.

۲. در متن دستنویس ماده «۱۰۳۱» درج شده بود.

۳. در متن دستنویس ماده «۱۰۳۲» درج شده بود.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۶۱

موافقت شد.

فصل دوم. در طلاق

مبحث اول. در کلیات

ماده ۱۱۳۴ قرائت و موافقت شده مواد ۱۱۳۵ الی ۱۱۴۳ قرائت گردید (رجوع شود به لایحه چاپی ضمیمه) مخالفی نبوده پس از مذاکرات ختصری تصویب شد.

مبحث دوم. در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۴ قرائت مخالفی نبوده مواد ۱۱۴۵، ۱۱۴۶ قرائت شد.

آقای دیبا اظهار نمودند در تریز معمول است که سه طلاق را یک دفعه در محضر می‌دهند و مردی ممکن است در ظرف ده دقیقه در محضر سه دفعه طلاق داده و بگوید رجوع کردم که سه طلاقه شود در صورتی که در مذهب ما باید طلاق قطعی باشد و در رجوع نزدیکی هم واقع شود.

آقای وزیر جواب دادند قصد رجوع، رجوع است و موافقت شده مواد ۱۱۴۷ الی ۱۱۵۰ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه قرائت و موافقت گردید.

مبحث سوم. در عده

مواد ۱۱۵۱ الی ۱۱۵۸ که آخرین ماده لایحه می‌باشد قرائت بعد از توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند با مواد مزبور هم برای شور اول موافقت شده و شور اول لایحه فوق خاتمه یافت و چون اصلاحی فوق اعمال نشده بود قرار شد عین لایحه دولت به مجلس راپورت شود و جلسه ختم گردید.

راجع به جهل بر قانون که عذر است یا نیست به کتاب شرح^۱ لایحه مراجعه و معلوم شد که جهل عذر است و راجع به جلسه آتیه پس از مذاکراتی قرار شد روز

۱. در متن دستنویس عبارت «شرع» نوشته شده بود.

چهارشنبه آتیه باشد.

گفتار ششم. شور مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

مواد مذکور در يك شور و در جلسه ۲ مورخ ۱۳۱۴/۱/۱۷ و در ادامه شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین مشروح مذاکرات شور دوم کمیسیون پارلمانی عدلیه مجلس شورای ملی در مورد مواد فوق منتفی است. با توجه به اینکه مواد مذکور در ادامه شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ مورد بررسی قرار گرفته، لذا مشروح مذاکرات این مواد، در قسمت مربوط به مشروح مذاکرات شور دوم کمیسیون پارلمانی عدلیه مجلس شورای ملی قرار گرفته است. بنابراین برای مطالعه این مشروح مذاکرات به مشروح مذاکرات شور دوم کمیسیون پارلمانی عدلیه مجلس شورای ملی، مراجعه شود.

در مورد يك شوري بودن مواد مذکور، در انتهاي صورت مذاکرات جلسه مذکور چنین آمده است که: «... چون به واسطه انقضای دوره نهم مجلس فرصتي

نبود که لایحه مزبور دو شور شده و به تصویب مجلس برسد لذا بر طبق پیشنهاد آقای وزیر عدلیه قرار شد این لایحه بخصيص يك شوري باشد و لذا رأي قطعی به لایحه فوق گرفته تصویب و قرار شد از این قرار راپورت آن به مجلس تقدیم گردد که در جلسه آتیه مجلس که آخرین جلسه دوره نهم می باشد به تصویب رسیده به دولت ابلاغ شود و جلسه کمیسیون ختم گردید.

جلسه آتیه به واسطه انقضای دوره نهم معین نگردید.»

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۶۳

گفتار هفتم. شور اول مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب ۲۵ خرداد ۱۳۱۴
جلسه ۶ به تاریخ یوم چهارشنبه اول امرداد ماه
۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

لایحه دولت در تعقیب مواد قانون مدنی (در حجر و
قیمومت)

به تاریخ یوم چهارشنبه اول امرداد ماه ۱۳۱۴ سه
ساعت قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای
وزیر عدلیه به ریاست آقای جمشیدی تشکیل گردید.
لایحه نمره ۱۲۴۲۳ وزارت عدلیه راجع به حجر و
قیمومت در تعقیب مواد قانون مدنی که به تصویب
رسیده مطرح ماده اول آن که در تعقیب مواد سابق
ماده ۱۲۰۷ خواهد بود از این قرار قرائت شد:

کتاب دهم. در حجر و قیمومت

فصل اول. در کلیات

ماده ۱۲۰۷. اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال
و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار.

۲. اشخاص غیر رشید.

۳. مجانین.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی سؤال نمودند غیر
رشید آیا باید در محکمه ثابت شود؟

آقای وزیر عدلیه جواب دادند بله و اساساً ما
مشکلی داشتیم راجع به صغر و غیر رشید زیرا رشید
صفت است که هم باید خودش شرط شود و هم سن و در
صغر دیگر توضیح نمی‌خواهد ولی طرز صغر را باید معین
کنیم.

با ماده فوق موافقت شده و ماده ۱۲۰۸ قرائت شد:

(غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد)
خالقی نبوده ماده ۱۲۰۹ قرائت شد:

(هر کس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود)

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در اینجا قید نکرده‌ایم که حد رشد کدام است ولی البته کمتر از ۱۵ سال ثابت نمی‌شود. در ازدواج دو رشد داشتیم یکی جسمانی و دیگری صحت. در پسر ۱۵ سال تمام و در دختر ۱۳ سال تمام و یک استثنائی هم گذاشته‌ایم ولی رشد حقوقی با آن رشد فرق دارد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی نسبت به ماده ۱۲۰۸ اظهار نمودند تنها حقوق مالی نیست که غیر رشید از آن محروم می‌شود بلکه از حقوق اجتماعی هم باید محروم شود.

آقای وزیر جواب دادند اینجا مراد حقوق اختصاصی است نه حقوق اجتماعی و اینکه اینجا قید حقوق مالی شده برای این است که معلوم باشد حقوق جزائی نیست.

مجدداً آقای جهانشاهی اظهار نمودند قانون مدنی باید حقوق افراد را در مقابل اجتماع معین کند و این ماده هیچ منع قانونی ندارد که غیررشیدی در حقوق اجتماعی دخالت نماید.

آقای نقابت. آقای نقابت تذکر دادند در قانون ازدواج به زوج حق داده شده در سن ۱۶ سالگی حقوق خود را مطالبه کند.

آقای وزیر جواب دادند در قانون ازدواج رشد صحتی و جسمانی در نظر گرفته شده نه قوه انشاء.

در این موقع قانون رشد متعاملین و قانون مدنی در ازدواج قرائت شد.

آقای رضوی اظهار نمودند رشد زن همیشه رشد عقلی است و زودتر از مرد رشید می‌شود. بنابراین بنده می‌خواستم عرض کنم که اینجا اضافه شود بدون

رضایت قیم، دختر بعد از ۱۵ سال می‌تواند شوهر کرده و بالاخره بذل مهر نموده طلاق بگیرد.

آقای کفائی. آقای کفائی با نظریه آقای رضوی موافق بوده و اظهار نمودند زن، شوهر می‌خواهد و شوهر فعلی او هم ترک کرده و حالا می‌خواهد طلاق بگیرد چه مانعی دارد؟

آقای وزیر جواب دادند نمی‌تواند مگر آنکه دو سه سال از زمان ازدواج گذشته باشد. شما اجازه نمی‌دهید دختری که به سن ۱۸ سال نرسیده پنج تومان معامله کند آن وقت می‌فرمائید دویست تومان مهر خود را ببخشد. اساساً دختر جوان است و بوالهوس نباید به حرف او گوش داد البته قیم او بهتر از او می‌فهمد. فقط شاید یک مورد به نظر شما بیاید که صلاح دختر باشد هزار مورد دیگر صلاح نخواهد بود.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی تذکر دادند ممکن است همین منع دختر باعث شود که اختلاف بین او و شوهر رفع گردد و از این جهت بنده با نظر آقای وزیر موافقم.

ماده ۱۲۱۰ از این قرار قرائت شد:

(هیچ کس را نمی‌توان به عنوان جنون یا عدم رشد بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد).

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند یک عدم رشدی داریم از نظر خلقت و نقص آن حالا بعد از آن سن اگر کسی مدعی شود که این شخص رشید نیست باید ثابت نماید.

آقای دکتر جوان معتقد بودند رشد منحصر به سن نیست.

آقای کفائی اظهار نمودند در این صورت کبر هیچ معنی ندارد زیرا صغری در بین نیست.

آقای دکتر جوان توضیح دادند کبر و رشد مخلوط می‌شود یعنی رشدی که بعد از کبر باشد.

آقای وزیر توضیح دادند شخص در کارهای خود باید دو صفت داشته باشد. یکی رشد و یکی کبر. بعد از تحقق این دو صفت آن وقت نمی‌شود کسی را غیر رشید دانست مگر آنکه ثابت شود.

بالاخره قبل از عبارت (رشد مجبور نمود) قرار شد

کلمه (حد) اضافه شود و ماده ۱۲۱۱ قرائت شد:
(جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است)
آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند
این ماده باید جایی نوشته شود که شقوقی برای
جنون قائل شده باشیم.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند این ماده
اگر نوشته نشود ممکن است در محکمه دفاع شود که
چون این شخص جنون مختصر دارد و یا همیشه مجنون
نیست پس او را نمی‌شود مجنون گفت.

ماده ۱۲۱۲ قرائت شد:

(اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به
اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است
معذک صغیر می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول
هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات)

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند یک اصل
این است که والدین بالغ باشند.
آقای وزیر اظهار نمودند حیات مباحات تملک
قهری می‌آورد.

ماده ۱۲۱۳ قرائت شد:

(جنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال
جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود
بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال
حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ
است مشروط براینکه افاقه او مسلم باشد).

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند
ماده ۱۲۱۱ که قرائت شد من خیال کردم مجنون به
طور کلی نمی‌تواند در اموال خود تصرفاتی نماید.
حالا معلوم می‌شود که مجنون ادواری می‌تواند.

آقای وزیر توضیح دادند البته کسی که جنون
ادواری دارد در حال افاقه ضرری ندارد اگر بنا
شود کسی بگوید این شخص هیچ وقت عاقل کامل نیست
پس او را مجنون ادواری نمی‌شود گفت. منظور ما
کسانی است که در ظرف سال مثلاً پنج یا شش ماه
دیوانه و پنج یا شش ماه کاملاً عاقل است. در موقع
عاقلی البته می‌تواند و مانعی ندارد ولی سفته و
عدم رشد چیزی نیست که ادواری باشد.

ماده ۱۲۱۴ قرائت گردید:

(معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل. معذلتک تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.)

آقای نقابت. آقای نقابت پیشنهاد نمودند کلمه (تصرفات) حذف شود.

آقای جهانشاهی اظهار نمودند به نظر من در قسمت مجنون ادواری اشکالاتی پیدا خواهد شد زیرا اشخاصی هستند که یک روز عاقل و یک روز دیوانه اند.

آقای وزیر جواب دادند اگر اختلاف شد باید به ثبوت برسد.

بالاخره با پیشنهاد آقای نقابت موافقت نشد.

ماده ۱۲۱۵ قرائت شد:

(هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود).

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند در قانون می‌نویسد اگر کسی مالی را دست دیگری بسپارد آن شخص مسئول است ولو آنکه صغیر باشد. در قانون فرانسه می‌نویسد اگر کسی سبب خسارت مال دیگری شد مسئول است ولی در قانون مدنی ما ننوشته است که اگر این شخص عاقل نباشد مسئول نخواهد بود.

آقای دیبا راجع به صغیر و مسئولیت او در مقابل اموالی که به او می‌سپارند تذکری داد.

آقای وزیر توضیح دادند چه مال خود صغیر باشد و چه مال دیگری تفاوت ندارد. اگر خود صغیر باعث اتلاف مال دیگری شود آن صغیر مسئول است.

آقای کفائی. آقای کفائی اظهار نمودند ما بین ۱۵ سال و ۱۸ سال تفاوتی قائل شده ایم در صورتی که حالا صغیر و غیر رشید را با هم نوشته‌اید.

ماده ۱۲۱۶ قرائت شد:

(هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است)

سؤال شد آیا قیم ضامن نیست؟

آقای وزیر جواب دادند خیر به او چه مربوط است.

ماده ۱۲۱۷ قرائت و موافقت شد:
(اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید به عهده ولی یا قیم آنان است به طوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.)

فصل دوم. در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸ قرائت گردید:
(برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.
۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.)

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند اشخاصی که قیم دارند چه می‌شود؟
آقای وزیر جواب دادند شناسائی که لازم است و شخصی که خودش را قیم می‌داند باید ثابت کند.
آقای دکتر جوان معتقد بودند فقرات ۲ و ۳ یکی شود.

آقای وزیر توضیح دادند ما ولی خاص را خواسته‌ایم تعریف کنیم.

ماده ۱۲۱۹ قرائت شد:
(هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.)
مخالفی نبوده ماده ۱۲۲۰ قرائت شد:

(در صورت نبودن هیچ یک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌نمایند.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند خوب است ماده قبل اصلاح و نوشته شود هر یک از ابوین یا اقربای آنها و دیگر آنکه آیا عدم اطلاع

ابوین موجب مسئولیت آنها می‌شود؟
آقای وزیر جواب دادند اینجا که چیزی نوشته نشده ولی ممکن است مسئولیت جزائی قائل شویم اما نه در این قانون. و راجع به اقرباء هم که آقای کفائی تذکر دادند سببی یا نسبی تفاوتی ندارد.

ماده ۱۲۲۱ قرائت شد:

(اگر کسی که به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود).

آقای کفائی معتقد بودند ماده ۱۲۲۰ این قسمت را تأمین می‌کند.

گفته شد خیر لازم است و ماده ۱۲۲۲ قرائت شد:

(در هر موردی که مدعی‌العموم به نحوی از انحاء

به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به محکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌دانند به محکمه مزبور معرفی کند - محکمه شرع از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز محکمه مزبور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند.

اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.)

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند در مورد نصب قیم گاهی اشتباهاتی می‌شود و محکمه شرع بدون توجه به قیم و شخصیت او قیم معین می‌کند در صورتی که شاید صلاحیت اشخاص دیگر بیشتر باشد. گاهی مادر شخص بچون جزء اشخاصی است که پیشنهاد داده‌اند ولی البته از نظر صلاحیت برادر آن شخص مقدم است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند گاهی قرابت و نزدیکی بیشتر اسباب ضرر است و علاوه نصب قیم که بیشتر برای صغار می‌شود کار مشکلی شده

مدعی‌العموم یا وکیل عمومی که باید نصب قیم نمایند به قدری کار دارند که به یک جزئیاتی نمی‌رسند. در تهران توانسته‌ام دو نفر را بخصوص برای این کار معین کنیم و اینها هم در موارد لزوم رجوع کرده یا می‌نمایند. کبیر هم آژان می‌فرستد درب خانه صغیر و می‌پرسند که چه کسانی را دارد. البته از بین نزدیکان آنهایی که نظر به سوء ندارند حاضر نمی‌شوند قیمومت کنند و آنهایی که چشم به مال صغیر دوخته‌اند مشغول اقداماتی می‌شوند که به سمت قیم معین شوند به هرحال این کار، کار مشکلی است و چاره‌ای نداریم.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند اگر بین حاکم شرع و مدعی‌العموم در این موارد اختلاف شود به عقیده من هیچ راهی برای حل اختلاف نخواهد بود در صورتی که صلاحیت مدعی‌العموم بیشتر از حاکم شرع است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اینجا اختلافی نیست و مدعی‌العموم معرفی می‌کند حاکم شرع هم به نظر خودش نمی‌تواند نصب قیم نماید اگر حاکم شرع کلیه اشخاص معرفی شده را معتمد ندید فرض خیلی نادری است. البته فرض این را هم که بنمائیم تازه یا حاکم شرع را قانع می‌نمایند یا آنکه مدعی عمومی دو نفر دیگر را معرفی می‌نماید.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده توضیح دادند مصلحت صغار این است که مطالعات بیشتری در قسمت قیم بشود. زیرا من دیده‌ام با آنکه در خانواده‌ای اشخاص صلاحیت‌دار و مناسبی بوده‌اند اشخاص نامناسبی را در نظر گرفته‌اند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اساساً اشخاصی هستند که اصلاً خانواده‌ای ندارند که آنها را برای قیمومت انتخاب کنند بعلاوه متأسفانه گاهی چیزهایی می‌بینم که خیلی متأسف می‌شوم. چندی قبل از طرف یک خانواده شریفی به بنده کاغذی نوشته و مرا تهدید می‌نمودند که چرا در فلان موضوع ما را قیم معرفی نکرده‌اید البته این مسلم است که کسی برای خاطر صغیر دلش نسوخته که خودش را در زحمت و من را هم تهدید کند بلکه صرفاً برای منافع

شخصی خودش می‌باشد بنابراین باید خیلی مراعات این قسمت‌ها را نموده که مال صغیر حیث و میل نشود. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند ماده‌ای اضافه و این قسمت‌ها به نظامنامه موکول گردد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر تذکر دادند در خارجه راجع به تعیین قیم به شورای خانواده رجوع می‌نمایند ولی در اغلب موارد به نتیجه نمی‌رسند فعلاً همین ترتیبی که اینجا نوشته شده خوب است.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی اظهار نمودند چون در کرمان محضر شرع رسمی نبود چندی قبل برای تعیین قیم جهت صغیری رجوع نمودند به مرکز و قرار شد مدعی‌العموم تهران اقدام به تعیین قیم پیشنهادی بنماید. چون مدتی طول کشید وقتی که قیم‌نامه به کرمان ارسال شد قیم تعیین شده هم فوت نمود و قضیه همین‌طور ماند حالا باید مراعات این قسمت‌ها بعمل آمده در قسمت تعیین قیم اقدام فوری به عمل آید.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار داشتند مسئله قیم مثل ناظر نیست و تعیین ناظر به طور کلی با محضر شرع است و حالا من معتقدم ناظر هم مثل قیم از طرف پارکه پیشنهاد شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند یک وقت این است که مدعی‌العموم نظرش قطعی است نسبت به اشخاصی که پیشنهاد می‌کند و یک وقت خودش هم احتیاط می‌نماید و حالا همان طور که در قانون مدنی یک اصلی را رعایت کرده‌ایم که به نظامنامه موکول نکنیم اینجا هم خوب است اشاره به نظامنامه نشود.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند اگر در قسمت طرز حل اختلافات بین مدعی‌العموم و محکمه شرع به نظامنامه موکول شود هیچ مانعی ندارد.

آقای وزیر توضیحاتی داده و اظهار نمودند اگر محکمه بدون پیشنهاد مدعی‌العموم قیم معین کند آن قیم نیست زیرا آن نظر وضعی را پیدا می‌کند با حکم کلی.

بالاخره موافقت شده و ماده ۱۲۲۳ از این قرار قرائت گردید:

(در مورد مجانین مدعی‌العموم باید قبلاً رجوع به خیره کرده نظریات خیره را به محکمه ابتدائی ارسال دارد.)

در صورت اثبات جنون مدعی‌العموم به محکمه شرع رجوع می‌کند تا نصب قیم شود - در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی‌العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او به دست آورده در صورتی که سفاهت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به محکمه شرع رجوع نماید.)

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند اگر شخصی پسرش دیوانه شود آیا این پدر می‌تواند قیمومت کند بدون مراجعه به پارکه؟

آقای وزیر جواب دادند نسبت به صغیر اولادش می‌تواند ولایت کند ولی نسبت به خودش که دیوانه شده نمی‌تواند.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند آنچه را که مبتلابه خود ما است در نظر گرفته و اینجا عرض می‌کنم ولی یک مشکلاتی هم هست که فعلاً در نظر ما نیست و ممکن است در عمل موجب اشکالاتی شود.

آقای وزیر توضیحاتی داد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند اختیاری که اینجا به مدعی‌العموم و محکمه بدایت داده شده به اندازه‌ای مهم نیست که استیناف و تمیز برای آن قائل شویم ولی از آن طرف ممکن است مجبور به حکم محکمه ابتدائی تسلیم نباشد و مدعی شود مجبور نیست. اینجا اگر استیناف نداشته باشد ممکن است تضییع حقی شود زیرا در این قبیل موارد اشخاص تشبثاتی می‌نمایند که طرف را مجبور قلمداد کنند.

آقای وزیر توضیحاتی داده بالاخره با ماده فوق موافقت و ماده ۱۲۲۴ قرائت شد:

(نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود.)

مخالفی نبوده قرار شد ابتدای ماده کلمه (حفظ)

هم علاوه شود.

ماده ۱۲۲۵ از این قرار قرائت گردید:

(همین که حکم جنون یا عدم رشد يك نفر صادر و به توسط محكمه شرع براي او قییم معین گردید مدعی العموم می‌تواند حجر او را اعلام نماید - انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده اي واقع گردد الزامی است.)

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند چون ابلاغ حکم برای اعلام است خوب است نوشته شود همین که حکم جنون یا عدم رشد يك نفر صادر و قطعی شد. آقای وزیر توضیح دادند با وجود صدور حکم ابتدائی مدعی العموم باید به محكمه شرع مراجعه کند و قییم هم معین کند. برفرض آن شخص حق استیناف داشته باشد برای اینکه ثابت کند که مجنون نیست ولی باید دید اگر حکم استیناف و تمیز برخلاف حکم ابتدائی صادر شد که این شخص رشید است، آیا عملیات قییم چه می‌شود به عقیده من باید گفت هر عملی که تا آن روز نموده نافذ است.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند من به قانون تجارت مراجعه و دیدم که در مورد ورشکستگی قبل از حکم محكمه مدیر تصفیه حق ندارد به غرماء

شروع کند. حالا اگر ما بیائیم با حکم محكمه ابتدائی قییم معین کنیم غیر عملی است و از آن طرف قبل از قطعیت حکم نباید مدعی العموم یا غیر او مبادرت به عملیاتی نمایند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند حکم را با شما موضوعیت نمی‌دهیم. بنده با این قسمت مخالفم و اینکه اعمال موقتی قییم نافذ باشد آن هم زننده است.

آقای عراقی. آقای عراقی که در کمیسیون حاضر بودند اظهار نمودند اصلاً حکم را از وضعیت حکمی خارج کردن خوب نیست. حکم ابتدائی در يك موقع نافذ است و در اکثر موارد نافذ نیست و استیناف

کاشف آن است. اگر استیناف حکم بدوی دایر بر مجبور بودن را^۱ نقض کند کاشف براین است که اصلاً این آدم مجبور نبوده و بنابراین کسی را هم حق دخالت در اموال او نیست.

مذاکرات کافی شده بالاخره قرار شد ماده به همین ترتیب که پیشنهاد شده باقی باشد و ماده ۱۲۲۶ قرائت شد:

(اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد مجنون یا سفیه شده و مجبور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است).
آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند کسی که از ۱۲ سالگی مجبور بوده و حالا سنش به ۲۵ رسیده است باید مجبور بودن او اعلان شود.
آقای وزیر جواب دادند تا به سن رشد نرسیده باشد مجبور و غیر مجبور بودن آن لازم نیست معلوم شود.

آقای رضوی پیشنهاد اصلاحی نمودند و قرار شد ماده به این ترتیب اصلاح شود:

(ماده ۱۲۲۶. اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد به علت جنون یا سفیه مجبور می‌گردند الی آخر)
ماده ۱۲۲۷ از این قرار قرائت گردید:

(فقط کسی را محاکم و ادارات عدلیه به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب می‌شود)

آقای دیبیا. آقای دیبیا اظهار نمودند چنین قانونی نداریم که محکمه شرع مطابق آن عمل نماید. بعلاوه محاکم شرع مستقل هستند.

آقای وزیر جواب دادند ما می‌گوییم اگر قانونی باشد مطابق آن و الا هرطور که تا به حال نصب قیم می‌کرده اند بعدها هم خواهند کرد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند محاکم و ادارات عدلیه که نوشته شده خوب نیست و

۱. در متن فوق عبارت «را» بعد از عبارت «بودن» اضافه شد.

فقط این کار با پارکه است.
آقای وزیر توضیح دادند اداره ثبت هم
می‌تواند.
قرار شد به جای کلمه عدلیه (و دفاتر اسناد
رسمی) نوشته شود.
آقای وزیر اظهار نمودند فرض اگر محضری قائم
مقام محضر شرع واقع شود باید رعایت تمام این مواد
و قوانین مربوطه را بنمایند.
با اصلاح فوق موافقت شده و ماده ۱۲۲۸ قرائت
شد:

(در خارج ایران مأمورین قونسولی ایران حق
دارند نسبت به ایرانیان که باید مطابق ماده
۱۲۰۷ تحت قیمومت درآیند و در حوزه مأموریت آنها
ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید
تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به
وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند
تا به محکمه مربوطه رجوع شود - نصب قیم مزبور
وقتی قطعی می‌گردد که محکمه شرع تهران تصمیم مأمور
قونسولی را تنفیذ کند).

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار
نمودند در مورد صغار رجوع به محکمه مربوطه ندارد
و اینجا به طور کلی است.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر با نظریه آقای
احتشام‌زاده موافق بوده و اظهار نمودند مواردی هست
که به محکمه رجوع نمی‌شود و بنابراین باید این
عبارت (به محکمه مربوطه رجوع شود) برداشته شده و
نوشته شود (به عدلیه بفرستند تا محکمه شرع حکم
تنفیذ بدهد)

آقای وزیر موافقت نمودند که این عبارت از ماده
حذف و بقیه مواد سر سطر نوشته شود:
(تا به محکمه مربوطه رجوع شود)
ماده ۱۲۲۹ از این قرار قرائت شد:

(وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین و
نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در
امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشد مقرر است در
خارج ایران به عهده مأمورین قونسولی خواهد بود).
آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار

نمودند مأمورین خارجه تماماً عنوان قونسولي ندارند بلکه سفارتخانه‌ها هم هستند که اغلب کارهای قونسولي را می‌نمایند.

آقای وزیر جواب دادند چون نوشته مأمورین قونسولي اشکالي ندارد.

موافقت شده ماده ۱۲۳۰ قرائت شد:

(اگر در عهد و قراردادهای منعقدہ بین دولت ایران و دولتی که مأمور قونسولي مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد).

مخالفی نبوده ماده ۱۲۳۱ قرائت گردید:

(اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱. کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر.
۳. کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
۴. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.
۵. کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوایی

بر محجور داشته باشد.)

آقای نقابت. آقای نقابت با شق ۲ از این ماده مخالف بوده و اظهار نمودند اگر کسی ضربی به طفلی وارد آورد آن قدر مهم نیست که از قیم شدن محروم گردد البته اگر مرتکب جنایت می‌شد اشکالي نداشت.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند در اشخاص البته تفاوت می‌کند. به عقیده من گاهی جنحه‌های خیلی کوچک که از طرف اشخاص بد سابقه ارتکاب می‌یابد باید مهم شمرده شده و آثار آن برای مرتکب مثل جنایت باشد.

موافقت شده و ماده ۱۲۳۲ قرائت شد:

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۷۷

(با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء هجور مقدم بر سایرین خواهند بود.)
موافقت شده و ماده ۱۲۳۳ قرائت شد:
(زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند).
آقای مولوی. آقای مولوی اظهار نمودند اگر زنی طفلی داشته باشد چرا حق قیمومت نسبت به آن طفل نباید داشته باشد؟
آقای وزیر جواب دادند اگر شوهر داشته باشد و شوهر اجازه ندهد نمی‌تواند.
آقای دیبا. آقای دیبا سؤال نمودند این قسمت آیا در قانون شرع نوشته شده است؟
آقای وزیر توضیحاتی داد.
آقای دکتر جوان اظهار نمودند در ماده ۱۲۳۲ می‌نویسد اقرباء نزدیک با داشتن صلاحیت مقدم بر سایرین هستند در صورتی که منظور شما اهلیت است.
آقای وزیر جواب دادند هر دو قسمت رعایت می‌شود و ماده ۱۲۳۴ قرائت و تصویب شد:
(در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.)

فصل سوم. در اختیارات و وظائف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی‌العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید

ماده ۱۲۳۵ قرائت و موافقت گردید:
(مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قیم است)
ماده ۱۲۳۶ از این قرار قرائت گردید:
(قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضای خود برای مدعی‌العموم بدایت که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی‌العموم یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازمه به عمل آورد.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند به محض اینکه قیمومت را کسی قبول کرد باید صورت دارائی را بردارند و اقدامات لازمه به عمل آورند. می‌خواهم ببینم حالا هم این طور عمل می‌نمایند؟ آقای وزیر توضیح دادند اساساً این اعمال عمل قیم است البته اگر قیم معین نشده باشد باید مدعی‌العموم اقدامات لازمه بنماید و وقتی که قیم معین شد با او است.

موافقت شده ماده ۱۲۳۷ قرائت شد:

(مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است خارج سالیانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمی‌تواند بیش از مبلغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم)

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند برای قیم اختیاراتی معین شده که مطابق آن باید عمل کند آیا آن اختیارات لازم نیست اینجا نوشته شود؟

آقای وزیر جواب دادند نظامنامه‌ای دارد که مطابق آن باید عمل نمایند.

آقای کفائی راجع به خارج ضروری تذکری دادند. آقای وزیر جواب دادند با تصویب مدعی‌العموم ممکن است.

ماده ۱۲۳۸ از این قرار قرائت شد:

(قیم که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگرچه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد.)

آقای نقابت. آقای نقابت سؤال نمودند اگر مال مولی‌علیه را دزد ببرد باز مسئولیت آن با قیم است؟ آقای وزیر جواب دادند در صورتی که اهمال‌کاری کرده باشد البته و الا خیر.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی معتقد بودند این ماده خیلی تند است و باعث حب و بغض اشخاص خواهد شد و ممکن است قیم را بی‌جهت متهم نمایند.

آقای وزیر توضیح دادند هر کس هر کاری را تقبل کرد باید در آن کار دقت و رسیدگی و بالاخره اموال مزبور را محافظت نماید.

ماده ۱۲۳۹ قرائت شد:

(هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق به مولی‌علیه بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند باید اداره‌ای برای حفظ اموال صغار و مجبور تهیه شود که این کار از گردن مدعی‌العموم خارج گردد. آقای وزیر مخالف بوده و ماده ۱۲۴۰ از این قرار قرائت شد:

(قیم نمی‌تواند مالی را از مولی‌علیه به سمت قیمومت به خود منتقل نماید و یا مالی را از خود به او انتقال دهد.)

آقای نقابت. آقای نقابت با قسمت دوم ماده مخالف بوده و اظهار نمودند چه مانعی دارد؟

آقای وزیر جواب دادند البته اگر قیم بلاعوض مالی را به مولی‌علیه بدهد مانعی ندارد ولی در عوض چیزی ممنوع است.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند اگر ضرورت داشته باشد قرضی برای مولی‌علیه بنماید تصویب مدعی‌العموم لازم نخواهد بود. وقتی تصویب و اجازه مدعی‌العموم لازم است که قرض ضرورت نداشته باشد.

بالاخره ماده ۱۲۴۰ از این قرار اصلاح شد: (۱۲۴۰ - قیم نمی‌تواند به سمت قیمومت از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از آنکه مال مولی‌علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد.)

ماده ۱۲۴۱ از این قرار قرائت شد: (قیم نمی‌تواند اموال غیرمنقول مولی‌علیه را

بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی علیه و تصویب مدعی العموم - در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی العموم ملات قییم می باشد و نیز نمی تواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی العموم).

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند ماده قبل که اصلاح شده متناقض با این ماده است. آقای وزیر جواب دادند آن ماده اختصاص به مدیون شدن دارد که بکلی حق ندارد و این ماده راجع به معاملات است.

موافقت شده و ماده ۱۲۴۲ قرائت شد:

(قییم نمی تواند دعوی مربوط به مولی علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم. در صورت تخلف مسئول هر ضرری است که از مصالحه مزبور به مولی علیه متوجه بشود بعلاوه مدعی العموم می تواند تقاضای عزل قییم را بنماید.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند اگر قییم دفاع از دعوی مولی علیه ننماید فقط قصوری کرده است اینجا هم اگر بدون اجازه مدعی العموم صلح کند در حقیقت قصوری است که می توان او را مسئول قرار داد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده تذکر دادند عبارت ماده ۱۲۴۲ این طور می رساند که معامله و صلح صحیح است بر فرض قییم تخلفی نموده است.

آقای وزیر جواب دادند نوشته ام مسئول هر ضرری است که به مولی علیه وارد می شود.

ماده ۱۲۴۳ قرائت شد:

(در صورت وجود موجبات موجه مدعی العموم می تواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قییم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی علیه بخواهد. تعیین نوع تضمین به نظر محکمه است هرگاه قییم برای دادن تضمین حاضر نشد از قییمومت عزل می شود.)

مخالفی نبوده مواد ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷ از این قرار قرائت شد:

۱۲۴۴- قییم باید لا اقل سالی یک مرتبه حساب تصدی

خود را به مدعی‌العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد معزول می‌شود.

۱۲۴۵- قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی‌علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیم بعدی داده شود.

۱۲۴۶- قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند - میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی‌علیه تعیین می‌گردد.

۱۲۴۷- مدعی‌العموم می‌تواند اعمال نظارت در امور مولی‌علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیأت یا مؤسسه واگذار نماید شخص یا هیأت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی‌علیه خواهند بود.

مذاکراتی راجع به اعمال نظارت شد.
بالاخره با مواد فوق موافقت شد.

فصل چهارم. در موارد عزل قیم

ماده ۱۲۴۸. قرائت شد:

در موارد ذیل قیم معزول می‌شود:

۱. اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.
۲. اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.
۳. اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مولی‌علیه را اداره کند.
۴. اگر قیم ورشکسته اعلان شود.
۵. اگر عدم لیاقت قیم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم شود.

۶. در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۴ و قسمت اخیر ماده ۱۲۴۵.

۷. در مورد تخلف از مقررات ماده ۱۲۴۲ یا تقاضای مدعی‌العموم.

آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند اشکالی که یکی از آقایان نمودند وارد نیست زیرا اگر حبس موقتی و جزئی باشد مانعی ندارد و لطمه‌ای به امور مربوطه صغیر یا مجبور نخواهد زد. نظر بنده راجع به فقره چهارم است که نوشته اگر قیم ورشکسته باشد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند شما قیم بوده‌اید حالا ورشکسته شده‌اید همه چیز حکم می‌کند که باید معزول شوید. اساساً ورشکستگی رافع قیومیت می‌شود و اما در قسمت حبس جزئی به عقیده بنده باید مدعی‌العموم رسیدگی و بفهمد حبس قیم برای چیست. یک وقت ممکن است قیم چهار پنج ماه هم حبس بشود ولی در کار قیومیت او لطمه‌ای وارد نشود البته نباید او را عزل کرد. یک وقت موضوع حبس عملی است که دیگر به او نمی‌شود اطمینان نمود و بر فرض آنکه ۱۵ روز هم حبس او مقرر شده باشد باید او را عزل کرد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند اگر علی‌پیدا شد برای قیم مثل ناخوشی و غیرها، آن هم باید مورد توجه واقع و نوشته شود هر وقت قیم نتوانست امور مالی مولی‌علیه را اداره کند عزل می‌شود. تنها لیاقت کافی نیست باید وقت اداره کردن هم داشته باشد.

آقای نقابت. آقای نقابت جواب دادند پس نظارت برای چیست؟

بالاخره در فقره ۳ کلمه (مالی) بعد از (امور) اضافه شده و فقره ۶ هم به این ترتیب اصلاح شد:

(در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴)

ماده ۱۲۴۹ از این قرار قرائت گردید:

(اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل می‌شود.)

مخالفی نبوده ماده ۱۲۵۰ قرائت شد:

(هرگاه قیم مورد تعقیب قرار گیرد محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره

اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد.)
آقای وزیر توضیحاتی در خصوص این ماده داد.
آقای دکتر جوان معتقد بودند اگر قیم متهم واقع و به محکمه رفت آن وقت باید معزول شود.
آقای وزیر اظهار نمودند در ماده ۱۲۵۰ باید تصریح شود که اگر قیم در مورد اعمال قیمومت مورد تعقیب قرار گرفت به این ترتیب عمل خواهد شد.

گفته شد صحیح است و قرار شد ابتدای ماده ۱۲۵۰ به این ترتیب اصلاح شود:
(هرگاه قیم در امور مربوطه به اموال مولی‌علیه یا جنحه یا جنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی‌العموم الی آخر)

مواد ۱۲۵۱، ۱۲۵۲ از این قرار قرائت شد:
(۱۲۵۱- هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی‌العموم یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند).
(۱۲۵۲- در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را بکند).
موافقت شد.

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

مواد ۱۲۵۳ الی ۱۲۵۶ به شرح ذیل قرائت شد:
(۱۲۵۳- پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع می‌شود).
(۱۲۵۴- خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید. تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم حوزه که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به محکمه ابتدائی همان حوزه داده شود).

(۱۲۵۵- در مورد ماده قبل مدعی العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات لازمه به عمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید - در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.)

(۱۲۵۶- رفع حجر هر مجبور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن مجبور قید شود.)

با مواد فوق هم مخالفی نبوده عیناً تصویب و شور اول لایحه فوق تمام و جلسه یک ساعت بعد از ظهر ختم شد.

گفتار هشتم. شور اول مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۹۶

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس شورای ملی
تاریخ انتخاب ۲۵ خرداد ۱۳۱۴
جلسه ۱۰ به تاریخ یوم چهارشنبه ۱۹ شهریور ماه
۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

لایحه راجع به طرز اثبات دعوی ضمیمه قانون مدنی
به تاریخ یوم چهارشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۱۴ سه
ساعت قبل از ظهر کمیسیون قوانین عدلیه با حضور
آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای جمشیدی تشکیل لایحه
نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع به دلائل اثبات دعوی ضمیمه
قانون مدنی و در تعقیب موادی که سابقاً تصویب
شده مطرح در کلیات مخالفی نبوده ماده اول آن که
ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی است از این قرار قرائت
شد:

جلد سوم از قانون مدنی

در ادله اثبات دعوی

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۱۸۵

ماده ۱۲۵۷. هر کس ادعای حقی می‌کند باید آن را اثبات نماید و اثبات سقوط حق بر عهده مدعی آن است.

با این ماده مخالفی نبوده و ماده ۱۲۵۸ از این قرار قرائت شد:

ماده ۱۲۵۸. دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار.

۲. اسناد کتبی.

۳. شهادت.

۴. امارات.

۵. قسم.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند دلائل دیگری غیر از پنج دلیل فوق هست که ممکن است دلیل واقع ولی به تنهایی مثبت واقع نگردد مثل استصحاب و من معتمد استصحاب هم علاوه شود. مذاکراتی در این قسمت شد.

آقای وزیر معتقد بودند استصحاب جزء امارات

است.

با این ماده هم موافقت شده و قسمت بعد از این قرار قرائت گردید:

کتاب اول. در اقرار

باب اول. در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹. اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.

موافقت شده و ماده ۱۲۶۰ از این قرار قرائت گردید:

(اقرار واقع می‌شود بر هر لفظی که دلالت بر آن نماید)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند با بودن ماده ۱۲۵۹ این ماده زائد به نظر می‌رسد.

آقای وزیر جواب دادند قانون مدنی هر قدر واضح و صریحتر نوشته شود که همه ملتفت شوند بهتر است.

موافقت شده کلمه (برهر) تبدیل به (به هر) گردید.

ماده ۱۲۶۱ از این قرار قرائت شد:
(اشاره شخص لال که صریح در اقرار باشد صحیح است)

مخالفی نبوده ماده ۱۲۶۲ قرائت شد:
(اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.)
آقای کفائی. آقای کفائی عبارت آخر ماده را

از بنابراین زائد دانسته.
آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند چون اقرار شخص بعد از صغر و مجنون بعد از دیوانگی مدرک است باید نوشت ولی مکره این طور نیست و به همین جهت اقرار مکره را بدون شرط نوشته ایم.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان پیشنهاد نمودند به جای بالغ خوب است رشید نوشته شود.
آقای دکتر احتشام زاده در کمیسیون حضور داشتند پیشنهاد نمودند مجبور هم نوشته شود.
آقای وزیر جواب دادند صغیر و مجنون و غیر رشید همان مجبور است.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی معتقد بودند به جای مکره خوب است بنویسیم اگر او را مجبور کنند.

آقای وزیر جواب دادند اجبار بر دو قسم است یکی اجبار به اصل است و یکی اجبار به سبب معامله. اجبار به سبب صحیح است ولی اجبار به اصل باطل و از این جهت مکره که نوشته ایم منظور ما را بهتر می‌رساند.

بالاخره قرار شد این ماده بماند برای بعد تا سایر مواد قرائت شود.

مواد ۱۲۶۳، ۱۲۶۴ از این قرار قرائت و موافقت شد:

۱۲۶۳- اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.
۱۲۶۴- اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست.

ماده ۱۲۶۵ از این قرار قرائت شد:
(اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشأ

اثر نمی‌شود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد.)
آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند
اقرار مدعی افلاس مورد اثر نخواهد بود مبهم است.
آقای وزیر جواب دادند البته منشأ اثر بودن
منوط به اثبات یا عدم اثبات افلاس است.
موافقت شده ماده ۱۲۶۶ از این قرار قرائت
گردید:

(در مقررله اهلیت شرط نیست لیکن برحسب قانون
باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده
است بشود.) موافقت شده و مواد ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹
از این قرار قرائت و موافقت شد:
(۱۲۶۷- اقرار به نفع میت درباره ورثه میت
مؤثر خواهد بود.)

(۱۲۶۸- اقرار معلق مؤثر نیست).
(۱۲۶۹- اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن
نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد).
ماده ۱۲۷۰ از این قرار قرائت شد:
(اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده
متولد شود.)

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده معتقد
بودند تورث و حق برای زنده متولد شدن است دیگر
این ماده زائد می‌باشد.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند مقصود از
وراثت تنها نیست بلکه برای دعاوی دیگر هم هست.
ماده ۱۲۷۱ از این قرار قرائت گردید:

(مقررله اگر بکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد
و اگر فی‌الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از
دو نفر معین صحیح است و مطابق قوانین محاکمات عمل
خواهد شد.)

آقای احتشامزاده توضیح خواستند مقصود از این
ماده چیست؟

آقای وزیر جواب دادند اقرار برای یکی از دو
نفر سه قسم ممکن است. یک دفعه مقرر طوری اقرار
کند که حق برای هر دو نفر به میزان معین ثابت
می‌گردد در این صورت باید به یکی از آنها عین مال
و به دیگری قیمت آن را بدهد. یک دفعه اقرار
طوری است که نسبت به یک نفر از دو نفر مربوط و

مبلغ معینی ثابت می‌شود که باید به آن شخص بدهد. قسم سوم آن است که اقرار می‌کند به یکی از این دو نفر من بدهکارم و مبلغ آن هم فلان قدر است آن وقت محکمه مطابق اصول محاکمات حقوقی رفتار و به طریق کشیدن قرعه عمل را خاتمه می‌دهد. موافقت شده مواد ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴ از این قرار قرائت و موافقت شد:

(۱۲۷۲-) در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر اقرار را تکذیب کند در حق او اثری نخواهد داشت)

(۱۲۷۳-) اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که نسبت به او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده به شرط آنکه منازعی در بین نباشد). (۱۲۷۴-) اختلاف مقرر و مقررله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست).

باب دوم. در آثار اقرار

مواد ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷ از این قرار قرائت و مطرح شد:

(۱۲۷۵-) هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود).

(۱۲۷۶-) اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت)

(۱۲۷۷-) انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست).

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند خطا اشتباه و فساد است اما کلمه غلط که در ماده نوشته شده خوب نیست. خوب است به جای آن فساد نوشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند غلط غیر از اشتباه و فساد و خطا است زیرا موضوع اقرار لفظ است و حالا با این ترتیب ممکن است بعد مذاکره نمود.

با سه ماده فوق موافقت شده ماده^۱ ۱۲۷۸ قرائت و موافقت شد.

(۱۲۷۸- اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.)

آقای دکتر جوان اظهار نمودند در قانون اصول محاکمات حقوقی ماده ای دارد که اقرار وکیل بر علیه موکل نافذ نیست مگر آنکه وکالت مخصوص برای اقرار داشته باشد حالا خوب است آن ماده را در اینجا هم ذکر کنیم.

آقای وزیر لازم نمی دانستند و ماده ۱۲۷۹ از این قرار قرائت شد:

(اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند جمله آخر این ماده زائد است زیرا در مواد بعد کاملاً توضیح می دهد چه آنکه در ماده ۱۳۱۱ توضیح می دهد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مقصود ما این است که بفهمانیم اقرار باید در محکمه بشود و در خارج از محکمه مؤثر نیست مگر آنکه اصل دعوی از دعوایی باشد که مدرک آن شهادت شهود است. حالا در ماده ۱۳۱۱ می نویسد چه دعاوی را ممکن است با شهادت شهود اثبات کرد و ربطی به این موضوع ندارد و در حقیقت شهادت برای اثبات حق نیست

۱. در متن دستنویس عبارت «مواد» آمده بود که به عبارت «ماده» اصلاح شد.

بلکه برای وقوع اقرار است و با این حال من خیال می‌کنم جمله (و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد) اگر حذف شود بهتر است.

با حذف این جمله از ماده موافقت شده ولی بعداً ضمن بحث مواد دیگر قرار شد ماده ۱۲۷۹ عیناً راپورت داده شود.

مواد ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳ از این قرار قرائت شد:

(۱۲۸۰- اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است)

(۱۲۸۱- قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است)

(۱۲۸۲- اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقررله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمی از آنکه به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف‌نظر کند.)

(۱۲۸۳- اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثرباشد

که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند مثل اینکه مدعی علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا آنکه مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق پیوده مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند این دو ماده اخیر خیلی مبتلابه مردم است و من تصور می‌کنم باید دقت لازمه بشود - در قانون مدنی فرانسه و آلمان می‌نویسد اقرار قابل تجزیه نیست مثلاً اگر مدعی علیه اقرار نماید که من هزار لیره کاغذی به شما مدیون هستم این اقرار قابل تجزیه نیست و مدعی نمی‌تواند بگوید شما که اقرار به لیره کرده اید باید لیره طلا بدهید بعد برای لیره کاغذی بروید ثابت کنید به هر حال از نظر آنکه این اقرار توصیفی است قابل تجزیه نمی‌دانند و اما اگر دارای دو جزء مختلف‌الاثرباشد مثل آنکه در قانون

فرانسه برای چنین اقراری مثل می‌زند که اگر کسی در جواب مدعی اقرار کرد که من فلان مبلغ از شما گرفته‌ام و رد کرده‌ام این اقرار اصلاً مدرک واقع نمی‌شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در اینجا

دو جزء مختلف است و مربوط به مثلی که شما زدید نیست چه آنکه وقتی که کسی اقرار به دین کرد باید رد آن را ثابت کند. آقای لیقوانی. آقای لیقوانی هم با نظریه آقای دکتر جوان موافق بوده و اظهار نمودند وقتی که کسی در نهایت صداقت در محکمه اقرار کرد که من مدیون بوده ام ولی پرداخته ام نباید اقرار اولی او را گرفت و دومی را ترتیب اثر نداد. آقای رهبری تذکر دادند شاید با تقلب و حيله این اظهار را بنمایند که من مدیون بوده و پرداخته ام. بالاخره مواد فوق عیناً تصویب و قرار شد ضمن شور ثانی تجدید نظر به عمل آید.

کتاب دوم. در اسناد

مواد ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶ از این قرار قرائت شد: (۱۲۸۴- سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.) (۱۲۸۵- شهادتنامه سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.) (۱۲۸۶- سند بر دو نوع است: رسمی و عادی) آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند شهادتنامه اساساً اعتبار شهادت را ندارد مگر شهادت شفاهی. استشادنامه ممکن است فقط اماره قرار داده شود. آقای وزیر معتقد بودند شهادتنامه غیر اماره است. آقای دکتر جوان تذکر دادند در قانون گفته شده شهادت قابل استماع است. آقای وزیر توضیح دادند ما اینجا کیفیت شهادت را نگفته ایم و در اصول محاکمات خواهیم گفت. آقای دکتر جوان با توضیحاتی که مجدداً دادند معتقد بودند اگر ماده ۱۲۸۵ برداشته شود بهتر است. آقای وزیر جواب دادند ممکن است اشتباه از اینجا شود که اگر کسی شهادتنامه ای به محکمه آورد گفته شود این هم یک قسم نوشته ای است که به آن

استناد می‌شود.

آقای دکتر جوان تذکر دادند کسی که بر علیه من عرضحال داده و می‌گوید دیگری اقرار نموده که من بدهکارم این را که محکمه ترتیب اثر نخواهد داد. آقای وزیر اظهار نمودند اگر شهادتنامه مفهومی این باشد که در فلان تاریخ شما در اصفهان بوده و اینجا نبوده‌اید که فلان سند را بدهید این ورقه مستند است.

آقای دکتر جوان جواب دادند در این صورت اگر کسی شهادتنامه‌ای آورد که دیگری به منزل او رفته و ده هزار تومان اثاثیه او را برده است محکمه می‌تواند فوراً استدلال به آن شهادتنامه نموده و حکم دهد که طرف محکوم است به پرداخت ده هزار تومان؟

آقای وزیر جواب دادند البته که می‌تواند. آقای دکتر جوان اظهار نمودند قانون سابق این طور نیست یعنی خود استشهاد را نباید ترتیب اثر داد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر لازم باشد در اصول محاکمات بعداً خواهیم آورد ولی حالا نمی‌شود این ماده را برداشت که به طور کالعدم به استشهاد ترتیب اثر ندهند.

بالاخره با سه ماده فوق موافقت شده و ماده ۱۲۸۷ از این قرار قرائت شد:

(اسنادی که در اداره ثبت اسناد و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است).

آقای وزیر اظهار نمودند در این ماده تعریف اسناد رسمی شده است به طور کلی در صورتی که مبحث لایحه ما مبحث دعاوی است زیرا در هر قانونی معین شده که اسناد مربوطه دارای چه اعتباری است مثل آنکه در قانون سجل احوال و قانون اسناد تنظیم شده در خارجه اعتبار اسناد هویت و اسناد تنظیم شده در خارجه معین شده است و حالا هم در اینجا نظر من این است که موضوع را منتسب کنیم به اسناد مربوطه به دعاوی و یا آنکه بنویسیم اسنادی که بر

طبق قانون و صلاحیت تنظیم کننده تنظیم شده باشد مطلقاً رسمی است.

آقای جمشیدی. آقای جمشیدی ماده ۱۷۶ اصول محاکمات اصلاح شده را قرائت و اظهار نمودند اسنادی که در اداره ثبت اسناد، ثبت یا تصدیق شده است و یا اوراقی که به تصدیق مراجع شرعی رسیده باشد و یا تصدیقات مراجع عدلیه و همچنین ادارات رسمی دولتی، رسمی خواهد بود و در خاتمه توضیحی خواستند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر مأمور سجل احوال مستخرجه از دفتر احصائیه را بدهد رسمی است ولی اگر خودش شخصاً تصدیقی بدهد غیر رسمی است. سند رسمی آن است که در ادارات رسمی مطابق مقررات تنظیم شود.

آقای جمشیدی پیشنهاد نمودند عبارت (سایر مأمورین رسمی) تبدیل به (سایر ادارات رسمی) شود.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند این قسمت برای بنده پیش آمده در موقع ممیزی ملک بنده و دیگری که حدود آن مورد اختلاف بوده مأمور ممیزی ادعای بنده را تصدیق و کتباً تصدیقی به من داده است و من هم سوادای از روی تصدیق او برداشته و مدرک حدود ملک خود قرار داده ام ولی اداره ثبت قبول نکرده است.

آقای وزیر توضیح دادند مأمور ممیزی وظیفه اش نبوده که حدود ملک را معین نماید او مأمور گرفتن مالیات و تعیین میزان مالیات است البته اگر مأمور این کار تصدیق می کرد تصدیق او هم رسمی بود.

بالاخره کلمه (املاک) بعد از عبارت (اداره ثبت اسناد) اضافه شده و با ماده مزبور موافقت و ماده ۱۲۸۸ از این قرار قرائت شد:

(غیر از اسناد مذکوره در ماده فوق سایر اسناد عادی است).

مخالفی نبوده مواد ۱۲۸۹ الی ۱۲۹۴ از این قرار قرائت گردید:

(۱۲۸۹- اسناد رسمی درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده

(باشد.)

(۱۲۹۰- اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است:

۱. اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید.
۲. هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی الواقع امضاء یا مهر کرده است.)

(۱۲۹۱- در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهت از جهات قانونی از اعتبار افتاده است)

(۱۲۹۲- هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.)

(۱۲۹۳- عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.)

(۱۲۹۴- محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در ممالک خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

- اولاً. اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.
- ثانیاً. مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.
- ثالثاً. ملکی که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.
- رابعاً. نماینده سیاسی یا قونسولی ملکی که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا قونسولی

مملکت مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.)

آقای لیتوانی. آقای لیتوانی راجع به ماده ۱۲۹۰ اظهار نمودند در فقره ۱ می‌نویسد صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید و آن وقت در ماده ۱۲۹۱ می‌نویسد ادعای جعلیت کند.

گفته شد البته همینطور باید باشد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند با بودن ماده ۱۲۸۰ ماده ۱۲۹۱ زائد است و در حقیقت اسناد رسمی را متزلزل می‌نماید.

آقای وزیر اظهار نمودند شاید مأموری صلاحیت تنظیم سندی را داشته باشد ولی در محل مخصوص این مأمور اگر در محل دیگر سندی را تنظیم نماید آیا باز صالح بوده است؟ خیر حق نداشته است.

راجع به ماده ۱۲۹۴ آقای دکتر جوان تذکر دادند در شق رابعاً کلمه ایران بعد از کلمه قونسولی افتاده است قرار شد ابتدای شق رابعاً این طور نوشته شود:

(نماینده سیاسی و یا قونسولی ایران در مملکتی که سند در آنجا تنظیم شده الی آخر.)

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند بعضی کلمات متداول که تازه تغییر پیدا کرده باید در ضمن قوانین هم مراعات شود مثل مملکت که تبدیل به کشور شده است.

قرار شد منشی کمیسیون در موقع تهیه راپورت این قسمت‌ها را مراعات نماید و مواد مذکوره فوق با دو فقره اصلاح عبارتی تصویب و ماده ۱۲۹۵ از این قرار قرائت و موافقت شد:

(۱۲۹۵- هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قونسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف براین است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشد)

در این موقع بقیه مواد به جلسه بعد موکول و نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد. جلسه آتیّه روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۱۴ سه ساعت و نیم قبل

از ظهر اعلام گردید.

گفتار نهم: شور اول مواد ۱۲۹۷ تا ۱۳۳۵

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس شورای ملی
تاریخ انتخاب ۲۵ خرداد ۱۳۱۴
جلسه ۱۱ به تاریخ چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

لایحه راجع به دلائل اثبات دعوی ضمیمه قانون مدنی
به تاریخ یوم چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۱۴ دو
ساعت و نیم قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور
آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای حمیدی تشکیل در
تعقیب مذاکرات جلسه قبل لایحه نمره ۱۶۸۷۶ راجع به
دلائل اثبات دعوی مطرح و ماده ۱۲۹۶ از این قرار
قرائن شد:

(۱۲۹۶) - دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجري بر
تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و
مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود
مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت
تنظیم شده باشد)

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند دفاتر
تجارتی را نمی‌شود به طور کلی مدرک دعوی محسوب نمود.
آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر این
طور که شما فرمودید تاجری تقلب کند طرف هم تقاضا
خواهد کرد به دفتر سرمایه و موجودی او رسیدگی
نمایند آن وقت تقلب تاجر معلوم خواهد شد.
آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند شخصی که
آمده تجارتخانه باز کرده و دفاتر خود را هم پلمپ
نموده پس از چند روز داد و ستد بی‌موضوع دوهزار
تومان به عنوان فلان شخص می‌نویسد و در مقابل
دوهزار تومان از موجودی خود برمی‌دارد. آیا کشف
این عمل چطور می‌شود؟ من معتقدم لااقل نوشته شود

اگر طرف هم دارای دفتری است دفتر او هم معتبر و باید مدرک واقع گردد کما آنکه بعضی از کمپانی‌های خارجی دفاتر خود را پلمپ نموده و رسمی کرده‌اند.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه توضیح دادند اولاً بانک ملی و مؤسسات مهم تجاری را نمی‌شود گفت تقلب کرده‌اند و البته باید دفاتر آنها معتبر شناخته شود و علاوه بر آن که زبان طرف دعوی را نبسته‌ایم و می‌تواند همه قسم جواب بدهد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند دفاتر تجار، هم بر له و هم بر علیه سندیت دارد کمپانی‌های خارجی که گفته شد دو دفتر تهیه می‌کنند اگر این کار را بکنند مثل این است که سند جعل کرده‌اند. در هر صورت باید دفتر دلیل باشد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر تذکر دادند این ماده ناظر است به ماده ۸۷۵ قانون تجارت و بنابراین وقتی دفتر مدرک خواهد بود که دعوی هم تجاری باشد نه دعوی غیر تجاری.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند ما سنخ دلیل را می‌خواهیم بنویسیم کما آنکه اسناد عادی را هم دلیل گرفته‌ایم البته در مقابل این دفاتر هزار قسم ممکن است ایراد کرد و اینکه دفتر تجار رسمیت واقعی دارد یا ندارد ما به آن کاری نداریم.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی هم اظهار نمودند در ماده ۱۴ قانون تجارت می‌نویسد دفاتر مذکوره در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری بکار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

آقای هراز. آقای هراز اظهار داشتند برای بانک‌ها غیر از دفاتر اوراق دیگری هست که مدرک واقع می‌شود حالا با این ترتیب اگر ما دفاتر بانک و مؤسسات مهم تجاری را مثل سند رسمی بدانیم دلیل است که دفاتر تجار به طور کلی مدرک نخواهد بود اصولاً هم کسی که خودش سندی درست کرده بر علیه دیگری نباید مدرک واقع شود مگر آنکه شواهد و

اماراتی باشد از آن طرف اگر هم بگوئید دفتر دلیل است ثبت واقع می‌شود.

آقای وزیر. آقای وزیر در جواب بیانات آقای همراز اظهار نمودند فرمایش شما در مورد دفاتر تجار صدق پیدا نمی‌کند زیرا دفتر تاجر دفتر شخصی نیست بلکه یک عاملی است برای عموم و از این جهت معاملات تجاری و دعاوی تجاری قانون خاصی دارد مثل آنکه بروات اعتبار مخصوصی دارد بعلاوه شما چندین شرط برای صحت دفاتر و مصونیت آن از خلل قائل شده اید. یکی دیگر آنکه مدارک معاملات تجاری دفتر تنها نیست بلکه رسید و چک و حواله و قرارداد هم از مدارک تجاری است که اغلب مؤید دفتر واقع می‌شود.

فرض اینکه تاجری تقلب نموده و به اسم دیگری طلبي وارد کند دفتر طرف هم هست و نفی آن را می‌رساند.

موافقت شده و ماده ۱۲۹۷ از این قرار قرائت شد:

(دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی‌اعتباری آنچه را که بر ضرر او است ثابت کند.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر معتقد بودند کلمه (در مقابل) خوب است (بر علیه) شود. آقای احتشام زاده معتقد بودند اگر غیر تاجری به دفتر تاجر استناد کرد دفتر تاجر بر علیه او هم سند خواهد بود.

گفته شد همین طور است موافقت شده مواد ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰ از این قرار قرائت شد:

(۱۲۹۸- دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:

۱. در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.
۲. وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳. وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً به جهت از جهات در محکمہ مدلل شده باشد.) (۱۲۹۹- در مواردی که دفتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.) (۱۳۰۰- امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است).

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده اظهار نمودند ماده ۱۳۰۰ می‌رساند که اگر سندی امضاء نداشته باشد سندیت ندارد.

آقای وزیر توضیح دادند در اسنادی که مهر و امضاء ندارد محاکم تردید می‌کردند ولی من گفتم که باید عرف و عادت مردم و اهل هر محلی را در نظر گرفت که چطور سند تنظیم و به آن اعتبار می‌داده‌اند نه آنکه قانونی که بعداً تصویب شده ملک قرار داده شود حالا این ماده مفهوم مخالفی ندارد یعنی می‌گوییم امضاء دلیل است.

آقای هراز. آقای هراز سؤال نمودند آیا مهر هم اعتبار امضاء را دارد؟

آقای وزیر جواب دادند مهر وقتی مثل امضاء است که مهر خود شخص باشد و خودش هم استعمال نموده باشد حالا چون ممکن است مهر مصنوعی بکار برند ما در قسمت مهر چیزی نگفته و گفته‌ایم امضاء معتبر است.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی با توضیحاتی که دادند معتقد بودند نوشته را کلیتاً نمی‌شود مدرک قرار داد.

آقای نقابت ماده ۱۲۹۹ را زائد دانسته. آقای وزیر لازم می‌دانستند و اظهار نمودند دفتر وقتی که محکوم باشد برله خود تاجر مدرک نمی‌شود ولی بر علیه او مدرک است. با مواد فوق موافقت شده و ماده ۱۳۰۱ از این قرار قرائت شد:

(هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابرازکننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از

بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگرچه تاریخ و امضاء نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد)

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند این جمله (اگر چه تاریخ و امضاء نداشته باشد) زائد است و بعلاوه این قسمت اعتبار اغلب اسناد را متزلزل می نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند ما سند را فی حد ذاته قبول می کنیم و هرچه روی آن نوشته شده باشد مدرک قرار می دهیم.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر معتقد بودند نوشته شود (که حکایت از برائت طرف نماید).

آقای وزیر در جواب تذکر آقای نقابت اظهار نمودند همیشه جنبه نوعیت را بسنجید نه موارد نادر را.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند مندرجات سند باید دلیل باشد و اینکه اگر مطالبی در حاشیه سند بود و حاکی از اعتبار افتادن سند می کرد محکمه آن را غیر معتبر بدانند خلاصه بنده می خواهم عرض کنم که اگر تردید هم حاصل شود مدرک است کما آنکه ممکن است کسی پشت سندی که وجه ضمنی شده اقلامی اضافی نوشت و در دفاع بگوید که این اقلام مربوط به این سند نیست و بچه ها روی آن مشق کرده اند من معتقدم که اینجا هم باید آن اقلام مدرک واقع شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر نظر شما این است که مندرجات سندی مدرک باشد که ما آن را نوشته ایم و اگر نظر این است که معتبر نباشد به نظر من خیلی مشکل است.

آقای هراز. آقای هراز تذکر دادند شاید سندی پیدا شود که تراشیدگی داشته و یا وجه ضمنی پشت آن که با مداد نوشته شده بوده پاک شده باشد این سند چه موقعیتی پیدا خواهد کرد؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اگر بکلی پاک شده باشد که دیگر از موضوع ماده ما خارج

است زیرا چیزی پشت آن نوشته نشده است و اگر پاک شدن آن معلوم باشد آن وقت دهنده سند ادعای محکمی آن را می‌نماید و هر ادعائی کند باید مورد توجه واقع گردد و البته از راه دیگر بی‌اعتباری آن ثابت می‌شود.

موافقت شده مواد ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ از این قرار قرائت گردید:

(۱۳۰۲- در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل مضمی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود.) (۱۳۰۳- هر گاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحه شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضاء کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است).

(۱۳۰۴- در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و قائم مقام آنان معتبر است).

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند در امور جزائی اسناد را مقدم و مؤخر می‌نویسند تاریخ چک را یک ماه بعد می‌گذارند به این جهت اینجا باید اضافه شود در امور جزائی تاریخ حقیقی تنظیم سند معتبر خواهد بود - مربوط به ماده ۱۳۰۴

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اینها ادله‌ای است برای اثبات حقوق و ربطی به جزائی ندارد و اساساً ما در این مبحث و عملیات بانک‌ها وارد نیستیم ما می‌گوئیم اعتبار تاریخ در اسناد رسمی بر علیه همه کس معتبر است چه بر علیه خود تنظیم کننده باشد چه بر علیه اشخاص ثالث.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند یکی از تفاوت‌های اسناد رسمی و عادی این است که اسناد عادی در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست ولی سند رسمی نسبت به اشخاص ثالث هم معتبر است کما آنکه احکام محاکم که جزء اسناد رسمی محسوب می‌شود

نسبت به اشخاص ثالث هم معتبر است. **آقای وزیر.** آقای وزیر جواب دادند قسمت احکام مربوط به این موضوع نیست و مبحث جداگانه ای است. **آقای دکتر جوان.** آقای دکتر معتقد بودند ماده ای هست که طرف دعوی می تواند نسبت به تاریخ سند از طرف مدعی ایراد نماید - این ماده حالا به طور کلی گفته که در صورت ثبوت نسبت به دیگران معتبر است نظر بنده این است که در اسناد عادی هم اگر محرز شد نسبت به اشخاص ثالث هم معتبر باشد. **آقای وزیر.** آقای وزیر توضیح دادند ما راجع به تردید و جعل کاری نداریم البته متداعین می توانند تردید و ادعای جعل کنند - ما اینجا قانون مدنی می نویسیم که امر واقع است بالاخره می گوئیم استناد به تاریخ سند عادی نمی توان کرد. با مواد فوق هم موافقت شد.

کتاب سوم. در شهادت

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۵ قرائت شد:

(۱۳۰۵- جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از یک هزار ریال باشد نمی توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.)

آقای جمشیدی. آقای جمشیدی معتقد بودند این ماده بر خلاف اصل است سابقاً تا پنجاه تومان به شهادت شهود اثبات می شد و حالا صد تومان شده است. **آقای جهانشاهی.** آقای جهانشاهی اظهار نمودند شهادت شهود را اگر بنا شود دلیل قرار دهیم دیگر موضوع ندارد در بعضی موارد مدرک بوده و در برخی مدرک نباشد من فلسفه صد تومان را نفهمیدم چرا دویست تومان ننوشته اید زیرا صد تومان و دویست تومان فرقی ندارد بعلاوه پنجاه تومان نزد بعضی ها قیمت و ارزش هزار تومان را دارد و نزد بعضی ها

ارزش صد دینار هم ندارد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند همان طور که در اصول محاکمات قائل شده اید حکم صلحیه تا بیست تومان قطعی است و بیش از آن قطعی نیست در اینجا هم همان فلسفه صدق پیدا می‌کند و جهت دیگر آن هم این است که اشخاص برای مبلغ جزئی قرض دادن چندان اصراری به گرفتن سند نمی‌کنند و بنابراین شهادت شهود بیشتر مورد پیدا خواهد کرد بعلاوه فلسفه دیگری دارد و آن این است که برای صد تومان هیچ وقت شما دوندگی نکرده و منت این و آن را برای نوشتن شهادت نمی‌کشید که آن هم شاید در محکمه پذیرفته شده یا نشود ولی برای هزار تومان ممکن است تشبثاتی نموده و استشهادی برعلیه یک نفر درست کنید.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند همان طور که در ظرف این چند سال اخیر ترقیاتی در امور مملکتی شده و بعلاوه در امور قضائی اصلاحاتی شده است این نکات هم باید مراعات گردیده و رعایت شود. در پنج سال قبل قانونی تصویب شد که به شهادت شهود دعوی بیش از پنجاه تومان را نمی‌شود اثبات کرد حالا به جای آنکه آن پنجاه تومان هم تقلیل داده شود خوب نیست ما آن را صد تومان نمائیم بعلاوه مردم هم عادت کرده اند به پنجاه تومان و دیگر آنکه شهادت در موقعی اهمیت داشت و به وسیله آن اشخاصی که به حق خودشان می‌رسیدند که این ترقیات عصر حاضر نشده بود و دفاتر اسناد رسمی نبود و مردم هم عادت به گرفتن سند نداشتند و اما در قسمت شهادت کتبی و شفاهی که اینجا نوشته شده من معتقدم قید کتبی حذف شود زیرا مثل این است که شهادت کتبی امتیاز مخصوصی دارد.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اصل تکامل می‌گوید باید رو به طرف تکامل رفت ولی چیزهای دیگر را نمی‌گوید من در قسمت پانصد و هزار ریال نظر خاصی ندارم و آنهایی که این مواد را تنظیم و دلیل می‌آوردند می‌گفتند که پنجاه تومان سابق صد تومان حالا است و از این لحاظ باید تا صد تومان

را هم بشود به شهادت شهود اثبات نمود.
آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی با شرحی که در مقدمه بیان نمودند اظهار داشتند اگر همان پنجاه تومان سابق نوشته شود بهتر است.

آقای وزیر. آقای وزیر هم اصراری در ابقاء صد تومان نداشتند و موکول به نظریه خود کمیسیون نمودند.

بالاخره قرار شد فعلاً این ماده بماند و سایر مواد قرائت شود و ماده ۱۳۰۶ از این قرار قرائت گردید:

(در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی از انحاء قانونی بری شده است نمی‌تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت اثبات کند.)

مذاکراتی در قسمت مقاطعه بناها و غیره شده و اظهار نمودند معماری که تعهد نموده فلان بنا را بسازد در ضمن ساختمان که نمی‌تواند سند بگیرد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند اصلاً این ماده حذف شود.

آقای احتشام‌زاده معتقد بودند اشکال آقای دکتر وارد نیست زیرا می‌نویسد نمی‌تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت اثبات کند.

مجدداً آقای دکتر اظهار نمودند در ساختمان عمارت که دو نفر مقاطعه‌کار آن را ساخته باشند و خیره نتواند معین کند که چقدر آن به دست کی و چقدر به دست دیگری ساخته شده چاره‌ای نیست جز آنکه به شهادت شهود اثبات و عملی و بناهایی که کار می‌کرده‌اند بروند شهادت دهند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند نفس تعهد را وقتی که نشود به شهادت شهود اثبات کرد نفی تعهد را هم نمی‌شود.

آقای نقابت تذکر دادند در ماده ۱۳۱۱ فقره ۳ آن قسمتی که آقای دکتر تذکر دادند استثناء شده است.

آقای وزیر معتقد بودند باید دید چه موردی

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۰۵

می‌ماند که شامل ماده ۱۳۰۶ نمی‌شود.
پس از مذاکرات دیگری آقای وزیر یادداشت نمودند که در اطراف این ماده هم مطالبعاتی نموده در صورت مقتضی یا حذف و یا اصلاح نمایند.
مواد ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹ از این قرار قرائت شد:

(۱۳۰۷- دعوی پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء در مقابل سند ولو آنکه موضوع سند کمتر از یک هزار ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.)
(۱۳۰۸- در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد.)
(۱۳۰۹- اگر موضوع تعهد عقد یا ایقاعی بیش از یک هزار ریال باشد نمی‌توان آن را فقط به وسیله شهود اثبات کرد اگرچه مدعی دعوی خود را به یک هزار ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرف‌نظر کند.)

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده سئوال نمودند در ماده ۱۳۰۶ موضوع عقد و ایقاع و تعهد سه قسمت است چرا در ماده ۱۳۰۹ دو قسمت شده است؟ گفته شد صحیح است و باید اصلاح شود و از این قرار اصلاح شد:

(ماده ۱۳۰۹- اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع یا تعهدی بیش از یک هزار ریال باشد الی آخر).
ماده ۱۳۱۰ از این قرار مطرح گردید:
(قیمت یک هزار ریال در زمان عقد منط است نه موقع مطالبه)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند حالا که پنجاه تومان یک‌صد تومان شده ممکن است اشخاص متقلب سوءاستفاده نموده و به عناوینی مردم را اذیت کنند مثلاً ممکن است کسی استشهادی تمام کرده و به محکمه عرضحال دهد که فلان خانه بیست سال قبل صد تومان قیمت داشته آقای نقابت به من فروخته و لی به تصرف نمی‌دهد تقاضای احقاق حق می‌نماید محکمه هم ناچار است با شهادت شهود قبول کرده و رسیدگی نماید و یا آنکه کسی به وسیله شهادت شهود ادعا

کند که ۹۵ تومان از فلان کس طلبکار است و چون پنج سال است نمی‌پردازد تقاضای صدي پانزده علاوه از اصل بابت خسارت دارم که در حقیقت دعوی سر به پانصد تومان می‌زند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند منظور ما از این قسمت این است که اگر شما تعهد کرده باشید پنج خروار گندم در ابتدای سال ۱۳۱۳ تحویل دهید و تحویل نداده‌اید و می‌خواهید به وسیله شهادت شهود اثبات کنید محکمه باید قیمت ابتدای سال ۱۳۱۳ این پنج خروار را در نظر بگیرد و ببیند از صد تومان بیشتر است یا کمتر، نه قیمت روز مطالبه را، بعلاوه آن شخص طرف شما آن روز خیال می‌کرده که اگر شما به تعهد خود عمل نکنید به شهادت شهود اثبات خواهد کرد و می‌گیرد حالا نمی‌شود محکمه به عنوان آنکه حالا قیمت بیشتر شده است از قبول عرضحال او خودداری کند.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند از نظر حکومت قانون حق همین است که قیمت مدعی به قیمت روز تعهد باشد ولی از آن طرف اشکال آقای دکتر هم وارد است زیرا اراضی در خیابان پهلوی در ده سال قبل ذرعی پنج شاهی بوده و حالا ذرعی بیست تومان شده است امروز ممکن است کسی به وسیله استشهاد ادعا کند که پنج هزار ذرع زمین در آنجا داشته و ده سال است فلان شخص متصرف شده است.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند يك اصلي که همیشه باید رعایت شود عطف ننمودن قانونی است به ماسبق که نباید عطف به ماسبق شود. محاکم هم همین طور عمل می‌کردند اما در قسمت اراضی که آقای احتشام‌زاده تذکر دادند آن يك حقی است نسبت به عین و ربطی به تعهد و عقود ندارد ماده ۱۳۱۰ این طور می‌فهماند که نباید ناظر به سابق باشد به هرحال اگر این ماده حذف گردد اشکال آقای دکتر رفع می‌شود.

آقای وزیر. بالاخره آقای وزیر متقاعد^۱ شدند باید تبصره‌ای به این ماده اضافه نمود که رفع ابهام بشود والا اصل ماده را نمی‌شود برداشت. **آقای دکتر جوان.** آقای دکتر معتقد بودند اصلاً خوب است قیمت روز مطالبه را ملاک قرار داد. **آقای وزیر.** آقای وزیر جواب دادند نمی‌شود زیرا شما به اطمینان اینکه می‌توانید دعوی خود را با شهادت ثابت کنید معامله کرده‌اید و بعلاوه باید این را هم در نظر گرفت که در موقع معامله قیمت مالی که مورد دعوی است هزار تومان بوده و حالا صد تومان شده است البته این را هم نمی‌شود قبول کرد. بالاخره ماده ۱۳۱۰ از این قرار اصلاح و تصویب شد:

(قیمت یک هزار ریال در زمان عقد یا ايقاع و یا تعهد منوط است نه موقع مطالبه ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منوط قیمت روز مطالبه است.)

ماده ۱۳۱۱ از این قرار قرائت شد:

(احکام مذکوره در فوق در موارد ذیل جاری خواهد بود:

۱. در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲. در مواردی که به واسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳. نسبت به کلیه تعهدات که عادتاً تحصیل سند معمول نمی‌باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و نمایشگاهها می‌سپارند و مثل حق‌الزحمه اطباء و قابله.

۴. در صورتی که سند به واسطه حوادث غیرمنتظره

۱. در متن فوق عبارت «متقاعد» جایگزین عبارت «معتقد» گردید.

مفقود یا تلف شده باشد.

۵. در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر معتقد بودند اگر شق اول مختصر اصلاحی شود اشکال بنده رفع خواهد شد زیرا می‌نویسد اگر کسی دلیلی ولو مربوط به مدعی‌علیه هم نباشد ارائه دهد - اماره قانونی را قانون خیلی مؤثر دانسته مثل اینکه دو نفر مشترکاً در خانه‌ای نشسته باشند من که شریک آن خانه هستم می‌گویم تو باید خانه را تخلیه کنی زیرا پنج دانگ آن مال من است و یک دانگ مال تو است - در قانون فرانسه این موضوع ماده‌ای دارد و می‌نویسد در صورتی که دلائل و اماره منتسب به طرف و یا کسی که قائم‌مقام او است باشد قبول والا قبول نمی‌شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند آن ماده‌ای که می‌فرمائید با این ماده تطبیق می‌کند دلائل اثبات دعوی پنج فقره است که ما شرح داده‌ایم یکی اقرار است که مطلقاً قابل اثبات می‌باشد یکی از سند است که اگر منتسب به طرف باشد مثبت است یکی هم شهادت است که موضوعات خاصی است که طبعاً به شهادت اثبات می‌گردد مثل تصرف. یک موضوعاتی است که به امارات قانونی اثبات می‌شود مثل دیوار خانه که ربطی به همسایه ندارد. آن مثلی که شما زدید راجع به دو نفر شریک‌الملک شامل این قسمت نمی‌شود فرض ما این است که مدعی دلائلی دارد ولی محکمه آن دلائل را ضعیف می‌داند مدعی می‌گوید من دلائل و امارات دیگری دارم که دلائل مرا قوی خواهد کرد و می‌رود استشهادی تهیه می‌کند البته اگر طرف از آن هم دفاع کرد که تمام دلائل مدعی از بین می‌رود.

راجع به تصرف اگر حدود آن معلوم است که هیچ و اگر حدود مجمل است یعنی دلائل طرفین در یک میزان است یکی از طرفین شهودی می‌آورد دائر بر اینکه حدود ملک او از کجا تا کجا است.

البته حد تأثیر دلائل ابرازیه را ما ننوشته‌ایم و آن با نظر محکمه است فقط نوشته‌ایم اگر محکمه دلائل را ضعیف دید شهادت شهود آن را ممکن است

تقویت کند و یا با بودن آن دلائل مثبت واقع شود.
آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند حکم کلی را باید به نظر قاضی واگذار کرد.

آقای وزیر اظهار نمودند مدعی که سند خود را آورده مدعی علیه دفاع نموده و قاضی را مشکوک کرده است و نمی داند از کدام طرف حکم بدهد مدعی شهودی ارائه می دهد دائر به صحت ورقه مدرکیه و یا به اصل موضوع. مثالی هم که ما اینجا نوشته ایم برای این است که قاضی کلیه موارد را شامل این ماده نکند و دعوی پوچی را مثبت معرفی ننماید.
بالاخره عین ماده تصویب و ماده ۱۳۱۲ از این قرار قرائت گردید:

شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی شود:

۱. محکومین به مجازات جنائی.
۲. محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.
۳. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۴. اشخاص معروف به فساد اخلاق.

۵. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.

۶. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار داشتند دو دسته از اشخاص هستند که شهادت آنها قابل ترتیب اثر نبوده که یکی خدمه و یکی اقرباء

است حالا نمی دانم چرا اینجا ذکر نشده است.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند مانعی ندارد خدمه بر علیه مخدوم خود شهادت دهد یا آنکه مربوط به سال تولد کسی است که جز اقرباء او دیگران اطلاع ندارند ولی البته شهادت اقرباء را در امور مالی ممکن است منع کرد. از آن طرف ما هم که نگفته ایم محکمه ملزم است با شهادت دو نفر به دعوی حکم دهد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده تذکر دادند در اصول محاکمات حقوقی و جزائی داریم که شهادت چه اشخاصی مسموع است.

آقای دکتر جوان معتقد بودند اگر جنایتي در خانه اي اتفاق افتد شهادت خدمه مسموع خواهد بود نه شهادت ديگران پس خدمه را نمی‌شود در اینجا نوشت.

با این ماده هم موافقت شده و ماده ۱۳۱۳ از این قرار قرائت گردید:

(شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد)

آقای احتشام زاده سؤال نمودند کسی که صلاحیت ندارد برای خودش معامله کند چطور اظهار او برای دیگری معتبر است؟

آقای وزیر جواب دادند منع معامله برای خودش برای این است که گول نخورد ولي اگر طفل ۱۵ ساله اي آمد گفت من دیدم چند روز قبل فلان آدم فلان کار را کرد یا آن قدر پول به فلان شخص داد چرا محکمه قبول نکند.

آقای احتشام زاده اظهار نمودند اینجا هم ممکن است گول بخورد.
موافقت شد.

باب دوم. در شرایط شهادت

مواد ۱۳۱۴ الی ۱۳۱۹ از این قرار مطرح گردید:
(۱۳۱۴-) شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شك و تردید)

(۱۳۱۵-) شهادت باید مطابق با دعوي باشد ولي اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرري ندارد)

(۱۳۱۶-) شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقني به دست آید)

(۱۳۱۷-) اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالي ندارد.)

(۱۳۱۸-) در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است به

شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.)
(۱۳۱۹- شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.)
آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند اگر شاهدی روی تلون مزاج از حرفش برگردد چه صورتی خواهد داشت؟
آقای وزیر جواب دادند شهادت دیگران هم از بین می‌رود.
با مواد فوق موافقت شد.

کتاب چهارم: در امارات

مواد ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۳ از این قرار قرائت شد:
(۱۳۲۰- اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا به نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود.)
(۱۳۲۱- امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر)
(۱۳۲۲- امارات قانونی در کلیه دعاوی اگرچه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد.)
(۱۳۲۳- اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کنند.)
آقای وزیر. آقای وزیر در جواب تذکر آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند وقتی که دلیل دیگری محکم تر از اماره ارائه شد اماره از بین می‌رود.

با این مواد هم موافقت شد.

کتاب پنجم در قسم

مواد ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶ از این قرار قرائت گردید:

(۱۳۲۴-) در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.) (۱۳۲۵-) مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.)

(۱۳۲۶-) مدعی یا مدعی‌علیه در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص آن طرف باشد بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر وی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها، آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب به یک طرف باشد.)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند در ماده ۱۳۲۴ باید تصریح شود دعاوی که منحصراً به شهادت شهود قابل اثبات است ممکن است منوط به قسم نمود.

آقای وزیر جواب دادند البته همین‌طور است در بعضی موارد.

پس از مذاکرات دیگری بر حسب تذکر آقای دکتر جوان ابتدای ماده ۱۳۲۵ این عبارت اضافه شد:

(در مورد ماده فوق مدعی‌علیه نیز می‌تواند الی آخر).

ابتدای ماده ۱۳۲۶ هم از این قرار اصلاح شد: (مدعی یا مدعی‌علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی می‌تواند الی آخر)

مواد ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۵ که آخر لایحه است از این قرار قرائت گردید:

(۱۳۲۷-) در دعاوی بر صغیر و مجنون و متوفی در صورتی که طرف مدعی باشد ولی یا وصی یا وارث علم به دین مورث و یا مولی‌علیه دارند می‌تواند تقاضا

کند که طرف دیگر قسم بر عدم اطلاع خود از منشأ دعوی یاد کند)

(۱۳۲۸- کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم میگردد.)

(۱۳۲۹- قسم به کسی متوجه میگردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد)

(۱۳۳۰- تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی میتواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمیتواند به جای موکل قسم یاد کند.)

(۱۳۳۱- قسم قاطع دعوی است و هیچ گونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.)

(۱۳۳۲- قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده اند و قائم مقام آنها مؤثر است)

(۱۳۳۳- در دعوی بر میت در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم

میتواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم

یاد کند در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را به مدعی علیه رد کند - حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.)

(۱۳۳۴- در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است میتواند نسبت به آنچه مورد ادعاء او است از

طرف مقابل تقاضای قسم کند.)

(۱۳۳۵- در دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند قسم مورد ندارد)

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده سؤال نمودند اگر کسی با سندی عادی بر ورثه میت اقامه دعوی کند چه صورتی پیدا خواهد کرد؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند من که ورثه هستم نمیتوانم وجه این سند پرداخته شده یا خیر و

بعلاوه دعوي بر ورثه در صورتي مورد پيدا مي‌کند که ترکيه اي باقي بوده و در دست ورثه باشد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده معتقد بودند اين دعوي هم مثل ساير دعاوي است اگر ورثه مدرکي دائر به پرداخت دين ارائه دادند که هيچ و الا محکمه بايد ورثه را محکوم به پرداخت نمايد.

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند در موردی که بر ورثه اقامه دعوي ميشود اگر مدعي بخواهد قسم بخورد عيبي ندارد ولي ورثه که نفي‌داند موضوع سند چيست و در صورت صحت آيا پرداخته شده است يا خير به عقیده من نبايد قسم بخورند.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده معتقد بودند اين جمله از ماده ۱۳۳۳ که مي‌نويسد (و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد) يك رويه اي را براي قضات تجويز مي‌کند که بگويند درست است که دين ثابت شده ولي بقاء آن هم بايد ثابت شود و روي اين قسمت از دادن رأي خودداري نمايند.

گفته شد اين قسمت فقط نسبت به دعوي بر ميت است نه در تمام موارد.

آقای احتشام زاده اظهار نمودند پس در اين صورت بايد موادي که کليت ندارد ذکر گردد.

آقای دکتر جوان اظهار نمودند اگر کسی اقرار به اخذ وجه از طرف نمايد ولي بگويد در مقابل طلب خودم گرفته‌ام مي‌تواند طرف را قسم دهد؟

آقای وزير جواب دادند البته بايد قسم بخورد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند اصلاً اين قسمت که من گرفته‌ام ولي بابت طلب خود اقرار نيست.

آقای جمشيدی معتقد بودند اقرار است زيرا گفته است چنين پولي که مدعي مي‌گويد گرفته‌ام حالا که مدعي است از بابت طلبي بوده پس بايد آن طلب خود را ثابت کند و ديگر اثبات از گردن مدعي خارج ميشود.

آقای وزير. آقای وزير تذکر دادند اين را هم بايد متذکر شود که اقرار به اشتغال ذمه نکرده بلکه اقرار به گرفتن وجه کرده است.

آقای هراز هم معتقد بودند اقرار به اخذ وجه دین آور نیست. آقای وزیر هم این طور اقرار را اقرار نمی‌دانستند و تذکر دادند گرفتن وجه به تنهایی اشتغال ذمه نمی‌آورد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند در ماده ۱۲۸۳ در قسمت اقرار که مثالی زده شده که هر دو مخالف است قسمت ثانی مثال اقرار مقیدی است که می‌شود گفت ذمه آور نیست ولی قسمت اول ذمه آور است به عقیده بنده کسی که اقرار می‌کند وجهی از مدعی گرفته باید ثابت کند از چه بابت بوده است.

آقای وزیر جواب دادند اگر سندی در بین می‌بود که معرض حرف نبود موضوع بحث ما و این ماده در موردی است که سند نباشد آن وقت مدعی می‌تواند مدعی‌علیه را قسم دهد.

آقای احتشام زاده مخالف قسم در این مورد بود. آقای دکتر جوان هم اظهار نمودند این ماده طوری است که هر کس پس از اقرار می‌تواند بگوید قسم می‌خورم که بدهکار نیستم و بعلاوه حق قسم حق مدعی‌علیه است و اینجا مدعی، مدعی‌علیه می‌شود. پس از مذاکرات دیگری آقای وزیر پیشنهاد نمودند قسمت آخر ماده ۱۲۸۳ حذف شود.

آقای جمشیدی مخالف حذف آن بود. آقای دکتر جوان اظهار نمودند مالکی که در درجه اول متمدن هستند اگر هر کار بدی هم نکنند هیچ کس نمی‌گوید بد کرده‌اند ولی در مملکت ما برعکس است هر کاری که نکنیم دیگران بد می‌دانند بنابراین خوب است موضوع قسم از قانون مدنی حذف و یک ماده نوشته شود که قسم مطابق نظامنامه وزارت عدلیه خواهد بود.

آقای وزیر مخالف بوده بالاخره با مواد فوق هم عیناً موافقت شده و جلسه ختم شد - شور اول لایحه مزبور هم خاتمه و قرار شد راپورت آن به مجلس تقدیم شود.

کفتار دهم. باره‌ای از پیشنهادات

چند پیشنهاد که در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود داشت، ذیل می‌آید:

بند اول

نمره ترتیب طبع ۳۳۹

دوره نهم تقنینیه

پیشنهادهای واصله ضمن شور اول خیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به کتاب دوم قانون مدنی که در جلسه ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ قرائت و به کمیسیون ارجاع گردیده است

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی تبصره ذیل را به ماده ۹۵۶ پیشنهاد می‌کنم
تبصره. شخصی که بالغ و عاقل و رشید و غیر محجور در مال خود باشد واجد اهلیت است.

جمشیدی

مازندرانی

تبصره ذیل را به ماده ۹۶۸ پیشنهاد می‌نماید.
تبصره. کلیه اسناد صادره در هر مملکت به زبان همان مملکت باید نوشته شود.

کاشف

این جانب تبصره ذیل را به عنوان تبصره (۲) به ماده ۹۶۸ پیشنهاد می‌نماید.
تبصره ۲. شرط قسمت اخیر ماده فوق فقط برای متعاقدين مجاز است که طرفین معامله تابع قانون مزبور بوده باشند.

کاشف

بند دوم

نمره ترتیب طبع ۳۵۲

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۱۷

دوره نهم تقنینیه

پیشنهادهای واصله ضمن شور اول کتاب ششم و هفتم از جلد دوم قانون مدنی که در جلسه ۴ اسفند ماه ۱۳۱۳ قرائت شده است.

بنده پیشنهاد می‌کنم که در ماده ۱۰۴۰ قسمت از (مع ذلک در مواردی) الی آخر حذف شود.

(حسین)

افشار)

ماده الحاقیه

مقام منیع ریاست دامت شوکتہ العالی این بنده پیشنهاد می‌کنم که در قانون ازدواج ماده ذیل تأمین گردد: طرفین ازدواج قبل از عقد باید تصدیق صحت مزاج از نقطه نظر امراض زهری ارائه دهند.

دکتر

ادهم

تاریخ طبع ۶ اسفند ماه ۱۳۱۳

بند سوم

نمره ترتیب طبع ۲۰

دوره دهم تقنینیه

پیشنهادهای واصله ضمن شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به حجر و قیمومت که در جلسه ۵ مرداد ماه ۱۳۱۴ قرائت و به کمیسیون ارجاع شده است

بنده پیشنهاد می‌کنم که ماده ۱۲۱۰ به شرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هیجده سال تمام به‌عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

دکتر موسی

جوان

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده (۱۲۱۲) کلمه (تاحدی) حذف شود.

حیدری

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده (۱۲۱۳) در آخر ماده جمله (مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد) حذف شود.

حیدری

مبحث دوم

صورت مشروح مذاکرات شور دوم کمیسیون پارلمانی عدلیه

مجلس شورای ملی

در این مبحث ابتدا جدول شور دوم صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه مجلس شورای ملی ارائه می‌شود و سپس شور دوم صورت مشروح مذاکرات مذکور در مورد مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵ قانون مدنی خواهد آمد.

جدول صورت مشروح مذاکرات شور دوم کمیسیون پارلمانی عدلیه

ردیف	شماره مواد	دوره تقنینیه	شور	شماره جلسه	تاریخ جلسه
۱	۹۵۶ تا ۹۷۵	نهم	دوم	۹	۱۳۱۳/۱۰/۲۵
۲	۹۷۶ تا ۱۰۳۰	نهم	دوم	۱۱	۱۳۱۳/۱۱/۹
۳	۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	نهم	دوم	۱۵	۱۳۱۳/۱۲/۷
۴	۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹	نهم	دوم	۱۸	۱۳۱۴/۱/۱۲
۵	۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	نهم	دوم	۲	۱۳۱۴/۱/۱۷
۶	۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	نهم	یک شور	۲	۱۳۱۴/۱/۱۷
۷	۱۲۰۷ تا ۱۲۲۳	دهم	دوم	۸	۱۳۱۴/۵/۱۵
۸	۱۲۲۴ تا ۱۲۵۶	دهم	دوم	۹	۱۳۱۴/۶/۱۲
۹	۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳	دهم	دوم	۱۲	۱۳۱۴/۷/۹

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۱۹

۱۰	۱۲۸۴ تا ۱۳۳۵	دهم	دوم	۲	۱۳۱۴/۷/۲۷
۱۱	بحث پیرامون ماده ۱۱۵۲ و اصلاح مواد ۱۳۰۵، ۱۳۰۸، ۱۳۲۶، ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵	دهم	دوم	۳ فوق العاده	۱۳۱۴/۷/۲۹

گفتار اول. شور دوم مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳
جلسه ۹ به تاریخ یوم سه شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۱۳

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات
قانون مدنی (شور ثانی لایحه نمره ۱۸۹۰۸) در اشخاص
و شخصیت حقوقی

به تاریخ یوم سه شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۱۳ سه ساعت قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای دیبا تشکیل لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت در تعقیب مواد قانون مدنی که در جلسه ۶ مورخه اول دی ماه شور اول آن خاتمه و به مجلس ارجاع شده بود برای شور دوم مطرح راپورت شور اول کمیسیون قرائت و ماده اول آن به عنوان ماده ۹۵۶ از این قرار قرائت شد (مراجعه شود به صفحه ۸۴ همین دفتر)

آقای مؤید احمدی. آقای مؤیداحمدی اظهار داشتند همان طور که در مجلس هم مذاکره شد کلمه اهلیت که اینجا ذکر شده برای دارا شدن حقوق است از این

حیث.

آقای افسر معتقد بودند ممکن است کلمه دیگری انتخاب نمود مثل شایستگی.

آقای وزیر. آقای وزیر مخالف نظریه آقای افسر بوده و توضیح دادند اهلیت کلمه ای است که اعم از شایستگی و غیره می باشد و بعلاوه این کلمه مصطلح شده است.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار داشتند قوانین ما مخصوصاً قانون مدنی از قوانین خارجه ترجمه می شود نهایت این است که وضعیت زندگانی ما هم در نظر گرفته می شود ولی همان قانون خارجه موادی دارد که برای مملکت ما صلاح نیست و یا اگر صلاح باشد و بخواهند جزئی تغییر در ترجمه آن بدهند روح آن ماده از بین می رود حالا این کلمه اهلیت هم از همان کلماتی است که اگر به جای آن عبارت دیگری گذاشته شود این معنا را نمی رساند.

آقای دیبا. آقای دیبا پیشنهاد نمودند که به جای اهلیت نوشته شود استعداد برای دارا بودن حقوق.

آقای وزیر با این پیشنهاد هم مخالف بود. آقای جمشیدی تبصره ای پیشنهاد نمودند. آقای وزیر اظهار نمودند این تبصره در مجلس هم پیشنهاد شد و من توضیح دادم که نمی شود. **آقای افسر.** آقای افسر هم راجع به کلمه اهلیت معتقد بودند کلمه دیگری گذاشته شود.

آقای وزیر جواب دادند اهلیت نه کلمه فرانسوی است و نه انگلیسی بلکه کلمه عربی است که در زبان ما مصطلح است. در قوانینی که از مجلس گذشته اهلیت در دو مورد استعمال شده یکی برای تمتع و دارا شدن حقی و یکی هم در مورد اجرائیات و حالا اینجا که نمی شود نوشت اهلیت بر دو قسم است. به پیشنهاد آقای جمشیدی رأی گرفته رد شد.

به ماده ۹۵۶ که ماده اول لایحه دولت است رأی گرفته تصویب شد.

ماده ۹۵۷ خبر شور اول قرائت شد (صفحه ۸۴).

خالقی نبوده عیناً تصویب و ۹۵۸ قرائت گردید.

آقای وزیر توضیح دادند اهلیت در این ماده غیر

از اهلیت در ماده اول است حالا باید طوری نوشت که این نکته معلوم شود هر چند کلمه اهلیت در قانون مدنی تصریح شده و مانعی ندارد.

مواد ۲۱۰، ۲۱۱ قانون مدنی راجع به موضوع اهلیت قرائت و گفته شد در این صورت اشکالی ندارد.

آقای افسر با ذکر کلمه اجرا در ماده مخالف بود.

آقای وزیر پیشنهاد نمودند خوب است در اینجا اشاره ای به ماده ۲۱۱ قانون مدنی شود.

آقای تهرانی. آقای تهرانی اظهار نمودند ماده طوری تنظیم شده مثل اینکه کسی که اهلیت داشته باشد میتواند در کوچه یقه کسی را گرفته و به زور حق خود را مطالبه و اجرا کند در صورتی که منظور این نیست.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند قانون مدنی را نمی شود طوری نوشت که همه کس بفهمد.

آقای تهرانی مخالف این نظریه بود.

آقای وزیر پیشنهاد نمودند نوشته شود در حقوق خود نمیتواند تصرف کند.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند چه مانعی دارد کسی که پدرش مرده و صغیر هم نیست بتواند حقوق خود را مطالبه نماید؟

آقای وزیر توضیح دادند. اولاً اجرا را که اینجا نوشته اجرای عدلیه تصور نکنید بلکه مقصود همان تصرف استقلالی است تصرف اصلاً حق است که مستقل باشد در بعضی موارد اگر سفیه معامله ای کند چون اهلیت ندارد معامله اش باطل ولی اگر ولی آن سفیه معامله را امضاء کند نافذ است صغیر هم اهلیت

ندارد ولی انشاء هم نمی شود صغیر و مجنون نمیتوانند زن بگیرند ولی سفیه میتواند به هر حال اگر اشاره کنیم اهلیت قانونی را به مواد ۲۱۰، ۲۱۱ باز هم کافی نیست.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند اجرا کردن حق این است که فرضاً بنده میتوانم تعرفه گرفته وکیل انتخاب کنم میتوانم از شما

خواهش کنم که عضو انجمن ادبی باشم و هم می‌توانم خانه بخرم.

آقای حمزه‌تاش پیشنهاد نمودند بجای اجرا نوشته شود عامل حقوق خود باشد.

آقای وزیر اظهار نمودند ممکن است نوشت، نمی‌تواند در حقوق خود تصرف کند.

گفته شد خوب است بنویسیم نمی‌تواند دخالت کند.

مجدداً آقای وزیر اظهار داشتند من هر چه فکر می‌کنم می‌بینم همین طور که نوشته شده بود بهتر است آثایی که باید بفهمند ملتفت خواهند شد.

موافقت شده ماده ۹۵۸ عیناً تصویب و مواد ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱ به شرح مذکور در صفحه ۸۵ قرائت گردید.

آقای جهانشاهی اظهار نمودند خوب است فقره ۳ از ماده ۹۶۱ بیشتر از این روشن نوشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند قانون استخدام قضات یک شرطش این است که قضات اتباع ایران باشند در قوانین دیگر مواردی است که می‌نویسد به اتباع خارجه این حق داده نمی‌شود در بعضی قوانین هم حقوقی ایجاد می‌شود برای اشخاص بدون تصریح اینکه خارجی حق ندارد در آنجا نگاه می‌کنیم اگر منشأ این حق روی ایرانی و ایرانی بودن آن حق را به خارجی می‌دهیم و قوای اجرائیه مملکت باید از دادن چنین حقی به خارجی‌ها خودداری کنند. حالا ما چنین حقی که مخصوص جامعه ایرانی باشد نداریم ولی ممکن است بعد ایجاد شود.

آقای همراز. آقای همراز تذکر دادند در انگلستان این قسمت هست که در فلان میز لردها نمی‌توانند حاضر بشوند ولی این قسمت قانون ندارد.

آقای وزیر هم توضیح دادند همین طور است ما هم فرض نمی‌توانیم در قانون بنویسیم که کافر نمی‌تواند در مسجد مسلمانان برود حالا اگر یک نفر پیدا شد که خواست برود در مسجد ما که نمی‌توانیم مطابق قانون از او جلوگیری کنیم مگر به وسیله این ماده.

آقای دیبا. آقای دیبا تذکری راجع به قوانین اسلام دادند.

آقای وزیر جواب دادند در جای دیگر مصرح است.

رأی گرفته مواد ۹۶۰، ۹۶۱ تصویب و ماده ۹۶۲ به شرح مذکور در صفحه ۸۶ و مواد ۹۶۳، ۹۶۴ به شرح مذکور در صفحه ۸۶ قرائت گردید.

آقای همراز. آقای همراز راجع به ماده ۹۶۳ اظهار نمودند اگر شوهر تبعه دولت آلمان و زن تبعه دولت اتریش بوده و به میل و رغبت بخواهند نزد ملای ما عقد شوند چه مانعی دارد که اینجا نوشته شده حتماً باید تابع قوانین مملکت شوهر باشند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در اینجا شروط و قیود در عقد چند قسم است. شروط و قیود وقتی مخالف صریح قانون نباشد نسبت به آن دو نفر ملزم و مجری است یک وقت شروط مخالف مقتضای عقد است یک وقت مخالف با قوانین دولت متبوع آنها است. ما کاری به شروط و قیود آنها نداریم اینجا مراد این است که اگر مرد تبعه دولت فرانسه بود و زن تبعه دولت دیگر و یا در ایران بود ولی تبعه ایران نبود آن وقت روابط بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر است.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند اکثریت در همه جا این طور است که زن تابع مرد می شود مگر آنکه خودشان قراردادی داشته باشند.

آقای وزیر جواب دادند این طور نیست و آنها نمی توانند در قسمت هایی که مربوط به قوانین می شود قرارداد مخصوص بگذارند فرض زن و مرد آلمانی و فرانسوی هستند در قانون فرانسه قرار بر این است که طفل دو سال باید نزد مادر باشد ولی در آلمان برخلاف است اگر در این قسمت بین آنها اختلاف شود باید رجوع کنند به قانون مملکت شوهر.

بالاخره ماده ۹۶۴ با حذف کلمه (نسبت) بعد از کلمه (فقط) و مواد دیگر عیناً تصویب شد.

مواد ۹۶۵، ۹۶۶ عیناً تصویب و ماده ۹۶۷ به شرحی که در صفحه ۸۷ نوشته شده قرائت شد.

آقای همراز. آقای همراز تذکری دادند.

آقای وزیر جواب دادند رعایت قوانین اصلی را نسبت به متوفی می کنیم ولی نسبت به سایر قوانین رعایت نمی شود کرد.

مجدداً آقای همراز سؤال نمودند اگر یک نفر تبعه

خارجه وصیت کرده باشد که از اموال من یک شراجه در دست کنید چه طور این وصیت را عمل می کنید در صورتی که مخالف قانون مملکت خودش نیست؟ آقای وزیر جواب دادند اگر چنین شخصی وصیت کند که مالش را به دیگری بدهند البته عمل می شود ولی اگر وصیت کند فاحشه خانه دائر کنند انجام نخواهد شد زیرا برخلاف اخلاق عمومی است. اما در قسمت شراجه که فرمودید در صورتی که مخالف حیثیات مملکت ما باشد عمل نمی کنیم.

رأی گرفته مواد فوق عیناً تصویب و ماده ۹۶۸ به شرحی که در صفحه ۸۷ درج است قرائت شد.

آقای کاشف تبصره ای پیشنهاد نموده بودند که به این ماده اضافه شود.

آقای مؤیداحمدی توضیح دادند منظور آقای کاشف این است که اگر یک نفر ایرانی با یک نفر فرانسوی در ایران قراردادی بستند و نسبت به آن قرارداد خود را تابع قانون مملکت فرانسه نمودند چه باید کرد؟

گفته شد ایراد ایشان صحیح است.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی توضیح دادند منظور آقای کاشف قسمت عمده اش برای معاملاتی است که با روسها در ایران شده و باید تابع قوانین ایران باشد البته اگر معامله در مسکو صورت گرفته باشد باید مطابق مقررات آن مملکت عمل شود ولی وقتی که در ایران صورت گرفته تابع مملکت و قوانین ایران است.

آقای افسر. آقای افسر اظهار داشتند در خراسان و جاهای دیگر کسانی که با اتباع روس معامله می کنند اغلب در قرارداد ذکر می کنند اگر اختلافی حاصل شد به محکمه استیناف تاشکند مراجعه و در آنجا حل شود و یا به حکمیت روسها تصفیه گردد این تمیل را روسها به ایرانیها می کنند و اغلب ایرانیها هم گول خورده قبول می نمایند حالا چاره ای نیست جز آنکه از معاملاتی که در ایران به این ترتیب می شود باید جلوگیری کرد.

آقای همراز. آقای همراز هم معتقد بودند پیشنهاد آقای کاشف مفید است زیرا مردم در زحمت

هستند مخصوصاً مؤسسات شوروي ورقه اي طبع کرده اند که در مورد معاملات، قرارداد را روي آن ورقه بنویسند و در آن ورقه مخصوصاً نوشته شده که اگر اختلافی حاصل گردد رفع اختلاف با محکمه مسکو می باشد پس باید از این قسمت جلوگیری شود که به حقوق بین المللی هم لطمه وارد نشود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند باید موضوع را تفکیک نمود اینکه رفع اختلاف رجوع به مملکت دیگر شود یک موضوعی است و اینکه تعهدات تابع قوانین مملکت دیگر بشود موضوع دیگری است اولاً متعاملین کاملاً در معامله آزاد هستند و نمی شود آنها را الزام کرد که تو فلان قرارداد را نبند اساساً ایرانی ها عادت دارند که در وقت معامله هر شرطی را قبول می کنند و بعد ممکن است از زیر بار آن هم شانه خالی و به قول عوام جر بزنند و یا متوسل به دولت می شوند همین فکرها آن روز اول هم برای آنها هست من موافقم در اینکه ایرانی ها فکرشان ناقص است و باید اخلاق آنها را تغییر داد. اصحاب دعوی بدون تعهد هم ممکن است بروند در مسکو محاکمه کنند. خود دولت همین کار را در موردی کرده و ضرر دیده است حالا به هر حال ممکن است اینجا قید شود (مگر آنکه متعاقدين غيرایراني باشند).

آقای کفائي. آقای کفائي معتقد بودند کلمه (ضمناً) زائد است زیرا در محاکم کشمکش خواهد شد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند یک وقت مشخص می شود که این قرارداد را ضمی نموده اند نه صریحاً و بنابراین باید نوشت صریحاً یا ضمناً.

بالاخره قسمت آخر ماده ۹۶۸ از این قرار اصلاح و تصویب شد:

(مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند).

ماده ۹۶۹ به شرح مذکور در صفحه ۸۷ قرائت آقای کفائي تذکر دادند اسناد تجارتي الزام آور نیست که رسمی باشد.

پیشنهاد آقای کاشف که اسناد باید فارسی تنظیم شود قرائت شد.

آقای وزیر توضیح دادند هر فکری که برای تنظیم اسناد به فارسی می‌توان کرد حرفی نیست و مطلب هم صحیح است ولی در اینجا نمی‌شود چیزی نوشت. **آقای همراز.** آقای همراز سؤال نمودند اگر سندی در فرانسه تنظیم و در اینجا به عدلیه رجوع و پس از معتبر شناخته شدن آن به اجرا برود، آیا از حیث اجرا مطابق قانون فرانسه عمل خواهد شد؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اگر اداره ثبت بتواند اجرا کند که هیچ ولی اگر برود به محکمه، محکمه باید حکم دهد و هر طور حکم صادر شد همان طور اجرا خواهد شد. نمی‌شود مطابق قانون مملکت دیگر اجرا کرد.

بالاخره پیشنهاد آقای کاشف رد و ماده ۹۶۹ تصویب شد. ماده ۹۷۰ به شرح مذکور در صفحه ۸۷ قرائت گردید.

آقای وزیر توضیح دادند در قسمت طلاق وقتی که به محکمه ما مراجعه نمایند ما هم مراعات قانون مملکت آنها را می‌نمائیم ولی در قسمت مالی که می‌توانند طلاق بدهند.

آقای امیرتیمور. آقای امیرتیمور سؤال نمودند اگر در دفتر سجل احوال ایران ثبت نشد آیا آن عقد باطل است؟

آقای وزیر جواب دادند خیر ولی زوجین مسئول هستند و بالاخره دو نفر زن و مرد فرانسوی اگر در قونسولخانه فرانسه در تهران ازدواج نمودند باید این ازدواج را به احصائیه اطلاع دهند کما آنکه اگر اولادی هم از آنها پیدا شود باید اطلاع دهند زیرا ممکن است آن اولاد تبعه دولت ایران شود.

مواد ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳ عیناً تصویب و ماده ۹۷۴ به شرح مذکور در صفحه ۸۸ قرائت گردید.

آقای دیبا اظهار داشتند در مملکت مشروطه مثل ایران امضای دولت برای عهود کافی نیست باید نوشت که مقامات صالحه آن را تصویب کرده باشد.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند يك اصل کلی است که معاملات و قراردادها باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد و اگر نرسد قانونی نیست. دیگر

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۲۷

ذکرش در همه جا زائد است.
آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند اشکال آقای دیبا وارد است همین اختلافی که فعلاً با عراق داریم اگر امضای دولت کافی نبود دیگر ما نمی‌توانستیم به آنها حرفی بزنیم و حق با آنها بود و حالا ما می‌گوییم چون مجلس تصویب نکرده قرارداد رسمی نیست و شما حالا می‌خواهید آن قرارداد را رسمی‌کنید.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند این که قرارداد نیست بلکه قانون است و تفسیر آن هم با خود ما است و ما هیچ وقت چنین تفسیری که شما نمودید نمی‌کنیم.

آقای افسر هم تذکر دادند کلمه دولت در اینجا اعم است از مقامات صالحه که حق تصویب آن را دارند.

آقای دیبا. آقای دیبا هم تذکر دادند در متن عهدنامه‌ها مجلس نمی‌تواند تغییراتی دهد زیرا در نظامنامه مجلس تصریح دارد و اساساً پس از امضای عهد دولت آن را به مجلس پیشنهاد می‌نماید.

بالاخره ماده ۹۷۴ تصویب و ماده ۹۷۵ به شرح مذکور در صفحه ۸۸ قرائت و مخالفی نبوده تصویب و مواد لایحه مزبور تمام و رأی به کلیه لایحه گرفته موافقت حاصل و قرار شد راپورت شور ثانی به مجلس تقدیم شود و جلسه ختم گردید.

گفتار دوم. شور دوم مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه

منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳

جلسه ۱۱ به تاریخ یوم سه‌شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۱۳

مجلس شورای ملی

دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

شورثانی قانون مدنی (تابعیت)

به تاریخ یوم سه‌شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۱۳ دو ساعت و نیم قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای کفائی تشکیل شور ثانی لایحه نمره ۲۲۶۶۷ کتاب دوم از جلد دوم قانون مدنی در تابعیت که جلسه ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ شور اول آن به عمل آمده و به مجلس ارجاع گردیده بود و مجدداً برای شور ثانی به کمیسیون ارجاع شده بود مطرح و ماده اول که به عنوان ماده ۹۷۶ می‌باشد به طوری که در صفحه ۹۴ درج گردیده قرائت شد.

آقای جهانشاهی تذکر دادند اینجا دولت دو اصل را برای تابعیت قائل شده یکی خون و یکی نژاد. آقای احتشام زاده سنوال نمودند اگر قرارداد تابعیت در قبالة نکاحیه شرط شود چون حق تابعیت که راجع به زوجه است مشکل خواهد شد چه خواهید کرد؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند این طور قراردادها خصوصی است و مخالف قانون می‌باشد و ما قبول نخواهیم کرد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی مجدداً اظهار داشتند بعضی ممالک شرط تابعیت را فقط خاک قائل شده‌اند ولی ما دو چیز قائل شده‌ایم فقره ۴ این ماده راجع به خاک است و می‌گوید کسی که از پدر و مادر خارجی یا یکی از آنها که خارجی باشد در ایران متولد^۱ شده باشد و حالا من معتقدم کسی که مشمول فقره ۴ باشد باید بلا شرط تبعه ایران شناخته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند ما شرطی قائل نشده‌ایم بلکه نوشته‌ایم که به رسیدن سن ۱۸ می‌تواند تابعیت پدر خود را قبول نماید.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی راجع به تبصره این ماده نظری داشتند وعده‌ای معتقد بودند کلمه (دیگر) از فقره ۵ باید حذف شود.

بالاخره ماده ۹۷۶ بر طبق راپورت شور اول کمیسیون تصویب و ماده ۹۷۷ به شرحی که در صفحه

۱. در متن فوق عبارت «متولد» جایگزین عبارت «تولد» گردید.

۹۴ درج است قرائت شد - چون مخالفی نداشت عیناً تصویب و مواد ۹۷۸، ۹۷۹ به شرح مذکور در صفحه ۹۵ قرائت و مطرح شد.

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده نسبت به فقره ۲ از ماده ۹۷۹ معتقد بودند اگر سکونت متوالی باشد سه سال کافی خواهد بود.

آقای جهانشاهی جواب دادند چون پنج سال علاقه‌مندی او را به ایران می‌رساند، عیبی ندارد.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه توضیح دادند هر چند تابعیت اشخاص تا اندازه‌ای به اختیار دولت‌ها است ولی باید جزئی اختیاری هم به خود اشخاص داد که با کمال میل تابعیت را قبول نمایند و بنابراین اگر سه سال بنویسیم این شخص مجبور می‌شود قبل از سه سال از ایران خارج شود.

آقای لایقوانی. آقای لایقوانی اظهار نمودند خوب است شرط دیگری هم علاوه شود که اگر این اشخاص ورشکسته به تقصیر شده باشند به تابعیت ایران قبول نمی‌شوند.

آقای همراز. آقای همراز راجع به پنج سال متناوب و متوالی مخالف بوده و با نظریه آقای احتشامزاده موافق و توضیح دادند ممکن است متخصصین خارجی و کارگران فنی که به ایران می‌آیند مشمول این ماده شوند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند ما که نمی‌خواهیم خارجی‌هایی که کار از آنها بر نمی‌آید سربار این ملت شوند البته آنهایی که کاری هستند و معلوماتی دارند خوب است آن هم باز باید به اختیار دولت باشد. پنج سال که نوشته‌ایم مدتی است که می‌توان گفت آب و خاک این مملکت در او تأثیر کرده است و در حقیقت عادت به زندگانی اینجا نموده است.

رأی گرفته مواد ۹۷۸، ۹۷۹ تصویب و ماده ۹۸۰ به شرح مذکور در صفحه ۹۵ قرائت شد.

۱. در متن فوق عبارت «از آنها» جایگزین عبارت «ازشان» گردید.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند کلمه متخصص عام نیست و خوب است مجرب و متخصص نوشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند در ایران اشخاصی پیدا می‌شوند که بدون تحصیلات کافیه متخصص عالی مقامی شده‌اند مثل استاد جعفرخان معمار ولی در خارجه این طور اشخاص یافت نمی‌شوند.

آقای لیقوani. آقای لیقوani معتقد بودند در مورد این ماده هم لازم است سکونت ملحوظ شود.

آقای وزیر جواب دادند برای قبول تابعیت ایران دو شرط عمده قائل شده‌ایم که یکی سکونت پنج سال در ایران است و دیگر آنکه متخصص در امور عام‌المنفعه بوده و خودش تقاضای تابعیت نماید.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند خروج از تابعیت باید مجازاتی برای اشخاص باشد. عده‌ای از ایرانی‌ها را اطلاع داریم که چندی قبل از ایران به خارجه مسافرت و تا به حال مراجعت نکرده ولی تبعه ایران خود را معرفی می‌کنند بنده معتقدم اگر مقتضی باشد دولت این طور اشخاص را از تابعیت خارج نماید که شاید آن مالکی که آنها در آنجا هستند آنها هم این اشخاص را به تابعیت خود قبول ننمایند و این خود یک مجازاتی است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند بزرگترین مجازاتها برای این طور اشخاص تبعید است. خارج کردن از تابعیت چیز خوبی نیست کاری که ما خواهیم کرد اینها را نمی‌گذاریم وارد خاک ایران شوند.

آقای لیقوani. آقای لیقوani هم با نظریه آقای وزیر موافق بوده و اظهار داشتند از تابعیت خارج نمودن تأثیر اخلاقی ندارد فرض احسان‌الله خان را که دولت از تابعیت ایران خارج نمود برای او چه تأثیری داشت امروز که در بادکوبه زندگانی می‌کند اهالی آنجا که نمی‌دانند این شخص مطرود واقع و از تابعیت ایران خارج شده است. بعلاوه اشخاص بدو اگر دولت از تابعیت ایران خارج کند اینها در خارجه با کمال رشادت و خیال راحت ممکن است از ایران بدگویی کنند.

رأی گرفته ماده ۹۸۰ تصویب و ماده ۹۸۱ به شرح مذکور در صفحه ۹۶ قرائت شد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند بیانات آقای جهانشاهی از نظر سیاست هم تأثیر دارد من معتقدم برای ایرانی‌هایی که در خارجه اقامت و مرتکب عملیاتی می‌شوند باید همین مجازات برای آنها هم مقرر شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر این اشخاصی که در خارجه اقامت دارند تبعه ایران باشند و مرتکب عملیاتی شوند هر وقت که باشد ممکن است ما آنها را مجازات کنیم اولاً يك مجازات آنها این است که دیگر اجازه ورود به خاک ایران نمی‌دهیم مجازات دیگر این است که اگر آمدند چون تبعه خود ما هستند می‌توانیم آنها را توقیف و حبس کنیم یکی دیگر آنکه ممکن است با دولت مربوطه تباری نموده و آنها را به مجازات خودشان برسانیم حالا اگر از تابعیت ایران آنها را خارج کنیم به هیچ وجه دسترسی به آنها نخواهیم داشت.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی پیشنهاد نمودند در بند الف از تبصره این ماده خوب است اضافه شود و کسانی که برعلیه پادشاه ایران اقدامی بنمایند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرر تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد.

آقای وزیر. آقای وزیر صلاح نمی‌دانستند به طوری که آقای جهانشاهی پیشنهاد نمودند ضمن قانون مدنی برای اشخاص مجازات معین کرد و بالاخره رأی گرفته ماده ۹۸۱ تصویب و ماده ۹۸۲ به شرح مذکور در صفحه ۹۶ قرائت شد.

آقای احتشام زاده معتقد بودند خدمت در وزارت امور خارجه هم خدمت سیاسی و مهمی است و این طور اشخاص نباید به خدمت وزارت امور خارجه پذیرفته شوند و من پیشنهاد می‌کنم به جای استخدام وزارت امور خارجه نوشته شود (خدمت در وزارت امور خارجه).

آقای وزیر جواب دادند کنتراتی هم خدمت می‌کند و آن مانعی ندارد و همین کلمه استخدام خیلی خوب است.

رأی گرفته ماده ۹۸۲ تصویب و مواد ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ به شرح مذکور در صفحه ۹۶ قرائت شد. آقای وزیر تذکر دادند در ماده ۹۸۴ که نوشته شده (باید تصدیق مذکور در ماده ۲ ضمیمه شود) بایستی اصلاح و ماده ۲ ماده ۹۷۷ شود از همین قرار اصلاح شد.

آقای لبقوانی معتقد بودند غریزه بشری باید در تابعیت رعایت گردد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی در جواب نکته ای که آقای احتشام زاده فرمودند، اظهار داشتند اگر ایرانی تبعه خارجه را ازدواج کند آن زن تبعه ایران شناخته می شود و این اصل به جای خودش محفوظ است حالا اینجا می نویسد اگر شوهری تبعیت ایران را قبول نماید یک چنین مردی زنش تبعه خارجه است ولی زن اختیار دارد که تابعیت قبلی شوهر خود را قبول و یا تابعیت ایران را قبول کند.

رأی گرفته تا ماده ۹۸۵ تصویب و ماده ۹۸۶ به شرح مذکور در صفحه ۹۷ قرائت شد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند موضوع مالکیت اتباع خارجه اختصاص به چنین زنی ندارد هر تبعه خارجه حق داشتن اموال غیرمنقول را در ایران ندارند و این اصل کلی در اینجا ذکر نشده است اگر جای دیگر هست که دیگر لزومی ندارد بخصوص اینجا چیزی نوشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند آن اصل که می فرمائید به جای خود محفوظ است ولی اینجا به واسطه تفریق یا مردن شوهر زن می رود تبعه خارجه می شود ما چنین چیزی نداریم که بتوانیم حق داشتن املاک را از این زن سلب کنیم.

رأی گرفته ماده ۹۸۶ تصویب و ماده ۹۸۷ به شرحی که در صفحه ۹۷ مندرج است قرائت شد. آقای وزیر اظهار نمودند در این ماده بنده

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

پیشنهادي دارم که باید اضافه شود به این ترتیب:
آخر تبصره ۲ - این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی‌شود - (مندرجات ماده ۹۸۸ در قسمت خروج از ایران مشمول زنان مزبور نخواهد بود)
ماده ۹۸۸ قرائت شد.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند در قانون تابعیت سن رشد را هیجده سال گرفته‌ایم و اینجا بیست و پنج سال معین نموده‌ایم در صورتی که این اختلاف سن رشد خوب نیست.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند صحیح است در سن ۱۸ سالگی اهلیت برای احقاق حق پیدا می‌شود ولی در قسمت تابعیت باید شخص عقل کامل پیدا کرده باشد عقل کامل هم حاصل نمی‌شود مگر در سن ۲۵ سالگی.

بالاخره ماده ۹۸۷ با اضافه جمله فوق به آخر تبصره ۲ تصویب و ماده ۹۸۸ هم عیناً تصویب ولی تبصره ذیل بر حسب پیشنهاد آقای وزیر به آن ماده اضافه گردید:

(تبصره. کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تبعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت یک سال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهد نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیه بخواهند به ایران بیایند اجازه مخصوص هیئت وزراء آن هم برای یک دفعه و مدت معین لازم است.)

ماده ۹۸۹ به شرح مذکور در صفحه ۹۸ قرائت شد.
آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار داشتند سابقاً در تحت تأثیر جریان‌های عده‌ای در ایران کارهایی کرده و بعداً از ایران خارج شده ولی حالا پشیمان شده‌اند و حاضرند به تبعیت اصلی خود برگشته به ایران بیایند من نظرم این است که اگر این اشخاص معاف شده و به تبعیت مجدد ایران قبول شوند تشویق شده است.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند هیچ مملکتی

امروز نمی‌تواند بگوید این اشخاص تبعه ما هستند و ما هم آنها را تبعه خارجه نمی‌دانیم که فرمایش شما مورد پیدا کند اختیار قبول تابعیت آنها هم با دولت است و مانعی ندارد.

آقای لایقوانی. آقای لایقوانی نظرشان این بود اشخاصی که از تابعیت ایران دست برداشته اند بهتر است دیگر به تابعیت ایران برنگردند.

آقای ملک‌مدنی اظهار نمودند به طوری که یکی از رفقا تذکر می‌داد و تذکرشان به مورد هم هست نظرش این بود که اوضاع گذشته ایران قبل از ۱۲۹۹ باید در نظر گرفته شود و رعایت‌هایی به عمل آید.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند من نظر شما را ملتفت شدم ولی به طور کلی نمی‌شود چشم‌پوشی نمود زیرا من دو نفر را سراغ دارم که در آن زمان سابق آنها را وادار نموده بودند به مخالفت با مشروطیت و حکومت مشروطه ولی این هردو با اینکه از سفارت روس به کرات عقب آنها فرستادند از رفتن به سفارت و توسل به خارجی‌ها امساک و یکی از آنها که مرحوم آخوند بود در منزلش در رستم‌آباد زیر خرمن مخفی شد که او را پیدا نکنند حالا این‌طور اشخاص در حقیقت تقصیر کار نبوده و بلکه شرافتمند بوده‌اند ولی عده دیگر که برای جاه و مال و مکنات کارهایی کرده و به خارجی‌ها هم متوسل می‌شدند اینها را شرافتمند نمی‌شود گفت و هیچ وقت قابل عفو نیستند.

آقای ملک مدنی. آقای ملک‌مدنی مجدداً تذکر دادند چون قبل از پیدایش اعلیحضرت همایونی مملکت هرج و مرج بود باید تفاوتی بین انقلاب‌کنندگان آن وقت و بعد از آن قائل شد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند فلسفه ماده ۹۸۹ این است که در زمان مظفرالدین شاه دستخطی صادر گردیده که هیچ کس حق خروج از تابعیت ایران را ندارد مگر به اجازه دولت و بنابراین ما هم اینجا آن تاریخ را مدرک قرار داده‌ایم.

رأی گرفته ماده ۹۸۹ تصویب و ماده ۹۹۰ به شرح مذکور در صفحه ۹۸ قرائت شد.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۲۵

آقای لیقوانی سؤال نمودند این طور اشخاص چرا به صرف درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد؟

آقای وزیر جواب دادند چون مطابق مقررات تبدیل تابعیت کرده اند حالا هم درخواست آنها را می پذیریم.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند از این اشخاص عده ای هستند که سابقه خوبی ندارند و بنابراین صرف درخواست نباید ملاک واقع بلکه هیئت وزراء هم باید تصویب کند.

آقای جهانشاهی هم موافق نظریه آقای احتشام زاده بوده و بالاخره این عبارت به آخر ماده ۹۹۰ اضافه شد:

(مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند)
ماده ۹۹۱ به شرح مذکور در صفحه ۹۸ قرائت، قرار شد:.

قبل از حقوق شانس لری (خارج دفتری) اضافه شود و تصویب گردید.

کتاب سوم. در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۲ به شرح مذکور در صفحه ۹۸ قرائت و عیناً تصویب شد - ماده ۹۹۳ قرائت شد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند اینکه مکلف نموده اید بعد از ماه ششم از تاریخ حمل اگر حملی واقع و جنینی سقط شد اطلاع دهند نتیجه مطلوبه حاصل نمی شود زیرا سقط جنینی که در نتیجه عملیات نامشروع صورت می گیرد اغلب یکی دو ماه تا چهار ماه بعد از حمل است و اگر مکلف باشند که این را هم به اداره سجل احوال اطلاع دهند این جنایات کمتر اتفاق می افتد و بعلاوه نتایج دیگری هم دارد.

گفته شد اگر این طور باشد برای مرد و زن هر دو مجازات مخصوصی است که تعقیب خواهند شد.

آقای تهرانی. آقای تهرانی معتقد بودند بعضی قوانین هست که قابل اجرا نیست که یکی از آنها همین ماده می باشد اولاً وسائل اطلاع دادن برای مردم

فراهم نیست و ثانیاً دولت هم خیلی بندرت اطلاع حاصل خواهد کرد.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند این فرمایشات شما مربوط به وظائف اداره سجل احوال است و ما هم که قانون سجل احوال نمی‌نویسیم بلکه تکلیفی برای مردم معین می‌کنیم و اما در قسمت تسهیلات برای ارجاعات مردم به ادارات دولتی بنده خودم هم تصدیق دارم که مشکلاتی فراهم هست و مأمورین فراهم می‌کنند و بیشتر هم برای انتخاب مأمورین جوانی است که بعضی ادارات انتخاب و به خدمت می‌گمارند.

رأی گرفته ماده ۹۹۳ تصویب و مواد ۹۹۴ و ۹۹۵ قرائت و تصویب شد (توضیح آنکه ضمن خبر شور اول کمیسیون که به طبع رسیده ماده ۹۹۴ از قلم افتاده است)

مواد ۹۹۶ و ۹۹۷ به شرح مذکور در صفحه ۹۹ قرائت شد.

آقای افسر مخالف ماده ۹۹۷ بوده و اظهار نمودند اعتراض مورد ندارد باید اساساً من نتوانم نام فامیلی دیگری را انتخاب کنم.

آقای سلطانی. آقای سلطانی اظهار نمودند اگر کسی نام خانوادگی کسی را برای تجارخانه خود انتخاب کند اینجا منعی ندارد در صورتی که باید منع باشد.

آقای وزیر جواب دادند اگر تجارخانه به آن کلمه اضافه شود عیبی ندارد.

آقای همراز با نظر آقای سلطانی موافق بوده و مقتضی می‌دانستند یک نفر بقال نام فامیلی شخص محترمی را برای دکان خود انتخاب نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر مجدداً توضیح دادند ضمن قانون سجل احوال مقرراتی هست و می‌نویسد که چه اسم‌هایی را نباید برای نام فامیلی انتخاب کرد.

بالاخره قرار شد ماده ۹۹۷ از این قرار نوشته شده و قسمت آخر آن ملحق به ماده ۹۹۸ شود:

(ماده ۹۹۷. هر کس باید دارای نام‌خانوادگی باشد - اتخاذ نام‌های مخصوص که به موجب نظامنامه اداره سجل احوال معین می‌شود ممنوع است).

ماده ۹۹۸ به شرح مذکور در صفحه ۹۹ قرائت قسمت دوم ماده قبل به آخر این ماده اضافه شده و تصویب شد.

ماده ۹۹۹ به طوری که در صفحه ۹۹ درج است قرائت و همچنین مواد ۱۰۰۰، ۱۰۰۱ قرائت و عیناً تصویب گردید.

کتاب چهارم. در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲ به شرحی که در صفحه ۹۹ نوشته شده قرائت با توضیحی که آقای جهانشاهی دادند عیناً تصویب و مواد ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰ به شرح مذکور در صفحه ۹۹ قرائت شد.

آقای مولوی تذکر دادند در اصول محاکمات حقوقی موادی راجع به اقامتگاه هست که به نظر من کافی می باشد و این مواد ممکن است متناقض باشد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی معتقد بودند مرکز مهم تجارتی هر کس محل اقامت آن تاجر است ولو آنکه خودش در آن محل نباشد.

آقای وزیر. آقای وزیر نسبت به ماده ۱۰۰۵ توضیح دادند بعداً ماده ای می آید که ممکن است اشخاص برای خود اقامتگاه موقتی معین نمایند اشخاص حقوقی هم مرکز عملیاتشان محل اقامت آنها است.

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده تذکر دادند اقامتگاه خصوصی که در آخر ماده ۱۰۱۰ نوشته شده معنی ندارد - قرار شد «خصوصی» تبدیل به «حقیقی» شود و از همین قرار اصلاح شد.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند راجع به اشخاص حقوقی تذکری داده شد بنده هم معتقدم که باید فکری در این خصوص نمود که محل اقامت آنها چه نقطه ای است.

آقای جهانشاهی راجع به اشخاصی که مرکز تجارت خود را خارجه قرار می دهند تذکری دادند.

آقای وزیر توضیح دادند آن قسمت موضوع علیحده ای است صحبت در این است که اقامتگاه

اشخاص حقوقی را کجا بشناسیم من خودم معتقدم که احتیاجی نیست اینجا چیزی نوشته شود هر جا که مرکزشان هست همان جا اقامتگاه آنها است ولو آنکه شعبی در نقاط مختلفه داشته باشند.

آقای هراز. آقای هراز معتقد بودند در این صورت اگر کسی مرکز تجارت خود را روسیه قرار دهد آن وقت اشکال پیدا می‌کند. گفته شد باید ثبت شود.

آقای احتشام زاده پیشنهاد نمودند حق این است که در آخر ماده ۱۰۰۲ چیزی راجع به اشخاص حقوقی نوشته شده و محل اقامت آنها ذکر شود.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند صحبت ما در آنهایی است که مرکز تجارتشان در ایران است و آنها بدون یک تشریفات قانونی نمی‌توانند مرکز خود را تغییر دهند مگر اینکه تجارتخانه خود را منحل نمایند.

بالاخره قرار شد این عبارت در آخر ماده ۱۰۰۲ علاوه شود:

(سر سطر - اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود)
رأی گرفته مواد فوق تصویب شد.

کتاب پنجم. در غایب مفقودالاش

ماده ۱۰۱۱ به شرح مذکور در صفحه ۱۰۰ قرائت شد.
آقای جهانشاهی سؤال نمودند مدت بالنسبه مدید آیا به نظر قاضی است؟

گفته شد در مواد بعد خواهد آمد و رأی گرفته تصویب و مواد ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴ به شرحی که در صفحه ۱۰۰ نوشته شده قرائت شد.

آقای افسر سؤال نمودند اینجا وارث مستقیم است یا غیرمستقیم؟

جواب دادند البته مستقیم است و رأی گرفته تصویب شد.

مواد ۱۰۱۵، ۱۰۱۶ قرائت شد.

آقای احتشام زاده اظهار نمودند قید مذکور در ماده ۱۰۱۶ لازم نیست زیرا ارث حین‌الموت (در موقع فوت) تقسیم می‌شود.

آقای وزیر جواب دادند برای شما این قسمت محرز است نه برای دیگران.
رأی گرفته تصویب مواد ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱ به شرحی که در صفحه ۱۰۰ ذکر شده قرائت شد.

آقای جهانشاهی سه سال مذکور در ماده ۱۰۲۰ را زیاد و پس از توضیح آقای وزیر قانع شدند.
آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده معتقد بودند مسافرت در طیاره اینجا اشاره نشده در صورتی که لازم است.

آقای وزیر جواب دادند ضمن ماده ۱۰۲۲ آن را هم اشاره می‌کنم و رأی گرفته مواد فوق تصویب و ماده ۱۰۲۲ قرائت شد.

آقای وزیر معتقد بودند خطر مرگ وقتی پیش می‌آید که آیروپلان سقوط کرده باشد والا اگر آیروپلان فقط مفقود شود جزء خطر مرگ محسوب نمی‌شود.

بالاخره قرار شد ماده ۱۰۲۲ از این قرار اصلاح شود:

(اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد.

ماده ۱۰۲۳ به شرح مذکور در صفحه ۱۰۱ قرائت شد.

ابتدای ماده از این قرار اصلاح گردید:
(در مورد مواد ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲ محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جرایم محل الی آخر)
ماده ۱۰۲۴ قرائت شد.

آقای احتشام زاده تذکر دادند وقتی مواد قانون مدنی پشت سرهم نوشته می‌شود دیگر ذکر جلد اول و دوم لازم ندارد.

قرار شد عبارت آخر ماده به جای قانون مدنی (این قانون) نوشته شود و تصویب شد.

مواد ۱۰۲۵ الی ۱۰۲۹ به شرح مذکور در صفحات ۱۰۱، ۱۰۲ قرائت و عیناً مطابق راپورت شور اول تصویب و سپس به کلیه این لایحه که ضمیمه قانون مدنی است برای شور دوم رأی گرفته تصویب و قرار شد راپورت آن به مجلس تقدیم شود و جلسه یک ساعت بعد از ظهر ختم گردید.

جلسه آتی به روز سه شنبه ۱۶ بهمن ساعت ۹ صبح موکول گردید.

گفتار سوم، شور دوم مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ دهم آبان ۱۳۱۳
جلسه ۱۵ به تاریخ یوم سه شنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۱۳

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات شور ثانی لایحه نمره ۲۶۰۸۸ قانون مدنی در قرابت - نکاح و طلاق

به تاریخ یوم سه شنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۱۳ سه ساعت قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای طباطبائی دیبا تشکیل لایحه نمره ۲۶۰۸۸ در تعقیب مواد قانون مدنی که در جلسه اسبق شور اولش تمام شده و به مجلس ارجاع شده بود پس از طرح در مجلس مجدداً برای شور ثانی مطرح شده خیر کمیسیون عدلیه به نمره ۱۵ که ضمیمه این دفتر شده است قرائت گردید.

کتاب ششم، در قرابت

(ماده ۱۰۳۱) - قرابت بر دو قسم است: قرابت نسبی و قرابت سبی
با این ماده مخالفی نبوده رأی گرفته عیناً تصویب شد.

مواد ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴ خیر شور اول به شرحی

که ضمیمه این دفتر است قرائت و تصویب شد.
ماده ۱۰۳۵ قرائت شد.
آقای افسر راجع به شیربهاء تذکر دادند که در حقیقت وعده متنجزي است که داماد می‌دهد.
آقای وزیر سؤال نمودند اگر مهر در بین باشد دیگر شیربهاء یعنی چه؟
آقای جهانشاهی معتقد بودند اگر کسی واسطه ازدواج باشد و ده تومان انعام بگیرد دیگر پس دادنی نیست آقای وزیر مجدداً تذکر دادند شیربهاء قیمت شیر مادر است.
آقای تهرانی اظهار نمودند اولاً مهریه را قبلاً هیچ وقت نمی‌دهند ثانیاً اگر لغت دیگری به جای مهریه می‌گذاشتید بهتر بود که شامل هر قسم وجهی بشود.
آقای وزیر جواب دادند اغلب در ولایات مهریه را نقد می‌دهند.
آقای جهانشاهی معتقد بودند ما اصولی را در اینجا ذکر می‌کنیم البته شروع به جای خودش هست.
آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در موردی که بنابراین بوده که عروسی شود و فامیل عروس هم حاضر بوده‌اند و در نتیجه داماد محارجی نموده و حالا می‌خواهد مطالبه کند اگر شیربهاء باشد محکمه نمی‌تواند رأی دهد زیرا شیربهاء، نه مهریه است و نه هدیه محسوب می‌شود که به دختر رسیده باشد به عقیده من باید شیربهاء را از این سه قسم (مهر، خسارت، هدیه) قرار داد و هدیه این است که از طرف مرد به دختر رسیده باشد.
آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند هر جا جلسه‌ای برای مذاکرات عروسی شود صورت جلسه‌ای تهیه می‌کنند که قرارداد ما به این ترتیب شده است و حضار امضاء می‌نمایند. اگر قرارداد به هم خورد باید مطابق همان صورت جلسه عمل شود.
آقای تهرانی. آقای تهرانی اظهار نمودند در این ماده ۱۰۳۵ عذر وجهی نیست که شما فرمودید من حالا متقبل شده‌ام که قبل از ازدواج از طرف داماد

مقداری لباس و ارسبی به تناسب برای عروس فرستاده می‌شود که اسمش شیربهاء هم نیست آن وقت اینجا آنها را مجبور نموده‌اید در صورت به هم خوردن ازدواج پس بدهند در صورتی که ممکن است مصرف شده باشد و اگر پول داده‌اند ممکن است خرج کرده باشند. با ماده ۱۰۳۵ موافقت شده و ماده ۱۰۳۶ به شرح مذکور در خبر شور اول قرائت شد.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند شاید فامیل داماد خارجی کرده باشند که جبران پذیر نباشد.

آقای وزیر جواب دادند اگر خارج متعارفی باشد که هیچ و اگر غیر متعارف باشد باید از زن بگیرد.

با ماده ۱۰۳۶ هم موافقت شده و ماده ۱۰۳۷ قرائت شد.

تذکری در این خصوص داده شده این عبارت (یا ابوین او برای وصلت منظور) بعد از عبارت (به طرف دیگر) اضافه شود.

مواد ۱۰۳۸، ۱۰۳۹ خبر شور اول قرائت و موافقت شد.

فصل دوم. قابلیت صحی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۰ قرائت گردید.

آقای افسر. آقای افسر اظهار نمودند اغلب مردها زن‌ها را صیغه می‌کنند و بعد از مدتی ترک می‌نمایند و به هرحال اگر طرفین معاینه شوند خیلی خوب است.

آقای وزیر توضیح دادند من در اصل این قضیه حرفی ندارم و معتقدم ولی در همه جا معاینه قابل اجرا نیست و طبیب صحی نداریم در همین شهرها همه کس حاضر نمی‌شود دختر خود را نزد طبیب فرستاده معاینه کنند.

در این موقع پیشنهاد اصلاحی آقای افشار راجع

به ماده ۱۰۴۰ که در مجلس مطرح^۱ نموده بودند از این قرار قرائت گردید:

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده ۱۰۴۰ این قسمت از ماده:

(معذلك در مواردی که مصالحی اقتضاء کند الي آخر

ماده) حذف شود. حسین افشار

آقای دکتر ادهم ماده الحاقیه ای پیشنهاد نموده بودند که از این قرار قرائت شد:

(ماده الحاقیه. طرفین ازدواج قبل از عقد باید تصدیق صحت مزاج از نقطه نظر امراض زهرویی ارائه دهند) دکتر ادهم.

آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند با اینکه من فرنگستان نرفته‌ام ولی می‌دانم که آنجا هم این قسمت عملی نمی‌شود امروز آنقدر مشکلات برای زناشوئی در ایران هست که مردها از گرفتن زن خودداری می‌کنند حالا اگر این قسمت معاینه هم اضافه شود دیگر هیچ کس متأهل نخواهد شد.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند در قانون ترفیع قضات که اخیراً نوشته به هیأت وزراء بردم

شرطی قائل شده بودم که قضات از ۲۵ سال سن به بالا در صورتی که متأهل باشند در موقع ترفیع رعایت و یکی از شرایط ارتقاء رتبه واقع خواهد شد. در هیأت وزراء این پیشنهاد بنده با نظر خوبی

تلقی نشد در صورتی که الزامی هم نبود.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی مخالف پیشنهاد دکتر ادهم بوده و اظهار نمودند در هیچ جای دنیا مرسوم نیست که زن و شوهر معاینه شوند فقط مطب اطباء دایر خواهد شد در موقعی که پارسال

می‌خواستند محصلین اعزامی را معاینه کنند طبیب برای یکی از آنها نوشته بود که سوزاک دارد در صورتی که آن جوان اصلاً نمی‌دانست سوزاک چیست.

۱. در متن فوق عبارت «مطرح» بعد از عبارت «مجلس» اضافه شد.

بالاخره بعد از معاینات دیگر اطباء معلوم شد که ایداً مرضی ندارد. پس با این ترتیب به عقیده من صلاح نخواهد بود و اما در قسمت سن دختر که دولت سیزده سال پیشنهاد نموده من آن را هم مخالفم و معتقدم قسمت استثنائی را حذف و به طور کلی ۱۵ ساله را اجازه دهیم.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی اظهار نمودند قانون که وضع می‌شود برای تمام مملکت است و باید همه جا را در نظر گرفت. هنوز تشکیلات صحی ما به آن درجه نرسیده که در تمام قراء و قصبات طبیب داشته

باشیم و طبیب هم دیپلمه باشد و اگر بخواهید این قسمت را منحصراً در شهرهای عمده اجرا کنید که آن هم عملی نیست من مخصوصاً قانونی را چندی قبل مطالعه می‌کردم که یکی از موجبات فسخ نکاح این است که اگر مرد عیوبی داشته باشد زن می‌تواند طلاق خود را بگیرد و همین طور برعکس یکی از چیزهای دیگر که در آن کتاب می‌نویسد همین امراض مسریه است مثل جذام و غیره. و آقای شیخ محمدحسن این قسمت را بسط داده و گفته است کلیه امراضی که مسری است اگر یکی از طرفین دارا باشد حق فسخ برای دیگری می‌باشد، چه در حین العقد و چه بعد از عقد. علی‌ای‌حال اینها در قانون شرع ما هم آمده ولی اگر بنا شود در اینجا صراحتاً این موضوع را ذکر کنیم و مانع ازدواج بدانیم اغلب از وصلت صرفنظر می‌نمایند.

آقای تهرانی. آقای تهرانی اظهار نمودند زمانی که آقای داور وزیر عدلیه بودند این موضوع مطرح و ایشان می‌فرمودند بعد از عروسی اگر چنین صحبتي به میان آید که طرف مریض بوده اثبات آن خیلی مشکل است زیرا معلوم نخواهد شد که کدامیک مریض بوده و دیگری را مریض نموده است بنابراین اشخاص با شرافت اگر مرضی داشته باشند می‌روند معالجه می‌کنند و یا عروسی نمی‌کنند و بالاخره این پیشنهاد غیر عملی است.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی هم با پیشنهاد دکتر ادهم مخالف بود.

آقای دکتر طاهری. آقای دکتر طاهری که در کمیسیون حاضر شده بودند اظهار داشتند با اینکه پیشنهاد آقای دکتر مورد مخالفت شده ولی بنده خیال میکنم یکی از مواد اساسی این قانون میباشد بر فرض اینکه میفرمایند عملی نیست موضوع جداگانه ای است. در عین اینکه سعی میشود در این مملکت تکثیر نفوس شود و نسل ایرانی اصلاح شود جای تعجب است که این طور پیشنهادات مورد قبول واقع نمیشود. اشخاصی که مریض هستند اگر اولادی پیدا کنند اولادشان با مسلول خواهد بود یا دیوانه یا افلیج و یا سفلیسی. این آدم جز آنکه سربار جامعه خواهد شد نتیجه دیگری ندارد. امراض زهرویی مخصوصاً سفلیس عواقب وخیمی دارد که نسلهای آتی را خراب میکند و خیلی خطرناک است - در خارج دولتها این طور اشخاص را عقیم میکنند که اولادی از آنها پیدا نشود بنابراین حالا که قانونی راجع به ازدواج میگذرد و شرایطی برای آن قائل میشوند چه عیبی دارد این شرط را هم اضافه کنید البته در هر کجا که مقدور باشد اجرا و هر جا مقدور نباشد اجرا نخواهد شد. قوانینی که امروز معمول و اجرا میشود سابق بر این نبوده و مردم هم عادت نداشتند حالا کم کم دارند عادت پیدا میکنند این قسمت هم کم کم عادت خواهد شد. فعلاً هم مقتضی نیست به زنها کاری داشته باشیم مردها مکلف باشند که تصدیق ارائه دهند. در نقاطی که طبیب باشد تصدیق صحی بگیرند و در قسمت زن هم بنویسیم اگر مرد تقاضا کرد ممکن است و باید عملی شود. به هر حال پیشنهاد آقای دکتر پیشنهاد خیلی خوبی است هم این را باید اجرا نمود و هم برای تأهل جوانان باید پروپاگاندا کرد و این دو مسئله تناقضی با یکدیگر ندارند.

آقای افسر. آقای افسر با معاینه مرد و گرفتن تصدیق صحی او موافق بود.

آقای تهرانی اظهار داشتند فرمایشات آقای دکتر طاهری بنده را قانع نکرد زیرا برای ازدواج سد و مانع خیلی زیاد است اگر یک سد دیگری هم بگذاریم دیگر ازدواج صورت نخواهد گرفت. من تصور نمیکنم بین

عوام کسی پیدا شود که برای ازدواج این پیشنهاد را به طرف بنماید مگر در خواص - در موردی که زن متموله است و مرد احتیاج دارد او را بگیرد در آن مورد مانعی ندارد که مرد بر حسب تقاضای زن تصدیق صحی ارائه دهد - ما که نباید خودمان را گول بزنیم اگر بنا باشد فامیل دختری این پیشنهاد را به شما بکنند آیا شما دیگر با آن فامیل مراوده خواهید کرد؟! ما همیشه یک طبقه را در نظر می‌گیریم و نظر عامه را رعایت نمی‌کنیم - این قضایا و سائلی می‌خواهد و باید طرفین عالم باشند.

آقای بهبهانی. آقای بهبهانی اظهار داشتند آقای دکتر ادهم که این پیشنهاد را نموده اند از روی کمال مهربانی و حسن نیت نموده و نظری نداشته اند ولی متأسفانه خیلی تند رفته اند قوانینی که در هر مملکت وضع می‌شود یا مطابقت با اخلاق و روحیه اهالی آنجا باید داشته باشد و یا مرتبط به دیانت آنها باشد - این پیشنهاد هیچ یک از این دو جنبه را ندارد - سرایت این طور امراض از خارجه شده با این حال اینگونه قیود در قوانین خارجه نیست.

فرمودند که ازدواج کم می‌شود و مردم می‌روند طرف فحشاء البته صحیح است قوانین هر قدر بهتر وضع شود در اجرائیات مدخلیت دارد - اغلب می‌بینیم که با همین جریانات کوچک کوچک برای ازدواج کنندگان پشیمانی حاصل می‌شود و مردم می‌روند طرف ازدواج. حالا اگر قیود دیگری هم قرار دهیم دیگر مردم فکر ازدواج را هم نخواهند کرد - بنده خودم قسمتی را سراغ دارم که طرف گفته بود باید تصدیق صحی بیاورید و حتی گفته بودند باید بروید نزد فلان طبیب. در نتیجه ازدواج صورت نگرفت بنابراین، این قیود در قانون صلاح نیست و باعث اخلال در ازدواج خواهد شد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی در تأیید بیانات آقای بهبهانی اظهار داشتند ما اینجا قانون مدنی می‌نویسیم اصول شرع ما هم به جای خود محفوظ است اگر به پسر من این پیشنهاد را بکنند ولو آنکه پدر و مادر او هم راضی باشند باز به او برمی‌خورد مگر آنکه عاشق باشد پس این قسمت سد

بزرگی می‌شود برای ازدواج. اما راجع به صحت عمومی البته هر قدر پروپاگاندا و جلوگیری از این طور امراض شود خیلی خوب است و باید ضمن قوانین صحت این نکات را مراعات نمود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در قسمت فسخ نکاح و حقوق زناشویی چند ماده نوشته‌ام که بعد از این مواد خواهد آمد یکی از آن مواد این است که اگر بعد از ازدواج مرد بفهمد که زن مرض مسری دارد می‌تواند امتناع کند ولی نفقه را تا وقتی که از او نگهداری می‌کند باید بدهد. همین طور این حق برای زن معین شده است و اگر مرض صعب‌العلاج بود می‌تواند تفریق نماید. و اما در قسمت قبل از نکاح برای آنکه مردم متذکر باشند ممکن است در قانون تذکری داد که ارائه‌ی طرفی برای طرفین شود نه آنکه اجباری باشد یعنی اگر طرف مقابل شرط کرد که باید تصدیق صحتی بیاورید طرف ملزم باشد و اگر طرف این پیشنهاد را ننمود که هیچ و در حقیقت مثل بعضی شروط باشد که در اینجا آورده‌ام مثلاً نوشته‌ام زن می‌تواند شرط کند که اگر مرد زن دیگری گرفت حق طلاق داشته باشد.

آقای دیبا. آقای دیبا با نظریه آقای وزیر موافق بود.

آقای تهرانی اظهار داشتند این مسئله اختیاری است و در قانون مدنی نمی‌شود نوشت هر قدمی که ما برداریم که اشکالاتی برای ازدواج ایجاد کند غلط بوده و باید از طرق دیگری از امراض مسریه جلوگیری نمود. شما اول اطباء خود را درست کنید آن وقت این طور قوانین وضع نمائید.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند این طور هم که آقای بهبهانی می‌فرمایند پیشنهاد آقای دکتر قابل ایراد نیست بر فرض گفتم عملی خواهد بود - اگر دختر نجیبی برود نزد پسری هرزه و بالاخره صاحب مرض شود انصاف خواهد بود یا بالعکس پسری که پاک است نباید گذاشت به دختری ناپاک داده شود و اما اینکه فرمودید مردم به زحمت خواهند افتاد هر قانونی که در این مملکت می‌گذرد برای مردم اسباب زحمت می‌شود ولی باید دید در مقابل این زحمت مصلحت هست یا خیر -

البتّه فرمایش آقای بهبهانی هم در قسمت اطباء صحیح است و از آن طرف من می‌بینم که عده‌ای از آنها از وضعیت فعلی متوحش می‌باشند - به هرحال این طور قوانین هم طوری نیست که هر فامیلی که بخواهند ازدواج کنند ملزم به اجرای آن باشند به قول آقای دیبا بعضی از بعضی‌ها مطمئن هستند.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی پیشنهاد نمودند نظریه و پیشنهاد آقای وزیر در فصل خواستگاری که قبل از مراسم عقد است گنجانده شود. آقای وزیر معتقد بودند بعد از ماده ۱۰۳۴ نوشته شود.

آقای دیبا. آقای دیبا معتقد بودند در قوانین باید تفسیر قائل شد من معتقدم که در اینجا و در این مورد اطباء مجبور باشند مجانباً به اشخاص تصدیق

دهند زیرا بعضی از اطباء این قسمت را بهانه دست کرده و تا فلان مبلغ نگیرند تصدیق نخواهند داد.

آقای دکتر طاهری. آقای دکتر طاهری اظهار نمودند اگر به طبیب صحی مراجعه شود آنها مجبورند مجانباً تصدیق دهند.

آقای وزیر معتقد بودند همان اطباء صحی هم پول می‌گیرند.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار داشتند اعم از اینکه بنویسید مجانی یا غیر مجانی دکترها تا پنج تومان نگیرند تصدیق خواهند داد.

بالاخره در تعقیب این مذاکرات آقای وزیر عدلیه روی نظریه آقای دکتر ادهم و نظریه سایر آقایان ماده‌ای تنظیم نمودند که طرفین ازدواج در موقع وصلت می‌توانند از طرف دیگر تقاضا کنند تصدیق صحی راجع به امراض مسریه ارائه دهد.

عده‌ای معتقد بودند مرض سل هم مهم است و باید آن را هم اضافه کرد.

آقای وزیر توضیح دادند سل در حقیقت جزء امراض

مسریه نیست و مخصوصاً این طور امراض را هیچ کس تا استعداد نداشته باشد نمی‌گیرد ولی امراض مقاربتی استعداد و غیر استعداد ندارد و طرف عموماً مبتلا

می‌شوند.

آقای دکتر طاهری. آقای دکتر طاهری معتقد بودند تشخیص سل غیر از تهران در جای دیگر مشکل است. آقای همراز اظهار نمودند حالا که این قسمت اختیاری شده و اجباری نیست مانعی ندارد که امراض مسریه را تماماً ذکر کنیم زیرا در حقیقت این ماده اگر تصویب شود یک نصیحت و تذکری است به اولیاء دختر و پسر و مانعی ندارد.

آقای دکتر ادهم. در این موقع آقای دکتر ادهم که پیشنهاد مزبور را در مجلس مطرح^۱ نموده بودند در کمیسیون حاضر شد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند پیشنهاد شما چون خیلی تند بود و غیر عملی در حقیقت رد شد ولی برای تعدیل قضیه که خود من هم موافق بودم، نظر شما را با اصلاحاتی تأمین و ماده‌ای تنظیم کرده‌ام که الآن مطرح است و برای آنکه مردم را به خطرات قضیه متذکر کرده باشیم نوشته‌ام هر یک از طرفین می‌توانند تصدیقی دائر به صحت مزاج و امراض مسریه تقاضا نمایند الی آخر که اجباری نباشد.

آقای دکتر ادهم. آقای دکتر ادهم اظهار نمودند دیروز در مجلس فرصتی نبود که من در اطراف پیشنهاد خود توضیح دهم ولی حالا عرض می‌کنم که اساساً امروزه در اغلب خانواده‌ها معمول شده که تصدیق می‌خواهند چنانچه به کرات به من مراجعه نموده و برای وصلت تقاضای معاینه نموده‌اند که من تصدیق بدهم بنابراین یک چیزی را که امروز اغلب مردم متذکر شده و عمل می‌نمایند چرا ما نخاشی داشته باشیم بر فرض آقایان اگر اشکالاتی در نظر می‌گیرند ممکن است تسهیلاتی برای دختر قائل و نسبت به پسر سخت‌گیری نموده و اجباری کنند زیرا عموماً امراض از طرف مرد به زن سرایت می‌نماید و دخترها اغلب سالم هستند. بعلاوه امراض مسریه منحصر به امراض زهرویی نیست و سل و امثال آن هم مسری بوده و اگر یکی

۱. در متن فوق عبارت «مطرح» بعد از عبارت «مجلس» اضافه شد.

از طرفین مبتلا باشد طرف دیگر هم مبتلا خواهد شد
 مرض سل نه تنها برای طرف مضر می باشد بلکه برای
 خود شخص هم که سل دارد مضر است ازدواج نماید.
 بعلاوه ممکن است کسی در ظاهر سفلیس نداشته باشد
 ولی عوارضات آن در خون او باشد. به هر حال نوع
 امراض را باید امراض مسریه ذکر کرد و در
 بین الهالین توضیح داد (سل سخت و سوزاک و سفلیس)
 گفته شد جذام هم مرض مسری است و باید ذکر
 شود.

آقای وزیر جواب دادند در جای دیگر مرض جذام
 ذکر شده است.

بالاخره ماده تنظیم شده مجدداً قرائت شد. پس از
 اصلاحاتی که بعمل آمد آقای دکتر ادهم هم موافقت
 نموده و رأی گرفته به عنوان ماده ۱۰۴۰ بعد از فصل
 دوم از این قرار تصویب شد:

(ماده ۱۰۴۰). هر یک از طرفین می تواند برای انجام
 وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق
 طبیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و
 سوزاک و سل ارائه دهد.)
 سپس ماده ۱۰۴۰ خبر شور اول به عنوان ماده ۱۰۴۱
 مطرح شد.

پیشنهاد آقای افشار راجع به حذف قسمت آخر
 ماده راجع به اجازه ازدواج دختری که سیزده سال
 دارد و مصالحی اقتضاء می کند قرائت شد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند نظر ما
 این بود که استثناء را زیادتیر قرار بگذاریم ولی
 فکر خودم را کردم دیدم به گردن من می افتد به هر
 حال من نظری ندارم و بسته به نظر آقایان است.
 رأی گرفته پیشنهاد آقای افشار رد و در قسمت
 پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه مذاکراتی شده
 بالاخره رأی گرفته ماده ۱۰۴۰ به عنوان ماده ۱۰۴۱
 عیناً تصویب و ماده ۱۰۴۱ خبر شور اول به شرحی که
 در ورقه چاپی ضمیمه مندرج است قرائت شد.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند متحدالمآلی
 اداره ثبت صادر کرده بود که چون سن دختر در
 قانون مدنی پانزده سال تعیین شده علی هذا ادارات

ثبت نمی‌توانند معاملاتی را که یک طرف آن دختر و سن او از ۱۵ سال کمتر است قبول و ثبت نمایند در صورتی که هنوز چنین قانونی تصویب نگردیده است.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه اظهار بی‌اطلاعی نموده و رأی گرفته ماده ۱۰۴۱ به‌عنوان ۱۰۴۲ عیناً تصویب و ماده ۱۰۴۲ خیر شور اول قرائت شد.

آقای ملک مدنی. آقای ملک‌مدنی سئوال نمودند اگر امروز دختری که به سن ۱۸ سال رسیده است به دفتر ازدواج حاضر و بخواهد با مردی ازدواج نماید بدون آنکه رضایت پدر جلب شده باشد آیا دفتر ازدواج می‌تواند ازدواج آنها را صورت دهد؟

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند بعضی این قسمت را استجابی قرار داده و برخی مبطل می‌دانند این قضایا تماماً روی اخبار است و از طرف دیگر گفته می‌شود اشخاصی که بالغ شدند آزادند. در خارجه هم همین طور است و تا سن ۲۱ سالگی شرط رضایت و تصدیق پدر یا ولی لازم است ولی البته این شرط از لحاظ احترام است ولی اگر بدون رضایت عقد واقع شد مبطل آن نیست زیرا بعد از بلوغ ممکن است خوف وقوع زنا پیدا شود و در این صورت دختر باید به پدر یا مادر اخطار کند که چنین تصمیمی را دارد و آنها حق امتناع ندارند.

آقای همراز. آقای همراز معتقد بودند امروز دخترها اغلب ناراضی هستند از شوهر کردن و بنابراین اگر مقرر شده بود دخترها در سن ۹ سالگی می‌توانند شوهر کنند ملازمه‌اش این بود که در سن ۱۸ سالگی بدون اجازه ولی ممکن است شوهر نمایند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند رضایت دختر در هر حال شرط است و پدر باید اجازه دهد اگر پدر اجازه نداد باز هم دختری که سنش به ۱۸ سال تمام رسیده است می‌تواند شوهر اختیار کند.

آقای همراز. آقای همراز با این قسمت مخالف بوده و اظهار نمودند البته اگر رضایت ولی شرط حتمی بود موضوعی داشت والا موضوع ندارد اینجا ذکر شود.

آقای وزیر تذکر دادند این ماده فقط از لحاظ احترامات است.

عده‌ای معتقد بودند چه مانعی دارد دختر به وسیله

منسوبان خود به پدر یا مادر اطلاع دهد.
 آقای وزیر جواب دادند آن وقت رسمی نیست.
آقای ملک مدنی. آقای ملک مدنی اظهار نمودند
 اگر به پدر ابلاغ نشد تکلیف دختر چیست ممکن است
 پدر حاضر برای ابلاغ نشود و یک سال معطل نماید.
 گفته شد دفتر ازدواج ابلاغ خواهد کرد.
 آقای ملک مدنی مجدداً توضیحاتی داده و نظریه
 آقای هراز را تأیید نمودند.
آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی اظهار نمودند
 ابلاغ به پدر شرط نیست بلکه از تاریخی که دختر به
 دفتر مراجعه می‌کند تا ۱۵ روز باید تأمل نماید ولو
 آنکه تصمیم او به پدر ابلاغ شود یا نشود.
آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مناط اطلاع
 پدر یا فامیل است. این که دعوی نیست که
 اظهارنامه بدهند فرض اگر پدر مسافر باشد باید
 دفتر ازدواج کاغذی برای او بنویسد و حالا برای
 رفع این مشکلات راه حلی به نظر من رسید و ممکن
 است بنویسیم به توسط دفتر ازدواج یا به وسایل
 دیگر به پدر یا مادر اطلاع داده شود.
آقای دکتر ادهم. آقای دکتر ادهم اظهار نمودند
 اگر پدر راضی نشود به این امر قطعاً دلیلی دارد
 و ممکن است آن دلائل مؤثر باشد لذا خوب است نظریه
 پدر را در امر وصلت مداخلت بدهیم.
آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند این نکته‌ای
 را که فرمودید طرف معکوس هم دارد چه بسا ازدواج
 منظور، خیلی خوب و صلاح بوده ولی اولیای دختر روی اغراض
 شخصی حاضر نمی‌شوند رضایت دهند البته اگر پدر بتواند
 دختر را راضی نماید که دختر صرف‌نظر کند مانعی ندارد
 این ماده در موردی است که دختر به نصایح پدر گوش
 نداده و سن او هم به ۱۹ رسیده است.
 آقای دیبا معتقد بودند در قسمت اجازه باید
 پدر مقدم بر جد باشد.
 آقای وزیر جواب دادند هر کدام اجازه دهند
 صحیح است.
 بالاخره آخر ماده ۱۰۴۲ که ۱۰۴۳ می‌شود این
 عبارت اضافه گردیده و تصویب شد:
 (... ممکن است اطلاع مزبور به وسائل دیگری غیر

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۵۳

از دفتر ازدواج به پدر یا جد داده شود ولی باید اطلاع مزبور مسلم شود).
و ماده ۱۰۴۳ خیر شور اول قرائت و عیناً تصویب شد به عنوان ماده ۱۰۴۴.

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۴ خیر شور اول به شرحی که در خبر چاپی مندرج است قرائت شد.
پس از توضیحاتی که آقای وزیر دادند به عنوان ماده ۱۰۴۵ تصویب و ماده ۱۰۴۵ راجع به قرابت رضاعی قرائت شد.
آقای افسر. آقای افسر تذکر دادند باید معلوم باشد که با چه شرایطی قرابت رضاعی است. گفته شد شرایط در همین ماده ذکر شده و رأی گرفته به عنوان ماده ۱۰۴۶ تصویب و ماده ۱۰۴۶ راجع به اینکه نکاح بین اشخاص به واسطه مصاهره ممنوع است قرائت شد.
آقای ملک مدنی معتقد بودند خوب است به جای کلمه مصاهره عبارت فارسی بنویسیم که همه بفهمند. گفته شد عبارتی که این معنی را برساند نداریم.
رأی گرفته ماده مزبور به عنوان ماده ۱۰۴۷ تصویب و مواد ۱۰۴۷ الی ۱۰۵۸ قرائت و به عنوان ۱۰۴۸ الی ۱۰۵۹ تصویب گردید.
در این موقع آقای کفائی راجع به افضاء^۱ تذکری دادند که خوب است ضمن این مواد اضافه شود.
گفته شد افضاء^۲ در موقعی پیدا می‌شد که دختر ۹ ساله را شوهر دهند حالا که آن طور ممنوع شده است. ماده ۱۰۵۹ خیر شور اول راجع به جایز بودن تزویج کتابیه قرائت شد.

۱. در متن دستنویس عبارت «افزاء» درج شده بود که به ترتیب فوق اصلاح شد.
۲. در متن دستنویس عبارت «افزاء» درج شده بود که به ترتیب فوق اصلاح شد.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار داشتند قانون مدنی ما غیر از قانون خارجی‌ها است و قانون ما باید مطابق قانون شرع ما باشد در مسئله کتابیه شرع ما جایز نمی‌داند دائمی را و انقطاعی را جایز می‌داند.

آقای وزیر. آقای وزیر آیات قرآن را در این خصوص قرائت و اظهار نمودند در بعضی از این آیات اجازه داده و در بعضی قیدی ندارد بالاخره طریق جمعی که پیدا کرده‌اند این است که منقطع را جایز می‌دانند و دائمی را حرام. جمعی هم دائمی را جایز می‌دانند ولی چیزی که حالا به نظر من رسیده این است که اصلاً ذکر این ماده لزومی ندارد و صلاح هم نخواهد بود.

با حذف ماده ۱۰۵۹ خبر شور اول موافقت شد.

ماده ۱۰۶۰ قرائت گردید.

مذاکرات مختصری به عمل آمده و نظر به آنکه ماده ۱۰۵۹ حذف گردیده بود ماده مزبور به‌عنوان همان ماده ۱۰۶۰ تصویب شد.

ماده ۱۰۶۱ راجع به ازدواج بعضی از مأمورین دولتی با زن تبعه خارجه مطرح شد.

آقای ملک مدنی اظهار نمودند البته مأمورین دولتی که در خارجه می‌روند باید تا اندازه‌ای در این خصوص آزاد باشند ولی به محصلین نباید اجازه داد که در آنجا ازدواج نمایند.

آقای تهرانی. آقای تهرانی معتقد بودند باید کلمه محصلین ایرانی هم در این ماده اضافه شود که آنها هم اگر خواستند زن اختیار کنند با اجازه دولت باشد و بعلاوه من اصلاً نمی‌دانم این ماده در قانون مدنی چه لزومی دارد.

آقای کفائی. آقای کفائی سئوال نمودند اگر محصلی در خارجه بدون اجازه دولت تأهل اختیار نمود و زن خود را هم آورد به ایران با او چه قسم رفتار خواهد شد؟

آقای وزیر جواب دادند کاری دولت نمی‌کند بر فرض در آنجا قونسولگری ایران ورقه ازدواج او را امضاء نمی‌نماید.

رأی گرفته به ماده ۱۰۶۱ خبر شور اول با اضافه

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۵۵

عبارت (و محصلین دولتی) بعد از عبارت (و مأمورین رسمی) تصویب و مواد این لایحه تمام و شور ثانی آن خاتمه یافته قرار شد با اصلاحاتی که شده است راپورت شور دوم به مجلس تقدیم شود. یک نسخه از اصل لایحه و یک نسخه از خبر شور اول و یک نسخه از خبر شور ثانی ضمیمه این دفتر شده است.

گفتار چهارم. شور دوم مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب دهم آبان ۱۳۱۳
جلسه ۱۸ به تاریخ یوم سه‌شنبه ۱۲ فروردین ماه
۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

شور دوم قانون مدنی. در نکاح

به تاریخ یوم سه‌شنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۱۴ دو ساعت و نیم قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای دیبا تشکیل لایحه نمره ۲۷۶۰۴ قانون مدنی در نکاح برای شور ثانی مطرح گردیده خبر شور اول کمیسیون که از ماده ۱۰۶۲ در شرایط صحت نکاح شروع شده بود و یک نسخه از آن ضمیمه این دفتر است قرائت گردید (توضیح آنکه شور اول این لایحه در جلسه ۱۶ به‌عمل آمده است)

پس از مذاکراتی در کلیات چون پیشنهادی از مجلس نرسیده بود مواد ۱۰۶۲ الی ۱۰۷۰ در شرایط صحت نکاح - فصل چهارم قرائت و عین خبر کمیسیون تصویب شد.

فصل پنجم. وکالت در نکاح

مواد ۱۰۷۱ الی ۱۰۷۴ قرائت شد.
 آقای وزیر راجع به وکالت توضیح دادند یک وقت وکالت مطلق داده می‌شود برای تمام امور و یک وقت وکالت می‌دهند برای گرفتن زن البته این دو با هم فرق دارند.
 رأی گرفته مواد ۱۰۷۱ تا ۱۰۷۴ تصویب و ماده ۱۰۷۵ قرائت گردید:

(۱۰۷۵- نکاح فضولی با اجازه نافذ است)
آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی اظهار نمودند سابقاً ملاها عملیاتی می‌نمودند که حقیقتاً شرم‌آور بود مخصوصاً در دهات یک وقت ورقه نکاحیه‌ای دست یک نفر مرد دیده می‌شد که مهر ملای محل پای آن خورده در صورتی که زن ابداً اطلاعی نداشت و ناچار چون مهر ملا را می‌دید تمکین می‌نمود حالا این ماده هم راه بیشتری باز می‌گذارد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند اصلاً چه لزومی دارد این ماده نوشته شود.
 آقای وزیر اظهار نمودند من هم فرمایش آقای مؤید احمدی را تأیید می‌کنم و معتقدم که نکاح این است که دو نفر لااقل همدیگر را بشناسند و ازدواج کنند وقتی که نشناسند ازدواج صحیح نیست. مالی را که انسان می‌خواهد بخرد باید ببیند.

آقای افسر. آقای افسر تذکر دادند این قسمت عیب دیگری هم دارد کما آنکه چندی قبل ملانی دختر محترمی را برای یک نفر آژان هرزه و بدنامی عقد کرد و در نتیجه توهینی به دختر وارد شد که قابل عفو نبود.

بالاخره آقای وزیر موافقت نمودند ماده فوق که ماده ۱۰۷۵ است حذف شود.

فصل ششم. در نکاح منقطع

مواد ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸ با اصلاح نمرات ماده قرائت و عیناً تصویب شد.

۱. در متن فوق عبارت «۱۰۷۱» بعد از عبارت «مواد» اضافه شد.

فصل هفتم. در مهر

مواد ۱۰۷۸ الی ۱۰۸۸ به عنوان مواد ۱۰۷۷ الی ۱۰۸۷ قرائت شد.

آقای احتشام زاده معتقد بودند زن برای مهر مثل یک نفر طلبکاری است که می تواند مطالبه حق خود را بنماید ولی از وظائف دیگر خود نباید خودداری کند و راجع به ماده ۱۰۸۸ که ۱۰۸۷ می شود من مخالفم زیرا در شور اول هم صحبت شد و حالا هم عرض می کنم وقتی که در موقع عقد شرط می شود که این زن مهر ندارد آن وقت مهرالمثل موضوع ندارد. همان طور که بر خلاف عقد نباید عمل شود. اینجا هم اگر مهرالمثل تعلق گیرد برخلاف عقد است.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی توضیح دادند مردی با زنی مسافرت می کند و برای محرم شدن او را عقد می نماید البته در اینجا مهري در بین نیست ولی اگر موافقه واقع شد آن وقت مهرالمثل تعلق خواهد گرفت.

آقای وزیر. آقای وزیر هم اظهار نمودند در موقع ازدواج چه بسا مودتهائی بین زن و مرد پیدا می شود که زن حاضر می گردد از مهر صرف نظر نماید ولی بعد از آن اگر بین آنها تراضی شد می توانند مهر را معین نمایند.

رأی گرفته مواد فوق عیناً تصویب و مواد ۱۰۸۹ الی ۱۰۹۱ قرائت شد.

آقای احتشام زاده. راجع به ماده اخیر آقای احتشام زاده اظهار نمودند وقتی که مرد حق می دهد به زن که مهر خود را معین نماید چرا نوشته اید زن حق ندارد بیشتر از مهرالمثل معین کند و مرد حق دارد.

آقای افسر. آقای افسر جواب دادند برای اینکه مرد باید مهر را بدهد البته می تواند هر قدر بخواهد معین کند ولی زن باید بگیرد.

با مواد فوق با اصلاحات نمرات آن موافقت شده و مواد ۱۰۹۲ الی ۱۱۰۲ قرائت گردید. (رجوع شود به خبر شور اول ضمیمه این دفتر)

آقای مولوی. آقای مولوی مخالف ماده ۱۰۹۲ بوده و معتقد بودند مهرالمثل را باید خیره معین نمایند. آقای وزیر جواب دادند بالاخره خیره هم باید روی

همین شروط مهر را معین کند - در مهرالمثله مراعات حال مرد می‌شود و در مهرالمثل مراعات حال زن. **آقای احتشام‌زاده.** آقای احتشام‌زاده معتقد بودند در نکاح منقطع عدم مهر یا عدم تعیین مهر موجب بطلان است و در قسمت ماده ۱۰۹۹ سنوال نمودند اگر نزدیکی واقع شود چه‌طور عمل خواهد شد؟ **آقای وزیر.** آقای وزیر جواب دادند زن مستحق مهرالمثل است.

گفته شد اینجا که ذکر نشده است. آقای وزیر توضیح دادند يك وقت این است که طرفین می‌دانند عقد باطل است و نزدیکی می‌کنند که اینجا اصلاً مهر ندارد و اگر جاهل بودند که زن مستحق مهرالمثل می‌شود. بالاخره در ماده ۱۱۰۰ که ۱۰۹۹ شده است کلمه (وقوع) قبل از (نزدیکی) اضافه شده و بقیه مواد عیناً تصویب شد.

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

مواد ۱۱۰۳ الی ۱۱۰۷ مطابق خبر شور اول قرائت و عیناً به‌عنوان مواد ۱۱۰۲ الی ۱۱۰۶ تصویب و ماده ۱۱۰۸ قرائت گردید.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند اینجا که نوشته شده خادم مثل این است که حتماً باید زن خادم داشته باشد. در صورتی که اغلب خانواده‌ها نمی‌توانند خادم داشته باشند و آن وقت مطابق این ماده زن ممکن است ادعا کند. گفته شد این مواد باید به‌جای خود باشد و مواد دیگری هم هست که زن باید با نان خالی سرکند اگر مرد نداشته باشد - خادم همه جا الزامی نیست مگر آنکه وضعیت زن ایجاب کند.

آقای دکتر قزل‌ایاغ. آقای دکتر قزل‌ایاغ با نظریه آقای احتشام‌زاده موافق بوده و اظهار نمودند عبارت ماده طوری است که مرد را ملزم می‌نماید.

آقای وزیر جواب دادند غذا و لباس و مسکن تا حدودی ضروری است ولی خادم این طور نیست و با رعایت حال زن خادم حساب خواهد شد.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی تذکر دادند این ماده می‌خواهد برساند که نفقه عبارت از چه چیزهایی است ولی باید برعکس فرمایشات آقایان را هم فکر کرد که بین زن و مرد اختلاف شده و مرد هم قادر است که کلفت بیاورد و نمی‌آورد و این قسمت مثل رضاع می‌ماند که زن می‌تواند بچه را شیر دهد و ندهد و به مرد تحمیل کند که دایه بیاورد.

آقای افسر. آقای افسر این طور صلاح می‌دانستند که این موضوع به عرف واگذار شود.

آقای وزیر پیشنهاد نمودند این ماده که ماده ۱۱۰۸ خیر کمیسیون است بماند و به بقیه مواد رأی گرفته شود.

از همین قرار ماده مزبور موکول به بعد شده و مواد ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲ قرائت شد.

آقای مؤید احمدی راجع به ماده آخر اظهار نمودند باید دید محکمه چطور حکم نفقه را صادر می‌کند. آیا برای خدمه هم مرد را محکوم خواهد کرد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده راجع به وظائف زن اظهار نمودند تنها وظیفه زن نزدیکی نیست بلکه وظائف دیگری هم از قبیل نرفتن از خانه و نرفتن به منزل غیر دارد.

رأی گرفته مواد فوق هم تصویب و ماده ۱۱۱۳ قرائت چون در این ماده اشاره به ماده ۱۱۳۰ شده بود قرار شد ماده مزبور به واسطه حذف یک ماده ۱۱۲۹ شود و تصویب شد.

ماده ۱۱۱۴ قرائت و چون در ضمن چاپ کلمه (می)، (بی) شده بود قرار شد اصلاح و مینی شود.

ماده ۱۱۱۵ به عنوان ۱۱۱۴ قرائت شد.

آقای وزیر پیشنهاد نمودند ماده مزبور اصلاح و از این قرار نوشته شود:

(ماده ۱۱۱۴). زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد).

با ماده ۱۱۱۴ به شرح فوق موافقت شده ماده ۱۱۱۶ به عنوان ۱۱۱۵ قرائت، کلمه (و) بعد از (خوف) حذف شد.

آقای وزیر توضیح دادند این قضیه بدسلوکی مرد

موضوع دقیقی است نه می‌شود به حرف زن گوش داد و نه می‌شود گفت که باید پیش مرد بروی و هر وقت کتک خوردی بیا شکایت نما.

در این موقع راجع به ماده ۱۱۰۷ (نفقه) که موکول به بعد شده بود به کتاب شرایع و شرح‌المعه مراجعه در یک جا نوشته شده بود که خدمه جزو نفقه نیست و یک جا نوشته شده بود در صورت احتیاج یا داشتن خدمه در سابق خدمه هم جزو نفقه است.

پس از مذاکراتی قرار شد ماده مزبور همان طور که بوده تصویب شود زیرا خدمه که نوشته شده الزامی نیست و محکمه باید تشخیص داده رأی دهد.

رأی گرفته ماده ۱۱۰۷ تصویب شد.

ماده ۱۱۱۵ هم تصویب شده ماده ۱۱۱۷ به‌عنوان ۱۱۱۶ قرائت و تصویب شد.

مواد ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰ به‌عنوان ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹ قرائت شد.

در ماده اخیر قرار شد کلمه (شده) بعد از (غایب) اضافه و (نمود) و (کرد) تبدیل به (نمایند) شود.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند چون وکالت در طلاق وکالت در حقوق است باید منجز نوشته شود. گفته شد اشکالی ندارد و رأی گرفته مواد فوق هم تصویب شد.

آقای مؤیداحمدی اظهار داشتند اگر در ضمن عقد شرط غایب شدن مرد نشده باشد و مرد مدتی غیبت نماید آیا تکلیف این زن چیست و یا آنکه اساساً مرد ۱۵ سال محکوم به حبس شود آیا زن باید صبر کند؟

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده هم اظهار نمودند این قانون، قانون مدنی است و در ماده ۱۱۰۷ صراحتاً می‌نویسد نفقه عبارت است از مسکن و خدمه و غیره در این صورت محکمه باید مطابق این

ماده حکم نفقه را به همین ترتیب صادر نماید در صورتی که نفقه چیزی است که باید مراعات احتیاج و اقربان و شئونات مرد و زن هر دو بشود. بالاخره قرار شد ماده ۱۱۰۸ که ۱۱۰۷ شده است از این قرار اصلاح شود:

(ماده ۱۱۰۷. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء)

رأی به ماده فوق گرفته تصویب شد. سپس در قسمت تذکری که آقای مؤیداحمدی راجع به محکومیت شوهر دادند مذاکراتی شده عده ای با نظریه آقای مؤیداحمدی موافق بوده و معتقد بودند باید حق طلاق برای زن قائل شد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند چون در شرع حبس دائم پیشینی نشده در این قسمت هم ساکت بوده است و حالا ممکن است به طریق این ماده را اصلاح نمائیم.

پیشنهاداتی در این خصوص شده بالاخره با هیچ کدام موافقت نگردید.

آقای وزیر اظهار نمودند خوب است ماده ۱۱۱۹ به همین ترتیب که تصویب شده بماند و بعد فکری برای این قسمت ممکن است بنمائیم.

با این نظر موافقت شده چون مواد این لایحه تمام شد به کلیه لایحه رأی قطعی گرفته با اصلاحاتی که به عمل آمده بود تصویب و قرار شد راپورت شور ثانی آن به مجلس تقدیم شود و چون موعد قانونی دوره کمیسیون ۱۴ فروردین منقضی می شد جلسه آتیه معین نگردیده و جلسه ختم شد.

گفتار پنجم. شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷ و شور مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب ۱۴ فروردین ۱۳۱۴
جلسه ۲ به تاریخ یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴

بعد از ظهر

جلس شورای ملی
دوره نهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

شور ثانی قانون مدنی. در طلاق

به تاریخ یوم یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ چهار ساعت بعد از ظهر کمیسیون عدلیه به ریاست آقای طباطبائی دیبا با حضور آقای وزیر عدلیه تشکیل لایحه نمره ۲۹۱۳۱ قانون مدنی در انحلال عقد نکاح و طلاق که در کمیسیون عدلیه سابق شور اولش بعمل آمده و مجلس هم موافقت نموده بود برای شور ثانی مطرح گردیده خبر شور اول کمیسیون که عین همان لایحه دولت است و ضمیمه این دفتر گردیده قرائت و ماده اول آن از این قرار مطرح شد:

باب دوم. در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۱. عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود.
نظر به آنکه در مواد قانون مدنی که مواد آن قبل از این لایحه به تصویب رسیده یک ماده حذف شده است لذا ماده فوق هم که در تعقیب آن مواد است یک نمره کسر و ماده ۱۱۲۰ خواهد شد و رأی گرفته از این قرار تصویب شد.

فصل اول. در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۲ به عنوان ۱۱۲۱ قرائت شد.
پس از توضیحی که آقای وزیر دادند رأی گرفته تصویب و مواد ۱۱۲۳، ۱۱۲۴ قرائت شد.
آقای دیبا. آقای دیبا سئوال نمودند مسئله عنن را محاکم چه طور رأی می دهند؟
آقای وزیر جواب دادند وقتی که زن شکایت کرد

محکمه باید تحت نظر طبیبی^۱ بیاورد اگر تا یک سال معالجه شدنی نبود محکمه حکم طلاق می‌دهد و راجع به افشاء هم در موردی است که زن از مرد دیگر افشاء شده باشد.

رأی گرفته ماده مزبور به‌عنوان ۱۱۲۲ تصویب، ماده ۱۱۲۴ هم به‌عنوان ۱۱۲۳ تصویب شد. مواد ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷ قرائت شد.

آقای لیقوانی اظهار نمودند اگر زن عالم به مرض مرد باشد ولی تمایل او را وادار به مزاجت نموده حالا که پشیمان شده است چرا می‌گوئید حق فسخ ندارد؟

گفته شد نمی‌شود و رأی گرفته مواد فوق با اصلاح نمرات آن تصویب و ماده ۱۱۲۸ با تبدیل (به او) به (با او) تصویب شد.

ماده ۱۱۲۹ راجع به صفت خاص طرفین قرائت شد. آقای دیبا اظهار نمودند ممکن است زن اول خوشبین بوده و بعد بدبین شده است این ماده خیلی کشدار است و خوب نیست.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر در ضمن عقد تصریح شده باشد زن حق فسخ خواهد داشت بعضی صفت‌ها هست که حدود دارد مثل خوشگلی و بعضی حدود ندارد مثل آنکه مرد شرط کند که این زن باید ماهی صد تومان عایدی داشته باشد.

آقای دیبا. آقای دیبا پیشنهاد نمودند در این صورت خوب است نوشته شود (صرحاً).

آقای وزیر جواب دادند همین‌طور بهتر است و متبایناً که نوشته شده باید اثبات گردد مثلاً ممکن است مرد اتومبیل شخصی به زن نشان داده باشد یا ملکی را ارائه داده باشد و زن با این اوصاف قبول کرده.

رأی گرفته ماده ۱۱۲۹ به‌عنوان ۱۱۲۸ تصویب و

۱. در متن دستنویس عبارت «طی» نوشته شده بود. به نظر می‌رسد «طیبی» صحیح باشد.

ماده ۱۱۳۰ قرائت شد.

آقای لایقوانی. آقای لایقوانی اظهار داشتند به طور کلی موضوع ازدواج را نباید صورت یک معامله‌ای به آن داد. رحم و شفقت هم باید در بین باشد اگر مردی داشته باشد و حالا ندار شده است چرا به زن حق می‌دهید خود را طلاق دهد و مهریه خود را هم مطالبه نماید. اساساً این درس خوبی نیست که به زن‌ها یاد می‌دهیم.

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند این کار دست خود زن است اگر زن بخواهد بسازد می‌سازد و عموماً زن‌ها داشتن شوهر را ترجیح به طلاق گرفتن می‌دهند ولو آنکه در مضیقه باشند. آقای افسر با ماده موافق بود.

آقای تهرانی. آقای تهرانی اظهار نمودند من نمی‌دانم آیا تأمین نظریه بنده را می‌شود در اینجا کرد یا خیر. نظر من این است که اگر زنی از مرد مبتلا به مرض مسری گردید مرد مجبور و ملزم باشد، به خرج خود او را مداوا نماید.

آقای وزیر سؤال نمودند چه‌طور می‌شود او را اجبار کرد؟

آقای مولوی نظر آقای تهرانی را تأیید و اظهار داشتند صرف‌نظر از این قسمت شاید یک روز مرد نتوانست فعلگی نموده بخارج خود را تهیه کند.

آقای مولوی. اگر زن بخواهد طلاق بگیرد که نمی‌شود. به عقیده بنده همان استنکاف از دادن نفقه کافی است دیگر عجز موضوع ندارد. این ماده یک بهانه‌ای دست زن‌ها می‌دهد که هر وقت جزئی نگرانی از مرد پیدا کردند به عدلیه برای طلاق رجوع نمایند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند فرمودید این ماده کشدار است اولاً کشدار نیست ثانیاً چاره‌ای نداریم اگر حقیقتاً نتوانست مردی بخارج زن خود را در بیاورد آن زن چه باید بکند؟ آیا خوب است که از نظر احتیاج فاحشه شود؟

موافقت شده و رأی گرفته با اصلاح نمره ماده تصویب گردید.

مواد ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳ قرائت و با اصلاح نمرات

آنها عیناً مطابق خبر شور اول که همان مواد لایحه دولت است تصویب شد.

فصل دوم. در طلاق

مبحث اول. در کلیات

ماده ۱۱۳۴ راجع به اینکه مرد همیشه میتواند زن خود را طلاق گوید قرائت شد.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی اظهار نمودند هر چند با مفهوم این ماده مخالفتی نیست و حق هم همین است ولی نوشتن آن بالصراحه در قانون مدنی خوب نیست مگر ازدواج برای شهوت رانی است.

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده جواب دادند فرض میگیریم ازدواج برای رفع شهوت هم نباشد و صرف برای اموری باشد که شما میفرمائید بالاخره اگر بین زن و مرد وداد و دوستی و الفت نباشد که نمی شود آنها را مجبور نمود با هم زندگانی کنند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند بر هر تقدیر اشکالاتی در کار هست که نمی شود چاره نمود اگر نظر آقای لیقوانی این است که طرفین این حق را داشته باشند که مخصوصاً با طرز ازدواج در مملکت ما کار غلطی است مرد هیچ وقت برای نداشتن اولاد زن خود را طلاق ندهد ولی زن با هوا هوسی که دارد برای چیزهای جزئی زودتر تقاضای جدائی میکند یک وقت زن کراهت دارد صورت طلاق خلعی است. یک وقت هر دو کراهت دارند البته هر قدر آدم آزادتر باشد بهتر است شما که آزادخواه هستید چرا زن و مرد را مجبور میکنید با هم زندگانی نمایند. به هر حال کمتر مردی پیدا میشود که زن خود را بدون جهت طلاق دهد.

رأی گرفته ماده مزبور عیناً تصویب و مواد ۱۱۳۵، ۱۱۳۶ قرائت شد.

آقای تهرانی. آقای تهرانی اظهار نمودند چه ضرر دارد در اینجا یک نصایح اخلاقی ضمن طلاق بگنجانیم که عاقد فوراً طلاق را جاری نکند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند این نکات پیشبینی شده ولی اینجا نمی شود ذکر کرد در نظامنامه شروطی قائل شده و بعلاوه نظرم این است که دفاتر

طلاق را از دست بعضی‌ها بگیریم.
 رأی گرفته مواد فوق با اصلاح نمرات آن تصویب و ماده ۱۱۳۷ قرائت شد.
 آقای احتشام زاده سؤال نمودند در ماده ۱۱۳۵ نوشته شده بود که طلاق باید در حضور دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد. آیا منظور این است که آن دو نفر کر نباشند یا منظور دیگری است؟
 آقای وزیر جواب دادند منظور این است که در حضور دو نفر عادل باشد و صیغه طلاق بلند خوانده شود.
آقای لایقوانی. راجع به ماده ۱۱۳۷ آقای لایقوانی سؤال نمودند مقصود از طلاق دهنده مذکور در این ماده چه کسی^۱ است آیا شوهر است؟
 آقای وزیر جواب دادند منظور کسی است که صیغه طلاق را جاری می‌کند.
 آقای احتشام زاده معتقد بودند مقصود زوج است. آقای بهبهانی توضیح دادند مقصود گوینده طلاق است خواه خود زوج باشد خواه دیگری.
 رأی گرفته ماده ۱۱۳۷ هم به عنوان ۱۱۳۶ تصویب و مواد ۱۱۳۸ الی ۱۱۴۳ قرائت شد.
 آقای احتشام زاده اظهار نمودند در ماده ۱۱۴۱ عبارتی است که قدری مبهم است زیرا اگر زن حامل باشد دیگر قاعده نیست.
آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند طلاق دهنده که نمی‌داند حامل است یا نیست.
 آقای لایقوانی معتقد بودند بجای حامل آبستن نوشته شود.
 گفته شد حامل مصطلح است.
 رأی گرفته مواد مذکور با اصلاح نمره آنها تصویب شد.

مبحث دوم. در اقسام طلاق

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کي» گردید.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۶۷

مواد ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸ خبر شور اول که همان لایحه دولت است قرائت و با جزئی مذاکره با تبدیل نمرات آنها تصویب گردید (توضیح آنکه نمره ماده آخر ۱۱۵۷ خواهد شد) لایحه فوق تمام و رأی کلی گرفته تصویب شد. سپس لایحه نمره ۸۴۳ دولت به عنوان قانون مدنی - در اولاد در تعقیب مواد لایحه فوق برای شور اول مطرح و ماده اول آن که ماده ۱۱۵۸ می شود از این قرار قرائت شد:

کتاب هشتم. در اولاد

باب اول. در نسب

ماده ۱۱۵۸. طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط براینکه از تاریخ همبستری تا زمان متولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. با این ماده موافقت شده و قرار شد کلمه (همبستری) تبدیل به (نزدیکی) شود و همین طور در سایر مواد هم این کلمه اصلاح شود و ماده بعد که ۱۱۵۹ است به شرحی که در لایحه ضمیمه نوشته شده است قرائت و عیناً موافقت شد. مواد ۱۱۶۰ الی ۱۱۶۷ به شرح مذکور در لایحه ضمیمه این دفتر قرائت و برای شور اول تصویب گردید.

باب دوم. در نگاهداری و تربیت اطفال

مواد ۱۱۶۸، ۱۱۶۹ قرائت شد. آقای احتشام زاده معتقد بودند جهت ندارد مادر بر پدر اولویت داشته باشد برای تربیت دختر، زیرا زن نمی تواند اولاد را آن طور که مرد تربیت می کند تربیت نماید. **آقای وزیر.** آقای وزیر جواب دادند پسر زودتر از مادر جدا می شود ولی دختر این طور نیست البته

اگر دارالتربیه باشد که هر دو بچه را به آنجا خواهند فرستاد و اگر نباشد که در قسمت دختر، مادر بهتر است. مخالفی نبوده و مواد ۱۱۷۰ الی ۱۱۷۴ قرائت گردید.

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده اظهار نمودند مردی دعوی می‌کند بر زنی و حکم صادر می‌شود که طفل آنها باید نزد مرد باشد حکم اجرا، دو مرتبه زن می‌رود بچه را می‌برد و اسباب زحمت مجددی برای مرد فراهم می‌نماید. در مورد تصرف عدوانی ماده ای گذاشته ام که اگر کسی بعد از اجرای حکم دو مرتبه عدواناً ملک را تصرف نمود مجازات سخت‌تری درباره او اجرا خواهد شد بنده خیال می‌کنم در مورد تمکین زن و در مورد حضانت طفل باید این قسمت مراعات و اگر زن تجدید نماید مقررات سخت‌تری نسبت به او اجرا شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند در قسمت تمکین ماده ای گذراندم که این نظریه شما تأمین شود ولی تصور نمی‌کنم قابل اجرا باشد زیرا زن مجدداً خواهد رفت و برای رفتن خودش هم دلائلی ارائه خواهد داد.

آقای تهرانی. آقای تهرانی معتقد بودند زنی که کارش به دعوی بکشد و تمکین نکند قابل طلاق است و در قسمت اولاد هم که فرمودند روی محبت است که او را می‌برد صحیح است ولی چاره ای نیست. با مواد فوق هم عیناً موافقت شده مواد ۱۱۷۵ الی ۱۱۷۹ قرائت شد.

مذاکراتی در این قسمت شده و در اطراف اخلاق زن و شوهر و اینکه کدام یک بیشتر تقصیر دارند می‌باحثاتی بعمل آمد.

آقای وزیر به طور کلی معتقد بودند زن‌ها تقصیر دارند و اغلب می‌بینیم که با جهالت و نفهمی مرد را اذیت می‌نمایند. بالاخره موافقت شد.

باب سوم. در ولایت قهری پدر و جد پدری

ماده ۱۱۸۰ قرائت شد.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی اظهار نمودند يك

موضوعی را که دولت باید توجه نماید به کار واداشتن اطفال در سن ده سال و کمتر است و اغلب دیده می‌شود که اولیای طفل بچه‌های خود را وادار به کارهای شاقه می‌کنند و یا به قالی‌بافی می‌فرستند و آنها را آماده می‌کنند برای مرض سل و سایر امراض.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند برای این‌کار راهی جز تأسیس مؤسسات خیریه نیست و بایستی این مؤسسات این‌طور اطفال را برده و تربیت نمایند.

آقای تهرانی تذکر دادند این معایب تمام از فقر است و الا هیچ کس میل ندارد طفل خود را به کارهای دشوار وادارد.

آقای وزیر معتقد بودند اگر کار دشواری نباشد به عقیده من بهتر است از بیکاری.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی توضیح دادند این کارها در کرمان زیاد است و قالی‌ها را عموماً^۱ بچه‌ها می‌بافند و اجرت آنها هم هفته‌ای سه تومان است و گاهی هم بچه را اجیر می‌نمایند و سابقاً به این کارگران کوچک خیلی تعدی می‌شد قبل از طلوع آفتاب باید حاضر برای کار شده غروب آفتاب مرخص شوند ولی بعداً بلدییه اقداماتی نمود و من خودم جزو هیئتی بودم که نظامنامه برای کارخانجات قالی‌بافی تنظیم نمودیم و حالا قدری بهتر شده ولی به هر حال چاره‌ای نیست.

با ماده ۱۱۸۰ موافقت شده مواد ۱۱۸۱ الی ۱۱۸۶ قرائت شد.

راجع به ولی قهری مذاکراتی بعمل آمده قانون راجع به ولی قهری و ضم امین قرائت، بالاخره موافقت شده و قرار شد در ماده ۱۱۸۶ به ماده ۱۱۸۴ اشاره شود.

ماده ۱۱۸۷ قرائت، قرار شد:
کلمه (ولی) در ابتدای ماده حذف و کلمه (او)

۱. در متن فوق بعد از عبارت «عموماً» عبارت «باید» حذف شد.

هم تبدیل به (خود) شده و تصویب شد.
مواد ۱۱۸۸ الی ۱۱۹۳ قرائت، مخالفی نبوده و تصویب گردید.

کتاب نهم. در خانواده

فصل اول. در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۴ قرائت کلمه (یا) حذف و موافقت گردید.
مواد ۱۱۹۵ الی ۱۱۹۷ قرائت شد.
در ماده اخیر قرار شد کلمه «شخص» تبدیل به «شخصی» شده و کلمه «او» بعد از آن اضافه شود.

ماده ۱۱۹۸ قرائت شد.
آقای احتشام زاده معتقد بودند جد پدری مقدم است بر جد مادری.
آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر طفلی نه پدر داشته باشد و نه اجداد پدری و نه مادر، ولی جده پدری داشته باشد و جده مادری، اینها دیگر ترتیب و مقدم و مؤخر ندارد و تمام مساوی هستند.

بالاخره موافقت شده مواد ۱۱۹۹، ۱۲۰۰ قرائت و تصویب شد.

ماده ۱۲۰۱ قرائت شد.
آقای احتشام زاده معتقد بودند اقربای سعودی که پدر و جد باشند مقدم می‌باشند.
گفته شد اولاد مقدم است که نزولی است.
بالاخره موافقت شده مواد ۱۲۰۲ الی ۱۲۰۵ که آخرین ماده این لایحه می‌باشد قرائت، مخالفی نبوده تصویب شد.

چون به واسطه انقضای دوره نهم مجلس فرصتی نبود که لایحه مزبور دو شور شده و به تصویب مجلس برسد لذا بر طبق پیشنهاد آقای وزیر عدلیه قرار شد این لایحه مخصوص یک شوری باشد و لذا رأی قطعی به لایحه فوق گرفته تصویب و قرار شد از این قرار راپورت آن به مجلس تقدیم گردد که در جلسه آتی مجلس که آخرین جلسه دوره نهم می‌باشد به تصویب رسیده به دولت ابلاغ شود و جلسه کمیسیون ختم

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۷۱

گردید.
جلسه آتیه به واسطه انقضای دوره نهم معین
نگردید.

گفتار ششم. شور دوم مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۲۳

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب ۲۵ خرداد ۱۳۱۴
جلسه ۸ به تاریخ ۱۵ امرداد ماه ۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

شور ثانی لایحه راجع به حجر و قیمومت
لایحه نمره ۱۲۴۲۳ راجع به حجر و قیمومت در تعقیب
قانون مدنی برای شور ثانی مطرح گردید - خبر شور
اول کمیسیون که در مجلس شورای ملی موافقت شده و
نسبت به آن یکی دو فقره پیشنهاد شده بود قرائت
گردید به شرح ذیل:

کتاب دهم از قانون مدنی. در حجر و قیمومت

فصل اول. در کلیات

ماده ۱۲۰۷ راجع به اشخاص مجبور به شرحی که در
صفحه ۱۹۹ درج شده است قرائت مخالفی نبوده عیناً
برای شور دوم تصویب شد.
ماده ۱۲۰۸ راجع به اشخاص غیر رشید قرائت و
عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۰۹ راجع به اثبات رشد در محکمه به شرح

مذکور در صفحه ۱۹۹ قرائت و عیناً تصویب گردید.
ماده ۱۲۱۰ راجع به اثبات عدم رشد قرائت شد.
آقای دکتر جوان پیشنهادی از این قرار نموده بودند: بنده پیشنهاد می‌کنم ماده ۱۲۱۰ به شرح ذیل اصلاح شود:

(۱۲۱۰-) هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هیجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. دکتر جوان)

پیشنهاد فوق عیناً به جای ماده ۱۲۱۰ تصویب و ماده ۱۲۱۱ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۰ قرائت و عیناً تصویب گردید.

ماده ۱۲۱۲ راجع به بلاثر بودن اعمال صغیر به شرح مذکور در صفحه ۲۰۰ قرائت شد.
آقای حیدری پیشنهاد نموده بودند کلمه (تاحدی) حذف شود.

موافقت نشده و ماده ۱۲۱۲ عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۱۳ راجع به مجنون دائمی و ادواری به شرحی که در صفحه ۲۰۰ نوشته شده قرائت شد.

پیشنهاد آقای حیدری از این قرار قرائت شد:
بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده ۱۲۱۳ در آخر ماده جمله (مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد) حذف شود. پس از مذاکراتی موافقت نشده و عین ماده تصویب شد.

ماده ۱۲۱۴ راجع به نافذ نبودن معاملات غیر رشید در اموال خود قرائت مخالفی نبوده عیناً تصویب شد.

ماده ۱۲۱۵ راجع به عدم مسئولیت صغیر یا مجنون به شرح مذکور در صفحه ۲۰۰ قرائت عیناً تصویب شد.
مواد ۱۲۱۶، ۱۲۱۷ راجع به صغیر و مجنون و اداره اموال آنها به طوری که در صفحه ۲۰۰ درج شده است قرائت و عیناً تصویب گردید.

فصل دوم: در موارد نصب قیم و ترتیب آن

مواد ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴
خبر شور اول به طوری که در صفحات ۲۰۱، ۲۰۲ نوشته شده است قرائت شد.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۷۳

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند مواد ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱ اولیاء مجنون را مکلف میکند که از جنون مجنون به پارکه اطلاع دهند و دیگری نمی نویسد که اگر اطلاع ندادند چه میشود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند ما قانون مدنی می نویسیم نه قانون مجازات البته باید مجازاتی معین کرد ولی نه در اینجا.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان مجدداً راجع به ماده ۱۲۲۴ اظهار نمودند این ماده این طور می رساند که مدعی العموم به محض اطلاع از جنون شدن شخصی باید اموال او را تحت نظر و حفظ خودش قرار دهد و حال آنکه بهتر این است که مدعی العموم بدو ا عرض حال به محکمه داده پس از اثبات جنون به حکم محکمه اموال مجنون را تحت نظر بگیرد تا قییم معین شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیحاتی داده چون نیم ساعت از ظهر گذشته بود قرار شد جلسه ختم شود و رأی به مواد ۱۲۱۸ الی ۱۲۲۴ گرفته عیناً تصویب و بقیه به جلسه بعد موکول گردید.

جلسه آتی به واسطه گرمای هوا موکول شد که بعداً تعیین گردد.

گفتار هفتم. شور دوم مواد ۱۲۲۴ تا ۱۲۵۶

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب ۲۵ خرداد ۱۳۱۴
جلسه ۹ به تاریخ یوم چهارشنبه ۱۲ شهریورماه
۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات
شور ثانی لایحه راجع به حجر و قیمومت ضمیمه قانون
مدنی
به تاریخ یوم چهارشنبه ۱۲ شهریورماه ۱۳۱۴ سه

ساعت قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای جمشیدی تشکیل بقیه لایحه نمره ۱۲۴۲۳ راجع به حجر و قیمومت برای شور دوم مطرح در تعقیب مذاکرات جلسه قبل ماده ۱۲۲۴ به شرحی که در صفحه ۲۰۲ نوشته شده است راجع به حفظ و نظارت اموال صغار و مجانبین قرائت شد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند با اظهار یک نفر نمی‌شود کسی را مجنون قرار داد بالاخره بنده در عقیده خود باقی هستم و معتقدم تا محکمه قرار صادر نکرده مدعی‌العموم نباید در اموال صغیر یا مجنون دخالت نماید.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی هم با نظریه آقای دکتر جوان موافق بود.

آقای وزیر اظهار نمودند اگر آقایان در طریقه نظارت حرف دارند موضوعی است والا با این کارهای زیاد محکمه نمی‌شود رسیدگی بدوی را به محکمه واگذار کرد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند نظر بنده خلاصه این است که این اختیاری که به پارکه داده می‌شود به محکمه داده شود.

آقای وزیر اظهار نمودند این نظر شما باعث بطی جریان کار خواهد شد و بیم آن می‌رود که اموال صغیر تفریط شود حکم محکمه چه بر له چه بر علیه تأثیر عملی در این کار ندارد.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار داشتند اگر نوشته شود با نظارت یکی از اقرباء، نظر

آقایان تا اندازه‌ای تأمین می‌شود.

آقای وزیر جواب دادند شاید این آدم اقربائی نداشته باشد.

پس از مذاکرات دیگر قرار شد آخر ماده ۱۲۲۴ این عبارت سر سطر اضافه شود:

(طرز حفظ و نظارت مدعی‌العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.)

رأی گرفته ماده ۱۲۲۴ با این اصلاح تصویب شد.

ماده ۱۲۲۵ راجع به اعلام حجر اشخاص در جرایم به وسیله مدعی‌العموم به شرح مذکور در صفحه ۲۰۳ قرائت شد.

آقای دکتر جوان اظهار نمودند راجع به قابل استیناف بودن این حکم سابقاً هم مذاکره شد و حالا اگر موافقت بفرمائید خوب است نوشته شود (همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و قطعی شد الی آخر)

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند قابل استیناف بودن یا نبودن مربوط به اینجا نیست بلکه در ضمن اصول محاکمات باید نوشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند جایش همین جا است و البته اگر حکم قطعی نوشته شود بهتر است. آقای دکتر جوان اظهار نمودند در قسمت ورشکستگی هم در قانون تجارت ماده ای دارد به همین مضمون و به هرحال باید معلوم شود که این حکم قطعی است یا غیر قطعی.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار داشتند تا به حال معمول این طور بوده که حکم جنون قابل استیناف و تمیز بوده است و لهذا بنده غرضم این بود که احتیاجی ندارد نوشته شود حکم قطعی است.

آقای وزیر. آقای وزیر مجدداً توضیح دادند اشخاصی که سفیه هستند هر چه زودتر باید از عملیات آنها جلوگیری کرد بنده آنچه می شنیدم که پسر سپهسالار سفیه است باور نمی کردم وقتی که دیدم راجع به کارهای موهومی با وکیلی قرارداد بسته و تعهد نموده صد هزار تومان به او بدهد تصدیق سفاهت او را کردم از موقعی که اموال او دست مدعی العموم افتاده محافظت می شود و اگر جزئی تأخیر شده بود از اموال مشارالیه دیناری باقی نبود - هرچند مدعی العموم هم کار زیاد دارد و به همین جهت سعی می کند کسی را مجبور قلمداد نکند ولی چاره ای نیست و این را بدانید که وقتی که مدعی العموم گفت فلان شخص مجبور است دلائل کافیه در دست دارد و بی جهت نخواهد گفت.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر مجدداً در تأیید

۱. در متن فوق عبارت «تأخیر» جایگزین عبارت «تأخیری» گردید.

نظریه خود پیشنهاد نمودند یا نوشته شود این حکم ابتدائی قابل استیناف و تمیز است و یا نوشته شود همین که حکم صادر و قطعی شد.

آقای نقابت اظهار داشتند اگر مطابق منظور آقای دکتر اصلاح شود نتیجه اش این است که قییم را باید بعد از صدور حکم قطعی معین کرد و لذا ضمن جریان محاکمه در استیناف و تمیز که لااقل دو سال طول خواهد کشید مدعی العموم نمی‌تواند در اموال مجبور دخالت نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند وقتی که محکمه ابتدائی حکم سفاهت کسی را داد دیگر این شخص اصلاً اهلیت ندارد که به آن حکم اعتراض نماید - رسیدگی در محکمه در حقیقت رسیدگی به دلائل مدعی العموم است.

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند اگر طرف صغیر باشد که اصلاً محتاج به حکم نیست و از روی سن و قیافه و هیکل تشخیص داده می‌شود که صغیر است یا کبیر. پس صحبت بر^۱ سر کبیر است که مدتی هم با آرامی زندگی نموده و حالا مدعی شده‌اند که این شخص دیوانه است البته این عنوان را روی هر کس که بگذارند برای او زننده و در زندگانی او تأثیر عمده‌ای خواهد داشت بنابراین در قسمت جنون من معتقدم باید جنون از صغیر تفکیک و نوشته شود در صورتی که محکمه حکم جنون صادر نماید از آن تاریخ مدعی العموم در اموال و کارهای او نظارت خواهد داشت تا وقتی که حکم قطعی گردد.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه با این نظر موافق بودند که پس از صدور حکم نصب قییم به عمل آمده مدعی العموم هم نظارت نماید ولی برای مجبور حق استیناف و تمیز قائل شویم.

آقای جهانشاهی اظهار نمودند این محکم کاری‌ها برای این است که مال مجنون و صغیر تفریط نشود. همین طور که آقای هراز فرمودند خیلی خوب است و قییم

۱. در متن فوق عبارت «بر» جایگزین عبارت «در» گردید.

وقتی معین شود که حکم قطعی گردد.
آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی معتقد بودند ماده به همین ترتیب که خیر داده شده بهتر است.
آقای وزیر هم اظهار نمودند اصولاً هر حکمی قابل استیناف و تمیز است مگر آنکه در قانون استثناء شده باشد و بنابراین حکم حجر هم قابل استیناف و^۱ تمیز است و از این لحاظ خوب است این ماده تصویب گردد.

رأی گرفته به ماده ۱۲۲۵ عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۲۶ راجع به ثبت اسامی اشخاص مجبور و سفیه در دفتر مخصوص قرائت، با تبدیل کلمه (سفیه) به (سفه) تصویب شد.
ماده ۱۲۲۷ راجع به قیّم قانونی به شرحی که در صفحه ۲۰۳ درج شده است قرائت شد.
با توضیحی که آقای وزیر در جواب آقای نقابت دادند رأی گرفته عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۲۸ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۳ راجع به کسانی که در خارج از ایران اقامت دارند و باید برای آنها نصب قیّم شود قرائت شد.
آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند یکی از مأمورین ایران در خارجه به همین عنوان یک تاجر معتبری را از بین برد در صورتی که این تاجر قیّم لازم نداشت حالا خوب است این مأمورین قونسولی را مقید کنیم که در این قبیل امور با دو نفر امین ایرانی مشورت نمایند و نظریه مأمور را وقتی قطعی بدانیم که در تهران و در مراجع قانونی حکم صادر شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند شاید ایرانی امین در آن مملکت نباشد که مأمور قونسولی با آنها مشورت کند.
آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان توضیح دادند در آخر ماده ۱۲۲۸ عبارتی دارد که منظور آقای جهانشاهی را تأمین می‌کند زیرا می‌نویسد وقتی نصب

۱. حرف (و) در بین عبارت «استیناف» و «تمیز» اضافه شد.

قیم قطعی می‌گردد که محکمه شرع تهران تصمیم مأمور قونسولی را تنفیذ کند ولی نظری که خود بنده داشتم این است که در ابتدای این ماده می‌نویسد نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۰۷ تحت قیمومت درآیند الی آخر. در صورتی که در ماده ۱۲۱۸ می‌نویسد که برای چه اشخاصی نصب قیم می‌شود و بنابراین خوب است به جای ذکر ماده ۱۲۰۷ ماده ۱۲۱۸ نوشته شود.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند ماده ۱۲۱۸ می‌گوید که برای چه اشخاصی نصب قیم می‌شود و این ماده می‌گوید برای چنین اشخاصی اگر در خارجه باشند قونسول اقدام می‌نماید. مقصود این است اشخاصی که باید قیم داشته باشند قونسول فلان اقدام را خواهد کرد و بالاخره همین طور که فرمودید مانعی هم ندارد که به ماده ۱۲۱۸ اشاره شود.

آقای جهانشاهی. آقای جهانشاهی اظهار نمودند در داخله مملکت برای نصب قیم مقرراتی قائل شده‌ام که باز آقایان نگران هستند آن وقت در خارجه تمام اختیارات را به یک نفر قونسول می‌دهید خوب نیست. **آقای هراز.** آقای هراز معتقد بودند اگر نوشته شود به مسئولیت خود قونسول، دیگر آن نگرانی نخواهد بود و بی‌جهت مدعی حجر کسی نمی‌شوند.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار داشتند در اینجا دو نظر هست که باید دقت شود یکی حفظ اموال محجور است از طرف قونسول و دیگر آنکه^۱ قوانین بین‌المللی هم باید مراعات شود قسمت بعد سوءاستفاده است که مأمورین خارجه در این قبیل

موارد ننمایند - نماینده ایران در خارجه نسبت به این قسمت مثل مدعی‌العموم است و دیگر بیش از اختیاراتی که اینجا به مدعی‌العموم می‌دهید به این مأمورین نباید بدهید. اگر اموال این شخص در ایران باشد قونسول وظیفه اش این است به وزارت امور خارجه راپورت دهد که فلان آدم تبعه ایران

۱. در متن فوق عبارت «رعایت» بعد از عبارت «آنکه» حذف شد.

مجنون شده و تا تکلیف قطعی اموال، او را در تحت نظر بگیرید و اگر اموال او هم در خارجه باشد باید قونسول فقط نظارت نماید تا آنکه حکم قطعی از مرکز برای مأمور برسد و دیگر بیش از این اگر اختیاری به مأمورین قونسولی بدهید صلاح نخواهد بود.

آقای کفائی. آقای کفائی اظهار نمودند اینجا فقط صحبت از اقدامات خلاف قانون مأمورین می‌شود در صورتی که ممکن است بعضی از این مأمورین اصلاً دخالت نکنند و اینجا هم آنها را ملزم نکرده‌ایم.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مأمورین دولت برای حفظ اموال بلاصاحب و بلاوارث یک دخالت‌هایی دارند خواه مربوط به اشخاص خارجی باشد خواه داخلی نهایت نسبت به اموال بلاصاحب مربوط به اتباع خارجه مأمورین مزبور تسلیم سفارتخانه مربوطه می‌نمایند و یا خودشان نگهداری می‌کنند تا وارث متوفی به معرفی سفیر معین شود ولی قسمت نصب قیم برای مجبور و صغیر که در خارجه اقامت دارند غیر از مسئله حفظ و ضبط اموال بلاصاحب است. در داخله مملکت برای اجرای نصب قیم مقرراتی قائل شده‌ایم که در خارجه اجرای آن مقررات غیر ممکن است و ناچار گفتیم قونسول ایران عنوان مدعی‌العموم را داشته باشد و به‌جای آنکه به محکمه بفرستد راپورتی تهیه و به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه ارسال دارد که رسیدگی شود حالا ببینیم غیر از سفیر یا قونسول کس دیگر اهلیت این کار را دارد یا خیر البته کس دیگر نیست مگر آنکه بگوئیم محاکم خارجه در محل رسیدگی کرده در صورت لزوم نصب قیم نمایند البته این را هم که آقایان موافقت ندارند پس باید قونسول مربوطه دخالت نماید البته در مورد چنانچه و سفیه اثبات لازم دارد تا بتوان نصب قیم کرد و اثبات هم باید در محکمه محل اقامت مجنون به‌عمل آید و به جای مدعی‌العموم که در اینجا مدارک را به محکمه ارائه می‌دهد در آنجا قونسول به محکمه محل ارائه خواهد داد.

آقای هراز. آقای هراز اظهار نمودند صحیح است

که قونسول در محکمه محل طرح دعوي مي‌کند ولي بايد رجوع شود به احوالات شخصيه. بنده آنچه در عمل دیده‌ام قبل از الغاي کاپیتولاسيون قونسول روس در ايران خودشان رسيدگي مي‌کردند و نصب قسيم هم مي‌نمودند و حالا هم قونسول‌ها در خارجه حق قضاوت دارند ولي بايد روي قوانين محلي اموال او را حفظ نمايند.

آقای وزیر. آقای وزير اظهار نمودند اول بايد اين را معلوم کرد که در مورد اين طور اشخاص که در خارجه اقامت دارند کدام محکمه بايد حکم جنون را بدهد؟

آقای هراز. آقای هراز جواب دادند بايد گفت خود قونسول رسيدگي کرده حکم دهد.

آقای وزیر. آقای وزير اظهار نمودند اگر با مملکت عهده‌نامه داشته باشيم ناچاريم مطابق آن عمل کنيم و اگر عهده‌نامه‌اي نباشد بايد به قونسول اختيار بدهيم.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند اول بايد ديد جريان اين امور در خارجه به چه ترتيب است. در خارجه آنچه بنده اطلاع دارم پارک‌ها اختياري ندارند و بعلاوه اينکه آقای وزير فرمودند در محکمه محل اقامت مجبور رسيدگي شود آن هم نمي‌شود زيرا در خارجه محاکم خصوصي نيست و محاکم عمومي است به طور کلي خوب نيست که در محاکم عمومي خارجه قونسول مدعي واقع شده و طرف دعوي هم محکمه باشد و از اين لحاظ بايد قسمت رسيدگي در محکمه محل را صرف‌نظر نمود و به‌جاي اينکه در ماده نوشته شده محکمه شرع تهران نظر قونسول را تنفيذ کند، بنويسيم محکمه مربوطه تهران.

آقای وزیر. آقای وزير مجدداً اظهار نمودند به قونسول‌ها اختيار دادن خاصه براي رسيدگي به احوال شخصيه است که چه اقداماتي نمايند. من تصور نمي‌کنم حکم جنون تاجري را يك نفر قونسول بدهد و کسي هم حرف نزند البته اگر جنون محقق شود آن وقت ديگر محاکم خارجه حق دخالت نخواهند داشت مگر قونسول.

مجدداً آقای هراز تذکر دادند اگر نوشته شود

قونسول به مسئولیت خودش اقدام خواهد کرد رفع اشکال می‌شود.

آقای جهانشاهی مخالف بودند حق قضاوت از قونسول ایران گرفته شده به خارجی‌ها داده شود.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند این موضوع قابل مطالعه بیشتری است و باید دید خارجی‌ها چه طور عمل می‌کنند.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی اظهار نمودند من راجع به مقررات بین‌المللی کاملاً اطلاعی ندارم ولی حقی که به قونسول‌ها می‌دهند مربوط به احوالات شخصیه است. سفته و جنون بالاتر از احوالات شخصیه می‌باشد. نظر بنده این است که اگر محکمه محل رسیدگی نموده حکم دهد بهتر است.

آقای همراز. آقای همراز در تعقیب بیانات خود اظهار داشتند خوب است برای رفع این محظورات واگذار به عهود بین‌المللی شود و به طور قطع نگوئیم که محکمه محل رسیدگی خواهد نمود که بالاخره مسئولیت از گردن قونسول هم برداشته نشود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند قونسول هم از لحاظ مسئولیت مثل مدعی‌العموم است اگر نظر خصوصی نداشته باشد و اتفاقاً خسارتی به طرف وارد شود او مسئول نیست. البته اگر دانسته کسی را بی‌جهت دیوانه قلمداد و یا اموال مجبور را به کسی بدهد که حیث و میل نماید و این را قونسول می‌دانسته است مسئول است.

آقای دکتر جوان معتقد بودند پیشنهاد آقای نقابت خوب است.

آقای وزیر اظهار نمودند چون در ماده ۱۲۰۷ نوشته‌ام این اشخاص از تصرف در اموال خود ممنوع هستند حالا نمی‌شود نوشت تمام اشخاص ممنوع‌التصرف در اموال خود را قونسول باید قییم معین کند بلکه باید بنویسیم آنهایی که مشمول ماده ۱۲۱۸ هستند و در خارجه می‌باشند به این ترتیب قونسول رفتار خواهد کرد.

از این قرار و بر حسب پیشنهادی که آقای دکتر جوان نموده بودند ابتدای ماده ۱۲۲۸ از این قرار اصلاح شد:

(در خارج ایران مأمورین قونسولی ایران حق دارند نسبت به ایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها نصب قیم شود و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند اِلی آخر)

آقای دکتر جوان. آقای دکتر سؤال نمودند بالاخره معلوم می‌شود منظور این است که پس از اثبات لزوم قیم محکمه شرع تهران باید قیم را معین کند؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند بله.

رأی گرفته ماده ۱۲۲۸ با اصلاح فوق تصویب و مواد ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴ به شرحی که در صفحه ۲۰۴ درج شده است قرائت شد.

آقای کفائی راجع به اینکه شاید مواردی پیدا شود که بایستی زن قیم واقع گردد و شوهر او هم رضایت ندهد توضیحی خواستند.

آقای وزیر جواب دادند به هرحال رضایت مرد شرط است.

رأی گرفته مواد فوق عیناً تصویب شد.

فصل سوم. در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

ماده ۱۲۳۵ راجع به مواظبت اموال مولی‌علیه از طرف قیم به شرحی که در صفحه ۲۰۴ نوشته شده قرائت و تصویب شد.

ماده ۱۲۳۶ راجع به تهیه صورت جامع از دارائی مولی‌علیه و غیره قرائت شد.

آقای کفائی لزومی نمی‌دانستند صورت دارائی برای مدعی‌العموم فرستاده شود.

آقای وزیر جواب دادند لازم است مدعی‌العموم اطلاع داشته و حتی روی آن صورت که قیم می‌فرستد تحقیقاتی هم به عمل آورد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند اگر صغیر برادر بزرگتری داشته باشد ممکن است اجازه ندهد به قیم که وارد خانه شده صورت دارائی صغیر را بردارد و در این مورد باید مدعی‌العموم این کار را انجام دهد یا قیم به اتفاق نماینده مدعی‌العموم صورت بردارند.

آقای وزیر جواب دادند قیم وقتی که فکر ضعف و ناتوانی در خود کرد طبعاً از مدعی‌العموم استمداد

می‌طلبید و این چیزی نیست که در قانون مدنی نوشته شود.

رأی گرفته ماده ۱۲۳۶ عیناً تصویب شد.

ماده ۱۲۳۷ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۵ قرائت مخالفی نبوده تصویب شد.

ماده ۱۲۳۸ راجع به قیمی که در حفظ مال صغیر تقصیر نماید قرائت شد.

آقای دکتر جوان معتقد بودند عبارت آخر ماده (اگر چه نقصان یا تلف مستند به تغریط یا تعدی قیم نباشد) اگر حذف شود بهتر است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر مستند به خود قیم باشد که خائن محسوب می‌شود ولی اگر در حفظ اموال کوتاهی کرد و دزدیدند فقط مسئول است ولی خائن نیست.

مجدداً آقای دکتر اظهار نمودند با مواد قانون مدنی راجع به امین دیگر این قسمت آخر ماده لازم نیست. آقای وزیر جواب دادند چون گفته‌ام تقصیر در حفظ عیبی ندارد من فرمایش آقای دکتر را تصدیق می‌کنم که عبارت آخر ماده توضیح واضح‌تر است و حالا ممکن است توضیح دهیم که تقصیر عبارت از تقصیری است که در قانون مدنی تصریح شده است و آن وقت قسمت آخر ماده را حذف نمائیم.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی معتقد بودند همه جا نمی‌شود قیم را مسئول قرار داد زیرا اگر حریقی واقع و اموال صغیر تلف شود به قیم مربوط نیست.

بالاخره آقای وزیر اظهار نمودند پس بهتر است همین‌طور که بوده نوشته شود.

رأی گرفته ماده ۱۲۳۸ عیناً تصویب شد.

ماده ۱۲۳۹ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۵ راجع به تقلب قیم قرائت شد.

آقای دکتر سؤال نمودند اگر قیم قصور کرد و عدم قید موجب خسارت شد آیا قیم معزول می‌شود؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اگر سوء نیت

داشته باشد البته معزول خواهد شد. ولی صرف جزء صورت قلمداد نکردن باعث عزل نمی‌شود.

آقای دکتر پیشنهاد نمودند نوشته شود اگر عمداً قید نکند.

موافقت نشده و ماده ۱۲۳۹ عیناً تصویب گردید.
ماده ۱۲۴۰ راجع به اینکه قیم نمی‌تواند از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند قرائت شد.
آقای هراز سؤال نمودند اگر قیمی بخواهد به مولی‌علیه استفاده رسانده و مال خودش را که می‌داند ترقی می‌کند به مولی‌علیه انتقال دهد چه اشکالی دارد؟

آقای وزیر جواب دادند چون اکثر قیم‌ها عمل معکوس این قسمت را خواهند کرد بهتر است اصلاً اجازه ندهیم.

موافقت شده رأی گرفته عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۴۱ راجع به فروش اموال غیرمنقول مولی‌علیه به شرح مذکور در صفحه ۲۰۵ قرائت شد.
آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند برای محدود کردن عملیات قیم خوب است در هر کاری اجازه مدعی‌العموم شرط شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند در این صورت دیگر قیم موضوع ندارد اینجا گفتیم اگر احتیاج و ضرورت برای قرض نباشد اجازه مدعی‌العموم لازم است.

آقای لایقوانی. آقای لایقوانی اظهار داشتند موردی به نظرم رسید که در قانون مدنی فرانسه هم هست. چنانچه اصطکاک منافع بین معاملات قیم و مولی‌علیه باشد یک قیم دیگر یا ناظر معین می‌کنند که دخالت نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر تذکر دادند اصطکاک منافع در موردی است که بین قیم و مولی‌علیه خرید و فروش شود که ما آن را منع نموده‌ایم و اگر هم که دعوایی بین آنها باشد که اصطکاک نیست.

آقای لایقوانی. آقای لایقوانی اظهار نمودند ممکن است شش دانگ ملکی باشد که سه دانگ آن مال قیم و سه دانگ دیگر متعلق به مولی‌علیه است این ملک خریدار هم دارد قیم نفع خود را در این می‌داند که سهم خود و مولی‌علیه را بفروشد ولی نفع مولی‌علیه مورد تردید است اینجا چه باید بکند.

آقای وزیر جواب دادند با اجازه مدعی العموم می‌تواند هر شش دانگ را بفروشد و بعلاوه این را نمی‌شود اصطکاک گفت.

رأی گرفته ماده مزبور عیناً تصویب و ماده ۱۲۴۲ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۵ راجع به اینکه قییم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خانمه دهد قرائت شد.

آقای دکتر اظهار نمودند وقتی که عملی را منع کردیم دیگر اگر آن عمل بشود قانونی نیست اصلاً صلح بی‌ربط است و دیگر نمی‌شود گفت صلح صحیح ولی قییم باید خسارت را جبران نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند صلحی که دو سال قبل شده و نسبت به آن ملک یا مال معاملاتی شده است نمی‌شود امروز آن را غیر نافذ دانست البته اگر خسارتی وارد شده باید قییم جبران کند و اگر وارد نشده که هیچ.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جواب دادند صلح خیلی مهم است و ممکن است در زندگانی مولی‌علیه آن صلح تأثیر داشته باشد. لاقلاً خوب است صلح دعاوی با نظر مدعی العموم باشد.

آقای وزیر پیشنهاد نمودند نوشته شود اگر چه تصویب مدعی العموم بعد از تاریخ صلح باشد آن صلح نافذ است زیرا ما که نمی‌خواهیم اثر وضعی معامله را از بین ببریم. مدعی العموم هم نظارت دولتی دارد نه نظارت شخصی.

مجدداً قرار شد ماده همین طور که بوده باشد زیرا در تمام معاملات و عملیات قییم نمی‌شود مدعی العموم را دخالت داد.

آقای دکتر جوان پیشنهاد نمودند همان طور که در ماده قبل معاملات را منع کرده اید اینجا هم صلح را منع کنید.

آقای مؤید احمدی. آقای مؤید احمدی اظهار نمودند قییم بر حسب اصول کلی اختیار تمام دارد مدعی العموم هم حق نظارت دارد زیرا با آن مقدماتی که برای نصب قییم انجام می‌شود اگر این اختیارات هم به قییم داده شود دیگر قییم موضوع ندارد و کسی هم حاضر نخواهد شد قییموت کند. وقتی

که قیم تشخیص می‌دهد این معامله یا صلح برای مولی‌علیه نفع دارد چرا اجازه نمی‌دهید بنمایید. بعلاوه شما نوشته‌اید که اگر خسارتی هم وارد شد قیم باید جبران کند و دیگر بهتر از این نمی‌شود.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند صلح غیر از معامله است اگر صرفه مولی‌علیه در صلح باشد که باید صلح را نافذ دانست و اگر به ضرر باشد که مجبور است جبران خسارت کند.

آقای دکتر جوان. مجدداً آقای دکتر اظهار نمودند در صورتی که برای فروش، صحت معامله را موکول به تصویب مدعی‌العموم نموده‌ام به طریق اولی در صلح هم باید تصویب او ملاک باشد.

بالاخره قرار شد قسمت دوم ماده ۱۲۴۲ حذف و خلاصه ماده ۱۲۴۲ از این قرار تصویب شد:

(قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم)

ماده ۱۲۴۳ راجع به خواستن تضمین از قیم به شرح مذکور در صفحه ۲۰۶ قرائت و عیناً تصویب گردید.

ماده ۱۲۴۴ راجع به تهیه صورت حساب در ظرف سال از طرف قیم قرائت و پس از مختصر مذاکره با اضافه عبارت (به تقاضای مدعی‌العموم) قبل از معزول می‌شود تصویب شد.

ماده ۱۲۴۵ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۶ قرائت و عیناً تصویب گردید.

ماده ۱۲۴۶ راجع به اجرت قیم به شرح مذکور در صفحه ۲۰۶ قرائت و مخالفی نبوده عیناً تصویب گردید.

ماده ۱۲۴۷ راجع به نظارت در اعمال قیم به شرحی که در صفحه ۲۰۶ درج شده است قرائت شد.

آقای لیقوانی. آقای لیقوانی تذکر دادند در خارجه غفلت را هم افعال کاری محسوب می‌کنند و حالا اینجا هم باید اشاره شود.

آقای وزیر جواب دادند ضمن مواد سابق اشاره شده است.

رأی گرفته عیناً تصویب شد.

فصل چهارم. در موارد عزل قیم

ما ده ۱۲۴۸ راجع به مواردی که قیم معزول می‌شود قرائت شد.

آقای دکتر جوان معتقد بودند حبس تنها قیم را از اداره نمودن اموال مولی‌علیه باز نمی‌دارد بلکه علل دیگر هم هست که ممکن است موجب عدم قدرت قیم در نگاهداری و حفاظت اموال شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند حبس یک چیزی است که واضح است ولی علل دیگر ممکن است ثابت نباشد.

آقای دکتر اظهار نمودند پس توقیف هم باید نوشته شود.

آقای وزیر مجدداً جواب دادند مدت توقیف معین نمی‌شود که بتوان قیم را معزول کرد. شاید پنج روز بیشتر در توقیف نماند.

بالاخره فقرات ۵ و ۶ ماده ۱۲۴۸ به شرح ذیل اصلاح و فقره ۷ آن هم حذف شد:

(۵. اگر عدم لیاقت و توانایی قیم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم شود)

(۶. در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ با تقاضای مدعی‌العموم)

مواد ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲ به شرح مذکور در صفحه ۲۰۷ قرائت و رأی گرفته عیناً تصویب گردید.

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

مواد ۱۲۵۳، ۱۲۵۴ به شرحی که در صفحه ۲۰۷ نوشته شده است قرائت و عیناً تصویب گردید.

ماده ۱۲۵۵ به شرحی که در صفحه ۲۰۷ مذکور است قرائت شد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان راجع به صغار اظهار نمودند ورقه هویت آنها مدرک رشد آنها است دیگر احتیاجی ندارد به محکمه رجوع نماید. البته در رفع حجر و غیره این طور که پیشنهاد شده خوب است ولی در صغر خوب نیست.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند به ورقه هویت آن قدرها نمی‌شود اعتبار داد.

آقای هراز معتقد بودند مطابق قانونی که اخیراً

گذشته است باید به اوراق هویت صادره از تاریخ آن قانون به بعد کاملاً اعتبار داد و حالا اینجا هم باید به این نکته اشاره شود. گفته شد اگر به اوراق هویت اعتبار بدهند در این مورد هم خواهند داد و ضرورتی ندارد نوشته شود. رأی گرفته ماده ۱۲۵۵ عیناً تصویب و ماده ۱۲۵۶ قرائت و عیناً به تصویب رسید. مواد لایحه فوق تمام و قرار شد راپورت شور ثانی آن تهیه و برای طبع فرستاده شود و جلسه ساعت ۱ بعد از ظهر ختم شد. جلسه آتی به موکول به روز چهارشنبه ۱۹ شهریور چهار ساعت قبل از ظهر گردید.

گفتار هشتم. شور دوم مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب ۲۵ خرداد ۱۳۱۴

جلسه ۱۲ به تاریخ یوم چهارشنبه ۹ مهرماه ۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

شور ثانی لایحه راجع به دلائل اثبات دعوی

به تاریخ یوم چهارشنبه ۹ مهرماه ۱۳۱۴ دو ساعت و نیم قبل از ظهر کمیسیون عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای جمشیدی تشکیل لایحه نمره ۱۶۸۷۶ وزارت عدلیه راجع به دلائل اثبات دعوی برای شور ثانی مطرح گردید. توضیح آنکه لایحه مزبور در دو جلسه قبل کمیسیون مطرح و راپورتش به مجلس تقدیم و مجلس شورای ملی با خبر شور اول موافقت نموده و برای شور ثانی به کمیسیون ارجاع نموده اند. ماده اول لایحه و خبر کمیسیون که ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی است به شرحی که در صفحه ۲۲۵ نوشته شده است قرائت شد.

آقای دکتر جوان پیشنهادی نموده بودند.
آقای وزیر اظهار نمودند ما هم اثبات سقوط حق نوشته ایم.
مذاکراتی در قسمت مبادی عقلیه شده عده ای معتقد بودند از قبل از اسلام هم معمول بوده است.
آقای نقابت معتقد بودند تا حق ثابت نشود سقوط آن موضوع ندارد.
آقای وزیر توضیح دادند باید دید که اصل صحت معاملات است یا خیر. اگر صحت معاملات باشد همان سقوط حق صحیح است. تردید و انکار و نفی اعتبار را باید طرف ثابت نماید.
بالاخره ماده مزبور به ترتیب ذیل اصلاح و رأی گرفته تصویب شد:
(ماده ۱۲۵۷. هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات نماید و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات آن امر برعهده او است).
مواد ۱۲۵۸، ۱۲۵۹ به شرحی که در صفحه ۲۲۵ درج شده است قرائت و عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۶۰ قرائت شد.
آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان پیشنهاد نموده بودند این ماده حذف شود و خودشان توضیح دادند یا بودن ماده ۱۲۵۹ این ماده لزومی ندارد زیرا آنجا مینویسد اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود. حالا دیگر این اقرار به هر نحوی باشد ضرری ندارد.
آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند به قول آقای دکتر این ماده توضیح و اوضاحت است پس ضرری ندارد.
رأی گرفته ماده ۱۲۶۰ عیناً تصویب و ماده ۱۲۶۱ هم عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۶۲ خبر شور اول به شرحی که در صفحه ۲۲۵ نوشته شده است قرائت شد.
پیشنهاد آقای دکتر جوان دایر بر اینکه رشید هم اضافه شود قرائت شد.
آقای وزیر توضیح دادند اضافه نمودن کلمه (رشید) در این ماده محظوراتی خواهد داشت زیرا

موارد زیادی هست که اقرار بالغ ولی غیر رشید یعنی قبل از سن ۱۸ قابل قبول است و نافذ می‌باشد. آقای دکتر پیشنهاد خود را استرداد و رأی گرفته ماده مزبور عیناً تصویب شد.

مواد ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۵ (خبر شور اول) قرائت شد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده معتقد بودند کسی که ادعای ورشکستگی می‌کند تا وقتی که ورشکستگی او ثابت نشود حکم ورشکستگی صادر نخواهد شد همین طور افلاس تا وقتی که ثابت نشود مفلس نیست و اقرار او نافذ خواهد بود.

آقای وزیر. آقای وزیر هم توضیح دادند اقرار مدعی افلاس در صورتی که افلاس او ثابت شده باشد منشأ اثر نخواهد بود.

مواد فوق عیناً تصویب و فقط در ماده ۱۲۶۷ کلمه (میت) تبدیل به (متوفی) شده و کلمه (میت) دومی تبدیل به (او) گردیده تصویب شد.

مواد ۱۲۶۸ الی ۱۲۷۴ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۶ قرائت شد.

پس از مذاکراتی عبارت آخر ماده ۱۲۷۱ (و مطابق قوانین محاکمات عمل خواهد شد) حذف شد.

ماده ۱۲۷۲ از این قرار اصلاح شد :

(در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت)

آقای دیبا. راجع به ماده ۱۲۷۳ آقای دیبا سؤال نمودند مقصود این عبارت که (بر حسب عادت و قانون ممکن باشد) چیست؟

آقای احتشام زاده جواب دادند مقصود این است که مثلاً زن ایرانی شوهر خارجی نگیرد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مقصود از این عبارت مربوط به موردی است که گفتیم اگر طفلی در ظرف شش ماه کمتر متولد شود مربوط به آن شوهر نیست و یا آنکه فرض آدم بیست و پنج ساله‌ای ادعا کند که فلان آدم بیست و هشت ساله اولاد من است. اما درباره صغیر چون خودش قابل نیست که اقرار یا تصدیق کند.

رأی گرفته مواد ۱۲۷۳، ۱۲۷۴ هم عیناً تصویب شد.

باب دوم. در آثار اقرار

مواد ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۶ قرائت شد.

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده تذکر دادند این عبارت که نزد حاکم ثابت شود توهمی دارد زیرا ممکن است بگویند شخص حاکم علمش مؤثر است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند مقصود این است که اقرار مربوط به عملی باشد که ممکن الوقوع بوده است چون گفتیم که اقرار حقی برای غیر درست میکند حالا اینجا میگوید اگر ثابت شود اقرار دروغ بوده اثری ندارد.

آقای احتشامزاده. آقای احتشامزاده پیشنهاد نمودند نوشته شود در محکمه ثابت شود.

مخالفت شده با این پیشنهاد و رأی گرفته ماده مزبور هم تصویب و ماده ۱۲۷۷ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۶ قرائت شد.

آقای دیبا معتقد بودند این ماده باعث ایجاد دعاوی خواهد شد. لابد هر کس انکار می کند عذر و بهانه ای دارد و بالاخره این ماده باعث می شود هر کس پس از اقرار اگر بخواهد بازی درآورد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند انکار دو صورت پیدا می کند یکی آنکه بگوید دروغ گفتم البته این ادعا مسموع نخواهد بود یک وقت می گوید اقرار می کنم اشتباه بوده و غلط گفتم ام و ثابت می نمایم یا آنکه می گوید اسم شخص را اشتباه گفتم ام یا آنکه بگوید که من گفتم وجهی گرفتم حرفی نیست ولی در مقابل فلان سند بوده است. حالا اینکه گفته شد اشتباه و غلط دو مفهوم دارد یا یک مفهوم، به نظر بنده دو مفهوم دارد زیرا ممکن است بعداً بگوید در ذهنم این طور آمد که فلان شخص بوده است و یا مبلغ فلان قدر بوده حالا ملتفت شده ام که او نبوده و دیگری بوده یا مبلغ فلان قدر بوده است و یا آنکه غلط بگویم چه عمداً و چه غیر عمد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان تذکر دادند

این قسمت را در خارجه اشتباه می‌گویند نه غلط. آقای احتشام‌زاده معتقد بودند اشتباه و غلط مفهومی یکی است و اگر هم فرضاً بگوئیم غلط اشتباه لفظی است باز اشتباه شامل آن هم می‌شود و بنابراین من پیشنهاد می‌کنم کلمه غلط حذف شود. رأی گرفته پیشنهاد ایشان رد و ماده ۱۲۷۷ عیناً تصویب شد.

مواد ۱۲۷۸، ۱۲۷۹ خبر شور اول به شرحی که در صفحه ۲۲۶ درج شده است قرائت شد.

آقای دکتر جوان راجع به ماده ۱۲۷۹ اظهار نمودند بعضی جهات هست که ممکن است دعوی را به طور شهادت شهود اثبات نماید البته مواردی که می‌توان اقرار خارج از محکمه را به وسیله شهادت شهود اثبات کرد مواردی است که می‌شود دعوی را به شهادت اثبات نمود.

بالاخره باید دلائلی اقامه شود بر اقرار تا شهادت هم قبول گردد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند خود اقرار همه جا مؤثر است و البته باید قرائن و دلائلی بر وجود اقرار موجود باشد تا بتوان با شهادت آن را اثبات کرد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان مخالف این ماده بوده و اظهار نمودند اماره تهیه کردن مشکل نیست و اگر کسی بخواهد کلاهبرداری کند عده‌ای را وادار می‌نماید که بیایند شهادت دهند فلان کس اقرار به دین به او نموده است.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیحاتی داده و اظهار نمودند اگر صلاح می‌دانید ممکن است قسمت آخر ماده را حذف کنیم ولی منظور ما این است همان طور که شهادت را برای تقویت قرائن می‌پذیرفتیم حالا هم برای اقرار شهادت را برای تقویت دلائل و قرائن می‌پذیریم.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان پیشنهاد نمودند لااقل نوشته شود (و یا ادله کتبی بر وقوع اقرار موجود باشد) بعلاوه ممکن است اماره منتسب به طرف نباشد.

آقای وزیر جواب دادند آن را که هیچ نمی‌پذیریم.
آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند به وسیله جمله اخیر ماده ممکن است دعاوی عمده‌ای را به استناد شهادت شهود به‌عنوان اینکه فلان شخص اقرار کرده است طرح کرد.
بالاخره قرار شد این ماده بماند و رأی آن موکول به بعد شود.
مواد ۱۲۸۰، ۱۲۸۱ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۷ قرائت و عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۸۲ قرائت شد.

آقای دیبا مخالف این ماده بوده و عملی نمی‌دانستند.
آقای وزیر توضیح دادند اتفاقاً این ماده خیلی لازم است. مثلاً مدعی‌علیه اقرار می‌کند که من دو خروار گندم سن خورده و رامن به این شخص باید بدهم آن وقت مدعی بگوید مطابق این اقرار ده خروار گندم صحیح باید بدهد. خیر محکمه وقتی می‌تواند ترتیب اثر به این اقرار بدهد که سن خورده او را هم قبول نماید و نمی‌شود گفت سن خورده آن را دروغ می‌گوید.

رأی گرفته ماده ۱۲۸۲ عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۸۳ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۷ قرائت شد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان پیشنهاد نمودند این ماده حذف شود و توضیح دادند نبودن این ماده ضرری نمی‌زند و بر فرض هم بخواهید باشد لااقل خوب است بنویسیم که شامل اقرار خواهد شد. دیگر آنکه ممکن است عبارت را طوری نوشت که شامل مثال دوم نشود سوم آنکه قسم را امروز اغلب مردم بدون ترس می‌خورند و یاد می‌نمایند - اگر اقرار مؤثر است که دیگر قسم نمی‌خواهد و اگر مؤثر نیست که قسم هم نخورند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در فرانسه معمول این است که قاضی هرکجا گیر کرد طرف را قسم می‌دهد و مورد را هم در عمل منحصر به همین قسمت کرده‌اند ولی قانون آن خیلی وسیع است. برای قسم ما خواستیم یک رویه قضایی به دست بیاوریم. ما

قسم را به اختیار مدیون نمی‌گذاریم و محدود کرده‌ایم موارد قسم را به مواردی که می‌توان آن دعوی را با شهادت شهود اثبات کرد. حالا همان طور که آقای دکتر فرمودند به عقیده من هم مثال اولی خوب است ولی مثال دوم باید حذف شود.

پس از مذاکرات دیگری قسمت آخر ماده ۱۲۸۳ که از این قرار بود حذف شد:

(یا آنکه مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق بوده که مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد)

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده اظهار نمودند مطالبه قسم خوردن از طرف خوب نیست.

آقای وزیر جواب دادند اگر مدعی‌علیه گفت قسم بخور از من بگیر می‌فرمائید قسم نخورد؟

آقای احتشام‌زاده مجدداً اظهار نمودند من مخالفم از اینکه قسم به اختیار مدعیان باشد. اساساً هر کس ادعائی می‌نماید باید دلیل داشته باشد.

آقای مؤیداحمدی. آقای مؤیداحمدی اظهار نمودند البته این قسمت در موردی است که سند عادی بوده یا دلایل دیگری ارائه شود - مدعی‌علیه در محکمه می‌گوید صحیح است من هزار تومان به مدعی مدیون بودم ولی دادم و سندی هم دارم که فعلاً مفقود شده است حالا اگر مدعی قبول نمی‌نماید بیايد قسم بخورد که من پدکارم من هزار تومان به او می‌دهم.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند این طور اقرار را در اروپا هم اقرار تمام نمی‌گیرند و می‌گویند بلاثر است البته اگر دلیل مدعی دلیل محکمی باشد که این حرفها موضوع نخواهد داشت حالا رد کردن ادعای سقوط حق است و اثبات با او است ما خواستیم اقرار مزبور را کاملاً بلاثر نکرده باشیم و از آن طرف اقرار قطعی هم نباشد بنابراین گفتیم مدعی‌علیه می‌تواند بگوید که مدعی قسم بخورد من می‌دهم دیگر بسته به نظریه آقایان است که چطور صلاح می‌دانند بنویسیم.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند مدعی‌علیه که مدعی رد می‌شود در ماده اول گفتیم که باید اثبات کند حالا اگر اینجا حق بدهیم به مدعی‌علیه که دعوی را موکول به قسم مدعی نماید از

آن اصل دعاوی خارج شده ایم و آن مقررات خارجه هم که آقای وزیر فرمودند رعایت نشده است. **آقای وزیر.** آقای وزیر مجدداً اظهار نمودند ما بین دو نظر واقع شده ایم که نمی دانیم کدام یک را قبول نمائیم البته ترتیب اثر ندادن به اقرار مزبور غیر ممکن است زیرا دین اصلی محقق شده است. **آقای نقابت.** آقای نقابت اظهار نمودند آقای وزیر اشخاصی را در نظر می آورند که حسن ظن و نیت دارند در صورتی که باید آن کلاهبردارها را هم در نظر گرفت که با یاد نمودن قسم مال مردم را می خورند.

آقای وزیر تذکر دادند این موضوع به مراحل خیلی مهم است و کثیرالابتلاء می باشد.

آقای همراز اظهار نمودند اگر اسباب سرگردانی مردم را بخواهید فراهم کنید مانعی ندارد ولی فلسفه قضاوت اساساً فصل خصومت و دعاوی است باید این طور قسمت ها را به طریق دیگری حل و فصل کرد بعلاوه اگر بنا شود این طور قسمت ها برود به محضر، اغلب دعاوی به محضر ارجاع خواهد شد.

آقای جمشیدی. آقای جمشیدی اظهار نمودند اگر شما از من صد تومان بر حسب سندی مطالبه نمائید و من در محکمه جواب دهم این سند صحیح ولی در فلان شب وجه این سند را در فلان نقطه به شما پرداخته ام و رسید نگرفته و یا رسید را گم کرده ام و شما این اظهار من را قبول ننمائید چه ضرری دارد که من بگویم حالا که قبول ندارید بروید قسم بخورید من دو مرتبه می پردازم.

آقای همراز با نظریه آقای جمشیدی مخالف بوده و بالاخره ماده ۱۲۸۳ به شرحی که فوقاً اصلاح شده تصویب شد.

در این موقع پیشنهاد شد چون وقت گذشته و از آن طرف چهاردهم مهرماه مدت قانونی کمیسیون منقضی می شود خوب است این لایحه دو قسمت شده و کتاب اول آن که تا ماده ۱۲۸۴ است راپورتش به مجلس تقدیم و بقیه آن بماند تا کمیسیون جدید انتخاب گردد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده هم با این

پیشنهاد موافق و اظهار نمودند چون طرح این لایحه برای تهیه کار جهت مجلس بوده است همین چند ماده که تصویب گردیده کافی خواهد بود.

آقای دیبا. آقای دیبا از نظر نظامنامه ای معتقد بودند اشکال خواهد داشت زیرا این لایحه تماماً از طرف دولت ضمن یک مراسله به مجلس تقدیم شده و حالا تفکیک آن مشکل است.

آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه با این پیشنهاد موافق بوده و اظهار نمودند قانون اصول محاکمات حقوقی و همچنین قانون مجازات عمومی که هر کدام یک کتابی است تهیه و قریباً به مجلس تقدیم خواهد شد. البته طرح هر کدام در کمیسیون سه چهار ماه طول خواهد کشید. اگر برای راپورت آن به مجلس این اشکالی که آقای دیبا فرمودند باشد کار مشکل می شود و ناچاریم هر چند ماده ای را که کمیسیون تصویب می نماید به مجلس راپورت دهیم و به تدریج در مجلس هم تصویب شود و به هر حال بنده هم خیال می کنم اشکالی نباشد که این لایحه تفکیک گردد.

بالاخره با تفکیک لایحه موافقت شده قرار شد راپورت موادی که امروز تصویب شده و کتاب اول از دلائل اثبات دعوی است به مجلس راپورت شود.

در این موقع راجع به ماده ۱۲۷۹ که آقای وزیر پیشنهاد نموده بودند بماند برای آخر جلسه، مذاکراتی شده چون ماده مزبور مربوط به ماده ۱۳۱۱ همین لایحه بود، ماده ۱۳۱۱ که مربوط به دعاوی بود که به شهادت شهود قابل اثبات بود قرائت شد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر معتقد بودند ماده ۱۲۷۹ باید طوری نوشته شود که هر دعوایی را بتوان با شهادت شهود اثبات کرد. هر چند چنین ماده ای در قانون فرانسه هست ولی قسمت های دیگری هم دارد. به هر حال بنده پیشنهاد کرده ام که در این ماده اضافه شود:

«در صورتی که دلیل کتبی باشد می تواند رجوع به قسم نماید».

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اماره که فی حد نفسه قابل اثبات نیست و اساساً با اماره و

شهود دعوای عمده را نمی‌شود ثابت کرد - شهادت وقتی مؤثر است در دعوی که امارات قانونی هم باشد و در حقیقت شهادت می‌تواند مکمل امارات باشد - یک اماراتی هست که دلیل محسوب می‌شود و یک اماراتی هم هست که به نظر قاضی است و حدود دارد یعنی در موردی قبول می‌شود که از حد نصاب خارج نباشد.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند فرض می‌کنیم دو نفر در خانه‌ای متصرف هستند مشترکاً اگر شهادتی در بین نبود این خانه تنصیف می‌شد ولی یکی از آنها می‌گوید من شاهد دارم و شهادت می‌دهند یک دانگ از شش دانگ این خانه مال او است و پنج دانگ متعلق به من است یا آنکه استشهاد درست کند که تصرف این شخص در خانه من به‌عنوان مهمانی است نه تصرف مالکانه آیا در این مورد شهادت چه تأثیری خواهد داشت؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند اگر شهود شهادت دهند که این شخص در خانه این آدم مهمان است قبول می‌شود.

آقای دکتر جوان مجدداً سؤال نمودند اگر هر دو پانزده سال در آن خانه سکونت داشته‌اند و شهود شهادت دادند یکی از آنها در این مدت مهمان دیگری بوده است محکمه چه تأثیری به این شهود خواهد داد؟ آقای وزیر جواب دادند این شهادت قبول نمی‌شود زیرا پانزده سال که کسی مهمان نمی‌شود و بعلاوه ما از اصل موضوع خارج شده‌ایم.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند نظر من این است که قسمت آخر ماده ۱۲۷۹ حذف شود چه آنکه حالا که موکول کرده‌ایم به ماده ۱۳۱۱ من معتقدم اقرار و سند کتبی می‌تواند در همه جا دلیل محسوب شود و حدود ندارد.

آقای وزیر. آقای وزیر معتقد بودند قرائن و دلائل در هر دعوایی یک قسم و یک حدودی دارد بنابراین نمی‌توان حدی برای قرائن معین نمود.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر اظهار نمودند در قسمت امارات که صحبت شد کلیتاً محاکم دلائل را به چیزهایی می‌گیرند که مؤثر است ولو منتسب به طرف هم نباشد. من قبالة‌ای ابراز کرده‌ام که دیگری

ملکی را به من فروخته است اگر مدعی علیه آمد و گفت من مالکم، به اظهار او نمی شود ترتیب اثر داد.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند خود تصرف اماره است و سند هم منتسب به طرف نیست تصرف او اماره می شود برای مالکیت من زیرا من از او خریده ام.

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند اقرار در موقع مذاکره صلح را نمی شود اقرار دانست و به عقیده من ماده ۱۲۷۹ یک مشکلاتی برای مردم فراهم خواهد کرد و مردم می ترسند حقایق را در خارج هم بگویند.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر قرائن و ادله و شاهد قوی باشد چرا اقرار در خارج ثابت نشود؟

بالاخره با اصلاح ماده ۱۲۷۹ موافقت نشده و ماده مزبور عیناً تصویب و قرار شد راپورت کتاب اول از این لایحه به عنوان شور دوم به مجلس داده شود و جلسه یک ساعت بعد از ظهر ختم شد. جلسه آتی به واسطه آنکه دوره کمیسیون در ۱۴ مهر خاتمه می یافت معین نگردید.

گفتار نهم. شور دوم مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۵

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس

تاریخ انتخاب ۱۷ مهر ماه ۱۳۱۴
جلسه ۲ به تاریخ یوم یکشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

شور ثانی بقیه لایحه راجع به دلائل اثبات دعوی

به تاریخ یوم یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۳۱۴ دو ساعت قبل از ظهر کمیسیون قوانین عدلیه با حضور آقای وزیر عدلیه به ریاست آقای طباطبائی دیبا تشکیل نظر به آنکه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع به دلائل اثبات دعوی در کمیسیون سابق، شور ثانی کتاب اول آن که ماده ۱۲۸۴ بوده بعمل آمده و راپورتش به مجلس تقدیم گردیده بر حسب پیشنهاد آقای وزیر بقیه لایحه مزبور برای شور ثانی مورد مطالعه واقع شد.

کتاب دوم در اسناد

خبر شور اول کمیسیون مطرح شد. ماده ۱۲۸۴ خبر شور اول به شرحی که در صفحه ۲۲۷ همین دفتر مندرج است قرائت مخالفی نبوده عیناً تصویب شد.

مواد ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۷ قرائت شد.

پیشنهاد آقای دکتر جوان که ماده ۱۲۸۵ حذف شود مورد توجه واقع نشده و دو ماده اول تصویب شد. **آقای ملک مدنی.** راجع به ماده ۱۲۸۷ آقای ملک مدنی معتقد بودند اوراقی هست که اصلاً جنبه قانونی ندارد و بی تأثیر هم هست مثل جواز مسافرت که از طرف مأمورین رسمی صادر می شود.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند جواز مسافرت یا تذکره قانونی نیست.

آقای جمشیدی. آقای جمشیدی اظهار نمودند من متوجه اشکال نشدم در این ماده چند رقم نوشته را رسمی می داند یکی آنهایی که در ادارات ثبت تنظیم و ثبت شده باشد یکی هم آنهایی که نزد سایر مأمورین صلاحیتدار و بر طبق مقررات قانونی صادر شده باشد مثل آنکه مالیه راجع به پرداخت یا عدم پرداخت و یا میزان مالیاتی تصدیق بدهد و این تصدیق در محکمه عدلیه البته مورد قبول واقع می شود یا اوراق هویت که اداره احصائیه می دهد و از وظایف او است باید رسمی محسوب گردد مگر آنکه خلافش ثابت شود.

آقای دکتر قزل‌ایاغ. آقای دکتر قزل‌ایاغ معتقد بودند این ماده کامل است و محتاج اصلاح نخواهد بود.

آقای کفائی تذکر دادند باید دید جواز تفنگ که نظمی می‌دهد و همچنین جواز مسافرت اینها رسمی است؟
آقای جمشیدی. آقای جمشیدی معتقد بودند اگر بر طبق قانونی این جوازها داده شود البته رسمی است و مشمول این ماده می‌شود و اگر قانون نداشته باشد که رسمی نیست.

آقای وزیر تذکر دادند یک نکته‌ای که آقای جمشیدی راجع به تصدیق‌ها فرمودند آن را تنظیم سند نمی‌توان گفت و آن تصدیق است.

آقای مؤیداحمدی. آقای مؤیداحمدی هم با نظریه آقای وزیر موافق بوده و اظهار نمودند تصدیق را سند نمی‌توان گفت بعلاوه مفتش مالیه که در بین راه چند سیر تریاک قاچاق کشف و صورت مجلس تهیه می‌نماید این ورقه صورت مجلس را ما نمی‌توانیم رسمی محسوب داریم زیرا در قانون قاچاق ماده‌ای ندارد که مفتش ملزم است صورت مجلس تهیه نماید ولی البته به وزارت مالیه حق داده شده که نظامنامه‌ای تهیه نماید و این عمل مأمور از روی نظامنامه است.

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند شك و تردید نسبت به ورقه رسمی جایز نیست و باید ادعای جعل کند در مجازات‌های جزائی هم تفاوت قائل شده‌اند که اگر کسی سند رسمی بسازد مجازاتش سخت‌تر است بنابراین بنده می‌خواهم پیشنهاد کنم که اسناد رسمی را ماده علیحده نموده و سایر اسناد را اسناد عادی در حکم سند رسمی قرار دهیم.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند در آثار تفاوتی بین اسناد مزبور نخواهد بود و بعلاوه اگر بخواهیم این اسناد را احصاء کنیم و روی تمام آنها عبارتی تهیه نموده در ماده بنویسیم بهتر از عبارت ماده حاضر عبارتی پیدا خواهیم کرد که تمام را شامل شود.

بالاخره رأی گرفته ماده ۱۲۸۷ عیناً تصویب و مواد ۱۲۸۸، ۱۲۸۹ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۸ قرائت و تصویب شد.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۰۱

ماده ۱۲۹۰ راجع به اسناد عادی به شرحی که در صفحه ۲۲۸ درج شده قرائت مذاکراتی شد. آقای نقابت توضیحاتی داده و پس از بیاناتی که آقای وزیر نمودند رأی گرفته تصویب شد. ماده ۱۲۹۱ راجع به انکار و تردید در مقابل اسناد رسمی قرائت و عیناً تصویب شد. ماده ۱۲۹۲ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۸ قرائت شد.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند اگر در سندی ذکر ورقه هویت نشده باشد یا جای انگشت طرف نباشد اینها چیزی نیست که سند را از اعتبار بیندازد.

آقای وزیر. آقای وزیر توضیح دادند اگر این فرمایش شما را بخواهیم قبول کنیم خیلی اهمیت پیدا میکند. بالاخره ما می‌گوئیم این طور اسناد رسمی نیست نه اینکه بکلی بی اعتبار است زیرا سند باید کاملاً مطابق مقررات تنظیم شده باشد تا آنکه این آثار را داشته باشد.

آقای رضوی. آقای رضوی هم معتقد بودند اگر بنا باشد یک قسمت کوچک باعث از بین رفتن اسناد رسمی بشود یک قدری مشکل خواهد شد. آقای جمشیدی تذکر دادند ما که قانون تنظیم اسناد نمی‌نویسیم این صحبت‌ها اساساً مربوط به این ماده نیست.

رأی گرفته ماده ۱۲۹۲ هم عیناً تصویب و ماده ۱۲۹۳ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۸ قرائت شد. آقای وزیر اظهار نمودند کسی از خارج پیشنهاد کرده بود که در مورد این ماده حق تمیز دو برابر مأخوذ شود ولی من صلاح نمی‌دانم.

رأی گرفته عیناً تصویب و مواد ۱۲۹۴، ۱۲۹۵ به شرح مذکور در صفحه ۲۲۹ قرائت و عیناً تصویب شد. مواد ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰ به شرحی که در صفحه ۲۳۰، ۲۳۱ درج شده قرائت و عیناً تصویب گردید.

ماده ۱۳۰۱ به شرحی که در صفحه ۲۳۱ نوشته شده قرائت شد. آقای لیقوانی اظهار نمودند گاهی ممکن است

نویسنده سند، اشتباهی نموده و مثلاً بیست تومان را شصت تومان بنویسد.

آقای وزیر جواب دادند اگر این طور اشتباه شود باید در همان ورقه توضیح دهند و طرف مقابل هم امضاء کند تا قبول شود والا ما چطور می‌توانیم

تشخیص دهیم که اشتباه بوده یا صحیح. رأی گرفته شد عیناً تصویب و ماده ۱۳۰۲ به شرح مندرجه در صفحه ۲۳۱ قرائت شد.

آقای وزیر توضیح دادند اگر ایراز کننده سند ثابت نماید پشت سند را بچه‌ای چیز نوشته و مندرجات آن صحت ندارد البته قبول خواهد شد.

رأی گرفته ماده مزبور تصویب و مواد ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ به شرحی که در صفحه ۲۳۲ درج شده مطرح شد. آقای وزیر توضیح دادند مقصود ما این است که قائم‌مقام مذکور در ماده ۱۳۰۴ قائم‌مقام حقیقی نوشته شود و توضیحاتی در این خصوص دادند.

آقای نقابت. آقای نقابت معتقد بودند خوب است اصلاً قائم‌مقام را از این ماده برداریم.

آقای وزیر مجدداً توضیح دادند من خط و امضای خود را تصدیق می‌کنم ولی در تاریخ سند حرف دارم و اگر سند عادی باشد می‌توان این اجازه را داد که ایراد کند.

آقای کفائی. آقای کفائی پیشنهاد نمودند نوشته شود (و قائم‌مقام آنها بر طبق قوانین).

آقای وزیر اظهار نمودند نمی‌شود قانونی نوشت. آقای همراز با نظریه آقای نقابت و حذف کلمه قائم‌مقام موافق بود.

آقای وزیر توضیح دادند اگر سند بر علیه من تنظیم شده باشد ممکن است ادعای جعل کرد ولی اگر بر علیه دو نفر باشد چطور می‌شود؟

آقای همراز اظهار نمودند بنده ثالثی که قائم‌مقام دیگری شده‌ام من که اطلاع ندارم چه معامله‌ای کرده‌اند چرا بر علیه من دلیل باشد؟

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند موضوع بحث در اطراف اشخاص زنده است که می‌توانند بعد از انتقال ملک باز همان ملک را انتقال دهند در قسمت موصیله که اصلاً به او انتقال نشده است زیرا پدر

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۰۲

در موقع حیات ملک را به دیگری انتقال داده است. گفته شد پس خوب است همان ترتیب که آقای وزیر فرمودند قائم مقام حقیقی نوشته شود. آقای وزیر پیشنهاد نمودند این ماده بماند آخر جلسه مطرح شود - از همین قرار موافقت شد.

کتاب سوم. در شهادت

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۵ راجع به عقود و ایقاعات به شرح مذکور در صفحه ۲۲۲ قرائت شد.

آقای وزیر پیشنهاد نمودند (یک هزار ریال)، (پانصد ریال) شود زیرا یک هزار ریال مبلغ زیادی است و نباید با شهادت شهود اثبات شود بعلاوه اغلب دعاوی تا همین میزان است.

موافقت شده ماده ۱۳۰۵ با تبدیل (یک هزار ریال) به (پانصد ریال) تصویب و ماده ۱۳۰۶ به شرح مذکور در صفحه ۲۳۳ قرائت و تصویب شد.

ماده ۱۳۰۷ قرائت و به این ترتیب اصلاح و تصویب شد:

(دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.)

ماده ۱۳۰۸ قرائت شد.

آقای وزیر توضیحاتی داده و در این موقع آقای وزیر اظهار نمودند در ماده ۱۲۸۷ که تصویب شد می‌خواستیم بگوئیم که از حیث تنظیم رسمی است و اینجا از حیث ثبت است.

پس از مذاکراتی قرار شد ماده ذیل بعد از ماده ۱۲۸۷ اضافه شود.

(ماده ۱۲۸۸. مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف با قوانین نباشد)

به این ماده رای گرفته تصویب و قرار شد نمرات مواد هم اصلاح شود و ماده ۱۳۰۸ هم که ۱۳۰۹ می‌شود تصویب گردید.

مواد ۱۳۰۹، ۱۳۱۰ قرائت و با تبدیل (یک هزار ریال) به (پانصد ریال) و اصلاح نمره‌بندی مواد تصویب گردید.

ماده ۱۳۱۱ خبر شور اول به شرحی که در صفحه ۲۳۴ مندرج است قرائت شد.

پیشنهاد آقای دکتر جوان راجع به تعهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهایی که به مقاطعه داده می‌شود و امثال آن قرائت شد. آقای وزیر موافقت نموده و با اصلاحی که در پیشنهاد نمودند قرار شد قسمت ذیل در آخر فقره ۳ از ماده ۱۳۱۱ اضافه شود:

(... همچنین انجام تعهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهایی که به مقاطعه و نحو آن تعهد شده اگر چه اصل تعهد به موجب سند باشد)

ماده ۱۳۱۲ به شرح مذکور در صفحه ۲۳۴ قرائت شد.

آقای دیبا. آقای دیبا اظهار نمودند همین‌طور که در این ماده شروطی برای شهود معین شده در بعضی قوانین دیگر هم به اشخاصی که سابقه محکومیت جزائی دارند اشاره شده است ولی در عمل برای محاکم اسباب اشکال خواهد شد زیرا محاکم سجل جزائی ندارند و نسبت به هر کس که مظنون شوند باید از تأمینات سؤال نمایند.

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند هر کس شاهد را می‌آورد باید بگوید که این شاهد سابقه جزائی دارد یا ندارد.

آقای دیبا. آقای دیبا مجدداً راجع به ورشکسته به تقصیر تذکر دادند چرا اینجا نوشته نشده است؟ آقای وزیر توضیحاتی داده و رأی گرفته ماده مزبور به‌عنوان ماده ۱۳۱۳ تصویب شد. ماده ۱۳۱۳ قرائت و به‌عنوان ماده ۱۳۱۴ تصویب گردید.

باب دوم. در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۴ به شرح مذکور در صفحه ۲۳۵ قرائت و همچنین ماده ۱۳۱۵ قرائت و به‌عنوان ماده ۱۳۱۶

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۰۵

تصویب شد.

ماده ۱۳۱۶ قرائت شد.

آقای وزیر توضیح دادند اگر شاهی بیش از میزان ادعا شهادت دهد یا شهود به اختلاف شهادت دهند اصلاً آن شهادت مسموع نیست. رأی گرفته ماده مزبور و همچنین مواد ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹ با تغییر و اصلاح نمره‌بندی مواد عیناً تصویب شد.

کتاب چهارم. در امارات

مواد ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳ به شرحی که در صفحه ۲۳۶ مندرج است قرائت و به‌عنوان مواد ۱۳۲۱ الی ۱۳۲۴ تصویب شد.

کتاب پنجم. در قسم

آقای مؤیداحمدی پیشنهاد نمودند کلمه قسم تبدیل به (سوگند) شود.

گفته شد ابتدای این قانون در مجلس تصویب شده و در ضمن آن مواد یکی از دلایل اثبات دعوی قسم ذکر شده است بنابراین نمی‌شود اصلاح کرد.

مواد ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰ به شرح مذکور در صفحه ۲۳۶ قرائت مخالفی نبوده فقط در ماده ۱۳۲۷ جزئی اصلاحی از این قرار بعمل آمد:

(در دعوی بر صغیر و مجنون و متوفی هرگاه طرف مدعی باشد که ولی یا وصی الی آخر) و بقیه هم عیناً با اصلاح نمرات ماده تصویب شد (توضیح آنکه بعداً ماده ۱۳۲۷ حذف شده است).

ماده ۱۳۳۱ قرائت شد.

آقای نقابت سؤال نمودند آیا قسم قاطع دعوی است و حکم مربوط به آن هم قطعی خواهد بود؟ آقای وزیر جواب دادند البته قطعی است و رأی گرفته تصویب شد.

مواد ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵ به شرح مذکور در صفحات ۲۳۶، ۲۳۷ قرائت شد.

در ماده ۱۳۳۳ کلمه (میت) تبدیل به (متوفی)

شده و در ماده ۱۳۳۴ این عبارت به آخر ماده اضافه شد:

(... مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است.) در این موقع آقای وزیر اظهار نمودند ماده ۱۳۲۷ که راجع به دعوی بر صغیر و مجنون و متوفی است خوب است حذف شود.

موافقت شده ماده مزبور حذف شد. ماده ۱۳۳۵ که ماده آخری است به موجب پیشنهاد آقای دکتر جوان و آقای وزیر از این قرار اصلاح گردید:

ماده ۱۳۳۵. در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد:

۱. دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند.
۲. دعاوی راجع به ضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از محاکمه.
۳. دعوی تصرف عدوانی.
۴. دعوی مزاحمت در صورتی که منتهی به اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد.
۵. دعوی راجعه به اصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود.

۶. دعاوی راجعه به علائم صنعتی و اسم و علائم تجارتي و حقالتصنیف و حق اختراع و امثال اینها. مواد مزبور تمام و چون ماده ۱۳۰۴ راجع به اعتبار تاریخ اسناد برحسب پیشنهاد آقای وزیر موکول به آخر جلسه شده بود ماده مزبور مجدداً مطرح و پس از مذاکراتی به شرح ذیل اصلاح و تصویب شد.

(ماده ۱۳۰۴.) در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است.)

لايحه مزبور تمام و رأي به کل لايحه که از ماده ۱۲۸۴ الي ۱۳۳۵ میباشد (کتاب دوم) گرفته تصویب و قرار شد راپورت آن به مجلس تقدیم شود. نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آتیہ موکول به روز

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۰۷

یکشنبه ۴ آبان چهار ساعت قبل از ظهر گردید.

گفتار دهم. بحث پیرامون ماده ۱۱۵۲ و اصلاح مواد ۱۳۰۵، ۱۳۰۸، ۱۳۲۶،
۱۳۳۴ و ۱۳۳۵

صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه
منتخبه از مجلس
تاریخ انتخاب ۱۷ مهرماه ۱۳۱۴
جلسه ۳ فوق العاده به تاریخ یوم سه شنبه ۲۹
مهرماه ۱۳۱۴

مجلس شورای ملی
دوره دهم تقنینیه

موضوع مذاکرات

اصلاح بعضی از مواد لایحه راجع به دلائل اثبات دعوی
به تاریخ یوم سه شنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۱۴ دو ساعت
قبل از ظهر کمیسیون قوانین عدلیه با حضور آقای
وزیر عدلیه به ریاست آقای دیبا تشکیل شد.
آقای وزیر. آقای وزیر عدلیه اظهار نمودند نظر
به آنکه یکی دو فقره اصلاح لازم می آید که در
قانون دلائل اثبات دعاوی بشود و می خواستم در مجلس
راجع به آنها مذاکره شود آقایان را به طور
فوق العاده زحمت دادم و اینک اولاً می خواستم ببینم
اگر پس از تصویب قانونی معلوم شود اشتباهی شده
ممکن است خود مجلس اصلاح نماید یا باید لایحه ای
پیشنهاد شود؟ زیرا در قانون مدنی مربوط به طلاق
که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده در ماده ۱۱۵۳
نوشته شده (عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و
انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر
است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی
نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است) در
صورتی که کلمه (طلاق) در این ماده زائد بوده و
در اداره تهیه قوانین موقع پاکنویس لایحه اشتباه
شده است.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار
نمودند حالا دیگر نه کمیسیون می تواند پیشنهاد

اصلاحی به مجلس نماید و نه خود مجلس می‌تواند بدون پیشنهاد دولت این ماده را اصلاح کند و بنابراین باید دولت لایحه‌ای برای اصلاح این ماده پیشنهاد نماید. گفته شد همین‌طور است و قرار شد آقای وزیر عدلیه لایحه‌ای در این خصوص تهیه کرده و بیاورند.

سپس اظهار نمودند راجع به لایحه دلائل اثبات دعوی که جلسه قبل مطرح و تصویب شد و ماده ۱۳۰۴ آن اصلاح و قرار شد قائم‌مقام حقیقی اضافه شود بعد از مطالعه‌ای که نموده‌ام این طور نظرم آمد که اگر بنویسیم (وراث یا کسی که به نفع او اسنادی ارائه شود) زیرا بنده هرچه فکر کردم دیدم این قسمت در دو مورد اشکال پیدا می‌کند یکی در مورد قائم‌مقام و یکی در مورد وراث و کسی که وصیت به نفع او شده است.

آقای احتشام‌زاده تذکر دادند ممکن است تبانی هم نشده باشد.

آقای وزیر اظهار نمودند ما به اشکالی که آقای احتشام‌زاده اشاره نمودند کاری نداریم غرض این است که راه تردید برای ذی نفع باز باشد یک وقت سندی را به نام دیگری می‌سازند و واقعیت ندارد یک وقت خود شخص می‌سازد و واقعیت ندارد.

آقای احتشام‌زاده معتقد بودند به جای (درباره آنها) نوشته شود (ما بین آنها).

آقای وزیر مخالف بوده و معتقد بودند بر علیه همه شان باید معتبر باشد به هر حال درباره تنظیم کنندگان معتبر خواهد بود و بس.

بالاخره ماده ۱۳۰۴ راجع به اعتبار تاریخ اسناد به طوری که آقای وزیر پیشنهاد نمودند از این قرار اصلاح و تصویب شد:

ماده ۱۳۰۴ که ۱۳۰۵ شده است:

(در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و

۱. در متن فوق عبارت «اشکالی» جایگزین عبارت «اشکال» گردید.

ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است).

آقای وزیر. سپس آقای وزیر اظهار نمودند در ماده ۱۳۰۷ همین قانون که ماده ۱۳۰۸ شده است نوشته ایم (دعوی پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء در مقابل سند ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست).

در صورتی که ممکن است غیر از این موارد، موارد دیگری هم باشد و من نظرم آمد که این موارد را به طور مثال بنویسیم که منحصر به این چند فقره نباشد و بعلاوه ما گفته ایم که با استشهاد نمی‌توان دعوی از پنجاه تومان به بالا را اثبات نمود و یا با شهادت مدعی رد شد و استثنائی هم قائل شده ایم که هرگاه دعوی از پنجاه تومان هم کمتر بود ولی مدرک ادعا سند رسمی بوده است دعوی رد و ابراء و

امثال آنها را هم نمی‌شود با شهادت شهود اثبات کرد زیرا ابراء سند دال بر این است که قرار بین آنها دادن سند بوده است حالا من فکر کردم که اگر مدعی سندی ارائه داد که آن سند معتبر نبود آیا طرف می‌تواند رد آن را با شهادت شهود اثبات کند؟

آقای احتشام‌زاده. آقای احتشام‌زاده جواب دادند کسی که می‌خواهد جواب رد را با استشهاد بدهد قطعاً اقرار به سند ابرازیه که فرمودید غیر معتبر است نموده و بنابراین سند معتبر شده است.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند البته اگر اعتبار سند را تصدیق نمایم دیگر شهادت از او پذیرفته نمی‌شود اما اگر قبل از تصدیق و اقرار به سند خواست با استشهاد موضوع سند را از بین برد.

آقای نقابت. آقای نقابت توضیح دادند هر کس در مقابل نوشته یا می‌گوید این نوشته صحیح نیست و یا می‌گوید رد کرده ام البته در مورد دوم محکمه از او سؤال خواهد کرد پس این سند چیست و آن وقت ناچار است یا به صحت سند تصدیق نماید یا معمول معرفی کند والا قبل از آنکه تکلیف صحت و سقم سند معین شود استشهاد موضوع ندارد.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار نمودند البته سند

عادی اگر معتبر شد پرداخت آن هم باید به موجب سند ثابت شود حالا اینجا که ما نوشته ایم سند آیا می‌رساند که مقصود سند معتبر است اگر این را برساند حرفی نیست و اشکالی ندارد.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده اظهار نمودند فرضی که آقای وزیر فرمودند ممکن است پیش آید مثل آنکه مدعی علیه بگوید ما حسابی داشته ایم ولی پرداخته ایم و این نوشته ای که مدعی ابراز می‌دارد موضوع ندارد اینجا محکمه مکلف است تکلیف این سند را معین نماید.

آقای وزیر. آقای وزیر اظهار داشتند اگر مدعی علیه اقرار به دین نماید دیگر دعوی قطع می‌شود و نمی‌تواند مدعی علیه بگوید با استشهاد ثابت می‌کنم که پرداخته ام - حقیقت مقصود ما این است که در بدو امر که جایز بود سند نگیرند سند گرفته و داده اند چطور می‌شود فرض کرد که رد آن بدون سند بوده است ولی در صورتی که سند واقعاً سند باشد.

آقای نقابت. آقای نقابت تذکر دادند محکمه اول باید صحت و سقم سند را معلوم نماید تا بتواند در مقابل آن دفاع استماع کند.

آقای احتشام زاده. آقای احتشام زاده پیشنهاد نمودند خوب است ماده ۱۳۰۷ مذکور فوق حذف و در ماده ۱۳۰۸ که می‌گوید «در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد و مندرجات آن سند باشد به شهادت شهود اثبات نمی‌گردد» اضافه شود «و یا دعوی اسقاط حق به شهادت اثبات نمی‌شود.»

آقای وزیر. آقای وزیر جواب دادند سندی که اعتبار آن محرز نشده البته طرف می‌تواند تردید نماید و به هر حال ماده ۱۳۰۸ لازم است و باید باشد ولی می‌توان ماده ۱۳۰۷ را اصلاح نمود.

پس از مذاکرات دیگری آقای وزیر ماده ۱۳۰۷ را اصلاح و قرائت نمود.

آقای دکتر جوان اظهار نمودند اگر کسی از بنده ادعائی نمود و سندی ارائه داد تا اعتبار آن سند

را نرساند من مکلف نیستم جواب بدهم.
بالاخره ماده ۱۳۰۷ به شرح ذیل اصلاح و رأی
گرفته تصویب شد:

ماده ۱۳۰۷ که ۱۳۰۸ می‌شود:
(دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین - اقاله -
فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا
سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه
موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت
قابل اثبات نیست)
آقای وزیر اظهار نمودند در ماده ۱۳۲۵ که ۱۳۲۶
شده آخر آن می‌نویسد (حکم به دعوی را منوط به
قسم مدعی کند) در صورتی که باید نوشته شود (حکم
دعوی را منوط به قسم مدعی کند).
به این اصلاح هم رأی گرفته تصویب شد.
مجدداً آقای وزیر اظهار داشتند ماده ۱۳۳۴ که
۱۳۳۵ شده لازم است عبارتی در آخر آن اضافه شود
از این قرار:

(اگرچه مدعی به زائد بر میزانی باشد که به
شهادت شهود قابل اثبات است) و توضیحاتی دادند.

مذاکراتی در این قسمت شد.
آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند در قسمتی
که مدعی به زائد بر پانصد ریال باشد در مواد قبل
گفته شده که می‌توان به قسم رجوع نمود ولی اینجا
به طور کلی می‌گوید در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که
اقرار کرده است می‌تواند نسبت به آنچه مورد
ادعای او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند در
صورتی که این را هم باید فرض کرد که ممکن است
مدرك دعوی مدعی سند رسمی باشد.

آقای وزیر. آقای وزیر تصدیق و قرار شد ماده
۱۳۳۴ به کلی از این قرار اصلاح شود:
(در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است
می‌تواند نسبت به آنچه مورد ادعای او است از طرف
مقابل تقاضای قسم کند مگر اینکه مدرك دعوی مدعی
سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز
شده است)

به ماده فوق رأی گرفته تصویب شد.
آقای وزیر اظهار نمودند ماده ۱۳۳۵ که آخرین

ماده لایحه می‌باشد نوشته‌ای:

در دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکت‌ها هستند قسم مورد ندارد در صورتی که دعاوی دیگری هم هست مثل دعوی تصرف عدوانی و دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم و دعاوی راجع به علائم صنعتی و غیرها که نمی‌توان نسبت به آنها قسم خورد و لذا این ماده هم باید اصلاح شود.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان معتقد بودند در ماده ۱۳۲۵ که می‌نویسد در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند منوط به قسم نماید این قسمت شامل تصرف عدوانی نخواهد شد که حالا در این ماده اصلاح و تصرف عدوانی را مستثنی کنیم.

آقای نقابت. آقای نقابت اظهار نمودند اگر بیانیم در این ماده کلیه موارد استثنائی را ذکر کنیم باز ممکن است یکی دو مورد از قلم بیفتد.

آقای وزیر توضیح دادند اینکه نسب و تولیت را فرمودید اینها از دعاوی است که ممکن است به قسم رجوع شود فقط من در قسمت ایرادات تردید پیدا کردم ولی آن را هم دیدم اشکالی ندارد و ممکن است در اصول محاکمات ذکر نمائیم.

آقای دکتر جوان. آقای دکتر جوان اظهار نمودند به عقیده من اگر در ماده ۱۳۲۴ عبارتی اضافه شود که اگر مدعی به قابل تقوی باشد نمی‌توان به قسم اثبات کرد.

آقای وزیر مخالف بوده و توضیح دادند چون ما حیضانت و نسب را در این قانون هیچ جا ذکر نکرده‌ایم اگر بخواهیم حالا در ماده ۱۳۲۴ مواردی را ذکر کنیم ممکن است کلیه موارد به نظرمان نرسد و از قلم بیفتد.

بالاخره بر حسب پیشنهاد آقای وزیر ماده ۱۳۳۵ که ماده آخری است از این قرار اصلاح و رأی گرفته تصویب شد:

(در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد:

۱. دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکت‌ها هستند.

۲. دعاوی راجع به ضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از محاکمه.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۱۲

۳. دعوي تصرف عدواني.
۴. دعوي مزاحمت در صورتي که منتهی به اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد.
۵. دعوي راجعه به اصل امتیازاتی که از طرف دولت داده می‌شود.
۶. دعاوي راجعه به علائم صنعتي و اسم و علائم تجارتي و حق التصنيف و حق اختراع و امثال اینها)
آقای دکتر جوان. آقای دکتر معتقد بودند در صورتي که ماده ۱۳۱۱ را اصلاح نموده اید دیگر ماده ۱۳۰۶ زائد خواهد بود.
گفته شد لازم است.
- آقای وزیر.** آقای وزیر اظهار نمودند در قسمت قسم ماده ای داشتیم به عنوان ماده ۱۳۲۷ که مربوط به ولي یا وصي یا وارث است. بعد از مطالعاتی که نمودیم دیدیم این ماده زائد است زیرا حقیقتاً ممکن است ولي علم به دین داشته باشد ولي علم به بقاء آن نداشته باشد مسئله قسم نفي العلم است اثبات را منوط می‌کند به علم وارث یا قیم اگر او هم قسم نخورد باید بدهد.
- آقای مؤید احمدی.** آقای مؤید احمدی تذکر دادند ممکن است موردی هم پیدا شود که طرف صغیر نباشد. آقای وزیر توضیحاتی داده و رأی به حذف ماده ۱۳۲۷ گرفته تصویب و اصلاحات خانگی یافت.
- نظر به آنکه جلسه قبل يك ماده به این لایحه اضافه شده بود و اینك هم يك ماده از آن حذف شده است آخرین ماده به طوري که در شور اول راپورت داده شده بود ماده ۱۳۳۵ خواهد شد و در این موقع که يك ربع از ظهر گذشته بود جلسه ختم و جلسه آتی به موکول به روز یکشنبه گردید.

فصل دوم
گزارشات کمیسیون قوانین عدلیه
مجلس شورای ملی

مبحث اول. گزارش شور اول کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی

گفتار اول. گزارش شور اول مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۳۵

نمره ۸

به تاریخ ۱۳۱۳/۱۰/۱

خبر از کمیسیون عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت را که
در تعقیب مواد قانون مدنی به مجلس مقدس شورای
ملی پیشنهاد گردیده با حضور آقای وزیر عدلیه
مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات
لازمه و توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند
مواد پیشنهادی به شرح ذیل تصویب و علی‌هذا
راپورت آن را به عنوان جلد دوم قانون مدنی به
مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

قانون مدنی

جلد دوم. در اشخاص

کتاب اول. در کلیات

ماده ۹۵۶. اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

ماده ۹۵۷. حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

ماده ۹۵۸. هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

ماده ۹۵۹. هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب نماید.

ماده ۹۶۰. هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر نماید.

ماده ۹۶۱. جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.

۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

ماده ۹۶۲. تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد.

حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج

ایران می‌باشد شامل خواهد بود.

ماده ۹۶۳. اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

ماده ۹۶۴. روابط بین ابیون و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط نسبت به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

ماده ۹۶۵. ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.

ماده ۹۶۶. تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند معذک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده ۹۶۷. ترکه منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلییه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت عملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

ماده ۹۶۸. تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقبین آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده ۹۶۹. اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشد.

ماده ۹۷۰. مأمورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح میبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد - در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

ماده ۹۷۱. دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین

راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

ماده ۹۷۲. احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر اجرای آنها صادر شده باشد.

ماده ۹۷۳. اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.

ماده ۹۷۴. مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

ماده ۹۷۵. محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارده اگر چه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

مخبر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی
تاریخ طبع ۴ دی ماه ۱۳۱۳
مطبعه مجلس

گفتار دوم. گزارش شور اول مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۳۸
خبر از کمیسیون عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی
کمیسیون عدلیه در جلسه اخیر خود لایحه نمره ۲۲۶۶۷ دولت را که در تعقیب مواد قانون مدنی پیشنهاد شده بود با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح و تحت شور و مذاقه قرار داده در نتیجه مواد پیشنهادی را

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۸۳

با جزئی اصلاحی موافقت و اینک با تغییر نمرات مواد آن خبر آن را به عنوان شور اول تقدیم می‌دارد.

خبر کمیسیون عدلیه. مؤید احمدی

کتاب دوم. در تابعیت

ماده ۹۷۶. اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:
۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.

۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند.

۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره. اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

ماده ۹۷۷. اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام تا یک سال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد.

ماده ۹۷۸. نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع

دولي متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند معامله متقابله خواهد شد. **ماده ۹۷۹.** اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱. به سن هیجده سال تمام رسیده باشند.
۲. پنج سال اعم از متوالي یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳. فراری از خدمت نظامی نباشند.
۴. در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزراء به تبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۹۸۱. اگر تا پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره. اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالك خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازاتهای مقرر با اجازه هیئت وزراء تابعیت

ایران از آنها سلب خواهد شد:

الف. کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

ب. کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفاء ننمایند.

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثنای حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت و یا هر گونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت مجلس مقننه.

۲. عضویت انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی.

۳. استخدام وزارت امور خارجه.

ماده ۹۸۳. درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:

۱. سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال

و اولاد او.

۲. تصدیق نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن

مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیئت وزراء

ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.

ماده ۹۸۴. زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هیجده سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده

و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۸۵ ضمیمه شود.

ماده ۹۸۵. تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هیجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمی باشد.

ماده ۹۸۶. زن غیرایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود می تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند و لی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند مادام که اولاد او به سن هیجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شود حق داشتن اموال غیرمنقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیرمنقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملك در مورد ارث مقدار مازاد را به نحوی از انحاء

به اتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و لی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج خیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده‌اند ندارند.

ماده ۹۸۸. اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

۲. هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه

دهد.

۳. قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند و لو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی

منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴. خدمت تحت السلاح خود را انجام داده باشند.

ماده ۹۸۹. هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیرمنقوله او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

ماده ۹۹۰. از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان

موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلی خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد.

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوطه به اجرای قانون تابعیت و اخذ حقوق شانسری در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند به موجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.

کتاب سوم. در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۲. سجل احوال هر کس به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود.

ماده ۹۹۳. امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریق که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود:

۱. ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.
۲. ازدواج اعم از دائم و منقطع.
۳. طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت.
۴. وفات هر شخص.

ماده ۹۹۴. تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر به موجب حکم محکمه.

ماده ۹۹۵. اگر عدم صحت مطالبی که به دائره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال به عنوان مجهول‌الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود.

ماده ۹۹۶. هر کس باید دارای نام‌خانوادگی باشد. اگر کسی نام‌خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی‌نفع می‌تواند در ظرف مدت و به طریق که در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

ماده ۹۹۷. هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری

بدون حق اتخاذ کرده باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

ماده ۹۹۸. سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

ماده ۹۹۹. سایر مطالب راجع به سجل احوال به موجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است.

ماده ۱۰۰۰. مأمورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

کتاب چهارم در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۱. اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.

ماده ۱۰۰۲. هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

ماده ۱۰۰۳. تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور نیز به همان محل انتقال یافته باشد.

ماده ۱۰۰۴. اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

ماده ۱۰۰۵. اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است.

ماده ۱۰۰۶. اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.

ماده ۱۰۰۷. اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنها است.

ماده ۱۰۰۸. اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم

خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود.

ماده ۱۰۰۹. اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه خصوصی خود معین کند.

کتاب پنجم. در غایب مفقودالاثر

ماده ۱۰۱۰. غایب مفقودالاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه^۱ مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.

ماده ۱۰۱۱. اگر غایب مفقودالاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی‌العموم و اشخاص ذینفع در این امر قبول می‌شود.

ماده ۱۰۱۲. محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

ماده ۱۰۱۳. اگر یکی از وراث غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور به این سمت معین خواهد شد.

ماده ۱۰۱۴. وظایف و مسئولیت‌های امینی که به موجب مواد قبل معین می‌گردد همان است که برای قیم مقرر است.

ماده ۱۰۱۵. هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثر مسلم شود اموال او بین وراث موجود حین‌الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد.

۱. در متن فوق عبارت «بالنسبه» جایگزین عبارت «بانسبه» گردید.

ماده ۱۰۱۶. اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غایب بین وراثتی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند تقسیم می‌شود.

ماده ۱۰۱۷. مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود.

ماده ۱۰۱۸. حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

ماده ۱۰۱۹. موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود:

۱. وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضای مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد.

۲. وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جزء

قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود.

۳. وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

ماده ۱۰۲۰. در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضای مدت‌های ذیل که مبدأ آن از روز حرکت کشتی

محسوب می‌شود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برگشته و از وجود آن به هیچ وجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب می‌شود:

الف. برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یک سال.

ب. برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه)، بحر سیاه و بحر ازوف

دو سال.

ج. برای مسافرت در سایر بحار سه سال.
ماده ۱۰۲۱. اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۱۰۱۹ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد.

ماده ۱۰۲۲. در مورد ماده ۱۰۱۸ و ۱۰۲۰ محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود.

ماده ۱۰۲۳. اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند.

مفاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد ۸۷۳

و ۸۷۴ جلد اول قانون مدنی خواهد بود.

ماده ۱۰۲۴. وراث غایب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۲ راجع به اعلان مدت یک سال حتمی است.

ماده ۱۰۲۵. در مورد ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمینات کافی دیگر بدهند تا در صورت مراجعت غایب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حق بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند. تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۹۳

ماده ۱۰۲۶. بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می باشد مسترد دارند.

ماده ۱۰۲۷. امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطعه^۱ که مدت او نگذشته و نفقه او را تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارائی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است.

ماده ۱۰۲۸. هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۲ حاکم او را طلاق می دهد.

ماده ۱۰۲۹. اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضای مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضای مدت مزبور حق رجوع ندارد.

تاریخ طبع ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳

گفتار سوم. گزارش شور اول مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۴۸

نمره ۱۵

تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۲۴

خبر از کمیسیون عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی
لاجه نمره ۲۶۰۸۸ دولت به عنوان کتاب ششم و هفتم
از جلد دوم قانون مدنی در کمیسیون قوانین عدلیه
مورد شور و مطالعه واقع با توضیحاتی که آقای

۱. در متن فوق عبارت «منقطعه» جایگزین عبارت «منقعه» گردید.

وزیر عدلیه بیان نمودند مواد پیشنهادی با جزئی اصلاحی برای شور اول تصویب و علی‌هذا راپورت آن را برای شور و مطالعه مجلس مقدس شورای ملی تقدیم می‌دارد:

کتاب ششم. در قرابت

ماده ۱۰۳۱. قرابت بر دو قسم است: قرابت نسبی و قرابت سبی.

ماده ۱۰۳۲. قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است: طبقه اول - پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد. طبقه دوم - اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.

طبقه سوم - اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسل‌ها در آن طبقه معین می‌گردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد اولاد در درجه دوم خواهد بود و هكذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جد در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود.

و در طبقه سوم قرابت عمو و دایی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است.

ماده ۱۰۳۳. هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سبی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقربای سبی درجه دوم آن زن خواهند بود.

کتاب هفتم. در نکاح و طلاق

باب اول. در نکاح

فصل اول. در خواستگاری

ماده ۱۰۳۴. هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتواند خواستگاری نمود.

ماده ۱۰۳۵. وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگر چه تمام یا قسمی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر يك از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده میتواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتي نماید.

ماده ۱۰۳۶. اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم زند در حالی که طرف مقابل یا ابوین او یا اشخاصی دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و خارجی کرده باشند طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید و لی خسارات مزبور فقط مربوط به خارج متعارفه خواهد بود.

ماده ۱۰۳۷. هر يك از نامزدها میتواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایائی را که به طرف دیگر داده است مطالبه کند.

اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاهداشته میشود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

ماده ۱۰۳۸. مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجري نخواهد بود.

ماده ۱۰۳۹. مدت مرور زمان دعاوي ناشی از به هم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ به هم خوردن آن محسوب میشود.

فصل دوم. قابلیت صحی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۰. نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذلك در مواردی که مصالح اقتضاء

کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

ماده ۱۰۴۱. بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نیز اناث نمی‌توانند مآدام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.

ماده ۱۰۴۲. نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد متوقف به اجازه پدر یا جد پدری او است هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط دفتر مزبور مراتب را به پدر یا جد پدری اطلاع می‌دهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر مزبور می‌تواند نکاح را واقع سازد.

ماده ۱۰۴۳. در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی تحت قیمومت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۴. نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:

۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود.

۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.

۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.

۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.

ماده ۱۰۴۵. قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه:

اولاً. شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
ثانیاً. شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
ثالثاً. طفل لااقل یک شبانه روز یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.
رابعاً. شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.

خامساً. مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد.

و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

ماده ۱۰۴۶. نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:

۱. بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۲. بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد.

۳. بین مرد با اناث از اولاد زن او از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشوئی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۴۷. جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.

ماده ۱۰۴۸. هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

ماده ۱۰۴۹. هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۱۰۵۰. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز

جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد.

در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل و لی حرمت ابدي حاصل نمی‌شود.

ماده ۱۰۵۱. تفریقي که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدي است.

ماده ۱۰۵۲. عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدي است.

ماده ۱۰۵۳. زناي با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدي است.

ماده ۱۰۵۴. نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست.

ماده ۱۰۵۵. اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

ماده ۱۰۵۶. زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.

ماده ۱۰۵۷. زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تایی آن عدي است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۱۰۵۸. نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

ماده ۱۰۵۹. تزویج کتابیه جایز است.

ماده ۱۰۶۰. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

ماده ۱۰۶۱. دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

محرر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی
تاریخ طبع ۲۴ بهمن ۱۳۱۳

گفتار چهارم. گزارش شور اول مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۵۱

نمره ۱۶

تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۳۰

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

لاجه نمره ۲۷۶۰۴ دولت که در تعقیب مواد قانون مدنی (به عنوان فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم از کتاب هفتم جلد دوم قانون مدنی در نکاح و طلاق) پیشنهاد شده بود در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح و با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند مواد پیشنهادی با جزئی اصلاحی موافقت و علی‌هذا راپورت آن را به عنوان شور اول تقدیم مجلس مقدس شورای ملی می‌نماید:

فصل چهارم. شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲. نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.

ماده ۱۰۶۳. ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.

ماده ۱۰۶۴. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

ماده ۱۰۶۵. توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است.

ماده ۱۰۶۶. هرگاه یکی از متعاقبین یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.

ماده ۱۰۶۷. تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.

ماده ۱۰۶۸. تعلیق در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۶۹. شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

ماده ۱۰۷۰. رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

فصل پنجم. وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱. هر یک از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.

ماده ۱۰۷۲. در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.

ماده ۱۰۷۳. اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

ماده ۱۰۷۴. حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.

ماده ۱۰۷۵. نکاح فضولی با اجازه نافذ است.

فصل ششم. در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۶. نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۷۷. مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

ماده ۱۰۷۸. در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.

فصل هفتم. در مهر

ماده ۱۰۷۹. هر چیزی را که مالیت داشته و قابل عملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد.

ماده ۱۰۸۰. مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

ماده ۱۰۸۱. تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

ماده ۱۰۸۲. اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

ماده ۱۰۸۳. به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

ماده ۱۰۸۴. برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.

ماده ۱۰۸۵. هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.

ماده ۱۰۸۶. زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۰۸۷. اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

ماده ۱۰۸۸. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۸۹. در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.

ماده ۱۰۹۰. ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

ماده ۱۰۹۱. اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

ماده ۱۰۹۲. برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از

حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

ماده ۱۰۹۳. هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمناً استرداد کند.

ماده ۱۰۹۴. هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۹۵. برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.

ماده ۱۰۹۶. در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۷. در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت

موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۸. در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۹. در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

ماده ۱۱۰۰. در صورت جهل زن به فساد نکاح و نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

ماده ۱۱۰۱. در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

ماده ۱۱۰۲. هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۳. همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

ماده ۱۱۰۴. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۱۱۰۵. زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۶. در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

ماده ۱۱۰۷. در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۸. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و خادم و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد.

ماده ۱۱۰۹. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۱۰. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

ماده ۱۱۱۱. در عده وفات زن حق نفقه ندارد.

ماده ۱۱۱۲. زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۳. اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ... رفتار خواهد شد.

ماده ۱۱۱۴. در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد بی‌نی بر آن جاری شده باشد.

ماده ۱۱۱۵. تعیین منزل با شوهر است مگر آنکه خلاف آن شرط شده باشد.

ماده ۱۱۱۶. اگر بودن زن با شوهر در یک منزل

متضمن خوف و ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۱۱۷. در مورد ماده فوق مادام که محکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکونی زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۸. شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

ماده ۱۱۱۹. زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

ماده ۱۱۲۰. طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب یا ترک اتفاق نمود یا بر علیه حیات زن سوء

قصد کرد یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

مجلس کمیسیون قوانین عدلیه . مؤید احمدی
مطبعه مجلس

گفتار پنجم: گزارش شور اول مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

گزارش مذکور در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی پیدا نشد.

گفتار ششم: گزارش شور اول مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۰۵

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۶۴

نمره ۴

تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱۸

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه پیشنهادی تحت نمره ۸۴۳ آن وزارتخانه را تحت شور و مذاقه قرار داده پس از مذاکرات لازمه بالاخره مواد پیشنهادی با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را برای تصویب قطعی مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد:

خبر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی

کتاب هشتم. در اولاد

باب اول. در نسب

ماده ۱۱۵۸. طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

ماده ۱۱۵۹. هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه نگذشته باشد.

ماده ۱۱۶۰. در صورتی که عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق می‌شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است در صورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق به شوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه بر خلاف آن دلالت کند.

ماده ۱۱۶۱. در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً

یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.

ماده ۱۱۶۲. در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می‌باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود.

ماده ۱۱۶۳. در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل به او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

ماده ۱۱۶۴. احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگر چه مادر طفل مشتبه نباشد.

ماده ۱۱۶۵. طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده‌اند ملحق به هر دو خواهد بود.

ماده ۱۱۶۶. هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسب طفل به هر یک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود.

در صورت جهل هر دو نسب طفل نسبت به هر دو مشروع است.

ماده ۱۱۶۷. طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.

باب دوم. در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸. نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.

ماده ۱۱۶۹. برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضاء این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به

اطفال اناث که تا سال هفتم آنها با مادر خواهد بود.

ماده ۱۱۷۰. اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا با دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.

ماده ۱۱۷۱. در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.

ماده ۱۱۷۲. هیچیک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگاهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگاهداری طفل به هر یک از ابوین که حضانت به عهده او است الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.

ماده ۱۱۷۳. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا اخطاات اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه میتواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

ماده ۱۱۷۴. در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوین که طفل تحت حضانت او نمیباشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است.

ماده ۱۱۷۵. طفل را نمیتوان از ابوین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با او است گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

ماده ۱۱۷۶. مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.

ماده ۱۱۷۷. طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در

هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند.
ماده ۱۱۷۸. ابویین مکلف هستند که در حدود توانائی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.
ماده ۱۱۷۹. ابویین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.

باب سوم. در ولایت قهری پدر و جد پدری

ماده ۱۱۸۰. طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.
ماده ۱۱۸۱. هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.
ماده ۱۱۸۲. هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها محجور یا به علی‌ممنوع از تصرف در اموال مولی‌علیه گردد ولایت قانونی او ساقط می‌شود.
ماده ۱۱۸۳. در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق^۱ مالی مولی‌علیه ولی نمایند قانونی او می‌باشد.
ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی‌علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال مزبور مرتکب حیف و میل گردد محکمه مکلف است به تقاضای اقربای طفلی یا به تقاضای مدعی‌العموم از ولی طفل تضمینات معتبر کافی بخواهد در صورتی که ولی مزبور نخواهد یا نتواند تضمینات مزبور را بدهد محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حفظ اموال مولی‌علیه لازم می‌داند اتخاذ کند همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولی‌علیه نباشد.
ماده ۱۱۸۵. هرگاه ولی قهری طفل محجور شود محکمه مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم قیمی

۱. در متن فوق عبارت «حقوق» جایگزین عبارت «حقوقی» گردید.

برای طفل معین کند.
ماده ۱۱۸۶. در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارائی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد محکمه در این مورد به طرز اداری رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار می‌نماید.

ماده ۱۱۸۷. هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.

ماده ۱۱۸۸. هیچ یک از پدر و جد پدری نمی‌تواند با حیات دیگری برای مولی‌علیه خود وصی معین کند.

ماده ۱۱۸۹. ممکن است پدر یا جد پدری به کسی که به سبب وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت خود برای مولی‌علیه بدهد.

ماده ۱۱۹۰. اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگهداری یا تربیت مولی‌علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل می‌شود.

ماده ۱۱۹۱. ولی مسلم نمی‌تواند برای مولی‌علیه خود وصی غیر مسلم معین کند.

ماده ۱۱۹۲. همین که طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می‌شود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می‌شود.

ماده ۱۱۹۳. پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود.

کتاب نهم. در خانواده

فصل اول. در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۴. احکام نفقه زوجه همان است که به موجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و بر طبق همین فصل مقرر می‌شود.

ماده ۱۱۹۵. در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در

خط عمودي اعم از صعودي يا نزولي ملزم به انفاق يكديگرند.

ماده ۱۱۹۶. كسي مستحق نفقه است كه ندار بوده و نتواند به وسيله اشتغال به شغلي وسائل معيشت خود را فراهم سازد.

ماده ۱۱۹۷. كسي ملزم به انفاق است كه متمكن از دادن نفقه باشد يعني بتواند نفقه بدهد بدون اينكه از اين حيث در وضع معيشت خود دچار مضيقه گردد. براي تشخيص تمکن بايد كليۀ تعهدات و وضع زندگاني شخصي او در جامعه در نظر گرفته شود.

ماده ۱۱۹۸. نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر يا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدري است با رعايت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدري و يا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است.

هرگاه مادر هم زنده و يا قادر به انفاق نباشد با رعايت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادري و جدات پدري واجبالنفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حيث درجه اقربيت مساوي باشند نفقه را بايد به حصه مساوي تاديه كنند.

ماده ۱۱۹۹. نفقه ابوين با رعايت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.

ماده ۱۲۰۰. هرگاه يك نفر هم در خط عمودي صعودي و هم در خط عمودي نزولي اقارب داشته باشد كه از حيث الزام به انفاق در درجه مساوي هستند نفقه او را بايد اقارب مزبور به حصه مساوي تاديه كنند بنا بر اين اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را بايد پدر و اولاد او متساوياً تاديه كنند بدون اينكه مادر سهمي بدهد و همچنين اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را بايد مادر و اولاد متساوياً بدهند.

ماده ۱۲۰۱. اگر اقارب واجبالنفقه متعدد باشند و منفق نتواند همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودي نزولي مقدم بر اقارب در خط عمودي صعودي خواهند بود.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۱۱

ماده ۱۲۰۲. در صورت بودن زوجه و يك يا چند نفر واجب‌النفقة ديگر زوجه مقدم بر سايرين خواهد بود.

ماده ۱۲۰۳. نفقه اقارب عبارت است از مسكن و اليسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

ماده ۱۲۰۴. واجب‌التفقه اعم از زوجه و اقارب مي‌تواند براي مطالبه نفقه خود به محكمه رجوع كند.

ماده ۱۲۰۵. زوجه در هر حال مي‌تواند براي نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوي نمايد و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس يا ورشكستگي شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولي اقارب فقط نسبت به آتیه مي‌توانند مطالبه نفقه نمايند.

گفتار هفتم: گزارش شور اول مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶

دوره دهم تقنينيه

نمره ترتيب طبع ۱۱

نمره ۲

تاريخ ۲ امرداد ۱۳۱۴

خير از کمیسیون قوانين عدليه به مجلس مقدس شوراي ملي

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۲۴۲۳ دولت راجع به حجر و قیمومت ضمیمه قانون مدنی را با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات مفصل نسبت به هر يك از مواد پیشنهادي بالاخره لایحه مزبور را با اصلاحاتي براي شور اول تصویب و علي‌هذا خبر آن را تقديم مجلس مقدس شوراي ملي مي‌نمايد:

خير کمیسیون عدليه. مؤيد احمدي

کتاب دهم: در حجر و قیمومت

فصل اول. در کلیات

ماده ۱۲۰۷. اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار.

۲. اشخاص غیر رشید.

۳. مجانین.

ماده ۱۲۰۸. غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

ماده ۱۲۰۹. هر کس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است. معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان به عنوان جنون یا عدم رشد بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

ماده ۱۲۱۱. جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است.

ماده ۱۲۱۲. اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذک صغیر ممیز می‌تواند تملك بلاعوض کند.

مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیا زت مباحات.

ماده ۱۲۱۳. مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد.

ماده ۱۲۱۴. معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل.

معذک تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.

ماده ۱۲۱۵. هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

ماده ۱۲۱۶. هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشد باعث

ضرر غیر شود ضامن است.

ماده ۱۲۱۷. اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید به عهده ولی یا قیم آنان است به طوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

فصل دوم: در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸. برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
 ۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.
 ۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.
- ماده ۱۲۱۹.** هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

ماده ۱۲۲۰. در صورت نبودن هیچ یک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌نمایند.

ماده ۱۲۲۱. اگر کسی که به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که مدعی‌العموم به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به محکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌دانند به محکمه مزبور معرفی کند.

محکمه شرع از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز محکمه مزبور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت

محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند. اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانبین مدعی‌العموم باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به محکمه ابتدائی ارسال دارد.

در صورت اثبات جنون مدعی‌العموم به محکمه شرع رجوع می‌کند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی‌العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او به دست آورده در صورتی که سفاهت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به محکمه شرع رجوع نماید.

ماده ۱۲۲۴. حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانبین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود.

ماده ۱۲۲۵. همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی‌العموم می‌تواند حجر او را اعلان نماید. انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده‌ای واقع گردد الزامی است.

ماده ۱۲۲۶. اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد به علت جنون یا سفه مجبور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است.

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب می‌شود.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران مأمورین قنصلی ایران حق دارند نسبت به ایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۰۷ تحت قیمومت درآیند و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به

وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند
نصب قیّم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که محکمه شرع
تهران تصمیم مأمور قونسولی را تنفیذ کند.

ماده ۱۲۲۹. وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین
و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در
امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است در
خارج ایران به عهده مأمورین قونسولی خواهد بود.

ماده ۱۲۳۰. اگر در عهد و قراردادهاي منعقدّه بین
دولت ایران و دولتي که مأمور قونسولي مأموریت خود
را در مملکت آن دولت اجرا می‌کند ترتیبي بر خلاف
مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین
مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات
عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند
کرد.

ماده ۱۲۳۱. اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین
شوند:

۱. کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از
جنحه‌هاي ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند:
سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس -
هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال
- ورشکستگی به تقصیر.
۳. کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل
ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
۴. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.
۵. کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوایی
بر مجبور داشته باشد.

ماده ۱۲۳۲. با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء
مجور مقدم بر سایرین خواهند بود.

ماده ۱۲۳۳. زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت
قیمومت را قبول کند.

ماده ۱۲۳۴. در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را
برای قیمومت معین کند می‌تواند وظایف آنها را
تفکیک نماید.

فصل سوم. در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیّم و حدود آن

نظارت مدعی‌العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید:

ماده ۱۲۳۵. مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او یا قیم است.

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضاء خود برای مدعی‌العموم بدایت که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی‌العموم یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازم به عمل آورد.

ماده ۱۲۳۷. مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است خارج سالیانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمی‌تواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۳۸. قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد.

ماده ۱۲۳۹. هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق به مولی‌علیه بوده جزء صورت دارائی او

قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوءنیت

بوده قیم معزول خواهد شد.

ماده ۱۲۴۰. قیم نمی‌تواند به سمت قیمومت ازطرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از اینکه مال مولی‌علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد.

ماده ۱۲۴۱. قیم نمی‌تواند اموال غیرمنقول مولی‌علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله‌ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی‌علیه شود مگر با لحاظ

غبطه مولی علیه و تصویب مدعی العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی العموم ملات قیّم می باشد و نیز نمی تواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی العموم.

ماده ۱۲۴۲. قیّم نمی تواند دعوی مربوط به مولی علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم. در صورت تخلف مسئول هر ضرری است که از مصالحه مزبور به مولی علیه متوجه بشود علاوه مدعی العموم می تواند تقاضای عزل قیّم را بنماید.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه مدعی العموم می تواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیّم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی علیه بخواهد.

تعیین نوع تضمین به نظر محکمه است هرگاه قیّم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می شود.

ماده ۱۲۴۴. قیّم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی العموم حساب ندهد معزول می شود.

ماده ۱۲۴۵. قیّم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیّم بعدی داده شود.

ماده ۱۲۴۶. قیّم می تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند. میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیّم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می شود و محلی که قیّم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین می گردد.

ماده ۱۲۴۷. مدعی العموم می تواند اعمال نظارت در امور مولی علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید. شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی علیه خواهند بود.

فصل چهارم. در موارد عزل قیّم

ماده ۱۲۴۸. در موارد ذیل قیّم معزول می شود:

۱. اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.
 ۲. اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.
 ۳. اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی‌علیه را اداره کند.
 ۴. اگر قیم ورشکسته اعلان شود.
 ۵. اگر عدم لیاقت قیم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم شود.
 ۶. در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴.
 ۷. در مورد تخلف از مقررات ماده ۱۲۴۲ با^۱ تقاضای مدعی‌العموم.
- ماده ۱۲۴۹.** اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل می‌شود.
- ماده ۱۲۵۰.** هرگاه قیم در امور مربوطه به اموال مولی‌علیه یا جنحه یا جنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد.
- ماده ۱۲۵۱.** هرگاه زن بی شوهری و لئو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به مدعی‌العموم بدایت حوز اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی‌العموم یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.
- ماده ۱۲۵۲.** در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را

۱. در متن فوق عبارت «یا» جایگزین عبارت «یا» گردید.

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۳۱۹

بکند.

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳. پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع می‌شود.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم حوزه که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به محکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.

ماده ۱۲۵۵. در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید.

در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.

ماده ۱۲۵۶. رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

تاریخ طبع ۲ مرداد ماه ۱۳۱۴

گفتار هشتم. گزارش شور اول مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵

دوره دهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۶

نمره ۵

۱۳۱۴/۶/۲۷

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه در چند جلسه با حضور آقای
وزیر عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع به دلائل
اثبات دعوی را که در تعقیب مواد قانون مدنی
پیشنهاد شده بود مورد شور و مطالعه قرار داده
پس از مذاکرات لازمه در اطراف هر یک از مواد
بالاخره لایحه پیشنهادی برای شور اول با اصلاحاتی
تصویب و علی‌هذا خبر آن را برای تصویب مجلس شورای
ملی تقدیم می‌دارد:

جلد سوم. در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷. هر کس ادعای حقی می‌کند باید آن را اثبات نماید و اثبات سقوط حق بر عهده مدعی آن است.

ماده ۱۲۵۸. دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار.
۲. اسناد کتبی.
۳. شهادت.
۴. امارات.
۵. قسم.

کتاب اول. در اقرار

باب اول. در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹. اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.

ماده ۱۲۶۰. اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید.

ماده ۱۲۶۱. اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

ماده ۱۲۶۲. اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۳. اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۴. اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست.

ماده ۱۲۶۵. اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشأ اثر نمی‌شود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد.

ماده ۱۲۶۶. در مقررله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود.

ماده ۱۲۶۷. اقرار به نفع میت درباره ورثه میت مؤثر خواهد بود.

ماده ۱۲۶۸. اقرار معلق مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۹. اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

ماده ۱۲۷۰. اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.

ماده ۱۲۷۱. مقررله اگر بکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است و مطابق قوانین محاکمات عمل خواهد شد.

ماده ۱۲۷۲. در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر اقرار را تکذیب کنند در حق او اثری نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۳. اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده به شرط آنکه منازعی در بین نباشد.

ماده ۱۲۷۴. اختلاف مقرر و مقررله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست.

باب دوم. در آثار اقرار

ماده ۱۲۷۵. هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۱۲۷۶. اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۷. انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست.

ماده ۱۲۷۸. اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

ماده ۱۲۷۹. اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می‌توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.

ماده ۱۲۸۰. اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.

ماده ۱۲۸۱. قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است.

ماده ۱۲۸۲. اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقررله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمتی از آنکه به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرفنظر کند.

ماده ۱۲۸۳. اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثار باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند مثل اینکه مدعی‌علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا آنکه مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق بوده مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

کتاب دوم، در اسناد

ماده ۱۲۸۴. سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

ماده ۱۲۸۵. شهادت نامه سند محسوب نمی‌شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.

ماده ۱۲۸۶. سند بر دو نوع است: رسمی و عادی.

ماده ۱۲۸۷. اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است.

ماده ۱۲۸۸. غیر از اسناد مذکوره در ماده فوق سایر اسناد عادی است.

ماده ۱۲۸۹. اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۲۹۰. اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته، درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است:

۱. اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید.

۲. هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء یا مهر کرده است.

ماده ۱۲۹۱. در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۱۲۹۲. هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.

ماده ۱۲۹۳. عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.

ماده ۱۲۹۴. محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارج همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

اولاً. اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً. مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً. کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعاً. نماینده سیاسی و یا قونسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا قونسولی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

ماده ۱۲۹۵. هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده

سیاسی یا قونسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

ماده ۱۲۹۶. دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجري بر تاجر دیگر در صورتی که دعوي از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب می‌شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

ماده ۱۲۹۷. دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی‌اعتباری آنچه را که بر ضرر او است ثابت کند.

ماده ۱۲۹۸. دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:

۱. در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.
 ۲. وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.
 ۳. وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.
- ماده ۱۲۹۹.** در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.
- ماده ۱۳۰۰.** امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

ماده ۱۳۰۱. هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی‌اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضا نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد.

ماده ۱۳۰۲. در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در

ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلااثر خواهد بود.

ماده ۱۳۰۳. هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضا کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است.

ماده ۱۳۰۴. در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و قائم مقام آنان معتبر است.

کتاب سوم. در شهادت

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۵. جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از یک هزار ریال باشد نمیتوان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

ماده ۱۳۰۶. در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی از انحاء قانونی بری شده است نمیتواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت ثابت کند.

ماده ۱۳۰۷. دعوی پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء در مقابل سند ولو آنکه موضوع سند کمتر از یک هزار ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.

ماده ۱۳۰۸. در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نميگردد.

ماده ۱۳۰۹. اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع و یا

تعهدی بیش از یک هزار ریال باشد نمی‌توان آن را فقط به وسیله شهود اثبات کرد اگر چه مدعی دعوی خود را به یک هزار ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرف نظر کند.

ماده ۱۳۱۰. قیمت یک هزار ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد منوط است نه موقع مطالبه و نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منوط قیمت روز مطالبه است.

ماده ۱۳۱۱. احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری خواهد بود:

۱. در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲. در مواردی که به واسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحویل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳. نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحویل سند معمول نمی‌باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و نمایشگاهها می‌سپارند و مثل حق‌الزحمه اطباء و قابله.

۴. در صورتی که سند به واسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد.

۵. در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

ماده ۱۳۱۲. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. محکومین به مجازات جنائی.

۲. محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.

۳. اشخاص ولگرد و کسانیکه تکدی را شغل خود قرار دهند.

۴. اشخاص معروف به فساد اخلاق.

۵. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.

۶. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۲۷

تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع
استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این
قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

باب دوم. در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۴. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد
نه به طور شك و تردید.

ماده ۱۳۱۵. شهادت باید مطابق با دعوی باشد و
اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا
باشد ضرری ندارد.

ماده ۱۳۱۶. شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد
بنابراین اگر شهود به خلاف شهادت دهند قابل اثر
نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها
قدر متیقنی به دست آید.

ماده ۱۳۱۷. اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب
اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد.

ماده ۱۳۱۸. در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع
کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است
به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود.

ماده ۱۳۱۹. شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است
که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری
مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

کتاب چهارم. در امارات

ماده ۱۳۲۰. اماره عبارت از اوضاع و احوالی است
که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری
شناخته می شود.

ماده ۱۳۲۱. امارات قانونی اماراتی است که قانون
آن را دلیل بر امری قرار داده مثل امارات
مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و
۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات
مصرحه در قوانین دیگر.

ماده ۱۳۲۲. امارات قانونی در کلیه دعاوی اگر چه
از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات
نیست معتبر است مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود
باشد.

ماده ۱۳۲۳. اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

کتاب پنجم. در قسم

ماده ۱۳۲۴. در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.

ماده ۱۳۲۵. در مورد ماده فوق مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.

ماده ۱۳۲۶. مدعی یا مدعی‌علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص آن طرف باشد بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها، آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب به یک طرف باشد.

ماده ۱۳۲۷. بر دعوی بر صغیر و مجنون و متوفی در صورتی که طرف مدعی باشد ولی یا وصی یا وارث علم به دین مورث و یا مولی‌علیه دارند می‌تواند تقاضا کند که طرف دیگر قسم بر عدم اطلاع خود از منشأ دعوی یاد کند.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳۲۹. قسم به کسی متوجه می‌گردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد.

ماده ۱۳۳۰. تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۳۲۹

موکل قسم یاد کند.
ماده ۱۳۳۱. قسم قاطع دعوی است و هیچگونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.
ماده ۱۳۳۲. قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده اند و قائم مقام آنها مؤثر است.
ماده ۱۳۳۳. در دعوی بر میت در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم میتواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند. در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را به مدعی علیه رد کند.
حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.
ماده ۱۳۳۴. در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است میتواند نسبت به آنچه که مورد ادعاء او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند.
ماده ۱۳۳۵. در دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند قسم مورد ندارد.

خبیر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی

مبحث دوم. گزارش شور دوم

کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی

گفتار اول. گزارش شور دوم مواد ۹۵۶ تا ۹۷۵

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۴۰

نمره ۱۰

به تاریخ ۱۳۱۳/۱۰/۲۵

خبر از کمیسیون عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه برای شور دوم لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت را که به عنوان کتاب اول از جلد دوم قانون مدنی به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده بود

مطرح و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را مورد مطالعه قرار داده بالاخره با موافقت آقای وزیر محترم عدلیه خبر شور اول خود را با اصلاحات جزئی تصویب و علی‌هذا راپورت آن را تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید:

قانون مدنی

جلد دوم. در اشخاص

کتاب اول. در کلیات

ماده ۹۵۶. اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

ماده ۹۵۷. محل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

ماده ۹۵۸. هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

ماده ۹۵۹. هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرا تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۹۶۰. هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف‌نظر نماید.

ماده ۹۶۱. جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.
۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.
۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

ماده ۹۶۲. تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر يك نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود

برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد. حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل نخواهد بود.

ماده ۹۶۳. اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

ماده ۹۶۴. روابط بین ابیون و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط نسبت به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

ماده ۹۶۵. ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.

ماده ۹۶۶. تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند. معذک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده ۹۶۷. ترکه منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلی از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

ماده ۹۶۸. تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده ۹۶۹. اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

ماده ۹۷۰. مأمورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح میادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد. در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

ماده ۹۷۱. دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

ماده ۹۷۲. احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد.

ماده ۹۷۳. اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.

ماده ۹۷۴. مقررات مواد ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء

کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

ماده ۹۷۵. محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

عبر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی

تاریخ طبع ۲۷ دی ماه ۱۳۱۳

مطبعه مجلس

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۳۳۳

گفتار دوم: گزارش شور دوم مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰

گزارش مذکور در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی پیدا نشد.

گفتار سوم: گزارش شور دوم مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۵۳

نمره ۱۷

تاریخ ۱۳۱۳/۱۲/۸

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

لاجه نمره ۲۶۰۸۸ دولت به عنوان کتاب ششم و هفتم از جلد دوم قانون مدنی برای شور دوم مورد مطالعه کمیسیون عدلیه واقع و با حضور آقای وزیر عدلیه و آقایان دکتر ادهم و دکتر طاهری پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم ضمن شور اول مطرح پس از مذاکرات مفصلی که در اطراف پیشنهاد آقای دکتر ادهم راجع به تصدیق صحی از نظر امراض زهرویی قبل از ازدواج بعمل آمد بالاخره نظر به اشکالاتی که در عمل برای اجرای این منظور پیشبینی می‌شد نظریه آقای دکتر و سایر آقایان به موجب پیشنهاد آقای وزیر عدلیه به ترتیبی که در ماده ۱۰۴۰ این راپورت ذکر گردیده تأمین و راپورت شور اول کمیسیون با اصلاحات جزئی دیگر تصویب و تأیید گردید که اینک راپورت آن به شرح ذیل از لحاظ آقایان نمایندگان محترم می‌گذرد:

کتاب ششم: در قرابت

ماده ۱۰۳۱. قرابت بر دو قسم است: قرابت نسبی و قرابت سبی.

ماده ۱۰۳۲. قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است: طبقه اول- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد. طبقه دوم- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.

طبقه سوم- اعمام و عمات و احوال و خالات و

اولاد آنها.

در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسلها در آن طبقه معین می‌گردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد اولاد در درجه دوم خواهد بود و هكذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جدّه در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود.

و در طبقه سوم قرابت عمو و دایی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است.

ماده ۱۰۳۳. هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود.

کتاب هفتم: در نکاح و طلاق

باب اول: در نکاح

فصل اول: در خواستگاری

ماده ۱۰۳۴. هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود.

ماده ۱۰۳۵. وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.

ماده ۱۰۳۶. اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم زند در حالی که طرف مقابل یا ابوی او یا اشخاصی دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند طرفی که

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۲۵

وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید ولی خسارات مزبور فقط مربوط به خارج متعارفه خواهد بود.

ماده ۱۰۳۷. هر یک از نامزدها می‌توانند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایائی را که به طرف دیگر یا ابویین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کنند.

اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاهداشته می‌شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

ماده ۱۰۳۸. مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجری نخواهد بود.

ماده ۱۰۳۹. مدت مرور زمان دعاوی ناشی از به هم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ به هم خوردن آن محسوب می‌شود.

ماده ۱۰۴۰. هر یک از طرفین می‌توانند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کنند که تصدیق طبیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سغلیس و سوزاک و سل ارائه دهد.

فصل دوم. قابلیت صحی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۱. نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضاء

کند با پیشنهاد مدعی‌العموم وتصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر

حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

ماده ۱۰۴۲. بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نیز اناث نمی‌توانند مادام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.

ماده ۱۰۴۳. نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد متوقف به

اجازه پدر یا جد پدری او است هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط دفتر مزبور مراتب را به پدر یا جد پدری اطلاع می‌دهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر مزبور می‌تواند نکاح را واقع سازد. ممکن است اطلاع مزبور به وسائل دیگری غیر از دفتر ازدواج به پدر و یا جد داده شود ولی باید اطلاع مزبور مسلم شود.

ماده ۱۰۴۴. در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی تحت قیمومت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۵. نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:

۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود.
۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.
۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.
۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.

ماده ۱۰۴۶. قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط براینکه:

- اولاً. شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
- ثانیاً. شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
- ثالثاً. طفل لااقل یک شبانه روز و یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.
- رابعاً. شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.

خامساً. مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر

بجورد موجب حرمت نمی‌شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد.

و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

ماده ۱۰۴۷. نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:

۱. بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۲. بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد.

۳. بین مرد با انثا از اولاد زن او از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۴۸. جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.

ماده ۱۰۴۹. هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

ماده ۱۰۵۰. هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۱۰۵۱. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد.

در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل و لی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

ماده ۱۰۵۲. تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است.

ماده ۱۰۵۳. عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.

ماده ۱۰۵۴. زنا با زن شوهر دار یا زنی که در

عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است.
ماده ۱۰۵۵. نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست.
ماده ۱۰۵۶. اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.
ماده ۱۰۵۷. زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.
ماده ۱۰۵۸. زن هر شخصی که به نه طلاق که شش‌تایی آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤید می‌شود.

ماده ۱۰۵۹. نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.
ماده ۱۰۶۰. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.
ماده ۱۰۶۱. دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

مخبر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی

گفتار چهارم. گزارش شور دوم مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

دوره نهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۳۶۲

نمره ۲۲

تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱۲

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

لایحه نمره ۲۷۶۰۴ دولت که در تعقیب مواد قانون مدنی (به عنوان فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم از کتاب هفتم جلد دوم قانون مدنی در نکاح و طلاق) پیشنهاد شده بود برای شور دوم در

کمیسیون قوانین عدلیه مطرح پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند راپورت شور اول با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم می‌دارد:

فصل چهارم. شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲. نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.

ماده ۱۰۶۳. ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.

ماده ۱۰۶۴. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

ماده ۱۰۶۵. توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است.

ماده ۱۰۶۶. هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.

ماده ۱۰۶۷. تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.

ماده ۱۰۶۸. تعلیق در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۶۹. شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صدق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

ماده ۱۰۷۰. رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

فصل پنجم. وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱. هر یک از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.

ماده ۱۰۷۲. در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند

مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.
ماده ۱۰۷۳. اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.
ماده ۱۰۷۴. حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.

فصل ششم. در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۵. نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.
ماده ۱۰۷۶. مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.
ماده ۱۰۷۷. در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.

فصل هفتم. در مهر

ماده ۱۰۷۸. هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملك نیز باشد می‌توان مهر قرار داد.
ماده ۱۰۷۹. مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.
ماده ۱۰۸۰. تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.
ماده ۱۰۸۱. اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.
ماده ۱۰۸۲. به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.
ماده ۱۰۸۳. برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.
ماده ۱۰۸۴. هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.
ماده ۱۰۸۵. زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع

کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۰۸۶. اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

ماده ۱۰۸۷. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین میتوانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۸۸. در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست.

ماده ۱۰۸۹. ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

ماده ۱۰۹۰. اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمیتواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

ماده ۱۰۹۱. برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

ماده ۱۰۹۲. هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

ماده ۱۰۹۳. هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۹۴. برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه میشود.

ماده ۱۰۹۵. در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۶. در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۷. در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۸. در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

ماده ۱۰۹۹. در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

ماده ۱۱۰۰. در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

ماده ۱۱۰۱. هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۲. همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

ماده ۱۱۰۳. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۱۱۰۴. زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۵. در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

ماده ۱۱۰۶. در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن

خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.

ماده ۱۱۰۸. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۰۹. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق باین باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

ماده ۱۱۱۰. در عده وفات زن حق نفقه ندارد.

ماده ۱۱۱۱. زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۲. اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن

نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۱۱۳. در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبني بر آن جاری شده باشد.

ماده ۱۱۱۴. زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

ماده ۱۱۱۵. اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۱۱۶. در مورد ماده فوق مادام که محکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناي زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۷. شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا

صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

ماده ۱۱۱۸. زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

ماده ۱۱۱۹. طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

خبر کمیسیون قوانین عدلیه . مؤید احمدی
مطبعه مجلس

گفتار پنجم. گزارش شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۲۰۶

گزارش مذکور در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی پیدا نشد.

گفتار ششم. گزارش شور دوم مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶

دوره دهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۲۹

نمره ۴

تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۱۴

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه برای شور ثانی لایحه نمره ۱۲۴۲۳ دولت در حجر و قیومیت را که در تعقیب قانون مدنی پیشنهاد شده مطرح و با حضور آقای وزیر عدلیه پیشنهادات آقایان نمایندگان را هم مورد شور و مذاکره قرار داده بالاخره پس از مذاکرات لازمه کمیسیون راپورت شور اول خود را به شرح آتی اصلاح و اینک خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید:

کتاب دهم. در حجر و قیمومت

فصل اول. در کلیات

ماده ۱۲۰۷. اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار.

۲. اشخاص غیر رشید.

۳. مجانین.

ماده ۱۲۰۸. غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

ماده ۱۲۰۹. هر کس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است. معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هیجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

ماده ۱۲۱۱. جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است.

ماده ۱۲۱۲. اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذک صغیر می‌تواند عملک بلاعوض کند.

مثلاً قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات.

ماده ۱۲۱۳. جنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد.

ماده ۱۲۱۴. معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل.

معذک تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.

ماده ۱۲۱۵. هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا جنون بدهد صغیر یا جنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

ماده ۱۲۱۶. هرگاه صغیر یا جنون یا غیر رشید^۱ باعث ضرر غیر شود ضامن است.

ماده ۱۲۱۷. اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید به عهده ولی یا قیم آنان است به طوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

فصل دوم. در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸. برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.

ماده ۱۲۱۹. هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از اوتقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

ماده ۱۲۲۰. در صورت نبودن هیچ یک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌نمایند.

ماده ۱۲۲۱. اگر کسی که به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

۱. در متن فوق عبارت «رشید» جایگزین عبارت «رشد» گردید. در لایحه تقدیمی دولت نیز بجای عبارت «رشید» عبارت «رشد» آمده بود.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که مدعی‌العموم به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به محکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب میدانند به محکمه مزبور معرفی کند. محکمه شرع از میان اشخاص مزبوری که یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر میکنند و نیز محکمه مزبور میتواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند. اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانبین مدعی‌العموم باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به محکمه ابتدائی ارسال دارد.

در صورت اثبات جنون مدعی‌العموم به محکمه شرع رجوع میکنند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی‌العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاهت او به دست آورده در صورتی که سفاهت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به محکمه شرع رجوع نماید.

ماده ۱۲۲۴. حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانبین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود.

طرز حفظ و نظارت مدعی‌العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۱۲۲۵. همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی‌العموم میتواند حجر او را اعلان نماید. انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده‌ای واقع گردد الزامی است.

ماده ۱۲۲۶. اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد به علت جنون یا سفیه مجبور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم

آزاد است.

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب می‌شود.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران مأمورین قنصلی ایران حق دارند نسبت به ایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که محکمه شرع تهران تصمیم مأمور قنصلی را تنفیذ کند.

ماده ۱۲۲۹. وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین قنصلی خواهد بود.

ماده ۱۲۳۰. اگر در عهد و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مأمور قنصلی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

ماده ۱۲۳۱. اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱. کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر.
۳. کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
۴. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.
۵. کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوایی

بر مجبور داشته باشند.

ماده ۱۲۳۲. با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء

مجبور مقدم بر سایرین خواهند بود.

ماده ۱۲۳۳. زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند.

ماده ۱۲۳۴. در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.

فصل سوم. در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی‌العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید:

ماده ۱۲۳۵. مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قیم است.

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضاء خود برای

مدعی‌العموم بدایت که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی‌العموم یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازمه بعمل آورد.

ماده ۱۲۳۷. مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است خارج سالیانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمی‌تواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۳۸. قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد.

ماده ۱۲۳۹. هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق به مولی‌علیه بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت

مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتي خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد.

ماده ۱۲۴۰. قیم نمی‌تواند به سمت قیمومت از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از اینکه مال مولی‌علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد.

ماده ۱۲۴۱. قیم نمی‌تواند اموال غیرمنقول مولی‌علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله‌ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی‌علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی‌علیه و تصویب مدعی‌العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی‌العموم ملالت قیم می‌باشد و نیز نمی‌تواند برای مولی‌علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۴۲. قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه مدعی‌العموم می‌تواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهد.

تعیین نوع تضمین به نظر محکمه است هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

ماده ۱۲۴۴. قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی‌العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد به تقاضای مدعی‌العموم معزول می‌شود.

ماده ۱۲۴۵. قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی‌علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبیل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیم بعدی داده شود.

ماده ۱۲۴۶. قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند. میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی‌علیه تعیین می‌گردد.

ماده ۱۲۴۷. مدعی‌العموم می‌تواند اعمال نظارت در

امور مولی‌علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید. شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی‌علیه خواهند بود.

فصل چهارم. در موارد عزل قیم

- ماده ۱۲۴۸.** در موارد ذیل قیم معزول می‌شود:
۱. اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.
 ۲. اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.
 ۳. اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی‌علیه را اداره کند.
 ۴. اگر قیم ورشکسته اعلان شود.
 ۵. اگر عدم لیاقت قیم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم شود.
 ۶. در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ بنا تقاضای مدعی‌العموم.
- ماده ۱۲۴۹.** اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل می‌شود.
- ماده ۱۲۵۰.** هرگاه قیم در امور مربوطه به اموال مولی‌علیه یا جنحه یا جنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد.
- ماده ۱۲۵۱.** هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به مدعی‌العموم بدایت حوز اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی‌العموم یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.

ماده ۱۲۵۲. در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را بکند.

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳. پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع می‌شود.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی‌نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم حوزه که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به محکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.

ماده ۱۲۵۵. در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید.

در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.

ماده ۱۲۵۶. رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

نخبر کمیسیون عدلیه. مؤید احمدی

گفتار هفتم. گزارش شور دوم مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳

دوره دهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۴۲

نمره ۶

۱۳۱۴/۷/۱۰

نخبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع به دلائل اثبات دعوی را برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را هم مورد شور و مطالعه قرار داده

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۲۵۲

و نظر به اینکه لایحه مزبور ضمن پنج کتاب در تعقیب مواد قانون مدنی تنظیم شده بود برحسب پیشنهاد آقای وزیر عدلیه کمیسیون کتاب اول آن را از سایر مواد تفکیک و رسیدگی نموده با اصلاحاتی که بعمل آمده است اینک راپورت آن را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد و البته سایر مواد آن هم متدرجاً رسیدگی و راپورت آن تقدیم خواهد شد:

جلد سوم. در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷. هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.

ماده ۱۲۵۸. دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار.
۲. اسناد کتبی.
۳. شهادت.
۴. امارات.
۵. قسم.

کتاب اول. در اقرار

باب اول. در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹. اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.

ماده ۱۲۶۰. اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید.

ماده ۱۲۶۱. اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

ماده ۱۲۶۲. اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۳. اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۴. اقرار مغلس و ورشکسته نسبت به اموال

خود بر ضرر دیان نافذ نیست.

ماده ۱۲۶۵. اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشأ اثر نمی‌شود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد.

ماده ۱۲۶۶. در مقررله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود.

ماده ۱۲۶۷. اقرار به نفع متوفی درباره ورثه او مؤثر خواهد بود.

ماده ۱۲۶۸. اقرار معلق مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۹. اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

ماده ۱۲۷۰. اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.

ماده ۱۲۷۱. مقررله اگر بکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی‌الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است.

ماده ۱۲۷۲. در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۳. اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده به شرط آنکه منازعی در بین نباشد.

ماده ۱۲۷۴. اختلاف مقرر و مقررله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست.

باب دوم. در آثار اقرار

ماده ۱۲۷۵. هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۱۲۷۶. اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۷. انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر

بخش دوم: صورت مشروح مذاکرات و گزارشات کمیسیون ... ۳۵۵

اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست.

ماده ۱۲۷۸. اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

ماده ۱۲۷۹. اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می‌توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.

ماده ۱۲۸۰. اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.

ماده ۱۲۸۱. قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است.

ماده ۱۲۸۲. اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقررله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمتی از آنکه به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف‌نظر کند.

ماده ۱۲۸۳. اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثار باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند مثل اینکه مدعی‌علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

محرر کمیسیون قوانین عدلیه. مؤید احمدی

گفتار هشتم. گزارش شور دوم مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۵

دوره دهم تقنینیه

نمره ترتیب طبع ۴۹

نمره ۱

تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۱۴

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه جلسه خود را با حضور آقای
وزیر عدلیه تشکیل داده و نظر به اینکه لایحه نمره
۱۶۸۷۶ وزارت عدلیه راجع به دلایل اثبات دعوی در
تعقیب مواد قانون مدنی در کمیسیون قوانین عدلیه
سابق رسیدگی و بر حسب تقاضای آقای وزیر عدلیه
کتاب اول آن تا ماده ۱۲۸۴ تفکیک و راپورت آن به
مجلس شورای ملی تقدیم و به تصویب رسیده بود لذا
کمیسیون فعلی در تعقیب جریانات فوق الذکر به
شور ثانی بقیه مواد لایحه که کتاب دوم و سوم و
چهارم و پنجم از جلد سوم قانون مدنی می باشد
مبادرت و با ملاحظه و مطالعه پیشنهادات آقایان
نمایندگان محترم که ضمن شور اول نموده بودند و
مذاکرات لازمه نسبت به هر یک از مواد بالاخره خبر
شور اول کمیسیون با جزئی اصلاحاتی تصویب و اینک
خبر آن را به عنوان خبر شور ثانی تقدیم می دارد که
در تکمیل مواد مصوبه سابق مورد تصویب واقع
گردد.

کتاب دوم از جلد سوم

در اسناد

ماده ۱۲۸۴. سند عبارت است از هر نوشته که در
مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.
ماده ۱۲۸۵. شهادت نامه سند محسوب نمی شود و فقط
اعتبار شهادت را خواهد داشت.
ماده ۱۲۸۶. سند بر دو نوع است: رسمی و عادی.
ماده ۱۲۸۷. اسنادی که در اداره ثبت اسناد و
املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر
مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات
قانونی تنظیم شده باشند رسمی است.
ماده ۱۲۸۸. مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف
قوانین نباشد.

ماده ۱۲۸۹. غیر از اسناد مذکوره در ماده فوق سایر اسناد عادی است.

ماده ۱۲۹۰. اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۲۹۱. اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است:

۱. اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید.

۲. هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء یا مهر کرده است.

ماده ۱۲۹۲. در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهت از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۱۲۹۳. هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.

ماده ۱۲۹۴. عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.

ماده ۱۲۹۵. محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

اولاً. اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً. مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً. کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعاً. نماینده سیاسی و یا قونسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا قونسولی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

ماده ۱۲۹۶. هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قونسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

ماده ۱۲۹۷. دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجري بر تاجر دیگر در صورتی که دعوي از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب می‌شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

ماده ۱۲۹۸. دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود

لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی‌اعتباری آنچه را که بر ضرر او است ثابت کند.

ماده ۱۲۹۹. دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:

۱. در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲. وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳. وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

ماده ۱۳۰۰. در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

ماده ۱۳۰۱. امضائی که در روی نوشته یا سندی

باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

ماده ۱۳۰۲. هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضا نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد.

ماده ۱۳۰۳. در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود.

ماده ۱۳۰۴. هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضا کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است.

ماده ۱۳۰۵. در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است.

کتاب سوم. در شهادت

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۶. جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمی توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

ماده ۱۳۰۷. در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی از انحاء قانونی بری شده است نمی تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت

ثابت کند.

ماده ۱۳۰۸. دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سند

رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت قایل اثبات نیست.

ماده ۱۳۰۹. در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد.

ماده ۱۳۱۰. اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع و یا تعهدی بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان آن را فقط به وسیله شهود اثبات کرد اگر چه مدعی دعوی خود را به پانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرفنظر کند.

ماده ۱۳۱۱. قیمت پانصد ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد منوط است نه موقع مطالبه. ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منوط قیمت روز مطالبه است.

ماده ۱۳۱۲. احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری نخواهد بود:

۱. در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲. در مواردی که به واسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳. نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمی‌باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و نمایشگاه‌ها می‌سپارند و مثل حق الزحمه اطباء و قابله. همچنین انجام تعهداتی

که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهایی که به مقاطعه و نحو آن تعهد شده اگر چه اصل تعهد به موجب سند باشد.

۴. در صورتی که سند به واسطه حوادث غیر

منتظره مفقود یا تلف شده باشد.

۵. در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. محکومین به مجازات جنائی.

۲. محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.

۳. اشخاص ولگرد و کسانیکه تکدی را شغل خود قرار دهند.

۴. اشخاص معروف به فساد اخلاق.

۵. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.

۶. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

ماده ۱۳۱۴. شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده‌اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

باب دوم. در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۵. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شك و تردید.

ماده ۱۳۱۶. شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد.

ماده ۱۳۱۷. شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید.

ماده ۱۳۱۸. اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد.

ماده ۱۳۱۹. در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.

ماده ۱۳۲۰. شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

کتاب چهارم: در امارات

ماده ۱۳۲۱. اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود.

ماده ۱۳۲۲. امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر.

ماده ۱۳۲۳. امارات قانونی در کلیه دعاوی اگر چه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد.

ماده ۱۳۲۴. اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

کتاب پنجم: در قسم

ماده ۱۳۲۵. در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.

ماده ۱۳۲۶. در موارد ماده فوق مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.

ماده ۱۳۲۷. مدعی یا مدعی‌علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص آن طرف باشد بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر وی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها، آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب به یک طرف باشد.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا

باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳۲۹. قسم به کسی متوجه می‌گردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد.

ماده ۱۳۳۰. تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل قسم یاد کند.

ماده ۱۳۳۱. قسم قاطع دعوی است و هیچ‌گونه اظهاریه که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۱۳۳۲. قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده‌اند و قائم مقام آنها مؤثر است.

ماده ۱۳۳۳. در دعوی بر متوفی در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم می‌تواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند. در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی‌تواند قسم را به مدعی علیه رد کند.

حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.

ماده ۱۳۳۴. در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می‌تواند نسبت به آنچه که مورد ادعای او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است.

ماده ۱۳۳۵. در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد:

۱. دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکت‌ها هستند.

۲. دعاوی راجع به ضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از محاکمه.

۳. دعوی تصرف عدوانی.

۴. دعوی مزاحمت در صورتی که منتهی به اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد.

۵. دعوی راجعه به اصل امتیازاتی که از طرف دولت داده می‌شود.

۶. دعاوی راجعه به علائم صنعتی و اسم و علائم تجارتي و حق التصفيف و حق اختراع و امثال اينها.
خير کميسيون قوانين عدليه . نقابت

بخش سوم

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

فصل اول

مشروح مذاکرات قانون اجازه اجرای

لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی

قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه

صورت مشروح مذاکرات مجلس
دوره ششم تقنینیه

جلسه ۲۴۰

سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۷ ذیقعدة
الحرام ۱۳۴۶

مذاکره نسبت به لایحه دولت راجع به اجرای قانون
مدنی تا زمان اتخاذ تصمیم قطعی کمیسیون پارلمانی
عدلیه و تصویب آن

وزیر عدلیه. آقایان تصدیق دارند که یکی از
کارهایی که وزارت عدلیه بایستی بکند و منتهای
سعی را هم برای آن نموده است تهیه لایحه قانون مدنی
است که لایحه اش تقدیم می شود البته باید برود به
کمیسیون عدلیه ولی از نقطه نظر اینکه يك احتیاج
فوق العاده به این قانون داریم این است که يك
ماده پیشنهاد شده است و تقاضا شده است تا موقعی

که تکلیف این قانون در کمیسیون عدلیه معلوم شود آقایان موافقت بفرمایند که این لایحه را به موقع اجرا بگذاریم.

(ماده واحده به شرح ذیل قرائت شد)

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند برای روشن کردن تکلیف افراد و ترتیب معاملات و برای انتظام امور و تأمین قضائی تدوین قانون مدنی یکی از ضروریات اجتماعی است نظر به احساس این ضرورت وزارت عدلیه برای تهیه قانون مزبور کمیسیونی از اشخاص مجرب و عالم به علوم فقهیه تشکیل داده و آن کمیسیون با مطالعه تمام اطراف و جهاتی که لازم بود در نظر گرفته شود تا کنون ۹۵۵ ماده تنظیم کرده است که منضم به این لایحه تقدیم می‌شود. نظر به اینکه به آخر دوره ششم مدت کمی مانده، نظر به اینکه مصالح قضائی مملکت سرعت گذراندن قانون مزبور را امر می‌دهد ماده واحده ذیل با قید دو فوریت تقدیم و تقاضای تصویب آن را می‌نماید.

ماده واحده. دولت مجاز است از روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ که کاپیتولاسیون ملغی است لایحه قانونی مدنی را که به مجلس شورای ملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی اتخاذ و اعلام شود به موقع اجرا گذارد.

رئیس. فوریت قسم اول مطرح است. آقای رفیع.

رفیع. بنده موافقم.

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. موافقم.

رئیس. آقای دادگر.

دادگر. موافقم.

رئیس. آقای یاسائی.

یاسائی. موافقم.

رئیس. آقای کازرونی.

کازرونی. موافقم.

رئیس. آقای بامداد.

بامداد. موافقم.

رئیس. آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی. بنده با اصل این لایحه مخالفی ندارم و در قسمت فوریتش مخالفم چون الان این لایحه رسیده و ما هیچ اطلاعی نداریم. خوب است اجازه بدهند که ما یک مطالعه بکنیم آن وقت ممکن است برای فردا که روز چهارشنبه است مجلس تشکیل شود و مطرح شود.

رئیس. آقای رفیع.

رفیع. اگر چنانچه این لایحه دارای یک ماده بود، بنده هم با آقا موافقت می‌کردم که بگذاریم برای فردا، ولیکن تصدیق بفرمائید که ۹۵۵ ماده را آقا امشب نمی‌توانید مطالعه و تعمق بفرمائید بلکه نه ماده آن را هم نمی‌توانند. اشخاص متخصص و علمای فن نشسته‌اند و این قانون را نوشته‌اند و البته این قانون هم می‌رود در کمیسیون عدلیه و در آنجا هم مطالعه می‌شود و تکمیل می‌شود از طرف دیگر ما نباید کارهایمان را معطل کنیم زیرا وقتی نداریم شما وقتی که به آن فراز می‌رسید که در بیستم اردیبهشت کاپیتولاسیون الغاء شده بایستی تشکر کنید از مؤسس

این کار و بالاخره از هر کس که موجد این کار و سبب آوردن این لایحه به مجلس شده و آن شخص تنها اعلیحضرت همایونی بود و بالاخره حضرت آقا هم بایستی با کمال رشادت موافقت بفرمایند.

جمعی از نمایندگان. مذاکرات کافی است.

رئیس. رأی گرفته می‌شود به فوریت قسم اول، آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد فوریت قسم دوم مطرح است، کسی مخالف است؟

(گفتند خیر).

رئیس. رأی می‌گیریم به فوریت قسم دوم آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد.

(ماده واحده به شرح سابق قرائت شد).

رئیس. آقای دشتی.

دشتی. موافقم.

رئیس. آقای دادگر.

دادگر. موافقم.

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. موافقم.

رئیس. آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب. بنده توجه آقای وزیر عدلیه را به يك عبارتتي جلب مي كنم، مسلم است كه اين چيزي نيست كه بنده مخالف باشم و امروز حقيقتاً يك روز شادي و انبساط است كه الحمدلله ملت ما به يك مقامي رسيده است كه بنده در اينجا پشت تربيون عرض كردم كه ديگران كاپيتولاسيون را با شمشير الغاء

كردند و ما با قوه و نيروي بيداري. در هر حال در لايحه عبارت «كه به كميسيون عدليه فرستاده مي شود»

و چون اين كلمه در آن نيست محتاج است به اينكه شما دو مرتبه يك لايحه ديگري بياوريد و اين اجازه را براي او بگيريد بنده عقیده ام اين است كه اين عبارت لازم است و خواستم تذكر داده باشم.

وزير عدليه. بنده تصور مي كنم مقصود آقا تامين است اين لايحه را بنده تقديم كردم، مي رود به كميسيون عدليه و در لايحه نوشته شده است تا تكليفش در كميسيون عدليه معين نشده، يعني فرستاده مي شود به كميسيون عدليه.

رئیس. پیشنهاد آقای دولتشاهی.

(به شرح ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد مي كنم لايحه قانون مدني را كه ۹۵۵ ماده است.

دولتشاهی. چون در ماده قيد نشده است كه قانون

چند ماده است اگر صلاح مي دانيد اضافه شود.

وزير عدليه. بنده استدعا مي كنم آقا پيشنهادهان را پس بگيريد، زيرا اين قيد را لازم ندارد.

دولتشاهی. مسترد كردم.

رئیس. رأي گرفته مي شود به ماده واحده آقاياني كه موافقند قيام فرمايند.

(اغلب قيام نمودند).

رئیس. تصويب شد.

تذکر:

ذیل مصوبه مجلس شوراي ملي مستنداً مي آيد:

**قانون اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام
رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه
مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ شمسی**

ماده واحده. دولت مجاز است از روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ که کاپیتولاسیون ملغی است لایحه قانون مدنی را که به مجلس شورای ملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی اتخاذ و اعلام شود به موقع اجرا گذارد. این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هفت شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^۱

رئیس مجلس شورای ملی. حسین پرنیا

۱. مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره ششم تقنینیه، اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی، چاپ سوم، تیرماه ۱۳۳۴، صفحه ۱۱۷.

فصل دوم

مشروح مذاکرات قانون مدنی

(مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵)

مبحث اول. شور اول

جدول شور اول

در این مبحث، ابتدا جدول صورت مشروح مذاکرات مجلس شور اول شورای ملی، ارائه می‌شود و سپس شور اول صورت مشروح مذاکرات مذکور در مورد مواد ۹۵۶ تا ۱۳۳۵ قانون مدنی خواهد آمد.

ردیف	مواد لایحه	دوره تقنینی	شور	شماره جلسه	تاریخ جلسه
۱	۹۵۶ تا ۹۶۲	نهم	اول	۱۱۷	۱۳۱۳/۱۰/۱۲
۲	۹۶۳ تا ۹۷۵	نهم	اول	۱۱۸	۱۳۱۳/۱۰/۲۰
۳	۹۷۶ تا ۱۰۰۱	نهم	اول	۱۱۹	۱۳۱۳/۱۰/۲۲
۴	۱۰۰۲ تا ۱۰۳۰	نهم	اول	۱۲۰	۱۳۱۳/۱۰/۲۹
۵	۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱	نهم	اول	۱۲۵	۱۳۱۳/۱۲/۴
۶	۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹	نهم	اول	۱۳۱	۱۳۱۳/۱۲/۲۸
۷	۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	نهم	اول	۱۳۳	۱۳۱۴/۱/۱۶
۸	۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	نهم	فوری	۱۳۵	۱۳۱۴/۱/۱۹
۹	۱۲۰۷ تا ۱۲۲۵	دهم	اول	۱۳	۱۳۱۴/۵/۵
۱۰	۱۲۲۶ تا ۱۲۵۶	دهم	اول	۱۴	۱۳۱۴/۵/۱۲
۱۱	۱۲۵۷ تا ۱۳۰۵	دهم	اول	۲۱	۱۳۱۴/۷/۱

۱۲	تا ۱۳۰۶ ۱۳۳۵	دهم	اول	۲۲	۱۳۱۴/۷/۸
----	-----------------	-----	-----	----	----------

گفتار اول. شور اول مواد ۹۵۶ تا ۹۶۲

صورت مشروح مجلس چهارشنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۱۳ (۲۵)
رمضان (۱۳۵۳)
جلسه ۱۱۷

۵. شور قسمت دوم قانونی مدنی راجع به شخصیات
رئیس. خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به قسمت دوم
قانون مدنی مطرح است.

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت که در
تعقیب مواد قانون مدنی به مجلس مقدس شورای ملی
پیشنهاد گردیده با حضور آقای وزیر عدلیه مورد
شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه و
توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند مواد
پیشنهادی به شرح ذیل تصویب و علی‌هذا راپورت آن
را به عنوان جلد دوم قانون مدنی به مجلس شورای
ملی تقدیم می‌دارد:

قانون مدنی

جلد دوم. در اشخاص

کتاب اول. در کلیات

ماده ۹۵۶. اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده
متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.
رئیس. یکی از آقایان مرا متذکر می‌کنند که چون
خبر طبع و توزیع شده است محتاج به قرائت نیست.
(صحیح است).

محتاج به قرائت نیست؟

(خیر) مذاکره در کلیات است اشکالی نیست؟
آقایانی که با ورود در مواد موافقت دارند قیام
فرمایند.
(اغلب برخاستند) تصویب شد.

ماده اول.

ماده ۹۵۶. اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده

متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. عرض کنم اهلیت در قوانین مملکتی ما تا کنون تعریف نشده است آنچه را که در ضمن قوانین موضوعه مملکتی اسم برده شده بیان حکم است نه تعریف اهلیت مثلاً در همین ماده که الان قرائت شد اینجا بیان حکم کرده است نه تعریف اهلیت. از طرفی در ماده ۹۶۲ آنجا تعبیر به اهلیت ناقص می‌کند ما نمی‌دانیم اهلیت کامل چیست در مسائل تا اهلیت ناقص را در مقابل آن بدانیم. به این جهت بنده عقیده‌ام این است که حضرت آقای وزیر عدلیه اگر موافقت می‌فرمایند در ضمن همین ماده اهلیت تعریف بشود برای اینکه در ضمن عمل دچار مشکلات نشوند به این جهت بنده یک تبصره راجع به تعریف اهلیت پیشنهاد کردم که اگر موافقت بفرمایند با این تبصره تا یک اندازه معنی اهلیت را روشن می‌کند.

وزیر عدلیه. بنده مقدمتاً عرض می‌کنم که خیلی خوشوقت هستم از این موهبتی که قسمت دوم قانون مدنی را تقدیم کردم و مطرح می‌شود و یکی از اصول مهم مملکت ما است یعنی نواقصی بوده است که داشته‌ایم تا به حال طوری می‌گذشته است ولی این قانون خیلی محل لزوم بوده است و می‌توانم عرض کنم که اولین دفعه است که این قبیل قوانین تفصیلی در مجلس مطرح می‌شود و البته اینها یک قوانینی است که هم با مقتضیات داخلی و عادات ما که مرتبط با مذهب و عادات و ملیت و رسوم ما هست و با روابطی هم که با قوانین خارجه و حقوق بین‌المللی داریم و همه باید داشته باشند همه اینها رعایت شده است و این مواد تنظیم شده است و بنده خیلی خوشوقت هستم که آقایان هر کدام نظری دارند بفرمایند بنده هم توضیحاتی که دارم عرض می‌کنم و بعد مذاکره هر کدام حق شد بنده هم قبول می‌کنم در این قسمت اهلیت که فرمودند اینجا دو قسم معنی است یک وقت اهلیت را یک معنای اصطلاحی قانونی به او می‌خواهیم بدهیم که شرح لازم دارد یک وقت خود معنی و ترجمه اهلیت است ترجمه اهلیت البته اینجا اقتضا ندارد زیرا کتاب لغت نیست و قانون است و غالب این الفاظ هم در خود

قوانین طبعاً مصطلح می‌شود و اصطلاح برای آن پیدا می‌شود از آن ترتیب قضائی که به آن الفاظ داده شده است اهلیت در قانون دو قسم است یعنی در حقوق یک اهلیتی است از برای دارا شدن حقوق یعنی وجود حق برای شخص یک اهلیتی است از برای مطالبه حق و اجرای حق و دارا شدن حق به این حاصل می‌شود به زنده متولد شدن و به مرگ هم تمام می‌شود به جهت اینکه آن حقوق دیگر از او فوت می‌شود یک اهلیتی است از برای مطالبه و اجرای حق که آن همان موضوع رشد و بلوغ و عقل و اینها است که در قوانین دیگر خواهد آمد پس دو اهلیت است در اینجا اهلیت که می‌گوئیم مراد این است و در یک ماده دیگری هم که اشاره فرمودند که آنجا ناقص گفته شده است، اهلیت برای مطالبه حق است و اجرای حق است و در آنجا البته گاهی ناقص و کامل دارد اینکه ناقص گفته شده است به اعتبار بعضی از قوانین است در خارجه زن دارای حق است ولی بی‌اذن شوهر نمی‌تواند در مال خودش تصرفی بکند پس اهلیت دارد ولی به طور ناقص پس اهلیت مشروط است و این رعایتها از این جهت است که در این قانون شده است.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. اینکه فرمودند اهلیت دو معنی دارد صحیح است بنده هم مقصودم معنی لغوی آن نبوده است مقصودم همان اهلیت اصطلاحی قانونی بود و اما اینکه فرمودند در موارد احکام ممکن است معلوم شود عرض کردم چون مخصوصاً در همان ماده تعبیر به اهلیت ناقص می‌کند در جایی که نمی‌دانم اهلیت کامل چه چیز است و آن قسمتی را هم که فرمودند اجرای حق غیر از خود حق است این را هم بنده تصدیق می‌کنم همین طور است ولی اهلیت را کسی واجد است که دارای همان شرایط اهلیت است اگر واجد اهلیت نشد اساساً نمی‌تواند تعقیب حق خودش را بکند و اجرای حق خودش را بخواهد همچنان که ماده ۹۵۸ می‌گوید هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خودش را اجرا کند مگر برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد پس حق داشتن با اهلیت داشتن به نظر بنده دو تا است و در هر حال

من اصراري هم در عقیده خودم ندارم فقط آن تبصره بود که پیشنهاد کردم.

وزیر عدلیه. البته تبصره دیده می شود اگر صحیح است البته رعایت می شود عرض کردم قوانین به هم مرتبط است این نکته خیلی خوب است مورد توجه باشد بعضی از مواد را مواد دیگر شرح می کنند همه جهات را در بعضی مواد نمی شود گذاشت تمام آن شرایطی که برای اهلیت است و در حقیقت معنای اهلیت را شرح می کنند و در مواد بعد خواهد آمد که بنده تقدیم خواهم کرد به مجلس و آنها صحبت های دیگری است که بعد تقدیم می شود.

جناب کمیسیون عدلیه (مؤید احمدی). بنده به نوبه خود از آقای وزیر عدلیه تشکر می کنم که این قسمت از قانون را به مجلس آوردند به علت اینکه یک قسمت از قانون مدنی ما نوشته نشده بود و از آن طرف چیزهایی بود که محل احتیاج بود یکی از آنها امور شخصیه بود از قبیل حق ازدواج و سایر امور و بالاخره خیلی باید تشکر کرد که موفق شدند آقای وزیر عدلیه و این لایحه را آوردند و امیدوارم بقیه هم همینطور منظمأ بیایند لیکن از پیشنهاد آقای جمشیدی که حالا قرائت می کنم و البته به کمیسیون هم می رود بنده تصور می کنم اینجا یک اشتباهی شده است یعنی یک سوء تفاهمی شده است در

پیشنهاد ایشان آنچه معلوم می شود همان قسمت اهلیت دوم را که آقای وزیر عدلیه الان توضیح فرمودند همان بود برای اینکه می فرمایند بالغ و رشید و غیر مجبور البته آن در قسمت عمل است در قسمت این است که چه کسی^۱ می تواند از حقوق مدنی استفاده کند البته صغیر و مجبور نمی تواند ولی در این قسمت غرض حق است وقتی که فرض کنیم یک انسانی در رحم مادرش بود این ذی حق است چطور یعنی اگر پدرش مرد مسلم ارث این را باید منظور کرد تا وقتی که این زننده متولد بشود حق می برد و اگر زننده متولد نشد آن

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کي» گردید.

حق را نمی‌برد پس اینجا غرض از این اهلیت دارا شدن حق است یعنی وقتی که آن نطفه منعقد شد ذی حق می‌شود به طور ناقص متزلزل تا وقتی که متولد می‌شود وقتی که زنده متولد شد سهم الارث را می‌برد و دارای حق می‌شود ولی آن قسمت پیشنهاد آقای جمشیدی در مواد بعد هست که البته این حق را انسان بالغ رشید غیر مجبور می‌تواند عمل کند والا البته باید قائم مقام او عمل کند.

جمشیدی. در مواد بعدی که می‌آید فرمودید؟

خبر. بلی در موادی که بعد به مجلس می‌آید.

پیشنهاد آقای جمشیدی

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی تبصره ذیل را به ماده ۹۵۶ پیشنهاد می‌کنم.

تبصره. شخصی که بالغ و عاقل و رشید و غیر مجبور در مال خود باشد واجد اهلیت است.

رئیس. ماده ۹۵۷.

ماده ۹۵۷. حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. این ماده ظاهراً راجع به ارث است فرض بفرمائید اگر کسی اولادی دارد یا ندارد و این زوجه او حمل دارد مال او قسمت می‌شود مابین ورثه اش برای آن حمل هم یک قسمت پسری کنار می‌گذارند اگر این حمل زنده متولد شد به او می‌رسد و اگر زنده متولد نشد مابین سایر ورثه قسمت می‌شود. این در قانون مدنی ما هم هست و اختلافی هم نیست ولی اینجا است که می‌خواهم عرض کنم این قسمتی را که از مال ارث کنار می‌گذارند این حقیقتاً ملک این می‌شود یا اینکه مراعی است عقیده بنده این است که این مال ابداً مربوط به این نیست و یک چیزی است که در خارج می‌گذارند و مراعی است اگر زنده متولد شد که می‌برد و اگر زنده متولد نشد که مابین سایر ورثه قسمت می‌شود در این قسمت می‌خواستم یک توضیح کاملی در مجلس داده شود یکی هم اینکه حمل از تمام حقوق مدنی متمتع می‌شود این عبارت، عبارت عام است که حمل از تمام حقوق مدنی

متمتع می شود. حمل فقط در مسئله ارث است والا نسبت به حمل معاملات دیگری نمی شود فقط حمل آن چیزی را که متمتع است راجع به مسئله ارث است ولی از سایر حقوق مدنی محروم است تا زنده متولد شود و اگر زنده متولد شد مثل سایر اشخاص است در هر صورت بنده خواستم یک توضیحی در این ماده داده شود که بعداً اسباب اشکال نشود.

وزیر عدلیه. قسمت اول که آقای دیبا فرمودند تقریباً از موضوع ماده خارج است برای اینکه آن سهمی که از برای آن عمل کنار می گذارند که مراعی است یا غیرمراعی یا ملک او این یک بحث اصولی است ما کاری به او نداریم ما می گوئیم که حمل از مورث خودش متمتع است به شرط زنده متولد شدن حکم این است حالا آن در معنی مراعی است یا ملک آن حمل است مطلب دیگری است فلسفه این ماده است نه اصل مربوط به نفس حکم باشد و قطعاً هم مراعی خواهد بود به جهت اینکه اگر زنده متولد نشد برمی گردد به خود ورثه بلکه یک نتیجه اینجا در نظر گرفته اند البته آقایان فقها هم این فرع را دارند که نماء این مال، مال کیست محقق است که اگر زنده متولد شد مال او است و اگر نشد کاشف است از اینکه مال سایر ورثه بوده است یا نمائش حقوق مدنی هم راست است نسبت به همان ارث است و لیکن اینجا تعبیر قانونی است یعنی البته هر حقی که ممکن است متمتع شود آنچه ممکن نیست که نیست دیگر.

رئیس. ماده ۹۵۸.

ماده ۹۵۸. هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

رئیس. اشکالی ندارد؟ خیر. ماده ۹۵۹.

ماده ۹۵۹. هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. مقصود از این ماده را بنده نمی فهمم چیست

می‌گوید: هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند. تمام به طور کلی صحیح است اما قسمتی از حقوق مدنی را چطور نمی‌تواند از خودش سلب کند مثلاً زوج مکلف است به اینکه نفقه زوجه‌اش را بدهد این یکی از حقوق مسلمه حقوق مدنی است اگر زوجه صرفنظر^۱ کرد آیا می‌شود باز گفت تو حق نداری یا متعاملین در ضمن معامله و اجرای عقد ممکن است برایشان یک خیاراتی ایجاد شود آیا آن کسی که خیار برایش ایجاد شده است نمی‌تواند از این خیار صرفنظر کرده و اسقاط خیار کند این است که این قسمت را خوب است توضیح بفرمایند.

وزیر عدلیه. این مواد نظر به اینکه یک جنبه علمیت دارد یکی از اصول اولیه شده است گرچه بسا امور در ذهن همه هست ولی حق این است که قانون به آن تصریح کند در اینجا مقصود این است آن کسی که طبعاً ذی حق است و حق تمتع از مال از حقوق دارد خودش قادر بر سلب آن حق نیست قادر است به اینکه واگذار کند مثلاً هر کسی می‌تواند رقبه خودش را اجر بدهد به دیگری و اجر او بشود یعنی سلب اختیار از خودش بکند در وقت معین با شرط معین اما حق ندارد خودش را بنده کسی قرار بدهد یعنی سلب حریت از خودش بکند پس این منافاتی با آنچه که آقای جمشیدی فرمودند ندارد یک اصلی است.

رئیس. ماده ۹۶۰.

ماده ۹۶۰. هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر نماید.

رئیس. مخالفی نیست؟ ماده ۹۶۱.

ماده ۹۶۱. جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً

۱. در متن فوق قبل از عبارت «نظر» عبارت «صرف» اضافه شد.

از اتباع خارجه سلب کرده است.
۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.
۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.
رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. اینکه فرمودند مطلب علمی است، بنده هم تصدیق می‌کنم ولی بنده گمان می‌کنم این مواد ترجمه شده است و بد ترجمه شده است (دشمن - صحیح است) ولی حالا بنده می‌خواستم سؤال کنم به اینکه فرق بین شق اول و شق ثالث چه چیز است این را توضیح بدهند.
وزیر عدلیه. بنده هم نفی نمی‌کنم که اتخاذ شده باشد قسمت مواد از قوانین دیگر ولی ترجمه نیست ترجمه هم باشد بد نیست یک قدری باید توجه و تأمل کرد. اما فرق این است که یک وقت در یک قانونی حقی را منحصر به اتباع ایران قرار داده است یعنی نص قانون این طور است یک وقت این است که منحصر به اتباع ایران قرار داده است ولیکن از طرفی هم از اتباع خارجه سلب کرده است در نتیجه یکی است ولی تعبیر قانون دو قسم شده است یکی دیگر اینکه هیچ یک از اینها نیست نه نص است به انحصار اتباع ایرانی و نه نص است بر خارج بودن تبعه خارجه ولی خود آن حقوق از نقطه نظر جامعه ایرانی تولید شده است (جمشیدی - مثلاً) مثال خیلی می‌شود پیدا کرد فرض بفرمائید انتخاب حق حاکمیت اینها اموری است که طبعاً مال جامعه ایرانی است دیگری حق ندارد چه در جانی تصریح و نص باشد و چه نباشد ما حق به اجنبی نمی‌دهیم این است که در این قسمت بر هر تقدیر چه در قانون تصریحی باشد یا نباشد وقتی که استنباط کردیم این حق مال جامعه ایرانی است به اجنبی این حق را نمی‌دهیم.

رئیس. آقای جمشیدی.
جمشیدی. این مثالی را که آقای وزیر عدلیه زدند عین همان شق اول است و شق ثالث به نظر بنده عین همان شق اولی است و زائد است.
وزیر عدلیه. مثال هیچ وقت حائز و شامل تمام فروض که ممکن است بعد اتفاق بیفتد نمی‌شود قانون باید

به طور کلی باشد که با هر مصداقی که بخواهیم بعد تطبیق کنیم از روی حکم کلی و فلسفه بتوانیم تطبیق کنیم نه به مثال.
جمعی از نمایندگان. مذاکرات کافی است.
رئیس. ماده ۹۶۲.

ماده ۹۶۲. تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقص داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد.
 حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می باشد شامل نخواهد بود.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. مطلب این ماده واضح است فقط بنده اشکالی که داشتم در قسمت اخیر ماده است که اشتباه کرده است نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی است که مشمول نیست بنده خواستم سؤال کنم که در قانون راجع به اهلیت ازدواج این طور نوشته شده است که هجده سال معین کرده اند ممکن است یک تبعه خارجی در قانون مدنی خودشان بیست و یک سال معین کرده باشد غالباً این طور است اگر این نوزده سالش باشد و ازدواج کند مطابق قانون ما ممنوع است یا خیر؟

(**امیر تیمور کلای.** ممنوع نیست).

خیر اینجا می گوید ممنوع است می گوید حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می باشد شامل خواهد بود. این را خواستم توضیحی بدهند.

وزیر عدلیه. این مربوط به امر ازدواج نیست مثلاً

در قانون خارجه این است که زن مستقل در مال خودش نیست در واقع در مال شریکند با شوهر. (چند نفر از نمایندگان. نه همه جا). ولیکن خود زن به تنهایی حق معامله ندارد اینجا اگر يك چنین زنی در ایران باشد چون قانون مربوط به حقوق خانوادگی است نمی‌تواند بدون اذن شوهرش معامله کند اگر چه آن قانون در ایران مجری نیست و قانون ما غیر از آن است و زن مستقل است در معامله خودش این مربوط به ازدواج نیست مربوط به حقوق خانوادگی و ارثی و مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران است خارج ایران مراد آن مملکتی است که قانونش غیر از قانون ایران است چون جنبه اجرائیش در آن مملکت است قوه اجرائیه شامل آن مملکت نخواهد شد از این جهت این قسمت هم استثنا شده است.

[۶. موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس. پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) اجازه می‌فرمائید؟ جلسه آینده پنجشنبه بیستم دی ماه ساعت (۹) (سه ساعت قبل از ظهر) دستور بقیه جلد دوم قانون مدنی.

(مجلس ساعت ده بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی. دادگر

گفتار دوم. شور اول مواد ۹۶۳ تا ۹۷۵

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ (۴)
شوال ۱۳۵۳
جلسه ۱۱۸

۵. بقیه شور قسمت دوم از قانون مدنی
رئیس. جلد دوم قانون مدنی ماده ۹۶۳.

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

ماده ۹۶۳. اگر زوجین تبعه يك دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) ماده ۹۶۴.

ماده ۹۶۴. روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط نسبت به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. این ماده فقط منحصر است به ابویین. جد و جده را شامل نیست. آیا جد و جده حکم پدر را دارد یا ندارد؟ خوب است جد و جده هم علاوه شود که اگر کسی باشد که پدر نداشته باشد پدرش وفات کرده باشد ولی جد دارد او هم همین طور باشد.

خیر کمیسیون (آقای مؤید احمدی). در این ماده البته

توجه فرموده اند که دو صورت دارد. يك صورتش این است که پدر مسلم است و معلوم است که پدرش کیست او مسلم تابع قانون پدر است اما يك قسمت هم هست که پدرش مسلم نیست آن را تابع قانون مادر قرار می دهند اما البته جد و جده خود آقای دیبا بهتر میدانند در وقتی که پدر نباشد قائم مقام او نسبت به همان ارثی که پدر می برده است او می برد و البته تابع قانون مملکتی خودش است چه پدر باشد و البته پدر نداشته باشد جد قائم مقام پدر است.

رئیس. آقای هزارجریبی.

هزارجریبی. توضیح آقای مؤید احمدی بنده را قانع نکرد همین اشکال به نظر بنده هم رسیده بود چون در هیچ جای دنیا در هیچ يك از قوانین عالم نیست که وقتی کسی پدر ندارد و پدرش معلوم نباشد این بچه مسلم مال مادر باشد. این اصلاً ارث نمی برد. برای اینکه نوشته است پدر معلوم نیست وقتی که پدر معلوم نیست اولاد بی پدر در هیچ قانونی معلوم نیست ارث ببرد و هیچ قانون دنیا ارث قائل نشده. اولاد مشروع آن است که دارای پدر و مادر باشد این است که این اشکال دارد و کسی هم نیست از

طرف دولت که اینجا دفاع کند و این قانون یکی از قوانین خیلی مهم است بلکه می‌خواهم عرض کنم چنین قانون مهمی این دوره به مجلس نیامده است چطور می‌شود سرسری گذراند.

خان کامیسیون. بنده فرمایش آقای هزارجریبی را کاملاً تصدیق دارم. البته در تقسیم ارث همین طور است که می‌فرمایند. لکن این یک موضوع دیگری است و آن این است که می‌خواهیم ببینیم تابع کیست نه در تقسیم ارث است. اگر پدر مسلم و معلوم باشد اینجا تکلیفش را معین کرده که البته تابع قانون مملکتی است که پدرش تبعه آن دولت است ولی یک وقتی هست که پدر معلوم نیست باید ببینیم این تابع کدام دولت است اینجا می‌گوئیم مادرش تابع هر دولتی است مطابق قوانین آن دولت باید با او رفتار کرد. به علت اینکه البته همین طوری که آقای هزارجریبی فرمودند بزرگترین قانونی است که به مجلس آمده و این قانون خیلی مهم و بزرگ است و البته ما داشتیم این قوانین را منتهی به این شکل ماده بندی و زبان فارسی و این طورها کمتر بوده است و البته می‌دانید این در شرع اسلام هم هست که اشخاصی که در مملکت اسلام هستند و این مذهب را ندارند آنها مطابق مذهب خودشان ارث می‌برند پس این ماده البته یک ماده قانون شرع است و اگر پدر مسلم باشد البته تبعه هر دولتی باشد در امور شخصی تابع آن دولت است و مطابق آن قانون با او رفتار خواهد شد. حالا اگر پدر مسلم نباشد یعنی نه اینکه پدر نداشته باشد مسلم نباشد از حیث قوانین تابع دولتی می‌شود که مادرش تابع آن دولت است نظر این ماده این است.

رئیس. آقای هزارجریبی.

هزارجریبی. عرض کنم فرمایشی که فرمودند صحیح است اما اینجا به عقیده بنده ناقص است در ماده ۹۵۶ می‌گوید اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود و هم متن ماده ۹۶۴ و سایر مواد که حقوق را معلوم می‌کند وقتی حقوق یک نفر آدم معلوم شد خوب ارث را هم شامل می‌شود و این ماده ممکن است اشتباه شده

باشد.

وزیر عدلیه. آقای هزارجریبی مقصودتان را درست تبیین نفرمائید تا جواب عرض کنم.
رئیس. (خطاب به آقای هزارجریبی) - آنجا حرف نزنید بیائید اینجا که مواجه باشید تا رفع اشکال بشود.

هزارجریبی. (در محل نطق) قبل از تشریف فرمائی آقای وزیر عدلیه عرض کردم اینجا در ماده ۹۶۴ نوشته اگر پدرش معلوم نیست ... وقتی یک آدمی پدرش معلوم نیست این اولاد مشروع نیست که بتوان برای او حقوق فرض کرد اگر اینطوری که آقای خبر جواب دادند در باب ارث نیست بنده عرضی ندارم اما این بر می‌گردد به حقوق مدنی. شما به او می‌گوئید می‌تواند از حقوق اجتماعی مملکت استفاده کند وقتی یک نفر اولاد مشروع نباشد چطور می‌تواند حقوق اجتماعی داشته باشد؟ این ماده این طور می‌رساند حالا ممکن است غلط نوشته باشد یا ممکن است فهم بنده قاصر باشد اما بنده فکر کردم دیدم وقتی که این پدر ندارد اولاد مشروع محسوب نیست و کسی که اولاد مشروع نباشد نمی‌تواند از حقوق اجتماعی استفاده کند خوب است توضیح بدهند.

وزیر عدلیه. نظر آقای نماینده محترم به این رفته است که جایی که پدر معلوم نباشد شاید طفل غیر مشروع است ولی این ملازمه ندارد ممکن است طفل مشروع باشد و از ازدواج^۱ مشروع به عمل آمده باشد ولی پدرش معلوم نباشد مادر نتواند اثبات کند یا اینکه پدر مجهول الحال باشد از این جهت نمی‌توان حکم کرد به غیر مشروع بودنش. غیر مشروع بودن اولاد مطابق قانون مدنی که بعد خواهد آمد باید به لعان و ترتیبات مخصوصی باشد و هنوز این ثابت نشده مشروع محسوب می‌شود.

رئیس. ماده نهم و شصت و پنج قرائت می‌شود.

۱. در متن فوق عبارت «و از ازدواج» جایگزین عبارت «و زواج» گردید.

ماده ۹۶۵. ولایت قانونی و نصب قیّم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. البته ولایت قانونی و نصب قیّم باید بر حسب قانون دولت مولی‌علیه باشد در این ماده خوب است آقای وزیرعدلیه یک توضیحی بدهند که نصب قیّم در این موارد از طرف محاکم صالحه ما خواهد بود مطابق قانون دولت مولی‌علیه یا خیر نصب قیّم از طرف خود آنها خواهد بود ممکن است فرض کنیم یک نفری هست که نصب قیّم برایش لازم شده محاکم صالحه ما نصب قیّم می‌کنند برای او یا خودشان می‌کنند.

وزیر عدلیه. البته اگر در ایران است ترتیب نصب قیّم را محاکم ما می‌دهند زیرا امور آن مولی‌علیه در ایران است و باید محاکم ایران تصدی کنند حفظ حقوق مولی‌علیه را ولی مطابق قانون دولت مولی‌علیه.

رئیس. ماده نهصد و شصت و شش قرائت می‌شود.

ماده ۹۶۶. تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء

منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند معذک حمل و نقل

شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی‌شینی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

رئیس. اشکالی نیست؟ ماده نهصد و شصت و هفت.

ماده ۹۶۷. ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیّه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

رئیس. اشکالی نیست؟ ماده نهصد و شصت و هشت.

ماده ۹۶۸. تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

رئیس. اشکالی نیست؟ ماده نهصد و شصت و نه.

ماده ۹۶۹. اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

رئیس. اشکالی نیست؟ ماده نهصد و هفتاد.

ماده ۹۷۰. مأمورین سیاسی یا قنسولی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد - در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. بنده عقیده‌ام این است که طلاق هم اضافه شود ممکن است تبعه دولت دیگر است و طلاق هم داده باشد آن هم قانوناً باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود. خوب است نکاح و طلاق هر دو باشد.

وزیر عدلیه. آقا پیشنهادی بکنند در کمیسیون مطالعه خواهد شد.

رئیس. ماده نهصد و هفتاد و یک.

ماده ۹۷۱. دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

رئیس. اشکالی نیست؟ ماده نهصد و هفتاد و دو:

ماده ۹۷۲. احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر اجرای آنها صادر شده باشد.

رئیس. ماده ۹۷۳ قرائت می‌شود.

ماده ۹۷۳. اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده هفت جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.

رئیس. ماده نهصد و هفتاد و چهار.

ماده ۹۷۴. مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

رئیس. ماده ۹۷۵.
ماده ۹۷۵. محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف یا نظم عمومی محسوب می شود به موقع اجرا گذارده اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.
رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ورود در شور دوم این قانون موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)
رئیس. تصویب شد.

گفتار سوم. شور اول مواد ۹۷۶ تا ۱۰۰۱

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۱۳ (۶)
(شوال ۱۳۵۳)
جلسه ۱۱۹
۴. شور کتاب دوم و سوم از قسمت دوم قانون مدنی
رئیس. خبر از کمیسیون قوانین عدلیه راجع به جلد دوم قانون مدنی:

خبر کمیسیون
کمیسیون عدلیه در جلسه اخیر خود لایحه نمره ۲۲۶۶۷ دولت را که در تعقیب مواد قانون مدنی پیشنهاد شده بود با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح و تحت شور و مذاقه قرار داده در نتیجه مواد پیشنهادی را با جزئی اصلاحی موافقت و اینک با تغییر نمرات مواد آن خبر آن را به عنوان شور اول تقدیم می دارد:
رئیس. طبع و توزیع شده است می خواهید خوانده شود؟
عده ای از نمایندگان. خیر

کتاب دوم. در تابعیت

ماده ۹۷۶. اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران به استثناء اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
 ۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
 ۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد.
 ۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند.
 ۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
 ۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
 ۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.
- تبصره.** اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.
- رئیس.** اشکالی نیست؟ (گفته شد - خیر). ماده ۹۷۷:
- ماده ۹۷۷.** اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام تا یک سال تابعیت پدر را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت پدرشان دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد.
- رئیس.** اشکالی ندارد؟ (اظهاری نشد) ماده ۹۷۸:
- ماده ۹۷۸.** نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دوی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند معامله متقابل خواهد شد.

رئیس. اشکالي ندارد؟ ماده ۹۷۹.

ماده ۹۷۹. اشخاصي که داراي شرايط ذيل باشند مي‌توانند تابعيت ايران را تحصيل کنند:

۱. به سن هجده سال تمام رسیده باشد.

۲. پنج سال اعم از متوالي يا متناوب در ايران ساکن بوده باشند.

۳. فراري از خدمت نظامي نباشند.

۴. در هيچ مملکتي به جنحه مهم يا جنايت غير سياسي محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم اين ماده مدت اقامت در خارجه براي خدمت دولت ايران در حکم اقامت در خاک ايران است.

رئیس. آقاي دکتر طاهري.

دکتر طاهري. بنده يك توضيحي مي‌خواهم. خوب است اين قسمت اخير را آقاي وزير عدليه توضيح بفرمايند.

وزير عدليه (آقاي صدر). مقصود اين است که اگر کسي براي يك مأموريتي از طرف دولت ايران در خارجه متوقف باشد مثل اين است که در خاک دولت ايران توقف نموده‌اند و مي‌توانند تحصيل تابعيت کنند.

رئیس. ماده ۹۸۰:

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام‌المنفعه ايران خدمت يا مساعدت شاياني کرده باشند و همچنين اشخاصي که داراي عيال ايراني و از او اولاد دارند و يا داراي مقامات عالي علمي و متخصص در امور عام‌المنفعه هستند و تقاضاي ورود به تابعيت دولت شاهنشاهي را مي‌نمایند در صورتي که دولت ورود آنها را به تابعيت دولت شاهنشاهي صلاح بداند بدون رعايت شرط اقامت ممکن است با تصويب هيئت وزراء به تبعيت ايران قبول شوند.

رئیس. اشکالي نيست؟ (خير) ماده ۹۸۱.

ماده ۹۸۱. اگر تا پنج سال از تاريخ صدور سند تابعيت معلوم شود شخصي که به تبعيت ايران قبول شده فراري از خدمت نظام بوده و همچنين هرگاه قبل از انقضاي مدتي که مطابق قوانين ايران مرور زمان حاصل مي‌شود معلوم گردد شخصي که به تبعيت قبول

شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره. اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرر به اجازة هیئت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد:

الف. کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.
ب. کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفاء ننمایند.

رئیس. آقای افشار.

میرزا حسین خان افشار. به نظر بنده از اتباع خارجه که وارد تابعیت ایران شوند هرگاه در ایران خدمت نظام وظیفه را انجام بدهند دیگر مورد این ماده نشود یعنی اگر تا بعد از ۵ سال دیگر معلوم شود که این شخص فراری از خدمت نظام دولتی دیگر بوده است ولی در ایران نظام وظیفه خودش را داده است دیگر اساساً مورد تعقیب واقع نشود و تابعیت او اساساً مورد قبول واقع گردد.

وزیر عدلیه. منظور این ماده این است که در بعضی موارد بتوانند تابعیت را سلب کنند از آنها آقایانی که حالا خدمتشان را انجام داده‌اند یا نداده‌اند در این مدخلیت ندارند کسانی که ایفاء نکرده‌اند ممکن است که سلب تابعیت آنها بشود.

رئیس. ماده ۹۸۲ قرائت می‌شود:

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثناء حق رسیدن به مقام وزارت و

کفالت وزارت و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت مجالس مقننه.
 ۲. عضویت انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی.
 ۳. استخدام وزارت امور خارجه.
- رئیس.** ماده ۹۸۳:
- ماده ۹۸۳.** درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده دارای منضمات ذیل باشد:
۱. سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او.
 ۲. تصدیقنامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیئت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.
- رئیس.** آقای دکتر طاهری.
- دکتر طاهری.** اینجا در ماده ۹۸۳ یکی از تشریفات درخواست تابعیت را این قرار داده که تقاضائی که می‌کنند تصدیقنامه نظمیه دائر به تعیین مدمت اقامت که پنج سال باشد ذکر شده است در صورتی که یکی از شقوقی که داشت آنجا این بود که اصلاً قید اینکه پنج سال اقامت داشته باشد لازم نبود در ماده ۹۸۰ اشخاصی را که تخصص در یک کاری دارند و مردمان مفیدی هستند اصلاً گفتیم که قید پنج سال اقامت لازم نیست در صورتی که اینجا مطلقاً نوشته شده که تصدیق نظمیه دائر به توقف پنج سال را باید داشته باشد به عقیده بنده باید در شور دوم یک اشاره به آن ماده بشود که به استثنای ماده ۹۸۰ که لازم نیست آن تصدیق را داشته باشد. این عیبی ندارد.
- وزیر عدلیه.** این دو ماده با هم تنافی ندارد برای اینکه او یک حکمی است در جایی که مدت اقامت لازم باشد رعایت شود باید با تصدیق نظمیه باشد اما

آنجا که لازم نیست اصلاً مورد این ماده نیست معذک
ممکن است در ذیل این ماده اشاره بشود.

رئیس. آقای افسر.

افسر. اهمیتی که این قانون دارد و از شدت دقتی که در کمیسیون‌های متشکله دولت در مورد آن^۱ شده است و سوابقی که دارد در کمیسیون عدلیه جای حرف دیگر در مورد آن^۲ باقی نمانده ولی نظرهایی که ما داریم روی نظر تازه‌ای است که به فرمان می‌رسد مثلاً به نظر بنده رسید مطلبی که خواستم پیشنهاد کنم البته اگر مقتضی باشد و آن راجع به اشخاصی است که ایرانی‌الاصل باشند برای آنها یک تفاوتی باید گذاشته شود از برای تابعیتشان مثلاً سه سال قرار بدهند نه پنج سال چون ممکن است پدرش ایرانی بوده و رفته تبعه خارجه شده است حالا می‌خواهد برگردد یا بر طبق تذکره تابعیتش برگشته یا در موقع اعلان‌هایی که در دول می‌کردند در این چند سال قبل برای اینکه تذکره نگرفته‌اند و به جهاتی نتوانسته‌اند و تابع یک دولت دیگری شده‌اند حالا که می‌خواهد برگردد به تابعیت اصلی خودش که ایرانی است باید با سایرین فرقی داشته باشد. مثلاً سه سال باشد اگر مقتضی است پیشنهاد کنم.

وزیر عدلیه. ممکن است پیشنهاد کنند در کمیسیون مذاکره می‌کنیم.

رئیس. ماده ۹۸۴:

ماده ۹۸۴. زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده

۱. در متن فوق عبارت «در مورد آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «در مورد آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۲ ضمیمه شود.

رئیس. اشکالی ندارد؟ ماده ۹۸۵:

ماده ۹۸۵. تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه در باره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمی باشد.

رئیس. در این ماده هم نظری نیست؟ (گفته شد - خیر).

ماده ۹۸۶:

ماده ۹۸۶. زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود می تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند و لی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند مادام که اولاد او به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به نحوی از انحاء

به اتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع خارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

رئیس. ماده ۹۸۷:

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و لی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام

ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند^۱ تفریق تابعیت اصلی زن با^۲ جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده‌اند ندارند.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. به عقیده بنده اگر بر طبق قانون مملکت زوج که تابعیت شوهر تمیل به زوجه می‌شود پس از اینکه این تبعیت رفع شد یعنی وفات کرد شوهر یا تفریق شد دیگر بایستی که زوجه به^۳ تبعیت ایرانیش طبعاً برگردد و احتیاج به درخواست ندارد چون یک زنی که در ایران است وقتی که مزاجت می‌کند با یک خارجی اولاً که گفت به تبعیتش باقی می‌ماند ولی حالا اگر گفتیم قانون زوج این‌طور بود که تبعیت زوج تمیل شود بر زوجه بعد از آنکه موجب این سبب رفع شود یعنی برمی‌گردد به تبعیت خودش مثلاً اگر تفریق شد بنابراین در این مورد دیگر آن درخواست به عقیده بنده مورد ندارد.

مخیر. غرض از این ماده البته همین است همین بیانی است که آقای دکتر کردند که اگر قانون مملکت زوج این باشد که زوجه تابع زوجیت از حیث تابعیت اینجا البته مجبوراً زوجه تبعیت می‌کند. حالا اگر آمد و

۱. در متن فوق عبارت «سند» جایگزین عبارت «سنة» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «با» جایگزین عبارت «یا» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «به» بعد از عبارت «زوجه» اضافه شد.

يك زن ايراني با يك غير ايراني ازدواج كرد و بعد شوهرش مرد يا تفريق كرد و طلاق اتفاق افتاد مي‌فرمايند كه بدون درخواست قبول شود آخر اين بايد معلوم شود كه مرده يا تفريق كرده به علت اينكه ضمن تقاضانامه اش بايد فوت شوهرش يا تفريق معلوم شود و مداركي ضميمه باشد از اين جهت است كه تقاضانامه را نوشته اند.

رئيس. آقاي افسر.

افسر. اينجا نظر آقاي دكتور صحيح است و اينكه آقاي مؤيد احمدي فرمودند كه تقاضانامه بدهد اين ديگر محتاج نيست فقط به صرف همين كه اطلاع داد كه شوهرم مرد يا تفريق شد و طلاق گرفتم ديگر كافي است و محتاج به درخواست و ساير مقدمات نبايد باشد چون تصور نمي‌فرمائيد كه درخواست تا جوايش به او برسد و جريانش را طي كند چقدر طول مي‌كشد؟ (صحيح است) اين يك جريان مفصلي پيدا كرده و مدت‌ها طول مي‌كشد و اين بيچاره بلاكليف مي‌ماند پس همين قدر كه اطلاع بدهد كه اين مانع من رفع شد كافي است ديگر لازم نيست كه درخواست كنند و تقاضانامه بدهد (صحيح است)

وزير عدليه. بنده هم موافقت مي‌كنم با اين نظر.

دكتور طاهري. براي شور دوم اصلاح مي‌شود.

افسر. بلي براي شور دوم بايد اصلاح شود.

رئيس. ديگر اشكالي نيست؟ ماده ۹۸۸ قرائت مي‌شود.

ماده ۹۸۸. اتباع ايران نمي‌توانند تبعيت خود را ترك كنند مگر به شرايط ذيل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسيده باشند.

۲. هيئت وزراء خروج از تبعيت آنان را اجازه

دهد.

۳. قبلاً تعهد نمايند كه در ظرف يك سال از تاريخ ترك تابعيت حقوق خود را بر اموال غير منقول كه در ايران دارا مي‌باشند و يا ممكن است بالورائه دارا شوند ولو قوانين ايران اجازه تملك آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوي از انحاء به

اتباع ايراني منتقل كنند زوجه و اطفال كسي كه بر طبق اين ماده ترك تابعيت مي‌نمايند اعم از

اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل حال آنها هم باشد.

۴. خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشند.

رئیس. اشکالی ندارد؟ ماده ۹۸۹:

ماده ۹۸۹. هر تبعه ایرانی که بدون رعایت قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی اوکان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع خارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. بنده خواستم ببینم که این عطف بمسابق شده است علت اینکه از ۱۲۸۰ شمسی تاریخ گذاشته‌اند چیست؟ یک توضیحی بدهند که چه اختصاص داشته است که از ۱۲۸۰ معین کرده‌اند اگر یک سال جلوتر کسی این کار را کرده باشد مانعی ندارد و بعد هم یک چیز دیگر هست که این مجازات‌هایی که معین شده که خروجش از تبعیت قبول نمی‌شود و بکلی از آن مزایای ملی هم محروم می‌شوند این هم به عقیده بنده نباید به طور کلی باشد و چون بنده نمی‌دانم که اینگونه اشخاص چطور بوده‌اند و علتش چه بوده است و چرا این کار را کرده‌اند اگر ممکن است یک توضیحی بفرمایند که چرا از این حقوق ملی هم محروم باشند.

وزیر عدلیه. نظر به اینکه در مورد یک اشخاصی یک مدتی است که در وزارت خارجه دوسیه‌هایی هست که مورد اشکال شده است نسبت به قبول تابعیت خارجی آنها و یا تابعیت دولت ایران. دولت ایران آنها را تبعه خودش می‌شناسد ولی آنها در هر حال تبعه خارجه را تحصیل کرده‌اند. در سنه ۱۲۸۰ شمسی که در حدود ۱۳۲۱ یا ۱۳۲۰ هجری است تعیین این تاریخ نظر به این است یعنی این سند در واقع متکی است از این

حیث به تاریخ یک حکمی که آن وقت از طرف دولت شده است از این لحاظ به موجب این ماده به آن دوسیه‌ها خاتمه داده شد و آنهایی که قبل از آن بوده‌اند آنها را عطف نظر نخواهد کرد و از آن تاریخ به بعد که مخصوصاً دولت حکم کرده است بر منع این کار دیگر البته داعی ندارد که ما وارد کار آنها بشویم و ما اینکه این حقوق از آنها سلب می‌شود البته معرف این اشخاص همان عملی است که کرده‌اند و شرافت ملیت ایرانی را از خودشان سلب کرده‌اند پس استحقاق این مجازات را دارند.

رئیس. پیشنهاد در ماده ۹۸۹ از آقای کاشف رسیده است:

اینجانب پیشنهاد می‌نماید که در ماده ۹۸۹ بعد از عبارت «کلیه اموال غیر منقوله او» جمله «به استثنای یک خانه مسکونی» علاوه شود.

رئیس. ماده ۹۹۰ قرائت می‌شود:

ماده ۹۹۰. از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلی خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد.

رئیس. ماده ۹۹۱:

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوطه به اجراء قانون تابعیت و اخذ حقوق شانس‌لری در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند به موجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.

رئیس. ماده ۹۹۲.

کتاب سوم. در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۲. سجل احوال هر کسی به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود.

رئیس. ماده ۹۹۳:

ماده ۹۹۳. امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریق

که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود:

۱. ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنینی که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.
۲. ازدواج اعم از دائم و منقطع.
۳. طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت.
۴. وفات هر شخص.

رئیس. ماده ۹۹۴:

ماده ۹۹۴. تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر به موجب حکم محکمه.

رئیس. ماده ۹۹۵:

ماده ۹۹۵. اگر عدم صحت مطالبی که به دایره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال به عنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود.

رئیس. ماده ۹۹۶:

ماده ۹۹۶. هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی‌نفع می‌تواند در ظرف مدت و به طریقی که در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

رئیس. ماده ۹۹۷:

ماده ۹۹۷. هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

رئیس. ماده ۹۹۸:

ماده ۹۹۸. سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهند بود.

رئیس. ماده ۹۹۹:

ماده ۹۹۹. سایر مطالب راجعه به سجل احوال به موجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است.

رئیس. ماده هزار قرائت می‌شود:

ماده ۱۰۰۰. مأمورین قنصلی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

گفتار چهارم. شور اول مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۳۰

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۱۳ (۱۳)
شوال ۱۳۵۳)
جلسه ۱۲۰

۲. بقیه شور جلد دوم از قانون مدنی

رئیس. ماده ۱۰۰۱ از جلد دوم قانون مدنی.

ماده ۱۰۰۱. اقامتگاه هر شخصی عبارت از هر محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.

رئیس. ماده ۱۰۰۲.

ماده ۱۰۰۲. هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

رئیس. ماده ۱۰۰۳.

ماده ۱۰۰۳. تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور نیز به همان محل انتقال یافته باشد.

رئیس. ماده ۱۰۰۴.

ماده ۱۰۰۴. اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

رئیس. ماده ۱۰۰۵.

ماده ۱۰۰۵. اقامتگاه صغیر و مجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است.

رئیس. ماده ۱۰۰۶.

ماده ۱۰۰۶. اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.

رئیس. ماده ۱۰۰۷.

ماده ۱۰۰۷. اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنها است.

رئیس. ماده ۱۰۰۸.

ماده ۱۰۰۸. اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۰۰۹.

ماده ۱۰۰۹. اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و اخطار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه خصوصی خود معین کند.

رئیس. ماده ۱۰۱۰.

کتاب پنجم. در غایب مفقودالاثر

ماده ۱۰۱۰. غایب مفقودالاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.

رئیس. ماده ۱۰۱۱.

ماده ۱۰۱۱. اگر غایب مفقودالاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی العموم و اشخاص ذی‌نفع در این امر قبول می‌شود.

رئیس. ماده ۱۰۱۲.

ماده ۱۰۱۲. محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

رئیس. ماده ۱۰۱۳.

ماده ۱۰۱۳. اگر یکی از وراث غایب تضمینات کافیه

بدهد محکمه نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور به این سمت معین خواهد شد.

رئیس. ماده ۱۰۱۴.

ماده ۱۰۱۴. وظایف و مسئولیت‌های امینی که به موجب مواد قبل معین می‌گردد همان است که برای قیم مقرر است.

رئیس. ماده ۱۰۱۵.

ماده ۱۰۱۵. هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثراً مسلم شود اموال او بین وارث موجود حین الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد.

رئیس. ماده ۱۰۱۶.

ماده ۱۰۱۶. اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غایب بین وراثتی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند تقسیم می‌شود.

رئیس. ماده ۱۰۱۷.

ماده ۱۰۱۷. مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود.

رئیس. ماده ۱۰۱۸.

ماده ۱۰۱۸. حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

رئیس. ماده ۱۰۱۹.

ماده ۱۰۱۹. مواد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود:

۱. وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضای مدت مزبور سن غایب از ۷۵ سال گذشته باشد.
۲. وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جزو

۱. در متن فوق عبارت «غایب مفقودالاثراً» جایگزین عبارت «مفقود غایبالاثراً» گردید.

قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود.

۳. وقتی که يك نفر حین سفر بحري در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

رئیس. ماده ۱۰۲۰.

ماده ۱۰۲۰. در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضای مدت‌های ذیل که مبدأ آن از روز حرکت کشتی محسوب می‌شود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصود به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگشته و از وجود آن به هیچ وجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب می‌شود:

الف.^۱ برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس يك سال.

ب. برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) - بحر سیاه و بحر ازوف دو سال.

ج. برای مسافرت در سایر بحار سه سال.

رئیس. ماده ۱۰۲۱.

ماده ۱۰۲۱. اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای^۲ به غیر آنچه در فقره دو و سه ماده ۱۰۱۹^۳ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

۱. در متن فوق عبارت «الف» جایگزین شماره «۱» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «واقعه‌ای» جایگزین عبارت «واقعه» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «۱۰۱۹» جایگزین عبارت «۱۱۰۹» گردید.

دکتر طاهري. اینجا که نوشته شده است «اگر کسی در نتیجه واقعه ای^۱ به غیر از آنچه در فقره دو و سه ماده ۱۰۱۸ مذکور دچار خطر شود» در صورتی که ماده هزار و هجده اصلاً فقره دو و سه ندارد و آن ماده ۱۰۱۹ است که این دو فقره را دارد. پس به عقیده بنده در اینجا سهو شده و باید اصلاح شود.

رئیس. در نسخه ای که بنده دارم تصحیح شده - معلوم می شود این تصحیح عمومیت پیدا نکرده - همینطور تصحیح بفرمائید. ماده هزار و بیست و دو.

ماده ۱۰۲۲. در مورد ماده هزار و هجده و هزار و بیست محکمه وقتی می تواند حکم موت فرضی را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبری دارند به اطلاع محکمه برسانند هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می شود.

رئیس. ماده ۱۰۲۳.

ماده ۱۰۲۳. اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این می شود که همه آنها در آن واحد مرده اند. مفاد این ماده مانع از اجرای مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول قانون مدنی نخواهد بود.

رئیس. آقای دکتر طاهري.

دکتر طاهري. بنده خواستم آقای وزیر عدلیه توضیحی در این ماده بدهند که مقصود چیست که در اول می گوید اگر همه با هم مردند آن طور می شود بعد این قسمت را استثناء می کند. اگر آن مواد عمومی در نظرشان هست بفرمایند و توضیحی بدهند.

۱. در متن فوق عبارت «واقعه ای» جایگزین عبارت «واقعه» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «نسخه ای» جایگزین عبارت «نسخه» گردید.

وزیر عدلیه (آقای صدر). مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ راجع به ترتیب ارث است که اگر يك اشخاصی نسبت به هم توارث داشته باشند و اگر حادثه تولید شده باشد که تاریخ فوت آنها معلوم نباشد يك ترتیبی هست که اگر تاریخ فوت یکی از آنها محقق باشد آن دیگری را که با او جنبه معارضه پیدا کند مؤخر فرض می شود زیرا که اصل تأخر حادث است. اینجا هم در باب ارث می گوید همان طور برقرار باشد ولي چون احکام دیگری هم دارد آنها باید فرض کرد که همه در آن واحد مرده اند.

رئیس. ماده ۱۰۲۴.

ماده ۱۰۲۴. وراث غایب مفقودالثر می توانند^۱ قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۲ راجع به اعلان مدت يك سال حتمی است.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. بنده خواستم سؤال کنم که در چه قسمت این ماده رعایت ماده ۱۰۲۲ لازم است؟ یعنی وقتی اولاد و وراث شخص غایب تقاضا کردند که دارائی را به تصرف آنها بدهند؟ چه وقت رعایت این ماده لازم است که یعنی آن وقت باید اعلام کنند؟ بنده درست ملتفت نشدم مقصود از این چیست؟

وزیر عدلیه. وقتی که دو سال از آخرین خبر غایب گذشته باشد و دیگر خبری از او نرسیده باشد و وراث تقاضا کنند تصرف در اموال او را، آن وقت باید اعلان کرد.

رئیس. ماده ۱۰۲۵.

۱. در متن فوق عبارت «می توانند» جایگزین عبارت «می توانند» گردید.

ماده ۱۰۲۵. در مورد ماده قبل وراث باید ضامن یا تضمینات کافیه دیگری بدهند تا در صورت مراجعت غایب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حق بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت^۱ فرضی غایب باقی خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۰۲۶.

ماده ۱۰۲۶. بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می باشد مسترد دارند.

رئیس. ماده ۱۰۲۷.

ماده ۱۰۲۷. امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارائی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است.

رئیس. ماده ۱۰۲۸.

ماده ۱۰۲۸. هرگاه شخصی چهارسال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۲ حاکم او را طلاق می دهد.

رئیس. ماده ۱۰۲۹.

ماده ۱۰۲۹. اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء^۲ مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد.

رئیس. آقایانی که به ورود شور دوم این لایحه رأی می دهند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب

۱. در متن فوق عبارت «موت» جایگزین عبارت «موقت» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «انقضاء» جایگزین عبارت «نقض» گردید.

شد.

گفتار پنجم. شور اول مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۶۱

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۴ اسفند ماه ۱۳۱۳ (۱۹)
ذی قعده ۱۳۵۳

جلسه ۱۲۵

۴. شور اول قسمت دوم از قانون مدنی راجع به
قرابت و نکاح و طلاق

خبر از کمیسیون عدلیه راجع به قسمت دوم قانون
مدنی در خصوص قرابت و نکاح و طلاق:

خبر کمیسیون

لاحه نمره ۲۶۰۸۸ دولت به عنوان کتاب ششم و هفتم از
جلد دوم قانون مدنی در کمیسیون قوانین عدلیه
مورد شور و مطالعه واقع با توضیحاتی که آقای
وزیر عدلیه بیان نمودند مواد پیشنهادی با جزئی
اصلاحی برای شور اول تصویب و علی هذا راپورت آن
را برای شور و مطالعه مجلس مقدس شورای ملی تقدیم
میدارد:

رئیس. تمام لایحه را بخوانیم؟ طبع و توزیع شده است
گمان نمیکنم لزومی داشته باشد (صحیح است).
مذاکره در کلیات است. اشکالی نیست؟ (اظهاری نشد)
آقایانی که به ورود در شور مواد موافقت دارند
قیام فرمایند (عده زیادی قیام کردند) تصویب شد.
ماده اول قرائت میشود.

کتاب ششم. در قرابت

ماده ۱۰۳۱. قرابت بر دو قسم است: قرابت نسبی و
قرابت سبی.

رئیس. اشکالی ندارد؟ ماده ۱۰۳۲:

ماده ۱۰۳۲ - قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است:
طبقه اول - پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.

طبقه دوم - اجداد و برادر و خواهر و اولاد
آنها.

طبقه سوم - اعمام و عمات و احوال و خالات و
اولاد آنها.

در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسلها در آن طبقه معین می‌گردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت به اولاد اولاد در^۱ درجه دوم خواهد بود و هكذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جده در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود و در طبقه سوم قرابت عمو و دایی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است.

رئیس. نظری نیست؟ (گفتند - خیر). ماده ۱۰۳۳: **ماده ۱۰۳۳.** هرکس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقربای درجه اول مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهد بود. **رئیس.** اشکالی ندارد؟ (خیر) ماده ۱۰۳۴

کتاب هفتم: در نکاح و طلاق

باب اول: در نکاح

فصل اول: در خواستگاری

ماده ۱۰۳۴. هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود. **رئیس.** اشکالی ندارد؟ ماده ۱۰۳۵:

ماده ۱۰۳۵. وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج

۱. در متن فوق عبارت «در» بعد از عبارت «اولاد اولاد» اضافه شد.

کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتي نماید.

رئیس. نظري نیست؟ (اظهاري نشد) ماده ۱۰۳۶:

ماده ۱۰۳۶. اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم زند در حالی که طرف مقابل یا ابوين او یا اشخاصی دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و خارجي کرده باشند طرفي که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید ولي خسارات مزبور فقط مربوط به خارج متعارفه خواهد بود.

رئیس. نظري نیست؟ ماده ۱۰۳۷:

ماده ۱۰۳۷. هر يك از نامزدها می تواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایائی را که به طرف دیگر داده است مطالبه کند.

اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاهداشته می شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

رئیس. ایرادي نیست؟ (اظهاري نشد) ماده ۱۰۳۸:

ماده ۱۰۳۸. مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجري نخواهد بود:

رئیس. نظري نیست؟ (گفته شد - خیر). ماده ۱۰۳۹:

ماده ۱۰۳۹. مدت مرور زمان دعاوي ناشی از به هم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ به هم خوردن آن محسوب می شود.

رئیس. در ماده ۱۰۳۹ نظري نیست؟ ماده ۱۰۴۰ قرائت می شود:

فصل دوم. قابلیت صحی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۰. نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است معذلك در مواردی که مصالح اقتضا کند با پیشنهاد مدعي العموم وتصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود ولي در هر حال این معافیت نمی تواند به اناثی داده شود که کمتر

از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

رئیس. آقای افسر.

افسر. البته معایب صغر سن از نظر بلوغ صحی دیده و شنیده شده بود و به این نظر به فکر قانون ازدواج افتادند ولی در این چند سال اخیر تجربیاتی که شد و مخصوصاً سن‌های دختران را غالباً کم می‌گذارند یا اشتباه کرده بودند یا به یک مصالح خیالی این طور گفته و کرده بودند و نظرهایی هم عموم مردم برای امور دنیا و زیادی نسل به طور کلی دارند و به نظر بنده اگر سن دختر را چهارده قرار بدهیم بهتر از پانزده است.

وزیر عدلیه. قانون سابق راجع به قابلیت جسمانی از برای ازدواج همین قدر شرط شده بود استعداد جسمانی گرچه معناً صحیح است و حالا هم منظور همان است ولی حالا استعداد جسمانی حکمت است از برای بعضی دختران سابقاً خود عین این تعبیر منطوق واقع شده بود ولی در عمل مشاهده شد که خیلی اسباب زحمت است تشخیص استعداد جسمانی معلوم نبود یکی به قابله‌ها راجع می‌شد آنها هم نظرشان مختلف بود روی هم رفته آن هم قابل اعتنا و اعتبار نبود و پر مورد اطمینان واقع نمی‌شد این تصدیقات و بعلاوه اگر در بعضی نقاط مثل مرکز می‌توان تشخیص داد یا در حوزه‌هایی که دور نباشد از مراکز ولی در همه ولایات و قصبات و دهات اجرای آن خیلی مشکل و تشخیص پر زحمت بود و بهتر این بود که این را با یک حدی از سن تطبیق کنیم که در این درجه از سن نوعاً دارای این استعداد هستند و ملاحظه شده است و با اشخاص متخصص هم در این باب مذاکره شده است دختران نوعاً در سن پانزده تمام قابل ازدواج می‌شوند حالا اگر به طور نادر یک کسی در آن سن هم استعداد جسمانی نداشته باشد یا اینکه قبل از سن پانزده در سیزده و چهارده سالگی هم استعداد داشته باشد او یک مبحث خارجی است و قانون از برای عموم نوعیه است یکی هم برای پاره‌ای از مصالح اینجا یک معافیت از سن هم قید شده است به طور استثناء در بعضی از موارد که حالا لازم نیست

مواردش را عرض کنم یکی از موارد مثلاً در موضوع قانون منافیات عفت است که در آنجا اگر ازدواج بین آنها ممکن باشد از آن مجازات‌های شدید معاف می‌شوند ضرری هم ندارد که یک مراعاتی بشود در قانون که ممکن شود ازدواج در بعضی از موارد و همچنین موارد دیگری هم دارد که می‌توان استثناء کرد این

استثناء هم البته مطلق نیست با قید پیشنهاد مدعی العموم است و محکمه ولی در باب اینکه کمتر از پانزده سال قرار دهیم اینجا باید عرض کنم سلیقه‌ها مختلف است آقای افسر سن چهارده را معتقدند ولی اشخاص دیگر این طور نیستند و رشد جسمانی را در کمتر از پانزده سال به طور نوعی نمی‌دانند این است که ما هم رعایت کردیم عقیده اکثریت و عقیده عمومی را.

مؤید احمدی (مخبر کمیسیون). خاطر من هست وقتی قانون ازدواج را دولت پیشنهاد کرد در قانون ازدواج سن معین شده بود در وهله اول در لایحه پیشنهادی و لایحه به کمیسیون آمد و کمیسیون هم کاملاً راضی بود لیکن بعد در اثر یک پیش آمدهائی که بنده درست مطلع نیستم آمدند در کمیسیون وزیر عدلیه سابق و با نظر خودشان آن را اصلاح کردند به این موضوع که طرف استعداد صحت داشته باشد و در اجرای این قانون البته دچار اشکال شدند به علت اینکه سن نرسیده است به سن بلوغ لیکن طبیب یا قابله اینها یکی تصدیق می‌دادند که بله این استعداد صحت دارد یا ندارد در هر صورت آنجا دچار اشکال کرد دولت را و محاکم را و حقیقتاً هم چیز خوبی نبود که دختری که به سن بلوغ نرسیده است یا پسر اینها ازدواج کنند و بنده باز برای توضیح یک اشتباهی عرض می‌کنم که در تمام عقود و ایقاعات ما چند رکن و شرط دارد که هر کدام از اینها نباشد بیع واقع نمی‌شود مثلاً باید متعاملین یا بائع و مشتری به سن بلوغ رسیده باشند شانزده سال تمام یا هیجده سال تمام داشته باشند عاقل باشند آزاد باشند رشید باشند غیر مجبور باشند آن وقت آن عقد واقع می‌شود و هر یک از این ارکان موجود نباشد

عقد واقع نمی شود البته در ازدواج هم همین طور است باید بالغ باشد رشید باشد آزاد باشد غیر مجبور باشد حالا در مجبورش یک حرفی هست که قیم می تواند و الان محاکم ما به طوری که عرض کردم گرفتار شده اند که باید تصدیق صحت بیاورند اینجا و در کمیسیون مذاکره شد که سن دختر را پانزده سال و پسر را هجده سال قرار بدهند به علت اینکه پسر در آن وقت هم بالغ است و هم رشید و دختر هم بالغه و رشیده است بعد یک موضوعی مذاکره شد که گاهی اتفاق می افتد یک قضایائی که اگر در سن پانزده سال به طور مطلق قرار دادیم شاید دچار اشکال شویم مثل همین قضیه و مثلی که آقای وزیر عدلیه فرمودند در قانون منافیات عفت یک ماده است که اگر کسی آمد و کار منافی عفت کرد اگر ازدواج کرد با او، از مجازات معاف است حالا یک چنین اتفاقی افتاده است برای اینکه اینها از مجازات معاف باشند و یک راهی هم باشد که بتوانند دختر سیزده ساله را هم عقد کنند ولی غرض این نیست که هر دختر سیزده ساله را عقد کنند قصدم این است که به طور استثنای این راه را باز گذارده اند برای این موقع والا سن حقیقی همان پانزده سال از برای دختر و ۱۸ سال از برای پسر است والا قضیه این نیست که دختر سیزده ساله را عقد کنند.

رئیس. آقای کاشف.

کاشف. با همه این توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه و مجرب در این قسمت دادند متأسفانه بنده قانع نشدم برای اینکه یک چنین پیش آمده که شاذ است و نادر، این را نمی شود قاعده کلی قرار داده و در هر صورت در سیزده سالگی نباید ازدواج واقع شود برای اینکه استعداد ندارد و به عقیده بنده ما نباید یک چنین اصلی را قائل شویم و این هم که

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.
۳. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

فرمودند سلیقه‌ها مختلف است و چهارده ساله خوب است به عقیده بنده چهارده ساله در همان شعر مطلوب است و به عقیده بنده تا زمانی که دختر به معنای حقیقی رشد عقلی نرسیده است نباید به حیاله نکاح در آید و غیراز این باشد مضر است علاوه براین همین طور که در قانون سابق بود بنده هم عقیده‌مند بودم به اینکه بعد از بلوغ و رشد حقیقی طبیعی باشد و یک چیز است که از طرف متخصصین هم تصدیق داده می‌شود پانزده الی شانزده باشد اشکالی ندارد ولی قید به سال کردن آن هم سیزده سال را بنده عقیده ندارم.

وزیر عدلیه. اولاً آقایان البته ملتفت هستند که رشد در مسئله ازدواج دو رشد است یک رشد جسمانی است و یک رشد عقلی برای صحت عقد و انشاء که او

مشترک است با معاملات چون عقد بر معاملات عقد بر مال است و مال جزو ذوی‌العقول نیست. طرفین باید رشد عقلی داشته باشند و رشید باشند که آن قانونش سابق گذشت و آن رشد را هیجده سال قرار داد آن بجای خودش هست و البته اینجا هم قید شده است که بعد از پانزده سال هم می‌تواند تزویج شود باز تا به هجده نرسیده است باید با اجازه ولی و قیم باشد پس اینجا مقصود همان رشد جسمانی است در واقع قابلیت جسمانی است عقد و نکاح در اشخاص واقع می‌شود غیر از عقد معاملات است در این قسمت سن پانزده توضیحات داده شد و دیگر محتاج به توضیح نیست اما در قسمت استثنائی فقط برای این است که راه قانونی باز باشد نه اینکه مورد عمل واقع شود و همیشه معمولیه باشد در قوانین خارجه هم این هست این قسمت را هم باید بدانیم که نوعاً در بعضی از ممالک رشد جسمانی و طبیعی تفاوت دارد و همه جا یکسان نیست در بلاد گرمسیر رشد زودتر حاصل می‌شود یعنی رشد جسمانی و نحو جسمانی در جاهای سردسیر دیرتر حاصل می‌شود آنجائیه هم که سن رشد را بیست و بیست یک قرار داده اند در مورد ازدواج استثنا دارند ولی استثنا با یک طرز خصوصی است یا با اجازه رئیس جمهور است یا با اجازه دولت است یا با اجازه وزیر عدلیه است به یک

ترتیبی و اینجا مناسب دانستیم با اجازه محکمه باشد با شرط پیشنهاد مدعی العموم در موارد مهمه. موارد مهمه البته باید خیلی اهمیت داشته باشد یعنی یک مصالحی موجود باشد که جایز باشد از این یک قدری تخلف کردن و موارد استثنائی را نباید طوری شمرد که مضر به مصالح عمومی است و مصالح عمومی در همان سن معمولی رعایت شده که همان پانزده و هجده است.

رئیس. آقای افسر.

افسر. البته هر یک از بیانات به جای خودش صحیح است ولی یک مصلحتی در آن قانون بود که آن مصلحت فعلاً از دست می‌رود و آن رشد صحتی است که البته وقتی رشد صحتی موضوع بحث بود امراضی از قبیل سفلیس و غیره مراعات می‌شد که اشخاصی که گرفتار اینگونه ازدواج‌ها می‌شوند بالاخره علاوه بر اینکه برای خود آنها خوب نیست به عقیده بعضی برای پنج پشت هفت پشت ضرر دارد پس حالا که سن رشد معین شده و رشد صحتی از میان رفت پس چه باید کرد در این موضوع اگر صبر کنیم و با موجبات فسخ که در مواد بعد می‌آید یعنی موضوع جذام که موجب فسخ می‌شود خود را قانع کنیم این چه فایده دارد خوب است لااقل سفلیس را ممنوع کنند که یک کسی که سفلیس دارد ممنوع باشد نه اینکه موجب فسخ قرار بدهیم یکی هم تمام این مذاکرات راجع به ازدواج است اگر همان طور که فرمودند فرض‌های دیگری دارد یکی در اینجا و دیگری در فرنگستان است اصلاً ممکن است تا پنج شش سال همدیگر را ملاقات نکنند، هیچ مانعی ندارد که وقتی مصلحت باشد در سیزده سال ازدواج کنند و منحصر به آن قانون منافی عفت نمی‌شود خیلی از فروش دارد که مصالح اقتضا می‌کند و مجرد لفظ عقد که ضرری تولید نمی‌کند اگر مطلق عقد باشد این است که جواب آقای کاشف را عرض کردم که منحصر به همان قسمت نمی‌شود و مصالحی چند دارد که اگر مدعی العموم موافقت کند بسیار خوب فکری شده است حالا از آن قسمت اول هم اگر می‌فرمایند اینجا جایش است پیشنهاد کنم اگر جای دیگر است بفرمایند.

وزیر عدلیه. در موجبات فسخ نظر آقای افسر تأمین

شده است و امراض مسریه و غیره نوشته شده است.
رئیس. آقای عراقی.
عراقی. عرضی ندارم.
رئیس. آقای هزرجری.
هزرجری. بنده هم عرضی ندارم.
عده ای^۱ از نمایندگان. مذاکرات کافی است.
رئیس. مذاکرات در این ماده کافی است (گفته شد - بلی) ...

[۶. بقیه شور اول لایحه قانون مدنی از ماده ۱۰۴۱]

رئیس. ماده ۱۰۴۱ قرائت می‌شود:
ماده ۱۰۴۱. بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نیز
 اناث نمی‌توانند مادام که به هیجده سال تمام
 نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.
رئیس. نظری نیست؟ (گفتند - خیر) ماده ۱۰۴۲ قرائت
 می‌شود:
ماده ۱۰۴۲. نکاح^۲ دختری که هنوز شوهر نکرده اگر
 چه بیش از هیجده سال تمام داشته باشد متوقف به
 اجازه پدر یا جد پدری او است هرگاه پدر یا جد
 پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند
 دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به
 او شوهر کند و شرایط نکاح^۳ و مهری که بین آنها
 قرار داده شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط
 دفتر مزبور مراتب را به پدر یا جد پدری اطلاع
 می‌دهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر
 مزبور می‌تواند نکاح^۴ را واقع سازد.
رئیس. اشکالی نیست؟ ماده ۱۰۴۳:
ماده ۱۰۴۳. در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص
 پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر

۱. در متن فوق عبارت «عده ای» جایگزین عبارت «عده» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.
۳. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.
۴. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.

به علي تحت قیمومت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.
رئیس. ماده ۱۰۴۴.

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۴. نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:
۱. نکاح با پدر و اجداد و با^۱ مادر و جدات هر قدر که بالا برود.
۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.
۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.
۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.
رئیس. اشکالی نیست؟ ماده ۱۰۴۵:
ماده ۱۰۴۵. قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط^۲ بر اینکه:
اولاً. شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
ثانیاً. شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
ثالثاً. طفل لااقل یک شبانه روز و یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.
رابعاً. شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.
خامساً. مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگری بخورد موجب حرمت نمی شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد.
و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر

۱. در متن فوق عبارت «یا» جایگزین عبارت «یا» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «مشروط» جایگزین عبارت «مشروحاً» گردید.

دیگر شیر داده باشد آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

رئیس. نظری نیست؟ ماده ۱۰۴۶:

ماده ۱۰۴۶. نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:

۱. بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۲. بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد.

۳. بین مرد با انثا از اولاد زن او از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.

رئیس. نظری نیست؟ ماده ۱۰۴۷:

ماده ۱۰۴۷. جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.

رئیس. ماده ۱۰۴۸:

ماده ۱۰۴۸. هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

رئیس. ماده ۱۰۴۹:

ماده ۱۰۴۹. هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

رئیس. ماده ۱۰۵۰:

ماده ۱۰۵۰. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد.

در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

رئیس. ماده ۱۰۵۱:

ماده ۱۰۵۱. تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است.

رئیس. ماده ۱۰۵۲:

ماده ۱۰۵۲. عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.

رئیس. ماده ۱۰۵۳:

ماده ۱۰۵۳. زناي با زن شوهردار يا زني که در عده رجعيه است موجب حرمت ابدی است.

رئیس. ماده ۱۰۵۴:

ماده ۱۰۵۴. نزديکي به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حيث مانعيت نکاح در حکم نزديکي با نکاح صحيح است ولي مبطل نکاح سابق نیست.

رئیس. اشکالي نیست؟ ماده ۱۰۵۵:

ماده ۱۰۵۵. اگر کسی با پسري عمل شنيع کند نمی‌تواند مادر يا خواهر يا دختر او را تزويج کند.

رئیس. ماده ۱۰۵۶:

ماده ۱۰۵۶. زني که سه مرتبه متوالي زوجه يك نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اينکه به عقد دائم به زوجيت مرد ديگري در آمده و پس از وقوع نزديکي با او به واسطه طلاق يا فسخ يا فوت فراق حاصل شده باشد.

رئیس. ماده ۱۰۵۷:

ماده ۱۰۵۷. زن هر شخصي که به نه طلاق که شش تاي آن عدي است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

رئیس. ماده ۱۰۵۸:

ماده ۱۰۵۸. ۱) نکاح مسلمه با غير مسلم جایز نیست.

رئیس. ماده ۱۰۵۹:

ماده ۱۰۵۹. تزويج کتابيه جایز است.

رئیس. ماده ۱۰۶۰:

ماده ۱۰۶۰. ازدواج زن ايراني با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانوني ندارد موكول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

رئیس. نظري نیست؟ (خير) ماده ۱۰۶۱:

ماده ۱۰۶۱. دولت می‌تواند ازدواج بعضي از مستخدمين و مأمورين رسمي را با زني که تبعه خارجه

باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. بنده این نکته را قبلاً عرض می‌کنم و عبارت از این است که اگر ما یک عرایضی در اینجا می‌کنیم مبنی بر مخالفت^۱ نیست بلکه تذکر و مشورت است. والا در هر مسئله اگر دولت بگوید من مقتضی می‌دانم فلان مسئله بشود یا نشود ما صد در صد موافقیم. یک عرایضی بنده داشتم که در ماده ۱۰۵۹ می‌خواستم عرض کنم ولی برای حفظ نزاکت مقتضی ندیدم چیزی عرض شود. ولی در این ماده ۱۰۶۱ یک عرضی دارم و آن این است: مطابق احصائیه‌های نفوس دنیا مسلم شده که جنس زن بیشتر از جنس مرد است این هیچ محل شبهه نیست. حالا می‌گویند در ثبت قضیه به عکس است این مربوط به این مناطق نبوده و ربطی به اکثریت نفوس عالم ندارد. از طرفی هم یک چیزی هست و آن این است که جوان‌های ما که به خارج می‌روند، می‌بینیم که ایشان یک حس تمایلی به ازدواج با خارجی‌ها پیدا می‌کنند در حالی که ما در مملکت خودمان زن‌ها و دوشیزگان تربیت شده تحصیل کرده و با کمال داریم. علی‌نادر که این تمایل پیدا شود و نمی‌دانم چطور شده پیدا شده بنابراین وقتی که ما می‌آئیم ازدواج زن ایرانی را با تبعه خارجی منوط به اجازه دولت می‌دانیم ولی بالعکس در اینجا فقط مستخدمین را منوط به اجازه دولت می‌کنیم. بنده می‌خواهم عرض کنم آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند این ماده را هم مثل آن ماده بکنند یعنی همان جور که می‌گوئیم ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است، در اینجا هم ازدواج ایرانی با زن‌های خارجه اعم از اینکه اشخاص مستخدم دولت باشند یا نباشند آن هم با اجازه دولت باشد تا تعادل محفوظ بماند والا این معادله به هم می‌خورد.

وزیر عدلیه. اولاً در کلیاتی که نماینده محترم اظهار

۱. در متن فوق عبارت «مخالفت» جایگزین عبارت «مخاله» گردید.

داشتند معلوم است که دولت هم شبهه ندارد مخصوصاً نظر ایشان همیشه شوروی بوده است در کارها غیر از این هم هیچ محملی ندارد و نخواهد داشت و خیلی ممنونم که یک حرف‌های مفیدی زده شود و آن قسمتی که مقتضی است قبول می‌کنم و موافقت خواهیم کرد. در ماده ۱۰۵۹ یک اشاره کردند ولی بیان نکردند (همشیدی). از آن قسمت صرف نظر کردم) بنده خودم که ملاحظه کردم یک تفرسی کردم بر اینکه این ماده حقاً جایش در اینجا نیست. این در کمیسیون اصلاح خواهد شد زیرا چیزهایی که جایز نیست باید در این فصل نوشته شود. اما مسئله اینکه ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه موکول به اجازه دولت باشد. این را البته آقایان می‌دانند که همیشه مرد مسلط بر زن است و زن مکلف است به اطاعت از مرد. زیرا محل اقامتش، مسکنش، اختیار امورش همه با مرد است. حتی در اینجا هم که زن مستقل است در مداخله اموال خودش باز هم در خیلی از جاها باید مطیع شوهر باشد بنابراین چون یک جنبه تسلطی از تبعه خارجه بر یک نفر ایرانی حاصل می‌شود و در بعضی جاها ممکن است این مقتضی نباشد لهذا با اجازه دولت خواهد بود اما در این قسمت که مردهای تبعه ایران نتوانند با زن‌های خارجه ازدواج کنند مگر با اجازه دولت، این قدری مشکل است. یعنی مداخله زیادی است در زندگانی داخلی مردم. نسبت به مستخدمین برای اینکه اینها برای مقصود دیگری به خارجه می‌روند. اینها در مدت اقامتشان در خارجه هوس می‌کنند که یک زن خارجه بگیرند و بعد بیاورند اینجا و با کسانشان نمی‌سازد و اسباب زحمت می‌شود از این جهت مناسب نبود مگر با اجازه دولت. چون نسبت به مستخدمین دولت بیشتر قدرت جلوگیری دارد. زیرا مستخدم دولت است. ولی نسبت به سایر افراد و کلیه مردم این قدری مشکل است ولی محصلین را ضمیمه قرار بدهیم من موافقم.

همشیدی. بسیار خوب. پس محصلین را ضمیمه کنید.

رئیس. ماده الحاقیه از طرف آقای ادهم رسیده قرائت می‌شود:

مقام منیع ریاست دامت شوکتہ العالی

این بنده پیشنهاد می‌کنم که در قانون ازدواج ماده ذیل تأمین گردد:

طرفین ازدواج قبل از عقد باید تصدیق صحت مزاج از نقطه نظر امراض زهری ارائه دهند.
رئیس. پیشنهادات مطرح نمی‌شود. به کمیسیون می‌رود در شور ثانی تکلیفش معلوم می‌شود. آقایانی که به ورود در شور دوم این قانون موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار ششم. شور اول مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

صورت مشروح مجلس روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۳
 (۱۳ ذیحجه ۱۳۵۳)

جلسه ۱۳۱

۵. شور اول يك قسمت از جلد دوم قانون مدنی از ماده ۱۰۶۲ تا ۱۱۲۰ راجع

به نکاح و طلاق

رئیس. خبر از کمیسیون قوانین عدلیه راجع به فصول چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم قانون مدنی

خبر کمیسیون

لايحه نمره ۲۷۶۰۴ دولت که در تعقیب مواد قانون مدنی (به عنوان فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم از کتاب هفتم جلد دوم قانون مدنی در نکاح و طلاق) پیشنهاد شده بود در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح و با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند مواد پیشنهادی با جزئی اصلاحی موافقت و علی‌هذا راپرت آن را به عنوان شور اول تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید:

رئیس. راپرت کمیسیون طبع و توزیع شده محتاج به قرائت نیست. مذاکره در کلیات است.
 (مخالفي نیست؟)

رئیس. آقایانی که به ورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۰۶۲.

فصل چهارم. شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲. نکاح واقع می‌شود به اجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.

رئیس. ماده ۱۰۶۳:

ماده ۱۰۶۳. اجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.

رئیس. ماده ۱۰۶۴:

ماده ۱۰۶۴. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

رئیس. ماده ۱۰۶۵:

ماده ۱۰۶۵. توالی عرفی اجاب و قبول شرط صحت عقد است.

رئیس. ماده ۱۰۶۶:

ماده ۱۰۶۶. هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.

رئیس. ماده ۱۰۶۷:

ماده ۱۰۶۷. تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.

رئیس. ماده ۱۰۶۸:

ماده ۱۰۶۸. تعلیق در عقد موجب بطلان است^۱.

رئیس. ماده ۱۰۶۹:

ماده ۱۰۶۹. شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صدق جائز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده است.

رئیس. ماده ۱۰۷۰:

ماده ۱۰۷۰. رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه

۱. در متن فوق عبارت «است» بعد از عبارت «بطلان» اضافه شد.

مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد.
رئیس. ماده ۱۰۷۱.

فصل پنجم. وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱. هر يك از مرد و زن می توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.
رئیس. ماده ۱۰۷۲:
ماده ۱۰۷۲. در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمی تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.
رئیس. ماده ۱۰۷۳:
ماده ۱۰۷۳. اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.
رئیس. ماده ۱۰۷۴:
ماده ۱۰۷۴. حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.
رئیس - ماده ۱۰۷۵:^۱
ماده ۱۰۷۵ - نکاح فضولی با اجازه نافذ است.
رئیس - ماده ۱۰۷۶:

فصل ششم. در نکاح^۲ منقطع

ماده ۱۰۷۶. نکاح^۳ وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.
رئیس. ماده ۱۰۷۷:

-
۱. در متن فوق شماره «۱۰۷۵» جایگزین شماره «۱۷۰۵» گردید.
 ۲. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.
 ۳. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.

ماده ۱۰۷۷. مدت نکاح^۱ منقطع باید کاملاً معین شود.
رئیس. ماده ۱۰۷۸:
ماده ۱۰۷۸. در نکاح^۲ منقطع احکام راجعه به وراثت زن و به مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.
رئیس. ماده ۱۰۷۹:

فصل هفتم. در مهر

ماده ۱۰۷۹. هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تمك نیز باشد میتواند مهر قرار داد.
رئیس. ماده ۱۰۸۰:
ماده ۱۰۸۰. مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها شود معلوم باشد.
رئیس. ماده ۱۰۸۱:
ماده ۱۰۸۱. تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.
رئیس. ماده ۱۰۸۲:
ماده ۱۰۸۲. اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.
رئیس. ماده ۱۰۸۳:
ماده ۱۰۸۳. به مجرد عقد زن مالک مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن نماید.
رئیس. ماده ۱۰۸۴:
ماده ۱۰۸۴. برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر میتواند مدت یا اقساطی قرار داد.
رئیس. ماده ۱۰۸۵:
ماده ۱۰۸۵. هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.

۱. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.

رئیس. ماده ۱۰۸۶:

ماده ۱۰۸۶. زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

رئیس. ماده ۱۰۸۷:

ماده ۱۰۸۷. اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذلت حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

رئیس. ماده ۱۰۸۸:

ماده ۱۰۸۸. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۰۸۹:

ماده ۱۰۸۹. در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.

رئیس. ماده ۱۰۹۰:

ماده ۱۰۹۰. ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

رئیس. ماده ۱۰۹۱:

ماده ۱۰۹۱. اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

رئیس. ماده ۱۰۹۲:

ماده ۱۰۹۲. برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

رئیس. ماده ۱۰۹۳:

ماده ۱۰۹۳. هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر

بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتی استرداد کند.

رئیس. ماده ۱۰۹۴:

ماده ۱۰۹۴. هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۰۹۵:

ماده ۱۰۹۵. برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث غنی و فقر ملاحظه می‌شود.

رئیس. ماده ۱۰۹۶:

ماده ۱۰۹۶. در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

رئیس. ماده ۱۰۹۷:

ماده ۱۰۹۷. در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

رئیس. ماده ۱۰۹۸:

ماده ۱۰۹۸. در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

رئیس. ماده ۱۰۹۹:

ماده ۱۰۹۹. در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

رئیس. ماده ۱۱۰۰:

ماده ۱۱۰۰. در صورت جهل زن به فساد نکاح و نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

رئیس. ماده ۱۱۰۱:

ماده ۱۱۰۱. در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

رئیس. ماده ۱۱۰۲:

ماده ۱۱۰۲. هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به

جهت فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عئن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.
رئیس. ماده ۱۱۰۳:

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۳. همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

رئیس. ماده ۱۱۰۴:

ماده ۱۱۰۴. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

رئیس. ماده ۱۱۰۵:

ماده ۱۱۰۵. زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

رئیس. ماده ۱۱۰۶:

ماده ۱۱۰۶. در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

رئیس. ماده ۱۱۰۷:

ماده ۱۱۰۷. در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

رئیس. ماده ۱۱۰۸:

ماده ۱۱۰۸. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و خادم و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد.

رئیس. ماده ۱۱۰۹:

ماده ۱۱۰۹. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

رئیس. ماده ۱۱۱۰:

ماده ۱۱۱۰. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از

۱. در متن فوق عبارت «یا» جایگزین عبارت «با» گردید.

شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

رئیس. ماده ۱۱۱۱:

ماده ۱۱۱۱. در عده وفات زن حق نفقه ندارد.

رئیس. ماده ۱۱۱۲:

ماده ۱۱۱۲. زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

رئیس. ماده ۱۱۱۳:

ماده ۱۱۱۳. اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن

نباشد مطابق ماده ... رفتار خواهد شد.

رئیس. (آقای وزیر عدلیه) ماده را تعیین نمی کنید؟

وزیر عدلیه. بعد در کمیسیون معین خواهد شد.

رئیس. ماده ۱۱۱۴:

ماده ۱۱۱۴. در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا اینکه عقد بر آن جاری شده باشد.

رئیس. ماده ۱۱۱۵:

ماده ۱۱۱۵. تعیین منزل با شوهر است مگر آنکه خلاف

آن شرط شده باشد.

رئیس. ماده ۱۱۱۶:

ماده ۱۱۱۶. اگر بودن زن با شوهر در يك منزل

متضمن خوف و ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۱۱۷:

ماده ۱۱۷. در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناي زن به تراضی طرفین معین می شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی نباشند خود محکمه محل مورد اطمینان را معین خواهد کرد.

رئیس. ماده ۱۱۱۸:

ماده ۱۱۱۸. شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی^۱ مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

رئیس. ماده ۱۱۱۹:

ماده ۱۱۱۹. زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

رئیس. ماده ۱۱۲۰:

ماده ۱۱۲۰. طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب یا ترك انفاق نمود یا بر علیه حیات زن سوء قصد کرد یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با

یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

رئیس. آقایانی که به ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

۶ موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس. بحمدالله مجموع کارهایی که بر عهده ما در این سال مفوض بود انجام شده است در دوسیه بنده دو نمره کار هست یکی شور اول يك قسمت قانون مدنی و یکی شور دوم همین لایحه که الان شور اولش گذشت و باید به کمیسیون برود. البته آقایان به من حق می‌دهند که این قسمت را ذخیره کنم برای اولین جلسه آینده بنابراین ما کاری نداریم از دولت هم سؤال کردم که آیا کاری دارند که ضرور باشد ما جلسات متوالی و دائم یا متناوبی داشته باشیم اطلاع دادند که فعلاً کاری ندارند بنابراین جلسه را ختم می‌کنیم (صحیح است) جلسه آینده پنجشنبه چهاردهم فروردین سه

۱. در متن فوق عبارت «منافی» جایگزین عبارت «منافی» گردید.

ساعت قبل از ظهر دستور انتخاب هیئت رئیسه.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی. دادگر

گفتار هفتم. شور اول مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۱۴
(۲ محرم ۱۳۵۴)
جلسه ۱۳۳

(۱۰. شور اول مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۵۸ جلد دوم قانون مدنی مربوط به احوالات شخصیه)

رئیس. خبر کمیسیون قوانین عدلیه شور اول راجع به انحلال عقد و نکاح قرائت می‌شود.
(به شرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود لایحه نمره ۲۹۱۳۱ دولت را که در تعقیب مواد جلد دوم قانون مدنی پیشنهاد نموده بودند با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و رسیدگی قرار داده در نتیجه ۳۸ ماده پیشنهادی را که به عنوان (باب دوم - در انحلال عقد نکاح) تنظیم یافته بود عیناً موافقت و علی‌هذا راپورت شور اول آن را که عین لایحه دولت است با ترتیب نمره بندی مواد که از ماده ۱۱۲۱ شروع و به ۱۱۵۸ خاتمه خواهد یافت تقدیم مجلس مقدس شورای ملی می‌نماید.

رئیس. مذاکره در کلیات است. آقایانی که به ورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد.

ماده اول. ماده ۱۱۲۱ قرائت می‌شود.

باب دوم. در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۱. عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود.
رئیس. نظری نیست؟ (خیر) ماده ۱۱۲۲:

فصل اول. در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۲. جنون هر يك از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.
رئیس. نظري نیست؟ ماده ۱۱۲۳

ماده ۱۱۲۳. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشوئی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت يك سال از تاریخ رجوع زن به محاکم رفع نشود.

۲. خصی.

۳. مقطوع بودن آلت تناسل.

رئیس. ماده ۱۱۲۴:

ماده ۱۱۲۴. عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱. قرن.

۲. جذام.

۳. برص.

۴. افشاء.

۵. زمین‌گیری.

۶. نابینائی از هر دو چشم.

رئیس. ماده ۱۱۲۵:

ماده ۱۱۲۵. عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است.

رئیس. ماده ۱۱۲۶:

ماده ۱۱۲۶. جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

رئیس. نظري نیست؟ (خیر) ماده ۱۱۲۷:

ماده ۱۱۲۷. هر يك از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.

رئیس. مخالفی نیست؟ ماده ۱۱۲۸

ماده ۱۱۲۸. هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی به او امتناع نماید و امتناع به علت

مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.

رئیس. نظري نیست؟ ماده ۱۱۲۹

ماده ۱۱۲۹. هرگاه در یکی از طرفین صفت خاص شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً^۱ بر آن واقع شده باشد.

رئیس. ماده ۱۱۳۰:

ماده ۱۱۳۰. در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن میتواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق مینماید.

همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

رئیس. نظري نیست؟ (گفته شد - خیر) ماده هزار و صد و سی و یک:

ماده ۱۱۳۱. حکم ماده قبل در موارد ذیل نیز جاری است:

۱. در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

۲. سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی

زن را با او غیر قابل تحمل سازد.

۳. در صورتی که به واسطه امراض مسریه صعب العلاج دوام زناشوئی برای زن موجب مخاطره باشد.

رئیس. ایرادی ندارد؟ ماده ۱۱۳۲

ماده ۱۱۳۲. خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع به علت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط میشود به شرط اینکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است.

۱. در متن فوق عبارت «متبایناً» جایگزین عبارت «متبانیاً» گردید.

رئیس. ماده ۱۱۳۳:

ماده ۱۱۳۳. در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

رئیس. اشکالی نیست؟ ماده ۱۱۳۴:

فصل دوم. در طلاق

مبحث اول. در کلیات

ماده ۱۱۳۴. مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

رئیس. ماده ۱۱۳۵:

ماده ۱۱۳۵. طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.

رئیس. نظری نیست؟ (اظهاری نشد) ماده ۱۱۳۶:

ماده ۱۱۳۶. طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است.

رئیس. ماده ۱۱۳۷:

ماده ۱۱۳۷. طلاق دهنده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

رئیس. ماده ۱۱۳۸:

ماده ۱۱۳۸. ولی مجنون دائمی می تواند در صورت مصلحت موی علیه زن او را طلاق دهد.

اورنگ. نظری نیست؟

رئیس. ماده ۱۱۳۹:

ماده ۱۱۳۹. ممکن است صیغه طلاق را به توسط وکیل اجرا نمود.

رئیس. ماده ۱۱۴۰:

ماده ۱۱۴۰. طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت

خارج می شود.

رئیس. ماده ۱۱۴۱:

ماده ۱۱۴۱. طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند.

رئیس. ایرادی ندارد؟ ماده ۱۱۴۲:
ماده ۱۱۴۲. طلاق در طهر واقع صحیح نیست مگر اینکه زن پائسه یا حامل باشد.
رئیس. ماده ۱۱۴۳:
ماده ۱۱۴۳. طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد.
رئیس. نظری نیست؟ ماده ۱۱۴۴:

مبحث دوم. در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۴. طلاق بر دو قسم است: بائن و رجعی.
رئیس. ماده ۱۱۴۵:
ماده ۱۱۴۵. در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.
رئیس. ماده ۱۱۴۶:
ماده ۱۱۴۶. در موارد ذیل طلاق بائن است:
۱. طلاقی که قبل از همبستری واقع شود.
۲. طلاق پائسه.
۳. طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد.
۴. سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.
رئیس. ماده هزار و صد و چهل و هفت:
ماده ۱۱۴۷. طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که شوهر می‌دهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.
رئیس. ماده هزار و صد و چهل و هشت:
ماده ۱۱۴۸. طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.
رئیس. ایرادی ندارد؟ ماده هزار و صد و چهل و نه:
ماده ۱۱۴۹. در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.
رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه:

ماده ۱۱۵۰. رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد.

رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و یک:

مبحث سوم. در عده

ماده ۱۱۵۱. عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند.

رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و دو:

ماده ۱۱۵۲. عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و سه:

ماده ۱۱۵۳. عده طلاق^۱ و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر

است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.

رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و چهار:

ماده ۱۱۵۴. عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و پنج:

ماده ۱۱۵۵. عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است. مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.

رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و شش:

ماده ۱۱۵۶. زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و

۱. در مورد زاید بودن عبارت «طلاق» در متن ماده فوق، به صورت مشروح مذاکرات جلسه ۳ فوق العاده کمیسیون پارلمانی عدلیه (شور دوم - گفتار دهم) مورخ ۱۳۱۴/۷/۲۹ مراجعه شود.

نه عده فسخ نکاح و لی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود.
رئیس. ماده هزار و صد و پنجاه و هفت:
ماده ۱۱۵۷. زنی که شوهر او غایب مفقودالثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد.
رئیس. ماده آخر یعنی ماده هزار و صد و پنجاه و هشت قرائت می‌شود:
ماده ۱۱۵۸. زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد.
رئیس. آقایانی که به ورود در شور دوم این لایحه همراهند برخیزند.
(اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد.

گفتار هشتم. شور مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

صورت مشروح مجلس روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱۴
(۵ محرم ۱۳۵۴)
جلسه ۱۳۵

تذکر:

مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ به صورت یک فوریتی بررسی شده، بنابراین مشروح مذاکرات شور دوم در مورد آن منتفی است.

۲. شور و تصویب یک قسمت از مواد قانون مدنی از کتاب هشتم از ماده ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۵

رئیس. خبر از کمیسیون قوانین عدلیه راجع به کتاب هشتم از قانون مدنی.
(به شرح ذیل قرائت شد)

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه پیشنهادی تحت نمره ۸۴۳ آن وزارتخانه را تحت شور و مذاکره قرار داده پس از مذاکرات لازمه بالاخره مواد پیشنهادی با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را برای تصویب قطعی مجلس

شورای ملی تقدیم می‌دارد:
رئیس. مذاکره در کلیات است. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۵۸:

کتاب هشتم. در اولاد

باب اول. در نسب

ماده ۱۱۵۸. طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۵۸ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۵۹:

ماده ۱۱۵۹. هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه نگذشته باشد.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. در این ماده این استثنائی که شده «مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا

زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد» بنده عقیده ام این است که آقای وزیر

عدلیه راجع به این ماده یک توضیحات کافی بدهند تا رفع اشتباه بشود. چون می‌بینیم بعضی از آقایان یک اشتباهی در این ماده دارند.

وزیر عدلیه (آقای صدر). قواعدی که در حمل زن در شرع رعایت شده و همین طور هم دلائل طبی بر طبق آن هست این است که طفل کمتر از شش ماه زنده متولد نمی‌شود پس وقتی که طفل متولد شد و شش ماه هم از او گذشته است این ملحق می‌شود به همان فرارش و همان شوهری که زن دارد و همچنین بیش از ده ماه هم زن حمل را نگاه نمی‌دارد حداکثرش ده ماه است پس اگر

تا ده ماه زنی حمل داشت این ملحق می شود به شوهری که تا ده ماه قبل شوهر او بوده است. ولی اگر ماه یازدهم به دنیا آمد دیگر نمی شود طفل را به او ملحق کرد. بنابراین منظور این ماده این است که اگر بیش از ده ماه نگذشته باشد طفل ملحق است به شوهری که زن داشته و نکاح او منحل شده به یکی از علل یا به طلاق یا به فسخ و یا به بذل مدت به هر چه. یعنی اگر بیش از ده ماه نگذشته باشد دیگر نمی توان به او الحاق کرد به جهت اینکه دیگر تصور نمی رود که از او همی را نگاه داشته باشد. پس طرف اقل شش ماه ملاحظه شده است و در طرف اکثر ده ماه.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۵۹ موافقت دارند برخیزند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۰ قرائت می شود.

ماده ۱۱۶۰. در صورتی که عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق می شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است در صورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق به شوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه بر خلاف آن دلالت کند.

رئیس. آقایانی که با این ماده موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند) تأمل بفرمائید... تصویب شد. این قانون مدنی که از مواد زیاد تشکیل شده و غالباً هم محل بحث نیست برای اینکه چیزهای محقق و مطابق قانون اساسی است خسته نشوند آقایان در رأی دادن و بنده را به تکلف نیندازند. (صحیح است) ماده ۱۱۶۱.

ماده ۱۱۶۱. در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۶۱ موافقت دارند برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۲ قرائت می شود.

ماده ۱۱۶۲. در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می‌باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضای دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۶۲ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۳.

ماده ۱۱۶۳. در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل به او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

رئیس. اشکالی نیست؟ موافقین با ماده ۱۱۶۳ قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۴.

ماده ۱۱۶۴. احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگر چه مادر طفل مشتبه نباشد.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. بنده خواستم تقاضا کنم توضیحی در این ماده ۱۱۶۴ داده شود که مقصود از اینکه اگر چه مادر طفل مشتبه نباشد چیست؟

وزیر عدلیه. مقصود از این ماده این است چون یک وقت همبستری به شبهه حاصل می‌شود ما بین دو نفر یا عقده‌ای که شده فاسد شده ولی طرفین تصور می‌کنند که صحیح است یا این است که شبهه در موضوع می‌شود خیال می‌کند با حلال خودش نزدیکی می‌کند بعد معلوم می‌شود که نبوده چون به عقیده مشروعیت همبستر شده است این طفل ملحق می‌شود به پدر. مورد مثل زنا نیست که الحاق پیدا نمی‌کند این را می‌گویند ملحق می‌شود و نسب مشروع است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۶۴ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند)

رئیس. تصویب شد ماده ۱۱۶۵:

ماده ۱۱۶۵. طفل متولد از نزدیکی به شبیه فقط ملحق به طرفی می شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده اند ملحق به هر دو خواهد بود.

رئیس. آقای امیر تیمور.

امیر تیمور کلای. بنده هر چه دقت کردم مفهوم این ماده را نفهمیدم از ظاهر عبارت این طور استنباط می شود که اگر موضوع شبیه باشد این طفل متعلق به دو پدر می شود (دیبا - نه آقا به مادر) خوب اگر این طور است باید توضیح بدهند و رفع این اشتباه بشود. چون در پائین هم مدتی صحبت کردیم اغلب آقایان هم در شبیه بودند.

وزیر عدلیه. در این مواد صحبت از دو پدر نیست یعنی زنی باشد که دو شوهر کرده باشد مقصود این است یک وقت شوهر مشتبه است که با زن غیری به خیال زن خودش همبستری کرده. یک وقت زن در این امر مشتبه است یک وقت هر دو مشتبه اند. یک وقت هیچ کدام مشتبه نیستند. اگر هیچ کدام مشتبه نیستند که نسبت به هیچ کدام نمی رسد هیچ حکمی هم ندارد این را هم عرض کنم که مسئله تشخیص در احکام است والا مسلم است که طفل از این زن زائیده شده. از جهت طبیعی اشکالی نیست. اشکال از جهت احکام است. یکی حکم ارث است یکی حکم حلیت و حرمت نکاح است. در اقربای اینها اثر دارد اگر هر دو مشتبه اند نسبتش به هر دو مشروع است هم ارث می برد از هر دو هم به اقربای طرفین تا آن درجاتی که نکاح حرام است حرام می شود و اگر به یک طرف مشتبه است به طرف دیگر مشتبه نبوده است نسبت به آن کسی که مشتبه بوده حکم مشروعیت جاری می شود و نسبت به آن که مشتبه نبوده حکم نسبی داده نمی شود و اثبات نمی شود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۶۵ موافقت دارند برخیزند.

(گروهی برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۶۶.

ماده ۱۱۶۶. هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین

ابوین باطل باشد نسب طفل به هر يك از ابوین كه جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود.
رئیس. آقایانی كه با ماده ۱۱۶۶ موافقت دارند برخیزند.
 (جمعی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۷:
ماده ۱۱۶۷. طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.
رئیس. آقایانی كه با ماده ۱۱۶۷ موافقت دارند قیام نمایند.
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۸.

باب دوم. در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸. نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.
رئیس. آقایانی كه با ماده ۱۱۶۸ موافقت دارند برخیزند.
 (گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۶۹.
ماده ۱۱۶۹. برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اثاث كه تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود.
رئیس. آقایانی كه با ماده ۱۱۶۹ موافقت دارند برخیزند.
 (عده‌ای برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۰:
ماده ۱۱۷۰. اگر مادر در مدتی كه حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا با دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.
رئیس. آقای اورنگ.
اورنگ. بنده يك توضیحی در این ماده می‌خواهم اگر چه بیشتر مربوط به ماده قبل است و آن این است كه البته بر حسب حكم صریح شرع حضانت طفل در صورتی كه پسر باشد تا دو سال با مادر است و در صورتی كه دختر باشد تا هفت سال ولی غالباً در عمل دیده شده است در این فصل‌ها و طلاق‌ها كه اتفاق می‌افتد

بین زن و مرد فرض کنید طفلی پسر است. درست است که تا دو سال بیشتر نباید نزد مادر باشد ولی یک بچه تازه از شیر گرفته را پدرها برای اینکه سختگیری کرده باشند با مادرها، فوری از او جدا می کنند آیا مقدور نیست که ما در اینجا چیزی بگنجانیم که اگر عیال (زن) مراجعه کند به محکمه حق داشته باشد مراجعه کند و در صورتی که اثبات کند گرفتن طفل از او از نظر سختی با او است در این صورت محکمه این طفل را برای مدت یک سال دو سال حضانتش را به مادر واگذار کند. مقصود تا مدتی است که طفل بتواند بدون مادر زندگی کند آن وقت دوباره به پدرش بدهند.

وزیر عدلیه. در اینجا حق اولویت است. این البته در صورتی است که اختلاف کنند زیرا اگر تراضی باشد اشکالی نیست ولی اگر بنا شد که اختلاف کنند چون این حق مال پدر است نمی توان به زن داد ناچار باید با پدر باشد و او مقدم است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۷۰ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۱.

ماده ۱۱۷۱. در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۷۱ موافقت دارند برخیزند.

(عده ای برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۲.

ماده ۱۱۷۲. هیچ یک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگهداری طفل^۱ به هر یک از ابوین که حضانت به عهده او

۱. در متن فوق عبارت «طفل» بعد از عبارت «نگاهداری» اضافه شد.

است الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. در اینجا یکی اصلاح عبارتی به اعتقاد من لازم دارد بعد از طفل يك كلمه (را) کسر دارد.

وزیر عدلیه. درست است.

رئیس. آقای وزیر عدلیه موافقت دارند.

آقای خبر؟

خبر. موافقم.

رئیس. رأی می‌گیرم به ماده ۱۱۷۲ با اصلاح افزایش کلمه (را) آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۳.

ماده ۱۱۷۳. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

رئیس. آقایانی که با^۱ ماده ۱۱۷۳ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۴:

ماده ۱۱۷۴. در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوین طفل در يك منزل سکونت نداشته باشند هر يك از طرفین که طفل تحت حضانت او نمی‌باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۷۴ موافقت دارند برخیزند.

(گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۵:

ماده ۱۱۷۵. طفل را نمی‌توان از ابوین و یا از پدر

۱. در متن فوق عبارت «یا» بعد از عبارت «که» اضافه شد.

و یا از مادری که حضانت با او است گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۷۵ موافقتند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۶.

ماده ۱۱۷۶. مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.

رئیس. آقای دیبا.

دیبا. در این ماده تصریح شده در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد مادر مجبور است که به طفل شیر بدهد ولی بنده در فقه دیده‌ام تصریح دارد که شیر دادن مادر مجانی نیست و مادر می‌تواند اجرت مطالبه کند. بنده عقیده‌ام این است که مسئله اجرت در اینجا تصریح شود و با این ترتیب اگر ماده تصویب شود ممکن است در یک موردی مادر شیر بدهد ولی پدر اجرت او را ندهد.

وزیر عدلیه. مسئله اجرت در موردی است که نخواهد شیر بدهد آن وقت البته حق مطالبه اجرت دارد ولی اگر بخواهد با اجرت یا بی‌اجرت شیر بدهد در این صورت نمی‌توان او را ملزم کرد که شیر بدهد و اگر در موقعی که طفل ناچار باید شیر مادر بخورد یا پدر ندارد یا حاضر نمی‌شود دایه بگیرد یا به جهات دیگر مثلاً شیر گاو ممکن نیست به او بدهد یا آنکه مضرات دیگر در کار است بالاخره طفل که نباید بمیرد. در اینجا مادر یا با اجرت یا بی‌اجرت باید شیر بدهد. در اینجا نظر به اجرت نیست مقصود التزام به دادن شیر است چون طفل بی‌غذا نباید بماند و تلف شود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۷۶ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۷.

ماده ۱۱۷۷. طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. این ماده خیلی خیلی خوب ماده‌ای است لکن اگر آمد و احترام نکرد آن وقت چه می‌شود؟ این

ماده فقط این است که امر می‌کند و مطلب را بیان و اعلام می‌کند که طفل در هر سنی که باشد باید به والدین خود احترام کند ولی اگر نکرد چه می‌شود. نتیجه‌اش لغو و معلوم نیست چه می‌شود؟

وزیر عدلیه. اولاً اگر طفل در حد صباوت است و در موقعی است که باید او را تربیت کرد که به پدر حق داده شده است او را تربیت کند و کتک بزند به هر شکل حق تأدیب او را دارد به طوری که در ماده بعد خواهد آمد و اگر بزرگ شده است ولو آنکه از حد گذشته است باز باید اطاعت کند. اینها يك اعلانات قانونی است که در حقیقت از طرف جامعه می‌شود و باید که اولاد هم تکالیف خودشان را بدانند هر ماده قانون لازم نیست که يك تضمینات اجرائی و جزائی داشته باشد. اینها يك اعلاناتی است.

رئیس. آقای افسر.

افسر. بنده موافقم. در قانون دیگر هم که گذشت آقای وزیر عدلیه تذکر دادند و فرمودند که در تمام دنیا هم همین طور است که قوانین و مواد حتماً لازم نیست جزا داشته باشد و اشکالی ندارد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۷۷ موافقت می‌کنند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۸.

ماده ۱۱۷۸. ابوین مکلف هستند که در حدود توانائی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل گذارند.

رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۷۸ موافقت می‌کنند.

(گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۷۹.

ماده ۱۱۷۹. ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.

رئیس. آقایان موافقین با ماده ۱۱۷۹ برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۰ قرائت می‌شود.

باب سوم. در ولایت قهری پدر وجد پدری

ماده ۱۱۸۰. طفل صغیر تحت ولایت پدر و جد پدری خود می باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر^۱ باشد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۸۰ موافقند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۱.

ماده ۱۱۸۱. هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۱۸۱ برخیزند.

(جمعی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۲.

ماده ۱۱۸۲ - هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها محجور یا به علی منوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط می شود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۸۲ موافقند برخیزند.

(جمعی قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۳.

ماده ۱۱۸۳. در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی^۲ مولی علیه ولی نماینده قانونی او می باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۱۸۳ برخیزند.

(گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۴.

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال مزبور مرتکب حیف و میل گردد محکمه مکلف است به تقاضای اقربای طفلی یا به تقاضای مدعی العموم از ولی طفل تضمینات معتبر کافی بخواهد در صورتی که ولی مزبور نخواهد^۳ یا نتواند تضمینات مزبور را بدهد محکمه می تواند هر تصمیمی را که برای ضبط اموال مولی علیه لازم می داند اتخاذ کند همین

۱. در متن فوق عبارت «صغر» جایگزین عبارت «صغیر» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «حقوق مالی» جایگزین عبارت «حقوقی مال» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «نخواهد» جایگزین عبارت «بخواهد» گردید.

حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولی‌علیه نباشد.

وزیر عدلیه. در این ماده بعد از تنظیم بنده متوجه شدم به یک ماده که چندی قبل تصویب شد راجع به خیانت ولی قهری که اگر ولی قهری خیانت کند به او ضم امین می‌شود مثل متولی منصوب که خیانت در مال وقف بکند بعد از آن تذکر به نظر بنده آمد که یک نقصی در این ماده موجود است و آن این است که خواست تضمینات کافی در موردی خوب است که شبهه در امانت ولی باشد اگر عدم امانتش معلوم شد تضمینات فائده ندارد زیرا آن وقت کار را به همان کسی می‌گمارد که در حقیقت کار را از دست او باید عملاً بگیرند. بنابراین، این ماده یک اصلاحی دارد. بنده می‌خوانم به این ترتیب هم اگر آقایان موافقند اصلاح بفرمایند:

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی‌علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او (اینجا «مزبور»، «او» باید شود) مرتکب

حیف و میل گردد بعد از ثبوت عدم لیاقت و خیانت او در اموال مولی‌علیه به طرفیت مدعی العموم در محکمه (یعنی ثبوت خیانت او به طرفیت مدعی العموم) طبق ماده ۷۹ این قانون حاکم یک نفر امین به ولی منضم می‌کند. بعد آن قسمت بعرض درست است.

رئیس. آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا. بنده با این اصلاح موافقم.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. بنده هم با این اصلاحی که شد فعلاً عرضی ندارم.

رئیس. یک مرتبه دیگر آقای خبر ماده اصلاح شده را می‌خوانند و رأی می‌گیریم:

(آقای مؤیداحمدی به ترتیب ذیل قرائت نمودند)

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن

۱. در متن فوق عبارت «منصوب» جایگزین عبارت «منصوم» گردید.

اموال مولي عليه را نداشته باشد و يا در مورد اموال او مرتكب حيف و ميل گردد محكمه مكلف است به تقاضاي اقرباي طفل يا به تقاضاي مدعي العموم بعد از ثبوت عدم لياقت يا خيانت او در اموال مولي عليه به طرفيت مدعي العموم در محكمه طبق ماده ۷۹ اين قانون حاكم يك نفر امين به ولي منضم مي كند. همين حكم در موردني نيز جاري است كه ولي طفل به واسطه كير سن يا مرض يا امثال آن قادر به اداره كردن اموال مولي عليه نباشد.

رئيس. آقاي همشدي فرمايشي داشتيد؟

همشدي. اصلاحي را كه حضرت آقاي وزير عدليه فرموده بودند غير از آن چيزي است كه اينجا آقاي مؤيداحدي قرائت فرمودند براي اينكه آنجا اولاً نوشته شده بود به تقاضاي اقرباي طفل. مي دانيد در بين فاميل ها اغلب يك كدورت هائي است و ممكن است روي اين نظريات يك سعائت هائي نسبت به يكدگر بكنند به اين جهت در ابتداء آن اصلاحي كه فرموده بودند عنوان همان

طرفيت مدعي العموم بود يعني مدعي العموم به هر وسيله و به هر راهي تحصيل اطلاع بكنند كه ولي طفل لياقت اداره كردن را ندارد اعم از اينكه همان اقرباي او اين راپرت را داده باشند يا از يك راهها و مجاري ديگري تحصيل اين اطلاع را کرده باشد كافي است كه مدعي العموم اقامه دعوي در محكمه بكنند يكي ديگر عنوان كير سن را براي ولي قرار داده اند نوشته اند ولي طفل به واسطه كير سن يا مرض يا امثال آن قادر به اداره كردن اموال مولي عليه نباشد ولي طفل در اكثر و اغلب موارد همان علاقه را كه در حفظ مال خودش دارد در حفظ مال صغير هم دارد هيچ فرقي نمي كند از اين حيث اگر يك شخصي مسن است در تحفظ مال خودش دارائي خودش چه خواهد كرد؟ كوتاهي كه نمي كند. البته چون علاقه مند است خودش براي خودش يك اميني يك مباشري خواهد گرفت در اينجا هم همين طور است (صحیح است) در صورتي كه نسبت به اموال مولي عليه خودش نتواند به واسطه كير سن اداره كند

آنجا يك نفر امين يا مدعي العموم يا^۱ ديگري يا خودش ضميمه مي‌کند و به عقیده بنده نبايد زياد دخالت در امور شخصيه مردم کرد (صحيح است) فقط در مواردی که در شرع مقدس اسلام هم هست مسئله حيف و ميل است و تفريط و تعدي است (صحيح است) غير از اين چيز ديگري نيست والا همان علاقه که شخص به نگاهداري اموال خودش دارد در اغلب و اکثر موارد اين طور است که نسبت به مال مولي عليه خودش نيز دارد فرق نمي‌کند بنده عقیده ام اين است که همان قدر به طور اختصار ماده اي^۲ که سابقاً خود آقاي وزير عدليه از مجلس گذرانده بودند و بنده الان آن را قرائت مي‌کنم اين خودش کافي است. ماده واحده اي است که در اول آذر ماه از تصويب مجلس شوراي ملي گذشته است:

ولي قهري پدر يا جد هرگاه در مقام اتلاف مال صغير يا مجنون يا سفيه باشد بعد از ثبوت خيانت او نسبت به اموال مولي عليه به طرفيت مدعي العموم در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدني حاکم يك نفر امين به ولي منضم مي‌کند. (صحيح است) در اين گونه از موارد هم به عقیده بنده بايد همين طور کرد و اين خود کافي است (صحيح است) والا اگر بنا باشد ما اين را خيلي کش بدهيم تازه راجع به قسمت اينکه بگوئيم فلان زيد لايق و کافي هست يا نيست اين خودش يك بحث بزرگي پيدا خواهد کرد (صحيح است) و اين تشخيص چقدر مشکل است يا فلان زيد چون کير سن دارد نمي‌تواند در اموال مولي عليه خودش دخالت کند يا آنها را نگاهداري و تحفظ کند و اين خيلي دامنه و توسعه پيدا مي‌کند (صحيح است) و اين دخالت در اموال مردم است دخالت در امورات زندگاني مردم است (صحيح است) و کار مشکلي است هر چه اين ماده جمع‌تر بشود به عقیده بنده بهتر است

۱. در متن فوق عبارت «يا» جايزين عبارت «يا» گرديد.

۲. در متن فوق عبارت «ماده اي» جايزين عبارت «ماده» گرديد.

(صحیح است) این بود خلاصه عرایض بنده .
وزیر عدلیه. این ماده از حیث مطلب هیچ تنافی با آن ماده سابق ندارد بعد از آن اصلاحی که شده است مفاد و مطلبش عیناً همان است الا اینکه یک قسمت در این ماده به آن ملحق شده است در حکم و آن در صورتی است که پدر یا جد به جهت یا به مرض یا به واسطه کبر سن البته کبر سن که عجز نیاورد (هر کبر سنی که عجز نمی‌آورد) خیلی اشخاص کبرالسن هستند که فقط رأیشان کار می‌کند و محتاج به اعمال قوه بدنی نیستند ولی اگر از همه جهت عجز پیدا کرد و این هم در ماده به طور مثال ذکر شده است کبر سن و مرض و یا به جهات دیگری نتوانست اداره کند امور مولی علیه خودش را اینجا هم باید ضم امین بشود این ملحق شده است در حکم آن ماده سابق در واقع و مجموع شده است دو ماده اما قسمت اولی که فرمودند تقاضای اقربای طفل لازم نیست و گاهی هست که یک مشاجراتی در یک خانواده بین اقربا پیدا می‌شود و اسباب زحمت می‌شوند یا اینکه ثبوت عدم لیاقت مشکل است این را عرض می‌کنم که اساساً تمام این مواد و قوانین برای حفظ مال صغیر است که در واقع تکفل او بر جامعه است نهایت چون یک اشخاص نزدیک اولویت دارند اولویت قهری دارند آنها ولی قهری محسوب و تکلیف آنها است و باید هم بکنند نباید هم کار را از دست آنها گرفت ولی وقتی که خیانت آنها ثابت شد یا نتوانستند اداره کنند نتیجه نتوانستن یا خیانت کردن یکی است برای اینکه وقتی لیاقت نداشت اداره کند مال صغیر از بین می‌رود و وقتی هم که خیانت کرد مال او از بین می‌رود و نتیجه یکی است ولی لازم نیست که به صرف اظهار مدعی العموم یا اقربا یا دیگری یا یک راپرت که در این باب رسیده دست او را از کار کوتاه کنند البته باید یک مرجعی برای ثبوت یکی از این دو امر باشد عدم لیاقت یا خیانت در این صورت دیگر فرق نمی‌کند خواه کسی مغرض باشد خواه نباشد ممکن است کسی مغرض هم باشد حرف راست هم بزند لازم نیست همیشه مغرض دروغ بگوید ممکن است غرضاً اظهاری بکنند راست و صدق هم باشد پس باید در محکمه ثابت شود چیزی

که هست همیشه در محکمه باید به طرفیت مدعی العموم باشد پس تفاوت در مطلب با اصل ماده ندارد منتهی خیلی روشن‌تر و مفصل‌تر است و به نظر بنده این ترتیب بهتر است.

همشیدی. دو مرتبه قرائت شود با این اصلاح.
(جدداً آقای مؤیداحمدی خیر کمیسیون به ترتیب سابق قرائت نمودند)

رئیس. آقای همشیدی نظری داشتید؟

همشیدی. بنده فقط غرض این بود که اقامه دعوی را در محکمه مدعی العموم بکند حال مدعی العموم به هر وسیله که می‌خواهد تحصیل اطلاع بکند، بکند همچنان که در موردی که قیم اگر خیانت کرد در امور مولی علیه خودش مدعی العموم حق دارد تقاضای عزل او را بکند در این مورد هم این طور بشود اما اینکه اقربا خودشان حق داشته باشند عرضحال بدهند، خیر راپرت بدهند به مدعی العموم و مدعی العموم هم اقامه دعوی بکند. به طرفیت مدعی العموم باشد نه اقربا زیرا آن وقت دامن‌اش خیلی توسعه پیدا می‌کند و اسباب زحمت می‌شود الان که پارکه بدایت فقط در قسمت امور قیمین دارد دخالت می‌کند واقعاً اگر بخواهند نظارت به معنای ام بکنند پنج تا وکیل عمومی در خود تهران نمی‌رسد به این کار. بنده اطلاع دارم و حالا ما هر چه این را دامن‌اش را توسعه بدهیم اسباب زحمت خود محاکم هم می‌شود بنابراین بنده عقیده‌ام این است که آن یک نفر از اقربای مولی علیه این شخص اگر خیلی دلسوز است اگر واقعاً علاقه‌مند است غرض و مرضی ندارد این را برود به مدعی العموم بگوید و اگر او صلاح دید اقامه دعوی بکند در محکمه مقصود از عرض بنده این است.

وزیر عدلیه. باز بنده عرض می‌کنم حالا کم‌کم عقیده بنده این است که بهتر این است که این طور باشد یعنی تقاضای اقربای طفل هم مداخلت داشته و اختیار مطلق در اقامه دعوی با مدعی العموم نباشد. هر چند محاکمه قطعاً به طرفیت مدعی العموم خواهد بود در ماده هم همین طور تصریح شده است ولی چه ضرر دارد که اقربا هم حق داشته باشند این شکایت را به محکمه بکنند و این قدر را هم حق

داشته باشند ضرري ندارد و با وجود اين عرض کردم باز محاکمه به طرفيت مدعي العموم خواهد بود و اين توسعه داشته باشد که يا مدعي العموم يا اقرباي طفل حق شکايت به محکمه را داشته باشند لااقل مثل مدعي خصوصي و به منزله مدعي خصوصي باشد اين بهتر است.

رئيس. آقاي افسر.

افسر. عرض کنم که البته وقتي که اقربا را ما مدخليت داديم خود آن شخص خيلي بيشتري ملاحظه مي کند چون مي داند که زودتر آگاه مي شوند تا مدعي العموم و اين يك مواظبت قهري مي کند چون در جائي که مدعي العمومي نباشد، تا اطلاع به مدعي العموم در خيانت جري تر مي شود ولي آنها مدخليت داشته باشند بهتر است و اين ماده خوب است. دوم اينکه آقاي جمشيد مي فرمايند راست است وکيل عمومي خيلي کم است ولي وقتي که جامعه مي خواهد تکفل کند نسبت به اينگونه امور بايد خارج و وسائلی که مورد احتياج است خود وزارت عدليه در بودجه اش پيشنهاد کند ده تا بيست تا سي تا هر قدر لازم است پيشنهاد کنند ما مي خواهيم مدعي العموم و وکيل عمومي کم داشته باشيم و حقوق کم بدهيم اين نفي شود کار پيش نمي رود و اگر اين مواظبت ها و دقت ها را نکنيم به نظر بنده تکليف خودمان را از مدنظر جامعه ادا نکرده ايم واقعاً بايد وسائل کار را فراهم کرد و وسائل نظارت را هم بايد فراهم کرد.

مؤيد احمدي (مخبر کميسيون قوانين عدليه). عرض کنم که پريروز هم که اين ماده در کميسيون مطرح شور بود در آنجا بنده تذکر دادم که در قانون سابق هيمن طوري که آقاي جمشيد خواندند ماده واحده اي گذشت و اين حق را ما داديم که همچنان که قيم اگر خيانت کرد ضم امين به او بشود در ولي قهري هم اين حق را داديم در مورد خيانتش که شبهه ندارد به عقیده بنده (جمشيد - البته) وقتي ولي قهري خيانت در مال مولي عليه کرد تلف کرد و حيف و ميل کرد مال صغير را البته بايد ضم امين به او بشود اما آمدن راجع به اقربا. فايده اي که اين دارد اين است که چون

ملاحظه می‌فرمائید که آن طرفش را فرموده بعضی‌ها ممکن است غرض داشته باشند و زیاد هم اعمال غرض بکنند البته در فامیل‌ها خیلی هستند که با هم مغرضند و سوء نظر دارند و ممکن است کارهایی هم بکنند ولی از طرف دیگر باید ملاحظه کرد که یک عده‌ای از قوم و خویش‌ها وقتی مطلع شدند که این دارد مال صغیر را تلف می‌کند حیث و میل می‌کند آجگاهی را هم فرض کنید که پارک به بدایت ندارد در قریه در ده که پارک نیست و یک نفر از اقوام صغیر فهمید ولی قهري دارد مال صغیر را تفریط می‌کند چه ضرري دارد که بیاید به محکمه، به پارک بگوید ولی در هر صورت محکمه به طرفیت مدعی العموم است ماده اصلاحی را ملاحظه بفرمائید در هر صورت راپرت داده باشند چه اقربا اطلاع داده باشند چه خود مدعی العموم فهمیده باشد و اطلاع پیدا کرده باشد در هر صورت در محکمه به طرفیت مدعی العموم اقامه دعوی می‌شود ولی اگر غرض باشد و مدرک صحیح نباشد که مدعی العموم طرفیت نخواهد کرد اما اگر راست باشد هر کس اطلاع داده باشد ولو مغرض هم باشد و راست بگوید یا خود مدعی العموم اطلاع صحیح پیدا کند آن وقت البته مدعی العموم طرفیت می‌کند و اقامه دعوی می‌کند اما کبر سن و مرض این از قبیل مثل است یا اینکه فرض کنید محبوس شده جنایتی کرد و حبس شد آن دیگر نمی‌تواند دخالت کند و این مثل است در هر صورت به عقیده بنده این شکلی که فعلاً اصلاح شده بهتر از شکل اول است چون شکل اول طرفیت مدعی العموم و ضم امین را نداشت نوشته بود هر قسم می‌خواهد تضمین بگیرد و با این اصلاح بنده موافقم.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۸۴ همراهند به طوری که اصلاح شد و مورد تصدیق دولت و مجری کمیسیون است بخریزند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۸۵ قرائت می‌شود.

ماده ۱۱۸۵. هرگاه ولی قهري طفل مجبور شود محکمه مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم قیمی برای طفل معین کند.

رئیس. مخالفی نیست؟ آقای وزیر عدلیه.

وزیر عدلیه. اینجا چون ترتیب تعیین قیم با مدعی العموم است به یک ترتیبات خاصی پیشنهاد می‌کند و حاکم محکمه شرع رسمی معین می‌کنند پس در اینجا هم به جای محکمه اگر مدعی العموم گذارده شود بهتر است.

رئیس. نظر آقای خبر؟

خبر. صحیح است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۸۵ موافقتند برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۸۶.

ماده ۱۱۸۶. در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارائی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد محکمه در این مورد به طرز اداری رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار می‌نماید.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اولاً بنده عقیده‌ام این است که با وجود ماده ۱۱۸۴ دیگر احتیاجی به این ماده نیست این عیناً همان قضیه حیف و میل است که در ماده ۱۱۸۴ ذکر شده است که اگر مال حیف و میل شد به آن ترتیب رفتار می‌شود اینجا هم در مواردی است که برای عدم امانت نسبت به دارائی طفل امارات قویه موجود باشد البته در ماده سابق هم این طور بود که امارات قویه موجود بود یا اقرباء خبر

می‌دادند یا مدعی العموم تقاضا کرده محکمه رسیدگی می‌کرد و این عیناً همان قضیه است و احتیاجی به آن نیست و بعد هم اینکه می‌نویسد به طرز اداری رسیدگی کند این یک چیز تازه‌ای است طرز اداری محکمه فقط نسبت به مستخدمین و خلفات و اینها است و در ترتیبات قیم و اینها باید همین ترتیبات حقوقی و قانونی معمول باشد آنجا طرز قانونی بود اینجا تفاوت دارد طرز اداری است.

وزیر عدلیه. در قسمت اینکه رسیدگی اداری برداشته شود بنده موافقم با آقای دیبا زیرا وقتی عدم

امانت او معلوم شود باید ثابت شود و این هم به طرفیت مدعی العموم است و البته آن شخص که ولی قهری است به طرفیت او هم باید باشد پس این قسمتش اشکال ندارد اما اینکه این عیناً همان ماده است خیر برای اینکه وقتی امارات قویه موجود شد مدعی العموم باید مکلف باشد به اقامه دعوی نه اینکه میل داشته باشد بکند میل داشته باشد نکند مفاد ماده این است.

رئیس. آقایانی که با ماده ...

همشده. اجازه می‌فرمائید. آن اصلاحی که فرمودند کلمه اداری برداشته شود موافقت شد یا خیر چون خیلی مهم است.

وزیر عدلیه. بلی کلمه اداریش را بردارید.

رئیس. آقای مخیر.

مخیر. بنده عقیده ام این است که با آن اصلاحی که فرمودند که به جای محکمه مدعی العموم باشد و مطابق مقررات رفتار کنند البته مقتضی است که کلمه (به طرز اداری) برداشته شود و از این جهت بنده موافقم.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۸۶ موافقت دارند با این اصلاحی که شد برخیزند.

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۸۷.

ماده ۱۱۸۷. هر يك از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری نمی‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.

رئیس. پیشنهادی در این خصوص از آقای اورنگ رسیده است:

ماده ذیل را به جای ماده ۱۱۸۷ پیشنهاد می‌کنم.

هرگاه ولی قهری منحصر به واسطه غیبت یا حبس به هر علتی که باشد نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم يك نفر امین به پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. ماده ای را که بنده پیشنهاد کردم قائم مقام لفظ و عدد ۱۱۸۷ است نه قائم مقام خود ماده حذف او را پیشنهاد نمی کنم فقط این ماده را با این عدد در اینجا پیشنهاد می کنم که ماده بعدی ۱۱۸۸ بشود آقای وزیر عدلیه هم موافقت.

وزیر عدلیه. در حقیقت پیشنهاد و اضافه یک ماده است اضافه شود خوب هم هست بنده هم موافقم.

رئیس. ماده الحاقیه است نهایت این است که تشخیص فرموده اید جایش اینجا است ما حالا رأی نمی گیریم و می گذاریم در آخر این مواد و نمراتش را هم بعد تصحیح می کنیم. (صحیح است) آقایانی که با ماده ۱۱۸۷ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند)

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۸۸:

ماده ۱۱۸۸. هیچ یک از پدر و جد پدری نمی تواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۸۸ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۸۹:

ماده ۱۱۸۹. ممکن است پدر یا جد پدری به کسی که به سمت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت خود برای مولی علیه بدهد.

رئیس. آقایانی که موافقت برخیزند.

(جمع کثیری برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۹۰:

ماده ۱۱۹۰. اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل می شود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا نسبت به وصیت ترتیبی معین شده بنده کاملاً دقت کردم نسبت به ولی قهری هم نظیر این مطلب پیش بینی نشده اگر ولی قهری هم راجع به نگاهداری یا تربیت مولی علیه یا اداره امور او اقدام نکرد، یا خیر استعفا داد ولی قهری است ولی استعفا می دهد از اداره کردن اموال مولی علیه خود در این صورت تکلیف محکمه چیست بنده عقیده ام این

بود که در اینجا ضمیمه شود که در صورت استعفای ولی قهری یا عدم اقدامش ضم امین شود بهتر است.
وزیر عدلیه. استعفا که معنی ندارد زیرا مثل کسی نیست که از خدمت استعفا کند اسم این استنکاف و عمل نکردن است استنکاف و عمل نکردن هم خیانت است و او هم تکلیفش در ماده ۱۱۸۴ گذشت اگر خیانت کند به او ضم امین می‌شود.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۹۰ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند)

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۹۱:

ماده ۱۱۹۱. ولی مسلم نمی‌تواند برای ولی علییه خود وصی غیر مسلم معین کند.

رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۹۱ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۹۲.

ماده ۱۱۹۲. همین که طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می‌شود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می‌شود.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(عده کثیری برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۹۳.

ماده ۱۱۹۳. پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود.

رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۹۳ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۹۴ قرائت می‌شود.

کتاب نهم. در خانواده

فصل اول. در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۴. احکام نفقه زوجه همان است که به موجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و بر طبق همین فصل مقرر می‌شود.

رئیس. نظري نیست؟ آقایانی که موافقت دارند
برخیزند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۹۵.
ماده ۱۱۹۵. در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در
خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به اتفاق
یکدیگرند.

رئیس. اشکالی نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایانی که
با ماده ۱۱۹۵ موافقت دارند برخیزند.
(عده زیادی برخاستند)

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۹۶.
ماده ۱۱۹۶. کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و
نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت
خود را فراهم سازد.

رئیس. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۹۷.

ماده ۱۱۹۷. کسی ملزم به اتفاق است که متمکن از
دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون
اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیق
گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع
زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.

رئیس. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۹۸.

ماده ۱۱۹۸. نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از
فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق به عهده اجداد
پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن
پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر
عهده مادر است.

هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به اتفاق
نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و

۱. در متن فوق عبارت «۱۱۹۷» جایگزین عبارت «۱۱۹۸» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «۱۱۹۷» جایگزین عبارت «۱۱۹۸» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «۱۱۹۸» جایگزین عبارت «۱۱۹۷» گردید.

۴. در متن فوق عبارت «۱۱۹۸» جایگزین عبارت «۱۱۹۷» گردید.

جدات مادري و جدات پدري واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوي باشند نفقه را باید به حصه متساوي تأدیه کنند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۹۸ موافقت دارند برخیزند.
(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۹۹:

ماده ۱۱۹۹. نفقه ابوین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۹۹ موافقت دارند برخیزند.

(غالب نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۰۰:

ماده ۱۲۰۰. هرگاه يك نفر هم در خط عمودي سعودي و هم در خط عمودي نزولي اقارب داشته باشد که از حیث الزام به اتفاق در درجه مساوي هستند نفقه او را باید اقارب مزبور به حصه متساوي تأدیه کنند بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۰۰ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد ماده ۱۲۰۱.

ماده ۱۲۰۱. اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودي نزولي مقدم بر اقارب در خط عمودي سعودي خواهند بود.

رئیس. آقای روحی.

روحی. عرض کنم اینجا يك اصلاح عبارتی لازم دارد می‌نویسد اگر نتواند همه آنها را بدهد باید نوشته شود خارج همه آنها را یا نفقه همه آنها را بدهد والا به طور مطلق معنی ندارد.

وزیر عدلیه. اشکال ندارد نفقه اضافه شود.

مخیر. بنده هم موافقم.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۰۱ با اصلاحی که شد موافقت دارند برخیزند.
(اکثر نمایندگان برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۰۲:
ماده ۱۲۰۲. در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب‌النفقة دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود.
رئیس. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.
(غالب آقایان برخاستند).
رئیس. تصویب شد ماده ۱۲۰۳:
ماده ۱۲۰۳. نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.
رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۲۰۳ موافقت دارند برخیزند.
(اغلب نمایندگان برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۰۴:
ماده ۱۲۰۴. واجب‌النفقة اعم از زوجه و اقارب می‌تواند برای مطالبه نفقه خود به محکمه رجوع کند.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۰۴ موافقت دارند برخیزند.
(عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۰۵:
ماده ۱۲۰۵. زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتییه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۰۵ موافقت دارند قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند).
رئیس. تصویب شد.
ماده الحاقیه پیشنهادی آقای اورنگ.
آقای وزیر عدلیه موافقت با پیشنهاد؟
وزیر عدلیه. بلی بلی.

رئیس. آقای خیر هم موافقتند.

خیر. بلی.

میرزائی. یک دفعه دیگر قرائت شود:

(جدداً به شرح سابق قرائت شد).

رئیس. آقای وزیر عدلیه موافقتند؟

وزیر عدلیه. در حقیقت این ماده از نقطه نظر آن

مطلوبی است که پریروز آقای مؤیداحمدی تذکر دادند

که برای کسانی که حبس می شوند و ولی قهری هستند

چه باید کرد و نسبت به مولی علیه اینجا رعایت شده

است به هر وسیله که نتواند به امور مولی علیه

رسیدگی کند اعم از حبس یا غیر حبس. حبس هم به هر

علتی باشد ممکن است محکوم به جنحه و جنایت شده

باشد ده سال حبس شده باشد یا به جرم سیاسی محکوم

شده باشد به هر علت که باشد مقصود این است که

وقتی نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند عاجی

باشد.

رئیس. آقای افسر.

افسر. یک اصلاح عبارتی لازم دارد یعنی این طور

باید باشد به هر علتی که نتواند اینجا می نویسد

به هر علتی که باشد.

وزیر عدلیه. مقصود این است یا حبس به هر علتی که

باشد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. یا حبس به هر علتی که باشد و او در اثر

این نتواند رسیدگی بکند ممکن است بعد از (باشد)

یک لفظ (که) اضافه بفرمائید درست می شود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا اشکالی به نظر بنده می رسد

آن این است که حقیقتاً ولی قهری که در حبس است

ممنوع می شود از تصرف در اموال صغیر و بدون اطلاع

او مدعی العموم می آید یک قیمی معین می کند اگر این

طور باشد صحیح نیست چون خودش نمی تواند رسیدگی

بکند ممکن است قائم مقام قانونی برای خودش معین

کند بدون نظر و اطلاع او ظاهراً قیم معین کردن

صحیح نباشد.

خیر. بنده تصور می کنم دقت نظر نفرموده اند این در

صورتی است که کسی را معین نکرده باشد (دیبا -

بلکه بعد معین کند) اگر معین کند که مشمول این نمی شود در صورتی که کسی را معین نکرده و محبوس است از این جهت می آیند و یک نفر معین می کنند اما از آقای اورنگ می خواهم خواهش کنم که (باشد) را پس بگیرند و دو تا که هم باشد عبارت بدتر می شود. **اورنگ.** اشکالی ندارد.

رئیس. آقای افسر. **افسر.** اشکالی که آقای دیبا کردند به نظر بنده عبارت وافی نیست برای جواب ایشان اگر می گفت معین نباشد درست بود ولی می گوید معین نکرده باشد در این صورت بعد نمی تواند لهذا عبارت جواب آقای دیبا را نمی دهد.

وزیر عدلیه. جواب ایشان در آخر ماده است که می گوید موقتاً معین خواهد کرد یعنی موقتاً مادام که حبس است یا کسی را معین نکرده اگر کسی را معین کرد آن وقت از بین می رود (صحیح است) **رئیس.** آقایانی که با ماده الحاقیه که مورد توافق دولت و مجری است و بعد هم بر حسب نمره گذاری به جای خودش خواهد رفت موافقت دارند قیام فرمایند. (اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. مذاکرات در کلیات آخر است (گفته شد مخالفی نیست) آقایانی که با مجموع قانون موافقت دارند برخیزند. (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد.

گفتار نهم. شور اول مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۲۵

صورت مشروح مجلس یکشنبه پنجم مرداد ماه ۱۳۱۴ (۲۶ ربیع الثاني ۱۳۵۴)
جلسه ۱۳

۲. شور اول لایحه قسمتی از قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت

رئیس. شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به حجر و قیمومت:

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۲۴۲۳ دولت راجع به حجر و قیمومت ضمیمه قانون مدنی را با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات مفصل نسبت به هر يك از مواد پیشنهادی بالاخره لایحه مزبور را با اصلاحاتی برای شور اول تصویب و علی‌هذا خبر آن را تقدیم مجلس مقدس شورای ملی می‌نماید:

رئیس. ماده ۱۲۰۷ قرائت می‌شود.

ماده ۱۲۰۷. اشخاص^۱ ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار.

۲. اشخاص غیر رشید.

۳. مجانین.

رئیس. مذاکره در کلیات است. آقای دیبا در باب کلیات اظهاری دارید بفرمائید.

دیبا. بنده در کمیسیون عدلیه هم عرض کرده‌ام این لفظ خود در اینجا زیادی است و مفهوم این است که این قبیل اشخاص یعنی صغار و غیر رشید و مجانین حق تصرف در اموال دیگران دارند در صورتی که مقصود این است چه در مال خودشان و چه در مال دیگران علی‌ای حال حق تصرف ندارند. این است که بنده این کلمه را زاید می‌دانم و خوب نیست.

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. بنده خیال می‌کنم این عیبی را که آقای دیبا در اینجا فرمودند وارد نیست برای اینکه وقتی کسی به واسطه صغر یا حجر یا جنون از تصرف در اموال خودش ممنوع شد چنین^۲ آدمی معنی ندارد که در مال دیگران مأذون‌التصرف باشد. اما عرض بنده این است که اینجا نوشته «در اموال و حقوق مالی خودش» بنده علاوه بر حقوق مالی سایر حقوق را هم می‌گویم

۱. در متن فوق عبارت «اشخاص» جایگزین عبارت «اشخاصی» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

باید نوشته شود که مجبور باشد. مثلاً صغیر حق انتخاب شدن یا انتخاب کردن ندارد حق وکالت در عدلیه و همین طور خیلی چیزها است که سفیه یا صغیر حق ندارد که داشته باشد. بنده خیال می‌کنم باید نوشته شود در حقوق مالی و غیر مالی این اشخاص حق ندارند و باید مجبور باشند بنده اجازه خواسته بودم برای یک ماده دیگری لذا حالا در کلیات بیش از این عرض نمی‌کنم.

مؤید احمدی (مخبر کمیسیون قوانین عدلیه). البته آقای عراقی توجه فرموده‌اند که این قانون مدنی است و قانون مدنی فقط در حقوق مالی عنوان می‌کند و سایر حقوق البته در جای خود و در قوانین مربوط به خودش محفوظ است مثلاً در قانون انتخابات هست که تا سن بیست سال نرسد حق انتخاب ندارد و این اشخاص منحصر به سفیه یا صغیر نیست مثلاً کسی که محکوم و از حقوق اجتماعی محروم می‌شود البته او هم این حقوق را ندارد ولی اینها در جای خودش باید نوشته شود نه در قانون مدنی. اما آن فرمایشی که آقای دیبا فرمودند جوابش همان بود که آقای عراقی فرمودند وقتی کسی در مال خودش ممنوع‌التصرف شد به طریق اولی نمی‌تواند در مال دیگران دخالت و تصرف^۱ نماید.

رئیس. آقای دیبا.

دیبا. عرضی ندارم.

رئیس. ۱۲۰۸.

ماده ۱۲۰۸. غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

رئیس. آقای وثوق.

وثوق. در اینجا تعبیر کرده غیر رشید را و نوشته کسی که تصرف در اموال و حقوق مالی خودش عقلانی نباشد. بنده تصور نمی‌کنم که معنای غیر رشید این باشد ممکن است به یک اشخاصی یک اتهاماتی بزنند و در دنیا هم خیلی سابقه دارد و از این طریق سوء

۱. در متن فوق عبارت «می» بعد از عبارت «تصرفی» حذف شد.

استفاده کنند چه در محاکم قضائی و چه در غیر آن. ممکن است در شور دوم در کمیسیون عدلیه برای غیر رشید تفسیر و تعبیر بیشتری داده شود که رافع هرگونه احتمالاتی باشد تا مطلب آن قدری که باید روشن شود و معلوم شود که مشخص رشید و غیر رشید چه چیز است. چون قانون مدنی است و در دست مردم است.

غیر. عرض کنم البته آقای وثوق در نظر دارند که در کتب فقهی ما غیر رشید را همین عبارت می‌نویسد یعنی کسی که تفاوت بین نفع و ضررش را ندهد. این سفیه است. این را محکمه باید معین کند یعنی آن کسی که مدعی است که این آدم سفیه یا غیر رشید است باید اثبات کند در محکمه و از روی عملیات او معلوم می‌شود که معاملات او عقلانی نیست و پس از اثبات البته معلوم می‌شود که این آدم سفیه است یا نه و البته تا وقتی که حکمی صادر نشده و در محکمه اثبات نشده ما معاملاتش را قبول داریم به علاوه اگر در مواد بعد دقت بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که در آنجا توضیحات بیشتری داده شده.

رئیس. آقای دیبا.

دیبا. ترتیب تعریف در این قبیل مسائل این است که همیشه طرف اثبات را باید گرفت و تعریف کرد نه طرف منفی را. بنده عقیده ام این است که اگر رشید را ما تعریف می‌کردیم و برای رشد تعریف در قانون می‌نوشتیم تکلیف غیر رشید هم که عکس او بود ضمناً معلوم شده و آن هم تعریف می‌شد و محاکم بهتر تشخیص می‌دادند اینجا فقط طرف منفی تعریف شده غیر رشید کسی است که در زندگی خودش نتواند مداخله کند در صورتی که این طور نیست. رشید کسی است که تصرفاتش عقلانی باشد نه تنها در اموال و حقوق خودش بلکه در امور عائله خود و در سایر امور مربوط به معاشیه دنیوی خودش و خلاصه رشید آن کسی است که مستقیماً بتواند خودش را اداره کند و اگر ما این را تعریف می‌کردیم غیر رشید هم معلوم می‌شد. ولی غیر رشید را تعریف کردن هیچ معلوم نیست. طرف منفی را تعریف کردن مثل این است که ما بیائیم و

در اینجا جاهل را تعریف کنیم تعریف جاهل را کسی نمی‌داند باید عالم را تعریف کرد تا جاهل که نقطه مقابل او است ضمناً معلوم باشد.

مؤید احمدی. تصور می‌کنم یک اشتباهی برای آقا داده به علت این که می‌فرمایند اول رشید را باید تعریف کنیم و برای همه مردم در قانون بنویسیم که رشید چیست؟ (این طور می‌فرمائید) شخصی از فقهاء را بنده سراغ دارم کتابی نوشته بود و در آن نوشته بود چیزهایی که روزه را باطل نمی‌کند. سایرین چیزهایی که روزه را باطل می‌کند نوشته بودند ولی او چیزهایی که روزه را باطل نمی‌کند نوشته بود. مثلاً نوشته بود راه رفتن و خوابیدن روزه را باطل نمی‌کند و خیلی چیزهای دیگر. آقا غیر رشید محدود است. عامه رشیدند. اصل رشد است. غیر رشید خلاف اصل است یعنی اگر کسی پیدا شد که غیر رشید است او خلاف اصل است. حالا ما قانون برای رشید وضع کنیم؟! هر رشیدی حق تصرف در اموالش دارد. غیر رشید آن است که این حق را ندارد. پس ما برای کسی که این حق را ندارد و خلاف اصل است باید قانون وضع کنیم اما مثلی هم که زدید به عکس است فرمودید ما باید تعریف عالم را در مقابل جاهل بکنیم. در اینجا به عکس است زیرا عالم کمتر است تا جاهل. در اینجا بنده عرض می‌کنم غیر رشید کم است و رشید زیاد ولی در آن مثلی که فرمودید عکس است یعنی جاهل زیاد است و عالم کم. منظورتان عکس آن مثلی است که فرمودید.

رئیس. چون خبر کمیسیون طرق و شوارع حاضر است و آقای وزیر طرق هم حاضرند و آقای وزیر عدلیه هنوز تشریف نیاورده اند اگر تصویب می‌فرمائید لایحه ایشان مذاکره شود (صحیح است) ...

۵. بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۲۰۹

رئیس. ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی.

ماده ۱۲۰۹. هرکس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است. معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. اینجا می‌گوید هجده سال تمام اگر ندارد غیر رشید است ولی بعد از پانزده سال کامل اگر در محکمه ثابت شد او را رشید حساب کرده و از تحت قیمومت خارج می‌شود اولاً محاکماتی که ما داریم خوب می‌بینیم امروز جریان سریع ندارد کمترین محاکمه دو سال سه سال طول می‌کشد آن وقت در اینجا می‌گویند پانزده سالش که شد اگر در محکمه ثابت شد رشید است محکمه هم مرحله ابتدائی دارد استیناف دارد، تمیز دارد بعد از تمیز حکم قطعی می‌شود البته تا زمانی هم که حکم قطعی نشود صغیر از تحت قیمومت خارج نخواهد شد بنابراین با این جریانات بنده خیال می‌کنم محاکمه سه سال طول می‌کشد و طبعاً او از تحت قیمومت خارج می‌شود چون به هجده سال بالغ شده است در این صورت خوب بود می‌نوشتند محکمه ابتدائی یا استیناف والا با این مشی‌هایی که بنده در عدلیه می‌بینم سه سال باید طول بکشد و بعد از سه سال هجده سالش تمام شده و خودش کبیر است بعلاوه مصارفی دارد که صغیر باید وکیل بگیرد و محاکمه کند وکیل هم مجانی نمی‌آید برای صغیر کار کند باید پول بدهد اگر محکوم کرد آن قیم را اگر قیم خودش باید بدهد که آن قیم بیچاره چه تقصیر کرده است که جبران خسارات صغیر را بکند چون محکمه حکم که داد صغیر هم مطالبه خساراتش را می‌کند و قیم از کجا بدهد و اگر صغیر محکوم شد چطور قیم از مال صغیر بر می‌دارد او باید مال صغیر را حفظ کند در این ماده بنده یک توضیحاتی می‌خواستم و خوب بود آقای وزیر عدلیه تشریف می‌داشتند برای اینکه علاوه بر این چیزی که حکم کلی است یک موضوعات معینه هم در این باب داشت که بنده می‌توانستم به طور تمثیل خاطر آقای وزیر محترم عدلیه را متذکر کنم و استشهاد به آنها بکنم چون خاطرشان مسبوق است از محاکماتی که بین صغار و قیم‌هایشان هست و آن وقت جواب بنده را مطابق آنچه خودشان می‌دانند می‌فرمودند در هر صورت بنده ماده را خوب تنظیم شده نمی‌دانم با این محاکمات و این مقدمات.

نایب. البته خاطر آقا مسبوق است که یک قانونی

سابقاً گذراندم که تیتراش بود (قانون رشد متعاملین) اگر خاطر آقا باشد این قانون از مجلس گذشت یعنی وزیر عدلیه پیشنهاد کرد و آمد به کمیسیون عدلیه و مجلس و تصویب شد. رشد متعاملین را در آنجا هجده سال معین کردیم که محاضر رسمی معامله اشخاصی را که سنشان از هجده سال کمتر است نمی‌پذیرند مطابق سجل احوالشان که در همان جا هم تصریح شد. پس ما یک قانونی داریم که سن متعاملین هجده سال است در آن قانون همین عبارتی که اینجا نوشته شده آنجا هم نوشته شده است که سن متعاملین هجده سال است منتهی اگر کسی ثابت کرد در محکمه که رشید است قبل از هجده سال آن وقت با او معامله رشید می‌شود در اینجا منتهایش را پانزده سال معین کرده آنجا این را نداشت. اما اشکالاتی که راجع به محاکمه و بطی جریان و اینها فرمودید البته دفاعش با آقای وزیر عدلیه است ایشان باید بگویند که چرا جریان محاکمات بطی است بنده نمی‌دانم اما از نقطه نظر عمومی چون ما یک قانونی گذراندم و رشد متعاملین را هجده سال شرط کردیم اینجا هم در قانون مدنی تذکر می‌دهیم و البته خوب سابقه دارید حضرتعالی که اینجا یک اصلی داریم به علت اینکه وقتی یک نفر سنش پانزده سال کمتر است این بالغ نیست و به سن پانزده که رسید بالغ می‌شود اما رشید هم هستند؟ او باید محرز شود چرا به علت اینکه استصحاب عدم رشد هست و بعلاوه تصریح و نص داریم (فان^۱ انستم منهم رشداً فادفعوا اليهم اموالهم) پس وقتی که رشد محرز شد ما می‌توانیم اموالشان را دستشان بدهیم پس این اعتراض هم می‌رود لکن اگر ثابت کرد در محکمه که خیر رشید هستیم ولو هجده سال نداشته باشد معاملاتش را می‌پذیریم لکن اگر خیر هیچ نگفت و به سن هجده رسید البته اوضاع و احوالش معلوم می‌شود و اگر رشید

۱. در متن فوق عبارت «فان» جایگزین «و ان» گردید. «سوره نساء، آیه ۶».

نبود به واسطه عدم رشدش تحت قیمومت خواهد آمد ولی اعتراضی که راجع به بطی محاکمه کردید که موقع می‌گذرد البته این هست در محاکمات و البته چرخ محاکمه از هر چرخي بطی‌تر است و لیکن کاری نمی‌شود کرد.

رئیس. آقای نقابت.

نقابت. عرض کنم در اصل ماده ۱۲۰۹ نسبت به آن قسمت هائی که از نظر رشد مورد اعتراض آقای عراقی بود بنده عرضی ندارم تا حدی جواب از طرف آقای مخیر بیان شد ولیکن یک جزء آن خیلی مورد اشکالات

عملی است و آن، این است که اینجا به طور اطلاق سن ۱۸ را اعم از ذکور و اناث شرط بلوغ به حد رشد و کبر قرار داده یعنی زن هم در هجده سالگی رشیده می‌شود مرد هم رشید می‌شود یک اشکال پیدا می‌کند اشکال اینجا است که در قانون ازدواج اجازه فرمودید قانوناً که زن در شانزده سالگی شوهر کند. زن در شانزده سالگی شوهر کند همیشه عقد ازدواج توأم با یک عقد حقوقی هم هست وقتی که یک صدائی شرط می‌شود این صدق منوط به رضایت زوجه خواهد بود بنابراین بایستی زوجه یک صلاحیت حقوقی هم داشته باشد تا اینکه بتواند قبول ازدواج کند و تفکیکی نشده باشد در صلاحیت استقلالی او، آن وقت در آنجا ما قید کرده‌ایم که اجازه ولی لازم نیست چون این جواب داده خواهد شد که اجازه ولی لازم است در ازدواج یک حالت هست که بین شانزده و هجده سال با اینکه زن یک بچه هم پیدا کرده است حق نداشته باشد مهر خودش را به وسیله محاکم مطالبه کند و اقامه دعوی کند چون تا هجده سالگی که غیر رشید است حق اقامه دعوی ندارد و استقلالاً هم نمی‌تواند مدعیه یا مدعی‌علیها باشد. به این جهت با اینکه به او حق ازدواج را در سن شانزده سالگی دادیم حق مطالبه مهر را نداده‌ایم و ذوق نمی‌تواند این جمله را قبول کند البته قانون رفع این اشکال را باید بکند زیرا در قسمت قانون ازدواج اجازه ولی نوشته شده خوب اجازه ولی بعلاوه رضایت زوجه مجوز عقد است اما در مطالبه صدق تا هجده سال باز هم همان ولی باید اجازه بدهد که این

زوجه اقامه دعوی کند یا از طرف او اقامه دعوی کند این را قانون اشکالش را تا حدی منطقیاً رفع کرده ولی این تولید یک مشکلات اجتماعی می‌کند وقتی که به زن گفتند تو حق داری شوهر بکنی و یک بچه هم داشته باشی ولی تا سن هیجده سال حق نداری که در قسمت مهر و صداق اظهار عقیده دیگری بکنی و در تحت حضانت و سرپرستی و ولایت دیگری هستی، این مسئله قدری استقلال روحی و فکری او را متزلزل می‌کند خاصه در ایران که قسمت اعظم اثاث را که ملاحظه می‌کنیم می‌بینیم بین سنن شائزده و هیجده سال رشیده هستند و استقلال فکری دارند مخصوصاً در نقاط گرمسیری زن خیلی زودتر به سنی می‌رسد که می‌تواند عقیده مستقلی داشته باشد به این جهت برای رفع این اشکال بنده معتقدم یا سن ازدواج را که شائزده است هجده بکنیم یا اینجا هجده را شائزده بکنیم که این اشکال رفع شود یا این است که اگر هم قبول نمی‌فرمایند ممکن است آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند که این طور اصلاح بشود تا رفع اشکال هم بشود نه شائزده باشد نه هجده بلکه هفده سال باشد که بالاخره زن حق داشته باشد در هفده سالگی مستقلاً قبول زوجیت بکند و مستقلاً هم اقامه دعوی بکند.

رئیس. آقای تهرانچی.

تهرانچی. بنده با قسمت اخیر این ماده کاملاً موافقم که البته اگر کسی بخواهد و بتواند قبل از هجده سال ثابت کند رشدش را حق داشته باشد ولی می‌خواستم عرض کنم که در اثنای محاکمه معاملات^۱ غیر رشید چه حالی دارد؟ این صغیر غیر رشید^۲ که مدعی رشد شده است این چه حالی پیدا می‌کند معاملاتش^۳؟

۱. در متن فوق عبارت «معاملات» جایگزین عبارت «معاملجات» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «رشید» جایگزین عبارت «رشد» گردید.
۳. در متن فوق عبارت «معاملاتش» جایگزین عبارت «معاملجاش» گردید.

چون رفت به محکمه و عرضحال هم داد و این جریان یک سال یا شش ماه طول کشید و تا حکم صادر شود خوب این از تاریخ صدور حکم رشدش ثابت شده است یا از تاریخی که عرضحال داده؟ برای اینکه او می‌آید و در تاریخی که عرضحال می‌دهد می‌گوید در این تاریخ من کبیر هستم و رشید هستم و معاملات باید محرز باشد خوب آیا در اثنای این مدت معاملات^۱ این چه حال دارد؟ آیا باید معاملاتی در این مدت نشود و قیم هیچ معامله‌ای نکند؟ که این از برای اموال و امور مالی صغیر البته مضر است چون مواردی پیش می‌آید که ضروری است چاره چیست؟ ولی اگر گفتیم که از تاریخی که حکم داده می‌شود از آن تاریخ رشید محسوب می‌شود خوب این معاملاتی^۲ که قبلاً کرده‌اند چه می‌شود؟ این را خواستم تذکر بدهم که در کمیسیون این را اصلاح بفرمایند. اگر از تاریخ صدور حکم هم بگیریم تازه حکم ابتدائی دارد استیناف دارد تمیز هم دارد بالاخره از تاریخ صدور حکم ابتدائی است یا حکم باید بیاید و جریان استینافی خودش را هم طی کند؟ باید برای این هم یک فکری بکنند که در این قسمت هم اسباب زحمت تولید نشود.

وزیر عدلیه. در یک قسمت اظهارات آقای تهرانی اشکالی روی نمی‌دهد چون مادام که رشد کسی قبل از هجده (در سن بین پانزده و هجده) ثابت نشده باشد معاملات او انجام نمی‌شود ترتیب اثر هم به آن معاملات داده نمی‌شود اگر فرض بفرمایید معامله‌ای را کرده باشد و در حال مراعی مانده باشد و او بخواهد رشدش را اثبات کند محکمه ممکن است تاریخ رشد را از تاریخ عرضحال حکم بدهد مثل حکم توقف تاجر که محکمه می‌تواند رسیدگی کند و تشخیص بدهد

۱. در متن فوق عبارت «معاملات» جایگزین عبارت «معاملجات» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «معاملاتی» جایگزین عبارت «معاملجاتی» گردید.

که قبل از این هم تاجر متوقف بوده است اینجا هم محکمه می تواند بگوید از تاریخ عرضحال رشید است

...

(تهرانچی - معامله قیم چه حالی پیدا می کنند؟)
در هر صورت معامله قیم که صحیح است چون هنوز رشدش اثبات نشده است وقتی حکم صادر شد و ترتیب اثر بر آن معامله بر اثر حکم محکمه دائر به رشد داده می شود اگر هم معامله نشده باشد که هیچ موضوع ندارد اگر معامله واقع شده باشد و مراعی مانده باشد بعد محکمه ممکن است حکم تصحیح آن را بدهد اما اینکه یک حکم یک سال یا دو سال جریانش طول می کشد هر حکمی این طور نیست آقا اینجا خیلی زود صادر می شود چون روی یک مبانی زیادی نیست یک اختیار و امتحانی دارد در پیش متخصصین و اطباء یا عقلانی که معاشر او هستند وقتی که ثابت شد او رشید است و عارف به مصالح و مفاسد کارهای خودش هست محکمه حکم می دهد مانع زیادی برای صدور حکم ندارد و ممکن است حکم محکمه را هم قطعی قرار بدهیم که طول مدت هم نداشته باشد اینجا چیزهایی است خیلی سهل اما در قسمت بیانات آقای نقابت چون از اول نبودم درست ملتفت نشدم که مقصود ایشان چه چیز است و چه اشکالی است؟ در قانون البته باید رعایت همه جهات بشود. اینکه برای دختر شرط شد که از سن شانزده یعنی پانزده سال تمام زودتر شوهر نکند این از نقطه نظر رشد جسمانی است و اینجا وقتی که ملاحظه کنیم می بینیم افراد این مملکت همه می دانند که سن شانزده کافی است برای ازدواج دختر ولی آن مواد از نظر قابلیت صحتی در قانون مدنی نوشته می شود که از نظر رشد جسمانی کمتر از آن ممنوع است اما آن مربوط نیست به رشد عقلی و تشخیص مصالح و به عبارت اخیری آن رشد انشائی که قادر باشد به انشاء یک معامله یا نکاح فرق نمی کند عقود یا ایقاعات همه اینها را باید شخصی که طرف است یعنی شخص معامل یا ناکج یا منکوحه عقلش برسد به کار خودش و رشد عقلی داشته باشد (صحیح است) نوعاً در تمام امور چه نسبت به

معاملات و مناکحات ملاحظه شده است سن هجده سن متوسطی است که اکثر افراد مملکت می‌بینیم در این سن دارای رشد هستند در عین حال در قانون یک مندوجه ای گذاشته شده است که اگر کسی قبل از سن هجده و بعد از پانزده تمام رشدش اثبات بشود یعنی افراد نادره ای باشند که دارای رشد باشند (رشد عقلی منظور است) اشکالی ندارد و وقتی که محکمه حکم داد تمام معاملاتشان صحیح است البته پس از ثبوت و صدور حکم محکمه و همچنین عکسش هم این طور است که اگر پس از هجده سال باز ثابت و مسلم شد که در حال سفه است و غیر رشید است باز هم محتاج به قیم خواهد بود پس ملاک و مناط رشد و عدم رشد است نهایت سن هجده یک سن تخمینی و تقریبی است که حداقل قرار داده شده یعنی از سن هجده به بعد اصل رشد است مگر اینکه خلافش ثابت شود و قبل از سن هجده هم اصل عدم رشد است مگر اینکه خلافش ثابت شود و اینها هم تنافی با هم ندارند به جهت اینکه دو حیثیت است یکی مسئله تشخیص منافع و مصالح و مفاسد خود است اعم از اینکه راجع به نکاح باشد یا راجع به معاملات دیگر باشد مثلاً راجع به مهر باشد هیچ تفاوتی بین آنها نمی‌باشد یکی هم راجع به حیثیت صحت است و رشد صحت است که از این نقطه نظر در قانون قید شده است که دختر در سن پانزده تمام می‌تواند شوهر بکند. (صحیح است).

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. در این ماده قبل از اینکه آقای وزیر عدلیه تشریف بیاورند در مجلس بنده اشکالاتی داشتم که عرض کردم آقای مخبر هم یک جوابهایی فرمودند و یکی از اشکالات مرا جواب ندادند که حالا باز بیان می‌کنم. در اینجا می‌نویسد: هر کس دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود. یکی از اشکالاتی که بنده داشتم راجع به همین هجده سال برای رشد عقلی و شانزده سال برای رشد جسمانی بود که آقای نقابت هم آن را بیان فرمودند چون این اشکال هم پیش می‌آید برای اینکه در عین حالی که رشد بدنی را

خودش دارا است و به سن شانزده که رسید باید رشد معامله کردن را نیز داشته باشد نه اینکه به ولیش بگوید و از او بخواهد که او برایش بگیرد یا معامله بکند یا بگوید این مهر کم است یا زیاد است این مربوط به شخص او است و لی این طور می شود که صلاح و صواب راجع به مهرش مربوط به شخص خودش نمی شود و محتاج به تشخیص ولی است و البته این خوب نیست گرچه جواب آقای نقابت را در این قسمت قانون می دهد که در مورد معاملاتش باید ولی او اجازه بدهد که فرضاً چقدر باشد مهرش و ولی او اجازه داد رفع این اشکال می شود به حسب ظاهر اما این کافی نیست حالا بعد وارد در این موضوع می شویم. اما در این قسمت ماده که می نویسد هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می شود. اینجا دو سه تا اشکال دارد که قبل از تشریف آوردن حضرت آقای وزیر عدلیه هم بنده عرض کردم یکی راجع به حکم محکمه است ما نمی دانیم مراد از حکم محکمه یعنی چه؟ یعنی حکم قطعی که بعد از سیر مراحل ابتدائی و استیناف و تمیزی باشد که این خودش تقریباً سه سال طول می کشد این شخص پانزده سالش که تمام باشد با این سه سال که هجده ساله می شود این دیگر محتاج نیست که اقامه دعوی بکند. اگر خیر فقط حکم محکمه ابتدائی یا استیناف قطعی است و تمیز پیدا نمی کنند که در این صورت اشکال بنده وارد نیست اما اگر تمام مراحل است که اشکال بنده وارد است. اشکال دیگری که دارم این است که آیا صغیر خودش عریضه می دهد یا آن کسی که تحت قیمومت است وکیل می گیرد که محاکمه کند که من کبیر هستم؟ اگر وکیل بگیرد پولی باید بدهد به وکیل و خرج محاکمه و اینها بعد از دو شق بیرون نیست یا صغیر محکوم می شود و محکمه حکم می دهد که باید به همان حال باقی باشد و در تحت قیمومت بماند یا خیر حاکم می شود و محکمه حکم می دهد که باید از تحت قیمومت خارج شود اگر محکوم شد که این قیم باید خسارات او را بدهد به چه مناسبت باید قیم

خساراتش را بدهد؟ یعنی قیّم باید از جیب صغیر بدهد به چه مناسبت؟ چون او می‌گوید من کبیرم آن وقت محاکمه می‌کنند از قضای اتفاق معلوم شد که کبیر نیست و حالا باید پانصد تومان، هزار تومان خسارت بدهد که چرا آمدید و محاکمه کردید و گفتید که من کبیر هستم اگر بگویید از جیب قیّم داده می‌شود چرا قیّمی را که صدي سه یا صدي چهار یا صدي پنج به او حقوق داده می‌شود بیایید و یک مبلغی خسارت از جیب خودش بدهد که صغیر آمده و ادعا کرده که من کبیرم تا از تحت قیمومت خارج شود ولی بعد محکوم شده است؟ اگر هم خودش از اموالش باید بدهد چرا بدهد؟ این است که در هر دو قسمت اشکال هست. پس در ماده یک اشکال من راجع به حکم محکمه است که حکمی که محکمه صادر می‌کند چه حکمی است؟ اگر حکم قطعی است که پس از استیناف و تمیز باشد که مدتی طول می‌کشد خود آقا مسبوقید که الان موضوعاتی هست که یک سال، یک سال و نیم است در جریان محاکمه است و حکم قطعیش هنوز صادر نشده است علاوه بر طول کشیدنش در صورت محکومیت خسارت هم باید بدهد این پول را باید او بدهد یا قیّم بدهد یا مثلاً دولت که ولی من است «من له الغنم فعلیه الغرم».

اگر هم دولت بنا است بدهد که برای دولت زور است چرا بدهد؟ این ظلم است. این بود که خواستم آقاي وزیر عدلیه در این بابها جوابی بدهند.

وزیر عدلیه. اولاً در قانون مدنی لازم است همین قدر قید شود که رشد قبل از هجده سال در محکمه ثابت شود و بیشتر از این لازم نیست اما مبانی محاکمه و طرز کار و مدارکی که لازم است ضمیمه شود و چه موقعی^۱ عرضحال پذیرفته می‌شود اینها جزو اصول محاکمات است و جایش اینجا نیست ممکن است در آنجا یا در جای دیگر این قیود ذکر بشود که مناسب نیست که اینجا ما یک جنبه اصول محاکماتی را در قانون مدنی ذکر کنیم هیچ لازم نیست البته هر کجا

۱. در متن فوق عبارت «چه موقعی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

نوشته می‌شود محکمه حکم می‌دهد یعنی حکم قطعی و حکم قطعی هم یعنی قابل الاجراء البته تا حکم قابل اجرا نباشد اجرا نمی‌شود ولی آیا حکم ابتدائی قطعی است در حین صدور مثل حکمی که راجع به تصحیح اوراق هویت از محکمه صادر می‌شود یا نه و آیا این حکم قابل استیناف و تمیز است جایش اینجا نیست در هر صورت ما مصالحی را در نظر می‌گیریم و در اصول محاکمات پیش‌بینی می‌کنیم (صحیح است) اما اینکه می‌فرمایند چه کسی^۱ عریضه می‌دهد البته خودش عریضه می‌دهد اگر یک کسی امروز که مدعی العموم اقامه دعوی کرده است بر او به جنون و حکم حجر و جنون او صادر شده است و ثابت شده است بعد خود مدعی افاقه برایش حاصل شود و بگوید خیر من جنون ندارم آن وقت عرضحال البته از او باید پذیرفته شود چون اصل این است که عاقل است و او هم می‌گوید من عاقلم همین طور هم اگر صغیر اختلاف شد در سن او یا در جهات دیگرش و گفت من کبیر شده‌ام یا سقیه است و گفت من رشید شدم فرض این است که خودش مدعی صحت است و از خود او قبول می‌شود منتهی در بین این محاکمه هم میزان عقلش فهمیده می‌شود و از خود این محاکمه طرز حال او فهمیده می‌شود که رشید است یا نیست ولی اینکه فرمودید خسارت دارد، خسارت ندارد چرا نظر آقایان همیشه به یک محاکمات حقوقی است که ممکن است منتهی به خسارات زیادی بشود یا محاکمات جزائی که وکیل لازم دارد وکلای مهم درجه اول را متهم انتخاب می‌کند که حق‌الوکاله زیاد از او بخواهند این طور نیست. زیرا خود او عرضحال می‌دهد و مدعی‌بھی هم ندارد غیر از رشد، رشد هم تقویم نمی‌شود یک خرج محاکمه زیادی هم به آن^۲ تعلق نمی‌گیرد فقط همان خرج اولیه غیر عرضحال است که یک قران یا در همین حدود است و

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین «کی» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «به آن» جایگزین عبارت «بیش» گردید.

جزئی است و بیش از این هم چیزی نیست و اثبات این کار یا عدم ثبوتش هم نمونه زیادی لازم ندارد به جهت اینکه مربوط است به مدارک و اطلاعات مطلعین یعنی وقتی يك مطلعینی که برای محکمه محل وثوق باشند احوالات این شخص را می‌گویند و از طرز رفتار و کار خود او هم معلوم می‌شود که رشید است و فوراً محکمه حکم می‌دهد اگر هم معلوم شد که نیست عرضحال را رد می‌کند و این مستلزم خارجی نیست تا آن مشکلاتی که آقا فرمودید تولید شود.

رئیس. آقای وثوق.

وثوق. عرضی ندارم.

رئیس. ماده ۱۲۱۰ قرائت می‌شود.

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان به عنوان جنون یا عدم رشد بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

رئیس. ماده ۱۲۱۱ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۱۱. جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. عرایض بنده راجع به ماده ۱۲۱۰ بود و آن ماده را بنده محتاج به اصلاحی می‌دانم ماده می‌گوید:

هیچ کس را نمی‌توان به عنوان جنون یا عدم رشد بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. یعنی کسی را نمی‌شود بعد از رشد مجبور گفت مگر اینکه دوباره عدم رشد او ثابت شود اینجا اگر چه ظاهراً عبارت مفهومی این است یعنی رسیدن به حد رشد که هجده سال تمام است اگر مقصود حد رشد باشد آن وقت کلمه کبر که اینجا نوشته شده است زاید خواهد بود برای اینکه حد کبر اگر فرضاً همان پانزده سال گرفته می‌شود کمتر از هجده سال است و کمتر از حد رشد است پس بهتر این است که به عوض این بعد از کبر و رشد نوشته شود بعد از رسیدن به هجده سال تمام.

وزیر عدلیه. کبر و رشد دو عنوان است که در همه جا گفته می‌شود مثلاً معامل باید بالغ باشد عاقل باشد رشید باشد در همه جا گفته می‌شود اینجا شاید فرض

کردند چون که صد آمد نود هم پیش ما است وقتی که به حد رشد رسید کیش هم گذشته است دیگر واضح است و بعد از کبر باید رشدش در محکمه ثابت شده باشد در آن صورت نمی‌توان او را گفت مجبور است مگر اینکه ثابت شود به واسطه بروز یک احوالی جنون مثلاً یا یک سغه طاری و عارضی.

رئیس. ماده ۱۲۱۲.

ماده ۱۲۱۲. اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است معذک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات.

رئیس. ماده ۱۲۱۳.

ماده ۱۲۱۳. جنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد.

رئیس. ماده ۱۲۱۴.

ماده ۱۲۱۴. معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل.

معذک تملکات بلا عوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.

رئیس. آقای نقابت.

نقابت. تصرفات در این ماده به عقیده بنده تصرف صغیر است زیرا در ماده ۱۲۱۲ می‌گوید صغیر یا مجبور می‌تواند حیازت مباحات کند و اراضی را که حیازت کرده است متصرف آن اراضی بشود ولی اینجا تصرف او را غیر نافذ می‌دانیم در دعاوی تصرف عدوانی و نظایر آن بخواهیم احترامی به تصرف او بگذاریم این کلمه تصرف بر ضرر صغیر خواهد بود و خلاف منظور است چون معاملاتی که اینجا ذکر شده به عقیده بنده کافی است بعد هم تملکات بلاعوض بتواند بکند کلمه تصرفات اینجا اگر حذف شود بهتر است.

وزیر عدلیه. مقصود را ملتفت نشدم یک مرتبه

توضیح بدهید آقا.

رئیس. ماده ۱۲۱۵.

ماده ۱۲۱۵. هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. این ماده را بنده خیال می‌کنم با ماده بعدش سازش ندارد زیرا در این ماده می‌گوید هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال خواهد بود ولی در ماده ۱۲۱۶ می‌گوید هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است آنجا برای او مسئولیت درست می‌کنند من مالم را دادم دست صغیر راست است من علت شدم برای تلف ولی عبارت تقریباً سازش ندارد بنده خیال می‌کنم در آن عبارت ماده بعد یک چیزی بیاورید که با این تنافی پیدا نکند.

وزیر عدلیه. گمان می‌کنم از دقت در خود عبارت جواب آقای عراقی داده شود برای اینکه ماده ۱۲۱۶ این است که اگر صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر بشود ضامن است ولی یک وقت صاحب مال باعث شده است که به دست او داده است و این تنافی با هم ندارد.

مؤید احمدی. دو پیشنهاد است از آقای حیدری یکی کلمه «تا حدی» از ماده ۱۲۱۲ حذف شود یکی در ماده

۱۲۱۳ در آخر ماده جمله «مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد» هم حذف شود.

رئیس. ماده ۱۲۱۶.

ماده ۱۲۱۶. هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.

رئیس. ماده ۱۲۱۷.

ماده ۱۲۱۷. اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید به عهده ولی یا قیم آنان است به طوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

رئیس. ماده ۱۲۱۸.

فصل دوم: در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸. برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد
رئیس. آقای عراقی.

عراقی. بنده در آن فقره اول و دومش اشکالی ندارم ولی در قسمت سوم برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد دلیلی ندارد که در این صورت قیم خارجی برای آنها معین کنند قانون مدنی کلش اگر نباشد جلش و قسمت اعظمش راجع است به کتب فقهیه اسلامی و در این قسمت سوم اگر قوی هم داشته باشیم به اینکه نصب قیم برایش بشود با داشتن پدر ممکن است به واسطه قطع استصحاب باشد که خودش رشید شده و بعد عدم رشد یا جنون عارضش شده اما حالا که رشید شده چرا نباید پدرش بعد از رشدش ولی بشود و دیگر حاکم نباید ولی باشد. بیشتر احوال بنده خیال می‌کنم این است که با داشتن پدر و یا جد باید آنها مقدم باشند بر حاکم که برایش ولی معین کند در خارج مجلس هم به آقای وزیر عدلیه عرض کردم و بعد هم مراجعه کردم دیدم همین طور است که عرض می‌کنم این قول که بگوئیم پدرش ولی است زیاده‌تر است و چون این قانون مدنی هم از روی فقه است اگر آقای مراجعه فرموده‌اند و باز جدیدت دارند فیهما والا بنده پیشنهاد بدهم که با فصل و رشد بین صغر و جنون یعنی صغر بعد از رشد اگر مجنون شد باید ولی پدر باشد.

وزیر عدلیه. این موضوع البته همان طوری که آقای عراقی بیان فرمودند مورد اختلاف هست ولی چیزی که بنای ما در قانون مدنی هست شهرتی است که تقریباً فتاوی علمای ما است که امروز هم می‌گویند شهرت‌های محققه است علاجی هم ندارد و اگر بخواهیم قانون مدنی را یک قانون ثابتی که هر روز یک رأی در آن

مداخلت نکند و اختلافی پیش نیاید تهیه کنیم همان طوری که کرده ایم ناچار باید همین را اختیار کنیم. مسئله ولایت قهری صرف نص است در واقع استثنائی است از اصل کلی فرق دارد با آن احتراماتی که پدر دارد زیرا مادر هم در تمام احترامات نسبت به اولاد شریک است ولیکن معذک و لی قهری نیست به دلایلی که آقا گفتند پس بعد از انقطاع یعنی پس از کبر و رشد اولاد دیگر هیچ دلیلی نیست برای این استصحاب چون قطع شده است و البته آنهایی که قول بر این دارند دلایلی ذکر می‌کنند ولی عرض می‌کنم فتاوی محققه غیر از این است و ما این را گذاشتیم حالا اگر آقا ایرادی دارند پیشنهاد بدهند در کمیسیون صحبت می‌کنیم.

رئیس. ماده ۱۲۱۹.

ماده ۱۲۱۹. هر يك از ابوین مكلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

رئیس. ماده ۱۲۲۰.

ماده ۱۲۲۰. در صورت نبودن هیچ يك از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که با شخص محتاج به قیم در يك جا زندگی می‌کنند.

رئیس. ۱۲۲۱.

ماده ۱۲۲۱. اگر کسی که به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

رئیس. ماده ۱۲۲۲.

۱. در متن فوق عبارت «مقرر» جایگزین عبارت «مقرره» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارش شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «مقرر» آمده است.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که مدعی العموم به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید

برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به محکمه رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می دانند به محکمه مزبور معرفی کنند - محکمه شرع از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می کنند و نیز محکمه مزبور می تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. این ماده ۱۲۲۲ با وضعی که دارد تا اندازه ای با مواد قبلی تعارض دارد برای اینکه اگر به مواد قبلی مراجعه شود اشخاصی که باید برای آنها نصب قیم شود دو قسم هستند یکی آنهایی که عدم رشدشان احتیاج به اثبات ندارد فقط از روی ورقه هویتشان معین می شود اگر کمتر از هجده سال داشته باشد بدون مراجعه به پارکه ثابت و مسلم است ولی اگر بیشتر باشند و محتاج اثبات عدم رشد باشد یا اینکه جنونشان تشخیص داده بشود به پارکه فرستاده می شود پس پارکه در مورد اشخاصی که باید عدم رشدشان در محکمه ثابت بشود حق ندارد مستقیماً نصب قیم را رجوع کند به محکمه شرع این ماده ۱۲۲۲ را اگر مقایسه کنیم با ماده بعدی ۱۲۲۳ این طور به دست می آید که اساساً قانون در این ماده دو طبقه اشخاص را تفکیک کرده است ماده ۱۲۲۲ منحصر شده است به کسانی که عدم رشد آنها احتیاجی به اثبات در محکمه ندارد اینها را می نویسد که پارکه مستقیماً رجوع به محکمه شرع بکند ماده یک هزار و دویست و بیست و سه می نویسد در مورد مجانین و اشخاص غیر رشید باید مدعی العموم قبل از تقاضای نصب قیم بفرستد به محکمه ابتدائی و در آنجا عدم رشدش ثابت شود با این وضع در ماده ۱۲۲۲ باید بنویسد: اشخاصی که به سن هیجده نرسیده اند آنها را به محکمه شرع بفرستند در صورتی

که اینجا می‌نویسد: اشخاصی که احتیاج به نصب قیم دارند که از آن جمله مجانین هم باشند مستقیماً به محکمه شرع بفرستد در صورتی که ماده بعدی می‌گوید باید جنون آنها ثابت شود این است که بنده در این قسمت پیشنهاد کردم اینجا که می‌نویسد در هر موردی که مدعی‌العموم به نحوی از انحاء به وجود

شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به محکمه شرع رجوع کند پیشنهاد کردم نوشته شود کسی که به سن هجده سال نرسیده است و باید هم برای او نصب قیم شود اگر به این ترتیب اصلاح شود آن وقت ماده بعدی هم که راجع است به مجانین و کسانی که عدم رشد آنها ثابت نشده این قسمت هم اصلاح خواهد شد. یکی این موضوع، موضوع دیگر اینکه در ماده ۱۲۲۳ می‌نویسد در بعضی موارد هم هست که وقتی از محکمه شرع تقاضای نصب قیم می‌شود محکمه شرع علاوه بر نصب قیم می‌تواند ناظر هم معین کند در صورتی که مطابق ماده که بعد قرائت خواهد شد و مطابق مواد کلی که در این قانون هست مدعی‌العموم همیشه حق نظارت در اموال صغیر و مجنون دارد. همچنین در ماده ۱۲۴۷ می‌نویسد که مدعی‌العموم می‌تواند نظارت را رجوع کند به يك اشخاص معینی پس اگر در این ماده هم محکمه شرع می‌تواند ناظر معین کند قیم را که محکمه شرع خودش معین کرده حق همه گونه نظارت دارد هم محکمه شرع می‌تواند ناظر معین کند هم پارکه می‌تواند و به این ترتیب دو دسته ناظر معین شده است در صورتی که به عقیده بنده محکمه شرع فقط انتخاب قیم می‌کند هرگز نمی‌تواند راجع به نظارت در هر صغیر به طوری که در ماده ۱۲۴۷ پیش‌بینی شده ناظر تعیین کند از این جهت به عقیده بنده اگر به ماده بعدی قائل شویم این موضوع در این ماده زائد است.

وزیر عدلیه. اشکالات و مذاکراتی که در این مواد می‌شود به عقیده بنده و سلیقه‌ای که دارم دو قسمت است يك قسم در حقیقت مناسب به کمیسیون است که در اطرافش مذاکره شود و پر مناسب نیست که اینجا خیلی معطل شویم و تصور می‌کنم در کمیسیون هم این

مطلب مذاکره شد اولاً طرز مطلب نویسی يك اقتضائي دارد كه اول حكم كلي را مي‌نويسيم بعد اگر آن حكم كلي يك شرط خاصي داشته باشد آن شرط خاص را ذيل آن مي‌نويسند حالا هم اين طور رعايت شده است براي اينكه وقتي مدعي العموم مطلع شد به وجود كسي كه لازم است براي او نصب قيم شود و محجور شود از تصرف در اموال خودش نص اين است به محكمه شرع رجوع كند اين حكم بود و كلي است جنبه كليتي دارد و در بعضي افراد لازم است يك اقدام مقدماتي ديگري هم بكنند و آن، اين است كه در موضوع سفيه يا صغير بايد قضيه در محكمه ابتدائي اثبات جنون يا عدم رشد او را هم بكنند پس از آن به محكمه شرع بفرستد كه نصب قيم بكنند و اما قسمت ديگر كه محكمه شرع بتواند ناظر معين كند اين عمل ملاحظه شده است كه از باب سهولت كار است براي اينكه مدعي العموم يك اشخاصي را در نظر مي‌گيرد و گاهي هم اشخاص پيدا نمي‌شوند و به زحمت يك نفر را پيدا مي‌كند يا دو نفر يا سه نفر را پيشنهاد مي‌كند به محكمه شرع و بسا اتفاق مي‌افتد كه محكمه شرع يا حاكمي كه آنجا نشسته است او اعتماد و اطمينان نمي‌كند به او گاه اتفاق مي‌افتد كه نظر خودش را به مدعي العموم اظهار مي‌كند او اشخاص ديگر را پيشنهاد بكنند تا بالاخره موافقت حاصل مي‌شود گاه هم اتفاق مي‌افتد كه موافقت حاصل نمي‌شود يا كسي پيدا نمي‌شود قبول كند و او ناچار است همين آدمي را كه پيشنهاد مي‌كند قبول كند و به محكمه شرع هم مي‌گويد من اطمينان ندارم اين راه تخلفي است كه رفع اختلاف پيدا شود و راه به سهولت تمام شود و معطل نباشد حاكم هم مي‌گويد خوب من يك كسي را معين مي‌كنم كه او هم نظر داشته باشد و نظر داشتن غير از كسي است كه متصدي تصرف و اقدام در كار باشد آنكه متصدي و اقدام كننده است قيم است ناظر هم داشته باشد ضرري به جائي نمي‌زند و اسباب سهولت كار است چون عملاً اين طور مشاهده كرديم كه اين وسيله سهولت است اين را هم در قانون گذاشته‌ام.

رئيس. ماده ۱۲۲۳.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانبین مدعی العموم باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به محکمه ابتدائی ارسال دارد.

در صورت اثبات جنون مدعی العموم به محکمه شرع رجوع می‌کند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او به دست آورده در صورتی که سفاهت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به محکمه شرع رجوع نماید.

رئیس. ماده ۱۲۲۴.

ماده ۱۲۲۴. حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانبین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی العموم خواهد بود.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. در این ماده فقط بنده تذکری را لازم بود بدهم اینجا نوشته شده (حفظ و نظارت اموال صغار و مجانبین) یعنی حق داده‌اند که اینها را حفظ کند و به نظر بنده همان حق نظارت است از این جهت اگر همان کلمه حفظ نوشته شود کافی است خصوصاً که از یک اشکال دیگری هم باید اجتناب کنیم و آن این است که به طور کلی در ماده ۱۲۲۴ نوشته شده است که مدعی العموم‌ها در همه موقع حق نظارت داشته باشند و حق نظارت مدعی العموم‌ها محدود نیست در صورتی که اینجا می‌نویسد تا موقعی که برای آنها تعیین قیم نشده می‌تواند نظارت و حفظ کند برای اینکه تعارضی نباشد بهتر این است که تنها نوشته شود اموال صغار را تا قیم معین نشده حفظ نماید و به نظر بنده همین کافی خواهد بود.

وزیر عدلیه. اصل مطلب یک عبارت است که در هر موردی می‌توان یک درجه‌ای از برای او قرارداد مثل همان نظارتی که مثلاً برای متولیان اوقاف یا برای وصیت و امثال آنها معین می‌شود یا ناظر منصوب است یا فقط ناظر است به اینکه اگر متولی یا وصی خیانت کرد ایراد بگیرد بر او در هر صورت این یک چیزی است که به قول علما مقرون به تشکیک است در عبارت ماده هم اول همان عبارت نظارت بود بعد

گویا در کمیسیون یکی از آقایان به همین مناسبت اظهاري کردند که چون نظارت گاهی هم معنایش ضعیف است ممکن است اگر در آن موقع اموالی از صغیر تلف شود بهتر است که یک تقویتی بشود پس باید در ماده حفظ و نظارت باشد حالا تصور می‌کنم اینها اصلاح عبارتی است باز در کمیسیون صحبت می‌کنیم اگر بهتر از این شد اصلاح می‌کنیم.

رئیس. ماده ۱۲۲۵.

ماده ۱۲۲۵. همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قییم معین گردید مدعی‌العموم می‌تواند حجر او را اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده‌ای واقع گردد الزامی است.

گفتار دهم. شور اول مواد ۱۲۲۶ تا ۱۲۵۶

صورت مشروح مجلس یک شنبه دوازدهم مردادماه ۱۳۱۴
(۳ جمادی‌الاولی ۱۳۵۴)

جلسه ۱۴

۵. بقیه شور لایحه راجع به حجر و قیمومت از ماده ۱۲۲۶

رئیس. خبر کمیسیون عدلیه راجع به حجر و قیمومت مطرح است. ماده ۱۲۲۶.

ماده ۱۲۲۶. اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد به علت جنون یا سفه مجبور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است.

رئیس. ماده ۱۲۲۷ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب می‌شود.

رئیس. ماده ۱۲۲۸ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران مأمورین کنسولی ایران حق دارند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده

۱۲۰۷ تحت قیمومت درآیند و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که محکمه شرع تهران تصمیم مأمور قنسولی را تنفیذ کند. رئیس. نظری نیست؟ ماده ۱۲۲۹ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۲۹. وظائف و اختیاراتی که به موجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانی و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین قنسولی خواهد بود. رئیس. ماده ۱۲۳۰ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۳۰. اگر در عهد و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مأمور قنسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

رئیس. مخالفی ندارد؟ ماده ۱۲۳۱ قرائت می‌شود.

ماده ۱۲۳۱. اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱. کسانی که خود در تحت ولایت یا قیمومت هستند.

۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به نقصیر.

۳. کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.

۴. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.

۵. کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوائی

۱. در متن فوق عبارت «دو» جایگزین عبارت «در» گردید.

بر مجبور داشته باشد.

رئیس. آقای نقابت.

نقابت. اعتراض بنده فقط در کلمه جنحه نسبت به اطفال است شرایطی که مانع قیومیت است ارتکاب جنحه و جنایت و غیره است به شرح مذکور در این ماده که قرائت شد و به عرض آقایان رسید من جمله ارتکاب جنایت یا جنحه های مذکور در ماده که اعمال منافی عفت و هتك ناموس و اینها باشد. این عنوان هم در قانون و هم در عرف و اصطلاح عمومیت دارد نسبت به تمام جرائمی که مشمول منافی عفت است دیگر تخصیص دادن در این باب کلی که جنحه نسبت به اطفال هم موجب ممنوعیت قیم خواهد شد این يك حرف زائدي خواهد بود زیرا اگر کسی به^۱ صورت يك بچه سیلی بزند یا اگر راننده اتومبیلی جرحی نسبت به يك طفل وارد کند یا اتفاقاً کسی با چوب او را مجروح کند اینها تمام جنحه است و تابع آن حکم کلی است که در قانون مجازات عمومی مصرح است و دیگر جنحه نسبت به اطفال يك باب خاصی ندارد در آن قانون جنحه نسبت به طفل هم مثل سایر جنحه ها است و يك قسمت هم اعمال منافی عفت است و مقصود قانون هم در این قانون ارتکاب عمل منافی عفت و سوء اخلاق قیم است و به چنین آدمی قیومیت نمی شود و اگذار کرد و بچه به او سپرده نمی شود که تربیت کند به همین جهت همان قسمت منافات عفت کافی است و کلمه جنحه نسبت به اطفال بایستی حذف شود.

مؤید احمدی (مخبر). عرض کنم خاطرم می آید که در کمیسیون هم آقای نقابت این تذکر را دادند و آقای وزیر عدلیه هم جواب های فرمودند در این قضیه لکن بر حسب گفته آقای وزیر عدلیه در جلسه گذشته خاطرم هست که فرمودند که بعضی صحبت ها است که صحبت کمیسیونی است و صحبت مجلس نیست این است که بنده عقیده ام این است که پیشنهاد بفرمایند و پیشنهاد بیاید به کمیسیون و بحث می کنیم.

۱. در متن فوق عبارت «به» جایگزین عبارت «توی» گردید.

رئیس. ماده ۱۲۳۲.

ماده ۱۲۳۲. با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء
محجور مقدم بر سایرین خواهند بود.

رئیس. ماده ۱۲۳۳.

ماده ۱۲۳۳. زن نمی تواند بدون رضایت شوهر خود سمت
قیمومت را قبول کند.

رئیس. ماده ۱۲۳۴.

ماده ۱۲۳۴. در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را
برای قیمومت معین کند می تواند وظایف آنها را
تفکیک نماید.

رئیس. ماده ۱۲۳۵:

فصل سوم. در اختیارات و وظائف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید

ماده ۱۲۳۵. مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی
قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق
مالی او با قیم است.

رئیس. ماده ۱۲۳۶:

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مطالعه در امور
مالی مولی علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه
کرده یک نسخه از آن را به امضاء خود برای
مدعی العموم بدایت که مولی علیه در حوزه آن سکونت
دارد بفرستد و مدعی العموم یا نماینده او باید
نسبت به میزان دارائی مولی علیه تحقیقات لازمه به
عمل آورد.

رئیس. ماده ۱۲۳۷:

ماده ۱۲۳۷. مدعی العموم یا نماینده او باید بعد
از ملاحظه صورت دارائی مولی علیه مبلغی را که ممکن
است خارج سالیانه مولی علیه بالغ بر آن گردد و
مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن
است لازم شود معین نماید.

قیم نمی تواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با
تصویب مدعی العموم.

رئیس. ماده ۱۲۳۸.

ماده ۱۲۳۸. قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی علیه

می‌نماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیّم نباشد.

رئیس. ماده ۱۲۳۹.

ماده ۱۲۳۹. هرگاه معلوم شود که قیّم عامداً مالی را که متعلق به مولی‌علیه بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوءنیت بوده قیّم معزول خواهد شد.

رئیس. ماده ۱۲۴۰.

ماده ۱۲۴۰. قیّم نمی‌تواند به سمت قیمومت از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از اینکه مال مولی‌علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد.

رئیس. ماده ۱۲۴۱.

ماده ۱۲۴۱. قیّم نمی‌تواند اموال منقول مولی‌علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی‌علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی‌علیه و تصویب مدعی‌العموم در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی‌العموم ملائت قیّم می‌باشد و نیز نمی‌تواند برای مولی‌علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

رئیس. ماده ۱۲۴۲.

ماده ۱۲۴۲. قیّم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم در صورت تخلف مسئول هر ضرری است که از مصالحه مزبور به مولی‌علیه متوجه بشود بعلاوه مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل قیّم را بنماید.

رئیس. ماده ۱۲۴۳.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه مدعی‌العموم می‌تواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیّم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهد.

رئیس. ماده ۱۲۴۴:

ماده ۱۲۴۴. قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی العموم حساب ندهد معزول می‌شود.
رئیس. ماده ۱۲۴۵.

ماده ۱۲۴۵. قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی‌علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیم بعدی داده شود.
رئیس. ماده ۱۲۴۶:

ماده ۱۲۴۶. قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی‌علیه تعیین می‌گردد.
رئیس. ماده ۱۲۴۷:

ماده ۱۲۴۷. مدعی العموم می‌تواند اعمال نظارت در امور مولی‌علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی‌علیه خواهند بود.
رئیس. ماده ۱۲۴۸:

فصل چهارم: در موارد عزل قیم

- ماده ۱۲۴۸.** در موارد ذیل قیم معزول می‌شود:
۱. اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.
 ۲. اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.
 ۳. اگر قیم به علی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مولی‌علیه را اداره کند.
 ۴. اگر قیم ورشکسته اعلان شود.

۵. اگر عدم لیاقت قیم در اداره اموال مولي عليه معلوم شود.
۶. در مورد مواد ۱۲۳۹-۱۲۴۳ و ۱۲۴۴.
۷. در مورد تخلف از مقررات ماده ۱۲۴۲ با^۱ تقاضای مدعی العموم.
- رئیس.** ماده ۱۲۴۹:
- ماده ۱۲۴۹.** اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل^۲ می شود.
- رئیس.** ماده ۱۲۵۰:
- ماده ۱۲۵۰.** هرگاه قیم در امور مربوطه به اموال مولي عليه یا جنحه یا جنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره اموال مولي عليه معین خواهد کرد.
- رئیس.** ماده ۱۲۵۱:
- ماده ۱۲۵۱.** هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولي عليه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به مدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی العموم یا نماینده او می تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.
- رئیس.** ماده ۱۲۵۲:
- ماده ۱۲۵۲.** در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی العموم می تواند تقاضای عزل او را بکند.
- رئیس.** ماده ۱۲۵۳.

۱. در متن فوق عبارت «یا» جایگزین عبارت «یا» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «منعزل» جایگزین عبارت «معزول» گردید.

در لایحه تقدیمی دولت و مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون مذکور عبارت «منعزل» آمده است.

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳. پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع می‌شود.
رئیس. ماده ۱۲۵۴.
ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی علیه یا هر شخص ذی‌نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم حوزه که مولی علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به محکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.
رئیس. ماده ۱۲۵۵.
ماده ۱۲۵۵. در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات محکمه اظهار عقیده نماید.
 در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.
رئیس. ماده ۱۲۵۶.
ماده ۱۲۵۶. رفع حجر هر مجبور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن مجبور قید شود.
رئیس. رأی به ورود شور دوم گرفته می‌شود آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار یازدهم. شور اول مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۰۵

صورت مشروح مجلس سه‌شنبه اول مهر ماه ۱۳۱۴ (۲۴)
 جمادی‌الآخری (۱۳۵۴)
 جلسه ۲۱

۴. شور اول راجع به لایحه قانون مربوط به دلایل اثبات دعوی

رئیس. خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به دلایل اثبات دعوی شور اول. چون خبر کمیسیون طبیع و توزیع شده است مقدمه خوانده می‌شود بعد در مواد مذاکره می‌شود.

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی

کمیسیون قوانین عدلیه در چند جلسه با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع به دلائل اثبات دعوی را که در تعقیب مواد قانون مدنی پیشنهاد شده بود مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه در اطراف هر یک از مواد بالاخره لایحه پیشنهادی برای شور اول با اصلاحاتی تصویب و علی‌هذا خبر آن را برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

رئیس. مذاکره در کلیات است (محالقی نیست؟) رأی گرفته می‌شود به ورود در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۷.

جلد سوم. در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷. هرکس ادعای حقی می‌نماید باید آن را اثبات نماید و اثبات سقوط حق بر عهده مدعی آن است.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. این قسمت از قانون مدنی از قسمت‌های مهمه قانون است یعنی مباحث دیگری که تا کنون از تصویب مجلس گذشته است مباحثی بوده است که اگر در یک مواردی ابتلاء پیدا شود به آن مواد مراجعه

می‌شود و رفع اشکال می‌شود مثل قیومیت وقتی که صحبت از قیومیت می‌شود ممکن است استناد شود به آن مواد راجع به قیومیت. ولی این جلد سوم قانون مدنی که طرح شده اینجا یک قواعد کلی بیان می‌کند که در تمام قسمت قانون مدنی ممکن است مورد استفاده واقع شود و بالاخره تکلیف عموم مردم را معین می‌کند مخصوصاً در قسمت قضاوت این موادی که اینجا قید شده مبتلا به خواهد بود در هر قسمت در دعاوی که باشد در قسمت اثبات دعوی و در قسمت‌های دیگری که استناد می‌شود از این جهت به نظر بنده اگر بیشتر بحث بشود بهتر است. اینجا در ماده ۱۲۵۷ بدیهی است این طرزیکه تنظیم شده صحیح است ولی این قسمتی که اینجا بیان شده که اثبات حق با مدعی است این صحیح است ولی چون به طور کلی قواعدی که در قوانین

ذکر می‌شود و تعریفاتی که در قانون می‌شود تا ممکن است باید جامع افراد باشد یعنی یک افرادی نباشد که در قسمت تعریفش اگر درست دقت کنیم از شمول آن ماده خارج شود راجع به محکومین ۱۲۵۷ سابقاً در قانون تسریع محکومات در ماده ۶۳ تعریفی که بعمل آمده به طور کلی اثبات دعوی بر عهده مدعی است و هر کس اعتراضی می‌کند باید اعتراض خودش را مدلل بدارد در اینجا این قاعده کلی یک قدری خصوصی‌تر شده و بیان شده که هر کس مدعی حقی است باید حق خودش را ثابت کند همان طور که عرض کردم این ماده در قسمت خودش صحیح است ولی به این دلائلی که عرض کردم جامع نخواهد بود زیرا یک وقت اتفاق می‌افتد که یک نفر مدعی آمده ادعای حقی را نمی‌کند بلکه می‌خواهد یک امری را تنها ثابت کند مثلاً فرض کنید یک کسی می‌خواهد انحصار وراثت خود را ثابت کند یعنی برود در محکمه صلحیه ثابت کند که تعداد وراثت مثلاً پنج نفر است اینجا احراز یا ادعای یک حقی را نمی‌کند ولو اینکه ضمن این هم یک حقی خوابیده ولی ادعای وجود یک امری را در خارج می‌کند می‌خواهد ثابت کند بعد از فوت مورث پنج نفر ورثه داشته پس بنابراین، این تعریفی که در ماده ۶۳ قانون تسریع محکومات شده در این قسمت کاملتر است برای اینکه در آنجا به طور کلی مطابق قوانین عمومی گفته شده است که اثبات بر عهده مدعی است و همچنین در قسمت اخیر این ماده که گفته شده است اثبات سقوط حق بر عهده مدعی است گاهی می‌شود که مدعی علیه اسقاط حق را مدعی نمی‌شود مثلاً ممکن است که گاهی مدعی علیه آمده و اصلاً مدعی است که از اول تو حق نداشتی یعنی حقی نبوده که تا ثابت شود آن وقت این قسمت مشمول قسمت اخیر نخواهد بود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که آقای وزیر عدلیه اگر ممکن است موافقت بفرمایند در اطراف این ماده مذاکره شود و همان طور که در ماده ۶۳ پیش‌بینی شده است طبق آن ماده اصلاح شود.

وزیر عدلیه. گرچه چون حالا شور اول است ضرورت ندارد زیاد من توضیح بدهم و ممکن است در شور دوم در کمیسیون اصلاحاتی بشود با نظر خود آقایان

اعضاء از جمله خود آقای دکتر جوان ولي چيزي كه هست با ملاحظه آن ماده سابق كه در اصول محاکمات بود اين ماده به نظر ما جامعتر و بهتر آمد اما جامعتر يعني مساوي نمي خواهيم بگويم ناقص بوده آن هم صحيح بوده ولي اين واضحتر است براي اينكه البته مدعي كه گفته ميشود هميشه مدعي بدوي به نظر مي آيد. در اذهان اين است كه او مدعي و اين طرف مدعي عليه اگر چه در بين امر به يكي از جهات مدعي عليه بشود مدعي و مدعي بشود مدعي عليه ممكن است اما بالضروره باز آن اولي مدعي و دومي مدعي عليه است ممكن است اشتباه بشود براي اين توضيح اينجا گفته شده است كه هر كس كه مدعي يك چيزي است اعم از اينكه مدعي بدوي باشد اين حق را بايد اثبات كند يا كسي كه مدعي عليه است نسبت به امري كه حقيقتش مدافعه است وليكن صورت مدعي به خود گرفته است يعني يك حرفي را مي زند بايد اثبات كند من اين تعهد را انجام دادم^۱. اين طلب را پرداخته ام و از اين قبيل اين را بايد اثبات كند ثبوت بر عهده او بايد باشد براي اينكه اشتباه نشود كه هميشه اثبات بر عهده مدعي اولي است اين توضيح اينجا داده شد يعني توضيح نيست عبارت اين طور نوشته شده است كه واضح باشد. اما قسمت اينكه در كلمه حق ممكن است اسقاط حقي بكنند و دايره را تنگ كنند اين طور نيست زيرا كه اينجا مراد دعاوي حقوقي است حقوق مدني است و هيچ كس نمي تواند دعوي كند امري را كه حقي از براي او اثبات نكند نوع حق را. حق لازم نيست كه مال باشد يا امور مربوطه به مال باشد ممكن است نسب باشد وراثت باشد وراثت هم يك حقي است كه مثال زدند بدون فرض حقي از براي كسي نمي تواند مدعي واقع شود در امور حقوقی.

رئيس. پيشنهاد آقای دکتر جوان.

بنده پيشنهاد مي كنم كه ماده ۱۲۵۷ طبق ماده ۶۳ قانون تسريع محاکمات اصلاح شود.

۱. در متن فوق عبارت «دادم» جاگزین عبارت «کردم» گردید.

رئیس. به کمیسیون می‌رود. ماده ۱۲۵۸. **ماده ۱۲۵۸.** دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار.
۲. اسناد کتبی.
۳. شهادت.
۴. امارات.
۵. قسم.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اولاً اینجا ظاهر عبارت این است که امارات هم از دلائل اثبات دعوی است مستقیماً و مستقلاً در صورتی که این طور نیست امارات مستقلاً و مستقیماً از دلائل اثبات دعوی نیست به این معنی که حاکم یا قاضی نمی‌تواند بدون ابراز سندی که در بین باشد و شهادتی که داده شود به صرف امارات یک حکمی بدهد این است که ظاهر عبارت این است که امارات هم مستقلاً از دلائل اثبات دعوی است و دیگر اینکه قسم را اینجا از دلائل اثبات دعوی قرار داده است در صورتی که این طور نیست بلکه قسم همیشه متوجه طرف یعنی مدعی‌علیه است که منکر باشد و اگر او رد کرد به این طرف و رجوع قسم به این کرد آن وقت از دلائل اثبات دعوی است فی‌الجمله این را مطلقاً نوشتن که قسم از دلائل اثبات دعوی است خوب نیست و صحیح نیست.

وزیر عدلیه. بعد از خوانده شدن مواد و توضیحاتی که داده شد جواب آقا داده می‌شود و خودشان هم مطالعه بفرمایند ملتفت خواهند شد و قانع می‌شوند.

مخبر. علت این است که آقای دیبا در مرخصی تشریف داشتند که شور این قانون در کمیسیون عدلیه شد همین طوری که آقای وزیر عدلیه می‌فرمایند در واقع این فهرست است و هرکدام از اینها بابی دارد و در باب قسم عیناً همان است که فرمودید

۶. بقیه مواد لایحه مربوط به دلائل اثبات دعوی **رئیس.** ماده ۱۲۵۹:

کتاب اول. در اقرار

باب اول. در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹. اقرار عبارت از اخبار حقی است برای غیر بر ضرر خود.
رئیس. ماده ۱۲۶۰.
ماده ۱۲۶۰. اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید.
رئیس. آقای دکتر جوان
دکتر جوان. چون در کمیسیون مذاکره شد بنده ماده ۱۲۶۰ را اصلاً زائد می‌دانم برای اینکه ماده قبل وقتی که اقرار را معرفی کرد بدیهی است به هر لفظی باشد کافی است این اشکالی ندارد و این بسته است به اینکه قاضی به چه ترتیب استنباط کند از این جهت بنده پیشنهاد می‌کنم که این ماده حذف شود.
جناب. با توجهی که کردند و با سوابقی که در ذهن‌مان است به عقیده بنده توضیح واضحی است البته اقرار اخبار حقی است بر ضرر خودش لکن ممکن است اختلاف شود که به چه لفظ باشد این است که در این ماده توضیح شد به هر لفظی که مشعر این معنی باشد اقرار واقع می‌شود.
رئیس. پیشنهاد آقای دکتر جوان:
پیشنهاد می‌کنم ماده ۱۲۶۰ زائد است حذف شود.
رئیس. مراجعه می‌شود به کمیسیون.
ماده ۱۲۶۱:
ماده ۱۲۶۱. اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.
رئیس. ماده ۱۲۶۲:
ماده ۱۲۶۲. اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.
رئیس. آقای دکتر جوان.
دکتر جوان. در ماده ۱۲۶۲ نوشته شده است که اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد این ماده قبل از آنکه مطابق قانون اخیری که از مجلس گذشت به عنوان رشد تعریف شده باشد لازم بود ولی بعد از آنکه آن قانون گذشت با آن تعریفی که شد که باید به هجده سال تمام رسیده باشد بنده عقیده دارم که باید این دو کلمه عاقل و بالغ از ماده

۱۲۶۲ تبدیل شود به کلمه رشید (اورنگ - اضافه شود نه تبدیل) خیر رشید هم باید عاقل باشد و هم بالغ باشد پس این دو کلمه بالغ و عاقل باید تبدیل شود به کلمه رشید و ماده این طور می شود که باید رشید و قاصد و مختار باشد خصوصاً آن مثالی که بعداً ذکر کرده که اقرار صغیر و مجنون نافذ نیست این بیشتر توضیح این مطلب است.

وزیر عدلیه. بهتر این است که پیشنهاد کنید و در کمیسیون مطرح شود تفاوتی هست در اینجا چون اقرار غیر بالغ به هیچ وجه مسموع نیست ولی اقرار غیر رشید، غیر رشیدی که اثبات نشده است عدم رشدش فقط به واسطه کمی سن او را غیر رشید محسوب کردند ممکن است که قبل از رسیدن به سن هجده رشدش در محکمه ثابت شود و بنابراین اگر ثابت شد اقرارش هم نافذ خواهد بود این البته یک ملاحظه ای است و بعد از مراجعه به کمیسیون بحث خواهد شد.

رئیس. پیشنهاد آقای دکتر جوان.

پیشنهاد می کنم در ماده ۱۲۶۲ جمله بالغ و عاقل به کلمه رشید تبدیل شود.

رئیس. به کمیسیون رجوع خواهد شد. ماده ۱۲۶۳:

ماده ۱۲۶۳. اقرار سقیه در امور مالی مؤثر نیست.

رئیس. ماده ۱۲۶۴:

ماده ۱۲۶۴. اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست.

رئیس. ماده ۱۲۶۵:

ماده ۱۲۶۵. اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشأ اثر نمی شود تا افلاس او معین گردد.

رئیس. ماده ۱۲۶۶:

ماده ۱۲۶۶. در مقررله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود.

رئیس. ماده ۱۲۶۷:

ماده ۱۲۶۷. اقرار به نفع میت درباره ورثه میت مؤثر خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۲۶۸:

ماده ۱۲۶۸. اقرار معلق مؤثر نیست.

رئیس. ماده ۱۲۶۹:

ماده ۱۲۶۹. اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا بر حسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

رئیس. ماده ۱۲۷۰:

ماده ۱۲۷۰. اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.

رئیس. ماده ۱۲۷۱:

ماده ۱۲۷۱. مقررله اگر به کلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است و مطابق قوانین محاکمات عمل خواهد شد.

رئیس. ماده ۱۲۷۲:

ماده ۱۲۷۲. در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لکن اگر اقرار را تکذیب کند در حق او اثری نخواهد داشت.

رئیس. ماده ۱۲۷۳:

ماده ۱۲۷۳. اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده به شرط آنکه منازعه در بین نباشد.

رئیس. ماده ۱۲۷۴:

ماده ۱۲۷۴. اختلاف مقرر و مقررله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست.

رئیس. ماده ۱۲۷۵:

باب دوم. در آثار اقرار

ماده ۱۲۷۵. هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۲۷۶:

ماده ۱۲۷۶. اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.

رئیس. ماده ۱۲۷۷:

ماده ۱۲۷۷. انکار بعد از اقرار مسموع نیست لکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبني بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل

قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست.

رئیس. ماده ۱۲۷۸:

ماده ۱۲۷۸. اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

رئیس. ماده ۱۲۷۹:

ماده ۱۲۷۹. اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و با ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.

رئیس. ماده ۱۲۸۰:

ماده ۱۲۸۰. اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.

رئیس. ماده ۱۲۸۱:

ماده ۱۲۸۱. قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است.

رئیس. ماده ۱۲۸۲:

ماده ۱۲۸۲. اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقررله نمی تواند آن را تجزیه کرده از قسمتی از آنکه به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند.

رئیس. ماده ۱۲۸۳:

ماده ۱۲۸۳. اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر

باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشد مثل اینکه مدعی علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا اینکه مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق بوده مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

رئیس. آقای دکتر جوان.

راجع به این ماده ۱۲۸۳ در کمیسیون هم مفصلاً مذاکره شد و این طور به نظر من می آید که آقای وزیر عدلیه موافقت فرمودند که این مثال دوم که اینجا می نویسد (یا اینکه مدعی شود اصل وجه بابت طلب سابق بوده) حذف شود گویا در

کمیسیون هم این جور مذاکره شد ولی در اینجا باز هم به حال خود باقی مانده شاید بنده اشتباه کرده باشم بنده این طور به نظرم می‌آید که این طور مذاکره شد که بودن این مثال در اینجا صحیح نیست و مذاکره هم نتیجه‌اش به اینجا رسید که اگر کسی آمد در محکمه اقرار کرد ولی اقرارش مربوط به حق طرف یا دعوی طرف نباشد بیاید بگوید که من بدهکار نیستم و وجهی که گرفتم بابت طلب خودم بود این اقرار محسوب نمی‌شود از این جهت موافقت فرمودند که این مثال حذف شود و یکی هم بنده اساساً نظرم راجع به این ماده ۱۲۸۳ همان طور که در کمیسیون هم عرض کردم با این طرزى که اینجا نوشته شده است زائد می‌دانم با بودن آن ماده قبل که ماده ۱۲۸۲ باشد که اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قیدی باشد مقرر نمی‌تواند آن را تجزیه کرده و از یک قسمت آن استفاده کند با این ترتیب قاضی در محکمه حق استنباط دارد اگر این ماده با این ترتیب بگذرد بنابراین ماده قبل ممکن است که در عمل دچار اشکالات بشود از این جهت بنده پیشنهاد کردم اساساً این ماده زائد است و حذف شود.

وزیر عدلیه. با حذف ماده بنده هیچ موافق نیستم بلکه خیلی ضرورت دارد بودنش برای اینکه آنچه را که ماده ۱۲۸۲ گفته است مسئله تقید به قید یا موصوف بودن به وصف است در آن مقربه اقرار که قابل تغییر یا تقیید نیست مثل اینکه اقرار کند که من لیره کاغذی گرفتم این اقرار ناظر است به همین لیره به صفت کاغذی نمی‌تواند طرف بگوید که اقرار به لیره کردی کاغذی بودن آن را بیای تو اثبات کن این را نمی‌تواند این مسلم است یا اقرار کند گندم سن خورده من از تو قرض کردم ولی این قسمت ماده ۱۲۸۳ موضوعاً با آن متفاوت است و اگر حرف باشد در مثال غیر از اصل مطلب است اصل مطلب این است که در موقعی که مقر در مقابل دعوی مدعی اقرار می‌کند و می‌گوید که من از تو قرض کردم ولی پرداختم این دو قسمت است یک اقرار است به تحقق دین و اشتغال ذمه یک ادعائی است به اینکه من

پرداخته ام یا اینکه ملك را من از تو خریدم ولي بعد به تو انتقال دادم منحل است به دو جزء و مختلف‌الاثار است به این جهت که دومی اثر اولی را از بین می‌برد ولي باید اثبات شود و از بین ببرد اینجا همان طور که در کمیسیون هم مذاکره شد دو نظر ممکن است اینجا گرفته شود و هر دو هم رأی دارد یکی اینکه چون این طور اقرار کرده است و گفته است که من از تو قرض کردم ولي پرداختم معنی این اقرار نتیجه اش این است که الان مدیون نیستم و این اقرار اثری ندارد و این رأی يك انظار و اشباهی هم در قانون خارج دارد و ناظر به این معنی است ولي وقتی که خوب دقت کنیم این طور نیست این دو قسمت است به کلی نمی‌توانیم صرف‌نظر کنیم از آن قسمتی که او اقرار کرده است به تحقق دین و اشتغال ذمه زیرا که این واقع شد و تحقق دین ثابت شد و نمی‌توان آن را گفت که از بین برود و کالعدم است و مثل این است که این حرف را نزده است ولي البته چون قید دارد در اینجا محول کردم که مطابق ماده دیگری حکم بشود و در جای خودش می‌آید حالا در مثال که اقرار کند که من وجهی را که گرفتم بابت طلب سابق بود اینجا می‌توان جا داد و يك قدری این بیان آقای غایبده اقتضا دارد که گفته بشود خیلی من مخالف نیستم با حذف مثال ولي بهتر این است که در کمیسیون مذاکره کنیم و دقت کنیم يك قدری در اطرافش حرف بزنیم اگر مصلحت شد البته حذف می‌شود.

مخبر. من خاطرم است که آقای دکتر جوان در کمیسیون قسمت اولش را صحیح می‌دانستند یعنی می‌گفتند اقرار است در قسمت دومش حرف داشتند اما حالا تعجب می‌کنم که پیشنهاد می‌کنند که اصل ماده حذف بشود اولاً بنده این را توضیح بدهم که این مربوط به اسناد عادی است اگر اسناد رسمی باشد که البته مطابق قانون ثبت و قانون معاملات رسمی است ولي يك شخصی آمده در محکمه و سند عادی بیرون آورده که از کسی هزار تومان طلبکار است طرف می‌گوید بلی مدیون بودم ولي پرداخت کردم این قطعاً اقرار کرده است ادعایش را باید ثابت کند و اگر نتوانست

ثابت کند مطابق ماده که اسم برده شده رفتار می شود مدعی رد است نه اینکه بگوید من اصلاً مشغول ذمه نبودم ولی آن فرضی که فرمودید که بگویید که بلی هزار تومان من به این شخص مقروض بودم لیکن این قدر هم طلبکار بودم این را همان طور که آقای وزیر عدلیه فرمودند ممکن است باز در کمیسیون در مورد آن^۱ بحث کنیم اما شق اولش را که مدعی رد باشد البته اقرار به دین و اشتغال به ذمه کرده است و آن قسمت را باید ثابت کند.

رئیس. پیشنهاد آقای دکتر جوان. بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۲۸۳ زائد است حذف شود.
رئیس. به کمیسیون رجوع می شود. ماده ۱۲۸۴ قرائت می شود:

کتاب دوم. در اسناد

ماده ۱۲۸۴. سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.
رئیس. ماده ۱۲۸۵ قرائت می شود:

ماده ۱۲۸۵. شهادت نامه سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.
رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. به نظر بنده این ماده که می گوید اساساً شهادت نامه سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت اگر این ماده به این نحو اصلاح شود ممکن است در جریان امر اسباب زحمت بعضی ها فراهم شود و بعلاوه موجب تراکم کارها در محکمه شود چون تا کنون یک دعاوی بود که به وسیله شهادت شهود قابل اثبات بود خصوصاً در قانون شهادت و امارات همین مواد بعدی که اینجا آمده آنجا هم بود ولی در آنجا محاکم به طور کلی نظر به سایر موادی که بود تنها شهادت نامه را قبول

۱. در متن فوق عبارت «در مورد آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

نمی‌کردند که به خودی خود مستند یک حکمی واقع شود بلکه شهادت نامه را از این حیث قبول می‌کردند که حکایت می‌کرد یک شهودی در خارج هست منتها در رسیدگی ادعا می‌کردند و یا اینکه یکی از اصحاب دعوی تقاضا می‌کرد که شهود خودش را در محکمه اقامه کند و مخصوصاً در مواردی که شهود با یکدیگر تبانی کرده‌اند یا اینکه شهادت دروغ داده‌اند که یک به یک بیایند در محکمه و شهادت بدهند والا برای اینکه کذبشان معلوم نشود تبانی کنند در یک مورد خصوصی شهادتشان را بنویسند ولی اگر بیایند در محکمه طرف حق دارد آنها را جرح بکند و توضیحاتی بدهند معلوم شود که تبانی کرده‌اند و اطلاع نداشته‌اند از اصل موضوع و دروغ شهادت داده‌اند از این جهت مواد دیگر صراحت دارد که مدعی علیه حق دارد شهود را جرح کند که در محکمه طرف حق داشته باشد آنها را جرح کند و قاضی هم توضیحات بخواند اینها برای پیدا کردن حقیقت امر است ولی در اینجا قید شده که شهادت نامه اعتبار شهادت را فقط خواهد داشت این ماده چه اثری دارد این اثر را که یک وقتی قاضی بگوید چون چند نفر شهادت دادند بر وقوع فلان امر و مطابق ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی هم شهادت نامه اثر شهادت دارد من اصلاً محتاج نمی‌بینم که اصلاً در محکمه حاضر شوند من حکم می‌دهم و بر طبق این ماده قابل نقض در مقامات بالاتر نخواهد بود برای اینکه بر طبق یک ماده حکم صادر شده به این جهت بنده عقیده داشتم که این ماده اساساً اگر نباشد محاکم به موجب ماده دیگری راجع به شهادت نمی‌توانند استشهاد را رد کنند شهادت یک ورقه است که حکایت می‌کند که یک شهودی در خارج بودند ولی شهادت را در محاکم که تا کنون عمل کرده‌اند مستند حکم قرار نداده‌اند فقط موضوع رسیدگی به شکایت است که تحقیقات محلی بکنند یا از شهود شهادتشان را در محکمه استماع کنند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این ماده اساساً زائد است و حذف شود.

وزیر عدلیه. ماده ۱۲۸۵ در حقیقت استثنائی است بر ماده ۱۲۸۴ چون عبارت این است که می‌گوید سند

عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد البته به ظاهرش شامل می‌شود یک ورقه را که عبارت است از شهادت نامه این هم یک نوشته است که در مقام دعوی و دفاع قابل استناد است خواستیم بگوئیم که این سند نیست که دارای آثار سند باشد یعنی در هر دعوائی بکار برود و آن آثار و لوازمی که برسند مترتب است مثل دعوی جعلیت و از اعتبار افتادن و آنهایی که بعد خواهد بود داشته باشد به این ملاحظه این را از سند بودن بیرون کردیم حالا باقی می‌ماند قسمت دوم «آن»^۱. اولی به این مناسبت است قسمت دومی که می‌گوید فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت اینجا بعضی از انتقادات تصور می‌کنم به واسطه مشوب بودن ذهن است از یک اوضاع و احوالی که پیش از این در یک مواردی پیدا شده است و آن اوراقی است که به قول معروف با مهر مسجد شاهی پر می‌کردند یعنی آن دسته مهرهایی که در مسجد شاه بود و می‌زدند و اسمش را می‌گذاشتند استشهاد این قدری ذهن را مشوب کرده در صورتی که ممکن است همان چیزی را که کسی تلفظ کرده است همان را هم بنویسد و این از قلمش جاری شده آن از زبانش جاری شده است روحاً و حقیقتاً هر دو یکی است این مکتوب است آن ملفوظ است منتهی این است که محکمه وقتی که لازم دانست توضیحاتی را از شاهد بخواهد یا وضعیت خود شاهد را ملاحظه کند یا برای اینکه طرف می‌خواهد جرح کند حرف او را و شهادت او را احضار می‌کند به محکمه و هیچ مانعی ندارد و این قسمت در اصول محاکمات رعایت خواهد شد پس آن قسمت‌های دیگر جنبه اصول محاکماتی دارد و منظور خواهد شد که در موردی که کاملاً مردود باشند یا محکمه اطمینان نکند یا محتاج به توضیح باشد یا طرف حضور شهود را بخواهد محکمه باید احضار کند ولی اگر فرض کنیم که یک شهادت نامه است که اشخاص تماماً معتبر و موثقند و هیچ تردیدی

۱. در متن فوق عبارت «دوم آن» جایگزین عبارت «دومیش» گردید.

در صدق شهادت آنها نیست خط و مهرشان هم معلوم است و هیچ مطلب قابل این نیست که توضیح دیگری بخواهند نباید گفت که محکمه این را دور بیندازد و کان لم یکن فرض کند پس آن قسمت‌هایی که به نظر آقای نماینده آمده بود در آن قسمت دوم در اصول محاکمات طوری رعایت خواهد شد که جلوگیری از بعضی محظورات متصوره بکند.

رئیس. پیشنهاد آقای دکتر جوان.

بنده پیشنهاد می‌کنم که ماده ۱۲۸۵ زائد است حذف شود.

رئیس. به کمیسیون رجوع می‌شود. ماده ۱۲۸۶ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۸۶. سند بر دو نوع است: رسمی و عادی.

رئیس. ماده ۱۲۸۷ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۸۷. اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است.

رئیس. ماده ۱۲۸۸ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۸۸. غیر از اسناد مذکوره در ماده فوق سایر اسناد عادی است.

رئیس. ماده ۱۲۸۹ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۸۹. اسناد رسمی درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

رئیس. ماده ۱۲۹۰ قرائت می‌شود.

ماده ۱۲۹۰. اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنان معتبر است:

۱. اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید.

۲. هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء

یا مهر کرده است.

رئیس. ماده ۱۲۹۱ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۱. در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که

اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت^۱ به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

رئیس. ماده ۱۲۹۲ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۲. هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.

رئیس. ماده ۱۲۹۳ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۳. عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.

رئیس. ماده ۱۲۹۴ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۴. محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

اولاً. اسناد مزبوره به علی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً. مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً. کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعاً. نماینده سیاسی و یا قنصلی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

رئیس. ماده ۱۲۹۵ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۵. هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده

۱. در متن فوق عبارت «نسبت» جایگزین عبارت «ثبت» گردید.

قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قنصلی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده

باشد.

رئیس. ماده ۱۲۹۶ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۶. دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجري بر تاجر دیگر در صورتی که دعوي از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب می‌شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

رئیس. ماده ۱۲۹۷ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۷. دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه را که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی‌اعتباری آنچه را که بر ضرر او است ثابت کند.

رئیس. ماده ۱۲۹۸ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۸. دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:

۱. در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲. وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳. وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهت از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

رئیس. ماده ۱۲۹۹ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۹. در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

رئیس. ماده ۱۳۰۰ قرائت می‌شود.

ماده ۱۳۰۰. امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

رئیس. ماده ۱۳۰۱ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۰۱. هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی

که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی‌اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضاء نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد.

رئیس. ماده ۱۳۰۲ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۰۲. در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود.

رئیس. ماده ۱۳۰۳ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۰۳. هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضاء کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است.

رئیس. ماده ۱۳۰۴ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۰۴. در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و قائم مقام آنان معتبر است.

گفتار دوازدهم. شور اول مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۳۵

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۸ مهر ماه ۱۳۱۴ (۲ رجب ۱۳۵۴)

جلسه ۲۲

۳. بقیه شور لایحه راجع به دلائل اثبات دعوی

رئیس. بقیه خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به دلائل اثبات دعوی مطرح است. ماده ۱۳۰۵.

کتاب سوم. در شهادت

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۵. جز در مواردی که قانون استثناء کرده

هیچ يك از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از يك هزار ریال باشد نمی توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

رئیس. آقای دیبا.

دیبا. این جمله که اینجا نوشته شده فقط به وسیله شهادت شفاهی و کتبی باید اثبات کرد عقیده بنده این است که شهادت کتبی را باید از اینجا برداشت چون شهادت اگر مسموع باشد باید شفاهی باشد نه کتبی. شهادت کتبی ابدأ اثری ندارد ولی عبارت این است که در يك موقعی با شهادت شفاهی یا کتبی می تواند اثبات کند و این را بنده عقیده ندارم و باید شهادت کتبی را برداشت و نوشته شود شهادت شفاهی شهود در محکمه.

مؤیداحمدی (نایب کمیسیون قوانین عدلیه). در جلسه گذشته که باب اسناد مطرح بود من جمله شهادت نامه بود که در اسناد نوشتیم که شهادت نامه در حکم اسناد نیست و تصریح شد و البته وقتی که يك شهادت کتبی آمد و محکمه لازم دانست شهود را حاضر می کند در محکمه و آن وقت وقتی که ادا شد در محکمه و توضیحاتی را که محکمه از شهود لازم دانست خواست آن وقت ممکن است که این شهادت نامه مؤثر باشد و تصور می کنم که در غیر این شهادت نامه مستند نیست و الا چون تصریح کردیم در ماده پیش که شهادت نامه سند نیست گمان می کنم این منافات نداشته باشد زیرا آن تا وقتی سندیت دارد که شهود در محکمه حاضر شوند و شهادت شفاهی بدهند والا البته شهادت کتبی به تنهایی در مواد قبل گفتیم که جزء اسناد محسوب نیست.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. در ماده ۱۳۰۵ مواردی که به شهادت شهود قابل اثبات است این است که می نویسد: (که

موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از يك هزار ريال نباشد) به نظر بنده چون در قانوني که در ۱۳۰۶ در باب شهادت و امارات تصویب شده در آنجا این میزان به پانصد ريال تعیین شده و چون قانون مدنی هم چیزی است که مردم بعد از تصویب آن عادت می کنند و باید کمتر مورد تغییر واقع شود از این جهت بنده عقیده دارم که این میزان پانصد ريال که تا کنون معمول بوده و مردم عادت کرده اند تغییر داده نشود و همان پانصد ريال که در قانون سابق بوده تغییر نکند خصوصاً که اساساً با این تشکیلاتی که امروز در مملکت ما وجود دارد یعنی با این توسعه تشکیلات عدلیه و دوائر ثبت اسناد که در دسترس مردم است باید حتی المقدور اثبات با شهادت کمتر بشود و تا ممکن است مواردی که شهادت شهود قابل اثبات است محدود شود این است که بنده عقیده دارم که همان پانصد ريال قانون سابق باشد و به جای این يك هزار ريال گذارده شود.

مؤید احمدی. در کمیسیون عدلیه هم آقای دکتر جوان همین فرمایش را فرمودند البته مطابق قانون سابق همین طوری است که می فرمایند لیکن آقای وزیر عدلیه در کمیسیون توضیحاتی دادند که مواردی پیش آمده است که صلاح دانسته ام که به هزار ريال تبدیل و تعیین کنیم و بنده هم در آن موضوع خیلی اصرار ندارم چون برمی گردد به کمیسیون ممکن است در آنجا باز تجدید نظری بکنیم.

رئیس. ماده ۱۳۰۶:

ماده ۱۳۰۶. در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی از انحاء قانونی بری شده است نمی تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت ثابت کند.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. گرچه اساساً بنده معتقدم که تا ممکن است با این تشکیلات عدلیه و توسعه که حاصل شده مواردی که با شهادت شهود قابل اثبات است تضییق بشود ولی با این ترتیب که اینجا منع کرده و

می‌نویسد: (ابراء در مقابل سند ولو آنکه سند کمتر از يك هزار ريال باشد به شهادت شهود قابل اثبات نیست) به نظر بنده این کلمه صحیح نیست یعنی بعضی موارد است که جز اینکه به شهادت شهود مطلب ثابت شود وسیله دیگری نیست و لذا به نظر بنده این کلیات صحیح نیست برای اینکه در بعضی عقود و ایقاعات فرض بفرمائید يك کسی با تجاری یا بنائی قرار می‌گذارد که برود فلان ساختمان را انجام دهد یا فلان کار را درست کند بعد مدعی می‌شود که فلان کار را انجام نداده‌ای تعهد خودت را ایفاء نکرده‌ای در اینجا طرف مقابل متعهد جز اینکه به شهادت شهود استناد بکند که چند نفر شاهد بیاورد که من رفتم و تعهدم را انجام دادم چاره دیگری ندارد در صورتی که در این ماده منع کرده است می‌گوید در مورد تعهدات و عقود و ایقاعات به طور کلی نمی‌تواند به وسیله شهادت شهود ثابت کند و این کلیت صحیح نیست. در جایی که ممکن است سندی تهیه کند مثل اینکه تعهد کرده هزار تومان بدهد بعد مدعی است که هزار تومان را پرداخته است البته اینجا نمی‌شود به شهادت شهود ثابت کرد باید سند ارائه شود ولی در جاهای دیگر مثل اینکه عرض کردم تعهداتی است که جز اینکه به وسیله شهادت شهود ثابت شود راه دیگری ندارد و این قید باید برداشته شود لذا عقیده دارم ماده ۱۳۰۶ حذف شود و در ماده ۱۳۱۱ که بعداً ذکر خواهد شد در آنجا اصلاحاتی بعمل آید در این خصوص در کمیسیون هم مذاکره شد و این به نظر بنده زائد است.

مؤید احمدی. عرض کنم يك قدری افکار به عقیده بنده روی افراط و تفریط است گاهی می‌گوئیم که اصلاً به شهادت شهود ترتیب اثر ندهیم گاهی خیر می‌بینیم که بعضی موارد هست که چاره نیست و باید به شهادت شهود ترتیب اثر داد عرض می‌کنم این عقد یا ایقاع یا تعهد اگر بر حسب يك سندی است که رسمی است البته فقط شاهد جواب سند را نمی‌دهد ممکن است بفرمایند خیر سند رسمی نبوده يك تعهدی کرده و بعد هم انجام داده حالا می‌خواهد با شهادت شهود ثابت

کند چون در ماده قبل تذکر دادیم که هیچ تعهد و هیچ عقد و ایقاعی را صرفاً به شهادت شهود نمی‌شود اثبات کرد البته مقابلش هم همین طور است وقتی که می‌گوید من به این عهد وفا کرده‌ام وقتی که ما گفتیم که تعهد به شهادت شهود ثابت نمی‌شود ایفاء او را هم باید بگوییم به شهادت شهود نمی‌شود ثابت کرد مگر اینکه آنجا را هم استثناء کنیم. اگر استثناء بکنیم که تعهد به شهادت ثابت می‌شود ایفایش را هم ممکن است بگوئیم به شهادت ثابت می‌شود لکن ما در ماده قبل گفتیم که هیچ عقد و ایقاع و تعهدی به شهادت ثابت نمی‌شود و البته ما یک جزئی را نمی‌توانیم استثناء کنیم و بگوئیم ایفایش می‌شود ولی مع هذا ممکن است نظربران را پیشنهاد کنید بیاید به کمیسیون تجدید نظر می‌کنیم شاید اصلاح شود.

رئیس. ماده ۱۳۰۷ قرائت می‌شود.

ماده ۱۳۰۷. دعوی پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء در مقابل سند ولو آنکه موضوع سند کمتر از

یک هزار ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.

رئیس. ماده ۱۳۰۸ قرائت می‌شود.

ماده ۱۳۰۸. در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد.

رئیس. آقای دیبا.

دیبا. اینجا به طور مطلق گفته می‌شود در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد ولی یک مواردی است که ولو سند هم در مقابلش باشد به شهادت شهود مطابق قوانینی که هست رسیدگی می‌شود در تحقیقات محلی که اتخاذ شده است شهادت هم مقبول است این است که بنده عقیده‌ام این است که این ماده به طور کلی صحیح نیست زیرا که در این موارد ولو اینکه در مقابلش سند هم باشد و اختلافات باشد محکمه باید مراجعه کند به تحقیق محلی اگر طرف بخواهد. و

معاینه محلی و اینها خیلی محل ابتلاء هم هست و اینها هم ثابت نمی‌شود مگر به شهادت شهود.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. این ماده طوری نوشته شده است که به نظر بنده ایراد آقای دیبا وارد نیست برای اینکه نوشته آن قسمتی را نمی‌شود به شهادت شهود ثابت کرد که مخالف با مندرجات سند باشد یعنی اگر در یک سند رسمی تصدیق شده باشد به اینکه امری واقع شده است چون سند رسمی است یا سندی است که اعتبار سند رسمی پیدا کرده این را قانون منع کرده که به شهادت شهود نمی‌شود اثبات کرد ولی بدیهی است در مقابل سند رسمی یا عادی اگر امری مورد دعوی باشد که اثبات آن مخالف مندرجات سند نباشد مثل اینکه بخواهد تعهد خودش را ثابت بکند یا مواردی بوده است که اصلاً تحصیل سند در آن ممکن نبوده است این قسمت به عقیده بنده ممکن است به شهادت شهود ثابت شود و مخالف این ماده هم نخواهد بود.

رئیس. ماده ۱۳۰۹.

ماده ۱۳۰۹. اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع و یا تعهدی بیش از یک هزار ریال باشد نمی‌توان آن را فقط به وسیله شهود اثبات کرد اگر چه مدعی دعوی خود را به یک هزار ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرف‌نظر کند.

رئیس. ماده ۱۳۱۰.

ماده ۱۳۱۰. قیمت یک هزار ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد منطاط است نه موقع مطالبه ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منطاط قیمت روز مطالبه است.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. ماده ۱۳۱۰ در پیشنهاد اولی دولت این قسمت اخیر را نداشته یعنی فقط این بود که «قیمت یک

هزار ریال در زمان عقد منطاط است نه موقع مطالبه»

بعد در کمیسیون مذاکره شد که این قاعده کلی که در این ماده نوشته شده ممکن است در آتییه مورد استفاده بعضی‌ها واقع بشود یعنی بیایند در آن قسمتی که گفته شده دعوی بیش از هزار ریال را

می شود ثابت کرد اما نه دعوائی بکند و بگوید فلان ملکی که امروزه ده هزار تومان قیمت دارد یا فلان شیئی منقولی که امروز بیش از هزار ریال قیمتش است در هیجده سال پیش صد تومان بیشتر قیمت نداشته و به شهادت ده نفر من این را خریده ام اگر غیر منقول باشد. یا منقول باشد بگوید که در نه سال پیش به شهادت چند نفر من این را خریده ام این سبب می شود که یک دعاوی در عدلیه مطرح می شود به شهادت شهود که قیمت آن بیش از هزار ریال باشد این بود که در کمیسیون آقای وزیر عدلیه موافقت فرمودند این قسمت قید شود که هرگاه این دعاوی راجع به قبل از تصویب این قانون باشد باز هم به شهادت شهود قابل اثبات نباشد یعنی در آن صورت هزار ریال در موقع مطالبه است یعنی در موقع اقامه دعوی باید هزار ریال بیشتر قیمت نداشته باشد ولی به نظر بنده این قسمتی که در اینجا قید شده نسبت به قبل از تصویب این قانون همان قسم صحیح است ولی نسبت به آتیۀ مؤثر باشد یعنی مناط قیمت آن شیئی در زمان عقد نباشد بلکه در موقع مطالبه باشد به طور کلی اجازه داده شده است که دعاوی که قیمت آن هزار ریال است به شهادت شهود اثبات شود و اگر بیشتر شد نباید اجازه داده شود از این جهت بنده معتقدم که این ماده به نظر قضات وگذار شود چون در اینجا قید شده که دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است چه میزانی است اما اینکه قیمت روز عقد مناط است یا روز مطالبه این باید به نظر قضات وگذار شود که می توانند در قضایا استنباط کنند.

مؤید احمدی. عرض کنم نظر همین بود که خود آقای دکتر جوان فرمودند و به عقیده بنده مخالفت با ماده فرمودند به علت اینکه همین طور که تشریح فرمودند محل ابتلاء است فلان ملک امروز شاید بیست هزار

تومان قیمتش است ولی در پانزده سال قبل هزار تومان قیمت داشته است. آن وقت می آید به این عنوان اقامه دعوی می کند و می خواهد به شهادت شهود اثبات کند این بود که تصریح شد قیمت حین المطالبه آن وقتی که می آید عرض حال می دهد این

قیمت منطاب است نه قیمت سابق نظر ایشان این است که واگذار به نظر قضات کنیم لکن توضیح و تصریح هم عیبی ندارد البته قاضی هم همین را استنباط می‌کند لکن تصریح مضر نیست.

رئیس. ماده ۱۳۱۱.

ماده ۱۳۱۱. احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری نخواهد بود:

۱. در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲. در مواردی که به واسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳. نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمی‌باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و نایبگاهها می‌سپارند و مثل حق‌الزحمه اطباء و قابله.

۴. در صورتی که سند به واسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد.

۵. در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. بنده شق اول ماده ۱۳۱۱ را محتاج به اصلاح می‌دانم برای اینکه در این ماده کلیتاً بسیاری از دعاوی که نباید به شهادت شهود اثبات کرد اجازه داده است که بشود اثبات کرد برای اینکه اینجا می‌گوید اگر کسی دلیلی داشته باشد و بخواهد برای تکمیل آن دلیل شهود اقامه کند مدعی به، به هر مبلغی بالغ باشد به شهادت شهود می‌تواند ثابت کند چون دلیلی که ما اینجا گفتیم اعم است از دلیل و اماره و سند کتبی و دو قسمت دیگری که سابقاً ذکر شده و بنده معتقدم که اگر کسی دلیل کتبی داشته باشد مثل اینکه یک کسی مراسله می‌نویسد به کسی و در مراسله به طرف اقرار می‌کند که من دینی دارم ولی در مراسله خودش

مبلغ را معین نکرده بیاید در محکمه اقامه دعوی کند به موجب مراسله خودش میگوید چون اقرار کرده در آن مراسله که مدیونم برای اثبات اینکه چه میزانی مدیون است ده تا شاهد دارم البته این باید قبول بشود ولی اگر کسی آمد یک اماره یا قرائنی یا اوضاع و احوالی که جزء ادله محسوب می شود برای خودش تدارک کرد و به استناد آن بخواهد اقامه دعوی کند و اثبات آن را بخواهد با شهادت شهود بعمل آورد این نباید قبول شود چون این موجب خواهد بود که اشخاصی دعاوی ولو به مبلغ کلی و گزاف هم برسند یک اماراتی برای خودشان تهیه می کنند و می آیند به استناد این ماده اقامه دعوی می کنند این است که بنده در اینجا پیشنهاد می کنم که بعد از کلمه دلیل قید دلیل کتی بشود که صدور آن منتسب به طرف است مثل آن مثالی که در ماده ذکر کرده مثل اینکه دلیل بر انتساب موجود بوده ولی مبلغ یا مقدار معلوم نیست این مورد صادق بر همین قسمتی خواهد بود که بنده عرض کردم که دلیل کتی دارد بر اینکه حتماً این دین منتسب به طرف مقابل است.

وزیر عدلیه (آقای صدر). این تفسیر و قید در ماده لازم نیست برای اینکه طبعاً این تفسیر حاصل است زیرا بعد می رسیم. اماره دو قسم است یک امارات قانونی است که خود قانون آن را معتبر شمرده است البته دلیل محسوب است مثل تصرف متصرف اگر از جهتی از جهات محتاج بشود به شاهد آن هم مثل سند کتی است و دارای اعتبار قانونی است یک اوضاع و احوال شخصی است یک اوضاع و احوالی است که جزء اماره و قرینه یک دعوائی و دفاعی واقع می شود و در نظر قاضی جزء اماره و قرینه صدق دعوائی یا دفاعی واقع می شود این خودش طبعاً تثبیت آن مقداری که به شهادت شهود اثبات می شود هست و حدود تأثیر آن همان حدود تأثیر شهادت است بنابراین محتاج به این قید نیست و چنین نیست که اماره را ما مطلقاً بگوئیم که خودش دلیل است که به انضمام شهادت می تواند هر مقدار دعوی را اثبات کند این

طور نیست.

رئیس. ماده ۱۳۱۲:

ماده ۱۳۱۲. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. محکومین به مجازات جنائی.
۲. محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.
۳. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.
۴. اشخاص معروف به فساد اخلاق.
۵. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.
۶. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. در این ماده فقط قید شده است که شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود ولی شهادتی که پذیرفته می‌شود چنانچه در بعضی موارد هست که نسبت به اشخاص یک شرایطی معین کرده نیست و یک شرایط مخصوص ذکر نشده و شهادت خودش یک امر وجودی است و یک شرایط وجودی لازم است که ذکر بشود که در چه مورد شهادت دو نفر لازم است شهادت یک نفر کافی است اقل شاهد در ذکور دو نفر و در اناث چهار نفر است اینها هیچ تعیین نشده این است که حالا که در باب شهادت رسیده‌ایم عقیده بنده این بود حداکثر را معین کنند که محکمه چند نفر را باید قبول کند دو نفر را یا چهار نفر را ده نفر را یک عده باید معین شود و یک شرایط وجودی باید در این ماده قید شود و همچنین یک شرایطی ذکر شود که شهادت این اشخاص قبول و پذیرفته نمی‌شود و شهادت آن کسانی که پذیرفته می‌شود چه شرایطی دارد و در اینجا در این قسمت قیدی نشده.

وزیر عدلیه. قسمت فرمایشات نماینده محترم راجع است به شهادتی که مطابق موازین شرع اقامه می‌شود و امش هم بینه است در آنجا همین طور است بین ذکور و اناث فرق گذاشته است ولی اینجا در طرز محاکم شرع و امور مختصه به محاکم شرع نیست و آن موازین به جای خودش است و اینجا شهادتی است که به اصطلاح فقه شهود استفاضه گفته می‌شود یعنی شهادتی که از کثرت

آنها اعتماد به صدق آنها مفید قطع یا لااقل ظن نزدیک به علم باشد این البته معتبر است و البته باید محصل به یقین باشد برای قاضی که این طور طرف اعتماد باشد و این محصور به عدد معینی نیست ممکن است در نظر قاضی دو نفر کافی باشد سه نفر یا یک نفر کافی باشد که شهادت بدهند و آن حرف یک نفر به منزله شهادت جمع زیادی می شود و در نظر قاضی محل اعتماد و اطمینان باشد و ممکن است جمع زیادی شهادت بدهند و در نظر قاضی محل اعتماد نباشد پس یک ملاکی ندارد که بتوان عدد معین کرد یا اینکه چه شرایطی داشته باشد شرایط نفی باید گفته شود و اساساً هر شهادتی قابل استماع است فقط داریم که یک سنی را باید در نظر گرفته آن هم در ماده بعد ذکر شده و در نظر گرفته شده است و فقط باید شرایط نفی را ذکر کرد و الا باقی شهادات مسموع است شهادت آدم عاقل و بالغ مسموع است مگر اینکه یک مانعی در آن^۱ باشد و شروط شهادت هم در مواد دیگر ذکر خواهد شد که چه نوع^۲ شهادت باید باشد که مؤثر واقع شود.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. ایراد آقای دیبا از یک جهت دیگر هم وارد نیست برای اینکه در مواد قبلی شرایط شهود را که باید چه صفاتی را دارا باشد ذکر شده است در ماده ۱۲۶۲ می نویسد که شاهد باید عاقل باشد بالغ باشد رشید باشد قاصد باشد مختار باشد^۳ و بعد می نویسد شهادت مفلس در حال افلاس قابل قبول نیست^۴ و این شرایط مستغنی می کند که شرایط دیگری ذکر شود.

۱. در متن فوق عبارت «در آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.
۳. ماده مورد اشاره در مورد «اقرار» است نه «شهادت».
۴. مواد «۱۲۶۴» و «۱۲۶۵» نیز در مورد «اقرار مفلس» و «اقرار مدعی افلاس» است نه «شهادت مفلس».

رئیس. ماده ۱۳۱۳:

ماده ۱۳۱۳. شهادت اطفالی را^۱ که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

رئیس. ماده ۱۳۱۴:

باب دوم. در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۴. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شك و تردید.

رئیس. پیشنهادی از آقای دکتر جوان رسیده است که به کمیسیون رجوع خواهد شد. ماده ۱۳۱۵:

ماده ۱۳۱۵. شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد.

رئیس. ماده ۱۳۱۶:

ماده ۱۳۱۶. شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود به اختلاف^۲ شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید.

رئیس. ماده ۱۳۱۷:

ماده ۱۳۱۷. اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد.

رئیس. ماده ۱۳۱۸:

ماده ۱۳۱۸. در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود.

رئیس. آقای دیبا.

۱. در متن فوق عبارت «را» بعد از عبارت «اطفالی» اضافه گردید. در لایحه تقدیمی دولت و صورت مشروح مذاکرات کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون مذکور عبارت «را» وجود دارد.

۲. در لایحه تقدیمی دولت و گزارش شور اول کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «اختلاف» آمده بود.

طباطبائي ديپا. بنده عقیده ام این است در اینجا برای اشخاصی که شهادت دروغ می دهند يك مجازاتی هم معین شود برای اینکه از شهادت دروغ دادن جلوگیری شود در این ماده فقط نوشته شده که اگر کذب شهادت معلوم شد به شهادتش ترتیب اثری داده نمی شود ولي مجازاتی برای او نیست و حال آنکه خیلی مناسب است که مجازاتی هم معین شود.

وزير عدليه. در قانون جزا مجازات معین شده است برای شهادت دروغ. این قانون مدنی است و از حیث تأثیر و عدم تأثیر حقوقی نوشته می شود ولي جزایش در قانون دیگر نوشته شده و در جای خودش ملحوظ است و الان هم داریم.

رئيس. ماده ۱۳۱۹.

ماده ۱۳۱۹. شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود. **رئيس.** پیشنهادی رسیده است:

پیشنهاد آقای پالیزی

پیشنهاد می کنم اول به شاهد قسم داده شود که قسم یاد کند به کذب شهادت نمی دهد.

رئيس - ماده ۱۳۲۰:

کتاب چهارم: در امارات

ماده ۱۳۲۰. اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضي دلیل بر امري شناخته می شود.

رئيس. ماده ۱۳۲۱.

ماده ۱۳۲۱. امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امري قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر.

رئيس. ماده ۱۳۲۲.

ماده ۱۳۲۲. امارات قانونی در کلیه دعاوي اگر چه از دعاوي باشد که به شهادت شهود قابل اثبات

نیست معتبر است مگر آنکه دلیل برخلاف آن موجود باشد.

رئیس. ماده ۱۳۲۳.

ماده ۱۳۲۳. اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

رئیس. ماده ۱۳۲۴:

کتاب پنجم. در قسم

ماده ۱۳۲۴. در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.

رئیس. ماده ۱۳۲۵.

ماده ۱۳۲۵. در موارد ماده فوق مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.

رئیس. ماده ۱۳۲۶.

ماده ۱۳۲۶. مدعی یا مدعی‌علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص آن طرف باشد بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها، آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب به یک طرف باشد.

رئیس. ماده ۱۳۲۷.

ماده ۱۳۲۷. در دعاوی بر صغیر و مجنون و متوفی در صورتی که طرف مدعی باشد ولی یا وصی یا وارث علم به دین مورث و یا مولی‌علیه دارند می‌تواند تقاضا کند که طرف دیگر قسم بر عدم اطلاع خود از منشأ دعوی یاد کند.

رئیس. ماده ۱۳۲۸.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند

و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعائی که تقاضای قسم بر آن شده است محکوم می‌گردد.

رئیس. ماده ۱۳۲۹.

ماده ۱۳۲۹. قسم به کسی متوجه می‌گردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد.

رئیس. ماده ۱۳۳۰.

ماده ۱۳۳۰. تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل قسم یاد کند.

رئیس. ماده ۱۳۳۱.

ماده ۱۳۳۱. قسم قاطع دعوی است و هیچ‌گونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.

رئیس. ماده ۱۳۳۲.

ماده ۱۳۳۲. قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده‌اند و قائم مقام آنها مؤثر است.

رئیس. ماده ۱۳۳۳.

ماده ۱۳۳۳. در دعوی بر میت در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم می‌تواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم

یاد کند در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی‌تواند قسم را به مدعی‌علیه رد کند حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.

رئیس. ماده ۱۳۳۴.

ماده ۱۳۳۴. در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می‌تواند نسبت به آنچه که مورد ادعاء او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. بنده راجع به ماده ۱۳۳۴ پیشنهادی کرده بودم و معتقدم که اصلاً این ماده زائد است و باید حذف شود.

رئیس. پیشنهاد آقای دکتر جوان:

بنده با پیشنهادی که سابقاً راجع به ماده ۱۲۸۳ نموده‌ام ماده ۱۳۳۴ را زائد می‌دانم باید حذف

شود.

رئیس. ماده ۱۳۳۵

ماده ۱۳۳۵. در دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند قسم مورد ندارد.

رئیس. رأی گرفته میشود به ورود در شور ثانی. آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

مبحث دوم. شور دوم

جدول شور دوم

ردیف	مواد لایحه	دوره تقنینیه	شور	شماره جلسه	تاریخ جلسه
۱	۹۵۶ تا ۹۶۲	نهم	دوم	۱۲۰	۱۳۱۳/۱۰/۲۹
۲	۹۶۳ تا ۹۷۵	نهم	دوم	۱۲۱	۱۳۱۳/۱۱/۶
۳	۹۷۶ تا ۹۸۶	نهم	دوم	۱۲۲	۱۳۱۳/۱۱/۱۳
۴	۹۸۷ تا ۱۰۳۰	نهم	دوم	۱۲۴	۱۳۱۳/۱۱/۲۷
۵	۱۰۳۱ تا ۱۰۴۰	نهم	دوم	۱۲۶	۱۳۱۳/۱۲/۱۱
۶	۱۰۴۱ تا ۱۰۶۱	نهم	دوم	۱۲۹	۱۳۱۳/۱۲/۲۱
۷	۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹	نهم	دوم	۱۳۴	۱۳۱۴/۱/۱۷
۸	۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷	نهم	دوم	۱۳۶	۱۳۱۴/۱/۲۰
۹	۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶	نهم	فوری	۱۳۵	۱۳۱۴/۱/۱۹
۱۰	۱۲۰۷ تا ۱۲۴۰	دهم	دوم	۲۰	۱۳۱۴/۶/۲۵
۱۱	۱۲۴۱ تا ۱۲۵۶	دهم	دوم	۲۱	۱۳۱۴/۷/۱
۱۲	۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳	دهم	دوم	۲۳	۱۳۱۴/۷/۱۳
۱۳	۱۲۸۴ تا ۱۳۱۰	دهم	دوم	۲۷	۱۳۱۴/۸/۱
۱۴	۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵	دهم	دوم	۲۸	۱۳۱۴/۸/۸

گفتار اول. شور دوم مواد ۹۵۶ تا ۹۶۲

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۱۳ (۱۳ شوال ۱۳۵۳)

جلسه ۱۲۰

۳. شور ثانی قسمتی از جلد دوم قانون مدنی

رئیس. قسمتی از جلد دوم قانون مدنی شور دوم:

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه برای شور دوم لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت را که به عنوان کتاب اول از جلد دوم قانون مدنی به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده بود مطرح و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را مورد مطالعه قرار داده بالاخره با موافقت آقای وزیر محترم عدلیه خبر شور اول خود را با اصلاحات جزئی تصویب و علی‌هذا راپرت آن را تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید:

قانون مدنی

جلد دوم. در اشخاص

کتاب اول. در کلیات

ماده ۹۵۶. اهلیت برای دارا بودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

رئیس. آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا. بدیهی است قانون مدنی از جمله قوانینی است که اهمیت زیاد دارد و چون این لایحه هم شور دومش است بنده عقیده دارم اگر در مواد قدری صحبت شود عیبی ندارد. اینجا در این ماده اهلیتی که ذکر شده ظاهراً مقصود از آن همان اهلیت به اصطلاح اقتضائی است چون اهلیت دو قسم است: یکی اهلیت استعدادی و اقتضائی و یکی هم اهلیت فعلی است که شخصی که اهلیت دارد می‌تواند آن اهلیت خود را به موقع اجرا بگذارد و اعمال کند. آنچه در این ماده ذکر شده است همین اهلیت استعدادی و اقتضائی است نه اهلیت اجرائی که آن در ماده دیگر می‌آید که فقط این شخص که اهلیت دارد دارای حقوقی است ولی قطع نظر از این که بتواند حقوق خودش را اجرا بکند یا نکند. این ماده فقط ناظر است به اهلیت اقتضائی. پس در این صورت در این عبارتی که با مرگ او تمام می‌شود بنده اشکالی داشتم و خواستم آقای وزیر عدلیه هم توضیحی بدهند. زیرا اهلیت اقتضائی با مرگ تمام نمی‌شود.

در بعضی فروضی که ما داریم شخصی که می‌میرد اهلیت استعدادی و اقتضائی او تمام نمی‌شود مثلاً شخصی ثلث باقی دارد یا ثلث موقت مدت‌دار دارد اموالی برای خودش ثلث قرار داده دائماً یا ثلث قرارداده موقتاً یا اینکه املاکی را وقف کرده، حبس کرده، در این صورت این املاک، این اموال، مال ورثه نیست یقیناً ورثه مالک آن نیستند و نمی‌توان هم گفت که فعلاً آن میت هم مالک آنها است یعنی می‌تواند اجرا کند و به مقام اعمال بگذارد این هم که نیست ولی یک اهلیت استعدادی دارد این اموال اختصاص برایش دارد خواستم توضیح بدهند که این اموال یا املاک با این عبارتی که نوشته شده است که با مرگ او تمام می‌شود در این فروضی که بنده عرض کردم ثلث باقی یا ثلث موقت یا وقف یا حبس و اینها چه صورت دارد؟ مال ورثه که نیست مسلماً مال فعلی میت^۱ هم نیست ولی میت^۲ یک اهلیت اقتضائی نسبت به اینها دارد.

وزیر عدلیه (آقای صدر). قسمت اهلیت که آقای دیبا بیان فرمودند گویا تصور نمی‌کنم بتوان این را اهلیت اقتضائی یا استعدادی گفت مقصود اهلیت فعلی است و چنانکه گویا در شور اول هم عرض کردم دو اهلیت است یک اهلیت برای دارا شدن حقوق است و متمتع شدن و مستفید شدن یعنی واجد مال و حق شدن این به انسان زنده تعلق می‌گیرد و شبهه‌ای نیست که با مرگ او تمام می‌شود اما مسئله ثلث و وقف و این را باید خوب در نظر گرفت که شخصی که فوت شد تمام حقوقش فعلاً و اقتضائاً و استعداداً تمام شده و تلف شده و چیزی از برای او باقی نیست اگر هم هست البته همین طور هم هست معتقد هم هستیم به اینکه برای وقف و برای ثلث و اینها یک مثنوبات اخروی به او می‌رسد ولی این برای نشأه آخرت است و ما در نشأه دنیا هستیم و صحبت از نشأه دنیائی و

۱. در متن فوق عبارت «میت» جایگزین عبارت «میت» گردیده.

۲. همان.

حقوق دنیوی می‌کنیم این مربوط نیست به آن. اینکه فرمودید ثلث مال ورثه نیست بلی مال ورثه نیست ولی مثل وقف مال مردم است مال موقوف‌علیهم است مال موصی‌علیهم است مال آن اشخاصی است که شخص در حیات خودش وصیت کرده است و میت قرارداد داده است که منافع آن مال به یک اشخاص یا به سایر طرق خیرات برسد پس تعلق به شخص او ندارد و البته آقا بهتر مطلع هستند که اخبار هم در اینجا هست که وقتی انسان مرد عملش منقطع می‌شود و هیچ ارتباطی دیگر با دنیا و امور دنیوی ندارد و معقول هم نیست که داشته باشد.

رئیس. نظر دیگری نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایانی که با ماده ۹۵۶ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۵۷ قرائت می‌شود:

ماده ۹۵۷. حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

رئیس. نظری نیست؟ (گفتند - خیر) موافقین با ماده ۹۵۷ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۵۸ قرائت می‌شود:

ماده ۹۵۸. هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. در کمیسیون عدلیه هم مذاکره شد اینجا ظاهراً لفظ اجرا مناسبتی ندارد چون اجرا از مختصات دولت است شخص اگر صاحب حقوق هم باشد تا قانون به او اجازه ندهد البته حقوق خودش را نمی‌تواند اجرا کند این است که به عقیده بنده اگر عوض اجراء، اعمال بنویسند بهتر است هیچ کس نمی‌تواند حقوق خودش را اعمال کند مگر اینکه اهلیت قانونی

۱. در متن فوق عبارت «به او» جایگزین عبارت «بیش» گردید.

داشته باشد.
وزیر عدلیه. بنده هم موافق هستم اشکالی ندارد.
 ممکن است هر دو باشد و نوشته شود که اعمال و اجرا کند این بهتر است.
رئیس. آقای دیبا پیشنهادتان را بنویسید.

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد می‌نماید عوض «اجرا»، «اعمال» مرقوم شود.
مؤید احمدی (عز). نظری که آقای وزیر عدلیه موافقت کردند این بود که هر دو باشد پیشنهاد حضرتعالی این است که عوض اجرا، اعمال گذارده شود.
طباطبائی دیبا. بنده هم موافقم که هر دو باشد عیبی ندارد. اصلاح کنید.
وزیر عدلیه. بلی اعمال و اجرا کند.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۵۸ با اصلاحی که شد موافقت دارند قیام فرمایند.
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس. تصویب شد. ماده ۹۵۹ قرائت می‌شود.
ماده ۹۵۹. هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۵۹ موافقت دارند قیام فرمایند.
 (اکثر برخاستند).
رئیس. تصویب شد ماده ۹۶۰ قرائت می‌شود:
ماده ۹۶۰. هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر نماید.
رئیس. موافقین با ماده ۹۶۰ قیام فرمایند.
 (عده کثیری قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۹۶۱:
ماده ۹۶۱. جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:
 ۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده .
۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۶۱ موافقت دارند قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۶۲:

ماده ۹۶۲. تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر يك نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد.
حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می باشد شامل نخواهد بود.
رئیس. اشکالی نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایانی که با ماده ۹۶۲ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار دوم. شور دوم مواد ۹۶۳ تا ۹۷۵

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۱۳ (۲۰)

شوال ۱۳۵۳)

جلسه ۱۲۱

۲. بقیه شور جلد دوم از قانون مدنی از ماده ۹۶۳
رئیس. ماده ۹۶۳ از جلد دوم قانون مدنی:
ماده ۹۶۳. اگر زوجین تبعه يك دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.
رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) آقایانی که با ماده ۹۶۳

موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۶۴:
ماده ۹۶۴. روابط بین اَبوین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.
رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۶۵:
ماده ۹۶۵. ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.
رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۶۶:
ماده ۹۶۶. تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند معذک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.
رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۶۷:
ماده ۹۶۷. ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت^۱ و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.
رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) آقایانی که با این ماده

۱. در متن فوق عبارت «وراث» جایگزین عبارت «وارث» گردید. در لایحه دولت و مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون مذکور عبارت «وراث» آمده است.

موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۶۸:

ماده ۹۶۸. تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

رئیس. آقای کاشف.

کاشف. در شور اول این ماده طوری تنظیم شده بود که به طوری که در خارج با آقای وزیر عدلیه مذاکره شد خیلی اشکال پیدا می‌کرد از نقطه نظر معاملات اگر چه ماده کاملاً تصریح ندارد که مقصود از عقود اعم است از عقود معاملات یا عقود دیگر ولی در نتیجه توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه در جواب سؤال بنده در خارج فرمودند معلوم شد اعم است در شور دوم قسمت اتباع خارجه را اضافه کرده اند بنده هم در این قسمت پیشنهادی داده بودم که تا اندازه ای رفع آن اشکالاتی که در شور اول داشت کرده ولی بنده خواستم توضیحی از طرف آقای وزیر عدلیه داده شود که این حق را که ما در اینجا در واقع برای اتباع خارجه قائل می‌شویم این حق در صورتی است که سایرین هم مقابله به مثل بکنند و در این قسمت این حق را به ایرانی‌ها بدهند. مثلاً اگر دو نفر اتباع ایران در یک مملکتی که اتباع آنها در اینجا این حق را دارند آنها هم حائز این حق باشند اشکالی ندارد. مثل اینکه تذکر بدهند اسناد و عقود که مابین دو نفر اتباع ایرانی در خارجه درست می‌شود آنها هم حق دارند اشاره بکنند به قانون مملکت خودشان. این یک قسمت. قسمت دیگر پیشنهادی که تقدیم کرده بودم و مورد توجه واقع شده است در کمیسیون موضوع زبانی که با آن اسناد در ایران باید نوشته شود اسناد هم در این قسمت البته اعم است از اسناد رسمی و غیر رسمی مخصوصاً دفاتر برای اینکه البته تصدیق بفرمائید که اگر در خارجه یک اسنادی را به زبان فارسی تنظیم کند هیچ کس قبول نخواهد کرد نه محاکم قبول می‌کنند نه سایر محاکمات ولی در ایران متأسفانه هنوز این اصل جاری است که خارجی‌ها

اسنادي را که رد و بدل می‌کنند مابین خودشان و ایرانی‌ها به زبان خودشان است البته تصدیق می‌فرمائید که ایرانی‌ها اغلب السنه خارجی را نمی‌دانند بالاخره یک چیزی می‌نویسند و امضا می‌کنند و بعد به زحمت می‌افتند حالا از این مرحله که صرفنظر کنیم در این مملکت حتی ملل متنوعه که در اینجا هستند اسنادشان را به زبان خودشان می‌نویسند مثلاً فلان کلیمی به زبان کلیمی و فلان ارمنی به زبان ارمنی اگر چه برای آنها یک تسهیلی است ولی از نقطه نظر قضاوت و از این نظر که مردم به اشتباه نیفتند البته اسباب اشکال می‌شود حتی در کمیسیون وقتی رسیدگی می‌شود به دفاتر ما به این محظور بر می‌خوریم و بالاخره برای یک رسیدگی نمی‌شود چندین مترجم آورد که ببینیم آقا در دفتر چه نوشته است یا خارجی چه نوشته است این است که حالا آقای وزیر عدلیه خوب است توضیح بدهند و اگر در جای دیگری به طوری که فرمودند این منظور را تأمین خواهند فرمود بفرمایند. به عقیده بنده این خیلی لازم است اسنادی که در ایران نوشته می‌شود باید به زبان فارسی نوشته شود لاغیر.

وزیر عدلیه. قسمت اول را خوب ملتفت نشدم مقصود آقای کاشف چه بود. تعهدات ناشیه از عقود اینجا مقصود تعهداتی است که مربوط به مال یا حقوق باشد و در ضمن هر عقدي که باشد فرق نمی‌کند چیزی که از اینجا خارج است همان عقد ازدواج است چون آن را عقد مطلق نمی‌گویند عقد ازدواج یا عقد نکاح می‌گویند در هر حال در این باب اشکالی نمی‌بینم. آن قسمت که پیشنهاد کرده‌اند اصلاح شد به این ترتیب که متعاقدين اگر اتباع خارجه باشند و در مملکت ایران بخواهند عقدي را بین خودشان ببندند یا تعهدي و قراردادي بکنند می‌توانند تابع قوانین مملکت خودشان قرار بدهند و این شامل ایرانی نخواهد بود و از این جهت این قید شده است که متعاقدين باید ایرانی نباشند یک نفرشان هم ایرانی باشد نمی‌توانند این کار را بکنند. و در قسمت اخیر که فرمودند مسئله تنظیم اسناد این را تصور هم نمی‌کنم این طور باشد چون اسناد باید در

دفاتر رسمی ثبت شود و دفاتر را هم به زبان فارسی می‌نویسند اگر دفاتر خودشان یا اسناد بین خودشان به زبان دیگری تنظیم بشود مربوط به این نیست مقصود این است آنچه در دفاتر رسمی ثبت می‌شود باید به زبان فارسی باشد در هر حال این یک مقررات ثبت است و ربطی به قانون مدنی ندارد ممکن است اگر جهات نقصی باشد در آنجا اصلاح شود.

خیر کمیسون عدلیه (آقای مؤید احمدی). در قسمت اول آقای کاشف در شور اول یک پیشنهادی کرده بودند و تقریباً این پیشنهادشان طرف توجه شد و ماده این طور نوشته شده چون ماده در شور اول به طور عموم بود و در اینجا محدود شده است که در صورتی که متعاقبین هر دو اتباع خارجه باشند می‌توانند این کار را بکنند لکن اگر یک طرف ایرانی شد دیگر نمی‌توانند و این پیشنهاد جنابعالی است. و اما در قسمت خط اگر از اسناد رسمی است که در دفاتر ثبت می‌شود این را ملاحظه می‌فرمائید که در ماده بعد دارد طرز تنظیم اسناد تابع قانون محل انتظام است. قانون مملکت ما این است که باید ثبت شود و فارسی است این است که هر دو پیشنهاد جنابعالی منظور شده است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۹۶۸ موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۶۹:

ماده ۹۶۹. اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

رئیس. نظری نیست؟ (خیر) آقایانی که با این ماده موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۷۰:

ماده ۹۷۰. مأمورین سیاسی یا قنصلی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد. در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

رئیس. آقایانی که ماده ۹۷۰ را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۷۱: دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود. رئیس. موافقین با ماده ۹۷۱ قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۷۲:

ماده ۹۷۲. احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجرای تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد. رئیس. آقایانی که با ماده ۹۷۲ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۷۳: ماده ۹۷۳. اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا برطبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد. رئیس. آقایانی که ماده ۹۷۳ را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۷۴: ماده ۹۷۴. مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد. رئیس. آقایانی که این ماده را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۹۷۵: ماده ۹۷۵. محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جرجه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگر چه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

رئیس. آقایانی که ماده ۹۷۵ را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

بخش سوم: مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۵۲۳

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. شور در کلیات اخیر است. مخالفی نیست؟ (خیر) آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

گفتار سوم. شور دوم مواد ۹۷۶ تا ۹۸۶

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۱۳ (۲۷ شوال ۱۳۵۳)
جلسه ۱۲۲

۴. شور دوم قسمتی از جلد دوم قانون مدنی رئیس. خیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به جلد دوم قانون مدنی شور دوم:

خیر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۲۲۶۶۷ دولت را که در تعقیب مواد قانون مدنی پیشنهاد شده بود برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح و تحت شور و مذاقه قرار داده و نتیجه راپرت شور اول خود را که از نظر آقایان نمایندگان محترم هم گذشته و موافقت شده بود با اصلاحاتی تصویب و اینک راپرت آن را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد:

کتاب دوم. در تابعیت

ماده ۹۷۶. اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و

۱. در متن فوق شماره «۲۲۶۶۷» جایگزین شماره «۲۶۶۷» گردید.

مادر آنان غیر معلوم باشد.
۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند.

۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره. اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.
رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. طبیعی است که مقصود از این عبارت تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد این در موردی است که رسیدگی شود و مورد اعتراض نباشد و البته هر کس که یک مدرک معینی دارد و رسیدگی نشده مورد اعتراض هم نیست در این صورت تبعیت او مسلم است بنده عقیده‌ام این است که در این عبارت یک اصلاحی بشود که آن مورد دیگر مورد اشکال نباشد مدرک تبعیت دارد و مورد اعتراض دولت هم نیست این معنیش مسلم است که باید رسیدگی شود و مورد اعتراض نباشد.

وزیر عدلیه. مقصود این است که تا به حال مورد اعتراض نبوده باشد اگر قبل از این مورد اعتراض بوده است البته دولت قبول نداشته است تبعیت خارجی او را.

رئیس. آقای ادهم.

دکتر ادهم. نظری که بنده داشتم راجع به قسمت سوم و شق سوم است که در آنجا نوشته شده است: کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد. اگر چه این مسئله تابعیت است و منظور تابعیت است تصور می‌کنم برای اینکه مطلب

روشن تر باشد نوشته شود که از نظر تابعیت غیر معلوم باشد.

وزیر عدلیه. اینجا دو مطلب است یکی اینکه پدر و مادر حقیقی این طفل معلوم نیست یعنی از آنهایی است که مثلاً سر راه می‌گذارند و دارالایتام و دارالرضاعه آنها را نگاهداری می‌کند مسئله تابعیت یک قسمت مربوط به خاک است که متولد در خاک ایران باشند که تبعیت خارجی آنها هم به واسطه غیر معلوم بودن پدر و مادر آنها غیر معلوم است و تبعه ایران شمرده می‌شوند. یکی هم تابعیت پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد این تصور نمی‌کنم موردی پیدا کند برای اینکه بالضروره پدر و مادر اگر معلوم باشد ناچار معلوم خواهد بود که تابع کجا است اگر تابع یک دولتی باشد معلوم می‌شود و البته این مورد هیچ پیدا نخواهد شد.

رئیس. آقای افسر.

افسر. این نظری را که آقای ادهم دارند به نظر بنده عبارت ماده آن مقصود را هم تأمین می‌کند به جهت اینکه تابعیت پدر و مادرش که معلوم نبود چه تشخیص داده شود که تابعیتشان معلوم نباشد و چه تشخیص داده نشده باشد می‌توان این راه را هم گرفت که اعم از هر دو باشد ولی البته عبارت ماده تصریح نخواهد داشت که پدر و مادرش معلوم نباشد وقتی که پدر و مادرش معلوم نباشد بالتبع تابعیتش ایرانی است و اگر تشخیص دادند که تابعیتش معلوم خواهد شد اگر هم غیر از این باشد که دیگر موضوع ندارد و همان نظر اولی را می‌گیریم و به نظر بنده اینکه کلمه از نظر تابعیت را اضافه کنیم زائد است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۹۷۶ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۷۷:

ماده ۹۷۷. اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام تا یک سال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه

نمایند و تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد.

رئیس. نظری نیست. آقایانی که با ماده ۹۷۷ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۷۸.

ماده ۹۷۸. نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می کنند معامله متقابله خواهد شد.

رئیس. موافقین با ماده ۹۷۸ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۷۹:

ماده ۹۷۹. اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱. به سن هیجده سال تمام رسیده باشند.
۲. پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳. فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴. در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشد.

در مورد فقره دوم این ماده اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. راجع به این ماده شرایطی را که اینجا ذکر می کنند من جمله در قسمت چهار این طور متذکر است که در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشد چنین^۱ شخصی نمی تواند تابعیت دولت ایران را دارا شود. مسئله جنحه غیر مهم را من یک قدری زائد می دانم برای اینکه اولاً تشخیص

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

مهم و غیر مهم چطور می‌شود برای اینکه اگر یک کسی کاری کرده باشد که جزای او این است که مراجعه کنند به محکمه جنحه این تشخیص قلیل و کثیرش یک قدری مشکل است که بیائیم ببینیم که این شخص که به محکمه جنحه رفته با گناه کمی رفته است یا با گناه غلیظتری رفته است که به حبس شش ماه یا به بالا محکوم شده است یا به حبس حداکثر که مثلاً معلوم کرده است سه سال محکوم شده است تشخیص این امر یک قدری مشکل است و در زندگانی عادی اشخاص ممکن است بعضی قضایا پیش بیاید که انسان مبتلای به چنین محکمه جنحه بشود و یک کارهائی بکند که به محکمه جنحه برود این سلب یک حقی را نمی‌شود به واسطه این عمل از او کرد که اگر بخواهد تابعیت ایران را قبول کند به واسطه اینکه در مملکت خودش رفته است به محکمه جنحه حالا جنایت خوب یک نفر آدم جانی حالا دولت ایران چنان^۱ شایق و مایل نیست که یک آدم جانی بیاید تبعه اش بشود ولی جنحه یک امری است که ممکن است در زندگانی برای آدم اتفاق بیفتد و این اتفاق نباید سلب این افتخار و سلب این شرف و سلب این حق را از او بکند و گمان می‌کنم اگر حضرت آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند این جزء از ماده را با پیشنهادی حذف کنیم و قبول بفرمایند که این گناه سلب این حق را از مردم نکرده باشد.

وزیر عدلیه. جنحه مهم و غیر مهم در نظر قضات و محاکم تقریباً روشن است و مثل یک اصطلاحی شده است جنجه‌هائی که ممکن است تبدیل به جزای نقدي بشود یا اساساً جزای نقدي در قانون برای مجازات آنها معین شده است آنها را غیر مهم می‌شناسند ولی جنجه‌هائی که مجازات آنها قابل تبدیل به جزای نقدي نیست و مدتی حبس است اعم از اینکه چهارماه باشد یا چند سال این اشخاص، اشخاص لکه‌داری هستند و این اشخاص را مناسب نیست که دولت ایران قبول

۱. در متن فوق عبارت «چنان» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

کند به تابعیتش هر چند جنحه است و مثل جنایت البته نیست ولی اینکه جنایت غیرسیاسی گفته شده برای این است که یک لکه شخصی نیست و در واقع امور سیاسی است که ممکن است بر طبق عقیده خودش یک اقدامی کرده باشد و اینها اشخاصی نیستند که شخصاً لکه دار شوند ولی جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی البته آدم را لکه دار می‌کند و چندان مناسب نیست که به تبعیت ایران قبول شوند و مهم و غیر مهم هم همین است که عرض کردم و نمی‌شود جنحه را بکلی خارج کنیم برای اینکه یک قسمت از اعمال غیرقانونی و غیرمشروع هست که در ردیف جنحه واقع است و در حقیقت مهم است و جنحه و جنایت هم روی آن مجازاتی که برایش معین می‌شود معلوم می‌شود و خلاف هم همین طور به این لحاظ تصور می‌کنم متناسبترین طرزی است که گرفته شده است زیرا اگر بخواهیم جنحه را بکلی موقوف کنیم که خوب نیست و اگر بخواهیم تمام درجاتش را هم وارد کنیم آن هم زائد است مطابق فرمایش حضرتعالی.

رئیس. آقایانی که با ماده ۹۷۹ موافقت دارند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس. تصویب شد. ماده ۹۸۰:

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تبعیت دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزراء به تبعیت ایران قبول شوند.

رئیس. آقای افسر.

افسر. آن روز بنده تقاضا کردم که آن کسانی هم که ایرانی‌الاصل باشند آنها را هم در حکم همین‌ها قرار بدهیم که آن تشریفات مقدماتی برای آنها هم زیاد نباشد نمی‌دانم چطور شده است در اینجا نیست شاید در جای دیگر باشد در پیشنهاد بنده بود که

ایرانی‌الاصل را هم اضافه کنند و قبول کردند.
مخبر. بنده متوجه نشدم که غرض آقای افسر چه بود غرض از این ماده این بود که در مواد سابق قرار دادیم که کسی که می‌خواهد تبعه ایران شود باید پنج سال متناوب یا متوالی در ایران اقامت داشته باشد لکن گاهی ممکن است اشخاص متخصصی باشند عالم باشند کارهای عام‌المنفعه از آنها ساخته است آنها را گفتیم که آن شرط اقامت را نداشته باشد و در صورتی که دولت ایران صلاح دانست و هیئت دولت تصویب کرد آنها به تبعیت قبول شوند بدون شرط اقامت لکن حالا غرض حضرت والا که می‌فرمایند ایرانی‌الاصل باشند نفهمیدم که این به کجای این ماده مربوط است.

رئیس. آقای افسر.

افسر. نسبت به این اشخاص البته یک تسهیلی شد راجع به اقامت. بنده عرض می‌کنم آنها هم که ایرانی‌الاصل باشند بیست سال قبل پانزده سال قبل به یک مناسبات و جهاتی نه اینکه خواسته باشند که خارج شده باشند از تبعیت ایران به یک جهات سرحدی و یک مناسباتی با این که ایرانی‌الاصل بوده اند حالا تبعه دولت دیگر هستند اینها اگر تقاضای تابعیت کنند باید برای آنها هم دولت تسهیلاتی قائل شود یک طوری بنویسند که مثلاً هیئت وزراء اگر صلاح دانست یک ترتیباتی برای تسهیل کار

آنها منظور نماید که در واقع آن تشریفات اقامت و آن ماده راجع به پنج سال را حتماً در نظر نگیرند و خیلی هم اتفاق افتاده است که بین ما و همسایگان که غفلت کرده اند بروند تذکره بگیرند خیلی اشخاص هستند که در نقاط مجاور دیده ایم و می‌شناسیم در موقعی که از طرف آن دولت به آنها^۱ گفته شده است بیائید تذکره بگیرید غفلت کرده اند طبیعتاً تابع شده است نه اینکه خودش رفته باشد و قبول کرده باشد البته این جهات را هم دولت در نظر خواهد

۱. در متن فوق عبارت «به آنها» جایگزین عبارت «بهشان» گردید.

گرفت که اگر به یکی از این قبیل جهات غفلت کرده است و یک جهاتی هست که گناه و تقصیر حساب نمی‌شود آنها را بدون اقامت پنج سال تابع قرار بدهند.

رئیس. آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی (مخبر کمیسیون). جای اظهار عقیده و نظریه حضرت والا گمان می‌کنم در مواد بعد باشد که در آنجا با آنها چه ترتیب رفتار نمایند آنجا ممکن است یک عبارتی پیشنهاد بفرمائید که مناسب با آن ماده باشد (افسر - جایش همین جا است) چون در آنجا نوشته‌ایم ایرانیانی که از ۱۲۸۰ به این طرف تبعه شده‌اند تابعیت آنها را به رسمیت نمی‌شناسیم حالا ممکن است چون آنها را مقصر شناخته‌ایم و مجازاتی برایشان معین کرده‌ایم این قسمت را هم پیشنهاد بفرمائید که از آن مجازات معاف باشند والا اگر ایرانی‌الاصل باشد که مشمول این ماده نیست برای اینکه این قسمت مال تبعه خارجی است که می‌خواهد ایرانی باشد که اگر متخصص باشد یا فلان باشد یا این شرایط باید وارد تابعیت ایران شود والا اگر ایرانی‌الاصل باشد که این شرایط لازم نیست.

افسر. اینکه فرمودند که اگر ایرانی‌الاصل باشد لازم نیست این شرایط و این مربوط به کسانی است که تابع دولت دیگری هستند این ماده که فرمودند راجع به ۱۲۸۰ یک جهاتی بوده است که آقای وزیر عدلیه هم در کمیسیون توضیحاتی دادند که به موجب یک حکم دولتی که آن وقت ممنوع بوده آن را مدرك قرار داده‌اند آن تفصیلش علیحده است ولی آقایان ملاحظه فرموده‌اند که بین همسایگان اتفاق افتاده است که دولتهایی که تازه تشکیل شده بود می‌خواستند تشخیص تابعیت خودشان را بدهند اعلان کردند که تا فلان مدت هر کس از دولت خودش تذکره آورد که هیچ والا ما او را تابع خودمان تشخیص می‌دهیم آن شخص مثلاً در فلان نقطه بود در بادکوبه بود یا در جای دیگر و نتوانست به جهاتی در موقع حاضر شود و این

۱. در متن فوق عبارت «است» بعد از عبارت «مکن» اضافه شد.

تکلیف را انجام دهد یا مثلاً دولت ما اعلان کرده است که بیائید در فلان تاریخ تذکره‌هایتان را نشان بدهید چون تمام این اعلانات را اشخاص نمی‌توانند بخوانند خاصه آنهایی که عامی و بی‌سواد هستند از روی عدم اطلاع این طور می‌شود و اینها هیچ ایرادی بر آنها^۱ نیست جز غفلت در این صورت لازم است که یک راهی باز بشود که اگر یک وقتی این قبیل اشخاص خواستند تبعیت ایران را قبول کنند و هیچ گناهی هم ندارند از آن راه بتوانند والا اگر گناه دارد که باید مشمول این شرایط باشد البته این جهات را دولت در نظر خواهد گرفت و تابعیت او را قبول نمی‌کند ولی این نوع اشخاص را باید آن تشریفات را درباره‌شان اجرا نکرد آن اقامت پنج سال را دیگر برداشت که تسهیلی درباره‌اش بشود آن هم نظیر این ماده می‌شود برای اینکه تبعه خارجه است لیکن ایرانی‌الاصل است و چون در این ماده گفته است که باید مثلاً متخصص باشد و پنج سال اقامت داشته باشد او نمی‌تواند وارد این قسمت بشود از این جهت بنده عقیده‌ام این است که یک تسهیلی نسبت به این اشخاص بشود.

وزیر عدلیه. منظور آقای افسر در ماده ۹۹۰ کاملاً رعایت شده است دیگر محتاج به چیز اضافه نیست.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۸۰ موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده نهمصد و هشتاد و یک:

ماده ۹۸۱. اگر تا پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر

۱. در متن فوق عبارت «بر آنها» جایگزین عبارت «برشان» گردید.

خواهد کرد^۱.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. بنده در این ماده فقط محتاجم به یک توضیحی که آقای وزیر عدلیه در خصوص این ماده بدهند و آن توضیح را در مجلس لازم میدانم. در ابتدای این ماده مینویسد که اگر تا پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام وظیفه بوده الی آخر ماده ظاهرش این است که اگر یک آدمی از خدمت نظام وظیفه فرار کرده و آمده است سند تابعیت ایران را برای خود تحصیل کرده است از روز صدور سند تابعیت تا پنج سال یعنی تا آخر پنج سال این ظاهر عبارت این است که باید پنج سال بر او بگذرد یعنی سال پنجم هم به روز آخرش برسد لیکن در محاکم دیده‌ام در این موضوع خیلی این اشکال پیش آمده است که در سر یک روز و یک ساعت هم خیلی صحبت است این توضیح را اینجا حاجت دارد که آقای وزیر عدلیه اینجا بفرمایند که باید پنج سال بگذرد تا مشمول این ماده بشود یا خیر وقتی که وارد شد در پنج سال روز اول ورودش به پنج سال مشمول این ماده میشود این توضیح را لازم است که آقای وزیر عدلیه بفرمایند.

وزیر عدلیه. برای توضیح و حفظ نظر آقای اورنگ ممکن است عبارت را بنویسیم مگر در ظرف پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت و آن وقت دیگر مطلب معلوم است و محتاج به توضیح دیگری نیست غرض این است که اگر در این مدت در ظرف پنج سال که ابتدای آن روزی است که سند تابعیت صادر شده و انتهای آن روزی است که شماره میکنیم و پنج سال تمام میشود (صحیح است) در ظرف این مدت معلوم شد آن شخصی که به تبعیت ایران قبول شده است مرتکب

۱. ماده «۹۸۱» دارای یک تبصره و دو بند بوده که در هنگام قرائت در این قسمت فراموش شده ولی در ادامه بحث و در رای‌گیری‌های موارد مذکور لحاظ شده است.

جنگه یا جنایت شده یا برای فرار از نظام وظیفه بوده است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر می‌نماید ولی نکته‌ای هم به نظر خود من آمده بود که عرض می‌کنم نسبت به ارتکاب جنگه یا جنایت عبارت این است و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنگه یا جنایت عمومی است اینجا چون مرور زمان دو نوع^۱ است یک مرور زمانی است نسبت به جرم که اگر حکم هم صادر شده اصل جرم دیگر تعقیب نمی‌شود یک مرور زمانی است نسبت به مجازات که اگر حکم صادر شده باشد اجرا دیگر نمی‌شود پس اگر در اینجا عبارت نوشته شود که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل شده باشد بهتر است.

رئیس. آقای افشار.

افشار. عرض بنده راجع است به قسمت اول این ماده در قسمت اول این طور معلوم می‌شود که اگر شخص تبعه خارجه فراری از نظام وظیفه خودش باشد و بیاید در ایران و تبعیت ایران را قبول کند و تا پنج سال بعد معلوم شود که این شخص فراری از خدمت نظام وظیفه بوده تابعیت او کان لم یکن خواهد بود به نظر بنده اینجا یک اصلاحی لازم است و آن این است که اگر آن شخص در خود ایران خدمت نظام وظیفه اش را انجام داده باشد یا انجام بدهد دیگر لزومی ندارد که او را از تبعیت ایران خارج بکنند به همین جهت بنده پیشنهاد می‌کنم که بر این یک تبصره اضافه شود که اشخاصی که در داخله ایران انجام خدمت نظام وظیفه بکنند آن اشخاص را از تابعیت خارج نکنند.

وزیر عدلیه. این پیشنهاد را مشکل است قبول کردن برای اینکه فرار کردن از خدمت نظام وظیفه عیناً مثل ارتکاب یک جنگه‌ای است و گناهی است کرده و

۱. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.

از مقررات مهم مملکت تخلف نموده حالا اگر در ایران بیاید و پس از تبعه شدن مشمول نظام وظیفه باشد و خدمت خودش را انجام بدهد تبعه ایران بشود و مشمول باشد و خدمت نظام را هم در ایران انجام بدهد جبران آن کارش را نخواهد کرد و ما باید در همه جا این خدمت را مقدس بشماریم.

اورنگ. بلی. چه در مملکت خودمان چه در ممالک خارجه.

رئیس. ماده با اصلاح قرائت می‌شود:

ماده ۹۸۱. اگر در ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم

خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره. اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرر با اجازه هیئت وزراء تابعیت

ایران از آنها سلب خواهد شد:

الف. کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

ب. کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفاء ننمایند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۹۸۱ با اصلاحی که قرائت شد موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۹۸۲:

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثنای حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند

تابعیت:

۱. عضویت مجالس مقننه.
 ۲. عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی.
 ۳. استخدام وزارت امور خارجه.
- رئیس.** آقای اورنگ.

اورنگ. بنده راجع به این ماده برای دخول این افرادی که می‌آیند تبعیت دولت ایران را قبول می‌کنند و مولشان به مقاماتی اینجا استثناء شده

است من جمله به وزارت است یا کفالت وزارت است یا مأموریت‌های مهم وزارت امور خارجه است و اینجا می‌گوید که این مقامات را می‌توانند احراز کرده باشد پس از اینکه ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت آنها نسبت به دولت ما بگذرد. پس یک مرد اجنبی از غیر مملکت ما می‌آید و در مملکت ما تقاضای تابعیت می‌کند با آن شرایطی که می‌نویسد اینجا این تقاضا را بکند و سند تابعیت ما را بگیرد و تحصیل کند ده سال هم که گذشت هم می‌تواند وزیر شود هم کفیل بشود بنده اعتقاد این است که این مدت کم است برای وصول این آدم به این مقامات کما اینکه در قوانین جاهای دیگر که رجوع کرده بودم بعضی جاها که این حق را نمی‌دهند اصلاً به یک آدمی که به قول ما اجنبی است و حال آمده است و یگانه شده است و تبعه ما شده است یک مدت خیلی بیشتری را قائل شده‌اند و فلسفه اش این است که شاید در ظرف این مدت متمادی مزاج این، اخلاق این، وضعیت این، حال و نیت و قلب این، در مملکت ما روشن شده باشد ممکن است یک آدم بنا بر یک مقاصدی ده سال را به قول ما تزویر کند آهسته حرف بزند آهسته راه برود سالم نما باشد ولی اگر بیست سال بر آن^۱ گذشت ولو اینکه بخواهد این بیست سال را تزویر کند در مزاج این شخص هم هر قدر بخواهد تدلیس کند ملکه راسخه‌ای می‌شود و خود آن تدلیس و تزویر در مزاجش به واسطه مرور زمان و

۱. در متن فوق عبارت «بر آن» جایگزین عبارت «برش» گردید.

مر ایام ملکه راسخه می‌شود. بنابراین مقدمه بنده مدت را که ده سال است برای وصول این آدم به این مراتب و مراسم کم می‌دانم و اگر حضرت آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند ما یک دهی دیگر بر این ده اضافه بکنیم به عقیده بنده بهتر است...
وزیر عدلیه. وزارت و کفالت وزارت و مأموریت سیاسی خارجه در هر حال بدون مدت از او مسلوب است و مدت ده سال از برای اموری است که در ماده شرح داده شده:

عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و استخدام وزارت امور خارجه.
 ولی نسبت به سایر حقوق ایرانیان او هم از وقتی که قبول شد به تبعیت ایران بهره‌مند می‌شود فقط اینجا در ماده، دو استثناء است یکی استثنائی است مطلق و دیگری استثنائی است موقت تا ده سال (اورنگ - صحیح است).

رئیس. آقای افسر.

افسر. البته این فرض یک فرض دوری است که یک کسی ده سال تزویر کند بعد از آن هم فراموش نشود که این شخص را که ملت می‌خواهد برای عضویت مجالس مقننه خود انتخاب کند اگر اطمینان نکند که البته انتخاب نمی‌کنند یک عضو اداری نیست که یک نفر او را انتخاب کند البته مردم ده بیست سی هزار نفر این را انتخاب می‌کنند یک خارجی را یعنی یک کسی را که سابقاً اجنبی بوده است و حالا خودی شده است یا شدت احتیاط و دقت انتخاب خواهند کرد و نباید آنها را از خودمان دور داشت و باید آنها را راغب کنیم به تبعیت خودمان و اینجا هم دو احتمال خطر می‌رود که همه را پیش‌بینی کرده اند و به نظر بنده ماده خوب است.

رئیس. آقای هزارجریبی.

هزارجریبی. بنده موافقم.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا قید شده است مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت ایران و بنده عقیده ام این است که علاوه بر این شرط باید اقامت در ایران هم قید و شرط بشود والا یک کسی تحصیل

سند تابعیت کرده است و درخارج مانده ده سالش هم گذشته است بعد هم بخواند برگردد به ایران و به این مقامات برسد این صحیح نیست پس خوب است که به این عبارت علاوه شود که از تاریخ صدور سند تابعیت و اقامت در ایران ده سال.

وزیر عدلیه. اولاً که دولت مجبور نیست که حتماً و فوراً چنین آدمی را استخدام کند یا به عضویت قبول بشود اینها بعد از احراز صلاحیتش است اعم از اینکه در ایران مقیم باشد یا در خارج.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۸۲ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۳:

ماده ۹۸۳. درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:

۱. سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او.

۲. تصدیقنامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن

مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیئت وزراء

ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.

رئیس. اشکالی نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانی که با ماده ۹۸۳ موافقت قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۴:

ماده ۹۸۴. زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند ولی زن در ظرف یک سال از

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن ۱۸ سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و انثا باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود.

رئیس. اشکالی ندارد؟ آقایان موافقین با ماده ۹۸۴ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۹۸۵:

ماده ۹۸۵. تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هیجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمی‌باشد.

اورنگ. مخالفی ندارد.

رئیس. مخالفی نیست؟ آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۶:

ماده ۹۸۶. زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولي بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار^۱ مازاد را به نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع خارج فروش قیمت به آنها

۱. در متن فوق عبارت «مقدار» جایگزین عبارت «تعداد» گردید.

داده خواهد شد.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۸۶ موافقند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

گفتار چهارم: شور دوم مواد ۹۸۷ تا ۱۰۳۰

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۱۳ (۱۲)
ذی قعدة (۱۳۵۳)
جلسه ۱۲۴

۳. شور و تصویب مواد ۹۸۷ تا ۱۰۳۰ مربوط به قانون مدنی

رئیس. خبر از کمیسیون عدلیه راجع به جلد دوم قانون مدنی از ماده ۹۸۷ شور دوم:

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول جز

آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده اند ندارند^۱ این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی‌شود^۲.
مدرجات ماده ۹۸۸ در قسمت خروج از ایران مشمول زنان مزبور نخواهد بود.
رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) آقایان موافقین
برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۹۸۸:

ماده ۹۸۸. اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

۲. هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه

دهد.

۳. قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالورائه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملك آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی

منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴. خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشد.

تبصره. کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تبعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت

۱. در متن فوق عبارت «ندارند» جایگزین عبارت «ندارد» گردید.
در لایحه دولت و گزارش شور اول کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی عبارت «ندارند» آمده است. (جلسه ۸ مورخ ۱۳۱۳/۱۰/۲۰)

۲. در متن فوق عبارت «نمی‌شود» جایگزین عبارت «می‌شود» گردید.
با توجه به صورت مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه (جلسه ۱۱ مورخ ۱۳۱۳/۱۱/۹) عبارت «نمی‌شود» صحیح است.

یک سال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیۀ بخوانند به ایران بیایند اجازه مخصوص هیئت وزراء آن هم برای یک دفعه و مدت معین لازم است.

رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) موافقین برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۹۸۹:

ماده ۹۸۹. هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقولۀ او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

رئیس. موافقین با ماده ۹۸۹ برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۰:

ماده ۹۹۰. از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخوانند به تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۹۹۰ همراهند برخیزند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۹۹۱:

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوطه به اجراء قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری (حقوق شانس لری) در مورد کسانی

۱. در متن فوق عبارت «خوانند» جایگزین عبارت «خواهد» گردید.
در لایحه دولت و مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه (جلسه ۸ مورخ ۱۳۱۳/۱۰/۲۰) و نیز گزارش شور اول کمیسیون مذکور عبارت «خوانند» آمده است.

که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند به موجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۲:

کتاب سوم. در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۲. سجل احوال هر کس به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود.
رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. در این لایحه و سایر لوایح دیگر که راجع به قانون مدنی تقدیم مجلس می‌شود اشاره به بعضی احوال شخصیه می‌شود که آنها یک قوانین مخصوصی دارد مثلاً در همین کتاب سوم که راجع به سجل احوال می‌نویسد «در صورتی که سجل احوال» یک قوانین مخصوصه

دارد که در اینجا بعضی مواد آن قانون ذکر شده و بعضی از آنها ذکر نشده است بنده عقیده‌ام این است راجع به این چیزهایی که قوانین مخصوص دارد مثل سجل احوال و ازدواج و بعضی قوانین دیگر آن قوانین را باید جمع‌آوری کرد و آثاری که لازم است و بایستی ذکر شود ذکر کرد و آثاری که حقیقتاً لازم نیست و در جزء نظامنامه است آنها را در نظامنامه ذکر

کنند در اینجا بعضی از مواد سجل احوال هست که بنده می‌بینم چندان مربوط به قانون مدنی هم نیست از آن طرف بعضی از مواد دیگرش اصلاً نیست به عقیده بنده اگر همه را جمع می‌کردیم و در یک جا ذکر می‌کردیم بهتر بود.

وزیر عدلیه. نکته را که آقای دیبا ذکر کرده‌اند رعایت شده است قانون سجل احوال یک قسمت مربوط است به قانون مدنی که تکالیف اصلی و اولیه است یک قسمت هم طرز سجل احوال و انجام مقرراتی است که به موجب قانون اداری سجل احوال تنظیم شده است و آن هم اصلاحاتی لازم دارد که تقدیم خواهد شد عجلتاً این قسمت که در این ماده ذکر شده است

مربوط به همان حقوق مدنی است.
رئیس. موافقین با ماده ۹۹۲ برخیزند.
(اغلب برخاستند) تصویب شد: ماده ۹۹۳.
ماده ۹۹۳. امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود:
۱. ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.
۲. ازدواج اعم از دائم و منقطع.
۳. طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت.
۴. وفات هر شخص.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۹۳ همراهند برخیزند.
(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۴:
ماده ۹۹۴. حکم فوت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر می شود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود.
رئیس. اشکالی نیست؟ (خیر) موافقین قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۹۹۵:
ماده ۹۹۵. تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر به موجب حکم محکمه.
رئیس. آقایانی که با ماده ۹۹۵ موافقت دارند برخیزند.
(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۶:
ماده ۹۹۶. اگر عدم صحت مطالبی که به دایره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال به عنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود.
رئیس. موافقین برخیزند.
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۹۹۷:
ماده ۹۹۷. هرکس باید دارای نام خانوادگی باشد. اتخاذ نامهای مخصوص که به موجب نظامنامه اداره سجل احوال معین می شود ممنوع است.
رئیس. آقای دیبا.
طباطبائی دیبا. اینجا بنده می خواستم آقای وزیر عدلیه یک توضیحی بدهند که هر کس باید دارای

نام خانوادگی باشد ممکن است بعضی اشخاص يك نام خانوادگی برای خودشان بگیرند و به خانواده اش هم هیچ کاری ندارد حالا این جائز است یا خیر بنده گمان می‌کنم که مانع نیست ولی اینجا که نوشته شده است نام خانوادگی مثل این است که مجبورند هر کدام يك نام خانوادگی داشته باشند در صورتی که ممکن است يك نام شخصی برای خودش و خانواده اش بگیرد.

وزیر عدلیه. اینجا مقصود از نام خانوادگی يك نامی است یعنی علاوه بر اسم شخصی اعم از اینکه از دیگران از طایفه متابعت او را بکنند یا نکنند ممکن است آنها هم برای خودشان نام خانوادگی انتخاب کنند.

رئیس. موافقین با ماده ۹۹۷ برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۸:

ماده ۹۹۸. هر کسی که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی‌نفع می‌تواند در ظرف مدت و به طریقی که در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۹:

ماده ۹۹۹. سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. این سند ولادت که اظهار می‌شود بنده عقیده‌ام این است که باید نوشته شود از طرف اولیای آن شخص برای اینکه ممکن است يك آدم خارجی بیاید و سند ولادت بگیرد این خوب نیست و باید سند ولادت را اولیاء آن کس بگیرد.

وزیر عدلیه. اگر مقصود آقا این است که يك آدم اجنبی تقاضا کند ولادت طفل را که مربوط به او

نیست این اتفاق نمی‌افتد این در قانون و مقررات
سجل احوال هست که اشخاصی که حق دارند سند ولادت
کسی را بگیرند اولیاء آن طفل هستند اولیاء هم معین
است بنابراین گوش نمی‌دهند به اظهارات دیگری و
جایش هم در اینجا نیست اینجا فقط گفته می‌شود
سند ولادت کسی که صادر شد یعنی صحیحاً صادر شد این
سند رسمی خواهد بود.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۰:

ماده ۱۰۰۰. سایر مطالب راجع به سجل احوال به
موجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۱:

ماده ۱۰۰۱. مأمورین قونسولی ایران در خارجه باید
نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی
را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده
دوائر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۲:

کتاب چهارم در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲. اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است
که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او
نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز
مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب
است.

اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد
بود.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۰۳:

ماده ۱۰۰۳. هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه
داشته باشد.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۴:

ماده ۱۰۰۴. تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی
در محل دیگر بعمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم

امور نیز به همان محل انتقال یافته باشد.
وزیر عدلیه. يك «او» باید اضافه شود به این طریق
 «مرکز مهم امور او».
رئیس. بله بله آقایانی که با این ماده موافقت
 بریزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۰۵.
ماده ۱۰۰۵. اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه
 شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی
 ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با
 اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده میتواند
 اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

رئیس. آقای افسر.
افسر. این اقامتگاه را دو قسم نوشته اند یکی
 اینکه با اجازه محکمه اقامتگاه دیگری داشته باشد
 یکی هم با اجازه شوهر این دو قسم به نظر بنده
 يك قسم دیگری را هم باید اجازه بدهیم که ممکن
 است بین زن و شوهر خیلی توافق نباشد و زن دلش
 خواسته باشد اقامتگاهی معین کند جهت رساندن
 احضاریه و اختاریه و از این قبیل مطالب که ممکن
 است به دست شوهر یا نوکر او بیفتد بنابراین به
 نظر بنده قید اجازه محکمه لزومی ندارد و به
 عقیده بنده يك قدری مشکل است به نظر بنده باید
 اضافه کرد که حق دارد غیر از خانه شوهرش
 اقامتگاه دیگری برای خودش معین کند برای استفاده
 از احضاریه ها و اختاریه ها و ابلاغیه ها این است
 عقیده بنده.

وزیر عدلیه. چون زن استقلال در زندگانی و مسکن
 ندارد و تابع شوهر است اقامتگاه او تابع
 اقامتگاه شوهر در نظر گرفته شده است ولي در بعضی
 از موارد ممکن است اقامتگاه علیحده داشته باشد
 یکی جایی که با رضایت شوهر اقامتگاه خاص حاصل
 کند یکی هم در موقع اینکه بینشان تشاجری حاصل
 شده باشد به طرز موقت و محکمه اجازه بدهد که در
 غیر اقامتگاه شوهرش در غیر خانه شوهرش مسکن داشته
 باشد البته در آن موقع اگر اقامه دعوائی بر او
 بشود آن اوراق را به خانه شوهر که اقامتگاه

حقیقی زن محسوب است نمی‌توان ابلاغ کرد بلکه باید به همان اقامتگاه دیگری که اختیار کرده است در آن موقع ابلاغ بشود ولی البته این موقعی خواهد بود که اختلاف بین زن و شوهر باشد اگر چه در یک خانه هم باشند و سزاوار نباشد که اوراق دعوی به شوهر ابلاغ شود زیرا ممکن است که شوهر بر ضرر زن به او نرساند این باید در قانون اصول محاکمات رعایت شود که اگر فرض کنیم پسری با پدرش اختلاف داشته باشد و نخواهد پدر که در مقام خصومت اوراق ابلاغ شده را به او اطلاع دهد باید در آنجا هم بگوئیم که رساندن به چنین پدری یا چنین شوهری یا برادری صحیح نیست و ناچار اینجا هم باید که خود آن شخص آن اختلاف را اطلاع بدهد به محکمه در هر حال جایش در قانون اصول محاکمات است.

رئیس. آقای افسر.

افسر. به نظر بنده از مد نظر اعتبار قانونی شبیه به همین دو سه مطلبی است که در اینجا ذکر شده و چندان فرق نیست که در قانون اصول محاکمات گنجانده شود همین طور که در اینجا ذکر شد اگر در اینجا معین شود گنجاندن در اصول محاکمات حقوقی لزومی ندارد چون این قسمت هم منافاتی با اصول قوانین مدنی ندارد چه ضرر دارد که نوشته شود «و

همچنین می‌تواند اقامتگاهی جهت خودش معین کند» این چیزی نخواهد بود البته در همه چیزها تابع شوهر خواهد بود و استقلال زن هم در حقوق در ملکیت ما مثل بعضی ممالک خارج نیست زن نهایت استقلال را دارد استقلال مالی همه نوع^۳ دارد چه ضرر دارد که به مناسبت اینکه احتمال ضرر مالی بدهد یک اقامتگاهی برای اینگونه مواقع تعیین کند و این از شئون قانون مدنی دور نخواهد بود و آن قدر

۱. در متن فوق عبارت «چنین جایگزین عبارت «همچو» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.
۳. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.

خارج نخواهد بود که لازم باشد در قانون اصول محاکمات ذکر شود اگر در آنجا معین شده است که مانعی ندارد و اگر بعد می‌خواهید معین کنید هیچ ضرری ندارد که در اینجا معین کنید.

وزیر عدلیه. نباید قوانین با هم خلط شود ما اینجا اقامتگاه را معین می‌کنیم که چیست برای اینکه پس از این در هر قانون که اقامتگاه گفتیم دیگر محتاج به شرح نباشد رجوع می‌کنیم به همان اقامتگاهی که قانون مدنی معین کرده است و در قوانین ازدواج بعد خواهد آمد که زن نمی‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و این حق را ندارد و او را نمی‌شود گفت که مثل یک تاجری است یا مثل یک مدیر اداره ای است که بتواند یک جای علیحده برای ابلاغ اوراق دعوی جهت خود معین کند این سمت را ندارد تقریباً.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۰۵ موافقت دارند برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۰۶ قرائت می‌شود.

ماده ۱۰۰۶. اقامتگاه صغیر و مجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است.

رئیس. آقایان موافقین برخیزند.

(جمع کثیری قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۰۷ قرائت می‌شود:

ماده ۱۰۰۷. اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.

رئیس. آقایان موافقین برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۰۸.

ماده ۱۰۰۸. اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنها است.

رئیس. آقایانی که با این ماده موافقت دارند برخیزند.

(بیشتر نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۰۹.

ماده ۱۰۰۹. اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم

خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود.

رئیس. آقایان موافقین برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۱۰:

ماده ۱۰۱۰. اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۰۱۰ برخیزند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۱۱.

کتاب پنجم. در غایب مفقودالاثار

ماده ۱۰۱۱. غایب مفقودالاثار کسی است که از غیبت

او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. بنده راجع به این ماده عرضم این است که

غایب مفقودالاثار را بدون تعیین یک مدتی نمی‌توان توافق کرد در مورد یک مفقودالاثار ممکن است یک مدعی پیدا شود و او را مفقودالاثار فرض کند و بر او یک دعوائی اقامه کند چون مدعی‌علیهش معلوم نیست و چون مدت ندارد ممکن است اسباب تشاجر باشد که یک مدتی را معین کنیم که آن مدت اگر بگذرد و از آن غایب اثری نباشد آن را مفقودالاثار فرض کنیم و اگر آن مدت نگذشته باشد او را مفقودالاثار فرض نکنیم و گمان می‌کنم اگر این طور باشد اشکال کمتر ایجاد می‌شود برای مردم و اگر آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند با تعیین یک مدتی گمان می‌کنم بهتر باشد.

وزیر عدلیه. به نظر بنده مشکل است یک مدتی را به طور حزم قائل شد که آن وقت آن مفقودالاثار

بشود این موضوعات را تقریباً باید به تفاهم عرفی واگذار کرد يك كسي كه مسافرتي کرده است و عادت براین جاری است كه يك اطلاعي از او برسد یا كسي ديگر از حال او بنويسد و يك مدتي هم گذشت كه نگران شدند كسان او و ديگران و تقريباً احتمال موت و حيات او مساوي ميشود آن وقت ميگوئيم مفقودالاثر يعني عرف ميداند كه كجا را مفقودالاثر بگيرد پس بايد كه اثري از او برسد حالا كه نرسیده است مفقودالاثر است ولي يك مدت معيني براي او معين كردن خیلی مشکل است براي اينكه مسافرتها خیلی مختلف است نسبت به اشخاص يك اشخاصي هستند از دهات ميروند شايد در شش ماه هم كاغذ به خانواده شان نميفرستند ولي اشخاصي هستند كه مسافرت ميكنند و هر هفته كه ميگذرد يا تلگراف ميكنند و يا كاغذي مينويسند يا اينكه ديگري از او اطلاع ميدهد و همچنين در مسافرت خارجه و داخله و يا اينكه دسترس دارد به اطلاع دادن و يا دسترس ندارد چون اینجا مختلف است مشکل است مدت معيني براي آن ذكر كرد و بهتر همین است كه همان به تفاهم عرفی واگذار شود.

خير. البته آقاي اورنگ به مواد بعد هم مراجعه فرموده اند آنجا فرق گذاشته شده بين اينكه غايب است يا اينكه بيشتر احتمال فوت داده شود در آنجا كه احتمال فوت است وقت معين شده است ده سال و چهار سال و پنج سال اما حالا فرض براین است كه يك غايبي است كه خبري از فوت او نيست و البته ميدانيد كه استصحاب حياتش باقي است و بايد بگوئيم كه حيات دارد چون خبري از فوتش نرسیده است این است كه در اینجا نميشود وقت معين كنيم به علت اينكه نتيجه در كجا حاصل ميشود؟ در اموال او است يك مرتبه هست كه يك مباشري سركارهايش گذارده این باز در قانون معين شده يك مرتبه هست كه هيچ كس را معين نكرده دو سال، سه سال غايب است و از او اثري نيست اینجا تكليف براین است كه مدعي العموم در كار او مداخله كند مثل اينكه قيم معين ميكنند يا ولي مداخله ميكنند و اگر چنانچه از وارث او يا از اولاد او كسي آمد و تأمين داد و

ضامن داد مداخله در کار آن غایب می‌کند پس تصدیق بفرمائید که این قسمت اول که فوت معلوم نیست تاریخ را نمی‌شود معلوم کرد چون چند فرض ممکن است در آن^۱ کرد. پس بهتر این است که به عرف و عادت واگذار کرد که اگر کسی باشد که یک سال، دو سال، سه سال خیر از او نرسید و کسی هم نباشد که اموال او را اداره کند آن وقت مدعی‌العموم در اموالش مداخله کند والا اگر یک مدتی را معین کردیم آن وقت اگر دو سال معین کردیم در یک سال نمی‌توانیم ممکن است اموال آن شخص از بین برود از این جهت حضرتعالی هم خوب است همین طور که در ماده هست موافقت بفرمائید ولی از جهت فوت که احتمال فوت داده شود آن برایش تاریخ معین شده ده سال و پنج سال در قسمت‌های مختلف در نظامی چند سال در کسی که کشتی سوار شده باشد چند سال و بالاخره تا ده سال و چون اصل تأخر حادث است ما فوت را باید از آن، آنی که خبر می‌دهیم بگیریم و از آن روز هم ده سال است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۱۱ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۱۲.

ماده ۱۰۱۲. اگر غایب مفقودالثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند تقاضای تعیین امین از طرف مدعی‌العموم و اشخاص ذی‌نفع در این امر قبول می‌شود.

رئیس. موافقین با ماده برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۱۳:

ماده ۱۰۱۳. محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگری نماید.

۱. در متن فوق عبارت «در آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. بنده عقیده‌ام این است که این ماده این طور می‌رساند که کسی نمی‌آید امانت را قبول کند برای اینکه محکمه یک کسی را امین معین می‌کند و آن شخص خیر ندارد بعد بیاورند او را در محکمه و محکمه از او ضمانت بخواهد گمان نمی‌کنم که کسی قبول امانت کند و بعلاوه شخص وقتی که امین شد دیگر احتیاجی به ضمانت ندارد اگر امین است که ضامن نمی‌خواهد و اگر امین نیست که او را معین نمی‌کنند و این ماده عقیده بنده این است که عملاً خیلی اسباب اشکال می‌شود و کسی هم دیگر امین نخواهد شد.

وزیر عدلیه. البته آقای دیبا این را تصدیق دارند که امین کم است ولی در هر حال اینکه می‌گویند یعنی تشخیص می‌دهیم که امین است غیر از این است که در واقع و نفس‌الامر امین باشد یا نباشد البته اگر در واقع و نفس‌الامر امین است که خیانت نمی‌کند ولی تشخیص محکمه هم همیشه لازم نیست که مطابق با واقع باشد به نظر خودش کسی را امین قرار داده است ولی احتیاط می‌کند یا ضامن می‌گیرد یا تضمین می‌کند و از آن طرف هم امین مجبور به قبول نیست بسته به میل او است اگر خواست و تضمین داد محکمه هم تعیینش می‌کند.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. بنده در اینجا یک عرضی دارم در این موضوع و می‌خواهم با آقای دیبا موافقت کرده باشم بنده اعتقاد دارم این است که امین مثل کیمیا است آنکه ندارد می‌گوید دارم، آنکه دارد می‌گوید ندارم. نمی‌شود حقیقت را پیدا کرد آنکه می‌آید در محکمه ضمانت می‌دهد از برای اینکه مال یک غایب مفقودالائری را حفاظت کند آن قصدش خوردن است این مسلم و شبهه ندارد آن آدمی که امین است که داعی ندارد که بیاید برای یک کار مجانی به محکمه اظهار بکند و ضامن بدهد ملکش را خانه‌اش را گرو بگذارد برای اینکه اموال یک غایب مفقودالائری را حفظ کند بنده عقیده‌ام این است که ماده را این طور بگذارید که کسی که حاضر برای ضمانت دادن شد به

این آدم رجوع نکند این غیر امین است مسلم آن آدمی که حاضر نشد ضمانت بدهد من اعتقادم این است که امین هست و ممکن است امانی داشته باشد در این موضوع بنده عقیده‌ام این است که آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند و راجع به امین همان اندازه که محکمه و مدعی‌العموم صحت عملش را یا امانتش را تشخیص دادند کافی است کار مجانی را دیگر نمی‌شود در اطرافش این قدر سخت‌گیری کرد.

وزیر عدلیه. خیال نمی‌کنم تصورات آقایان خیلی منطقی مهمی داشته باشد برای اینکه این قانون است وقتی که یک وارثی نیست که اموال غایب مفقودالاثری را اداره کند و این هم بالاخره جزء امور خیریه و

عمومی و تکالیف بشری است که مال یک غایب مفقودالاثری باید حفظ شود چه کسی^۱ در درجه اول یعنی چه مقامی و چه شخصی را می‌توان مسئول این کار قرار داد البته محکمه و مدعی‌العموم و مقامات قضائی ولی آنها که نمی‌توانند خودشان این طور تصدی‌ها را بکنند باید از افراد مردم انتخاب کرد از افراد مردم هم همان طور که همه چیز مختلف است احوالات افراد بشر هم از همه چیز اختلاف زیادتر است اشخاصی هستند که حقیقتاً امین هستند و با هر تکلیفی هم حاضرند بلکه خودشان علاقه‌مند هستند به اینکه یک کار خیری بکنند یا از نقطه نظر دوستی یا عاطفه بشریت میل دارند که یک مالی را حفظ کنند و حاضر هم هستند که از راه احتیاط محکمه که تضمینی خواسته است ضامن بدهد مال خودش را گرو می‌دهد یا یک ضامنی می‌دهد اشخاصی هم هستند که نمی‌کنند این کار را اشخاص خوبی هستند امین هم هستند ولی به آنها^۲ برمی‌خورد که ضامن بدهند. اشخاصی هم هستند که امین نیستند و اقدام در این کارها می‌کنند اشخاصی هم هستند که اگر ضامن بدهند ممکن است که

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کمی» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «به آنها» جایگزین عبارت «پشان» گردید.

ضامنش هم مثل خودش باشد پس تمام افراد و مصادیق و موارد را نمی‌شود تطبیق با حکم کرد و تحت یک حکم درآورد الا اینکه آن مقام رسمی که می‌خواهد این کار را بکند باید احتیاط خودش را بکند برای اینکه معلوم باشد که اگر برخلاف رفتار شد و ائتلاف یا تعدی در آن اموال شد مسئولیتش متوجه چه کسی^۱ خواهد بود این قسمت باید معلوم باشد اگر بگوئیم که محکمه امین معین می‌کند محکمه امین معین کرد هر کسی را که او معین کرد می‌گوید امین است و من امین دانستم آن آدم هم وقتی که خورد دیگر ضامن نیست و می‌رود پی کارش آن وقت زحمت دارد بر امین ثابت کردن که تو تفریط و تعدی کرده‌ای برای اینکه این هم کار مشکلی است این یک احتیاطی است و عبارت قانون هم «می‌تواند» هست اگر محکمه از آن قسم اول اشخاصی را پیدا کرد که طوری امین هستند که این احتمال به هیچ وجه درباره‌شان نمی‌رود که هیچ و اگر دید این طور نیست (و تصدیق هم می‌فرمایند آقا که خود امین درجه اول خیلی کم است مخصوصاً کسانی که قبول هم بکنند این کار را) در آن صورت احتیاط مقتضی است که یک تضمیناتی هم بخواهد.

رئیس. آقای افسر.

افسر. البته قسمت عمده عرایض بنده همین بود که آقای وزیر عدلیه بیان فرمودند به طور مطلق نمی‌شود گفت ممکن است که این غایب قوم و خویش داشته باشد که علاقه‌مند باشد و از راه علاقه و دوستی مال این غایب را حفظ کند حاضر می‌شود و ضامن هم می‌دهد ولی قسمت اخیری را که فرمودند که به اختیار محکمه باشد اگر خواست ضامن بگیرد یعنی اگر عقیده ندارد ضامن بگیرد ولی این قسم سوم را بنده نمی‌دانم چه خواهد کرد و بنده عقیده‌ام این است که این لفظ «می‌تواند» کافی است و حل آن قضیه هم می‌شود و مطلق هم نمی‌شود مردم را گفت که هیچ

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

حاضر در امور خیریه نیستند مثل باقی اوصاف هر دو قسمتش در مردم هست و غالباً باید اعمال مردم را و افعال مسلم را حمل برصحت کرد و این طور نمی‌شود گفت که هر کسی اقدام به یک امور خیری نمود یک نظر سوئی دارد و می‌خواهد مال کسی را از بین ببرد ممکن است سوءظن هم داشته باشد ولی به طور مطلق نباید گفت که نظر سوئی دارد.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و سیزده موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و چهارده: **ماده ۱۰۱۴.** اگر یکی از وراث غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور به این سمت معین خواهد شد.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و پانزده. **ماده ۱۰۱۵.** وظایف و مسئولیت‌های امینی که به موجب مواد قبل معین می‌گردد همان است که برای قیم مقرر است.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و شانزده.

ماده ۱۰۱۶. هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثار مسلم شود اموال او بین وراث موجود حین‌الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد.

رئیس. موافقین برخیزند.

(غالب نمایندگان برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و هفده.

ماده ۱۰۱۷. اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غایب بین وراثی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند تقسیم می‌شود.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و هجده.

ماده ۱۰۱۸. مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود.

رئیس. موافقین برخیزند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده هزار و نوزده.
ماده ۱۰۱۹. حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۰۱۹ قیام فرمایند.
 (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و بیست.
ماده ۱۰۲۰. موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود:

۱. وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضای مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد.
 ۲. وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود.

۳. وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

رئیس. آقای افسر.

افسر. تمام این فرضهایی که شده است به عقیده بنده دقت‌های خوبی است ولی به نظر بنده یک اصول کلی است که باید رعایت شود در جاهایی که مسائل ارتباطیه نسبت به سایر اقوام و ممالک مختلف است البته این قوانین اگر در ممالک اروپا باشد که تلگراف با سیم و بی‌سیم و وسائل اخبار و پست‌ها و چاپ‌ها زیاد است غالباً این طور است ولی اگر چنانچه در ممالک دور دست مثل ممالک افریقا که هنوز وسائل ارتباطیه این طور رونق نگرفته است به نظر بنده نمی‌شود این وسائل اروپا را مقیاس گرفت ملاحظه می‌فرمایید در بعضی از نقاط چین هست که پست‌ها و چاپ‌ها چقدر فرق دارد ممکن است مسافری برود در چین و بعد از هشت سال خیرش بیاید

ولی در پاریس بعد از یک ماه خیرش می‌آید اگر اینجا هم به نظر بنده یک پیش‌بینی می‌کردند که به نظر محکمه واگذار می‌کردند که وسائل ارتباطیه نقاط را در نظر می‌گرفت بهتر بود چون دنیا در رسیدن اخبار مساوی نیست.

وزیر عدلیه. اینها مسائلی نیست که بتوان به اختیار محکمه قرار داد چون باید در قانون یک مسائلی معین باشد تا تکلیف محکمه هم مطابق آن میزان معین شود یعنی محکمه باید بداند که از روی یک قانونی رفتار بکند والا دل بخواه محکمه چه بکند؟ در یک جا محکمه ممکن است طوری فرض کند در جای دیگر طور دیگر فرض کند همه‌اش هم بر روی تخمین و تشخیص خودش باشد باز کار برای محاکم مشکل می‌شود و نظر محکمه هم یک نظری نیست که ما همه جا بگوئیم متبع است. نظر محکمه در حدود قوانین معتبر و متبع است نه به طور مطلق و اما اینکه در بعضی نقاط دنیا وسائل ارتباطیه کم است اولاً اینها نوعی است و این مسائل از روی مصالح نوعی تدوین می‌شود به آن جاها آمد و رفت هم کم است اشخاصی هم کمتر به آنجا می‌روند فرض کنید که پنج سال ده سال به افریقا رفت و خیرش نیامد قطعاً مرده است و زودتر می‌شود حکم موتش را داد به این مناسبت بعضی قوانین هم که با قوانین دیگر تطبیق شده است همین طور است و این طور نیست که غالباً مفقودالاثار را در اروپا این طور در نظر بگیرند و آنهایی که در خود اروپا مسافرت کرده‌اند و می‌کنند آنها بیشتر به مالک دور دست و وحشی مسافرت می‌کنند.

رئیس. آقای افسر.

افسر. همان طور که ملاحظه می‌فرمائید خود آنها هم این اوضاع و احوال را در نظر گرفته‌اند همان طور که بحر خزر و خلیج فارس و عمان و غیرها را مختلف قرار داده‌اند که همان طور که اوضاع و احوال در خیلی جاها مداخلیت دارد در غایب مفقودالاثار هم در جایی که مفقود شده است اگر محکمه به دست آورد همان اوضاع و احوال و تناسباتی را که باید منظور نظر قرار داده شود رعایت کنند اگر نمی‌شود که هیچ.

خبر. بنده نظر آقای افسر را متوجه نشدم در این

قسمت ما سه فرض داریم. فرض اولش این است که ده سال تمام از تاریخ آخرین خری که از حیات غایب رسیده باشد این آخرین خیر از هر جای دنیا می‌خواهد باشد. چین باشد، اروپا باشد، افریقا باشد، هر کجا می‌خواهد باشد آخرین خری که از او رسید از آن روز ده سال است این قسمت اول آن^۱. قسم دوم راجع به این است که در قشون باشد یا اینکه آن جنگ به صلح ختم شده است یا نشده است اگر ختم به صلح شده باشد سه سال، ختم به صلح نشده باشد چند سال. قسمت سوم این است که سفر بحری کرده باشد و در کشتی در حین مسافرت تلف شده باشد و سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بعد از رسیدن خیر است که کشتی تلف شده باشد محسوب می‌شود در هر کجا که تلف شده باشد و اما در قسمت بحرهای که فرمودید در ماده بعد معین شده و فرق گذاشته شده است بین دریاها.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. عرضی ندارم.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و بیستم همراهند برخیزند.

(گروهی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و یکم.

ماده ۱۰۲۱. در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضای مدت‌های ذیل که مبدأ آن از روز حرکت کشتی محسوب می‌شود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگشته و از وجود آن به هیچ وجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب می‌شود:

الف. برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یک سال.

ب. برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) - بحر سیاه و بحر ازوف دو سال.

۱. در متن فوق عبارت «اول آن» جایگزین عبارت «اولیش» گردید.

ج. برای مسافرت در سایر مجاز سه سال.
رئیس. مخالفی نیست؟ (گفتند - خیر) آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند.
(جمعی کثیر قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و دو:

ماده ۱۰۲۲. اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد.

اورنگ. مخالفی نیست.

رئیس. بنابراین موافقین برخیزند.
(عده زیادی بلند شدند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و سه:

ماده ۱۰۲۳. در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلامی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود.

رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و چهار:

ماده ۱۰۲۴. اگر اشخاص مفقود در یک حادثه تلف شوند فرض براین می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند.

مفاد این ماده مانع از اجرای مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول این قانون نخواهد بود.

رئیس. نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و

بیست و پنج:

ماده ۱۰۲۵. وراث غایب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ راجع به اعلان مدت یک سال حتمی است.

اورنگ. مخالفی نیست.

رئیس. آقایان موافقین برخیزند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و شش:

ماده ۱۰۲۶. در مورد ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمینات کافی دیگر بدهند تا در صورت مراجعت غایب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حق بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند. تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود.

رئیس. اشکالی نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایان همراهان با این ماده برخیزند.

(عده‌ای برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و هفت:

ماده ۱۰۲۷. بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می‌باشد مسترد دارند.

رئیس. آقایان موافقین برخیزند.

(همگی برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۲۸:

ماده ۱۰۲۸. امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می‌شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارائی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است.

رئیس. آقایانی که با ماده ...
وزیر عدلیه. آنجا که نوشته شده نفقه او را تعهد کرده باشد «زوج» باید اضافه شود (نفقه او را زوج تعهد کرده باشد).

اورنگ. آقای مؤید توجه فرمودید نفقه او را زوج تعهد کرده باشد «زوج» باید اضافه شود.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و بیست و هشت موافقت قیام فرمایند.
(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و بیست و نه:

ماده ۱۰۲۹. هرگاه شخصی چهارسال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او میتواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق میدهد.

رئیس. کسانی که با این ماده هم همراهند برخیزند. (گروهی برخاستند) تصویب شد ماده هزار و سی.

ماده ۱۰۳۰. اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد.

رئیس. آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا بنده میبینم کتابهایی از قانون مدنی میآید و به تصویب مجلس میرسد و در هیچ کدام از این کتابها تاریخ اجرای اینها هیچ معلوم نیست اینها همه جمع میشود و یک جلد میشود که تاریخ اجرای معلوم نیست این لایحه شور دومش تمام میشود و تصویب میشود و میرود لایحه دیگری مطرح میشود و خیرش از کمیسیون میآید و هیچ تاریخ اجرا ندارد بنده عقیده ام این است که هر یک از این لوایح قانون مدنی که قسمت قسمت تصویب میشود تاریخ اجرای هم باید معین شود که بعد اسباب اشکال نشود.

وزیر عدلیه. نظر بنده این است که تا یک قسمتی از کتابها تمام نشده است تاریخ اجرا معین نشود و بعد یک جا معین شود بهتر است.

افشار. در خود قانون مدنی هم هست.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و سی موافقند برخیزند.

(عده ای برخاستند) تصویب شد.

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شاهرودی:

ماده الحاقیه. اتباع خارجه که ده سال در ایران اقامت نموده باشند از قسمت اول ماده ۹۸۳ معاف خواهند بود.

شاهرودی. در قسمت اول ماده ۹۸۳ قید شده است که هر يك از اتباع خارجه بخواهند تابعیت ایران را قبول کنند بایستی سواد مصدق سجل احوال خودش را ارائه بدهد در صورتی که بسیاری از اشخاص هستند که متوقف هستند در ایران ده سال، پانزده سال، بیست سال و از برای آنها فراهم کردن سجل احوال یعنی سواد مصدق آن خیلی مشکل خواهد بود این است که بنده پیشنهاد کردم که این ماده الحاقیه ضمیمه شود:

کسانی که ده سال در ایران اقامت داشته باشند از آن قسمت معاف باشند و تصور می‌کنم اگر آقای وزیر محترم عدلیه موافقت بفرمایند این يك نوع تسهیلی است برای اشخاصی که می‌خواهند تبعیت ایران را قبول کنند و محظوراتی از این حیث نداشته باشند يك تسهیلی فراهم می‌شود.

وزیر عدلیه. بلی با شرحی که توضیح دادند بنده هم قبول می‌کنم برای اینکه کسانی هستند که سال‌ها است در ایران متوقف بوده‌اند و در واقع اینجا متوطن شده‌اند و دیگر اوراق هویت خارجه هم در دستشان نیست اینجا البته سزاوار است که تسهیل بشود برای قبول تابعیت‌شان و بنده موافق هستم.

رئیس. بنابراین ماده الحاقیه می‌شود ماده هزار و سی و يك.

وزیر عدلیه. این را ممکن است به عنوان تبصره ذیل همان ماده ۹۸۳ و جزو فصل تابعیت بشود چون این تبصره استثنائی است بر آن ماده. این طور گمان می‌کنم مناسب‌تر باشد.

رئیس. عرض کنم آن ماده را که می‌فرمائید این تبصره به آن ملحق شود آن ماده تصویب شده است یعنی در صیانت او تصرف می‌شود اینجا هم که

می‌فرمائید مجلس نیست نظر خبر این است که اگر موافقت می‌فرمائید کمیسیون خودش در جریان قوانین بعد این مسئله را تأمین کند (صحیح است).

وزیر عدلیه. بسیار خوب.

رئیس. آقای شاهرودی خود کمیسیون این مطلب را در یک محلی که مناسب باشد اضافه می‌کند. همین طور بکنند؟

شاهرودی. بلی بماند تا در یک جائی که کمیسیون صلاح می‌داند این منظور را تأمین کند.

اورنگ. بلی در هر جا که کمیسیون صلاح دانست ملحق کند.

رئیس. مذاکره در کلیات آخر است. مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانی که با مجموع این مواد موافقت فرمایند.
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

گفتار پنجم، شور دوم مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۴۰

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۱۳ (۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۵۳)

جلسه ۱۲۶

۲. شور دوم و تصویب مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۴۰ جلد دوم قانون مدنی راجع به قرابت و نکاح و طلاق

رئیس. خبر از کمیسیون عدلیه راجع به قسمت دوم قانون مدنی مربوط به قرابت و نکاح و طلاق.

کتاب ششم، در قرابت

ماده ۱۰۳۱. قرابت بر دو قسم است: قرابت نسبی و قرابت سبی.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۳۱ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۳۲

ماده ۱۰۳۲. قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است:
طبقه اول. پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.
طبقه دوم. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.
طبقه سوم. اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسلیها در آن طبقه معین می‌گردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد اولاد در درجه دوم خواهد بود و هكذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جدّه در درجه اول از طبقه دوم و اولاد و برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود.

و در طبقه سوم قرابت عمو و دایی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۳۲ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۳:
ماده ۱۰۳۳. هرکس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج و زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر^۱ شوهر یک زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهد بود.
رئیس. نظری نیست؟ (خیر) آقایانی که با ماده ۱۰۳۳ موافقت دارند برخیزند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۴:

کتاب هفتم. در نکاح و طلاق

باب اول. در نکاح

فصل اول. در خواستگاری

۱. در متن فوق عبارت «و خواهر» حذف گردید.

ماده ۱۰۳۴. هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتواند خواستگاری نمود.

رئیس. مخالفی نیست؟ موافقین با ماده ۱۰۳۴ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۳۵.

ماده ۱۰۳۵. وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمیکند اگر چه تمام یا قسمی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده میتواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمیتواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۳۵ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۳۶.

ماده ۱۰۳۶. اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت وجهی به هم بزند در حالی که طرف مقابل یا ابوین او یا یک اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید ولی خسارات مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۰۳۶ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۳۷:

ماده ۱۰۳۷. هر یک از نامزدها میتواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایایی را که به طرف دیگر داده است مطالبه کند.

رئیس. نظری نیست؟ موافقین با ماده ۱۰۳۷ برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۸.

ماده ۱۰۳۸. مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجری نخواهد بود:

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۳۸ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۹:

ماده ۱۰۳۹. مدت مرور زمان دعای ناشی از به هم

خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ به هم خوردن آن محسوب می‌شود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۰۳۹ برخیزند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۴۰:

ماده ۱۰۴۰. هر يك از طرفین می‌تواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سغلیس و سوزاك و سل ارائه دهد.

رئیس. آقای هزارجری.

هزارجری. مطلب باید اساساً با جنبه مثبت داشته باشد یا جنبه منفی. این قسمت نه جنبه مثبت دارد نه جنبه منفی و این يك موضوع ارشادی است در هر صورت يك چنین قانونی در هیچ كجای دنیا نیست. در جلسه قبل آقای دکتر ادهم این پیشنهاد را کردند و بنده همان وقت هم مخالف بودم لكن چون گفته شد به کمیسیون مراجعه داده می‌شود بنده عرضی نکردم ولي عقیده بنده این بود که آقایان اعضاء کمیسیون محترم

قوانین عدلیه این را رد کنند زیرا این موضوع ممکن است با اخلاق و عادات مردم این مملکت درست در نیاید این ماده ازدواج را از بین می‌برد و ممکن نیست کسی حاضر شود که دختر یا خواهرش را به طبیب نشان بدهد و بعد ازدواج کند ما در قوانین اسلام صراحتاً داریم. اگر سابقاً به مردم نمی‌گفتند امروز که آقای وزیر عدلیه همه چیز را خوب می‌گویند این را هم ممکن است بگویند. قانون اسلام می‌گوید کسی که می‌خواهد زن ببرد باید آن دختر را خودش ببیند با او حرف بزند به او بگوید راه برو ببینم چطور راه می‌روی حتی خیر صریح دارد که می‌تواند با لباس رقیق او را ببیند که اگر عیوبی دارد ببیند. با این همه تفصیل علت اینکه ما بگوئیم تصدیق طبیب بیاورد چیست بعلاوه مسئله طب و دکتر. دکتر خودش یکی از محارم شخصی است و نباید عیب برادر را به برادر بگوید چطور می‌تواند عیب دختر مرا به غیر بگوید شاید وصلت سرنگرفت آن وقت يك عیبی روی دختر من گذارده می‌شود اصلاً به هیچ وجه من‌الوجه دکتر حق ندارد عیب و مرض کسی را به کس دیگر بگوید آن وقت اتهام یا صحیح یا ناصحیح!! ایران يك مملکت با

عفت و عصمت و با غیرت و با شهامتی است هیچ وقت راضی نمی‌شوند دختر یا خواهر خود را برای این کار به طبیب مراجعه دهند مگر اینکه طبیب زن باشد. ما باید این غیرت را ترویج و تشویق کنیم مردم ایران را باید به دارا بودن چنین غیرت و عفت و عصمت که وطن‌خواهی ما را محکم می‌کند تشویق کنیم این هم که ما می‌گوئیم سوزاک و سفلیس زیاد است خیر این طور نیست بنده بکلی تکذیب می‌کنم. یک عده مسافری که رفته‌اند به خارج این را آورده‌اند والا ببینید این مرض کجا است؟ در همین شهر که می‌گویند منبع این مرض است ببینید چه کسانی^۱ مریض هستند آن وقت این طور شما بیائید اینجا و این طور در قانون بگذارید و حذف این ماده را هم پیشنهاد کرده‌ام حالا می‌خواهید قبول کنید می‌خواهید قبول نکنید من با این ماده بکلی مخالفم.

مؤید احمدی (مخیر کمیسیون قوانین عدلیه). البته آقایان در نظر دارند که این ماده در پیشنهاد دولت نبود در جلسه گذشته آقای دکتر ادهم پیشنهادی دادند و چون شور اول بود البته در اطراف پیشنهاد مذاکره نمی‌شد و پیشنهاد آمد به کمیسیون و در کمیسیون خیلی مفصل صحبت شد آقای دکتر ادهم و آقای دکتر طاهری هم تشریف داشتند خیلی هم مذاکره کردیم و البته اصلاحی که شده است اگر به دقت در این ماده رجوع شود پیشنهاد آقای دکتر در این فصل نبود یعنی در فصل خواستگاری نبود و در فصل وقوع ازدواج بود و پیشنهاد هم این بود که الزامی باید باشد یعنی طرفین قبل از ازدواج باید تصدیق صحت مزاج از امراض زهرویی داشته باشد در این موضوع در کمیسیون صحبت شد که اولاً هنوز تشکیلات صحت ما در همه جا نیست و این قانون هم که برای شهرها نیست برای تمام ایران است و هنوز در اغلب جاها و قراء و قصبات و دهات طبیب صحت نداریم

۱. در متن فوق عبارت «چه کسانی» جایگزین عبارت «کیها» گردید.

و اگر این را قرار بدهیم يك سدي گذارده ایم جلوي ازدواج و آن را منع کرده ایم پس الزامي نمی‌توانیم بکنیم از این نقطه نظر آمدیم فکر کردیم گفتیم که بهتر این است در فصل خواستگاري باشد و الزامي هم نباشد علت هم این بود که نظر اینجا بیشتر به طرف زوج است براي اینکه در ابکار این احتمال نمی‌رود (طالب خان - چرا نمی‌رود) يعني خیلی کم مگر ارثي باشد والا از يك دختر بکري کمتر آن احتمال می‌رود و کمتر اتفاق می‌افتد که او مبتلا باشد و بیشتر این احتمال در زوج می‌رود و ما آمدیم الزامي نکردیم این يك ماده ارشادي است در واقع که هر يك از طرفین در وقت خواستگاري می‌توانند این شرط را بکنند. خواست می‌کند نخواست نمی‌کند می‌فرمایند کسی حاضر نیست این کار را بکند خوب نکند الزامي که نیست وقتی که الزامي نیست نمی‌کنند این است که به نظر بنده اشکالي ندارد.

رئیس. آقای دکتر طاهري.

دکتر طاهري. موافقم.

میرزائي. بنده قبلاً اجازه خواستم اول اول.

رئیس. در صورتی که نزد بنده است نیست.

میرزائي. پس فراموش کرده اند بنویسند.

رئیس. آقای روهي (یکی از نمایندگان - بیرون تشریف برده اند) آقای تهراني.

تهراني. بنده در کمیسیون عقاید خود را اظهار کردم و با الزامي بودنش هم مخالف بودم البته هیچ عاقلی نمی‌گوید از امراض جلوگیری نشود و هیچ عاقلی هم نمی‌گوید که يك امراض مسري که شایع است در مملکت دفع نشود و تا هر اندازه که ممکن است البته باید جلوگیری بشود ولي صحبت در این است که با يك چنین قانونی آیا می‌شود حقیقتاً از این امراض جلوگیری کرد یا خير؟ عرض کنم در الزامي بودنش البته مفسده خیلی داشت براي اینکه بر فرض هم که می‌رفتند و يك ورقه صحي می‌آوردند بعد هم خدای

1. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

خواسته يك چنین^۱ مرضي به وجود مي آمد بعد از آنكه ازدواج واقع شد يك معايي پيش مي آيد و توليد كشمكش و زحمت مي كند البته مي رود به محكمه عدليه تصديق ارائه مي دهد آن يكي هم تصديق نشان مي دهد اين مي گويد من از تو گرفته ام او مي گويد من از دختر گرفته ام اين يك داستان مفصلي است كه وقتي ما در عمل وارد شويم مي بينيم چه اشكالات زيادي خواهد داشت در آنجا هم عرض كردم ولو اينكه آقاي وزير عدليه هم فرمودند در كميسيون كه اين طور ارشادي در مبحث خواستگاري مي نويسيم و مردم را متوجه مي كنيم كه مي توانند اين حق را داشته باشند و هنگام خواستگاري بگويند پسر ورقه صحي بياورد دختر هم همين طور براي اينكه كم كم يواش يواش عادت بشود و انشاء الله خودشان را از اين قسمت حفظ كنند

ولي بنده باز در اين قسمت هم خيال مي كردم كه اين هم ممكن است يك الزامي بشود و از اين الزام هم يك نتيجه عكس بگيريم بنده باز مخالف بودم و حالا هم عقیده ام اين است كه اين مسئله سدي است در مقابل ازدواج. بنده از اين نقطه نظر عرض مي كنم كه در مسئله ازدواج هر قدر سهولت قائل شويم و راهها را سهلتر كنيم مصلحتش زيادتر است. جلوگیری از مرض يك وسائل ديگري دارد شما وقتي كه جاهاي زيادي داشتيد سعي كنيد كه اشخاصي كه داراي امراض مسريه هستند به آنجا مراجعه كنند و معالجه كنند اين دقتها را بكنيد البته مرض رفته رفته يواش يواش مرتفع مي شود والا با اين قوانين و اين ترتيب بنده گمان نمي كنم نتيجه بگيريد جز اينكه سدي جلو باب ازدواج كشيده باشيد و حالا بنده عرض مي كنم و در كميسيون هم عرض كردم و آقاي وزير عدليه هم فرمودند كه مي خواهيم مسئله را به طور مشورتي حل كنيم و موقع حرارت نيست ولي بنده حرارت ندارم با دليل اينجا عرض مي كنم كساني كه آمدند پيش من فقير هم بودند بدبخت هم بودند و

۱. در متن فوق عبارت «چنين» جايزين عبارت «همچو» گرديد.

مبتلای به مرض بودند بنده به بعضی از مریضخانه‌ها مراجعه دادم و وسائل هم فراهم کرده‌ام و آنها یکی دو مرتبه رفتند آنجا و معالجه مختصری هم کردند بعد هم راهشان ندادند و خدا می‌داند وسائل معالجه هم ندارند حتی خود من اگر می‌سرم بود کمک می‌کردم وقتی که این وسائل در دسترس مردم نیست قوانین جلوگیری نمی‌کند آن وسائل را در دسترس مردم بگذارید و از دولت بخواهید که یک جاهای زیادی معین کند و این قسم امراض را مجانی معالجه کنند در شهرها و دهات البته ممکن است این امراض مرتفع شود والا همه کس هم موافق است، برای اینکه نسل با این امراض در معرض انقراض است ولی به این ترتیب و این قوانین جلوگیری نمی‌شود.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. همان طور که تمام دول و ملل سعی می‌کنند برای کثرت نسل و ازدواج که لازمه تکثیر جمعیت باشد با این حال تمام آنها سعی هستند که نسلی که ایجاد می‌شود نسل سالمی باشد زیرا که اگر توالد و تناسل نتیجه موالیدی که از آن پیدا می‌شود ناقص یا دیوانه یا مسلول یا مصروع یا معیوب باشد علاوه بر اینکه این جور نسل برای جامعه مفید نیست بلکه اینها اسباب بدبختی خودشان و یک جامعه هستند در این موضوع گمان نمی‌کنم نه آقای هزارجریبی و نه آقای تهرانی هیچ اشکالی داشته باشند برای اینکه اگر بنا شود یک وصلت بشود که نتیجه آن یک بچه باشد که سقط شود که مادرش هم در خطر بیفتد در نتیجه سفلیس یا اینکه کسی باشد که بزرگ شود و دیوانه شود یا مجرم شود این وصلت اگر نشود بهتر است (صحیح است) پس همان طور که باید ازدواج ترویج بشود در عین حال باید سعی شود که نسل سالمی بوجود بیاید نه اینکه موالید ناخوش و غیر سالم و ناقص باشد آقایانی که مخالفت دارند نه از این نقطه نظر است که واقف به آثار شوم این مرض نیستند. در طب می‌نویسد کسی که سفلیس گرفت پس از اینکه معالجه کامل کرد بعد از پنج سال حق ازدواج ندارد پنج سال باید معالجه بکند بعد از آن حق ازدواج دارد تمام اطباء در این قسمت متفق

هستند زیرا که این مرضی است بسیار خطرناک و به واسطه همین مسامحه کاریها و مساهله و سهل انگاریها است که نسل صحیح پیدا نمی شود حالا هر کس سفلیس دارد هیچ توجه و اعتنائی به آن نمی شود در صورتی که قدیم این طور نبوده است خیلی متغور بوده است کسی که این مرض را می گرفته بایستی از جامعه دور شود و از شهر خارج شود ولی حالا توجهی نمی شود و همان عرف و عادت که می نمایند مخالف این ماده است همان عرف و عادت باعث زیادی این مرض شده است چه کسی اینها را باید اصلاح کند؟ باید قانون اصلاح کند آقا (صحیح است) اگر چنانچه کسی سوزاک داشته باشد وقتی که وصلت کرد طرفش مبتلا می شود حالا این دختر بیچاره که مسبوق نیست از عواقب شوم این مرض عقیم می شود یعنی دیگر اولادش نمی شود همیشه درد دل دارد همیشه نزف الدم برایش پیدا می شود تا زننده است باید برود معالجه کند و همه جا وسائل برایش فراهم نیست باید قبلاً جلوگیری بشود و باید به این وسیله اشخاص را متوجه کرد اجباری هم که نیست ولی طرفین متوجه هستند که این قابل هست که تحقیق بشود. سؤال بشود پرسش بشود و اگر شك دارند می گویند که برود تحصیل تصدیق بکند فقط چیزی را که آقای هزارجریبی اعتراض داشتند که برخلاف عرف و عادت است این بود که دخترها باید به اطباء مراجعه کنند دخترها همان طور که آقای محترم گفتند این قسمت اصولاً اینجا نیست و بیشتر مربوط به شوهر است و زن ها هم اگر بنا شد بروند تصدیق بیاورند ممکن است که به قابله رجوع کنند و به دکتر زن مراجعه می کنند و الزام ندارند که به دکتر مرد مراجعه کنند و این به عقیده بنده یکی از بهترین اقداماتی است که مجلس با موافقت آقای وزیر عدلیه در این قانون می کند و يك قدم مهمی است که برای اصلاح نسل برداشته می شود (افشار - این ماده بی اثر است) و این را هم عرض کنم که بعضی از رفقا این

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

را کم می‌دانند و می‌گویند باید اجباری باشد مثل آقای افشار، آقای ثقة‌الاسلامی بعضی هم می‌گویند اصلاً لازم نیست پس حالا حد وسطش این بود که اصلاح کردیم به این طور که عجلتاً یک قدمی برای این کار برداشته شود و وقتی که جامعه متوجه شود عملی خواهد شد اما موضوعی که آقای تهرانی فرمودند که این قسمت وافی و کافی نیست برای رفع امراض مسریه البته کسی نگفت اگر چنانچه این قانون گذشت تمام این امراض تمام می‌شود البته همان طور که آقای تهرانی گفتند دولت و صحیه بایستی وسائل دفع امراض مقاربتی و امراض مسریه از قبیل سل و اینها را فراهم آورد اما با این هم منافات ندارد و این یک قدمی است برای جلوگیری از انتشار و اگر بگوئیم که صحیه آن قدر توسعه ندارد و نمی‌تواند جلوگیری کند این که به هم مربوط نیست باید به هر وسیله ممکن است فعلاً سعی کنید که کم کم، کم شود و از این امراض که نسل ایرانی را بکلی محو و نابود می‌کند جلوگیری کنید این هم یک قدم است که آقایان باید موافقت کنند که این قدم مختصر بی‌زحمته که پیشنهاد شده است برداریم که نه خرجی دارد و نه پرسنلی می‌خواهد و نه بودجه می‌خواهد و بعد آن قسمت‌های دیگر هم که دولت در مدد هست اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان. مذاکرات کافی است.

رئیس. آقای رهنما موافقت می‌کنند؟

رهنما. بلی موافقم. کافی است.

رئیس. دو پیشنهاد یکی از طرف آقای میرزائی و یکی از طرف آقای هزارجریبی راجع به حذف این ماده رسیده است آقای میرزائی توضیح بدهید.

میرزائی. بنده اساساً این ماده را زائد می‌دانم برای اینکه مثل این می‌ماند که تکلیف بکنند که اگر در آن کوچه راه می‌روید مواظب باشید که در آن چاه نیفتید البته من چشم دارم می‌بینم این مال یک

1. در متن فوق عبارت «در» جایگزین عبارت «توی» گردید.

2. در متن فوق عبارت «در» جایگزین عبارت «توی» گردید.

وقتی است که مردم جاهل بودند البته این طور قوانین مفید بود ولی اگر این قوانین را برای جوانان می‌نوئید اگر تشریف داشتید روز سوم حوت در جلالیه و پیشرفت معارف را می‌دیدید دیگر محتاج نبود که ما این نوع چیزها را دقت کنیم آقا کسی که می‌رود یک سیر پنیر بگیرد دقت می‌کند و تشخیص می‌دهد که این خراب است یا خراب نیست آن وقت چطور یک کسی که می‌خواهد برود زن بگیرد دقت نمی‌کند کسی را که یک عمر می‌خواهد با او زندگانی کند در آن دقت نمی‌کند؟ و بنده کلیتاً زائد می‌دانم این قسمت را یک قانونی بگذرانیم که تصدیق بیاورند البته یک جوانی که می‌خواهد زن اختیار کند و یک دختری که بخواهد شوهر کند البته تصدیق طبیب هم خواهند خواست و دقت هم خواهند کرد و مانعی هم ندارد ولی اگر این طور باشد که بگویند تصدیق باید ارائه دهد این از ازدواج جلوگیری می‌کند و این هم که اینجا نوشته اند «می‌تواند» فایده ندارد

بنابراین پیشنهاد حذفش را می‌کنم.

دکتر ادهم. اجازه می‌فرمائید؟

رئیس. پیشنهاد آقا دیگر مجالی ندارد چون پیشنهاد آقا به قیافه و صورت ماده درآمده است حالا باید در پیشنهادها حرف زده شود قبل از اینکه به پیشنهاد حذف رأی بگیریم دو پیشنهاد دیگر آمده است یکی از آقای دکتر ملک‌زاده است قرائت می‌شود:

پیشنهاد می‌کنم که ماده به طریق ذیل نوشته شود:
در موقع ازدواج مرد باید تصدیق صحتی که مشعر بر مبتلا نبودن به امراض مسریه است ارائه دهد.

رئیس. عین پیشنهاد آقای افسر و آقای احتشام‌زاده است. آقای دکتر ملک‌زاده بفرمائید.

دکتر ملک‌زاده. عرض کنم برای اعتماد و اطمینان

۱. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «در آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «طور» جایگزین عبارت «جور» گردید.

آقای هزارجریبی عرض می‌کنم که امروز هم که قانونی راجع به این موضوع نگذشته است مردمان متمدن در موقع ازدواج این رعایت را می‌کنند و عموماً این تصدیق را از جوانان مطالبه می‌کنند این قسمت هم الان در تهران و بسیاری از شهرهای ایران معمول و جاری است این است که این قانون اعم از اینکه بگذرد یا نگذرد اثر مهمی در این مطلب ندارد. اما این پیشنهاد که بنده تقدیم کردم اگر آقایان به حافظه‌شان مراجعه بفرمایند در موقعی که قانون ازدواج مطرح بود در دوره گذشته بنده متذکر شدم خطراتی را که از طرف این امراض مسریه و امراض زهرویی متوجه نژاد ایرانی می‌شود حقیقتاً این امراض با کمال تأسف به طوری توسعه پیدا کرده است که دارد نژاد ایران و ایرانی را حقیقتاً خراب می‌کند و همچنین در موقعی که در همین دوره در موقع شور در پروگرام بنده متذکر شدم که جلوگیری از امراض زهرویی و مسریه را دولت و خصوصاً اداره صحت مورد توجه مخصوص قرار بدهند و یک شعبه مخصوص برای معالجه این قبیل امراض تأسیس کنند گویا یک تصمیماتی هم گرفته شده است امروز در تمام دنیای متمدن ثابت شده است که متمدن‌ترین ملت، ملتی است که حفظ‌الصحه او بر سایر ملل تفوق داشته باشد و چون از نقطه نظر حفظ مملکت از هر جهتی که ملاحظه می‌کنیم بزرگترین سرمایه برای یک ملتی داشتن یک نفوس سالم و عاری از امراض است امروز در بعضی از ممالک سعی می‌کنند که نژاد این گونه اشخاص که مبتلا به این قبیل امراض هستند از بین برود امروز در بعضی از ممالک که خیلی متمدن هستند قوانینی وضع کرده‌اند که اشخاصی که مبتلا به امراض سفلیس بوده‌اند از ازدواج آنها مانع می‌شوند به جهت اینکه این قبیل نسلها را می‌خواهند در جامعه معدوم کنند و بنده متأسفانه نمی‌دانم که چرا احصائیه امراض مسریه را روزنامه‌ها متذکر نمی‌شوند ما اگر احصائیه امراض مسریه را نگاه کنیم می‌بینیم چقدر زیاد است و چه اندازه خطرناک است و چقدر جای تأسف است که انسان هر روز ببیند که یک دختری را که هجده سال زحمت کشیده است و در تحصیل او همه قسم مراعات شده است به واسطه عمل ازدواج دو

روز بعد می‌آید نزد طبیب. خودم دیدم دختری را که می‌گفت دو روز بعد از ازدواج است که هم سوزاک داشت و هم سفلیس و هم جرب. این است که بنده هیچ مانعی نمی‌بینم که به این ترتیبی که پیشنهاد کرده‌ام آقایان موافقت بفرمایند راست است چون عموماً دخترها مبتلا نیستند و این امراض از طرف مردها و پسرها است و متأسفانه از اینها سرایت می‌کنند. از آن طرف هم اگر اختیاری بگذاریم مثل این است که نگذارده‌ایم و اثری هم ندارد برای این مقصود که ما داریم این است که بنده عقیده دارم که آقایان موافقت بفرمایند این موضوع را اجباری کنیم برای جوان‌ها و برای مردها.

مؤید احمدی (خبر کمیسیون). عرض می‌کنم پیشنهاد آقای دکتر از یک نقطه نظر که اختصاص به زوج دارد موافق دارد اما آن اشکال اول باقی می‌ماند برای اینکه ما این قانون را برای کل مملکت می‌نویسیم ما که در همه جا طبیب نداریم آنجا‌هایی را که طبیب نداریم چه کنیم از این جهت غیر عملی است و وقتی که طبیب نباشد البته مانع ازدواج می‌شود.

دکتر ملک‌زاده. در پیشنهاد اضافه می‌کنم هر جا که طبیب باشد.

رئیس. دو پیشنهاد کرده‌اند یکی آقای افشار و یکی آقای اورنگ که همان متن پیشنهاد شما است با این تعبیری که می‌کنند.

دکتر ملک‌زاده. بنده استدعا می‌کنم اضافه شود به استثنای جا‌هایی که طبیب نداریم.

پیشنهاد آقای افشار

ماده ۱۰۴۰ را به قرار ذیل پیشنهاد می‌کنم در نقاطی که تشکیلات صحیه است مرد باید تصدیق صحیه مشعر بر مبتلا نبودن به امراض زهرویه ارائه دهد.

پیشنهاد آقای اورنگ

۱. در متن فوق عبارت «دارد» جایگزین عبارت «دارند» گردید.

پیشنهاد می‌کنم که در امکنه‌ای که موسسات صحی موجود است مرد بایستی تصدیق صحت مزاج را برای ازدواج ارائه دهد.

رئیس. آقای احتشام‌زاده.

احتشام‌زاده. بنده اول لازم می‌دانم در اساس مطلب چون آقای هزارجریبی و آقای تهرانی اظهار نظر مخالفی فرمودند عرض کنم و بعد در قسمت انحصار این ارائه تصدیق به شهرها گمان می‌کنم آقایان نمایندگان محترم تردید نداشته باشند که ما باید سعی کنیم حتی‌المقدور از امراض مسریه که برای جامعه مضر است جلوگیری کنیم البته در دهات این مسئله کمتر و در شهر بیشتر است و طوری امراض مسریه شایع شده است که اگر انسان پیش خودش فکر کند و مطالعه کند خیال می‌کند که یک نفر آدم سالم ممکن است پیدا نشود برای اینکه این مرض فوق‌العاده مسری است و بدبختانه وضعیات معاشرت‌ها یک طوری است که همه کس ممکن است مبتلا شود و البته برای جلوگیری از سرایت مرض از یک طرف و از طرف دیگر برای حفظ نسل آتیه به طوری که آقای دکتر طاهری هم از نقطه نظر تخصص طبی بیان فرمودند برای اینکه خطراتی را که در اثر این امراض پیدا می‌شود و نسلهائی که تولید می‌شود به هیچ وجه قابل زندگانی در یک جامعه متمدنی نیستند برای اینکه ممکن است اختلال دماغی تولید شود فلج شود و بالاخره چنین^۱ نسلی برای مملکت خطرناک است ما باید سعی کنیم در آتیه یک نسل‌های توانائی برای مملکت پیدا شود و تهیه شود و با مقدماتی که در تعالی و ترقی مملکت تهیه شده است انشاء الله در آتیه مملکت ما خیلی بیشتر از این ترقی خواهد کرد البته این قسمت‌ها هم اصلاحاتی است که به مرور باید بشود بنابراین برای زن‌ها مراجعه به طبیب و گرفتن تصدیق شاید مشکل باشد و بر خلاف عرف و عادت باشد چون اشخاصی که بکر هستند موضوع ندارد بر فرض هم

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

اگر خدای خواسته چیزی باشد طبیبه‌های زن هستند که به آنها مراجعه می‌کنند اما در قسمت مردها این اشکالی ندارد زیرا یک کار خوبی است حالا می‌فرمایند در مملکت ما معمول نبوده است بلی خیلی از کارهای خوب و نافع بوده است که در مملکت معمول نبوده است و معمول شده است این هم یکی از همان کارهای خوب است حالا بنده در قسمت زن‌ها که کمتر مبتلا هستند و از طرفی هم بایستی رعایت کرد که در همه جا طبیب صحي نیست و از آن طرف هم مناسب نیست که زن مراجعه بکند به طبیب از این قسمت صرف‌نظر می‌کنم ولی در قسمت مردها بنده مانعی نمی‌بینم که اجباری باشد آن هم در همه جای مملکت آقای مخبر فرمودند که اگر بخواهیم این تصدیق را تعمیم بدهیم که در دهات هم باشد مشکل است برای اینکه طبیب نداریم بنده تردید ندارم که در تمام دهات طبیب نیست ولی در یک دوره عمر ممکن است و اشکالی ندارد که یک نفر دهاتی برود در محلی که طبیب هست و مراجعه کند به یک نفر طبیب و یک تصدیق صحي بگیرد و بنده هیچ فلسفه نمی‌بینم که دهاتی اگر مبتلا باشد برود و صلت کند در صورتی که برای آن دهاتی هم هیچ اشکالی ندارد که برود و یک تصدیق صحي بگیرد از طبیب مجاز هم بگیرد گرفته است چه اهمیتی برای او دارد این است که بنده عقیده‌ام این است که ارائه تصدیق صحي در تمام نقاط ایران برای مردها اجباری باشد.

وزیر عدلیه. در موضوع این ماده چون خیلی مذاکره شد و انظار مختلفی بر آن طاری شد لازم می‌دانم یک توضیحاتی عرض کنم سه قسم ایراد و نظر براین ماده وارد شده است چنانچه در کمیسیون هم که یک هیئت کوچتری بود این صحبت‌ها بود و بالاخره با ملاحظه تمام اطراف و جوانب مطلب به این طور اصلاح شد اینجا سه قسم نظری که هست یکی از نقطه‌نظر مراعات عفت مردم که تقریباً نظر آقای هزرجری بود و بعضی آقایان دیگر که حذفش را پیشنهاد کردند بیشتر از این نقطه‌نظر است والا مانع نیستند از اینکه ملاحظه حفظ‌الصحه از برای مرد و زن بشود یک نظر دیگر این است که این کافی نیست و باید

الزامی باشد عکس آن نظر اول که برای مراعات و حفظ مصالح نسل آتی الزامی باشد و یک نظر دیگر این است که چه فایده دارد در صورتی که در ماده می‌نویسد می‌تواند چنین^۱ تصدیقی بیاورد خوب البته هر کس می‌تواند چنین^۲ اظهار و چنین^۳ خواهشی را از طرف بکند ذکر این برای چیست؟ این سه قسمت است به نظر بنده اما قسمت اول که مسئله مراعات عفت باشد بله این طور است البته باید عفت عمومی و عفت اشخاص محفوظ باشد و پسر و دختر که جوان هستند کمتر هتک سر و سترشان بشود البته تصدیق می‌فرمایند که بعضی قضایای مهم که پیش می‌آید و در بادی نظر ممنوع و یا محدود به نظر می‌آید یک مصالح او را تجویز می‌کند بلکه گاهی واجب می‌کند مثلاً نگاه مرد یا زن به عورت حرام و قبیح است عقلاً و شرعاً همه ملل هم قبیح می‌دانند ولی معذک در مورد و مقام معالجه و تشریح دیگر آنجا این قباحت از بین می‌رود برای اینکه مصلحت مهم‌تری در پیش است خصوصاً با اینکه امراض زیاد شده است و ممکن نیست با معاینه ظاهری بشود فهمید و تشخیص داد و ممکن نیست به صرف معاینه ظاهری که آقای هزارجریبی فرمودند کسی بفهمد البته در یک جاهای کوچک مثل دهات و شهرهای کوچک که مردم همدیگر را می‌شناسند کمتر این اشتباهات روی می‌دهد زن و مرد اطلاعات بهتر و بیشتری از خانواده طرفین دارند ولی در جاهای بزرگ و شهرهای پرجمعیت مثل تهران که بعدها هم ممکن است جمعیتش به میلیون و میلیونها برسد این شناسائی قهراً کم می‌شود آن وقت احتیاج پیدا می‌شود به یک تصدیقاتی که موجب اطمینان طرفین باشد. و اما در این قسمت که نظر بعضی آقایان است که الزامی قرار داده شود برای طرفین یا اینکه برای یک طرف (در طرف مردها) الزامی باشد بنده اینجا عرض

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

۲. همان.

۳. همان.

می‌کنم با اینکه مخالف اصل این ماده هم زائد است الزامش يك معایب دیگری دارد و آن این است که هیچ فرق نمی‌کند در شهر یا در ده چه بسا اشخاصی هستند که معتقد به عفت خودشان و جوانهای خودشان هستند (میرزائی - صحیح است) و نمی‌کنند وقتی که نکردند این خود يك مانعی می‌شود برای ازدواج بی‌جهت. این بود که اینجا این ملاحظه شد که يك حق قرار بدهند از برای طرفین البته آن کسی که تصدیقی را می‌خواهد از طرف مقابل در موقعی است که اطمینان ندارد وقتی که اطمینان دارد که نمی‌خواهد در مورد مشکوک مطالبه می‌کند و در مورد مشکوک هم ضرر ندارد این را خواهش کند طرف ملزم باشد بیاورد ولي يك چنین^۱ ماده که عبارتش «می‌تواند»

هست و اگر هم اینجا در قانون نبود باز می‌توانستند این کار را بکنند عملاً همان طور که آقای دکتر ملک‌زاده هم فرمودند که بین طبقه ممتاز تقریباً معمول است می‌خواهم عرض کنم که بعضی امور هست که قدم به قدم باید پیش برود و مردم را باید یواش یواش آگاه کرد مثلاً یکی از شروط ازدواج بود و شرعاً هم جایز بود ولي مردم مدتها متذکر نبوده و آن این بود که زن می‌تواند شرط کند که اگر شوهرش بعد از این زن دیگری گرفت می‌تواند طلاق بگیرد و حق داشته باشد خودش را طلاق بدهد این بود در شرع و هر شرط جایزی را می‌شود کرد. ولي متذکر به این شرط نبودند اما کم کم حالا آشنا شده اند و می‌توانند که این شرط را هم بکنند حالا این قدم را ما در اول بر می‌داریم اگر خدای نکرده مسئله شیوع امراض مسریه این قدر زیاد شد که لازم شد در قانون ازدواج این را به طور الزام بگذاریم که يك ماده واحده در این خصوص پیشنهاد می‌کنیم اشکالی ندارد (صحیح است. مذاکرات کافی است)

رئیس. برای اینکه کفایت مذاکرات را تأمین کنیم

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

چندین پیشنهاد جلوي من است:
اولاً پیشنهاد شده است که الزامی باشد.
بعد پیشنهاد شده است برای مرد باشد.
بعد پیشنهاد شده است که برای مرد باشد ولی در
حوزه ای که وسائل موجود است.
بعد پیشنهاد شده است که به خود ماده رأی
گرفته شود.

بالاخره پیشنهاد شده است که از مرض سل هم در
این ماده ذکر شود که تصدیق ارائه بدهند.
ولی یک پیشنهاد معقولتری از آقای اورنگ رسیده
است که ما یک قدر متیقنی در کمیسیون پیدا کنیم و
پنج دقیقه پیشنهاد تنفس داده اند. آقای اورنگ
بفرمائید.

اورنگ. عرض می‌کنم که بنده یک تأسف مختصری دارم
اول اظهار تأسف می‌کنم از اینکه ...

یکی از نمایندگان. راجع به تنفس عرض می‌کنم. اول این
اورنگ. بلی راجع به تنفس عرض می‌کنم. اول این
اظهار تأسف را بکنم. معمول و متعارف شده است در
مجلس که هر ماده دو نفر که بر له و دو نفر که بر
علیه صحبت کردند قسمتی از آقایان رفقا می‌فرمایند
مذاکرات کافی است این معمول شده است (دشمن - بد
است؟) حالا خوب است یا بد است من در این خصوص
صحبتی ندارم ولی این متعارف شده است. من واقعاً صد
موضوع را یاد داشت کرده‌ام که ببینم از دو نفر
تجاوز می‌کند صحبت و بعد بگویند مذاکره کافی است
دیدم خیر دو نفر که بر له و دو نفر که بر علیه
صحبت کردند در مرتبه پنجم از طرف آقایان کفایت
مذاکرات خواسته می‌شود. من اعتقاد دارم که دو
دقیقه تأمل بیشتر این زیان زیادی ندارد که یک
ماده حلای بشود عیش و حسنش جهت مثبت و جهت
منفی اینجا مذاکره بشود زیاده‌تر هم مذاکره بشود
پخته‌تر و بهتر و زودتر مطلب انجام می‌شود مثلاً اگر
همه ما موافقت کرده بودیم یک قدری مذاکره در

خصوص این ماده زیادتیر می‌شد این پیشنهادها این قدر دامنه پیدا نمی‌کرد اگر ما در کفایت مذاکرات سخی نمی‌گفتیم این پیشنهادها نمی‌شد بنده یکی از همین افراد بودم که وقتی در ماده صحبت بود اجازه خواستم نوبت به بنده نرسید و آن وقت دعاگو پیشنهاد کردم اجباراً برخلاف عقیده‌ام بدانید این پیشنهاد برخلاف عقیده‌ام است (خنده نمایندگان) آخر بگذارید در موضوع یک قدری بیشتر صحبت بشود آقایان و حلاجی بشود این بسیار ماده خوبی است و خوبیش را می‌توانم بگویم ممکن است آقای هزارجریبی وقتی بیانات بنده را شنیدند متقاعد بشوند یا حضرت آقای تهرانی وقتی که شنیدند قانع بشوند ممکن است دیگر. آقایان همه یک مقصد دارند منتهی این است که مسئله را ایشان این طور خیال می‌کنند بنده طور دیگر. حال عرض می‌کنم پنج دقیقه تنفس بدهیم (مهمه نمایندگان - لازم نیست) تا مطلب را روشن کنیم نمی‌دانم برای چه می‌فرمائید نه؟ برای اینکه پنج دقیقه اضافه می‌شود بر مدت و پنج دقیقه دیرتر می‌رویم؟ ولی مانعی ندارد
عده‌ای از نمایندگان. به اصل ماده رأی گرفته شود.
دشتی. بیانات آقای وزیر عدلیه تقریباً مسئله را واضح کرد همه موافقم با آن نظر.
رئیس. اجازه می‌فرمائید؟ یک باره به سراغ پیشنهاد وزیر عدلیه نمی‌شود رفت.
دشتی. رأی بگیرید به سایر پیشنهادات.
رئیس. چون آن ماده است و باید پیشنهاداتی که طاری بر ماده است یکی بعد از دیگری تکلیفش معلوم شود.
روحی. پیشنهاد بنده را هم بخوانید آقا.
رئیس. اجازه بدهید میان صحبت که نمی‌شود و بنابراین موافق تشخیص بنده هم صحبت‌هایی که در این موضوع بخصوص می‌شود گاهی برخلاف مصلحت است حالا نمی‌خواهم عرض کنم که چرا برخلاف مصلحت است برای اینکه در ضمن خود عبارات متذکر می‌شوند بنده از نقطه نظر اداره طرفدار پیشنهاد آقای اورنگ هستم و با آن موافقم که این قضیه در یک دایره تنگتری تمام بشود (صحیح است) والا باید تمام پیشنهادات

آقایان مطرح شود و هرکدام هم يك توضیحی بدهند یکی هم باید دفاع کند و ممکن است از این عباراتی هم که تا به حال گفته شده است چندین برابر نظائرش گفته شود پس بهتر است که برود به کمیسیون و در آنجا صحبت شود (صحیح است) آقای روحی بفرمائید.

روحی. اگر کار در مجلس باشد ما تا چهار بعد از ظهر هم حاضریم بنشینیم و صحبت کنیم و حرف هم به طور کافی در اطراف این قضیه آقایان زده اند و بنده در نظر داشتم برای تعیین تکلیف این ماده همان پیشنهاد آقای ادهم باشد که کمیسیون اصلاح کرده است چون نباید نه تند رفت نه کند زمان هم به آن چیز خودش دخیل است که هر اصلاحی به موقع خودش بیاید. خوب است موافقت بفرمائید و همین پیشنهاد اصلاحی کمیسیون را رأی بدهند پیشنهاد بنده دائر به همین منظور است و رفع اختلافات می شود.

هزارجریبی. بنده يك توضیحی دارم.

رئیس. اجازه می فرمائید؟ پیشنهاد آقای روحی این است که ابتدا به ماده الحاقیه پیشنهاد آقای دکتر ادهم رأی گرفته شود این نمی شود چون این خود ماده است باید اول به چیزهایی که بر آن وارد است رأی گرفته شود. (صحیح است) آقایانی که با تنفس پنج دقیقه موافقت قیام فرمایند. (عده زیادی برخاستند) تصویب شد.

(در این موقع مقارن ظهر مجلس برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً به ریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

رئیس. آقای خیر.

خیر کمیسیون قوانین عدلیه (آقای مؤید احمدی). در تنفسي که داده شد کمیسیون عدلیه تشکیل شد با حضور آقای وزیر عدلیه و آقایانی که پیشنهادات مختلفی داده بودند در کمیسیون تشریف آوردند بعد از مذاکرات توافق شد که پیشنهاداتشان را پس بگیرند و فقط به همان ماده که پیشنهاد شده بود و در کمیسیون عدلیه اصلاح شده و در لایحه گذاشته شده است به همان رأی بگیرند (صحیح است) از این جهت

لازم بود که خیرش را به عرض مجلس برسانم.
رئیس. آقایان پیشنهادشان را دیگر تعقیب نمی‌فرمایند؟

عده‌ای از پیشنهاد دهندگان. خیر.

رئیس. تنها باقی می‌مانند آقای هزارجریبی که از پیشنهاد حذف خودشان حمایت می‌کنند وقتی که رأی می‌گیریم به ماده اگر ماده تصویب شد که پیشنهاد ایشان رد شده است و اگر نشد که منظور ایشان بعمل می‌آید (صحیح است). آقایانی که با ماده هزار و چهل موافقت دارند برخیزند (اکثر قیام کردند) تصویب شد.

اورنگ. ختم جلسه را پیشنهاد می‌کنم

رئیس. یعنی ختم موجه جلسه را برای اینکه آقای طباطبائی دیبا به بنده یادداشتی داده‌اند که در ماده بعد ما نظریاتی داریم که مفصل است بنابراین بقیه مذاکرات می‌ماند برای جلسه بعد (صحیح است).

گفتار ششم. شور دوم مواد ۱۰۴۱ تا ۱۰۶۱

صورت مشروح مجلس روز سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۱۳ (۶)
ذیحجه ۱۲۵۳

جلسه ۱۲۹

۷. تصویب قسمتی از قانون مدنی از ماده ۱۰۴۱ الی ماده ۱۰۶۱

رئیس. بقیه قسمت دوم قانون مدنی راجع به قرابت و نکاح و طلاق از ماده ۱۰۴۱.

فصل دوم. قابلیت صحتی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۱. نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است معذک در مواردی که مصالح اقتضاء کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به اناثی داده شود که کمتر از سیزده سال تمام و به ذکوری شامل گردد

که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اولاً راجع به این ماده يك

اشتباهی در خارج تولید شده است که در این چند روزه یعنی بعد از تقدیم این لایحه به مجلس بعضی‌ها با بنده گفتند و بنده خیلی مایل بودم که جوابی به آن اشتباه داده شود و آن، این است که بعضی‌ها چنان تصور کرده‌اند که قانون مدنی ما معتقد به اخلاق و عادات نیست غالب از ملل قانون مدنی‌شان متکی به اخلاق و عاداتشان است ولی قانون مدنی ما متکی به مذهب است و البته باید قانون مدنی مطابق مذهب باشد و این مسئله حقیقتاً قابل انکار هم نیست و بلکه صحیح است هیچ جای اشکال نیست قانون مدنی ما مثل قانون مدنی سایرین نیست مرتبط به مذهب است مرتبط به اخلاق و عادات نیست يك ماده در قانون مدنی ذکر نشده که مخالف مذهب باشد حالا اینجا اشتباه این است که در قانون مدنی یعنی قانون مذهبی ما اشخاصی که اشتباه کرده‌اند از این راه است که می‌گویند سن بلوغ در اناث نه سال معین شده است و در ذکور پانزده سال اینجا پانزده سال در اناث است و هیچ‌ده سال در ذکور که ممنوع است عقد نکاح در غیر از اینها. شبهه این اشخاص این است که مخالف مذهب است و نباید در قانون مدنی ذکر شود این به عقیده بنده اشتباه بزرگی است. راجع به بلوغ در قانون مذهبی ما البته این طور است که بلوغ در نه سال است و مسئله ذکور هم بلوغشان در پانزده سال است اینجا هیچ کس اشکالی ندارد و در این لایحه دولت هم تصرفی در بلوغ نشده است بلوغ را امروز از هر کسی سؤال کنند همین دو چیز است ولی تصرفی که شده است راجع به رشد است و صحت بدن البته در شرع ما هم این طور است که اگر يك دختری نه ساله است و رشد ندارد این عقد نکاحش جایز نیست چون مثل سایر معاملات است و باید رشید باشد اگر رشیده نشد عقد نکاحش جایز نیست و اگر صحت بدنی ندارد یعنی عقد نکاح بالنتیجه برایش مضر است در شرع ما هم صحیح نیست و این لایحه حقیقتاً نظرش به این است که در بلوغ

تصرفی نیست فقط راجع به رشد و صحت بدنی است و دولت چنان صلاح دیده‌اند و مجلس هم تصویب می‌کند که تا دختر پانزده ساله و پسر هم هیجده ساله نشده عقد نکاحش ممنوع است پس این از حیث مذهب ما هیچ مخالفتی ندارد اساساً بلوغ ۹ ساله است در انثا و در ذکور ۱۵ ساله ولی از جهت ملاحظه رشد و صحت بدنی این طور کشف شده است که باید انثا به پانزده برسد ذکور هم به هیجده اینجا اشکالی نیست ولی بنده یک عرضی داشتم که این مکرر در مجلس هم اظهار شده است و یک وقتی شنیدم که آقای وزیر عدلیه هم یک چنین^۱ نظری دارند البته آقایان تصدیق دارند که متأسفانه در مملکت ما در دوائر دولتی ما تا امروز نسبت به ازدواج یک تشویقاتی نشده است فرض بفرمائید از جهت تقدم در استخدام دولتی یا ترفیع رتبه یا در تخفیف مالیات که هر کس رفت عقد نکاحی بست با یک زنی فرض بفرمائید در استخدام دولت مقدم باشد یا در ترفیعات مقدم باشد. یک چنین^۲ تشویقاتی در ازدواج هست متأسفانه جوان‌های ما روز به روز حقیقتاً رو به اصول مرگ و امراض مسریه می‌روند و اگر یک وقتی دولت در نظر بگیرد که یک تشویق‌هائی برای ازدواج باشد که غالب جوانان ما در یک حد معینی مجبور باشند در ازدواج این خیلی بهتر است و اگر این را در قانون مدنی ذکر می‌کردیم عقیده‌ام این است که خیلی مناسب بود که راجع به ترفیعات و استخدام و تخفیف مالیات و اینها کسانی که ازدواج می‌کنند مقدم باشند بر سایرین و موقعش هم همین ماده قانون ازدواج و قانون مدنی بود.

جناب. اگر چه نماینده محترم اعتراضی که فرمودند خودشان هم جواب آن اعتراض را فرمودند لکن بنده لازم دانستم این موضوع را یک قدری واضح بکنم و آن، این است که در شرع ما در هر عقده چند شرط

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

دارد چه عقد ازدواج، چه عقد بیع، چه عقد صلح و آن، این است که باید طرفین بالغ باشند باید رشید باشند عاقل باشند در معاملات غیر مجور باشند سفیه نباشند بلوغ به عقیده بنده نسبت به مناطق و ممالک فرق می‌کند ممکن است در یک جایی در سیریا یا در سوئد جاهائی که خیلی هوا سرد است سن به بیست سال برسد و بالغ نشود در بعضی مناطق به عکس است مانند مناطق حاره ممکن است در سن ۹ سالگی دختر قابل ازدواج و بالغه باشد ولی در هر صورت بلوغ باید محرز شود که وقتی ما می‌خواهیم عقد کنیم بدانیم که این بالغ است بالغ هم لفظ فارسیش رسیده است البته قبل از بالغ شدن و رسیدن ازدواجش صحیح نیست حالا اینجا دولت میزانی در نظر گرفته است که این سن پانزده در دختر و هیجده در پسر باشد که به این حد که رسیدند ازدواج کنند و به نظر بنده حد خوبی است با وضعیت منطقه ای مملکت ما بسیار ماده خیلی خوبی است و سن معتدلی است اما در قسمتی که راجع به ترفیعات و اینها فرمودند البته این را همه موافق هستیم که باید مردم را تشویق کرد به ازدواج لکن به عقیده بنده در قانون مدنی جایش نیست که بنویسیم هر مستخدمی ازدواج کرد ترفیع بدهیم مناسب نیست این را در جای خودش باید بنویسیم والا مطلب درست است اما بنده یک نکته را متذکر شدم که الان مبتلابه حضرها است خواستم به آقای وزیر عدلیه این تذکر را بدهم و تصور می‌کنم که اگر یک توضیحی هم بدهند کافی باشد لازم نباشد که در قانون بنویسیم و آن، این است که اغلب سجل احوال‌هائی که صادر شده است در سابق (البته حالیه این دقتها می‌شود) ماه تولد را ننوشته‌اند. سجل احوال را که می‌برند معلوم می‌شود سن تولد ۱۲۹۵ یا ۱۲۹۸ است اما کدام ماه معلوم نیست حالا می‌خواهند معامله کنند (عراقی - شش ماه از این طرف شش ماه از آن طرف) این کار را می‌کنند ولی یک قانونی ندارد ممکن است در اول سال تولد شده باشد ممکن است در آخر سנה تولد شده باشد چون در قوانین این موضوع پیش‌بینی نشده و محاضر گرفتار این اشکالات هستند این را

تصور می‌کنم اگر بخواهیم در قانون هم ذکر کنیم همان متحدالمآلی که دولت داده که وسط را بگیرند و این را در مجلس بفرمایند رفع این محذور می‌شود.

رئیس. آقای افسر

افسر. آقای محیر تصور می‌کنم در لفظ بالغ در قابلیت ازدواج مقصودشان همان رسیده است نه اصطلاح شرعی اما این نظری که راجع به سجل احوال فرمودند خیلی حرف حسابی است غالب اینها که نوشته اند نمی‌دانسته‌اند. غالب مردم تاریخشان را مرتب ضبط نمی‌کردند بلی در قدیم اغلب اعیان و اشراف و دانشمندان شاید دقیقه و ثانیه اش را هم ضبط می‌کردند ولی در عموم مردم این طور نیست غالباً نمی‌دانند که چه وقت است چون نمی‌دانند به همین جهت بهتر است که ترتیبی داده شود و البته اگر آقای وزیر بفرمایند رفع اشکال می‌شود که در جاهائی که معین نشده که ماهش کدام است اول سال است یا آخر حد وسط را بگیرند.

وزیر عدلیه. این مطلب را ممکن است در قانون سجل احوال (که شاید اصلاحی هم بشود) رعایت کرد قانون مدنی مربوط است به اینکه سن پسر یا دختر چقدر باید باشد اما تعیین سن روی چه موجهی باشد این موکول است به قوانین مربوطه به سجل احوال و در آنجا ممکن است این رعایت را کرد.

رئیس. آقای دکتر ملک‌زاده.

دکتر ملک‌زاده. چون در مجلس اکثریت برای گرفتن رأی نبود بنده خواستم از موقع استفاده کنم و یک تذکری به هیئت دولت راجع به یک موضوع مهمی بدهم. آقای دیبا اینجا راجع به تشویق امر ازدواج توضیحاتی دادند که حقیقتاً خیلی خوب و مقتضی است که مورد توجه زمامداران مملکت واقع بشود چیزی که بنده می‌خواستم اضافه کنم چندی قبل در روزنامه خواندم در یکی از این ماه‌ها صد و چیزی ازدواج واقع شده و دویست و کسری طلاق و این از حیث زندگانی اجتماعی مملکت ما فوق‌العاده جای تأسف است خیلی خیلی متأثر شدم و هیئت دولت که مدیر امور اجتماعی مملکت است حقاً باید این را مورد توجه قرار بدهند و بعضی مسائل است که

صورتاً شاید به نظر کوچک می‌آید ولی از حیث زندگی اجتماعی و اخلاقی مملکت فوق‌العاده مهم است. یکی از آن مسائل همین است که امروز در دنیا این قدر تشویق می‌شود به امر ازدواج و جلوگیری از ولگردی و زندگانی و آن وقت در مملکت ما عده طلاق در یک ماه دو برابر عده ازدواج می‌شود خواستم این تذکر را داده باشم و از این جهت توجه دولت را جلب کرده باشیم.

وزیر عدلیه. بنده نظریات آقایان را تقدیس می‌کنم که به نکات خیلی مهم متوجه هستند هیچ شبهه نیست که آبادی و عمران مملکت به نفوس است ولی البته نمی‌توان گفت مطلق نفوس. نفوسی که باید تربیت هم بشوند تعلیم هم بگیرند کار و صنعت هم بیاموزند اخلاق هم بیاموزند تقریباً وسایل کار و صنعت و پیشرفت های مادی بحمدالله از توجهات بندگان اعلیحضرت همایونی تهیه شده است و روز به روز هم در تزیین است و آقایان هم در موارد مختلفه مشاهده می‌فرمایند ولی در قسمت اخلاقی همین طور است که آقایان در نظر دارند و کم‌کم مفاسدش مرتب می‌شود بر زندگانی اجتماعی. همین مسئله کثرت طلاق چیز خیلی بدی است هم عقلاً هم شرعاً و خیلی ضررهای زیاد دارد بنده خودم هم که احصائیه گرفتم همین طورها نشان می‌دهد گاهی از اوقات و همین طور کمتر واقع شدن ازدواج مخصوصاً از نقطه نظر زن‌ها و دخترها بدبختی خیلی بزرگی است زیرا آنها بی‌شوهر و بی‌پرستار و بی‌حامي می‌مانند و به واسطه همین شیوع توهم که چه بسا هست واقعیت هم ندارد ولی به واسطه همین توهم که دخترها بی‌عفت هستند و چه هستند جوان‌ها رغبت نمی‌کنند ازدواج کنند و دولت هم البته در نظر دارد به موقع خودش این قسمت‌ها را که خیلی مهم است در نظر بگیرد و قوانین و نظاماتی وضع کند و جلوگیری‌هایی بشود تا هم جهاتی که مفسد اخلاق شده است جلوگیری بشود و هم جهاتی که برای تشویق از امر ازدواج لازم است انجام بشود. تا اینکه از نتایج مضره که از این اوضاع پیش آمده است از نظر صحت و اخلاقی جلوگیری بشود و امیدوارم همه در موقع خودش انجام بشود.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و چهل و یک همراهند برخیزند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۴۲.

ماده ۱۰۴۲. بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نیز^۱ اثبات نمی‌توانند مادام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.

مؤید احمدی. بنده قضیه‌ای اینجا خاطرم آمد که خاطر آقای وزیر عدلیه را جلب کنم غرض از این ولی که در این ماده نوشته شده پدر یا جد است یا ولی مطلق چون ما دو ولی داریم یک ولی پدر و جد است یک ولی هم ولی «من لا ولی له» که فعلاً مدعی‌العموم و قیم معین می‌کند. حالا اینجا آیا غرض پدر و جد است همان طوری که در ماده بعد هست توضیح بفرمایند.

وزیر عدلیه. اینجا مقصود مطلق ولی است پدر و جد تنها نیست و این ناظر است به قانون رشد که آقایان البته در نظر دارید رشد از نقطه نظر معامله رشد انشائی باید بگوئیم یعنی صحت عقل و تمیز حسن و قبح و مصالح و مفاسد و همچنین که در معاملات شرط شد که باید سن هیجده باشد البته یک دختری هم که خواست شوهر بکند باید مصلحت و نفع خودش را در اختیار شوهر تشخیص بدهد حقوق خودش را بتواند تشخیص بدهد این است که با اجازه ولی قهری که پدر و جد است یا ولی منصوب اعم از اینکه وصی باشد یا ولی که از طرف حاکم منصوب است باید باشد از نقطه نظر مصلحت و مفاسد ازدواج و این از پانزده به بعد مجاز است منتها چون صلاح و فساد خودش را نمی‌تواند تشخیص بدهد باید با اجازه ولی باشد.

رئیس. آقای تهرانچی.

تهرانچی. بنده خواستم با توضیحی که فرمودند عرض کنم که این جلوگیری می‌کند از ازدواج اینجا رشد

۱. در متن فوق عبارت «نیز» بعد از عبارت «تمام» اضافه گردید.
در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی نیز عبارت «نیز» وجود دارد.

را پانزده سال قائل شدند و نسبت به معامله البته مطابق قانون دیگری هیجده سال است ولی اگر بنا شد که با اجازه تمیز پدر و جد شد که ولی مطلق گرفته شد آن وقت باز يك ممنوعیتی در بین می‌آید برای اینکه مدعی‌العموم یا قییم و ولی بخواهند در کار صغیر دخالت کنند این نمی‌شود.

وزیر عدلیه. توضیحی که عرض کردم يك قدری بیشتر و با تفصیل عرض می‌کنم البته آقایان در نظر دارند که چندی قبل يك قانونی از برای سن رشد و تشخیص سن رشد آن هم به طور اصل در مجلس گذشت و در آنجا استئنا شده بود مسئله عقد نکاح و آن استئنا برای این بود که مطلق رشد در مسئله نکاح منظور نبوده است برای اینکه نکاح دارای دو جنبه است که برای طرفین است یکی رشد عقلی و انشائی است که خودشان قادر باشند و مستقل باشند پسر می‌خواهد زن بگیرد یا دختر می‌خواهد شوهر بکند در تشخیص مصالح و مفاسد خودش مستقل باشد اینجا مراد از رشد این بود و در ماده هزار و چهل و يك هم قابلیت جسمانی برای ازدواج است این رشد جسمانی است و ربطی به رشد عقلی و انسانی ندارد مقصود این است که از نظر نمو جسمانی هم قابل برای ازدواج و تشکیل عائله شده باشد پس دو مطلب است اینجا که گفته می‌شود مادام که به سن هیجده نرسیده اند یعنی هنوز مستقل در امور خودشان نیستند و چطور تصور می‌شود روی يك معامله جزئی مستقل نباشد اما برای اینکه بخواهد يك شریکی یا شریکه‌ای برای عمر خودش انتخاب کند مستقل است در تشخیص مصلحت و مفاسد اینجا تناقض است اگر کسی هنوز عقلش نمی‌رسد که در معامله چهل تومانی پنجاه تومانی یا يك دانگ خانه برای خودش تشخیص مصالح و مفاسد بدهد چطور می‌توان گفت برای اختیار کردن شوهر که برای او مفید است یا مضر تشخیص کافی باشد پس از این جهت است که اینجا هم قید شده است مادام که به سن هیجده نرسیده است باید با اجازه ولی باشد از نقطه نظر صحت انشاء يك ماده دیگر هم هست راجع به دختر است که دختری که هنوز شوهر نکرده به هر سنی هم که برسد باید با اجازه

پدر یا جد باشد آن ولی قهری است که در ماده بعد می‌آید این است که همه جهات مراعات شده.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۴۲ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۴۳.
ماده ۱۰۴۳. نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از هیجده سال تمام داشته باشد متوقف به اجازه پدر یا جد پدری^۱ او است هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند^۲ دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط دفتر مزبور مراتب را به پدر یا جد پدری اطلاع می‌دهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر مزبور می‌تواند نکاح را واقع سازد. ممکن است اطلاع مزبور به وسائل دیگری غیر از دفتر ازدواج به پدر و یا جد داده شود ولی باید اطلاع مزبور مسلم شود.
رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. ظاهر عبارت ماده این است که پدر و جد ولایتشان در عرض هم است که یا پدر اجازه بدهد یا جد و هرکدام اجازه بدهند صحیح است. در صورتی که ظاهراً این طور نیست پدر و جد ولایتشان^۳ در طول هم است در صورتی که پدر است جد ولایتش موضوع ندارد در صورتی که پدر نباشد جد ولایت دارد این است که این عبارت باید اصلاح شود که بعد در عمل اسباب زحمت نشود. ممکن است یک وقت پدر اجازه ندهد و جد اجازه بدهد و برحسب این ماده

۱. در متن فوق عبارت «پدری» جایگزین عبارت «پدر» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «پدری» آمده بود.

۲. در متن فوق عبارت «کند» جایگزین عبارت «کنند» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «کنند» آمده بود.

۳. در متن فوق عبارت «ولایتشان» جایگزین عبارت «ولایتش» گردید.

صحیح هم باشد و حال آنکه این طور نیست.
وزیر عدلیه. گویا آقای دیبا قدری اشتباه فرموده اند این طور نیست و در طول هم نیست و اینجا در این مسئله محل اختلاف است که مابین پدر و جد ترتب است یا تساوی است مخصوصاً در صورت اختلاف هم باز این مسئله مورد نظر است که نظر کدام مقدم است اگر بین پدر یا جد اختلاف شد. در شرع این طور نیست که آیا نظر پدر مقدم است یا نظر جد اینجا چون صورت اختلاف کم روی می‌دهد ما محتاج نبود بنویسیم در هر حال هر دو مستقلاً اختیار دارند و ترتب هم نیست. (صحیح است)
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۴۳ موافقت دارند قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۰۴۴:
ماده ۱۰۴۴. در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و^۱ اگر پدر یا جد پدری دختر به علی تحت قیمومت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.

رئیس. نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانی که با این ماده همراهند برخیزند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۴۵:

فصل سوم. در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۵. نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:
 ۱. نکاح با پدر و اجداد و با^۲ مادر و جدات هر قدر که بالا برود.

-
۱. در متن فوق عبارت «و» جایگزین عبارت «ولی» گردیده. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «و» آمده است.
 ۲. در متن فوق عبارت «با» جایگزین عبارت «یا» گردیده. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «یا» آمده است.

۲. نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود.
۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین برود.
۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.
- رئیس.** آقایان موافقین با ماده ۱۰۴۵ برخیزند.
- (اغلب قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۰۴۶:
- ماده ۱۰۴۶.** قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه:
- اولاً. شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
- ثانیاً. شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
- ثالثاً. طفل لااقل يك شبانه روز و یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.
- رابعاً. شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.
- خامساً. مقدار شیری که طفل خورده است از يك زن و از يك شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر يك زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد.
- و همچنین اگر يك زن يك دختر و يك پسر رضاعی داشته باشد که هر يك را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی باشد.
- رئیس.** نظری نیست؟ (گفتند - خیر) آقایان همراهان برخیزند.
- (عده ای برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۴۷:
- ماده ۱۰۴۷.** نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:
۱. بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.
۲. بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد.
۳. بین مرد یا انثا از اولاد زن او از هر درجه

که باشد ولو رضاعي مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.^۱

رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند.

ماده ۱۰۴۹. هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

رئیس. آقای افسر.

افسر. اینجا در ماده ۱۰۴۷ عبارتی باید اصلاح می‌شد و گذشت هر وقت موقعش شد در آخر یا در هر وقت بفرمائید تا عرض کنم.

رئیس. آقایان همراهان با ماده ۱۰۴۹ برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۵۰:

ماده ۱۰۵۰. هر کس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام می‌شود.

رئیس. کسانی که با ماده ۱۰۵۰ همراهند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۵۱:

ماده ۱۰۵۱. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد.

در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

رئیس. اخذ رأی در ماده ۱۰۴۸ در موقع قرائت فراموش شده است. دوباره قرائت می‌شود و رأی می‌گیریم (عده از غایندگان - صحیح است)

ماده ۱۰۴۸. جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به

۱. پس از تصویب ماده «۱۰۶۱»، مذاکراتی در مورد بند «۳» ماده «۱۰۴۷» صورت گرفته است. برای اطلاع بیشتر به آن قسمت مراجعه شود.
۲. قرائت و رأی‌گیری در مورد ماده «۱۰۴۸» پس از قرائت ماده «۱۰۵۱» صورت گرفته است.

عقد منقطع باشد.
رئیس. آقایان موافقین برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.
آقایانی که با ماده ۱۰۵۱ همراهند قیام فرمایند.
(عده زیادی برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۵۲:
ماده ۱۰۵۲. تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است.
رئیس. آقایان همراهان برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۵۳:
ماده ۱۰۵۳. عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.
رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۵۴:
ماده ۱۰۵۴. زنی با زن شوهر دار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است.
رئیس. اشکالی نیست؟ آقایان همراهان برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۵۵:
ماده ۱۰۵۵. نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست.
رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۰۵۶:
ماده ۱۰۵۶. اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.
رئیس. نظری نیست؟ کسانی که همراهند برخیزند.
(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۵۷:
ماده ۱۰۵۷. زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.
رئیس. اشکالی ندارد؟ کسانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۵۸:
ماده ۱۰۵۸. زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تایی آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤید

می‌شود.

رئیس. نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایان همراهان با این ماده برخیزند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۵۹:

ماده ۱۰۵۹. نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

رئیس. نظری نیست؟ آقایان همراهان برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۶۰:

ماده ۱۰۶۰. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

رئیس. آقایان موافقین برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۶۱:

ماده ۱۰۶۱. دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. در جلسه پیش که راجع به این ماده بنده عرایضی کردم حضرت آقای وزیر عدلیه وعده فرمودند در کمیسیون این ماده را اصلاح کنند بنده در آن جلسه عرض کرده بودم که خوب است ازدواج عموم اتباع ایرانی را با تبعه خارجه منوط به اجازه دولت بفرمایند بیاناتی فرموده و ضمناً فرمودند که اگر بخواهیم ازدواج تمام اتباع ایرانی را منوط به اجازه دولت بکنیم قدری مشکل خواهد شد ولی مستخدمین رسمی و مأمورین رسمی و محصلین را موافقت فرمودند حالا اینجا در این ماده باز قید کلمه بعضی از مستخدمین شده است اگر مصلحت می‌دانید این بعضی زده شود والا بی‌فایده است اختیار با خودشان است.

وزیر عدلیه. بیاناتی که نمایندگی محترم فرمودند البته یک مصالحی را در نظر گرفته‌اند (دشمن - آقا بلندتر صحبت بفرمائید) بلی البته یک مصالحی را در نظر گرفته‌اند پر هم دور نیست از مصالح ولیکن یک نکته را هم باید در نظر بگیرند و آن این است که نمی‌شود به طور کلی جلوی آزادی اشخاص را گرفت (صحیح است) و این قسمت هم باید یک رعایتی بشود. مستخدم خوب خدمت می‌کند و یک حقوقی هم می‌گیرد از

دولت اما دیگر بنده که نشده (صحیح است) او هم يك آزادي دارد (صحیح است) ممکن است يك قسمت از مستخدمین را و بعضی‌شان را دولت از نقطه نظر يك مصالح یا مصالحی که ترجیح دارد بر مصلحت آزادي تبعه مقید بکند ولي نمی‌شود به طور مطلق گفت. این است که دولت با همین قید که در کمیسیون شده است موافق است و حاصلین هم اضافه شد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۴۱ موافقتند برخیزند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است. آقای افسر فرمایشی دارید؟ **افسر.** بلی عرض کنم که در قسمت سوم ماده ۱۰۴۷ يك مطلبي نوشته شده است و باید توضیح داده شود در مواد این قانون غالباً نوشته شده است همبستري بعد دیدم مناسبت با مطلب ندارد همه جا نزدیکی شد اینجا باز در ماده نوشته شده است زناشوئي واقع شده باشد و به عقیده بنده اجازه بفرومائید این کلمه اصلاح شود والا تمام مواد پیش که طور دیگری اصلاح عبارتی شده دچار اشکال و تغییر خواهد شد. خصوصاً این ماده که موقوف به چیز است.

وزیر عدلیه. بنده هم موافقت می‌کنم و توضیح هم باید بدهم چون آقای افسر شاید خوب توضیح ندادند بعضی از احکام هست که مترتب بر يك عمل خاصی است که همیشه باید يك تعبیر با نزاکتی از آن کرد اینجا آن تعبیر را در بعضی جاها زناشوئي گذاشته‌ام در بعضی جاها همبستري. در کمیسیون مذاکره شد که لفظ باید صریح‌تر باشد بالاخره صریح‌تر کردیم و نزدیکی نوشتیم این هم باز عبارتی است ادبی و پر بد نیست و در اینجا يك اشتباه و سهوالقلم شده است یعنی در فقره سوم از ماده ۱۰۴۷ که نوشته شده است: مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشوئي واقع شده باشد اگر چه مطلب را می‌فهماند و غلط نیست ولي عبارتش اگر صریح‌تر باشد بهتر است و موافقت

۱. در متن فوق عبارت «مصلحت» جایگزین عبارت «مصله» گردید.

میکنم که به جای زناشوئی نزدیکی نوشته شود.
رئیس. عرض کنم وقتی که ماده تصویب شد و رأی داده شد دیگر رجعت و تصحیح او قدری دشوار است بنده گمان میکنم همین توضیح خود آقای وزیر عدلیه مکمل آن مضمون سابق است (صحیح است) و مقصود حاصل است (صحیح است) دیگر نظری نیست؟ آقایانی که با مجموع قانون موافقت دارند قیام فرمایند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار هفتم. شور دوم مواد ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۹

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه
 ۱۳۱۴ (۳ محرم ۱۳۵۴)
 جلسه ۱۳۴

۲. شور دوم و تصویب قانون مدنی از ماده ۱۰۶۲
رئیس. خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به قسمتی از قانون مدنی شور دوم:
خبر کمیسیون

لاجه نمره ۲۷۶۰۴ دولت که در تعقیب مواد قانون مدنی (به عنوان فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم از کتاب هفتم جلد دوم قانون مدنی در نکاح و طلاق) پیشنهاد شده بود برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند راپرت شور اول با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم می‌دارد:

فصل چهارم. شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲. نکاح واقع می‌شود به اجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۶۲ موافقت دارند برخیزند.
 (اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۶۳:

ماده ۱۰۶۳. اجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق

عقد دارند.

رئیس. آقای روحی.

روحی. راجع به این که ممکن است اشخاصی از طرف مرد و زن اجرای عقد نمایند البته صحیح است و بنده هم در این قسمت عرضی ندارم ولی باید شهودی هم حاضر باشند که شهادت بدهند که این عقد واقع شده است والا ممکن است يك اختلافی بعد واقع شود و بدون حضور شاهد تصور نمی‌کنم که خوب باشد و خوب بود در اینجا قید حضور شاهد هم بشود و با این ترتیب نمی‌شود يك عقدي صورت قطعیت پیدا کند.

وزیر عدلیه (آقای صدر). حضور شاهد در عقد شرط نیست در طلاق است که شرط صحت طلاق حضور شاهد است و فقط برای تثبیت که خلافي روی ندهد همان دفاتر رسمی که داریم کافی است و دیگر احتیاجی به شهود نیست و همان حضور عاقد کافی است که دفاتر هم به امضاء طرفین برسد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۶۳ همراهند برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۶۴:

ماده ۱۰۶۴. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

رئیس. نظری نیست؟ همراهان با این ماده برخیزند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۶۵:

ماده ۱۰۶۵. توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است.

رئیس. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۶۶:

ماده ۱۰۶۶. هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. نظرم می‌آید که این در موردی است که قائم مقام قانونی نداشته باشند و این در موقعی است که هر دو طرف یا يك طرف لال است و

قائم مقام نداشته باشند یعنی کسی نباشد که عقد را واقع کند ولی در صورتی که قائم مقام قانونی داشته باشند ظاهراً این حکم این طور نیست. **وزیر عدلیه.** این قانون غالباً بر حسب فتاوی علمای و شهرت است و عمل و عرف و عادت از دیر زمانی برای این جاری بوده است مردم هم کاملاً معتقد به آن هستند و قید نیست که در وقتی که یکی یا هر دو طرف لال باشند اجاب و قبول واقع نشود و به کس دیگر وکالت بدهند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۶۶ همراهند برخیزند. (عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۶۷:

ماده ۱۰۶۷. تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.

رئیس. آقایانی که همراهند برخیزند. (بیشتر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۶۸:

ماده ۱۰۶۸. تعلیق در عقد موجب بطلان است.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(جمع کثیری قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۶۹:

ماده ۱۰۶۹. شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صدق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۶۹ موافقت دارند برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۷۰:

ماده ۱۰۷۰. رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۰۷۰ همراهند برخیزند.

(بیشتر برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۱:

فصل پنجم. وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱. هر يك از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.
رئیس. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.
(اغلب قیام نمودند).
رئیس. تأمل بفرمائید... تصویب شد. بنده یادآوری می‌کنم که آن رأی بین بین را نمی‌توانم قبول کنم یا جزماً نفی یا جزماً اثبات. ماده ۱۰۷۲:
ماده ۱۰۷۲. در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.
رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۰۷۲ موافقت دارند برخیزند.
(اغلب قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۳:
ماده ۱۰۷۳. اگر وکیل از آنچه موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.
رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۰۷۳ موافقت دارند برخیزند.
(عده زیادی برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۴:
ماده ۱۰۷۴. حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.
رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(بیشتر بلند شدند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۵:

فصل ششم. در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۵. نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

رئیس. نظري نیست؟ (گفته شد - خیر) موافقین با ماده ۱۰۷۵ برخیزند.

(جمع کثیری قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۶:

ماده ۱۰۷۶. مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

رئیس. نظري نیست؟ آقایان موافقین برخیزند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۷:

ماده ۱۰۷۷. در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت

زن و به مهر او همان است که در باب ارث و^۱ در

فصل آتی مقرر شده است.

رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد.

یکی از آقایان یادداشتی داده است که آقایان

را متذکر کنم که اگر در این مواد بحث نمی‌شود نه

از باب عدم توجه است برای این است که بنیان این

مواد خیلی محکم است و مورد مذاکره ندارد.

اورنگ. هزار و سیصد سال است که این مواد معتبر

است

رئیس. ماده ۱۰۷۸:

فصل هفتم. در مهر

ماده ۱۰۷۸. هر چیزی را که مالیت داشته و قابل

تملك^۲ نیز باشد می‌توان مهر قرار داد.

رئیس. نظري نیست؟ موافقین برخیزند.

(بیشتر برخاستند).

۱. در متن فوق حرف «و» بعد از عبارت «ارث» اضافه گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز حرف «و» وجود دارد.

۲. در متن فوق عبارت «تملك» جایگزین عبارت «تملیک» گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «تملك» به کار رفته است.

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۷۹:

ماده ۱۰۷۹. مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۰۷۹ موافقتند برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۰:

ماده ۱۰۸۰. تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۱:

ماده ۱۰۸۱. اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۸۱ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۲:

ماده ۱۰۸۲. به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

رئیس. موافقین با ماده ۱۰۸۲ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۳:

ماده ۱۰۸۳. برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.

رئیس. نظری نیست؟ موافقین با این ماده برخیزند (بیشتر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۴:

ماده ۱۰۸۴. هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.

اورنگ. صحیح است. نظری نیست.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۸۴ موافقت دارند برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۵:

ماده ۱۰۸۵. زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۰۸۵ موافقت دارند برخیزند.
(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۸۶:

ماده ۱۰۸۶. اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط خواهد شد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۸۶ موافقت دارند برخیزند.

(بیشتر نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۷:

ماده ۱۰۸۷. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۸۷ موافقت دارند برخیزند.

(جمع کثیری قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۰۸۸:

ماده ۱۰۸۸. در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۰۸۸ همراهند برخیزند.

(بیشتر نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۸۹:

ماده ۱۰۸۹. ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا

شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۰۸۹ موافقت دارند برخیزند.

(بیشتر نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۰۹۰:

ماده ۱۰۹۰. اگر اختیار مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیش از مهرالمثل معین نماید.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. راجع به این ماده در کمیسیون عدلیه هم مذاکره شده آقای وزیر عدلیه یک توضیحاتی دادند ولی بنده عقیده ام این است که این دو ماده با هم باید مساوی باشد یعنی راجع به شوهر آنجا در ماده سابق ذکر شده است که هر چه شوهر معین کرد قبول شود ولی در این ماده ذکر شده است که زن بیش از مهرالمثل نتواند معین کند جهت این دو ماده معلوم نیست که آنجا شوهر حق دارد هر چه می‌خواهد معین کند ولی زن این اختیار را نداشته باشد جهت آن معلوم نیست.

وزیر عدلیه. بنده لازم می‌دانم به طور کلی توضیحاتی خدمت آقایان عرض کنم که جواب فرمایش نماینده محترم هم ضمناً داده شود. این مواد چند قسم است بعضی از این مواد است که تعبد صرف است و هیچ نمی‌توان تصرفی در آن کرد و با طرز وضعیت زوجیت و طلاق که خیلی هم محل احتیاط و ملاحظه است و نباید تصرفی ما خودمان در آن بکنیم (صحیح است) از این جهت اکتفا شده است به این احکام منصوصه معین و اگر اختلافی هم در بین بوده است آن قسمت شهر و اکثر که فتاوی متأخرین روی او است گرفته شده که هیچ انکاری در آن مواد پیدا نشود یک قسمت از مواد است که منصوصات نیست و آنها را با مراجعه به قوانین خارجه مخصوصاً قانون سوئیس که خیلی مفصل است در یک قسمت‌هایی مثل تکالیف زوجین و حقوق خانوادگی که بعد می‌آید خیلی مشروح و مفصل است و یک قسمت‌هایی که توافق با عادات و شرع ما داشته است و بر او یک احکامی هم مترتب است آنها را گرفتیم خیلی هم خوب شده است و بنده

عرض می‌کنم یک قانون بسیار خوبی است (صحیح است) این قسمت که خوانده خواهد شد. ولی یک قسمت هایی هم که زائد بوده و محل احتیاج نبوده است یعنی عرف و اخلاق فاضله ملت ایران طوری بوده است که احتیاج نبوده است به ذکر آنها که حالا بنده به طور تفصیل عرض نمی‌کنم و بعضی از آنها را در^۱ قانون آوردن محتاج نیست در صورتی که مبانی اخلاقی ما روی او است مثل اینکه فرض بفرمائید که در یک ماده دیدم که دارد اگر پسری در خانه پدر خرجی بکند متبرع است و نمی‌تواند پس بگیرد ولی ما احتیاجی به آن نداشتیم (صحیح است) برای اینکه اخلاق خانوادگی ما طوری است که اصلاً در این طور چیزها محتاج به قانون نیستیم (صحیح است - احسنت) این است که قابل ذکر ندانستیم ولی آن قسمت‌هایی که خیلی خوب بود و مفید بود برای تدوین و توضیح حقوق طرفین که می‌توانستند در مقابل آن مطالبه‌ای بکنند یا زن مرد خودش را بتواند اجبار به طلاق بکند آنها را هم با سعی اینکه موافق باشد با قوانین شرع که مورد هیچ انکاری نیست (صحیح است) اینها را هم با دقتی در اینکه موافق باشد در احکام شرع و مورد هیچ اعتراضی نباشد از طرف کسی رعایت شده است و در مورد تعبدات هم هیچ تصریحی نمی‌توانیم بکنیم و اینکه در اینجا هست همان است که عرض کردم و جواب آقای دیبا هم همین است (صحیح است)

جناب کمیسیون قوانین عدلیه (مؤید احمدی). البته آقای دیبا به این نکته متوجه شده‌اند و در کمیسیون هم همین بیان را فرمودند ولی ملاحظه بفرمائید چون مهرالمثل معین شده است وقتی که اختیار می‌دهد به شوهر می‌گوید هر مهری می‌خواهی برای من قرار بده در روی رضایت خودش آن هم قرار می‌دهد لکن وقتی که بنا شد زن معین کند نمی‌تواند بیش از مهرالمثل معین کند. می‌فرمائید چرا؟ به علت اینکه معلوم است که

۱. در متن فوق عبارت «در» جایگزین عبارت «توی» گردید.

در غیر این حال اجحاف است مهرالمثل این است که ببینیم مادر این، خواهر این، بستگان این، چه اندازه مهر داشته اند از حیث شئون خانوادگی و تربیتی^۱ و مقرراتی که در خانواده آنها بوده است و اگر آمد و زیاده از آن معین کرد معلوم می شود که اجحاف کرده است و قانون هم عیناً آن را تصویب کرده است.

رئیس. آقای احتشام زاده فرمایشی داشتید؟

احتشام زاده. عرضی ندارم.

رئیس. آقای افسر.

افسر. بنده هم عرضی ندارم.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و نود موافقند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و یک:

ماده ۱۰۹۱. برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

رئیس. نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانی که با ماده هزار و نود و یک همراهند برخیزند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و دو:

ماده ۱۰۹۲. هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمناً استرداد کند.

رئیس. مخالفی ندارد؟ آقایان همراهان با این ماده برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و سه:

ماده ۱۰۹۳. هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق

۱. در متن فوق ظاهراً عبارت «تربیتی» صحیح است.

دهد زن مستحق مهرالتمعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

رئیس. نظری نیست؟ آقایان همراهان برخیزند. (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و چهار:

ماده ۱۰۹۴. برای تعیین مهرالتمعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.

رئیس. اشکالی ندارد؟ (گفتند - خیر) کسانی که با این ماده همراهند برخیزند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و پنج.

ماده ۱۰۹۵. در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

رئیس. اعتراضی ندارد؟ آقایانی که با این ماده همراهند برخیزند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و شش.

ماده ۱۰۹۶. در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند. (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و نود و هفت:

ماده ۱۰۹۷. در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

رئیس. همراهان با این ماده برخیزند. (عده زیادی بلند شدند) تصویب شد. ماده هزار و نود و هشت:

ماده ۱۰۹۸. در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

رئیس. نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایان همراهان با این ماده برخیزند. (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و نه:

ماده ۱۰۹۹. در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند. (اغلب قیام کردند) تصویب شد ماده هزار و صد قرائت می‌شود.

ماده ۱۱۰۰. در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نگیرد.

رئیس. آقایانی که با این ماده همراهند برخیزند. (جمع زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و یک:

ماده ۱۱۰۱. هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

رئیس. آقایانی که با این ماده همراهند برخیزند. (عده زیادی بلند شدند) تصویب شد. ...

[۴. بقیه شور و تصویب مواد قانونی مدنی از ماده ۱۱۰۲]

رئیس. فصل هشتم. ماده هزار و صد و دو قرائت می‌شود:

فصل هشتم. در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۲. همین‌که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

رئیس. آقایان همراهان با این ماده برخیزند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و سه قرائت می‌شود:

ماده ۱۱۰۳. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

رئیس. ایرادی ندارد؟ آقایان همراهان با این ماده برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و

چهار:

ماده ۱۱۰۴. زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

رئیس. همراهان با این ماده قیام فرمایند.
(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و پنج:

ماده ۱۱۰۵. در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

رئیس. آقایانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و شش:

ماده ۱۱۰۶. در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

رئیس. همراهان با این ماده قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و هفت.

ماده ۱۱۰۷. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.

رئیس. آقای اورنگ فرمایشی داشتید؟

اورنگ. عرضی ندارم در این ماده.

رئیس. همراهان با این ماده برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و هشت.

ماده ۱۱۰۸. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

رئیس. نظری نیست؟ آقایان موافقین با این ماده برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و نه:

ماده ۱۱۰۹. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق باین باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

رئیس. کسانی که با این ماده همراهند برخیزند.
(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و ده قرائت می‌شود:

ماده ۱۱۱۰. در عده وفات زن حق نفقه ندارد.
رئیس. آقایانی که با ماده هزار و صد و ده موافقت برخیزند.
(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و یازده:

ماده ۱۱۱۱. زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

رئیس. آقای اورنگ.
اورنگ. بنده فقط یک توضیحی می‌خواستم اینجا که می‌نویسد در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه زن می‌تواند به محکمه رجوع کند، محکمه آن حکمی را که می‌دهد مطابق متعارف حال آن زن خواهد بود یا یک میزان معینی است که برای هر مورد نفقه آن میزان را معین کند؟ اگر چنانچه باید مطابق متعارف عمل بشود عیب دارد.

وزیر عدلیه. در ماده ۱۱۰۷ ذکر شده است که نفقه عبارت است از چیزی که با وضعیت زن متناسب باشد پس محکوم هم طوری عمل خواهد کرد که با وضعیت حال زن متناسب باشد.

رئیس. آقایان موافقین با ماده هزار و صد و یازده برخیزند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و دوازده:

ماده ۱۱۱۲. اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

رئیس. آقای اورنگ.
اورنگ. عرض کنم که در این ماده می‌نویسد اگر اجرائی حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد یعنی زن نفقه طلبکار است از شوهر و شوهر ندارد و زن رفت

۱. در متن فوق عبارت «یا» جایگزین عبارت «با» گردید.

به محکمه و محکمه هم حکم داد که نفقه را از شوهر بگیرند و به زن بدهند، در اینجا می‌گویید اگر اجرای این حکم ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد. ماده ۱۱۲۹ هنوز نیامده است که ما بدانیم چیست. لایحه که الان در دست ما است تا ماده ۱۱۱۹ است ده ماده بعدش ۱۱۲۹ است و در این لایحه نیست ما باید مدلول آن ماده را بدانیم تا بتوانیم به این ماده رأی بدهیم بنابراین خوب است آقای وزیر عدلیه مدلول آن ماده را بیان فرمایند تا با استحضار به آن ماده رأی بدهیم.

وزیر عدلیه. مدلول آن ماده این است که زن در چه مورد می‌تواند اجبار به طلاق بکند یعنی با مراجعه به محکمه و وقتی که ثابت کرد موجب را آن وقت محکمه مرد را اجبار به طلاق می‌کند و یکی از آن موارد هم این است که مرد نفقه ندهد و زن به محکمه رجوع کند و محکمه حکم بدهد و اجرای حکم محکمه به دلائلی ممکن نباشد بنابراین زن بلا تکلیف می‌ماند و خود او را علاجی نیست جز اینکه طلاق خود را بخواهد پس با خواستن زن محکمه در آن صورت حکم به طلاق می‌دهد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۱۲ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و سی‌ده.

ماده ۱۱۱۳. در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر آنکه^۱ شرط شده یا اینکه عقد مبني بر آن جاری شده باشد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. در اینجا هم باز همان اشکال جریان دارد چطور در عقد انقطاع اگر نفقه ذکر نشده و شرط نشده باشد زن ابداً حق مطالبه ندارد فرض کرده

۱. در متن فوق عبارت «آنکه» جایگزین عبارت «اینکه» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «آنکه» آمده است.

است این ماده در صورتی که شرط بکنند دادن نفقه را به زن پس زن حق دارد نفقه را بگیرد و زن مستحق می‌شود و اگر این استحقاق را شوهر نداد و ادا نکرد مطابق ماده قبل زن حق دارد که به محکمه رجوع کند به محکمه مراجعه کرد و محکمه هم حکم صادر کرد مثل ماده قبل آن حکم ممکن نشد اجرا شود باز آن موضوع در این معنی هم ساری و جاری هست یا نیست یعنی حاکم ولی ممتنع می‌تواند مدت باقیمانده را ببخشد این است ایراد بنده و این توضیح لازم دارد.

وزیر عدلیه. در اینجا یک تفاوت‌هایی مابین زن معقوده با منقطعه هست و تفاوت‌های زیادی است برای اینکه منقطعه شبیه به یک مستأجره است او شبیه است به یک خادمه مزدور پس آن حقوق زناشویی که عبارت است از تساوی و حقوق دیگر برای او نیست نفقه وقتی که شرط شده باشد و به شخص تعلق گرفت مثل هر مزدوری است که برای او حقوقی شرط شده باشد و در آنجا باید به اجبار گرفت اگر نشد گرفتن آن مثل یک طلبکار دیگری است که هیچ ممکن نیست وصول آن هیچ جنبه تضمینی ندارد ولی نسبت به زن و مردی که به طور عقد دائم با یکدیگر زوجین هستند چون حقوق و تکالیف دیگری در آنجا هست البته باید برای زن یک فکر دیگری کرد که اگر این حق به او نرسید بتواند اقلاً خودش را تخلیص بکند ولی در سایر موارد این حکم ساری نیست و ممکن نیست این حکم را کرد و مثل یک طلبکاری است و آن هم در حکم اجرت است باید بگیرد اجرت خودش را (صحیح است).

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۱۳ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۱۴:

ماده ۱۱۱۴. زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. عرض کنم اینجا در ماده همان طور که آقای وزیر عدلیه توضیح فرمودند در ماده ۱۱۰۷ شرح و

وصف نفقه را ذکر می‌کند که نفقه عبارت است از منزل و البسه و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد حالا در این ماده ۱۱۱۴ می‌نویسد زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر اینکه اختیار منزل به زن داده شده باشد عرض کنم که متعارف زن این است که در یک منزل بهتری زندگی کند و شوهر از نظر تضییق به آن زن که او مهرش را ببخشد و جانفش را خلاص نماید او را در یک منزل پست کثیف نامناسبی می‌نشانند حالا می‌خواهیم ببینیم که آن ماده ۱۱۰۷ شامل این مورد هم هست یا خیر یعنی باید زن را به منزلی نشانند که مناسب و متناسب حیثیت و شرافت او باشد یا اینکه زن به هر منزلی که شوهر تعیین و اختیار می‌کند مجبور است سکنی نماید این را هم آقای وزیر عدلیه توضیحی بفرمایند.

وزیر عدلیه. بنده تصور می‌کنم خیلی روشن است مطلب زیرا که آنجا حکم این است که مسکن باید متناسب زن باشد این یک حکم به جای خودش. یک حکم دیگر این است که زن آیا به خودی خود آزاد است که هر کجا بخواهد مسکن کند یا باید تابع شوهر باشد و منزلی که شوهر معین می‌کند چطور باشد آیا متناسب باشد یا نه در همان ماده ۱۱۰۷ ذکر شده است پس محل باید متناسب با زن باشد در این صورت هر جا که شوهر معین می‌کند سکنی می‌نماید.

رئیس. آقای افسر فرمایشی داشتید؟

افسر. عرضی ندارم.

رئیس. موافقین با ماده هزار و صد و چهارده قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۱۵ قرائت می‌شود:

ماده ۱۱۱۵. اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. همه آقایان رفقا البته عفو می‌فرمایند چون این مواد، موادی است که به مجرد اینکه از اینجا گذشت محل ابتلاء عامه خلق است و البته هر قدر در اطرافش یک توضیحی که بنده عرض می‌کنم و آقای وزیر عدلیه جوابی بیان می‌فرمایند برای تشریح مطلب خیلی مفید است و چون محل ابتلاء عامه است خلق بی‌نا می‌شوند این ماده می‌گوید اگر بودن زن با شوهر در یک منزل موجب خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. چطور؟ زنی می‌آید و می‌گوید که من بودم با شوهر در این خانه بخصوص توهین است برای من از حیث شرافتم یا ضرر مالی برای من متصور است یا ضرر بدنی دارد از این شوهر می‌ترسم که شب مرا کتک بزند یا بکشد به مجرد گفتن این زن می‌تواند برود یک منزل علیحده بگیرد و در آنجا بنشیند و نفقه را هم باید شوهر بدهد یا اینکه خیر باید برود به محکمه اظهار کند محکمه تحقیق کند و ارسا کند بلکه این طور نباشد حالا نمی‌خواهم ذکر کرده باشم باز می‌ترسم جنبه مسئله یک قدری با شوخی نزدیک شود غالب زن‌ها شاید خوششان نیاید که با شوهرشان در یک جا باشند و می‌گویند که ضرر مالی و بدنی داریم برای اینکه بروند در یک محل دیگری بنشینند. به مجرد گفتن ایشان می‌توانند یک خانه دیگر بگیرند و آن وقت من هم دائماً نفقه بدهم و کرایه خانه بدهم این طور نمی‌شود من می‌دانم که آقای وزیر عدلیه هم که این ماده را اینجا گذاشته‌اند البته قصدشان این نیست و البته مبدأ و بنائی برای این ادعا هست و امیدوارم در ضمن

۱. در متن فوق عبارت «دائماً» جایگزین عبارت «می» گردید.

گذشتن قانون توضیح بدهند که این توضیح به منزله قانون است و تکلیف خلق معین می‌شود.

وزیر عدلیه. البته آقایان متذکر هستند که حقوق دو قسم است یکی حق تمتع است که حقوق اصلی است یکی هم حق مطالبه و حق اثبات است پس دو حق اینجا باید در نظر داشت در اینجا وقتی که زن به عقیده خودش هنوز هم اثبات نشده است خوف ضرر مالی یا جانی یا شرافتی دارد که در همه جا هم در نظر آقایان هست در انواع معاملات و حقوق و بلکه تکالیف شرعی و اجبه که در درجه اول هم واجب باشد که هر کجا که ضرر بدنی یا مالی باشد معذور می‌شود در ادای آن تکلیف اگر چه آن تکلیف هم واجب باشد این از باب حق تمتع است ولی لازم نیست که ضرر هم واقع شده باشد یعنی یک کسی یک راهی می‌رود و در چاه می‌افتد و بعد از آن حق متمتع بشود خیر خوف کافی است یعنی خوف عقلانی وقتی که مظنه ضرر هست آن تکلیف بر او واجب نیست مثل اینکه روزه یکی از تکالیف است وقتی که خوف از ضرر باشد نمی‌گیرند حج واجب است ولی وقتی که خوف ضرر جانی یا مالی باشد حج فوت می‌شود در اینجا هم همین طور است زن موظف به اطاعت از شوهر است و باید در خانه او بماند ولی اگر خائف شد نسبت به وضعیتی که شوهر جاهل او اختیار کرده است نسبت به جان یا مالش یا شرافتش می‌تواند از این حق متمتع شود و خانه او را ترک کند ولی چون ممکن است که زن هم یک مدعی مثل سایر مدعی‌ها، مدعی دروغ باشد و برای هوی و هوس بگوید من این خوف را دارم این باید در محکمه اثبات شود و از این جهت است که در صورت ثبوت مظنه ضرر که بر محکمه ثابت شد که این زن مظنه ضرر در خانه شوهر دارد در این صورت حکم بازگشت به منزل شوهر نمی‌دهد و در این مورد هم نفقه بر عهده شوهر است در این صورت او را ناشزه حساب نمی‌کنند و این نشوز نیست نکته دیگر هم که البته نظر آقایان هست که

۱. در متن فوق عبارت «در» جایگزین عبارت «توی» گردید.

در قانون حکمیت مخصوصاً این ماده را در آخر قانون اضافه کردیم که کلیه اختلاف و نفاق بین زن و شوهر به حکمیت حل می‌شود به حکمیت اقرباء و منسوبین هر دو طرف و غالب آنها هم به اصلاح منتهی می‌شود برای اینکه همین طور که زن‌های بوالهوس پیدا می‌شوند مردان جاهل و قس‌القلب هم پیدا می‌شوند.

رئیس. آقایانی که با ماده هزار و صد و پانزده همراهند برخیزند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۶ قرائت می‌شود:

ماده ۱۱۱۶. در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناي زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. بنده عقیده‌ام این است که این مورد از مواردی است که باید محاکمه اش اختصاری باشد نه محاکمه عادی که یک سال دو سال طول بکشد و آن وقت تکلیف زوج و زوجه معلوم بشود این است که اگر در ماده تصریح می‌شد که محاکمه این قبیل امور اختصاری است بهتر بود.

وزیر عدلیه. این قسمت در اصول محاکمات باید رعایت شود.

رئیس. آقایانی که با ماده یک هزار و صد و شانزده همراهند برخیزند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۱۷ قرائت می‌شود:

ماده ۱۱۱۷. شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. این ماده ۱۱۱۷ باز مورد ابتهلا است می‌نویسد شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند حال مشخص اینکه این حرفه یا

این صنعت منافی مصلحت تو و یا منافی مصلحت من است این مشخص شوهر است؟ (مهمه نمایندگان) تأمل بفرمائید عرض می‌کنم که شوهری می‌گوید به زنش که تو نرو در مدرسه و معلمی بکن این مخالف حیثیت من است آیا حق دارد؟ بنده مخالف نیستم بلکه میل دارم که توضیح داده شود اگر مشخص خود شوهر است که هر چیز را که خود او منافی مصلحت خودش یا مصلحت عیالش تشخیص داد می‌تواند منع کند (بعضی از نمایندگان - بله بله صحیح است) بسیار خوب اگر این طور است که این ماده درست است.

وزیر عدلیه. البته آقایان متذکر هستند که قانون برای این است که در مورد اختلاف از مفاد قانون و مواد آن بتوان حکم کرد و آن مراجعی که برای اختلاف بین اشخاص در حقوق معین است بتواند حکم کنند یعنی تکیه‌گاهی از قانون داشته باشند که اولاً تکالیف به عهده آنها معین باشد و اگر اختلاف کردند بتوان بر آن حکم کرد یک قسمت از این امور قابل اختلاف نیست برای اینکه ریاست خانواده با مرد است و البته تشخیص مصالح هم با او است فرض بفرمائید اگر مردی خواست زن خود را در هر کاری اگر چه کار بسیار شریفی هم باشد منع کند که تو دست به هیچ کاری نزن و تعرض بکنند در اینجا لازم نیست که زن تمکین کند و می‌تواند اثبات کند که نه منافی مصالح تو و من است و نه منافی شرافت و مصالح خانوادگی است آن قسمتی هم که به عهده من است از حیث تربیت اولاد و خانه‌داری و مرتب کردن امور زندگانی اینها را انجام می‌دهم ولی یک ساعت هم مثلاً می‌خواهم فلان درس را بخوانم این اشکال ندارد و برای این است که تعدی و ظلم از هیچ طرفی به هیچ طرف نباید بشود ولی یک وقتی است که یک زنی از روی کسب و گرفتن اجرت برود مثلاً مرده شوئی بکنند این کار بسیار بدی است.

رئیس. همراهان با ماده ۱۱۱۷ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۱۱۸.

ماده ۱۱۱۸. زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

رئیس. نظري نیست؟ (خیر) موافقین برخیزند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۱۱۹.

ماده ۱۱۱۹. طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. اینجا هم بنده یک کلمه توضیح می‌طلبم که در آخر این ماده دارد پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد این حکم نهائی در اینجا صدور حکم از مرحله تمیز است یا به مجرد اینکه حکم از محکمه ابتدائی صادر شده. این نکته باید توضیح داده شود.

وزیر عدلیه. در اصطلاح قوانین اصول محاکمات حقوقی حکم قطعی لازم الاجرا وقتی است که از محکمه استیناف صادر شده باشد یا به واسطه گذشتن مدت استیناف حکم بدوی قطعی شده باشد و حکم نهائی این است که باید تمام مراحل را طی کرده باشد یا مدت آنها گذشته باشد و حق تمیز هم دیگر باقی نمانده باشد.

رئیس. آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا. بنده سابق راجع به تاریخ اجرای این قوانین مدنی سؤال کردم آقای وزیر عدلیه جوابی هم فرمودند که حقیقتاً بنده قانع نشدم می‌خواستم عرض کنم که این قانون تاریخ اجرایش از چه زمانی است اگر موافق قانون مدنی است که باید تصریح شود والا این قوانین که متدرجاً می‌آید باید تاریخ اجرایش معین باشد والا تاریخ اجرایش معین

۱. در متن فوق عبارت «چه زمانی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

نباشد نمی‌شود حکم کرد.
وزیر عدلیه. مطابق ماده جلد اول قانون مدنی هر قانونی که تاریخ اجرائش معین نشد معلوم است بعد از انتشار در مجله رسمی ده روز در مرکز و در ولایات^۱ به تناسب مسافت قابل اجرا است.
رئیس. رأی می‌گیریم به ماده ۱۱۱۹ موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات است. آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی. بنده در این موقع واقعاً بعد از تشکر از آقای وزیر عدلیه که این قوانین را به مجلس آوردند یک موضوعی را لازم می‌دانم عرض کنم در کمیسیون هم به آقای وزیر عدلیه عرض کردم فرمودند که باید در این موضوع یک فکری کرد و حالا اگر صلاح بدانند در متمم همین قوانین مدنی که می‌آید موضوع را در نظر بگیرند و مبتلابه هم هست چون این موضوع در قوانین ما پیش‌بینی نشده است و آن مسئله حبس است فلان آدم فلان خیانت را کرده است آدم کشته یا یک خیانتی کرده است که بالاخره محکوم شده است به ده سال یا زده سال حبس برای عائله اش هیچ تکلیفی معین نشده است مردی که جانی شد زنش که تقصیر نکرده است بنابراین همین طور که ما برای غایب مفقودالآثر حکمی معین کرده‌ایم که اگر کسی در کشتی غرق شده باشد و چه باشد اینها ذکر شده ولی راجع به این موضوع ذکر در هیچ جا نشده این است که باید دولت این مطلب را در نظر بگیرد یا یک مدتی را در نظر بگیرند و یا اینکه در همان حین عقد جزء شروط بشود و اگر صلاح نباشد بالاخره باید یک قوانینی برای این کار پیش‌بینی بشود دو سال سه سال چهار سال یک حدی که قابل تحمل باشد و از این حد بالاتر حکمی معین شود و البته باید دولت این موضوع را در نظر بگیرد و یک قانونی

۱. در متن فوق عبارت «ولایات» جایگزین عبارت «ولایت» گردید.
 (با توجه به ماده ۲ قانون مدنی)

برایش بیاورد.
وزیر عدلیه. این بیان آقای مؤید احمدی صحیح است ولی تصور میکنم که در قوانین جزا ممکن باشد که یک پیش‌بینی برای این قسمت بشود.
رئیس. آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند برخیزند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار هشتم. شور دوم مواد ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۷

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۲۰ فروردین ماه
۱۳۱۴ (۶ محرم ۱۳۵۴)
جلسه ۱۳۶

۳. تصویب قسمتی از قانون مدنی راجع به انحلال نکاح
رئیس. خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به کتاب دوم قانون مدنی راجع به انحلال عقد نکاح. شور دوم:
لایحه نمره ۲۹۱۳۱ دولت در تعقیب مواد قانون مدنی برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح و بالاخره با راپرت شور اول که عین همان لایحه دولت میباشد موافقت و علی‌هذا خبر آن را برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم می‌دارد:
رئیس. ماده ۱۱۲۰ قرائت می‌شود:

باب دوم. در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۰. عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود.
رئیس. آقای دیبا.
طباطبائی دیبا. مسئله انحلال راجع به فسخ نکاح صحیح است اینجا وقتی که نکاح فسخ می‌شود حقیقتاً منحل می‌شود یعنی کانه از اول این عقد نبوده است و «کان‌الم یکن» فرض می‌شود ولی نسبت به طلاق و بذل مدت اینجا اطلاق انحلال به نظر بنده صحیح نیست چون

۱. در متن فوق عبارت «کان» اضافه شد.

عقدي بوده است و صحيح هم بوده است ديگر اين را اخلال نمی‌گویند و اين صحيح نيست زيرا اخلال آن است که از اول نبوده فرض می‌شود.

مؤیداحمدی (مخبر کمیسیون قوانین عدلیه). عرض کنم گویا آقای دیبا در لفظ اشکال دارند در معنی که اشکالي نیست ولي عرض می‌کنم که اخلال شامل تمام اینها می‌شود (صحيح است) اصلاً عقدي که واقع می‌شود یا دائم است یا منقطع است اگر انقطاع بود که اخلال آن همان بذل مدت است و اگر عقد دائم بود که به طلاق منحل می‌شود و اگر عیوب و تدلیس باشد که به فسخ منحل می‌شود (صحيح است) در هر صورت تصور نمی‌کنم اشکال داشته باشد. (صحيح است).

رئیس. آقای افسر.

افسر. البته خاطر آقا مسبوق است که حل و عقد در مقابل هم است اگر عقد درست است حل هم در مقابلش هست. حل و عقد امور در مقابل یکدیگر است اگر عقد که به معنی گره زدن است درست نیست بنده نمی‌دانم چه اشکالي دارد؟ مطلب درست است به عقیده بنده (صحيح است).

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۰ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۲۱ قرائت می‌شود.

فصل اول. در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۱. جنون هر يك از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا مسئله استقرار جنون البته اشکالي در آن نیست چه دائمی باشد چه ادواری ولي سر عمل این موضوعات و کیفیات که می‌رسد و در مقام عمل ممکن است موجب اشکال بشود اجرای این ماده

۱. در متن فوق عبارت «در آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

استقرار در جنون دائم را ممکن است رجوع کنند به اطباء البته طبیب هم تشخیص می‌دهد و کشف می‌کند که این مستقر است یا نیست ولی در جنون ادواری این طور نیست و آن، این است که یک روز خوب است و یک روز خوب نیست حال در مقام عمل نمی‌دانم اینجا محکمه تکلیفش چه چیز است؟ به طبیب رجوع می‌کند یا خودش تشخیص می‌دهد؟ این را خوب است آقای وزیر عدلیه یک توضیحی بدهند.

وزیر عدلیه. مقصود از اینکه استقرار داشته باشد جنون لازم نیست که مستمر باشد بلکه ممکن است که همان ادواری هم استقرار پیدا کند. البته مثل نوبه غب که یک روز خوب است و یک روز بد. چندی حالش خوب است و چندی جنون پیدا می‌کند ولی این حال در او علی ای حال هر چه باشد مستقر است و البته ثبوت هر چیزی هم باید با وسائل لازمه در محکمه بشود و اینها همه حکم بعد از ثبوت است آقا. (صحیح است).

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۱ همراهند برخیزند. (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۱۲۲.

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم^۱ رفع نشود.

۲. خصمی.

۳. مقطوع بودن آلت تناسل.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا نوشته است عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن

۱. در متن فوق عبارت «حاکم» جایگزین عبارت «محاکم» گردید. در لایحه تقدیمی دولت عبارت «محاکم» آمده بود ولی در جلسه ۱۶ مورخ ۱۳۱۳/۱۲/۱۶ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی عبارت «محاکم» به عبارت «حاکم» تبدیل و به تصویب رسیده است.

به محاکم^۱ رفع نشود. این را بنده در کمیسیون عدلیه عرض کردم و آقای وزیر عدلیه هم توضیح دادند و لازم می‌دانم در مجلس هم توضیح بدهند که این یک سال مهلتی که دارد محکمه منتظر خواهد شد و حکم نمی‌دهد وقتی که زن مراجعه کرد و رسیدگی نمی‌کنند تا یک سال بگذرد یا اینکه حکم را می‌دهد و معلقاً که پس از یک سال اگر رفع این عیب نشد آن وقت زن حق فسخ خواهد داشت این را خوب است توضیح بدهند تا در عمل اسباب اشکال نشود.

وزیر عدلیه. حکم معلق که معنی ندارد آقا (صحیح است) محکمه وقتی می‌تواند حکم بدهد که ثابت شده باشد حق برای زن یعنی در همان وقت بتواند فسخ کند محکمه آن وقت حکمش را خواهد داد (صحیح است).

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۲ موافقتند برخیزند.

(جمع زیادی برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۲۳.

ماده ۱۱۲۳. عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱. قرن.
۲. جذام.
۳. برص.
۴. افضاء.
۵. زمین‌گیری.
۶. نابینائی از هر دو چشم.

رئیس. آقای افشار.

میرزا حسن خان افشار. بنده از آقای وزیر عدلیه سؤال می‌کنم که در این صورت هم مهر زن می‌رسد یا خیر؟ یعنی در موقع فسخ نکاح مهریه زن می‌رسد یا نمی‌رسد؟

وزیر عدلیه. مهریه موضوع علیحده‌ای است آقا. این طلاق نیست که در صورت طلاق اگر زن غیر مدخوله باشد نصف مهر را مستحق است اگر مدخوله باشد تمام مهر را. در اینجا هم اگر مدخوله باشد البته آن

۱. در بند ۱ زیرنویس در مورد محاکم و محاکم توضیح داده شد.

مهرالمثل می‌خواهد منافاتی با این ندارد. اینجا فسخ است فسخ یعنی اخلال نکاح از اصل و فرض این است که مرد مطلع براین عیوب نبوده است زیرا اگر این عیوب را اطلاع می‌داشت نمی‌کرد. پس اینجا حق فسخ را دارا است و حق فسخ لازم نیست با پرداخت مهر مگر در صورتی که مدخوله باشد آن هم خیلی مشکل است تصورش چون لابد بر عیوبش مطلع می‌شود و در آن صورت هم مهرالمثل خواهد بود.

رئیس. آقای دکتر ملک زاده.

دکتر ملک‌زاده. بنده معتقدم که مرض صرع هم در اینجا اضافه شود.

افشار. سل هم ضمیمه شود.

جناب. البته امراض زیاد است آقا. ولی اگر بنا باشد که امراض را تماماً ذکر کنیم زیاد می‌شود ولی این امراض که اینجا ذکر شده است چون اینها مانع از زوجیت است و چون در قوانین شرع ذکر شده است و تصریح شده است ما عیناً همان‌ها را اینجا آورده‌ایم و الا امراض زیاد است و خیلی از امراض را ممکن است ذکر کرد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۳ همراهند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۲۴.

ماده ۱۱۲۴. عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۴ همراهند برخیزند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۲۵:

ماده ۱۱۲۵. جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۲۵ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۱۲۶.

ماده ۱۱۲۶. هریک از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.

رئیس. نظری نیست؟ موافقین با ماده ۱۱۲۶ برخیزند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۱۲۷.

ماده ۱۱۲۷. هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع به علت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۱۲۷ قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۲۸:

ماده ۱۱۲۸. هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً^۱ برآن واقع شده باشد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۸ موافقت دارند برخیزند.

(بیشتر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۲۹:

ماده ۱۱۲۹. در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن

نفقه زن میتواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق مینماید.

همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

رئیس. آقای تهرانچی.

تهرانچی. در ماده ۱۱۱۲ آقای وزیر عدلیه توضیح فرمودند که مطابق ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد. فرمودند که اجبار به طلاق میشود و اگر طلاق نداد خود محکمه طلاق میدهد ولی در این ماده این طور نیست فقط میگوید او را اجبار به طلاق خواهد کرد اگر نداد چه میشود اجبار به طلاق این است که یا وکالت برای طلاق میدهد یا اینکه محکمه خودش طلاق میدهد چون در آن ماده ۱۱۱۲ اشاره به این ماده کردند که در آنجا تکلیفش معین شده است که اگر حکم اجرا نشد خود محضر شرع میتواند طلاق بدهد ولی اینجا این طور نیست در صورتی که اجبار به طلاق کرده اند وقتی شوهر راضی

۱. در متن فوق عبارت «متبایناً» جایگزین عبارت «متبانیاً» گردید.

نشد و حاضر نشد تکلیف چیست؟
وزیر عدلیه. اینجا به طور کلی حاکم ولی ممتنع است و در هر فعلی مثل شرط در معاملات اول اجبار است به این که خودش انجام دهد^۱ ولی اگر نکرد همیشه حاکم ولی ممتنع^۲ است و خودش اجرا می‌کند آن حکم کلی است که در جای خودش منضبط است و چون این امور هم پیش حاکم محکمه می‌رود او مطابق موازین تکلیف خودش را می‌داند و به همان ترتیب عمل می‌کند اگر او حاضر نشد طلاق بدهد حاکم عوض او طلاق می‌دهد (صحیح است).

رئیس. آقای امیر تیمور.
امیر تیمور کلای. عرض کنم بعضی مواقع ممکن است ندادن نفقه به واسطه فقر و تنگدستی باشد و شوهر به واسطه فقر و تنگدستی عجز از پرداخت نفقه داشته باشد در این صورت نمی‌شود او را مجبور کرد یک وقت است که نمی‌خواهد بپردازد یک وقت است که می‌خواهد نفقه را بپردازد ولی عجز دارد از پرداخت نفقه در این صورت به عقیده بنده هیچ شرعی و عادلانه نیست که او را مجبور به طلاق کنند استدعا می‌کنم در این باب توضیح بفرمائید.

رئیس. آقای افسر.
افسر. حرف سر همین موضوع است که اگر یکی عجز داشت تقصیر زن چیست یک نفر اگر عاجز بود و فقیر بود باید یک نفر دیگر را هم بدیجت کند خوب طلاق بدهد که آن زن برود دنبال^۳ کار خودش بالاخره یکی عاجز است و برهنه است یکی دیگر را هم تحت کند بالاخره طلاق کار آسانی است طلاقش می‌دهد و می‌رود دنبال کارش اگر چنانچه زن حاضر است و زن وفاداری است که اشکالی ندارد و شکایت نمی‌کند و با همان بدیجی می‌سازد و اگر شکایت کرد خوب چه مانع دارد که طلاق بدهد وقتی که کسی ندارد علت ندارد که دیگری

۱. در متن فوق عبارت «دهد» جایگزین عبارت «کند» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «ممتنع» جایگزین عبارت «متمنع» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «دنبال» جایگزین عبارت «پی» گردید.

را اسیر کند من اگر ندارم چرا باید نوکر نگاه
بدارم باید خودم خدمت خودم را بکنم کسی هم که
ندارد زن نگاه ندارد و خودش تنها بماند.

رئیس. آقای تهرانی.

تهرانی. عرضی ندارم.

رئیس. آقای تهرانی.

تهرانچی. عرضی ندارم.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۲۹ موافقت دارند
برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۳۰:

ماده ۱۱۳۰. حکم ماده قبل در موارد ذیل نیز جاری
است:

۱. در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را
وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

۲. سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی

زن را با او غیر قابل تحمل سازد.

۳. در صورتی که به واسطه امراض مسریه
معالجه دوام زناشویی برای زن موجب مخاطره
باشد.

رئیس. نظری نیست؟ (خیر) آقایانی که با ماده ۱۱۳۰
موافقت دارند برخیزند

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۳۱:

ماده ۱۱۳۱. خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق
فسخ دارد بعد از اطلاع به علت فسخ نکاح را فسخ
نکند خیار او ساقط می شود به شرط اینکه علم به
فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای
امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و
عادت است.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۳۱
موافقت دارند برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۳۲:

ماده ۱۱۳۲. در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای
طلاق مقرر است شرط نیست.

رئیس. موافقین با ماده ۱۱۳۲ برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۳۳:

فصل دوم. در طلاق

مبحث اول. در کلیات

ماده ۱۱۳۳. مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

رئیس. نظری نیست؟ موافقین با ماده ۱۱۳۳ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۳۴:

ماده ۱۱۳۴. طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۳۴ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۳۵:

ماده ۱۱۳۵. طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است.

رئیس. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(بیشتر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۳۶:

ماده ۱۱۳۶. طلاق دهنده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۳۶ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۳۷:

ماده ۱۱۳۷. ولی مجنون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت موی‌علیه زن او را طلاق دهد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۳۷ همراهند برخیزند.

(بیشتر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۱۳۸:

ماده ۱۱۳۸. ممکن است صیغه طلاق را به توسط وکیل اجرا نمود.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۳۸ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۱۳۹:

ماده ۱۱۳۹. طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضای مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت

خارج می‌شود.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۳۹ موافقت دارند
 برخیزند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۰:
ماده ۱۱۴۰. طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در
 حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا
 طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب
 باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن
 نتواند حاصل کند.
رئیس. موافقین با ماده ۱۱۴۰ برخیزند.
 (جمع کثیری برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۱:
ماده ۱۱۴۱. طلاق در طهر واقع صحیح نیست مگر
 اینکه زن پائسه یا حامل باشد.
رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۴۱
 همراهند برخیزند.
 (بیشتر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۲:
ماده ۱۱۴۲. طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت
 زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین
 نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۴۲ موافقت دارند
 برخیزند.
 (بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۳:

مبحث دوم. در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۳. طلاق بر دو قسم است: بائن و رجعی.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۴۳ موافقت دارند
 برخیزند.
 (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۴:
ماده ۱۱۴۴. در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع
 نیست.
رئیس. عرض کنم که این مواد خیلی متوالی و زیاد
 است جای بحث هم کم است آقایان خسته نشوند
 آقایانی که با ماده ۱۱۴۴ موافقت دارند برخیزند.
 (بیشتر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۵:
ماده ۱۱۴۵. در موارد ذیل طلاق بائن است:
 ۱. طلاقی که قبل از همبستری واقع شود.
 ۲. طلاق پائسه.

۳. طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد.

۴. سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.

رئیس. آقای افسر.

افسر. عرض کنم ملاحظه فرمودید در این قانون هر جا که رسیدیم کنایه ای که از همه نزدیکتر بود به آن مقصود نزدیکی بود و نزدیکی گذارده شد که سابقاً هم در فارسی به همین معنی استعمال شده است اینجا اگر اصلاح نشود ممکن است سوء تفاهم بشود پس بهتر این

است که همبستری در اینجا هم اصلاح شود و تبدیل به نزدیکی شود برای اینکه با آن مواد قبل هم تطبیق کند و خیال نشود که یک معنی دیگری است.

وزیر عدلیه. بلی صحیح است.

رئیس. نظر آقای مخیر؟

مخیر. صحیح است همه جا نزدیکی نوشته شده است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۴۵ با اصلاح کوچکی که شد موافقت دارند برخیزند.

(جمع کثیری برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۴۶:

ماده ۱۱۴۶. طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر میدهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

رئیس. آقایانی که باماده ۱۱۴۶ موافقت دارند برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۷.

ماده ۱۱۴۷. طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.

۱. در متن فوق عبارت «یا» بعد از حرف «و» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت حرف «و» وجود دارد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۱۴۷ قیام فرمایند.
(عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۸:
ماده ۱۱۴۸. در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.
رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۴۸ همراهند برخیزند.
(بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۴۹.
ماده ۱۱۴۹. رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد.
رئیس. نظری نیست؟ موافقین با ماده ۱۱۴۹ برخیزند.
(اغلب قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۵۰:

مبحث سوم. در عده

ماده ۱۱۵۰. عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند.
رئیس. اشکالی نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۵۰ موافقت دارند برخیزند
(بیشتر برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۵۱:
ماده ۱۱۵۱. عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.
رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۵۱ موافقت دارند برخیزند.
(جمع کثیری قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۵۲:
ماده ۱۱۵۲. عده طلاق^۱ و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر

۱. در مورد زاید بودن عبارت «طلاق» در متن ماده فوق، به‌صورت مشروح مذاکرات کمیسیون پارلمانی عدلیه (جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۱۴/۷/۲۹) مراجعه شود.

است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۵۲ موافقت دارند. برخی‌زند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۱۵۳:

ماده ۱۱۵۳. عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که موافقت دارند برخی‌زند.

(بیشتر نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۵۴:

ماده ۱۱۵۴. عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهارماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهارماه و ده روز خواهد بود.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۵۴ موافقت دارند برخی‌زند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۵۵:

ماده ۱۱۵۵. زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۱۵۵ برخی‌زند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۵۶:

ماده ۱۱۵۶. زنی که شوهر او غایب مفقودالثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد.

رئیس. نظری نیست؟ آقایانی که با ماده ۱۱۵۶ موافقت دارند برخی‌زند.

(جمع کثیری قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۱۵۷ آخرین ماده.

ماده ۱۱۵۷. زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۱۵۷ موافقت دارند

برخیزند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده الحاقیه ای از طرف آقای ملک مدنی پیشنهاد شده است می‌خواستم عرض کنم که اگر تصویب فرمودید به بنده اجازه بدهید که نمره بندی مواد اصلاح و مرتب شود قرائت می‌شود.

ماده ذیل را پیشنهاد می‌نمایم:

در موردی که زن بدون عذر مشروع از تمکین و رفتن به خانه شوهر استنکاف ورزد محکمه به تقاضای شوهر حکم تمکین و بازگشت زن را به منزل او خواهد داد در صورتی که زن پس از صدور حکم محکمه و قطعیت آن حاضر به تمکین نشود محکمه او را برای هر روزی که تخلف از اطاعت حکم مزبور کند به غرامتی که کمتر از پنج ریال و زیاده‌تر از دویست ریال نباشد محکوم خواهد کرد محکمه مکلف است در ضمن صدور حکم تمکین غرامت مزبور را تعیین کند که زن در صورت تخلف از مفاد حکم تمکین به شوهر بپردازد.

رئیس. آقای ملک مدنی.

ملک مدنی. عرض کنم در قسمت مواد پیش برای زن یک اختیاراتی قائل شدیم اینجا هم به عقیده بنده لازم است جزائی برای تمکین نکردن زن قائل شویم سابقه هم دارد در محاکم. و دیده شده است که احکامی که راجع به تمکین صادر می‌شود مورد اجرا پیدا نمی‌کند به این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که اگر حکمی از محکمه صادر شد یک جزائی هم در برابرش باشد.

وزیر عدلیه. این ماده خیلی خوب است برای اینکه از یک مدتی به این طرف محاکم دچار اشکال شده‌اند برای اجرای تمکین البته پس از اینکه مطابق قانون مدنی زن مکلف به تمکین و اطاعت از شوهر است و زن باید در خانه شوهر اقامت داشته باشد و بعضی از زن‌ها از منزل شوهر خارج می‌شوند و از اطاعت شوهر بیرون می‌روند یک وقت هست که معذور هستند چنانچه در ماده‌های پیش گذشت که اگر خوف ضرر جانی یا مالی از برای او باشد معذور است و محکمه هم حکم بازگشت به منزل شوهر را نخواهد داد و در این صورت هم نفقه او بر عهده شوهر است اینها

الزاماتی است بر شوهر ولی مواردی است که زن بدون عذر موجه بیرون می‌رود مرد هم شکایت کرد به محکمه به عنوان عدم تمکین و محکمه هم حکم تمکین داده است ولی اجرای آن خیلی مشکل شده است برای اینکه زن که مثل مال و ملک نیست که یک دفعه به تصرف ذی‌حق بدهند و در تصرف او باقی بماند فرض بفرمائید که به اجبار هم یک دفعه زن را بردند به منزل شوهر ولی باز می‌رود بیرون حبس زن هم که معنی ندارد آخرین فکری که در این کار می‌شود کرد این است چنانچه در پاره‌ای از مالک خارجه هم همین طور است بعضی جاها یک نوبت اجبار می‌کنند و با آژان و با قواء قهریه می‌برند بعضی جاها هم این کار را با زن نمی‌کنند چون برخلاف احترام و ادب است از ابتدا همان کلمه غرامت را برای او می‌گذارند که هر روز که تخلف کرد غرامت بدهد و به نظر بنده این مناسبتر است که جنبه تضمین این ماده باشد که اگر تخلف کرد غرامت بدهد بنده هم موافقت دارم.

دکتر طاهری. دوباره بخوانند.

(پیشنهاد آقای ملک مدنی مجدداً خوانده شد).

رئیس. نظر آقای مجیر.

مجیر. عرض کنم چنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند محاکم و اجرائیات در این قضیه دچار زحمت شده‌اند مردی است زنی دارد زن به منزل شوهر نمی‌رود مرد به محکمه عریضه می‌دهد که زن من از من تمکین نمی‌کند مطابق قانون مدنی محکمه هم حکم تمکین می‌دهد البته پس از رسیدگی که زن عذر مشروعی نداشته باشد حکم می‌دهند که این زن باید تمکین کند اما ضامن اجرای این حکم کیست؟ زن است که رفته است در خانه دیگری البته زن است و نمی‌شود او را رفت و به قوه قهریه آورد (امیر تیمور - این بسته به غیرت شوهر است که باید طلاقش بدهد) خوب حالا شوهر نمی‌تواند و نمی‌خواهد طلاق بدهد اگر تراضی پیدا شود که دعوی ندارد شوهر زنش را می‌خواهد زن نمی‌آید به منزل شوهر، شوهر رفته و به محکمه عرض‌حال تمکین داده و حکم تمکین هم صادر کرده است خوب این را نمی‌توانند اجرا کنند این است که ضامن اجرا می‌خواهد برای ضامن اجرایش هم یک غرامتی در نظر گرفته‌اند که هر

روزي که نمی‌رود يك غرامتي بدهد و چون این نظر برای اجرای این حکم است بنده هم موافقت دارم.

رئیس. آقای روحی.

روحی. این ماده را بنده به حدي قابل اشکال می‌دانم که تصور می‌کنم هیچ وقت هم مجري نخواهد شد اولاً وقتی بنا شد این طور باشد مرد البته باید طلاق بدهد يك محل قرار برای زن باقی بماند بالاخره مرد بد اخلاق است و به قدری بد رفتاری می‌کند که زن خسته می‌شود ناچار می‌شود بعلاوه در اجرای این دچار اشکال خواهید شد این زن است کجا پیدایش می‌کنید چادر را سرش می‌اندازد از این خانه می‌رود به خانه دیگر هیچ قوه‌ای هم چنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند نمی‌تواند این را جلب کند و دست شوهر بدهد بنده عقیده‌ام این است که اگر کار زن و شوهر به این پایه رسید طلاقش بدهد.

رئیس. آقای افسر.

افسر. عرض کنم آقایان ملاحظه بفرمائید که مقصودی که آقایان دارند از این پیشنهاد هم حاصل نمی‌شود اگر زن به يك جهات و به يك عذري بخواهد از شوهرش جدا شود با پنج قران و يك تومان این مقصود حاصل نمی‌شود و بالاخره از طرف دیگر ملاحظه بفرمائید که خیلی از زن‌ها هستند چه در دهات یا شهرها که در روز مزد آنها ده شاهی نیست و ده شاهی هم عایدی ندارند این مقصود از کجا عملی خواهد شد؟ اگر مقصود تمکین است آقای ملک هم باید بدانند که تمکین فقط رفتن به منزل شوهر نیست تمکین به معنی اطاعت است و مجرد رفتن به منزل شوهر وافی به این مقصود نیست.

وزیر عدلیه. این ماده محتاج به يك توضیحات بیشتری است اولاً بعضی از مطالب است که باید يك قدری با کمال تأسف گفت و البته قانون هم باید راه برای هر کاری و هر مشکلي بگذارد ولي لازم نیست همیشه هم عمل به آن قانون بشود و اگر بعضی از مواد قانون هم حقیقتاً به مورد عمل و اجرا نیایند خیلی بهتر است در میان مردم و خصوصاً بین زن و شوهر باید معاشرت اخلاقی باشد و باید هم باشد و حقیقتاً هم اگر معاشرت‌شان از روی اخلاق نشد آن زندگانی،

زندگانی نیست (افسر - حرام است) ولی از این طرف هم نمی‌توان گفت که اگر مرد بدش می‌آید این را فوراً طلاق بدهد طلاق هم یک کار آسانی نیست ممکن است که بگوئیم در یک قسمتی از زن‌های توده بوالهوسشان بیش از مردها است برای اینکه مرد رئیس عائله است اولاد دارد زندگانی دارد و کسب و کار دارد تنها است برای نگاهداری خانه‌اش برای نگاهداری بچه‌هایش ناچار است و به آسانی حاضر برای طلاق نیست بنابراین اگر یک جنبه اجباری برای زن نباشد دیگر بکلی مطلق‌العنان است البته در این امور فکر تربیت شده‌ها را نباید کرد آنها این کار را نمی‌کنند چه مردها و چه زن‌ها اما یک اشخاصی هم هستند که قانون باید آنها را تربیت بکند خودشان حاضر نیستند وقتی که در قانون مدنی گذارده شد که زن باید اطاعت شوهر را بکند یک جنبه دیگری را می‌خواهد که اگر نکرد چه باید کرد اگر نکرد رهایش بکند؟ نمی‌شود آقا در مالی که کسی می‌خرد اگر عیب داشته باشد اختیار است برای او اجبار ندارد که پس بدهد ممکن است خسارت بگیرد چرا؟ برای اینکه ممکن است مصلحت او این باشد که همان مال را داشته باشد با همان عیب و در اینجا باید تفاوت او را بگیرد مرد طوری محتاج زن است که نخواهد و نمی‌تواند او را طلاق بدهد خصوصاً زنی که بخواند روی بوالهوسی طلاق بگیرد وقتی که زن روی قانون ازدواج دانست که تقبل کرده است که باید مطیع باشد تقبل کرده است ما نمی‌گوئیم بر زن تحمیل است خودش از روز اول قبول کرده است با این قید و این شرط که ضمیمه حقوق عقد ازدواج است در عقد ازدواج بسته می‌شود پس باید به این شرط وفا کند اگر بنا باشد روی بوالهوسی بخواند وفا نکند یک تضمین اجرائی لازم است و آن هم باز به مناسبت احترامات زن که بشر است مناسب نیست که یک الزاماتی که مثل سایر امور مثل کسی که مثلاً مال

۱. در متن فوق عبارت «رهایش» جایگزین عبارت «ولش» گردید.

کسی را نمی‌دهد او را می‌برند توقیف می‌کنند در زوجیت این مقدار خوب نیست اگر زنی را بخواهند برای اطاعت از شوهر حبس کنند در اینجا باید گفت حقیقتاً مرد خیلی بی‌غیرت است که حاضر می‌شود زنش را حبس کنند برای اینکه از او اطاعت کند. آن هم بد است پس بهترین رویه همین است که او را مکلف کند به دادن غرامت چنانچه در بعضی از ممالک خارجه معمول است که زن را مکلف می‌کنند به دادن غرامت یعنی یک الزام مالی بر او معین می‌کنند.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اولاً آنچه نظر بنده است راجع به این مسئله در قانون ازدواج یک ماده تصویب شده است که تکلیف این قضیه را معلوم کرده و عجلتاً به آن قانون مراجعه نشده است که ببینیم آن ماده چه جور تنظیم شده و ترتیبش چه است تا نیامده بنده مخالفم با این پیشنهاد آقای ملک مدنی. مسائل را باید سهل و آسان کرد اینها یک تکالیف اخلاقی است که زن باید از شوهر اطاعت نماید. البته در شرع ما همین طور است واجب است که زن از شوهر اطاعت نماید آنچه بنده فهمیدم از این پیشنهاد این است که در مقام عمل چنانچه خود آقای وزیر عدلیه توضیح دادند قضیه مورد اشکال شده بعضی اوقات محکمه حکم تمکین داده ولی باز فردا تمکین نکرد باز محکمه حکم می‌دهد. ضامن اجرای عدم تمکین و اطاعت نکردن آن از شوهر در شرع عبارت از این است که نفقه ندارد والا این در مقام عمل باز همان اشکالی که فرمودند فراهم می‌آورد. فرض بفرمایند محکمه حکم داد به غرامت. اولاً اینجا مورد غرامت نیست (اورنگ - بسیار خوب) غرامت مستلزم یک ضرر مالی است در اینجا ضرر و خسارتی متصور نیست در مقام عمل بعینه همان اشکالات در کار هست فرض بفرمائید زنی محکوم شده به تأدیه پنج ریال یا ده ریال اگر نداد موافق مقررات و قواعد کلی باید حبس کنند و این صحیح نیست و اگر آمدیم یک نفر محکوم شد معلوم شد که فقیر است و ندارد آن وقت تکلیف چیست؟ بالاخره تمام آن اشکالاتی که فرمودند در این مسئله غرامت است و

بنده عقیده ام این است که آقای ملک مدنی اگر از این پیشنهاد صرفنظر بفرمائید بهتر است.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. اگر آقای ملک از پیشنهاد بگذرند بنده قبول می‌کنم. روز گذشته در قانون مدنی دو سه ماده مربوط به این ماده گذشت و همه آقایان رأی دادند به آنها برای خاطر اینکه اگر زن در خانه شوهرش خوف جان یا ضرر مالی یا شرافتی برای خودش تصور کرد به چنین زنی می‌تواند از خانه شوهر بیرون برود و جای دیگر منزل کند و در صورتی که جای دیگر می‌رود بر عهده شوهر است که باز نفقه او را بدهد. (در این موقع بعضی آقایان وکلا از مجلس خارج می‌شدند).

رئیس. آقایان بیرون تشریف نبرند که مجلس از اکثریت می‌افتد.

اورنگ. این ماده را روز گذشته همه رأی دادیم. این در صورتی است که زن از روی حقیقت و واقع مبتلا شده است به یک مرد بی‌قاعده و بد اخلاقی و روی هم رفته بد و شریری. چنین زنی که مواجه با چنین مردی شده ما حقوقش را روز گذشته تصدیق و تصویب کردیم. حالا می‌گوئیم برعکس اگر مرد مواجه شد به یک زن نامطبوعی به این کیفیت آقایان می‌فرمایند طلاق. خوب طلاق خدمت بعضی از آقایان سهل است ولی این طور نیست. طلاق یک امر بسیار مشکلی است. اگر موافق شرع اسلام بفرمائید می‌گویم طلاق محال است به جهت اینکه در طلاق استماع دو نفر شاهد عادل موافق دستور شرع لازم است. شما این را به من نشان بدهید تا من همین امروز طلاق بدهم.

طباطبائی بروجردی. شاهد عادل زیاد پیدا می‌شود مقصود از شاهد عادل نه آن عادلی است که شما در

نظر دارید.

(همه آقایان نمایندگان ... زنگ رئیس).

اورنگ. طلاق پیش اهل شرع کار قبیحی و برای خیلی

1. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

2. همان.

از نفوس بشر کار مشکلی است. اگر زنی از روی بوالهوسی از خانه شوهرش فرار کرد و بیرون رفت و تمکین نکرد با چنین زنی چه باید کرد؟ می‌فرمائید طلاق. حکم تمکین که قابل اجرا نیست طلاق هم که در هر جا نمی‌شود داد. همین جریمه معین شده بهترین راهها است و مناسب است.

رئیس. آقای هزارجری.

هزارجری. حقیقتاً آقای دیبا در قسمت فرمایشاتشان چیزی فرو گذار نکردند و همه چیز را گفتند. این قانون یک قانون مذهبی است و ما حق نداریم که در قانون مذهبی دخالت کنیم و آن را تغییر و تبدیل دهیم (صحیح است) در این مورد شرع معین کرده که چنین زنی را باید طلاق داد. حالا ما در اینجا یک پیشنهادی می‌کنیم برخلاف شئون مجلس و حقیقتاً بر خلاف همه چیز است و بنده خوب نمی‌دانم. بهتر این است که آقای ملک مدنی این پیشنهاد را پس بگیرند بنده خواهش می‌کنم والا این یک امری است که مشاجره بین آقایان وکلا تولید خواهد کرد (صحیح است).

رئیس. به بنده از اداره قوانین اطلاع می‌دهند که آن قانونی را که می‌بایستی این ماده به او ملحق شود نمره‌گذاری شده و بنده امضاء کرده‌ام و ابلاغ شده بنابراین با این تذکر اداره قوانین بنده نمی‌توانم برای این ماده جایی بیام. خواهش می‌کنم از آقای وزیر عدلیه و پیشنهاد کننده که این را ذخیره نگاه دارند برای بعدها (صحیح است) آقای ملک مدنی.

ملک مدنی. عرض کنم این لوامی که هست همه آقایان مطلعند که آقای وزیر عدلیه در وزارت عدلیه کمیسیونی دارند بدو در آنجا مشاوره می‌کنند و بعد این قوانین را می‌آورند به مجلس (طباطبائی دیبا - این ماده تازه آمده است) اجازه بفرمائید آقا حضرتعالی خودتان رئیس کمیسیون عدلیه اید مجال

نمی‌دهید من صحبت کنم عرض کنم این مذاکرات نتیجه فکر آقای وزیر عدلیه است و این مطلب و پیشنهاد هم نتیجه فکر کمیسیون بوده است که بنده هم امضاء کردم. مطالعات شده و فکر خود بنده نبوده که ابتکاراً آن را پیشنهاد نموده باشم تا مورد بحث و گفتگو بوده باشد خواستم این را توضیح بدهم که بین آقایان رفقا سوء تفاهمی نشود و چون آقای رئیس فرمودند موردی ندارد به این جهت بنده هم مسترد می‌دارم.

رئیس. مذاکره در کلیات ثانی است (مخالفی نیست؟) آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار نهم. شور مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶

تذکر:

مواد ۱۱۵۸ تا ۱۲۰۶ به صورت یک فوریتی بررسی شده، بنابراین مشروح مذاکرات شور دوم در مورد آن مواد منتفی است. لذا به مشروح مذاکراتی که در قسمت شور اول آمده است، مراجعه شود.

گفتار دهم. شور دوم مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۴۰

صورت مشروح مجلس سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۳۱۴ (۱۷)
جمادی الثانیه (۱۳۵۴)
جلسه ۲۰

۴. شور دوم قسمتی از قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت

رئیس. خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به حجر و قیمومت مطرح است شور دوم:

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه برای شور ثانی لایحه نمره ۱۲۴۲۳ دولت در حجر و قیمومت را که در تعقیب قانون مدنی پیشنهاد شده مطرح و با حضور آقای وزیر عدلیه پیشنهادات آقایان نمایندگان را هم

مورد شور و مذاقه قرار داده بالاخره پس از مذاکرات لازمه کمیسیون راپرت شور اول خود را به شرح آتی اصلاح و اینک خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید:

کتاب دهم. در حجر و قیمومت

فصل اول. در کلیات

ماده ۱۲۰۷. اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار.

۲. اشخاص غیر رشید.

۳. مجانین.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۰۷ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۰۸:

ماده ۱۲۰۸. غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

رئیس. موافقین باماده ۱۲۰۸ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۰۹:

ماده ۱۲۰۹. هرکس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۰۹ قیام فرمایند.

(جمع زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۰:

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هجده سال تمام به‌عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۰ قیام فرمایند.

(بیشتر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۱:

ماده ۱۲۱۱. جنون به هر درجه که باشد موجب حجر

است.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۱۱ موافقت دارند برخیزند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۲:

ماده ۱۲۱۲. اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی^۱ او باشد باطل و بلا اثر است معذلک صغیر ممیز^۲ می تواند تمک بلاعوض کند.

مثلاً قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۲ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۳:

ماده ۱۲۱۳. مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می نماید نافذ است مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۳ قیام فرمایند.

(جمع زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۴:

ماده ۱۲۱۴. معاملات و تصرفات غیر رشید^۳ در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد

۱. در متن فوق عبارت «به» بعد از عبارت «مالی» حذف شد. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «به» وجود نداشته است.

۲. در متن فوق عبارت «ممیز» جایگزین عبارت «نیز» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «ممیز» به کار رفته است.

۳. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «غیر رشده» آمده است. صرفاً در صورت مشروح مذاکرات شور اول کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «غیر رشیده» به کار رفته است.

از انجام عمل.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۴ قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۵:
ماده ۱۲۱۵. هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر
 میز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا
 تلف آن مال نخواهد بود.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۵ قیام فرمایند.
 (اغلب برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۶:
ماده ۱۲۱۶. هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث
 ضرر غیر شود ضامن است.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۶ قیام فرمایند.
 (بیشتر قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۷:
ماده ۱۲۱۷. اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر
 رشید به عهده ولی یا قیم آنان است به طوری که در
 باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.
رئیس. موافقین باماده ۱۲۱۷ برخیزند.
 (اکثر برخاستند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۱۸:

فصل دوم. در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸. برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:
 ۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
 ۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا
 عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی
 خاص نداشته باشند.
 ۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا
 عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۸ قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. یک قدری در برخاستن آقایان
 قناعت نفرمایند که بهتر بتوان آراء را تشخیص داد.
 ماده ۱۲۱۹:

ماده ۱۲۱۹. هر يك از ابوين مكلف است در مواردی كه به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیام معین شود مراتب را به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند كه اقدام لازم برای نصب قیام بعمل آورد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۱۹ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۰:

ماده ۱۲۲۰. در صورت نبودن هیچ يك از ابوين یا عدم اطلاع آنها انجام تكلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است كه با شخص محتاج به قیام در يك جا زندگی می‌نمایند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۰ قیام فرمایند.
(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۱:

ماده ۱۲۲۱. اگر کسی كه به موجب ماده ۱۲۱۸ باید^۱ برای او نصب قیام شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز^۲ مكلف به انجام تكلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۱ قیام فرمایند.
(بیشتر نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۲:

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی كه مدعی‌العموم به نحوی از انحاء به وجود شخصی كه مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیام شود مسبوق گردید باید به محكمه شرع رجوع و اشخاصی را كه برای قیامومت مناسب

۱. در متن فوق عبارت «باید» بعد از عبارت «ماده ۱۲۱۸» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه هم عبارت «باید» وجود دارد.

۲. در متن فوق عبارت «نیز» بعد از عبارت «زوجه» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه هم عبارت «نیز» وجود دارد.

می‌داند به محکمه مزبور معرفی کند محکمه شرع از میان اشخاص مزبور يك یا چند نفر را به سمت قییم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز محکمه مزبور می‌تواند علاوه بر قییم يك یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند. اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۲ قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۳:

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانین، مدعی‌العموم باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به محکمه ابتدائی ارسال دارد. در صورت اثبات جنون، مدعی‌العموم به محکمه شرع رجوع می‌کند تا نصب قییم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی‌العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاهت او به دست آورده در صورتی که سفاهت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قییم به محکمه شرع رجوع نماید.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۳ قیام فرمایند (اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۴:

ماده ۱۲۲۴. حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قییم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود. طرز حفظ و نظارت مدعی‌العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۴ قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۵:

ماده ۱۲۲۵. همین‌که حکم جنون یا رشد يك نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قییم معین گردید مدعی‌العموم می‌تواند حجر او را اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است

طرف معاملات بالنسبه عمده اي^۱ واقع گردد الزامي است.

رئيس. موافقين باماده ۱۲۲۵ برخيزند.

(اغلب قيام نمودند).

رئيس. تصويب شد. ماده ۱۲۲۶:

ماده ۱۲۲۶. اسامي اشخاصي که بعد از کبر و رشد به علت جنون يا سفیه مجبور ميگردند بايد در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور براي عموم آزاد است.

خير. اينجا کلمه سفیه اشتباه طبعي است و سفه است اصلاح بايستي بشود.

رئيس. موافقين با ماده ۱۲۲۶ قيام فرمايند.

(اکثر برخاستند).

رئيس. تصويب شد. ماده ۱۲۲۷:

ماده ۱۲۲۷. فقط کسي را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمي به قيمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع يا از طرف محضري بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب ميشود.

رئيس. موافقين با ماده ۱۲۲۷ قيام فرمايند.

(اغلب قيام نمودند).

رئيس. تصويب شد. ماده ۱۲۲۸:

ماده ۱۲۲۸. در خارج ايران مأمورين قنصولي ايران حق دارند نسبت به ايرانيان^۲ که بايد مطابق ماده ۱۲۱۸ براي آنها قيم نصب شود و در حوزه مأموريت آنها ساکن يا مقيم هستند موقتاً نصب قيم کنند و بايد تا ده روز پس از نصب قيم مدارک عمل خود را

۱. در متن فوق عبارت «عمده اي» جاگزين عبارت «عمده» گرديد. در لايحه دولت و گزارش شور اول و شور دوم کميسيون قوانين عدليه مجلس شوراي ملي نيز عبارت «عمده اي» آمده است.

۲. در متن فوق عبارت «ايرانيان» جاگزين عبارت «ايرانياني» گرديد. در لايحه دولت و مشروح مذاکرات شور اول و دوم کميسيون قوانين عدليه و همچنين گزارشات شور اول و دوم کميسيون مذکور نيز عبارت «ايرانيان» به کار رفته است.

به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که محکمه شرع تهران تصمیم مأمور قونسولی را تنفیذ کند.
رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۲۹:

ماده ۱۲۲۹. وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین قونسولی خواهد بود.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۹ قیام فرمایند.
 (جمع کثیری قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۰:

ماده ۱۲۳۰. اگر در عهود و قراردادهای منعقدہ بین دولت ایران و دولتی که مأمور قونسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۰ قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۱:

ماده ۱۲۳۱. اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱. کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر.

۳. کسانی که^۱ حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.

۴. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.

۵. کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوائی

بر محجور داشته باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۱ برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۲:

ماده ۱۲۳۲. با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء

محجور مقدم بر سایرین خواهند بود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۲ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۳:

ماده ۱۲۳۳. زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت^۲

قیمومت را قبول کند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۳ قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۴:

ماده ۱۲۳۴. در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را^۳

برای قیمومت معین کند می‌تواند وظایف آنها را

تفکیک نماید.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۴ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۵:

۱. در متن فوق عبارت «که» بعد از عبارت «کسانی» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «که» وجود داشته است.

۲. در متن فوق عبارت «سمت» بعد از عبارت «خود» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «سمت» وجود داشته است.

۳. در متن فوق عبارت «را» بعد از عبارت «نفر» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «را» وجود داشته است.

فصل سوم. در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی‌العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید

ماده ۱۲۳۵. مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قیم است.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۵ قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۶:

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضاء خود برای مدعی‌العموم بدایت که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی‌العموم یا نماینده او باید^۱ نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازمه بعمل آورد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۶ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۷:

ماده ۱۲۳۷. مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است مخارج سالیانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمی‌تواند بیش از مبلغ^۲ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

رئیس. آقای روحی.

۱. در متن فوق عبارت «باید» بعد از عبارت «او» اضافه گردید.
در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «باید» وجود دارد.

۲. در متن فوق عبارت «مبالغ» جایگزین عبارت «مبلغ» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «مبالغ» آمده است.

روحی. بنده خواستم به طور کلی عرض کنم که یک قدری وضعیات جامعه از هر جهت رو به کمال رفته است مخصوصاً قوانین هم باید از حیث انشاء به قدری روان باشد که همین قدر که یک نفر خواندن و نوشتن را دانست آشنا به آن قانون باشد و مواد آن را بفهمد ما در صورتی که می‌توانیم یک لغاتی پیدا کنیم به جای مولی‌علیه و محاله^۱ و غیره بهتر است که لغات قدری روشن‌تر را بگذاریم که عامه بفهمند و جامعه و مردم بدانند خیلی اشخاص هستند توانائی ندارند وکیل بگیرند ولیکن آن قدر حرفشان حق است و قدرت دارند که بروند در یک محکمه محاکمه کنند ولی وقتی که دیدند مولی‌علیه و محاله^۲ و محال‌علیه در کار است و هر کدام از اینها چند معنی دارد نمی‌توانند بروند حقشان را ثابت کنند محیل چند معنی دارد یکی از آنها^۳ به معنی حواله است این را بگوئیم حواله شده یا حواله داده شده به او اگر این طور بنویسیم خیلی آسان است این را استدعا می‌کنم یک قدری دقت بفرمائید مخصوصاً توجه آقای وزیر عدلیه را جلب می‌کنم که در قوانین آتی به دقت بفرمایند که این لغات یک قدری اصلاح شود که جامعه بفهمد.

مخبر. البته این یک تذکری بود که آقای روحی دادند الفاظی که ممکن باشد لغت دیگری جایش بگذاریم ممکن است اما آخر باید مانوس هم باشد باید خرده خرده پیدا کرد این نوع لغات را گذارد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۷ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۳۸:

-
۱. در متن فوق عبارت «محاله» جایگزین عبارت «محیل» گردید.
 ۲. همان.
 ۳. در متن فوق عبارت «یکی از آنها» جایگزین عبارت «یکیش» گردید.
 ۴. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.

ماده ۱۲۳۸. قیمی که تقصیر در حفظ مال موئلی علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. عرض کنم. در این قسمت از عرضی که می‌خواهم بکنم منظور و مقصود خاصی ندارم فقط و فقط جنبه مشورت و حل قضیه است. یک وقتی بنده از کارکنان خود عدلیه شنیدم که بعد از تصویب قانون راجع به قیمومت برای پارک‌ها حقیقتاً تولید زحمت کرده است زیرا اشخاص ظاهرالصلاح و سلامترو با این قوانین کمتر حاضر هستند زیر بار قیمومت بروند و مسئولیت آن را قبول کنند ولیکن بالعکس بعضی از اشخاص که قدری جنبه دیانت در مسائل ندارند شاید آنها به زودی حاضر شوند در جایی که آن نظری که قانونگذار راجع به تصویب این داشته که حفظ مال صغیر باشد حاصل نمی‌شود و این خیلی از آقایان قضات پارک‌ها را دچار محذور کرده مطلب این طور است واقعاً اشخاصی که جنبه احتیاط در عمل نداشته باشند هر چه که ما دقیق شویم در قانون اگر آنها بخواهند بعضی کارها بکنند می‌کنند و هیچ اهمیت نمی‌دهند که در قانون قیودی هم قید شود و وضع شود و ابداً سبب ترعیب و تحویف آنها نمی‌شود و آن کسی که باید قبول کند قبول می‌کند تا آن جاهایش را خوانده است ولی اشخاص سلامترو با احتیاط این قیود سبب می‌شود که اگر در بعضی اوقات هم از آنها خواهش بشود و تقاضا بشود که بیایید قبول کنید همیشه راه فرار برای خودشان می‌جویند و ممکن است بگویند با این قانون چطور ما بیائیم قبول کنیم آنکه احتیاط نمی‌کند از این مواد و قیودی که گذارده شده نمی‌ترسد و کار خودش را می‌کند ولی آن که سالم است و جنبه احتیاط در مسائل دارد چون همیشه می‌گردد طرف منفی قضیه را می‌گیرد خیلی کناره‌گیری می‌کند و به این قانون متمسک می‌شود این یک مطلب. یک چیز دیگر هم اینکه در اصل قوانین مدنی مخصوصاً قوانین شرعیه معین است که قیم امین است و امین ضامن نمی‌شود مگر به تعدی و تفریط که مستند

به فعل و عمل خودش باشد ولی اگر تعدی و تفریط و قصور در حفظ مال مولی‌علیه مستند به او نباشد مسئولیتی متوجه به او نیست حالا در این ماده بنده خواستم عرض کنم این طور نوشته شده قیمی که تقصیر در ضبط مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان آن مال حاصل شده است این درست و صحیح ولی آن عبارت بعد که اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد این یک قدری مشکل است و تصور می‌کنم که با این ترتیب اشخاص محتاط و سلامترو زیر بار این کار نمی‌روند برای اینکه وقتی نه قصور کرد و نه تفریط کرد یک مالی مثل مال خودش ممکن است یکی دیگر بیاید آن مال را شب غارت کند یا آتش بزند او البته مسئول نیست و روی هم بنده مقصود این قسمت را نفهمیدم که اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد. قسمت اول صحیح است تعدی اگر از ناحیه قیم شده باشد البته ضامن است تفریط اگر از ناحیه قیم شده باشد البته ضامن است ولی اگر مستند به عمل و فعل او نیست چرا مسئول است؟ بنده که ملتفت نشدم اگر توضیحی بدهند که بنده را ملتفت بکنند خیلی متشکرم.

وزیر عدلیه. اظهارات آقای نماینده محترم در این ماده، دو قسمت است یکی جنبه مطلب است که آن البته مقدم است و یکی هم سیاست مطلب است که می‌خواهند عبارت زننده نباشد که اشخاص خوب بیایند قیمومت کنند. در این قسمت دومش چون یک قیمومتی قبول کرده‌اند که بنده به اصرار گردن ایشان گذاشته‌ام و وحشت دارند از این کار از آنجا چشمشان ترسیده اما جنبه مطلب این طور نیست قیم هم راست است در حکم امین است و تفاوت نمی‌کند ولی یک وقت تعدی و تفریط نسبت به مال مستقیماً از طرف خود امین حاصل می‌شود که مال را می‌خورد و دور می‌اندازد آتش می‌اندازد ولی یک وقت مستند به فعل

1. در متن فوق عبارت «دومش» جایگزین عبارت «ثانی» گردید.

دیگری است ولی باز تقصیر دارد حفظ نکرده است مال دستش بوده رها^۱ کرده دزد آمده برده یا چیزی را در غیر محل خودش که باید حفظ کند گذاشته است و تلف شده است یا بچه آمده شکسته و از میان رفته و یک عیبی کرده است اینجا او سببیت دارد اگر چه علیت تامه نداشته باشد همان قدر که اندک مداخله‌ای او داشته همین قدر که توانستیم آن فعل را به یک جزئش مستند کنیم به سوء عمل قییم در حفظ مال باز او مسئول است این قاعده هم کلی است هم در قییم است هم در امین است و نسبت به هر کس که یک مسئولیتی به عهده او قرار می‌گیرد از نقطه نظر امانت. اما قسمت دومش که البتّه این معنائی که من عرض می‌کنم تا قبل از این جمله (اگر چه) همین معنی را می‌دهد برای اینکه عبارت این است: «قییمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده» تشریح که بکنیم دو وجه می‌شود یکی این که به فعل مستقیم خودش نقصانی حاصل می‌شود یا به فعل غیر که مستند به او باشد لکن این جمله «اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قییم نباشد» برای توضیح همان قسمت دوم است که بنده شرح دادم پس این جمله را از حیث مطلب لازم دارد از حیث توضیح هم لازم دارد و بالاخره قانون است و باید توضیح داد که از اول هر کس تکلیف خودش را بداند یا قبول می‌کند یا قبول نمی‌کند او باید قانون را بداند و تکلیف خودش را بداند که مسئولیت را قبول می‌کند اول نباید بگوئیم که به او کاری نداریم ولی بعد در مقام عمل او را زیر قیدی بگذاریم این هم خوب نیست در قسمتی هم که آقای روحی راجع به الفاظ بیان کردند اینجا دو مطلب است یک وقت یک الفاظ و عباراتی که در محاورات ما

۱. در متن فوق عبارت «رها» جایگزین عبارت «ول» گردید.

مصطلح نیست و ما در قانون گذاشتیم این کار را ما نکردیم سعی کردیم الفاظی که در محاورات ما مصطلح است و اکثر می‌فهمند در قانون بگذاریم اما اینکه فرمودند هر فارسی‌دان بفهمد این غیر ممکن است به جهت اینکه مسائل علمی است تنها فارسی‌دان نمی‌فهمد و سردرغی آورد باید یک مقدمات حقوق و فقه خوانده باشد که معانی اینها را بفهمد مجبور را هم نمی‌داند و قیم را هم نمی‌داند معنایش چیست اما راجع به اینکه بخواهیم از حالا الفاظ خارجی را دور کنیم و لغات فارسی بگذاریم آن البته وظیفه ما نیست و کار فرهنگستان است ممکن است در آتی یک تسهیلات خوبی در تکلم زبان فارسی بکنند و ما هم متابعت کنیم و ممکن است تمام اینها را در یک موقعی که یک لغات معمول و متعارف پیدا کردیم اما نه غیر متعارف و غیر مأنوس که معنی مجهول‌تر شود قانون را باید خیلی احتیاط کرد که الفاظی که معنایش مجهول باشد نباید گذاشت وقتی که الفاظ را پیدا کردیم ممکن است با یک ماده واحد این الفاظ را که در قانون بوده تغییر بدهیم و تبدیل کنیم و حالا مولی‌علیه یا قیم از باب ناچاری است و مأنوس‌تر از مجبور یا مولی‌علیه یا قیم الان نداریم و اگر بخواهیم فارسی بنویسیم باید یک سطر فارسی بنویسیم آن هم اگر ده کلمه باشد نه تای آن^۱ باز عربی خواهد بود.

رئیس. آقای جمشیدی.

جمشیدی. اگر چه فرمایشی که آقای وزیر محترم عدلیه فرمودند برای تشویق امثال بنده است و مقصودی در بین نبوده ولی راجع به آن قسمتی که فرمودند راجع به بنده خود دوسیه پارک هست بنده پنج شش مرتبه استعفا داده‌ام و مخصوصاً آخرین استعفای بنده یازدهم مرداد هذالسنه بوده است اساساً استنکاف از قبول قیمومت کردم راجع به آن قسمت هم

۱. در متن فوق عبارت «نه تای آن» جایگزین عبارت «نه تاش» گردید.

فرمودند چون تعدي و تفریط در جلد اول قانون مدنی تعریف شده و معین شده است که تعدي و تفریط چیست تعدي تجاوز و تفریط ترك عمل حفظ مال است و این مثال هم به عقیده بنده جزء همان قسمت تفریط است مع هذا عرض كردم غرض روشن شدن مسئله بوده است چیز دیگر مقصود ندارم.

جناب. در افراط و تفریط که البته مسئول است اینجا تقصیر در حفظ است (جمشیدی - تقصیر اعم از تعدي و تفریط است) فرض بفرمائید يك انباري داشته است در اینجا يك رخنه اي داشته که ده مرتبه فرستاده اند این رخنه را درست بکنند نکرده خراب شده آب افتاده و این جنس را خراب کرده این تفریطی نیست که به عمل او منتسب باشد ولي چون تقصیر در حفظ کرده است مسئول است.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۳۸ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۲۳۹ قرائت می شود:

ماده ۱۲۳۹. هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق به مولی علیه بوده جزء صورت دارایی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوءنیت بوده

قیم معزول خواهد شد.

رئیس. آقای اورنگ

اورنگ. بنده در اینجا يك توضیحی می خواستم. در ذیل ماده دارد «مسئول هر ضرر و خسارتی که از این حیث ممکن است به مولی علیه وارد شود خواهد بود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوءنیت بوده

قیم معزول خواهد شد» خواستم عرض کنم که این سوءنیت قیم محتاج است به اینکه ثابت شود در محکمه و آن وقت معزول شود یا اینکه محتاج نیست تشخیص این سوءنیت و عزل قیم طرزش و تشریفاتش چه چیز

است؟ این را يك توضیحي بفرمائید که توضیح خودش موجب کمال ماده قانون است.

وزیر عدلیه. ترتیب عزل قیّم در مواردی که منعزل می‌شود چون بعضی موارد است که منعزل می‌شود و بعضی موارد است که محتاج است به حکم عزل البته مدعی‌العموم دلائل خودش را در محکمه اقامه می‌کند به طرفیت قیّم و قیّم هم مدافعه خودش را می‌کند وقتی که بر محکمه ثابت شد حکم عزل او را می‌دهد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۲۹ قیام فرمایند. (اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۴۰ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۴۰. قیّم نمی‌تواند به سمت قیّمومت از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از اینکه مال مولی‌علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. اینجا يك توضیح بیشتری می‌خواهد^۱ ما شرط کردیم برای هر امینی امانت را و شرایطی را معین کردیم که به موجب آن شرایط امین یا قیّم می‌تواند تصرف در مال يك صغیر کرده باشد چنین فرض می‌کنیم که ملکی از صغیر مشتری ندارد و فعلاً به يك جهتی از جهات فروش او لازم است و قیّم هم ملاحظه می‌کند که اگر او را در معرض فروش بگذارد به قیمت واقعی خریده نمی‌شود اگر ما در قیّم به امانت قائل هستیم و برای خلاف امانتش او را مجازات می‌کنیم چه عیب دارد که در يك چنین^۲ موقعی این ملک صغیر را به خودش انتقال بدهد صرفه این صغیر را در این معنی ببیند و بالعکس صرفه صغیر را در این ببیند که از خودش به او چیزی بفروشد. می‌بیند امروز قیمتش این است فردا در تعقیب آبادی و عمران قیمتش عالی

۱. در متن فوق عبارت «می‌خواهد» جایگزین عبارت «می‌خواهم» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

۳. همان.

می‌شود یک چنین^۱ ملکی را انتقال بدهد به صغیر اگر ما شرط امانت را در قیّم قائل هستیم و در صورت ثبوت خلافش او را مجازات می‌کنیم دیگر چرا این قید را در اینجا می‌گذاریم که هر جا به صلاح صغیر یک امری را ملاحظه کرد نتواند این امر را تعقیب کند چرا این منع را در این ماده نسبت به قیّم قائل می‌شویم سببش چیست؟

جناب. عرض کنم خدمت آقای اورنگ یک فرضی گرفتند و آن، این است که یک قیمی است عادل و معصوم و یک صغیری است مالش افتاده و پولی لازم دارد می‌خواهد ملکش را بفروشد کسی هم پیدا نمی‌شود این قیم هم محضاً لله می‌خواهد مال صغیر را حفظ کند و پول بدهد که به درد کار صغیر بخورد آقا این فرض را گرفتند اما ۹۹۹ فرض دیگر هست که می‌خواهد مال صغیر را از میان ببرد آقا اگر ما این اختیار را دادیم به هر قیمی که بتواند مال صغیر را به خودش منتقل کند تمام مال صغیرها از بین می‌رود یک فرد نادر را بگیرید و رویش استدلال کنید آن طرفش را بگیرید اگر این حق را دادید به هر قیمی که بتواند مال صغیر را به خودش منتقل کند به جان شما بلا استثناء می‌کنند. بنده که سراغ ندارم بندرت این فرض حضرت عالی متصور می‌شود.

وزیر عدلیه. اینجا می‌توان با منطق بیان آقای اورنگ موافقت کرد یعنی مورد توجه قرار داد و آن، این است که اتفاقاً در یک موردی هم چند روز پیش من مشاهده کردم که یک صغیر یک قرضی داشت که بایستی آن را ادا کند و برای آن مال یعنی خانه‌اش مشتری پیدا نشده بود اتفاقاً به کار خود قیم می‌خورد قیم حاضر بود از قیمت عادلانه هم چیزی بالاتر برای صرفه صغیر بخرد و قانون هم تصویب نشده بود من دستور دادم به مدعی‌العموم، مدعی‌العموم هم محل اطمینان بود که برود به محل ببیند واقعاً اگر این طور است معامله بکند زیرا ما بر ضرر

صغیر هم حاضر نیستیم گاه اتفاق می‌افتد ولی همان طور هم که آقای مؤیداحمدی بیان کردند یک موارد نادره‌ای است پاره‌ای از امور را برای اینکه در مظان تهمت است قانون منع می‌کند و اینجا هم به اعتبار این است که در مظان تهمت است همه چیز صغیر دست او است پس فردا صورت حساب می‌دهد که این قدر از مال صغیر را به خودم فروختم و در نتیجه صغیر را بی‌ضاعت کرده و ضرر زده است و بعد هم تا اثبات شود شاید مشکل باشد و بهتر آنکه منع کنیم حالا هر دو جنبه ممکن است و اگر فرض شود در مواردی که به طور نادر پیش می‌آید بر مصلحت است تصویب مدعی‌العموم را شرط بکنیم که به تصویب او باشد به نظر بنده باز ضرر ندارد و ممکن است آقای اورنگ پیشنهاد کنند آقایان هم در این زمینه فکر بفرمایند و ببینند مصلحت چیست.

رئیس. آقای تهرانچی.

تهرانچی. بنده تصور می‌کنم که اگر همین اجازه هم داده شود که به اجازه مدعی‌العموم باشد فایده نداشته باشد چون آقای وزیر محترم عدلیه هم فرمودند که یک موارد نادره‌ای ممکن است پیدا شود در این صورت خود مدعی‌العموم معامله می‌کند مدعی‌العموم خودش نصب قیم می‌کند خودش می‌تواند طرف معامله بشود خودش این معامله را بکند ولی با اجازه مدعی‌العموم تصور می‌کنم مضارش قطعاً بیشتر از مواردی خواهد بود که بشود از آن استفاده کرد. بنده این قانون را با این حالت خودش بهتر می‌دانم.

رئیس. پیشنهاد آقای اورنگ.

پیشنهاد می‌کنم در ذیل ماده ۱۲۴۰ اضافه شود مگر با تصویب مدعی‌العموم.

اورنگ. بنده، آقایان نظر خاصی در این موضوع نداشته و ندارم در طرفین قضیه هم می‌شود استدلال کرد هم در طرف نفیض هم در طرف اثباتش چنانچه

۱. در متن فوق عبارت «مصلحت» جایگزین عبارت «مصلت» گردید.

بنده عرض کردم و چنانچه آقای مؤیداحمدی فرمودند و چنانچه آقای وزیر محترم عدلیه جنبه طرفین قضیه را تحت نظر گرفتند و بیان فرمودند عرض می‌کنم که ما آمدیم و یک موادی را تصویب می‌کنیم و در این مواد تمام این شرایط امانت را ذکر کرده‌ایم خلاف آن را هم ذکر کرده‌ایم برای هر جزء جزء از خلاف یک مقرراتی وضع کرده‌ایم و داریم رأی می‌دهیم چه فرق می‌کند اگر در مواد قبل قیم یا امین خیانت کرد در وظیفه خودش ما او را می‌گیریم و هرگونه جزائی هم که معین کرده‌ایم به پای او می‌نویسیم اگر در این اختیاری هم که با نظر مدعی‌العموم به او می‌دهیم سوءاستفاده کرد موافق مقررات همین قانون به جزای خودش می‌رسد اما اگر یک چنین لفظی نباشد و یک چنین موردی که آقای وزیر محترم عدلیه بیان فرمودند پیش بیاید چون قانونی در مقابل نداشته یا نداشته باشند به محذور مبتلا می‌شوند بنده عرض نمی‌کنم که بشر جنس عالی است خیر این اعتقاد را ندارم اگر جنس عالی بود این مواد اینجا تشریف نمی‌آوردند. بشر را همه می‌شناسیم خلق الله را ما همه می‌شناسیم غالباً اتفاق می‌افتد که آن طرفی تشریف می‌برند از همان طرفی که شما بند و قید برای او می‌گذارید شما که در این مواد قید و بندهائی برای خلاف امانت یا خلاف وظیفه برای قیم و امین قائل شده‌اید چه فرق می‌کند اگر چنانچه امروز مالی متعلق به صغیری لازم شود که فروخته شود و الان قیمت عالی ندارد قیم هم مرد محترم و معتبری است به خود آن قیم تحمیل می‌کنند و می‌گویند این مال این طور و این طور است و تو این را قبول کرده باشی پس فردا به منفعت می‌رسی و حاجت آن صغیر هم رفع می‌شود با بودن این حق در این ماده آقای وزیر محترم عدلیه دستور می‌دهند به مدعی‌العموم که او نظر بکند در صورتی که صواب و صلاح باشد این معامله را

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

۲. همان.

بکنند و در صورتی که از یک چنین^۱ حقی یک قیمی سوءاستفاده کرد به موجب همین مواد تعقیب می‌شود ما چه باک و بیمی داریم آن آدمی که نظرش ناپاک است به صواب نزدیک نیست او که با این مواد پاک نمی‌شود ناپاک را هر جا بگذاری ناپاک است هر نوع^۲ با او عمل کرده باشند باز آن ناپاکی خودش را عمل می‌کند ولی ما جزایش می‌دهیم و اگر خیر آدم درست و سلامتی بود که در کمال صفا عمل کرده است و برای قانونگذار هم محظوری ایجاد نشده و در مواقع لازم هم می‌توانند با این لفظ نظر خودش را اجرا کرده باشند این حاصل عرض بنده بود و الا نه بنده در این طرف قضیه اصراری دارم و نه در آن طرفش.

رئیس. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری. به نظر بنده ماده طوری که نوشته شده است حقوق صغیر و مولی‌علیه بهتر محفوظ است راست است که یک موردی به طوری که آقای وزیر عدلیه اظهار فرمودند گاهی ممکن است پیدا شود که به نفع صغیر باشد ولی قانون که نمی‌تواند برای یک فرد اجازه بدهد همین طور که پیشنهاد کردند یک اجازه کلی باید بدهند که به تصویب مدعی‌العموم قیم بتواند ملاحظه کند در مال صغیر و معامله کند و مال را به خودش منتقل کند یا بالعکس این کار به نظر بنده برای خود مال صغیر خیلی خطر دارد چرا؟ فرض بفرمائید یک صغیری که دو سال یا چهار سال دارد یک قیمی برایش معین شد و این صلاح دانست با یک مدعی‌العمومی که خیلی صالح نباشد با هم قرار گذاشتند و موافقت کردند و ملک خوبی که صغیر دارد و فروختند این چه موقعی^۳ معلوم می‌شود وقتی که صغیر هجده سالش شد و از تحت قیمومت خارج شد تازه می‌فهمد که در ۱۶ سال پیش مالش را کسی فروخته

۱. همان.

۲. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «چه موقعی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

اصلاً ما نیایستی بگذاریم این طور پیش بیاید تا او مجازات شود همان طور که ماده نوشته شده است رعایت کرده این کار را که هم برای خود قییم اسباب زحمت ایجاد نمی‌شود و هم حقوق صغیر محفوظتر است و اگر یک محل و موردی پیدا شد و ممکن است در آنجا به نفع صغیر باشد بهتر این است که این قانون دست نخورد و اگر ده یک هم کمتر بدهند به صغیر، صرفه او هست چون راه دعوی بسته می‌شود و اگر اجازه مدعی‌العموم هم داده شود همه جا ممکن است که با موافقت مدعی‌العموم یک عملیاتی در مال صغیر بشود که هم برای مدعی‌العموم بعد اسباب زحمت شود هم برای قییم و خسارت هم به صغیر بخورد و به عقیده بنده اگر آقای وزیر محترم عدلیه موافقت بفرمایید که ماده به همان ترتیب باشد بهتر است.

اورنگ. بنده اصراری ندارم مسترد می‌دارم.

رئیس. رأی گرفته می‌شود به ماده ۱۲۴۰ آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

گفتار یازدهم: شور دوم مواد ۱۲۴۱ تا ۱۲۵۶

صورت مشروح مجلس سه‌شنبه اول مهرماه ۱۳۱۴ (۲۴)
جمادی‌الآخری (۱۳۵۴)

جلسه ۲۱

۲. بقیه شور قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت
رئیس. خبر کمیسیون راجع به بقیه مواد قانون مدنی

مربوط به حجر و قیمومت مطرح است ماده ۱۲۴۱:
ماده ۱۲۴۱. قیم نمی‌تواند اموال غیر منقول مولی‌علیه را بفروشد و یا^۱ رهن گذارد یا معامله‌ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی‌علیه شود مگر با لحاظ

۱. در متن فوق بعد از عبارت «یا» عبارت «به» حذف گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «به» وجود نداشت.

غبطه مولی‌علیه و تصویب مدعی‌العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی‌العموم ملالت قیم می‌باشد و نیز نمی‌تواند برای مولی‌علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی‌العموم.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۱ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۴۲.

ماده ۱۲۴۲. قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم.

رئیس. آقای اورنگ.

اورنگ. در این ماده که می‌گوید قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم، در نقاطی که مدعی‌العموم نیست خوب بود آقای وزیر عدلیه تشریف می‌داشتند و توضیح می‌دادند (در این موقع آقای وزیر عدلیه تشریف آوردند) خواستم عرض کنم در نقاطی از مملکت که مدعی‌العموم نیست در این جاها برای یک چنین^۱ معامله و صلحی چه خواهد شد خوب است یک توضیحی بفرمائید.

وزیر عدلیه. ناچار هر نقطه که صغیر یا محجور باشد در یک حوزه ابتدائی است که در آنجا مدعی‌العموم هست صلحیه هم که باشد همان صلحیه باز جزء یک حوزه ابتدائی است و امور مربوطه به صغیر پیش مدعی‌العموم بدایت آن نقطه می‌رود و یا ممکن است مدعی‌العموم بدایت اختیار بدهد کارهایی را به مدیر دفتر و یا مأمورین قضائی.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۲ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۳:

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه مدعی‌العموم می‌تواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواند. تعیین نوع تضمین به نظر محکمه است هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

رئیس. آقای طباطبائی دیبا. **طباطبائی دیبا.** در این قانون می‌نویسد انتخاب قیم مربوط به مدعی‌العموم است. البته وقتی بخواهد قیم معین کند باید اشخاصی را ملاحظه کند و یک قیمی انتخاب کند که طرف اطمینان باشد در صورتی که مدعی‌العموم قیم را انتخاب کرد طرف اطمینان هم بود دیگر معنی ندارد ضمانت بنده عقیده ام این است که تضمین معنی ندارد و اسباب زحمت است و بنده این ماده را زاید می‌دانم منتهی این است وقتی که می‌خواهند قیم معین کنند باید یک نفری باشد که صاحب چیز و معتبر باشد.

وزیر عدلیه. پیش‌بینی‌های سابق در هیچ موردی ملازم نیست با اینکه واقعیت پیدا کند ممکن است اول مدعی‌العموم یک کسی را مطمئن دانسته و بعد یک تردیدی پیدا کرده ولی نه به درجه‌ای که بتواند خیانت او را اثبات کند و او را عزل کند در این صورت لازم است چنین قانونی باشد که جائز باشد یک تضمیناتی از او بگیرند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۳ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۴۴:

ماده ۱۲۴۴. قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی‌العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد به تقاضای مدعی‌العموم معزول می‌شود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. البته این ماده خیلی صحیح است و قیم باید اقل سالی یک مرتبه حساب صغیر را بدهد سابقاً قانونی هم در این باب تصویب شده این طور است که باید قیم را بنا به پیشنهاد مدعی‌العموم محضر رسمی معین کند و برای ضبط اموال صغیر بوده ولی چنانچه نظرم می‌آید سابقاً در مجلس هم عرض شد متأسفانه در عمل خیلی اسباب زحمت شده به این معنی

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

که اگر يك صغيري به قيم احتياج داشته مدعي العموم قيم را معين کرده ولي حساب صغار کجا است هيچ معلوم نيست قيم تعيين شده بدون اينکه به حساب رسيدگي شده باشد آنچه که بنده شنیده ام دوسيه هاي متعددي در پارکه هست مي توان گفت چهار هزار دوسيه است که هنوز هم حساب صغار مانده اين را از بابت تذکر عرض کردم آقاي وزير عدليه خوب است در پارکه يك شعبه مخصوصي براي اين کار معين کنند. مقصود بنده اين است وقتي که مدعي العموم قيم معين کند بي حساب نباشد مقصود حفظ اموال صغير است و حفظ اموال صغير وقتي است که به حساب صغار رسيدگي شود. به اين کمی اشخاص در پارکه نمي رسند خوب است يك شعبه مخصوصي براي اين کار معين شود که به حساب صغار رسيدگي شود تا اموال محفوظ بماند اساساً اين ماده صحيح است و بايد قيم حساب صغار را بدهد و به حساب رسيدگي شود.

وزير عدليه. اظهارات آقا صحيح است و بنده هم در صدد توسعه شعبه قيمومت هستم و مشغولم و اميدوارم انجام شود به طوري که رضایت بخش باشد. (انشاءالله)

رئيس. موافقين با ماده ۱۲۴۴ قيام فرمايند.

(اکثر قيام نمودند) تصويب شد ماده ۱۲۴۵:

ماده ۱۲۴۵. قيم بايد حساب زمان تصدي خود را پس از کبر و رشد و يا رفع حجر به مولي عليه سابق خود بدهد هرگاه قيمومت او قبل از رفع حجر خاتمه يابد حساب زمان تصدي بايد به قيم بعدي داده شود.

رئيس. موافقين با ماده ۱۲۴۵ قيام فرمايند.

(اغلب برخاستند) تصويب شد. ماده ۱۲۴۶:

ماده ۱۲۴۶. قيم مي تواند براي انجام امر قيمومت مطالبه اجرت کند. ميزان اجرت مزبور با رعايت کار قيم و مقدار اشتغالي که از امر قيمومت براي او حاصل ميشود و محلي که قيم در آنجا اقامت دارد و ميزان عايدي مولي عليه تعيين مي گردد.

رئيس. آقاي روجي.

روجي. بنده خواستم اينجا يادآوري کرده باشم راجع به حقوق قيم که يا در نظامنامه معين کنند يا در قانون بايد ميزانش معلوم باشد صدي نيم صدي دو. که از يك اندازه از عايدات مولي عليه

تجاوز نکند و البته اگر به طور سربسته باشد و میزانش معلوم نباشد به نظر بنده این یک قدری اشکال دارد و بهتر این است که معین شود قیّم در چه مورد تا چه حد و از چه مأخذ داده می‌شود. تا کسانی که در یک موقعی به حساب و کتاب قیّم رسیدگی می‌کنند اشکالاتشان کمتر باشد.

وزیر عدلیّه. در عمل ملاحظه شده است که قیّم دو نحو عمل دارد در اموال صغیر. یکی یک کارهایی است موقت که ممکن است خیلی پرزحمت هم باشد مثلاً جمع‌آوری حساب و کتاب و تقسیم که بسیار کار مشکلی است ممکن است بگوئیم یک آدمی هم که الان زنده است اگر بخواهد به حساب‌های خودش برسد یک مدتی وقت و زحمت لازم دارد در صورتی که اطلاع از همه چیز خودش دارد ولی قیّم یک قسمتی را که هیچ اطلاع ندارد و باید کسب اطلاع کند و صرف وقت کند و زحمت بکشد تقسیماتی که در مال صغیر لازم می‌شود مثلاً کبار ورثه یا صغار دیگر اموال منقول و غیر منقول و تقویم آنها و این طور چیزها یا یک کارهای دیگری که برای قیّم متعذر و خیلی پر زحمت است ولی موقتی است و قیّم یک کار دیگری هم که جاری است دارد و آن اداره کردن اموال صغیر است از حیث جمع‌آوری عایداتش و فروش و محارج صغیر و ذخیره گذاردن برای او اگر زاید دارد. در نظر گرفته شد که برای کارهای موقتی یک حق‌العملی مطابق میزان نظر خیره نسبت به نوع کار و صرف وقت و ملاحظه اشخاص و مقدار مال و غیره برآورد شود ولی اینها را نمی‌شود یک حد و میزان معینی برایش قائل شد چون ضابطه‌ای ندارد. در هر مورد یک طرز خیره نظر می‌گیرد حق‌الزحمه را. یکی هم در کارهای جاری او است الان هم عملاً این طور است که نهایتش تا صدی پنج است و در سال ممکن است قیّم از منافع حق‌الزحمه بگیرد و در جاهایی که زحمت زیادی داشته باشد مثل جمع‌آوری محصول از دهات که مستلزم رفتن و آمدن و صرف وقت بیشتری است اجازه داده شده است که با موافقت مدعی‌العموم تا صدی هشت می‌توان به او داد. این مراتبی است که برآورد شده ولی هیچ یک از اینها را مناسب نیست که در قانون ذکر کرد. برای اینکه

ممکن است تغییر کند و قانون خوب نیست هر روز تغییر کند در نظامنامه ممکن است گذارد و موکول کنیم این قسمت را به نظامنامه.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۶ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۴۷:

ماده ۱۲۴۷. مدعی العموم می تواند اعمال نظارت در امور مولی علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی علیه خواهند بود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۷ برخیزند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۸:

فصل چهارم. در موارد عزل قیم

ماده ۱۲۴۸. در موارد ذیل قیم معزول می شود:

۱. اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.

۲. اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب.

۳. اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند.

۴. اگر قیم ورشکسته اعلان شود.

۵. اگر عدم لیاقت یا توانائی قیم در اداره اموال مولی علیه معلوم شود.

۶. در موارد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ با تقاضای مدعی العموم.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. در قسمت اول و دوم این ماده اشکالی نیست زیرا در صورتی که قیم مرتکب جنایت یا جنحه شود لیاقت قیمومت ندارد ولی در قسمت سوم که نوشته اگر به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را

اداره کند قییم معزول می‌شود در این مورد معزول کردن قییم معنی ندارد. ممکن است کسی که قییم است به علی غیر از علل فوق در حبس باشد و نتواند امور مالی مولی‌علیه را اداره کند و یک کسی را وکالت بدهد. پس معزول شدن قییم اساسی نیست زیرا تقصیری نکرده به علی غیر از این علل محبوس شده و نتوانسته امور صغیر را اداره کند مثل این است که مسافرت کرده. اگر قییم مسافرت کرد به یک محلی و نتوانست امور صغیر را اداره کند ممکن است یک نفر را نماینده قرار دهد او را که معزول نمی‌کند یک نماینده معین می‌کند. پس با این قسمت بنده موافق نیستم و خوب است این قسمت حذف شود زیرا ممکن است وکالت بدهد به دیگری که اموال صغیر را صحیحاً اداره کند.

وزیر عدلیه. چون قانون باید مرتبط باشد و رعایت همه جهات در هر مورد باید بشود. یک قسمت از محکومین هستند که محکوم به جنایتند و اینها از حقوق اجتماعی محرومند یکی از حقوق اجتماعی هم قییم شدن است. از این جهت اینها نمی‌توانند این سمت را دارا باشند. ولی در اینجا چیزی که ملاحظه شد این بود که یک معنای جامعی در نظر گرفتیم و نوشتیم این است که به واسطه حبس نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و این بهتر است. برای اینکه شامل شود محکومین به حبس‌های تأدیبی را ملاحظه فرمائید یک کسی محکوم شد به سه سال حبس البته این دیگر نمی‌تواند به امور صغیر رسیدگی کند در این صورت جا دارد که او را عزل کنیم. اما اینکه دیگری را از طرف خودش نیابت بدهد این کار، نیابت بردار نیست برای اینکه خود مدعی‌العموم و محکمه شرع به آن شخص می‌دهند و این اختیار را به قییم نمی‌دهند که او هر کس را که بخواهد از طرف خودش به قیمومت بتواند معین کند اگر آن کسی که این قییم از طرف خودش معین می‌کند طرف اعتماد است مدعی‌العموم همان را پیشنهاد و معین می‌کند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۸ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۹:

ماده ۱۲۴۹. اگر قییم مجنون یا فاقد رشد گردد

منعزل می‌شود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۴۹ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۰:

ماده ۱۲۵۰. هرگاه قیام در امور مربوطه به اموال مولی‌علیه یا جنحه یا جنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیام دیگری برای اداره اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۰ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۱:

ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی‌العموم یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیام جدید و یا ضم ناظر کند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۵۱ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۲:

ماده ۱۲۵۲. در مورد ماده قبل اگر قیام ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را بکند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۲ قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و پنجاه و سه:

فصل پنجم. در خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳. پس از زوال سببی که موجب تعیین قیام شده قیمومت مرتفع می‌شود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۳ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و پنجاه و چهار:

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید. تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم

حوزه که مولي عليه در آنجا سکونت دارد یا نمایند
او به محکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۴ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست
و پنجاه و پنج:
ماده ۱۲۵۵. در مورد ماده قبل مدعی العموم یا
نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات
لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در
محکمه اظهار عقیده نماید.
در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵
اعلان می شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۵ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست
و پنجاه و شش:
ماده ۱۲۵۶. رفع حجر هر مجبور باید در دفتر مذکور
در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن مجبور قید شود.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۶ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد.
مذاکره در کلیات آخر است (خالفی نیست؟) رأی
گرفته می شود به مجموع مواد آقایانی که با مجموع
مواد موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

گفتار دوازدهم. شور دوم مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۳

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۳ مهر ۱۳۱۴
جلسه ۲۳

۶. شور دوم خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به
ادله اثبات دعوي

رئیس. مقدمه خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به
ادله اثبات دعوي قرائت می شود:

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع
به دلایل اثبات دعوي را برای شور دوم با حضور
آقای وزیر عدلیه مطرح پیشنهادات آقایان

نمایندگان محترم را هم مورد شور و مطالعه قرار داده و نظر به اینکه لایحه مزبور ضمن پنج کتاب در تعقیب مواد قانون مدنی تنظیم شده بود بر حسب پیشنهاد آقای وزیر عدلیه کمیسیون کتاب اول آن را از سایر مواد تفکیک و رسیدگی نموده با اصلاحاتی که بعمل آمده است اینک راپرت آن را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد و البته سایر مواد آن هم متدرجاً رسیدگی و راپرت آن تقدیم خواهد شد.

رئیس. ماده ۱۲۵۷ قرائت می‌شود:

جلد سوم. در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷. هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. راجع به این ماده در کمیسیون عدلیه مذاکرات زیاد شد بالاخره این طور تصویب شد ولی یک چیزی فعلاً به نظر بنده رسید خواستم به عرض برسانم و آن، این است که در این ماده می‌نویسد هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند در صورتی که بعد در کتاب دیگر دارد که در شور اول هم بود راجع به قسم یک موادی ما داریم که اگر کسی مدعی حقی هست و اثبات ندارد و فقط قسم می‌دهد آن وقت قسم چطور است و آن مواد بعد با این ماده ممکن است تناقضی داشته باشد چون اینجا عرض کردم می‌نویسد هرکس مدعی حقی است باید اثبات کند اما اگر مدعی حقی هم هست اثبات هم ندارد و آن وقت طرف را قسم می‌دهد ممکن است با این یک تناقضی داشته باشد این را خواستم آقای وزیر عدلیه یک توضیحی بدهند که بعد در مقام عمل اسباب زحمت نشود.

وزیر عدلیه (آقای صدر). تصور می‌کنم خوب بود آقا قدری بیشتر توضیح می‌دادند که بنده ملتفت بشوم اعتراض ایشان راجع به کجا است. این ماده یک ماده عامی است و می‌گوید هرکس ادعای حقی را می‌کند

اثبات بر عهده او است و اگر طرف مقابل هم ادعای سقوط آن حق را می‌کند آن هم باز اثبات بر عهده او است نه انکار، انکار اثبات ندارد ادعا کند که حق حاصل شده ولی به جهتی از جهات اسقاط شده مثل اینکه بگوید دین بوده ولی پرداخته‌ام البته اثبات بر عهده آن کسی است که می‌گوید من پرداخته‌ام اما اینکه با چه دلیلی اثبات کند شرح ادله در مواد بعد است و اما راجع به قسم آن هم طریق اثبات هست آقا. یک کسی دعوی خودش را محول می‌کند به نظر و میل مدعی‌علیه می‌گوید قسم بخور و نده او غیر از این است یعنی اگر نخورد باید بدهد پس این هم از طرق اثبات است اینجا نظر نداریم که طریق اثبات چیست مقصود این است که اثبات بر عهده او است طریق اثبات را هم ترتیبش را در مواد بعد معین می‌کند.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. در این ماده اگر چه بنده در نظر اولیه خودم که پیشنهاد کرده‌ام مطابق ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات اصلاح شود باقی هستم ولی چون اخیراً اصلاحی شده در این قسمت اصلاح این ماده هم بنده عقیده دارم که اگر توجه به یک نکته بشود و اصلاح شود خیلی خوب است در اینجا دو جمله است قسمت اول که هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند. جمله بعدی می‌گوید هرگاه مدعی‌علیه در مقام دفاع مدعی امری شود اینجا به عقیده بنده مدعی‌علیه است پس در اینجا دو چیز در نظر گرفته شده یکی اثبات حق است دوم اثبات امر است اینجا مثل این است که مدعی در نظر بوده که مدعی اگر ادعای حقی کند باید اثبات کند و اگر مدعی‌علیه ادعای امری کند باید اثبات کند در صورتی که در محاکمات همیشه می‌بینیم که مدعی هم ادعای امری را می‌کند یعنی در دفعه اول مدعی اثبات حقی را به موجب دلایلی کرده است مدعی‌علیه مدافعاتی می‌کند و امری را مدعی می‌شود و البته آن را ثابت می‌کند در این صورت مدعی باز هم مدعی امری می‌شود ولو اینکه در مقام دفاع از اظهارات مدعی‌علیه باشد اینجا اختصاص دادن اثبات امری بر عهده مدعی‌علیه است گاهی خود

مدعی هم بدون اینکه دعوی منقلب بشود سمت مدعی‌علیه را پیدا می‌کند و خودش مدعی امری می‌شود که اثباتش بر عهده او است از این جهت بنده به نظرم این طور رسید که آقای وزیر عدلیه اگر موافقت بفرمایند به جای اینکه بنویسیم هرگاه مدعی‌علیه در مقام دفاع مدعی امری بشود به طور کلی بنویسیم اثبات امری که محتاج به دلیل باشد به عهده مدعی آن است خواه این امر را مدعی بیان کند یا مدعی‌علیه. چون اینجا اثبات امر را به عهده مدعی‌علیه گذاشته است و اگر نوشته بود اثبات دعوی که محتاج به دلیل باشد به عهده مدعی آن است اعم از آن است که مدعی این امر را پیشنهاد کند و دفاع کند یا مدعی‌علیه. **وزیر عدلیه.** در کمیسیون خیلی مذاکره شد در اصلاح این عبارت و بالاخره این تصمیم تصویب شد. بنده خیلی زیاد توضیح نمی‌دهم خود ایشان هم در کمیسیون بودند یعنی اجمالاً این است که مدعی نمی‌تواند هر چیزی را مدعی بشود و ادعا کند هر امری را چون امر از مفاهیم عامه است اگر بگویند من اثبات می‌کنم که فلان زراعت خوب نشده به او چه. تا یک حقی از برای خودش تصور نکند مدعی نمی‌تواند مدعی آن بشود یعنی باید یک حقی برای او باشد ولی مدعی‌علیه وقتی برای دفاع از حق ادعا شده می‌خواهد دفاع کند اینجا اثبات حقی برای خودش نمی‌کند اثبات امری را می‌کند که دفع و رد کند دعوی مدعی را از این جهت مناسب بود که تعبیر به امر بشود یعنی اگر مدعی‌علیه^۱ مدعی بشود یک امری که به آن وسیله دعوی مدعی رفع می‌شود آن را باید اثبات کند مقصود این است در هر حال در حکم که اختلافی نیست چون حکم این است که مدعی برای خودش اثبات حق باید بکند اختلاف سرتعбір است که آیا این تعبیر امر خوب است یا نیست به عقیده بنده خوب است به جهت اینکه دفاع همیشه این طور نیست

۱. در متن فوق عبارت «مدعی‌علیه» جایگزین عبارت «مدعی عدلیه» گردید.

که بخواهد برای خودش اثبات کند. بلی اگر بگوید پرداخته‌ام می‌توان گفت یک حقی است باز هم مطلبی است می‌توانیم بگوئیم حقی است چون دفاع از دعوی مدعی است که او اظهار حق کرده این است که بعد از مذاکرات در کمیسیون جامع‌تر به نظر همین رسید که نوشته شده.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۵۷ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ...

۸. بقیه شور لایحه راجع به ادله اثبات دعوی]

رئیس. ماده ۱۲۵۸.
ماده ۱۲۵۸. دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار.
۲. اسناد کتبی.
۳. شهادت.
۴. امارات.
۵. قسم.

رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۵۹:

کتاب اول. در اقرار

باب اول. در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹. اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.

رئیس. آقایانی که با این ماده موافقت قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۶۰:

ماده ۱۲۶۰. اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید.

رئیس. آقای دیبا.

دیبا. اینجا مفهوم ماده این است که اقرار باید با لفظ باشد ولی در ماده ۱۲۸۰ تصریح کرده است که اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است این دو ماده ممکن است با هم تناقض داشته باشد این است که

بنده عقیده‌ام این است که اگر اقرار لفظاً یا کتباً مطابق با ماده‌ای که بعد می‌آید باشد بهتر است والا ظاهر این ماده این است که اقرار حکماً باید لفظی باشد.

وزیر عدلیه. اولاً این عبارت چنین^۱ ابهامی ندارد مقصود این است که به هر تقریری که باشد استفاده معنی اقرار از او بشود کافی است. یک لفظ صریح خصوصی ندارد مراد این ماده است اگر چنانچه چنین^۲ توهمی هم بشود که فرمودید آن ماده ۱۲۸۰ رفع خواهد کرد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۶۰ قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دوست و شصت و یک.

ماده ۱۲۶۱. اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

رئیس. موافقین قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دوست و شصت و دو:

ماده ۱۲۶۲. اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

رئیس. موافقین قیام فرمایند. (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و دوست و شصت و سه.

ماده ۱۲۶۳. اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.

رئیس. آقایان موافقین قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد: ماده هزار و دوست و چهار.

ماده ۱۲۶۴. اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ^۳ نیست.

رئیس. آقایان موافقین قیام فرمایند.

-
۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.
 ۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.
 ۳. در متن فوق عبارت «نافذ» جایگزین عبارت «مأخذ» گردید.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و شصت و پنج:

ماده ۱۲۶۵. اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشأ اثر نمی‌شود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد.

رئیس. آقای نقابت.

نقابت. چون قانون اعسار و افلاس اصلاح شد و کلمه افلاس از آنجا برداشته شد و دیگر کسی به عنوان افلاس عرضحال نخواهد داد اگر این لفظ افلاس را از اینجا برداریم و اعسار بگذاریم تناسبش با قانون گذشته بهتر خواهد بود.

وزیر عدلیه. در این مقام افلاس و اعسار دارای یک معنی است فرقی نمی‌کند در سابق هم فرق گذاشته شده بود ما بین اعسار و افلاس به موجب یک قانون و دو حکم برای آنها معین شده بود مدعی اعسار یک ترتیب می‌بایست اثبات کند و مدعی افلاس به یک ترتیب و هر کدام یک نوع آثار داشت افلاس هم آثار دیگری داشت و در هر حقیقت آن قانون مربوط به اصول محاکمات بود ولی بعد از آنکه چندی قبل تغییر داده شد و آن قسمتی که راجع بود به دعوی افلاس معلوم شد که یک نتیجه خوبی و مطلوبی نداده است از این جهت تغییر کرد و همان عنوان اعسار گذاشته شد و دیگر فرقی نیست مابین این دو عبارت و اینجا هم فرق نمی‌کند چه اعسار بگوئیم و چه افلاس و شاید اینجا ظهورش قدری بیشتر باشد در فهم معنی از این جهت افلاس گذاشته شد و تفاوتی ندارد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۶۵ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و شصت و شش:

ماده ۱۲۶۶. در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. اینجا بنده عقیده‌ام این است که یک توضیحی آقای وزیر عدلیه بفرمایند که اسباب اشتباه نشود اینکه می‌نویسد در مقرله اهلیت شرط

نیست مقصود چیست؟ چه اهلیتی مقصود است؟ زیرا اگر این ماده تصویب شود ممکن است در عمل اسباب زحمت قضات شود بنابراین خوب است یک توضیحی داده شود که مراد از اهلیت چیست.

وزیر عدلیه. در قسمت اول همین قانون مدنی راجع به احوالات شخصی آقایان در نظر دارند آنجا یک اهلیتی است برای تمتع از حقوق در ماده اول آن قانون گفته شد هر کس زنده متولد شد می‌تواند از حقوق خودش بهره‌مند بشود آن یک معنی برای اهلیت است ولی معنای اظهارش که بیشتر مقصود است راجع است به استیفاء حق. استیفاء حق شرط آن بلوغ است رشد است

عقل است و جهات دیگر و عدم حجر است که در آنجاها متمتع است به خودی خود ولی خودش نمی‌تواند در مقام استیفاء و مطالبه حق بر آید اینجا مراد آن اهلیت است یعنی لازم نیست مقررله رشید باشد، سفیه باشد، مجنون باشد، هر چه می‌خواهد باشد همین قدر که بتواند متملك بشود یعنی برای یک جنینی یک فردی اقرار می‌کند منوط به این است که آن جنین زنده متولد شود اگر نشود او نمی‌تواند متمتع از حقوق بشود و نمی‌تواند مالك شود از این جهت خارج است و همچنین نسبت به آن مقربیه که مقربیه هم باید یک چیزی باشد که قابل تملك باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۶۶ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۶۷:

ماده ۱۲۶۷. اقرار به نفع متوفی دربارۀ ورثه او مؤثر خواهد بود.

رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲۶۸:

ماده ۱۲۶۸. اقرار معلق مؤثر نیست.

رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۶۹:

ماده ۱۲۶۹. اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

رئیس. موافقین با این ماده قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۰:

ماده ۱۲۷۰. اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که

زنده متولد شود.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۱:
ماده ۱۲۷۱. مقررله اگر بکلی مجهول باشد اقرار ائری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۲:
ماده ۱۲۷۲. در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او ائری نخواهد داشت.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۳:
ماده ۱۲۷۳. اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزند او شده به شرط آنکه منازعی در بین نباشد.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۴:
ماده ۱۲۷۴. اختلاف مقرر و مقررله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۵:

باب دوم. در آثار اقرار

ماده ۱۲۷۵. هرکسی اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.
رئیس. موافقین قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۶:
ماده ۱۲۷۶. اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن

۱. در متن فوق عبارت «بر» جایگزین عبارت «به» گردیده. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «بر» به کار رفته است.

اقرار اثري نخواهد داشت.
رئيس. آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۷:
ماده ۱۲۷۷. انکار بعد از اقرار اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده^۱ شنیده می‌شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذري ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوي مذکوره مادامي که اثبات نشده مضر به اقرار نیست.
رئيس. موافقین قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۸:
ماده ۱۲۷۸. اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.
رئيس. آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۷۹:
ماده ۱۲۷۹. اقرار شفاهي واقع در خارج از محكمه را در صورتی می‌توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوي به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائني بر وقوع اقرار موجود باشد.
رئيس. آقای نقابت.
نقابت. عرض کنم در دعاوي حقوقي تأثراتي که شهادت در اثبات داشته باشد محدود شد به مبلغ معین که به طور کلی تا يك حدي را بشود با شهادت اثبات کرد زیرا به اندازه لازم تشکیلات ثبت اسناد در مملکت زیاد شده و اشخاص می‌توانند استفاده کنند و اسنادي در مقابل تعهدات خودشان بدهند و بگیرند ولي بعضي مواد در اینجا هست من جمله همین

۱. در متن فوق عبارت «بوده» جایگزین عبارت «بود» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «بوده» به کار رفته است.

ماده ۱۲۷۹ که يك نظري را كه قبل از اتخاذ شده و مردم به آن عادت کرده و مأنوس شده اند برهم می‌زند و متزلزل می‌کند حقیقتاً مردم يك مقداري عادت کرده اند كه تا يك حدي به شهادت ختم شود. ولي با جمله اخير اين ماده از آنجائي كه می‌گویند «و يا ادله و قرائني بر وقوع اقرار باشد» می‌توان چند شاهد ضميمه آن نمود و يك دعوائی را اثبات كرد تا هر مقدار كه باشد به وسيله شهادت اثبات كرد اما اگر اين جمله نباشد كاملاً مطابق همان نظري است كه بوده و قبل از اتخاذ شده است زیرا وقتی كه اصل دعوي از آن دعاوي باشد كه با شهادت قابل اثبات باشد، می‌شود شاهدي بر وقوع اقرار آورد و ثابت كرد والا نمی‌شود. از اين جهت بنده معتقدم كه جمله اخير اين ماده «و يا ادله و قرائني بر وقوع اقرار موجود باشد» اگر موافقت بفرمائيد حذف شود بهتر است.

وزير عدليه. چون آقاي نقابت در مقدمه بيان خودشان اظهار داشتند به وسيله توسعه دفاتر ثبت جلوگیری می‌شود از اينكه ديگر دعاوي محتاج به شهادت و امثال اين ادله باشد اين صحيح است ولي اين فقط در قسمت عقود و ايقاعات است كه محتاج به دفاتر ثبتي است و البته وزارت عدليه هم در صدد توسعه دفاتر ثبت هست و بايد هم باشد ولي معذلك در يك جا يا در يك دهات كوچك كه دسترسي به دفاتر ندارند مابين اشخاص كه اعتماد به هم دارند يك كارهائي می‌شود چون اين يك امر الزامي نيست فقط راجع به آثار آن قانون الزام کرده است كه اگر يك معامله را در جائي كه دفتر ثبت است ثبت نکنند آن رسميت ندارد يعني محاكم قبول نمی‌کنند ولي مردم كه اجبار ندارند كه بگوئيم عقد واقع نمی‌شود خير عقد واقع می‌شود منتهي اثرش اين است كه محاكم ترتيب اثر نمی‌دهند اگر مردم به هم اعتماد داشته باشند خیلی از امور خانوادگي هست كه مردم بين خودشان اعتماد دارند و در موقع اعتماد يك كارهائي می‌کنند بعد سلب اعتماد می‌شود و اختلاف می‌شود به هر تقدير قانون براي اين است كه در يك مواردی

در بکلی بسته نباشد. نه اینکه حتماً به آن عمل شود یا فرضاً به واسطه بودن این جمله تمام دعاوی بدون هیچ سند رسمی در محاکم جریان پیدا کند و مثل حالت سابق بر گردد. این طور نیست برای اینکه مردم خودشان اثر سند رسمی را دانسته‌اند یکی از آثارش این است که لازم‌الاجرا است بدون مراجعه به محاکم اجرا می‌شود و در این قسمت رفع خیلی زحمت از مردم شده است که نروند در محکمه و مدتی محاکمه کنند در ابتدائی و استیناف و تمیز مشغول شوند هیچ اینها را ندارد ولی اگر چنانچه اتفاق افتاد در دعوائی که قابل جریان و طرح در محاکم شد آن وقت اگر کسی مدعی شود که طرف من اقرار کرده و اقرار هم یکی از ادله اثبات دعوی است که در اینجا هم گفته شد و همه وقت هم همین طور بوده و طبیعی هم هست اقرار بهترین دلیل اثبات دعوی است اگر کسی مدعی شد که طرف من در خارج محکمه اقرار کرد و یک قرائن قوی هم موجود است فرض بفرمائید یک دعوائی در محاکم مطرح است و طرفین تقاضا کرده‌اند که تجدید وقت شود برای اینکه در خارج خیال اصلاح دارند بروند اصلاح کنند خیلی این طور هم اتفاق افتاده که می‌روند در خارج اصلاح می‌کنند فرض بفرمائید در خارج رفتند و یک مجمعی شد و مردمان وجیه و موثقی هم در آن جلسه حضور داشتند طرف در آنجا اقرار کرد نه در مقام تقاضای صلح. اشتباه نشود تقاضای صلح اقرار نیست این را بنده می‌دانم ولی اگر رسماً اقرار صریح کرد نسبت به جزء یا کل آن دعوی در حضور جمع و آن طرف خواست استشهاد کند از حضار که طرف من پیش شما جزناً یا کلاً به این مقدار اقرار کرد و دعوی هم در محکمه مطرح است با آن سوابقی که عرض کردم با اجازه محکمه اینها در خارج برای صلح رفته‌اند حالا با یک چنین قرائنی که واقعاً مفید و قطعی باشد آن اشخاصی که در آنجا حضور داشته‌اند شهادت بدهند با تأیید این

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

قرائن چه اشکالی دارد؟ مقصود این است که راه بسته نباشد والا در همه جا که این مواد اعمال نمی‌شود تا کار را از ترتیب بیندازد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۷۹ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۸۰:

ماده ۱۲۸۰. اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.
رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۰ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۸۱:

ماده ۱۲۸۱. قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۱ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۸۲:

ماده ۱۲۸۲. اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقررله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمتی از آنکه به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرفنظر کند.

رئیس. آقایانی که با ماده ۱۲۸۲ موافقند قیام فرمایند.
(اغلب قیام کردند) تصویب شد ماده ۱۲۸۳:

ماده ۱۲۸۳. اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثار باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند^۱ مثل اینکه مدعی‌علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۳ قیام فرمایند.
(جمعی قیام نمودند) تصویب شد.

مذاکره در کلیات ثانی است (مخالفی نیست؟) رأی به مجموع مواد ۲۷ گانه گرفته می‌شود آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

۱. در متن فوق عبارت «باشند» جایگزین عبارت «باشد» گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون عدلیه عبارت «باشند» به کار رفته است.

گفتار سیزدهم. شور دوم مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۱۰

صورت مشروح مجلس پنجشنبه اول آبان ۱۳۱۴

جلسه ۲۷

۴. شور دوم بقیه لایحه قانون مدنی راجع به ادله اثبات دعوی

رئیس. شور دوم بقیه لایحه قانون مدنی راجع به ادله اثبات دعوی.

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه جلسه خود را با حضور آقای وزیر عدلیه تشکیل داده و نظر به اینکه لایحه نمره ۱۶۸۸۶ وزارت عدلیه راجع به دلایل اثبات دعوی در تعقیب مواد قانون مدنی در کمیسیون قوانین عدلیه سابق رسیدگی و بر حسب تقاضای آقای وزیر عدلیه کتاب اول آن تا ماده ۱۲۸۴ تفکیک و راپورت آن به مجلس شورای ملی تقدیم و به تصویب رسیده بود لذا کمیسیون فعلی در تعقیب جریانات فوق‌الذکر به شور ثانی بقیه مواد لایحه که کتاب دوم و سوم و چهارم و پنجم از جلد سوم قانون مدنی میباشد مبادرت و با ملاحظه و مطالعه پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم که ضمن شور اول نموده بودند و مذاکرات لازمه نسبت به هر یک از مواد بالاخره خبر شور اول کمیسیون با جزئی اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را به عنوان خبر شور ثانی تقدیم می‌دارد که در تکمیل مواد مصوبه سابق مورد تصویب واقع گردد.

رئیس. ماده ۱۲۸۴:

کتاب دوم از جلد سوم. در اسناد

ماده ۱۲۸۴. سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۴ قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۲۸۵:

ماده ۱۲۸۵. شهادتنامه سند محسوب نمی‌شود و فقط

اعتبار شهادت را خواهد داشت.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. ظاهر این ماده این است که شهادت کتبی حکم شهادت شفاهی را دارد در صورتی که در بعضی از موارد ممکن است در طرز محاکمه در محکمه شهادت کتبی ممکن نباشد چنانچه نظرم است در قانون اخصار وراثت چنین^۱ ماده‌ای بود که محکمه شهود را باید احضار کند. این ماده ظاهرش این است که شهادت کتبی بعینه مثل شهادت شفاهی است. از این جهت بنده معتقدم آن قید بشود تا در بعضی موارد برای محاکم تولید اشکال نکند و اگر بنا شود در تمام موارد شهادت کتبی حکم شهادت شفاهی را داشته باشد این اسباب زحمت خواهد بود.

وزیر عدلیه (آقای صدر). اینجا فقط مقصود به اثر شهادت کتبی است که اعتبار او چقدر است آیا اعتبار سند را دارد یا نه در اینجا نفی شده و گفته شده است که اعتبار سند را ندارد فقط حکم شهادت شفاهی را دارد و حیثیتش به جای شهادت شفاهی است ولی البته محکمه شهود را شناسد یا توضیحات بخواند مانع از این نیست که آنها را احضار کند و توضیحات بخواند و این قسمت جنبه اصول محاکمات حقوقی را دارد و در قانون اصول محاکمات البته پیش‌بینی خواهد شد.

رئیس. آقای هزارجریبی.

هزارجریبی. بنده گمان می‌کنم در اینجا اسباب زحمت کلی خواهد شد برای اینکه می‌گوید شهادت‌نامه سند محسوب نمی‌شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت و در ماده ۱۲۱۵ هم می‌نویسد: شهادت باید از روی قطع و یقین باشد. خوب. این مکتوب است. کاغذ است یک سطر شهادت است که می‌نویسند پنجاه نفر و صد نفر هم مهر می‌کنند و از محل دوری می‌آورند قاضی که نمی‌تواند این همه را حاضر کند. در اینجا قاضی چه باید بکند و تکلیفش چیست؟ این ماده با آن

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

ماده که در باب شهادت نوشته اند اختلاف پیدا خواهد کرد می نویسد شهادتنامه فقط اعتبار شهادت را دارد ولی در آن ماده ۱۳۱۵ هم یک شرحی می نویسد که البته خیلی خوب است ولی این دو ماده با هم موافقت ندارد. مواد ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ یک شروطی برای شهادت قرار داده اند هم درست و صحیح ولی این ماده با آنها هیچ موافقت ندارد زیرا می گوید همین کاغذی که پنجاه، صد تا مهر دارد قبول کنید و قاضی چه تحقیقاتی با این صورت می تواند بکند؟ خوب است در این باب یک توضیحی بدهید.

جناب کمیسیون قوانین عدلیه (آقای نقابت). عرض کنم مدارکی که ضمیمه عرض حال یا هر مطالبه و حقی می شود از دو حال خارج نیست یا سند است یا استشهاد. برای سند ماده ۱۲۸۴ توصیف کرده که سند عبارت از نوشته ای است که قابل استناد باشد و کیفیت اسناد هم در مواد بعدی معین شده که چند قسم است. اما راجع به شهادتنامه اگر ضمیمه عرض حال شد باید دید تکلیفش چیست و چه تأثیری خواهد داشت یعنی مثل سند است یا نه؟ در اینجا مقصود این است که شهادتنامه مثل سند نیست و فقط اعتبار شهادت را دارد یعنی همان اندازه که بیان شاهد در محکمه می تواند مثبت دعوی باشد (فرض بفرمائید تا پنجاه تومان) شهادتنامه هم همان اثر را دارد یعنی اماره شهادت باشد ولی این مانع از این نیست که محکمه شهود را احضار کند و توضیحات از او بخواهد به دلیل اینکه در ماده ۱۳۱۶ نوشته شهادت باید به طور قطع و یقین باشد البته محکمه باید شاهد را احضار کند و از روی وجدان او بفهمد که راست است یا نه بنابراین اشکالی نیست و تناقضی هم با آن مواد که فرمودید ندارد.

رئیس. آقای عراقی.

عراقی. عرضی ندارم.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. در شور اول این ماده در کمیسیون مذاکرات زیاد شده بنده البته مقصودم این نیست که آنها را تکرار کنم ولی چون در اینجا همان طور

که آقای هزارجریبی فرمودند به طور کلی یک اشکالاتی به نظر بنده رسیده که وارد است و یک راه حلی هم به نظر من رسیده که باید اصلاح شود و رفع اشکالات خواهد شد. این ماده اگر به این ترتیب تصویب شود علاوه بر اینکه^۱ معارض خواهد بود با یک مواد دیگری که در جای دیگر غیر از این قانون تصویب شده (راجع به جرح شهود) بلکه اساساً موجب تراکم امور هم خواهد بود برای اینکه در قوانین راجع به صلحیه و همچنین در موارد دیگر راجع به شاهد گفته شده که شهود باید چه شرایطی داشته باشند و چطور در محکمه ادای شهادت کنند و طرف دیگر حق دارد آنها را جرح کند و از این گذشته در قانون مجازات عمومی یک ماده هست که می‌نویسد کسانی که شهادت دروغ می‌دهند و حکم محکمه به استناد این شهادت دروغ صادر شود بعد از صدور حکم اگر کذب شهود معلوم شد آن شهود مجازات دارند و اگر قاضی نتواند بدون استماع شهادت شهود در محکمه فقط به استناد یک ورقه استشهاد حکم بدهد فرضاً بعد از اینکه حکم صادر شد و کذب شهادت ثابت و مسلم شد محکمه چرا نمی‌تواند آن شهود را مجازات کند زیرا می‌گوید شهادت دروغ وقتی قابل تعقیب است که شاهد بیان خودش را در محکمه شفهاً اظهار کرده باشد نه نوشتن در ورقه شهادتنامه پس این ماده با آن ماده راجع به مجازات شهود منافات ندارد و در صورت کذب بودن قابل مجازات نمی‌داند چون ماده صریح است و می‌نویسد آن شهادت دروغی قابل مجازات است که در حضور محکمه ادای شهادت شده باشد. از آن گذشته وقتی که بنا باشد شهود در محکمه بیایند و در حضور قاضی شهادت بدهند چون در حضور قاضی با یک تشریفات شهادت می‌دهند از این جهت آن تبانی قبلی را از بین می‌برد. در هر صورت چون در این خصوص زیاد مذاکره شده است بنده نمی‌خواهم در این قسمت بیشتر از این چیزی عرض کنم.

۱. در متن فوق عبارت «اینکه» جایگزین عبارت «این» گردید.

در شور اول هم عرض شد به طور کلی راجع به شهادت مواد دیگری هست که تعیین می‌کنند شهود باید در محکمه حاضر شوند و اگر بنا شود اینجا نوشته شود استشهاد حکم شهادت را دارد آن وقت قاضی می‌تواند استناد کند به این ماده و بگوید چون شهادت‌نامه اعتبار شهادت شهود را دارد از این جهت حضور شهود در محکمه لازم نیست و حکم بدهد. ممکن است ایراد شود که اگر بنا باشد مجموع امور را شهود بیایند و در محکمه شهادت بدهند پس آنهایی که در خارج از محل محکمه است تکلیف آنها چه خواهد شد. تکلیف این نوع از شهود را هم قانون معلوم کرده. اگر شهود در محل محکمه نباشند قاضی یک نفر را مأمور می‌کند یا قاضی محل سکونت شهود را معلوم می‌کند تا شهادت شهود را استماع کند. صورت مجلس را تهیه می‌کنند و می‌فرستند اینجا هم یا شهود جرح می‌شوند یا حکم صادر می‌شود. این است که به نظر بنده اگر وزیر محترم عدلیه موافقت بفرمایند و این ماده حذف شود بهتر است. برای اینکه ما همیشه وجود یک ماده را برای جلوگیری از یک مضاری وضع می‌کنیم و بنده فکر می‌کنم اگر این ماده اساساً نباشد هیچ ضرری نخواهد داشت. برای اینکه با نبودن این ماده اگر به طور کلی باید به شهادت شهود اعتبار بدهند باز در حدود قانون مجبورند که بدهند و اگر هم نباید بدهند که نمی‌دهند. اگر استشهاد جزو سند محسوب می‌شود که محسوب خواهد شد و اگر هم نه که هیچ. یک موضوعاتی است که هیچ وقت قاضی نمی‌تواند اقداماتی بکند که برخلاف منظور قانون. این است که اگر آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند و این ماده حذف شود بهتر است. بنده پیشنهاد می‌کنم که جمله دوم این ماده که نوشته «فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت» تبدیل شود به این جمله:

ماده ۱۲۸۵. شهادت‌نامه سند محسوب نمی‌شود و فقط حکایت از شهادت شهود می‌نماید یعنی یک ورقه استشهادی که در محکمه ارائه می‌شود یک چیزی است که حکایت می‌کند از اینکه شهودی در خارج هست. با این صورت تصور می‌کنم رفع عیب بشود.

رئیس. آقای احتشام زاده.

احتشام زاده. نماینده محترم اگر توجه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که در اینجا منظور تعیین اعتبار و اثر شهادتنامه است از لحاظ اینکه ممکن است تصور کنند چون شهادتنامه هم یک نوشته ای است ممکن است اعتبار سند را داشته باشد. از این جهت لازم بود تصریح شود که این شهادتنامه اعتبار سند را ندارد منتهی چون شهادتنامه حاکی از این است که یک اشخاصی شهادت داده اند از این حیث به منزله شهادت قانون پیش‌بینی کرده اما احکام مربوطه به آن در جای خودش گفته شده و هیچ لازم نیست که در اینجا که در مقام تعیین اعتبار شهادت هستیم تمام احکام مربوطه به شهادت را هم بنویسیم اینکه فرمودید در قانون برای شهادت دروغ مجازاتی تعیین شده و قانون مخصوصاً قید کرده که مجازات در صورتی است که منحصرأ در محضر محکمه ادای شهادت کرده باشند در این قسمت گمان می‌کنم اشتباهی برای نماینده محترم شده باشد زیرا در قانون مجازات در باب مربوط به شهادت به طور کلی می‌نویسد هرکس شهادت دروغ بدهد و شهادتش مؤثر در حکم باشد اعم از اینکه این شهادت، شهادت کتبی باشد یا شهادتی که در محضر محکمه داده شده باشد و به نظر بنده در این مقام تعیین اعتبار شهادتنامه است و بنده تصور می‌کنم این اندازه کافی باشد آن وقت آن احکام مربوطه که شهادت چطور باید باشد آیا شهادت باید به طور قطع باشد (به طوری که آقای هزارجریبی اظهار نگرانی فرمودند) یا سایر موارد مربوطه‌ای که در باب شهادت نوشته شده است به نظر بنده حالا اینجا جایش نیست و بنابراین از نظر اینکه توهم می‌رفت که آیا شهادتنامه در حکم سند است و اعتبار سند را دارد یا خیر، لازم بوده است که در این مقام ذکر شود که شهادتنامه اعتبار شهادت را دارد و به منزله شهادت است حالا احکام شهادت چیست آیا حاکم لازم می‌داند که شهود هم بیایند در حضور محکمه و ادای شهادت کنند یا اینکه نوشته او مسلم و محرز باشد برای محکمه و محکمه لازم نداند که شاهد

را احضار کند در محکمه برای ادای شهادت. اینها يك مسائلي است که در جاي خودش در اصول محاکمات ذکر میشود اما اشکالي که از حیث جرحش فرمودند بنده تصور میکنم که اگر در يك مقامی محکمه کافی نداند شهادتنامه کتبی را برای ختم دعوي مانع نیست که اگر آن کسی که کتباً شهادت داده است اگر دلائلي برای جرح دارد بگوید البته محکمه رسیدگی میکند چنانچه جرح او را وارد دید این جرح او را ترتیب اثر میدهد به این جهت بنده عقیده ام این است که اشکالي نیست و مقتضی است به همین عبارتی که در قانون نوشته قناعت شود.

رئیس. آقای مؤیداحمدی.

مؤید احمدی. بنده تصور میکنم يك قدری در موضوع اشتباه شده باشد لازم دانستم تذکري عرض کنم اولاً دعاوي را ما بر چند قسم کردیم که يك قسمش در جلسه قبل گذشت یکی اسناد است یکی شهادت است یکی امارات است یکی قسم که به ترتیب بعد در هر کتابی می آید عجالتاً ما در باب شهادت نیستیم کتاب شهادت بعد از اسناد می آید این بحثها باید در آنجا بشود اینجا برای چه این کلمه را گذاشتیم (استدعا میکنم درست توجه بفرمائید) خاطرهم هست سابق که درس میخواندیم فقط يك موضوع را که میپرسیدیم میگفتند که موضوع باید جامع و مانع باشد یعنی افراد خودش را جمع کند و غرض خودش را طرد کند این تعریف صریح است. اینجا ما چند تعریف برای سند کردیم تعریف کردیم که سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوي قابل استناد باشد چون این تعریف مانع نیست یعنی استشهاد را وارد میکند فقط غرض از این ماده این است که استشهاد نوشته است سند نیست غرض از این ماده این است اما کیفیت استشهاد در باب شهادت مفصلاً ذکر شده است این توضیح را لازم دانستم عرض کنم.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. چون اینجا راجع به اشکالاتی که بنده در این ماده دیدم يك توضیحاتی فرمودند آقای احتشامزاده و آقای مؤید احمدی که نه تنها صحیح نبود بلکه جواب بنده را نمیداد این است که

خواستم به طور اختصار عرض کرده باشم که عرایض بنده و اشکالاتی که هست راجع به جمله اول نبود که آقای مؤید و آقای احتشامزاده از قسمت اول دفاع فرمودند بنده در اینکه شهادت سند محسوب بشود یا نشود هیچ عرضی نکردم بلکه عمده اشکال بنده به جمله دوم بود که خیلی اهمیت دارد برای اینکه اگر منظور جمله اول باشد ممکن است همان جمله قید شود به هر عنوان و هر صورتی که ممکن است ولی منظور بنده در قسمت دوم بود که نوشته بود فقط اعتبار شهادت را دارد این راه را می‌بندد برای محاکم. یک کسی استشهاد می‌کند روی این اصل دیگر بکلی اصلاً شهود را مستغنی می‌کند از اینکه بیایند در محکمه و ادای شهادت بکنند و با همین یک ورقه پاره و یک استشهاد قلابی که آورده است همان را کافی باید دانست که کسی را محکوم کند به پرداخت یک مبلغ هنگفتی که به طوری که قانون راه داده حکم صادر کنند از این جهت بنده عرض کردم که برای جرح شهود یک ترتیباتی در قانون معین کرده که این جلوگیری از او خواهد کرد خصوصاً قسمت دومش بعد از تصویب قانون اهمیت دارد چون قانون امارات و شهاداتی که در سنه ۱۳۰۶ از تصویب مجلس گذشته بود یک موارد مخصوصه بود که اگر استناد به شهادت شهود هم می‌کردند اصلاً نمی‌پذیرفتند. ولی در این قانون به طوری که آقایان ملاحظه می‌فرمایند خیلی توسعه داده شده است یک قسمتش را هم ناچار بوده‌اند توسعه بدهند این قسمت باعث شده که بگوئیم یک قسمت عمده و عادی به شهادت شهود قابل اثبات است و یک کسی یک استشهادی تهیه می‌کند و ضمیمه می‌کند آنجا تا کنون ترتیبات این بود که شاهد را می‌آوردند در محکمه مخصوصاً قاضی تحقیقات می‌کرد و شهادت شهود را استماع می‌کرد مخصوصاً از وکیل مدعی علیه سؤال می‌کردند که آیا چه سؤالاتی از شهود دارید ممکن بود در نتیجه این سؤالات اصلاً شهود بر می‌گشتند از شهادت یا مطلع می‌گشتند که جریان چه بوده است ولی اگر این ماده بگذرد محاکم دیگر نمی‌توانند این عملیات را بکنند به هر حال بنده مقصودم راجع به قسمت دوم است.

وزیر عدلیه. گرچه به نظر بنده خیلی این ماده محتاج به مذاکره نبود ولی چون مذاکره خیلی شد اینجا باید یک توضیحی عرض کنم بنده تصور می‌کنم مطلب به واسطه عدم توجه به اصل جنبه قانون و حیثیت این ماده خوب توجه نشده است این مواد تا به حال قانون مدنی نبود قانون اصول محاکمات بود آنجا هم جنبه ایجاد حق و هم جنبه دستور محاکمات یعنی قانون طرز با هم مخلوط بود حالا تفکیک می‌شود آن قسمت که مربوط است به ایجاد حقی که قانون مدنی اسم و حیثیتش است آن قسمتی که مربوط است به دستور محاکم که اسمش اصول محاکمات است در اصول محاکمات است اینجا یک بابی داریم برای شهادت همان طور که یک بابی داشتیم برای اقرار و اقرار را تعریف کردیم بعد گفتیم شرایط اقرار چیست یک جا هم گفتیم اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است یعنی تمام امتیازی که برای اقرار شفاهی است برای اقرار کتبی هم بعد از ثبوتش هست اینجا هم همان حال را دارد شهادت اعم از این است که ملفوظ شود یعنی به زبان گفته شود یا به قلم نوشته شود هیچ تفاوت ندارد امر صادر از یک شخصی که مبنی بر یک اخباری است این اخبار اعم از اینکه بنویسند یک کسی لال است فقط می‌نویسد یک کسی که خط ندارد می‌گوید یا کسی که هر دو را دارد گاهی حرف می‌زند گاهی می‌نویسد این از حیث ماهیت فرقی ندارد ولی چون در اذهان این است که اقرار آن است که شفاهاً گفته شود شهادت آن است که لفظاً گفته شود در قانون هم لازم بود که گفته شود که آنچه هم نوشته شود همان اثر ملفوظ دارد و اثرش این است می‌خواهیم اینجا بگوئیم چنانچه در ماده اول هم گفته شد سند عبارت از هر نوشته‌ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد موهم این بود که آیا شهادتنامه هم یک سندی است یک نوشته‌ای است قابل استناد؟ برای اینکه مبدا تصور شود این سند است مفهوماً خواستیم که از این فکر بیرون بپریم و تأثیراً هم خواستیم بگوئیم بی‌اثر نیست و اثر شهادت ملفوظ را خواهد داشت ولی کجا مؤثر است؟ در جایی که محکمه اعتماد کند شرایطش

چيست همان شرايطي كه در باب شهادت خواهيم گفت جرح دارد يا ندارد البته شهادت قابل جرح است اعم از اينكه ملفوظ يا مكتوب باشد مسئله طرز قبول شهادت اعم از كتي يا شفاهي و طريقه جرح شاهد اينها همه مربوط است به اصول محاكمات كه در آنجا نوشته خواهد شد عنقریب هم خدمت آقايمان مي‌رسد.

رئيس. موافقين با ماده ۱۲۸۵ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئيس. تصویب شد. ماده ۱۲۸۶:

ماده ۱۲۸۶. سند بر دو نوع است: رسمي و عادي.

رئيس. موافقين با ماده ۱۲۸۶ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئيس تصویب شد. ماده ۱۲۸۷:

ماده ۱۲۸۷. اسنادي كه در اداره ثبت اسناد و املاك و يا دفاتر اسناد رسمي يا در نزد ساير مأمورین رسمي در حدود صلاحیت آنها و برطبق مقررات قانوني^۱ تنظیم شده باشند^۲ رسمي است.

رئيس. آقاي ديبا.

طباطبائي ديبا. اين قسمت در قانون مدني خيلي اهميت دارد زيرا تماس دارد با عموم مردم. اين است كه بنده عقیده ام اين است كه در اطرافش اگر مذاكراتي بشود عيبي ندارد خاصه براي توضیحات است كه در کمیسیون عدليه مذاكره می‌شود كه بنده عقیده ام اين است كه در مجلس هم باید مذاكره شود و در صورت مجلس باید قيد شود كه يك وقتی ممكن است قابل استفاده بشود در اين ماده عبارت اين طور است كه طبق مقررات قانون تنظیم شده باشد اين

۱. در متن فوق عبارت «قانوني» جایگزین عبارت «قانون» گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدليه نیز عبارت «قانوني» به کار رفته است.

۲. در متن فوق عبارت «باشند» جایگزین عبارت «باشد» گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدليه نیز عبارت «باشند» به کار رفته است.

تنظیم ظاهرش این است که سند وقتی رسمی است که مابین دو نفر تنظیم شده باشد والا اگر یک سندی پیدا شد که از یک طرف تنظیم شده است نه از دو طرف آن وقت این شامل آنها نیست در صورتی که اینها هم سند رسمی محسوب می‌شود مثلاً صورت مجلس که در موقع ثبت اسناد در موقع تحدید حدود نوشته می‌شود این یک سندی است که مأمور صلاحیت دارد و مطابق قوانین این نوشته را امضا کرده و ممکن است برای طرف هم در یک موقع لازم باشد که در حقیقت این را نمی‌شود گفت که سندی است تنظیم شده ما بین دو نفر که از یک طرف مأمور دولت است و صلاحیت دارد و ممکن است در یک موقعی قابل دفاع و استناد باشد و همچنین اوراق هویتی که از اداره احصائیه صادر می‌شود این اوراق هویت را نمی‌گویند که اینها یک سندی است که تنظیم شده است پیش یک نفر و همچنین یک تصدیقاتی که از یک محاکمی صادر می‌شود بنده یک دعوائی در فلان محکمه دارم و یک تصدیقی از آن محکمه می‌گیرم البته در موقع دفاع و محاکمه آن تصدیق برای من سند رسمی است و مأمور صلاحیت‌دار آن را امضا کرده است با وجود اینها ظاهر این عبارت او را نمی‌رساند و همچنین یک موارد دیگری هم هست مثلاً چک‌های صادره از ناحیه دولت اینها یک اسنادی است که در واقع رسمی است مابین دو نفر تنظیم شده اینجا خوب است آقای وزیر عدلیه توضیحی بفرمایند و یا اینکه اگر ممکن باشد یک اصلاحی هم در این ماده بشود که این موارد را شامل شود.

رئیس. آقای احتشام‌زاده.

احتشام‌زاده. گمان می‌کنم این نگرانی نماینده محترم ناشی از این باشد که عبارتی که در ذهنشان شاید تصور فرمودند و اظهار نگرانی کردند عبارت قانون، عبارت تنظیم شده باشد، هست. تنظیم هم یعنی اینکه به اشخاصی که حاضر باشند بینشان تنظیم بشود نیست بلکه عبارت ساده است که این توهم و نگرانی را ممکن است ایجاد کند که یک اسنادی بین اشخاص تنظیم شده است و تنظیم اعم است از اینکه بین یک اشخاصی باشد یا در ادارات دولتی

باشد بنابراین عبارت تنظیم هیچ جای نگرانی برای این موردی که آقا فرمودند ندارد و به عقیده بنده همان طور که خود آقای نماینده محترم فرمودند تنظیم سند اعم است از اینکه بین اشخاص باشد یا در ادارات دولتی بدون اینکه اشخاصی طرف تبادل سند باشند تنظیم شده باشد پس به عقیده بنده نگرانی آقا مورد ندارد و عبارت تنظیم هیچ جای نگرانی برای آقا نخواهد داشت.

رئیس. آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی. در قسمت اول این ماده البته جای هیچ حرفی نیست اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی تنظیم می شود البته اینها سند است و شبهه هم در این موضوع نیست اما در قسمت بعد که می نویسد: یا در نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد اینها هم رسمی است بنده اینجا لازم دانستم یک عرضی بکنم و آن، این است که غرض از این ماده چون ماده اول را فراموش نمی کنیم غرض ما اسنادی است که در محکمه قابل پذیرفتن است غرض این است مثلاً فرض کنید اگر ما به مأمورین خارجی خودمان که در خارج حق داشته باشیم که سندی را برای تولد طفلی که در پاریس متولد می شود و از دو نفر ایرانی است تنظیم کند البته آن را هم ما سند رسمی می شناسیم یا در قسمت ثبت اسناد یا ازدواج یا طلاق و این قسمتهائی که در خارج واقع می شود البته چون در نزد مأمور صلاحیت دار است و چون به موجب قانون و مقررات قانونی تنظیم می شود البته سند است و رسمی است اما توضیح بنده راجع به یک موضوعی است که این خیلی کش پیدا نکند که صورت مجلس را هم که دو نفر مفتش در خارج تنظیم می کنند و درست می کنند آن را هم سند رسمی قلمداد کنند چون می گویند مأمورین صلاحیت دار هستند به موجب قانون هم هست. قانونی نیست آقا. چرا ما در قانون نوشتیم نظامنامه بنویسند و نظامنامه هم این طور نوشته شده و فردا می گویند این هم قانونی است و سند رسمی حساب کنند غرض از این ماده این نیست. غرض از این ماده اسنادی است که

در اداره ثبت اسناد و املاک تنظیم می‌شود غرض اسنادی است که مأمورین دولت ایران در خارجه به موجب وظیفه و مقررات قانونی تنظیم نمایند اینها سند است لکن چیزهای دیگر را شامل نیست چون آنها در محکمه قابل استناد نیست آن نوشته‌ای که در بیرون شهر درست می‌شود و بیش از این نمی‌خواهم توضیح بدهم همین قدر می‌خواهم عرض کنم که مقصود از این ماده این اسناد است نه هر کاغذی که در بین دو نفر تنظیم می‌شود.

وزیر عدلیه. نظر به اینکه پاره‌ای توضیحات در تفسیر قانون مؤثر است این است که بنده هم یک توضیحی عرض می‌کنم. منظور از این که می‌گوئیم سند رسمی قابل تکذیب و تردید نیست چیست و چه حکمت باعث شده که در قوانین این قسمت ذکر می‌شود، این است که طرز تنظیمش طوری باشد که مصون از حیثیت تکذیب باشد و نتوان آن را تکذیب کرد ولی چه موقعی این حیثیت را به خود می‌گیرد؟ وقتی که مطابق مقررات قانون مأمور صلاحیت دار آن را تنظیم کرده و مطابق مقررات قانونی تنظیم شده باشد یعنی قانون یک شرایطی را از برای صحت سندی که صحیحاً تنظیم شده باشد و از حیث صدور قابل تردید و تکذیب نباشد معین کرده و دستور داده است که سندی که مطابق آن دستور انجام شد اعم از اینکه بین یک طرف یا دو طرف یا در یک مجمعی باشد رسمی است و تفاوتی نمی‌کند پس این ملاحظات را قانونی که می‌خواهد یک سندی را که طرز تنظیمش را محکم کند معین می‌نماید مثل اینکه قانون دفاتر ثبت یک شرایطی را مقرر کرده است که مطابق آن شرایط اگر سندی تنظیم شد می‌گوئیم دیگر نمی‌شود آن را تکذیب کرد یعنی این حقیقتاً واقع شده است و صادر شده است به این کیفیت بنابراین یک عبارت جامعی اینجا نوشته شده است و ممکن است همان طور که یک قوانینی چنانچه الان داریم از برای طرز تنظیم

۱. در متن فوق عبارت «چه موقعی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

اسناد قوانینی هم بعد پیدا شود که فلان سند مثلاً نسبت به فلان امر این ترتیب باید تنظیم شود آن قانون طرز و تنظیم است و این قانون حقوق است یعنی او مؤثر است در آنچه را که قانون طرز و قانون دستور گفته است و ما اینجا بیش از این نمی‌گوئیم بنابراین نه جای این است که توسعه بدهیم به یک چیزهایی که نباید شامل بشود و نباید تضییق کرد به آن اسنادی که الان باید تنظیم شود مطابق قوانین این است که در اینجا نوشته شده است هر سندی که نزد مأمورین صلاحیت‌دار و مطابق مقررات قانونی تنظیم شده باشد آن سند رسمی است و تطبیق هم البته با محاکم و اشخاصی است که نظر در این اسناد می‌کنند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۷ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲۸۸:

ماده ۱۲۸۸. مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. این ماده در لایحه پیشنهادی دولت نبود و آقای وزیر عدلیه در کمیسیون این ماده را پیشنهاد کردند و علاوه شد ولی بنده آنچه مطالعه کردم حقیقتاً این ماده اگر به این ترتیب تصویب شود بکلی اعتبار اسناد رسمی از میان خواهد رفت و هرکسی بر علیه هر کس یک سند رسمی ابراز کند او ممکن است بیاید در محاکمه اظهار کند این سند صحیح است تنظیم هم شده است از من هم صادر شده است ولی مفادش مخالف قانون است آن وقت می‌افتد در جریان قانونی و محاکم و ممکن است یک سال طول بکشد بنده که سند بر علیه من تنظیم شده است این را ممکن است که بر روی جریان اینکه مفادش منافی با قانون است آن وقت در انظار محاکم چه چیز موافق قانون باشد یا مخالف قانون باشد این هم در موقع عمل اسباب زحمت می‌شود و بنده معتقدم علاوه براین در صورتی که ما در ماده سابق گفتیم طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد آن سند رسمی است و البته آن سند، سندی است که مفاد و تمام موادش حقیقتاً مطابق قانون تنظیم شده باشد دیگر احتیاج به این

ماده نیست زیرا در ماده اول گفتیم که سند رسمی آن است که مطابق قوانین تنظیم شده باشد چه اصل خود سند چه مفادش دیگر احتیاج به این ماده نیست.

وزیر عدلیه. سند معتبر باید از دو جهت ملاحظه شود به اعتبارش یکی از حیث صدور و طرز تنظیم که باید صدورش محرز بشود از ناحیه شخصی که آن را به طرف خود می‌دهد و یکی هم از حیث مفاد و دلالتش و بنا نیست که هر سندی که نوشته می‌شود با هر مدلولی قابل استناد باشد. این طور نیست البته باید مدلول استنادش صحیح باشد پس دو جنبه دارد و از آقای دیبا تعجب می‌کنم که همین طور ایراد کردند به این ماده در حالی که مفاد سندی مطابق قوانین نباشد چطور تصدیق می‌شود که قابل اجرا باشد مثلاً بنده رفتم روی یک سندی بر علیه آقای دیبا نسبت به یک خانه‌ای و خانه ایشان را به خودم منتقل کردم و رفتم در دفتر اسناد رسمی و صاحب دفتر هم یک آدم احمقی بود آمد و نوشت. ایشان می‌فرمایند قابل اجرا است این سند چون رسماً صادر شده است بلی دیگر؟ ولی خیر آقا باید مفادش مطابق قوانین باشد کسی که مالک نباشد چیزی را نمی‌تواند بفروشد کسی که معامله‌ای می‌کند باید معامله‌اش صحیح باشد اگر معامله‌ای شما بکنید و در آن قید کنید شرط فاسد و شرط مفسد عقد را اینجا باید اجرا شود؟ این هیچ تصور نمی‌شود به این جهت قید این ماده لازم بود و بنده در کمیسیون این را توضیح هم دادم (صحیح است).

رئیس. آقای اعتصام زاده.

اعتصام زاده. بنده با اصل ماده مخالفتی ندارم فقط راجع به جمله‌ای که در ماده بعد نوشته شده و مربوط به این ماده می‌شود عرضی داشتم در ماده بعد می‌نویسد غیر^۱ از اسناد مذکوره در ماده فوق، ماده فوق همین ماده ۱۲۸۸ است که می‌نویسد مفاد سند

۱. در متن فوق عبارت «غیر» جایگزین عبارت «خیر» گردید.

در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد تصور می‌کنم اینجا یا در مطبوعه اشتباه شده است یا باید جایش تغییر پیدا کند و جایش اینجا نیست والا مثل این می‌شود که گفته شود اسنادی که رسمی است نباید موافق قانون باشد و حال اینکه این طور نیست.

وزیر عدلیه. ایرادی که آقا فرمودند صحیح است و جایش را باید تغییر بدهیم و بنده موافقم. **خب.** تذکری که آقای اعتصام‌زاده دادند و آقای وزیر عدلیه هم موافقت فرمودند صحیح است و باید نوشته شود غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۲۸۷، تا رفع آن اشتباه بشود و بنده با این قسمت موافقت دارم.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۸ قیام فرمایند. (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۲۸۹ با اصلاحی که شد قرائت می‌شود: **ماده ۱۲۸۹.** غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۸۹ قیام فرمایند. (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲۹۰: **ماده ۱۲۹۰.** اسناد رسمی درباره طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

وزیر عدلیه. آنجا که نوشته شده وراثت و قائم مقام قانونی آنها به جای «آنها»، «آنان» نوشته شود بهتر است برای اینکه بعد از «اعتبار»، «آنها» تکرار شده است.

رئیس. ماده با اصلاح قرائت می‌شود.

۱. در متن فوق عبارت «وراثت جایگزین عبارت «وارثت گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «وراثت به کار رفته است. در رأی‌گیری نهایی نیز که در چند سطر بعد وجود دارد، عبارت «وارثت آمده است.

ماده ۱۲۹۰. اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۹۰ قیام فرمایند.

(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۲۹۱:

ماده ۱۲۹۱. اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است:

۱. اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید.

۲. هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب کرده یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء یا مهر کرده است.

رئیس. آقایان موافقین با ماده ۱۲۹۱ قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد ماده ۱۲۹۲:

ماده ۱۲۹۲. در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی^۱ از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۹۲ قیام فرمایند.

(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۲۹۳:

ماده ۱۲۹۳. هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضا یا مهر طرف باشد عادی است.

رئیس. آقای اعتبار.

۱. در متن فوق عبارت «به جهتی» جایگزین عبارت «مزبور» اضافه گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت مذکور وجود داشته است.

اعتبار. بنده توضیحی می‌خواستم آقای وزیر عدلیه بفرمایند که چطور می‌شود یک مأمور رسمی که البته تشریفاتی دارد تا بتواند تنظیم اسناد بکند یک اسنادی تدارک بکند که حق تنظیم آن را نداشته باشد. مثلاً طرفین تراضی می‌کنند برای یک معامله و می‌روند به محضر و اسناد تهیه می‌کنند البته غرض و نظرشان این است که سند رسمی باشد و همین طور معامله رسمی معامله می‌کنند اینجا بعد از مدتی که بینشان یک اختلافی شد و دعوا خواستند بکنند تازه گفته می‌شود که این مأمور رسمی نبوده یعنی رسمی بوده ولی حق تنظیم اسناد را نداشته و برخلاف وظیفه خود آمده است و این سند را تنظیم کرده است اینجا چه می‌شود؟ حقوق آن اشخاص به نظر بنده ضایع می‌شود و دعوایشان از بین می‌رود اگر مأمور این حق را نداشته است به نظر بنده از اول نباید سند را از اعتبار و رسمیت انداخت و گفت عادی است بلکه باید مأمور را مجازات کرد تنبیه کرد که چرا چنین سندی را صادر کرده.

وزیر عدلیه. اسناد رسمی مختلف است و همچنین یک سنخ هم ممکن است مفاهیم متعدده داشته باشد و آنها هر کدام در حدود خودشان مأمور تنظیم آن اسناد هستند مثلاً فرض کنید دفتری است در همدان برای ثبت معاملات آنجا و دفاتری است در تهران او مأمور است معاملات املاک حوزه آنجا را ثبت کند این یکی مأمور است معاملات املاک حوزه اینجا را اینجا ثبت کند برای احتراز از اینکه اسناد مثل سابق داخل هم نشود و معاملات متعدده در یک جا واقع نشود و معامله که در یک دفتری می‌شود باید به ثبت مرکزی محل تذکر بدهند و اخطار بفرستند تا دفتر املاک آنجا تصحیح کند یعنی نقل و انتقال ملک را آنجا بنویسد البته آن مأمور صلاحیت معامله را دارد که ملک در حوزه اداره ثبت آنجا واقع است و اگر آن معامله را مأمور جای دیگر کرد صلاحیت او را ندارد وقتی

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

اداره ثبت این را تنظیم کرد و اعلان کرد و اخطار کرد مأمور هم باید بکند مثل اینکه یک حکمی را محکمه استیناف به طور بدوی صادر کرد نمی‌توان گفت چون محکمه است و رتبه‌اش بالاتر پس حکمش را قبول کنیم قانون حدود قرار داده است آن مأمور کارش این است و کاری که خارج از صلاحیت مأمور شد اگر چه آن مأمور اساساً صلاحیت دارد برای اسناد ولی نه تنظیم این سند البته آن سند عادی است حالا مأمور تنبیه می‌شود، بشود ولیکن این ترتیب برای جلوگیری از اختلال اسناد لازم است.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۹۳ قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۹۴ قرائت می‌شود:

ماده ۱۲۹۴. عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.

رئیس. موافقین ماده ۱۲۹۴ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۹۵:

ماده ۱۲۹۵. محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

اولاً. اسناد مزبوره به علی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً. مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً. کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز باید معتبر بشناسند.

رابعاً. نماینده سیاسی و یا قنصلی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

رئیس. موافقین ماده ۱۲۹۵ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۹۶:

ماده ۱۲۹۶. هرگاه موافقت^۱ اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا کنسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۹۶ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۹۷:

ماده ۱۲۹۷. دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجري^۲ بر تاجر دیگر در صورتي که دعوي از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب می شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

رئیس. آقای کاشف.

کاشف. قانون دفاتر تجارتي را که مورد تشریفات رسمي قرار گرفته باشد سند قرار می دهد البته سند عادي ولي در عمل دیده شده است که دفاتر تجارتي ولو اینکه ثبت شده باشد در صورتي که ترتیب صحیح نداشته باشد در هیچ موردی نمی شود حقیقتاً استناد کرد که اینک در عمل مخصوصاً دیده شده که دفاتر مرتب اهمیتش از دفاتر ثبت شده بیشتر است یا بالعکس حالا در اینجا يك اشکال محاسباتي به نظر بنده رسید خواستم به عرض آقایان برسانم که به نجوی از انجا این قسمت را رفع فرمایند البته وقتی که دفتر مطابق این ماده اعتباری پیدا می کند

۱. در متن فوق عبارت «به» بعد از عبارت «موافقت» حذف گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «به» وجود ندارد.
۲. در متن فوق عبارت «تاجري» جایگزین عبارت «تاجر» گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «تاجري» وجود دارد.

بایستی آن تشریفات ثبتی طوری انجام بگیرد که سکنه و وقفه در این سند ثبت پیدا نشود مطابق معمول در آخر سنه محاسباتی که البته در ایران اول حمل^۱ است دفاتر تجدید میشود برای تجدید دفاتر باید یک سلسله دفاتری را مطابق قانون تجارت برد به اداره ثبت شرکتها و تقاضای ثبت کرد وقتی تقاضای ثبت پذیرفته میشود که دفاتر قبلی تمام شده باشد و صفحاتی که در او باقی است به وسیله مأمور ثبت باطل شود این هم صحیح است برای اینکه بعد نتوانند اقلامی را الحاق کنند ولی از موقعی که این دفاتر ثبت داده میشود اغلب در حدود پانزده روز الی یک ماه طول میکشد تا تنظیم شود و البته تاریخ تنظیم سندیت دارد مأمور در اول اردیبهشت یا بیستم فروردین ثبت میکند آن وقت معلوم نیست تکلیف معاملات تجارتي که در ظرف این مدت انجام میشود چیست اینجا باید بگوئیم که این معاملات داخل در آن دفتر هست یعنی همان حکم را دارد که سایر معاملات بعد از تاریخ ثبت در آن دفاتر نوشته شده است یا ندارد؟ اگر همان را دارد که البته باید تصریح شود و اگر ندارد آن وقت چطور میتوانیم بگوئیم در یک دفتر ثبت شده بیست روز معاملات صحیح نیست و سندیت ندارد بقیه اش سندیت دارد مگر اینکه اجرای این کار را طوری ترتیب بدهند که وقفه حاصل نشود یعنی در اول فروردین دفتری که به ثبت داده میشود همان روز ثبت شود و تاریخ همان روز سندیت داشته باشد.

وزیر عدلیه. در هر حال این قسمت مربوط به این قانون نیست و این قانون به طور کلی یک ترتیبی را معین میکند و برای آن مدتی که نماینده محترم تذکر دادند که در اداره ثبت اسناد دفاتر معطل میشود البته باید یک فکری کنند به اسم دفتر موقتی و یک چنین چیزهایی داشته باشند که آن چند روزی که

۱. حمل = فروردین

۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

دفتر اصلی معطل است در آنجا تنظیم شود ولی در هر حال وقتی که او هم درست شد باز مشمول این ماده می‌شود.

رئیس. موافقین ماده ۱۲۹۷ قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۹۸.

ماده ۱۲۹۸. دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود

لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه را که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی‌اعتباری آنچه را که بر ضرر او است ثابت کند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۹۸ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۲۹۹:

ماده ۱۲۹۹. دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:

۱. در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲. وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳. وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهت از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۲۹۹ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۰:

ماده ۱۳۰۰. در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۰۰ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۱:

ماده ۱۳۰۱. امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضا کننده دلیل است.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۰۱ قیام فرمایند.
(غالب نمایندگان قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۲:

ماده ۱۳۰۲. هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی

که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که^۱ حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضا نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد. **رئیس.** موافقین ماده ۱۳۰۲ قیام فرمایند. (اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۳:

ماده ۱۳۰۳. در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمۀ ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود. **رئیس.** موافقین ماده ۱۳۰۳ قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۴:

ماده ۱۳۰۴. هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضا کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۰۴ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد ماده ۱۳۰۵:

ماده ۱۳۰۵. در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. راجع به تاریخ اسناد به طور کلی در قانون محاکمات تکلیفی معلوم شده ولی در این ماده

۱. در متن فوق عبارت «که» جایگزین عبارت «و» گردیده. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «که» آمده است.

طوری نوشته شده مخصوصاً راجع به اسناد عادی تغییری داده شده به نظر بنده در اسناد رسمی تاریخی که در دفتر ثبت شده است اشخاص ثالث نمی‌توانند بگویند تاریخ این سند صحیح نیست چون تاریخش در دفاتر مربوطه ثبت شده ولی راجع به این قسمت در قانون اصول محاکمات حقوقی معین کرده که اشخاص می‌توانند تاریخ اسناد عادی را تردید بکنند یعنی بگویند که این سند بین دو نفر تنظیم شده ولی من نمی‌دانم حقیقتاً تاریخ این سند همین است یا اینکه بعد نوشته شده است و قبلاً تاریخ گذاشته‌اند و آن کسی که استناد به سند عادی می‌کند مکلف است ثابت کند که این سند عادی تاریخش موقعی نوشته شده که در همان سند معین شده از قبیل اینکه ثبت‌های ادارات باشد یا دلیل دیگری بیاورد راجع به تاریخ بنابراین به موجب آن قانون اگر کسی ثابت کرد که تاریخ سند عادی همان موقعی نوشته شده است که طرف مقابل آن را تردید کرده آن تاریخ سند عادی حتماً نسبت به اشخاص ثالث هم مؤثر است برای اینکه وقتی ثابت شد که این سند در اول شهریور ۱۳۰۲ نوشته شده البته بر علیه اشخاص ثالث هم تأثیر دارد یعنی تأثیر چنین تاریخ همان تأثیر تاریخ اسناد رسمی است ولی در این ماده نسبت به اسناد رسمی گفته شده است حتی برای اشخاص ثالث هم تأثیر دارد ولی نسبت به اسناد عادی به طور کلی نوشته شده است اشخاصی که در تنظیم آن مداخله داشته‌اند در باره آنها معتبر است در صورتی که مطابق قانون محاکمات که قبلاً تصویب شد اگر کسی توانست ثابت کند به موجب دلائل که سند عادی در فلان تاریخ نوشته شده البته آن تاریخ نسبت به اشخاص ثالث هم مؤثر خواهد بود از این جهت بنده تصور می‌کنم همان قیدی که نسبت به اسناد رسمی شده است در اسناد عادی هم بشود که وقتی ثابت شود تاریخ آن نسبت به اشخاص ثالث هم مؤثر باشد.

وزیر عدلیه. آقای دکتر جوان در موقع مذاکره این ماده در کمیسیون نبودند آنجا مذاکره شد مقصود از این ماده این است که وقتی البته در محکمه ثابت شد اعم از اینکه نسبت به اسم باشد نسبت به مبلغ

باشد تاریخ باشد جهات مؤثره هر چه اثبات شد اثبات شده است و در این هیچ حرفی نیست صحبت در این است که آیا طرف مقابل یعنی کسی که بر علیه او سند ابراز شده به تاریخ سند خود تاریخ می‌تواند تردید کند تکذیب کند یا خیر این ماده می‌گوید نسبت به اسناد رسمی نمی‌تواند برای اینکه اسناد رسمی اصل دارد و اصلش آن دفتری است که در آنجا مضبوط است و سند چون رسمی است نسبت به تاریخش هم اشخاص ثالث نمی‌توانند تردید کنند اما نسبت به اسناد عادی می‌توانند تردید کنند چه کسی می‌تواند تردید کند؟ آن کسی که تاریخ را گذاشته است البته خیر آن کسی هم که شریک بوده است و با هم سندی را به امضای همدیگر تاریخ گذاشته‌اند البته خیر وراث آنها هم نمی‌توانند ولی اشخاص ثالث می‌توانند و آن، این است که دعوی جعل می‌کنند این دو نفر با همدیگر سند را نوشته‌اند خط خودشان است امضاء هم خودشان کرده‌اند تاریخ هم خودشان

گذاشته‌اند به میل خودشان تاریخ پارسال گذاشته‌اند برای اینکه بر ضرر من تمام شود فرض بفرض من یک ملکی را خریده‌ام آن شخص فروشنده خودش به من فروخته و امضا کرده است ولی تاریخ را مقدم گذاشته چرا نتوانند نسبت به او تکذیب و تردید کنند؟ ولی وقتی که در محکمه ثابت شد البته صحیح است هرچه ثابت شد حکمش همراهش است و محتاج به ذکر نیست مقصود از معتبر این است که در اسناد رسمی تردید و تکذیب جائز نیست و در اسناد عادی همان طور که در اصل سند می‌توان تکذیب کرد نسبت به تاریخش هم علیحده می‌توان تکذیب کرد.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۰۵ قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۶:

کتاب سوم. در شهادت

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

باب اول. در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۶. جز در مواردی که قانون استثناء کرده

است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۰۶ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۷:

ماده ۱۳۰۷. در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی از انحاء قانونی بری شده است نمی‌تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت ثابت کند.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۰۷ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۸:

ماده ۱۳۰۸. دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۰۸ قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۰۹:

ماده ۱۳۰۹. در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۰۹ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۱۰:

ماده ۱۳۱۰. اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع و یا تعهدی بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان آن را فقط

به وسیله شهود اثبات کرد اگر چه مدعی دعوی خود را به پانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرفنظر کند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۱۰ قیام فرمایند.
(غالب نمایندگان قیام نمودند) تصویب شد.

گفتار چهاردهم. شور دوم مواد ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۱۴
جلسه ۲۸

۲. شور لایحه قانون مدنی راجع به دلایل اثبات دعوی
از ماده ۱۳۱۱

رئیس. شروع میشود به قرائت مواد قانون مدنی از ماده ۱۳۱۱:

ماده ۱۳۱۱. قیمت پانصد ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد منوط است نه موقع مطالبه و نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منوط قیمت روز مطالبه است.
رئیس. آقای احتشامزاده.

احتشامزاده. موافقم.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۱۱ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۱۲:

ماده ۱۳۱۲. احکام مذکور در فوق در موارد^۱ ذیل جاری نخواهد بود:

۱. در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲. در مواردی که به واسطه حادثه گرفتن سند ممکن

۱. در متن فوق عبارت «موارد» جایگزین عبارت «مواد» گردید. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «موارد» آمده است.

نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳. نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمی‌باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراها و نایب‌گاهها می‌سپارند و مثل حق‌الزحمه اطباء و قابله^۱ همچنین انجام تعهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهائی که به مقاطعه و نحو آن تعهد شده اگر چه اصل تعهد به موجب سند باشد.

۴. در صورتی که سند به واسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد.

۵. در موارد^۲ ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. راجع به مورد اول از ماده ۱۳۱۲ در شور اول بنده عرایض را عرض کردم که محتاج به اصلاح است البتّه سایر مواردی که ذکر شده است مواردی است که اصلاً تهیه سند ممکن نیست ولی این قسمت طوری نوشته شده است که هر کس اگر بخواهد یک دعوائی که به شهادت شهود قابل اثبات نیست می‌تواند به استفاده و استناد از شق اول این ماده ۱۳۱۲ ترتیبی فراهم کند که اصل منظور را تغییر بدهد برای اینکه در این فقره می‌گوید هر کس یک دلیلی داشته باشد و معین نمی‌کند که چه دلیلی بالاخره یک دلیلی تهیه کرده می‌تواند به ضمیمه این دلیل شهودی اقامه کند و دعوی خودش را

۱. در متن فوق عبارت «و» بعد از عبارت «قابله» حذف شد. عبارت «همچنین ... تا آخر جمله» در جلسه ۲ مورخ ۱۳۱۴/۷/۲۷ به این بند الحاق گردیده است.

۲. در متن فوق عبارت «موارد» بعد از عبارت «در» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «موارد» وجود داشته است.

ثابت کند مثلاً فرض بفرمائید يك كسي ادعای ملكي مي‌كند از ديگري سندي هم ندارد مي‌رود با ديگري تباني مي‌كند و يك سندي تنظيم مي‌كند آن وقت مي‌آيد اقامه دعوي مي‌كند به استناد آن سندي كه در محضر در دفتر اسناد رسمي تنظيم کرده است ادعا مي‌كند كه ملك مال من است به دليل اينكه فلان شخص به من فروخته است در تكميل اين دليل خودش هم ده نفر شاهد اقامه مي‌كند در صورتي كه اگر اين قسمت نبود نمي‌توانست اين كار را بكنند براي اينكه مشمول هيچ يك از اين موارد نمي‌شود كه بتواند اين كار را بكنند و دليلي تهيه بكنند بديهي است در اين دعوي اگر بيايد به سابقه تصرفش استناد كند اين خودش يك دليلي است و اين بالاخره يك دليلي مي‌شود خودش به تنهائي و خودش قابل اين است كه مدرك دعوایش بشود ولي اگر مطابق شق اول اين ماده ۱۳۱۲ اين كار را بكنند اصل مقصود از اين قانون كه جلوگیری کرده است كه در مواردی كه بتواند سند تهيه بكنند نتواند به شهادت شهود استناد كند از بين مي‌رود از اين جهت بنده اين شق را محتاج به اصلاح مي‌دانستم ولي تصور مي‌كنم مقصود عمده اين بوده است كه اگر كسي نتوانست به موجب يك سند كتي كه منتسب به مدعي‌عليه است اصل دعوي خودش را ثابت كند مثل اينكه مدعي‌عليه يك مراسله به او نوشته در ضمن مراسله اقرار مي‌كند كه من به تو يك ديني دارم ولي مبلغش را معين نكرده البته اينجا مانعي ندارد مثل اينكه در مثالش ذكر کرده است و ثابت مي‌كند كه به موجب اين مراسله تو يكي ديني به من داري ولي مبلغش معلوم نيست و مبلغش را به شهادت شهود ثابت كند از اين جهت بنده سابقاً هم پيشنهاد کرده بودم كه اينجا قيد بشود كه هر دليلي كافي نيست كه به استناد آن اقامه شهود بشود بلكه نوشته شود در مواردی كه اقامه شاهد براي تقويت يا تكميل دليل كتي باشد كه منتسب به طرف مقابل باشد يا كسي كه قائل مقام يا وارث طرف مقابل است.

وزير عدليه (آقای صدر). بياني كه آقاي غاينده كردند اصل مقصود از ماده هم همین است نه اين است

که يك راهي از براي حيله و از براي دعاوي باطل باز شود و بخواهد به وسيله او يعني يك دليل موهومي بياورند و بعد به شاهد تكميل بكنند دلايلي كه ذكر شده است براي اثبات دعوي چند قسم است يك دلايلي است كه حد تأثير آنها در اثبات دعوي مطلق است و محدود به حدي نيست مثل اقرار به سند و بعضي از دلايل هست كه محدود است مثل شهادت كه في حد نفسه تأثير آن را تا پانصد ريال معين کرده ايم و يا اماراتي كه در نظر قاضي هست كه به خودي خود نمي‌تواند دلايلي بشود پس دعوي با هر دلايلي كه اقامه شد كه به خودي خود مي‌توانست آن دليل اثبات كند يعني يك وقت است دليل به طور قطعي است بر مطلب كه محتاج به هيچ تقويتي نيست مثل يك اقرار صريح و سند رسمي يك وقت است كه دليل قدرتي ضعيف است يعني من حيث الصدور يا من حيث الدلاله يك قدرتي ضعيف است ممكن است كه صدورش قوي باشد ولي داللتش همين‌طور كه اينجا مثال زده شده است مجمل باشد و داللت بر تعيين نكند اينجا شاهد مي‌آورد بر مقدار يا اقرار مي‌كند بر يك ديني ولي مقدار را معين نمي‌كند و يك وقت اين است كه صدورش يك قدرتي ضعيف است نه به آن معني كه بكلي موهوم است مثلاً سندي است عادي در مقام اثبات است دلايلي هم بر صحت او هست در اينجا جايز است كه به شهود تكميل شود و اين عين مطلبي بود كه اينجا نوشتيم و همين طور در مورد ترديد و تكذيب سند يكي از موارد كه سند تقويت مي‌شد به شهادت اشخاصي بود كه مطلع از تنظيم آن سند بودند. اين ماده چيز ديگري ندارد.

رئيس. آقاي اورنگ.

اورنگ. در اين ماده در فقراتي كه ذيل ماده ذكر شده بنابر اعتقاد من يك جزء از اينجا كسر است و لايق است اين جزء را اگر آقاي وزير عدليه موافقت مي‌فرمايند يك توضيحي بفرمايند يا در تكميل اين فقرات مذكوره آن فقره هم اضافه شود. دو مسئله است در عادت و عرف ما خيلي جاري است يكي مسئله جهيز است كه زن به خانه شوهر مي‌برد و يكي اشياء

و اسبابی است که شوهر در وقت ازدواج برای زن می‌فرستند و آن بر دو قسم است يك قسمش این است که آن اشیائی را که شوهر برای زن می‌فرستد در ضمن قبالة زن ذکر می‌شود که انگشت یا چه یا چه جزء مهر است جزء صداق است آن اشکالی ندارد و متکی است به يك سند رسمي که آن عقدنامه باشد ولي عرفاً و عادتاً غالباً این طور اتفاق می‌افتد که آن اشیائی که از طرف شوهر داده می‌شود در قبالة ذکر نمی‌شود و همین طور می‌دهند و جزء صداق محسوب نیست جهیز زن هم وقتی که به خانه شوهر می‌برد عرفاً و عادتاً يك سند رسمي از شوهر نمی‌گیرند که يك چنین اشیائی تسلیم و تحویل خانه شما شده و در غالب از نزاع‌های مربوط به این دو مقدمه وقتی که اتفاق می‌افتد هیچ مدرکی برای زن مدرک صحیح محکم پسند برای زن موجود نیست که بر حسب آن مدرک اثبات کند که این مقدار جهیز من در خانه این شوهر گذاشته‌ام تا وقتی که منجر به طلاق می‌شود وقتی که زن مهریه خود را مطالبه می‌کند برای شوهر هیچ قسم سند و مدرک در دست نیست که يك اشیائی به قیمت گزاف من تسلیم این زن کرده‌ام این دو موضوع فقط راه اثباتش در عرف و عادت ما به شهادت شهود است آن هم شهادت اشخاص معینی و در این موضوع مخصوص نمی‌شود انسانی داوره شهادت شهود را وسعت بدهد و از هر کسی استشهاد بکند برای اینکه هر کسی اطلاع بر این واقعه ندارد شهود این قضیه بیشتر از زنها و مردهائی هستند که داخل در این جریان و کیفیت بوده‌اند. این دو موضوع را که یکی جهیز زن است در خانه شوهر و یکی هم اشیای شوهر است که تسلیم زن می‌کند ولي در قبالة زن داخل نیست و ذکر نشده و جزء مهر نیست این دو موضوع را خواستم تذکر بدهم که اگر چنانچه آقای وزیر عدلیه و آقای محیر و همچنین آقایان موافقت بفرمایند

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

یکی از فروع مذکوره در این ماده این دو موضوع باشد یکی جهاز زن و یکی اشیائی که از طرف شوهر در موقع عقد به زن تسلیم می‌شود و جزء صداقش در

قباله منظور نیست.

وزیر عدلیه. اینجا در این ماده يك كلي نوشته شده است و آن، این است که نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نیست می‌باشد و باقی از باب مثال ذکر شده است پس اگر يك موارد دیگری هم باشد که بر حسب عرف و عادت تحصیل سند معمول نیست داخل اینجا می‌شود زیرا حصر به موارد مذکوره ندارد ولي این من باب مثل است و چه بسا هست که يك وقتی معمول بشود مثل اینکه بعضی ها معمول دارند که جهیزی که همراه دختر می‌کنند سند می‌گیرند از آن شوهر یا از کسانی. اگر عادت بر آن جاری است آنجا پس معمولاً سند تحصیل می‌کنند و آنجا هم البته سند، سند عادی است نه رسمی و آن طور اسناد را باید ترتیب اثر داد و اگر عادت بر این جاری نیست مثل خیلی از شهرها و دهات که شاید خیلی صحیح هم است اگر چنین کاری نکنند در آنجا آن وقت داخل این موضوع می‌شود بعلاوه این را می‌توان در مورد ماده پنج هم برد که دارد ضمان قهری. این هم ضمان قهری است که چون يك مالي برده‌اند و دست دیگری سپرده‌اند مال، مال دیگری است وقتی به دست دیگری بدهند امانت می‌شود و امانت هم ضمان قهری می‌آورد و با آن ماده می‌توان تطبیق نمود والا همین موضوع کافی است.

رئیس. موافقین با ماده هزار و سیصد و دوازده قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و سیزده:

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. محکومین به مجازات جنائی.
۲. محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.
۳. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۴. اشخاص معروف به فساد اخلاق.
۵. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.
۶. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

رئیس. آقای دیبا.

طباطبائی دیبا. بنده عقیده ام این است که این ماده اگر با این ترتیب تصویب شود در مقام عمل باز خیلی اسباب زحمت و اشکال خواهد شد چون بدیهی است ما عجالتاً سجل جزائی نداریم یعنی اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت می‌شوند باید یک سجل جزائی داشته باشند و در وزارت عدلیه یک دفتر منظم و مرتبی باشد که در موقع لزوم مراجعه به آن دفتر بکنند تا آن وقت معلوم شود که این شخص مرتکب جنایت یا جنحه شده است یا خیر. متأسفانه یک چنین سجل جزائی ما امروز نداریم و بنده تذکراً عرض می‌کنم و تقاضا دارم آقای وزیر عدلیه هر چه زودتر نسبت به این قضیه توجهی بفرمایند و فکری برای این موضوع بنمایند که ما یک سجل جزائی داشته باشیم و مرتکبین به جنحه و جنایت همیشه معلوم و مشخص باشند. عجالتاً که این سجل جزائی نیست این ماده در موقع عمل اسباب زحمت مردم خواهد شد چون از استشهاد مردم که نمی‌شود جلوگیری نمود. بنده فرض کنید وقتی یک دعوائی دارم استشهاد می‌کنم و به محکمه تسلیم می‌کنم لیکن محکمه در عمل باید مطالعه کند که این شخص مرتکب جنحه و جنایت شده است یا نه و این هم چون سجل جزائی نداریم خیلی در مقام عمل مشکل خواهد شد و بلکه هیچ ممکن نیست فعلاً یک استشهادی که به محکمه وارد شد محکمه بدو باید این شخص را تحقیق کند تعقیب کند آن وقت جریان اداریش چقدر طول دارد محکمه باید بنویسد به نظمی، نظمی اطلاع بدهد که این شخص مرتکب جنحه و جنایت هست یا نیست آن هم بعد از مدتی که مطالعه و تحقیقات بکنند تا بالاخره این خبر را بدهد و این در مقام عمل حقیقتاً اسباب زحمت

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

خواهد بود و آن وقت جلوي مردم را هم نمی‌توان گرفت و يك استشهادي هم که به محکمه تسليم شد محکمه مجبور است در مقام عمل تحقیقات بکند. این يك عرض بنده. عرض دیگر بنده در این قسمت بود که محکومین به جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محکمه محروم کرده باشد. فعلاً در قوانینی که تا به حال ما داریم چنین چیزی نیست که محکمه در حکم خود تصریح کند به اینکه فلان شخص از شهادت دادن محروم است بلکه در قوانین يك سابقه‌اي ما داریم که محکمه ممکن است حکم بدهد که يك کسی از حقوق مدنی محروم است ولي اینکه بالخصوص محکمه حکم بدهد که يك کسی از دادن شهادت در محکمه محروم است این را نداریم. عرض دیگر بنده راجع به نفع شخصی بوده و به عقیده بنده اینجا باید يك لفظ «فعلي»

هم اضافه شود. کسی که نفع شخصی فعلی در دعوي داشته باشد والا نسبت به هر شخصی ممکن است گفت که نفع شخصی متصورى دارد مثلاً پدر راجع به پسر یا به عکس و همین طور زوجی در باره زوجه و بالعکس اینها بالمال ممکن است يك نفع شخصی داشته باشند و باید يك کلمه «فعلي» اضافه شود که این اشکال رفع شود.

رئیس. آقای احتشام‌زاده.

احتشام‌زاده. اشکالی را که نماینده محترم در مورد محکومین به امور جزائی فرمودند به نظر بنده وارد نیست. راست است که ما يك سجل جزائی منظمی نداریم و تمام اشخاص از حیث ارتکاب امور جزائی هویتشان محرز و در تحت يك انضباطی نیست ولي طرف دعوي يك کسی که استشهاد می‌کند به شهادت اشخاص آن طرف قضیه البته خودش سعی می‌کند و تحقیق می‌کند در اطراف آن شهود و اگر دلائلی پیدا کرد و به محکمه تسليم نمود و اثبات کرد که این آدم محکومیت جزائی دارد و در نظر محکمه هم محرز شد که این آدم محکوم به جنحه و جنایت است البته جرح می‌شود رد می‌شود شهادت او والا اگر صرف ادعا شد که این آدم محکوم به ارتکاب جنایت است یا این شاهد محکوم به جنحه است البته این يك ادعائی است بی دلیل و مردود و

نسبت به يك چنين^۱ شاهدي نمی‌شود جرح را وارد کرد و در مورد فقره ۲ که فرمودید در چه موردی است که مطابق قانون يك محکومى ممکن است در حکم محکومیتش قيد شود که این از ادای شهادت ممنوع است يك ماده کلی داریم که از بعضی از حقوق اجتماعى ممکن است يك آدمی که شهادت کذب داده است محکمه جنحه در مورد این محکوم تصریح کند که این آدم علاوه بر اینکه محکوم است به فلان مدت حبس از ادای شهادت هم در آتیّه ممنوع است این معمول است در قوانین ما به طور کلی هست ولی البتّه به طرز خاصی در قانون جزا که تحت يك ماده مخصوصی معین کرده باشد که از چه قبیل جرائم موجب حرمان از شهادت باشد نداریم ولی ماده داریم که اصل کلی است که راجع است به محرومیت از حقوق اجتماعى از کل یا بعض آن و به عقیده بنده اشکالى ندارد و مثالش را هم زدم که در مورد کسی که به واسطه دادن شهادت کذب محکومیت جزائی دارد و محکوم شده است محکمه ممکن است مقتضى بداند که این آدم را از ادای شهادت محروم نماید و در حکمش هم قيد می‌کند. اما موضوع نفع شخصی که فرمودید که نوشته شود بالفعل نفع شخصی داشته باشند به نظر بنده اگر بیانیم این نظر آقا را وارد کنیم و بگوئیم که اشخاصی که بالقوه هم نفع شخصی در يك دارائی دارند محروم باشند عیبی ندارد يعنى اگر بگوئیم پسری نسبت به پدرش نمی‌تواند شهادت بدهد به نظر بنده اشکالى ندارد مضافاً به اینکه عبارت مفهوم بالفعلی را می‌رساند نه مفهوم بالقوه را.

رئیس. آقاي وثوق.

وثوق. این ماده شش مورد اشخاصی که شهادت آنها مسموع نیست تصریح کرده ولی اشخاصی که انتساب سببی یا نسبی دارند ذکر نشده است مثلاً شهادت برادر نسبت به برادر یا شوهر نسبت به زن یا برعکس چون در قانون مدنی اینها قيد شده است عقیده بنده

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

این است این مواردی که در قوانین دیگر به طور کلی نوشته شده در اینجا هم باید تصریح شود حالا اگر موافقت می‌فرمایند فید شود.

وزیر عدلیه. راجع به قسمت فرمایش آقای دیبا اگر چه آقای احتشام زاده جواب دادند ولی در قسمت آخرش یک قدری خودشان هم متمایل بودند به اینکه کسی که بالمآل هم نفع شخصی پیدا می‌کند بتواند شهادت بدهد و یک قدری تمایل به این قسمت و این موضوع داشتند و سست جواب دادند (خنده نمایندگان) اما در قسمت محکومیت جزائی این قانون، قانون مدنی است یعنی شهادت این اشخاص پذیرفته نیست اگر معلوم نشد که این محکوم شده است به جنایت یا به جنحه‌ای که محروم شده است از حقوق اجتماعی یا حق شهادت دادن اگر معلوم نشد خوب نشده اینجا طرز ادای شهادت و طرز مداخله بیان نمی‌شود آقا. البته اینها مربوط به اصول محاکمات است در آنجا که می‌نویسد طرز ادای شهادت چیست به طرف مقابل هم حق داده می‌شود که بگوید این شخص محکوم به جنحه است و از حق شهادت دادن محروم است. در این قانون خود حکم نوشته می‌شود و از این جهت لازم نبود این معنی نوشته شود اما راجع به قسمت نفع شخصی که فرمودند آن معنائی که آقای دیبا در نظر داشتند عبارت کاملاً آن را در بر دارد و می‌فهماند چون نفع شخصی داشته باشد غیر از این است که بالمآل و احتمالاً پیدا کند بعدها. مگر پسر لازم است که همیشه بعد از پدر بمیرد؟ خیلی پسرها هم پیش از پدر مرده‌اند و می‌میرند و وارث واقع نمی‌شوند و اما راجع به مسئله نسبت و قرابت نسبی که آقای وثوق نمایند محترم بیان کردند این اساساً مورد ندارد در این موضوع به جهت اینکه اولاً پاره‌ای از امور هست که شهادت اشخاص داخلی خیلی زیاد در آن^۱ مؤثر است تا شهادت دیگران مثلاً ساعت تولد یا وفات و امثال

۱. در متن فوق عبارت «در آن» جایگزین عبارت «درش» گردید.

اینها را چه کسی^۱ خواهد فهمید؟ اینها هستند دیگر و همچنین بعضی از امور داخلی خانوادگی هست که مربوط است به اقارب و آنها بهتر میدانند و میفهمند گذشته از آن مسئله اینکه این شاهد متهم به کذب باشد یا نه؟ یک امری است شخصی و هیچ وقت نمیتوان یک ملاک کلی و قانونی برای این مسئله قرار داد و جز همینهایی که گفته شده است غیر از اینها را نمیشود تصور کرد در بین اقربای این شخص ممکن است شهادت یک نفر طوری باشد که مساوی باشد با شهادت تمام مردم از حیث حصول اطمینان و اعتماد و ممکن هم هست تمام اقربا با هم شهادتی بدهند و اشخاص خارج هم ضمیمه آنها بشوند معذک اعتماد حاصل نشود پس این مربوط است به اشخاص. یک شخصی است که به تنهایی قولش کاملاً طرف اعتماد است و یک وقت هم هست که یک کسی هیچ طرف اعتماد نیست و شهادتش هم مسموع نیست گذشته از اینها که شهادت همیشه بر له نیست گاهی هم بر علیه میشود و اگر چنانچه ما بخواهیم بنویسیم که شهادت اقرباء مسموع نیست این هیچ خوب نیست (صحیح است) و هیچ ملاکی نیست که بگوئیم شهادت اقرباء بر علیه اقرباء مؤثر نیست هیچ چنین^۲ قانونی نیست خوب هم نیست باشد. (صحیح است)

رئیس. موافقین با ماده هزار و سیصد و سیزده قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و چهارده قرائت میشود.

ماده ۱۳۱۴. شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

رئیس. موافقین با ماده هزار و سیصد و چهارده

۱. در متن فوق عبارت «چه کسی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و پانزده:

باب دوم. در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۵. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شك و تردید.
رئیس. آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(جمعی قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و شانزده:

ماده ۱۳۱۶. شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد.
رئیس. آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و هفده:

ماده ۱۳۱۷. شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید.
رئیس. موافقین با ماده هزار و سیصد و هفده قیام نمایند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و هیجده:

ماده ۱۳۱۸. اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد.
رئیس. آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و نوزده:

ماده ۱۳۱۹. در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.
رئیس. آقای اعتبار.

اعتبار. بنده منظورم این بود که در قسمت اشخاصی که برخلاف واقع شهادت می‌دهند و بعد معلوم شود که آنها شهادت دروغ داده‌اند اینجا اگر به این اختصار از آنها صرف‌نظر نشود بهتر است و خوب است که

اینجا يك جبران خسارتي هم لااقل قائل بشویم که کسی به این فکرها نیفتد زیرا مانعی ندارد که برود شهادت بدهد محکمه هم شهادت را بپذیرد و حکم بدهد بعد معلوم شود که شهادت دروغ داده اند اینک نمی شود این برخلاف منظور است و مجازاتی هم که ندارد و بازخواست نمی شود و به عقیده بنده این عمل بد و اخلاق ناپسند تکرار می شود اگر مجازاتی قائل بشویم جلوگیری می کند از این مسائل.

خبر (آقای نقابت). بنده در جواب توجه می دهم آقای نماینده محترم را به قانون مجازات عمومی که برای شهادت دروغ مجازاتی معین کرده است و می نویسد اگر کسی شهادت دروغ بدهد و در حکم محکمه مؤثر باشد به مجازات جنحه محکوم می شود و اگر مؤثر نباشد باز هم به مجازات های دیگری که خفیفتر است محکوم خواهد شد به این جهت چون در قانون مجازات عمومی برای شهادت دروغ مجازاتی معین شده است نظر آقا تأمین شده است. ...

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۱۹ قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۳۲۰:

ماده ۱۳۲۰. شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

رئیس. موافقین با این ماده قیام نمایند.

(جمعی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۳۲۱:

کتاب چهارم. در امارات

ماده ۱۳۲۱. اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۲۱ قیام نمایند.

(عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۳۲۲:

ماده ۱۳۲۲. امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر.

رئیس. موافقین با ماده هزار و سیصد و بیست و دو

قیام فرمایند.

(اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۱۳۲۳:

ماده ۱۳۲۳. امارات قانونی در کلیه دعاوی اگرچه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد.

رئیس. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام کردند) تصویب شد ماده ۱۳۲۴:

ماده ۱۳۲۴. اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده^۲ عبارت است از اوضاع و احوالی^۳ در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد^۴ است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. این ماده در جمله‌ای که بنده به نظرم رسیده مبهم است و بعلاوه ممکن است که در بعضی موارد هم برخلاف منظوری باشد که نوشته شده است. ظاهراً ماده این طور می‌رساند که امارات قضائی یعنی اماره‌ای که در قانون تأثیر آن ذکر نشده است ولی نظر به اوضاع و احوالی است که قاضی از یک قضیه استنباط کرده این را، قانون به آن یک ترتیب اثری داده و گفته است که قاضی می‌تواند

۱. در متن فوق عبارت «خلاف» جایگزین عبارت «خلاف» گردید.

۲. در متن فوق بعد از عبارت «شده» عبارت «است» حذف گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «است» وجود نداشت.

۳. در متن فوق بعد از عبارت «احوالی» عبارت «که» حذف گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه عبارت «که» وجود نداشت.

۴. در متن فوق عبارت «استناد» جایگزین عبارت «استشهاد» گردید. در لایحه دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «استناد» به کار رفته است.

۵. در متن فوق عبارت «به آن» جایگزین عبارت «بهش» گردید.

به^۱ این اماره استناد کند این اماره قضائی است و اینجا دو مورد معین شده در جایی که قاضی می‌تواند استناد به چنین اماره‌ای بکند ظاهراً یکی می‌نویسد اگر دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد قاضی می‌تواند به چنین اماره‌ای استناد کند بعداً هم کلمه‌ای ذکر می‌کند به عنوان «یا» که تقسیم می‌کند قسمت اول جمله را با قسمت دوم و می‌گوید قاضی وقتی هم می‌تواند استناد به اماره بکند که این اماره ادله دیگری را تکمیل کند و اگر درست دقت شود این قسمت دوم عمومی و کلی است و این شامل تمام موارد است یعنی هر جا قاضی دلائلی داشته باشد خواه کتبی باشد خواه رسمی باشد شاهد خواه دلائل دیگر باشد آنجا می‌تواند برای تکمیل آن ادله استناد به این اماره قضائی بکند یعنی می‌خواهم عرض کنم که این قسمت دوم که نوشته است ادله دیگری را تکمیل کند این خودش شامل مواردی هم هست که به شهادت شهود قابل اثبات باشد این است که چون قسمت دوم خیلی کلی است و شامل قسمت اول هم هست اینجا ذکر کردن دعوی آن قسمتی که به شهادت شهود هم قابل اثبات است به نظر بنده زائد است ولی اگر مقصود این باشد که خیر، وقتی که دعوائی به شهادت شهود قابل اثبات است قاضی می‌تواند اگر شهادت شهودی هم نباشد چون خود شهادت شهود قابل اثبات است می‌تواند تنها به اماره قضائی استناد کند و حکم صادر کند اگر این مقصود باشد که قابل تجزیه است ولی این مقصود گمان نمی‌کنم باشد برای اینکه صحیح نیست و به قاضی اجازه داده نشده است که وقتی یکی از این ادله پنج گانه که در ماده اول این قانون ذکر شده و تا نباشد قاضی نمی‌تواند حکم بدهد یا باید شهادت باشد یا اسناد کتبی باشد یا اماره قانونی باشد بنابراین در این ماده این تقسیمی که شده است چون قسمت دوم نوشته شده است که ادله دیگر را

۱. در متن فوق عبارت «به» جایگزین عبارت «یا» گردید.

تکمیل کند واقعاً شامل قسمت اول هم هست و از قسمت اول هم آن منظوری که عرض کردم مقصود نبوده است از این جهت بنده به نظرم آمد که اگر آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند در این ماده نوشته شود که در صورتی قابل استناد است که ادله دیگر را تکمیل کند آن وقت شامل این قسمت اول هم خواهد بود.

وزیر عدلیه. اینکه آقای نماینده بیان کردند مقصود نیست مقصود همان است که ظاهر ماده دلالت بر آن دارد و تقسیم هم شده است همان طوری که در ابتدای این قسمت در ادله اثبات دعوی ذکر شده است و بیان شد که ادله اثبات دعوی بر چند قسم است و یکی از اینها هم امارات بود نه چنین بود که امارات مثل یک سرباری است که ضمیمه است و خودش استقلالی ندارد در اثبات دعوی خیر آن هم جزء

ادله است نهایت حدود تأثیرش کوچک است مثل شهادت عیناً و هیچ تفاوتی ندارد اماره اگر دلالت نداشته باشد بر مقصود و بر مطلب یعنی دلالت تام مثبت در نظر قاضی البته کان لم یکن است او و دیگر اماره نیست ولی اگر داشت چنین^۱ فرض کنید که یک اماره و اوضاع و احوالی به قدری قوی است که قطع حاصل می شود برای قاضی چه مانعی دارد که به همان استناد بکند اما تا چه حد تا همان حد است که از برای شهادت گذاشتیم یعنی همان پانصد ریال به این معنی که شهادت آن را اثبات می کند یا ادله دیگر را تکمیل کند زیرا که اوضاع و احوال همیشه ممکن است با هر ادله باشد و البته اگر باشد قاضی باید بشنود و نباید رد کند.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۲۴ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۲۵ قرائت می شود:

ماده ۱۳۲۵. در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می تواند حکم به دعوی خود را که

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.
رئیس. موافقین با ماده ۱۳۲۵ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۲۶ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۲۶. در موارد ماده فوق مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.^۱

رئیس. رأی می‌گیرم به ماده ۱۳۲۶ موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

۷. بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۳۲۷

رئیس. ماده ۱۳۲۷ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۲۷. مدعی یا مدعی‌علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب به شخص آن طرف باشد بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب به یک طرف باشد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۲۷ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۲۸ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا^۲ باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند

۱. در مورد عبارت «حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند» به مشروح مذاکرات جلسه ۳ فوق‌العاده مورخ ۱۳۱۴/۷/۲۹ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی مراجعه شود.
۲. در متن فوق عبارت «یا» بعد از عبارت «کند» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه نیز عبارت «یا» وجود دارد.

و اگر نه قسم یادکند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۲۸ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۲۹ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۲۹. قسم به کسی متوجه می‌گردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۳۰ قرائت می‌شود.^۱

ماده ۱۳۳۰. تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل قسم یاد کند.

رئیس. آقای دکتر جوان.

دکتر جوان. در قانون محاکمات ماده ۱۷۹ سابق یک ماده‌ای بود که آنجا موارد را ذکر کرده که در وکالتنامه مخصوصاً موکل باید تصریح کند که وکیل چه اموری را حق دارد مثل اینکه باید بنویسد حق صلح دارد حق ارجاع به خیره دارد حق تقاضای حکمیت دارد یعنی اگر کسی به طور کلی به یک کسی وکالت بدهد که برود محاکمه کند آن وکیل نمی‌تواند برود اصلاح کند یا تقاضای حکم بکند مگر اینکه موارد او باید در وکالتنامه تصریح شود ولی در اینجا نوشته شده است تقاضای قسم قابل توکیل است این صحیح است و ممکن است وکالت دهند و بنویسد که وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم بدهد ظاهراً این ماده این را می‌رساند مثل اینکه کسی که وکیل شده است و می‌رود محاکمه کند به طور کلی این کس که برای او در وکالتنامه صریحاً قید نشده است که طرف را قسم بدهد آن وقت مطابق این ماده می‌تواند برود و طرف را قسم بدهد در صورتی که این ترتیب

۱. در متن فوق عبارت «می‌شود» جایگزین عبارت «شد» گردید.

خوب نیست و بایستی صریح نوشته شود برای اینکه قسم دادن به طرف خودش یک آثاری دارد و گذشته کسی که قسم می‌دهد دیگر شکایتی بعد از قسم از او پذیرفته نمی‌شود چون قسم قاطع دعوی است از این جهت بنده عقیده دارم که در اینجا قید شود که در وکالت نامه صریحاً قید شود که حق قسم دادن دارد ولی این طور که نوشته شده است که وکیل می‌تواند طرف را قسم بدهد به عقیده بنده کافی نیست یا اینکه صریحاً قید شود یا اینکه همان عبارت که نوشته است تقاضای قسم قابل توکیل است خودش کافی است.

وزیر عدلیه. اینجا عبارت «و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد» توضیح جمله اول است که قسم قابل توکیل است و مفهوم مخالفش هم که نفی شده است این است که قسم خوردن قابل توکیل نیست و اینکه آیا در آن وکالت‌نامه باید قید شود یا نشود مربوط به اصول محاکمات است و البته در آنجا هم نوشته خواهد شد که بعداً تصویب می‌شود.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۳۱ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۳۱. قسم قاطع دعوی است و هیچ گونه اظهاري که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.

رئیس. موافقین ماده ۱۳۳۱ برخیزند.

(اغلب برخاستند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۳۲ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۳۲. قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده‌اند و قائم مقام آنها مؤثر است.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۳۳ قرائت می‌شود.

ماده ۱۳۳۳. در دعوی بر متوفی در صورتی که اصل حق

ثابت شده و بقاء^۱ آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم می‌تواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند. در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی‌تواند قسم را به مدعی‌علیه رد کند.

حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.

رئیس. موافقین با ماده ۱۳۳۳ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۳۴ قرائت می‌شود:

ماده ۱۳۳۴. در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می‌تواند نسبت به آنچه که مورد ادعای او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است.

رئیس. موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند).

رئیس. تصویب شد. ماده ۱۳۳۵ قرائت می‌شود.

ماده ۱۳۳۵. در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد:

۱. دعاوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت^۲ و شرکتها هستند.

۲. دعاوی راجع به ضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از محاکمه.

۳. دعوی تصرف عدوانی.

۱. در متن فوق عبارت «در» بعد از عبارت «بقاء» حذف شد. در لایحه دولت و مشروح مذاکرات کمیسیون عدلیه و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون مذکور نیز عبارت «در» وجود ندارد.

۲. در متن فوق شماره «۱۳۳۴» جایگزین شماره «۱۳۳۳» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «دولت» بعد از عبارت «ادارات» اضافه شد.

در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون قوانین عدلیه و نیز مشروح مذاکرات جلسه ۳ فوق‌العاده مورخ ۱۳۱۴/۷/۲۹ کمیسیون مذکور نیز عبارت «دولت» پس از عبارت «ادارات» وجود داشته است.

۴. دعوی مزاحمت در صورتی که منتهی به اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد.
۵. دعوی راجعه به اصل امتیازاتی که از طرف دولت داده می‌شود.
۶. دعاوی راجعه به علائم صنعتی و اسم و علائم تجارتي و حق‌التصنیف و حق اختراع و امثال اینها.
رئیس. موافقین با ماده ۱۳۳۵ قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند).
رئیس. تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است
(خالفی نیست؟) رأی گرفته می‌شود به مجموع ۱۵۲
ماده. آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند) تصویب شد.

بخش چهارم

اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات

تغییرات قانون مدنی

فصل اول

اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی قبل از پیروزی انقلاب

مبحث اول. قانون مربوط به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق یک تبصره
به ماده ۹۸۹ قانون مدنی راجع به ایرانیانی که ترک تابعیت کرده‌اند
مصوب ۱۳۳۷/۱۱/۱۱

گفتار اول. متن لایحه

اداره :
شماره : ۳۹۳۸۶/۱۰۷۹
تاریخ : ۱۳۳۶/۸/۱۵
پیوست :
ساحت محترم مجلس سنا

به طوری که خاطر آقایان سناتورها محترم مستحضر است نظر به اینکه عده‌ای از ایرانیان که سال‌های متمادی در کشورهای بیگانه اقامت نموده و در نتیجه رعایت قوانین کشور متوقفیه تابعیت خارجه به آنها تحمیل شده و یا به جهاتی تحصیل تابعیت خارجی نموده‌اند و قصد مراجعت به میهن اصلی و اقامت در ایران را دارند و مراجعاتی در این زمینه به مقامات مختلف کشور نموده‌اند و مواد ۹۸۸ و ۹۸۹ قانون مدنی کتاب تابعیت مانع از اجرای این منظور است لذا برای اصلاح مواد مذکور ماده واحده زیر پیشنهاد و تقاضای تصویب آن را

می‌نماید.

ماده واحده: تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی به این صورت اصلاح می‌شود:

تبصره: کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت یک سال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهد نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتی به بخواهند به طور موقت یا دائم به ایران بیایند اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را باید تحصیل نمایند.

ماده ۹۸۹ قانون مدنی به این صورت اصلاح می‌شود:

ماده ۹۸۹. هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود مگر آنکه هیئت وزیران بنا به مصالح تابعیت خارجی او را به رسمیت بشناسد در این صورت شخص مزبور می‌تواند با کسب اجازه از وزارت امور خارجه به ایران آمده و به طور موقت یا دائم در ایران اقامت نماید و کلیه اموال غیرمنقول او با نظارت دادستان محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

نخست وزیر وزیر امور خارجه کفیل وزارت دادگستری

گفتار دوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس سنا

جلسه ۲۷۸، شنبه ۱۳۳۶/۹/۲۲

رئیس. لایحه اصلاح ماده ۹۸۸ و ۹۸۹ قانون مدنی راجع

به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده اند مطرح است گزارش كميسيون قرائت مي‌شود.

(به شرح زير قرائت شد)

گزارش از كميسيون شماره ۱ (خارجيه) به مجلس سنا:

لايحه اصلاح ماده ۹۸۸ و ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده اند در كميسيون خارجيه با حضور آفای مشفق كاظمي معاون وزارت امور خارجيه مطرح گرديد و پس از بحث لازم با اصلاحاتي به تصويب رسيد و جهت اظهارنظر به كميسيون دادگستري احاله گرديد. كميسيون مزبور با حضور مديركل قضائي وزارت دادگستري و مديركل وزارت خارجيه ضمن تأييد نظر كميسيون خارجيه در آخر عبارت ماده ۹۸۹ اصلاحي به عمل آورد كه مورد تصويب قرار گرفت و اينك گزارش آن به شرح ذيل براي شور اول تقديم مجلس محترم سنا مي‌شود.

مجلس كميسيون خارجيه . عباس مسعودي

ماده واحده. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به اين صورت اصلاح مي‌شود:

تبصره. كساني كه بر طبق اين ماده مبادرت به تقاضاي ترك تابعيت ايران و قبول تابعيت خارجي مي‌نمايند علاوه بر اجراي مقرراتي كه ضمن فقره ۳ از اين ماده درباره آنان مقرر است بايد در مدت يك سال از ايران خارج شوند چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهد نمود و چنين اشخاصي هرگاه در آتيه بخواهند به طور موقت يا دائم به ايران بيايند اجازه مخصوص وزارت امور خارجيه را بايد تحصيل نمايند.

ماده ۹۸۹ قانون مدني به اين صورت اصلاح مي‌شود:

ماده ۹۸۹. هر تبعه ايراني كه بدون رعايت مقررات قانوني بعد از تاريخ ۱۲۸۰ شمسي تابعيت خارجي تحصيل كرده باشد تابعيت خارجي او كان لم يكن بوده و تبعه ايران شناخته مي‌شود و كلييه اموال غيرمنقول او با نظارت دادستان محل به فروش رسيده و پس از

وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود. چنانچه هیأت وزیران بنا به مصالحی تابعیت خارجی او را به رسمیت بشناسد شخص مزبور میتواند با کسب اجازه از وزارت امور خارجه به ایران آمده و برای مدتی که وزارت خارجه مقتضی بداند در ایران اقامت نماید.

رئیس. در کلیات اگر نظری هست بفرمایید؟ آقای لسانی بفرمایید.

لسانی. تبصره پیشنهادی برای اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ است که در این تبصره نوشته است «کسانی که برطبق این ماده میادرت به تقاضای ترک تابعیت و قبول تابعیت خارجی^۱ می نمایند» خود ماده که در بالا هست ببینید به چه کیفیت است و این تبصره است که نوشته کسانی که بر طبق آن ماده ترک تابعیت میکنند. در این ماده ترک تابعیت به شرایط ذیل است:

۱. سن به ۲۵ سال تمام رسیده باشد.

۲. هیأت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه

بدهد.

پس معلوم میشود که برای خروج از تابعیت تصویب هیأت دولت ایران لازم است چنین شخصی که با تصویب هیأت دولت از تابعیت ایران خارج شده اگر خواست بیاید به ایران طبق تبصره سابق برای هر مرتبه اجازه هیأت وزیران لازم بود آن هم برای یک دفعه و مدت معین حالا آقایان در این اصلاحی که کرده اند تصویب هیأت دولت را برداشته اند مدت را هم برداشته اند این طور نوشته اند:

۱. در متن فوق عبارت «را» بعد از عبارت «خارجی» حذف گردید. عبارت مذکور در لایحه دولت و گزارش کمیسیون وجود نداشت.

«چنانچه هیأت وزیران بنا به مصالحی تابعیت

خارجی او را به رسمیت بشناسد شخص مزبور می‌تواند با کسب اجازه از وزارت امور خارجه به ایران آمده و برای مدتی که وزارت خارجه مقتضی بداند در ایران اقامت نماید.»

تصویب هیأت وزیران را برداشته‌اند و مدت را هم برداشته‌اند. (مسعودی - اشتباه فرموده‌اند ماده پایین را فرمودید) عرض کردم که ماده به این کیفیت اصلاح شده است در این تبصره تناقض شدیدی وجود دارد در بالا نوشته‌اند که هر تبعه ایرانی که طبق این ماده از تابعیت ایران خارج شود و در آخر نوشته‌اند که چنانچه هیأت وزیران بنا به مصلحتی تابعیت خارجی را به رسمیت بشناسد پس معلوم می‌شود این شامل اشخاصی است که ترک تابعیت کرده‌اند و هیأت وزیران خروج آنها را از تابعیت ایران تصویب نکرده است. رفع این تناقض را به چه نحو می‌خواهید انجام دهید و به‌علاوه هر روز ما می‌گوییم اتباع ایرانی که در عراق هستند و صحبت می‌شود دویست و هفتاد و چهار هزار یا دویست و هفتاد و پنج هزار نفر هستند گفته می‌شود در حدود دویست هزار نفر یا کمتر از تابعیت ایران خارج شده‌اند و یا هر روز عصبانی هستیم چرا ایرانیانی که به آمریکا می‌روند برای تحصیل یا به عناوین دیگر ترک تابعیت می‌کنند وقتی که دولت ایران یعنی هیأت وزیرات تصویب نکرد خروج او را از تابعیت، او تبعه ایران محسوب می‌شود و دیگر این قیود و این حرف‌ها را لازم ندارد او تبعه ایران محسوب می‌شود و بایستی دولت ایران او را تبعه ایران بداند. مثلاً در عراقی که می‌گویند ۲۷۵ هزار نفر ایرانی ساکن است بنده تحقیق کردم در تمام این مدت یعنی بعد از حوادث شهریور ماه فقط یک نفر در سال ۱۳۲۵ ترک تابعیت کرده و طبق تشریفات قانونی دولت موافقت کرده است والا هیچ اثری از ترک تابعیت آن ۲۷۵ هزار نفر وجود ندارد اگر رفته باشند خودشان بنا به مصلحتی که چون خانه نداشتند و خانه می‌خواستند و یا دکان نداشتند و دکان

میخواستند تابعیت دولت عراق را قبول کردند یا در آمریکا تابعیت دولت آمریکا را قبول کرده اند دولت ایران که آنها را تابع عراق نمی‌شناسد. دولت ایران آنان را تابع ایران می‌شناسد و اصولاً وزارت خارجه چه شأن نزول خاصی برای این قانون در نظر گرفته که موجب شده است که به این کیفیت این لایحه را تنظیم کند در ذیل تبصره اول می‌گوید:

«هرگاه در آتیه بخواهد به طور موقت یا دائم به ایران بیاید اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را باید تحصیل نمایند».

به عقیده بنده اشکال ندارد اگر کسی که طبق مقررات قانون ترک تابعیت کرده باشد اما قسمت اصلاحی ماده ۹۸۹ در آخرش می‌گوید:

«چنانچه هیأت وزیران بنا به مصالح^۱ تابعیت

خارجی او را به رسمیت بشناسد» اول بایستی هیأت

دولت خروج او را از تابعیت ایران قبول بکند وقتی قبول کردند آن وقت باید اجازه اش را دولت ایران بدهد اما چطور می‌آید تنها کسی که پنج سال یا ده سال پیش ترک تابعیت کرده است برخلاف این قانون حتماً حالا شما می‌آید و می‌گویید که خروج او را از تابعیت به رسمیت بشناسیم و آن وقت برای هر مدتی که مقتضی دانستیم اجازه اقامت بدهیم به عقیده بنده این صحیح نیست وزارت امور خارجه بایستی این مطلب را قدری روشن بکنند که موضوع چیست و نسبت به اتباع ایرانی که در خارج هستند واقعاً آیا آرشیوی ندارند؟ فهرستی ندارند؟ و چه اشخاصی ترک تابعیت کرده اند این را که می‌توانید تعیین کنید این صریح ماده ۹۸۸ است که بایستی خروج از تابعیت به تصویب هیأت دولت باشد این را که می‌توانید تعیین بکنید هر تذکره ای که برای ایرانی

۱. در متن فوق عبارت «مصالحی» جایگزین عبارت «مصلحتی» گردید.

در متن لایحه و گزارش کمیسیون عبارت «مصالحی» وجود دارد.

داده اند و خارج شده است و در مقابل آن تصویب نامه ای در هیأت دولت برای ترك تابعیت او نیست تبعه ایران محسوب می شود و دیگر با این کیفیت این اصلاحات به نظر بنده لازم نبوده است و اینها تبعه ایران محسوب می شوند و اگر رفته اند آنجا و خواسته اند سوء استفاده ای بکنند و یا از مزایای آن کشوری که اقامت می کنند استفاده بکنند يك تابعیتی قبول کرده اند به عقیده من این تابعیت صحیح نیست و تابع ایران محسوب می شوند.

رئیس. آقای معاون وزارت امور خارجه بفرمایید.
معاون وزارت امور خارجه (آقای مشفق کاظمی). می خواستم قبلاً به استحضار آقایان نمایندگان محترم مجلس سنا برسانم که اگر خاطر آقایان باشد این قانون و این اصلاحی را که ما پیشنهاد کردیم و امروز مطرح است بیشتر از طرف بعضی از آقایان و همکاران خود آقایان بوده است یعنی جناب آقای مطیع الدوله حجازی مدتی است که درباره این موضوع صحبت کرده اند و البته ملاحظه فرموده اند و بالاخره يك طرحی را دادند بعد هم در یکی از جلسات مجلس سنا بنده به عرض آقایان محترم رساندم که دولت هم خودش متوجه است و بعضی مراجعات می شود و ما داریم يك طرحی تهیه می کنیم و این طرح هم تهیه شده است و به نظر بنده جنای آقای لسانی يك اندازه ای توجه نفرمودند، این دوتا اصلاح است یعنی دو ماده است البته اشخاصی هستند می آیند به طور عادی تقاضای خروج از تابعیت می کنند این دیگر يك تشریفات خیلی مفصلی دارد و بایستی موافقت بشود و در مرحله آخر هیأت دولت با خروج تابعیت آنها موافقت می کند البته در این صورت يك سند ترك تابعیت می گیرد و به تابعیت يك مملکتی هم قطعاً وارد شده است و گذرنامه ای هم که از ایران می گیرد دیگر مال آن مملکت است و از تابعیت خارج می شود. برای چنین آدمی يك اصلاحی کردیم. اما يك کسانی هم هستند که یا می روند به خارج یا فعلاً مقیم يك مملکتی هستند و از تابعیت ما عملاً خارج نمی شوند ملاحظه بفرمایید ما قبول نداریم همان را که دو بل ناسیونالیزه می گویند از نظر قانون ما آنها را خارجی نمی شناسیم

یعنی هر وقت آن شخص بخواهد به ایران بیاید باید با گذرنامه ایرانی بیاید و این هم به کشورش آمده است و حالا بعضی از ممالک يك تسهیلاتی میکنند یعنی اگماض میکنند در این نوع^۱ مواقع برای هر دوی این طبقات بایستی در نظر گرفت که يك مواردي هست که پیش‌آمدهایی میشود از لحاظ بشري و منافع مملکت صلاح آنها این است که بیایند به ایران در قانون گذشته کسی که ترك تابعیت رسمی می‌کرد یا تشریفاتش را انجام می‌داد فقط يك دفعه حق داشت به ایران برگردد و آن هم با نظر هیأت وزیران و حالا هم این يك نکته‌ای است که بنده عرض می‌کنم برای استحضار آقایان قسمت گذرنامه و قسمت ترك تابعیت که هنوز طبق قانون با هیأت دولت است خوب در يك زمانی که دولت خیلی گرفتاری دارد و کار دارد هر روز بخواهد هیأت دولت بنشینند اغلب آقایان خودشان یا رئیس دولت بوده‌اند یا عضو دولت بوده‌اند می‌دانند که هیأت دولت این قدر وقت ندارد که هر روز بنشینند و رسیدگی کند که فلان مسلمان یا فلان کلیمی می‌خواهد برود یا دیگری می‌خواهد بیاید این است که در قسمت گذرنامه اخیراً يك کارهایی کردیم و اینکه اینجا اصلاح شده که به‌جای هیأت وزیران، وزارت امور خارجه رسیدگی بکند مقصود این است که قدری در این کار تسهیل بشود مقصود این است که هر دو طبقه گاهی پیش می‌آید که احتیاج دارند بیایند به ایران اقوامی دارند و يك کارهایی دارند از این لحاظ این تسهیلات را قائل شدیم. این بود که خواستم عرض کنم این دو اصلاح قدری با هم فرق دارد در اصلاح اولی سابق فقط يك دفعه می‌توانست بیاید حالا نوشته شده است که هرگاه در آینده بخواهند به طور موقت و یا دائم به ایران بیایند اجاه وزارت امور خارجه را باید کسب نمایند البته در قسمت همان ایرانیانی است که فرض بفرمایید در عراق مجبور شده‌اند که تقاضای تابعیت

۱. در متن فوق عبارت «نوع» جایگزین عبارت «جور» گردید.

بكنند و البته ما خودمان خيلي خوشوقت هستيم همانطور كه حضرتعالى فرموديد عده زيادى هستند، كه خارج نميشوند چه بهتر از اين ما كه مخالف نيستيم ولي يك عده اى يا به واسطه اقوامشان يا گرفتاريهاي ديگرشان اجبار پيدا کرده اند كه به صورت منظم از تابعيت ايران خارج شوند مع هذا اقوامى دارند گاهى ميخواهند^۱ بيايند و براي اينها اين ترتيب را پيشنهاد كرديم اما قسمت دوم را اگر ملاحظه بفرماييد ميگويد «هر تبعه ايراني كه بدون رعايت

مقررات قانوني بعد از ۱۲۸۰ شمسي تابعيت خارجي تحصيل کرده باشند تابعيت خارجي او كان لم يكن بوده و تبعه ايران شناخته ميشود و كلييه اموال غيرمنقول او با نظارت دادستان محل به فروش رسيده و پس از وضع خارج فروش قيمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضويت مجالس مقننه و انجمنهاي ايالتي و ولايتي و شهرداري و هرگونه مشاغل دولتي محروم خواهد بود» ديگر از اين مجازات بالاتر كه نميشده و ضمناً

اين را خود آقايمان هم پيشنهاد كردند يك چيزي نيست كه دولت ابتكاري آورده باشد ولي چنانكه هيأت وزيران آقايمان هم مراجعه فرمودند و از جاهاي ديگر هم ما تحقيق كرديم ديدم ساير ممالك مثل فرانسه و غيره اين كار را ميكنند و مفيد ميدانند براي اينكه اين يك قدرتي دو بل ناسيوناليته ميشود از لحاظ وضع ملكتي و مقتضيات و مصالح يا اينكه آن شخص ارتباطي داشته باشد براي او نوشته ام چنانچه هيأت وزيران بنا به مصالح تابعيت خارجي او را به رسميت بشناسد و قبول كند كه اين امر كافي شده است و ميتواند با كسب اجازه از وزارت امور خارجه به ايران آمده و براي مدتي كه وزارت خارجه مقتضي بداند در ايران اقامت نمايد بنده تناقض در اين كار نمي بينيم البته در اين ماده

۱. در متن فوق عبارت «خواهند» جايزين عبارت «خواهد» گرديد.

نوشته است که با تصویب وزارت امور خارجه و این کار هیأت وزیران را آسان می‌کند که هر روز مجبور نباشند بنشینند و تصویب بکنند که فلان آدم به ایران برگردد و بنابراین ما بایستی با این امر موافقت بکنیم. (لسانی - ترك تابعیت او را که تصویب نکرده‌اید او ایرانی است و به ایران برمی‌گردد). آخر عرض کردم به طورکلی این هست که اگر يك ایرانی که در خارج باشد اگر بدون رعایت مقررات خارج از تابعیت ما شده باشد که او خارجی نیست ایرانی است و هر وقت بخواهد به ایران می‌آید و ظاهراً باید با گذرنامه ایرانی بیاید ولی عرض کردم که چنانچه به مصالحی و این در موارد خیلی خاصی است و مراجعه شده اشخاص هستند رفته‌اند آنجا حالا در آمریکا هستند زن گرفته‌اند زندگی دارند، کار دارند فعلاً آمریکایی شده‌اند اگر ما اصرار بکنیم با گذرنامه ایرانی بیایند نمی‌تواند با گذرنامه ایرانی مراجعت کند ولی برای اینکه در اینجا خانواده دارد اقوامی دارد و يك دلایلی است که می‌آید به اینجا و شاید در اینجا تغییر تابعیت بدهد این تشویقی هم هست برای اینکه قانون سابق که به عقیده بنده خوب قانونی هم بود برای مدتی خیلی هم شدید بود یعنی اگر کسی مدتی ترك تابعیت می‌کرد باید اموالش را بفروشد حالا شاید همان شخص می‌خواهد دو مرتبه برگردد رفته است ده سال در آمریکا و فرانسه و آلمان و عراق مانده است و حالا می‌خواهد برگردد یا برای يك مدت خیلی موقت بیاید به ایران چه بسا که ممکن است اوضاع ما را ببینند و اصلاحات مملکت را ببینند و اصلاً برنگردد و در همین جا بماند (نبیل سمیعی - چه لزومی دارد که بیاید) البته يك مواردی هست که پیش می‌آید ممکن است در اینجا می‌خواهد مادرش را ببینند آقایان اطلاع دارند که چقدر اشخاصی هستند از جوانها و افراد دیگر که رفته‌اند و خانواده‌شان در اینجا است و مایلند که برگردند. (نبیل سمیعی - می‌آید اینجا و وقتی که از اینجا خوش آمد وزیر می‌شود و جای شما را می‌گیرد) خیر سوء تفاهم نشود اگر ملاحظه فرموده باشید ما این قسمت‌ها را مخصوصاً پس از مجازات

گذاشته ام براي اينكه اگر يك چنين ايراني كه ترك تابعيت کرده و ما او را خارجي شناختيم دو مرتبه ايراني بشود زودتر از ۵ سال نمي تواند و به آساني نمي تواند وزير و وكيل بشود خاطر آقا جمع باشد.
رئيس. آقاي شمس ملك آرا بفرمايند.

شمس ملك آرا. موضوع تابعيت و ترك تابعيت به نظر بنده مسأله بسيار مهم و بغيرنجي است. جناب آقاي دكتور متين دفتری در اين باب مي توانند خوب اظهار نظر نمايند اگر يك قانون تابعيتي بود كه تمام مالك يكسان قبول مي کردند البته اين اشكالات پيش نمي آمد. عيب كار در اينجا است كه هر مملكتي يك قانون تابعيت اختصاصي براي خودش قبول کرده است نتيجه اين ميشود كه ايراني مي رود فرض بفرماييد به آمريكا يا نقاط ديگر يك مدتي مي ماند خوب از آب و هواي آنجا خوشش مي آيد ميل دارد برود تابع آمريكا بشود و خيلي هم احساسات وطن پرستي كه در ما هست در آنها نيست و ميگويند كه بايد در دنيا خوش گذراند حالا ايران باشد يا آمريكا براي ما تفاوتي ندارد اما ما عقیده مند هستيم كه ايراني ها مي بايستي كه هرجا هستند به فكر ايران باشند و اگر مي روند كه تحصيل بكنند بايد حتماً برگردند به ايران براي اينكه خدمت به اين آب و خاک بكنند بايد جلوكيري از اين كار كرد بنده اطلاع دارم كه جمعي از اينها مي روند فرض بفرماييد به عنوان تحصيل با پول دولت و در آنجا يك خانم زيبايي هم مي گيرند و يك مدتي در آنجا مي مانند و بعد هم تابعيت آمريكا را قبول مي كنند به نظر بنده بايستي كه دولت و وزارت امور خارجه در اين باب مذاكره اي با ساير دول بكنند يك قانون متحدالشكلي كه براي تمام دول باشد كه نمي شود وضع بكنند گمان نمي كنم كه اين امر امكان داشته باشد حالا راجع به اين موضوع ترك تابعيت بايد عرض كنم كه بايد در اين نقاطي كه احتمال اين مي رود و تصور اين مي رود كه ايراني ها مي روند در آنجا براي خوشگذراني يا جلب نفعشان ترك تابعيت مي كنند به نظر بنده بايد با آن كشورها داخل مذاكره بشوند يك شرايطي را با دوستي و روابط حسنه كه بين ما و

آنها هست قائل بشوند که فلان آدم که محصل است و می‌رود مثلاً به آمریکا یا آلمان بعد از پایان تحصیلش برگردد و نرود به مقامات رسمی آمریکا بگوید که من می‌خواهم تابع آمریکا بشوم آنها هم بگویند خیلی خوب شما ۵ سال اینجا هستید و می‌توانید و قبول کردیم. اما باید یک قواعدی قبول کرد یک مقرراتی قبول کرد که دولت آمریکا با دوستی که با ما دارد باید از دولت ایران موافقت بخواند که آیا موافقت می‌کنید یا نه باید آقای مشفق کاظمی در این باب توضیحی به ما بفرمایند که آیا موافقت وزارت امور خارجه را تحصیل می‌کنند؟ (معاون وزارت امور خارجه - نه قربان توضیح عرض می‌کنم) آنها مطابق قانون تابعیت آمریکا می‌بینند و تطبیق می‌کنند و قبول می‌کنند اما آخر با ما هم رابطه حسنه‌ای دارند باید رعایت کنند فرض بفرمایید که شخصی خیانتی کرده نظائرش را داریم خائن ملکت است می‌رود آمریکا چند سال می‌ماند و تابع آمریکا می‌شود آنجا خیلی هم محترم است زندگیش را خوش می‌گذرانند و از هر حیث مرفه هم هست.

آیا در چنین مواردی دولت آمریکا و یا هر دولتی که با ما رابطه حسنه دارد به دولت ایران مراجعه می‌کند؟ آیا مقرراتی داریم که رضایت دولت ایران را هم حاصل کنند برای ترک تابعیت یا نه؟ به نظر من این مسأله بسیار مهم است این را وزارت خارجه باید با تذکرات دیپلماتی این دول را متوجه کنند اول با دولت آمریکا داخل مذاکره بشوند بعد با دول دیگر چون چندین هزار نفر ایرانی در آمریکا است و هر روز هم می‌روند به عنوان تفریح یا گردش یا تحصیل یا مطالعه به هر عنوانی می‌روند و از آب و هوا و سوسپته و وضعیت اجتماعی آنجا خوششان می‌آید و دلشان می‌خواهد آنجا بمانند این را باید به نظر من در مذاکرات با دولت آمریکا که با ما دوست است و روابط دوستانه و حسنه با ما دارد و ما از دوستی آنها واقعاً نهایت تشکر را داریم مذاکره کرد کاری کرد که اتباع ما وقتی آنجا می‌روند خودسرانه نگویند که ما می‌خواهیم تابع آمریکا

بشویم و شما هم قبول کنید يك راهي براي اين كار پيدا کنید يعني لااقل به دولت ايران مراجعه کنند و نظر دولت ايران را بخواهند اگر دولت ايران قبول کرد موافقت کرد چيزي است. ما هنوز مقرراتي براي اين كار نداریم نمی‌دانم داریم یا نه نداریم (مشفق کاظمي - نداریم توضیح عرض می‌کنم) به نظر من براي جلوگیری از اين زیاده‌روي بعضی از جوانان و از آن اشخاص آزادي طلب و خوشگذران که هرچه دلشان خواست بکنند راهي پيدا کرد آنها که تحصیلاتشان تمام شد برگردند به وطن اصلی خودشان. خوش نگذرانند تحصیلاتی که می‌کنند به درد مملکت بخورد منفعی که تحصیل می‌کنند اینجا مصرف کنند براي اینکار يك ترتیبي بدهید که لازم باشد در ترك تابعیت از وزارت امورخارجہ تحصیل اجازه و موافقت کنند به نظر من تا آنجا که من اطلاع دارم کسی که می‌خواهد تابع دولت آمریکا بشود باید ۵ سال مقیم آنجا باشد اینها می‌روند و چند سال می‌مانند بعد می‌گویند خوب ۵ سال ماندم می‌خواهیم تابع شما بشویم نه اجازه و نه موافقت وزارت امور خارجہ را می‌خواهد بنده دیدم که این وضع خوبی نیست چه در خارج چه در اینجا و چه در ولایات بودم و دیدم که مبتلا به ما بود این بود که خواستم ببینم آیا وزارت امور خارجہ توضیحاتی دارد بدهد که براي آتیہ چه فکری می‌خواهد بکند براي جلوگیری از این سیل محصلین یا مهاجرینی که پا می‌شوند و می‌روند چون پول زیادی دارند فرض بفرمایید خیال می‌کنند که اگر اینجا باشد پولش را از دستش می‌گیرند می‌رود و ترك تابعیت می‌کند پولش آنجا است خرج می‌کند به نظر من يك چیز بدی است و يك فساد است در جامعہ اگر ممکن بود وزارت امور خارجہ با تذکرات سیاسی با این دول در این باب يك مقرراتی قائل بشود و بتوانیم جلوگیری کنیم^۱ خیلی به نفع مملکت است.

رئیس. آقای جمالی امامی بفرمایید.

۱. در متن فوق عبارت «کنیم» جایگزین عبارت «کنم» گردید.

جمال امامی. مثل تمام امور اصولی ما در اینجا می‌خواهیم قضایا را همین‌قدر در مرحله حرف حل بکنیم. این امور را آقا نه با قانون می‌شود حل کرد نه با حرف. تا شما در افراد ملت غرور ملی و تعصب ملیت ایجاد نکنید اینجا فایده ندارد (شمس ملک‌آرا - فرض محالی است آقا) چون اول آقا در افراد باید مناعت شخصی ایجاد کرد تا کار رکیک نکنند (شمس ملک‌آرا - اینجا موعظه است) جز با موعظه چاره‌ای ندارید با قانون چه عرض کنم (دکتر صدیق - با تربیت) تربیت هم موعظه است (دکتر صدیق - تربیت موعظه نیست عمل است) وقتی می‌روید درس می‌دهید چکار می‌کنید؟ موعظه می‌کنید عرض می‌کنم تا شما در مملکت خودتان محیطی ایجاد نکنید که ایرانی در آن رفاه داشته باشد و به آن ببالد^۱ راهی ندارید چاره ندارید چرا می‌روند ترک تابعیت می‌کنند خیال می‌کنید که از وطن صرف نظر کردن، از عائله، از زندگی، از گذشته و آینده اش صرف نظر کردن کار آسانی است؟ کار بسیار سختی است کار مشکلی است برای اینکه در اینجا رفاه ندارد. تأمین ندارد. معیشت ندارد. کار ندارد. محیط متناسب با زندگی ندارد. آن‌روزی که شما این محیط را کردید یقیناً خواهند رفت (دکتر صدیق - خودشان باید درست کنند) خودشان توانایی ندارند (شمس ملک‌آرا - مجوزی طرح کنید) مجوزی نیست اگر می‌خواهید حل کنید، حل نشدنی نیست اما این مجوز این نیست بنده ایراد دارم به این قانون چند روز قبل کاغذهای زیادی از ایرانی‌هایی که ترک تابعیت کرده‌اند به من رسیده چه از آمریکا چه از آلمان اینها جوان بودند اینجا وضعیت مناسب نداشتند وضعیتشان مختل بود رفتند آنجا محیط متناسبی پیدا کردند ماندند حالا سنی از آنها گذشته حب وطن پیدا می‌کنند دلشان می‌خواهد که به وطن برگردند هوی و هوسشان ریخته می‌خواهند بیایند در وطن خود زندگی

۱. در متن فوق عبارت «ببالد» جایگزین عبارت «به‌بالا» گردید.

کنند بگذرایند بیایند اگر می‌خواهید دوباره تابعیت ایران را قبول کنند تسهیلات بیشتری قائل شوید ولی تا وقتی که تابعیت خارجی دارند دیگر این مواد لازم ندارد به‌عنوان يك خارجی او را تلقی نکنید از تمام حقوق ملی این باید صرف‌نظر بکنند وقتی کسی ایرانی نیست هیچ‌کدام از حقوق ملی ایران را ندارد وقتی که تابعیت ما را ترك کرده به‌عنوان يك خارجی باید تلقی بشود با همان حقوق خارجی. اگر شما به يك نفر خارجی اجازه می‌دهید بیاید ایران با حقوق ملی و به او هم اجازه بدهید ولی دیگر از مزایا و حقوق ملی نباید استفاده کند و بهره‌مند شود. شما اینجا نوشتید که از مقام وزارت و معاونت باید صرف‌نظر کند حق رأی دادن هم ندارد حتی که ایرانی‌ها دارند آنها نباید داشته باشند حقوق خارجی را دارند این ماده را من موافق نیستم گمان می‌کنم نظر آقایان هم این طور باشد آخر منطقی نیست اگر خارجی شد بیاید حقوق ملی داشته باشد چون کار غلطی کرده ایرانی باید بر خارجی مزیت داشته باشد (دکتر کاظمی - دولت ایران او را ایرانی می‌شناسد) عجب شوخی می‌کنید مسخره می‌کنید او خودش را ایرانی نمی‌شناسد هر وقت ترك تابعیت کرده و به تبعیت ایرانی درآمد ایرانی است این درست نیست که ترك تابعیت کرده پاسپورت خارجی گرفته شما چه بشناسید چه نشاسید او تابع ایران نیست ایرانی هست و ترك تابعیت کرده آیا ترك تابعیتش را قبول دارید یا نه؟ (دکتر کاظمی - دوبل ناسیونالیت هست) آخر ناسیونالیت هم دوبل می‌شود آن وقت می‌شود بین المللی می‌توانیم قبول کنیم؟ ممکن است دوبل مادر داشته باشیم؟ دو تا مادر داشته باشیم این ممکن است؟ این مسخره است آقا با الفاظ که نباید خودمان را گول بزنیم از این گذشته مگر شما در ایران يك نفر خارجی می‌خواهد ترك تابعیت کند از مملکت اوریژینالش می‌پرسید که این حق دارد یا خیر؟ (معاون وزارت خارجه - نه همه جا، بعضی جاها) خوب آنها هم نمی‌پرسند اینکه آقای شهاب‌الدوله فرمودند از آنها بپرسید ما خودمان نمی‌پرسیم به چه دلیل از

آنها بپرسیم مگر در مواردی آن وقت که شما محصل می‌فرستید حقوق به محصل می‌دهید نباید قرارداد با آن دولت ببندید با مملکتی که محصل آنجا تحصیل می‌کند که آن محصل مکلف باشد برگردد چون حقوقش را ملت ایران می‌پردازد ولی افرادی که به میل خودشان می‌روند نمی‌توانند کار کنند ولی راهی باز کنید روزی که متنبه شدند برگردند این اشکالات را برایشان قائل نشوید این ماده را هم عمومیت بدهید وقتی از تابعیت ایرانی خارج شدند از حقوق و مزایای ایرانی نمی‌توانند بهره‌مند بشود نه اینکه استثناء قائل بشوید که وزیر نمی‌تواند بشود بلکه از هیچ یک از حقوق ملی نمی‌تواند بهره‌مند شود.

رئیس. آقای آموزگار بفرمایید.

آموزگار. این لایحه وقتی که آمد به کمیسیون دادگستری جناب آقای لسانی آنجا بودید؟ (لسانی - نه قربان نبودم) در قسمت ماده ۹۸۹ که به نظر آقای لسانی این طور آمد تناقضی دارد یک عبارتی آنجا داشت که همان کلمه موقت و دائم در قسمت ماده بعد هم ذکر شده قبل از آنکه راجع به آن اصلاح خدمتتان عرضی بکنم یک نکته را توجه می‌دهم به آقایان و آن این است که اولاً تابعیت در دنیا و در قوانین بین‌المللی متفق‌علیه همه نیست یعنی همه قبول نکرده‌اند که تکلیف تابعیت در دنیا چطور باید باشد. اولاً یک تابعیت هست که اسمش تابعیت مرآئی است یعنی اگر یک بچه‌ای در کشتی انگلیسی یا کشتی آمریکایی متولد شد روی اصل خاک، و مال تبعه انگلیس یا آمریکا شناخته می‌شود تا هجده سال. سر هجده سالگی اگر دلش خواست از تبعیت انگلیس یا آمریکا خارج می‌شود اگر دلش نخواست به تبعیت ادامه می‌دهد آن وقت رسمی می‌شود یعنی از حال مرآئی بیرون می‌آید. یک تابعیت دیگر تبعیت قطعی است که شناسنامه مملکتی را می‌گیرد که تبعیت آنجا را دارد و به طور قطعی تابع آن مملکت است. یک تبعه دیگر هم هست که آقای دکتر کاظمی فرمودند و متأسفانه آقای جمال امامی قبول نکردند ذواتبعین است در دنیا الان عده زیادی از مردم هستند که دارای دو

تابعیت می‌باشند. یعنی چه؟ یعنی مالکی که آن اشخاص در آنجا اقامت دارند طبق قوانین آن مملکت که در آن توقف دارند یا از نظر مدت اقامت یا از نظر زن گرفتن یا از نظر مقررات دیگر تبعه آنجا شناخته می‌شوند خواه ناخواه شناخته می‌شوند یعنی اگر شناخته بشود و شخص بگوید قبول ندارم بیرونش می‌کنند چون آنجا مجبور است بماند تجارت بکند خرید و فروش بکند و زمین بخرد و خانه بخرد در آمریکا و عراق این نکته را به طور دقیق بنده مطالعه کردم تحقیق کردم اغلب حمله به محصلین می‌کنند که در آنجا اگر ۵ سال ماندند تبعه آمریکا می‌شوند هیچ چنین چیزی نیست اگر کسی در آمریکا باشد مادام که گذرنامه تحصیلی دارد باید ماه به ماه آن رئیس سرپرستی هر دانشکده گزارش بدهد به آن قسمت اداره مهاجرت که این شخص مشغول تحصیل است البته اگر حقه‌بازی بشود و دروغ بنویسند من وارد بحث نمی‌شوم ولی معمول این است که مدرسه می‌نویسد که حسن در آنجا مشغول تحصیل است و در چه رشته تحصیل می‌کند اگر دو ماه یا سه ماه این خبر نرسیده به اداره مهاجرت بخشنامه صادر می‌کند و آن شخص را پیدا می‌کند و تحت‌الحفظ از آمریکا بیرون می‌کنند. آمدیم تحصیلاتش تمام شد این شخص اگر بخواهد در آمریکا بماند طبیب باشد یا مهندس باشد یک استاد باشد کسی باشد که بتواند درس بدهد چون آمریکا فوق‌العاده احتیاج به این قبیل اشخاص یعنی هم طبیب هم مهندس و هم به معلم دارد اگر کسی از این اشخاص دلش خواست در آمریکا بماند به او می‌گویند چون ویزای تحصیلی داشتی باید از مملکت آمریکا خارج شوی بروی به آمریکای جنوبی یا به کانادا از این خاک خارج شوی و بعد برگردی و آن وقت حق داشته باشی که ما به تو اجازه بدهیم که معلم یا طبیب بشوی یا مهندس بشوی بنابراین حتی در آن موارد هم که احتیاج فوق‌العاده دارند شرط خروج هست چرا؟ برای اینکه گذرنامه‌اش تحصیلی بوده و محصل پس از تحصیل حق اقامت در آمریکا را ندارد وقتی رفت و برگشت ویزای تحصیلی‌اش از بین می‌رود و آن شخص می‌شود سیتیزن آن هم کسی که بالقوه تبعه

می‌شود نه اینکه از همان روز تبعه باشد درس را می‌دهد یا مهندس هم هست طبابت می‌کند اما تبعه نیست وقتی ۵ سال تمام ماند و جرم و گناه یا تخلفی مرتکب نشد آن وقت بعد از ۵ سال به او حق می‌دهند که تبعه بشود تازه چون متولد آمریکا نیست از یک حقوقی محروم است مثلاً تا وقتی که زنده است رئیس جمهوری نمی‌تواند بشود برای اینکه در خاک آمریکا متولد نشده اما در عراق و ممالک مشابه دیگر، آقایان در عراق به قدری که ایرانی‌ها علاقه به ایران دارند و تشنه هستند که بیایند به ایران بچه‌هایشان در آنجا طوری در مدارس ایرانی درس می‌خوانند که بنده دلم می‌خواهد که آقایان بروند و ببینند که احساسات آن بچه‌های ایرانی نسبت به شاه و مملکت چه هست اشکال چیست؟

دولت عراق زمین دارد می‌خواهد مملکت خودش را آباد کند پول هم گیرش آمده زمین هم فراوان دارد اعلان کرده که آقا من زمین می‌دهم بیایید خانه بسازید از کوفه تا نجف آقایان تشریف برده‌اند دیده‌اند زمین زیاد آب فراوان است آن وقت به ایرانی‌ها عراق زمین نمی‌دهد و می‌گوید چون شما در خوزستان به اتباع عراق زمین نمی‌دهید ما هم اینجا به شما زمین نمی‌دهیم ایرانی‌ها مجبور بودند برای اینکه به آنها زمین بدهند و خانه درست بکنند بروند تابعیت آنجا را قبول کنند یعنی قبول تبعیت عراق ترک تابعیت ایران نیست اینها هر وقت به ایران آمدند تبعه ایران هستند در این موضوع هیچ تردیدی نکنید ولی این قانون را چرا اصلاح کردند آقای مطیع‌الدوله حجازی و دو سه نفر دیگر از کسانی که یا به آمریکا رفته‌اند و یا اطلاعاتی کسب کرده‌اند چنین اقدامی کرده‌اند این حقیقت را بنده نباید عرض کنم حقاً یا آقای مجیر و یا آقایان معاون وزارت خارجه باید بگویند ولی بنده با اجازه ایشان می‌گویم اولاً در آمریکا ایرانی‌های مسلمان تبعه آمریکا حتی‌الامکان نشده‌اند و نمی‌شوند یک عده آشوری ارمنی و کلدانی از ۵۰ سال پیش ۴۰ سال پیش رفته‌اند آنجا و تبعه شده‌اند از نظر اینکه تناسب مذهبی بوده تجارت کرده‌اند سرمایه‌دار

شده اند ميليونر شده اند يك عده هم مسلمان بودند كه مهندس يا طبيب يا معلم بودند آنها ترك تابعيت ايران را نكرده اند و تبعه آنجا نشده اند مگر آنهايي كه مطابق قانون قبل از اصلاح دولت ايران ترك تابعيتش را قبول کرده باشد والا هر كدام كه ترك تابعيتش را دولت ايران قبول نكرده حالا هم تبعه ايران شناخته مي شود و ذوتابعيتن است و در تمام دنيا اين امر مورد قبول است حالا اين يراني ها در آمريكا يا جاي ديگر هستند راستش و خلاصه اش اين است كه پول دارند قانون جلب سرمايه خارجي تصويب شده و گفتيم كه اين سرمايه ها به ايران بيايد و اينجا به مصرف برسد اينها حاضر شده اند كه پول هايشان را بياورند اينجا و آنچه كه بنده استبطا کرده ام روي توضيحي كه آقاي وزير خارجه در كميسيون دادند اينها يك اجبارهاي دارند از نظر قانون تابعيتي كه در آمريكا هست يعني چه؟ اموال دارند پول دارند در بانكها به آنها نمي توانند بگويند كه ما تبعه شما نيستيم و مي خواهيم پا شويم برويم به ايران و همه چيزمان را بريم به ايران براي اينكه در آنجا مطابق قانون آنجا استفاده از تبعيت آمريكا کرده اند و ميليونر شده اند دولت ايران صلاح دانست كه دو تا اصلاح جزئي در اين دو ماده بكنند در اصلاح اولي همان طور كه آقاي معاون وزارت خارجه توضيح فرمودند مقصودشان اين است كه تصويب نامه هيأت دولت هميشه اسباب زحمت و گرفتاري است آن را موقوف كنند و تبديل كنند به اجازه وزارت خارجه. دوم مدتي در آن ماده بود كه اگر لازم باشد مي خوانم. آن مدت را هم حذف كردند گفتند اگر كسي رفت و تبعه خارجه شد ما او را به تبعيت خارجي نمي شناسيم خارجش هم نمي كنيم اموالش را هم دادستان بايد قيمت بكنند و پولش را به او بدهند اما اگر چنانچه اين شخص آمد در آتيه و خواست در ايران (اين كلمه را خواهش مي كنم توجه بكنيد) به طور موقت يا دائم اقامت كند وزارت خارجه به او اجازه بدهد به طور موقت كه اشكال ندارد به طور دائم هم مي تواند بيايد چرا؟ براي اينكه ما مي گوييم تبعه ايران

است ما قبول نداریم که او رفته تبعه آمریکا شده اموالش را هم ممکن است بگیرند ولی تبعه ایران است پساً می‌شود که اموال او را هم گرفته باشند در این صورت اگر اجازه دادند به طور دائم بیاید، باید اموالش را برگردانند بیاید و بماند و تابعیت ایران را قبول کند و ادامه بدهد و قطع نظر از خارج بکند برای همین کلمه موقت و دائم در ماده دوم بود که از آقای مشفق کاظمی پرسیدیم که آقا این دائم برای کسی که هیأت وزیران و وزارت خارجه تصویب کرده است تابعیت خارجی‌اش اینجا خواهش می‌کنم آقای لسانی توجه بفرمایند چون به نظرشان تناقض آمده «چنانچه هیأت وزیران بنا به مصالح تابعیت خارجی او را به رسمیت نشناسد شخص مزبور می‌تواند با کسب اجازه وزارت خارجه به ایران آمده و برای مدتی که وزارت خارجه مقتضی بداند در ایران اقامت کند» در آن لایحه چه بود، «موقت یا دائم» بود ما گفتیم که اگر یک کسی را رسماً گفتیم که تبعه خارجه است مصلحت هم بوده در این صورت اقامت دائمی‌شان در ایران خوب نیست زندگی دارد که به یک شخصی تبعه خارجه است گفته شود که تو می‌توانی دائم اقامت بکنی چه بهتر است که کلمه موقت یا دائم را حذف بکنیم و بگوییم که برای مدتی که وزارت خارجه مقتضی بداند آن‌هم فلسفه‌اش چیست؟ باید عرض کنم که اشخاصی که سرمایه در خارج دارند و هنوز ترك تابعیت ایران نکرده‌اند اما تابعیت خارجی دارند بخواهند با پول و بساطشان به ایران بیایند طوری باید باشد که در ملکتي که اقامت دارند به عنوان تبعه ایران اجازه خروج به ایران به آنها بدهند والا پول‌هایشان را نمی‌آورند و خودشان هم نمی‌توانند بیایند گذرنامه‌شان را اگر بخواهند ویزا بکنند به عنوان تبعه آن دولت است اینجا اگر اجازه بفرمایید باید عرض کنم که با توضیحی که دادند به نفع ملک‌ت هم هست که این‌گونه اشخاص که دولت ممکن است رسمیت بدهد به تبعیت خارجی‌شان بتوانند برای مدت موقتی، مدت معینی بیایند در ایران اقامت

كنند و سرمايه‌شان را برگردانند به اينجا چون همان‌طور كه بعضي از آقاها فرمودند اغلب آنهايي كه در خارج هستند امروز احساسات موافق و مخالف را بگذرايد كنار، از منطق صحبت كنيد. امروز يك عده از اتباع ايران در اروپا و آمريكا واقعاً ماييل شده‌اند كه برگردند و دلشان مي‌خواهد بيايند به ايران و مالشان را بياورند تجارت بكنند كار بكنند زراعت بكنند اين دو تا عبارتي كه بوده است يكي از اشكال كاردر هيأت وزراء بود كه تصويب

بايد بكنند آن را تبديل کرده‌اند به وزارت امور خارجه يكي هم مدت داشت كه آن مدت را هم حذف كردند سوم اينكه كسي كه تبعه حتمي خارجي شد و دولت ايران هم قبول كرد اجازه براي مدت مقتضي يعني هر چه كه وزارت خارجه صلاح بداند اجازه به او^۱ مي‌دهد بيايد با اين مقدمات بنده خيال مي‌كنم آن دو ماده هم كه در خارج بوده عين همين است و تغيير نكرده فقط تغيير كرده پيدا كرده اين است بنا بر اين آقاها اگر اشكال اساسي دارند در آن دو تبصره قانون مدني دارند كه آن را نمي‌توان تغيير داد قانون مدني را براي تان مي‌خوانم فقط وزارت خارجه جانشين هيأت دولت شده است و آن مدت هم از بين رفته و اقامت اشخاصي هم كه دولت اجازه مي‌دهد به تبعيت خارجه شناخته شود ورودشان به اينجا و مدت اقامتشان به مصلحتي است كه وزارت خارجه صلاح بداند بنا بر اين بنده نفهميدم كه مطابق اين توضيحي كه دادم اشكال كار كجا است و ايرادش كجا است؟

رئيس. آقاي دكتور كاظمي بفرماييد.

دكتور كاظمي. بعضي از آقاها تعجب فرموده‌اند كه چرا ممكن است يك شخص داراي دو تابعيت بشود اين همچگونه تعجبي ندارد اصل تابعيت جزو قوانين حاكميت هر دولتي است و اين قابل بحث و موافقت‌نامه و قرارداد نيست چنانكه در قانون ايران هر كسي كه

۱. در متن فوق عبارت «به او» جايزين عبارت «بهش» گرديد.

در ایران ولو از پدر و مادر خارجی به دنیا آمده باشد این را ایرانی می‌شناسیم ولی در قوانین خارج مثلاً قانون آمریکا را مثل می‌زنم در قانون آمریکا اگر کسی از پدر و مادر آمریکایی در خارج هم به دنیا آمده باشد آن را آمریکایی می‌شناسند در قانون فرانسه اگر زنی به ازدواج شخص خارجی دربیاید آن را خارجی می‌شناختند ولی امروز که این قانون را به هم زده‌اند گفته‌اند که زن فرانسوی ولو اینکه زن خارجی بشود به هیچ وجه تابعیت فرانسوی را از دست نمی‌دهد در صورتی که در قانون ما به محض اینکه ایرانی یک نفر خارجی را به زوجیت انتخاب کرد آن خارجی ایرانی شناخته می‌شود. پس ملاحظه می‌فرمایند که یک مغایرتی بین قوانین وجود دارد و هیچ موجب این نیست یک نفر ایرانی را که به موجب قوانین ایران طبق اصل حاکمیت دولت ایران، ایرانی شناخته می‌شود بگوییم چون آمریکا به این پاسپورت آمریکایی داده ما آن را ایرانی نمی‌شناسیم و این به هیچ وجه صحیح نیست پس دو تابعیت به این طریق بوجود می‌آید که قانون ایران یک نفر را ایرانی می‌شناسد ولی قانون عراق که مثل زده‌اند و بسیار هم مثل صحیحی بود عده زیادی از ایرانی هستند و در مسافرت‌های متعددی که به عراق کردم و مشرف شدم به عتبات عالیات دیدم ایرانی‌های بی‌شماری هستند و با من و شما هیچ فرقی ندارند از حیث فکر و حتی احساسات ولی اجباراً به تابعیت عراق درآمده‌اند و هیچ موقع هم دولت ایران آنها را عراقی نمی‌شناسد و باید به آنها مجال بدهد که به ایران بیایند همان‌طور که توجه فرمودند در مسافرت‌هایی که به خارج کرده‌ام و خصوصاً در آمریکا دیدم که عده زیادی ایرانی هستند که میل دارند به ایران بیایند و گمان می‌کنم آقایان توجه فرمودند و برایشان روشن شد که اصل این نیست چون دولت آمریکا یک نفر را

آمریکایی می‌شناسد ما به او بگوییم که او ایرانی نیست بالعکس باید اصرار بکنیم که قوانین ما حتی برای خارجی‌ها محترم شمرده شود و اما راجع به اینکه حقوقی در ماده ۱۲ ذکر شده راجع به منع اشتغال به عضویت مجالس مقننه و غیره و آقای امامی فرمودند که او را از تمام حقوق ایرانی محروم بکنیم حقوق اجتماعی که اینجا ذکر شده اشتغال وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری ذکر شده فقط دو حق باقی مانده یک رأی دادن یک عضویت هیأت منصفه است بنابراین اگر آقایان خیلی اصرار داشته باشد این دو حق را هم سلب کنند یعنی حق رأی دادن و عضویت هیأت منصفه والا از این نظر که بگذریم، به نظر بنده یک قانون بسیار مفیدی است آقای ترک تابعیت یک کار مشنومی است (جمال امامی — موهن) موهن است والا چطور ممکن است یک کسی از تمام علائق تاریخی و خانوادگی صرف نظر بکند لابد یک جهت پیش آمده یا یک وقایعی پیش آمده که امروز پشیمان است پس خوب است به این اشخاص اجازه بدهیم که بیایند و برگردند در حوزه ایرانیّت و به ما ملحق شوند از تجربیاتشان یا لاقلاً بگویم از سرمایه‌شان این مملکت استفاده بکند بنابراین به نظر بنده این قانون، قانون بسیار مفیدی است و با توجه به مصالح امروز کشور تدوین شده و اگر آقایان رأی بدهند بسیار کار بجایی شده است.

رئیس. آقای مخبر. بنده تصور می‌کنم بحث کافی در این مورد شده **مخبر.** باشد و بعد از مذاکرات مشروحي که جناب آقای آموزگار و جناب آقای دکتر کاظمی فرمودند تصور می‌کنم که جای تاریکی برای این لایحه باقی نمانده (جمال امامی — چرا برای بنده همه‌اش تاریک است) مسأله روشن است و اگر اصلاحاتی آقایان در اینجا داشته باشند پیشنهاد بکنند چون الان شور اول است

۱. منظور از «ماده ۲» قسمت دوم لایحه یعنی «ماده ۹۸۹» است.

و بنده انتظار این را داشتم که آقایان اگر پیشنهادهای داشته نظریاتی داشتند نظریات اصلاحی‌شان پیشنهاد بفرمایید و آن پیشنهادات و آن نظریات مورد توجه قرار بگیرد و اقدام بشود. مثلاً آقای لسانی که مغایرتی به نظرشان می‌رسد خوب نظرشان را پیشنهاد بدهند که چطور این را اصلاح کنیم که آن تناقض از بین برود و اگر برای ایشان یک تاریکی وجود دارد یک تناقضی می‌بینند پیشنهاد کنند در شور دوم اصلاح بشود بنابراین به عقیده بنده مذاکرات کافی است و مسأله روشن است و آن قسمت‌هایی هم که آقایان صحبت فرمودند که این اشخاص محرومیت پیدا می‌کنند و می‌فرمایند که آیا این محرومیت باقی می‌ماند یا خیر آن محرومیت باقی است و هیچ تردیدی نیست اگر اجازه بفرمایید همان‌طور که آقای دکتر کاظمی فرمودند دو مورد ممکن است اضافه شود بعضی تصور می‌کردند تمام اینها اعاده می‌شود اینها اعاده نخواهد شد مگر اینکه بخواهند اشدش بفرمایند بنابراین این لایحه طبق نظریه‌ای که^۱ این چند نفر از آقایان داشتند ایجاد تسهیلات برای ایرانیانی است که ترک تابعیت کرده‌اند که بتوانند به این مملکت بیایند و خدمتی که از دستشان می‌رسد، بتوانند انجام بدهد و هیچ خلفی در کار نبوده است.

رئیس. آقای لسانی.

لسانی. قانونی که دست آقایان است این لایحه نیست یک جمله در آخر تبصره ماده ۹۸۸ اضافه شده که عرض کردم بنده با آن مخالف نیستم یک جمله یعنی اصلاح شده در آن جمله آخر در تبصره ۹۸۹ اضافه شده که بکلی به عقیده بنده زائد است و درست نیست زیرا قسمت اخیر که هر وقت خواستند به ایران بیایند می‌توانند به ایران بیایند در ذیل تبصره ماده ۹۸۸ هست و دیگر تکرارش لازم نیست فقط یک چیز

۱. در متن فوق عبارت «نظریه‌ای که» جایگزین عبارت «نظریه» گردید.

باقی می‌ماند چنانچه هیأت وزراء بنا به مصالحی تابعیت خارجی را نشناسد بنده در اول عرض کردم و حالا هم تکرار می‌کنم کسی که طبق ماده ۹۸۸ می‌آید و اعلام می‌کند که من می‌خواهم ترك تابعیت بکنم و هیأت وزراء با ترك تابعیتش موافقت نکردند رفت و ترك تابعیت کرد یا یکی یا ۵ تا یا ۱۰ تا بعد از ۵ سال ده سال آمد و دولت ایران تابعیت او را به رسمیت بشناسد بنده این را مخالف می‌دانم و فرمودند پیشنهاد، چون برمی‌گردد پیشنهاد بنده با اصلاح تبصره ۹۸۹ مخالفم. تبصره ۹۸۹ دارای دو جزء است و البته آن را فرمودند در خود متن قانون هست يك جزئش که می‌توانند برگردند در جزء ۹۸۸ است آن جزئی که هیأت دولت بتواند بعد از اینکه رفتند انجام داده آن را ماده ۹۸۸ به رسمیت بشناسد ترك تابعیت او را بنده مخالف هستم برای اینکه اگر این آدم می‌بایست ترك تابعیت بکند قبلاً باید بکند راجع به آمریکا که آقایان فرمودند بنده وقتی از سفر مراجعت کردم يك مطلبی را به مقامات مربوطه عرض کردم يك مطلب ساده ای است همان‌طور که جناب آقای آموزگار توضیح دادند تا آخر مدت تحصیل تذکره تحصیلی دارند و بعد اداره مهاجرت که يك اداره بسیار قوی است و تحت نظر وزارت خارجه نیست تحت نظر دادستان کل است که دادستان کل وزیر عدلیه هم هست به‌عنوان اشتغال به کار یا معلمی یا دبیری یا استادی اداره مهاجرت اجازه اقامت می‌دهد چنانچه برگردد حرف من با مقامات مربوطه این بود که به این آقایان که به ما ادعای دوستی می‌کنند و انشالله هم دوست هستند تذکره داده بشود که ما سالی مبالغ زیادی از بودجه فقیر مملکت پول می‌دهیم بروند تحصیل بکنند وقتی که تحصیل کردند و تمام شد فلان کارخانه مهندس می‌خواهد، فلان مریضخانه طبیب می‌خواهد، فلان دانشکده استاد می‌خواهد البته به آن کارخانه و دانشکده بحثی نیست آن کارخانه و آن دانشکده احتیاج دارند و تقاضا کنند بحث به اداره مهاجرت است که اجازه

اقامت مجدد می‌دهد و اگر بنابراین باشد که هر کشوری با فقر مادی فوق‌العاده‌ای که^۱ دارد مخصوصاً کشورهای شرقی سالی دو سه هزار نفر می‌فرستند آنجا تحصیل بکنند با بودجه این مملکت بعد از ختم تحصیل فلان کارخانه بنویسد به آن اداره مهاجرت که به این محل احتیاج داریم و به او اجازه اقامت بدهید پس دیگر این نقض غرض است. دیگر پول برای چه بدهیم. بنده وقتی در آمریکا بودم ۶۸۷ نفر فقط در ایالت کالیفرنیا تحصیل می‌کردند مقامات مسئول آنها صریحاً می‌گفتند از این عده شاید عده معدودی از آنان^۲ که درس خوانده‌اند و رفته‌اند در اطراف و کارهای فنی جزئی تحصیل کرده‌اند ممکن است که اینها بعد خواستند برگردند، برگردند والا همه مورد احتیاج دستگاههای اداری و غیراداری آمریکا هستند و تقاضای اقامت مجدد می‌کنند این موضوع خیلی مسأله ساده‌ای است و ممکن است مقامات مربوطه وزارت خارجه حل کنند یا آمریکا که اداره مهاجرتشان به این اشخاص اجازه اقامت ندهد که اسباب زحمت ما درست بشود بنابراین بنده با اصلاح تبصره ۹۸۹ که قانون مدنی است و برای چیزهای جزئی نباید دستش زد مخالفم و پیشنهاد حذف آن را می‌کنم.

رئیس. آقای معاون وزارت امور خارجه.

معاون وزارت امور خارجه. آقای شمس‌ملک‌آرا راجع به قراردادها فرمودند آیا در موقع ترک تابعیت به مالک مراجعه و موافقت یکدیگر را جلب می‌کنند یا نه؟ خواستم عرض کنم که نه متأسفانه فقط با بعضی از کشورها خیلی کم، از جمله این طور که یاد دارم با آلمان‌ها در موقع حکومت هیلتر داشتیم یعنی دولتین توافق کرده بودند که در موقعی که یک تبعه آن کشور را به تابعیت خود قبول کنند موافقت ما

۱. در متن فوق عبارت «که» بعد از عبارت «فوق‌العاده‌ای» اضافه گردید.

۲. در متن فوق عبارت «آنان» جایگزین عبارت «آن» گردید.

را می‌خواستند و ما هم موافقت آنها را جلب می‌کردیم به طور کلی همان‌طور که آقایان از نظر فنی و اصول توضیح دادند اصلاً قضیه تابعیت یک قضیه کمپلیکه است هر کشوری یک اصولی دارد البته اگر یک ایرانی وقتی رفته است به فرانسه یا سوئیس گرفته است حتی گرچه یکی دو نفر هم از ایرانی‌ها در سوئیس کار پیدا کرده‌اند آن‌هم به واسطه این است که خیلی لایق و باهوش بودند البته در مملکتی که کار نیست و هیچ احتیاجی نیست اغلب نمی‌مانند اگر میلش بکشد آنجا می‌ماند ولی آمریکا یک مملکت بزرگی است و به اصطلاح امکانات اقتصادی زیاد است هنوز هم خیلی جا دارد و عده زیادی می‌روند آنجا و می‌مانند قانون آمریکا هم تسهیلاتی قائل شده است خیلی مشکل است که ما بیاییم قانون آنها را عوض بکنیم اما همان‌طور که جناب آقای آموزگار و آقای دکتر کاظمی روشن فرمودند حالا این پیشنهاد آقای لسانی می‌رود به کمیسیون و بسته به نظر آقایان است و اصل همان اصلاح جمله آخر است که «چنانچه هیأت دولت ...» یعنی اگر یک نفر رفته از تبعیت ما عملاً خارج شده ما او را نشناخته‌ایم این را هم خواستم در جواب آقای جمال امامی عرض کنم که این قانون هست و فقط اصلاح جمله آخرش را ما آوردیم حالا هر نظری و هر اصلاح دیگری که آقایان در نظر داشته باشند بسته به نظر مجلس است یک چنین آدمی رفته برای مدت کمی یا همان‌طور که فرمودید برای مدت مقتضی باید برگردد در آن موقع با چشم پوشی می‌کنیم از لحاظ این آدم طبق مقررات از تابعیت خارج شده به او اجازه می‌دهیم که برگردد البته این برگشتن او ممکن است ضرری داشته باشد ولی قانون به قوت خودش باقی است و ما به آسانی اجازه نمی‌دهیم از تابعیت ما خارج بشود اینها برای هرکسی نیست نوشته‌اند اگر گاهی مصالح ایجاب بکند این کار را بکنیم و امیدواریم که اگر باز توضیحات بیشتری لازم باشد در کمیسیون به

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

عرض آقایان برسانم و این مطالب را خواستم برای روشن شدن مطلب از نظر جناب آقای لسانی عرض کرده باشم. و در قسمت دوم راجع به «چنانچه هیأت وزیران بنا به مصالحی...» که ایشان با آن مخالفند در صورتی که اصل مورد نظر ما همین‌جا است ایشان فرمودند که این قسمت با آن تبصره بالا متفاوت است در صورتی که تبصره مربوط به کسانی است که در این مملکت هستند و تقاضای ترک تابعیت کرده اند و ترک تابعیت آنها هم رسمیت پیدا کرده است ولی این قسمت دوم چیز دیگری است برای روشن شدن مطلب مثالی می‌زنم آقایانی که در آمریکا هستند و یا در عراق هستند و بنا به مصلحتی و الزاماتی مجبور شده‌اند که تابعیت دولت غیر را قبول کنند تبصره ماده دوم مربوط به این قبیل اشخاص است ولی اگر شما آنها را تبعه آنجا نشناسید موجهاتی برای آمدن آنان و انتقال اموالشان نیست اصل قضیه این است که ما تسهیلاتی فراهم بیاوریم که آنها بتوانند اموال و اثاثیه و زندگیشان را وقتی که آمدند اینجا و خوششان آمد منتقل بکنند این مورد برای آن اشخاص است به این جهت شما اگر تابعیت خارجی آنها را به رسمیت نشناسید طبق مقرراتی که فعلاً هست آنها نمی‌توانند برگردند (لسانی - در اینجا مقرراتی نیست برای برگشتن) چرا آقا این مخصوصاً برای این است که اینها بیایند. بنده می‌خواستم این توضیح را فقط برای رفع ابهام عرض کرده باشم.

رئیس. سه فقره پیشنهاد رسیده است یکی اصلاح عبارتی است و دو تا پیشنهاد دیگر هم رسیده که قرائت می‌شود و بعد به کمیسیون ارجاع می‌گردد برای شور دوم.

(پیشنهادها به شرح زیر قرائت شد).

«بنده پیشنهاد می‌کنم که اتباع ایرانی که به

تابعیت خارجه درآمده‌اند بتوانند به ایران مراجعت کنند و دوباره به تبعیت ایران درآیند و در غیر این صورت با آنان مانند تبعه خارجه رفتار شود».

محمد حجازی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۰۳

«اینجانب پیشنهاد می‌نماید که اصلاح تبصره ماده ۹۸۹ ضرورت ندارد با توضیحاتی که در کمیسیون خواهم داد پیشنهاد حذف آن را می‌نمایم». لسانی

«ریاست محترم مجلس سنا. در ماده ۹۸۹ لایحه به ایرانیانی که ترك تابعیت کرده اند در سطر چهارم پیشنهاد می‌کنم به جای کلمه شهرداری نوشته شود شهر زیرا در لایحه سازمان شهرداری انجمن بنام انجمن شهر نامیده شده است». دکتر عیسی صدیق

رئیس. چون وقت گذشته است آقایان اجازه بفرمایید رأی بگیرم به ورود در شور ثانی پیشنهادات هم به کمیسیون ارجاع می‌شود که مورد مطالعه قرار بگیرد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار سوم. مشروح مذاكرات شور دوم مجلس سنا

جلسه ۲۹۸، چهارشنبه ۱۳۳۶/۱۱/۳۰

۶. شور دوم و تصویب لایحه اصلاح دو تبصره از قانون مدني راجع به تابعیت

رئیس. لایحه اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ایرانیانی که ترك تابعیت کرده اند برای شور دوم مطرح است گزارش کمیسیون قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد).

لایحه اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و ۹۸۹ قانون مدني راجع به ایرانیانی که ترك تابعیت کرده اند در کمیسیون خارجه با حضور آقای مشفق کاظمی مورد رسیدگی قرار گرفت و با توجه به پیشنهادهای واصله اصلاحاتی در آن به عمل آمد و جهت اظهارنظر به کمیسیون دادگستری ارسال گردید. کمیسیون مزبور پس از مطالعات و بررسی‌های لازم تغییراتی در مصوبه کمیسیون خارجه به عمل آورد و لایحه را تصویب نمود و مجدداً جهت اتحاد رأی نهایی در کمیسیون خارجه با حضور آقای معاون وزارت امور خارجه مطرح گردید و پس از شور و رسیدگی کافی اصلاحات کمیسیون دادگستری

تأیید گردید و به تصویب رسید. اینک گزارش به شرح ذیل برای شور دوم تقدیم مجلس محترم سنا می‌شود.

جناب کمیسیون خارجه . عباس مسعودی

لایحه اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدنی راجع به ایرانیانی که ترك تابعیت کرده اند.

ماده واحده:

۱. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی به این صورت اصلاح می‌شود.

تبصره. کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت يك سال از ایران خارج شوند. چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهد نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیّه بخواهند به ایران بیایند اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را باید تحصیل نمایند.

۲. تبصره زیر به ماده ۹۸۹ قانون مدنی اضافه می‌شود.

تبصره. وزارت خارجه می‌تواند با تصویب هیأت وزیران به ایرانیان مشمول این ماده اجازه ورود و اقامت بدهد.

رئیس. در ماده واحده نظری نیست؟ (گفته شد خیر) رأی می‌گیریم به ماده واحده آقایانی که موافقتند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

کلیات آخر مطرح است چون در کلیات آخر نظری ندارند حالا به کلیه لایحه رأی می‌گیریم. آقایانی که موافقتند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

گفتار چهارم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای ملی

جلسه ۲۳۲، یکشنبه ۱۳۳۷/۷/۲۷

۵. شور اول گزارش کمیسیون امور خارجه راجع به اصلاح دو تبصره از قانون مدني

نایب رئیس. اصلاح دو ماده از قانون مدني در مورد ترك تابعیت مطرح است شور اول است گزارش آن قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد).

گزارش از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملي کمیسیون امور خارجه لایحه ارسالي از مجلس سنا راجع به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني را در خصوص ایرانیانی که ترك تابعیت کرده اند با حضور آقای وزیر امور خارجه مطرح نموده نظر به آنکه کمیسیون دادگستري به این لایحه رسیدگی و با نظریه^۱ مجلس سنا موافقت نموده بود ولي آقای وزیر امور خارجه نسبت به تبصره ماده ۹۸۹ نظریاتی داشتند کمیسیون پس از مذاکره و بحث لازم در این خصوص با ماده واحده مصوب مجلس سنا و کمیسیون دادگستري مجلس شورای ملي با تغییری که در تبصره ماده ۹۸۹ نموده موافقت و اینک گزارش آن را تقدیم می‌دارد:

ماده واحده. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به شرح ذیل اصلاح و تبصره‌ای به ماده ۹۸۹ قانون مزبور افزوده می‌گردد.

۱. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني از این قرار اصلاح می‌شود:

تبصره. کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن سه فقره از این ماده درباره آنان مقرر است باید در ظرف مدت يك سال از ایران خارج شوند.

چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیه بخواهند به ایران بیایند اجازه مخصوص وزارت امور خارجه

۱. در متن فوق عبارت «نظریه» جایگزین عبارت «نظر به» گردید.

را باید تحصیل نمایند^۱.

۲. تبصره زیر به ماده ۹۸۹ قانون مدنی اضافه می‌شود.

تبصره. هیئت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد. به این‌گونه اشخاص با موافقت وزارت امورخارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.

گزارش از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی کمیسیون دادگستری در جلسه ۲۱ مهرماه ۱۳۳۷ با حضور آقایان معاونین وزارت دادگستری و امور خارجه به لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی رسیدگی و پس از مذاکرات لازم، خیر کمیسیون امور خارجه را عیناً تأیید و تصویب نمود و اینک گزارش آن را تقدیم می‌دارد.

نایب رئیس. کلیات مطرح است چون مخالفی نام‌نویسی نکرده است لذا رأی می‌گیریم به ورود در مواد. آقایانی که با ورود در ماده واحده موافقت می‌کنند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد).

ماده واحده. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی به شرح ذیل اصلاح و تبصره‌ای به ماده ۹۸۹ قانون مزبور افزوده می‌گردد.

تبصره. کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره سه از این ماده درباره آنان مقرر است باید در ظرف مدت یک سال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان را صادر خواهند نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیه بخواهند به ایران بیایند

۱. در متن فوق عبارت «نمایند» جایگزین عبارت «نماید» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۰۷

اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را بايد تحصيل نمايند.

۲. تبصره زير به ماده ۹۸۹ قانون مدني اضافه مي‌شود:

تبصره. هيئت وزيران مي‌توانند بنا به مصالح به پيشنهاد وزارت امور خارجه تابعيت خارجي مشمولين اين ماده را به رسميت بشناسد. به اين گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ايران يا اقامت مي‌توان داد. **نايب رئيس.** مخالفني نيست؟ (اظهاري نشد) چون مخالفني نيست و پيشنهادي هم نرسيده است لذا براي شور دوم به كميسيون ارجاع مي‌شود.

گفتار پنجم. مشروح مذاكرات شور دوم مجلس شورای ملی

جلسه ۲۴۴، يكشنبه ۱۳۳۷/۹/۱۶

۷. طرح گزارش كميسيون امور خارجه راجع به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹

قانون مدني و ارجاع مجدد به مجلس سنا

نايب رئيس. گزارش ديگري مربوط به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني مطرح است قرائت مي‌شود.

(به شرح زير خوانده شد).

گزارش از كميسيون امور خارجه به مجلس شوراي ملي كميسيون امور خارجه در جلسه ۱۲ آبان ماه ۳۷ با حضور آقاي وزير امور خارجه شور دوم لايحه ارسالي از مجلس سنا راجع به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني مربوط به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند را مورد رسيدگي قرار داده خبر شور اول را تأييد و تصويب نمود اينك گزارش آن را جهت تصويب نهايي به مجلس شوراي ملي تقديم مي‌دارد:

ماده واحده. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به شرح ذيل اصلاح و تبصره‌اي به ماده ۹۸۹ قانون مزبور افزوده مي‌گردد:

۱. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني از اين قرار اصلاح مي‌شود:

تبصره. کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت یک سال از ایران خارج شوند. چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان را صادر خواهند نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیه بخواهند به ایران بیایند اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را باید تحصیل نمایند.

۲. تبصره زیر به ماده ۹۸۹ قانون مدنی اضافه می‌شود:

تبصره. هیئت وزیران می‌توانند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.

خبر کمیسیون امور خارجه. مرآت اسفندیاری

گزارش از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی کمیسیون دادگستری در جلسه ۳ آذر ماه ۳۷ با حضور نماینده دولت به لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق یک تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدنی برای شور دوم رسیدگی نموده خبر شور اول را تصویب و اینک گزارش آن را در تأیید خبر کمیسیون امور خارجه تقدیم می‌دارد.

خبر کمیسیون دادگستری. عمیدی نوری

نایب رئیس. شور دوم است. ماده واحده مطرح است چون اظهار نظری نیست به این ماده، لذا رأی می‌گیریم به ماده واحده آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

کلیات آخر مطرح است چون نسبت به کلیات آخر نظری نیست لذا رأی می‌گیریم به مجموع ماده واحده. آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۰۹

(اكثراً برخاستند) تصويب شد.
چون اصلاح مختصري در لايحه ارسالي از مجلس سنا به عمل آمده است لذا براي تصويب مجدد به مجلس سنا ارسال مي‌شود.

گفتار ششم. مشروح مذاكرات تصويب نهايي لايحه در مجلس سنا

جلسه ۳۵۷، شنبه ۱۳۳۷/۱۱/۱۱

۱۱. تصويب لايحه راجع به اصلاح دو ماده از قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند نايب رئيس. لايحه راجع به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و اخلاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند مطرح است گزارش كميسيون شماره يك قرائت مي‌شود.
(به شرح زير قرائت شد).

گزارش از كميسيون شماره ۱ خارجه به مجلس سنا:
لايحه شماره ۱۰۷۹-۳۹۳۸۶ مورخ ۱۳۳۶/۸/۱۵ دولت دربارۀ اصلاح مواد ۹۸۸ و ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند كه در تاريخ ۳۶/۸/۱۵ تقديم مجلس سنا شده بود و با اصلاحاتي به تصويب رسيد و براي تصويب به مجلس شوراي ملي ارسال شده بود در آن مجلس با اصلاحاتي به تصويب رسيد و طي شماره ۱۶۴۲۳ - ۱۳۳۷/۹/۱۸ براي تصويب به مجلس سنا ارسال گرديد و به كميسيون شماره ۱ ارجاع شد و كميسيون لايحه را براي اظهار نظر به كميسيون دادگستري ارسال داشت كميسيون مزبور لايحه را عيناً تصويب نمود و سپس لايحه در كميسيون خارجه مطرح و عيناً به تصويب رسيد اينك گزارش آن تقديم مجلس محترم سنا مي‌گردد.

مخبر كميسيون خارجه . عباس مسعودي

لايحه قانوني مربوط به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و اخلاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند.
ماده واحده. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به شرح ذيل اصلاح و تبصره‌اي به ماده ۹۸۹ قانون مزبور

افزوده می‌گردد.

۱. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی از این قرار اصلاح می‌شود:

تبصره. کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره سه از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت يك سال از ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان را صادر خواهند نمود و چنین اشخاصی هرگاه در آتیّه بخواهند به ایران بیایند اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را باید تحصیل نمایند.

۲. تبصره زیر به ماده ۹۸۹ قانون مدنی اضافه می‌شود:

تبصره. هیأت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.

نایب رئیس. کلیات لایحه مطرح است. آقای دکتر صدیق بفرمایند.

دکتر صدیق. چنانچه استحضار دارید این قانون تقریباً يك سال قبل به تصویب مجلس سنا رسید و حالا معلوم می‌شود که بعد مجلس شورای ملی اصلاحی کرده اند می‌خواستم تقاضا کنم اگر ممکن است آن اصلاحات را اینجا بفرمایند.

نایب رئیس. آقای مجیر بفرمایند.

مسعودی (مخبر کمیسیون). عرض کنم آقای دکتر اینک فرمودید يك مرتبه اینجا تصویب شده و بعد به مجلس شورای ملی رفته صحیح است البته خیلی زیاد طول کشید موضوع مفیدی است و باید زودتر به تصویب برسد ابتدا که این لایحه مطرح بود اصلاحاتی اینجا صورت گرفت وقتی که به مجلس شورای ملی رفت این اصلاحات مورد موافقت قرار نگرفت و نظر دولت هم این نبود و با اصلاحاتی که اینجا شد وفق نمی‌داد (دکتر صدیق - خودشان موافقت کردند) ابتدا شاید

مطالعات كافي نشده بود كه به مجلس شوراي ملي رفت در ضمن مطالعات اين لايحه برگشت به صورت اولش و تصويب شده به اينجا اعاده كردند به همان صورت اولي كه به مجلس سنا داده شده بود و آن هم مطابق درخواست رئيس دولت بود به هرحال اگر اجازه مي‌فرماييد اين نكاتي كه تغيير کرده است عرض كنم ابتدا اين طور تصويب کرده بودیم:

ماده واحده:

۱. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به اين صورت اصلاح مي‌شود (شمس ملك‌آرا - ماده ۹۸۸ قانون مدني را هم بفرماييد) اينجا هست عرض مي‌كنم در مجلس شوراي ملي به اين صورت اصلاح مي‌شود را حذف كردند به صورت اولش برگردانند كه:

«تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به شرح زير اصلاح و تبصره اي به ماده ۹۸۹ قانون مزبور افزوده مي‌گردد»

به اين صورت كه الان ملاحظه مي‌فرماييد يعني همان چيزي است كه ابتدا به صورت لايحه داده شده بود به مجلس سنا بعد در تبصره هيچ فرقي پيدا نشده است تبصره عيناً همان تبصره اي است كه سابق بود در تبصره پايين كه تبصره ماده ۹۸۹ است ابتدا ما اين طور تصويب کرده بودیم يعني مجلس سنا اين طور تصويب کرده بود كه وزارت امور خارجه مي‌تواند با تصويب هيأت وزيران به ايرانيان مشمول اين ماده اجازه ورود و اقامت بدهد اين نظر كافي و وافي براي منظور دولت نبود و نتيجه تبصره به اين كيفيت فعلي درآمد كه «هيأت وزيران مي‌تواند بنا به مصالح به

پيشنهاد وزارت امور خارجه تابعيت خارجي مشمولين اين ماده را به رسميت بشناسد به اين‌گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ايران يا اقامت مي‌توان داد» اما اين سوالي كه جناب آقاي شمس

ملك‌آرا كردند فرمودند اصل اين ماده چه بوده است و چه فرقي با اصل اوليه تبصره کرده است در اين تبصره فرقي كه با تبصره قبلي ماده ۹۸۸ پيدا کرده فقط موضوع اجازه است كه در اصل تبصره سابق نوشته

شده است که اجازه مخصوص هیأت وزراء آن هم برای یک دفعه و مدت معین لازم است اینجا نوشته شده است اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را باید تحصیل نمایند بدون ذکر برای یک مرتبه و مدت معین حالا اگر اجازه بفرمایید اصل آن تبصره را از قانون مدنی می‌خوانم: «کسانی برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت یک سال از ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان را صادر خواهند کرد^۱ و چنین اشخاصی هرگاه در آتیۀ بخواهند به ایران بیایند اجازه مخصوص^۲ هیأت وزراء آن هم برای یک دفعه و مدت معین لازم است».

این قسمت اخیر است که در اینجا اصلاح شده و این تفاوتی است که کرده است حالا آقایان توجه دارند به اهمیت این موضوع که بایستی خیلی زودتر از این تصویب شده باشد اجازه بفرمایید هرچه زودتر تصویب شده و به دولت ابلاغ گردد.

نایب رئیس. دیگر نظری نیست؟ (نظری نبود) رأی گرفته می‌شود به ورود در شور ماده واحده. آقایانی که موافقند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

ماده واحده مطرح است نظری نیست؟ (نظری نبود) رأی گرفته می‌شود به ماده واحده. آقایانی که موافقند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۱. در متن قبلی به جای عبارت «کرد» عبارت «نمود» به کار رفته بود.
 ۲. در متن فوق عبارت «مخصوص» جایگزین عبارت «به خصوص» گردید.
- در متون قبلی عبارت «مخصوص» به کار رفته بود.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۱۳

كليات آخر مطرح است نظري نيست؟ (نظري نبود) نسبت به مجموع لايحه رأي گرفته ميشود آقاياني كه موافقند قيام فرمايند. (اكثرا برخاستند) تصويب شد لايحه به دولت ابلاغ ميشود.

گفتار هفتم. متن قانون مربوط به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند

قانون مربوط به اصلاح تبصره ماده ۹۸۸ و الحاق يك تبصره به ماده ۹۸۹ قانون مدني راجع به ايرانياني كه ترك تابعيت كرده‌اند مصوب ۱۳۳۷/۱۱/۱۱

ماده واحده. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني به شرح ذيل اصلاح و تبصره‌اي به ماده ۹۸۹ قانون مزبور افزوده ميگردد.

۱. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني از اين قرار اصلاح ميشود:

تبصره. كساني كه بر طبق اين ماده مبادرت به تقاضي ترك تابعيت ايران و قبول تابعيت خارجي مي‌نمايند علاوه بر اجزاي مقرراتي كه ضمن فقره سه از اين ماده درباره آنان مقرر است بايد در مدت يك سال از ايران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان را صادر خواهند نمود و چنين اشخاصي هرگاه در آتية بخواهند به ايران بيايند اجازه مخصوص وزارت امور خارجه را بايد تحصيل نمايند.

۲. تبصره زير به ماده ۹۸۹ قانون مدني اضافه ميشود:

تبصره. هيئت وزيران ميتواند بنا به مصاحي به پيشنهاد وزارت امور خارجه تابعيت خارجي مشمولين اين ماده را به رسميت بشناسد. به اينگونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ايران يا اقامت ميتوان داد. قانون فوق كه مشتمل بر ماده واحده است در

جلسه یکشنبه شانزدهم آذرماه یکهزار و سیصد و سی و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

نایب رئیس مجلس شورای ملی. عماد تربتی

قانون بالا در جلسه ۱۳۳۷/۱۱/۱۱ به تصویب مجلس سنا رسیده است.

مبحث دوم. قانون اصلاح ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۴۸/۸/۲۹

گفتار اول. متن لایحه

دوره بیست و دوم قانونگذاری

شماره ۱۹۱۴۶ شماره

ترتیب ۹۴۴

تاریخ

۱۳۴۸/۶/۲۲

چاپ ۴۸/۶/۲۷

ریاست محترم مجلس شورای ملی

ماده ۲ قانون مدنی که در بهمن ۱۳۰۷ به تصویب رسیده^۱ مقرر داشته که قوانین در تهران ده روز پس از انتشار و در ولایات بعد از انقضاء مدت مزبور

به اضافه یک روز برای هر شش فرسخ مسافت تا تهران لازم الاجرا است چون امروز با توجه به پیشرفتی که از لحاظ ارتباطات در کشور حاصل شده و اخبار وسیله رادیو و تلویزیون بلافاصله در اقصی نقاط مملکت به سمع مردم می‌رسد و روزنامه‌ها و نشریات در مدت کوتاهی در دسترس دور افتاده‌ترین مردم کشور قرار می‌گیرد و از طرفی رعایت فاصله زمانی مقرر در ماده مذکور در وضع فعلی غیرمعقول است و سبب می‌شود که قانون در هر شهری در یک روز معین قابل اجرا باشد و ادامه این رویه نیز با اصول انقلاب عظیمی که امروزه در کشور ما پدید آمده متباین و مغایر است و جای آن دارد که ماده مذکور از

۱. در مورد لازم الاجرا شدن مواد ۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی به پیشگفتار این مجموعه مراجعه شود.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۷۱۵

قانون مدنی همزمان با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی اصلاح شود، در اجرای منظور لایحه اصلاحی ماده ۲ قانون مدنی به ضمیمه تقدیم می‌شود و تقاضای تصویب آن را دارد.

نخست وزیر
وزیر دادگستری
امیرعباس هویدا

لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۲ قانون مدنی
ماده واحده. ماده ۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود.
ماده ۲. قوانین ده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

نخست وزیر
وزیر دادگستری
امیرعباس هویدا

گفتار دوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای ملی
یکشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۴۸ - ۷ شعبان ۱۳۸۹ - ۱۹ اکتبر ۱۹۶۹
ه. طرح گزارش شور اول کمیسیون دادگستری راجع به اصلاح ماده ۲ قانون مدنی
رئیس. گزارش شور اول لایحه اصلاح ماده ۲ قانون مدنی مطرح است قرائت می‌شود.
(به شرح زیر خوانده می‌شود).
گزارش شور اول از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی:
کمیسیون دادگستری در جلسه ۱۹ مهرماه ۱۳۴۸ با حضور آقای صادق احمدی معاون وزارت دادگستری لایحه شماره ۴۸/۶/۲۲-۱۹۱۴۶ دولت راجع به اصلاح ماده ۲ قانون مدنی را که به شماره ۹۴۴ چاپ شده است مطرح

۱. عبارت «قانون» اضافی است. عبارت «لایحه» که قبل از آن به کار رفته صحیح و کافی است.

کرد و عیناً به تصویب رسانید.
اینک گزارش آن را به شرح زیر به مجلس شورای
ملی تقدیم می‌دارد.

لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۲ قانون مدنی
ماده واحده. ماده ۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح
می‌شود.

ماده ۲. قوانین ده روز پس از انتشار در سراسر
کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب
خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

خبیر کمیسیون دادگستری. دکتر وفا

رئیس. کلیات لایحه مطرح است نظری نیست؟ (اظهاری
نشد) به ورود در شور ماده واحده رأی می‌گیریم.
خانم‌ها و آقایانی که موافقت خواهند می‌کنم قیام
بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است
نظری نیست؟ (اظهاری نشد) پیشنهاد رسیده قرائت
می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد).

ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد می‌کنم ماده ۲ لایحه چاپی شماره ۹۴۴^۲ به
صورت زیر اصلاح شود:

ماده ۲. هر قانون ده روز پس از انتشار در سراسر
کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب
دیگری برای اجرای آن مقرر شده باشد.

۱. عبارت «قانون» اضافی است.

۲. در متن فوق شماره «۹۴۴» جایگزین شماره «۹۵۵» گردید. لایحه
چاپی با شماره «۹۴۴» تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است. اگر
منظور شماره «۹۵۵» باشد باید به‌جای استفاده از عبارت «لایحه
چاپی» از عبارت «گزارش شور اول کمیسیون دادگستری» که با
شماره «۹۵۵» به چاپ رسیده است، استفاده می‌شد.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۷۱۷

دکتر اسفندیاری

رئیس. لایحه و پیشنهاد برای شور دوم به کمیسیون مربوط ارجاع می‌شود.

گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای ملی

یکشنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۴۸ - ۲۱ شعبان ۱۳۸۹ - ۲ نوامبر ۱۹۶۹

۹. طرح و تصویب گزارش شور دوم کمیسیون دادگستری راجع به اصلاح ماده ۲ قانون مدنی و ارسال به مجلس سنا

رئیس. گزارش شور دوم لایحه اصلاح ماده ۲ قانون مدنی مطرح است، قرائت می‌شود.

(به شرح زیر خوانده شد).

گزارش شور دوم از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی:

کمیسیون دادگستری در جلسه ۳۰ مهرماه ۱۳۴۸ با حضور آقای صادق احمدی معاون پارلمانی وزارت دادگستری لایحه شماره ۱۹۱۴۶-۴۸/۶/۲۲ دولت راجع به اصلاح ماده ۲ قانون مدنی را که گزارش شور اول آن به شماره ۹۵۵ چاپ شده است برای شور دوم مطرح کرد و با توجه به پیشنهاد رسیده مصوبه شور اول را عیناً به شرح زیر به تصویب رسانید.

اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۲ قانون مدنی

ماده واحده. ماده ۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود.

ماده ۲. قوانین ده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

مخبر کمیسیون دادگستری. دکتر وفا

۱. عبارت «قانون» اضافی است.

رئیس. ماده واحد مطرح است، نظری نیست؟ آقای طباطبایی بفرمایید.

عبدالحسین طباطبایی. بنده با مضمون قانون و مفادش شخصاً موافقم ضابطه‌ای که برای انتشار قوانین داشتیم کمی عقب افتاده بود و تطبیق با وضع روز نمی‌کرد ولی به نظر بنده باید ترتیبی برای انتشار قوانین بدهیم که حداقل بشود اطمینان پیدا کرد که مردم واقعاً از مضمون و مفاد قوانین مستحضر می‌شوند از نظر حقوقی در مملکت ما فرض این است که همه مردم از مضمون و مفاد قوانین به مجرد انتشار مستحضر می‌شوند و از نظر قضائی هم این ضابطه وجود دارد که جهل بر قانون رافع مسئولیت نیست ولی در عمل و در سطح مملکت ما این طور نیست و چه بسا مردم که از تصویب و وضع قوانین و مضمون و مفاد آنها بی اطلاع می‌مانند. سابق براین اقل قضیه این بود که روزنامه‌ها و مجلات و رادیوها و سایر وسایل خبری مملکت لااقل گفتگوهای مجلسین را منتشر می‌کردند ولی این روزها همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید به احترام قوه مقننه از درج مطالب مجلس هم خودداری می‌کنند (چند نفر از نمایندگان - صحیح است) و لذا وسیله استحضار مردم بر قوانین کمی تخفیف پیدا کرده است (چند نفر از نمایندگان - احسنت) عرض کنم مختصر وسیله انتشار قوانین و استحضار مردم بر آنها در حال حاضر روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی است که من یقین دارم حتی عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی در تمام عمر هم یک بار این مجله را ندیده‌اند و بالنتیجه می‌توانیم این طور فکر کنیم که سایر افراد مردم هم از وجود چنین موضوعی در مملکت بی‌اطلاع هستند و بالضروره باید فکر کنیم که متأسفانه مردم از وضع و مفاد قوانین بی‌اطلاع می‌مانند (صحیح است) با توجه به اینکه در مقدمه عرایضم گفتم با اصل قانون موافقم از آقای صادق احمدی تقاضا می‌کنم موافقت بفرمایند که این لایحه مجدداً به کمیسیون برگردد تا در آنجا وسیله‌ای برای انتشار قوانین فکر کنیم و مثلاً به این نتیجه برسیم که دولت مکلف باشد که مفاد قوانین را لااقل به

وسيله راديو به اطلاع مردم برساند.
رئيس. آقاي طباطبايي اين لايحه در شور دوم است
اگر پيشنهادي داشتيد حق اين بود كه در شور اول
مي داديد.

طباطبايي. بنده در شور اول نبودم حالا خود
حضرت عالي موافقت بفرماييد كه برگردد به كميسيون
تا در آنجا اين ماده گنجانده شود كه راديو دولتي
و راديو استانها مكلف باشند مفاد قوانين را به
استحضار مردم برسانند كما اينكه ملاحظه
مي فرماييد كه راديو مثلاً اعلام مي كند كه امروز ۷
لايحه دولت تصويب شد و متن آن را نمي گويد حتي
روزنامه ها هم نمي نويسند حالا فلان كس كه در گوشه
خوزستان يا فارس نشسته است چگونه^۱ اطلاع پيدا
كند كه فلان قانون كه حاكم بر سرنوشتش هست تصويب
شده است. بنده از حضور خانها و آقاها و رياست
كميسيون و نماينده وزارت دادگستري و همچنين مقام
مخترم رياست مجلس استدعا مي كنم كه اين مجال را
بدهند كه لااقل يك چنين تكليفي براي دولت بوجود
بيايد عرض ديگري ندارم (احسنت).
رئيس. آقاي صادق احمدي بفرماييد.

صادق احمدي (معاون وزارت دادگستري). عرض كنم آنچه
كه ما تقاضاي تصويبش را از ساحت مقدس مجلس شوراي
ملي داريم اين است كه مسئله براي شش فرسخ، يك
روزي كه در ماده ۲ قانون مدني پيش پيئي شده و
در حال حاضر با وسايل ارتباطي كه هست در واقع
كار عبثي است، اصلاح بشود. چند روز قبل كه رؤساي
دادگستري هاي استانها براي شركت در تشريفات
خانه هاي انصاف به تهران آمده بودند يكي از
آقاها مي گفت قانوني كه راجع به آزادي زندانيان
موادخدر بود پس از تصويب ۵۶ روز طول كشيد تا ما
توانستيم در زاهدان و بلوچستان و سيستان اين
قانون را اجرا كنيم اين واقعاً عجيب است كه
زنداني ها مرتب فشار مي آورند و كساني كه

۱. در متن فوق عبارت «چگونه» جايجزين عبارت «چه جور» گرديد.

میخواستند مستفید بشوند از این قانون، از ما میخواستند که قانون را اجرا بکنیم چون میگفتند که قانون یک ماه پیش تصویب شده است و در همه جا اجرا شده است و ما استدلال می کردیم چون ماده ۲ قانون مدنی گفته است که این ۶ فرسخ یک روز باید بگذرد تا قانون قابلیت اجرا پیدا بکند ما نمی توانیم اجرا کنیم بنابراین ما استدعا کرده ایم که موافقت بفرمایید این شرط برداشته شود که قوانین ده روز پس از تصویب اجرا بشود اما پیشنهاد جناب طباطبائی دوست عزیز بنده در حد خودش درست است و مردم البته باید اطلاع داشته باشند آن وسیله ای که در اختیار وزارت دادگستری است روزنامه رسمی کشور است که قوانین را بلافاصله بعد از تصویب درج می کند و به تمام قسمت ها و دادگستری ها و ادارات فرستاده می شود اما رادیو، بنده فکر می کنم الزام وزارت اطلاعات و سازمان های وابسته به وزارت اطلاعات که قانون را پخش کنند این را در خود قانون ذکر بکنیم خیال نمی کنم زیاد ضرورتی داشته باشد البته جناب دکتر همایون فر معاون وزارت اطلاعات اگر موافق باشند با وسایلی که در اختیار دارند مثل رادیو می توانند قوانین را به اطلاع مردم برسانند و روزنامه ها هم که البته جنبه رسمی ندارند و صرفاً جنبه خصوصی دارند نمی شود ملزمشان کرد که حتماً قوانین را منتشر کنند البته اگر بشود روزنامه های کثیرالانتشار مثل اطلاعات و کیهان ضمن اعلام این موضوع که فلان قانون تصویب شد مجالی باشد که خود قانون را هم درج بکنند چه بهتر که مردم مستحضر شوند ولی در حال حاضر تنها روزنامه رسمی کشور است که قوانین بلافاصله در آن درج می شد و همان طور که عرض کردم استدعای ما این بود که این ۶ فرسخ یک روز از ماده ۲ قانون مدنی حذف شود.

رئیس. آقای ابوذر فرمایشی دارید بفرمایید.

ابوذر. عرض کنم لایحه ای که شور اولش گذشته و در جریان شور دوم است البته با پیشرفت هایی که مملکت کرده بسیار به موقع و مناسب بوده چون امروز ارتباطات خوب شده و در بعضی نقاط کشور امکان

این هست که قانون به محض اینکه تصویب شد اجرا بشود ولی بنده می‌خواستم از جناب آقای صادق احمدی سؤال کنم که سازمان دادگستری در جاهایی که فوق‌العاده قلیل است و دستگاه دادگستری ندارد چطور ممکن است مردم از این قانون بهره‌مند شوند الان در منطقه فرمانداری‌های کل ایلام که متجاوز از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد مردم برای مراجعات حقوقی و جزایی بایستی مثلاً از دهلران ۴۶۲ کیلومتر را طی کنند تا بیایند به کرمانشاه یا ۵۲۵ کیلومتر بیایند به ایلام و تصدیق بفرمایید اگر یک اتفاق سوئی بیفتد تا مأمورین تحقیق برای بازرسی بروند آثار جرم از بین می‌رود (صحیح است) و مردم در زحمت هستند بنده کراراً عرض کرده‌ام سازمان‌های کشوری باید متناسب با یکدیگر باشد وقتی در منطقه‌ای فرمانداری کل هست لااقل یک دادگاه شهرستان هم باید باشد برای تشکیل دادگاه بخش در فرمانداری دهلران که چهل هزار جمعیت دارد با آقای وزیر دادگستری صحبت کردم گفتند در نقاطی که شهربانی وجود ندارد تشکیل دادگاه میسر نیست گفتم در اسدآباد و بعضی نقاط دیگر که حوزه استحفاظی ژاندارمری است دادگاه بخش وجود دارد فرمودند چون دادگستری و ژاندارمری بودجه نگاهداری زندانیان را ندارند به این دلیل نمی‌توانیم دادگاه را تشکیل بدهیم این مسائل را آقای صادق احمدی خودتان با دولت باید حل کنید مخصوصاً به مناطق مرزی مملکت باید توجه شود این موضوع مورد توجه و عنایت مخصوص شاهنشاه آریامهر رهبر خردمند ایران می‌باشد مرزنشین‌ها باید در آسایش و رفاه باشند همه فکر و تمرکز کارها نباید در تهران باشد شما با این سازمان وسیعی که در وزارت دادگستری دارید به یکی دو قاضی مزایا بدهید که بروند در این مناطق. هرکسی که در این مملکت خودش را خدمتگزار و صادق می‌داند باید همه مملکت را مثل تهران بداند و برای خدمتگزاری به مردم و مملکت آماده باشد بنده می‌خواستم از آقای صادق احمدی تقاضا کنم که اجرای این لایحه در مناطقی مثل ایلام، بلوچستان و سیستان که فاقد

سازمان ارتباطی مجهز می‌باشد به چه صورتی انجام خواهد شد و وزارت دادگستری چه فکری دارد که امنیت قضائی و آسایش مردم را تأمین کند در موقعی هم که راجع به کمبود کادر اداری صحبت بود بنده به جناب آقای پرتو پیشنهاد کردم که از سپاهیان انقلاب استفاده کنند و استفاده هم شده است ولی باز می‌بینیم در نقاطی که مردم در رنج و زحمت هستند و دلشان می‌خواهد که از عدالت اجتماعی بیشتر بهره‌مند شوند سازمان ضروری و مابیه‌الاحتیاج آنها تأمین نگردیده و بنده نمی‌دانم وزارت دادگستری برای رفع این مشکلات چه فکری کرده است تقاضا دارم مجلس را از برنامه‌های آینده و اینکه چه موقعی این نواقص مرتفع می‌شود مطلع دارند.

رئیس. آقای صادق احمدی بفرمایید.

صادق احمدی (معاون وزارت دادگستری). عرض کنم مسئله گسترش سازمان‌های دادگستری در نقاط مختلف کشور یک مسئله واجد اهمیتی است که همیشه مورد توجه و اقدام وزارت دادگستری است و با احتیاجات مناطق مختلف کشور و امکانات دادگستری چه از لحاظ عامل انسانی که در درجه اول قاضی است و قاضی کسی نیست که بشود هر روز با انتشار یک آگهی صد یا دویست نفر پیدا کرد و برای این کار استخدام نمود وزارت دادگستری با توجه به امکاناتش و با توجه به اینکه می‌شود گفت با قانونی که اخیراً تصویب فرمودید هر شش ماه یک بار آگهی منتشر می‌کند و می‌شود گفت کلیه داوطلبان را که عده‌شان در حدود پنجاه، شصت نفر بیشتر نیست قبول می‌کند و اینها پس از طی کلاس کارآموزی برای رفع نواقص تشکیلاتی به نقاط مختلف کشور اعزام می‌شوند و باز در همین قانون که تصویب فرمودید ملزم فرمودید که آنها چند سال اول خدمتشان را حتماً در شهرستان‌ها انجام وظیفه بکنند برای اینکه رفع نواقص تشکیلات قضائی در نقاط مختلف کشور بشود و قضات همه در تهران جمع نشوند مسئله تشکیل خانه‌های انصاف و شوراهای داوری حقاً می‌شود گفت یکی از مسائلی است که فوق‌العاده در بسط و گسترش عدالت در اقصی نقاط مملکت کمک کرده است و روزبه‌روز توسعه پیدا کرده

است و به تعداد خانه هاي انصاف و شوراهاي داوري اضافه شده است و محققاً يکي از علل تشكيل اين خانه هاي انصاف و شوراهاي داوري اين بوده است که عدالت گسترش پيدا کند و بار دادگستري تا حدي سبک بشود که خوشبختانه در اين راه توفيق بسياري نصيب دستگاه دادگستري شده است جناب آقاي ابوذر فرمودند که با آقاي وزير دادگستري صحبت کرده اند راجع به يکي از نقاط حوزه انتخابيه شان که احتياج به دادگاه دارد همان طور که عرض کردم ضوابطي در دادگستري هست که مطالعه ميشود که وقتي از محلي تقاضايي براي تشكيل دادگاه ميشود از لحاظ جمعيت، وضعيت جغرافيايي، دوري و نزديك به دادگاه هايي که در حال حاضر هست، بررسي ميشود ولي از لحاظ عامل انساني هنوز مضيقه مرتفع نشده است مع هذا يك نقطه اي که ضرورت پيدا کند که در آنجا دادگاهي تأسيس بشود، تأسيس ميشود و همان طور هم که آقاي وزير دادگستري فرمودند اقدام ميشود. الان هنوز تشکيلات شهرباني در بعضي جاها نيست و از اين جهت تشكيل دادگاه مواجه با مشكلاتي است براي اينکه بودجه نگاهداري زندان و اساساً مسئوليت نگاهداري زنداني با شهرباني کل است نه با ژاندارمري، ژاندارمري در ابتدای کار کساني را که متهم هستند زنداني نموده و بعد اينها را تحويل مراجع قضائي ميدهد بعداً ديگر مسئوليتي ندارد و بودجه اي هم براي نگاهداري زنداني ندارد بايد تحويل شهرباني بشوند در يك نقطه اي که دادگاه باشد و شهرباني نباشد مشكلات متعددي هست به هيمن علت است که گفته شده است که شهرباني بايستي در آنجا تأسيس بشود تا مشكلات تشكيل دادگاه تا حدي مرتفع شود و در صورتي که از ساير جهات هم موجبات فراهم شد اشکالي ندارد چون صرفاً وجود شهرباني دليل بر اين نيست که بشود بلافاصله دادگستري و دادگاه تشكيل داد و وزارت دادگستري ملزم به اين کار باشد بايد ضوابط ديگرش بررسي بشود از جمله بعد مسافت، موقعيت جغرافيايي، جمعيت، در هر سال هم طبق آمار ما چند دادگاه بخش اضافه ميکنيم تشكيل ميدهيم و چند دادگاه بخش باز

بالضرورة تبدیل به دادگاه شهرستان می‌شود از نظر رفع احتیاج مردم ولی هیچ کدام این مسائل که به جای خود ضروری است و باید درست شود و در حد خودش صحیح و قابل توجه است ارتباطی با ماده ۲ قانون مدنی و مسئله حذف شش فرسخ یک روز ندارد چون در حال حاضر همان‌طور که جنابعالی می‌فرمایید محل مورد نظر جنابعالی ۴۵۲ کیلومتر فاصله تا مرکز قضائی ایلام دارد و ماده ۲ قانون مدنی دردی را دوا نمی‌کند البته رفع این مشکلات هم خواهد شد که در حد خودش درست است و باید اقدام شود.

رئیس. نظر دیگری در ماده واحده نیست؟

عبدالحسین طباطبائی. بنده استدعا کردم مقرر بفرمایید لایحه برگردد به کمیسیون.

رئیس. شما آیین‌نامه را می‌دانید که برای برگشت لایحه به کمیسیون تقاضای ۱۵ نفر لازم است.

دکتر ناصر بهبودی. فراکسیون حزب مردم این تقاضا را می‌کند وعده‌شان هم از ۱۵ نفر بیشتر است و پیشنهاد را هم تقدیم می‌کند.

رئیس. بسیار خوب با این پیشنهاد مخالفی نیست؟ آقای مهندس ارفع بفرمایید.

مهندس ارفع. بنده با اذعان به اینکه فرمایش همکار عزیزم جناب آقای طباطبائی در ضرورت مطلع ساختن مردم از تصویب قوانین قابل توجه است همیشه پیش خود فکر می‌کردم وقتی که اصل قضائی ما براین اساس است که جهل به قانون رافع مسئولیت‌های افراد در مقابل قانون نخواهد بود فکر می‌کردم در مقابل جامعه‌ای که هنوز تعداد باسوادان آن جامعه به حد کافی نرسیده در میان جامعه‌ای که در اثر توسعه و گسترش کشور و پراکندگی جمعیت وجود نفرات و آحاد در مناطق مختلف کشور اشکالاتی از نظر تفهیم و اطلاع بر قوانین ایجاد می‌کند چطور ما اصل قضیه را براین می‌گذاریم که جهل بر قوانین رافع مسئولیت نخواهد بود ولی در عین حال هم فکر می‌کردم اگر غیر از این باشد هرکس می‌تواند در موارد لزوم مدعی شود مطلع از قانون نبوده‌ام خودش را مبری از اجرای قانون بداند ولی جناب آقای طباطبائی ملاحظه بفرمایید که ما در این لایحه همان طور که معاون

محترم وزارت دادگستري فرمودند خواسته ايم ضابطه اي را كه مربوط به تاريخ اجراي قوانين است تغيير بدهيم و وضعي را كه متناسب با زندگاني اجتماعي امروز ما نيست به هم بزنيم اما در يك چنين ماده اي كه تغيير وضع بدهيم به هيچ وجه جايز نيست كه بياييم دولت را مكلف كنيم كه وسايل انتشار را فراهم كند يا از راديو اين قوانين را منتشر كند دولت و نمايندگان دولت در اينجا تأييد كردند كه اين نكته اي كه جناب عالي فرموديد موردتوجه و علاقه دولت هم واقع خواهد شد و عملاً سعي خواهد شد تا جايي كه مقدور باشد اين كار انجام بشود ولي در حال حاضر نمي توانيم بگوييم كه دولت موظف باشد نشریه و رويه خاصي در تمام مملكت داشته باشد و به وسيله آن نشریه و رويه خاص قوانين را به اطلاع فرد فرد مردم برساند نه چنين وسيله اي براي دولت وجود دارد و نه ميسر است و نه به فرض اينكه چنين نشریه اي وجود بيايد تمام اهالي كشور باسوادند و قوه فهم كامل اين قوانين را با يك بار خواندن خواهند داشت همه تحصيل کرده نيستند ما بايد در نظر بگيريم كه اكثريت هنوز در طبقاتي هستند كه آنها از نظر سطح فكري و از نظر اطلاع و سواد در سطوح پايين هستند البته راديو و دولت بایستی وسايل و موجباتي فراهم كند كه ضمن گفتگوهاي عديده نه تنها به صرف انتشار اين قوانين كه متن خشك مصوبه اي را در راديو بخوانند بلكه بنده معتقدم ساعات خاصي بايد وجود داشته باشد قوانيني كه با زندگاني افراد اين اجتماع ارتباط مخصوص دارد گفته بشود بيان شود به صورت گفتگو و مناظره در بيايد سؤال و جواب بشود و طوري بشود كه در سطح ده هرکسي بتواند استفاده كند اين وظيفه را دولت به عهده خواهد گرفت اما اجازه بفرماييد اين مسئله را در متن قانون ذكر نكنيم براي اجراي قوانين چنين شرطي قائل نشويم.

رئيس. آقاي طباطبائي بفرماييد.

طباطبائي. همان طور كه جناب آقاي مهندس ارفع فرمودند اين لايحه متضمن دو قسمت است يكي انتشار قانون براساس مقررات سابق كه عبارت از ۶ فرسنگ

در روز بود که بنده در مقدمه عرایض عرض کردم که این وضع متناسب با زمان فعلی نیست و همان‌طور که آقای صادق احمدی توضیح دادند هیچ معقول نیست قانونی وضع بشود و آزادی عده‌ای زندانی به خاطر وضع انتشارش در یک گوشه مملکت ۵۶ روز وقت لازم باشد که یک زندانی عفو شده و بخشوده شده‌ای را آزاد کنیم در این مورد من باز تأکید می‌کنم. تأیید می‌کنم که عمل واقعاً صحیح است ولی آقای مهندس ارفع، آن مسئله لزوم استحضار مردم بر مضامین و مفاد قوانین همچنان به قوت خودش باقی است و چنانچه ملاحظه می‌فرمایید برای اینکه به چنین مسئله‌ای توجه شود مثل اینکه دیگر مجالی پیش نخواهد آمد حالا با تصادف روزگار مجال فراهم شده است که این نقیصه را اگر بتوانیم برطرف کنیم.

رئیس. آقای طباطبایی این موضوع که فعلاً مطرح نیست.

طباطبایی. چه موضوعی؟

رئیس. همین موضوعی که می‌فرمایید چطور به اطلاع مردم برسانند.

طباطبایی. حالا اگر نظر مقام ریاست براین است که حتماً این ماده واحد به همین صورت تصویب بشود بنده عرضی ندارم ولی به نظر بنده ارتباط دارد جناب آقای مهندس ریاضی، چون مسئله این است که اگر خدای نخواسته امروز قانونی ایجاد وضع شود و برای ده روز دیگر قابل اجرا باشد جنابعالی که حتی در تمام عمرتان یک بار روزنامه رسمی را ملاحظه نمی‌فرمایید...

رئیس. نحوه انتشار قوانین در روزنامه‌ها یا پخش از رادیو به مطلبی که فعلاً مطرح است مربوط نیست.

طباطبایی. جناب آقای رئیس.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر

قطره‌ای باید کشید

حالا مجالی پیدا شده است اگر می‌فرمایید مسکوت بگذاریم به چشم بنده عرضی ندارم.

رئیس. آقای صادق احمدی بفرمایید.

صادق احمدی (معاون وزارت دادگستری). استدعا می‌کنم جناب آقای طباطبایی به این عرض من توجه

بفرمایند نظر آقای طباطبایی این است که در حال حاضر که قوانین در روزنامه رسمی چاپ می‌شود کافی نیست و مردم مطلع نمی‌شوند بنده عرض کردم خدمتشان که یا باید يك نشریه خصوصی دولتي باشد که هست یعنی الان روزنامه رسمی کشور همان نشریه دولتي است از طرف روزنامه رسمی منتشر می‌شود و این نشریه درخصوص انتشار قوانین است پس این هست این قسمت تحصیل حاصل است. می‌ماند آن قسمتي که دولت بیايد در مجلس در قانون روزنامه‌هایی که وابسته به دولت نیستند و صرفاً جنبه خصوصی دارند ملزم کند که شا قوانین را منتشر کنید و این را هم بنده فکر نمی‌کنم که چنین چیزی در قانون و الزام سازمان‌های خصوصی برای اینکه بایستی قوانین را حتماً منتشر کنند صحیح باشد باز هم بسته به نظر نمایندگان محترم است شق سوم این است که به وسیله رادیو دولت را ملزم کنند که قوانین را نشر بدهد انتشار از رادیو يك اثر حقوقی نمی‌تواند داشته باشد بایستی حتماً در يك نشریه رسمی درج بشود تا يك اثر حقوقی داشته باشد والا انتشار در رادیو که بنده يك ساعتی گوش بدهم و يك ساعت گوش ندهم بعد بیايند بگویند در فلان ساعت قانون را منتشر کردیم و شا گوش ندادید پس محکوم هستی اینکه نمی‌شود، بایستی طی يك نشریه رسمی منتشر بشود که همان روزنامه رسمی کشور است که در حال حاضر منتشر می‌شود بنابراین اعاده لایحه به کمیسیون بنده فکر می‌کنم مشکلي را حل نخواهد کرد و در ماده نمی‌شود گنجانند که روزنامه های خصوصی ملزم هستند برای اینکه هر قانونی را چاپ کنند.

رئیس. چون آقایان پیشنهاد را پس گرفتند (طباطبایی- پس نگرفتیم) چرا پس گرفتند نظر دیگری در ماده واحده نیست؟ (اظهاری نشد) در کلیات آخر لایحه نظري نیست؟ (اظهاری نشد) بنابراین به ماده واحده و کلیات آخر آن رأی می‌گیریم خانم‌ها و آقایانی که موافقند خواهش می‌کنم قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد لایحه برای تصویب به مجلس سنا فرستاده می‌شود.

گفتار چهارم. مشروح مذاکرات اعلام وصول لایحه در مجلس سنا
صورت مذاکرات مجلس سنا. دوره پنجم تقنینیه
جلسه ۹۵ دوشنبه دوازدهم آبان ماه ۱۳۴۸
۷. اعلام وصول لایحه راجع به اصلاح ماده دو قانون
مدنی ارسالی مجلس شورای ملی
رئیس. لایحه برای رسیدگی به کمیسیون مربوط ارجاع می‌شود لایحه دولت راجع به اصلاح ماده دو قانون مدنی از مجلس شورای ملی رسیده است. مراسله مجلس شورای ملی قرائت می‌شود.
 (به شرح زیر قرائت می‌شود)
 ریاست محترم مجلس سنا
 گزارش کمیسیون دادگستری در قبال لایحه شماره ۱۹۱۴۶ مورخ ۴۸/۶/۲۲ دولت راجع به اصلاح ماده دو قانون مدنی در جلسه روز یکشنبه ۱۳۴۸/۸/۱۱ مطرح و به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اینک لایحه قانون مزبور جهت تصویب آن مجلس محترم به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

گفتار پنجم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس سنا
صورت مذاکرات مجلس سنا. دوره پنجم تقنینیه
جلسه ۹۶ دوشنبه نوزدهم آبان ماه ۱۳۴۸
۷. شور اول لایحه اصلاح ماده ۲ قانون مدنی
رئیس. لایحه اصلاح ماده ۲ قانون مدنی برای شور اول مطرح است. گزارش کمیسیون شماره ۳ قرائت می‌شود.
 (به شرح زیر قرائت شد)
 گزارش از کمیسیون شماره ۳ (دادگستری و استخدام به مجلس سنا:
 لایحه قانون^۱ شماره ۱۹۱۴۶ مورخ ۱۳۴۸/۶/۲۲ دولت راجع به اصلاح ماده ۲ قانون مدنی ارسالی از مجلس شورای ملی در کمیسیون شماره ۳ (دادگستری و

۱. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۲۹

استخدام) با حضور آقاي صادق احمدي معاون وزارت دادگستري مورد رسيدگي واقع و پس از مذاكرات مفصل و توضيحات آقاي معاون وزارت دادگستري عيناً به تصويب رسيد. اينك گزارش آن به شرح زير براي شور اول تقديم مجلس محترم سنا مي‌شود. نايب رئيس كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام)

به جاي خيز. اشرف احمدي

قانون^۱ اصلاح ماده ۲ قانون مدني

ماده واحده. ماده ۲ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌شود:

ماده ۲. قوانين ده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجراء است مگر آنكه در خود قانون ترتيب خاصي براي موقع اجرا مقرر شده باشد. **رئيس.** كليات لايحه مطرح است آقاي دكتور صديق بفرماييد.

دكتور صديق. در ماده دوم قيد شده است: «قوانين پس از ده روز از انتشار...» اين كلمه انتشار براي بنده يك قدري مبهم است زيرا اگر مراجعه بشود به محكماتي كه صورت مي‌گيرد مخصوصاً امور جزايي اگر كساني كه مرتكب جرم شده‌اند بگويند از قانون استحضار و خير نداشته‌اند جواب آنها را چه مي‌دهيد؟ در صورتي كه يك اصل ديگري هست كه عدم اطلاع مانع عدم اجرائي قانون نمي‌شود. خواستم استدعا كنم توضيح بدهيد كه وزارت دادگستري چه كار مي‌كند كه قوانين كاملاً به اطلاع مردم برسد و فقط اين نباشد كه در يك روزنامه‌اي كه صد تا بيشتر منتشر نمي‌شود مثل روزنامه رسمي چاپ كنند و به استحضار آنها نرسد.

۱. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي‌رسد.

رئیس. آقای معاون وزارت دادگستری بفرمایید.
معاون دادگستری (احمدی). به طوری که آقایان سناتورها محترم استحضار دارند در حال حاضر قوانین مصوب مجلسین به وسیله روزنامه رسمی کشور درج و منتشر می‌شود البته بعضی از روزنامه‌های کثیرالانتشار هم غالباً این قوانین را منتشر می‌کنند و علاقه مندان مطلع می‌شوند جز روزنامه رسمی که در اختیار دولت است وسیله دیگری نیست و نمی‌شود هم به زعم بنده که روزنامه‌های خصوصی را مکلف کرد که شما حتماً قوانینی را منتشر بکنید و کدام روزنامه این کار را بکند؟ و چه وجه تمایزی است بین یک روزنامه و روزنامه دیگر. اگر قرار باشد که همه روزنامه‌ها این کار را بکنند که به وسیله قانون نمی‌شود که مؤسسات خصوصی را ملزم به انجام این کار کرد بنده فکر می‌کنم که چیز به وسیله روزنامه رسمی کشور نمی‌شود به وسیله دیگری قوانین را منتشر کرد که در حال حاضر همین طور می‌شود و کسانی که علاقه مند باشند مطلع می‌شوند همین‌طور که استحضار دارید و خودتان اشاره فرمودید جهل به قانون رافع مسئولیت نمی‌تواند باشد و بعد از آنکه منتشر شد علاقه مندان اطلاع حاصل می‌کنند اگر طریق دیگری به نظر جنابعالی می‌رسد غیر از روزنامه‌های رسمی که واقعاً مدرکی داشته باشد ارائه طریق بفرمایید تا عمل بشود.

رئیس. آقای دکتر صدیق بفرمایید.
دکتر صدیق. خواستم توضیح بدهم از وسایلی که در دست دولت است مانند رادیو استفاده کنید و به اطلاع مردم برسانید که بدین وسیله اقلاً به گوششان برسد همان طور که ما می‌بینیم راجع به مالیات‌ها و عوارض‌های دیگر که به وسیله ادارات مختلف منتشر می‌شود به وسیله روزنامه‌ها به اطلاع مردم می‌رسانند شما چه شکلی می‌خواهید قانون را اجرا بکنید تا مردم اطلاع پیدا بکنند؟

۱. به جای عبارت «روزنامه‌های» عبارت «روزنامه» صحیح است.

رئیس. آقای احمدی بفرمایید.

معاون وزارت دادگستری. در مجلس شورای ملی هم یکی از آقایان نمایندگان راجع به رادیو اشاره ای کردند و بنده آنجا توضیح دادم که بنده به عنوان معاون وزارت دادگستری نمی توانم تعهدی بکنم البته رادیو من باب اطلاع اشکالی ندارد ولی یک اثر حقوقی نمی تواند داشته باشد که گفته بشود که چون قانون در رادیو منتشر شده است بایستی افراد متوجه باشند که در ساعت معینی به رادیو گوش بدهند که آن قانون را بفهمند صرفاً من باب اطلاع اشکالی ندارد بنده آنجا عرض کردم که با وزارت اطلاعات هم مذاکره می کنیم که قوانین پس از تصویب در رادیو هم به کیفیتی منتشر بشود برای اطلاع عموم اما همین طوری که عرض می کنم این یک اثر حقوقی نمی تواند داشته باشد صرف انتشارش در رادیو حتماً بایستی در روزنامه رسمی منتشر بشود.

رئیس. آقای بوشهری بفرمایید.

بوشهری. بنده می خواستم همین عرض را که آقای دکتر صدیق فرمودند بکنم باید در قانون نوشته شود به وسیله روزنامه کثیرالانتشار یا رادیو به اطلاع مردم برسد.

رئیس. آقای رضا بوشهری، بفرمایید.

رضا بوشهری. مهلتی که برای ولایات قید کرده بود اینجا حذف شده است. با ترتیبی که پستخانه ما دارد روزنامه رسمی بعد از ده روز هم به چاه بهار نمی رسد.

رئیس. راجع به مدت یک پیشنهادی رسیده است که هنگام طرح ماده واحده مطرح خواهد شد فعلاً مسئله ای که به طور کلی بایستی مورد توجه بشود این است که طرقی را که ممکن است اطلاع مردم را تأمین بکند بایستی پیش بینی بکنند که از وسایلی که در اختیار هست استفاده بشود در این خصوص اگر حضرتعالی پیشنهادی دارید مرقوم بفرمایید در کمیسیون رسیدگی خواهد شد. نسبت به کلیات دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می گیریم به ورود در شور ماده واحده. سناتورهایی که موافقند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده واحده مطرح است. پیشنهادی از آقایان دکتر سجادی و دکتر صدیق رسیده است که قرائت می‌شود.
مقام محترم ریاست مجلس سنا
پیشنهاد می‌کنم در ماده ۲ قانون مدنی پس از کلمه انتشار بین دو قوس اضافه شود (به وسیله روزنامه رسمی کشور و رادیو و جراید کثیرالانتشار).

دکتر صدیق

مقام محترم ریاست مجلس سنا

پیشنهاد می‌شود در ماده ۲ قانون مدنی مدت ده روز پس از انتشار به پانزده روز تبدیل شود.

با تجدید احترام. دکتر سید محمد سجادی

رئیس. برای رسیدگی به کمیسیون ارجاع خواهد شد نسبت به ماده واحده دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به ورود در شور دوم ماده واحده. سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد لایحه برای شور دوم به کمیسیون شماره ۳ ارجاع می‌شود.

گفتار ششم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس سنا

صورت مذاکرات مجلس سنا. دوره پنجم تقنینیه

جلسه ۹۷ دوشنبه بیست و ششم آبان ماه ۱۳۴۸

ه. تصویب لایحه اصلاح ماده ۲ قانون مدنی و اعاده

آن به مجلس شورای ملی

رئیس. لایحه اصلاح ماده ۲ قانون مدنی برای شور دوم مطرح است گزارش کمیسیون شماره ۳ (دادگستری و استخدام) قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون شماره ۳ دادگستری و استخدام به مجلس سنا:

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۳۳

لايحه قانون^۱ شماره ۱۹۱۴۶ مورخ ۱۳۴۸/۶/۲۲ دولت راجع به اصلاح ماده ۲ قانون مدني ارسالي از مجلس شوراي ملي در كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) با حضور آقاي صادق احمدي، معاون وزارت دادگستري براي شور دوم مطرح و پس از رسيدگي و با توجه به پيشنهادهاي رسيده با اصلاح به تصويب رسيد. اينك گزارش آن به شرح زير براي شور دوم تقديم مجلس محترم سنا مي‌شود.

نائب رئيس كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام)

به جاي خبر. اشرف احمدي

قانون^۲ اصلاح ماده ۲ قانون مدني
ماده واحده. ماده ۲ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌شود:

ماده ۲. قوانين پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنكه در خود قانون ترتيب خاصي براي موقع اجرا مقرر شده باشد.

رئيس. ماده واحده مطرح است آقاي دكتور متين دفتري بفرماييد.

دكتور متين دفتري. عرض كنم متاسفانه به واسطه مسافرت به هندوستان بنده نه در شور ماده ۲ قانون مدني متاسفانه در شور اول آن در كميسيون شركت داشتم و نه در كميسيون شور دوم. البته اگر اين طور نبود بنده هم امروز عرضي نداشتم و زحمتي نداشتم و مطالبي را كه مي‌خواستم بگويم در كميسيون مي‌گفتم اين ماده واحده يعني ماده ۲ قانون مدني ظاهراً دو سطر بيشتر نيست اما قانون خيلي مهمي است براي اينكه قوانين لازم الاجرا مي‌شود و بسا قوانين است كه براي مردم تاثيرات بسيار دارد. اين منحصر به

1. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي‌رسد.

2. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي‌رسد.

قوانین جزایی نیست به طور کلی قوانین چطور لازم الاجرا می‌شود یا مثلاً قوانین مالیاتی جریمه دارد قوانین جزایی تکالیفی برای مردم ایجاد می‌کند که به نظر من در این ماده بایستی دقت بیشتری بشود محتاج به این است که خوب دقت بشود که این تغییر قانون وضع را بهتر نکند نه اینکه برای مردم یک اشکالاتی ایجاد بکند.

این ماده ۲ قانون مدنی ما چیزی نیست که در ایران اختراع شده باشد. منشأ این ماده تقریباً عیناً با یک تصرفات جزئی در زمان ناپلئون که قانون مدنی فرانسه گذشته است در ماده اولش این است که قوانین وقتی لازم الاجراء می‌شود که لازم الاجراء

بودنش طوری منتشر شود که همه مطلع بشوند این در قانون مدنی ناپلئون است که به آن تصریح شده است بعد می‌گوید فرض می‌شود برای اینکه همه مطلع بشوند در پایتخت این طور و در شهرهای دیگر این طور هرکدام با یک تفاوت و فاصله معینی و حالا آنچه که بنده اطلاع دارم در اجرای قانونی که برای مجرمین و محکومین مواد مخدره که قانونش اینجا گذشت وزارت دادگستری برای استخلاص این محکومین دچار محذور شده است که اینها مدتی معطل شده به این معنی کسانی که در نقاط دور دست بوده اند قانون لازم الاجرا بشود تا آنان بتوانند خلاص بشوند این است که وزارت دادگستری متوجه شده است که باید یک فکری کرد.

بنده مذاکراتی که در جلسه پیش در مجلس سنا شده بود همه را خواندم و نگرانی بعضی از آقایان بخصوص جناب آقای دکتر صدیق به نظر من به مورد است و نگرانی ایشان صحیح است در کشور ما که با این همه مبارزه که با بی‌سوادی می‌شود باز هم عده زیادی بی‌سواد هستند که از قوانین اطلاع ندارند این است که یک وقت قانون یقه اش را می‌گیرد چون یک اصلی هم در قانون هست جهل از قانون رافع مسئولیت^۱ نیست مخصوص با در نظر گرفتن این اصل باید تدبیری کرد.

۱. در متن فوق عبارت «مسئولیت» جایگزین عبارت «جرم» گردید.

بنده به همین قانون مدني فرانسه كه مراجعه كردم يك قوانين متممي هم براي اين كار گذاشته است منجمله در يك قانوني نوشته كه در ولايات فرماندارها و بخشدارهاي فرانسه مكلفند كه قوانين را به طور آگهي و اعلان به اطلاع مردم برسانند.

آن وقت موقعي بود كه هنوز راديو و تلويزيون نبود فرماندارها و بخشدارهاي فرانسه را به موجب قانون متمم ماده اول قانون مدني مكلف كردند كه در ميدانهاي عمومي به هر وسيله اي كه مقتضي مي دانند به اطلاع واقعي مردم برسانند نه اينكه بگويند در روزنامه رسمي فرانسه منتشر شده است و قابل اجراء است. آنجا يك روز بعد از انتشار در

روزنامه رسمي در پاریس قابل اجرا است و براي ساير ولايات با تفاوت فاصله اي كه با هم دارند ولي به اين امر اکتفا نکردند و در قوانين متمم فرماندارها و بخشدارها را مكلف كردند كه قوانين را واقعاً به اطلاع عموم برسانند.

حالا اين اصلاحي كه در كميسيون شده است بسيار اصلاح خوبي بوده است. ده روز، كردند ۱۵ روز منتهي براي همه. ولي بنده اطمینان مي دهم نه آن ده روزي را كه دولت نوشته بود و نه اين پانزده روزي كه كميسيون پيشنهاد کرده است با همین اطلاق و ابهامش كفايت نخواهد كرد كه تمام مردم واقعاً از قانون اطلاع پيدا كنند. حالا يك عيب ديگري در کشور ما دارد. در كشورهاي ديگر كه قوانين در شور اول و دوم و يا در كميسيون مورد بحث است در جرايد منتشر مي شود جرايد مي نويسند كه فلان قانون مطرح است و فلان كس يا اكثريت يا اقليت چه گفتند.

وقتي قانون مي خواهد بگذرد همه مطلع مي شوند اما اين گزارشي كه در مطبوعات ما منتشر مي شود فقط چند نطق قبل از دستور كه مي شود در روزنامه ها مي نويسند و بعد تذكر مي دهند كه چند لايحه دولت هم گذشت. حتي اسم لايحه را مي نويسند كه مردم مطلع شوند كه يك چنين قانوني در شرف تصويب هست تا مردم خودشان را آماده كنند. حالا نمي دانم جناب آقاي دكتر مصباح زاده تشریف دارند يا خير يك توجه ديگر هم به قوانين دارند يك كلاسورهاي چاپ

کرده اند قوانین را در دسترس عموم می‌گذارند ولی آن برای کسی است که آنها را بخرد. آن وقت به او می‌دهند قوانین را ایشان برای مردم نمی‌فرستند و کسی که علاقه مند است از وکلای دادگستری است آنها چه می‌دانند که در کیهان یک کلاسوری هست و قوانین به موقع چاپ می‌شود و در اختیار مردم هست بنده امسال در یک سمپوزیوم بودم حالا آقای دکتر شفق ایراد می‌گیرند که چرا می‌گویید سمپوزیوم ولی واقعاً اسمش سمپوزیوم بود مال خارجه بود مالی ایرانی هم نبود یک سمپوزیومی در ژنو اتحادیه بین‌الجالس تنظیم کرد و روزنامه نگارهای بزرگ دنیا و رؤسای بی‌بی‌سی و ای‌بی‌سی آمریکا حضور داشتند و آنچه گفته شد که چه باید کرد که مردم از جریان قوانین مطلع بشوند و بعضی از نمایندگان که آنجا بودند می‌گفتند که حتی قوانینی که در کمیسیون‌ها مطرح می‌شود رادیوها و تلویزیون‌ها را وصل کنند که مذاکرات کمیسیون راجع به قوانین منتشر بشود حالا با این نقص این کارها از آقای وزیر دادگستری سؤال می‌کنم که منصفانه جواب بدهند که همین که ۱۵ روز از یک قانونی گذشت در چاه بهار اجرا بشود و اگر قانون جزایی باشد و مردم مرتکب جرم بشوند انصافاً یک چنین آدم‌هایی واقعاً مستحق مجازات هستند؟ اگر مستحق هستند بنده عرضی ندارم اما یک کاری باید کرد که قوانین واقعاً منتشر بشود و به اطلاع عموم برسد که حتی به نظر بنده در سر منابر و اجتماعات به مردم تفهیم کنند حالا شور دوم است که آیین‌نامه به بنده اجازه نمی‌دهد پیشنهادی بدهم بنابراین یا دولت اینجا خودش بگوید که ما یک آیین‌نامه‌هایی و یک تصویب‌نامه‌هایی برای تکمیل این قانون وضع می‌کنیم و یک کاری می‌کنیم یا اینکه اگر آقایان موافقند مجدداً برگردد به کمیسیون تا آنجا بلکه بتوانیم قانون را تکمیل بکنیم حالا موکول به نظر اکثریت آقایان است.

رئیس. آقای وزیر دادگستری بفرمایید.

پرتو. برای اینکه مطلب بهتر برای سناتورهای محترم توضیح داده شود بنده لازم می‌دانم وضع فعلی را اول

به عرض برسانم و بعد ببینیم پیشنهاد دولت در چه حدودی بوده است به موجب ماده ۲ قانون مدنی قوانین در مرکز پس از ده روز از تاریخ انتشار و در شهرستان‌ها پس از این ۱۰ روز به اضافه هر شش فرسخ يك روز به اعتبار مسافت تا مقصد قابل اجرا است. سال‌ها است این قانون وجود داشته است شاید توجهی نشده که این قانون برخلاف قانون اساسی بوده است برای اینکه در قانون اساسی یکی از اصول مسلم آن، این است که افراد در مقابل قانون متساوی الحقوق هستند. اگر يك حکم مجازاتی صادر شد که امروز در تهران صادر بشود و ۵۶ روز بعد در زاهدان آیا افراد در برابر قانون متساوی الحقوق هستند یا نه؟ یا يك بام و دو هوا است از طرفی با توسعه‌ای که در کشور ما و در تمام دنیا پیدا شده تکنولوژی به معنای وسیع کلمه پیشرفت پیدا کرده و در دنیایی هستیم که در فاصله دو روز به ماه می‌رسند آیا باید قدرت برد يك چهارپا را حساب کنیم و همانطور ۶ فرسخ در يك روز را در نظر بگیریم وسایل ارتباطی وسایل مخابراتی که در این مملکت هست پیشرفت‌هایی که در شئون مختلف اداری ما شده وسایل علمی که پیدا شده است در دنیا آیا باز باید ما را در این خواب خرگوشی باقی بگذارد که قانون را امروز در تهران اجرا بکنیم و پنجاه و شش روز بعد در زاهدان. جناب آقای دکتر متین دفتری هم فرمودند که قانون فرانسه هم ماده اولش این هست ولی ای کاش می‌فرمودند که این ماده اول قانون فرانسه چه موقع تصویب شد (قوام صدري - در ایام ناپلئون) بنابراین چرا ما باید تبعیت کنیم از کشور فرانسه که چون آن کشور مقدم نشده برای این کار ما هم به تقلید او ساکت بمانیم چرا ما الگو نشویم برای فرانسه (خزیه علم - صحیح است) که بگویند کشور ایران بود که متوجه این نقص شد و زودتر از هر کشور دیگری آن نقص را برطرف کرد. (صحیح است). پیشنهادی که دولت کرده است این است که قانون پس از ده روز از تاریخ انتشار در سراسر کشور قابل اجرا باشد این يك فرض قانونی است جناب آقای متین دفتری می‌فرمایند که در خانه هرکس را بزنیم و به

او بگوئیم آقا مواظب باش یک چنین قانونی گذشته است (دکتر متین دفتر - بنده چنین چیزی نگفتم) اجازه بفرمایید معنایش همین است قربان این یک فرض قانونی است که می شود جناب عالی می فرمایید در منابر به مردم قانون را ابلاغ کنند تصویرش را بفرمایید چه چیزی از آب درمی آید مثلاً در منابر ۱۵۸ ماده قانون مالیات مستقیم را به مردم تفهیم کنند این کار چطور ممکن است بشود چطور این کار برای دولت امکان دارد من با نظر جناب عالی کاملاً موافقم تا آنجا که امکانات اجازه می دهد باید مردم از طریق جراید از طریق رادیو و تلویزیون مطلع شوند باز یک جوابی در مقابل یک سؤال مقدری هست و آن این است که مگر همه مردم رادیو دارند؟ مگر همه مردم تلویزیون دارند؟ مگر همه جا وسیله ارتباط هست؟ پس تا آنجا که ممکن است باید اقدام کرد و آن تنها ملک عمل ما در روزنامه رسمی کشور است. الان این قدر جراید پیشرو شده اند که هنوز لایحه را دولت به مجلس نداده تمام متنش را چاپ می کنند و تمام مردم آشنا می شوند با قوانینی که جنبه عمومی دارد و با منافع اکثریت مردم سروکار دارد اگر ما وسایل مختلفی را برای انتشار بگذاریم در قانون و فکر کنیم صراحت داشته باشد اشکالی پیدا می شود در تعدد تاریخ مبدأ. تاریخ مبدأ این قانون را ۱۵ روز بعد از انتشار چه روزی می گیریم روزی که در اطلاعات چاپ می شود روزی که در کیهان چاپ می شود و یا روزی که از رادیو پخش می شود و یا روزی که تلویزیون می گوید یک مرجع رسمی برای این کار دارد روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی وظایف اصلی و عمده اش این است که قوانین و کلیه تصمیمات دولت و تمام مقررات را رسماً منتشر کند معنای آن، این نیست که روزنامه رسمی را هرکس می خواند خود بنده که وزیر دادگستری هستم روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی را که نمی خوانم به عنوان اینکه اطلاعاتی کسب کنم این یک ملک قانونی است برای اینکه مبدأ قانونی برای قوانین پیدا کنیم.

این مانع از آن نیست که به وسیله جراید و رادیو مردم را در جریان تصویب این قانون بگذارند و این کار خواهد شد ولی مرجع رسمی همان روزنامه رسمی

کشور شاهنشاهی است. پیشنهادی که دولت داد این ۱۰ روز را برای سراسر کشور یکسان تلقی کرد و شور اول که آمد جناب آقای دکتر سجادی پیشنهاد فرمودند که ۱۵ روز بشود ما هم قبول کردیم ولی نمی‌شود گفت در تهران ۱۵ روز اجرا بشود در شهرستان‌ها ۳۰ روز بعد مورد اجرا قرار گیرد برای اینکه عملاً ما برخلاف قانون اساسی اقدام کرده‌ایم و آن وقت کلیه احاد و افراد ملت ایران در برابر قانون متساوی‌الحقوق نیستند البته ما همیشه از اطلاعات و تجربیات و معلومات استاد ارجمند جناب آقای دکتر متین دفتری استفاده کرده‌ایم ولی متأسفانه به علت مسافرت‌های پی‌درپی ایشان در کوران نیستند و وقتی مراجعه می‌فرمایند که مراحل قانونی این کار برطبق آیین‌نامه داخلی مجلس سنا گذشته است و ما همین‌طور بی‌نصیب خواهیم ماند.

رئیس. آقای دکتر شفق بفرمایید.

دکتر شفق. توضیحات جناب آقای وزیر محترم دادگستری مثل همیشه قانع کننده بود ولی یک مطلب را بنده می‌خواهم با جناب آقای دکتر متین دفتری اظهار همدردی کنم و آن هم این است که با این همه ادله منطقی که فرمودید باز هم جا دارد همان طوری که خودتان فرمودید که دولت باید بکوشد حتی‌الامکان تمام وسایل را بکار برد که مردم اطلاع حاصل کنند بنده به خاطر دارم یک وقتی حالا از راه استحقاق بود یا نبود عضو سوکمیسیون اقلیت‌های ملل متحد بودم و در آنجا این موضوع مطرح بود که می‌گفتند که اگر در اواسط آفریقا یک جنگل‌نشینانی وجود داشته باشند و مطالب بین‌المللی راجع به حقوق و زندگی آنها باشد چگونه^۱ آنها باید مطلع بشوند اشخاصی که افراط هم می‌کردند می‌گفتند باید به زبان خودشان به هر نحوی و هر مدتی هم که لازم باشد صرف بشود تا آنها اطلاع کامل از اوضاع و حقوق خودشان پیدا کنند چون آنها هم بشرند و حق دارند بنده هم

۱. در متن فوق عبارت «چگونه» جایگزین عبارت «چه‌جور» گردید.

اعتراف به ذنوب را همیشه دوست دارم با این که کاتولیک نیستم باید اقرار کنم که خود بنده از پس که قوانین می‌آید و می‌گذرد خدای نکرده یک روز اگر جناب آقای رئیس امتحان بفرمایند که این قوانین که می‌آید و می‌گذرد و شما تصویب می‌کنید خود شما می‌دانید و متوجه هستید و عواقبش را می‌دانید چه خواهد شد نمی‌توانم جواب بدهم.

الان عواقب لایحه نوسازی و بعضی از مواد مالیات گلوی خود مخلص را که با یک حقوق زندگی می‌کنم نه حقوق دانشگاه که ناچیز گرفته است از دانشگاه که بازنشسته شده ام و فقط حقوق سنا است و باور بفرمایید اگر حقوق سنا نبود این قوانین مالی که ما را احاطه کرده است مرا خفه می‌کرد و از بین می‌برد شاید ترجیح می‌دادم بروم یک کوهستانی در یک جایی بنشینم نوسازی و کهنه‌سازی و امثال اینها مرا بکلی گرفتار و مستأصل نکند وقتی بنده این قوانین را که وظیفه بنده است خوب متوجه نشوم انتظار دارم از روزنامه‌ها قوانین را بخوانند و بفهمند متن قوانین را بنده خودم که اینجا هستم درست متوجه نیستم.

فرض بفرمایید خواندم از مفاد آن چه می‌فهمم اینکه ایشان فرمودند حتی در منابر بگویند مراد این است که آنچه امکان وجود دارد به مردم حالی کنند خودتان هم این وعده را فرموده‌اید حالا راهش چیست؟ اگر طفلانه نباشد بنده یک پیشنهادی به عقل رسیده است و نمی‌خواهم قانون پیشنهاد کنم اگر امکان دارد وزارت دادگستری مثل همان تأسیسات خانه‌های انصاف و امثال آن واقعاً یک هیأتی یا یک کمیسیونی و یا یک اداره‌ای ایجاد بکند که کار اینها تلخیص مفاد قوانین باشد و آن مفاد را و آن خلاصه را انتشار بدهند و نتیجه قوانین را به اطلاع مردم برسانند. زیرا اگر بخواهند تمام مواد را به اطلاع مردم برسانند کسی متوجه نمی‌شود فقط به مردم بگویند نتیجه این قانون این است که اگر شما آن را مراعات نکنید نتیجه‌اش چنین خواهد شد اگر این کار به نظرتان عملی است به عقیده من بهترین و

منطقي‌ترين كاري است كه منظور جناب آقاي متين دفترى را هم تأمين مي‌كند.

عرض كردم و تكرار مي‌كنم ولو در جرايد هم چاپ شود، بنده از خواندن آنها چيزي متوجه نمي‌شوم تا چه انتظار داشته باشيم كه به مردم بگوييم در روزنامه رسمي چاپ شده است و خودت برو بخوان تا بفهمي اگر منظورشان كمك به مردم است اين راه به نظر بنده مناسب مي‌رسد كه خلاصه مآل قوانين را اقلأ گذشته از متون قوانين از بابت توضيحات اعلام دارند.

رئيس. آقاي دكتور صديق بفرماييد.
دكتور صديق. در دفعه گذشته جناب آقاي وزير اينجا تشريف نداشتند كه عرايض بنده را بشنوند بنده پيشنهاد كردم كه انتشار به وسيله جرايد كئيرالانتشار و راديو و روزنامه رسمي كشور بشود. منظور بنده اين نبود كه در هر نقطه از مملكت يك تاريخ براي اين كار مقرر شود منظور بنده اين بود كه راديو يك مؤسسه دولتي است بزرگ‌ترين وظيفه راديو مطلع كردن مردم است، تربيت مردم است، قوانين يكي از بزرگ‌ترين و مؤثرترين عوامل تربيت است.

وقتي شما گفتيد كه بايد دست راست حركت بكنند اين تربيت است در^۱ خيابان اگر از دست راست نرفت پليس مي‌گويد آقا از دست راست برو مجبور است از دست راست برود. پس قوانين كه يكي از بزرگ‌ترين و مؤثرترين عوامل تربيت است بايد به مردم آموخته شود.

الان در راديو ساعت‌هايي به بطالت مي‌گذرد، جاز مي‌زنند، يك ترانه هاي عجيب و غريب مي‌خوانند، اشعار نو مي‌خوانند، چرا وزارت دادگستري يك ساعت، نيم ساعت از هفته صرف فهماندن قوانين مملكت به مردم نمي‌كند. اين يكي از بزرگ‌ترين وظيفات وزارت دادگستري است. چرا استفاده از اين راديو نمي‌شود

۱. در متن فوق عبارت «در» جايجزين عبارت «توي» گرديد.

در این رادیو که این همه پول باید خرجش بکنیم این همه شعبه در ولایات دارد ۱۲ مرکز در ولایات دارد تهران را هر روز قوی‌تر می‌کنند از رادیو بیشتر استفاده کنند ساعت‌هایی تعیین بفرمایند که در رادیو این قوانین برای مردم تشریح بشود.

اگر مردم بدانند که فلان کار جرم است احتمال کلی دارد که جرمی نکنند. بنده نمی‌گویم که این باعث می‌شود که هیچ جرمی نشود لااقل می‌دانند و اگر بدانند احتمال کلی دارد که نکنند.

بنده مقصودم این بود حالا اگر می‌فرمایند آن چیزی که بنده نوشته بودم باعث این خواهد شد که تصور بکنند که قانون در هر نقطه از مملکت باید یک تاریخی که آنجا می‌رسد اجرا بکنند عبارت را عوض کنید یک طوری عبارت را درست کنید تا منظور جنابعالی حاصل شود.

منظور بنده فهماندن قوانین به مردم است نه اینکه ۱۵۰ ماده را از اول تا آخر بخوانند این به درد مردم نمی‌خورد باید بگویند فلان قانون که گذشته است مقصود این است عوام فهم بکنند برای مردم تشریح کنند مردم احتیاج به این‌کارها دارند مقصود بنده تربیت مردم است ارشاد و راهنمایی مردم است برای اینکه بهتر بشوند اخلاق و رفتارشان مطابق قانون شود که جنابعالی پیشنهاد می‌کنید و اینجا تصویب می‌شود بنده مقصودی و منظوری غیر از این نداشتم.

رئیس. آقای دکتر متین دفتری بفرمایید.

دکتر متین دفتری. آقای وزیر دادگستری برای بنده یک تکلیفی ایجاد کردند که در اینجا مجدداً مزاحم بشوم.

بنده که به ساحت ایشان به ساحت دادگستری ایشان هیچ وارد نشدم حتی گفتم که وزیر دادگستری کار خودش را می‌کند و قوانین خود را می‌گذارند و در روزنامه رسمی کشور منتشر می‌کند اما ایشان از وزارت اطلاعات از روزنامه‌ها و از همه اینها دفاع کردند و دفاع آن را رأساً به عهده گرفتند و بعد هم استناد کردند به اصل هشتم متمم قانون اساسی. اگر اطلاع ندارید که این اصل هشتم متمم قانون

اساسي چطور وضع شده از كسي كه زنده است يعني آقاي تقی زاده از ایشان بپرسید كه این اصل چگونه^۱ وضع شد و پارسنگ چه بود اختلافی بود بین متشرعین و متجددین یا قوانین عرفی و شرعی و اگر دقت کرده باشید در آن ماده قید دارد كه قوانین عرفی یعنی در قوانین شرعی متساوی الحقوق نیستند و منظورشان این بود و این برای پارسنگ اصل^۲ دیگر قانون اساسی بود كه دعاوی را تقسیم كردند بین محكم شرع و محكم عرف. خلاصه تاریخ زیادی دارد و بنده نمیخواهم اینجا در يك مبحث حقوقی و علمی بحث كنم و خوشبختانه آقاي تقی زاده هنوز زنده هستند و تنها كسی هستند كه از آن موقع حیات دارند از ایشان بپرسید كه آن اصل چه بود و از شما متشكرم و خیلی خوب شد كه امروز استناد فرمودید خواهش میكنم در هیأت وزراء كه نشسته اند مواظب باشید كه

در وضع قوانین و در لواهی كه می آورند همیشه این اصل هست این تكلیف شما است كه اگر يك قانون تنظیم می شود و می آورند وزرای دیگر اطلاع ندارند از این اصل تساوی، شما يك وتویی داشته باشید كه اگر يك قوانینی دیگر میگذرد كه در آن قوانین تبعیض پیش می آید و اگر بخواهید نظایرش را به شما عرض میكنم.

این كار شما است و به استناد همین اصل الان به شما جواب می دهم. حالا كه دفاع از روزنامه ها و وزارت اطلاعات را هم به عهده گرفتید شما وقتی كه تمام شرایط مساوی را برای تمام افراد مملكت فراهم بكنید یعنی همان روزی كه قانون اینجا میگذرد در مجله رسمی منتشر می شود و تهرانی ها كه نزدیكند میفهمند چاه بهاری ها هم همان وقت بفهمند این راهش رادیو است.

وقتی رادیو قانونی را اعلان كرد می توانید

۱. در متن فوق عبارت «چگونه» جایگزین عبارت «چه جور» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «اصل» جایگزین عبارت «ماده» گردید.

انتظار داشته باشید فلان آدمی هم که در چاه بهار نشسته و یک رادیو ترانزیستور دارد می‌تواند بشنود اما شما قوانین را در مجله رسمی چاپ می‌کنید و منتظرید که اصل تساوی بین تهرانی و چاه‌بهار این طور فراهم می‌شود و همچنین استناد می‌کنم به همان اصلی که خودتان فرمودید اینجا گفته شد که قانون ناپلئون تمام قوانین مدنی شما تقسیماتش، روبه‌اش، سرمشقش، قانون ناپلئون است (کُد) ناپلئون امروز در تمام دنیا غیر از مالک کمونیستی پایه قوانین مدنی دنیا است.

شما قانون نویسی را از چه کسی^۱ یاد گرفتید که حالا می‌خواهید شما برای آنها الگو بشوید. قوانین ما دو نوع است قوانین شرعی که قوانین الهی است و قوانین عرفی.

قوانین عرفی را ما از اروپایی‌ها گرفتیم، حالا می‌فرمایید ما الگو شویم برای آنها. طرز قانون نویسی و مجلسین و همه اینها را مگر شما اختراع کرده‌اید؟ شما ببینید آنها چطور می‌کنند همان‌طور عمل کنید فرانسه با اینکه این همه باسواد و این همه وسایل دارد هنوز همان قوانین ناپلئون را حفظ کرده است یعنی گفتند قانون در پاریس و در ولایات لازم الاجراء شدنش فرق دارد شما شرایط را برای همه افراد مملکت فراهم بکنید بعد اجرای قانون را بخواهید.

البته این کار شما نیست اصلاً کار دادگستری نیست کار وزارت اطلاعات و کار مطبوعات است. اگر بنده استناد کردم به قوانین زمان ناپلئون استناد هم کردم به صبحی که چند ماه پیش در یک جمعی که از تمام متخصصین در بین‌المجالس تنظیم و ترتیب داده شده بود استناد کردم به حرف‌های آنها که مردم باید قوانین را بدانند و ابتدا از ریشه قوانین اطلاع داشته باشند تا قوانین لازم‌الاجراء بشود بنده اگر

۱. در متن فوق عبارت «چه‌کسی» جایگزین عبارت «کی» گردید.

مسافرت نمی‌رفتیم که از کار سمپوزیوم اطلاع پیدا نمی‌کردم چون رفتیم به مسافرت و چون در سمپوزیوم شرکت کردم این اطلاعات نو را برای شما آوردم که از آن استفاده کنید.

رئیس. آقای علامه وحیدی بفرمایید.

علامه وحیدی. عرض کنم با کسب اجازه از مقام ریاست خطاب به فرزندان عزیزم جناب آقای وزیر دادگستری عرض می‌کنم وقتی که این قانون وضع شد از نظر نکات و دقایق شرعی مرحوم داور مرا دعوت کردند که در آنجا افتخار این را داشته باشم که لوایح را خصوصاً با کتاب شرایع الاسلام مقابله کنم در آنجا همین ماده ۲ مطرح شد و اظهار داشتند مفاد این ماده مخالف قانون اساسی است و باید تمام افراد مملکت متساوی الحقوق باشند اتفاقاً نکته‌ای را که در آنجا به استحضارشان رساندم این بود که اول باید امکان حصول علم به قانون باشد تا متساوی الحقوق بودن تحقق پذیرد زیرا که برای تهرانی امکان حصول علم هست ولی همان طور که فرمودند مثلاً در چاه بهار امکان حصول علم نیست.

اگر این ماده مطلق تصویب بشود علناً برخلاف مبانی قانون اساسی است. این است که ۶ فرسخ یک روز را منظور کردند در حقیقت آن هم کامل نبود ولی تا حدودی این را پیش‌بینی کردند بنابراین من مدافع این هستم که شخصیت‌هایی که در آن روز آنجا نشسته بودند و رعایت نکات قانون اساسی را می‌کردند علاوه بر این آقای وزیر دادگستری به بنده خیلی لطف دارند بنده خیلی به شما ارادت دارم فعلاً کشور ایران بسیار بسیار کشوری است متمدنی. جنابعالی اگر در کوهستان‌های این کشور عبور بفرمایید هر شبانی یک رادیو به دست گرفته است که نیروی آن باطری است و مطالب را گوش می‌دهد.

بویژه به ترانه‌ها نمی‌خواهد گوش بدهد چون در اثر عنایات شاهنشاه آریامهر پس از اصلاحات ارضی می‌بینید در هر روز و هر ساعت به نفع کارگر و کشاورز قوانینی می‌گذرد خصوصاً اهتمام می‌کند که قوانین را گوش بدهد. بنابراین بعضی از ترانه‌های مبتذل و آهنگ‌های ناموزون و امثال اینها را کنار

بگذارند و جنابعالی از وزارت اطلاعات بخواهید از وزیر اطلاعات که بنده هم به او ارادت دارم بخواهید تا ساعتی را در اختیار شما بگذارند. ترانه همسنگ قوانین نیست بنده عرضی ندارم و نداشته‌ام و همیشه انصاف را رعایت می‌کنم ولی حق همین است که معروض داشتم.

رئیس. آقای وزیر دادگستری بفرمایید.

وزیر دادگستری. بنده قبلاً لازم می‌دانم که از عنایات خاصه جناب آقای دکتر شفق که همیشه مرا مورد لطف بی‌دریغ خودشان قرار می‌دهند تشکر کنم مطلبی که جناب آقای دکتر شفق فرمودند و به دنبال آن جناب آقای دکتر صدیق با مطالبی که قبلاً بحث شد دوتا است من کاملاً موافقم که قانون به زبان ساده و به صورت مختلف باید برای مردم تفهیم شود.

این، بنابراین مرحله بعد از انتشار است نه انتشار اول باید قانون منتشر شود و بعد به زبان ساده برای مردم تفهیم بشود پس در تشریفات انتشار در قالب انتشار نمی‌تواند قرار بگیرد اول باید قانون منتشر شود بعد به زبان ساده به مردم بگویند که چنین قانونی منتشر شده و در خور فهمشان باشد نه اینکه تمام مواد را برای آنها بخوانند. مجموع بگویند یک چنین چیزی هست خوشبختانه در برنامه رادیو ساعاتی برای این کار اختصاص داده شده است که قانون به صورت داستان و به زبان ساده برای مردم تفهیم بشود.

مخصوصاً مجازات‌های خلافی که خیلی مبتلابه مردم است و اطلاع ندارند شاید خیلی‌ها هنوز اطلاع نداشته باشند که اگر کسی مرگ را وارونه بگیرد مجازات دارد و این را به صورت مختلف به مردم حالی می‌کنند بنده با این طرز فکر موافقم و برنامه وزارت دادگستری هم این بوده که این همکاری با وزارت اطلاعات باشد که به مردم حالی بکنند یک چنین قانونی الان موجود است و ضمانت اجرایش این است و در خور فهم مردم

۱. در متن فوق عبارت «چنین» جایگزین عبارت «همچو» گردید.

این مطالب را عنوان کنند.

جناب آقای دکتر صدیق فرمودند که من پیشنهادی داده بودم در جلسه قبل البته چون من در جلسه قبل نبودم و معاون بنده شرکت کرده بود نمی‌دانم این پیشنهاد در کمیسیون رد شد یا خود جنابعالی پس گرفتید در هرحال تکلیف چنین پیشنهادی را بر حسب مورد اعم از اینکه رد شده باشد یا خودتان پس گرفته باشید آیین‌نامه مجلس تعیین کرده است.

استاد بسیار ارجمند و زود رنج بنده جناب آقای دکتر متین دفتری که همیشه خودم را شاگرد ایشان می‌دانم یک خلط مبحثی فرمودند که بنده از ایشان انتظار نداشتم. فرمودند چرا شما آمدی از روزنامه کیهان و اطلاعات دفاع کردید اگر توجه داشته باشند بنده روزنامه اطلاعات و کیهان را مثال زدم از آنها دفاع نکردم. بعد چیزی که بیشتر باعث تعجب بنده شد این بود که فرمودند چرا از وزارت اطلاعات دفاع کردم فکر می‌کنم چیزی که باید مطلع باشند این است که مسئولیت وزراء مشترک است بنده که اینجا دارم صحبت می‌کنم نماینده دولت هستم.

اگر ایرادی به یکی از قسمت‌های مختلف دولت بگیرند این وظیفه من است که دفاع کنم. وزراء مسئولیت فردیشان به جای خود باقی است درعین حال با هم مسئولیت مشترک دارند.

بنده خیلی تعجب می‌کنم که این ایراد را از بنده می‌گیرند که چرا از وزارت اطلاعات دفاع کرده‌ام. البته بنده دفاعی هم نکردم مطلبی را عرض کردم گو اینکه وزارت اطلاعات باز قابل دفاع است و خیلی هم پیش رفته است مطلب دیگر اینکه فرمودند که ما قانون نویسی را از فرانسه یاد گرفته‌ایم حالا هم ما بیاییم الگوی فرانسه بشویم باید به عرضتان برسانم تحت توجهات رهبر عالی قدر شهریار مفتح الان کشور ایران چنان پیشرفتگی در شئون مختلف پیدا کرده که برای خیلی از موارد می‌تواند برای کشور خارجی الگو باشد (خزیه علم - صحیح است). منتها قانون نویسی نیست و این باعث افتخار ما است چرا ما نباید قبول کنیم که

قانونی داشته باشیم که دولت فرانسه که خودش پیشرو قوانین بوده بیاید در یک موردی از ما تقلید کند. (صحیح است) چرا ما همیشه دنبال‌ه‌رو باید باشیم دنیای امروز ایران با دنیای بیست، سی سال پیش فرق کرده ما که دیگر متحجر نمانده‌ایم. در مملکت انقلاب بوجود آمده و ثمراتی داشت و این ثمرات آنچنان بوده که شخصیت مملکت را در پیش جهانیان به صورتی بالا برده که در خیلی از موارد الگو هستیم. کشورهای متعددی نماینده به ایران فرستادند و تقاضای کارشناس کردند که به کشورشان بفرستیم برای اصلاحات ارضی، برای تولیدات، برای مسائل اقتصادی و غیره و این موجب افتخار برای کشور ما است.

چرا ما نباید برای کشور فرانسه در این مورد الگو باشیم. فرمودند که مسافرت من نتیجه‌اش این بود که این سپوزیوم را رفتم دیدم بنده قربان نه در مقام این هستم که مانع از مسافرت جنابعالی بشوم و نه خدای نخواسته میل ندارم که به مسافرت تشریف ببرید. بنده عرض کردم چون مسافرت زیاد تشریف می‌برید ما از اطلاعات جنابعالی آن طور که باید و شاید به موقع و در مواعد نمی‌توانیم استفاده کنیم. این گناه بنده نیست.

دوست بسیار عزیزم آقای علامه علت این اصل را که در قانون اساسی است ماده ۲ را پیش‌بینی کردند. علت هرچه می‌خواهد باشد معنای قانون این است که افراد در مقابل قانون متساوی‌الحقوق هستند می‌فرمایند که ما اول باید شرایط مساوی زندگی را برای مردم فراهم کنیم بعد این امکان وجود ندارد این حقیقت معنای این مطلب است که ما اول باید در شرایط زندگی تمام مردم را مساوی کنیم که در هیچ جای دنیا وجود ندارد. (علامه وحیدی - منظور این است که امکان حصول علم باشد) حصول علم به مرحمتان باید عرض کنم که با اقداماتی که توسط سپاه دانش شده و پیشرفت‌هایی که در اصول انقلاب شده بحمدالله آنچنان اختلاف سطحی در بین طبقه بی‌سواد و باسواد پیدا شده که دیری نخواهد پایید که آن اقلیت ناچیز هم بحمدالله باسواد خواهند شد.

فرمودید که به جای ترانه قانون پخش کنند آن تکلیفش با بنده نیست با رادیو است رادیو یک برنامه‌ای دارد و روی سلیقه مردم برنامه‌اش را تنظیم می‌کند اگر قرار باشد تمام این برنامه‌ها ترانه باشد رأی مردم قابل قبول نیست و اگر قرار باشد تمام این برنامه همه‌اش برای مردم قوانین باشد این هم دردی را دوا نمی‌کند.

بنابراین مجموع این حالات را باید رادیو رعایت کند. برای اینکه احترام به ذائقه مردم گذاشته باشد پخش ترانه به جای خود غذای روح است قربان استاد عزیز و خودتان معتقد هستید به این مطلب و تفسیر قانون هم به جای خود.

رئیس. در این موضوع به نظر من به قدر کافی بحث شد. مطلب دوتا است یکی تعیین تکلیف این مسأله اساسی است که قوانین چه وقت لازم‌الاجرا است این را اینجا قانون تعیین کرده است و یکی هم فراهم کردن امکان فهم و قابل ادراک شدن قوانین من جمله این قانون. این یک مسأله‌ای است که به نظر من با اتخاذ تدابیری که دولت می‌تواند انجام بدهد و همین مطلب هم از اول گفته شد.

این موضوع تأمین خواهد شد به نظر من اگر آقای وزیر دادگستری در دولت این مطلب را عنوان بفرمایند و ترتیبی اتخاذ بشود که تمام وسایلی که برای تفهیم مفاد قانون و قوانین و برای انتشار صحیح آن در تمام نقاط کشور که در اختیار دولت هست از آن استفاده نکنند نظر آقایان تأمین می‌شود و دیگر بحثی باقی نمی‌ماند.

به نظر من اگر اجازه بفرمایند بحث را کافی بدانیم (صحیح است) آقای اشرف احمدی هم می‌خواستند صحبت بفرمایند به نظر من مطلب روشن شده است چون نسبت به تمام جوانب مطلب بحث شد و پیشنهاد آقای دکتر صدیق هم به نظر من خودشان توجه فرمودند آن پیشنهادی که کرده بودند اگر به همان صورت تصویب می‌شد مشکلاتی ایجاد می‌کرد این را خواستم توضیح بدهم که گله‌ای برای حضرتعالی باقی نماند چون باید ترتیبی اتخاذ بشود که تاریخ دقیق قابل اجرا بودن هر قانونی کاملاً مشخص باشد. چون در آنجا نوشته

بودند به وسیله روزنامه رسمی کشور و رادیو و جراید کثیرالانتشار. بنابراین، آن وقت امر را از بین می‌برد علت اینکه آنها این تصمیم را گرفته‌اند این بود به هرحال من می‌خواستم از آقای وزیر دادگستری خواهش کنم اقدامی بفرمایند که وسایلی که در اختیار دولت هست اینها را مأموریت بدهند از رادیو، از روزنامه، از تلویزیون و هر وسیله‌ای که برای این کار مفید است برای تفهیم قوانین و برای اینکه اعلان بکنند که چه قانونی چه موقع تصویب شده و چه موقع^۱ اجرا می‌شود به طور صحیح استفاده شود.

وزیر دادگستری. اوامرتان اطاعت می‌شود.

رئیس. رأی می‌گیرم به ماده واحده سناتورهای که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد کلیات آخر مطرح است آقای دکتر متین دفتر بفرمایید.

دکتر متین دفتری. بنده همان مطلبی را که حضرتعالی فرمودید گفتم چون موقع گذشته با این لایحه اگر اکثریت موافق باشند برگردد به کمیسیون یا دولت اعلام کند که یک تدابیری برای نشر قوانین اتخاذ می‌کند. ایشان به جای اینکه یک کلمه بلند شوند بگویند که من قبول دارم، از اصلاحات بزرگ این مملکت تجلیل می‌کنند که در این باب هیچ کس انکار نمی‌کند اصلاحات ارضی را همه قبول دارند. اصلاحات ارضی را هیچ کس منکر نیست و در این موقع ایشان موقعیت به دستشان رسید که صحبتی بفرمایند عوض این کار همین قدر می‌فرمودید که دولت یک آیین‌نامه‌ای برای نشر قوانین می‌گذراند ما هم حرفی نداشتیم.

رئیس. به هرحال نظر حضرتعالی هم تأمین است و دیگر جای نگرانی نیست. نسبت به کلیات دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیرم به کلیه لایحه. سناتورهای که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه چون اصلاح شده است

۱. در متن فوق عبارت «چه موقع» جایگزین عبارت «کی» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۵۱

به مجلس شوراي ملي اعاده مي‌شود.
گفتار هفتم. مشروح مذاكرات تصويب نهايي لايحه در مجلس

شورای ملی

جلسه ۱۵۶

پنجشنبه ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۴۸ - ۹ رمضان ۱۳۸۹ - ۲۰
نوامبر ۱۹۶۹
۱۱. طرح و تصويب اصلاحات مجلس سنا در لايحه قانوني^۱
اصلاح ماده ۲

قانون مدني و ابلاغ به دولت

رئيس. اصلاح مجلس سنا فقط مدت ده روز را به پانزده روز تغيير داده است با اجازه همكاران لايحه خوانده مي‌شود.
(به شرح زير خوانده شد)

قانون^۲ اصلاح ماده ۲ قانون مدني

ماده واحده. ماده ۲ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌شود:

ماده ۲. قوانين پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتيب خاصي براي موقع اجرا مقرر شده باشد. قانون فوق مشتمل بر يك ماده در جلسه روز دوشنبه بيست و ششم آبان ماه يك هزار و سيصد و چهل و هشت شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد.

رئيس مجلس سنا. جعفر شريف امامي

رئيس. نسبت به تغيير ده روز به ۱۵ روز نظري نيست؟ (اظهاري نشد) رأي مي‌گيريم خاتم‌ها و آفائياني

-
1. استفاده از عبارت «قانون يا قانوني» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي‌رسد.
 2. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي‌رسد.

که با اصلاح ده روز به ۱۵ روز موافقت خواهند نمود.
میکنم قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه به دولت ابلاغ میشود.

گفتار هشتم. متن قانون اصلاح ماده ۲ قانون مدنی

قانون اصلاح ماده ۲ قانون مدنی
ماده واحده. ماده ۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح میشود:
ماده ۲. قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.
قانون فوق مشتمل بر یک ماده پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ روز دوشنبه بیست و ششم آبان ماه ۱۳۴۸ در جلسه روز پنجشنبه بیست و نهم آبان ماه یک هزار و سیصد و چهل و هشت شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی
عبدالله ریاضی

مبحث سوم. قانون اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی

(کتاب تابعیت) مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷

گفتار اول. متن لایحه

دوره بیست و دوم قانونگذاری
شماره ۴۲۴۱/۱۸
چاپ ۱۰۱۳
تاریخ ۱۳۴۸/۸/۱۰
۱۳۴۸/۹/۱
ریاست محترم مجلس شورای ملی
به طوری که استحضار دارند قانون تابعیت ایران در سال ۱۳۱۳ تدوین و تصویب و به موقع اجرا گذاشته شده و با وضع فعلی و تحولاتی که در سنوات

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۷۵۳

آخر در شئون مختلف کشور پدیدار گردیده تطبیق نمی‌نماید لذا تجدیدنظر در بعضی از مواد قانون تابعیت ضروری تشخیص داده شده است. اکنون ماده واحده بدین منظور تنظیم و تهیه گردیده که به پیوست تقدیم می‌گردد.

نخست وزیر وزیر امور خارجه وزیر دادگستری
امیرعباس هویدا اردشیر زاهدی پرتو
ماده واحده:

۱. ماده ۹۷۷ قانون مدنی کتاب تابعیت به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده اصلاحی ۹۷۷ قانون مدنی

بند الف. هرگاه اشخاص مذکور در فقره «۴» ماده

«۹۷۶» پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود بازگردند باید تا یک سال اظهاریه کتبی تقدیم وزارت امور خارجه نمایند و تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت باید ضمیمه اظهاریه باشد. بند ب. هرگاه اشخاص مذکور در فقره «۵» ماده «۹۷۶»

پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید تا یک سال اظهاریه کتبی تقدیم وزارت امور خارجه نمایند و تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت باید ضمیمه اظهاریه باشد. ۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت به صورت ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره الف اصلاحی ماده ۹۸۸ قانون مدنی

کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره «۳» از این ماده درباره آنان مقرر است باید در ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند. چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند

نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا يك سال موکول به موافقت وزارت خارجه میباشد.

۳. تبصرة «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت اضافه و الحاق میگردد:

تبصرة ب الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدنی

هیئت وزیران میتواند ضمن تصویب ترك تابعیت زن بی‌شوهر ایرانی ترك تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری مجبورند اجازه دهد. در غیر این مورد فرزندان زن مذکور که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده اند نیز میتوانند به تبعیت از درخواست مادر تقاضای ترك تابعیت نمایند.

نخست وزیر وزیر امور خارجه
امیرعباس هویدا اردشیر زاهدی
گفتار دوم. گزارش شور اول کمیسیون‌های مجلس شورای ملی

دورة بیست و دوم قانونگذاری

شماره ۳/۷
چاپ ۱۰۵۱
تاریخ ۱۳۴۸/۹/۳۰
۱۳۴۸/۹/۳۰
گزارش شور اول از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی
کمیسیون دادگستری در جلسه ۱۹ آذرماه ۱۳۴۸ با حضور نمایندگان دولت لایحه شماره ۴۲۴۱/۱۸ — ۱۳۴۸/۸/۱۰ راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصرة ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) را که به شماره ۱۰۱۳ چاپ شده است برای شور اول مطرح کرد و به اصلاحاتی به شرح زیر به تصویب رسانید.
اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

۱. گزارش شور دوم کمیسیون مذکور نیز مشابه گزارش شور اول است، لذا از درج آن صرفنظر شد.

لايحه قانون اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني (كتاب تابعيت)

ماده واحده

۱. ماده ۹۷۷ قانون مدني كتاب تابعيت به شرح زير اصلاح ميشود:

ماده اصلاحي ۹۷۷ قانون مدني

بند الف. هرگاه اشخاص مذكور در بند «۴» ماده «۹۷۶» پس از رسيدن به سن ۱۸ سال تمام بخوانند تابعيت پدر خود را قبول كنند بايد ظرف يك سال درخواست كتي به ضميمه تصديق دولت متبوع پدرشان دابر به اينكه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسليم نمايد.

بند ب. هرگاه اشخاص مذكور در بند «۵» ماده «۹۷۶» پس از رسيدن به سن ۱۸ سال تمام بخوانند به تابعيت پدر خود باقي بمانند بايد ظرف يك سال درخواست كتي به ضميمه تصديق دولت متبوع پدرشان دابر به اينكه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسليم نمايند.

۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني كتاب تابعيت به صورت ذيل اصلاح ميگردد:

تبصره الف اصلاحي ماده ۹۸۸ قانون مدني

كساني كه برطبق اين ماده مبادرت به تقاضاي ترك تابعيت ايران و قبول تابعيت خارجي مي نمايند علاوه بر اجراي مقرراتي كه ضمن بند «۳» از اين ماده درباره آنان مقرر است بايد ظرف مدت سه ماه از تاريخ صدور سند ترك تابعيت از ايران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند

۱. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نميرسد.

نمود و تمدید مهلت مقرره فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.
۳. تبصره «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت اضافه و الحاق می‌گردد:

تبصره ب الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدنی

هیئت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری مجبورند اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تبعیت از درخواست مادر تقاضای ترک تابعیت نمایند.

خبر کمیسیون دادگستری. دکتر وفا

شماره ۳/۱۲
تاریخ

۱۳۴۸/۹/۳۰

گزارش شور اول از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ماه ۱۳۴۸ با حضور نمایندگان دولت لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) را که به شماره ۱۰۱۳ چاپ شده است برای شور اول مطرح کرد و مصوبه کمیسیون دادگستری را در این مورد عیناً به تصویب رسانید.
اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

خبر کمیسیون امور خارجه. فتح‌الله مافی

۱. استفاده از عبارت «قانون» در مراحل قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

گفتار سوم. مشروح مذاکرات شور اول مجلس شورای ملی

جلسه ۱۶۱، سه‌شنبه ۱۳۴۸/۱۰/۲
۱۲. طرح گزارش شور اول کمیسیون دادگستری راجع به
اصلاح

ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی
رئیس. گزارش شور اول راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و
تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی مطرح است قرائت
می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد)
گزارش شور اول از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای
ملی
کمیسیون دادگستری در جلسه ۱۹ آذرماه ۱۳۴۸ با
حضور نمایندگان دولت لایحه شماره ۴۲۴۱/۱۸—
۱۳۴۸/۸/۱۰ راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده
۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) را که به شماره
۱۰۱۳ چاپ شده است برای شور اول مطرح کرد و با
اصلاحاتی به شرح زیر به تصویب رسانید.
اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم
می‌دارد.

**لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸
قانون مدنی (کتاب تابعیت)**

ماده واحده
۱. ماده ۹۷۷ قانون مدنی کتاب تابعیت به شرح زیر
اصلاح می‌شود.

ماده اصلاحی ۹۷۷ قانون مدنی
بند الف. هرگاه اشخاص مذکور در بند «۴» ماده
«۹۷۶» پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند
تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال

۱. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل
قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

درخواست کتی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

بند ب. هرگاه اشخاص مذکور در بند «۵» ماده «۹۷۶»

پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت به صورت ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره الف اصلاحی ماده ۹۸۸ قانون مدنی

کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند «۳» از این ماده

دربارۀ آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقررۀ فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.

۳. تبصره «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت اضافه و الحاق می‌گردد:

تبصره «ب» الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدنی

هیئت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری مجبورند اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تبعیت از درخواست مادر تقاضای ترک تابعیت نمایند.

مخبر کمیسیون دادگستری. دکتر وفا

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۷۵۹

گزارش شور اول از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملی
کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ماه ۱۳۴۸ با حضور نمایندگان دولت لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) را که به شماره ۱۰۱۳ چاپ شده است برای شور اول مطرح کرد و مصوبه کمیسیون دادگستری را در این مورد عیناً به تصویب رسانید.
اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

خبر کمیسیون امور خارجه - فتح‌الله مافی

رئیس. کلیات لایحه مطرح است، نظری نیست؟ (اظهاری نشد) نسبت به ورود در شور ماده واحده رأی می‌گیریم خاتمه و آقایانی که موافقت خواهند می‌کنم قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است، نظری نیست؟ (اظهاری نشد) پیشنهادی هم نرسیده، لایحه برای شور دوم به کمیسیون‌های مربوط ارجاع می‌شود.

گفتار چهارم. مشروح مذاکرات شور دوم مجلس شورای ملی

جلسه ۱۶۲، پنجشنبه ۱۳۴۸/۱۰/۱۱
۸. طرح و تصویب گزارش شور دوم کمیسیون دادگستری راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) و ارسال به مجلس سنا
رئیس. گزارش شور دوم اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) مطرح است قرائت می‌شود.
(به شرح زیر خوانده شد)
گزارش شور دوم از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای

۱. استفاده از عبارت «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

ملی
 کمیسیون دادگستری در جلسه ۶ دی ماه ۱۳۴۸ با حضور
 نمایندگان دولت لایحه شماره ۴۲۴۱/۱۸ — ۱۳۴۸/۸/۱۰
 راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون
 مدنی (کتاب تابعیت) را که گزارش شور اول آن به
 شماره ۱۰۵۱ چاپ شده است برای شور دوم مطرح کرد و
 به شرح زیر به تصویب رسانید.
 اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم
 می‌دارد.

لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت)

ماده واحده

۱. ماده ۹۷۷ قانون مدنی کتاب تابعیت به شرح زیر
 اصلاح می‌شود:

ماده اصلاحی ۹۷۷ قانون مدنی

بند الف. هرگاه اشخاص مذکور در بند «۴» ماده
 «۹۷۶» پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند
 تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال
 درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان
 دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به
 وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.
 بند ب. هرگاه اشخاص مذکور در بند «۵» ماده «۹۷۶»
 پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت
 پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست
 کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به
 اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت
 امور خارجه تسلیم نماید.
 ۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت به
 صورت ذیل اصلاح می‌گردد:

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل
 قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

تبصره الف اصلاحی ماده ۹۸۸ قانون مدنی

کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند «۳» از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.

۳. تبصره «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت اضافه و الحاق می‌گردد:

تبصره «ب» الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدنی

هیئت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهت دیگری مجبورند اجازه دهند. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تبعیت از درخواست مادر تقاضای ترک تابعیت نمایند.

خبر کمیسیون دادگستری. دکتر وفا

گزارش شور دوم از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۷ دی ماه ۱۳۴۸ با حضور نمایندگان دولت لایحه قانون^۱ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) را که گزارش شور اول آن به شماره ۱۰۵۱ چاپ شده است برای شور دوم مطرح کرد و مصوبه کمیسیون دادگستری را در این مورد عیناً به تصویب رسانید.

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

مخبر کمیسیون امور خارجه. فتح‌الله مافی

رئیس. ماده واحده مطرح است نظری نیست؟ (اظهاری نشد) در کلیات آخر لایحه نظری نیست؟ (اظهاری نشد) به ماده واحده و کلیات آخر آن رأی می‌گیرم خام‌ها و آقایانی که موافقند خواهش می‌کنم قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه برای تصویب به مجلس سنا فرستاده می‌شود.

گفتار پنجم. اعلام وصول لایحه در مجلس سنا

جلسه ۱۰۳، دوشنبه ۱۳۴۸/۱۰/۱۵

۸. اعلام وصول لایحه اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی

ارسالی از مجلس شورای ملی

رئیس. لایحه راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی از مجلس شورای ملی رسیده است که وصول آن اعلام می‌شود.
(نامه به شرح زیر است)
ریاست محترم مجلس سنا
گزارش کمیسیون‌های مربوط در قبال لایحه شماره ۴۲۴۱/۱۸ مورخ ۱۳۴۸/۸/۱۰ دولت راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت) در جلسه روز پنجشنبه ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ مطرح و مورد تصویب قرار گرفت. اینک لایحه قانون^۱ مزبور جهت تصویب آن مجلس محترم به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

رئیس مجلس شورای ملی. عبدالله ریاضی

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۶۳

رئيس. به كميسيون مربوط ارجاع مي‌شود.

گفتار ششم. مشروح مذاكرات شور اول مجلس سنا

جلسه ۱۰۵، چهارشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۹

۱۰. شور اول لايحه اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده^۱ ۹۸۸ قانون مدني (كتاب تابعيت)

رئيس. لايحه اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني براي شور اول مطرح است. گزارش كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) قرائت مي‌شود.

(به شرح زير قرائت شد)

گزارش از كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) به مجلس سنا

لايحه قانون^۲ شماره ۴۲۴۱-۱۸ مورخ ۱۳۴۸/۸/۱۰ دولت راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني (كتاب تابعيت) ارسالي از مجلس شوراي ملي در كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) با حضور آقايمان صادق احمدي و گودرزي معاونان وزارتخانه هاي دادگستري و امور خارجه مطرح و پس از رسيدگي و شور لازم با اكثريت آراء به تصويب رسيد و براي اظهار نظر به كميسيون شماره يك (خارجيه) ارسال گرديد.

كميسيون مزبور در جلسه مورخ ۱۳۴۸/۱۰/۲۵ به لايحه فوق رسيدگي و عيناً تصويب نمودند. اينك گزارش آن به شرح زير براي شور اول تقديم مجلس محترم سنا مي‌شود.

خير كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) محمدعلي بوذري

۱. در متن فوق عبارت «ماده» پس از عبارت «تبصره» اضافه گرديد.

۲. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي‌رسد.

قانون^۱ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت)

ماده واحده

۱. ماده ۹۷۷ قانون مدنی کتاب تابعیت به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده اصلاحی ۹۷۷ قانون مدنی

بند الف. هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

بند ب. هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور^۲ خارجه تسلیم نمایند.

۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت به صورت ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره الف اصلاحی ماده ۹۸۸ قانون مدنی

کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاری صحیح به نظر نمی‌رسد.

۲. در متن فوق عبارت «امور» بعد از عبارت «وزارت» اضافه شد. در متون قبلی عبارت «امور» وجود داشت.

صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه میباشد. ۳. تبصره «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت اضافه و الحاق میگردد.

تبصره «ب» الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدنی

هیأت وزیران میتواند^۱ ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگر مجبورند اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند میتوانند به تابعیت^۲ از درخواست مادر تقاضای ترک تابعیت نمایند.

رئیس. کلیات لایحه مطرح است نظری هست؟ میفرمایند؟ آقای دکتر صدیق بفرمایید.

دکتر صدیق. میخوامم استدعا کنم راجع به این لایحه که تقدیم شده است توضیحی بدهند.

رئیس. آقای گودرزی بفرمایید.

معاون وزارت خارجه. با اجازه مقام ریاست در کتاب دوم در ماده ۹۷۶ میگوید اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند ضمناً در بند چهار این ماده میگوید: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی

که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند» بنابراین طبق این بند هرکس که از پدر و

مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد این طفل ایرانی است. به موجب این ماده یعنی تا رسیدن به سن ۱۸ سال چنین طفلی میتواند شناسنامه ایرانی بگیرد و بعد در بند «۵» این ماده

۱. در متون قبلی از عبارت «میتواند» استفاده شده بود.

۲. در متون قبلی از عبارت «تبعیت» استفاده شده بود.

توضیح دیگری می‌دهد «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل يك سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند ...» این طفل هم به موجب این بند ایرانی است. بنابراین در این دو بند ملاحظه می‌فرمایید که دو تا حکم مختلف و دو تا موضوع مختلف است ولی در ماده ۹۷۷ این طور حکم می‌دهد در این موضوع «اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام تا يك سال تابعیت پدر خود را قبول کنند».

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید چون در بند ۴ و در بند ۵ دو موضوع مختلف است در ماده ۹۷۷ يك حکم واحد داریم در صورتی که دو موضوع مختلف است و در نتیجه يك تناقض و ابهامی برای دستگاه‌های اجرایی بوجود آورده است و غرض از این پیشنهاد اصلاحی رفع این تناقض است حالا بنده این پیشنهاد وزارت خارجه را به استحضار می‌رسانم در بند «الف» آمده

است: «هرگاه اشخاص مذکور در فقره ۴ پس از رسیدن به ۱۸ سال بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند»

این آمده است و وضع را روشن کرده است در صورتی که در ماده ۹۷۷ به این صراحت گفته نشده است همین طور در بند «ب» پیشنهادی می‌گوید: «هرگاه اشخاص

مذکور در فقره ۵ پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند ...» توجه

بفرمایید در بند ۴ طفل ایرانی است تا ۱۸ سال، در صورتی که در بند ۵ طفل خارجی است تا سن ۱۸ مگر اینکه يك سال در ایران توقف کرده باشد بنابراین برای رفع ابهام این دو بند این پیشنهاد شده است و تغییر زیادی هم در اصل مواد قانون مدنی داده نمی‌شود فقط يك پیشنهاد اصلاحی برای رفع ابهام است.

رئیس. آقای دکتر شفق بفرمایید.

دکتر شفق. مثل اینکه ترك تابعیت يك نوع جرم محسوب

شده است اگر کسی ترك تابعیت کند و توقفش از سه ماه گذشت رفتار يك مجرم را با او می‌کنند بنده درست متوجه نیستم می‌خواستم توضیح بدهند کسی که ترك تابعیت می‌کند مانند يك فرد خارجی که مال و جانیش در امنیت است باید همان تأمین را داشته باشد استدعا می‌کنم چون متوجه نیستم توضیحی در این خصوص بدهند.

رئیس. آقای گودرزی بفرمایید.

معاون وزارت امور خارجه. با اجازه مقام ریاست برای اشخاصی که ترك تابعیت می‌کنند مجازات قائل نشدیم می‌گوید کسانی که ترك تابعیت می‌کنند برای آنکه اشکالاتی بعداً بوجود نیاید اموال غیرمنقول خود را باید در ایران بفروشند استحضار دارید که ما قانونی داریم که فرد خارجی حق داشتن اموال غیرمنقول را ندارد بنابراین شخصی که ترك تابعیت کرد از لحاظ ما يك شخص خارجی است بنابراین حقی از او از لحاظ مالی تضییع نمی‌شود اما اینکه چرا سه ماه حق توقف داشته باشد تصدیق می‌فرمایید فردی که بعد از مدتها در مملکتی زندگی کرد و خواست ترك تابعیت کند و قبلاً هم خودش را آماده کرده است برای حرکت و رفتن از این مملکت هیچ مانعی ندارد که سه ماه در اینجا باشد این مدت وقتی است که به او داده شده که باز هم اگر کاری در این مملکت دارد انجام بدهد و راهش را بکشد و برود. توجه داشته باشید کسانی که تقاضای ترك تابعیت می‌کنند اینها مقدماتشان را از ماهها بلکه سالها پیش فراهم کرده‌اند و هیچ اشکالی دیگر برای خودشان ندارند با وجود این قانون به آنها يك فرجه‌ای داده است که سه ماه دیگر هم بعد از ترك تابعیت می‌توانند در این مملکت بمانند.

رئیس. نسبت به کلیات دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به ورود در شور ماده واحده. سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده واحده مطرح است آقای جعفری بفرمایید.

جعفری. بنده فکر می‌کنم در صفحه ۲ بند ۲ در سطر آخر آنجا که نوشته شده است «امر به اخراج آنها و

فروش اموالشان صادر خواهند نمود» کلمه «صادر» زیاد است و باید حذف شود یا يك «را» اضافه شود به این ترتیب «اموالشان را صادر خواهند نمود» تا عبارت درست شود و به همین جهت بنده پیشنهادي تهیه کرده ام که تقدیم می‌کنم.
(پیشنهاد آقای جعفری به شرح زیر قرائت شد)
مقام محترم ریاست مجلس سنا بدین وسیله پیشنهاد می‌شود کلمه (صادر) که در آخر بند ۲ از لایحه اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی بعد از کلمه «اموالشان» نوشته شده چون زائد است حذف گردد.

با تقدیم احترام. جعفری

رئیس. به کمیسیون ارجاع خواهد شد آقای دکتر صدیق نیز پیشنهادي داده اند که قرائت می‌شود.^۱
(پیشنهاد آقای دکتر صدیق به شرح زیر قرائت شد)
مقام محترم ریاست مجلس سنا در لایحه اصلاح ماده ۹۷۷ قانون مدنی پیشنهاد می‌کنم که در عنوان لایحه پس از کلمه «مدنی» اضافه شود:
«مصوب بهمن ۱۳۱۳»

دکتر عیسی صدیق

۸ بهمن ۱۳۴۸

رئیس. به کمیسیون برای بررسی ارجاع خواهد شد نسبت به ماده واحده دیگر نظري نیست؟ (اظهاري نشد) رأی می‌گیرم به ورود در شور دوم ماده واحده. سناتورهای که موافقند قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه برای شور دوم به کمیسیون شماره ۳ ارجاع می‌شود که نظر کمیسیون شماره يك را نیز بگیرند.

۱. در متن فوق عبارت «می‌شود» جایگزین عبارت «می‌شود» گردید.

گفتار هفتم. مشروح مذاكرات شور دوم مجلس سنا

جلسه ۱۰۸، دوشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۲۷

ه. تصويب لايحه اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني (كتاب تابعيت) و اعلام^۱ آن به دولت رئيس. لايحه اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني براي شور دوم مطرح است گزارش كميسيون قرائت مي شود. (به شرح زير قرائت شد) گزارش از كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) به مجلس سنا لايحه قانون^۲ شماره ۴۲۴۱/۱۸ مورخ ۱۳۴۸/۸/۱۰ دولت راجع به اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني (كتاب تابعيت) كه براي شور دوم به كميسيون شماره ۳ (دادگستري و استخدام) ارجاع شده بود با حضور آقايمان صادق احمدي و گودرزي معاونان وزارتخانه هاي دادگستري و امور خارجه با توجه به دو فقره پيشنهاد اصلاح عبارتي مورد رسيدگي واقع شد و پس از بحث لازم چون نظري اظهار نشد گزارش شور اول عيناً تأييد و به تصويب رسيد. اينك گزارش آن به شرح زير براي شور دوم تقديم مجلس محترم سنا مي شود.

مخبر كميسيون شماره ۳ دادگستري و استخدام. محمدعلي بوذري

قانون^۲ اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون

۱. به جاي عبارت «اعلام» عبارت «ابلاغ» صحيح به نظر مي رسد.
۲. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي رسد.
۳. استفاده از عنوان «قانون» قبل از اتمام مراحل قانونگذاري صحيح به نظر نمي رسد.

مدنی (کتاب تابعیت)

ماده واحده

۱. ماده ۹۷۷ قانون مدنی کتاب تابعیت به شرح زیر اصلاح می‌شود.

ماده اصلاحی ۹۷۷ قانون مدنی

بندالف. هرگاه اشخاص مذکور در بند (۴) ماده (۹۷۶) پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

بند ب. هرگاه اشخاص مذکور در بند (۵) ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت به صورت ذیل اصلاح می‌گردد.

تبصره «الف». اصلاحی ماده ۹۸۸ قانون مدنی

کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند.

چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.

۲. تبصره «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدنی کتاب تابعیت اضافه و الحاق می‌گردد.

تبصره «ب». الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدني

هیأت وزیران می‌توانند^۱ ضمن تصویب ترك تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترك تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری مجبورند اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تابعیت^۲ از درخواست مادر تقاضای ترك تابعیت نمایند.

رئیس. ماده واحده مطرح است. آقای دکتر صدیق بفرمایید.

دکتر صدیق. وقتی که این لایحه به دستم رسید برای اینکه بفهمم که چه وقت این لایحه به تصویب رسیده است زحمت زیادی کشیدم تا در قوانین تاریخش را پیدا کردم و پیشنهاد کردم که برای اشخاص دیگر که می‌خواهند تاریخ تصویب آن را بدانند در این ماده قید شود که در چه تاریخی به تصویب رسیده است ولی کمیسیون قبول نکرد خواستم توضیح بدهند که دلیل قبول نکردن کمیسیون چه بوده است؟

رئیس. آقا بوذری بفرمایید.

بوذری (مخبر). علت اینکه این مطلب در کمیسیون تصویب نشد این بود که گفته شد در خود این ماده و در متن قانون قید شده است قانون مدني و گفتند در شأن قانون مدني این نیست که تاریخ تصویبش را ما در این قانون که بعداً تصویب می‌کنیم ذکر کنیم زیرا قانون مدني از قوانین بسیار معروف کشور ما است و وقتی به قانون مدني اشاره کردند هرکس به قانون مدني دسترسی دارد و می‌تواند با مراجعه به آن مطلب را بفهمد به این دلیل در کمیسیون قبول نشد.

رئیس. آقای دکتر صدیق بفرمایید.

دکتر صدیق. اولاً قانون مدني يك دفعه تصویب شده

۱. در متون قبلی از عبارت «می‌تواند» استفاده شده بود.

۲. در متون قبلی از عبارت «تابعیت» استفاده شده بود.

است و مدت‌ها طول کشیده است تا تصویب شده است بنده وقتی که خواستم پیدا کنم بسیار زحمت کشیدم تا پیدا کردم حالا شما این را اضافه بفرمایید تا مردم بفهمند به کجا رجوع کنند و این زحمتی برای شما ایجاد نمی‌کند.

رئیس. البته اگر نوشته می‌شد ایجاد زحمتی نمی‌کرد. آقای احمدی بفرمایید.

معاون وزارت دادگستری. قانون مدنی در مجموعه‌ای مدون است و کتاب تابعیت یک فصلی است از قانون مدنی به نظر بنده اگر اشاره هم بشود کافی است و ماده ۹۷۷ به این کیفیت اصلاح شده است.

رئیس. همان طوری که جنابعالی پیدا کردید دیگران هم پیدا می‌کنند. نسبت به ماده واحده دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به ماده واحده. سناتورهای که موافقند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد کلیات آخر مطرح است. نظری هست می‌فرمایند؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به کلیه لایحه. سناتورهای که موافقند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. تصویب قانون به دولت ابلاغ می‌شود.

گفتار هشتم. متن قانون اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸

قانون مدنی (کتاب تابعیت)

قانون اصلاح ماده ۹۷۷ و تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی (کتاب تابعیت)

ماده واحده

۱. ماده ۹۷۷ قانون مدنی کتاب تابعیت به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده اصلاحی ۹۷۷ قانون مدنی

بند الف. هرگاه اشخاص مذکور در بند «۴» ماده «۹۷۶» پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۷۳

دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

بند ب. هرگاه اشخاص مذکور در بند «ه» ماده «۹۷۶»

پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

۲. تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدني كتاب تابعیت به صورت ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره «الف» اصلاحي ماده ۹۸۸ قانون مدني

كسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند «۳» از این ماده

درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترك تابعیت از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.

۳. تبصره «ب» به شرح زیر به ماده ۹۸۸ قانون مدني

كتاب تابعیت اضافه و الحاق می‌گردد:

تبصره «ب» الحاقی به ماده ۹۸۸ قانون مدني

هیأت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترك تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترك تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری مجبورند اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تابعیت از درخواست مادر تقاضای ترك تابعیت نمایند.

قانون فوق مشتمل بر یک ماده در جلسه روز پنجشنبه یازدهم دی ماه یک هزار و سیصد و چهل و هشت به تصویب مجلس شورای ملی و در جلسه روز

۷۷۴ مشروح مذاکرات قانون مدنی

دوشنبه بیست و هفتم بهمن ماه یک هزار و سیصد و
چهل و هشت شمسی به تصویب مجلس سنا رسید.

رئیس مجلس سنا. جعفر شریف امامی

مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۳/۱۶

تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۳/۱۶

تصویب شد.

لايحه راجع به اصلاح بعضي از مواد قانون مدني در جلسه ۳۱۹ مورخ ۱۳۶۱/۳/۱۶ تقديم اولين دوره مجلس شوراي اسلامي شده است.

مجلس شورای اسلامی

۱۸۰۰۶
۶۱/۳/۱۶

نخست وزير

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام آقاي هاشمي رفسنجاني

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي

لايحه راجع به اصلاح بعضي از مواد قانون مدني كه در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۳/۹ هيئت وزيران به تصويب رسيده است به پيوست تقديم و تقاضاي تصويب آن را دارد.

نخست وزير

ميرحسين موسوي

۶۱/۳/۱۲

باسمه تعالي

مواد قابل تجديد نظر در قانون مدني در چهل و پنج ماده

مواد قابل تجدید نظر در قانون مدنی و نظرات
اصلاحی در مورد آنها

مواد موجود	نظریة اصلاحی
ماده ۱. قوانین باید ظرف سه روز از تاریخ توشیح به صحنه ملوکانه منتشر شود.	اصلاح ماده ۱: «قوانین باید پس از ابلاغ به رئیس جمهوری منتشر شود».
ماده ۲. قوانین در تهران ده روز پس از انتشار و در ولایات بعد از انقضای مدت مزبور به اضافه یک روز برای هر شش فرسخ مسافت تا تهران لازم الاجرا است مگر اینکه خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر کرده باشد ^۱ .	اصلاح ماده ۲: «قوانین پانزده روز پس از انتشار لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد» ^۲ .
ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندقها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه سلطنتی و عمارات دولتی و سیمهای تلگرافی	عبارت «اثاثیه و ابنیه سلطنتی» از متن ماده ۲۶ حذف گردد.

۱. ماده «۲» که تحت عنوان مواد موجود آمده است مربوط به سال «۱۳۰۷» است.

۲. اصلاح ماده «۲» پیشنهادی با اختلاف در چند کلمه، همان مصوبه سال «۱۳۴۸» است که مشروح مذاکرات آن قبلاً آمد.

مواد موجود	نظريه اصلاحي
دولتي و موزه ها و كتابخانه هاي عمومي و آثار تاريخي و امثال آنها و باجمله آنچه كه از اموال منقوله و غيرمنقوله كه دولت به عنوان مصالح عمومي و منافع ملي در تحت تصرف دارد قابل تلك خصوصي نيست و همچنين است اموالي كه موافق مصالح عمومي به ايالت يا ولايت يا ناحيه يا شهري اختصاص يافته باشد.	در مورد ماده ۶۵ دو نفر به حذف و دو نفر ديگر به ابقا آن نظر داده اند.
ماده ۶۵. صحت وقفی كه به علت اضرار ديان واقف واقع شده باشد منوط به اجازه ديان است.	اصلاح ماده ۸۱: «در اوقاف عامه كه متولي معين نكرده باشد اداره كردن امور موقوفه برطبق ماده ۶ قانون شعبان ۱۳۲۸ خواهد بود (صفحه ۲۲۰ مجموعه حقوقی) ولي در اوقاف خاصه اگر متولي مخصوص نباشد تصدي با خود موقوف عليهم است.
ماده ۸۱. معذني كه در زمين كسي واقع شده باشد ملك صاحب زمين است و استخراج آن تابع قوانين مخصوصه خواهد بود.	به نظر مي رسد كه قسمت اول ماده ۱۶۱ با اصل ۴۵ قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران تنافي دارد.
ماده ۱۶۲. هر كس مالي	اصلاح ماده ۱۶۲. «هر كس

نظریة اصلاحی

مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم (یک مثقال و یک پنجم مثقال شرعی نقره) باشد میتواند آن را تملک کند».

در ماده ۱۶۳ «ده شاهی» به «یک درهم» اصلاح شود.

اصلاح ماده ۱۶۴: «تعریف اشیا» پیدا شده عبارت است از نشر و اعلان برحسب مقررات شرعی به نحوی که بتوان گفت که عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است».

اصلاح ماده ۲۱۲: «معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل نیستند بواسطه عدم اهلیت باطل است».

اصلاح ماده ۲۱۳:

مواد موجود

پیدا کند که قیمت آن کمتر از ده شاهی باشد میتواند آن را تملک کند.

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده ده شاهی یا بیشتر باشد پیداکننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود.

ماده ۱۶۴. تعریف اشیا پیدا شده عبارت است از نشر و اعلان برحسب مقتضیات وقت و محل به نحوی که عادتاً به اطلاع اهالی برسد.

ماده ۲۱۲. معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند بواسطه عدم اهلیت باطل است.

ماده ۲۱۳. معامله

مواد موجود	نظريه اصلاحي
محجورين نافذ نيست.	«معامله با غير رشيد نافذ نيست».
ماده ۲۱۸. هرگاه معلوم شود كه معامله به قصد فرار از دين واقع شده آن معامله نافذ نيست.	در مورد ماده ۲۱۸ دو نفر به حذف و دو نفر ديگر به ابقا آن نظر داده اند.
ماده ۳۴۷. شخص كور مي تواند خريد و فروش نمايد مشروط بر اينكه شخصاً به طريقي غير از معاينه يا بوسيله كس ديگر «ولو خود بايع» جهل او مرتفع شود.	اصلاح ماده ۳۴۷: «شخص كور مي تواند خريد و فروش نمايد مشروط بر اينكه شخصاً به طريقي غير از معاينه يا بوسيله كس ديگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نمايد».
ماده ۴۱۷. اگر غبن به مقدار خمس قيمت يا بيشتر باشد فاحش است و در کمتر از مقدار مزبور در صورتي فاحش است كه عرفاً قابل مسامحه نباشد.	اصلاح ماده ۴۱۷: «غبن در صورتي فاحش است كه عرفاً قابل مسامحه نباشد».
ماده ۵۵۴. مضارب نمي تواند نسبت به همان سرمايه با ديگري مضاربه كند يا آن را به غير واگذار نمايد مگر با اجازه مالك.	اصلاح ماده ۵۵۴: «مضارب نمي تواند نسبت به همان سرمايه با ديگري مضاربه كند يا آن را بدون اجازه مالك به غير واگذار نمايد».
ماده ۶۵۳. مقبوض مي تواند به وجه ملزمي به مقرض وكالت دهد در مدتي كه قرض بر ذمه او باقي است مقدار معيني از دارايي مديون را در	ماده ۶۵۳ حذف گردد.

مواد موجود	نظریة اصلاحی
هر ماه یا در هر سال چنانچه به خود منتقل نماید.	در ماده ۶۵۵، کلمة «شمشیربازی» به «شمشیرزنی» تغییر یابد.
ماده ۶۵۵. در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیربازی گرویندی جائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود.	ماده ۷۰۶ تکرار ماده ۷۰۳ است و حذف شود.
ماده ۷۰۶. هرگاه دین مدت داشته ولی ضمان باشد بعد از ضمان مضمون له حق مطالبه از ضامن دارد.	در ماده ۷۴۷، کلمة «تسلیم» به «قبول» اصلاح گردد.
ماده ۷۴۷. هرگاه کفیل مکفول خود را مطابق شرایط مقرر حاضر کند و مکفول له از تسلیم او امتناع نماید کفیل با اشهد ^۱ یا مراجعه به حاکم، بری می‌شود.	ماده ای به عنوان ماده «۸۸۱ مکرر» به این عبارت الخاق گردد: کافر از مسلم ارث نمی‌برد اگر در بین ورثه متوفی کافر مسلم باشد وراث کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.
ماده ۸۸۱. در صورتی که قتل مورث عمدی یا به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری خواهد بود.	

۱. در متن فوق عبارت «اشهاد» جایگزین عبارت «اشهاد» گردید.

نظريه اصلاحي	مواد موجود
در ماده ۹۸۰، كلمه «شاهنشاهي» به «جمهوري اسلامي» تبديل شود.	ماده ۹۸۰. كساني كه به امور عام المنفعه ايران خدمت يا مساعدت شاياني كرده باشند و همچنين اشخاصي كه داراي عيال ايراني و از او اولاد دارند و يا داراي مقامات عالي علمي و متخصص در امور عام المنفعه هستند و تقاضاي ورود به تابعيت دولت شاهنشاهي را مي نمايند در صورتي كه دولت ورود آنها را به تابعيت دولت شاهنشاهي صلاح بداند بدون رعايت شرط اقامت ممكن است با تصويب هيأت وزراء به تبعيت ايران قبول شوند.
در مورد مرور زمان مذكور در مادتين ۹۸۱ و ۱۰۳۹ نظر داده شد كه تا تعيين تكليف مرور زمان در قوانين آئين دادرسي مدني و مجازات عمومي و حدود و تعزيرات تأمل گردد.	ماده ۹۸۱. اگر در ظرف مدت پنج سال از تاريخ صدور سند تابعيت معلوم شود شخصي كه به تبعيت ايران قبول شده فراري از خدمت نظام بوده و همچنين هرگاه قبل از انقضاي مدتي كه مطابق قوانين ايران نسبت به جرم يا مجازات مرور زمان حاصل ميشود معلوم گردد شخصي كه به تبعيت قبول شده محكوم به جنحه مهم يا جنايت عمومي است هيئت وزراء حكم

نظریة اصلاحی

اصلاح بند ۱ ماده ۹۸۲ به «عضویت مجلس قانونگذاری» و بند ۲ آن به «عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر».

اصلاح قسمت آخر تبصره ۲ ماده ۹۸۷، «مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترك نموده اند شامل زنان مزبور نخواهد بود».

مواد موجود

خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.
ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثناء حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره مند می شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:
 ۱. عضویت در مجالس مقننه
 ۲. عضویت انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی
 ۳. استخدام وزارت امور خارجه
ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون ملکیت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج به زوجة تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه

نظريه اصلاحي

مواد موجود

تصديق فوت شوهر و يا سند تفريق تابعيت اصليه زن با جميع حقوق و امتيازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعيت ملكت زوج زن را بين حفظ تابعيت اصلي و تابعيت زوج مخير بگذارد در اين مورد زن ايراني كه بخواند تابعيت ملكت زوج را دارا شود و علل موجبي هم براي تقاضاي خود در دست داشته باشد به شرط تقديم تقاضانامه كتي به وزارت امور خارجه ممكن است با تقاضاي او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن هاي ايراني كه برائسر ازدواج تابعيت خارجي را تحصيل مي كنند حق داشتن اموال غيرمنقول جز آنچه كه در موقع ازدواج دارا بوده اند ندارند اين حق هم به وراث خارجي آنها منتقل نمي شود.

مندرجات ماده ۹۸۷ در قسمت خروج از ايران مشمول زنان مزبور نخواهد بود.

ماده ۹۹۱. تكاليف مربوط به اجراي قانون تابعيت و اخذ خارج

در ماده ۹۹۱ كلمه «شاهنشاهي» به «جمهوري»

مواد موجود	نظریة اصلاحی
دفتري (حقوق شانسلي) در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقا ^۱ به تابعیت اصلی را دارند به موجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء ^۲ خواهد رسید معین خواهد شد.	اسلامی» تغییر یابد.
ماده ۱۰۰۲. اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.	اصلاح قسمت آخر ماده ۱۰۰۲: «اقامتگاه شخص حقوقی مرکز اصلی اداری آن است».
ماده ۱۰۳۶. اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم زنند در حالی که طرف مقابل یا ^۱ ابوین او یا اشخاص دیگری به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و خارجی کرده باشند طرفی که وصلت را به هم	به نظر اکثریت ماده ۱۰۳۶ حذف شود.

۱. در متن فوق عبارت «یا» جایگزین عبارت «با» گردید.

مواد موجود	نظريه اصلاحي
زده است بايد از عهده خسارت وارده برآيد ولي خسارت مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.	در مورد مادتين ۹۸۱ و ۱۰۳۹ نظر داده شد كه تا تعيين تكليف مرور زمان در قوانين آيين دادرسي مدني و مجازات عمومي و حدود و تعزيرات تأمل گردد.
ماده ۱۰۳۹. مدت مرور زمان دعاوي ناشي از به هم خوردن وصلت منظور، دو سال است و از تاريخ به هم خوردن آن محسوب مي شود.	اصلاح ماده ۱۰۴۱: «نكاح قبل از رسيدن به سن پانزده سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است معذلك در مواردی كه مصالح اقتضا كند با پيشنهاده مدعي العموم و تصويب محكمه ممكن است استثنائاً معافيت از شرط سن اعطا شود ولي در هرحال اين معافيت نمي تواند به انائي داده شود كه كمتر از ۱۳ سال تمام و به ذكوري شامل گردد كه كمتر از ۱۵ سال تمام دارند.
ماده ۱۰۴۲. بعد از رسيدن به سن ۱۵ سال تمام نيز اناث نمي توانند مادم كه به ۱۸ سال تمام نرسيده اند بدون اجازه ولي خود شوهر كنند.	با اصلاح ماده ۱۰۴۳، ماده ۱۰۴۲ زائد است و حذف گردد.
ماده ۱۰۴۳. نكاح دختری	اصلاح قسمت اول ماده

نظریة اصلاحي

۱۰۴۳: «نکاح»^۱ دختر
باکره که هنوز شوهر
نکرده اگرچه به سن
بلوغ رسیده باشد
متوقف به اجازه پدر
یا جد پدری او است
... الخ».

مواد موجود

که هنوز شوهر نکرده
اگرچه بیش از ۱۸ سال
تمام داشته باشد متوقف
به اجازه پدر یا جد
پدری او است هرگاه پدر
یا جد پدری بدون علت
موجه از دادن اجازه
مضایقه کند دختر
می‌تواند با معرفی کامل
مردی که می‌خواهد به او
شوهر کند و شرایط نکاح
و مهری که بین آنها قرار
داده شده به دفتر
ازدواج مراجعه و به
توسط دفتر مزبور مراتب
را به پدر یا جد پدری
اطلاع دهد و بعد از ۱۵
روز از تاریخ اطلاع دفتر
مزبور می‌تواند نکاح را
واقع سازد ممکن است
اطلاع مزبور به وسایل
دیگری غیر از دفتر
ازدواج به پدر و یا جد
داده شود ولی باید اطلاع
مزبور مسلم باشد.

اصلاح ماده ۱۰۶۰: «دولت
می‌تواند برای ازدواج
اتباع ایران با اتباع
خارجی مقررات خاصی
وضع نماید».

ماده ۱۰۶۰. ازدواج زن
ایرانی با تبعه خارجه
در مواردی هم که مانع
قانونی ندارد^۲ موکول
به اجازه مخصوص از طرف
دولت است.

۱. در متن فوق عبارت «نکاح» جایگزین عبارت «نکاه» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «ندارد» جایگزین عبارت «دارد» گردید.

مواد موجود	نظريه اصلاحي
ماده ۱۰۶۱. دولت مي‌تواند ازدواج بعضي از مستخدمين و مأمورين رسمي و محصلين دولتي را با زني كه تبعه خارجه باشد موكل به اجازه مخصوص نمايد.	با اصلاح ماده ۱۰۶۰، ماده ۱۰۶۱ زائد است و حذف مي‌گردد
ماده ۱۱۲۲. عيوب ذيل در مرد كه مانع از ايفا وظيفه زناشويي باشد موجب حق فسخ براي زن خواهد بود: (۱) عنن به شرط اينكه بعد از گذشتن مدت يك سال از تاريخ رجوع زن به حاكم رفع نشود. (۲) خصي. (۳) مقطوع بودن آلت تناسلي.	در بند ۲ ماده ۱۱۲۲، كلمة «خصي» به «خصا» اصلاح شود.
ماده ۱۱۳۰. حكم ماده قبل در موارد ذيل نيز جاري است: ۱. در مواردی كه شوهر ساير حقوق واجبه زن را وفا نكند و اجبار او هم بر ايفا ممكن نباشد. ۲. سوء معاشرت شوهر به حدي كه ادامه زندگاني زن را با او غيرقابل تحمل سازد. ۳. در صورتي كه به واسطه امراض مسريه صعب‌العلاج دوام زناشويي براي زن موجب مخاطره	براي درخواست طلاق از طرف زن كه در ماده ۱۱۳۰ پيش بيني گرديده دلايل شرعي به دست نيامد ولي با عنايت به وضع اخلاقي و خانوادگي كه در طول سال‌هاي گذشته وجود آمده در حال حاضر حذف اين ماده براي بسياري از زنان جامعه ما موجب عسر و حرج خواهد شد به همين مناسبت پيشنهاد مي‌شود كه با تأييد مجلس شوراي اسلامي تحت عنوان ثانوي تا مدتي كه ضروري تشخيص

نظریة اصلاحی	مواد موجود
خواهند داد به صورت فعلی باقی بماند.	باشد.
به آخر ماده ۱۲۰۸ اضافه شود: «طریق تشخیص رشد و عدم رشد را قانون معین خواهد کرد».	ماده ۱۲۰۸. غیررشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد.
ماده ۱۲۰۹ حذف شود.	ماده ۱۲۰۹. هرکس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیررشید است معذک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.
در ماده ۱۲۱۰ بجای «هیجده سال تمام»، «سن بلوغ» قید گردد و «عدم رشد» حذف شود.	ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هیجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.
در صورت تشکیل دادگاهها و دادرهای عمومی در سراسر کشور کلمه «بدایت» از مواد ۱۲۱۹ و ... حذف شود.	ماده ۱۲۱۹. هر یک از ابویین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.
در مواد ۱۲۲۲ و ... و	ماده ۱۲۲۲. در هر

مواد موجود	نظريه اصلاحي
موردي كه مدعي العموم به نخوي از انحصار به وجود شخصي كه مطابق ماده ۱۲۱۸ بايد براي او نصب قيم شود مسبوق گرديند بايد به محكمه رجوع و اشخاصي را كه براي قيمومت مناسب مي دانند به محكمه مزبور معرفي كند (مطابق قانون امور حسبي نصب قيم با دادگاه است بددين جهت كلمات (شرع) حذف گرديد).	به طوركلي در هر ماده اي كه عنوان «محكمه شرع» آورده شده به جاي آن «دادگاه صالح» نوشته شود و در قسمت آخر ماده ۱۲۲۲ كلمه «پاركه» به «دادسرا» تبديل گردد.
محكمه از ميان اشخاص مزبور يك يا چند نفر را به سمت قيم معين و حكم نصب او را صادر مي كنند و نيز محكمه مزبور مي تواند علاوه بر قيم يك يا چند نفر را به عنوان ناظر معين نمايد در اين صورت محكمه بايد حدود و اختيارات ناظر را نيز تعيين كند. اگر محكمه شرع اشخاصي را كه معرفي شده اند معتمد نديد اشخاص ديگري را از پاركه خواهد خواست.	در صورت تشكيل دادگاهها و دادسراهاي عمومي در سراسر كشور كلمه «ابتدائي» از مواد ۱۲۲۳ و ... حذف شود و در مواد ۱۲۲۳ و
ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانين مدعي العموم بايد قبل از رجوع به خبره كرده نظريات خبره را به محكمه ابتدائي ارسال دارد در صورت اثبات جنون مدعي العموم به محكمه	

نظریة اصلاحی

... و به طور کلی در هر ماده ای که عنوان «حکمة شرع» آورده شده به جای آن «دادگاه صالح» نوشته شود.

در مواد ۱۲۲۷ و ... و به طور کلی در هر ماده ای که عنوان «حکمة شرع» آورده شده به جای آن «دادگاه صالح» نوشته شود.

در مواد ۱۲۲۸ و ... و به طور کلی در هر ماده ای که عنوان «حکمة شرع» آورده شده به جای آن «دادگاه صالح» نوشته شود.

مواد موجود

رجوع می‌کند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی‌العموم مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاهت او به دست آورده و در صورتی که سفاهت را مسلم دید در حکمة بدایت اقامة دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به حکمة رجوع نماید.

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومیت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط حکمة یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام حکمة شرع محسوب می‌شود. (دادگاه)

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران مأمورین قنسولی ایران حق دارند نسبت به ایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور

نظريّة اصلاحي	مواد موجود
	خارجہ به وزارت عدليه بفرستند. نصب قيم مزبور وقتي قطعي ميگردد كه محكمه بدایت تهران تصميم مأمور كنسولي را تنفيذ كند.
در صورت تشكيل دادگاهها و دادرهاي عمومي در سراسر کشور کلمه «بدایت» از مواد ۱۲۳۶ و ... حذف شود.	ماده ۱۲۳۶. قيم مكلف است قبل از مداخله در امور مالي مولي عليه صورت جامعي از كليه دارايي او تهيه كرده يك نسخه از آن را به امضاي خود براي مدعي العموم بدایت كه مولي عليه در حوزه آن سكونت دارد بفرستد و مدعي العموم يا نماينده او بايد نسبت به ميزان دارايي مولي عليه تحقيقات لازمه بعمل آورد.
در صورت تشكيل دادگاهها و دادرهاي عمومي در سراسر کشور کلمه «ابتدائي» از مواد ۱۲۴۳ و ... حذف شود.	ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه مدعي العموم مي تواند از محكمه ابتدائي تقاضا كند كه از قيم تضميناتي راجع به اداره اموال مولي عليه بخواهد تعيين نوع تضمين به نظر محكمه است. هرگاه قيم براي دادن تضمين حاضر نشد از قيمومت عزل مي شود.
در صورت تشكيل دادگاهها و دادرهاي عمومي در سراسر کشور کلمه «بدایت» از مواد ۱۲۵۱ و ... حذف شود.	ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بي شوهر و ولو مادر مولي عليه كه به سمت قيمومت معين شده است اختيار شوهر كند بايد

نظریة اصلاحي

مواد موجود

مراتب را در ظرف يك ماه از تاريخ انعقاد نكاح به مدعي العموم بدايت حوزه اقامت خود يا ناينده او اطلاع دهد.

در اين صورت مدعي العموم يا ناينده او مي تواند با رعايت وضعيت جديد آن زن تقاضي تعيين قيم جديد و يا ضم ناظر كند.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قيمومت را ممكن است خود مولي عليه يا هر شخص ذي نفع ديگري تقاضا نمايد تقاضانامه ممكن است مستقيماً يا توسط مدعي العموم حوزه كه مولي عليه در آنجا سكونت دارد يا ناينده او به محكمه ابتدائي همان حوزه داده شود.

ماده ۱۳۰۶. جز در مواردی که قانون استثنای کرده است هیچ يك از عقود و ايقاعات و تعهدات را كه موضوع آن عيناً يا قيمتاً بيش از پانصد ريال باشد نمي توان فقط به وسيله شهادت شفاهي يا كتي اثبات كرد ولي اين حكم مانع از اين نيست كه محاكم براي مزيد اطلاع و كشف حقيقت به اظهارات

در صورت تشكيل دادگاهها و دادرهاي عمومي در سراسر كشور كلمه «ابتدائي» از مواد ۱۲۵۴ و ... حذف شود.

اصلاح ماده ۱۳۰۶: «وقتي مي توان به شهادت شهود استناد كرد كه دلايل مذكور در كتابهاي اول و دوم و چهارم جلد سوم اين قانون وجود نداشته باشد».

مواد موجود	نظريه اصلاحي
شهود رسيدگي كنند. ماده ۱۳۰۷. در مورد عقود و ايقاعات و تعهدات مذكور در ماده فوق كسي هم كه مدعي است به تعهد خود عمل كرده يا به نوي از انحاء قانوني بري شده است نمي تواند ادعاي خود را فقط به وسيله شهادت ثابت كند.	اين ماده حذف مي شود.
ماده ۱۳۰۸. دعوي سقوط حق از قبيل پرداخت دين - اقاله - فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سندي كه اعتبار آن در محكمه محرز شده ولو آنكه موضوع سند كمتر از پانصد ريال باشد به شهادت قابل اثبات نيست.	ماده ۱۳۰۸ حذف مي شود.
ماده ۱۳۱۰. اگر موضوع دعوي عقد يا ايقاع يا تعهدي بيش از پانصد ريال باشد نمي توان آن را فقط به وسيله شهود اثبات كرد اگرچه مدعي دعوي خود را به پانصد ريال تقليل داده يا از مازاد آن صرف نظر كند.	ماده ۱۳۱۰ حذف مي شود.
ماده ۱۳۱۱. قيمت پانصد ريال در زمان عقد يا ايقاع و يا تعهد مناط است نه موقع مطالبه. ولي نسبت به آنچه كه	ماده ۱۳۱۱ حذف مي شود.

نظریة اصلاحي

بندي به عنوان بند ۷ به ذیل ماده ۱۳۱۳ به این عبارت اضافه شود: «کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نباشد».

در ذیل ماده ۱۳۲۸ این عبارت اضافه شود: «دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با انجام تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید. در موارد افتراد اقلیت‌هایی که مذهب آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده تشریفات مذهبی خودشان رعایت

مواد موجود

قبل از اجرای این قانون واقع شده مناط قیمت روز مطالبه است.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود: (۱) محکومین به مجازات جنایی (۲) محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد. (۳) اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند. (۴) اشخاص معروف به فساد اخلاق (۵) کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد (۶) شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

نظريه اصلاحي

خواهد شد».

اصلاح ماده ۱۳۳۵: «توسل به قسم وقتي ممكن است كه دلائل مذكور در كتابهاي اول تا چهارم جلد سوم اين قانون موجود نباشد. در اين صورت مدعي مي تواند حكم به دعوي خود را كه مورد انكار مدعي عليه است منوط به قسم او نمايد».

مواد موجود

ماده ۱۳۳۵. در دعاوي ذيل قسم مورد ندارد: (۱) دعاوي كه يك طرف آن اشخاص حقوقي مثل ادارات دولتي و شركت ها هستند (۲) دعاوي راجع به ضرر و زيان ناشي از جرم و خسارت ناشي از محاكمه (۳) دعوي تصرف عدواني (۴) دعوي مزاحمت در صورتي كه منتهي به اختلاف در حقي كه موجب مزاحمت شده است نباشد. (۵) دعاوي راجعه به اصل امتيازاتي كه از طرف دولت داده ميشود. (۶) دعاوي راجع به علائم صنعتي و اسم و علائم تجارتي و حق التصنيف و حق اختراع و امثال اينها

نخست وزير
۱۳۶۱/۳/۱۲
وزير دادگستري

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۱/۳/۱۲
مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۱/۳/۱۲

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۰۹۰۳ مورخ ۱۳۶۱/۵/۱۱)

جلسه ۳۳۴، يكشنبه ۱۳۶۱/۴/۲۰
۴. تصويب تفويض اختيار به كميسيون قضائي جهت رسيدگي و تصويب (قانون راجع به مجازات اسلامي

«حدود- قصاص- دیات» - آیین دادرسی کیفری، آیین
 دادرسی حقوقی، اصلاح قانون مدنی - دنباله قصاص
 مواد ۲۰۰ تا ۲۲۸) برای مدت پنج سال.

...

جنش چهارم، اصلاح قانون مدنی است.

رئیس. مخالف صحبت کنند.

منشی. آقای فؤاد کریمی بفرمایید.

فؤاد کریمی. بسم الله الرحمن الرحيم. اساساً این اصل وجود دارد. يك اصل اسلامی است که ضرورتها فقط باید به اندازه اش صرف بشود. ما ضرورت را به اندازه اش می شناسیم و خارج از اندازه برای ضرورت رأی دادن، مصلحت دین و دنیای مردم نیست. موارد قبلی که تصویب شد، ضرورت داشت. اما اصلاحیه قانون مدنی هیچ ضرورتی ندارد و هیچ دلیل فقهی هم ندارد. بلکه برعکس موجب فساد می شود. مواردی که در این لایحه آمده اول اصلاحیه هایی است که در مورد قوانینی است که قبلاً به تصویب مجلس رسیده است. مثلاً گفته است چه مدت طول بکشد که قانون به مرحله اجرا درآید. بعد از چه مدت، قانون لازم الاجرا است که قبلاً تصویب شده است. بعد در مورد اموال دولتی گفته است ائاثه فلان گفته، در مورد امور اوقاف گفته است. اینها مواردی نیست که اصلاً ضرورت داشته باشد که به کمیسیون قضائی برود بعد هم اساساً این قوانین، قوانینی هستند که موقعی که به تصویب کمیسیون می رسد برای مدت معینی هستند و آزمایشی هستند.

اصلاً قانونی که می خواهد به کمیسیون برود باید قابلیت آزمایش داشته باشد که اگر فردا آمد به مجلس و مجلس رأی دیگری برخلاف آن داد آثار و عوارض آن گریبانگر مردم نشود. در مواردی که اینجا است چند ماده اش در مورد معامله است در مورد نحوه معامله و مالکیت بعد در مورد نکاح و ازدواج است. آیا می شود که ما این اختیار را به کمیسیون قضائی بدهیم و بگوییم آقا شما برو قوانینی در مورد معاملات و مالکیت و در مورد نکاح تصویب کن بعداً می آید به مجلس. خوب. ممکن است مجلس نظر

کمیسیون قضائی را نپذیرد. بعداً مصوبه مجلس عوض می‌شود. دادگاه براساس قانون سابق مالی را به یک فردی داده است حالا باید براساس مصوبه جدید مجلس آن مال را پس بگیرد. این کار، نظام کشور را به هم می‌زند. یا فردی براساس قانونی که به تصویب کمیسیون قضائی رسیده است نکاح کرده حالا که قانون را به وسیله مجلس عوض کرده حالا تکلیف آن نکاح چه خواهد شد. اساساً این نوع امور اصلاً قابل آزمایش نیست. برای اینکه این امور اموری هستند که تبعات دارند: مالکیت، معامله، ازدواج، نکاح و ارث. اینها آثار تبعی دارد و نمی‌شود هر روز قانون را عوض کرد و اگر قانون را عوض کنیم این چیزی خواهد شد جز اینکه امور مدنی مردم دچار بی‌نظمی و فساد خواهد شد. این است که تقاضا می‌کنیم حداقل قوانین مدنی را خود مجلس رسیدگی کند تا این بی‌نظمی در امور کشور پیش نیاید.

رئیس. موافق صحبت کند.

منشی: آقای دُرّی نجف‌آبادی بفرمایید.

دُرّی نجف‌آبادی. بسم الله الرحمن الرحيم. من تعجب می‌کنم از برادر محترم جناب آقای فؤاد کریمی که با اینکه ظاهراً ایشان به قوانین مدنی لائق و قفوف دارند در مورد اصلاحیه مدنی چطور کم‌لطفی فرمودند. اگر در آن دو سه مورد دیگر هم بعضی از برادران کم‌لطفی بفرمایند ولی در رابطه با اصلاح قانون مدنی به نظرم وجهی ندارد برای اینکه نمایندگان محترم رأی ندهند. علتش این است که از قدیم هم که ما در حوزه بودیم توجه داشتیم قانون مدنی که در زمان مشروطیت نوشته شده بود خوشبختانه تقریباً به طور غالب موافق فقه اسلامی بوده است. و تمام ابواب حقوق مدنی از معاملات و تجارتات و احوال شخصیه و حجر و مفلس بودن و وصیت و نکاح و ازدواج و طلاق و ارث و تمام این ابواب فقهی خوشبختانه در قانون مدنی آمده که در ضمن تقریباً سه جلد البته جلد‌های کوچک در ضمن هزار و سیصد و سی‌چهار یا سی و پنج ماده قانون مدنی تصویب شده است. و ما در زمان طاغوت هم خوشحال بودیم که اگر چه قوانین کیفری ما (زمان طاغوت)،

قوانین اسلامی نبود، حدود و دیات و قصاص و غیر، قوانین اسلامی نبود، قوانین جزایی اسلام در کشور مطرح نبود ولی قوانین مدنی در زمان طاغوت هم اسلامی بود و امروز هم خوشبختانه قوانین مدنی اسلامی است. ممکن است یک مورد خیلی جزئی باشد که خدای ناکرده صددرد اسلام نباشد. این اصلاحیه ای که آمده در رابطه با اصلاح قانون مدنی که هزار و سیصد و سی و پنج ماده است. چهل و پنج ماده آن را اصلاح کرده اصلاحات هم خیلی جزئی است مثلاً فرض بفرمایید ماده یک، قوانین باید ظرف سه روز از تاریخ توشیح به صحنه ملوکانه منتشر شود. خوب ما بحمدالله دیگر تاریخ توشیح و صحنه ملوکانه نداریم. الحمدلله آنها خذلهم الله و لعنهم الله رفته اند سراغ کشته های خودشان. این، از نظر محو آثار طاغوت هم که هست باید حذف بشود و تعبیر تغییر بکند. یا مثلاً در ماده ۲۶. از جمله جملاتی که در ماده ۲۶ هست درباره اموال دولتی است که میگوید: «و همچنین ائانه و ابنیه سلطنتی؛ خوب. خوشبختانه ما ائانه و ابنیه سلطنتی دیگر نداریم. یا مثلاً اگر یک چیزی پیدا شد که قیمتش ده شاهی است. در ماده ۱۶۳ است. خوب برادران محترم می دانید که در فقه یک درهم نقره مطرح است، نه ده شاهی. چه بسا پنجاه سال قبل یعنی سال ۱۳۱۴ ظاهراً ده شاهی موافق بوده با یک درهم نقره. ولی امروزه که نمی شود گفت اگر یک لقطه ای به قیمت ده شاهی پیدا شد کسی حق ندارد مالک بشود. یا اگر بیشتر از ده شاهی شد کسی حق ندارد مالک بشود. اگر کمتر شد کسی حق دارد بردارد و تصرف کند. این، باید تبدیل بشود به همان درهم شرعی که مطابق یک درهم نقره است یعنی دوازده نخود و هفت دهم نقره حالا هرچه ارزش آن است ممکن است پنج تومان یا ده تومان بشود. بنابراین، من پیشنهادم و تقاضایم از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی این است که حتماً نسبت به این اصلاحیه رأی مثبت بدهند متشکرم.

رئیس. صد و هشتاد و پنج نفر حاضرند، پیشنهاد، ارجاع بخش چهارم، اصلاح قانون مدنی است به

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۷۷۹

کمیسیون قضائی برای تصویب، موافقان با این ارجاع قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

ق/۳۷۳۱
۱۳۶۱/۱۲/۲

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدعلی خامنه ای

ریاست محترم جمهوری
عطف به نامه شماره ۲۲/۱۵۰۲۲ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ و پیرو نامه ۳۶۳۸/ ق مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۴ لایحه شماره ۱۸۰۰۶ مورخ ۱۳۶۱/۳/۱۶ درخصوص اصلاح بعضی از مواد قانون مدنی که بنابر تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۱۳۶۱/۴/۲۰ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون امور قضائی تفویض شده بود تا پس از تصویب برای مدت پنج سال به صورت آزمایشی به مرحله اجرا درآید، در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۱۰/۸ کمیسیون مذکور با اصلاحاتی در عنوان و متن و قبول اصلاحات پیشنهادی شورای محترم نگهبان تصویب و به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی

قانون اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده ۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ و رئیس جمهور باید ظرف ۵ روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید.
تبصره. در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر دولت موظف است مصوبه یا نتیجه همه پرسی را پس از انقضای مدت مذکور

ظرف چهل و هشت ساعت منتشر نماید.

ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین ائاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیمهای تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و باجمله آنچه که از اموال منقوله و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملك خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

ماده ۸۱. در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود.

ماده ۱۶۲. هر کس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم (نیم مثقال و یک پنجم مثقال شرعی نقره) باشد می‌تواند آن را تملك کند.

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده یک درهم یا بیشتر باشد پیدا کننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند. در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود.

ماده ۱۶۴. تعریف اشیا^۱ پیدا شده عبارت است از نشر و اعلان بر حسب مقررات شرعی به نحوی که بتوان گفت که عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است.

ماده ۲۱۸. حذف شد.

ماده ۳۴۷. شخص کور می‌تواند خرید و فروش نماید مشروط بر اینکه شخصاً به طریقی غیر از معاینه یا به وسیله کس دیگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نماید.

ماده ۴۱۷. غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۶۵۳. حذف شد.

ماده ۶۵۵. در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیرزنی گروبندي جائز و مفاد ماده

قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود.

ماده ۷۰۶. حذف شد.

ماده ۷۴۷. هرگاه کفیل مکفول خود را مطابق شرایط مقرر حاضر کند و مکفول‌له از قبول او امتناع نماید کفیل با اشهد یا مراجعه به حاکم، بری می‌شود.

ماده ۸۸۱. در صورتی که قتل عمدي مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مکرر. کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزراء به تبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۹۸۱. حذف شد.

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثنای حق رسیدن به مقام ریاست‌جمهوری و وزارت و کفالت وزارت و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت در مجلس شورای اسلامی.

۲. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.

۳. استخدام وزارت امور خارجه.

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون ملکیت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی

در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد ندارند.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره^۱ آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزیور نخواهد بود.

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوط به اجرا^۲ قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقا^۳ بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آیین‌نامه که به تصویب هیأت وزراء^۴ خواهد رسید معین خواهد شد.

ماده ۱۰۳۶. حذف شد.

ماده ۱۰۳۹. حذف شد.

ماده ۱۰۴۱. نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره. عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه.

۱. با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره‌های صحیح است».

ماده ۱۰۴۲. حذف شد.

ماده ۱۰۴۳. نكاح دختری كه هنوز شوهر نكرده اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه كند دختر می‌تواند با معرفی كامل مردی كه می‌خواهد به او شوهر كند و شرایط نكاح و مهری كه بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف وی، دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نكاح را صادر نماید.

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد كه مانع از ایفاء وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت يك سال از تاریخ رجوع زن به حاكم رفع نشود.
۲. خصا^۱.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی.

ماده ۱۱۳۰. در مورد زیر زن می‌تواند به حاكم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید. در صورتی كه برای محكمه ثابت شود كه دوام زوجیت موجب عسر و حرج است می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن به اذن حاكم شرع طلاق داده می‌شود.

ماده ۱۲۰۹. حذف شد.

ماده ۱۲۱۰. هیچ كس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنكه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

۱. در مصوبه ابلاغی مجلس به دولت، به حذف ماده ۱۲۰۹، اشاره‌ای نشده بود. اما به موجب اطلاعیه رئیس کمیسیون امور قضائی مجلس، حذف این ماده به شورای عالی قضائی اعلام گردیده است. (روزنامه رسمی‌شماره ۱۱۳۱۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۱ - مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲، ص ۴۴۵).

تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲. اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

ماده ۱۲۱۹. هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم به عمل آورد.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که دادستان به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌دانند به دادگاه مدنی خاص مزبور معرفی کنند.

دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه مزبور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود و اختیارات ناظر را نیز تعیین کند.

اگر دادگاه مدنی خاص اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید اشخاص دیگری را از دادسرا خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد بچانین دادستان باید قبلاً رجوع به خیره کرده نظریات خیره را به دادگاه مدنی خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون دادستان به دادگاه رجوع می‌کند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غیر رشید نیز دادستان مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او به دست آورده و در صورتی که سفاهت را مسلم دید در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید.

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ايران مأمورين قنصولي ايران حق دارند نسبت به ايرانيان كه بايد مطابق ماده ۱۲۱۸ براي آنها قيم نصب شود و در حوزه مأموريت آنها ساكن يا مقيم هستند موقتاً نصب قيم كنند و بايد تا ده روز پس از نصب قيم مدارك عمل خود را به وسيله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستري بفرستند. نصب قيم مزبور وقتي قطعي ميگردد كه دادگاه مدني خاص تهران تصميم مأمور قنصولي را تنفيذ كند.

ماده ۱۲۳۶. قيم مكلف است قبل از مداخله در امور مالي مولي عليه صورت جامعي از كليۀ دارايي او تهيه كرده يك نسخه از آن را به امضاي خود براي دادستاني كه مولي عليه در حوزه آن سكونت دارد بفرستد و دادستان يا نماينده او بايد نسبت به ميزان دارايي مولي عليه تحقيقات لازمۀ به عمل آورد.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه دادستان مي تواند از دادگاه مدني خاص تقاضا كند كه از قيم تضميناتي راجع به اداره اموال مولي عليه بخواهد تعيين نوع تضمين به نظر دادگاه است. هرگاه قيم براي دادن تضمين حاضر نشد از قيمومت عزل مي شود.

ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بي شوهري ولو مادر مولي عليه كه به سمت قيمومت معين شده است اختيار شوهر كند بايد مراتب را در ظرف يك ماه از تاريخ انعقاد نكاح به دادستان حوزه اقامت خود يا نماينده او اطلاع دهد.

در اين صورت دادستان يا نماينده او مي تواند با رعايت وضعيت جديد آن زن تقاضاي تعيين قيم جديد و يا ضم ناظر كند.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قيمومت را ممكن است خود مولي عليه يا هر شخص ذي نفع ديگري تقاضا نمايد تقاضا نامه ممكن است مستقيماً يا توسط دادستان حوزه اي كه مولي عليه در آنجا سكونت دارد يا نماينده او به دادگاه مدني خاص همان حوزه داده شود.

ماده ۱۳۰۶. حذف شد.

ماده ۱۳۰۷. حذف شد.

ماده ۱۳۰۸. حذف شد.

ماده ۱۳۱۰. حذف شد.

ماده ۱۳۱۱. حذف شد.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. اشخاص ولگرد و کسانیکه تکدی را شغل خود قرار دهند.

۲. اشخاص معروف به فساد اخلاق.

۳. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.

۴. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

۵. کسانیکه عدالت شرعی آنها محرز نباشد.

ماده ۱۳۱۳ مکرر. در شاهد بلوغ - عقل - عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کنند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید با سوگند مدعی به حکم حاکم مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳۲۸ مکرر. دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با انجام تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید.

تبصره. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تشریفات خاص یا تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد ناکل محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دلائل مذکور در کتاب‌های اول تا چهارم جلد سوم این قانون برای اثبات مدعی موجود نباشد. در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.

قانون فوق مشتمل بر چهل و هفت ماده و هشت تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز چهارشنبه هشتم دی‌ماه یک هزار و سیمصد و شصت و یک کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۴ به تأیید شورای محترم نگهبان

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۷۸۷

رسیده است و برای مدت پنج سال از تاریخ تصویب به
صورت آزمایشی قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی

قانون اساسی، ماده ۱۱۹۹، قانون مدنی، ماده ۱۱۹۹

قانون اساسی، ماده ۱۱۹۹

قانون مذکور در جلسه ۱۷۱ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳ تحت
عنوان لایحه الحاقی به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی تقدیم
اولین دوره مجلس شورای اسلامی گردیده و کمیسیون
امور قضائی و حقوقی نیز گزارش آن را به مجلس
شورای اسلامی تقدیم کرده بود ولی در جلسه ۲۳۱ مورخ
۱۳۶۰/۸/۱۰ مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی برای تصویب
به کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس ارسال شده
است.

قانون اساسی، ماده ۱۱۹۹

۴۸۲۲
۶۰/۳/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
لایحه الحاقی به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی که در جلسه
مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۳ هیئت وزیران به تصویب رسیده است
به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آن را دارد.

نخست وزیر
محمدعلی رجائی

بسم الله الرحمن الرحيم
لایحه الحاقی به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی

ماده واحده

متن زیر به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی الحاق می‌گردد:
هرگاه پدر، غایب یا ممتنع از پرداخت نفقه فرزندان خود باشد دادگاه می‌تواند از مال او به مقدار نفقه آنها در اختیار متکفل خارج آنها قرار دهد تا به مصرف آنان برسد و اگر اموال او در اختیار نباشد و مادر یا (نامادری) و یا دیگری نفقه فرزندان تحت تکفل را بپردازد در صورتی که با اجازه دادگاه به عنوان قرض به پدر پرداخته^۱ باشد می‌تواند از او مطالبه نماید.

نخست وزیر وزیر دادگستری

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۱-۱۳۶۰

باسمه تعالی
مجلس شورای اسلامی
دوره اول - سال دوم
۱۳۶۱-۱۳۶۰

شماره ۴۲ ترتیب چاپ ۵۵۶
تاریخ ۱۳۶۱/۷/۲۸ شماره
چاپ سابقه ۳۵۹
گزارش از کمیسیون قضائی به مجلس شورای اسلامی
در کمیسیون امور قضائی لایحه الحاقی به ماده ۱۱۹۹
قانون مدنی مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی
به اتفاق آراء به تصویب رسید.

رئیس کمیسیون قضائی. سید محمد خامنه‌ای

لایحه اصلاح ماده قانون مدنی
ماده واحده. در صورت غیبت طولانی کسانی که نفقه

۱. در متن فوق عبارت «پرداخته» جایگزین عبارت «پرداخت» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۸۹

برعهده آنها است يا استنكاف از پرداخت، دادگاه مي‌تواند با مطالبه افراد واجبالنفقه از اموال او به مقدار نفقه آنان در اختيار آنها يا متكفل خارج قرار دهد. در صورتي كه اموال منفق در اختيار نباشد مادر يا ديگري با اجازه دادگاه مي‌توانند نفقه آنها را به عنوان قرض پرداخته و از شخص مستنكف يا غايب مطالبه كنند.

تاريخ چاپ ۱۳۶۰/۸/۴

مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپخانه انتشارات مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۰/۸/۴

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۰۶۹۶ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۵)

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۰/۸/۲۵

۸. تصویب تفویض اختیار به کمیسیون امور قضائي جهت بررسي و تصویب لايحه اصلاح ماده ۱۱۹۹ قانون مدني طبق اصل ۸۵ قانون اساسي براي مدت چهار سال منشي. تفویض اختیار به کمیسیون امور قضائي جهت بررسي و تصویب لايحه اصلاح ماده ۱۱۹۹ قانون مدني طبق اصل ۸۵ قانون اساسي براي مدت چهار سال. رئيس. خير کمیسیون توضیح بدهند. عليزاده (خير کمیسیون قضائي). بسم الله الرحمن الرحيم. گزارش از کمیسیون قضائي به مجلس شوراي اسلامي. در کمیسیون امور قضائي لايحه الحاقی به ماده ۱۱۹۹ قانون مدني مورد بررسي قرار گرفت و با اصلاحاتی به اتفاق آراء به تصویب رسید.

ماده واحد. در صورت غیبت طولاني کسانی كه نفقه برعهده آنها است يا استنكاف از پرداخت، دادگاه مي‌تواند با مطالبه افراد واجبالنفقه از اموال او

به^۱ مقدار نفقه آنان در اختیار آنها یا متکفل خارج قرار دهد در صورتی که اموال منفق در اختیار نباشد مادر یا دیگری با اجازه دادگاه می‌توانند^۲ نفقه آنها را به‌عنوان قرض پرداخته و از شخص مستنکف یا غایب مطالبه کند.

رئیس. این برای ارجاع به کمیسیون مطرح است.

خبر کمیسیون. توضیح لازم است؟

رئیس. نه دیگر برای ارجاع کمیسیون است اگر بخواهیم بحث کنیم باید توضیح بدهید حالا اگر توضیح می‌خواهید بدهید، بدهید ولی ابهامی ندارد.

خبر کمیسیون (علیزاده). عرض شود که در ماده ۱۱۹۹ که به اصطلاح در مورد نفقه صحبت کرده روشن نبوده که اگر اتفاق دهنده که اگر او را منفق بگوییم این کسی که نفقه بر او واجب است و می‌دهد در صورتی که استنکاف بکند و پرداخت نکند ترتیب مطالبه اش چگونه است باز در یکی از مواد قانون مدنی درباره نفقه زوجه صحبت کرده که گفته در هر حال زوجه می‌تواند برای نفقه ایام گذشته خود به محکمه مراجعه کند ولی سایر اقارب و افراد واجب‌النفقة برای نفقه گذشته خود نمی‌توانند به دادگاه مراجعه کنند بلکه برای نفقه آینده می‌توانند^۳ اقامه دعوا کنند و آن هم ترتیبش روشن نبوده در آنجا ماده ۱۱۹۹ پیشنهاد اصلاح شده ولی کمیسیون قضائی با توجه به مجموع مواد قانون مدنی در باب نفقه این ماده واحده را به این صورت اصلاح کرده حالا من آن ماده قبلی را که به مجلس آمده به صورت لایحه می‌خوانم بعد غایندگان محترم خودشان مقایسه بفرمایند.

۱. با توجه به گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی در متن فوق عبارت «به» بعد از عبارت «او» اضافه شد.

۲. با توجه به گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی در متن فوق عبارت «می‌توانند» جایگزین عبارت «می‌تواند» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «می‌توانند» جایگزین عبارت «می‌تواند» گردید.

در ماده واحده اي كه از طرف دولت به مجلس تقديم شده نوشته شده:

ماده واحده. متن زير به ماده ۱۱۹۹ قانون مدني الحاق ميگردد:

هرگاه پدر غايب يا ممتنع از پرداخت نفقه فرزندان خود باشد دادگاه مي تواند از مال او به مقدار نفقه آنها در اختيار متكفل خارج آنها قرار دهد تا به مصرف آنان برسد و اگر اموال او در اختيار نباشد و مادر يا نامادري و يا ديگري نفقه فرزندان تحت تكفل را بپردازد در صورتي كه با اجازه دادگاه به عنوان قرض به پدر پرداخته باشد مي تواند از او مطالبه نمايد.

كه عرض كردم چون نفقه گذشته اقارب به استثناء

زوجه قابل مطالبه نبود و شخصي هم يا متمكن نبوده يا نميخواست خودش از اموال خودش به ساير افراد واجب النفقه، نفقه بدهد اين است كه دادگاه را اختيار دادند كه اين شخص را كه متكفل هزينه و نفقه فرزندان ميشود در غياب منفق از مال خودش نفقه را بدهد منتها به عنوان قرض بدهد چون قرض است^۱ بعداً ذمه آن نفقه دهنده مشغول ميشود و بعد مي تواند او را مطالبه نمايد به هرصورت اين ماده اي است كه به اين صورت در كميسيون قضائي مطرح شده و الان اجازه تفويض اختيار است كه پرميناي اصل ۸۵ در كميسيون قضائي ماده بررسي بشود مجدداً و تصويب بشود براي مدت سه سال.

رئيس. آقاي حميدي به عنوان مخالف ارجاع به كميسيون بفرماييد.

سيدهاشم حميدي. بسم الله الرحمن الرحيم. اين لايحه از موارد واضح عناوين ثانويه و ضرورت بلكه در بعضي از موارد عسر و حرج و اعمال ولايت فقيه است و در اين لايحه شايد هيچ كس شك نداشته باشد كه ضرورت است بلكه در بعضي از موارد عسر و حرج است و بايد ولي فقيه اعمال ولايت كند و اين اختيار را بدهند

۱. در متن فوق عبارت «قرض است» جاگزين عبارت «قرضه» گرديد.

به دادگاهها که دادگاهها از مال شخص غایب یا ممتنع نفقه همسر یا فرزندان را بپردازد یا روایت است یا عبارت فقهی واضح و رایجی است «الحاکم ولی الممتنع» آنکه حقوق دیگران را نهد حاکم این حق را دارد بنابراین اصلش هیچ بحثی نیست به خواست خدا اگر ما هم زنده بودیم به آن رأی موافق خواهیم داد. اما بنده با ارجاع آن مخالف هستم ارجاعش از این جهت برحسب فرمان مبارکی که رهبر کبیر انقلاب صادر فرمودند و تشخیص موضوع ضرورت و عسر و حرج و اختلال نظام را به اکثریت مجلس دادند این اکثریت مجلس است که حق این تشخیص را دارد و این اختیار تشخیص را به اکثریت مجلس دادند و ما این اختیار در اختیار را دیگر نداریم که ما این اختیار خودمان که از طرف ولی امر به ما تفویض شده به یک کمیسیون تفویض نکنیم برای خاطر اینکه تشخیص ضرورتها هرچند اینجا واضح است اینجا روشن است هیچ کس تردیدی ندارد که در این مورد ضرورت است و باید الزام کرد ممتنع حقوق را بپردازد یا اگر ممتنع غایب است از اموالش را دارد بلکه بالاتر از اینها در بعضی از جاها فقیه اجازه می‌دهد زن غایب را طلاق بدهند اینها از واضحات فقه است در جلد دوم عروة الوثقی این مسائل هست بنابراین اصل مسأله شکی نیست ولی چون ممکن است اگر فتح باب بشود ما این جور موارد هم که تشخیص ضرورت تشخیص عسر و حرج تشخیص اختلال نظام به اکثریت مجلس مفوض شده ما به یک کمیسیون تفویض کنیم که حداکثر ممکن است تعداد اعضا آن پانزده نفر باشند و با رأی هشت نفر به تصویب برسد بنده خیال نمی‌کنم حضرت امام یک چنین اختیاری را به ما داده که ما این اختیار را به دیگران واگذار کنیم اگر مجدداً چنین اختیاری دادند سماعاً و طاعتاً. بنابراین بنده با ارجاع این جور چیزها که تشخیص آن با اکثریت است و ظاهر این فرمان هم این است که «ما باید» یعنی اکثریت مجلس باید تشخیص بدهد نه کمیسیون یا این اکثریت این اختیار را به کمیسیون بدهند گذشته از اینکه این

لايحه نقصي هم دارد كه به موقت بودنش توجه نشده موضوع ضرورت و ولايت هم بايد قيد بشود آن البته در پيشنهاها ميشود اين كار را كرد اشكالي ندارد ولي با اصل تفويض بنده مخالف هستم و چون طولاني هم نيست وقتي هم نگیرد كه ما خيال كنيم كار مجلس زياد است وقت ميگيرد اين يك لايحه پنج سطري است ممكن است در يكي دو روز تمام بشود و اين هم يك آزمائش است براي اينكه يك قدري مسائل ضرورت و اعمال ولايت فقيه در مجلس بحث بشود كه براي آنها كه يك قدري تشخيص مشكلتر است روان بشويم والسلام.

منشي. آقاي خلخالي.

رئيس. پيش از اينكه موافق صحبت بكنند من اين توضيح را لازم ميدانم قبل از نامه امام هم تشخيص ضرورت با مجلس بوده تشخيص ضرورت يك تشخيص موضوع است اين نياز به نامه امام نداشته امام مسائل ديگري را مطرح ميكنند من اين را از اين جهت ميگويم كه ميادا اين نامه برعكس كه ما ميخواستيم راه را باز كند اين تفسيری كه آقاي حميدي كردند همه راهها را ببندد هر تشخيص موضوعی خیلی جاها به عهده خود افراد است به عهده مجلس اين كه نبوده ما قبل از نامه امام هم در^۲ اين مجلس تشخيص موضوع دادیم و رد كردیم نامه امام كه خواسته آن را محدود بكنند آقاي خلخالي موافق هستند بفرماييد.

حلاتي. اين تشخيص به عهده قاضي بوده.

رئيس. بله اصلاً به عهده قاضي گذاشتند تشخيص موضوع هم به عهده قاضي است.

حلاتي. شروطش در فقه بيان شده و تشخيص آن هم با قاضي است.

رئيس. آقاي خلخالي بفرماييد.

خلخالي. بسم الله الرحمن الرحيم. در جواب فرمايشات آقاي حميدي بايد بگويم تشخيص موضوعات را همه ما

1. در متن فوق عبارت «تشخيص» جايزين عبارت «تشخيصي» گرديد.

2. در متن فوق عبارت «هم در» جايزين عبارت «هم توي» گرديد.

می‌دانیم که به عهده اشخاص افراد معمولی احتیاج حتی به فقیه ندارد، به مجتهد ندارد، به ملا ندارد، مرحوم صاحب قوانین این را در چند جا از قوانین گفته که یک فرد عامی‌شاید بهتر بتواند تشخیص موضوعات را بدهد تا یک فرد مجتهد که متهم در ذهنش هست. لذا این تشخیص موضوعات اصلاً احتیاج به مجلس هم ندارد و حتی احتیاج به ولایت فقیه هم ندارد. اما درباره ماده واحده در صورت غیبت طولانی خوب معلوم است کسانی که بنا بوده نفقه بدهند یا در زندان‌ها هستند یا مثلاً فراری هستند یا اصلاً ما نمی‌دانیم سرنوشت آنها در کجا است؟ خوب اینها استنکاف هم می‌کنند، یک وقتی به آنها اعلام هم شده و نمی‌دهد و گردن کلفتی می‌کند و با اینکه دارد از پرداخت همین نفقه معمولی واجب سرپیچی می‌کند.

رئیس. ارجاع به کمیسیون مطرح است، اصل ماده مطرح نیست.

خلخالی. من می‌خواهم بگویم که ارجاع به کمیسیون در این زمینه احتیاج ندارد. این را باید تصویب بکنیم برود پی کارش (خنده نمایندگان) من مقصودم این است اگر این را بخواهید، من با این موافقم اگر نه که دیگر من حرفی ندارم. من این طور فهمیدم که در واقع ارجاع به کمیسیون نمی‌خواهد.

منشی. آقای هاشمی موافق.

رئیس. بلی، من هم به عنوان موافق نوبت گرفته‌ام. ارجاع به کمیسیون اگر چنانچه در دستور نگذاشته بودیم، همان‌طور که آقایان می‌گویند مهم نبود همین‌جا وقتی مصرف می‌کردیم و تصویب می‌کردیم. ولی حالا که گذشته‌ام من موافقم که ارجاع بشود و یک مقدراری هم وقت گرفته و اگر امروز تصویب نشود دیگر نمی‌تواند در دستور قرار بگیرد، دوباره باید این را از دستور خارج کنیم و دوباره در دستور هفته‌های بعد ببریم و برای بحث به مجلس بیاوریم، یعنی اینکه فکر کنید امروز در اینجا قابل تصویب است، این طور نیست و به دلیل اینکه خیلی کار ساده کوچکی هم هست کمیسیون می‌تواند انجام بدهد و مشکلی هم ندارد. من موافقم که این به کمیسیون

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۹۵

ارجاع بشود و دوباره وقت مجلس را نگیرد.
حمیدي. آقای هاشمی اجازه بدهید من عین بیانیه امام را بخوانم.
رئیس. دیگر نمی‌شود بحث بکنید. خواهش می‌کنم بفرمایید بنشینید.
حمیدي. پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلا ...
رئیس. آن چیز دیگری است منظور این نیست وقتی که می‌خواهیم اعمال ولایت فقیه کنیم این طوری است. اینجا که اعمال ولایت فقیه نیست. ۱۸۷ نفر در مجلس حاضرند. کسانی که با ارجاع این لایحه به کمیسیون به مدت ۳ سال موافق هستند قیام بفرمایند. (۱۱۵ نفر موافق) تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۳/۵/۱۳

شماره ۳۰۳/

ق

تاریخ

۱۳۶۳/۵/۱۳

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدعلی خامنه‌ای
ریاست محترم جمهوری
لایحه شماره ۴۸۲۲ مورخ ۶۰/۳/۲۱ درخصوص الحاق به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی که بنا بر تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۶۰/۸/۱۰ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون امور قضائی تفویض شده بود تا پس از تصویب برای مدت سه سال به صورت آزمایشی به مرحله اجرا درآید، در جلسه روز شنبه ۱۳۶۳/۵/۶ کمیسیون مذکور با اصلاحاتی در عنوان و متن تصویب و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی

شماره ۳۰۳/

ق

تاریخ

۱۳۶۳/۵/۱۳

قانون اصلاح ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی

ماده واحده. در صورت غیبت یا استنکاف از پرداخت کسی که نفقه برعهده او است و عدم امکان الزام وی به پرداخت نفقه دادگاه با مطالبه افراد واجبالنفقه می‌تواند از اموال او به مقدار نفقه در اختیار آنها یا متکفل خارج قرار دهد. در صورتی که اموال منفق در اختیار نباشد مادر یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه آنها را به عنوان قرض بپردازد و از شخص مستنکف یا غایب مطالبه کند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز شنبه ششم مرداد ماه یک هزار و سیصد و شصت و سه به تصویب کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای محترم نگهبان در تاریخ ۱۳۶۳/۵/۹ آن را تأیید نموده است، برای مدت سه سال از تاریخ تصویب به صورت آزمایشی قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

مجلس شورای اسلامی، تهران، روز دوشنبه ۱۳۶۳/۵/۱۳

مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح مواد از قانون مدنی در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۸ تقدیم دومین دوره مجلس شورای اسلامی گردیده است.

این لایحه در دستور کار کمیسیون امور قضائی و حقوقی به عنوان کمیسیون اصلی و چند کمیسیون دیگر به عنوان کمیسیون‌های فرعی قرار گرفته و گزارش شور اول آن نیز تقدیم مجلس گردیده ولی در صحن علنی مجلس مطرح نگردیده است. با پایان یافتن زمان مجلس دوم، دولت مجدداً همان لایحه را در جلسه ۶۹ مورخ

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۹۷

۱۳۶۷/۱۰/۱۸ تقديم سومين دوره مجلس شوراي اسلامي نموده است.

شماره ۷۵۳۳۴/

تاريخ

۳۸ ل

۱۳۶۶/۷/۲۵

جمهوري اسلامي ايران

نخست وزير

باسمه تعالي

برادر گرامي حجت الاسلام و المسلمين آقاي هاشمي رفسنجاني

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي

لايحه اصلاح موادي از قانون مدني كه بنابه پيشنهاد شماره ۱۵/۱۸۱۹ مورخ ۱۳۶۶/۷/۴ وزارت دادگستري در جلسه مورخ ۱۳۶۶/۷/۱۹ هيئت وزيران به تصويب رسيده به پيوست تقديم و تقاضاي تصويب آن را دارد.

نخست وزير

ميرحسين موسوي

۶۶/۷/۲۳

جمهوري اسلامي ايران

نخست وزير

باسمه تعالي

مقدمه توجيهي

نظر به اينكه قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب ۶۱/۱۰/۸ و قانون اصلاح ماده ۱۲۰۵ قانون مدني مصوب ۶۳/۵/۶ به صورت آزمايشي و به ترتيب براي مدت پنج (۵) و سه (۳) سال به تصويب رسيده علي هذا اصلاحات ضرور قانون مدني جهت تصويب نهايي به شرح زير تقديم ميگردد:

لايحه اصلاح موادي از قانون مدني

ماده ۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف پنج (۵) روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نماید و دولت موظف است

ظرف مدت چهل و هشت (۴۸) ساعت آن را منتشر کند.

ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین ائاثه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و باجمله از اموال منقول و غیرمنقول که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

ماده ۸۱. در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود.

ماده ۱۶۲. هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ خود نقره باشد می‌تواند آن را تملک کند.

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده ۱۲/۶ خود نقره یا بیشتر باشد پیدا کننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود.

تبصره. در صورتی که پیداکننده مال از همان ابتدا

یا پیش از پایان مدت یک سال علم حاصل کند که تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحب مال مأیوس گردد تکلیف تعریف از او ساقط می‌شود.

ماده ۱۶۴. تعریف اشیا پیدا شده عبارت است از

نشر و اعلان برحسب مقررات شرعی به نحوی که بتوان گفت عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است.

ماده ۲۱۸. حذف شد.

ماده ۳۴۷. شخص کور می‌تواند خرید و فروش نماید مشروط بر اینکه شخصاً به طریقی غیر از معاینه یا

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۷۹۹

به وسيله كس ديگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نمايد.

ماده ۴۱۷. غين در صورتي فاحش است كه عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۶۵۳. حذف شد.

ماده ۶۵۵. در دوانيدن حيوانات سواري و همچنين در تيراندازي و شمشير زني گروبندي جائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعايت نمي‌شود.

ماده ۷۰۶. حذف شد.

ماده ۷۴۷. هرگاه كفيل مكفول خود را مطابق شرايط مقرر حاضر كند و مكفول له از قبول او امتناع نمايد كفيل با اشهاد يا مراجعه به حاكم، بري مي‌شود.

ماده ۸۸۱. در صورتي كه قتل عمدي مورث به حكم قانون يا براي دفاع باشد مفاد ماده فوق مجري نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مكرر. كافر از مسلم ارث نمي‌برد و اگر در بين ورثه متوفي كافري مسلم باشد وراثت كافر ارث نمي‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۹۸۰. كساني كه به امور عام المنفعه ايران خدمت يا مساعدت شاياني كرده باشند و همچنين اشخاصي كه داراي عيال ايراني هستند و از او اولاد دارند و يا داراي مقامات عالي علمي و متخصص در امور عام المنفعه مي‌باشند و تقاضاي ورود به تابعيت دولت جمهوري اسلامي ايران را مي‌نمايند در صورتي كه دولت ورود آنها را به تابعيت دولت جمهوري اسلامي ايران صلاح بداند بدون رعايت شرط اقامت ممكن است با تصويب هيئت وزيران به تبعيت ايران قبول شوند.

ماده ۹۸۱. حذف شد.

ماده ۹۸۲. اشخاصي كه تحصيل تابعيت ايراني نموده يا بنمايند از كليۀ حقوقي كه براي ايرانيان مقرر است به استثنا حق رسيدن به مقام رياست جمهوري و

عضويت شوراي نگهبان و شوراي عالي قضائي و وزارت وكفالت وزارت و يا هرگونه مأموريت سياسي خارجه بهره مند مي‌شوند ليكن نمي‌توانند به مقامات ذيل نائل

گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت در مجلس شورای اسلامی.
۲. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.
۳. استخدام وزارت امور خارجه.
۴. قضاوت.

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. تشخیص این امر با وزارت کشور است. مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره^۱ آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود.

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و

۱. با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره‌های» صحیح است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۰۱

تقاضاي بقا بر تابعيت اصلي را دارند به موجب آييننامه اي كه به تصويب هيئت وزيران خواهد رسيد معين خواهد شد.
ماده ۱۰۳۶. حذف شد.
ماده ۱۰۳۹. حذف شد.

ماده ۱۰۴۱. نكاح قبل از بلوغ ممنوع است.
تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.
تبصره ۲. عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي عليه صحيح است.
ماده ۱۰۴۲. نكاح دختری كه هنوز شوهر نكرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر میتواند با معرفی کامل مردی كه میخواهد به او شوهر کند و شرایط نكاح و مهری كه بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدني خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولي، دادگاه مزبور میتواند اجازه نكاح را صادر نماید.

ماده ۱۰۴۳. در صورتی كه پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وي میتواند تقاضاي خود را همراه با اطلاعات مذکور در ماده ۱۰۴۲ به دادگاه مدني خاص بدهد. دادگاه پس از احراز امر اجازه نكاح صادر مینماید.

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد كه مانع از ایفا وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت يك سال از تاریخ رجوع زن به حاكم رفع نشود.
۲. خصا

۳. مقطوع بودن آلت تناسلي.

ماده ۱۱۳۰. در صورتی كه دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وي میتواند به حاكم شرع مراجعه

و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

ماده ۱۲۰۵. در صورت غیبت یا استنکاف از پرداخت کسی که نفقه برعهده او است و عدم امکان الزام وی به پرداخت نفقه، دادگاه با مطالبه افراد واجب‌النفقة می‌تواند از اموال مستنکف یا غایب به مقدار نفقه در اختیار آنها یا متکفل خارج قرار دهد. در صورتی که اموال منفق در اختیار نباشد مادر یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه آنها را به‌عنوان قرض بپردازد و از شخص مستنکف یا غایب مطالبه کند.

ماده ۱۲۱۰. در رفع حجر، بلوغ طفل به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه رشد او نیز باید ثابت شود. در صورتی که ولی طفل رشد او را پس از بلوغ احرار نماید از طفل رفع حجر می‌شود و چنانچه پس از بلوغ ولی قهري نداشته باشد تشخیص رشد با دادستان است. **تبصره.** هرگاه طفل بعد از بلوغ ادعای رشد نماید و ولی او مدعی عدم رشد باشد، تشخیص رشد با دادستان است.

ماده ۱۲۱۹. هریک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که دادستان به غوی از انحای به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای

او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌دانند به آن دادگاه معرفی کند.

دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه مذکور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به‌عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را تعیین کند.

اگر دادگاه مدني خاص اشخاصي را كه معرفي شده اند معتمد ندید اشخاص ديگري^۱ را از دادسرا خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانين دادستان بايد قبلاً رجوع به خيره کرده نظريات خيره را به دادگاه مدني خاص ارسال دارد در صورت اثبات جنون دادستان به دادگاه رجوع ميکند تا نصب قيم شود در مورد اشخاص غررشيد نيز دادستان مکلف است كه قبلاً به وسيله مطلعين اطلاعات کافيه در باب سفاهت او به دست آورده و در صورتي كه سفاهت را مسلم دید در دادگاه مدني خاص اقامه دعوي نمايد و پس از صدور حكم عدم رشد براي نصب قيم به دادگاه رجوع نمايد.

ماده ۱۲۲۷. فقط كسي را محاكم و ادارات و دفاتر اسناد رسمي به قيمومت خواهند شناخت كه نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ايران كنسول ايران و يا جانشين وي حق دارد نسبت به ايرانياني كه بايد مطابق ماده ۱۲۱۸ براي آنها قيم نصب شود و در حوزه مأموريت او ساكن يا مقيم اند موقتاً نصب قيم كند و بايد تا ده روز پس از نصب قيم مدارك عمل خود را به وسيله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستري بفرستد. نصب قيم مزبور وقتي قطعي ميگردد كه دادگاه مدني خاص تهران تصميم مأمور كنسولي را تنفيذ كند.

ماده ۱۲۳۶. قيم مكلف است قبل از مداخله در امور مالي مولي عليه صورت جامعي از كلييه دارايي او تهيه کرده يك نسخه از آن را به امضاي خود براي دادستاني كه مولي عليه در حوزه آن سكونت دارد بفرستد و دادستان يا نماينده او بايد نسبت به ميزان دارايي مولي عليه تحقيقات لازمه بعمل آورد.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه دادستان مي تواند از دادگاه مدني خاص تقاضا كند كه از قيم تضميناتي راجع به اداره اموال مولي عليه

۱. در متن فوق عبارت «ديگري» جايزين عبارت «ديگر» گرديد.

خواهد. تعیین نوع تضمین به نظر دادگاه است. هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت^۱ معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد.

در این صورت دادستان یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط دادستان حوزه‌ای که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص همان حوزه داده شود.

ماده ۱۳۰۶. حذف شد.

ماده ۱۳۰۷. حذف شد.

ماده ۱۳۰۸. حذف شد.

ماده ۱۳۱۰. حذف شد.

ماده ۱۳۱۱. حذف شد.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۲. کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق در دعوی داشته باشد.

۳. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

۴. کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نباشد.

ماده ۱۳۱۳ مکرر. در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

۱. در متن فوق عبارت «قیمومت» جایگزین عبارت «قیمومیت» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۸۰۵

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید با سوگند مدعی، به حکم حاکم، مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم گردد.

ماده ۲۲۸ (مکرر). دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با انجام تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید.

تبصره. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تشریفات خاص یا تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد ناکل محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدعی نزد حاکم به موجب دلائل مذکور در کتاب‌های اول تا چهارم جلد سوم این قانون ثابت نشده باشد در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.

نخست وزیر وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران
۶۶/۷/۲۳ ۶۶/۷/۲۳

0000 0000 00 0000 00 0000 0 0000 00000000 0 0000 ,000 000000

باسمہ تعالیٰ
مجلس شورای اسلامی
دوره دوم - سال چهارم
۱۳۶۶-۱۳۶۷

شماره ترتیب چاپ

۱۸۹۹

شماره چاپ سابقه

۱۸۰۰

شماره دفتر ثبت

022

شماره ۳۴۶

تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۶

گزارش از کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۸۰۰ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان اصلی ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور وزیر محترم دادگستری مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحات و الحاقاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی. محمد یزدی لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده ۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف پنج روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نماید و دولت موظف است ظرف مدت چهل و هشت ساعت آن را منتشر کند.

ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین ائانه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و باجمله آنچه از اموال منقوله و غیرمنقوله که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملك خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

ماده ۸۱. در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود.

ماده ۱۶۲. هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره باشد می‌تواند آن را تملك کند.

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده ۱۲/۶ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیدا کننده باید يك سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۰۷

نگاهدارد يا تصرف ديگري در آن بکند در صورتي که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصير او تلف شود، ضامن نخواهد بود.

تبصره. در صورتي که پيدا کننده مال از همان ابتدا يا پيش از پايان مدت يك سال علم حاصل کند

که تعريف بي فايده است و يا از يافتن صاحب مال مأیوس گردد، تکليف تعريف از او ساقط ميشود.

ماده ۱۶۴. تعريف اشيا پيدا شده عبارت است از

نشر و اعلان برحسب مقررات شرعي به نحوي که بتوان گفت که عادتاً به اطلاع اهالي محل رسیده است.

ماده ۲۱۸. هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دين واقع شده، آن معامله نافذ نيست.

ماده ۳۴۷. نابينا ميتواند خريد و فروش نمايد مشروط بر اينکه شخصاً به طريقي غير از مشاهده يا به وسيله کس ديگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نمايد.

ماده ۴۱۷. غبن در صورتي فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۶۵۳. حذف شد.

ماده ۶۵۵. در دوانيدن حيوانات سواري و همچنين در تيراندازي و شمشيربازي گروبندي جائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعايت نميشود.

ماده ۷۰۶. حذف شد.

ماده ۷۴۷. هرگاه كفيل مكفول خود را مطابق شرايط مقرر حاضر کند و مكفول لسه از قبول او امتناع نمايد كفيل با اشهاد يا مراجعه به حاکم، بري ميشود.

ماده ۸۸۱. در صورتي که قتل عمدي مورث به حکم قانون يا براي دفاع باشد، مفاد ماده فوق مجري نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مكرر. کافر از مسلم ارث نميبرد و اگر در بين ورثه متوفاي کافري مسلم باشد، وراث کافر ارث نميبرند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام المنفعه ايران خدمت يا مساعدت شاياني کرده باشند و همچنين

اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند، بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۹۸۱. حذف شد.

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران نموده با بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثنای حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری و عضویت شورای نگهبان و شورای عالی قضائی و وزارت و کفالت وزارت و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند مگر پس از ۱۰ سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت در مجلس شورای اسلامی.

۲. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.

۳. استخدام وزارت امور خارجه.

۴. قضاوت.

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه ازدواج می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا متارکه به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند متارکه، تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن هاي ايراني كه بر اثر ازدواج تابعيت خارجي را تحصيل مي كنند، حق داشتن اموال غيرمنقول جز آنچه در موقع ازدواج دارا بوده اند را ندارند^۱. اين حق به وراث خارجي آنها منتقل نمي شود. در صورتي كه اين حق مالكيت موجب سلطه اقتصادي گردد بنا به تشخيص هيأت دولت اقدامات مقتضي انجام خواهد شد.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره^۲ آن در قسمت خروج ايرانياني كه تابعيت خود را ترك نموده اند، شامل زنان مزبور خواهد بود.

ماده ۹۹۱. تكاليف مربوط به اجراي قانون تابعيت و اخذ خارج دفتري در مورد كساني كه تقاضاي تابعيت يا ترك تابعيت دولت جمهوري اسلامي ايران و تقاضاي بقاء بر تابعيت اصلي را دارند به موجب آئين نامه اي كه به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد، معين خواهد شد.

ماده ۱۰۳۶. حذف شد.

ماده ۱۰۳۹. حذف شد.

ماده ۱۰۴۱. عقد نكاح قبل از بلوغ با اذن ولي و مصلحت مولي عليه صحيح اما نزديكي ممنوع است.

تبصره. سن بلوغ پسر ۱۵ سال تمام قمری و دختر ۹ سال تمام قمری است.

ماده ۱۰۴۲. نكاح دختری كه هنوز شوهر نكرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر يا جد پدری او است و هرگاه پدر يا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه كند، دختر مي تواند با معرفي كامل مردی كه مي خواهد به او شوهر كند و شرايط نكاح و مهري كه بين آنها قرار داده شده به دادگاه مدني خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر يا جد پدری اطلاع

۱. در متن فوق عبارت «ندارند» جایگزین عبارت «ندارد» گردید.

۲. با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره هاي» صحيح است.

داده شود^۱ و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی، دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید.

ماده ۱۰۴۳. در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند تقاضای خود را همراه با اطلاعات مذکور در ماده ۱۰۴۲ به دادگاه مدنی خاص بدهد. دادگاه پس از احراز امر اجازه نکاح صادر می‌نماید.

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفا^۲ وظیفه زناشویی باشد، موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن، به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود.

۲. خصا^۳

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی.

ماده ۱۱۳۰. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

ماده ۱۲۰۵. در صورت غیبت یا استنکاف از پرداخت کسی که نفقه برعهده او است و عدم امکان الزام وی به پرداخت نفقه، دادگاه با مطالبه افراد واجب‌النفقة می‌تواند از اموال مستنکف یا غایب به مقدار نفقه در اختیار آنها یا متکفل خارج قرار دهد. در صورتی که اموال منفق در اختیار نباشد مادر یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه آنها را به‌عنوان قرض بپردازد و از شخص مستنکف یا غایب مطالبه کند.

ماده ۱۲۰۹. حذف شد.

۱. در متن فوق عبارت «می‌شود» صحیح به نظر می‌رسد.

ماده ۱۲۱۰. در رفع حجر، بلوغ طفل به تنهائي كفايت نمي‌كند، بلكه رشد او نيز بايد ثابت شود. در صورتي كه ولي طفل رشد او را پس از بلوغ احراز نمايد از طفل رفع حجر مي‌شود و چنانچه پس از بلوغ ولي قهري نداشته باشد، تشخيص رشد با دادستان است.

تبصره. هرگاه طفل بعد از بلوغ ادعاي رشد نمايد و ولي او مدعي عدم رشد باشد، تشخيص رشد با دادستان است.

ماده ۱۲۱۹. هريك از ابوين مكلف است در مواردی كه به موجب ماده قبل بايد براي اولاد آنها قيم معين شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و يا به نماينده او اطلاع داده از او تقاضا نمايد كه اقدام لازم براي نصب قيم بعمل آورد.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی كه دادستان به بخوي از انحلاّ به وجود شخصي كه مطابق ماده ۱۲۱۸ بايد براي او نصب قيم شود مسبوق گرديد بايد به دادگاه مدني خاص رجوع و اشخاصي را كه براي قيمومت مناسب مي‌دانند به آن دادگاه معرفي كند.

دادگاه مدني خاص از ميان اشخاص مزبور يك يا چند نفر را به سمت قيم معين و حكم نصب او را صادر مي‌كند و نيز دادگاه مذكور مي‌تواند علاوه بر قيم يك يا چند نفر را به عنوان ناظر معين نمايد در اين صورت دادگاه بايد حدود اختيارات ناظر را تعيين كند.

اگر دادگاه مدني خاص اشخاصي را كه معرفي شده اند معتمد ندید، اشخاص ديگري^۱ را از دادسرا خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانين دادستان بايد قبلاً رجوع به خبره كرده نظريات خبره را به دادگاه مدني خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون دادستان به دادگاه رجوع مي‌كند تا نصب قيم شود در مورد اشخاص غير رشيد نيز دادستان مكلف است كه قبلاً به

۱. در متن فوق عبارت «ديگري» جايجزين عبارت «ديگر» گرديد.

وسیله مطلعین اطلاعات کافی به در باب سفاکت او به دست آورده و در صورتی که سفاکت را مسلم دید، در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید. **ماده ۱۲۲۷.** فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی حق دارد نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ کند.

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارایی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضای خود برای دادستانی که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارایی مولی‌علیه تحقیقات لازم بعمل آورد.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه دادستان می‌تواند از دادگاه مدنی خاص تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهد تعیین نوع تضمین به نظر دادگاه است. هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت^۱ معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او

۱. در متن فوق عبارت «قیمومت» جایگزین عبارت «قیمومیت» گردید.

اطلاع دهد. در این صورت دادستان یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط دادستان حوزه‌ای که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص همان حوزه داده شود.

ماده ۱۳۰۶. حذف شد.

ماده ۱۳۰۷. حذف شد.

ماده ۱۳۰۸. حذف شد.

ماده ۱۳۱۰. حذف شد.

ماده ۱۳۱۱. حذف شد.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۲. کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق در دعوی داشته باشد.

۳. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

۴. کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نباشد.

ماده ۱۳۱۳ مکرر. در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید با سوگند مدعی، به حکم حاکم، مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است، محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳۲۸ مکرر. دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با انجام تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید.

تبصره. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تشریفات خاص یا تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد

ناکل محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۲۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدعی نزد حاکم به موجب دلائل مذکور در کتاب‌های اول تا چهارم جلد سوم این قانون ثابت نشده باشد در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط به قسم او نماید.

شماره ۱۰۸

تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲

گزارش از کمیسیون شوراها و امور داخلی به مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۸۰۰ در ارتباط با ماده ۹۸۲ و تبصره ۲ ذیل ماده ۹۸۷ که به کمیسیون شوراها و امور داخلی به‌عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود، در جلسه مورخه ۶۶/۹/۱ با حضور نماینده دولت مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی تصویب شد. اینک گزارش شور اول آن به مجلس محترم شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی
محمدعلی موحدی کرمانی

اصلاحات کمیسیون

ماده ۹۸۲ به صورت زیر اصلاح شد.

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثناء حق رسیدن به ریاست جمهوری و عضویت شورای نگهبان و شورای عالی قضائی و وزارت و سرپرستی وزارتخانه و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارج بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند مگر پس از ۱۰ سال از تاریخ صدور سند تابعیت:

۱. عضویت در مجلس شورای اسلامی.
۲. عضویت شوراها و استان و شهرستان و شهر.
۳. استخدام وزارت امور خارجه.

۴. قضاوت.

تبصره ۲ ماده ۹۸۷ به صورت زیر اصلاح شد.
تبصره ۲. زن هاي ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می کنند، حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، نداشته و موظف به واگذاری آن در مقابل دریافت قیمت می باشند. تشخیص این امر با هیأت سه نفره متشکل از وزراء کشور، خارجه و دادگستری یا نمایندگان تام الاختیار آنان خواهد بود.

شماره ۵۵/۷۴/۴ ك الف

تاریخ ۱۳۶۶/۹/۵

گزارش از کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی به مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۸۰۰ که ماده ۸۱ آن به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی به عنوان فرعی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۶۶/۹/۳ با حضور نماینده محترم اوقاف مورد بحث و بررسی قرار گرفت و عیناً به تصویب رسید.
اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس شورای اسلامی می شود.

**رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی
زین العابدین قربانی**

شماره ۵۸/۸۹

تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱۱

گزارش از کمیسیون سیاست خارجی به مجلس شورای اسلامی

کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد خود با حضور مسئولان اجرایی ذی ربط لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۸۰۰ را که به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع گردیده بود، مورد بحث و بررسی قرار داده و در جلسه نهایی ۶۶/۹/۱۰ مواد ارجاعی را با اصلاحاتی به شرح ذیل به تصویب رسانید.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون سیاست خارجی
عمود مروی

اصلاحات کمیسیون

ماده ۹۸۲ به صورت زیر اصلاح شد:
ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثناء حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری و عضویت شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و شورای عالی قضائی و قضاوت و وزارت و کفالت وزارت و استخدام وزارت امور خارجه و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند می‌شوند و عضویت در شوراهای استان و شهرستان و شهر برای این اشخاص پس از ۱۰ سال از تاریخ صدور سند تابعیت بلامانع است.

ماده ۹۸۷ و دو تبصره آن عیناً تصویب شد.
ماده ۱۲۲۸ به صورت زیر اصلاح شد.
ماده ۱۲۲۸- در خارج ایران بالاترین مقام کنسولی و یا جانشین وی حق دارد نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم‌اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ کند. دادگاه مدنی خاص موظف است خارج از نوبت به این موضوع رسیدگی نماید.

تاریخ چاپ ۱۳۶۶/۱۰/۸

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۸۱۷

باسمه تعالي
مجلس شوراي اسلامي
دوره سوم - سال اول
۱۳۶۷ - ۱۳۶۸

شماره ترتيب

چاپ ۳۰۶

شماره دفتر ثبت

۱۳۴

شماره ۸۸۹۵۲ / ل ۳۴

تاريخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴

برادر گرامي حجت الاسلام و المسلمين آقاي هاشمي
رفسنجاني

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي

لايحه اصلاح موادي از قانون مدني كه بنا به
پيشنهاد شماره ۱۵/۷۵۱۰ مورخ ۶۷/۱۰/۶ وزارت
دادگستري در جلسه مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۷ هيأت وزيران به
تصويب رسیده، به پيوست تقديم و تقاضاي تصويب آن
را دارد.

نخست وزير. ميرحسين موسوي

نظر به اينكه قانون اصلاح موادي از قانون مدني
مصوب ۶۱/۱۰/۸ و قانون اصلاح ماده ۱۲۰۵ قانون
مدني مصوب ۶۳/۵/۶ به صورت آزمايشي و به ترتيب
براي مدت پنج و سه سال به تصويب رسیده، علي هذا
اصلاحات ضرور قانون مدني جهت تصويب نهايي به شرح
زير تقدم ميگردد.

لايحه اصلاح موادي از قانون مدني

تذکر:

چون لايحه تقديمي، عيناً همان لايحه تقديمي دوره دوم
مجلس است، لذا از آوردن متن آن خودداري ميشود.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۷

باسمه تعالي
مجلس شوراي اسلامي

دوره سوم - سال دوم
۱۳۶۸-۱۳۶۹

شماره ترتیب

چاپ ۵۴۰

شماره چاپ

سابقه ۳۰۶

شماره دفتر ثبت

۱۳۴

شماره ۳۱۵ / ک ق

تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۴

گزارش از کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۳۰۶ که جهت رسیدگی شور اول به عنوان اصلی به این کمیسیون ارجاع گردیده بود در جلسات متعدد با حضور کارشناسان دستگاه اجرایی مطرح و با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن جهت رسیدگی شور اول تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی اسدالله بیات

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده ۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره. در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا و ابلاغ پس از پنج روز، روزنامه رسمی موظف است مصوبه را منتشر نماید.

ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین ائانه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های

عمومي و آثار تاريخي و امثال آنها و بالجملة آنچه از اموال منقوله و غيرمنقوله كه دولت به عنوان مصالح عمومي و منافع ملي در تحت تصرف دارد، قابل تملك خصوصي نيست و همچنين است اموالي كه موافق مصالح عمومي به ايالت و ولايت يا ناحيه يا شهري اختصاص يافته باشد.

ماده ۸۱. در اوقاف عامه كه متبوي معين نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولي فقيه خواهد بود.

ماده ۱۶۲. هر كس مالي پيدا كند كه قيمت آن كمتر از ۱۲/۶ خود نقره باشد، مي تواند آن را تملك كند.

ماده ۱۶۳. اگر قيمت مال پيدا شده ۱۲/۶ خود نقره يا بيشتر باشد، پيداكننده بايد يك سال تعريف كند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پيدا نشد، مشاراليه مختار است كه آن را به طور امانت نگاهدارد يا تصرف ديگري در آن ب كند در صورتي كه آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصير او تلف شود، ضامن خواهد بود.

تبصره. در صورتي كه پيدا كننده مال از همان ابتدا يا پيش از پايان مدت يك سال علم حاصل كند كه تعريف بي فايده است و يا از يافتن صاحب مال مأیوس گردد، تكليف تعريف از او ساقط مي شود.

ماده ۱۶۴. تعريف اشيا پيدا شده عبارت است از

نشر و اعلان برحسب مقررات شرعي به نحوي كه بتوان گفت كه عادتاً به اطلاع اهالي محل رسیده است.

ماده ۲۱۸. حذف شد.

ماده ۳۴۷. شخص كور مي تواند خريد و فروش نمايد مشروط بر اينكه شخصاً به طريقي غير از معاينه يا به وسيله كس ديگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نمايد.

ماده ۴۱۷. غبن در صورتي فاحش است كه عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۶۵۳. حذف شد.

ماده ۶۵۵. در دوانيدن حيوانات سواري و همچنين در تيراندازي و شمشيرزني گروبندي جايز ومفاد ماده قبل در مورد آنها رعايت نمي شود.

ماده ۷۰۶. حذف شد.

ماده ۷۴۷. هرگاه كفيل مكفول خود را مطابق شرايط

مقرره حاضر کند و مکفولله از قبول او امتناع نماید کفیل با اشهد یا مراجعه به حاکم، بری می‌شود.

ماده ۸۸۱. در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مکرر. کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد، وراثت کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند، در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۹۸۱. حذف شد.

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

۱. مقام ریاست جمهوری.

۲. عضویت در شورای نگهبان و ریاست دستگاه

قضائی.

۳. وزارت و کفالت وزارت و هرگونه مأموریت

سیاسی خارجه.

۴. عضویت در مجلس شورای اسلامی.

۵. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.

۶. استخدام در وزارت امور خارجه.

۷. قضاوت.

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر

به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولي در هر صورت بعد از وفات شوهر و يا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و يا سند تفریق، تابعیت اصلی زن با همیج حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مقرر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امورخارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از وزارت خارجه و وزارت کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره^۱ آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترك نموده اند شامل زنان مزبور نخواهد بود.

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترك تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقا^۲ بر تابعیت اصلی را دارند، به موجب آیین نامه ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، معین خواهد شد.

ماده ۱۰۳۶. حذف شد.

ماده ۱۰۳۹. حذف شد.

ماده ۱۰۴۱. نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و

۱. با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره های» صحیح است.

در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲. عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح است.

ماده ۱۰۴۲. نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی، دادگاه مزبور می تواند اجازه نکاح را صادر نماید.

ماده ۱۰۴۳. در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می تواند تقاضای خود را همراه با اطلاعات مذکور در ماده ۱۰۴۲ به دادگاه مدنی خاص بدهد. دادگاه پس از احراز امر اجازه نکاح صادر می نماید.

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفا وظیفه زناشویی باشد موجب فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود.
۲. خصا.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی.

ماده ۱۱۳۰. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.

ماده ۱۲۰۵. در صورت غیبت یا استنکاف از پرداخت کسی که نفقه برعهده او است و عدم امکان الزام وی به پرداخت نفقه، دادگاه با مطالبه افراد

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۲۳

واجب‌النفقة مي‌تواند از اموال مستنكف يا غايب به مقدار نفقه در اختيار آنها يا متكفل خارج قرار دهد. در صورتي كه اموال منفق در اختيار نباشد مادر يا ديگري با اجازه دادگاه مي‌تواند نفقه آنها را به عنوان قرض بپردازد و از شخص مستنكف يا غايب مطالبه كند.

ماده ۱۲۱۰. در رفع حجر، بلوغ طفل به تنهائي كفايت نمي‌كند، بلكه رشد او نيز بايد ثابت شود. در صورتي كه ولي طفل رشد او را پس از بلوغ اقرار نمايد از طفل رفع حجر مي‌شود و چنانچه پس از بلوغ ولي قهري نداشته باشد، تشخيص رشد با دادستان است.

تبصره. هرگاه طفل بعد از بلوغ ادعاي رشد نمايد و ولي او مدعي عدم رشد باشد، تشخيص رشد با دادستان است.

ماده ۱۲۱۹. هريك از ابووين مكلف است در مواردی كه به موجب ماده قبل بايد براي اولاد آنها قيم معين شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و يا به نماينده او اطلاع داده از او تقاضا نمايد كه اقدام لازم براي نصب قيم بعمل آورد.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی كه دادستان به نخوي از اطفال به وجود شخصي كه مطابق ماده ۱۲۱۸ بايد براي

او نصب قيم شود مسبوق گرديد، بايد به دادگاه مدني خاص رجوع و اشخاصي را كه براي قيمومت مناسب مي‌دانند به آن دادگاه معرفي كند.

دادگاه مدني خاص از ميان اشخاص مزبور يك يا چند نفر را به سمت قيم معين و حكم نصب او را صادر مي‌كند و نيز دادگاه مذكور مي‌تواند علاوه بر قيم يك يا چند نفر را به عنوان ناظر معين نمايد در اين صورت دادگاه بايد حدود اختيارات ناظر را تعيين كند.

اگر دادگاه مدني خاص اشخاصي را كه معرفي شده‌اند معتمد نديد، اشخاص ديگري را از دادسرا خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانين، دادستان بايد قبلاً رجوع به خيره كرده نظريات خيره را به دادگاه مدني خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون، دادستان

به دادگاه رجوع می‌کند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیرشید نیز دادستان مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی به در باب سفاقت او به دست آورده و در صورتی که سفاقت را مسلم دید، در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید. **ماده ۱۲۲۷.** فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی حق دارد نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ کند.

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارایی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضای خود برای دادستانی که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد، بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارایی مولی‌علیه تحقیقات لازمه به عمل آورد. **ماده ۱۲۴۳.** در صورت وجود موجبات موجه دادستان می‌تواند از دادگاه مدنی خاص تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهد. تعیین نوع تضمین به نظر دادگاه است. هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

ماده ۱۲۵۱. هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که به سمت قیمومت معین شده است شوهر اختیار کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت دادستان یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۸۲۵

ماده ۱۲۵۴. خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط دادستان حوزه‌ای که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص همان حوزه داده شود.

ماده ۱۳۰۶. حذف شد.

ماده ۱۳۰۷. حذف شد.

ماده ۱۳۰۸. حذف شد.

ماده ۱۳۱۰. حذف شد.

ماده ۱۳۱۱. حذف شد.

ماده ۱۳۱۳. شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۲. کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق در دعوی داشته باشد.

۳. شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

۴. کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نباشد.

ماده ۱۳۱۳ مکرر. در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید یا سوگند مدعی، به حکم حاکم، مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳۲۸ مکرر. دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با انجام تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید.

تبصره. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تشریفات خاص یا تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد ناکل محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدعی نزد حاکم به موجب دلائل مذکور در کتاب‌های

اول تا چهارم جلد سوم این قانون ثابت نشده باشد.
در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که
مورد انکار مدعی‌علیه است، منوط به قسم او نماید.

شماره ۱۱۴

تاریخ ۱۳۶۸/۲/۱۰

گزارش کمیسیون شوراها و امور داخلی به مجلس
شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره چاپ ۳۰۶
در ارتباط با مواد ۹۸۲ و تبصره ۲ ماده ۹۸۷ که
به کمیسیون شوراها و امور داخلی به‌عنوان فرعی
ارجاع گردیده بود در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۰ با
حضور مسئولین ذی‌ربط مورد بررسی قرار گرفت و با
اصلاحی به شرح زیر به تصویب رسید.
اینک گزارش شور اول به مجلس محترم شورای اسلامی
تقدیم می‌گردد.

رئیس کمیسیون
محمد اشرفی اصفهانی

اصلاحات کمیسیون

۱. ماده ۹۸۲ به شرح زیر اصلاح گردید.
ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی
نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای
ایرانیان مقرر است بهره‌مند خواهند شد لیکن احراز
پست‌ها و یا سمت‌های زیر برای نامبردگان ممنوع خواهد
بود:

۱. حق احراز به مقام ریاست جمهوری.
۲. عضویت در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان.
۳. عضویت در شورای نگهبان.
۴. عضویت در شوراها یا عالی قضائی و نیز احراز
قضاوت.
۵. احراز سمت نخست‌وزیری، وزارت و کفالت وزارت.
۶. استخدام در وزارت خارجه و نیز احراز
هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۲۷

۷. عضويت در شوراهای استان، شهرستان و شهر.
۸. تصدي پستهای اطلاعاتی و امنیتی.
۹. عضويت در نیروهای نظامی و انتظامی.
۲. تبصره ۲ ماده ۹۸۷ به شرح زیر اصلاح گردید.
تبصره ۲. زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل میکنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. لازم است که در زمان وقوع ازدواج وضعیت اموال این زنان مورد بررسی قرار گیرد تشخیص این امر با وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی، کشور و خارجه خواهد بود.

شماره ۲۲
تاریخ ۱۳۶۸/۲/۱۰
گزارش از کمیسیون امور دفاعی به مجلس شورای اسلامی
لاجه اصلاح موادی از قانون مدنی طی جلسات مکرر و با حضور مسئولان ذی ربط در کمیسیون امور دفاعی مطرح و سرانجام در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۰ با انجام اصلاحاتی در ماده ۲۶ به شرح ذیل به تصویب رسید.
اینک گزارش شور اول آن تقدیم میگردد.

خبر کمیسیون امور دفاعی پورحسینی

اصلاحات کمیسیون

ماده ۲۶ به شرح زیر اصلاح گردید.
ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندقها و خاکریزهای نظامی و موانع و مواضع طبیعی که دارای ارزش دفاعی است، کارخانه های تهیه و تولید اسلحه و مرمیات و مهمات، هواپیماهای نظامی، هلیکوپترهای نظامی، انواع وسایل و تجهیزات ردیابی و ره گیری، فرودگاههای اضطراری نظامی، ناوگان نظامی و انواع شناورها و زیردریایی های نظامی، هر نوع اسلحه و مرمی و مهمات نظامی، تجهیزات و دستگاههایی که در جنگهای الکترونیکی مورد

استفاده است و نظایر و اشباه هریک از موارد فوق و همچنین ائاله و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه از اموال منقول و غیرمنقول که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

شماره ۵۸/۱۶

تاریخ ۶۸/۲/۴

گزارش از کمیسیون سیاست خارجی به مجلس شورای اسلامی

لاجه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۳۰۶ که جهت رسیدگی به مواد ۹۸۰-۹۸۲-۹۸۷-۹۹۱ و ۱۲۲۸ به کمیسیون سیاست خارجی به‌عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود، در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۶۸/۲/۳ با حضور نماینده دولت مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و ماده ۱۲۲۸ به شرح زیر اصلاح و بقیه مواد ارجاعی عیناً به تصویب رسید. اینک گزارش آن جهت شور اول تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

مخبر کمیسیون سیاست خارجی صالح آبادی

اصلاحات کمیسیون

ماده ۱۲۲۸ به شرح زیر اصلاح گردید.
ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی حق دارد نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۸۲۹

كه دادگاه مدني خاص تهران تصميم كنسولي را تنفيذ
كند.

شماره ۷

تاريخ ۶۸/۱/۲۴

گزارش از كميسيون امور پست و تلگراف و نيرو به
مجلس شوراي اسلامي

لايحه شماره ۸۸۹۵۲ / ل ۳۴ مورخ ۶۷/۱۰/۱۴ تقديمي دولت
به مجلس شوراي اسلامي در خصوص اصلاح موادى از
قانون مدنى كه به شماره چاپ ۳۰۶ جهت رسيدگى به
اين كميسيون ارجاع شده بود در جلسه روز
چهارشنبه ۶۸/۱/۲۳ مطرح و مورد بررسى قرار گرفت.
ماده ۲۶ عيناً به تصويب رسيد. و ماده ۹۸۲ با
اصلاحاتى به شرح زير با اكثريت آرا به تصويب
رسيد.

اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس شوراي اسلامي
ميگردد.

رئيس كميسيون امور پست و تلگراف و نيرو
محمد معزي

اصلاحات كميسيون

ماده ۹۸۲ به شرح زير اصلاح گرديد.
ماده ۹۸۲. اشخاصي كه تحصيل تابعيت ايراني نموده يا
بنمايند از كليۀ حقوقى كه براي ايرانيان مقرر
است به استثناء حق رسيدن به مقام رياست جمهوري و
عضويت شوراي نگهبان و شوراي عالي قضائى و قضاوت و
عضويت در مجلس شوراي اسلامي و وزارت و كفالت و
استخدام وزارت امور خارجه و يا هرگونه مأموريت
سياسى خارجه، بهره مند ميشوند ليكن نمى توانند به
مقام ذيل نائل گردند، مگر پس از ده سال از تاريخ
صدور سند تابعيت:

— عضويت شوراهاى استان و شهرستان و شهر.

شماره ۴/۲۹/كاد

تاريخ ۶۸/۱۲/۹

گزارش از كميسيون امور اقتصادى و دارايى به مجلس

شورای اسلامی
لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره چاپ ۳۰۶ و ثبت ۱۳۴ که به کمیسیون امور اقتصادی و دارایی به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع گردیده بود در جلسه روز سه شنبه ۶۷/۱۲/۹ با حضور وزیر مربوطه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به شرح زیر تصویب گردید.
اینک گزارش آن جهت شور اول تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

**رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی
سیدهادی خامنه‌ای**

اصلاحات کمیسیون

ماده ۲۱۸ به شرح زیر اصلاح گردید.
ماده ۲۱۸. هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده آن معامله نافذ نیست.

شماره ۱۱
تاریخ ۶۷/۱۱/۳۰
گزارش از کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی به مجلس شورای اسلامی
لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی (به شماره چاپ ۳۰۶) در جلسه ۶۷/۱۱/۳۰ مطرح و ماده ۲۶ آن با اضافه کردن «و تپه‌های باستانی» بعد از «آثار تاریخی» به تصویب رسید.
اینک گزارش آن جهت شور اول تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود.

**رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی
نجفقلی حبیبی**

شماره ۷۴/۳۶/۱ ک الف
تاریخ ۶۷/۱۱/۳۰
گزارش از کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی به مجلس شورای اسلامی
لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۳۱

چاپ ۱۳۰۶ كه مواد ۲۶ و ۸۱ آن به كميسيون ارشاد و هنر اسلامي به عنوان فرعي ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۶۷/۱۱/۳۰ مورد بحث و بررسي قرار گرفت و به اتفاق آراء عيناً به تصويب رسيد. اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي مي شود.

رئيس كميسيون ارشاد و هنر اسلامي
سيد محمدعلي شهيدي

تاريخ چاپ ۱۳۶۸/۴/۲۶

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۹/۱/۲۳

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۳۱۳۸ مورخ ۱۳۶۹/۱/۲۳)

جلسه ۱۶۵، مورخ ۱۳۶۸/۸/۲۱
۹. تصويب كليات لايحه اصلاح موادي از قانون مدني رئيس. دستور بعد را مطرح كنيد.
منشي. گزارش شور اول كميسيون امور قضائي و حقوقي درخصوص لايحه اصلاح موادي از قانون مدني مطرح است، مقرر كميسيون آن را قرائت كنند و بعد توضيح بدهند.
(به شرح زير خوانده شد)

گزارش از كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
لايحه اصلاح موادي از قانون مدني به شماره ترتيب چاپ ۳۰۶ كه جهت رسيدگي شور اول به عنوان اصلي به اين كميسيون ارجاع گرديده بود در جلسات متعدد

۱. در متن فوق شماره «۳۰۶» جايجزين شماره «۱۳۴» گرديد. شماره «۱۳۴» مربوط به ثبت دفتر لايحه مذكور است.

با حضور کارشناسان دستگاههای اجرایی مطرح و با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن جهت رسیدگی شور اول تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

سید محمد اصغری (مخیر کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم. قانونی^۱ که الان مطرح است در تاریخ ۶/۵/۶۳ به صورت آزمایشی برای مدت ۵ سال (یعنی قانون اصلاحات در قانون مدنی) به تصویب رسید که الان آن مدت پنج سال تمام شده و لازم است که قانون اصلاحات قانون مدنی نه برای موقت، بلکه برای دائم و همیشه تصویب بشود. این اصلاحات مجدداً در کمیسیون قضائی مطرح شد جز یک سلسله اصلاحات جزئی در ماده اول باز به علت تغییراتی که در قانون اساسی بود و قبلاً «نخست وزیر» داشتیم و الان نخست وزیر را نداریم و گفته بودیم که ریاست جمهوری ابلاغ می‌کند عنوان‌ها عوض شده و اصلاح شده، یک تبصره‌ای باز اضافه شده به این عنوان که «در صورت

استنکاف رئیس جمهور از امضا و ابلاغ، پس از ۵ روز، روزنامه رسمی موظف است مصوبه را منتشر نماید.» این تبصره هم به ماده (۱) اضافه شده.

ماده (۹۸۲) است که به لحاظ ترتیب تفاوت کرده، ماده (۹۸۲) نوشته: اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند که ۷ مقام هست:

مقام ریاست جمهوری، عضویت در شورای محترم نگهبان، وزارت و کفالت وزارت، عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر، استخدام در وزارت امور خارجه و هفتم قضاوت. قبلاً این ترتیب نبود، ۲-۳ مورد از اینها در متن ماده (۹۸۲) آمده بود و بقیه در ذیل ماده.

۱. منظور «لایحه» است.

این ترتیب عوض شد و يك اصلاح ديگري در تبصره (۲) ماده (۹۸۷) داشتیم که در تبصره (۲) ماده (۹۸۷) این بود: زن هاي ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجي را تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجي گردد ندارند. تشخیص این امر قبلاً با وزارت کشور بود در اصلاحیه جدید کمیسیوني براي تشخیص این امر ایجاد شده یعنی این تصویب شده «تشخیص این امر با کمیسیوني متشکل از وزارت خارجه، وزارت کشور و اطلاعات است» یعنی تحصیل این امر که زن تابع خارجي اراضي را تحصیل می کند که موجب سلطه اقتصادی بیگانه می شود. تشخیص این امر را به عهده يك کمیسیون گذاشتیم. جز این سه اصلاح در مواد اصلاح شده قبلي قانون مدني اصلاحاتي نداشتیم که این اصلاحات انجام شد و شور اول اصلاحات قانون مدني به تصویب رسید. با تشکر.

منشي. ۲ نفر موافق ثبت نام کرده اند.
رئيس. طبعاً وقتی مخالف نباشد موافق نمی تواند صحبت کنند. آقایان بعضاً آمدند رأی دادند و فوري بیرون رفتند. چون اگر اینجا بمانند گناه است! وزیر دادگستري صحبت کنند تا اینکه به حد نصاب برسیم.

اسماعیل شوشـتري (وزیر دادگستري).
بسم الله الرحمن الرحيم. نمایندگان محترم! چون شور اول این لایحه هست لازم است مطالبی را خدمتتان عرض کنم. قانون مدني همچنان که مطلع هستید مصوب سال ۱۳۰۷ است یعنی حدود ۶۱ سال است که این قانون تصویب شده و همه نمایندگان محترم مستحضر هستند، تنها قانوني که، هم از نظر شیوة قانون نویسی و هم از نظر استنادات به مبانی اسلام قانون مستحکمی است، قانون مدني است که همیشه معروف

۱. در مورد تاریخ لازم الاجرا شدن مواد ۱ تا ۹۵۵ و تصویب سایر مواد قانون مدني در پیشگفتار این مجموعه توضیح داده شده است.

بوده. بعد از سال ۱۳۰۷ یکی، دو مورد اصلاحات بسیار جزئی انجام گرفت و اصلاحات اساسی روی این قانون انجام نگرفته زیرا نیازی نبوده تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۶۱ اصلاحاتی روی این قانون انجام گرفت که این اصلاحات دو دسته بود.

یک دسته اصلاحات عبارتی بود از قبیل اینکه در ماده چند، کلمه سلطنتی و امثال اینها بود که میبایست اصلاح می‌شد، فقط برخی از موارد بود که اصلاح ماهوی را لازم داشت که مجلس شورای اسلامی در سال ۶۱ به صورت اصل هشتاد و پنج و آزمایشی به مدت ۵ سال تصویب کرد که نمایندگان محترم مستحضر هستند که در تاریخ ۶۶/۱۰/۸ مدت ۵ سالش به پایان رسید و از ۶۶/۱۰/۸ تا به حال این مواد و اصلاحات قانونی نبوده و میبایست این مدت آزمایشی تبدیل به دائمی بشود.

لذا در لایحه‌ای که الان آمده در واقع اصلاحاتی است که در سال ۶۱ انجام گرفته، چون اصل هشتاد و پنج بود میبایست به صورت دائمی تصویب بشود و اصلاحات کلی هم روی این لایحه انجام نگرفته به استثنای موارد بسیار نادر که این اصلاحات را ناچار هستیم در مورد آن انجام بدهیم مواردی از قبیل سن رشد، سن بلوغ و امثال این موارد هست که باید مستند به مبانی فقهی و اسلامی باشد که در این قانون باید اصلاح بشود. من فکر می‌کنم چون شور اول و کلیات آن مطرح هست و راجع به این اصلاحات بحثی نباشد ان شاء الله نمایندگان محترم تصویب

بفرمایند که حدود ۲ سال هست که از پایان اعتبار قانونی این لایحه^۱ گذشته و مستندات فعلی به این مواد اصلاحی در حال حاضر در محاکم مورد اشکال هست، چنانچه در شور دوم در اصلاحی قانون مدنی نظر خاصی نمایندگان محترم داشته باشند (که به عنوان

۱. منظور از «این لایحه» قانون مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۳۵

يكي از قوانين عمده اساسي است) ان شاء الله نظرشان را اعمال خواهند فرمود والسلام عليكم. رئيس. حضار ۱۸۰ نفر، كليات لايحه به رأي گذاشته مي‌شود موافقين قيام بفرمايند. (اکثر برخاستند) تصويب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۹-۱۳۷۰

باسمه تعالي
مجلس شوراي اسلامي
دوره سوم - سال دوم
۱۳۶۹-۱۳۷۰

شماره ترتيب چاپ ۹۵۶
شماره چاپ سابقه ۳۰۶

۷۷۱-۵۴۰-

شماره دفتر ثبت ۱۳۴

شماره -

تاريخ ۱۳۶۹/۲/۲۴

گزارش از كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
لايحه اصلاح موادي از قانون مدني به شماره ترتيب چاپ ۵۴۰ كه جهت رسيدگي شور دوم به عنوان اصلي به اين كميسيون ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور كارشناسان مربوطه و پيشنهاد دهندگان مطرح و مورد بررسي قرار گرفت و با اصلاحات و الحاقاتي به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت.
اينك گزارش آن جهت رسيدگي شور دوم تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي مي‌گردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي
اسدالله بيات

ضمناً گزارش كميسيون هاي فرعي (امور اقتصادي و دارايي و شوراها و امور داخلي كشور) تا اين تاريخ واصل نگرديد.

لايحه اصلاح موادي از قانون مدني

ماده ۱. ماده ۱ قانون مدني به شرح زیر اصلاح ميگردد.

ماده ۱. مصوبات مجلس شوراي اسلامي به رئيس جمهور ابلاغ ميشود. رئيس جمهور بايد ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجريان ابلاغ نمايد و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نمايد.

تبصره. در صورت استنکاف رئيس جمهور از امضا يا ابلاغ در مدت مذکور در اين ماده روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نمايد.

ماده ۲. ماده ۲۶ قانون مدني به شرح زیر اصلاح ميگردد.

ماده ۲۶. اموال دولتي که معد است براي مصالح انتفاعات عمومي مثل استحکامات و قلاع و خندقها و خاکريزهاي نظامي و قورخانه و اسلحه و ذخيره و سفاین جنگي و همچنين ائاثه و ابنیه و عمارات دولتي و سیم های تلگرافي دولتي و موزه ها و کتابخانه هاي عمومي و آثار تاريخي و امثال آنها و بالجملة آنچه از اموال منقوله و غيرمنقوله که دولت به عنوان مصالح عمومي و منافع ملي در تحت تصرف دارد، قابل تملك خصوصي نيست و همچنين است اموالي که موافق مصالح عمومي به ايالت و ولايت يا ناحيه يا شهري اختصاص يافته باشد.

ماده ۳. ماده ۸۱ قانون مدني به شرح زیر اصلاح ميگردد.

ماده ۸۱. در اوقاف عامه که متولي معين نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولي فقيه خواهد بود.

ماده ۴. ماده ۱۶۲ قانون مدني به شرح زیر اصلاح ميگردد.

ماده ۱۶۲. هرکس مالي پيدا کند که قيمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره باشد، ميتواند آن را تملك کند.

ماده ۵. ماده ۱۶۳ قانون مدني به شرح زیر اصلاح ميگردد.

ماده ۱۶۳. اگر قيمت مال پيدا شده ۱۲/۶ نخود نقره يا بيشتر باشد، پيداكننده بايد يك سال تعريف كند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پيدا نشد، مشاراليه مختار است كه آن را به طور امانت نگاهدارد يا تصرف ديگري در آن بكند در صورتي كه آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصير او تلف شود، ضامن نخواهد بود.

تبصره. در صورتي كه پيداكننده مال از همان ابتدا يا پيش از پايان مدت يك سال علم حاصل كند كه تعريف بي فايده است و يا از يافتن صاحب مال مأیوس گردد تكليف تعريف از او ساقط ميشود.

ماده ۶. ماده ۱۶۴ به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۱۶۴. تعريف اشيا پيدا شده عبارت است از نشر و اعلان برحسب مقررات شرعي به نحوي كه بتوان گفت كه عادتاً به اطلاع اهالي محل رسیده است.

ماده ۷. ماده ۲۱۸ به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۲۱۸. هرگاه معلوم شود كه معامله با قصد فرار از دين به طور صوري انجام شده آن معامله باطل است.

ماده ۸. ماده زير به عنوان ماده ۲۱۸ مكرر به قانون مدني اضافه ميگردد.

ماده ۲۱۸ مكرر. هرگاه طلبكار به دادگاه دادخواست داده دلايل اقامه نمايد كه مديون براي فرار از دين قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه ميتواند قرار توقيف اموال وي را صادر نمايد كه در اين صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت.

ماده ۹. ماده ۳۴۷ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۳۴۷. شخص كور ميتواند خريد و فروش نمايد مشروط بر اينكه شخصاً به طريقي غير از معاينه يا به وسيله كس ديگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نمايد.

ماده ۱۰. ماده ۴۱۷ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۴۱۷. غين در صورتي فاحش است كه عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۱۱. ماده ۶۵۳ قانون مدنی حذف شد.
ماده ۱۲. ماده ۶۵۵ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۶۵۵. در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیر زنی گرویندی جایز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود.

ماده ۱۳. ماده ۷۰۶ قانون مدنی حذف شد.
ماده ۱۴. ماده ۷۴۷ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۷۴۷. هرگاه کفیل مکفول خود را مطابق شرایط مقرر حاضر کند و مکفول‌له از قبول آن امتناع نماید کفیل با اشهاد یا مراجعه به حاکم، بری می‌شود.

ماده ۱۵. ماده ۸۸۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۸۸۱. در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۱۶. ماده زیر به عنوان ماده ۸۸۱ مکرر به قانون مدنی اضافه می‌شود.

ماده ۸۸۱ مکرر. کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۱۷. ماده ۹۸۰ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

ماده ۱۸. ماده ۹۸۱ قانون مدنی حذف می‌گردد.

ماده ۱۹. ماده ۹۸۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

۱. ریاست جمهوری و معاونین او.
۲. عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه.
۳. وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری.
۴. عضویت در مجالس خبرگان و شورای اسلامی.
۵. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.
۶. استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی.
۷. قضاوت.
۸. عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی.

۹. تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.

ماده ۲۰. ماده ۹۸۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجة تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت

خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از وزارت خارجه و وزارت کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره^۱ آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان می‌گردد.

ماده ۲۱. ماده ۹۹۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقاء بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید معین خواهد شد.

ماده ۲۲. ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی حذف گردید.

ماده ۲۳. ماده ۱۰۳۹ قانون مدنی حذف گردید.

ماده ۲۴. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح گردید.

ماده ۱۰۴۱. نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲. عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح است.

ماده ۲۵. ماده ۱۰۴۲ قانون مدنی حذف گردید.

ماده ۲۶. ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح گردید.

ماده ۱۰۴۳. نکاح دختر که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می‌تواند

۱. با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره‌های صحیح است».

با معرفي كامل مردی که می‌خواهد با^۱ او شوهر کند و شرایط نکاح و مهري که بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدني خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی، دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید.

ماده ۲۷. ماده ۱۰۴۴ به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۰۴۴. در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند تقاضای خود را همراه با اطلاعات مذکور در ماده ۱۰۴۳ به دادگاه مدني خاص بدهد. دادگاه پس از احراز امر اجازه نکاح صادر می‌نماید.

ماده ۲۸. ماده ۱۱۲۲ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت يك سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود.

۲. خصا^۲.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی.

ماده ۲۹. ماده ۱۱۳۰ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۱۳۰. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

۱. در لایحه تقدیمی و گزارش‌های مربوطه به جای عبارت «با» از عبارت «به» استفاده شده بود.

ماده ۳۰. ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۲۰۵. در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه برعهده او است ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل خارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به‌عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید.

ماده ۳۱. ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به‌عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲. اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

ماده ۳۲. ماده ۱۲۱۹ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۲۱۹. هریک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

ماده ۳۳. ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که دادستان به نحوی از انحای به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای

او نصب قیم شود مسبوق گردید، باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌دانند به آن دادگاه معرفی کند.

دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۴۳

مي‌کند و نيز دادگاه مذکور مي‌تواند علاوه بر قيم يك يا چند نفر را به عنوان ناظر معين نمايد در اين صورت دادگاه بايد حدود اختيارات ناظر را تعيين کند.

اگر دادگاه مدني خاص اشخاصي را که معرفي شده اند معتمد ندید اشخاص ديگري را از دادسرا خواهد خواست.

ماده ۳۴. ماده ۱۲۲۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد.

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانين، دادستان بايد قبلاً رجوع به خيره کرده نظريات خيره را به دادگاه مدني خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون، دادستان به دادگاه رجوع مي‌کند تا نصب قيم شود در مورد اشخاص غير رشيد نيز دادستان مکلف است که قبلاً به وسيله مطلعين اطلاعات کافيه در باب سفاقت او به دست آورده و در صورتي که سفاقت را مسلم ديد، در دادگاه مدني خاص اقامه دعوي نمايد و پس از صدور حکم عدم رشد براي نصب قيم به دادگاه رجوع نمايد.

ماده ۳۵. ماده ۱۲۲۷ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد.

ماده ۱۲۲۷. فقط کسي را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمي به قيمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.

ماده ۳۶. ماده ۱۲۲۸ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد.

ماده ۱۲۲۸. در خارج ايران کنسول ايران و يا جانشين وي مي‌تواند نسبت به ايرانياني که بايد مطابق ماده ۱۲۱۸ براي آنها قيم نصب شود و در حوزه مأموريت او ساکن يا مقيم اند موقتاً نصب قيم کند و بايد تا ۱۰ روز پس از نصب قيم مدارك عمل خود را به وسيله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستري بفرستد. نصب قيم مزبور وقتي قطعي مي‌گردد که دادگاه مدني خاص تهران تصميم مأمور کنسول يا جانشين او را تنفيذ کند.

ماده ۳۷. ماده ۱۲۳۶ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد.

ماده ۱۲۳۶. قيم مکلف است قبل از مداخله در امور

مالي مولي عليه صورت جامعي از كليۀ دارايي او تهيه کرده يك نسخه از آن را به امضاي خود براي دادستاني كه مولي عليه در حوزه آن سكونت دارد، بفرستد و دادستان يا نماينده او بايد نسبت به ميزان دارايي مولي عليه تحقيقات لازمه بعمل آورد.

ماده ۳۸. ماده ۱۲۴۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه دادستان مي تواند از دادگاه مدني خاص تقاضا كند كه از قيم تضميناتي راجع به اداره اموال مولي عليه بخواهد. تعيين نوع تضمين به نظر دادگاه است. هرگاه قيم براي دادن تضمين حاضر نشد از قيمومت عزل ميشود.

ماده ۳۹. ماده ۱۲۵۴ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۱۲۵۴. خروج از قيمومت را ممكن است خود مولي عليه يا هر شخص ذي نفع ديگري تقاضا نمايد. تقاضانامه ممكن است مستقيماً يا توسط دادستان حوزه اي كه مولي عليه در آنجا سكونت دارد يا نماينده او به دادگاه مدني خاص همان حوزه داده شود.

ماده ۴۰. ماده ۱۳۰۶ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۱. ماده ۱۳۰۷ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۲. ماده ۱۳۰۸ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۳. ماده ۱۳۱۰ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۴. ماده ۱۳۱۱ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۵. ماده ۱۳۱۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد.

ماده ۱۳۱۳. در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ايمان و طهارت مولد شرط است.

۱. در متن فوق شماره «۱۲۵۴» جاگزين شماره «۱۲۵۱» گرديد. در متن لايحه و گزارش شور اول كميسيون امور قضايي و حقوقی نیز شماره «۱۲۵۴» آمده است. ضمن اينكه متن مذکور با ماده «۱۲۵۴» قانون مدني مطابقت دارد.
۲. همان.

تبصره ۱. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

تبصره ۲. شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق در^۱ دعوی داشته باشد و نیز شهادت اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۴۶. ماده ۱۳۲۸ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید با سوگند مدعی، به حکم حاکم، مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است، محکوم می‌گردد.

ماده ۴۷. ماده زیر به عنوان ماده ۱۳۲۸ مکرر به قانون مدنی اضافه می‌گردد.

ماده ۱۳۲۸ مکرر. دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با تشریفات خاص مذهبی یاد شود، یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید.

تبصره. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تشریفات تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد ناکل محسوب نمی‌شود.

ماده ۴۸. ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

ماده ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوای مدعی نزد حاکم به موجب دلائل مذکور در کتاب‌های اول تا چهارم جلد سوم این قانون ثابت نشده

۱. در متن فوق عبارت «در» جایگزین عبارت «رد» گردیده. در لایحه تقدیمی و گزارشات بعدی از عبارت «در» استفاده شده است.

باشد^۱. در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است، منوط به قسم او نماید.

شماره ۴۹

تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۴

گزارش از کمیسیون امور دفاعی به مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۴ در کمیسیون امور دفاعی مطرح و نظر شور اول عیناً برای شور دوم به تصویب رسید. اینک گزارش شور دوم آن تقدیم می‌گردد.

خبر کمیسیون امور دفاعی پورحسینی

شماره ۵۸/۴۱

تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۳

گزارش از کمیسیون سیاست خارجی به مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۵۴۰ که به کمیسیون سیاست خارجی به‌عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود، طی دو جلسه با حضور نمایندگان دولت مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و مواد ارجاعی ۹۸۰ و ۹۹۱ عیناً و ۹۸۲، ۹۸۷ (تبصره ۲) و ۱۲۲۸ با انجام اصلاحاتی به شرح زیر به تصویب رسید.

اینک گزارش آن جهت شور دوم تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

خبر کمیسیون سیاست خارجی

۱. در متن فوق عبارت «باشد» جایگزین عبارت «است» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارشات بعدی از عبارت «باشد» استفاده شده است.

۲. شماره «۵۴۰» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۸۴۷

سبحاني‌نيا

اصلاحات كميسيون

۱. ماده ۸۹۲ به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد.
بند ۱. مقام رياست جمهوري و معاونين ايشان.
بند ۴. عضويت در مجلس شوراي اسلامي و مجلس خبرگان.
بند ۶. استخدام در وزارت امور خارجه و تصدي
پست‌هاي اطلاعاتي و امنيتي و همچنين پست‌هاي حساس در
نيروهاي نظامي و انتظامي کشور.
بند ۷. حذف گرديد.
۲. ماده ۹۸۷ به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد.
در سطر سوم تبصره ۲، بعد از عبارت «متشكل از»
عبارت «وزارت امور اقتصادي و دارايي و» اضافه
مي‌گردد.
۳. ماده ۱۲۲۸ به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد.
در سطر آخر عبارت «مأمور كنسولي» به عبارت
«كنسول و يا جانشين وي» تبديل مي‌گردد.

شماره ۵۱
تاريخ ۱۳۶۸/۸/۲۳
گزارش از كميسيون فرهنگ و آموزش عالي به مجلس
شوراي اسلامي
لايحه اصلاح موادي از قانون مدني (به شماره چاپ
۱۵۴۰) در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۸/۲۳ مطرح و ماده ۲۶
آن كه مربوط به اين كميسيون بود با اضافه كردن
«و تپه‌هاي باستاني» بعد از «آثار تاريخي» تصويب شد.
اينك گزارش آن جهت شور دوم تقديم مجلس شوراي
اسلامي مي‌شود.

رئيس كميسيون فرهنگ و آموزش عالي

۱. شماره «۵۴۰» مربوط به گزارش شور اول كميسيون مذکور است.

محمدسعید تسلیمی

شماره ۳۰

تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۷

گزارش از کمیسیون امور پست و تلگراف و نیرو به مجلس شورای اسلامی
لاحه شماره ۸۸۹۵۲/ل ۳۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ تقدیمی دولت به مجلس شورای اسلامی درخصوص اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره چاپ ۱۳۰۶ که جهت رسیدگی ماده ۲۶ به این کمیسیون ارجاع شده بود، در جلسه روز سه‌شنبه ۱۳۶۸/۸/۲۳ مطرح و مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و به اتفاق آراء عیناً به تصویب رسید.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

**نایب رئیس کمیسیون امور پست و تلگراف و نیرو
محمد رضا توسلی**

شماره ۹۰/۳۶/۲ ک الف

تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۸

گزارش از کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی به مجلس شورای اسلامی
لاحه اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۳۰۶ که به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی به‌عنوان فرعی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ

-
۱. شماره چاپ «۳۰۶» مربوط به لایحه است. در گزارش شور دوم باید به شماره ترتیب چاپ «۵۴۰» که مربوط به شور اول است اشاره شود. به نظر می‌رسد گزارش شور دوم باید با مضمونی به شرح زیر تهیه شود:
لاحه یا طرح ... به شماره ترتیب چاپ ... که شور اول آن در جلسه علنی مورخ ... به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و برای بررسی شور دوم با شماره ترتیب چاپ ... به این کمیسیون ارجاع گردیده در جلسه مورخ ... کمیسیون مطرح و ... الی آخر.
 ۲. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۸۴۹

۱۳۶۸/۸/۲۸ مورد بحث و بررسي قرار گرفت و با اصلاح
در ماده ۸۱ آن به شرح ذيل به تصويب رسيد.
اينك گزارش شور دوم آن تقديم مجلس محترم شوراي
اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون ارشاد و هنر اسلامي
محمدعلي شهيدي

اصلاحات كميسيون

ماده ۸۱ به شرح ذيل اصلاح ميگردد.
ماده ۸۱. در موقوفات عامه كه متولي معين
نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولي فقيه
توسط سازمان اوقاف خواهد بود.

تاريخ چاپ ۱۳۶۹/۲/۲۵

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۹/۲/۲۵

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۳۵۴۷ مورخ

۱۳۷۰/۶/۲۴)

جلسه ۳۸۲، چهارشنبه ۱۳۷۰/۵/۱۶

۵. تصويب چند ماده از لايحه اصلاح موادي از قانون
مدني

رئيس. دستور را شروع كنيد.
منشي (رضوي). اولين دستور گزارش شور دوم كميسيون
امور قضائي و حقوقي درخصوص لايحه اصلاح موادي از
قانون مدني است.
آقاي اصغري مدير كميسيون گزارش را قرائت و بعد
توضيح بفرماييد.
(به شرح زير خوانده شد)
گزارش از كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس
شوراي اسلامي:
لايحه اصلاح موادي از قانون مدني به شماره ترتيب

چاپ ۱۵۰۴ که جهت رسیدگی شور دوم به عنوان اصلی به این کمیسیون ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور کارشناسان مربوطه و پیشنهاد دهندگان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحات و الحاقاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن جهت رسیدگی شور دوم تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی اسدالله بیات

سید محمد اصغری (عبر کمیسیون امور قضائی).
بسم الله الرحمن الرحيم. اصلاحاتی که در قانون مدنی انجام شده یک بار این اصلاحات در سال ۶۱ بوده که برای مدت پنج سال به عنوان آزمایشی در نظر گرفته شده که این مدت منقضی شده و همینطور یک بار دیگر در ماده ۱۲۰۵ در سال ۶۳ به صورت آزمایشی برای سه سال اصلاح شده که آن مدت هم در سال ۶۶ پایان پذیرفت. متأسفانه از سال ۶۶ تا ۷۰ این باید اصلاح می‌شده و مورد استفاده قرار می‌گرفته، که از شور اول این لایحه نزدیک به دو سال می‌گذرد. یعنی بعد از دو سال از گذشت زمان، از موقع شور اول دوباره شور دوم مطرح می‌شود. در هر صورت در موادی از این قانون برای تصویب نهایی اصلاحاتی انجام شده. در ماده اول اصلاح است، در مواد ۲۱۸ - ۹۸۲ - ۱۰۴۱ - ۱۰۴۲ - ۱۲۰۵ و حدود دو، سه ماده دیگر، در مجموع حدود ده ماده اصلاح شده که بعضی‌ها عبارتی اضافه شده یا اصلاح لفظی بوده، تغییر عمده‌ای در این اصلاحات جدید نبوده، الا اینکه یکی دو ماده اضافه شده مثل ماده (۲۱۸) مکرر بر اصلاحات اضافه شده که این ماده قبلاً در قانون مدنی بود، قبل از انقلاب هم بود و بعد از حذف یا تغییراتی مجدداً این ماده عیناً اضافه شده. اصلاحات

۱. شماره ترتیب چاپ «۵۴۰» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است.

به اين صورت بوده كه در هفت، هشت، ده ماده انجام شده، اصلاحات ديگر نبوده، شور اول هم اينها مورد لحاظ بوده كه در كميسيون با حضور صاحب نظران مورد بحث و بررسي قرار گرفته كه الان اگر پيشنهاداتي است در شور دوم رسيدگي ميشود. با تشكر.

رئيس. پيشنهادات را مطرح كنيد.

منشي (رضوي). كميسيون ها و برادراني كه پيشنهاد چاپ شده دارند، به موقع ميتوانند در جلسات مطرح كنند.

رئيس. بله، غير از اينكه ما اينجا توجه داريم اوراق دست آقايمان است، خود پيشنهاد دهندگان هم اگرديدند اينجا توجه نشد يا ورق اينجا نبود، به موقع اطلاع بدهند كه براي ما زحمت نشود.

عميد زنجاني. ابهامي دارد كه بايد رفع شود (اصغري - در جاي خودش مطرح كنيد).

رئيس. بسيار خوب، مواد اصلاح شده را قرائت كنيد.

(به شرح زير خوانده شد)

ماده ۱. ماده (۱) قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱. مصوبات مجلس شوراي اسلامي به رئيس جمهور ابلاغ ميشود رئيس جمهور بايد ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجريان ابلاغ نمايد و دستور انتشار آن را صادر كند و روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نمايد.

تبصره. در صورت استنكاف رئيس جمهور از امضا يا ابلاغ در مدت مذكور در اين ماده روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نمايد.

فارغ. قانون مدني و قانون تجارت كمبودها و نقايص فراواني دارند و اين به درد بيست سال پيش ميخورد، لازم است در آنها اصلاحات لازم به عمل آيد.

رئيس. با مسئولين كميسيون هاي مربوطه صحبت بفرماييد (كميسيون قضائي و بازرگاني).

حاضر ۱۸۰ نفر ماده (۱) و تبصره آن كه قرائت شد به رأي گذاشته ميشود، موافقين قيام بفرمايند.

(اكثرا برخاستند) تصويب شد. ماده اصلاحي بعد را

بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲. ماده (۲۶) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۲۶. اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین ائاثه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه از اموال منقول و غیرمنقول که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

رئیس. حضار ۱۸۵ نفر، ماده (۲) که به معنای همان ماده (۲۶) اصل قانون است که اصلاح شده و قرائت شده، به رأی گذاشته می‌شود، موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده اصلاحی بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳. ماده (۸۱) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۸۱. در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود.

رئیس. اگر کسی پیشنهادی داشت اعلام کند.

موحدی ساوجی. طبق نظر نماینده ولی فقیه اگر ملزومات شرعی است که معلوم است اداره موقوفات براساس قوانین حقوقی و شرع است ولی اینجا منظور اداره است باید بگوییم زیرنظر نماینده ولی فقیه.

رئیس. اصلاح عبارتی است «زیرنظر» درست است.

ماده (۸۱) که اصلاح و قرائت شد به رأی گذاشته می‌شود. حضار ۱۸۸ نفر، موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعد را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۴. ماده (۱۶۲) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح

می‌گردد:

ماده (۱۶۲). هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ خود نقره باشد می‌تواند آن را تملك کند. **رئیس.** ماده (۴) که اصلاح ماده (۱۶۲) است و قرائت شد، به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده اصلاحی بعد را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۵. ماده (۱۶۳) قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده ۱۲/۶ خود نقره یا بیشتر باشد، پیدا کننده باید يك سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن خواهد بود.

تبصره. در صورتی که پیدا کننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت يك سال علم حاصل کند

که تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحب مال مأیوس گردد، تکلیف از او ساقط می‌شود.

آقای موحدی کرمانی پیشنهاد حذف داده اند.

عمید زنجانی. من توضیح بدهم؟

رئیس. آقای عمید توضیح بدهید. اصلاح عبارتی است. پیشنهاد نیست.

عباسعلی عمید زنجانی. بسم الله الرحمن الرحيم.

عنایت بفرمایید اول من روشن کنم اشکال چیست تا اصلاح عبارتی جا بیفتد. در این ماده (۱۶۳) تصرف به دو نوع تقسیم شده: تصرف امانی و تصرف غیر امانی که اصطلاحاً مالکانه است. گفته شده اگر تصرف امانی باشد این کسی که شئی پیدا شده را که قیمتش از آن مقدار ۱۲/۶ بیشتر باشد به صورت امانی حفظ کند، در این صورت اگر بدون افراط و تفریط تلف بشود، ضامن خواهد بود. مفهومش این است که اگر تصرف مالکانه باشد ولو بدون افراط و تفریط هم تلف بشود، ضامن خواهد بود. منتها عبارت به يك نخوي است که ابهام در آن هست و این

مطلب از آن در نمی‌آید که مختار است به دو صورت: یکی از آن ضمانت آور است، یکی ضمانت آور نیست. عبارت را توجه بفرمایید. عبارت این است که: «مشارالیه مختار است آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بنماید». عبارت «تصرف دیگری

بنماید» یک چیز بسیار مبهمی است. اصلاح عبارتی به این صورت است که هم عبارت مختصرتر می‌شود، و هم گویاتر می‌شود که مفهوم مخالفش هم روشن بشود. «مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت

نگاهدارد یا در آن تصرف نماید». اولی می‌شود امانی، دومی می‌شود مالکانه. در صورت اول، اگر بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود مفهومش این است که در صورت دوم با افراط و تفریط. بدون افراط و تفریط در هر دو صورت ضامن خواهد بود. رئیس. اینکه شما به این مفصلی فرمودید ما این را اصلاح عبارتی نمی‌گوییم.

عمید زنجانی. نه، نه، اصلاح کاملاً عبارتی است مغیر معنا نیست (رئیس) — در ذهن کمیسیون این طور بوده؟ بله، در ذهن کمیسیون به همین شکل بوده. اگر اجازه بفرمایید من این نکته را اضافه کنم که کمیسیون فقط توجه داشته که آن عدد را اصلاح کند چون خلاف شرع بوده، عدد شرعی را می‌خواسته اضافه کند که ۱۲/۶ نخود است. لذا به عبارت توجه نکرده، در ذهنش مفهوم مخالف بوده که ابهام دارد. رئیس. بسیار خوب، اگر در ذهن کمیسیون بوده ما هیچ مسأله‌ای نداریم.

محمد اصغری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی). من فکر می‌کنم توضیح جناب آقای عمید ممکن است یک مقداری جمله را واضح‌تر بکند ولی تفاوتی در مسأله نیست. در صورتی که به صورت امانت باشد و تعدی و تفریط بکند ضامن است، این یک اصل کلی شرعی است. اینجا هم نوشته، اگر به صورت امانت نگهدارد و یا با تعدی و تفریط تلف بشود ضامن است. اگر بدون تعدی و تفریط تلف بشود، ضامن نیست. این از این. تصرف دیگر، یعنی تصرف

غیر امانی. من فکر می‌کنم هیچ ابهامی در قضیه نیست. اگر نمایندگان محترم توجه بفرمایید من ماده را می‌خوانم: «اگر قیمت مال پیدا شده ۱۲/۶ نخود نقره

یا بیشتر باشد، پیدا کننده باید يك سال تعریف کند (یعنی دنبال صاحب مال بگردد) و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را (یعنی آن مال را) به طور امانت نگهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند». قانونگذار خواسته بگوید صریحاً تصرف مالکانه. بنده این نکته را در اینجا می‌دانم که عمداً خواسته است بگوید «تصرف مالکانه» ممکن است تصرف مالکانه نباشد، تصرف دیگری باشد. یعنی تبدیل به احسن بکند برای خود صاحب مال. «تصرف دیگری» را عمداً تصرف مالکانه نگفته.

رئیس. خوب فرض این است که دیگر مالک را نمی‌بینند و مأیوس است یا اینکه وقت گذشته ...
اصغری. بله، مأیوس است ممکن است تصرف دیگری بکند بیخشد به دیگری، ممکن است تصرف دیگری بکند. همه کند به دیگری.

رئیس. خوب تصرف مالکی همین است. معنای تصرف مالکی این نیست که برای خودش بردارد. یعنی می‌تواند بدهد به دیگری.

محمد اصغری. بسیار خوب. پس تصرف دیگر، غیر از تصرف امانی، همان تصرف مالکانه است پس لازم نیست. یا تصرف دیگری در آن بکند در صورتی که آن را به طور امانت نگهدارد و بدون تقصیر^۱ تلف شود، ضامن نخواهد بود. به نظر من ماده صریح است.

عمید. شق سوم وجود ندارد.

موحدی ساوجی. اگر امانت‌دار است تصرف دیگری معنی ندارد.

منشی. آقای موحدی کرمانی پیشنهاد حذف این ماده و تبصره آن را دارند، بفرمایند.

۱. در متن فوق عبارت «تقصیر» جایگزین عبارت «تقسیم» گردید.

رئیس. بعد از اینکه حذف رأی نیاورد. اصلاحیه را می‌گذاریم اصلاح عبارتی رأی‌گیری نمی‌خواهد قبول داریم. **محمدعلی موحدی کرمانی.** بسم الله الرحمن الرحيم.

نمایندگان محترم توجه بفرمایید من با آقایان جناب آقای عمید و همین طور با جناب آقای شوشتری صحبت کردم راجع به اینکه این «یا تصرف دیگری در آن

کند» این عبارت، عبارت مبهمی است و چون شور دوم

است نمی‌شود یک پیشنهادی داد که کاملاً رفع ابهام را بکند. به آقایان گفتم اگر به‌عنوان نظریه کمیسیون شما یک عبارتی دارید که رفع ابهام بکند، این را بدهید. جناب آقای عمید این پیشنهاد را داده‌اند به نظر من باز رافع ابهام نیست و این ماده با ابهام تصویب خواهد شد که به نظر من مشکل ایجاد خواهد شد، مخصوصاً در آنجایی که یک اختلافی باشد قاضی می‌گوید از این «تصرف دیگر» این است

وکیل مدافع می‌گوید عبارت اطلاق دارد و امثال این طور چیزها دردسر برای دادگاه می‌شود. آنچه که جناب آقای اصغری گفتند اولاً من بگویم حکم شرعی آن این است که اگر چنانچه بیش از درهم بود به قول آقای موحدی ساوچی اصلاً تصرف نمی‌تواند بکند. تا ما بگوییم تصرف امانت فلان ... این یا امانت است امانت شرعیه است امانت است در دست طرف می‌ماند، این یک فرض است. فرض دوم به اجازه حاکم شرع این را صدقه می‌دهد که این فرض دوم این هم طبق این عبارت می‌شود «یا تصرف دیگری» که تصرف کرده، صدقه

دادن امانت هم نیست. خوب تازه که صدقه داد یا «تصرف دیگری» صدقه دادن شامل این هم می‌شود و به

قول آقایان می‌گوید براساس مفهوم باید ضامن باشد در حالی که ضامن نیست. اگر مالکش پیدا نشد، ضامن نیست. نتیجتاً این یا باید به‌عنوان امانت شرعیه در نزد او بماند. فرض دوم اینکه به اجازه حاکم صدقه بدهد. فرض سوم اینکه تملك کند و بعد از تملك، تصرف کند که اینجا تعبیر «تملك» هم نیامده. در هر حال بنده فکر می‌کنم که این ماده به این

شكل اگر تصويب بشود ولو با اين اصلاحي كه الان آقايمان دادند كه يا «تصرف ديگري بكنند» اين ماده را ما به صورت مبهم تصويب كرده ايم^۱ و بالنتيجه در دادگاه آجگاهايي كه پيدا كننده لقطه^۲ (برداشتن چيزي از زمين) است يك تصرفي كرده در دسر مي شود. اختلاف بين قاضي و وكيل و بالاخره براي آنها مشكلي ايجاد مي شود. من فكر كردم چون شور دوم است و نمي شود پيشنهاد ديگري داد اين را ما فعلاً حذف كنيم بعداً مي شود در صورت ضرورت به صورت ماده واحده اين را اصلاح كرد. والسلام.

منشي. مخالف، آقاي عميد زنجاني: (موافق ندارد).

عباسعلي عميد زنجاني. بسم الله الرحمن الرحيم.

عنايت بفرماييد بعضي از آقايمان كه در مسايل فقهي توجه دارند عنايت بكنند كه مسأله يك قدري روشن بشود. اولاً حذف اين ماده كاري را از پيش نمي برد جز اينكه بر ابهام قانون بيفزاييد، ما داريم حكم قانوني اشيا^۳ پيدا شده را بيان مي كنيم. يك

شق عمده آن را كه اگر از يك درهم بيشتر باشد ما حذف مي كنيم و در قانون مسكوت مي گذاريم. اصلاً قانون مي شود ناقص و ابتر. حذف اينجا معنا ندارد، اينجا بايد به يك نحوي اصلاح بشود، چون شور دوم است پيشنهاد هم نمي شود داد بهترين راه آن اصلاح عبارتي است. مورد نظر كميسيون اين بوده، مخصوصاً من خواهش مي كنم به اين نكته توجه بشود اين عبارتهاي مشابه براي افراد عادي يك قدري ثقييل است ولي براي قضاات عبارتهاي جا افتاده است، قاضي وقتي به اين عبارت با دقت نگاه مي كند، هم منطوق آن را مي فهمد هم مفهومش را. و وكلاي دادگستري هم اگر بخوانند تفسير من عنده بكنند هرگز در دادگاه مسموع نيست. وقتي در اين متن در ماده (۱۶۳) به دو صورت و به دو شق تقسيم مي شود كاملاً براي افرادي

۱. در متن فوق عبارت «كرده ايم» جايجزين عبارت «كرديم» گرديد.

۲. در متن فوق عبارت «لقطه» جايجزين عبارت «لقطه» گرديد.

که آشنا با مواد قانونی هستند روشن است، یا این شخصی که مال را پیدا کرده بیش از درهم است یا اینکه این را امانی نگه می‌دارد این يك شق است یا در آن تصرف می‌نماید، «تصرف دیگری را» ما اصلاح می‌کنیم «تصرف دیگری» يك قدری عبارت ناجور است می‌گوییم تصرفی در آن می‌نماید. پس دو شق روشن شد: یا امانت نگه می‌دارد یا در آن تصرف می‌کند من خواهش می‌کنم دقت کنید. وقتی ما بین امانت و تصرف مقابله می‌اندازیم، معلوم است امانت یعنی نگهداری امانی، تصرف یعنی تصرف مالکانه، چون شق ثالث ندارد یا شخص امانی نگه می‌دارد یا تصرف می‌کند. تصرف یعنی مالکانه. احتیاجی به ذکر کلمه «مالکانه» نیست چون با مقابله با امانی روشن می‌شود که این مالکانه است بنابراین دو شق که روشن شد. حکم هر دو شق در این ماده (۱۶۳) آمده حکم شق اول به صورت منطوق آمده، حکم شق دوم به صورت مفهوم مخالف آمده (رئیس - وقتتان تمام است) حکم شق اول عبارت از این است که اگر تصرفش بدون افراط و تفریط باشد، ضامن نیست. مفهومش حکم دوم است که در صورتی که تصرف مالکانه باشد چه افراط و تفریط بکند، چه افراط و تفریط نکند، ضامن خواهد بود. بنابراین هر دو شق بیان شده، حکم هر دو شق هم روشن بیان شده، منتها استیناس با عبارت برای قضاات باید منظور بشود و کسانی که این را اجرا می‌کنند (رئیس - وقتتان تمام است) برای آنها هم که شناخته شده است.

منشی. موافق ندارد، کمیسیون:

محمد اصغری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم.

من لازم می‌بینم این را عرض کنم که قانون مدنی شاید محکم‌ترین قانونی است که ما در نظام قبل از انقلاب داشته‌ایم و دقیقاً بر مبنای فقه نوشته شده و این ماده عیناً از سال ۱۳۰۷ بوده. یعنی نزدیک مثلاً پنجاه و اندی سال و اجرا شده و مشکلی هم پیش نیامده. فقها هم در آن اظهار نظر کرده‌اند و به دست آنها و با نظر آنها تصویب شده من عرض می‌کنم

الآن که این «تصرف دیگر» غرض تصرف مالکانه و انواع آن است، یک موقع است محل آن مال جای بدی است آب و هوایی که در آن محل قرار گرفته ممکن است مال را از بین ببرد، جای مال را عوض می‌کند، در یک جای بهتری قرار می‌دهد، این به اصطلاح دقیق تصرف مالکانه نیست ولی برای غبطه و حفظ مال این تصرف را انجام می‌دهد. من تصور می‌کنم هیچ نیازی به اضافه کردن یا حذف نداریم، ماده شصت سال در تاریخ فقهی، حقوقی ما اجرا شده، فقها هم در آن نظر داده اند، عین ماده را تصویب بکنیم. والسلام.

منشی. دولت:

محمد اسماعیل شوشتری (وزیر دادگستری).

بسم الله الرحمن الرحيم.

من یک جمله ای را اشاره بکنم فکر می‌کنم آقای موحدی هم اگر به این نکته توجه بفرمایند پیشنهادشان را پس بگیرند. از سال ۱۳۰۷ قانون مدنی تصویب شده^۱ و قانون هست. من ماده (۱۶۳) سابق را می‌خوانم.

«اگر قیمت مال پیدا شده ده شاهی یا بیشتر

باشد، پیداکننده باید یک سال تعریف کند. اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند. در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود».

خوب این قانون هست. ما آمده ایم مواد^۲ خلاف شرع آن را اصلاح کرده ایم. آنچه که در این ماده احتیاج به اصلاح بود آن مسأله «ده شاهی» بود که مال اگر بیشتر از ده شاهی بود این ملک شرعی ندارد. ملک

۱. به بحث لازم الاجرا شدن مواد ۱ تا ۹۵۵ و تصویب سایر مواد قانون مدنی مندرج در پیشگفتار این مجموعه مراجعه شود.

۲. در متن فوق عبارت «مواد» جایگزین عبارت «موادی» گردید.

شرعی‌اش همان ۱۲/۶ نخود نقره است. حالا اگر آمدیم در این لایحه که الان تقدیم مجلس محترم شده، ماده (۵) را که در حقیقت اصلاح ماده (۱۶۳) هست این را حذف کردیم. معنای این حذف یعنی ماده (۱۶۳) سابق به قوت خودش باقی است. آیا جناب آقای موحدی این نکته را ملتزم هستند یا خیر؟ پس معنای حذف باید توجه داشت که یعنی بقای ماده (۱۶۳) سابق. لذا تقاضای من این است که آقای موحدی هم پیشنهادشان را اگر توجه به این نکته داشته باشند پس می‌گیرند.

رئیس. حضار ۱۸۷ نفر اجازه بدهید.

عمید زنجانی. اصلاح عبارتی می‌خواهد.

فارغ. آقا اصلاح عبارتی لازم است.

موحدی ساوجی. اگر ابهامش رفع شود، ایشان هم اصرار ندارد حذف بشود.

رئیس. آقای شوشتری بفرمایید.

محمد اسماعیل شوشتری (وزیر دادگستری). عرض کنم راجع به اصلاحیه حالا آن مطالبی که راجع به پیشنهاد آقای موحدی بود متأسفانه ایشان گوش نکردند که عرائض من چه بود والا پس می‌گرفتند.

عرض کردم ماده (۱۶۳) سابق را خواندم. ما الان در این لایحه داریم موادی که در آن خلاف شرع هست اصلاح می‌کنیم. در آن ماده داشت که اگر مالی بیشتر از ده شاهی باشد پیدا کنند، چنین و چنان ... ده شاهی ملک شرعی نداشت لذا آمدیم اصلاح کردیم.

معنای پیشنهاد حذف در اینجا یعنی ماده (۱۶۳) سابق به قوت خودش باقی است و این هم مسلم نظر جناب عالی نیست.

و اما راجع به مسئله اصلاحی که جناب آقای عمید می‌فرمایند. ببینید در قانون مدنی بجای داریم در مورد ضمان. در مورد ضمان آمده به طور مفصل تعریف کرده از ماده (۳۰۷) فصل دوم در ضمان قهری. امور ذیل موجب ضمان قهری است:

۱. غصب و آنچه که در حکم غصب است.

۲. اتلاف.

۳. تسبیب.

۴. استیفا.

بعد مبحث اول در غصب مواد زيادي را ذكر کرده. مبحث دوم در اتلاف مواد زيادي را ذكر کرده که هرکس مال غير را تلف کند ضامن آن است. يعني قاعده کلي را گفته که اصل در اتلاف زمان هست. ما استثنائي را در اين ماده لازم داریم که آن را بايد بياوريم. يعني بگوئيم اگر به صورت امانت نگه داشت و بدون تقصير اتلاف شد ضامن نيست. والا اصول و کلياتي که در قانون مدني هست شامل اين شق هست. چون نيازي نبوده از همان قبل هم اين جمله را نياوردند.

بنابراين ما هم تصريح ميکنيم که اگر تصرف ديگري کرد و تلف شد مسلم ضامن است و مواد قانون مدني هم شامل اين مبحث هست. يعني مبحث دوم از فصل دوم از ماده ۳۲۸ تا بعد همه آن موادي است که در مورد ضمان^۱ در صورت اتلاف است.

رئيس. خوب آقاي شوشري! به هرحال راجع به اين اصلاحيه از نظر شما ضرورت دارد يا نه؟ (شوشري - ضرورتي نمي بينم).

موجدي کرمانی. رأي گيري نمي خواهد.

رئيس. بسيار خوب آقاي موجدي خواستند رأي گيري نشود پس براي اصل ماده رأي گيري ميکنيم (ماده و تبصره اش) چون يك بار ماده و تبصره اش خوانده شد، مجدداً نميخوانيم که بعد براي پياده شدنش درد سر دارد.

حاضر ۱۸۷ نفر، ماده (۵) که همان (۱۶۳) باشد با تبصره اش به همين صورتي که هست به رأي گذاشته ميشود موافقين قيام بفرمايند. (اکثر برخاستند) تصويب شد. ماده (۶) را قرائت کنيد.

(به شرح زير خوانده شد)

ماده (۶). ماده (۱۶۴) به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده (۱۶۴). تعريف اشياء پيدا شده عبارت است از نشر و اعلان بر حسب مقررات شرعي به نحوي که بتوان

۱. در متن فوق عبارت «ضمان» جايجزين عبارت «زمان» گرديد.

گفت که عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است.
رئیس. حضار ۱۸۶ نفر، ماده (۶) که اصلاح در ماده (۱۶۴) است و قرائت شد، به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)
ماده (۷). ماده (۲۱۸) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده (۲۱۸). هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده آن معامله باطل است.
رئیس. حضار ۱۸۵ نفر، ماده (۷) که اصلاح ماده (۲۱۸) است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی قرائت شود.

(به شرح زیر خوانده شد)
ماده (۸). ماده زیر به عنوان ماده (۲۱۸) مکرر به قانون مدنی اضافه می‌گردد:

ماده (۲۱۸) مکرر. هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده، دلائل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت.

اکرمی. حاج آقا! يك اصلاح عبارتی می‌خواهد (رئیس — چه اصلاحی؟) هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده و دلایلی اقامه نماید ...

رئیس. یعنی (و) می‌خواهد؟ دلایل که دارد. دلایل یعنی (ی) داشته باشد؟

آقای اکرمی این جور نیست «دلایل اقامه نماید».

به همان صورت دیگر نه (و) می‌خواهد نه (ی) اشکال ندارد. حضار ۱۸۹ نفر، ماده (۲۱۸) تکراری که کمیسیون اضافه کرده به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی خوانده شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده (۹). ماده (۳۴۷) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده (۳۴۷). شخص کور می‌تواند خرید و فروش نماید مشروط بر اینکه شخصاً به طریق غیر از معاینه یا به وسیله کس دیگر ولو طرف معامله، جهل خود را مرتفع نماید.

رئیس. حضار ۱۸۸ نفر، ماده (۹) اصلاح ماده (۳۴۷) است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده (۱۰). ماده (۴۱۷) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده (۴۱۷). غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد.

رئیس. ماده (۱۰) که اصلاح ماده (۴۱۷) است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده (۱۱). ماده (۶۵۳) قانون مدنی حذف شد.

رئیس. آقای اصغری یک توضیحی بدهید.

سیدمحمد اصغری (نایب رئیس امور قضائی و حقوقی). بسم الله الرحمن الرحيم.

موادی که حذف شده اصولاً اساس براین بود که با مبانی شرعی دقیقاً نمی‌خواند. ماده (۶۵۳) به ترتیب است:

«مقرض می‌تواند به وجه ملزمی به مقرض وکالت دهد

در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است مقدار معینی از دارایی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجاناً به خود منتقل نماید».

البته این اساس فقهی داشته و به نظر می‌رسد که نوعی حیل شرعی است برای مجاز کردن ربا مثل بعضی از صور معاملات شرعی.

ماده به گونه ای بوده که طرف با گرفتن یا کنار گذاشتن ماهانه پول مقرض می‌توانسته مقداری ربح

بگیرد. براساس غیرمشروع بودن، حذف شده.
عباسی. مخالف حذف هستم.
منشی. آقای عباسی پیشنهاد حذف ماده (۱۱) را دارند.
رئیس. در واقع همان ماده اصلی حذف نشود، بفرمایید.
عباس عباسی. بسم الله الرحمن الرحيم. ماده ای که آقایان حذف کردند و بنده هم خواستار ابقا^۱ همان ماده بودم و پیشنهاد حذف ماده اصلاحی کمیسیون را دادم. توضیحی که جناب آقای اصغری هم دادند فرمودند: «به نظر می‌رسد که شبهه ربا و یا اشاعه معاملات ربوی باشد».

اول اینکه «به نظر می‌رسد» به نظر یک نفر یا دو نفر یا پنج نفر این به جایی نمی‌رسد.
 دوم در آن ماده قبلی که بنده پیشنهاد ابقا^۱ آن ماده را دادم و عرض کردم پیشنهاد حذف این ماده اصلاحی، اینکه مدیون به داین حق برداشت و تسویه و تصفیه^۱ دین خودش را می‌دهد. حالا وکالتاً به صورت کتبی یا شفاهی باشد به هر نحوی خودش منکر نیست. می‌گوید به تدریج از مال من تو دیون خودت را استیفا^۱ کن. این کجایش شبهه ربا است؟

حالا ممکن است طرف باغی داشته باشد، مغازه ای داشته باشد و یا اموال دیگری، نوع دیگری از اموال. می‌گوید این باغ من در اختیار شما است. تو بتدریج همه ساله بفروش دین من صد هزار تومان است سالیانه تو ده هزار تومان از آن کم بکن بقیه را به من برگردان. و داین هم می‌پذیرد، داین هم قبول می‌کند. خوب این بهتر از آن است که داین به دادگستری و مدیون هم به وکیل گرفتن بپردازد. حقی است که خود مدیون دارد. خود مدیون می‌تواند

۱. در متن فوق عبارت «تصفیه» جایگزین عبارت «تصفی» گردید.

اموالش را یکجا بفروشد، خود مدیون می‌تواند یکجا اموالش را بابت دین به داین واگذار بکند. (واگذاری قطعی و دائمی). این یک مرحله‌ای است برای اینکه طرف اگر نیازی به دین پیدا کرد از آن نترسد که بعد به هیچ عنوان نمی‌تواند بپردازد چون یکجا باید پرداخت بکند اگر یکجا پرداخت نکند باید تمام اموالش برود می‌گوید نه حالا من وامی می‌گیرم، قرضی می‌گیرم، اگر نشد انتفاع باغم، انتفاع خانه‌ام، انتفاع مغازه‌ام را واگذار می‌کنم به مقرض و آن تدریجاً از دینی که به گردن من دارد کم بکند. این چه شبهه ربا است؟ و این چه اشکال دارد که آقایان پیشنهاد حذف آن ماده را داده‌اند^۱ و به اصطلاح ماده اصلاحیه آورده‌اند تحت عنوان این که شبهه ربا و حیثاً اشاعه ربا. بنابراین من پیشنهاد حذف این ماده اصلاحی را دارم و ابقا همان ماده قبلی.

منشی. آقای رضوی، مخالف.

رئیس. کمیسیون مخالف است؟

محمد اصغری. مخالف حذف هستم.

رئیس. دولت؟

شوشتري. مخالف هستیم.

رئیس. دولت و کمیسیون مخالف است موافق هم ندارد خیلی خوب حضار ۱۸۶ نفر، موافقین با پیشنهاد آقای عباسی که همان ابقا ماده است قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد. ماده بعد را بخوانید.

منشی. ماده (۱۱) حذف ماده (۶۵۳) قانون مدنی است اگر آقای رئیس اجازه بدهند متن ماده‌ای که باید حذف بشود بخوانم.

رئیس. بفرمایید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۶۵۳. مقرض می‌تواند به وجه ملزمی به مقرض

۱. در متن فوق عبارت «داده‌اند» جایگزین عبارت «دادند» گردید.

وکالت دهد در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است مقدار معینی از دارایی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجاناً به خود منتقل نماید.

رئیس. حضار ۱۸۷ نفر، پیشنهاد کمیسیون که حذف ماده (۶۵۳) که خود آن ماده (۱۱) می‌شود موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده (۱۲). ماده (۶۵۵) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده (۶۵۵). در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیرزنی، گرویندی جایز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود.

رئیس. پیشنهادی نداریم؟

منشی. آقای عباسی پیشنهاد دارند. پیشنهاد آقای عباسی این است که «وسایط نقلیه امروز و گرویندی

با ابزار جنگی کنونی» اضافه بشود. که گرویندی با وسایط نقلیه با ماشین و اینها هم جایز است.

عباس عباسی. بسم الله الرحمن الرحيم. عرض کنم آنچه که به نظر می‌رسد این است که شرع مقدس اسلام عین موضوع و یا نوع را مدنظر قرار نداد. منظور استفاده از وسیله بوده. در آن زمان ابزار جنگی تیر کمان و شمشیر و نیزه و وسایل دیگر ابتدایی بوده. منظور تبحر و مهارت در بکارگیری اینگونه وسایل بوده. و همچنین در رابطه با مسابقات مثلاً اسبدوانی و یا نظایر آن. منظور باز سوارکاری و مهارت در سوارکاری بدون دادن تلفات. آن روز اسب بوده امروز در کجای دنیا؟ ... مگر موارد بسیار نادر و کم خوب از اسب مثلاً برای جنگ استفاده می‌شود؟ یا از شتر برای جنگ کجا استفاده می‌شود؟ یا از تیرکمان برای جنگ کجا استفاده می‌شود؟ چون ابزار مدنظر بوده، وسیله مدنظر بوده دلیلی ندارد که وسایل امروزی که شرع مقدس اسلام استفاده از آن را هم مجاز می‌داند و یا در مواردی واجب می‌داند وقتی مسأله‌ای پیش بیاید چرا باید

اینها ذکر نشود؟ مثلاً تیراندازی با تانک، یا با توپ، یا با تفنگهای امروزی، مسلسل و یا رانندگی اتومبیل که هم در ایران الان مسابقاتش برگزار میشود و هم در سرتاسر دنیا رواج یافته به عنوان یک وسیله نه اینکه حالا چون در دنیا رواج یافته به عنوان یک وسیله سواری و نقل و انتقال امروز. بنابراین پیشنهاد من این است که وسایل امروزی هم مدنظر قرار بگیرد و در متن قانون گنجانده بشود والسلام.

منشی. مخالف، آقای فارغ:

سیدمصطفی فارغ. بسم الله الرحمن الرحيم.

استدعا دارم نمایندگان محترم به این مسأله بسیار حساس عنایت بفرمایند جناب آقای عباسی فکر نمیکنم به آن مرحله از اجتهاد رسیده باشند که در این مسأله نظر شخصی خودشان را اعلام بفرمایند و اصلاً مراجعه ای به نظر فقها نسبت به این مسأله نباشد. مسئله علت درست کردن و فلسفه احکام را گفتن کاربرنده و جناب آقای عباسی نیست گذشته مرحوم سیدمرتضی علم الهدی ایشان حتی قیاس منصوصالعله را هم رد میکنند. یعنی امام فرموده علت حرمت یا حلیت این چیز فلان است. پس این علت هر جا بود درست است آن حکم را دارد. تازه سیدمرتضی قیاس منصوصالعله را رد میکنند. ما چطور بتوانیم ماشین را با اسب قیاس کنیم در حالی که مدرك فقهی و شرعی در اختیار نداریم؟ حالا میشود درباره مسأله تیراندازی آن یک حرفی است که اگر فقهای عظام ما نظر بدهند و یک استفتا هم از آنها بشود آنها نظر بدهند بلکه آن وقت شایسته هست که ما پیشنهاد بدهیم جزو برنامه باشد من بیشتر تصدیع نمیدهم.

منشی. آقای موحدی ساوجی، موافق:

علی موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم.

البته ممکن است پاره ای از مجتهدین و صاحبان فتوی از باب احتیاط بگویند که فقط سوارکاری که با چهارپایان و حیوانات سواری باشد. یا تیراندازی که مثلاً با همان ادوات قدیم باشد و همینطور شمشیرزنی... اینها هست که اگر گرویندی بشود و شرطگذاری بشود جایز است و اشکالی ندارد. و حال آنکه به

نظر ما در این رابطه مراجعی هم هستند، مجتهدینی هم هستند که مطلق سوارکاری را در این رابطه می‌گویند اگر گروبندي و شرط بندي بشود اشکالی ندارد. حالا این مرکب چه از حیوانات سواربی باشد چه از مرکب‌های معمول زمان باشد. بنابراین اگر ما در کنار سوارکاری با حیوانات نظایر آن را هم اضافه بکنیم بهتر خواهد بود.

و لذا من با پیشنهاد آقای عباسی در این زمینه موافق هستم.

منشی. کمیسیون:

سید محمد اصغری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی). ماده (۶۵۵) که اصلاح شده فقط یک کلمه در آن تغییر کرده با توجه به آنچه که از قبل از پنجاه سال قبل بوده و براساس فقه اسلامی هم بوده فقط کلمه «شمیرازی» شده «شمیرزنی». اصلاحی که در این انجام شده همین یک کلمه است.

نمایندگان محترم توجه بفرمایند اصل در فقه اسلامی این است که قمار و گروبندي باطل است و دعاوی راجع به آن مسموع در دادگاه نیست. همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده جاری است. یعنی هر معامله نامشروع اعم از قمار و گروبندي باطل است. طرف به خاطر خاص موارد آن نمی‌تواند به دادگاه برود و اقامه دعوا بکند. از بیخ نامشروع است. یعنی نقل و انتقالی در قمار گروبندي از اساس انجام نمی‌شود.

ماده (۶۵۵) براین اصل کلی یک استثناء زده

می‌گوید زمانی که گروبندي براساس سبق و رمایه باشد. یعنی سوارکاری، تیراندازی و شمیرزنی باشد این اصل استثناء بردار هست. «ما من عام الا و قد

۱. در متن فوق عبارت «خاص» جایگزین عبارت «خواست» گردید.

خص^۱» این از آن موارد خاص است که بر سبق و رمایه و شمشیرزنی می‌تواند گرویندی بکند. کل اصلاحی که کمیسیون در این ماده (۶۵۵) انجام داده این است که کلمه «شمشیربازی» شده «شمشیرزنی» و این عین ماده است که کمیسیون تصویب کرده والسلام. **رئیس.** بسیار خوب. حضار ۱۸۶ نفر، آقای رضوی پیشنهاد آقای عباسی را برای رأی‌گیری بخواهید. **منشی (رضوی).** پیشنهاد آقای عباسی این است که وسایط نقلیه امروز و گرویندی با ابزار جنگی کنونی هم به ماده اضافه بشود. **رئیس.** موافقین با این پیشنهاد قیام بفرمایند. (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. حضار ۱۸۶ نفر، خوب اصل ماده (۱۲) که اصلاح شده ماده (۶۵۵) قانون مدنی است به رأی گذاشته می‌شود. موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی قرائت شود.

(به شرح زیر خوانده شد)
ماده (۱۲). ماده (۷۰۶) قانون مدنی حذف شد. **رئیس.** آقای اصغری یک توضیحی بدهید که ماده (۷۰۶) چه بود؟

محمد اصغری (مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی). ماده (۷۰۶) قانونی مدنی قبلاً این ماده بود: «هرگاه دین مدت داشته ولی ضمان، حال باشد بعد

از ضمان مضمون‌له حق مطالبه از ضامن دارد» توضیح این است که کسی به دیگری بدهکار است و ادای دین مدت‌دار است. برای ده ماه بعد بدهکار است. یک نفر می‌آید از مدیون ضامن می‌شود می‌گوید من ضامن بدهی این آقا هستم. ماده می‌گوید که مضمون‌له یعنی طلبکار می‌تواند

۱. در متن فوق عبارت «ها من عام الا و قد خص» جایگزین عبارت «ها من آمن لا و قد خص» گردید.

همین الان به ضامن مراجعه کند و پولش را بخواهد. یعنی در صورت ضمانت دین مؤجل تبدیل به دین حال می‌شود دلیلش هم این است که کسی که ضامن می‌شود برای پرداخت پول ضامن می‌شود، اینکه ضامن بیاید بگوید ۱۰ ماه دیگر من ضامن هستم معنی ندارد، آن می‌توانست در همان زمانی که باید پول را بپردازد، همان زمان بگوید من ضامن هستم و همان زمان هم پول را بپردازد، ضمانت از دین مؤجل معنی ندارد، این است که ماده می‌گوید که هرگاه دین مدت داشته ولی ضامن، حال باشد، بعد از ضمان، مضمون‌له^۱ حق مطالبه از ضامن را دارد. در اصلاحاتی که ما داشتیم این ماده حذف شده بنیة شرعی نداشته مبنای شرعی نداشته، مخالف فتوی بوده و کمیسیون با حذف موافقت کرده.

رئیس. حضار ۱۸۶ نفر، ماده (۱۳) که حذف ماده (۷۰۶) قانون مدنی است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

اکرمی. حاج آقا کروی همیشه روال این بود که متن موادی را که می‌خواست حذف یا اصلاح بشود در آخر لایحه چاپ می‌کردند.

رئیس. کاملاً صحیح است و تذکر آن بجا است منتها نوعاً هم توضیح داده می‌شود و هم مواد قرائت می‌شود، به اداره قوانین تذکر می‌دهیم اگر نبوده علت چیست باید ضمیمه باشد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۴. ماده (۷۴۷) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۷۴۷. هرگاه کفیل، مکفول خود را مطابق شرایط مقرره حاضر کند و مکفول‌له از قبول آن امتناع نماید، کفیل با اَشهاد یا مراجعه به حاکم،

۱. در متن فوق عبارت «بعد از ضمان، مضمون‌له» جایگزین عبارت «بعد از ضمان‌له مضمون» گردید.

بري می‌شود.

محمد اصغري. حاج آقا کرويي! اين ماده قبلي است هيچ اشکال قانوني هم ندارد.

رئيس. پيشنهادي ندارد، حضار ۱۸۷ نفر، ماده (۱۴) که اصلاح ماده (۷۴۷) است و قرائت هم شد به رأي گذاشته می‌شود موافقين قيام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصويب شد. ماده بعد را بخوانيد.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۵. ماده (۸۸۱) قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده (۸۸۱). در صورتي که قتل عمدي مورث به حکم قانون يا براي دفاع باشد مفاد ماده فوق مجري نخواهد بود، (محمد اصغري - عين قبلي است)

فارغ. آقا مجبر محترم يك کمی توضيح بدهند.

رئيس. آقاي اصغري توضيح بفرمایيد.

سيد محمد اصغري (مدير کمیسیون امور قضائي و حقوقي). ماده (۸۸۱) قبلاً به اين صورت بوده: «در صورتي که قتل مورث غيرعمدي يا به حکم قانون يا براي دفاع باشد مفاد ماده فوق مجري نخواهد بود».

ماده فوق يعني ماده (۸۸۰)، ماده (۸۸۰) می‌گويد قتل از موانع ارث است يعني اگر وارث، مورث خودش را بکشد از مورث ارث نمی‌برد. بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد، از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالباشره باشد يا بالتسبيب و منفرداً باشد يا به شرکت ديگري پس اصل ماده (۸۸۰) مشخص است يعني اگر وارث مورث خودش را بکشد از او ارث نمی‌برد.

ماده (۸۸۱) آمده است ثنا داده براین ماده، می‌گويد: در صورتي که قتل مورث غيرعمدي يا به حکم قانون يا براي دفاع باشد مفاد ماده فوق مجري نخواهد بود يعني وارث اگر به حکم قانون مورث خودش را بکشد دستور قانوني باشد از او ارث می‌برد، عين اين ماده را کمیسیون هم تصويب کرده.

رئيس. بسيار خوب متشکر، حضار ۱۸۶ نفر، ماده (۱۵) که اصلاح ماده (۸۸۱) قانون مدني است به رأي گذاشته می‌شود، موافقين قيام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۶. ماده زیر به عنوان ماده (۸۸۱) مکرر به قانون مدنی اضافه می شود:

ماده (۸۸۱) مکرر. کافر از مسلم ارث نمی برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد، وراثت^۱ کافر ارث نمی برند^۲، اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.^۳

رئیس. حضار ۱۸۵ نفر، ماده ۱۶ که اصلاح ماده (۸۸۱) مکرر است و این اضافه شده به رأی گذاشته می شود، موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۷. ماده (۹۸۰) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

۱. در متن فوق عبارت «وراثت» جایگزین عبارت «وراثت» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارشات بعدی عبارت «وراثت» آمده است.
۲. در متن فوق عبارت «نمی برند» جایگزین عبارت «نمی برد» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارشات بعدی عبارت «نمی برند» آمده است.
۳. در متن فوق عبارت «باشند» جایگزین عبارت «باشد» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارشات بعدی عبارت «باشند» آمده است.

رئيس. آقاي اصغري خوب است يك توضيحي بدهيد.
سيد محمد اصغري (مخبر كميسيون امور قضائي و حقوقي). ماده (۹۸۰) قبلي را بنده ميخوانم، همانطوري كه در توضيحات اول عرض كردم از تصويب اين در كميسيون نزديك دو سال گذشته يعني فاصله بين شور اول و شور دوم نزديك به دو سال شده اين است كه بعضي از توضيحات هم متأسفانه اصلاً فراموش شده.

ماده (۹۸۰) قانون مدني قبلي اين است: «كساني كه به امور عام المنفعه ايران خدمت يا مساعدت شاياني کرده باشند و همچنين اشخاصي كه داراي عيال ايراني و از او اولاد دارند و يا داراي مقامات عالي علمي و متخصص در امور عام المنفعه هستند و تقاضاي ورود به تابعيت دولت شاهنشاهي را ميخوايند (اين ماده قبلي است) در صورتي كه دولت ورود آنها را به تابعيت دولت شاهنشاهي صلاح بداند، بدون رعايت شرط اقامت، ممكن است با تصويب هيأت وزرا به تابعيت ايران قبول شوند».

ماده اي كه كميسيون تصويب کرده بعضي از كلمات شاهنشاهي و اينها بوده، اصلاح شده و اين عين ماده مصوب كميسيون را مجدداً قرائت ميكنم:

«كساني كه به امور عام المنفعه ايران خدمت يا مساعدت شاياني کرده باشند و همچنين اشخاصي كه داراي عيال ايراني هستند و از او اولاد دارند و يا داراي مقامات عالي علمي و متخصص در امور عام المنفعه ميباشند و تقاضاي ورود به تابعيت دولت جمهوري اسلامي ايران را ميخوايند (تغييرات لفظي مشخص است) در صورتي كه دولت ورود آنها را به تابعيت دولت جمهوري اسلامي ايران صلاح بداند بدون رعايت شرط اقامت ممكن است با تصويب هيأت وزيران به تابعيت ايران قبول شوند».

روشن است چيست؟ اولاً بعضي اصلاحات، اصلاحات لفظي است، دولت معدوم شاهنشاهي اصلاح شده به دولت جمهوري اسلامي ايران و در اينجا هم تصويب را به دست هيأت دولت سپرده كه هيأت دولت ميتواند با وجود شرايطي كه در اين ماده آمده، عيال ايراني داشته باشد، از عيال ايراني اولاد داشته

باشد، خدمت شایانی به جمهوری اسلامی ایران کرده باشد، با این شرایط دولت می‌تواند به او تابعیت بدهد و اینجا گفته ممکن است با جمع این شرایط تابعیت بدهد، برای اینکه دولت جمهوری اسلامی به هر خارجی که تابعیتی نمی‌دهد، مشروط به شرایطی است، با جمع این شرایط در ماده دولت ممکن است به چنین شخصی اجازه تابعیت ایران را بدهد ولو مقیم همیشگی در ایران نباشد، یعنی بدون رعایت شرط اقامت چون هم عیال ایرانی دارد هم از عیال ایرانی اولاد دارد، هم خدمات شایانی کرده، می‌تواند بدون شرط اقامت که مکرراً و متصلاً مقیم ایران باشد به او اجازه تابعیت داشتن ایرانی را هم بدهد، والسلام.

فارغ. برای غیر اشخاص حتماً اقامت شرط است که به حساب تابعیت باشد.

رئیس. حضار ۱۸۸ نفر، ماده (۱۷) که در واقع اصلاح ماده (۹۸۰) است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۸. ماده (۹۸۱) قانون مدنی حذف می‌گردد.

رئیس. بسیار خوب آن ماده خوانده و توضیحاتی هم داده بشود.

سید محمد اصغری (نایب رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی). ماده (۹۸۱) حذف شده، من عین ماده (۹۸۱) را می‌خوانم:

«اگر در ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند

تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به^۱ جنحة مهم

۱. در متن فوق عبارت «به» جایگزین عبارت «بر» گردید.

با جنايت عمومي است، هيأت وزرا^۱ حكم خروج او را از تابعيت ايران صادر خواهند كرد.

اولاً به نظر من دو سه نكته است، يكي مرور زمان است كه اساساً مسأله مرور زمان در فقه ما مورد پذيرش نيست، اين به علت اشاره به اين نهاد مرور زمان به يك علت و علت ديگر اينكه به جنحه اشاره كرده، الان ديگر در سيستم كيفري ما مسأله جنحه اساساً نيست و مطلب ديگري كه در اينجا مطرح بوده به نظرم اشاره به چنين چيزي نياز نبوده كه اگر مشخص بشود كسي كه فراري است اصلاً از آغاز قانونگذار نسبت به آن سكوت كرده، يعني تابعيت را به كسي داده كه بعد مشخص شده فراري است مي‌تواند تابعيت از او بگيرد اين در اصول و مواد ديگر هم اصلي مسلمي است. اگر به خاطر فرار بوده مي‌تواند تابعيت را از او بگيرد، حتي دولت ايران مي‌تواند در شرايطي بدون اقامه دليل هم تابعيت را از شخصي بگيرد علي‌هذا نيازي به وجود ماده نبود.

پناهنده. من مخالف حذفم، اين قابل اصلاح است. **رئيس.** كميسيون حذف كرده است، الان اصلاح آن مورد بحث نيست شما پيشنهاد جديد نمي‌توانيد بدهيد فقط مي‌توانيد مخالف حذف باشيد.

فارغ. اين قابل اصلاح نيست.

رئيس. بنا بر اين همان پيشنهاد كميسيون (ماده ۱۸ كه حذف ماده ۹۸۱ است) به رأي گذاشته مي‌شود، حضار ۱۸۰ نفرند، موافقين قيام بفرمايند. (اكثراً برخاستند) تصويب شد. ماده بعد را بخوانيد. (به شرح زير خوانده شد)

ماده ۱۹. ماده (۹۸۲) قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۹۸۲. اشخاصي كه تحصيل تابعيت ايراني نموده يا بنمايند از كليۀ حقوقي كه براي ايرانيان مقرر است بهره‌مند مي‌شوند ليكن نمي‌توانند به مقامات ذيل نائل گردند:

۱. رياست جمهوري و معاونين او.
۲. عضويت در شوراي نگهبان و رياست قوه قضائيه.
۳. وزارت و كفالت وزارت و استانداري و

فرمانداری.

۴. عضویت در مجالس خبرگان و شورای اسلامی.
۵. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.
۶. استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی.
۷. قضاوت.

۸. عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی.

۹. تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.
آقای موحدی ساوجی پیشنهاد داده اند که جمله عالی‌ترین رده حذف بشود.

رئیس. توضیح بفرمایید.

علی موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم.

کسانی که تابعیت جمهوری اسلامی ایران را نداشته و از کشورهای دیگری بودند بعد تابعیت را از جمهوری اسلامی گرفتند به نظر می‌رسد که به حق در اینجا یک سمت‌ها، مسئولیت‌ها و کارهایی که در کشور مهم و حساس است، گفتند این سمت‌ها را نمی‌توانند داشته باشند، که در ۹ بند آمده، مثلاً از جمله استخدام در وزارت امور خارجه، یعنی صرفاً ولو به صورت یک کارمند عادی نمی‌توانند در وزارت خارجه استخدام بشود، یا در رابطه با امور اطلاعاتی و امنیتی پست مهم نمی‌تواند داشته باشد.

در بند «۸» فقط گفتند عالی‌ترین رده فرماندهی را

در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی نداشته باشد، بنابراین عالی‌ترین یعنی چه؟ فرمانده نیروی زمینی سپاه، فرمانده نیروی زمینی ارتش، فرمانده نیروی هوایی، فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، فقط این عالی‌ترین رده را نمی‌تواند داشته باشد، اما بعد از فرماندهی کل اگر بخواهد فرمانده یک سپاه، یک لشکر باشد مانعی ندارد و حال آنکه به نظر ما از باب احتیاط و برای اینکه به همان دلیل، با همان فلسفه‌ای که شما گفتید قاضی نشود، کارمند وزارت خارجه نشود، نباید به سمت فرماندهی در نیروهای نظامی و انتظامی که پست مهم نیست هم منصوب بشود، بنابراین من گفتم عالی‌ترین رده برداشته بشود که بالاخره پست فرماندهی را در این

نیروها به او ندهند، والسلام.

منشی. مخالف، آقای فارغ هستند که صحبت نمی‌کنند، موافق هم صحبت نمی‌کنند. کمیسیون:

سید محمد اصغری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی). پیشنهادی که جناب آقای موحدي ساوجی دادند کلمه «عالي‌ترین» را می‌خواهند حذف کنند، «عالي‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی» همان‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید، این افرادی که پذیرفته می‌شوند به تابعیت جمهوری اسلامی ایران، قبلاً این مشاغل را آورده بودند، گفته بودند نمی‌توانند دارای این مشاغل باشند، مگر پس از ۱۰ سال، از تحصیل تابعیت، یعنی موقعی که ۱۰ سال تابع ایران بود و فرد صالحی بود، می‌توانست به برخی از این مشاغل نائل بشود، ما آمدم گفتیم که دائماً نمی‌توانند، حالا یکی از آن مواردی که گفتیم نمی‌توانند عالي‌ترین رده فرماندهی یعنی فرمانده نیروی زمینی، فرمانده عالی نیروی هوایی، فرمانده نیروی هوایی، یعنی عالي‌ترین رده را گرفتیم یعنی مفهوم دارد و یک رده‌ای است که هرکسی را نمی‌شود اجازه داد در آن قسمت فرماندهی بکند ولی در بعضی سطوح اگر دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند شخصی تبعه ایران باشد و اثبات بشود که آدم صالحی است چرا به هیچ وجه نتواند در هیچ قسمتی فرماندهی بکند؟ علی‌هذا کمیسیون این را تصویب کرده که موقعی که در عالي‌ترین رده هست نتواند. علی‌هذا ما با پیشنهاد جناب آقای موحدي موافق نیستیم.

رئیس. دولت:

محمد اسماعیل شوشتری (وزیر دادگستری). در مصوبه سال ۶۱ مجلس شورای اسلامی اصلاً این بند نبود، فقط غیر از مسأله ریاست جمهوری و وزارت و کفالت وزارت و مأموریت سیاسی خارجه، عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر، استخدام وزارت امور خارجه بود. بنابراین بند «۸»

به طورکلی در این مصوبه جدید زیاد شده و بحث هم سر این است که افرادی که تابعیت ایران را کسب

کرده‌اند در خود ماده گفته که از همه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، اینها هم می‌توانند بهره‌مند بشوند به استثنای موارد ذیل که یعنی مادام‌العمر نمی‌توانند از این حقوق استفاده بکنند، چون مادام‌العمر آمدیم گذاشتیم که نباید استفاده بکنند، بنابراین اگر جمله «بالترین،

عالی‌ترین رده» را حذف بکنیم یعنی مطلق فرماندهی، مثلاً مطلق فرماندهی در نیروی انتظامی فرمانده یک پاسگاه را هم شامل می‌شود فرمانده یک منطقه را هم شامل می‌شود فرمانده یک ناحیه را هم شامل می‌شود تا بالاتر، در اینجا آمدند گفتند که عالی‌ترین رده فرماندهی یعنی در نیروهای انتظامی فرمانده نیروی انتظامی، در سپاه، فرمانده سپاه، در ارتش هم فرمانده نیروهای سه‌گانه و مقصود اینها است که مادام‌العمر یک کسی نمی‌تواند به اینها برسد، اما فرمانده یک پاسگاه فرمانده یک منطقه، فرمانده یک ناحیه به نحو مطلق گفتنش، حالا این بند عرض کردم نبود، اصلاً این بند جدید است اضافه شده یک نکته دیگری هم هست که این هم بندی است، من خدمت مجلس محترم عرض بکنم که تغییر مهمی است در این ماده داده شده به آن توجه بشود.

در مصوبه ۶۱ مجلس شورای اسلامی به این ترتیب بود کسانی که تابعیت ایران را کسب می‌کنند به مقام ریاست جمهوری، وزارت و کفالت وزارت یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه اصلاً نمی‌توانند برسند. لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند، مگر بعد از ۱۰ سال. یعنی بعد از ۱۰ سال می‌توانستند به این مقامات نائل بشوند، در این اصلاحیه‌ای که الان صورت گرفته همه را مطلق کرده، یعنی مادام‌العمر نمی‌شود، حالا با این نکته که مادام‌العمر نمی‌شود، حداقل یک پست‌های حساس در کشور را باید نام برد و خیلی توسعه نداد.

رئیس. حضار ۱۸۵ نفر، پیشنهاد آقای موحدی ساوجی قرائت و به رأی گذاشته می‌شود.

منشی. پیشنهاد این است که در بند «۸» ماده (۱۹)

که اصلاح ماده (۹۸۲) قانون مدنی است، عبارت به این صورت اصلاح بشود که فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی عالی‌ترین رده حذف بشود. رئیس. موافقین با این پیشنهاد قیام بفرمایند. (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. اصل ماده قرائت شده به رأی گذاشته می‌شود ماده (۱۹) که همان اصلاح ماده (۹۸۲) قانون مدنی است، حضار ۱۸۷ نفر، موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۰. ماده (۹۸۷) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج، تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از وزارت خارجه و وزارت کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده (۹۸۸) و تبصره^۱ آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترك نموده اند شامل زنان مزبور خواهد بود.

موحدی ساوجی. پیشنهاد دارم.

منشی. پیشنهاد آقای موحدی ساوجی پیشنهاد اصلاحی است که قابل طرح نیست.

رئیس. بفرمایید توضیح دهید.

علی موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم.

در این ماده (۲۰) یکی در تبصره (۲) است گفته شده کمیسیون متشکل از وزارت خارجه، وزارت کشور و اطلاعات. من برای رفع ابهام گفتم متشکل از نمایندگان سه وزارتخانه، کلمه متشکل از نمایندگان وزارت چه و وزارت چه. این اگر ذکر بشود درست است والا کمیسیون متشکل از سه تا وزارت نمی شود. کمیسیون متشکل از نمایندگان سه وزارتخانه است (رئیس - اشکالی ندارد).

یکی هم در خود ماده دارد «وفات شوهر یا

تفریق»، اینجا عبارت «طلاق» بهتر است. «تفریق» اولاً

اگر باشد، جدایی باید گفت. تفریق جدا کردن است و اینجا کمیسیون قضائی خیال کرده در قانون مدنی گذشته هر عبارتی، هر تعبیری بوده این دیگر وحی منزل است، درست تر است، این اشتباه است. یک اشتباهی است که دچارش شده اند والا چه کسی به طلاق، تفریق می گوید؟ چه کسی به جدایی زن و شوهر، تفریق می گوید؟ «تفریق» به معنی جدا کردن است، در

ریاضیات هم یعنی منها کردن و اینجا کلمه «تفریق»

غلط است، خواهش می کنم اصلاح کنید.

رئیس. خوب به نظر می آید مطلب چیز خاصی نیست.

حالا مثلاً جدایی بنویسیم، آقای اصغری بیایید توضیح دهید.

۱. با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره های» صحیح است.

موحدی ساوجی. اصلاً نه اصطلاح درستی است نه جا افتاده.

محمد اصغری (خبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی). آقای موحدی چندتا پیشنهاد داشتند.

یکی اینکه گفته اند «وزارت» نگویید، بگویید «نماینده وزارت» اینکه معلوم است موقعی که میگویند مثلاً وزارتین دادگستری و خارجه منظور از وزارت، ساختمان وزارت که نیست. به هر صورت نماینده ای از يك وزارتخانه می آید. اینکه مشخص است و ابهامی هم در قضیه نیست. توسط «وزارتین» آیین نامه نوشته می شود و یا تشکیل می شود. این معلوم است. «تفریق» به نظر می رسد که:

اولاً هم به لحاظ لغوی درست تر از طلاق است. طلاق یعنی رهایی، مطلقه شدن، طلاق اصلاً از نظر لغت صحیح نیست. به نظر «تفریق» درست تر از «طلاق» باشد و ضمناً «تفریق» هم عام است. گاهی به علت ارتداد از هم جدا می شوند، نیاز به طلاق دادن و صیغه طلاق نیست. به همین علت مخصوصاً کمیسیون قضائی با توجه به این موارد عبارت، «تفریق» را آورده با پیشنهاد آقای موحدی مخالف هستیم.

حسن جعفری. تبصره (۱) هم ایراد دارد.
منشی (محمد رضوی). جناب آقای کروی اگر اجازه بدهید فقط سطر سوم تبصره (۲) به این صورت اصلاح بشود که: «تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه های امور خارجه و کشور و اطلاعات است.»

رئیس. بسیار خوب، حضار ۱۸۵ نفر، ماده (۲۰) که اصلاح ماده (۹۸۷) و دو تبصره اش است به رأی گذاشته می شود موافقین قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۱. ماده (۹۹۱) قانون مدنی به شرح زیر

اصلاح می‌گردد:

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقاء بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید معین خواهد شد.

رئیس. حضار ۱۸۸ نفر، ماده (۲۱) که اصلاح ماده (۹۹۱) از قانون مدنی است به رأی گذاشته می‌شود. موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۲. ماده (۱۰۳۶) قانون مدنی حذف گردید.

رئیس. آقای اصغری هم ماده را قرائت کنید و هم توضیح بدهید.

سید محمد اصغری (نایب‌رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

«ماده (۱۰۳۶) - اگر یکی از نامزدها وصلت منظور

را بدون علت موجهی به هم بزند، در حالی که طرف مقابل یا ابوین او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارج کرده باشند طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید ولی خسارت مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود». این ماده در مجموع مخارجی است

که در ایام نامزدی کسی هدیه به طرفین نامزدی می‌دهد. باز اگر به هم بزنند گفته قابل وصول است. من فکر می‌کنم یعنی کمیسیون این‌طور^۱ اندیشیده که ماده نیازی به ذکر ندارد و حذف شده، بلکه دیگر یعنی نیاز به ذکر نبوده از اسباب ضمان هم نیست و مسئله ضمان هم در مواد دیگر و در باب و فصل مفصلی بیان شده، کسی هدیه به طرفین (یکی از دو نامزد) داده ضمان نمی‌آورد یعنی آنها ملزم نیستند

۱. در متن فوق عبارت «این‌طور» جایگزین عبارت «این‌جور» گردید.

که اگر نامزدی را به هم زدند این هدایا را مسترد نکنند. کمیسیون وجود ماده را لازم ندیده و حذف کرده است.

رئیس. حضار ۱۸۸ نفر، ماده (۲۲) که حذف ماده (۱۰۳۶) قانون مدنی است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت بفرمایید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۳. ماده (۱۰۳۹) قانون مدنی حذف گردید.

ماده ۱۰۳۹. مدت مرور زمان دعاوی ناشی از به هم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ به هم خوردن آن محسوب می‌شود.

رئیس. حضار ۱۸۷ نفر، ماده (۲۳) که حذف ماده (۱۰۳۹) است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را قرائت بفرمایید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۴. ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۰۴۱. نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره (۱). سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

تبصره (۲). عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح است.

رئیس. شرط ولی را حداکثر بعد از بلوغ هم لازم می‌دانند. آقای شوشتری بفرمایید توضیح دهید.

محمد اسماعیل شوشتری (وزیر دادگستری). این ماده فرقی که کرده با مصوبه سال ۶۱ این است که تبصره (۱) را کمیسیون اضافه کرده که اصلاً لازم نیست و ما پیشنهادمان این است تبصره (۱) حذف بشود.

شما ببینید در صفحه (۸) همین لایحه، یعنی ماده (۱۲۱۰)، تبصره (۱) عین همین است سن بلوغ در پسر ۱۵

سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

تبصره (۱) ماده (۱۲۱۰) است، ضرورتی نداشته باز عین همان تبصره را در این ماده هم بیاوریم این

یک تکرار بی مورد و بیجایی است. در مصوبه ۶۱ مجلس شورای اسلامی هم تبصره (۱) وجود نداشت، نبود، لذا ما پیشنهادمان این است که این تبصره (۱) ضرورتی ندارد.

منشی (سید محمد رضوی). جناب آقای کروی، این تبصره (۱) تکراری است چون در ماده (۱۲۱۰) است. **رئیس.** بنابراین تبصره (۲) هم تبصره تنها و بدون شماره می‌شود. دوباره قرائت می‌شود توجه کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)
ماده ۲۴. ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده ۱۰۴۱. نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.
تبصره. عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح می‌باشد.^۱
رئیس. یعنی همین یک تبصره، یعنی تبصره (۲) در واقع تبصره (۱) است.

حاضر ۱۸۱ نفر، ماده (۲۴) که همان اصلاح ماده (۱۰۴۱) است به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. جلسه به عنوان تنفس تعطیل می‌شود آقایان سرموقع تشریف بیاورید.
(جلسه ساعت ۱۰/۳۷ به عنوان تنفس تعطیل و مجدداً ساعت ۱۱/۱۸ به ریاست آقای اسدالله بیات «نایب رئیس» تشکیل شد.)

نایب رئیس. بسم الله الرحمن الرحیم.
جلسه برای ادامه مذاکرات رسمی است، آقای رضوی ماده مورد بحث را مطرح کنید.
(به شرح زیر خوانده شد)

۱. در متن لایحه و گزارشات شور اول و دوم کمیسیون امور قضایی و حقوقی به جای عبارت «می‌باشد» از عبارت «است» استفاده شده بود. در هنگام قرائت اولیه که در چند سطر قبل می‌توان آن را مشاهده نمود نیز از عبارت «است» استفاده شده بود.

ماده ۲۵. ماده (۱۰۴۲) قانون مدنی حذف گردید.
نایب رئیس. آقای اصغری ماده را بخوانید و توضیح هم بدهید منتها بحث خیلی نکنید.
(به شرح زیر خوانده شد)
ماده (۲۵) ماده (۱۰۴۲) قانون مدنی حذف گردید.

ماده (۱۰۴۲). بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نر انثا نمی‌توانند مادام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.
سید محمد اصغری (مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی). مسأله سن ۱۵ سال که روشن است. چون ما گفتیم در انثا ۹ سال مطرح است. سن بلوغ در انثا طبق موازین شرعی ما ۹ سال است. اینجا آمده ۱۵ سال. در مورد بقیه قسمت هم در موارد بعدی آمده، یعنی اجازه ولی چطور شرط است، قبل از سن رشد به چه صورتی است، قبل از سن بلوغ به چه صورتی است، بعد از سن بلوغ در دخترانی که برای اولین بار ازدواج می‌کنند... اینجا در مواد بعدی آمده است چون قسمتی از محتوای ماده (۱۰۴۲) در مواد بعدی آمده و قسمتی هم خلاف شرع بوده کل ماده حذف شده است.

نایب رئیس. ۱۸۳ نفر در جلسه حضور دارند. ماده (۲۵) که حذف ماده (۱۰۴۲) قانون مدنی است به رأی گذاشته می‌شود، موافقان قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعد را بخوانید.
(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۶. ماده (۱۰۴۳) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده ۱۰۴۳. نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع و

عدم پاسخ موجه از طرف ولي، دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید.

سید محمد اصغري (مخیر کمیسون امور قضائي و حقوقي). این اصلاحی که در این ماده انجام شده، نکاح دختری است که ازدواج نکرده، برای اولین بار است که ازدواج می‌کند که بعد از سن بلوغ هم اجازه پدر در آن شرط است و اگر به پدر اطلاع دادند و پدر در دادگاه حاضر نشد و نیامد، دختری که می‌خواهد ازدواج کند مشخصات مرد را با شرایط مهري که بین دو طرف است به دادگاه بیان می‌کند و دادگاه در این صورت با توجه به شرایط ماده هم همان طوری که آمده به پدر اطلاع می‌دهد که اگر نیامد و حاضر نشد دادگاه می‌تواند اجازه ازدواج را صادر بکند. این ماده (۱۰۴۳) است.

نایب رئیس. حضار ۱۸۵ نفرند، موافقان اصلاح ماده (۱۰۴۳) قانون مدنی به شرحی که خوانده شد قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعد را قرائت و مطرح کنید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۷. ماده (۱۰۴۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۰۴۴. در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند تقاضای خود را همراه با اطلاعات مذکور در ماده (۱۰۴۳) به دادگاه مدنی خاص بدهد. دادگاه پس از احراز امر اجازه نکاح صادر می‌نماید.

عبدالله نوروزي. جمله احتیاج به ازدواج را اصلاح فرمایید.

یکی از نمایندگان. آماده خواستگاری باشد.
نایب رئیس. خواستگاری به قول آقایان یعنی خطبه، معنای این، این است که شاید احتیاج دارد ولي خودش در این معرض قرار نگرفته، این با آن فرق می‌کند، اصلاً معنی خواستگاری این است که مثلاً خودش برود نزد کسی بگوید می‌خواهم به تو شوهر بکنم. این لازم نیست.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۸۸۷

من می‌گویم آن میرز است. آن وسیله ابراز است. والا اصل قضیه آن احتیاج درونی است. حضار ۱۸۶ نفر، موافقان با ماده (۲۷) مصوبه کمیسیون قضائی قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۸. ماده (۱۱۲۲) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفا وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. عنن، به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود.

۲. خصا.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی.

نایب رئیس. حضار ۱۸۶ نفر، موافقان با ماده (۲۸) قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۹. ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۳۰. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند.

چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

نایب رئیس. حضار ۱۸۶ نفر، موافقان با ماده (۲۹) قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۰. ماده (۱۲۰۵) قانون مدنی به شرح زیر

اصلاح می‌گردد:

ماده (۱۲۰۵). در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه برعهده او است ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل خارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به‌عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید.

نایب رئیس. این با توجه به متن فتوای حضرت امام رضوان الله علیه و سلام الله علیه در تحریر الوسيله تنظیم شده است.

احمد نیکفر. منظور همسر دیگرش است.

نایب رئیس. بله، یا خود شوهر این کار را بکند یا یک کس دیگر.

آقای اصغری شما این ماده را با متن قبلی بخوانید و توضیح هم بدهید.

محمد اصغری (میر کمیسیون امور قضائی و حقوقی). ماده (۱۲۰۵) قبلاً به این صورت بوده، البته قلیل اللفظ و کثیر المعنا، منتها کمیسیون یک مقدار ماده را باز کرده.

ماده (۱۲۰۵) قبلی این بوده، واجب‌النفقة اعم از زوجه و اقارب می‌تواند برای مطالبه نفقه خود به محکمه رجوع کند. کل ماده (۱۲۰۵) این است که واجب‌النفقة می‌تواند برای گرفتن نفقه خود و مطالبه غیرنفقه به دادگاه مراجعه کند.

کمیسیون یک مقدار ماده را وسیعتر و بازتر کرده «در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه»

یعنی ممکن است غایب باشد، ممکن است مستنکف باشد ولی حاضر است.

چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه برعهده او است ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل خارج آنان قرار دهد.

همان‌طوری که حاج آقا بیات فرمودند کمیسیون در

این زمینه به فتوای حضرت امام مراجعه کرده و در صورت استنکاف یا غیبت به دادگاه اجازه داده که بتواند از اموال کسی که باید نفقه بدهد بردارد و ایفای وظیفه بکند و در صورتی که اموال غایب با مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه میتواند نفقه را به عنوان قرض بردارد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید. یعنی در هیچ صورت افراد واجبالنفقه نباید بلامتکلیف باشند. اگر غایب باشد یا مستنکف یا حتی اموالی نداشته باشد، یا اموالش در دسترس نباشد شخصی که میتواند اقدامی بکند مثل همسر یا اقارب حتی به صورت قرض میتوانند به افراد واجبالنفقه بپردازند و بعداً از اموال کسی که ملزم به دادن نفقه است پرداخت^۱ نمایند.

نایب رئیس. این چون در تحریر، در فتوای حضرت امام پیش‌بینی شده بود ما عین آن را ترجمه کردیم. حضار ۱۸۶ نفر، موافقان با ماده (۳۰) قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۱. ماده (۱۲۱۰) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲. اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

نایب رئیس. حضار ۱۸۶ نفر، موافقان با ماده (۳۱) و دو تبصره اش قیام بفرمایند.

۱. در متن فوق به جای عبارت «پرداخت» عبارت «دریافت» یا «مطالبه» صحیح به نظر می‌رسد.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۲. ماده (۱۲۱۹) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۱۹. هریک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیام معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم به عمل آورد.

نایب رئیس. آقای اصغری تفاوت جزئی که این ماده با قبلی پیدا کرده این را توضیح بدهید که نمایندگان در جریان باشند.

سید محمد اصغری (نایب رئیس): امور قضائی و حقوقی.

ماده (۱۲۱۹) قبلاً به این صورت بوده: «هریک از

ابوین مکلفند در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیام معین شود مراتب را به مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده و از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم به عمل آورد.» در بعضی

موارد خود ابوین هم مکلفند که برای افراد که باید نصب قیم بشود به دادگاه اطلاع بدهند. ممکن است خود ابوین صلاحیت قیمومت را نداشته باشند. در این صورت مکلف کرده. در ماده قبلی مدعی‌العموم بوده و حوزه بدایت و حوزه اقامت بوده این اصطلاح را، ما الان مدعی‌العموم را به عنوان «دادستان» در ماده ذکر کردیم این اصلاح

عبارتی است مدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت هم الان نداریم یعنی مدعی‌العمومی که دادستان باشد قبلاً اصطلاح مدعی‌العموم بدایت بود، این اصلاح عبارتی هم در ماده انجام گرفته است.

نایب رئیس. در واقع اصلاح عبارتی است. حضار ۱۸۸ نفر، موافقان با ماده (۳۲) قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده (۳۳) را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۳. ماده (۱۲۲۲) قانون مدنی به شرح زیر

اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی که دادستان به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده (۱۲۱۸) باید

برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌داند به آن دادگاه معرفی کند. دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه مذکور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را تعیین کند. اگر دادگاه مدنی خاص اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید، اشخاص دیگری را از دادرها خواهد خواست.

منشی. آقای موحدی ساوجی پیشنهاد کرده‌اند که کلمه «از دادرها» حذف شود، آقای موحدی بفرمایید.

علی موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم.

اینجا محدود کردن دادگاه و سلب اختیار از دادگاه که خودش نتواند افراد معتمدی را به عنوان ناظر یا به عنوان قیم تعیین کند و حتماً باید از طریق دادرها این افراد معرفی بشوند این هم مغایر شرع است و هم اینکه باعث کندي کارها می‌شود.

خوب يك وقت طرف از ابتدا می‌آید و دادخواستی را به دادرها می‌دهد و دادرها و دادستان بررسی می‌کند به دادگاه مدنی خاص ارجاع می‌دهد فرض کنید مسأله فردی که سفاهت دارد یا صغیر است یا نیاز به قیم دارد. اما افرادی را هم به عنوان قیم معرفی می‌کند اشکالی ندارد، آن ابتدای امر است یا پرونده به دادگاه ارجاع می‌شود. اما در آنجایی که اشخاصی را دادستان و دادرها به دادگاه مدنی خاص معرفی کرده ولي آنها را معتمد ندیده و افراد مورد تأیید دادگاه مدنی خاص نیستند. (افرادی که معرفی شده‌اند) چرا شما دومرتبه هم باعث بوروکراسی و تأخیر رسیدگی به پرونده‌ها می‌شوید می‌گویید حتماً دوباره دادرها افرادی را معرفی کند. خود دادگاه می‌تواند دو مرتبه از دادرها بخواهد و رأساً

افراد را اگر می‌شناسد به عنوان قیم و ناظر تعیین بکند. بنابراین کلمه «از دادسرا» حذف بشود.

منشی. مخالف، آقای انصاری:

مجید انصاری. بسم الله الرحمن الرحيم.

این که آقای موحدی فرمودند خلاف شرع است من متوجه نشدم کجای این مطلب خلاف شرع است اگر ما روال اجرایی مشخصی را برای امور قضائی تعیین نکنیم خلاف شرع نیست و دادسرا ضوابطی دارد و به عنوان یک ارگان رسمی در خدمت مجموعه قوه قضائیه و محاکم عمل می‌کنند. تعیین قید «از دادسرا» امور را منظم می‌کند و از پراکندگی کار و اعمال سلیقه‌ها و مسایلی از این مقوله جلوگیری به عمل می‌آورد. لذا به نظر من از طریق دادسرا باشد کار را منظم‌تر و بهتر می‌کند. با حذف مخالفم.

نایب رئیس. آقای الحسینی، موافق:

الحسینی. صحبت نمی‌کنم.

نایب رئیس. کمیسیون:

محمد اصغری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی). اگر با استدلالی که آقای موحدی فرمودند پیش برویم اکثر مواردی که دادستان در مواد هست باید بگوییم که چرا «دادستان»؟

دادستان در لسان قانون مدنی همان اصطلاح مدعی‌العموم قبلی است که در واقع حاکم است حالا حاکم شرع می‌گوییم همان «الحاکم ولی الممتنع» بعضی مواقع است که خود پدر که باید برای صغار تقاضای قیم بکند اصلاً خودش مجبور است، خودش سفيه است این است که بیشتر در امور حسبيه وظيفه را قانونگذار به عهده دادستان گذاشته. دادستان به عنوان مدعی‌العموم بیايد برای صغار تقاضا بکند غبطه و مصلحت آنها را در نظر بگیرد. دادگاه هم همیشه افراد یا ابوين را پیدا نمی‌کند دادستان را به عنوان مدعی‌العموم و حافظ نظم عمومی، طرف خطاب قرار می‌دهد. مسلماً از این نظر هم به نفع صغار است هم وظیفه‌ای برای دادستان مشخص شده هم بیشتر در دسترس دادگاه است. علی‌هذا عین ماده اگر

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۹۳

باشد كه از دادستان بخواهد هم راحت‌تر است و هم نزديك به مصلحت.

نایب رئیس. دولت:

عمید اسماعیل شوشتری (وزیر دادگستری).

بسم الله الرحمن الرحيم.

بحث در اینجا عبارت از این است كه معرفی‌كننده دادستان است چون در تشكیلات از گذشته و در حال حاضر ما قسمتی به نام دایره سرپرستی داریم، این دایره سرپرستی در تشكیلات در دادسرا است یعنی یکی از معاونین دادستان مسئولیت آنجا را دارد و او هست كه در كل کشور و شهرستان‌ها نظارت بر امور صغار را مخصوصاً امور یتیم‌موت و امثال اینها را به عهده دارد. خوب دادستان افرادی را به دادگاه معرفی می‌کند یا دادگاه این افراد را^۱ مورد اعتماد می‌بیند كه حكم می‌کند. اگر ناظر هم خواست ضمیمه می‌کند. اما اگر اینها مورد اعتماد دادگاه نبودند اینجا از دادسرا می‌خواهد كه افراد دیگری را معرفی کند. پس این از دادسرا خواستن طبق قاعده است دادگاه نمی‌تواند افراد را شناسایی بکند، به امور آشنا نیست و به اصطلاح قاضی نشسته است اما آنكه در ارتباط با مسایل است، دادسرا است و این دایره سرپرستی است كه باید افراد دیگری را معرفی بکند. و علی‌القاعده باید به همین کیفیت هم بماند.

نایب رئیس. حضار ۱۸۱ نفر، پیشنهاد آقای موحدي ساوجي این است كه كلمه «از دادسرا^۲» حذف بشود.

موافقان با پیشنهاد آقای موحدي ساوجي قیام کنند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد. اصل ماده را برای رأی گیری بخوانید.

منشی. ماده قبلاً قرائت شده.

نایب رئیس. حضار ۱۸۱ نفر، موافقان با ماده (۳۳)

1. در متن فوق عبارت «در» بعد از عبارت «را» حذف گردید.

2. در متن فوق عبارت «از دادسرا» جایگزین عبارت «دادسرا» گردید.

مصوبه کمیسیون قضائی قیام بفرمایید. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۴. ماده (۱۲۲۳) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانی، دادستان قبلاً باید رجوع به خیره کرده نظریات خیره را به دادگاه مدنی خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون، دادستان به دادگاه رجوع می‌کند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غررشید نیز دادستان مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او به دست آورده و در صورتی که سفاهت را مسلم دید در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید. **نایب رئیس.** حضار ۱۸۰ نفر، موافقان با ماده (۳۴) مصوبه کمیسیون قضائی قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۵. ماده (۱۲۲۷) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد^۱ رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد. **نایب رئیس.** حضار ۱۸۲ نفر، موافقان با ماده (۳۵) قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۶. ماده (۱۲۲۸) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران کنسول ایران و یا

۱. در متن فوق عبارت «اسناد» بعد از عبارت «دفاتر» اضافه شد. در لایحه تقدیمی دولت و گزارشات بعدی کمیسیون امور قضایی و حقوقی نیز عبارت «اسناد» وجود دارد.

جانشين وي مي‌تواند نسبت به ايرانياني كه بايد مطابق ماده (۱۲۱۸) براي آنها قيم نصب شود و در حوزه مأموريت او ساكن يا مقيم‌اند موقتاً نصب قيم كند. و بايد تا ده روز پس از نصب قيم مدارك عمل خود را به وسيله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستري بفرستد. نصب قيم مزبور وقتي قطعي مي‌گردد كه دادگاه مدني خاص تهران تصميم كنسول يا جانشين او را تنفيذ كند.

نائب رئيس. حضار ۱۸۱ نفر، موافقان با ماده (۳۶) قيام بفرمايند.
(اكثّر برخاستند) تصويب شد. ماده بعدي را بخوانيد.

(به شرح زير خوانده شد)
ماده ۳۷. ماده (۱۲۳۶) قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۲۳۶. قيم مكلف است قبل از مداخله در امور مالي مولي‌عليه صورت جامعي از كليّه دارايي او تهيه كرده يك نسخه از آن را به امضاي خود براي دادستاني كه مولي‌عليه در حوزه آن سكونت دارد، بفرستد و دادستان يا نماينده او بايد نسبت به ميزان دارايي مولي‌عليه تحقيقات لازمه را به عمل آورد.

نائب رئيس. حضار ۱۸۳ نفر، موافقان با ماده (۳۷) قيام بفرمايند.
(اكثّر برخاستند) تصويب شد. ماده بعدي را بخوانيد.

(به شرح زير خوانده شد)
ماده ۳۸. ماده (۱۲۴۳) قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه دادستان مي‌تواند از دادگاه مدني خاص تقاضا كند كه از قيم تضميناتي راجع به اداره اموال مولي‌عليه بخواهد. تعيين نوع تضمين به نظر دادگاه است. هرگاه قيم براي دادن تضمين حاضر نشد از قيمومت عزل مي‌شود.

نائب رئيس. حضار ۱۸۳ نفر، موافقان با ماده (۳۸) قيام بفرمايند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۳۹. ماده (۱۲۵۴)^۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۵۴. خروج از قیومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید، تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط دادستان حوزه‌ای که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص همان حوزه داده شود.

نایب رئیس. حضار ۱۸۵ نفر، موافقان با ماده (۳۹) قیام کنند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی قرائت شود.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۴۰. ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی حذف می‌گردد.

ماده (۱۳۰۶) این است: جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و

تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

نایب رئیس. آقای اصغری کمی توضیح دهید.

سیدمحمد اصغری (مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

مواد ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ - ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱، این پنج ماده حذف شده. علت اصلی اعتبار شهادت در فقه اسلامی است یعنی در فقه ما براساس موازین

۱. در متن فوق شماره «۱۲۵۴» جایگزین شماره «۱۲۵۱» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارش شور اول کمیسیون امور قضایی و حقوقی نیز شماره «۱۲۵۴» آمده است. ضمن اینکه متن مذکور با ماده «۱۲۵۴» قانون مدنی مطابقت دارد.

۲. در متن فوق شماره «۱۲۵۴» جایگزین شماره «۱۲۵۱» گردید. همان.

اسلامی شهادت شهود در مواردی که قیمت بیشتر از پانصد ریال هم باشد اعتبار^۱ دارد و می‌تواند نافذ باشد در تمام این مواردی که حذف شده به دلیل شهادت جز پایین‌تر از پانصد ریال اهمیتی نداده در حالی که از نظر فقه اسلامی شهادت اعتبار دارد و می‌تواند مثبت دعوی در این قضیه باشد.

علت و عمده اصلی حذف اینها همین بوده که به شهادت جز پانصد ریال اعتبار داده نشده، در حالی که در فقه ما اعتبار دارد و می‌تواند دلیل محکمی باشد.

موحدی ساوجی. این راهش نبود که کلش حذف شود بیشتر توضیح بدهید.

محمد اصغری. اگر اجازه بدهید بخوانم.

نایب رئیس. آقای اصغری شما اصل ماده را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۳۰۷^۲ در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحو از انحای قانونی بری شده است نمی‌تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت ثابت کند.

سید محمد اصغری. از اینکه فقط مسأله شهادت را خواسته نمی‌کند ماده قابل اصلاح هم نیست. ماده بعدی را هم که حذف شده است می‌خوانم:

(به شرح زیر خواندند)

ماده ۱۳۰۸. دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین، اقاله^۳، فسخ، ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت قابل اثبات نیست.

سید محمد اصغری. یعنی باز کل پیام این ماده این

۱. در متن فوق عبارت «را» بعد از عبارت «اعتبار» حذف گردید.

۲. در متن فوق شماره «۱۳۰۷» جایگزین شماره «۱۳۷۰» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «اقاله» جایگزین عبارت «اقامه» گردید.

است که به شهادت اعتباری نمی‌دهد. ماده (۱۳۱۰) را که باز حذف شده است می‌خوانم:

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۳۱۰. اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع یا تعهدی بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان آن را فقط به وسیله شهود اثبات کرد. اگرچه مدعی دعوی خود را به پانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرف نظر کند.

سید محمد اصغری. همان‌طوی که ملاحظه می‌فرمایید در تمام این ۴۰ ماده‌ای که حذف شده کلاً مشکل و اختلاف نظر این بوده که شهادت در مواردی که بیش از پانصد ریال باشد قابل عمل نیست در حالی که این کاملاً مخالف فقه ما است.

نایب رئیس. همان‌طوری که جناب آقای اصغری فرمودند این عبارت خوانده شد و دیده شد که قابل اصلاح نیست. این طور نیست که ما یک کلمه را برداریم و قابل اصلاح باشد.

حاضر ۱۸۶ نفر، موافقان ماده (۴۰) کمیسیون که حذف ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی است قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

ماده بعدی هم توضیحش همین بود چون توجیه دیگری ما نداشتیم چون خلاف شرع بود.

حاضر ۱۸۶ نفر، موافقان ماده (۴۱) کمیسیون که پیشنهاد حذف ماده (۱۳۰۷) قانون مدنی است قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را مطرح کنید.

(به شرح زیر خواندند)

ماده ۴۲. ماده (۱۳۰۸) قانون مدنی حذف می‌گردد.

منشی. متن ماده هم قرائت شد.

نایب رئیس. توضیح هم همان است که آقای اصغری فرمودند. حاضر ۱۸۵ نفر، موافقان با حذف ماده (۱۳۰۸) قانون مدنی که ماده (۴۲) مصوبه کمیسیون قضائی است قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۴۳. ماده (۱۳۱۰) قانون مدنی حذف می‌گردد متن

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۸۹۹

ماده قرائت شده .
نایب رئیس. همینطور که قبلاً توضیح دادم توضیح همان است که آقای اصغری فرمودند.
رقم، رقم سابق (۱۸۵ نفر) موافقان با ماده (۴۳) که پیشنهاد حذف ماده (۱۳۱۰) قانون مدنی است قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)
ماده ۴۴. ماده (۱۳۱۱) قانون مدنی حذف می‌گردد.
ماده ۱۳۱۱. این است: قیمت پانصد ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد منوط است نه موقع مطالبه. ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منوط قیمت روز مطالبه است، استدلال همان استدلال گذشته است.

نایب رئیس. استدلال همان استدلال است منتها اینجا بیان دیگری دارد. عزیزان اگر يك ربع تحمل کنند، چهار، پنج تا ماده دیگر باقی مانده که آنها را هم رأی‌گیری کنیم تمام بشود.
موافقان با تعدید حداکثر يك ربع وقت قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد.
ما يك طرح يك فوریتی داریم تحمل بفرمایید. (مهمه نمایندگان) پس اجازه بفرمایید این حذقی را که ما می‌خواندیم رأی‌گیری بکنیم. حضار ۱۸۷ نفر، موافقان با ماده (۴۴) که پیشنهاد حذف ماده (۱۳۱۱) قانون مدنی است قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۷۰/۶/۲۵، جلسه ۳۸۳ مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۰

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۴۸ مورخ

۱۳۷۰/۶/۲۵)

جلسه ۳۸۳ مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۰

۷. تصویب بقیه مواد اصلاحی قانون مدنی

نایب رئیس. دستور بعدی را مطرح کنید.
منشی (الویری). دستور بعدی، دنباله رسیدگی به

گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی در خصوص لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی است.

نایب رئیس. آقای الویری شما ماده و تبصره ها را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۴۵. ماده (۱۳۱۳) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۱۳۱۳. در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره ۱. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

تبصره ۲. شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق رد دعوا داشته باشد و نیز شهادت اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند پذیرفته نمی شود.

نایب رئیس. آقای اصغری بفرمایید کمی توضیح بدهید.

سید محمد اصغری (مخیر کمیسیون امور قضائی و حقوقی). ماده (۴۵) که در واقع ماده (۱۳۱۳) مکرر است. نه تنها در ماده قبلی (۱۳۱۳) تغییر ایجاد نشده بلکه اصلاً همان است و این را با توجه به موازین شرعی کمیسیون بحث کرده و اضافه شده و مورد قبول هم هست. اگر ایرادی در قضیه است یا توضیح بیشتری می خواهد من عرض کنم. اما بلوغ و عقل و عدالت و ایمان و طهارت مولد در شاهد شرط است یک امر فقهی مسلمی است.

در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ایمان - طهارت مولد شرط است.

تبصره (۱). عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

تبصره (۲). شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یعنی به هر حال شاهد نباید در مورد شهادت خودش نفعی داشته باشد. این هم که امر مسلم، شرعی است.

نایب رئیس. که خلاف مروت و اینها است دیگر، شاهد کاری نکند که ... این را در مورد امام جماعت و اینها هم گفته اند که امام جماعت عادل باشد. یکی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۰۱

از شرایط عدالت این است که خلاف مروت کاری انجام ندهد. تکدی شاهد خلاف مروت است طبیعی است که عدالت او را در نزد قاضی زیر سؤال می‌برد. حضرت آقای پناهنده که کاملاً در جریان است الحمدلله! حضار ۱۸۲ نفر، موافقان با اصل ماده مصوب کمیسیون قضائی قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۴۶. ماده (۱۳۲۸) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۳۲۸. کسی که قسم متوجه او شده است، در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید با سوگند مدعی، به حکم حاکم مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است، محکوم می‌گردد.

نایب رئیس. آقای اصغری، این قانون مسلم فقهی است لطف کنید این را يك کمی توضیح دهید.

سیدمحمد اصغری (مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی). ماده (۴۶) - ماده (۱۳۲۸) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود. اصل ماده (۱۳۲۸) قانون مدنی را بنده می‌خوانم: «کسی که قسم متوجه او شده است، در

صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است، محکوم می‌گردد.»

فقط سطر آخر این ماده به این صورت اصلاح شده است:

کسی که قسم متوجه او شده است، به اصطلاح

۱. در متن فوق شماره «۱۳۲۸» جایگزین شماره «۱۲۳۸» گردید.

«البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» کسی که منکر است، در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند. یعنی منکر یا باید قسم یاد بکند یا اینکه بگوید من قسم نمی‌خورم طرف دعوا یا مدعی باید قسم یاد بکند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید یا سوگند مدعی و حکم حاکم مدعی علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد.

در این قسمت با سوگند مدعی، یعنی مدعی که علی‌القاعده قسم به عهده او نیست، مدعی سوگند یاد می‌کند و به حکم حاکم مدعی علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن قائم شده محکوم می‌شود.

در این صورت اگر منکر قسم یاد نکند و قسم را رد کند به طرف مدعی و حاکم^۱ و مدعی قسم بخورد یا سوگند مدعی به حکم حاکم، مدعی علیه بی‌حق می‌شود، علیه او حکم صادر شد. (علی پناهنده - حکم حاکم چه لزومی دارد به صورت طبیعی هم اگر قسم را رد کرد محکوم است) یعنی حاکم حکم می‌کند که مدعی خودش سوگند یاد بکند.

نایب رئیس. اصلاً آقای پناهنده عنایت کنند یعنی بینه همه اینها باید در محکمه انجام بگیرد، چون اینها جز تشریفات محکمه است. اگر در محکمه نباشد

این دیگر اعتبار ندارد. بعد از آنکه یمین را منکر به مدعی رد کرد یعنی این را رد می‌گویند که در اصطلاحات فقهی داریم، بعد از آنکه مدعی قسم یاد کرد حاکم حکمش را طبق آن یمین صادر می‌کند و احکام هم بر او وارد می‌شود.

سید محمد امیری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی). نکته‌ای که حاج آقا بیات فرمودند دقیقاً همین است. در ماده (۱۳۲۸) قبلی این آخرین فراز از ماده

۱. به نظر می‌رسد در متن فوق عبارت «و حاکم» اضافی است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۰۳

كه به حكم حاكم مدعي بايد قسم ياد بكنند نبود و اين طبق موازين شرعي خلاف بود كه اضافه شد.
نايب رئيس. حضار ۱۸۳ نفر، موافقان با اصل ماده (۴۶) مصوب كميسيون قضائي با توجه به اصلاحاتي كه در قانون مدني انجام داده قيام بفرمايند.
(اكثـر برخاستند) تصويب شد. ماده بعدي را بخوانيد.

(به شرح زير خوانده شد)
ماده ۴۷. ماده زير به عنوان ماده (۱۳۲۸) مكرر به قانون مدني اضافه ميگردد:

ماده ۱۳۲۸ مكرر. دادگاه ميتواند نظر به اهميت موضوع دعوي و شخصيت طرفين و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد كه قسم با تشريفات خاص مذهبي ياد شود يا آن را به نحو ديگر تغليظ نمايد.
تبصره. چنانچه كسي كه قسم به او متوجه شده تشريفات تغليظ را قبول نكند و قسم بخورد ناكل محسوب نميشود.

نايب رئيس. آقاي اصغري بفرماييد.
سيد محمد اصغري (مخبر كميسيون امور قضائي و حقوقي). ماده (۴۷) به عنوان ماده (۱۳۲۸) مكرر به قانون مدني اضافه شده است.

در واقع مربوط به تشريفات سوگند خوردن است كه اگر قاضي و حاكم دادگاه احساس بكنند كه قسم خوردن اگر با تشريفات خاصي باشد، با تغليظ باشد. در يك محيط خاصي باشد، در يك مكان مذهبي باشد و تأثير بيشترى دارد امر به تغليظ ميكنند و اين با موازين شرعي ما مطابق است كه قبلاً در قانون مدني نبود.

عين ماده مكرر كه تصويب شده اين است:
دادگاه ميتواند نظر به اهميت موضوع دعوي و شخصيت طرفين و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد كه قسم با تشريفات خاص مذهبي ياد شود، يا آن را به نحو ديگري تغليظ نمايد.

تبصره. چنانچه كسي كه قسم به او متوجه شده تشريفات تغليظ را قبول نكند يعني حاضر نيست مثلاً در يك مكان مقدسي در زيارتگاهي برود قسم بخورد تشريفات تغليظ را قبول نكند و قسم بخورد ناكل

محسوب نمی‌شود. نکول کننده نیست. یعنی می‌تواند این کار را بکند که بگوید من در یک جای مشخصی با تشریفات مشخصی نمی‌خواهم قسم بخورم در همین دادگاه قسم می‌خورم که این اضافه شده و مطابق موازین فقهی ما است.

نایب رئیس. حضار ۱۸۰ نفر، موافقان با اصل ماده (۴۷) قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده ۴۸. ماده (۱۳۳۵) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدعی نزد حاکم به موجب دلائل مذکور در کتاب‌های اول تا چهارم جلد سوم این قانون ثابت نشده است.

در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید.

موحدی ساوجی. وقتی ممکن است که ثابت نشده باشد.

نایب رئیس. آقای اصغری این اصلاح عبارتی را بفرمایید به جای «نشده است» بگویید «نشده باشد»

بفرمایید.

محمد اصغری (مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

ماده (۴۸) — ماده (۱۳۳۵) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد. در ماده (۱۳۳۵) قبلی سلسله مواردی آمده بود که عنوان شده بود که در دعوی ذیل قسم مورد ندارد. یعنی یک سلسله مواردی را آورده بود در پنج، شش بند و گفته بود که این موارد با قسم قابل اثبات نیست. آن موارد اینها بودند:

۱. دعوی که یک طرف آن اشخاص حقوقی مثل

۱. در متن فوق عبارت «ثابت» جایگزین عبارت «ساقط» گردید. در لایحه تقدیمی و گزارشات بعدی کمیسیون امور قضایی و حقوقی عبارت «ثابت» آمده است.

ادارات دولتي و شركتها هستند.

۲. دعاوي راجع به ضرر و زيان ناشي از جرم و خسارت ناشي از محكمه.

۳. دعاوي تصرف عدواني.

۴. دعاوي مزاحمت در صورتي كه منتهي به اختلاف در حقي كه موجب مزاحمت شده است نباشد.

۵. دعاوي راجع به اصل امتيازاتي كه از طرف دولت داده مي شود.

۶. دعاوي راجع به علائم صنعتي و اسم و علائم تجارتي و حق التصنيف و حق اختراع و امثال اينها.

اين پنج مورد را آورده بودند و گفته بودند كه در اين پنج مورد قسم مي تواند جريان داشته باشد در حالي كه اين مسأله خلاف موازين فقهي ما هست.

آنچه كه ما در فقه مان داريم اين است كه اگر دليل محكمي نباشد، اگر قاضي به علم نرسد، اگر سندي وجود نداشته باشد، اگر شهادت شهود در قضيه نباشد، در آن مواردی كه دليلي نيست حاكم موظف است كه به قسم رجوع بكنند يا ارجاع به قسم بدهد.

به اصطلاح ملاك شرعي و وجه شرعي آن همين است كه در ماده آمده، نه استثنا پنج موردی كه مربوط به شركتها، حق اختراع و اينها است.

علي هذا اين ماده كلاً عوض شده و آنچه كه در كميسيون به تصويب رسیده اين است:

توسل به قسم وقتي ممكن است كه دعاوي مدعي نزد حاكم به موجب دلايل مذكور در كتابهاي اول تا چهارم جلد سوم اين قانون ثابت نشده است^۱. يعني نتوانستند ثابت كنند با ادله اثبات دعوايي كه در قانون مدني است قسم در آنجا جريان پيدا مي كند. در اين صورت مدعي مي تواند حكم به دعاوي خود را كه

۱. در متن فوق به جاي عبارت «است» عبارت «باشد» صحيح به نظر مي رسد. در لايحه تقديمي و گزارشات بعدي كميسيون امور قضايي و حقوقي از عبارت «باشد» استفاده شده است. در چند سطر قبل نيز پيرامون اين واژه بحث شده است.

مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید.
 قیدی قائل نشده و مورد خاصی را نیاورده، آنجا
 که دلیلی نیست ارجاع به قسم داده.
سیدمصطفی فارغ. علائم ثبت تجاری و علائم ثبت
 اختراعات و اکتشافات و صنایع جزاً برنامه‌های شرعی
 نیستند.
نایب رئیس. به همین دلیل حذف شده است.
 حضار ۱۸۱ نفر، موافقان با ماده (۴۸) مصوب
 کمیسیون قضائی قیام بفرمایند.
 (اکثر برخاستند) تصویب شد.
 خوب الحمدلله این قانون^۱ هم تمام شد.

شماره ۱۷۰۴ تاریخ

۱۳۷۰/۶/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
 عطف به نامه شماره ۲۳۳۱ - ق مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۲ و پیرو
 نامه شماره ۱۶۵۸ مورخ ۱۳۷۰/۵/۳۰:
 لایحه^۲ اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب جلسه
 مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۰ مجلس شورای اسلامی در جلسات شورای
 نگهبان مطرح گردید و پس از بحث و بررسی نظر شورا
 به شرح ذیل اعلام می‌گردد:
 ۱. تبصره ۱ ماده ۱ که روزنامه رسمی را موظف
 نموده در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا
 ابلاغ قانون نسبت به انتشار قانون مبادرت ورزد

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از طی مراحل قانونی صحیح
 به نظر نمی‌رسد. عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
۲. در متن فوق به جای عبارت «لایحه» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح
 به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۰۷

از آن جهت كه روزنامه رسمي مقام رسمي و اجرايي نيست و پيش‌پيني نشده چه مقام صلاحيتدار رسمي در صورت استنكاف رئيس جمهور نسبت به ابلاغ و دستور انتشار قانون اقدام نمايد، مغاير اصول ۵۸، ۱۲۳ و ۱۲۵ قانون اساسي شناخته شد.

۲. در ماده ۴ و ۵ چون موضوع حكم شرعي درهم و كمتر از آن است ونقره خام درهم نيست بنابراين بايد كلمه (۱۲/۶ نخود نقره) به اين صورت اصلاح شود «يك درهم كه وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره است».

۳. در ماده ۸ (۲۱۸ مكرر) شمول قرار توقيف اموال بدهكار از سوي دادگاه نسبت به اموال زايد بر بدهي او خلاف موازين شرعي است و بايد قيد شود كه دادگاه ميتواند اموال بدهكار را به ميزان طلب توقيف نمايد.

۴. در ماده ۱۴ (۷۴۷) مقيد كردن برائت كفيل را به اشهاد يا مراجعه به حاكم مغاير موازين شرع است.

۵. بند ۴ ماده ۱۹ (۹۸۲) در خصوص عضويت در مجلس خبرگان از آن جهت كه طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسي تعيين شرايط خبرگان و كيفيت انتخاب آنها به عهده خود آنان است مغاير قانون اساسي شناخته شد.

۶. در ماده ۲۶ (۱۰۴۳)

الف: عبارت نكاح دختری كه هنوز شوهر نكرده با توجه به مفهومي كه از آن به دست مي‌آيد مغاير موازين شرع است. بايد قيد شود «... نكاح دختر باكره ...».

ب: و نيز الزام دختر به مراجعه به دادگاه و گرفتن اذن در صورت مضايقه ولي از دادن اجازه بدون علت موجه با موازين شرع مغاير است.

۷. در ماده ۲۷ (۱۰۴۴) نيز الزام مراجعه دختر به دادگاه و استيذان از آن در صورت حاضر نبودن ولي در محل و عدم امكان استيذان، مغاير موازين شرعي است، البته ميتوان براي ثبت نكاح، گرفتن اجازه، از دادگاه را الزامي كرد.

۸. در ماده ۲۸ (۱۱۲۲) قيد ... كه مانع از

ایفا وظیفه زناشویی باشد ... از آن جهت که ناظر به بند ۲ ماده مزبور نیز می‌باشد مغایر موازین شرع شناخته شد. قید مزبور می‌تواند به دنبال بند ۳ ماده یاد شده ذکر گردد.

۹. با توجه به اینکه ماده ۱۲۰۹ در اصلاحیه سال ۱۳۶۱ حذف شده و هم اکنون در این مصوبه به حذف آن تصریح نشده است به قوت خود باقی و قابل اجرا می‌ماند در حالی که هم مفاد آن مغایر موازین شرع است و هم با ماده ۱۲۱۰ متناقض است بنابراین باید نسبت به حذف یا اصلاح آن اقدام گردد.

۱۰. در ماده ۴۵ (۱۳۱۳) با وجود ذکر شرط عدالت در شاهد، آوردن لفظ «اشخاص ولگرد» در تبصره ۲ محل است و باید حذف شود.

۱۱. در ماده ۴۸ دلایل مذکور در کتابهای دوم و چهارم^۱ باید تقید شود به صورتی که موجب علم گردد و گرنه اطلاق آن خلاف موازین شرع است. ضمناً یادآوری می‌شود که:

الف: برای رفع هرگونه ابهامی در ماده ۱ باید همانند اصل ۱۲۳ قانون اساسی قید شود: مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود البته اگر به جای مصوبات مجلس،

۱. در متون قبلی از عبارت «کتابهای اول تا چهارم» استفاده شده بود. اگر مراد شورای نگهبان، کتابهای دوم و چهارم یعنی «در اسناد - در امارات» باشد به صورت فوق صحیح است. اگر مراد ماده (۱۳۳۵) اصلاحی است، در آن ماده به «کتابهای اول تا چهارم» اشاره شده است.

شورای نگهبان به ماده (۱۳۳۵) مصوب سال ۱۳۶۱ که با اندکی تفاوت مشابه ماده (۱۳۳۵) اصلاحی است، ایرادی وارد نکرده بود. مصوبه مذکور به این شرح است:

ماده ۱۳۳۵ - توسل به قسم وقتی ممکن است که دلائل مذکور در کتابهای اول تا چهارم جلد سوم این قانون برای اثبات مدعی موجود نباشد. در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است، منوط به قسم او نماید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۰۹

قوانين يا عبارت ديگري آورده شود كه همه پرسى را نيز شامل شود بهتر است.
ب: در ماده ۶۵۵ به جاي «در دوائيدن حيوانات سوارى» ... بايد بشود: «در مسابقه دادن با حيوانات سوارى ...»
ج: ضمناً در ماده ۱۶ (۸۸۱ مكرر) كلمه «وارث» غلط و «وراث» صحيح است. و در ماده ۲ (۲۶) ظاهراً حرف «و» در جلو كلمه «ذخيره» زايد است و همچنين كلمه اثائه به اثائيه صحيح گردد».

دبير شوراي نگهبان
محمد محمدى گيلاني

شماره ۱۳۷۰/۸/۲۸
تاريخ ۱۳۷۰/۸/۱۲

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۳۶۰۳ مورخ ۱۳۷۰/۸/۲۸)

جلسه ۴۱۶ مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۲
۸. تصويب اصلاحات كميسيون در خصوص لايحه ۱ اصلاح موادى

از قانون مدني براي تامين نظر شوراي محترم نگهبان نايب رئيس. دستور بعدي را مطرح كنيد.
منشي. گزارش كميسيون امور قضائى و حقوقى در خصوص لايحه اصلاح موادى از قانون مدني اعاده شده از شوراي نگهبان مطرح است بحير كميسيون قضائى گزارش را قرائت و بعد توضيح بفرمايند.
(به شرح زير خوانده شد)
گزارش از كميسيون امور قضائى و حقوقى به مجلس شوراي اسلامى

۱. به جاي عبارت «لايحه» عبارت «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب جلسه ۱۳۷۰/۵/۲۰ مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود در جلسات متعدد با حضور نماینده آن شورا مطرح و با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی. عباسعلی عمید زنجانی
سید محمد اصغری (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی).
بسم الله الرحمن الرحيم.

در حدود یازده یا دوازده مورد از اصلاحیه مواد قانون مدنی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود که کمیسیون امور قضائی با حضور نماینده شورای نگهبان موارد ایراد را بررسی و اصلاح کرد. عمده‌ترین مورد آن تبصره ماده (۱) بود قبلاً ماده به این صورت بود که مجلس تصویب و ابلاغ می‌کند ریاست جمهور بعد از پنج روز باید امضا

بکند و برای اجرا ارسال بکند و اگر استنکاف کرد چه می‌شود؟ اینکه اگر استنکاف کرد بعداً قانون چه سرنوشتی پیدا می‌کند، مورد ایراد قرار گرفته بود. ایراد شورای نگهبان این بود که روزنامه رسمی یک مرجع اجرایی و رسمی نیست. اگر از چاپ استنکاف کند چه می‌شود در تبصره آمده بود که خود روزنامه رسمی قانون را چاپ می‌کند و به اطلاع عموم می‌رساند. باید مجلس یک مرجعی را در صورت استنکاف ریاست جمهوری مشخص کند. با صلاحدید عضو شورای نگهبان به این صورت شد. یعنی مرجع خاص دیگری نبود یا باید مرجع قضائی این کار را می‌کرد یا مجلس و چون مجلس خودش تصویب کرده در مجموع با وجود اینکه تصور می‌رفت اشکال داشته باشد، این طور^۱

۱. در متن فوق عبارت «این طور» جایگزین عبارت «این جور» گردید.

تصويب شد كه در صورت استنكاف، رياست مجلس به روزنامه رسمي دستور مي‌دهد كه منتشر بكنند و تبصره به اين صورت در آمد «مصوبات مجلس شوراي اسلامي و نتيجه همه پرسی پس از طی مراحل قانوني به رئيس جمهور ابلاغ مي‌شود. رئيس جمهور بايد ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به جريان ابلاغ نمايد و دستور انتشار آن را صادر كند. (بيشتر بحث اين دستور انتشار بود) و روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت هفتاد و دو ساعت پس از ابلاغ منتشر نمايد.» اصل بحث در تبصره بود. قبل از تبصره اين بود: «در صورت استنكاف رئيس جمهور از امضا يا ابلاغ در مدت مذكور در ماده روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت هفتاد و دو ساعت مصوبه را چاپ و منتشر كند» اين «موظف است» مورد ايراد بود كه آن نه ارگان رسمي است و نه اجرائي. چه كسي روزنامه رسمي را در صورت استنكاف موظف مي‌كند؟ اصلاح به اين صورت در آمده: «در صورت استنكاف رئيس جمهور از امضا يا ابلاغ در مدت مذكور در اين ماده به دستور رئيس مجلس شوراي اسلامي روزنامه رسمي موظف است ظرف مدت هفتاد و دو ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نمايد.» اين نظر اكثريتي بود كه در كميسيون به تصويب رسيد با نظر نماينده محترم شوراي نگهبان. اين اولين ايراد بود.

نائب رئيس. مخالف دارد؟

عميد زنجاني. پيشنهاد حذف داريم.

نائب رئيس. بپيوريد پيشنهاد حذف در چه هنگامي است: در ذيل آيين‌نامه دارد كه اگر ماده يا تبصره اي با نظر شوراي نگهبان به كلي خاصيتش را از دست بدهد مي‌توانند پيشنهاد حذف بدهند، الان مذاكرات در شور دوم است شما فقط مي‌توانيد با اين اصلاح كميسيون مخالفت بكنيد.

عميد زنجاني. در شور دوم پيشنهادهاي مكتوب پذيرفته است اظهارنظر بايد توأم با پيشنهاد

باشد. مخالفت هم در صورتی است که نظر شورای نگهبان تأمین نشود.

نایب رئیس. خیر، این طور^۱ نیست معنی آن این است که شما با اصلاحی که کمیسیون برای تأمین نظر شورای نگهبان کرده است مخالف هستید. ممکن است کسی پیشنهادی داشته باشد که اصلاح بکند، دوباره برگردد اصلاح بشود. معنی آن این نیست که تأمین نشود.

عمید زنجانی. اجازه بدهید در مخالفت صحبت کنم.
نایب رئیس. مخالف اصلاح کمیسیون می‌توانید صحبت کنید، بفرمایید.

عمید زنجانی. بسم الله الرحمن الرحيم.
نمایندگان محترم باید توجه بفرمایند که در ماده (۱) لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی ما دو اشکال داریم که باید این دو اشکال در این قانون حل بشود:

اشکال اول این است که رئیس جمهور اگر از ابلاغ مصوبه به مسئولین اجرایی برای اجرا در مدت پنج روز استنکاف کند چه باید کرد؟

اشکال دوم این است که اگر رئیس جمهور از دستور نشر قانون در مدت پنج روز استنکاف کند چه کار باید کرد؟ دو تا مشکل است: یکی مشکل ابلاغ برای اجرا، یکی مشکل ابلاغ برای انتشار است. این

تبصره که کمیسیون با اکثریت تصویب کرده و جایگزین تبصره قبلی کرده مشکل اول را حل نمی‌کند. چون بالاخره بعد از استنکاف رئیس جمهور از ابلاغ مصوبه به مسئولین اجرایی، تبصره هیچ چیز نمی‌گوید تبصره ساکت است، چه کار باید کرد هم معلوم نیست. چه کار باید کرد؟ اما این تبصره آمده مشکل دوم را حل کرده، مشکل اینکه اگر رئیس جمهور از دستور نشر مصوبه استنکاف کند. تبصره آمد،

۱. در متن فوق عبارت «این طور» جایگزین عبارت «این جور» گردید.

اين طور^۱ حل کرده که خوب رئيس مجلس دستور مي‌دهد و طبق دستور رئيس مجلس روزنامه رسمي قانون را منتشر مي‌کند پس ملاحظه مي‌کنيد که اين تبصره فقط يك مشکل را حل مي‌کند نه هر دو مشکل را تازه اين مشکل را هم ناقص حل کرده در كميسيون هم گفته شد، عنايت بفرماييد وقتي رئيس جمهور از دستور نشر مصوبه استنكاف مي‌کند، البته چنين اتفاقي نمي‌افتد، فرضاً اتفاق بيفتد، رئيس مجلس چگونه مي‌تواند به روزنامه رسمي دستور بدهد؟ روزنامه رسمي جز مجموعه و زيرمجموعه قوه قضائيه است. رئيس مجلس رئيس قوه مقننه است. در قانون اساسي صراحتاً قواي حاکم در نظام مستقل اعلام شده، قواي سه‌گانه مستقل هستند، قوه اي در قوه ديگر نمي‌تواند دستور صادر کند، چطور رئيس مجلس مي‌تواند به جزئي از تشکيلات قوه قضائيه دستور بدهد که منتشر کنيد؟ اين دقيقاً نقض صريح قانون اساسي است در مورد استقلال قوا. تازه مشکلي را هم حل نخواهد کرد، بعد از آنکه مسأله در روزنامه رسمي منتشر شد، مشکل اساسي سرجاي خودش باقي است و آن مسأله اينکه مصوبه به اجرا درنيامده دقت بفرماييد اشکالي که شوراي محترم نگهبان گرفته، فقط به شکل قضيه است که روزنامه رسمي، يك مقام رسمي نيست که او را قانون موظف کند که منتشر کند. روزنامه رسمي کيست؟ اشکال، اشکال صوري و شکلي بوده ولکن (نايب رئيس - وقتتان تمام است) براي حل اين اشکال صوري كميسيون آمده يك مطلبي را اضافه کرده که نه تنها مشکل را حل نکرده با قانون اساسي و با استقلال قوا هم منافات دارد. اگر ما اين تبصره را نداشته باشيم، تبصره اصلي اين ماده کافي است. تبصره اصلي ماده مي‌گويد: «دولت موظف است تا چهل و هشت ساعت دستور بدهد اين مصوبه را منتشر بکند» خوب همان تبصره کافي است و اشکال شوراي نگهبان هم

۱. همان.

وارد نیست و احتیاجی به این اصلاح هم ما نخواهیم داشت. بنابراین من در یک جمله آخر خلاصه می‌کنم که رئیس مجلس نمی‌تواند به روزنامه رسمی دستور منتشر کردن مصوبه را صادر بکند.

نایب رئیس. موافق دارد؟ (اظهار نشد) کمیسیون: **سید محمد اصغری (مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی).**

بسم الله الرحمن الرحيم.

شاید در عالم نظر، نظر جناب آقای عمید زنجانی نظر خاصی باشد نمی‌گویم که قابل بحث نیست. آنچه که مسلم است این است که شورای محترم نگهبان به این تبصره ایراد کرده. شورای نگهبان می‌گوید شما که گفتید روزنامه رسمی موظف است، اینکه همین طور نمی‌شود. یک مقامی باید به او دستور بدهد، من عین ایراد شورای نگهبان را برای حضور ذهن نمایندگان محترم قرائت می‌کنم، نوشته‌اند که «در تبصره (۱) ماده

(۱) که روزنامه رسمی را موظف نموده در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ قانون نسبت

به انتشار قانون مبادرت ورزد، از آن جهت که روزنامه رسمی مقام رسمی و اجرایی نیست و پیش‌بینی نشده چه مقام صلاحیت‌دار رسمی در صورت استنکاف رئیس جمهور نسبت به ابلاغ و دستور انتشار قانون اقدام نماید، مغایر اصول ۵۸-۱۲۳-۱۲۵ قانون اساسی شناخته شد» این ایراد شورای محترم نگهبان هست و

این ایراد را کمیسیون قضائی باید به نحوی برطرف کند ما گفتیم در صورت استنکاف ریاست جمهور چه کسی به روزنامه رسمی دستور بدهد؟ این در اینجا حل شده. حلش به این بوده که یا بگوییم از رؤسای قوا، رئیس قوه قضائیه که قوه اجرایی آن هم نیست، یا رئیس مجلس، در مجموع بحث با حضور نماینده شورای نگهبان ما به اینجا رسیدیم که چون قانون مصوب مجلس شورای اسلامی است مورد تأیید شورای نگهبان هم واقع شده در صورت چنین مرحله‌ای که

۱. در متن فوق عبارت «همین طور» جایگزین عبارت «همین جور» گردید.

شايد ان شاء الله اصلاً پيش نيايد اينجا بهتر است كه در صورت استنكاف، رئيس مجلس بتواند با توجه به آن مكاني كه در نظام دارد، دستور بدهد كه آقا براي اطلاع مردم منتشر كن. اين به اين صورت حل شده و نماينده شوراي نگهبان هم بوده و چاره اي هم جز اين نداشتهيم. يعني شوراي نگهبان اين مقدار از اظهارنظر و اصلاح را پذيرفته. حالا اگر رئيس مجلس دستور ندهد، رئيس جمهوري هم استنكاف كند، چه بايد كرد؟ ممكن است يك عده بگويند خوب رئيس قوه قضائيه باشد، حالا ديگر خير هستيد. كميسيون قضائي با مشاركت عضو شوراي نگهبان به اين نظر رسيده كه در صورت چنين مسأله نادر وشاذي رئيس مجلس دستور مي دهد آقا منتشر كن، اين نظر كلي كميسيون قضائي است و به نظر ما هم بهتر از اين است كه مقام ديگري عنوان بكنند و السلام.

نايب رئيس. دولت:

محمدجعفر منتظري (معاون وزارت دادگستري).

بسم الله الرحمن الرحيم.

عمده اشكالي كه جناب آقاي عميد داشتند، اين مسأله است كه دستور رئيس مجلس به روزنامه رسمي جهت انتشار تداخل دو قوه است و اين را شوراي نگهبان خودش حضور داشته و با حضور شوراي نگهبان اين مسأله مطرح شده، اما من براي نمايندگان محترم اين جمله را عرض مي كنم. آنچه كه جناب آقاي عميد مطرح كردند مي خواهيم ببينيم كه حاصل آن چه مي شود. اگر چنانچه اين تبصره حذف بشود خواه ناخواه تبصره اصلي به قوت خودش باقي مي ماند. تبصره اصلي كه به قوت خودش باقي بماند، در آنجا دولت را موظف كرده كه اقدام به انتشار بكنند. امروز دولت مثل زمان تصويب آن قانون نيست كه از رئيس جمهور جدا باشد، در آن زمان دولت رئيس داشت كه نخست وزير بود و قانون رئيس دولت را موظف كرده بود كه اين قانون را منتشر بكنند. اما امروز كه نخست وزير نداريم و رئيس دولت همان رئيس جمهور خواهد بود، آيا اين تضاد پيش نمي آيد كه ما از يك طرف بگوييم رئيس جمهور موظف است كه ظرف فلان مقدار منتشر كند و اگر منتشر نكرده دولت

موظف است منتشر کند. دولت موظف است منتشر کند یعنی همان رئیس جمهور موظف است. و این در واقع یک مقداری موجه به نظر نمی‌رسد، بنابراین پیشنهاد ما این است که این تبصره به همین صورتی که در کمیسیون تصویب شده باقی بماند، نهایتاً باز به شورای محترم نگهبان خواهد رفت و اگر چنانچه شورای نگهبان آن ایرادی را که جناب آقای عمید زنجانی داشتند که مخالف قانون اساسی است، مخالف قانون اساسی شناخت، خوب خواه ناخواه اشکال می‌کند و برای اصلاح می‌آید. ولی فعلاً با پیشنهاد ایشان ما موافق^۱ هستیم.

نایب رئیس. حضار ۱۸۲ نفر، نمایندگانی که با اصلاح کمیسیون قضائی برای تأمین نظر شورای نگهبان در ماده (۱) لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی موافق هستند قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، روز شنبه مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۴، جلسه ۴۱۷، شماره ۱۳۶۰۷ مورخ ۱۳۷۰/۹/۳، تصویب اصلاحات کمیسیون درخصوص لایحه^۲ اصلاح مواد از قانون مدنی برای تأمین نظر شورای محترم نگهبان

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۰۷ مورخ ۱۳۷۰/۹/۳)
جلسه ۴۱۷ سه شنبه مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۴
۶. تصویب اصلاحات کمیسیون درخصوص لایحه^۲ اصلاح مواد از قانون مدنی برای تأمین نظر شورای محترم نگهبان

۱. به نظر می‌رسد به جای عبارت «موافق» عبارت «مخالف» صحیح باشد.
۲. به جای عبارت «لایحه» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

رئیس. دستور را شروع کنید.
منشی. اولین دستور دنباله رسیدگی به گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی درخصوص لایحه اصلاح موادی از قانون مدنی است. خبر کمیسیون جناب آقای اصغری بفرمایید.

سید محمد اصغری (خبر کمیسیون امور حقوقی و قضائی).
بسم الله الرحمن الرحيم.

لایحه ای^۱ که مطرح بود اصلاح موادی از قانون مدنی بود و اصلاح ایراداتی که شورای نگهبان گرفته. ایراد اول مطرح شد و رأی گری شد و رأی آورد. دومین ایرادی که شورای محترم نگهبان داشته و در کمیسیون مطرح شد این است که در ماده (۴) و (۵) موضوع حکم شرعی درهم هست. باید با درهم مقایسه بشود. در ماده (۴) و (۵) که ما داریم، به صورت خود نقره مسأله مطرح شده. این است که عین نظر شورای محترم نگهبان در اینجا اصلاح شده. آن ماده این است که هرکسی^۲ مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ خود نقره باشد میتواند آن را تملك کند، که به این صورت اصلاح شد:

«هرکسی^۲ مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از يك درهم که وزن آن ۱۲/۶ خود نقره باشد میتواند آن را تملك کند» موضوع حکم شرعی درهم است و عین این عبارت طبق نظر شورای نگهبان در ماده منعکس شد. این دومین ایراد شورای نگهبان بود.

قاسم معماري. فعلاً سنجش امور اقتصادی ما با دلار ۱۴۰ تومانی آمریکا است نه درهم هزار سال پیش.
اصغری. می دانم. موضوع حکم شرعی «درهم» است. شما شرعاً باید «درهم» را بیان کنید. معادلش را هم که

۱. همان.

۲. در متون قبلی به جای عبارت «کسی» از عبارت «کس» استفاده شده بود.

۳. همان.

۱۲/۶ نخود نقره است ما گفته ایم. رئیس. مخالف ندارد، موافق هم صحبت نمی‌کنند. حضار ۱۸۲ نفرند اصلاحیه کمیسیون برای تأمین نظر شورای نگهبان قرائت می‌شود. (به شرح زیر قرائت شد)
ماده (۴). ماده (۱۶۲) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۶۲. هرکسی^۱ مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره باشد می‌تواند آن را تملک کند.

رئیس. موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

آقای اصغری ادامه بدهید.

سید محمد اصغری (نخبر کمیسیون امور حقوقی و قضائی). البته ریاست محترم مجلس اجازه می‌دهند که من نکته‌ای را عرض کنم در مواردی که صریحاً دستور فقهی و شرعی هست دیگر برادرمان آقای معماري چیزی نگویند. این عین آن چیزی است که شرعاً باید می‌آوردیم، ربطی هم به اقتصاد و اینها ندارد. ایراد بعدی شورای نگهبان این است که در ماده (۸) می‌گوید: شمول قرار توقیف اموال بدهکار از سوی دادگاه نسبت به اموال زاید بر بدهی خلاف قانون^۲ است.

یک کسی مقداری، مبلغی بدهی دارد اگر ما بیایم به اندازه بدهی آن آدم از اموالش توقیف کنیم خلافی نیست ولی اگر بیش از بدهی تمام اموال کسی توقیف بشود خلاف شرع است. تمام سخن این است که به اندازه بدهی شخص باید از اموال او توقیف بشود.

ماده (۸). هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده، دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از

۱. همان.

۲. در بند ۳ نامه شورای نگهبان به عبارت «خلاف موازین شرع» اشاره شده بود ولی در متن فوق عبارت «خلاف قانون» آمده است.

دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف^۱ اموال وی را صادر نماید. این «قرار توقیف و^۲ اموال وی» یعنی کلیه اموال.

این اصلاح شده و عبارت «از اموال وی» یعنی قسمتی از اموالش را توقیف می‌کند. «دادگاه می‌تواند قسمتی از اموال وی را توقیف نماید.» این عیناً مطابق نظر شورای نگهبان اصلاح شده.

رئیس. توضیحی که آقای اصغری در ماده (۵) دادند مخالف و موافق دارد یا نه؟ (اظهاری نشد) بسیار خوب ماده (۵) دو تا رأی‌گیری داشته، بخش بعدی آن را هم رأی می‌گیریم بنابه این توضیحی که الان آقای اصغری دادند، لطفاً ماده (۵) را بخوانید.

(به شرح زیر خوانده شد)

ماده (۵) به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده (۵). ماده ۱۶۳ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیداکننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگهدارد و یا تصرف دیگری در آن بکند. در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود.

تبصره. در صورتی که پیدا کننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت یک سال علم حاصل کند که تعریف بی فایده است و یا از یافتن صاحب مال مأیوس گردد تکلیف از او ساقط می‌شود.

رئیس. حضار ۱۸۲ نفر، (این پیشنهاد قبلی است در رابطه با ماده (۵) که دوتا رأی‌گیری داشته) موافقین قیام بفرمایند.

۱. حرف «و» اضافی است. در متون قبلی حرف «و» وجود نداشت.

۲. همان.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعدی.
منشی. در ماده (۸) سطر آخر به این صورت اصلاح می‌شود که پس از عبارت «از» اموال وی را» عبارت

«به میزان بدهی او» اضافه می‌شود.

رئیس. حضار ۱۸۲ نفر، اصلاحیه کمیسیون برای تأمین نظر شورای نگهبان به رأی گذاشته می‌شود. موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده بعد را بفرمایید.

سید محمد اصغری (نایب کمیسیون). ماده (۱۴): ایرادی که در ماده (۱۴) هست، این است که شهادت باید در دادگاه و در حضور قاضی باشد.

این مطلب در ماده (۱۴) به صورتی آمده بود که گویی در خارج از دادگاه هم می‌شود شهادت گرفت.

ایرادی که شورای نگهبان گرفته این است:

در ماده (۱۴) مقید کردن برائت کفیل را به اشهاد یا مراجعه به حاکم مغایر موازین شرع است. عین این ایراد در ماده (۱۴) به این صورت اصلاح

شده:

هرگاه کفیل، مکفول خود را مطابق شرایط مقرر حاضر کند و مکفول‌له از قبول آن امتناع نماید کفیل می‌تواند احضار مکفول و امتناع مکفول‌له را با شهادت معتبر نزد حاکم و یا احضار نزد حاکم اثبات نماید.

یعنی شهادت در مجموع باید به گونه‌ای باشد که در نزد قاضی دادگاه و در دادگاه شهادت انجام بگیرد. یا حتی احضار مکفول را در صحنه دادگاه، در حضور دادگاه باشد، هر دو کار در دادگاه انجام بگیرد. قبلاً به صورتی بود که خارج از دادگاه هم می‌توانست. این مسأله مورد ایراد شورای نگهبان بود، عین آن ایراد به این صورت که «در دادگاه

۱. عبارت «از» اضافی است. در متون قبلی عبارت «از» وجود نداشت.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۲۱

حاضر كند»، مسأله ايراد شوراي نگهبان حل شد.

رئيس. مخالف و موافق دارد؟ (اظهاري نشد) حضار ۱۸۰ نفر، اصلاحيه براي تأمين نظر شوراي نگهبان قرائت مي‌شود.

(به شرح زير قرائت شد)

ماده (۱۴). ماده ۷۴۷ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۷۴۷. هرگاه كفيل مكفول خود را مطابق شرايط مقرر حاضر كند و مكفولله از قبول آن امتناع نمايد كفيل مي‌تواند احضار مكفول و امتناع مكفولله را با شهادت معتبر نزد حاكم و يا احضار نزد حاكم اثبات نمايد.

رئيس. موافقين اين پيشنهاد و اصلاحيه قيام بفرمايند.

(اكثر برخاستند) تصويب شد. اصلاحيه بعدي را قرائت بفرماييد.

سيد محمد اصغري (خير كميسيون امور حقوقي و قضائي).

ايراد بعدي در ماده (۱۹) كه مربوط به ماده (۹۸۲) قانون مدني است. ايراد شوراي نگهبان اين است كه در بند (۴) ماده (۱۹) درخصوص عضويت مجلس خبرگان است كه ما گفته بوديم عضو مجلس خبرگان هم در بعضي از مشاغل نمي‌تواند شركت بكند. ايراد شوراي نگهبان اين است كه مجلس خبرگان طبق قوانين، آيين نامه خاص خودش را دارد. اين مسأله را در اختيار خود آيين نامه مجلس خبرگان بگذاريد و نوشته‌اند:

«از آن جهت كه طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسي تعيين شرايط خبرگان و كيفيت انتخاب آنها به عهده خود آنان است مغاير قانون اساسي شناخته شد.»

ماده (۱۹) به اين صورت اصلاح شد كه بند (۴) آن حذف شد. بند (۴) آن اين بود:

عضویت در مجالس^۱. خیرگان می‌گویند که خیرگان آیین‌نامه خاص خودشان را دارند. علی‌هذا لازم نیست اینجا بیان کنیم اصل مسأله هم این است «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند، لکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل شوند.» یکی از آن مقامات عضویت در مجلس خیرگان بود که نظر شورای نگهبان این است که اینکه عضو مجلس خیرگان نتواند در این مشاغل شرکت بکند به عهده خود مجلس خیرگان و آیین‌نامه بگذارید. این به این صورت اصلاح شد که بند (۴) حذف گردید.

موحدی ساوجی. بنده مخالفم.

رئیس. بفرمایید.

علی موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم.

بند (۴) طبق آیین‌نامه داخلی مجلس ... (آقای کروی هم عنایت بفرمایند، فکر می‌کنم که اینجا یک اشکال آیین‌نامه‌ای دارد) شورای محترم نگهبان در بند (۴) در ارتباط عضویت در مجلس خیرگان ایراد گرفته، ولی ممنوعیت عضویت در مجلس شورای اسلامی را ایراد نگرفته. بنابراین در رابطه با اینکه اگر کسی تبعه ایران نباشد اتباع خارجه نمی‌توانند عضو مجلس شورای اسلامی بشوند، نمی‌توانند کاندیدا بشوند این به قوت خودش باقی است. مصوبه مجلس است. بنابراین کمیسیون نمی‌توانسته کلاً حذف کند. باید فقط همان موردی را که شورای نگهبان ایراد گرفته آن مورد را اصلاح می‌کرد.

رئیس. فرمایش آقای موحدی صحیح است، یعنی همان موردی را که شورای نگهبان ایراد کرده.

منشی. آقای شافعی، موافق:

کریم شافعی. صحبت نمی‌کنم.

۱. به جای عبارت «مجالس» عبارت «مجلس» صحیح است. چون در بند ۴ ماده ۹۸۲ به «عضویت در مجالس خیرگان و شورای اسلامی» اشاره شده، لذا در بند مذکور به صورت جمع آمده بود.

عمید زنجانی. آقای کروی مقصود کمیسیون از حذف، حذف قسمت اول بند (۴) است. اشکال وارد نیست...
رئیس. اصل مطلبش صحیح است.
عمید زنجانی. ببینید قسمت اول «عضویت در خیرگان» حذف شده ولی «مجلس شورای اسلامی» به قوت خودش باقی است.

رئیس. آقای عمید هم همین را می‌فرمایند که آقای اصغری فرمودند. می‌گویند اصلاً قسمت اولش محل بحث است و مسأله مجلس شورای اسلامی از نظر کمیسیون به قوت خودش باقی است. اگر مفهوم نیست، به خاطر این است که عبارت رسا نیست.
موسوی تبریزی. این قسمت دوباره باید اصلاح بشود. مجلس شورای اسلامی باشد، خیرگان نباشد.
رئیس. پس عبارت را باید اصلاح کنیم یعنی رسا کنیم. مطلب آقای موحدی درست است. منتها از این جهت که خود کمیسیون به نکته توجه داشته.
سید محمد اصغری (مخبر کمیسیون). این مورد توجه بوده، ایرادتان بجا است. اینکه نوشتیم بند (۴) حذف گردید، در اصل همان قسمت خیرگان هست والا مجلس شورای اسلامی باقی است.

موسوی تبریزی. بند (۴) مجلس شورای اسلامی می‌ماند.
رئیس. بله آقایان توجه بفرمایید! ما يك مدتي است گرفتار اعاده شده هاي شوراي نكهبان هستيم كه بايد پشت سرهم براي اصلاحيه ها رأي بگيريم. آقایان تشریف نبرند. سه چهار تا لایحه و طرح هست که پشت سرهم برای اینها رأي‌گیری داریم، خواهش می‌کنیم کسی بیرون نرود. اول با خواهش می‌گوییم بعد با دعوا! خلاصه منجر به دعوا نکنید. حضار ۱۸۱ نفر، اصلاحیه را قرائت کنید.

منشی (رضوي). اجازه بفرمایید، قرائت نشده. اگر اجازه بدهید يك اصلاح عبارتي هم داریم كه قبل از این هست. (رئیس - بفرمایید.) در ماده (۸۸۱) مكرر کمیسیون نوشته بوده «وارث» که در حقیقت «وراث» صحیح است. این اصلاح عبارتي است (رئیس - اینکه اصلاح عبارتي است رأي‌گیری نمی‌خواهد) برای

رأی‌گیری هم در بند چهار عبارت به این صورت اصلاح می‌شود:

«عضویت در مجلس شورای اسلامی».

رئیس. موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد. اصلاحیه بعدی را بفرمایید.

سید محمد اصغری (نایب کمسیون). ایراد بعدی مربوط

به ماده (۲۶) لایحه^۱ است. عبارتی که در ماده (۲۶) آمده بود راجع به نکاح دختر است. دختری که برای اولین بار می‌خواهد شوهر بکند که مسأله اجازه ولی و اذن ولی مطرح است. قبلاً آمده بود که: «دختری که

شوهر نکرده». این به لحاظ فقهی مورد ایراد

قرار گرفته بود که باید آن وصف خاص باکره بودن در ماده حتماً بیاید. چون ممکن است شوهر هم نکرده باشد، باکره هم نباشد. این قید شده بود که حتماً وصف خاص بیاید، یک ایراد این بود. ایراد دوم این بود که برای ازدواج دختر، الزاماً مراجعه به دادگاه شرعی نیست. اگر ولی راضی نیست، پدر دختر راضی نیست یا به اصطلاح جد پدری راضی نباشد این می‌تواند ازدواج را بعد از بیان انجام بدهد، اما ثبت آن اجازه دادگاه مدنی خاص را می‌خواهد این به این صورت مطرح و اصلاح شد که برای ثبت ازدواج در دفتر باید از دادگاه مدنی خاص اجازه را بگیرد. ماده به شرح زیر اصلاح شد:

«نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد

موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی

۱. به جای عبارت «لایحه» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۹۲۵

خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.»

یعنی در واقع این ثبت ازدواج است که اجازه دادگاه را می‌خواهد والا صرف ازدواج بعد از مضایقه پدر نیاز به الزام دختر به رفتن به دادگاه ندارد.

این هر دو ایراد در این ماده برطرف شده.
رئیس. مخالف و موافقی که نداریم، حضار ۱۸۲ نفر اصلاحیه قرائت می‌شود.

(به شرح زیر قرائت شد)
ماده (۲۶). ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۰۴۳. نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.

رئیس. موافقین با اصلاحیه قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

علی پناهنده. حاج آقا تشخیص موجه بودن عذر با کیست؟ جمله ناقص است.
اصغری. عرف دادگاه است.

رئیس. بعضی وقتها هم نمی‌توانند کاری بکنند، کمیسیون نمی‌تواند اضافه کند. اگر بر فرض هم نیاز باشد، نمی‌تواند. آقای اصغری بفرمایید.

منشی (رضوی). جناب آقای کروبی! ماده (۲۷) دیگر توضیحی ندارد اگر اجازه بفرمایید به رأی می‌گذاریم.

سیدمحمد اصغری (خبر کمیسیون). ایرادی که در بند (۷) یعنی در ماده (۲۷) بود راجع به الزام دختر برای مراجعه به دادگاه، در بند (۶) بود در بند (۷) هم همان ایراد است، توضیح دیگری ندارد.

ایراد شورای نگهبان در بند (۸) مربوط به

مادة (۲۸) می‌شود که اینجا باز کمیسیون اشتباه کرده. در کمیسیون از نظر لفظی و تایپی اشتباه شده. مادة (۲۸) باید به این صورت باشد: عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود ... این عبارت بی‌خود اینجا تایپ شده یعنی اشتباهاً تایپ شده. «عیوب ذیل در مورد مرد که مانع از ایفای زناشویی باشد»، این قید نباید اینجا مجدداً می‌آمد. برای اینکه در بند دوم و سوم همین شرط را ما تکرار کرده‌ایم. مسأله این است که خصی در هر صورت موجب حق فسخ است، عنن به شرطی موجب حق فسخ است که مانع اعمال زناشویی باشد و همین‌طور بند سوم هم به شرطی موجب فسخ هست که طرف قادر به انجام عمل و وظایف زناشویی نباشد. پس در بند اول که خصی باشد، آن شرط نیست. اشتباهاً در تایپ آن قید آمده، باید حذف بکنیم (رئیس - یعنی غلط چاپی است) بلی غلط چاپی است. در مادة (۲۸) این حذف می‌شود. عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. خصی.
 ۲. عنن به شرط اینکه ولو يك بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.
 ۳. بقية این ماده است که عیناً اصلاح شده. غرض این بود که آن شرط «مانع از انجام زناشویی باشد» به بند اول که خصی است مربوط نمی‌شود. فقط به دو بند بعدی مربوط می‌شود که عیناً اصلاح شد.
- رئیس.** اصلاحیه‌ای که قرائت شد به رأی گذاشته می‌شود.
- منشی (رضوی).** حاج آقا اجازه می‌فرمایید؟ (رئیس - می‌فرمایید) در مادة (۲۷) به دنبال (۲۶) که جناب آقای اصغری فرمودند ما این اصلاحیه را خواهیم داشت:

مادة (۲۷). مادة ۱۰۴۴ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

مادة ۱۰۴۴. در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۲۷

بوده و دختر نيز احتياج به ازدواج داشته باشد و مي‌تواند اقدام به ازدواج نمايد.

تبصره. ثبت اين ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدني خاص مي‌باشد.

رئيس. حضار ۱۸۱ نفر، موافقين قيام بفرمايند. (اكثريت برخاستند) تصويب شد. در اين طرح يك اصلاح ديگر بيشتر ندارم.

منشي. ماده (۲۸) ماده ۱۱۲۲ قانوني مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۱۲۲. عيوب ذيل در مرد موجب حق فسخ براي زن خواهد بود:

۱. خصي.

۲. عنن، به شرط اينكه ولو يك بار عمل زناشويي را انجام نداده باشد.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلي به اندازه‌اي كه قادر به عمل زناشويي نباشد.

رئيس. حضار ۱۸۲ نفر، موافقين با اصلاحيه قيام بفرمايند.

(اكثريت برخاستند) تصويب شد. آقاي اصغري اصلاحيه بعدي را بفرمايد.

سيد محمد اصغري (مدير كميسيون امور قضائي و حقوقي). ماده (۱۲۰۹) در اصلاحيه سال ۱۳۶۱ حذف شده بود چون با موازين شرعي مخالفت داشت. كميسيون فراموش کرده بود در اصلاحيه جديد هم بر حذف ماده ۱۲۰۹ قانون مدني تصريح كند.

ايرادي كه گرفته‌اند اين است كه در وضع فعلي حذف آن ماده هم بايد تصريح بشود. عبارت زير به عنوان «ماده ۳۰ مكرر» پس از ماده (۳۰) اضافه گرديد:

ماده ۳۰ مكرر. ماده ۱۲۰۹ قانون مدني حذف مي‌گردد. قبلاً هم اين حذف شده بود منتها تصريح نشده بود.

موحدي ساوجي. ماده (۳۰) مكرر در لايحه دولت نبود. **رئيس.** در كميسيون مطرح شده است. دو مرتبه ماده را بخوانيد.

(به شرح زير خوانده شد)

ماده ۳۰ مكرر. ماده ۱۲۰۹ قانون مدني حذف

می‌گردد.

موحدي ساوجي. آقای کروبی تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

رئیس. جوابش را دادم، قبلاً بوده است.

حاضر ۱۸۴ نفرند، موافقین این ماده که برای تأمین نظر شورای نگهبان پیشنهاد شده است قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

موحدي ساوجي. آقای کروبی! تذکر من این است که

اگر ماده (۳۰) مکرر تصویب شده بود و اداره قوانین اشتهاً چاپ نکرده است اصلاً نیازی به رأی‌گیری نداشت ولی اگر در شور دوم مجلس اصلاً مطرح نشده و رأی‌گیری نشده است الان هم نمی‌شود آن را مطرح کنید.

رئیس. آقای اصغری توضیح بدهید.

سیدمحمد اصغری (نایب‌رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

آقای موحدي! ماده‌ای که در اصلاحات سال ۶۱ حذف شده بود برای همیشه نه به طور آزمایشی، الان که دوباره اصلاحاتی پیشنهاد شده است باید به آن حذف سال ۶۱ اشاره می‌کردیم به حذف سال ۶۱ اشاره نشده بود و این معنی را می‌داد که دوباره ماده ۱۲۰۹ در قانون مدنی آمده است. ایراد شورای نگهبان این بود که به حذف سال ۶۱ مجدداً اینجا اشاره بشود و اشاره شده این ماحصل مطلب است.

رئیس. بحث بعدی‌تان را بکنید.

سیدمحمد اصغری (نایب‌رئیس کمیسیون). ایراد بعدی این است که در ماده (۴۵) با وجود ذکر شرط عدالت در شاهد، آوردن لفظ اشخاص ولگرد در تبصره (۲) محل است و باید حذف شود.

ماده (۴۵) این است که ماده (۱۳۱۳) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره ۱. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

تبصره ۲. شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق رد دعوا داشته باشد.

ولی در مورد شهادت اشخاص ولگرد، می‌گوید شما که

بالا گفتيد شاهد بايد عادل باشد ديگر اينجا معلوم است كه شهادت اشخاص ولگرد قابل پذيرش نخواهد بود علي هذا قيد اشخاص ولگرد زايد است و حذف شد كميسيون هم همان قيد را حذف كرد چون زماني كه عدالت شاهد بايد باشد ديگر قيد «ولگرد نبودن» يك چيز اضافي بود.

رئيس. حضار ۱۸۱ نفر، اصلاحيه براي رأي گيري قرائت مي شود.

منشي. در ماده (۱۳۱۳) قانون مدني در تبصره (۲) عبارت «اشخاص ولگرد و» حذف مي شود.

رئيس موافقين قيام بفرمايند.
(اكثريت برخاستند) تصويب شد. اصلاح ماده بعدي را توضيح دهيد.

موحدي كرمانلي. اصلاح ديگري هم مربوط به ماده (۴۵) بود مطرح كنيد.

سيد محمد اصغري (مخبر كميسيون). ماده (۴۵) دو تا اصلاحيه داشت يكي عبارت زير به عنوان «ماده ۴۵ مكرر» پس از ماده (۴۵) اضافه گرديد:

ماده ۴۵ مكرر. ماده ۱۳۱۳ مكرر قانون مدني حذف مي گردد. اين هم درست مثل مورد قبلي در اصلاحات سال ۶۱ حذف شده بود چون براي شاهد، شرايطي اضافه بر شرايط شرعي آورده بود و ما بايد در اصلاحيه جديد حذف آن را تصريح بكنيم.
يكي از نمايندگان. شوراي نگهبان كه به اين مورد اشاره اي نكرده است.

سيد محمد اصغري. اشاره نكرده ولي در كميسيون با حضور نماينده شوراي نگهبان مطرح شد كه آ نهايي كه در سال ۶۱ حذف شده الان هم بايد به آن تصريح بشود يعني حذف مجدداً مورد تأييد باشد.

رئيس. يعني خواست شوراي نگهبان بود.

منشي. عبارت زير به عنوان ماده (۴۵) مكرر پس از ماده (۴۵) اضافه گرديد:

ماده ۴۵ مكرر. ماده (۱۳۱۳) مكرر قانون مدني حذف مي گردد.

رئيس. حضار ۱۸۵ نفر، موافقين با اصلاحيه قيام

بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

سید محمد اصغری (نایب رئیس) امور حقوقی و قضائی. آخرین اصلاحیه مربوط به ماده (۴۸) لایحه^۱ که یک مقدار هم فنی است در ماده (۴۸) دلایل مذکور در کتابهای دوم و چهارم^۲ (منظور دوم و چهارم^۳ قانون مدنی است).

دلایل مذکور در کتابهای دوم و چهارم^۴ باید مقید شود به صورتی که موجب علم گردد و گرنه اطلاق آن خلاف موازین شرع است.

اصل ماده (۴۸) که مربوط به ماده (۱۳۳۵) قانون مدنی است به این صورت بود:

«توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدعی نزد

حاکم به موجب دلایل مذکور در کتابهای اول تا چهارم جلد سوم این قانون (یعنی قانون مدنی) ثابت نشده باشد، در این صورت مدعی میتواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید.» اصل مسأله این است که ایراد

گرفته اند که جلد دوم و چهارم^۵ که مربوط به جلد^۶ سوم است این را به این صورت مبهم بیان نکنید به صورت روشن به اینکه مربوط به علم قاضی باشد زمانی که علم برایش حاصل میشود آنجا مثلاً فرض بفرمایید قسم مطرح میشود ماده به این شرح اصلاح شده اگر جناب آقای عمید هم در این زمینه توضیح

۱. به جای عبارت «لایحه» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر میرسد.

۲. به توضیح ارائه شده در زیرنویس گفتار نهم «بند ۱۱» ایرادات شورای نگهبان» مراجعه شود.

۳. به زیرنویس قبلی مراجعه شود.

۴. به زیرنویس قبلی مراجعه شود.

۵. به زیرنویس قبلی مراجعه شود.

۶. در متن فوق عبارت «جلد» جایگزین عبارت «باب» گردید. در

متون قبلی از عبارت «جلد» استفاده شده بود.

داشته باشند به نظرم مكمل باشد بهتر است. ماده به اين صورت اصلاح شده:

توسل به قسم وقتي ممكن است كه دعواي مدعي نزد حاكم به موجب اقرار يا شهادت (آن دو كتاب مربوط به اقرار و شهادت است^۱) گفته اند نگوئيد دو كتاب^۲ از جلد سوم^۳ بگوئيد «اقرار» كه دعواي مدعي نزد

حاكم به موجب اقرار يا شهادت يا علم قاضي برميناي اسناد يا امارات ثابت نشده باشد در اين صورت مدعي مي تواند حكم به دعواي خود را كه مورد انكار مدعي عليه است منوط به قسم او نمايد.

يعني زماني كه با اقرار يا با شهادت يا با علم قاضي دعوا اثبات نمي شود در اينجا هست كه مدعي مي تواند از طرفش قسم بخواهد يا دعوا را منوط به قسم كند در واقع تصريح شده به جاي بيان كتاب دوم و كتاب چهارم^۴، مسأله اقرار و شهادت در ماده آمده.

رئيس. حضار ۱۸۸ نفر، پيشنهاد اصلاحيه براي تأمين نظر شوراي نگهبان قرائت ميشود.

۱. جلد سوم قانون مدني مشتمل بر پنج كتاب است: كتاب اول - در اقرار، كتاب دوم - در اسناد، كتاب سوم - در شهادت، كتاب چهارم - در امارات، كتاب پنجم - در قسم. در ماده ۴۸ اصلاحي كه در واقع اصلاح ماده (۱۳۳۵) است به كتابهاي «اول

تا چهارم» اشاره كرده بود. در متن فوق به دو كتاب اشاره شده است. اگر منظور دو كتاب مذكور در نامه شوراي نگهبان است كه شامل كتابهاي دوم و چهارم بود، با توضيحي كه خير كميسيون داده مطابقت ندارد يعني كتاب دوم در مورد اسناد و كتاب چهارم در مورد امارات است.

۲. همان
۳. در متن فوق عبارت «جلد سوم» جايجزين عبارت «باب چندم» گرديد.

۴. در متن فوق عبارت «كتاب» جايجزين عبارت «جلد» گرديد.

۵. همان.

۶. در مورد كتاب دوم و چهارم در زيرنويسهاي قبلي توضيح داده شد.

(به شرح زیر خوانده شد)
مادة (۴۸) به شرح زیر اصلاح گردید:
مادة (۴۸). مادة ۱۳۳۵ قانون مدني به شرح زیر
اصلاح می‌گردد:
مادة ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوای
مدعی نزد حاکم به موجب اقرار یا شهادت یا علم
قاضی بر مبنای اسناد یا امارات ثابت نشده باشد.
در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوای خود را
که مورد انکار مدعی است منوط به قسم او نماید.
رئیس. موافقین با اصلاحیه قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۷۰/۹/۱۴
روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۱۷ مورخ
۱۳۷۰/۹/۱۴

جلسة ۴۲۲، یکشنبه مورخ ۱۳۷۰/۸/۲۶
۹. تذکراتی در خصوص لایحه^۱ اصلاح موادی از قانون
مدنی

منشی. جناب آقای هاشمیان یک اصلاح عبارتی است در
اصلاح موادی از^۲ قانون مدنی که به این وسیله
قرائت می‌شود.
۱. شماره مواد ۳۰ مکرر و ۴۵ مکرر به ترتیب به
مواد ۳۱ و ۴۶ تبدیل و شماره مواد بعدی با این
اصلاح تنظیم و تغییر می‌یابد و قانون مجموعاً در
پنجاه ماده ابلاغ می‌شود.
۲. در سطر آخر مادة (۲۰) عبارت مادة (۹۸۸) و

۱. به جای عبارت «لایحه» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
۲. در متن فوق عبارت «قوانین» بعد از عبارت «از» حذف شد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۳۳

تبصرة آن^۱ به ماده (۹۸۷)^۲ و تبصره هاي آن اصلاح ميگردد.
۳. در ماده (۳۹) به جاي ماده (۱۲۵۱) قانون مدني ماده (۱۲۵۴) قانون مدني صحيح است.

شماره ۲۵۶۴

- ق

تاريخ

۱۳۷۰/۸/۲۷

حضرت حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي هاشمي رفسنجاني

رياست محترم جمهوري اسلامي ايران
لايحه شماره ۸۸۹۵۲/ ل ۳۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ دولت در خصوص اصلاح موادي از قانون مدني كه در جلسه علني روز سه شنبه مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس شوراي اسلامي با اصلاحاتي تصويب و به تأييد شوراي نگهبان رسيده است، در اجراي اصل يكصد و بيست و سوم قانون اساسي به پيوست ارسال ميگردد.

رئيس مجلس شوراي اسلامي
مهدي كروبي

۱. چنانچه در مشروح مذاكرات آمده بود در همه جا به «ماده ۹۸۸ و تبصره آن» اشاره شده، در حالي كه با توجه به تبصره «ب» الحاقى مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ عبارت «تبصره هاي» صحيح است. لازم به ذكر است كه:
اولاً. در نسخه ابلاغي به دولت عبارت «ماده ۹۸۸ و تبصره آن» آمده است.
ثانياً. با توجه به مفهوم پاراگراف آخر ماده ۹۸۷ اصلاحي، عبارت «ماده ۹۸۸ و تبصره هاي آن» صحيح به نظر ميرسد.
۲. با توجه به توضيح اشاره شده در زيرنويس اخير، «ماده ۹۸۸ و تبصره هاي آن» صحيح به نظر ميرسد.

قانون اصلاح موادي از قانون مدني

ماده ۱. ماده ۱ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پانز روز آن را امضا و به جریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره. در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.

ماده ۲. ماده ۲۶ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۲۶. اموال دولتي که معد است براي مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاث و ابنیه و عمارات دولتي و سیم‌های تلگرافی دولتي و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و باجملة آنچه از اموال منقول و غیر منقول که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملك خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

ماده ۳. ماده ۸۱ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۸۱. در اوقاف عامه که متولي معین نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولي فقیه خواهد بود.

ماده ۴. ماده ۱۶۲ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۶۲. هر کس مالي پیدا کند که قیمت آن کمتر از يك درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره باشد، می‌تواند آن را تملك کند.

ماده ۵. ماده ۱۶۳ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۶۳. اگر قیمت مال پیدا شده يك درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیداکننده باید يك سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند در صورتی که آن را به طور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود.

تبصره. در صورتی که پیداکننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت يك سال علم حاصل کند که تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحب مال‌مأیوس گردد تکلیف تعریف از او ساقط می‌شود.

ماده ۶. ماده ۱۶۴ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۶۴. تعریف اشیا^۱ پیدا شده عبارت است از نشر و اعلان بر حسب مقررات شرعی به نحوی که بتوان گفت که عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است.

ماده ۷. ماده ۲۱۸ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۲۱۸. هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوري انجام شده آن معامله باطل است.

ماده ۸. ماده زیر به‌عنوان ماده ۲۱۸ مکرر به قانون مدني اضافه می‌گردد:

ماده ۲۱۸ مکرر. هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت.

ماده ۹. ماده ۳۴۷ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۳۴۷. شخص کور می‌تواند خرید و فروش نماید مشروط بر اینکه شخصاً به طریقی غیر از معاينه یا به وسیله کس دیگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نماید.

ماده ۱۰. ماده ۴۱۷ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۴۱۷. غین در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۱۱. ماده ۶۵۳ قانون مدنی قانون مدنی حذف می‌گردد.

ماده ۱۲. ماده ۶۵۵ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۶۵۵. در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیرزنی گرویندی جایز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود.

ماده ۱۳. ماده ۷۰۶ قانون مدنی حذف می‌گردد.

ماده ۱۴. ماده ۷۴۷ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۷۴۷. هرگاه کفیل، مکفول خود را مطابق شرایط مقرره حاضر کند و مکفول‌له از قبول آن امتناع نماید کفیل می‌تواند احضار مکفول و امتناع مکفول‌له را با شهادت معتبر نزد حاکم و یا احضار نزد حاکم اثبات نماید.

ماده ۱۵. ماده ۸۸۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۸۸۱. در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۱۶. ماده زیر به عنوان ماده ۸۸۱ مکرر به قانون مدنی اضافه می‌شود:

ماده ۸۸۱ مکرر. کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۱۷. ماده ۹۸۰ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۹۸۰. کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۳۷

تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

ماده ۱۸. ماده ۹۸۱ قانون مدني حذف می گردد:

ماده ۱۹. ماده ۹۸۲ قانون مدني به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

۱. ریاست جمهوری و معاونین او.
۲. عضویت در شوراي نگهبان و ریاست قوه قضائیه.

۳. وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری.

۴. عضویت در مجلس شورای اسلامی.

۵. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.

۶. استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست و یا مأموریت سیاسی.

۷. قضاوت.

۸. عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی.

۹. تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی.

ماده ۲۰. ماده ۹۸۷ به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۹۸۷. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و لی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱. هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این

مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره آن^۱ در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود.

ماده ۲۱. ماده ۹۹۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۹۹۱. تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ خارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقا^۲ بر تابعیت اصلی را دارند به موجب

۱. چنانچه قبلاً نیز توضیح داده شد، با توجه به تبصره «ب» الحاقی مصوب ۱۱/۲۷/۱۳۴۸ عبارت «تبصره‌های» صحیح است.

تذکر: چنانچه در بند ۲ گفتار دوازدهم آمده است، عبارت «ماده ۹۸۸ و تبصره آن» به عبارت «ماده ۹۸۷ و تبصره‌های آن» اصلاح گردیده است. در لایحه دولت و کلیه گزارشها و مشروح مذاکرات عبارت «ماده ۹۸۸ و تبصره آن» به‌کار رفته بود. با توجه به مفهوم پاراگراف آخر ماده «۹۸۷» اصلاحی به‌نظر می‌رسد عبارت «ماده ۹۸۸ و تبصره‌های آن» صحیح باشد. ضمن اینکه چنانچه عبارت «ماده ۹۸۷ و تبصره‌های آن» صحیح باشد باید نوشته می‌شد «مقررات این ماده و تبصره‌های آن» و دیگر نیاز به ذکر ماده ۹۸۷ نبود. در خاتمه لازم به ذکر است که در نسخه ابلاغی به دولت عبارت «ماده ۹۸۸ و تبصره آن» آمده است.

آيين‌نامه‌اي كه به تصويب هيات وزيران خواهد رسيد معين خواهد شد.

ماده ۲۲. ماده ۱۰۳۶ قانون مدني حذف مي‌گردد.

ماده ۲۳. ماده ۱۰۳۹ قانون مدني حذف مي‌گردد.

ماده ۲۴. ماده ۱۰۴۱ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۰۴۱. نكاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره. عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي‌عليه صحيح مي‌باشد.^۱

ماده ۲۵. ماده ۱۰۴۲ قانون مدني حذف مي‌گردد.

ماده ۲۶. ماده ۱۰۴۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۰۴۳. نكاح دختر باكره اگرچه به سن بلوغ رسيده باشد موقوف به اجازه پدر يا جد پدري او است و هرگاه پدر يا جد پدري بدون علت موجه ازدادن اجازه مضايقه كند اجازه او ساقط و در اين صورت دختر مي‌تواند با معرفي كامل مردّي كه مي‌خواهد با او ازدواج نمايد و شرايط نكاح و مهري كه بين آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدني خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نمايد.

ماده ۲۷. ماده ۱۰۴۴ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۰۴۴. در صورتي كه پدر يا جد پدري در محل حاضر نباشند و استيذان از آنها نيز عادتاً غير ممكن بوده و دختر نيز احتياج به ازدواج داشته باشد، وي مي‌تواند اقدام به ازدواج نمايد.

تبصره. ثبت اين ازدواج در دفترخانه منوط به احراز

۱. در متن لايحه و گزارشات شور اول و دوم كميسيون امور قضايي و حقوقي به جاي عبارت «مي‌باشد» از عبارت «است» استفاده شده بود. در هنگام قرائت اوليه اين تبصره نيز از عبارت «است» استفاده شده است ولي در قرائت مجدد توسط منشي در جلسه علني مورخ ۱۳۷۰/۵/۱۶ «گفتار هفتم همين مبحث»، عبارت «مي‌باشد» استعمال شده است.

موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می‌باشد.

ماده ۲۸. ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۲۲. عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. خصا.

۲. عنن به شرط اینکه ولو يك بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.

ماده ۲۹. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۳۰. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

ماده ۳۰. ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۰۵. در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده او است ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل خارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌توانند نفقه را به‌عنوان قرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند.

ماده ۳۱. ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی حذف می‌گردد.

ماده ۳۲. ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۱۰. هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به‌عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲. اموال صغيري را كه بالغ شده است در صورتي مي‌توان به او داد كه رشد او ثابت شده باشد.

ماده ۳۳. ماده ۱۲۱۹ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۲۱۹. هر يك از ابوين مكلف است در مواردی كه به موجب ماده قبل بايد براي اولاد آنها قيم معين شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و يا نماينده او اطلاع داده از او تقاضا نمايد كه اقدام لازم براي نصب قيم به عمل آورد.

ماده ۳۴. ماده ۱۲۲۲ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۲۲۲. در هر موردی كه دادستان به نخوي از انحای به وجود شخصي كه مطابق ماده ۱۲۱۸ بايد براي او نصب قيم شود مسبوق گرديده، بايد به دادگاه مدني خاص رجوع و اشخاصي را كه براي قيمومت مناسب مي‌دانند به آن دادگاه معرفي كند.

دادگاه مدني خاص از ميان اشخاص مزبور يك يا چند نفر را به سمت قيم معين و حكم نصب او را صادر مي‌كند و نيز دادگاه مذكور مي‌تواند علاوه بر قيم يك يا چند نفر را به عنوان ناظر معين نمايد. در اين صورت دادگاه بايد حدود اختيارات ناظر را تعيين كند.

اگر دادگاه مدني خاص اشخاصي را كه معرفي شده‌اند معتمد نديده، اشخاص ديگري را از دادررا خواهد خواست.

ماده ۳۵. ماده ۱۲۲۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:

ماده ۱۲۲۳. در مورد مجانين، دادستان بايد قبلاً رجوع به خبره كرده نظريات خبره را به دادگاه مدني خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون، دادستان به دادگاه رجوع مي‌كند تا نصب قم شود. در مورد اشخاص غير رشيد نيز دادستان مكلف است كه قبلاً به وسيله مطلعين اطلاعات كافي در باب سفاقت او به دست آورده و در صورتي كه سفاقت را مسلم ديد، در دادگاه مدني خاص اقامه دعوي نمايد و پس از صدور حكم عدم رشد براي نصب قيم به دادگاه رجوع نمايد.

ماده ۳۶. ماده ۱۲۲۷ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۲۷. فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.

ماده ۳۷. ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۲۸. در خارج ایران کنسول و یا جانشین وی می‌تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم، مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند.

ماده ۳۸. ماده ۱۲۳۶ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۳۶. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارایی او تهیه کرده یک نسخه از آن را به امضای خود برای دادستانی که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد، بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارایی مولی‌علیه تحقیقات لازم به عمل آورد.

ماده ۳۹. ماده ۱۲۴۳ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۴۳. در صورت وجود موجبات موجه دادستان می‌تواند از دادگاه مدنی خاص تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهد. تعیین نوع تضمین به نظر دادگاه است. هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود.

ماده ۴۰. ماده ۱۲۵۴ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲۵۴. خروج از قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید. تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط دادستان

حوزه اي كه مولي عليه در آنجا سكونت دارد يا نماينده او به دادگاه مدني خاص همان حوزه داده شود.

ماده ۴۱. ماده ۱۳۰۶ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۲. ماده ۱۳۰۷ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۳. ماده ۱۳۰۸ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۴. ماده ۱۳۱۰ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۵. ماده ۱۳۱۱ قانون مدني حذف ميگردد.

ماده ۴۶. ماده ۱۳۱۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱۳۱۳. در شاهد، بلوغ - عقل - عدالت - ايمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره ۱. عدالت شاهد بايد با يكي از طرق شرعي براي دادگاه احرار شود.

تبصره ۲. شهادت كسي كه نفع شخصي به صورت عين يا منفعت يا حق رد^۱ دعوي داشته باشد و نيز شهادت كساني كه تكدي را شغل خود قرار دهند پذيرفته نمي شود.

ماده ۴۷. ماده ۱۳۱۳ مكرر قانون مدني حذف مي شود.

ماده ۴۸. ماده ۱۳۲۸ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱۳۲۸. كسي كه قسم متوجه او شده است در صورتي كه بطلان دعوي طرف را اثبات نكند يا بايد قسم ياد نمايد يا قسم را به طرف ديگر رد كند و اگر نه قسم ياد كند و نه آن را به طرف ديگر رد نمايد با سوگند مدعي، به حكم حاكم، مدعي عليه نسبت به ادعائي كه تقاضاي قسم براي آن شده است، محكوم ميگردد.

ماده ۴۹. ماده زير به عنوان ماده ۱۳۲۸ مكرر به قانون مدني اضافه ميگردد:

۱. در لايحه تقديمي دولت و گزارش شور اول كميسيون امور قضايي و حقوقي در دوره دوم و سوم از عبارت «در» استفاده شده بود ولي در گزارش شور دوم كميسيون مذكور در دوره سوم، عبارت «رد» به كار رفته است. بالطبع در مشروح مذاكرات مجلس و نسخه ابلاغي به دولت نيز از عبارت «رد» استفاده شده است.

ماده ۱۳۲۸ مکرر. دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال مؤثر مقرر دارد که قسم با تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید.

تبصره. چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تشریفات تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد ناکل محسوب نمی‌شود.

ماده ۵۰. ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۳۳۵. توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوای مدنی^۱ نزد حاکم به موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی بر مبنای اسناد یا امارات ثابت نشده باشد، در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است، منوط به قسم او نماید.

قانون فوق مشتمل بر پنجاه ماده و یازده تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ چهاردهم آبان ماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۲۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی. مهدی کروبی

۱. با توجه به مشروح مذاکرات و اسناد و مدارک موجود در پرونده پارلمانی قانون مذکور، که در مبحث فوق «مبحث سوم» نیز آمد، عبارت «مدعی» صحیح است. صرفاً در نسخه ابلاغی مجلس به دولت، این ایراد به وجود آمده است. بالطبع عبارت «مدنی» عیناً در روزنامه رسمی و مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰ نیز وجود دارد. در بعضی از مجموعه‌های حقوقی و قوانین و مقررات نیز به همان شکل «مدنی» آمده است: (دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، مجموعه محشی قانون مدنی، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۲- دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، نشر دادگستر، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷- مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، غلامرضا شهری، فریدون تحصیل دوست، محمدهاشم صمدی امیری، عباسعلی رحیمی اصفهانی، همدرضا گودرزی، روزنامه رسمی کشور، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴).

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۹۴۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران

شماره ثبت/م/م

شماره ثبت، دفتر

دوره چهارم - سال دوم
ترتیب چاپ ۷۳۳
۱۳۷۲-۱۳۷۳
ثبت ۲۶۰
تاریخ چاپ ۱۳۷۲/۵/۱۹

یک شوری
طرح استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدنی
کمیسیون ارجاعی: امور قضائی و حقوقی
اداره کل قوانین
باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
نظر به اینکه قبل از تصویب ماده ۹۸۲ قانون مدنی
با اصلاحات جدید، در سال ۱۳۶۸ تعدادی از افراد
با کسب تابعیت ایرانی به عنوان حکام شرع به
استخدام دادگستری درآمده و به اتفاق منشأ خدمات
مؤثر در حوزه های قضائی خود به عنوان حاکم شرع
دادگاه انقلاب در جهت تثبیت ارزش های انقلاب
بوده اند و مورد احترام و وثوق آحاد ملت اسلامی در
حوزه های قضائی مذکور هستند و در صورتی که رعایت
حقوق مکاتبه آنان نشود رعایت عدالت عملاً با متن
ماده نقض می گردد. ایجاد امنیت شغلی ایجاد می نماید،
روح قانون آن طوری که مراد قانونگذار است
استنتاج و به صورت تفسیر بر مبنای واقع اعلام
گردد.

قشقای - ربیعی - رجائی - محمد محمدی - سیفیان -
مطوری - سید احمد موسوی - سلیمانی - محسن راثنی -
دکتر فرید - پیش بین - موسوی - سید محمد رضا
موالی زاده - عبدالرحیم نوربخش - شایسته - احمد
زمانیان - یوسف پور - سید جواد حسینی - اژه ای -
یونس محمدی - حسن سلیمانی - اسماعیل نوروزی -

نوروززاده - احمد طه - معتمدی - حسن آقاحسینی
طباطبایی - ابوالقاسم علوی - و دو امضای
ناخوانا.

طرح استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدنی

ماده واحده. با توجه به اینکه در ماده ۹۸۲ قانون مدنی اخیرالتصویب مجلس شورای اسلامی اعلام شده است کسانی که تابعیت ایرانی کسب نموده اند یا می نمایند نمی توانند به قضاوت اشتغال داشته باشند، آیا ماده فوق الذکر شامل کسانی که قبلاً به استخدام قضا درآمده اند و دارای حقوق مکتسبه می باشند، می شود؟ یا اینکه از استخدام آنان در آینده جلوگیری بعمل می آورد؟

ماده ۹۸۲ قانون مدنی

اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

ماده ۹۸۲. اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

۱. ریاست جمهوری و معاونین او.
۲. عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه.
۳. وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری.
۴. عضویت در مجلس شورای اسلامی.
۵. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.
۶. استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی
۷. قضاوت.
۸. عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی.
۹. تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی.

این ماده در جلسه روز شنبه ۱۳۷۰/۸/۱۴ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

تصویب (۱۳۷۰/۸/۱۴)

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۴۱۷۱ مورخ
۱۳۷۲/۸/۱۰)

جلسه ۱۵۳، سه شنبه مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۷
۷. گزارش کمیسیون امور قضائي و حقوقي در خصوص
طرح استفساریه ماده (۹۸۲) قانون مدني
رئيس. دستور بعدي را مطرح كنيد.
منشي (باهنر). گزارش کمیسیون امور قضائي و
حقوقي در خصوص طرح استفساریه ماده (۹۸۲) قانون
مدني

خير کمیسیون قضائي آقاي سلیماني بفرمایید.
حسن سلیماني (خير کمیسیون قضائي).
بسم الله الرحمن الرحيم.

گزارش از کمیسیون امور قضائي و حقوقي به مجلس
شوراي اسلامي
طرح استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدني به شماره چاپ
۷۳۳ که جهت رسیدگی و تفسیر به این کمیسیون ارجاع
شده بود. در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۷/۱۱ با حضور
نمایندگان دستگاه اجرایی مطرح و به شرح زیر مورد
تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم
شوراي اسلامي می‌گردد.

رئيس کمیسیون امور قضائي و حقوقي. علي اصغر
باغاني

خدمت عزیزان عرض کنم ماده ۹۸۲ قانون مدني در
رابطه با کسب تابعیت ایرانی است و حقوق يك فردي
که به عنوان تابع کشور جمهوری اسلامي ایران شناخته
می‌شود در برخورداری از حقوق اجتماعي.
قبل از اینکه ماده ۹۸۲ در سال ۱۳۶۸ اصلاح
بشود^۱ کسی که تابعیت ایرانی را کسب می‌کرد یکی
از مناصبي که می‌توانست به آن دست پیدا کند قضاوت
بود که در سال ۱۳۶۸^۲ علاوه بر مناصبي که در خود

۱. ماده ۹۸۲ قانون مدني در ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصلاح گردیده است.

۲. در سال ۱۳۷۰ صحیح است.

قانون قید شده بود قضاوت هم اضافه شد، یعنی کسی که تابعیت ایران را کسب می‌کند عنوان قاضی را نمی‌تواند داشته باشد. منتها به این شکل انشا^۱ شده: «کسانی که تابعیت ایران را کسب کنند یا کسب نموده‌اند به این مشاغل نایل خواهند شد.» چون قصد قانونگذار برای جلوگیری از کسب این عناوین در آینده (پس از تصویب قانون) است. کسانی هم که قبل از این اصلاحیه به شغل قضا دست پیدا کرده‌اند و قاضی شده‌اند و حقوق مکتسبه‌ای داشته‌اند و مشروح مذاکرات مجلس هم در موقع تصویب این اصلاحیه به این مراد نبوده که این حقوق را از آنها سلب کند، کمیسیون نظرش براین قرار گرفت که اگر با کسب تابعیت ایرانی از طرف خارجی امکان قضاوت سلب شده این قانون مشمول کسانی خواهد شد که پس از این تصویب می‌خواهند قاضی بشوند و به^۲ استخدام قوه قضائیه دربیایند^۳، نه کسانی که قاضی بوده‌اند. صفت قضا از کسانی که قاضی بوده‌اند سلب خواهد شد و به این صورت تصویب خواهد شد که با توجه به عبارت صدر ماده ۹۸۲ قانون مدنی افرادی که پس از تصویب این قانون تحصیل تابعیت ایرانی می‌نمایند نمی‌توانند به مقام قضاوت نایل گردند این محدودیت شامل افرادی که قبل از تصویب قانون تحصیل تابعیت نموده و یا به امر قضاوت اشتغال داشته‌اند نمی‌گردد. امیدواریم که عزیزان رأی بدهند (کلاً دو نفر از سادات بزرگوار در قوه قضائیه از این قانون بهره‌مندند) و این مشکل قضاوت محترم شرع هم منتفی شود. والسلام علیکم ورحمة الله.

رئیس. متشکر ... در استفساریه یک مخالف صحبت

۱. در متن فوق بعد از حرف «و» عبارت «به» اضافه گردید.

۲. در متن فوق عبارت «بیایند» جایگزین عبارت «باید» گردید.

می‌کند و یک موافق^۱، مخالف استفساریه را دعوت کنید.

منشی. آقای عباسی مخالف.

عباس عباسی. بسم الله الرحمن الرحيم. «ولاتكونوا كالتی نقضت غزلها من بعد قوة انكاثاً»

اول باید عرض کنم که متأسفانه و با خوشبختانه، این یک طرح استفساریه نیست و در واقع اصلاح قانون است و آقایان در قالب طرح آورده‌اند، با این لطافت که وقت مخالف و موافق کمتر خواهد بود. و من متأسف هستم که به صورت طرح آورده‌اند وگرنه باید می‌آوردند طرح قانونی اصلاح ماده ۹۸۲ قانون مدنی و در مجلس مطرح می‌شد موافق و مخالف صحبت می‌کرد، دولت صحبت می‌کرد، کمیسیون نظرش را می‌داد بعد نتیجه‌گیری می‌شد ولی به صورت طرح استفساریه آورده‌اند و این صحیح نیست و اما موضوع چیست؟

موضوع اصلاح ماده ۹۸۲ قانون مدنی است. همه نمایندگان محترم توجه دارند که قانون مدنی در کشور دومین قانون کشور است اول قانون اساسی بعد قانون مدنی و از اسمش روشن است یعنی در محتوای این قانون، ملیت یک جامعه، مکتب یک جامعه، حقوق اجتماعی یک جامعه و واحدیت یک جامعه مشخص می‌شود. فرهنگ جامعه، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ سیاست داخلی و خارجی عمده‌تاً در قانون مدنی به صورت مشروح بیان می‌شود و قانون مدنی یعنی آینده تمام و شفاف یک ملیت آیا یک چنین قانونی را با چنین طرحی می‌توان اصلاح کرد، به همین آسانی، به همین روانی، به همین سهولت؟ چرا ما قوانین با این وجهه نظر کم می‌نگریم چرا ما باید قانونی را که منبعث از ملیت «ملۀ ابیکم ابراهیم هو سمیکم المسلمین من قبل»... (رئیس

۱. در متن فوق عبارت «موافق» جایگزین عبارت «مخالف» گردید.

— آقای عباسی شما درباره موضوع صحبت کنید، راجع به استفساریه.) من در رابطه با همین استفساریه صحبت می‌کنم عرض می‌کنم اصلاً این طرح به‌صورت استفساریه غلط است چرا باید این‌طوری^۱ باشد؟ گرچه تأکید می‌کنم اصلاً به این صورت آوردن مفهومی ندارد اما ماده مربوط به استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدنی است: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند. لکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند: (می‌شمارد) ۱— ریاست جمهوری ۲— عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه. وزارت و کفالت ... «قضاوت». کسی که تابع کشور دیگری بوده بعد تابعیت ایران را احراز نموده از همه حقوق بهره‌مند است به استثنای این مواردی که ذکر شده از جمله قضاوت، حق قضاوت ندارد. این چه تفسیری است که آقایان کرده‌اند؟ به چه عنوان؟ در متن ماده ۹۸۲ این است که: «تحصیل تابعیت نموده، تا بنمایند» کسانی که در گذشته تابعیت ایران را احراز نموده و یا در آینده تابعیت را احراز کنند، مطلقاً نمی‌توانند در این مناصب از جمله قضاوت عضویت داشته باشند و منصبی داشته باشند. از جناب آقای عمید زنجانی که در آن موقع ظاهراً ریاست کمیسیون قضائی مجلس را به عهده داشتند من سؤال کردم ایشان فرمودند اگر ما قانون‌گذار بودیم، اگر ما در کمیسیون این را تصویب کردیم، نظر ما این بوده که طرف قبل از احراز تابعیت چه در استخدام دولت یا دستگاه باشد و چه نباشد. هر قانون ممنوعیت قضاوت برای کسانی که تابعیت را احراز کرده باشند خواه در منصب قضاوت به نحوی قبل از احراز تابعیت مشغول شده باشند و یا بعد از احراز تابعیت بخواهند

۱. در متن فوق عبارت «طوری» جایگزین عبارت «جوری» گردید.

مشغول باشند. بنابراین قانون صراحت دارد و تفسیر آقایان هیچ انطباقی با این ماده قانونی ندارد و منظور آقایان هم در واقع اصلاح این ماده هست و اصلاح ماده هم باید به صورت طرح باشد و بعد اگر این موضوع و این قضیه حل بشود به عنوان تسامح و تساهل، فردا نوبت موارد مشروحه در همین ماده خواهد رسید. می‌گویند خوب چه اشکالی دارد که طرف مثلاً در مجلس هم عضویت داشته باشد؟ بند فلان را اصلاح می‌کنیم. چه اشکال دارد که فردا کفالت یک وزارتخانه به صورت موقت برای مدت دو ماه؟ چه معنی دارد چه اشکال دارد؟ همین طور^۱ «هلم جراً» بعد اصل

ملیت به هردو معنا که در قانون اساسی هم ملیت ایرانی به صورت رسمی شناخته شده نادیده گرفته خواهد شد بحث ماورای مرز جغرافیایی از نشر اسلام یک بحث است، اصلاح قانون بحث دیگری است. این اعتقاد همه مسلمین است همه مسلمین در هرکجا هستند برادرند. «انما المؤمنون اخوه» اما بالاخره واقعیات

جامعه هم قابل انکار نیست مرزبندی شده، ملیت‌ها محرز شده و بعد آیا انصاف است؟ آیا مروت است؟ (با همه احترامی که من به عزیزان می‌گذارم محترم هستند، عزیزند، بزرگ هستند و قابل تکریم به تمام معنا از هر نظر قابل تکریم. اما استحقاق کرامت غیر از این است) به خاطر فرد و یا حتی افراد ولی بسیار محدود، ما قانون آینده کشور را اصلاح کنیم؟ در کل کشور برای اصلاح این ماده دو نفرند، این می‌ارزد،؟ مقام محفوظ، احترام محفوظ، مجد محفوظ، شرافت محفوظ، بزرگی محفوظ... (رئیس - وقت شما هم تمام شد).

بنابراین آیا یک قانونی را که آینده تمام نمای یک هویت هست باید اصلاح کرد آن هم به صورت تفسیر؟ آقایان اگر می‌خواهند که مجد و کرم بیشتر باشد که کسی هم مخالف نیست، نمایندگان بدانند راهی غیر از

۱. در متن فوق عبارت «طور» جایگزین عبارت «جور» گردید.

طرح تفسیری و یا استفساریه هم وجود دارد. (رئیس – آقای عباسی وقت شما تمام شد) بنابراین بنده با این طرح تفسیری مخالف هستم. والسلام.

رئیس. لازم نیست همه وقت را استفاده کنید همان بخش اول را استفاده کنید بهتر است اگر حتماً تمام وقت استفاده بشود شاید در تصمیم‌گیری‌ها اثر منفی بگذارد.

منشی. موافق^۱، آقای موحدی ساوجی:

موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم.

جناب آقای عباسی بیشتر درباره فلسفه اینکه فردی که تابعیت ایرانی قبلاً نداشته و بعد تابعیت ایرانی کسب کرده آیا مصلحت است که در مصادر امور و مناصب، سمت‌هایی مثل قضاوت و امثال اینها باشد یا نباشد. درباره اصل این موضوع صحبت کردند که هیچ ربطی به این تفسیر ندارد. خوب بود که ایشان می‌آمدند اصل ماده قانونی را که این تفسیر مربوط به آن است می‌خواندند بعد می‌گفتند کجای آن ماده قانونی با این تفسیر مغایرت دارد و بعد هم همین‌طور ادعا کردند که «این يك قانون جدید

است و تفسیر آن ماده نیست» من لازم می‌دانم که نظر نمایندگان محترم را به ماده ۹۸۲ قانون مدنی جلب بکنم (خوب دقت کنیم) ماده واحده سه سطر است اگر شما جمله اولش را بخوانید تصور شما براین است کسی که ایرانی نبوده تابعیت ایرانی را قبلاً کسب کرده یا بعداً کسب کند اگر هم قاضی باشد باید مثلاً اخراج بشود ولی وقتی شما تمام ماده واحده را می‌خوانید می‌بینید که قانونگذار گفته است کسی که از اول ایرانی نبوده و تابعیت ایرانی را قبل از تصویب قانون یا بعد از آن کسب کرده اگر بخواهد از حالا به بعد قاضی بشود دیگر نمی‌تواند. اگر بخواهد در دستگاه قضائی بیاید^۲ ممنوع است که

۱. در متن فوق عبارت «موافق» جایگزین عبارت «مخالف» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «بیاید» جایگزین عبارت «می‌آید» گردید.

استخدام بشود، نه اينكه كساني كه براساس قوانين و مقررات منعي نداشته اند^۱ و تابعيت ايراني را در گذشته كسب کرده اند، در مصدر قضا هم نشسته اند، بيش از ده سال هم قضاوت کرده اند و قاضي خوبي هم بوده اند كه قوة قضائيه براساس همه موازين قضائي عمل آنها را و زحمات آنها را تقدير کرده حالا ما بياييم اينجا بخواهيم حق آنان ولو يك نفر را ضايع كنيم. آقاي عباسي ميگويد، اينها دو نفر هستند حالا ما كه احصاء^۲ نكرده ايم^۳ دقيقاً

ببينيم چند نفر هستند، ولي بحث اين است جناب آقاي عباسي اگر ما يك چنين ماده اي را مثلاً تصويب كنيم بگوئيم: اشخاصي كه تحصيل تابعيت ايراني نموده يا بنمايند از كلييه حقوقي كه براي ايرانيان مقرر است بهره مند ميشوند ليكن نمي توانند مثلاً اين حقوق را داشته باشند از جمله مثلاً بگوئيم كه نبايد زن ايراني اختيار كند يا برعكس مرد ايراني زن خارجي را بگيرد ولو اينكه بعداً تابع ايران بشود آيا معني اين ماده اين خواهد بود كه كساني كه قبلاً ازدواج کرده اند بايد از همدگر جدا بشوند؟ چنين چيزي كه نيست. آقاي عباسي در واقع صدر ماده واحده را سطر اول را ديده سطر سوم را ندیده متأسفانه به قول مثل معروف عرب «حفظت شيئاً و

غاية عنك الاشياء» در اينجا برادر عزيز من شما وقتي اين سه سطر را ميخوانيد ميگويد از اين تاريخي كه اين قانون تصويب ميشود به بعد كساني كه تابعيت ايراني را كسب کرده يا ميكنند ديگر نمي توانند قاضي بشوند اما اگر قاضي بوده اند چه؟ كجاي اينجا منع دارد؟ بنابراين من به نظرم مي آيد كه اين تفسير به هيچ وجه با ماده ۹۸۲ قانون مدني

۱. در متن فوق عبارت «نداشته اند» جايجزين عبارت «نداشتند» گرديد.
۲. در متن فوق عبارت «نكرده ايم» جايجزين عبارت «نكرديم» گرديد.

مغایرت ندارد و «علی ما نقل» در دستگاه قضائی هم مقامات قضائی، خود آقای یزدی هم گفتند این تفسیر درست است. والسلام.

رئیس. متشکر، حضار ۱۸۶ نفر، متن را جهت رأی‌گیری قرائت کنید.

منشی (باهنر). طرح استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدنی

موضوع استفسار

با توجه به اینکه در ماده ۹۸۲ قانون مدنی اخیرالتصویب مجلس شورای اسلامی اعلام شده است کسانی که تابعیت ایرانی کسب نموده‌اند یا می‌نمایند نمی‌توانند به قضاوت اشتغال داشته باشند، آیا ماده فوق‌الذکر شامل کسانی که قبلاً به استخدام قضا درآمده‌اند و دارای حقوق مکتسبه می‌باشند، می‌شود یا اینکه از استخدام آنان در آینده جلوگیری بعمل می‌آورد؟

نظر کمیسیون

ماده واحده. با توجه به عبارت صدر ماده ۹۸۲ قانون مدنی افرادی که پس از تصویب قانون تحصیل تابعیت ایرانی می‌نمایند، نمی‌توانند به مقام قضاوت نایل گردند ولی این محدودیت شامل افرادی که قبل از تصویب این قانون تحصیل تابعیت نموده و به امر قضاوت اشتغال داشته‌اند نمی‌گردد.

رئیس. حضار ۱۸۶ نفر، نمایندگان محترمی که با این استفساریه موافق هستند قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲/۸/۸

شماره ۳۰۳۴

— ق

تاریخ

۱۳۷۲/۸/۸

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۹۵۵

رياست محترم جمهوري اسلامي ايران
طرح استفساريه ماده ۹۸۲ قانون مدني كه در جلسه
علي روز سه شنبه مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۷ مجلس شوراي اسلامي
تصويب و به تأييد شوراي نگهبان رسيده است در
اجراي اصل يكصد و بيست و سوم قانون اساسي به
پيوست ارسال مي گردد.

علي اكبر ناطق نوري
رئيس مجلس شوراي اسلامي

باسمه تعالی

شماره ۳۰۳۴

— ق

تاریخ

۱۳۷۲/۸/۸

قانون استفساریه ماده ۹۸۲ قانون مدنی

موضوع استفسار

با توجه به اینکه در ماده ۹۸۲ قانون مدنی اخیرالتصویب مجلس شورای اسلامی اعلام شده است کسانی که تابعیت ایرانی کسب نموده اند یا می نمایند نمی توانند به قضاوت اشتغال داشته باشند، آیا ماده فوق الذکر شامل کسانی که قبلاً به استخدام قضا درآمده اند و دارای حقوق مکتسبه می باشند، می شود؟ یا اینکه از استخدام آنان در آینده جلوگیری بعمل می آورد؟

نظر مجلس

ماده واحده. با توجه به عبارت صدر ماده ۹۸۲ قانون مدنی افرادی که پس از تصویب قانون تحصیل تابعیت ایرانی می نمایند نمی توانند به مقام قضاوت نائل گردند ولی این محدودیت شامل افرادی که قبل از تصویب قانون تحصیل تابعیت نموده و به امر قضاوت اشتغال داشته اند نمی گردد.

قانون استفساریه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و هفتم مهرماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۹۵۷

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲-۱۳۷۳

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲-۱۳۷۳

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲-۱۳۷۳

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲-۱۳۷۳

دوره چهارم - سال دوم
ترتیب چاپ ۹۴۵
۱۳۷۲-۱۳۷۳
ثبت ۳۲۳
تاریخ چاپ ۱۳۷۲/۱۰/۵
شماره
شماره دفتر

طرح فوریتی
مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی
مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی
(دو فوریت این طرح در جلسه ۱۳۷۲/۱۰/۵ به تصویب
رسیده است)

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با توجه به ضرورت تسریع در اجرای اصلاحیه های
مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و عدم
ضرورت آگاهی سریع مردم از این نوع مصوبات و به
منظور امکان تداوم و تسریع کار مجلس برای رسیدگی
به بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور بر مبنای آیین‌نامه
مصوب طرح ذیل با قید دو فوریت تقدیم می‌گردد.

عباسعلی عمید زنجانی - باهنر - دکتر شهرزاد -
انگجی - سیدمرتضی نبوی - همایون مقدم - الیاس
حضرتی - علی موحدی ساوجی - حسین رشیدی - احمد
نجابت - معتمدی - اسدالله رضوی - دري نجف آبادی -
دکتر سیدشهاب‌الدین صدر - سیدمعروف صمدی - تقوی -
محمدعلی شرعی و علی‌اکبر موسوی حسینی.

طرح مستثنی بودن مصوبات مربوط به آییننامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی ماده واحده. کلیه مصوبات راجع به آییننامه داخلی مجلس شورای اسلامی بلافاصله پس از تصویب نهایی لازم الاجرا است. این حکم در مورد این ماده واحده نیز جاری خواهد بود.

ماده ۲ قانون مدنی
اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹

قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

این قانون در روزنامه رسمی شماره ۱۴۲۳۵ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷
شماره ۱۳۷۲/۱۰/۲۷

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۲۳۵ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷)

شماره ۱۳۷۲/۱۰/۲۷

۸. تصویب طرح مستثنی بودن مصوبات مربوط به آییننامه داخلی

مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده (۲) قانون مدنی رئیس. دستور بعدی را مطرح فرمایید. منشی (شهرزاد). طرح مستثنی بودن مصوبات مربوط به آییننامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده (۲) قانون مدنی توسط جمعی از نمایندگان محترم رسیده است. یکی از طراحان توضیح فرمایند.

حضور باهنر. بسم الله الرحمن الرحيم. عزیزان نماینده حضور ذهن دارند که ما هفته قبل آییننامه داخلی مجلس را برای رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور اصلاح کردیم و بحمدالله تصویب شد و به شورای نگهبان رفت و شورای محترم نگهبان هم تأیید آن

مصوبه را اعلام فرمودند كه قانون از تصويب نهايي گذشته است. ما به يك مشكل برخورد كرديم و آن، اين است كه در ماده (۲) قانون مدني آمده كه «قوانين مصوب، بعد از آنكه در روزنامه رسمي اعلام بشوند بعد از پانزده روز لازم الاجرا ميشوند» اين پانزده روز هم خوب قاعداً فلسفه اش اين است كساني كه از قبل يك قانون متضرر ميشوند يا منافعشان را بايد حفظ بكنند يك فرصت مناسب عرفي معقول باشد، براي اينكه همه آحاد جامعه از قانون مصوب جديد مطلع بشوند كه طبيعي است اين مسأله و اين حكمت در رابطه با آيين نامه داخلي مجلس ضرورت و نيازي ندارد چون كساني از اين آيين نامه داخلي مجلس ذي نفع هستند كه خود آنها در تصويب و اصلاحيه هاي آيين نامه مستقيماً دخالت دارند يعني نمايندگان محترم مجلس هستند و كس ديگري در رابطه با مواد آيين نامه صاحب نفع، ذي نفع يا اينكه بنا باشد برآيش لازم الاجرا باشد اينها نيست.

بنابراين خيلي خلاصه عرض مي كنم: ما يك ماده واحده اي با قيد دو فوريت به مجلس شوراي اسلامي پيشنهاده كرده ايم كه مصوبات آيين نامه مجلس شوراي اسلامي نيازي به آن مهلت پانزده روزه ندارد. پس از تصويب بلافاصله لازم الاجرا است. اين را تقديم كرده ايم كه هم مشكل اين دفعه مان حل بشود يعني ما الان بودجه سال ۷۳ را بايد بررسي و رسيدگي آن را شروع كنيم. اصل دو فوريت قضيه به خاطر اين مسأله است و اما كل طرح هم به خاطر اين است كه ما از اين به بعد ديگر اين مشكل را نداشته باشيم. آيين نامه مجلس هر زماني كه تصويب ميشود و به تأييد شوراي نگهبان ميرسد لازم الاجرا باشد و نيازي به آن ۱۵ روز نداشته باشد. اين طرح دوفوريتي را پيشنهاده كرديم اگر عزيزان امروز به دوفوريتش رأي بدهند و ان شاء الله تعالي پس فردا هم روز سه شنبه در همان نيم ساعت اول به اصلش رأي بدهند، ديگر ما از روز سه شنبه يا حداكثر از صبح چهارشنبه ميتوانيم آيين نامه جديد را در رابطه

با بودجه سال ۱۳۷۳ اجرا بکنیم و ان شاء الله همه عزیزان بتوانند دخالت‌های لازم را در بررسی بودجه داشته باشند.

رئیس. مخالف ندارد، موافق هم صحبت نمی‌کند. فوریتش نیاز به اکثریت رأی را دارد ضمن اینکه آقای باهنر تذکر خوبی را دادند، خودش آیین‌نامه نیست که رأی دو سوم را لازم داشته باشد، این در رابطه با آیین‌نامه می‌شود اما خودش آیین‌نامه نیست. حضار ۱۸۵ نفر، نمایندگان محترمی که با دو فوریت این طرح موافق هستند قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) با اکثریت قاطع تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی تهران در جلسه روز شنبه ۱۳۷۲/۱۰/۲۸

با ۱۸۵ رای موافقت و ۰ رای مخالف تصویب شد.

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۲۳۶ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۸)

شماره ۱۳۷۲/۱۰/۲۸

۵. تصویب کلیات طرح مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی

مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده (۲) قانون مدنی رئیس. دستور را شروع کنید.

منشی (باهنر). اولین دستور، طرح دوفوریتی مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده (۲) قانون مدنی.

رئیس. یکی از طراحان صحبت کنند.

باهنر. من صحبت می‌کنم.

رئیس. بفرمایید.

حمدرضا باهنر. بسم الله الرحمن الرحيم.

ما هفته گذشته مصوبه‌ای را داشتیم در رابطه با نحوه رسیدگی به بودجه سالانه کل کشور که روش رسیدگی را تغییر دادیم و اصولاً نمایندگان مجلس براساس اینکه ما بتوانیم سال جاری یعنی بودجه سال ۷۳ را که الان در دستور کار کمیسیون‌ها است با نحوه بهتری رسیدگی بکنیم نسبت به اصلاح آیین‌نامه

اقدام كردند.

در قانون مدني ماده (۲) اين چنين آمده كه:
«قوانين (۱۵) روز پس از انتشار در سراسر كشور لازم الاجرا است مگر آنكه در خود قانون ترتيب خاصي براي موقع اجرا مقرر شده باشد».

خوب حكمت اين ماده قاعده‌تاً اين بوده كه اگر قانوني تصويب مي‌شود و اشخاص حقيقي يا حقوقي از قبل تصويب اين قانون حقوقشان در معرض قانون قرار مي‌گيرد از قانون مصوب مطلع باشند كه مسأله عدم اجرائي قانون و يا شكستن قانون اگر در جامعه وجود مي‌آيد با آگاهي قبلي باشد و قانون اعلام شده باشد. عرفش را گرفته‌اند كه (۱۵) روز پس از انتشار، قانون در سراسر كشور (كه قاعده‌تاً الان در روزنامه رسمي جمهوري اسلامي چاپ مي‌شود) لازم الاجرا است.

در مقدمه اين طرح آمده است كه ما در رابطه با تغييرات آيين‌نامه مجلس دو موضوع داريم كه اولاً معمولاً مجلس نسبت به اصلاح آيين‌نامه زماني اقدام مي‌كند كه در روند كار مجلس مشكلي پيش بيايد و يا نياز اصلاحي باشد و يا در رابطه با روش اجرائي نياز به تجديد نظر باشد و معمولاً كار به اصطلاح فوتي و فوري است. بعد از آنكه مجلس تصويب كرد و شوراي محترم نگاهبان نظر داد و به دولت اعلام شد بعد درج در روزنامه رسمي، و بعد از آن هم اگر (۱۵) روز معطل باشد بعضي از مسائل فوت مي‌شود و از بين مي‌رود، و از آن مهمتر اينكه معمولاً آيين‌نامه داخلي مجلس اكثريت قريب به اتفاق موافق در رابطه با نوع اجرائي بررسي كارهاي مجلس توسط خود نمايندگان است و نيازي نيست كه به سرعت مردم از اين تغييرات آيين‌نامه مطلع باشند و يا اينكه تغيير آيين‌نامه، حقوق اشخاص حقيقي يا اشخاص حقوقي را در خارج از مجلس ضايع بكنند. براي اين اساس ما پيشنهاد کرده‌ايم كه مصوبات راجع به آيين‌نامه داخلي مجلس بلافاصله پس از تصويب نهايي لازم الاجرا باشد و نيازي به صبر كردن و مهلت ۱۵ روز را نداشته باشد كه هم مجلس بتواند كارهاي خودش را

سریع‌تر انجام بدهد و هم از قبل این مصوبه علی‌الظاهر ضرری به فردی وارد نمی‌شود. در هر صورت فکر می‌کنم که حالا عزیزان اگر مخالفی کسی هم صحبت کرد بعداً باز یکی از طراحان صحبت می‌کنند ان شاءالله داشته باشیم این مصوبه را خیلی هم معطل نشویم که به کارهای بعدی هم ان شاءالله برسیم والسلام.

رئیس. مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (باهنر). اولین مخالف آقای کوهکن، بفرمایید.

محسن کوهکن. بسم الله الرحمن الرحيم.

همکاران گرامی دقت کنند به عرایضی که خدمتشان عرض می‌کنم. ماده ۲ قانون مدنی که برادر عزیزمان آقای باهنر هم اشاره کردند می‌گوید: «پس از تصویب قوانین زمانی که در سطح کشور منتشر شد از ۱۵ روز بعد لازم‌الاجرا هست». خوب، می‌دانید معمولاً قوانین یک حق و تکلیفی را برای مردم ما به وجود می‌آورد زمانی هم که قانون منتشر می‌شود اصل بر این هست طبق ماده ۲ قانون مدنی که ظرف ۱۵ روز مردم ما از این حق و یا تکلیفی که در قانون برای آنها مشخص کرده‌اند مطلع می‌شوند. فلسفه دادن ۱۵ روز وقت بدین خاطر است. من فکر می‌کنم گاهی اوقات ما در تصویب مصوبات آیین‌نامه داخلی که البته شاید این اشکال به خود بنده هم وارد باشد چون عضو کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی هستم مواردی هست که نیاز هست ذیل همان مصوبه بلافاصله آورده بشود که این ماده واحده با این تبصره الحاقی از زمان تصویب لازم‌الاجرا است چون خود ماده (۲) قانون مدنی هم این اجازه را داده این کار را می‌توانیم بکنیم و هیچ مشکلی هم نداریم. اما در ارتباط با آیین‌نامه می‌دانید مواد آیین‌نامه دو دسته می‌شود. همان طور^۱ که برادرمان جناب آقای باهنر اشاره

۱. در متن فوق عبارت «لزم‌الاجرا» جایگزین عبارت «لزم‌الاجرا» گردید.

كردند يك دسته از مواد هست كه هيچ گونه ارتباطي مستقيماً در ارتباط با حق و حقوق مردم ندارد نحوه اداره مجلس هست، كميسيون ها هست و از اين قبيل. ما در مورد آنها بحثي نداريم بسيار خوب است كه از زمان تصويب اينها لازم الاجرا باشد اما موادي را ما در آيين نامه داريم كه اينها مستقيماً براي مردم حق و تكليف ايجاد کرده اند در مورد اينها ما چه مي خواهيم بگوئيم؟ براي گونه ما تبصره ۴ و ۵ ماده ۱۴۹ كه از اصلاحات اخير هم هست مربوط به تحقيق و تفحص يكي از اين موارد است. براي نمونه تبصره ماده واحده مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱ مربوط به اصل ۹۰ از هين قبيل است. براي گونه تبصره (۲) ماده (۱۷۷) مربوط به حق و حقوق خبرنگاران آنها هم احدي از آحاد مردم به حساب مي آيند از هين قبيل است. لذا اگر ما اين را تصويب كنيم و بخواهيم تمام مصوبات آيين نامه داخلي را از شمول ماده (۲) قانون مدني خارج كنيم چون موادي هم داريم كه مستقيماً مربوط به حق و حقوق مردم ميشود يك تضبيع حق ميشود. البته پيشنهاد جاگزين داده ام كه هين ماده واحده است منتها جمله اي اضافه شده كه مگر آجايي كه مصوبه براي احدي از آحاد ايجاد حق و حقوق بكنند كه او از شمول اين ماده واحده خارج است كه فكر مي كنيم آن پيشنهاد جاگزين، چيز كامل تري باشد. لذا دليل مخالفت بنده اين بود والسلام.

رئيس. موافق را دعوت بفرماييد.

منشي (باهنر). اولين موافق آقاي آقا سيدعلي اكبر موسوي حسيني بفرماييد.

سيدعلي اكبر موسوي حسيني. بسم الله الرحمن الرحيم.

خدمت جناب آقاي كوهكن عرض مي كنم كه در ماده (۲) قانون مدني كه ظرف مدت ۱۵ روز پس از تصويب نهايي مقرر کرده كه قانون قابليت اجرا داشته باشد در همان قانون پيش بيني شده كه مگر در قانوني ترتيب ديگري پيش بيني شده باشد. بنا بر اين خود قانون مدني اين اجازه را داده كه در قوانين مختلف كمتر از ۱۵ روز بيشتر از ۱۵ روز بستگي دارد به چگونگي قانون، قانون قابليت اجرا پيدا كند با توجه به

اینکه قانون بودجه یعنی چگونگی رسیدگی به بودجه مطمح نظر این دو فوریتی است خوب است که این قانون با توجه به آراء بالایی نمایندگان مورد تصویب قرار بگیرد و اگر آن جایگزین، برطرف کننده آن اشکال است و نظر طراحان این طرح را هم برمی آورد با آن جایگزین هم مخالفی نیست.

رئیس. خوب، مخالف بعدی ندارد موافق هم صحبت نمی کنند.

کلیات «طرح مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده (۲) قانون مدنی» به رأی گذاشته می شود. حضار ۱۸۳ نفر، نمایندگان محترمی که با کلیات این طرح موافقت قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

آقای کوهکن پیشنهاد جایگزینی داده اند، برای رأی گیری قرائت کنید.

منشی (انگلیسی). آقای کوهکن پیشنهاد جایگزینی داده اند که قرائت می کنم.

ماده واحده. کلیه مصوبات راجع به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بلافاصله پس از تصویب نهایی لازم الاجرا است. قابل ذکر است آن دسته از مصوباتی که برای احادی از آحاد مردم ایجاد حق و تکلیف نماید از شمول ماده واحده خارج می باشد. این حکم در مورد این ماده واحده نیز مجرا خواهد بود.

علی موحدی ساوجی. مخالف با ذیل هستم.

رئیس. ایشان خودشان صحبت کرده اند، مخالف و موافق هم صحبت نکنند چون مشخص است.

علی موحدی ساوجی. صدر و ذیلش نقض کننده یکدیگر است، توضیح بدهید.

رئیس. وقتی داشتند با قبلی مخالفت می کردند این را هم توضیح دادند.

حضار ۱۸۴ نفر، نمایندگان محترمی که با این پیشنهادی که قرائت شد موافق هستند قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد. اصل طرح را مطرح بفرمایید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۶۵

منشي (باهنر). طرح مستثني بودن مصوبات مربوط به آييننامه داخلي مجلس شوراي اسلامي از موضوع ماده (۲) قانون مدني

ماده واحده. كليه مصوبات راجع به آييننامه داخلي مجلس شوراي اسلامي بلافاصله پس از تصويب نهايي لازم الاجرا است اين حكم در مورد اين ماده واحده نيز اجرا خواهد بود.

رئيس. متشكر، تعداد ۱۸۶ نفر، نمايندگان محترمي كه با اين ماده واحده موافق هستند قيام بفرمايند. (اكثر برخاستند) با اكثريت قاطع تصويب شد. متشكر.

از شوراي محترم نگهبان هم تشكر ميكنيم. با اينكه فقهاي محترم شوراي نگهبان در مجلس خيرگان شركت دارند اما حقوقدانان محترم همهشان آمده اند از همهشان هم تشكر ميكنيم منتها جواب اين ماده واحده را هم زودتر آقايمان شوراي نگهبان به ما ميدهند كه ما زود بتوانيم تصميم بگيريم.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲/۱۰/۷

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲/۱۰/۷

شماره ۲۱۸۸

— ق

تاریخ

۱۳۷۲/۱۰/۷

پیوست

دارد

باسمه تعالي

حضرت حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي هاشمي رفسنجاني رياست محترم جمهوري اسلامي ايران
طرح مستثني بودن مصوبات مربوط به آييننامه داخلي مجلس شوراي اسلامي از موضوع ماده ۲ قانون مدني كه دو فوريت آن در جلسه علني روز يكشنبه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۵ تصويب شده بود، در جلسه علني روز سه شنبه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۷ مجلس شوراي اسلامي عيناً

تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است در اجرای اصل يك صد و بیست و سوم قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد.

علي اكبر ناطق نوري
رئيس مجلس شورای اسلامی

باسمه‌تعالی
قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین‌نامه داخلی

مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی ماده واحده. کلیه مصوبات راجع به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بلافاصله پس از تصویب نهایی لازم‌الاجرا است. این حکم در مورد این ماده واحده نیز مجری خواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ هفتم دی ماه يك هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

علي اكبر ناطق نوري
رئيس مجلس شورای اسلامی

این سند در تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۷ در تهران به امضای آقایان علی‌اکبر ناطق‌نوری و محمدعلی امانی‌پور رسید.

مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی

شماره

دوره پنجم - سال اول

ترتیب چاپ ۱۸۲

شماره دفتر

۱۳۷۶-۱۳۷۵

ثبت ۱۲۹

تاريخ چاپ ۱۳۷۵/۶/۲۲

طرح
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲)
قانون مدني در خصوص مهریه

كميسيون هاي ارجاعي: اصلي: امور قضائي و حقوقي
فرعي: امور اقتصادي و دارايي و تعاون
اداره كل قوانين

باسمه تعالي

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
طبق ماده (۱۰۷۸) قانون مدني «هرچيزي كه ماليت
داشته و قابل تملك باشد ميتوان مهریه قرار داد».

بنابراين شرط اوليه مهر آن است كه ماليت داشته
باشد و مال در هيچ يك از قوانين موضوعه تعريفی
ندارد ولي از حيث لغوي مال از فعل ماضي ميل به
خواستن است و در فارسي هم به مال خواسته ميگویند
و در اصطلاح چيزي است كه ارزش اقتصادي داشته و
قابل تقويم به پول باشد.

بنابراين وجه رايج ملكتي كه در قبالة هاي ازدواج
به عنوان مهریه تعيين ميشود معيار سنجش مال است و در
تمامي احوال با منظور نمودن ارزش معين در زمان خود طبق
شاخص قيمتها و تغيير قدرت خريد تقويم ميشود. لذا
زمانی وجه رايج ملكتي ماليت مييابد كه ارزش واقعي
آن با حفظ قدرت خريد ثابت نسبت به زمان عقد در
زمان تاديه محاسبه گردد. بدین منظور طرح الحاق يك
تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه
تقديم ميگردد.

صديقي - دستجردي - شيرازيان - جلودارزاده -
اماني - رمضانزاده - نوبخت (منيره) - احمد ناطق
نوري - حديدچي - عبدالله نوري - انصاري - اسدالله
رضوي - اسماعيلزاده - جادري - قدسيه علوي -
سيدمحمد حسيني - هاشمي زاده - سيدعبدالله حسيني - نوبخت
(محمدباقر) - قندهاري - ابوالقاسم روي سرخكلايي -
ترقي - رزميان - ابطحي - پيرنعمتي - انواري -
غفوري فرد - گلپاز و خباز.

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲)

قانون مدني در خصوص مهریه

ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني الحاق می‌گردد:

تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج باشد و به زن پرداخت نشده باشد، هنگام تأدیه متناسب با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید نسبت به سال اجرای عقد مبلغ مهریه محاسبه و پرداخت می‌گردد.

مرجع تشخیص و تعیین شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. این‌نامه اجرایی این تبصره حداکثر ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۰۸۲ قانون مدني

مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷

ماده ۱۰۸۲. به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

شماره ۱۳۷۵/۸/۱۲ - تاریخ چاپ ۱۳۷۵/۸/۱۲ - ثبت ۱۲۹

دوره پنجم - سال اول
ترتیب چاپ ۳۲۶
شماره چاپ ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵
سابقه ۱۸۲
تاریخ چاپ ۱۳۷۵/۸/۱۲
ثبت ۱۲۹

شور اول

شماره ۴۰/ک ق
تاریخ ۱۳۷۵/۸/۹
گزارش از کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه به شماره ترتیب چاپ ۱۸۲ که جهت رسیدگی شور اول به عنوان کمیسیون اصلی به این

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۶۹

كميسيون ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۸/۸ كميسيون با حضور كارشناسان ذي ربط مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر كليات آن عيناً به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي
سيد محمود نوري زاده

ضمناً گزارش كميسيون فرعي امور اقتصادي و دارايي و تعاون تا اين تاريخ واصل نگرديد.

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲)

قانون مدني در خصوص مهریه

ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني الحاق ميگردد:

تبصره. چنانچه مهریه وجه رايج باشد و به زن پرداخت نشده باشد، هنگام تأديه متناسب با افزايش شاخص قيمتها و تغيير قدرت خريد نسبت به سال اجراي عقد مبلغ مهریه محاسبه و پرداخت ميگردد.

مرجع تشخيص و تعيين شاخص قيمتها و تغيير قدرت خريد، بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران است. آيين نامه اجرايي اين تبصره حداكثر ظرف مدت سه ماه از تصويب اين قانون توسط بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۵۱۳۲ مورخ
۱۳۷۵/۱۱/۱۸)
دوره پنجم - اجلاس اول
۱۳۷۶ - ۱۳۷۵
صورت مشروح مذاکرات جلسه علي روز سه شنبه بيستم
آذر ماه ۱۳۷۵
جلسه ۴۹

۷. بحث و بررسي در مورد کليات طرح الحاق يك تبصره
به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه
رئيس. دستور بعدي را مطرح کنيد.
منشي (بامهر). گزارش شور اول کميسيون امور
قضائي و حقوقي در مورد طرح الحاق يك تبصره به
ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه. خبر
كميسيون بفرماييد.

موسي قرباني (خبر كميسيون امور قضائي و حقوقي).
بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش از كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس
شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني
در خصوص مهریه به شماره ترتيب چاپ (۱۸۲) كه جهت
رسيدگي شور اول به عنوان كميسيون اصلي به اين
كميسيون ارجاع شده بود، در جلسه مورخه ۷۵/۸/۸
كميسيون با حضور كارشناسان ذي ربط مطرح گرديد و
پس از بحث و تبادل نظر، كليات آن عيناً به شرح
زير مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور اول
آن تقديم مجلس شوراي اسلامي مي گردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي. سيدعمود
نوري زاده

(ضمناً گزارش كميسيون فرعي امور اقتصادي و
دارايي و تعاون تا اين تاريخ و اصل نگردیده
است).

من يك توضيح مختصري خدمت برادران و خواهران
محترم نماينده در خصوص اين طرح بدهم. علت اينكه
چنين ذهني در طراحان ايجاد شده تا تبصره اي را به
ماده (۱۰۸۲) قانون مدني پيشنهاده بدهند اين است

كه تورمي در جامعه بوجود آمده و با توجه به اينكه مهریه‌ها در گذشته و همچنین حالا بعضاً براساس وجه نقد رایج بوده يك تغيير بسيار فاحشي در ارزش اقتصادي مهریه‌ها ایجاد کرده است. به طوري كه مثلاً اگر مهریه کسی (۱۰۰۰) تومان كه کمتر از اين هم زياد دارم يا هر مبلغ ديگري در (۲۰) سال، (۳۰) سال، (۴۰) سال پيش بوده، اگر الان بخواهد آن را به نقد و وجه رایج دریافت بکند واقعاً هيچ ارزش ماليت ندارد، به حدي كه يکي از آقایان نقل می‌کرد كه آقا با خانمش شوخي یا جدي می‌گوید اگر زياد حرف بزنی مهر تو مثلاً (۵۰۰) تومان بوده می‌گویم بیا همین مرغ را بردار و برو و بقيه‌اش هم مال خودت، بقيه‌اش را هم نمی‌خواهد پس بدهی!! این قدر افت پیدا کرده كه واقعاً از اعتبار و ارزش مالي افتاده. حالا اين وضعیت در داخل کشور ما با توجه به رشدي كه تورم داشته، شما اگر پا را فراتر بگذارید چون بحث، بحث يك کشور نیست، بحث، يك بحث فقهی است و يك بحث حقوقی كه فراتر از يك کشور است. من مثال بزنم کشور همسایه خودمان را كه هر دینارش قبل از جنگ خلیج فارس معادل (۳) دلار بود (این را برادران و خواهران خوب توجه بفرمایید) اگر کسی مهریه خانمش را (۳) هزار دینار عراق قرار می‌داد به معنی هزار دلار قبل از جنگ خلیج فارس بود. همین مهریه بعد از جنگ خلیج فارس كه حدود (۲) هزار، (۳) هزار دینار يك دلار شده، معنایش اين می‌شود كه مهریه يك خانم از (۱۰) هزار دلار به (۱) دلار کاهش پیدا کرده، چون سه هزار دینار معادل با (۱۰) هزار دلار بوده و يك مرتبه (۱۰) هزار دلار شده (۱) دلار. بخاطر کاهش ارزش اقتصادي پول. بنابراین علي كه باعث مطرح شدن اين طرح گردید اين بود كه بخاطر تورم يك مسأله مستحدثه‌اي مثل بسياري از مسایل در جامعه ما بوجود آمد و واقعاً اين شبهه شده كه البته اين اختصاص به مهریه ندارد، الان بحث مهریه است، طرحي كه داده شده مربوط به مهریه است والا اصل قضيه مربوط به مهریه نیست در دين، همین مسایل پيش می‌آید. خوب، اين سؤال در اذهان بوجود آمده كه

آیا واقعاً پرداخت این مهریه یا این دین، ذمه شوهر یا ذمه کسی که مدیون هست را، بری می‌کند یا نه؟ این موضوع در کمیسیون قضائی مطرح شد و از حضر فقهای گرانقدر استفتا شد و در حدی که فرصت هست من چند مورد را عرض می‌کنم، حالا بدون ذکر نام مراجع عالیقدری که از آنها استفتا شده.

یکی از آقایان فرموده‌اند این مسئله مدت‌ها است که در استفتائات ما مطرح می‌شود و جوابی که مکرراً نوشته‌ام این است که اگر تورم در زمان کوتاه و مقدار معمولی باشد محاسبه نمی‌شود. چرا که همیشه تغییری در اجناس و قدرت خرید پول پیدا می‌شود و سیره مسلمین و فقها بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است و اگر تورم شدید و سقوط ارزش پول زیاد باشد تا آن حد که در عرف، پرداختن آن مبلغ ادا دین محسوب نگردد، باید بر اساس وضع حاضر

محاسبه کرد و در این مسئله تفاوتی میان مهریه و سایر دیون نیست. مثلاً در یکی از استفتائات آمده است که شخصی در (۳۰) سال قبل اجرت بنایی را نپرداخته در حالی که بنا برای او (۱۰) روز کار کرده و اجرت بنا در آن روز، روزی (۱۸) تومان یعنی (۱۸۰) ریال بوده است. به یقین اگر کسی بخواهد اجرت بنا را به قیمت آن روز یعنی (۱۸) تومان بپردازد در هیچ عرفی ادا دین محسوب نمی‌شود، این یک فتوی بود که از مراجع عالیقدر استفتا شد. مورد

دیگری فرموده‌اند . . .

عده‌ای از نمایندگان. اسم ببرید.

قربانی. اسم ببرم، چشم.

رئیس. خیر نمی‌خواهد اسم ببرید.

موحدی ساوجی. بالاخره باید معلوم بشود.

رئیس. آقای قربانی! شما بحث خودتان را بکنید.

قربانی. اسم نمی‌برم. مورد دیگری فرموده‌اند: با نظر اینجانب الحاق این تبصره اشکال ندارد. اصلاً در سؤال که شده خود تبصره هم فرستاده شده، زیرا پول‌های کاغذی و تحریری جز حفظ مالیت و ارزش،

خاصيت ديگري ندارند. البته آن هم در صورت الغاء ماليت يا كم شدن ارزش، از بين مي‌رود. بنابراين اگر بعد از وجه رايج نوشته شود «هرگونه پول كاغذي و تحريري» بهتر خواهد بود. اينجا پيشنهاد هم داده‌اند كه حالا فقط بحث اسكناس رايج نيست و هر پولي را شامل مي‌شود.

مورد ديگري كه باز بخشي از آن را عرض مي‌كنم چون خيلي مفصل است، مهربانه همسر مؤمني قبل از (۴۰) سال، (۴۰۰) تومان بود و آن وقت قيمت يك باغ بود و فعلاً در حدود (۱۶) عدد تخم‌مرغ طبعي است! به نظر مي‌رسد بايد وجه رايج آن زمان را با طلا تهديد كنند و امروز با قيمت امروز طلا بدهند و اولي آنكه به قيمت كار كارگر حساب كنند. در هر صورت باز ارزش اقتصادي را مطرح ساختند. حالا اينها را بعداً مي‌شود تدوين كرد.

مورد ديگر، از آنجا كه پول رايج هر عصر و زمان مابين ارزشها و بيانگر نسبت‌هاي مختلف بين كالاها و خدمات است و اساساً فلسفه وجودي پول نيز از همين اصل نشأت مي‌گيرد، لذا به نظر حقير لازم است به طور كلي در باب ديون و جنايات و ضمانات ارزشها و قدرت خريدها كه در زمان‌هاي مختلف متفاوت مي‌شود را هميشه در نظر بگيريم و به حساب بياوريم.

حالا اينها زياد است اگر آقايمان و خانم‌ها موافق باشند من اينها را نخواهم، اجمالاً خدمت شما عرض كنم كه استفتائات زيادي صورت گرفت كه اكثريت استفتائاتي كه صورت گرفت نظرشان بر همين بود كه اين يك مسأله مستحده‌اي است و بايد ارزش اقتصادي روز را مدنظر قرار بدهند بر همين اساس كميسيون هم بعد از اين ... حالا يك نکته ديگر هم راجع به يكي ديگر از آقايمان فقها عرض كنم، يكي ديگر از فقها تصورشان اين بود كه حالا ممكن است فتواي بقيه فقها غير از اين باشد، ايشان فرمودند كه من نمي‌خواهم خلاف مشهور فتوي بدهم ولي دفترشان

مطلب را نوشته‌اند. اما وقتی که فتاوا آمد کمیسیون هم به این نتیجه رسید که واقعاً این يك مسأله مستحدثه و جدیدی است و اگر قطعاً در دوران‌های گذشته هم که فقها فتاواي غير از این داشتند اگر تفاوت ارزش پول مطرح بود اولاً، اساساً در زمان‌های دور مهریه‌ها به این شکل نبوده، ثانیاً این تفاوت و کاهش قیمت‌ها وجود نداشته، بنابراین اگر چنین وضعیتی بوجود می‌آمد و استفتا می‌شد بسا آن وقت هم این طور^۱ فتاوا را آقایان می‌دادند، بنابراین کمیسیون بعد از این تحقیقی که در مسأله صورت داد و نظر فقهای گرامی را گرفت اکثریت کمیسیون رأی به اصل قضیه دادند. بدیهی است در شور دوم باید به گونه‌ای موضوع اصلاح بشود که جلو سوءاستفاده گرفته^۲ بشود، ممکن است بعضی از آقایان به ذهنشان بیاید که حالا بحث ربا رایج می‌شود که من این را هم عرض بکنم، ربا در جایی است که در ابتدای کار شرط می‌کند سود تضمین شده می‌خواهد و حال اینکه این بعد از کاهش ارزش اقتصادی پول است که بعداً باید مشخص بشود در فلان سال یا از فلان مدت تا فلان مدت اینقدر پول کاهش ارزش داشته و بعداً مشخص می‌شود. بنابراین در خصوص ربا هم مشکلی پیش نخواهد آمد گرچه ربا در جامعه وجود دارد و آنهایی که ربا می‌خورند و ربا می‌گیرند به گونه‌ای عمل می‌کنند که هیچ جایی پایانی از خودشان نمی‌گذارند و الان هم به قدر کافی برای خودشان دلیل و مدرک جور می‌کنند. من فعلاً بیشتر از این صحبت نمی‌کنم اگر توضیحی باشد در پایان صحبت‌م به آن اشاره خواهم داشت.

موسوی حسینی. اخطار قانون اساسی دارم.
رئیس. خیلی متشکر، آقای حسینی شما اخطار دارید

۱. در متن فوق عبارت «این طور» جایگزین عبارت «این جور» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «گرفته» جایگزین عبارت «گفته» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۹۷۵

بفرمایید.

سید علی اکبر موسوی حسینی. بسم الله الرحمن الرحيم

ضمن تشكر از طراحان و كميسيون محترم كه به اين طرح رأي مثبت دادند، مستند به اصل سوم قانون اساسي كه عدالت را تأكيد کرده و اصول ديگري از قانون اساسي عرض مي‌كنم اگر بخواهيد در اين مورد تورم را لحاظ كنيد بايد در تمام ديون لحاظ كنيد و نمي‌شود در يك مورد تورم را لحاظ كرد و در موارد ديگر لحاظ نكرد، بنابراين در شور دوم، كميسيون محترم بايد اين را به تمام ديون تعميم بدهد.

رئيس. اين اخطار قانون اساسي است؟

موسوی حسینی. بله، يعني بر اساس عدالت بايد اين تعميم پيدا كند.

رئيس. خوب بود حضرت عالي اين را به عنوان يك پيشنهاد در شور دوم لطف مي‌فرموديد مثل اينكه بهتر بود.

منشي (باهنر). اولين مخالف آقاي معلمي هستند، بفرمایید.

علي معلمي. بسم الله الرحمن الرحيم

تصور من اين است كه اين طرح از جمله بحثهاي مطرح در جامعه خواهد شد و به مطبوعات كشيده مي‌شود، خواهش من از همه برادران و خواهران اين است كه به عرايض بنده توجه كنند. ما به دور از هرگونه شعار و احساسات در مقام تصويب قانون هستيم و بايد واقع نگري داشته باشيم. از اينكه برادر عزيزمان خبر كميسيون آمدند مقايسه دينار و دلار را داشتند متاسفم، مگر براي مملكت ديگري ما مي‌خواهيم قانون وضع كنيم؟! استفتائاتي را هم كه اشاره فرمودند در همه استفتائات يك نكته اساسي نيامده مسبق هستيد يك مسأله را مي‌شود به صورتهاي گوناگوني مطرح كرد و جوابهاي مختلفي هم دريافت كرد.

عزيزان نماينده! اگر خدائي نكرده مرد نااهل شد، من قضيه اي را شادم كه مهریه اي بالاي (۳۰۰) سكه طلا بوده و آمده بود طلاق بدهد و يك سكه آن را هم نداشت هر چه او را نصيحت مي‌كردم مي‌گفت داخل زندان مي‌پوسم اما نه قادرم مهریه را بدهم

و نه حاضرم زندگي کنم. ما نيائيم با تصويب يك قانون، كانون گرم خانواده را به هم بزنيم و متلاشي كنيم. اولاً مهریه دين است مثل ساير ديون. آن نکته اي را كه عرض كردم كه در استفتائات غفلت شده، آن نکته اين است كه اگر وجه رايچ چهل سال قبل بوده اما مقيد به اين قيد «عندالمطالبه» بوده، اين قيد «عندالمطالبه» را دقت بفرماييد كه اگر هر وقتي زوجه خواست مطالبه بکند. اگر (۱۰۰) تومان چهل سال قبل قيمت يك خانه بود، همان وقت زوجه مي‌توانست مطالبه بکند و اگر خودش مطالبه نکرده و تحمل کرده، گرمي خانواده را بر آن سود مادي ترجيح داد، ما الان بيائيم چکار كنيم؟ اگر قانون مي‌خواهد براي آينده باشد در مورد آينده هم كه همه خانواده‌ها رايچ است كه سكه مي‌گذارند و اگر مي‌خواهيم قانون براي گذشته باشد من نمي‌گويم كه قانون عطف بماسبق باشد ناظر به گذشته باشد و اين حرف‌ها، حتي اين را نمي‌خواهم بگويم، مي‌خواهم اين را عرض كنم معيار چه چيزي باشد، الان چه كسي مرجع تشخيص قدرت خريد سي سال قبل است؟ حتي قدرت خريد امروز را هم مثلاً در تهران (۱۰) ميليون تومان يك قدرت خريد دارد، (۱۰) ميليون تومان يك قدرت خريد ديگري در شهرستان دارد و در بخش يك قدرت خريد ديگر. واقعاً معضلي در جامعه پيدا خواهد شد، هر روز و هر هفته و هر ماه بايد محاكم درگير استعلام از بانک مركزي بشوند كه آيا مثلاً (۱۵) سال قبل، (۱۵) هزار تومان چقدر قدرت خريد داشت و امروز چقدر قدرت خريد دارد؟! مهریه دين است، مثل ساير ديون و هيچ استثنائي هم در ديون نيست. قانون اگر به بقيه سرايت بکند شايد مثلاً اينجا ... اما در حالي كه يك فرقي دارد اصلاً مهریه آمد و اجل نداشت، شما هيچ قباله اي را پيدا نمي‌کنيد ... چه سندهاي عادي گذشته و قديم چه

سندهای ثبتی قانونی، همه جا در همه اسناد قید «عندالمطالبه» یعنی در ذمه زوج دین است که عندالمطالبه به^۱ زوجه، پرداخت بکند. پس با این آگاهی و اصلاً شرع و شرعیت آمده برای ازدواج دوشیزه اجازه ولی را شرط کرده از جمله حکمتش همین معنا است که در مسائل مادی پدر دختر بینش و آگاهی و آینده‌نگریش ... اینکه می‌فرمایند الان تورم در جامعه چه شده، مگر در گذشته اختلاف قیمت سوقیه نبود؟ مگر در لعه شهید بزرگوار مطرح نیست؟ مگر در شرح لعه اختلاف قیمت سوقیه مطرح نیست؟ این تفاوت قیمت‌ها از گذشته بسیار دور بوده و تا الان هم هست و اگر بخواهیم بگوئیم آقا! فلان مرجع، مجتهد بزرگوار، خدا وجودشان را بیشتر بکند، عزیز ما هستند، بزرگوارند، سرمایه‌های معنوی ما هستند. ما اگر صد تا مجتهد عادل داشته باشیم معنایش این نیست که مردم را در جامعه صد دسته کنیم در اینگونه مسایل حداکثر این است (یعنی حداقل و اکثر و اول و آخرش) که ما تابع نظر مبارک ولی امر باید باشیم. اگر این بوده نیازی به طرح در مجلس نبوده و اگر مصلحت نیست که مصلحت هم نیست که از آنجا استفتا^۲ بشود، خوب مجلس است با مسایلی که وجود دارد. حالا موافقتی که صحبت می‌کنند مسایل دیگری را مطرح می‌کنند. خواهش من این است که عزیزان نماینده این نکات را دقت داشته باشند.

من این را عرض کنم، خدا را گواه می‌گیرم که من دخترم را از پسر بیشتر دوست دارم. این طور^۳ نیست که منف‌گرایي و قشرگرایی باشد. کانون خانواده را گرم نگه داشتن مسایل دیگری نیز دارد و اینکه بیائیم بگوئیم قیمت (۱۰) سال قبل برای خرید چه

۱. در متن فوق عبارت «به» جایگزین عبارت «در» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «این طور» جایگزین عبارت «این جور» گردید.

اندازه‌ای بوده و الان چه اندازه، مثلاً مهریه (۵۰) هزار تومانی (۱۰) سال قبل الان چه بشود، اینها اوضاع خانواده را به هم می‌زند، حالا درست است ممکن است در چند مورد حق و حقوق بعضی از خانها ضایع شده باشد و بشود، البته طبیعی است در جوامع چنین چیزهایی اتفاق می‌افتد. مطمئن باشید که با تصویب این قانون که اگر تصویب بشود آن مشکلات حل نمی‌شود و آن اجحاف و بی‌عدالتی درباره زن‌ها همواره خدای ناکرده ممکن است بیشتر اضافه و مضاعف بشود که کمتر نخواهد شد. بنابراین با هوشیاری کامل، دقت‌نظر، توجه به نکات مطرح شده خواهش این است که برادران و خواهران عنایت کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله

رئیس. خیلی ممنون، موافق را دعوت کنید.

منشی (باهنر). اولین موافق خانم صدیقی هستند، بفرمایید.

مرثیه صدیقی. بسم الله الرحمن الرحيم

بنده یقین دارم که غایندگان محترم همه معتقد به عدالت اجتماعی هستند. یعنی فکر می‌کنم تمام ما زمانی که نطق‌های انتخاباتی خود را داشتیم یکی از محورهای اصلی که همیشه مطرح می‌کردیم پیاده کردن عدالت اجتماعی بود، حالا به شکل‌های مختلف و در جاهای مختلف. یکی از مصادیق بارز پیاده کردن عدالت اجتماعی همین طرحی است که امروز مطرح است. همان‌طور که مستحضر هستید قانون می‌گوید که مهریه باید مالیت داشته باشد، ولی وجه رایج، خودش فی‌نفسه مالیت ندارد، بلکه ملک سنجش مالیت سایر چیزها است. یعنی هر چیزی را بخواهیم میزان مالیتش را بسنجیم با وجه رایج می‌سنجیم. لذا خود وجه رایج فی‌نفسه مالیت ندارد.

مسأله مهریه از نظر اجتماعی و خانوادگی آن، که برادران مطرح کردند در واقع اصلاً به خاطر ابراز مهر و محبت مرد نسبت به همسرش است و همچنین ایجاد یک پشتوانه اقتصادی مستقل برای زن. در این رابطه هم خوشبختانه در جمهوری اسلامی ایران ما نمونه‌های بسیار خوبی را داریم، یعنی وجه غالب در ملکات ما در خانواده‌ها که عمدتاً توافق و تفاهم

هم دارند اين است كه مهریه به شكلهاي مختلف پرداخت ميشود و اينقدر كه ما در ملكتمان ملك براي زن داريم، يعني آقايمان تلاششان براي همسر و فرزندانشان است، اگر خانه ميخرند بخشي از آن را به نام خانمشان ميكنند، اگر ملك ميخرند بخشي از آن را به نام خانمشان ميكنند. اين مسأله را صادقانه بخصوص خدمت برادران محترم عرض كنم، ما در هيچ جاي دنيا اين روال را نداريم. لذا اين مسأله در وجه غالبش به شكل خوب دارد در ملكتمان اجرا

ميشود. و ليكن اين قانون شرايط خاص را دارد نگاه ميكنند. ما هميشه خانواده خودمان را نگاه نكنيم كه ببينيم هيچ مشكلي هم نداريم به بطن جامعه نگاه كنيم و ببينيم كجا دارد ظلم اتفاق ميافتد و از قبل همين قانون موجود ملكت هم اين ظلم و عدم عدالت اجتماعي دارد شكل ميگيرد. متأسفانه وقتي ما به آمارهاي طلاق در شرايط موجود مراجعه ميكنيم ميبينيم كه تعداد زيادي از اين طلاقها در مورد خانمهاي دارد اتفاق ميافتد كه عمدتاً خانمهاي هستند كه از ميزان سواد پائيني برخوردارند، كار نميكنند، درآمد اقتصادي ندارند، (۴۰ - ۳۰) سال است دارند زندگي ميكنند، چندين بچه دارند و عمر و جوانيشان را طي کرده اند و ليكن همين مسأله وجه رايجي كه به عنوان مهریه (۴۰ - ۳۰) سال پيش براي آنها منظور شده الان متأسفانه براي آقايماني كه خانمها را دچار اين مشكل ميكنند به عنوان يك انگيزه مثبت براي طلاق دادن خانم مطرح ميشود، براي اينكه احساس ميكنند خيلي راحت با پرداخت هزار يا ده هزار تومان ميتوانند خانمشان را طلاق بدهند و اين موارد يكي دو تا، ده تا، صد تا نيست، وجوه بسيار زيادي در ميزان طلاقهاي امروزه ما دارد. ما اين شرايط خاص را براي اينگونه افراد ميخواهيم ببينيم. لذا بحث نكنيم كه اگر اين قانون گذاشته بشود كانون خانواده به هم ميخورد، نه از قدم هم سكه، ملك و چيزهاي ديگر مهر ميگردند، خانوادههاي بودند كه در توافق كامل با مهریه هاي منطقي و در حد توان

پرداخت مرد، زندگیشان را ادامه دادند و هیچ مشکلی هم ندارند. ولیکن در کنار این مسایل، خانم‌هایی را داریم که متأسفانه بعد از (۴۰ - ۳۰) سال زندگی بخاطر اینکه مهریه‌هایشان بسیار مبالغ‌ناچیز هست، حتی کرایه تاکسی آنها از دادگاه به خانه‌شان نمی‌شود طلاق داده می‌شوند و لذا بیاییم این قانون را با این دید نگاه کنیم که در شرایط خاص می‌خواهد برای ضعیف‌ترین قشر جامعه یعنی خانم‌هایی که عمدتاً بنیه اقتصادی ندارند و محروم هستند و بعد از سال‌ها زندگی دارند طلاق داده می‌شوند در موردشان ان‌شاءالله اجرا بشود.

مسأله کشیدن به مطبوعات را آقای معلمی مطرح کردند که این مسأله به مطبوعات کشیده می‌شود، اتفاقاً این مسأله از وقتی که مطرح شد و طرح به مجلس محترم ارائه شد به مطبوعات کشیده شد و روی آن بحث هم زیاد شد و تمامی خانم‌ها و بسیاری از آقایانی که موافق این طرح بودند و تعداد زیادی هم امضا داشتیم گزارش می‌دادند که جو بسیار خوبی

را در جامعه ایجاد کرده. حتی خانم‌هایی که دچار این مسأله نیستند از ارائه این طرح اظهار خوشبختی کردند، آقایانی که موافق عدالت اجتماعی هستند اظهار خوشحالی زیاد می‌کردند، یک نویدی را به جامعه داده، یعنی شما از کشیدن این مسأله به مطبوعات باید یک نتیجه تحقیقات جامعه‌شناسی خوب را بگیرید که الان کشیده شدن این مسأله به مطبوعات باعث خوشحالی مردم شده و اثرات بسیار مثبتی را در جامعه داشته.

در مجموع بنده می‌خواستم این اطمینان را خدمت برادران و خواهران محترم بدهم که مطمئناً تصویب این قانون کاهش بسیار زیادی در میزان طلاق خواهد داد. یعنی آقایانی که احساس می‌کردند الان با پرداخت (۲) هزار تومان می‌توانند خانم‌هایشان را بعد از (۴۰) سال زندگی طلاق بدهند قطعاً این قانون یک مانع برای طلاق خواهد بود و این یک نکته بسیار مثبت در این قضیه است و نکته مثبت دیگرش پیاده کردن عدالت اجتماعی است.

برادرمان حاج آقا حسینی اشاره فرمودند اگر این دین به این صورت بخواند پرداخت بشود عدالت اجتماعی حکم میکند سایر دیون هم به همین شکل نگاه بشود اشکالی ندارد. اگر ما مسأله و مشکلی داریم، اگر کسی به کسی بدهکار است و در (۱۰) سال پیش بدهی اش (۱۰) هزار تومان بوده الان بیخی و بین الله کلاهش را قاضی کند ببیند این (۱۰) هزار تومان همان (۱۰) هزار تومان (۱۰) سال پیش است؟ عدالت اجتماعی حکم میکند که بیاید قدرت خرید را نگاه کند. حالا اگر مردی توان پرداخت را ندارد چه فرقی میکند که این وجه رایج تبدیل شده به نرخ روز یا سکه یا مهر باشد. این شامل قانونی میشود که باید به آن رسیدگی بشود و این مرد در توان خودش هر چه دارد پرداخت میکند و گرنه طبق قانون با او رفتار میشود. لذا این قانون هیچ نقضی نسبت به سایر قوانین جاری ندارد و فقط ان شاء الله قدمی در جهت اجرای عدالت اجتماعی خواهد

بود. والسلام علیکم ورحمة الله
منشی (باهر): آقای ایرانی مخالف هستند، بفرمایید.

حسین ایرانی: بسم الله الرحمن الرحيم
ضمن تشکر از همه خواهران و برادران و در عین احترام به حقوق زن و خانها و قدرشناسی از موقعیت سرشار از محبت و عدالت زن در اسلام، من سخن را با یک حدیث کوتاه نبوی آغاز میکنم که حضرت فرمود: «اذا اردت شیئاً فتدبر عاقبته»^۱ ما مخالفت به آن معنا با آن نداریم ولی سؤالاتی اینجا مطرح میشود و نکاتی هست که من به اختصار عرض میکنم:

۱. اینکه این مسأله بیش از آنکه مربوط به قوه مقننه باشد یک اصل و مسأله فقهی است و باید در مباحث فقهی بحث و بررسی بشود که این بحث مبنایی است. آیا اعتبار مربوط به مالیت است یا

۱. در متن فوق عبارت «عاقبته» جایگزین عبارت «عاقبه» گردید.

اینکه اعتبار پول مربوط به عین مال و پول است؟ این (۵۰۰) تومان و (۵۰) هزار تومان، خود این (۵۰) هزار تومان یعنی معادل آن است که اعتبار دارد، ارزش مربوط به معادل است و مالیت است یا مربوط به عین هست که این بحث مینایی است.

سؤال دوم اینکه آیا تحلیل اقتصادی در رابطه با مسائل خانوادگی که بر بنیان محبت پایه‌گذاری شده است در نهایت این موجب تحکیم خانواده است یا تزلزل خانواده؟ همان طوری که همسران زیادی هستند، شوهران فراوانی هستند^۱ خودشان را فدای راحی و آسایش زن و فرزندشان می‌کنند و مرکز امید و نوید مرد در همه تلاش‌ها خانه و خانواده او است.

بیاییم به جای این بحث‌ها، تقوا و تعهد و تربیت اسلامی را در خانواده‌ها پیاده کنیم والا اگر مرد در رابطه با مسائل خانوادگی تربیت اسلامی را نداشته باشد، این مسائل و این نوع طرح‌ها و قوانین مانع او نخواهد بود. ولی اگر شما او را مؤمن به تربیت اسلامی بار آورید می‌داند که طلاق می‌غوض‌ترین حلال‌ها عندالله است و هرگز به امری که می‌غوض‌ترین‌ها در پیش خدا است نزدیک نمی‌شود. سخنی از طلاق ندارد و سخن از طلاق گفتن را جرم می‌داند. مسی‌ها در بعضی از برخوردهای احساسی تحریف نشود. آیا در صدر اسلام که رسول‌الله، حضرت محمد «ص» (حضار صلوات فرستادند) سوره قرآن را...

آن طرف آمده می‌گوید من این بخش از قرآن را می‌دانم، «سوره قرآن» را مهر قرار می‌دهد. آیا مسأله مال و مالیت و اقتصاد مطرح هست یا یک ارزش‌های اصیل الهی و انسانی را اسلام می‌خواهد در خانه پایه‌گذاری کند؟

سؤال سوم، آیا شما در سایر دیون و معاملات همین سخن را همین‌گونه رفتار می‌کنید و اگر این حکم تسری پیدا کند نسبت به مسائل دیگر، عوارض اقتصادی آن

۱. در متن فوق عبارت «هستند» جایگزین عبارت «هست» گردید.

در جامعه دیده شده است؟ اگر شما هم به کسی (۱۰) هزار تومان بدهکار باشید (۵) سال دیگر (۲۵) هزار تومان به او می‌دهید، تورم را محاسبه می‌کنید؟ آیا بانک‌ها تورم را محاسبه می‌کنند یا فوقش (۳)٪، (۵)٪ سود و کارمزد را محاسبه می‌کنند؟ آیا محاکم قضائی بدهکاران را اینگونه مجازات می‌کنند و اینگونه از آنها تقاضا می‌کنند؟ حتی نسبت به سارقین و دزدها اگر مال را بگیرند اضافه آن را، ارزش افزوده را هم از سارق می‌گیرند؟ آیا در سطح جهانی اینگونه معامله می‌کنند؟ حتی صندوق بین‌المللی پول که به شما یا کشوری وام می‌دهد اینگونه رفتار می‌کنند؟ این عرفیت دارد یا نه؟

سؤال چهارم، آیا پسندیده است که ما ارزش‌های حاکم بر جامعه و محبوبترین بناها را در اسلام که حضرت فرمود محبوبترین و احب بناها در اسلام «ما بی

بنا» فی الاسلام احب من الزواج یا من ازدواج» این بنیانی که محبوبترین، مقدس‌ترین پیمان و پیوند است به خاطر چند متخلف بیاییم لرزان کنیم؟! یا متخلف برخورد کنید، در هر صورت و در هر جامعه‌ای متخلف وجود دارد و لذا قوانین برای متخلفین مقرر می‌شود، ما همه جوانب را در این طرح ملاحظه کنیم. شما را به خدا آیا الان مهرهای سنگین مانع از ازدواج جوانان عزیز ما شده است یا مانع ازدواج شده است؟ مانع طلاق شده است یا مانع ازدواج شده است؟ ای کاش کمیسیون محترم قضائی حداقل این قید ضمن عقد را اضافه می‌کرد و این کلمه را ذکر می‌کرد که اگر ضمن عقد آورده شود متعهدند به همان زمان عمل بکنند.

در هر صورت من باز هم تشکر می‌کنم و در عین احترام به این عزیزان، این سؤالات را هم خدمتتان تقدیم کردم.

والسلام علیکم ورحمة الله

منشی (باهنر). موافق بعدی آقای مجید انصاری هستند، بفرمایید.

مجید انصاری. بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجایی که این بحث مبنای بسیاری از مباحث حقوقی

و اقتصادی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باشد از همکاران محترم استدعا دارم توجه ویژه‌ای را مبذول بفرمایند. چون مرتباً در مخالفت با این طرح بحث شرع مطرح می‌شود. من می‌خواهم مقداری به این نکته پردازم که شرع نظرش نسبت به مسائل حقوقی و دیون و مهریه چیست.

یک سلسله سؤالاتی را جناب آقای ایرانی مطرح فرمودند گفتند بهتر است که به جای این بحث‌ها، جامعه را توصیه به تقوا کنید، مردها را توصیه به تقوا کنید. اهمیت بنای خانواده را ذکر کردند و فرمودند اهمیت بنای خانواده را در مسائل مالی ارزیابی نکنید و مسائلی دیگر.

بعد هم احساس وحشت کردند از اینکه این بحث به سایر مباحث توسعه پیدا کند، در مسائل دیون در محاکم ما مطرح شود. خوب، اگر حق هست و اسلام و شرع است، چه اشکال دارد در همه جا عمل شود؟ بلکه ما تکلیف داریم به عین شرع عمل کنیم. من بسیار مفتخر هستم و همه ما مفتخر هستیم که تابع فقه ناب^۱ جعفری هستیم، فقهی که به تعبیر امام بزرگوار، آن فقیه بنظر فرمودند زمان و مکان و اقتضائات در اجتهاد نقش تعیین‌کننده دارد و اسلام براساس اصول فقهی جعفری و اصول فقهی علوی و اسلامی فقه آن منعطف است به مصالح، منعطف است به مسائلی که چارچوبش مشخص شده، اما زمان و مکان در آن نقش تعیین‌کننده دارد.

در اینجا بحث از دو حق است: حق زن و حق مرد. چطور است که حساسیت بیش از حد روی حق مرد اعمال می‌شود، اما ما قائل به احتیاط در تضییع حقوق خانم‌ها نیستیم؟ سؤال اینجا است که آیا مردی که (۵۰) سال قبل (۱۰) هزار تومان وجه رایج کشور را مهر خاتمش کرده هدفش این بوده است که (۱۰) هزار تومان با خصوصیات فیزیکی این اسکناس، این تکه کاغذ مهر او باشد، یعنی در واقع خواسته است یک

۱. در متن فوق عبارت «ناب» جایگزین عبارت «باب» گردید.

مقدار كاغذ با مشخصات (۱۰) هزار تومان اسكناس در ازاي ازدواج همسرش قرار بدهد يا در حقيقت دنبال اين بوده است كه يك مالكيّت، مالكيّتي به ازاي (۱۰) هزار تومان آن روز به همسرش منتقل كند؟ قطعاً جواب روشن است، به همين دليل اسكناس را علماي اقتصاد و علماي دين نماينده قدرت خريد و مالكيّت مي‌دانند. خود اين كاغذ كه ماليت خاصي ندارد، ماليت ذاتي ندارد، اگر فردا وجه رايج پايه پولي کشور عوض شد و به جاي ريال تومان شد، به جاي يك ريال (۱۰۰) ريال شد، آيا واقعاً باز همين حرف را در همه مسائل ما مطرح مي‌كنيم؟ (۳۰) سال قبل، بنده زندگي خودم را مثال مي‌زنم كه (۳۰) هزار تومان مهریه همسرم كردم و در آن زمان در قم با (۲۸) هزار تومان يك منزل (۱۲۰) متری در خاك فرج قم خريداري كردم و امروز اگر من بعد از (۳۰) سال بخوام بگويم بيا اين (۳۰) هزار تومان را بگير، با (۳۰) هزار تومان به قول يكي از مراجع بزرگوار كه در اينجا نوشته‌اند كه پول يك متر زمين هم نمي‌شود، آيا اين حق زن تضییع نخواهد شد؟ آقاياني كه بحث شرع را مي‌كنند اين مجموعه استفتائاتي كه در دست من هست متعلق به مراجع بزرگوار صاحب رساله امروز کشور ما است. تعابیر را بعضاً من اشاره مي‌كنم، يكي از بزرگان اين‌طور^۱ نوشته‌اند: از آنجا كه پول رايج هر عصر و زمان مابين ارزش‌ها و بيانگر نسبت‌هاي مختلف بين كالا و خدمات است و اساساً فلسفه وجود پول نيز از همين اصل نشأت مي‌گيرد، لذا به نظر حقير لازم است به طور كلي در باب ديون و جنايات و ضمانات، ارزش‌ها و قدرت خريدها كه در زمان‌هاي مختلف متفاوت مي‌شود را هميشه در نظر بگيريم و به حساب بياوريم تا راه توجه ضرر و زيان را نسبت به دائن، محني‌عليه،

۱. در متن فوق عبارت «اين طور» جايجزين عبارت «اين جور» گرديد.

مضمون له مسدود بسازیم. البته تعیین تکلیف را نوشته اند با متخصصین و خیرگان هر عصر و زمان است و این موضوع اختصاص به مهریه خانها ندارد. اگر طبق فرمایش جناب آقای ایرانی بخواهیم عمل کنیم فرض بفرمایید امروز رضاخان جهنمی و قلدر را ما می‌خواهیم در یک محکمه اسلامی محاکمه بکنیم و رضاخان بلا زور و قلندری هزار تومان را در (۶۰-۷۰) سال قبل از یک نفر گرفته، اگر وراث رضاخان بیایند (۱۰۰۰) تومان را تحویل وراث آن مظلوم بدهند از لحاظ شرعی ذمه آنها بری شده؟! اگر اینگونه باشد که تمام ذمه شاهان گذشته را امروز با یک میلیون تومان می‌شود بری کرد و همه از جهنم در می‌آیند و به بهشت می‌روند! این چه صحبتی است که ما در محاسبه می‌کنیم؟! اگر در گذشته فقها عظام -

رحمة الله علیهم اجمعین - بحث تفاوت را مطرح نکردند چون تورم فاحش در آن زمان مطرح نبوده یا وجه رایج نقدین بوده یعنی طلا و نقره وجه رایج بوده، طلا و نقره خودش ارزش ذاتی دارد و امروز طلا و نقره در دنیا پایه ارزشیابی پول است، فرق می‌کند با امروز که کاغذهایی به نام اسکناس جایگزین نقدین یعنی طلا و نقره سابق شده. حالا به فتوای برخی از علمای بزرگ که در اینجا نوشته اند یک دفعه تفاوتها کم است، فاصله نیم درصد و یک درصد و امثال اینها است که یک امر عرفی است، اما تفاوتهای فاحش موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود. اگر من (۵۰) سال قبل (۱۰۰۰) تومان از کسی قرض کرده ام و به او پرداخت نکرده ام یا چک کسی را من نگه داشتم، پول کسی را من در جایی حبس کردم و بعد از (۲۰-۳۰) سال حالا بخواهم عین آن پول را به او برگردانم، طبیعی است که قدرت خرید دهها برابر کاهش پیدا کرده است. بحث ما اینجا است که اگر مردی وجه رایج کشور را مهر خاتمش کرده و حالا می‌خواهد تأدیه کند، جناب آقای ایرانی هم دقت بفرمایند که بحث طلاق، مطلقاً مطرح نیست، بحث تأدیه حق است. اگر خان فوت کرد ورثه این خان می‌خواهند مهریه شان را دریافت بکنند، اگر مرد فوت کرد

میخواهند از ماترك مرد مهریه را بردارند، چقدر بردارند؟ بحث طلاق مطرح نیست. آیا بعد از (۵۰) سال بیایند هزار تومان از مال آن آقا بردارند و بگویند این حق و مهریه خانم بگیر و برو دنبال کارت! با هزار تومان هم برو نیم کیلو گوشت بخر! یا دو کیلو سیب زمینی بخر! این حق است، این عدل است، این اسلام است؟! خیلی روشن است که اگر ما اینگونه قضاوت کنیم حق خانمها ضایع شده، حق طلبکاران، حق کسانی که دینی بر عهده دیگران به صورت وجه رایج دارند، ضایع میشود. فقه اسلام این را نمیگوید. محتاطترین مراجع بزرگوار که در اینجا اظهار نظر کرده اند، فرموده اند که اگر مطالبه نکرده باشد نعم و اگر مطالبه کرده باشد و تأدیه نشده باشد باید نرخ روز و قدرت خرید را محاسبه کرد.

(در این هنگام آقای حسن روحانی «نایب رئیس»

ریاست جلسه را به عهده گرفتند)

برخی از فقهاء عظام اصل را پذیرفتند، فرمودند

احتیاطاً يك مصالحه ای انجام بدهند. ولی اصل این مطلب که وجه رایج نماینده قدرت خرید است، وجه رایج نماینده مالیت و مالکیت است و باید به همان میزان از مال و مالکیت به مدیون (چه زن باشد، چه طلبکار باشد، چه مضمون علیه باشد و هر کس باشد) تأدیه و پرداخت بشود. من فرصت نیست که همه فتاوایی که در اینجا از فقهای بزرگ و مراجع عصر خودمان آمده است قرائت بکنم. پس وقتی که بحث شرع را مطرح میکنید، هر دو طرف قضیه احتیاط را میطلبید. در اینجا عبارت یکی دیگر از مراجع را من میخوانم، ایشان نوشته اند «به نظر اینجانب الحاق

این تبصره با این ماده اشکال ندارد، زیرا پولهای کاغذی و تحریری جز حفظ مالیت و ارزش، خاصیت دیگری ندارند، آن هم در صورت حاکم شدن ارزشها، از بین میرود. بنابراین اگر بعد از وجه رایج نوشته شود هر گونه پول کاغذی و تحریری بهتر خواهد بود». به هر حال ایشان با صراحت ذکر کردند

که پول کاغذی هیچ گونه ارزشی جز نمایندگی از مالیت و مالکیت معین در هر عصر را ندارد. ما در این طرح این طوری نوشته‌ایم که اگر مهریه تأدیه نشده باشد، هنگام پرداخت مهریه با نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید قدرت خرید زمان مهر و زمان تأدیه محاسبه شود. تغییر شاخص قیمت‌ها محاسبه گردد، متناسب با تغییرات ایجاد شده مهریه پرداخت بشود و هیچ اشکال هم ندارد که این مبناي فقهی شرعی که با عناوین اولیه اسلام هم هست (نه عنوان ثانویه) به سایر مسائل توسعه پیدا می‌کند. من طرف دیگر قضیه را عرض می‌کنم. اگر فردی (۲۰) سال پیش، (۵۰) سال پیش خمس بدهکار بوده است، (۱۰۰) هزار تومان (۵۰) سال پیش خمس بدهکار بوده، خمس که حق معین امام و سادات هست پرداخت نکرده، امروز اگر بخواهند مال آن فرد را تخلیص بکنند، باید بگویند (۱۰۰) هزار تومان را بده، تو را به خیر و ما را به سلامت؟! یا اینکه (۱۰۰) هزار تومان (۵۰) سال قبل اگر در اختیار نمایندگان امام «ع» در اختیار سادات عظام – کثرالله امثالهم – قرار می‌گرفت یک قدرت اقتصادی سنگین (۱۰۰) میلیون تومانی در اختیار بیت‌المال بود. لذا من به همکاران محترم عرض می‌کنم که طرفین قضیه حق است، همان طوری که آنجا احتیاط می‌کنیم، اینجا هم حق خانم‌هاست، حق مدیونین است، حق سادات است، حق امام است، حق بیت‌المال است، هر کس به نوعی وجه رایج بدهکار باشد و مدیون باشد، این وجه رایج موضوعیتی ندارد، قدرت خرید آن زمان و این زمان موضوعیت دارد و این بحثی است که هم به لحاظ مبناي فقهی، فقهای بزرگوار گذشته مبانی آن را فرموده‌اند^۱ و هم فقهای امروز مصادیق آن را ذکر کرده‌اند و عرض کردم ما در گذشته اگر به این عنوان در کتب فقهی چیزی را نداریم، چون اولاً اسکناس موضوعی است که اخیراً در

۱. در متن فوق عبارت «فرموده‌اند» جایگزین عبارت «فرمودند» گردید.

اقتصاد جهان وارد شده و ثانیاً در آن زمان وجه رایج نقدین بوده، یعنی طلا و نقره بوده که خود آن ارزش ذاتی داشته است.

علی‌هذا من امیدوار هستم که نمایندگان محترم ان‌شاءالله به این طرح رأی بدهند، علمای بزرگوار و

فقهایی عزیزی که در مجلس تشریف دارند، پیشنهادات تکمیلی خودشان را برای شور دوم به کمیسیون قضائی مجلس تقدیم کنند، ان‌شاءالله در شور دوم با

رعایت همه جوانب (و هیچ اشکال هم ندارد توسعه بدهیم به سایر موارد) این اصل عدالت‌گستر اسلامی را پیاده کنیم. وقتی که ما بحث اقتصاد اسلامی می‌کنیم خوب، یکی از وجوه اقتصاد اسلامی همین است. یکی از نظرات اقتصاد اسلامی در خصوص پول... (نایب رئیس - وقتان تمام است) امیدوار هستم که این قدم مجلس در آغازین ماه‌های دوره پنجم مبدأ تحول فکری و بینشی در مسائل حقوقی — مالی در تمام سطوح جامعه و کشور شود.

والسلام علیکم ورحمةالله

(عده‌ای از نمایندگان. احسنت، احسنت)

نایب رئیس. متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (باهنر). آقای خیرخواه بفرمایید.

کامل خیرخواه. بسم‌الله الرحمن الرحیم

حمدالله نمایندگان محترم توجه لازم را به این طرح دارند و سخن موافقین محترم و همچنین مخالفین را گوش می‌دهند.

اما من علاوه بر این خواهش دارم که نمایندگان محترم بذل توجه بیشتری بکنند، چون بحث واقعاً بحث دقیق و فقهی است. چیزی را تصویب نکنیم که به شورای محترم نگهبان برود و فقهایی محترم شورای نگهبان رد بکنند، عنایت بفرمایید که رد شورای محترم نگهبان بار سیاسی خاصی دارد. من اول جواب نقضی را (به قول ما طلاب) عرض بکنم و بعد به جواب حلی آن پردازیم.

موافقین محترم از جمله خانم فرمودند که اگر ما مهریه زنانی که ازدواجشان (۲۰) سال، (۳۰) سال، (۴۰) سال قبل صورت گرفته و به قیمت آن روز،

گرچه مناسب بوده و با شؤون زوجه آن مرد قطعاً پذیرفته شده، ولی امروز وقتی ملاحظه می‌کنیم و با توجه به تورم و گرانی ارزش آن روز پول در مقایسه با امروز بسیار ناچیز است، اگر این را بالا ببریم جلو طلاق‌ها را خواهیم گرفت و جلو جدایی‌ها سد خواهد شد و نکته‌ای را هم من خواهش می‌کنم خواهر محترم توجه نکنند! در اینجا ادعا کردند (که به نظر من یک ادعای فاقد دلیل است) اکثر طلاق‌هایی که صورت می‌گیرد مربوط به زوج‌هایی است که مهریه کافی ندارند! این‌خواهر این سخن را با کدام آمار فرموده‌اند؟! آمار را خوب بود که نشان می‌دادند. طبق آمار موجود اگر درصد طلاق‌های انجام گرفته مربوط به زنانی بوده که مهرشان کمتر بود، قابل قبول بود، اما به نظر می‌آید طلاق‌هایی که الان صورت می‌گیرد بیشتر در ازدواج‌های تازه است. ازدواج‌های (۴۰) ساله و (۳۰) ساله و (۲۰) ساله و حتی پایین‌تر از آن هم کمتر انجام می‌گیرد. تقریباً یک عمری زن و مرد با هم زندگی کرده‌اند و به خوبی و خلق یکدیگر آشنا شده‌اند، جدایی در این سنین بسیار بسیار کمتر است. طلاق‌هایی که صورت می‌گیرد اکثراً ازدواج‌های تازه است، دو ساله، یک ساله، چهار ساله، شش ساله و اینها هم آن مهرشان با زمان حاضر فاصله ارزشی بسیار زیادی ندارد. من خواهش می‌کنم نمایندگان محترم، خواهران و برادران به این نکات عنایت نکنند. اصلاً در دنیای غرب طلاق‌ها به خاطر اینکه مهر و آن حقی که باید به زوجه بپردازند کم است صورت می‌گیرد یا در همین ایران واقعاً این طوری است؟! این واقعاً یک حرف بی‌دلیلی است که ایشان فرمودند و بایستی توجه داشت، هر چند ما از لحاظ شرعی این نکته را داریم مهر را زیاده‌تر بکنیم اتفاقاً شوم است و مشؤمت دارد و بالاخره مصلحت نیست، بلکه در روایات هست که هر زنی مهرش کمتر است به سعادت و خوشبختی هم نزدیک‌تر است.

اما نکته دومی که این خواهر اشاره داشتند این بود که اگر ما بخواهیم این مهریه‌ها را که به قیمت روز محاسبه می‌کنیم بالا ببریم در نتیجه طلاق هم

صورت نمی‌گیرد. این هم قابل قبول نیست، این هم يك ادعای بی‌دلیل است. همان طوري که برادرمان جناب معلمی گفتند، آن‌هایی که درصدد طلاق و جدایی هستند هر اندازه مهر آن‌ها را سنگین هم بکنید و قیمت مهر (۳۰) سال قبل را به روز در بیاورید (۳) هزار تومان را بگویید بایستی (۳۰) میلیون پرداخت بکند، اما چون تصمیم به جدایی گرفته، خواه ناخواه جدا می‌شود و با قسط‌بندی و بالاخره با استفاده از راه‌های قانونی، هم طلاقش را می‌دهد و هم مهر را بالاخره به شکل مقبول هم بخواهد پرداخت بکند با يك زمان بسیار طولانی پرداخت می‌کند و زن را از خودش جدا می‌کند و من در اینجا می‌خواهم توجه نمایندگان محترم را به این مطلب جلب بکنم که عزیزان من! ما با مسائلی از این قبیل نیاییم بنیان حکم و مقدس‌خانواده را متزلزل بکنیم. گرچه مجمع تشخیص مصلحت در مورد طلاق زن این مطلب را مصوب کرده که اگر مردی بخواهد بدون دلیل و بر مبنای هوای نفس و شهوات شیطانی، زن را از خودش جدا بکند و طلاق بدهد، در آنجا آمده است (من الان از وزیر محترم دادگستری پرسیدم ایشان اشاره داشتند که در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است) که دادگاه حق دارد ... اموال موجود، آنچه که زن و مرد در زندگی مشترک جمع‌آوری کرده‌اند مقداری از آن، نصفی از آن، مال این زوجه خواهد بود. وقتی که ما در مورد طلاق يك مسائلی این طوري را داریم چرا بیاییم يك بحثی را مطرح بکنیم که اصلاً به نظر من نیازی به طرح این قانون نبود. متأسفانه خواهران این مطلب را آوردند و برادران محترم هم احساس‌شان گویا بر این بوده که زن در جامعه اسلامی ایران واقعاً تحت سلطه و استعمار است و وجود زن دارد استثمار می‌شود و این بارهای سیاسی را متأسفانه لحاظ نکرده‌اند و در واقع داریم يك غذای تبلیغاتی هم به دشمنان می‌دهیم. به هر حال من می‌خواهم عرض بکنم که نیازی به این طرح نبوده و به هر حال نکته‌ای که برادرمان جناب آقای انصاری اشاره داشتند، یکی مسأله حق مرد و حق زن مطرح است و ما در مورد حق

مرد حساسیت داریم اما در مورد حق زن چرا بی تفاوت هستیم؟ این جواب هم عیناً همانی است که عرض کردم. واقعاً کجا به حقوق زن خدای ناکرده تجاوز شده و ساکت نشسته ایم؟! البته نمی شود گفت هیچ مردی بر خلاف عواطف و دستورات دینی به زن زور نمی گوید و یا حق او را ضایع نمی کند، اما جلوگیری از تضییع حقوق زن راهش این نیست که ما بیاییم یک قانونی را تصویب بکنیم که واقعاً به نظر من نظام ارتباطات اقتصادی را به هم می ریزد.

نمایندگان محترم ببینید! شما این ارزش را فقط در مورد مهریه زنان می خواهید لحاظ بکنید یا در همه موارد باید لحاظ بشود؟ اگر یک شخص بدهکاری ده سال قبل بایستی (۱۰) هزار تومان به یک شخصی می داد و نتوانست بدهد تا امسال که مرد ... (نایب رئیس - جناب آقای خیرخواه! وقتتان تمام است) عنایت کنید اگر واقعاً آمد گفت طلبکار محترم! به من فرصت دادی و متشکرم و این (۱۰) هزار تومان شما، اگر این قانون باشد آن طلبکار نخواهد گفت که شما ده سال پیش (۱۰) هزار تومان از من گرفتید، امروز اگر آن (۱۰) هزار تومان را حساب بکنید با (۱۰) سال قبل چیزی بالای مثلاً فرض کنید (۱۰۰) هزار تومان می شود و بنابراین بایستی (۱۰۰) هزار تومان به من بدهید؟! و این محاسبات را چه کسی خواهد کرد؟ این نظام به هم ریخته اقتصادی را که در آینده بوجود خواهد آمد چه کسی باید جمع و جور بکند؟ اینها مطالبی است که من معتقدم که حتماً بایستی رعایت بشود.

و اما مطلب حلی را عرض کنم، نمایندگان محترم ببینید! آقایان و خانمها! این مطلب به نظر من یک بحث مبنایی است، فقهی است، ما نیایم در اموری که خیلی مربوط به ما نیست حتماً جعل قانون بکنیم. شما می توانید قانون وضع بکنید، اگر یک کسی روزه خورده چقدر بایستی بابت كفاره بدهد؟ نه، این را بایستی مرجع تقلید، هر کسی که از هر مرجع تقلیدی، تقلید می کند از او این نظریه را بخواند. من معتقدم که وارد شدن در این قضیه بر مبنای فقهی نیاز به کار کارشناسی عمیق اجتهادی

دارد و بنابراین هر کس که تابع هر مجتهدی هست، همین فتاوایی که شاید الان دم دست شما است و جناب انصاری به آن اشاره کردند، چرا به فتوای برخی از مراجع دیگر که فرمودند «فقط مهر مشخص همان زمان را بدهکار است و باید پرداخت بکند» چرا این را قرائت نکردند؟ چرا نظر آن مرجع دیگری که عالمانه اظهار نظر کردند و فرمودند اگر همسر در هر زمانی ادعای مهر کرد و شوهر نپرداخت بدهکار است به ارزش روز، ولی اگر همسر ادعای مهر نکرد، ولو (۳۰) سال گذشته، بایستی که همان مهر زمان انعقاد عقد را پرداخت بکند.

به هر حال من معتقدم که تصویب این طرح مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد و به دنبال دارد و من خواهش می‌کنم که آقایان و خانم‌ها عنایت لازم را داشته باشند و به بار سیاسی قضیه هم توجه بفرمایند. والسلام

نایب رئیس. متشکر، قبل از اینکه ما موافق بعدی را دعوت کنیم که طبق آیین‌نامه مجموعاً پنج نفر دیگر فرصت دارند صحبت کنند، چون پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده ابتدا ناچاریم این پیشنهاد را مطرح بکنیم. یکی از پیشنهاد دهندگان توضیح بدهند.

محمد شاهی عربلو. بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت برادران و خواهران عزیز در مورد این طرح عرض کنم که تعدادی از برادران موافق و مخالف خصوصاً علمای بزرگوار آن مسائل فقهی و لازم را خدمت مجلس محترم توضیح دادند. منتها بالاخره این طرح از ابعاد گوناگون قابل طرح و بررسی است. به همین جهت هر چه در مورد آن صحبت بشود، ابعاد دیگری را باز خواهد کرد. چون هم مسأله اجتماعی است و هم مسأله حقوقی است و هم مسأله فقهی است. بنابراین مسائل را از هر بعد هر کدام از برادران بنگرند و فکر کنند قابل تشریح است. منتها عمده مسائلی که در اینجا اشاره شد مسأله طلاق است که برادران و مخالفین اشاره داشتند که این کار (اضافه شدن مهریه) نه تنها جلو طلاق را

نمی‌گیرد بلکه جلو ازدواج را می‌گیرد. در حالی که اینجا مسأله اضافه شدن مهریه مطرح نیست. اصلاً ... (نایب رئیس - آقای شاه‌عربلو! شما راجع به کفایت مذاکرات صحبت بفرمایید) بله حاج آقا! همین را می‌خواهم اشاره کنم که ... (نایب رئیس - آخر مقدماتتان خیلی مقدمات بعیده است تحمل نمی‌کنند، بفرمایید) اینجا اظهار عدالت و حفظ عدالت اجتماعی است که یک حقوقی که قبلاً یکی بدهکار بوده حالا چطوری آن پرداخت بشود، مسأله این است که برادران و خواهران هم بالاخره در رأی دادن بختارند ان شاء الله رأی می‌دهند و وضعیت مشخص می‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
نایب رئیس. متشکر، مخالف را دعوت بفرمایید.
منشی (غفوری‌فرد). آقای باهنر بفرمایید.

محمدرضا باهنر. بسم الله الرحمن الرحیم
 من به ذهنم می‌رسد دیگر با جوی که در مجلس هست نیازی به مخالفت ندارد و رأی نمی‌آورد. به نظر من این کفایت مذاکرات شاید از آن موارد معدود و استثنایی باشد که حتی حق باشد ما درخواست ادامه مذاکرات را طبق آیین‌نامه بکنیم به بیش از موارد معین! مسأله بسیار مهم است، مسأله بسیار حساس است، هم از بعد فقهی و هم از بعد اقتصادی و هم از بعد اجتماعی و ما باید واقع قضیه بتوانیم این مسأله را حسابی به غور بگذاریم، استدلال‌های مخالفین، موافقین را بشنویم، البته خوب، ان شاء الله محبت هم می‌کنند و مخالفین و موافقین استدلال‌های تکراری را نمی‌گویند، بحث‌های بعدی را بکنند تا ان شاء الله مسأله شکافته بشود و واقع قضیه اینکه تصمیم، تصمیم مهمی است. یعنی ما اعم از اینکه قانع بشویم مخالف رأی بدهیم یا قانع بشویم موافق رأی بدهیم، مسأله بسیار مهم است و باید دقت زیادی در قضیه کرد.

نایب رئیس. متشکر، حضار ۱۸۲ نفر، نمایندگان محترمی که با کفایت مذاکرات موافق هستند قیام بفرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. موافق بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (باهنر). خانم وحیددستجردی بفرمایید.

مرضیه وحیددستجردی. بسم الله الرحمن الرحيم

من در ابتدا لازم است به بخشی از سخنان برادر

محترم جناب آقای خیرخواه پاسخ بدهم.

بحث ایشان اولاً نیاز به تذکر و مسأله داشت که من در آن موقع صلاح ندیدم، گفتم به عنوان موافق در همین جا صحبت می‌کنم، از قول خانم‌های نماینده و طراح مطلب خلاف واقعی را مطرح کردند و گفتند که این خانم‌ها این طور عنوان می‌کنند که زن در جامعه اسلامی ایران تحت سلطه است و استثمار می‌شود. برادر محترم و سایر نمایندگان محترم توجه داشته باشند! قطعاً و به هیچ وجه این نظر، نظر خانم‌های نماینده نیست. ما معتقدیم امروز در جمهوری اسلامی ایران زنان آن قدرت و توان و حقوقی را به دست آورده‌اند که در هیچ کجای دنیا و هیچ کجای تاریخ مثل آن نظیر نداشته. بنابراین مطلبی که ایشان فرمودند شاید نظر شخصی خود ایشان هست که بایستی حتماً نظرشان را پس بگیرند. آنچه که ما در این انقلاب شاهد هستیم، حضرت امام راجل، آن کسی که بزرگترین حق را به گمان ما در قرن اخیر برگردن زنان در تمام عالم دارد، ایشان این طور فرمودند که «من تحول بسیار عجیبی را در زن‌ها می‌بینم و این تحولی که امروز در جامعه اسلامی ما در زنان است بیش از تحولی است که در مردان اتفاق افتاده».

واقعاً ما این تحول و این آزادی و این حقوقی را که امروز به زنان داده شده در جامعه خودمان که موجب شده زنان ما امروز در تمام عرصه‌ها و میدان‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و علمی فعالیت اینها را مدیون نظام جمهوری اسلامی هستیم و تمام آنچه که مورد نظر ما است و مقصد و ایده ما هم این است که به آن ایده‌آل‌های اسلامی خودمان برسیم. بنابراین اگر ما خلأهای قانونی را که در قانون ما و شاید در قانون مدنی ما وجود دارد، اگر مشکلاتی را که براساس مسائل روز اتفاق می‌افتد و بایستی اینها را قانون ما پاسخگو باشد و مخصوص مجلس شورای اسلامی به آن پاسخگو باشد،

به عنوان قوه ای که در رأس قوا است، ما این را هم از حقوق اسلامی مردم کشورمان و بخصوص حقوق زنان می دانیم. این میدانی که اسلام برای زنان باز کرده تا در این میدان مشکلات جامعه و مشکلات زنان و مردان حل بشود. ایشان فرمودند ما بگذاریم براساس اینکه آقایان فقها و مجتهدین عظام نظراتشان با هم متفاوت هست هر کسی بر مبنای نظر مجتهد مقلد خودش رفتار بکند. ولی آنچه که من می خواهم خدمت آقای خیرخواه عنوان بکنم ...

نایب رئیس. خانم وحید بیخشد! ...

خیرخواه. تذکر آیین نامه ای دارم.

وحید دستجردی. حاج آقا! صحبت ایشان را جزو وقت من منظور نفرمایید.

خیرخواه. ایشان به ما چیزی را نسبت دادند، من می خواهم جواب بدهم.

وحید دستجردی. حاج آقا! دقیقاً ایشان فرمودند، من همان زمان یادداشت کردم «خانم های نماینده این طور عنوان می کنند که زن در جامعه اسلامی ایران تحت سلطه است و استثمار می شود». این دقیقاً عین همین

چیزی بود که من واقعاً مو به مو یادداشت کردم. البته ایشان می فرمایند که نظرشان این نبوده ...

نایب رئیس. آقای خیرخواه! طبع مذاکرات مجلس و مخالف و موافق این است، مگر صحبت شما تحریف شده؟

خیرخواه. بله، تحریف شده!

نایب رئیس. خیلی خوب، حالا ما نوار را می گیریم اگر این جمله ای که ایشان نقل کردند تحریف شده بود، به شما وقت می دهیم. سرکار خانم وحید بفرمایید.

وحید دستجردی. ایشان می فرمایند که هر کسی بر مبنای نظر مجتهدی که از او تقلید می کند رفتار بکند. قوه قضائیه ما (جناب آقای خیرخواه! برادران محترم!) بر مبنای فقه حکومتی بایستی رفتار بکنند. ما بایستی یک وحدت رویه در همه دستگاه های کشورمان و بخصوص بر دستگاه قضائی مان حاکم باشد. ما نمی توانیم براساس نظریات متفاوت فقها و مجتهدین بیاییم اینجا عمل بکنیم و این وحدت رویه

را به هم بریزیم. آن چیزی که بر دستگاه قضائی ما حاکم است بایستی يك نظر واحد باشد و آن هم همان مطلبي باشد که بایستی در فقه حكومي ما مد نظر هست. بنابراین اگر این مطلب به عنوان یکی از دردهای امروز جامعه به مجلس آورده شده که روي آن بحث بشود، این یکی از معضلات جامعه ما است. من نظر شما برادران و خواهران محترم را به این سخنان رهبر معظم انقلاب که اخیراً در جمع خانم‌ها بیان فرمودند جلب می‌کنم، ایشان این طور فرمودند «چیزی که توصیه ما به همه دست‌اندرکاران است چه آنهایی که در مجلس هستند و چه آنهایی که در دستگاه دولتي هستند، چه آنها که بر منابر خطابه و وعاظ هستند، چه به خود زن‌ها، این است که باید حمایت اخلاقی و قانونی از زن صورت گیرد». بخشی از مهمترین گره‌ها در خانواده است. لذا بروید ببینید در خانواده‌ها چه خبر است! ببینید چه چیز این نابسامانی‌ها را بوجود می‌آورد؟ در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و چیزی را بر زن تحمیل بکند. برای مرد حقوق محدودی در خانواده قرار داده شده است که از روي کمال مصلحت و حکمت است. اگر قانون از زن دفاع نکند (من نظر برادران محترم را به این مطلب جلب می‌کنم. ایشان می‌فرمایند اگر قانون از زن دفاع نکند) مرد به او تعرض می‌کند. باید حمایت اخلاقی و قانونی از زن بشود تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند. برادران، آن کسانی که در موافقت با این طرح صحبت کردند بیان فرمودند، مهریه يك دینی است بر گردن مرد، حق زن هست. ما آن را در آیه قرآن داریم که قرآن می‌فرماید که «و اتوا النساء صدقاتهن نحله» آیه قرآن است که می‌گوید حتماً باید عندالمطالبه و عندالاستطاعه اگر زن تقاضا کرد، مهریه او که در حقیقت نشانه صداقت مرد هست و هدیه‌ای است برای زن به او داده بشود. حالا شما در نظر بگیرید. يك خانمی آمده، از روي صفا، از روي صداقت در تمام طول زندگی مشترک برای اینکه بنیان

خانواده اش استحکام لازم خود را داشته باشد مهر خودش را مطالبه نکرده، مهریه اش را مطالبه نکرده، مرد هم به او نپرداخته، بعد از (۳۰) سال، (۴۰) سال زندگی، وقتی که این زن شادابی و جوانی خودش را از دست داده، وقتی که یک زنی فرسوده و تکیده شده حالا این آقا آمده و می‌خواهد این خانم را طلاق بدهد مهریه این خانم در (۴۰،۳۰) سال پیش همان طوری که فرمودند ممکن است (۱۰۰۰) تومان تا (۲۰۰۰) باشد. آیا شما و ما به عنوان یک انسان، به عنوان یک مسلمان، به عنوان نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به عنوان کسانی که باید قوانینی وضع بکنیم که در خانواده‌ها از زن‌ها، از مردها، از اجتماع و بخصوص از بنیان خانواده در حقیقت حمایت بکند، ما باید به خودمان این اجازه را بدهیم که آن مرد به این زن (۱۰۰۰) تومان و (۲۰۰۰) تومان به عنوان مهریه بپردازد و برود؟ آیا این حمایت از زن و حمایت از بنیان خانواده است؟ ما واقعاً این را همان طور که خواهران و برادران محترم فرمودند یک کار خلاف عدالت اجتماعی می‌دانیم. آن برادرانی که می‌فرمایند این ربح و ربا است واقعاً این طور نیست، قطعاً این مهریه در زمان‌های سابق قدرت خرید خاصی داشته و امروز قدرت خرید آن تفاوت کرده، چون سکه و مسکوکات در زمان پیامبر گرامی اسلام طلا و نقره بوده، یعنی خود سکه در صدر اسلام جنبه مالیت داشته، خود پول رایج آن زمان طلا و نقره بوده که جنبه مالیت و ارزش مالی داشته، بعد از آن ما اسکناس و سکه‌های دیگری را برای تسهیل روابط تجاری و برای اینکه بتوانیم با هم قرارداد ببندیم و تجارت بکنیم با راحتی به عنوان نشانه‌ای بر قدرت خرید انتخاب کرده‌ایم، شما بیشتر از من استحضار دارید، واقعاً اسکناس چه ارزشی دارد؟ اگر ارزش داشت وقتی حکومت‌ها تغییر می‌کردند، نمی‌آمدند اسکناس‌ها را بردارند و یک اسکناس دیگری به جای آن به جریان و به اعتبار بیاورند. بنابراین، این به عنوان یک مظهری است بر قدرت خرید، به هیچ وجه معنای ربا یا سود را مطرح نمی‌کند. قدرت خرید یک پول در

(۳۰) سال، يك كارمند (۷۰) تومان حقوق مي‌گرفت، با (۷۰) تومان اجاره خانه‌اش را مي‌پرداخت و زندگي‌اش را هم مي‌چرخاند، حتي پس‌انداز هم مي‌کرد، ولي امروز با (۷۰) تومان حتي نان خودش را هم نمي‌تواند تأمين بکند! اين نشانه اين است كه قدرت خريد پول در طي زمان تغيير مي‌کند و ما بايد اگر الان مي‌خواهيم واقعاً از حقوق خانواده‌ها، از متلاشي نشدن خانواده‌ها و اينكه حقوق قانوني زنان در خانواده به آنها داده بشود (كه مد نظر رهبر معظم انقلاب است) دفاع بكنيم بايد اين مطلب را مد نظر داشته باشيم.

من به عنوان نمونه و مثال اين را خدمت شما عرض مي‌كنم، از حضرت امام صادق - سلام الله عليه - سؤال مي‌شود چرا براي زنان، ارثي نصف ارث مردان قرار داده شده است؟ ايشان مي‌فرمايند اين به اين خاطر است كه به زنان مهریه و نفقه تعلق مي‌گيرد. حالا وقتي قضيه مهریه مطرح مي‌شود آقايمان اين طور عنوان مي‌فرمايند، مهریه در حقيقت يك پشتوانه اقتصادي و سرمايه‌اي براي زن است. ما در اينجا كه مهریه‌اش را نپردازيم، ارثش هم كه نصف باشد، پس اين زن چگونه زندگي بکند؟! يك خانمي بعد از (۴۰،۳۰) سال زندگي اگر از خانه شوهر بيرونش کردند، همين اخيراً من در دفتر نمايندگان تهران موردي را داشتم. يك خانم جواني با سه بچه آمده بود، شوهرش زنداني بود. اين بنده خدا در يك مدرسه سرايداري مي‌کرد تحت پوشش كميته امداد، در دو ماه هم (۵۰۰۰) تومان به او مي‌دادند و مي‌گفت مدت يك سال هم است كه پدرم بعد از (۳۰) سال زندگي، مادرم را طلاق داد و الان اين مادر پيرزن هم آمده و با من زندگي مي‌کند، ما بايد از اين زنها حمايت بكنيم. اگر قضيه ارث آنها، اگر قضايي مختلف مطرح است و ما اين احاديث را داريم كه قطعاً مسأله مهریه به عنوان پشتوانه اقتصادي و سرمايه‌اي براي خانم‌ها مطرح است، حالا شما واقعاً قبول مي‌كنيد اين سرمايه زن بعد از (۴۰،۳۰) سال زندگي (۱۰۰۰) تومان باشد؟ يا (۲۰۰۰) تومان به او پرداخت بشود؟ همان طور كه خواهران و برادران محترم

فرمودند آن چیزی که مطرح می‌شود دقیقاً در جهت جلوگیری از مسأله طلاق است. یعنی آن کسانی که امروز قانون مدنی ما در این خصوص به آنها اجازه می‌دهد، شما هم مستحضر هستید ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی این طور می‌گوید «مرد می‌تواند هر وقت که

بخواهد زن خود را طلاق بدهد» حالا ما کار نداریم که آیا این ماده مشکلی ایجاد کرده یا نکرده (واقعاً من نمی‌خواهم وارد این مبحث الان بشوم) ولی وقتی این ماده بدون هیچ‌گونه پیش شرطی دست مردان را باز گذاشته که زنان خودشان را طلاق بدهند، اگر ما از نظر قوانین، برخی از مسائل را در جلو پای آنها نگذاریم، خوب همین مطلبی اتفاق می‌افتد که امروز می‌بینیم در نظام جمهوری اسلامی برخی از این موارد اتفاق می‌افتد، ما نمی‌گوییم اینها زیاد هستند، اینها مواردی هستند که ما به عنوان یک نماینده مجلس باید در مقابل آنها موضع‌گیری بکنیم، باید این مشکلات قانون را از بین ببریم.

شما ببینید! امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - وقتی که خلخال را از پای یک زن یهودی کشیدند گفت «اگر کسی از شدت ناراحتی این مسأله از بین برود بر

او حرجی نیست» یعنی از یک مشکل در کشور خودشان و در حکومت تحت لوای خودشان اینقدر ناراحت شدند. ما چطور اجازه بدهیم که در جمهوری اسلامی در نظامی که ما امروز می‌خواهیم خودمان را الگو و ایده‌آلی برای همه عالم قرار بدهیم و واقعاً هم این طور هستیم، این مسائل و این ظلم‌ها در برخی از موارد نسبت به زن‌ها اتفاق بیفتد؟

من از برادران و خواهران محترم می‌خواهم با توجه به همه مسائلی که عرض شد و اینکه واقعاً مهریه مسأله قدرت خرید پول است، توان خرید است با توجه به شاخص‌های قیمت و با توجه به نرخ تورم، آن چیزی که این طرح آن را بیان کرده که بانک مرکزی جمهوری اسلامی پول و قدرت خرید پول را در سال‌های مختلف و براساس شاخص‌های قیمت روز برآورد کند و بعد اگر مردی خواست همسرش را

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۰۱

براساس ماده (۱۱۳۳) قانون مدني طلاق بدهد، خوب طلاق بدهد ولي حقوق قانوني زنش را (اين زني كه بایستی سر پناهي هم داشته باشد) بدهد.

من نظر برادران و خواهران را به يك مطلبي از زندگانی حضرت امام راحل جلب می‌کنم، واقعاً ما به ایشان افتخار می‌کنیم، ما زنان ایران افتخار می‌کنیم كه وجود ایشان را درك كردیم و ایشان زنان را احیا کردند و ما زنان، زنده به دست ایشان

شدیم. این چیزی كه اطرافیان ایشان، نزدیکان ایشان، همسرشان و فرزندان‌شان از قول ایشان در مورد قضیه مهریه نقل می‌کنند كه من این را از كتاب «پا به پای آفتاب» یادداشت كردم و خدمت

برادران و خواهران محترم قرائت بکنم و از قول ایشان نقل شده، امام مقید بودند كه دختر حتماً باید مهریه داشته باشد. عروس ایشان خانم طباطبایی كه خانم فاضله‌اي هستند می‌فرمایند ایشان به مهریه توجه و اعتقاد خاصی داشتند و اعتقادشان بر این بود كه دختر باید حتماً مهریه داشته باشد. در مورد تعیین مهریه نیز به عرف توجه می‌کردند. مهریه هر يك از ما يك دانگ‌خانه تعیین شد، چون نظر ایشان این بود كه دختر باید مسكن داشته باشد تا بتواند از آینده خود مطمئن باشد. ما حالا نمی‌گوییم كه مهریه زن‌ها بیاید مسكن و ملك تعیین بشود، ولي اگر واقعاً يك مهریه‌اي براساس زمان گذشته ارزش خاص خودش را داشته، امروز (نایب رئیس - وقت شما تمام است) هم همچنان كه نظر حضرت امام بوده، همچنان كه نظر بسیاری از مجتهدین عظام بوده كه کمیسیون قضائی از آنها استفتا کردند، از خواهران و برادران محترم تقاضا

می‌کنیم كه این نظریات را لحاظ بکنند و بدانند این به‌عنوان يك پشتوانه اقتصادی و در حقیقت حمایت از زنانی است كه ممكن است بعد از طلاق اینها بی‌سرپرست باشند، مشكلات حكومتي و كشوري را برای ما فراهم بکنند، بنابراین واقعاً به‌عنوان يك وظیفه حكومتي، يك وظیفه كشوري، يك وظیفه‌اي كه جنبه شرعي و انسانی و جلوگیری از تبعیض و ظلم را

هم دارد، از خواهران و برادران می‌خواهم که به این طرح رأی مثبت بدهند.

والسلام علیکم ورحمة الله

(عده‌ای از نمایندگان. احسنت، احسنت)

نایب رئیس. متشکر، خوب ما از اطاق کنترل نتوانستیم متن صحبت را تا به حال بگیریم. جناب آقای خیرخواه! اگر شما معتقدید صحبت جناب عالی تحریف شده بفرمایید، آن جمله‌ای که فرموده بودید تکرار بفرمایید.

کامل خیرخواه. من متأسفانه در بیان خانم دکتر دست‌جردی دیدم که در تعبیر من ایشان خلاف فرمودند، یعنی من نگفتم که طراحان نظرشان این بوده که غذای سول سیاسی به بیگانگان بدهند. بنده گفتم که

بایستی بازتاب و بار سیاسی این طرح هم لحاظ بشود. ما الان داریم صحبت می‌کنیم دنیا گمان می‌کند که حقوق زن در ایران اسلامی واقعاً مورد احترام و قبول نیست و این یک واقعی است و ما بایستی سعی بکنیم که مسائل را متعقلانه ببینیم با احساسات مشکل حل نمی‌شود. والسلام

نایب رئیس. متشکر، قبل از اینکه ما مخالف بعدی را دعوت بکنیم طرحی به دست ما رسیده برای مسکوت ماندن این طرح به مدت شش ماه. یکی از برادرانی که این تقاضا را به عنوان پیشنهاد کرده اند مطرح بفرمایند. جناب آقای موحیدی بفرمایید.

محمدعلی موحیدی کرمانی. بسم الله الرحمن الرحیم

نمایندگان محترم از اولی که این طرح مطرح شد عنایت به بحث‌ها داشتند (بحث مخالفین و موافقین) واقع قضیه این است که این بحث از نظر فقهی هنوز کاملاً روشن و شفاف نیست. نظر بعضی از فقهای عالیقدر را شما شنیدید که با یک تذکراتی و حواشی موافق بودند. از طرفی ما اطلاع داریم که بعضی از فقهای بزرگوار و مراجع هم مخالف هستند. معنای این، این است که این بحث هنوز از نظر فقهی تنقیح نشده، شما عنایت دارید که یک طرف قضیه این است که اگر مثلاً خانگی در (۵۰) سال قبل ازدواج کرده و حالا بحث طلاقش مطرح است این با یک مبلغ ناچیزی جدا بشود که

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۰۳

اين يك واقعيت است و بايد فكري براي اين كار كرد كه اين طور چيزي اتفاق نيفتد، كسي كه مثلاً مهریه اش در دهها سال قبل (۱۰۰۰) تومان بوده الان (۱۰۰۰) تومان به او دادن يك امر شوخي است. اين در واقع مهرش ادا نشده، اين يك طرف قضيه استكه

ما كاملاً موافق با اين معنا هستيم، بايد براي اينكه اين افراد به حقشان برسند يك فكري كرد، ولي تنها اين طرف قضيه نيست، آن طرف قضيه هم اين است كه اگر مجلس محترم چنين چيزي را تصويب كرد و براساس شاخص قيمتها و تورم و نرخ روز بنا باشد بدهيها پرداخت بشود، تنها مسأله مهر نيست، مسأله ديون هم هست. به قول همان تعيري كه بعضي داشتند مزد كارگر هم هست. اگر مثلاً شما سال قبل (۱۰) هزار تومان به يك نفر قرض داديد ...

قمي. حاج آقا! اين در مخالفت صحبت كردن است.
موحدي كرمانی. خير، عرض مي كنم دو طرف قضيه، من مخالف نيستم، عرض كردم موافق هستم آن طرف موافق را هم عرض كردم.

نائب رئيس. خوب اگر يك كسي مي خواهد بگويد كه بايد مسكوت بماند بايد دليل مشكل را بيان كند، به هر حال ايشان مشكل را بيان مي كند كه دليلشان براي اينكه بايد مسكوت بماند، جناب آقاي موحدي بفرماييد.

موحدي كرمانی. مي گوي دو طرف قضيه مشكل است و حتماً نياز دارد به اينكه اقلأ شش ماه ما مجال را بدهيم به حوزه هاي علميه، به فقها، به

صاحب نظران، به نمايندگان بنشينند روي اين قضيه فكر بيشتر بكنند، در كار عجله نفرماييد، اين مسأله، مسأله بسيار مهمي است. اين مسأله رد بشود مصلحت نيست، براي اينكه مي گويند مجلس در مقام حمايت از زنان نيست، اين در مجلس تصويب بشود مقدمه اي مي شود. بسم الله! شما سال قبل هم اگر چنانچه (۱۰۰۰) تومان به يك نفر قرض داديد، خوب براساس تورم شاخص قيمتها كه (۳۰٪) مثلاً تورم است مي گويد آقا چرا الان (۱۰۰۰) تومان به من مي دهيد؟ (۱۳۰۰) تومان مثلاً به من بدهيد. ديگري هم هيچ را

می‌گوید، مشکلات زیاد اجتماعی بوجود خواهد آمد برای دادگاهها معضل می‌شود، طرف می‌رود مطالبه می‌کند می‌گوید حق من بیش از این مقدار هست، من ربا نمی‌خواهم من حق را می‌خواهم و سال قبل که من (۱۰۰۰) تومان دادم الان حق امسال من مثلاً (۱۳۰۰) تومان است، شکایت هم می‌کنند و باید دادگاهها برستند، مسأله بسیار وسیع و دامنه‌دار است.

بنده معتقد هستم روی این قضیه عجله نکنیم و یک مجال شش ماه و حتی به حوزه‌های علمیه و به فقها بدهیم که بنشینند روی قضیه تأمل بیشتر بکنند بعد از شش ماه این مجلس است، این اختیار شما است که می‌توانید مجدداً به مجلس بیاورید با فکر بیشتری، با فکر پخته‌ای و دقت زیادتر ان‌شا‌الله مجلس تصمیم بگیرد. والسلام

نایب رئیس. مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). آقای انصاری بفرمایید.

مجید انصاری. بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از نایب رئیس محترم مجلس جناب آقای موحدي‌کرماني که اعلان فرمودند که با اصل قضیه موافق هستند، اما به ادله‌ای که توضیح فرمودند، درخواست مسکوت ماندن را داشتند. من، هم از حضور ایشان خواهش می‌کنم و هم از دیگر نمایندگان محترم عنایت بفرمایند مسکوت ماندن چه مشکلی را می‌تواند حل بکند و آیا ضرورت دارد یا نه؟

اولاً بخش عمده‌ای از وقت مجلس امروز به صحبت‌های موافق و مخالف گرفته شده، ظاهراً طبق آیین‌نامه یکی دو نفر دیگر بیشتر فرصت صحبت کردن ندارند و طبق آیین‌نامه چیزی که مسکوت می‌ماند بعد از پایان مهلت مسکوت ماندن بدون هیچگونه تغییری عیناً باید در دستور مجلس قرار بگیرد. پس از نو همین وقت گرفته خواهد شد. اگر حضرت آقای موحدي دنبال این هستند که می‌فرمایند در این شش ماه وفاقی بین همه علما و

مراجع در نظر فقهی بوجود بیاید، این امر محالی است. در اکثر فروع فقهی نظر فقها - سلمه‌الله - با هم متفاوت است. تا به حال هم مرسوم نبوده

كه مجلس اگر خواست قانوني وضع كند اول مير كند تمام مراجع و علما قم و بلاد اسلامي در آن موضوع به وحدت نظر برسند بعد قانون بگذارد. تا به حال بيش از (۲۰۰۰) ماده قانوني، حقوقي و قضائي از دوره^۱ اول تا امروز در كميسيون محترم امور قضائي تصويب شده. من سؤال مي كنم در كداميك از اين قوانين مجلس اول مير كرد تا نظر فقها در آن موضوع يكي باشد بعد وضع قانون بكنند؟ من از الان عرض مي كنم شش ماه كه هيچ، شصت سال هم اگر اين قانون مسكوت باشد امكان اينكه نظرات همه فقها در يك موضوع مهم مالي و اقتصادي يكي بشود نيست و ما هم دنبال اين نيستيم، ما در كشور قرار نيست كه هر مقلدي در قوانين حقوقي و مدني و جزايي به فتواي مقلد خودش عمل بكنند. ما شوراي محترم نگهبان را داريم. اين قانون اگر ان شاء الله تصويب بشود به شوراي نگهبان ميرود، اگر شوراي محترم نگهبان آن را خلاف شرع تشخيص دادند مواردش را اعلام مي كنند، مجلس اصلاح مي كند. مبناي شوراي محترم نگهبان هم روشن است، فتواي حضرت امام - رضوان الله تعالي عليه - در گذشته بوده و امروز چون بسياري از مقلدين كشور بقاء بر امام هستند و نظرات مقام معظم رهبري و يا آراء نزديك فقها مبناي نظر فقهي شوراي محترم نگهبان است، بنابراين ما از حيث مسائل شرعي هيچ مشكلي نداريم، شوراي نگهبان را بحمدالله داريم، آنها تشخيص مي دهند و اين نكته را هم عرض كنم حضرت آقاي موحدي كه خودشان مسئول امور كميسيون هاي مجلس شوراي اسلامي هستند به خوبي مي دانند كه ما الان در پايان سال هستيم، به زودي لايحه بودجه به مجلس شوراي اسلامي مي آيد و لايحه بودجه عملاً تا پايان سال طول مي كشد بعد هم تعطيلات نوروزي

۱. در متن فوق عبارت «دوره» جايگزين عبارت «دور» گرديد.

خواهد بود، دستورات زیادی در دستور کار مجلس و خصوصاً کمیسیون قضائی برخی دستورات را دارند که دهها ماده دارد و من به طور طبیعی عرض می‌کنم نوبت شور دوم این طرح بیش از شش ماه طول خواهد کشید و از هم اکنون، از همین امروز حضرت آقای موحدی به قم، به علما^۱ مراجع اعلام بفرمایند که شور اول این انشا^۲ الله تصویب شده تا شور دوم فرصت زیادی هست، آقایان بحث می‌کنند ما هم که نمی‌خواهیم یک مبانی جدید فقهی تأسیس بکنیم. الحمدلله فقهایی ما بر مبانی مسلط هستند، اگر موضوع به قم منتقل بشود ... (نایب رئیس - وقتتان تمام است) چشم، خیلی راحت می‌توانند ظرف یک هفته، دو هفته نظر را بدهند، ضمن اینکه خوشبختانه کمیسیون قضائی قبلاً این کار را کرده یعنی در دو ماه گذشته کمیسیون قضائی موضوع را به قم منعکس کرده و تا کنون نظر بیش از شش نفر یا ده نفر از مراجع و فقها^۳ را گرفته‌اند. لذا من فکر می‌کنم مسکوت ماندن جز اینکه وقت مجلس را تلف کند و جز اینکه در بیرون انعکاس سو^۴ داشته باشد ... و عملاً هم جناب آقای موحدی به خواسته‌شان می‌رسند چون خود به خود رسیدگی به این طرح طولانی خواهد بود. لذا من خواهش می‌کنم مسکوت نماند، انشا^۵ الله کلیاتش تصویب می‌شود در شور دوم از نظرات جناب آقای موحدی و دیگر فقها^۶، بزرگان مجلس هم استفاده خواهد شد. والسلام

نایب رئیس. متشکر، حضار ۱۹۵ نفر، نمایندگان محترمی که با مسکوت ماندن این طرح به مدت شش ماه موافق هستند قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد. مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

ادب. پیشنهاد کفایت مذاکرات شود.

نایب رئیس. کفایت مذاکرات یک بار مطرح کردید رأی نیاورد.

منشی (باهر). آقای عباسی بفرمایید.

عباس عباسی. بسم الله الرحمن الرحيم

من توجه همه نمایندگان محترم را ابتدائاً به بینش اسلام در سهولت امر ازدواج جلب می‌کنم بعد مواردی که دارم خدمتتان عرض می‌کنم. ضمن اینکه باید حقوق آحاد ملت اعم از مرد و زن حفظ بشود.

همه نمایندگان محترم توجه دارند که اسلام عزیز در خصوص امر ازدواج نظر تسهیلاتی دارد یعنی هم تشویق می‌کند و هم اینکه قائل و معتقد به این است که امر ازدواج هر چه سهلتر صورت بگیرد، من از همه نمایندگان محترم، از همه عزیزان درخواست می‌کنم، از همه بزرگواران که اصلاً فلسفه ازدواج و زوجیت از نظر اسلام مجدداً در ذهنشان مرور بدهند و یک بررسی ذهنی بکنند. فلسفه زوجیت در اسلام و در فرهنگ اسلام، فلسفه دین، طلبکاری، بستانکاری و بدهکاری نیست، اسلام که مهریه قرار داده فلسفه خاص خودش را دارد، اما مهریه به عنوان مبنای ازدواج نیست. همه عزیزان می‌دانند که در عقد دائم اگر مهریه هم ذکر نشود عقد صحیح است، فقط در عقد منقطع است که باید مهریه ذکر بشود و بعد از طرقي برای مرد اسلام قائل به ملك يمين است و ملك يمين هم در بخش نه اقتصاد، نه مهریه، نه طلبکاری، نه بستانکاری می‌گنجد و این هم که از بین نرفته، نسخ هم نشده. آیات کریمه قرآن در رابطه با زوجیت چه در دنیا و چه در عقی و آخرت نظرات خاصی دارد و نظرات حساسی ندارد «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم اني شئتم» «ان

للمتقين مغازاً حدائق و اغناباً و کواعب اتراباً»

این آیات قرآن است که منسوخه هم نیست که ما بیاییم با شعار مشکل مقطعی و زمانی را معیار و ملاک تصویب قانون قرار بدهیم. من تقاضا می‌کنم برای یک بار دیگر هم که شده فلسفه زوجیت در اسلام را از نظر بگذرانند، اما دلایل مخالفت بنده:

۱. عدم انحصار به موضوع مورد بحث. مهریه را همه قبول دارند که دین است، اگر ما بگوییم بحث ما فقط مهریه است و سایر دیون نه، این خودش یک تبعیض است. وقتی دین است وقتی طلبکاری بدهکاری و بستانکاری است، چه فرقی بین این و سایر دیون

می‌باشد؟ اگر بفرمایند جزا دیون نیست و به اصطلاح در بخش و تیر مالیاتی و یا بدهکاری نمی‌آید، باز در این قسمت قرار نمی‌گیرد که به ارزش روز باید پرداخت بشود.

موضوع دوم، اگر ما بخواهیم این را تعمیم به همه بخش‌های دیون بدهیم به هر شکل شما حساب پیامدهای مربوطه را دارید، بعضی از آقایان دیگر فرمودند (خصوصاً جناب آقای موحیدی کرمانی) فردا دعاوی مختلفی که اقامه خواهد شد چه می‌شود؟ چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ فردا آیا کسی می‌تواند قراردادی را به مبلغ مقطوع با پیمانکاری یا سازمانی با طرفی منعقد بکند؟ نه، می‌گوید قانون اینگونه تصویب شده، بنابراین قرارداد ما طبق ارزش روز، یعنی پیمان قطعی منعقد خواهد شد.

موضوع سوم، اگر قضیه برعکس شد، طراحان حاضرند بپذیرند؟ یعنی اگر ارزش پول آنقدر بالا رفت که از ارزش زمان وقوع عقد و قرار مهریه بیشتر شد حاضرند کمتر بگویند؟ امروز گفته هزار تومان، ارزش پول بالا رفت ده برابر شد، حاضرند بگویند خیلی خوب به نرخ روز هزار تومان باید به او بدهند، این را می‌پذیرند؟! این را قبول می‌کنند؟ اگر این را می‌پذیرند باز یک بحثی است.

موضوع چهارم، این یک دین قطعی است، فرق است بین دیون قطعی و معاملات قطعی و طلب‌های قطعی با سلف. سلف می‌تواند ادعا بکند یا عین جنس یا جنس به نرخ روز، اما اینکه دین قطعی است گفته (۱۰) هزار تومان، این گفته یک میلیون تومان اسم برده است و اینکه سلف نیست.

موضوع پنجم، زن حق دارد مطالبه بکند، به مجردی که عقد منعقد شد خانم ادعا بکند به آقا بگوید اول مهرم را بده بعد من را خانه ببر، تا مهرم را ندادی من خانه نمی‌آیم، حق دارد و می‌تواند سند به اجرا بگذارد و قانون هم از او حمایت می‌کند. در هر مرحله‌ای که خواست می‌تواند سند را به اجرا بگذارد و همین هم فتوای آقایان است که می‌گویند مهریه‌های سنگینی که امروز منعقد و بسته

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۰۹

می‌شود موجب وجوب حج می‌شود از همین باب است. خوب برود و ادعا بکند، همان موقع که عقد خوانده شد (۱۰) میلیون تومان است، (۱۰۰) میلیون تومان است، يك میلیون ريال است هر چه هست همان موقع مطالبه بکند. این ارزش زمان و ارزش روز یعنی چه؟ موضوع ششم، مرا ببخشید این بحثی است فقهی، ثن برابر مثن است و این را همه قبول دارند، خان‌ها و آقایان، طراحان محترم می‌گویند ارزش آن زمان این بوده و امروز این است و این به عنوان دین است. وقتی ما دین را حساب می‌کنیم یعنی ثن و مثن، می‌گوید آن ثن برابر آن مثن در آن زمان است و این را باید پذیرفت. مگر مثن ارزش پیدا کرده؟ اگر مثن ارزش پیدا کرده و اضافه شده آن يك بحث دیگری است.

موضوع هفتم، نظر اسلام عزیز، عزیزان! سهولت در امر تشکیل خانواده‌گی و در امر زوجیت است. حقوقی را خدا به ... (آن دیگر مربوط به خود خدا است) حقوقی را دین مقدس اسلام و همه ادیان الهی (دیگر منحصر به اسلام هم نیست) همه ادیان الهی حقوقی را برای مرد و حقوقی را هم برای زن قائلند و زن و مرد باید حقوق خودشان را برابر دین مطالبه کنند و حقوقی در ادیان الهی برای مرد قائل است که این حقوق را به زن قائل نشده است، با شرع که نمی‌شود برخورد کرد. شما بگردید از این همه حقوقی که اسلام در امر زوجیت است ببینید چندی آن مربوط به مرد است و چندی آن مربوط به زن است. آیات قرآن را ببینید که شما از بنده استحضار بیشتری دارید، احادیث را ببینید، ابواب فقهی را ببینید (نایب رئیس - آقای عباسی وقت شما تمام است) حتی در کیفرها و در مجازات‌ها بین زن و مرد اسلام فرق قائل است. در بعضی از موارد مجازاتی برای مرد قائل است که برای زن قائل نیست و يك مجازات دیگری است.

بنابراین عزیزان اگر این طرح تصویب بشود نظر بنده است و سایر مخالفین نظر خودشان را گفتند و موافقین هم نظر خودشان را هم دادند. اگر این طرح تصویب بشود بنیان اقتصادی کشور حداقل، برای يك

مدتی به هم می‌ریزد و اختلاف و اختلال حقوقی، اجتماعی، قانونی، سیاسی، فرهنگی بوجود خواهد آورد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

نایب رئیس. متشکر، ما چون سه نفر دیگر از برادران و خواهران باید به عنوان موافق و مخالف صحبت کنند، بنابراین ادامه بحث را برای جلسه آینده میگذاریم.

[illegible]

(مندرچ در روزنامه رسمی شماره ۱۵۱۳۶ مورخ

(1375/11/25)

دوره ينجم. اجلاسية اول

1370 - 1376

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه بدست

و یکم آذر ماه ۱۳۷

(جلسہ ۵۰)

۵. تصویب کلیات طرح الحاق یک تبصره به ماده

(۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه

نایب رئیس. دستور را مطرح بفرمایید.

منشی (موجدی ساوجی). اولین دستور، ادامه رسیدگی به گزارش شور اول کمیسیون امور قضائی و حقوقی در خصوص طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه.

نایب رئیس. موافق را دعوت بفرمایید.

منشی (موحدی ساوجی). در جلسه قبل چهار مخالف و سه موافق صحبت کردند، آقای شرازیان بفرماید.

نایب رئیس. آقای شیرازیان وقتشان را به خانم فاضل‌بخش داده اند، سرکار خانم فاضل‌بخش بفرماید.

نَفِيسَه فِیاضِ بَخْش. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در ابتدا اشاره می‌کنم به شبهه‌ای که در جلسه پیش

مطرح شده بود و تعدادی از مخالفین بزرگوار آن را می‌کردند. در ارتباط با اینکه گویی بحث زیاد و کم کردن مهریه است، یا مسئله افزایش طلاق و یا کاهش ازدواج را مطرح می‌کردند و خطراتی که ممکن

است این طرح داشته باشد و کانون گرم خانواده‌ها را از هم بپاشد و مشکلات خانوادگی ایجاد بکند. چنین شبیه‌هایی بود که در جلسه پیش توسط تعدادی از برادران بزرگوار مخالف مطرح شد.

من در اینجا ابتدا لازم می‌دانم راجع به این مسئله یک بحثی را بکنم که اصلاً مسئله اخلاق با حقوق جدا است. حقیقتاً ما هم به کانون گرم خانواده اعتقاد داریم، حقیقتاً یکی از بهترین محاسنی که اسلام مطرح می‌کند و هدف از بعثت پیامبر بوده، «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» بوده، این بوده که مکارم اخلاق به نهایت درجه اعتلای خودش برسد. اما نکته اینجا است که فرق است بین حقوق و اخلاق، اشکال شرق در آن است که به مسئله اخلاق بیش از اندازه پرداخته و غربی‌ها به حقوق پرداخته‌اند و باید بین این دو تفکیک قائل شد. اگر ما در بحث‌های حقوقی پاسخ‌های اخلاقی بدهیم، وقتی کسی مشکل حقوقی دارد بگوییم برو زندگی کن با گرمی^۱، صمیمیت و صفا، هر زنی حاضر است همه چیز خودش را فدای هستی خانواده و دوام همسرش بکند، همین طور بالعکس. حقیقتاً هم همین طور است یکی از امتیازات زنان ایرانی این است که عطوف‌ترین و پرعاطفه‌ترین و گرم‌کننده‌ترین زنان به نسبت زنان دنیا هستند و زنان مسلمان هم همین طور به نسبت دیگر زنان دنیا و دیگران ما بگیریم، حقیقتاً این نکته امتیاز و این مکرمت بزرگ اخلاقی در آنها ظهور و بروز دارد. اما مسئله این است که وقتی بحث‌های حقوقی می‌شود دیگر پای اخلاق نیست. حضرت علی - علیه السلام - در عین اینکه دلسوزترین فرد بودند و تحمل دیدن گریه یک یتیم را نداشتند و برای فوت حضرت زهرا - سلام الله علیها - چنین زار زار گریستند در عین حال در بحث‌های حقوقی و اجرای عدالت بسیار شدید بودند و سعی می‌کردند دقیقاً مطابق با مرزهای

۱. در متن فوق عبارت «گرمی» جایگزین عبارت «گرم» گردید.

حقوقی و عادلانه رفتار بکنند. اصلاً معنای حق جز این نیست، به معنای تعیین مرز است. حقوق یعنی مرزهایی که افراد در زندگی اجتماعی بین یکدیگر دارند. بنابراین من خواهم می‌کنم مخالفین در بحثهای حقوقی که مطرح می‌شود پاسخ‌های اخلاقی را مطرح نکنند. الان در محاکم قضائی ما وقتی دو نفر با هم اختلاف دارند و می‌خواهند حقشان را بگیرند، قاضی نمی‌آید با بحثهای اخلاقی هر دو آنها را به مصالحه بکشانند که هر دو بروید و اصلاً از حقشان بگذرید یا اخلاق و سلم و صفا و صمیمت قضیه را پشت سر بگذارید! بنابراین، این دو مسأله کاملاً جدا است و باید برای آن تفکیک قائل شد.

مسأله بعدی که باید مطرح کرد، من خواهم می‌کنم توجه بفرمایید علامه طباطبائی در ذیل آیه (۳۱) «والذین یکنزون الذهب و الفضة» تحت عنوان

گفتاری در کنز، معنای کنز و پول را ایشان مطرح می‌کنند و به بطلان اعتبار ارزش پول می‌پردازند که در جوامعی به خاطر مصائب و مشکلاتی که مواجه شدند و به خاطر جنگها ارزش پولشان به طور کامل سقوط کرد. ایشان آلمان را مثال می‌زنند که بعد از جنگ جهانی دوم آنچنان ارزش پولش سقوط کرد که مجبور شد واحد پولش را عوض بکند. فرضاً در کشور ما اگر واحد ارزش پول عوض بشود، غیر از ریال و تومان چیز دیگر بشود، آیا مهریه خانمها بکلی پائمال می‌شود؟ ایشان روسیه تزاری را مثال می‌زنند، بعد از جنگ جهانی دوم و یک بحث تاریخی - عقلی بسیار زیادی در تفسیر آیه «والذین یکنزون الذهب و الفضة» دارند و مطرح می‌کنند که ابتدا پول معاملات به صورت پایاپای بوده، بعد نقدین

۱. آیه «والذین...» قسمتی از آیه «۴» سوره مبارکه توبه است. در متن فوق به «آیه ۳۱» اشاره شده است.

بحث چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۱۳

شده، طلا و نقره شده. تمام مردم نیازهای خودشان را با طلا و نقره معاوضه می‌کردند، بعد به اینجا می‌رسند که طلا و نقره هم به خاطر مشکلاتی که داشته تبدیل به اسکناس می‌شود، اما این اسکناس نماینده آن ارزش ذاتی و طلا و نقره‌ای است که پشتوانه آن هست و این اسکناس ارزش قابل تزلزل است و سقوط و صعود می‌کند، بنابراین نمی‌تواند معیار ثباتی برای پول باشد و یا لازم است ما اشاره کنیم به فتوایی که امام دارند. من در اینجا اشاره می‌کنم به عین متنی که امام در تحریرالوسیله در فصل «فی‌المهر و یقال له الصداق»

مطرح می‌کنند، می‌فرمایند «کل ما یملکه المسلم یصح جعله مهراً عیناً کان او دیناً او منفعلاً» عین همین مطلب و شبیه آن را جواهرالکلام (صاحب جواهر) در جلد (۳۱) مطرح می‌کند و در ابتدای کتاب جواهر هست «الاول فی‌المهر الصحیح و هو کلمه بصره ان یملکه

المسلم» یعنی معیار صحت مهر آن است که قابل ملکیت باشد، آیا پول و اسکناس به تنهایی قابل تملک است، آیا به هنگام عقد وقتی که دو نفر دارند با هم عقد می‌کنند، همین چند بسته اسکناس (این خانگی که راضی شده به این مقدار مهر) به همین چند بسته اسکناس راضی شده و جالب است که امام در ادامه بحث تحریرالوسیله می‌فرمایند «بل ما تراضي علیه

الزوجان» باید مهر قابل تملک باشد و نکته بعد باید تراضي حاصل شده باشد، یعنی دو نفری که مهر می‌کنند، دو نفری که عقد را به شرط این مهر می‌پذیرند باید تراضي بین این دو حاصل شده باشد. آیا آن دختر خانگی را که (۵۰ - ۴۰) سال پیش عقد کردند، فرضاً به او گفتند (۲۰۰ - ۱۰۰) تومان با همین چند بسته اسکناس راضی شد و به این قناعت کرد و به این راضی بود برای ازدواج یا اینکه نه، آن ارزشی که می‌دانست این (۲۰۰ - ۱۰۰) تومان به دنبال خودش دارد؟ بنابراین ما باید مسأله را

دقیق مورد بررسی قرار بدهیم.

آیا «ما یتراضا علیه» آن چیزی که مورد رضایت

این خانم بوده همین چند بسته اسکناس بوده که ممکن بوده به خاطر تطورات زمان (به قول علامه طباطبائی در بحث المیزان در تفسیر معنای کنز) امکان داشته که به خاطر تطورات و مشکلات زمانه از اعتبار و ارزش ساقط بشود.

این بحث کاملاً روشنی است. من لازم است در اینجا اشاره کنم به مردم و همه کسانی که صحبت ما را می‌شنوند، فکر نکنید این بحث یک بحثی است زنانه و صرفاً خواهران نماینده به خاطر اینکه مشکل خانم‌ها را حل بکنند این بحث را مطرح کردند. اتفاقاً اولین انگیزه‌های این بحث در مجامع علمی و حوزوی مطرح شد. من دقیقاً در خاطر دارم یکی از علمای بزرگ که نمی‌خواهیم اسم ایشان را ببریم و قطعاً نمایندگان محترم می‌شناسند، ایشان در تدوین طرح و در نگارش طرح حتی به ما کمک کردند. بحثی بوده که در حوزه مطرح بوده، بین علما^۱ مطرح بوده و اولین انگیزه‌های آن را آنها مطرح کردند.

بنابراین بسیار مهم است که ما دقت‌نظر داشته باشیم، خدای ناکرده یک بحث زنانه صرف نیست. بعضی‌ها خوف این می‌کنند که ممکن است این به بقیه مسائل اقتصادی منجر می‌شود و سرایت پیدا می‌کند و تزلزل در نظام اقتصادی ما ایجاد بکند. یکی از امتیازات فقه جعفری این است که استقبال می‌کند از تطورات زمانه، استقبال می‌کند از اینکه هر مسأله‌ای در روز ایجاد بشود هر مشکلی که ایجاد بشود، جدیدترین مسائل اقتصادی روز توسط فقه جعفری پاسخگو است و ما افتخار می‌کنیم که نظام اقتصادی کشور ما با فقه جعفری اداره و تدوین می‌شود، افتخار می‌کنیم که هر روز حوزه‌های علمیه دارند فکر می‌کنند و به دنبال راه حل و پاسخی هستند که مشکلات اقتصادی، مشکلات هنری و جدیدترین مسائلی که در دنیا مطرح می‌شود با فقه شیعه جعفری پاسخگو باشند. چرا مجلس ما خوف داشته باشد که ممکن است این طرح مسائلی برای دیگر مسائل

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۱۵

اقتصادی ایجاد بکند؟ (نایب رئیس - خانم فیاض‌بخش! وقتتان تمام است) من قطعاً میدانم حوزه استقبال میکند، مجامع علمی استقبال میکنند، قطعاً تمام علمای ما استقبال میکنند، دانشگاه با همکاری حوزه، دست در دست هم جدیدترین و آخرین مشکلات اقتصادی و جدیدترین مسائل روز را قطعاً پاسخگو خواهند بود. این گام بلند را که ارزشمند است و به عنوان اولین قدم راهی است که مجلس باز کرده و در خاطره مجلس پنجم (در روزهای اولش) ثبت خواهد شد، امیدوارم که با اکثریت قاطع، بلکه قاطع مجلس پاسخگو باشد و در شور اول این راه را باز کند که بحث‌های دقیق‌تر در شور دوم مطرح بشود، من یقین دارم علماً مجلس بیش از خواهران مدافع این طرح هستند، تشکر می‌کنم.

نایب رئیس. متشکر، مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (باهنر). آقای موحیدی‌ساوجی بفرمایید.

علی موحیدی‌ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم
«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ»

در ارتباط با این مسأله از ابعاد مختلف بحث شد، موضوع بحث ما مهر خانم‌ها است، آن هم مهری که دین باشد و اتفاقاً من خوشحال شدم که خانم فیاض‌بخش تحریرالوسیله را باز کردند و یک جمله‌اش را خواندند، اگر چه همین تحریرالوسیله و همین فتوای امام را به صورت کامل، نه خوانند و نه معنایش را بیان کردند. امام امت به عنوان بزرگترین رهبر الهی و اسلامی قرن حاضر و بزرگترین مرجع عالم اسلام و تشیع بوده، هم موافقین و هم مخالفین که صحبت کردند و فکر می‌کنم همه نمایندگان مجلس امام را

1. حرف «و» مطابق آیه ۳۶ سوره مبارکه احزاب اضافه شد.

2. در آیه فوق عبارت «للمؤمن» جایگزین عبارت «للمؤمن» گردید.

مطابق آیه ۳۶ سوره مبارکه احزاب «للمؤمن» صحیح است.

به عنوان يك مرجع عاليقدر و واجد شرايط، همگي قبول داريم. اگر خانم فياض بخش و بقيه خانم ها و آقایان فتواي امام را در اين مسأله بپذيرند ديگر ما بحثي نخواهيم داشت. من در سخنان خيلي گرم و تند خانم دكتر وحيد دستجردي ديدم كه از امام نام مي برند و اينكه امام به زن و قشر زن و آزادي زن و حقوق زن چقدر خدمت كردند، ايشان درست فرمودند، اما ما بايد وقتي هم كه بخواهيم نتيجه بگيريم ببينيم امام درباره مهریه خانم ها چه فرمودند (اگر دين باشد) امام و اكثر مراجع و فقهاي مشهور نظرشان اين است كه مهریه، هم مي تواند عين باشد و هم مي تواند منفعت باشد و هم مي تواند دين باشد. موردی كه مورد بحث ما است دين است، اگر عين باشد يا منفعت باشد كه خوب معلوم است ديگر، هماني كه تعيين شده مهریه است و بايد در رابطه با زن ادا بشود، حالا ارزش آن كم يا زياد بشود هيچ مهم نيست. اما مي ماند مسأله دين، در رابطه با دين مشهور فقهاي اسلام در گذشته، در حال، از جمله امام - رحمه الله عليه - نظرشان اين است كه هماني كه به عنوان دين است، ديگر ما نمي توانيم اين را اگر چنانچه فرض كنيد (۱۰۰) هزار تومان است، يك ميليون تومان يا كمتر يا بيشتر است، اگر چنانچه مهر يك خاكي هست نمي توانيم بگويم كه اين بايد كه چون (۳۰) سال گذشته، (۱۰) سال گذشته، (۵) سال گذشته بايد حتماً تورم را حساب كنيم. ارزش پول اگر كم شده، اين را كم كنيم و بعد بياييم مطابق با ارزش روز حساب كنيم، هيچ كدام از فقهاي مشهور از جمله امام چنين چيزي را نفرمودند. برادران و خواهران عزيز در ارتباط با اين طرحي كه مطرح بوده خدمت عده اي از فقها رفتند. من همه كساني كه به آنها مراجعه كردند اينها را فقيه مي دانم، اما بايد عرض كنم كه بعضي از كساني كه نظر موافق داشته اند كه در رابطه با دين و پول بايد قيمت روز را حساب كرد، اينها فقيه هستند اما مرجع نيستند. فرق است بين فقيه و

مرجع، من سؤال مي‌كنم از اعضاي كميسيون محترم قضائي و حقوقي آيا آن كساني كه اين نظر را دادند شما خودتان از اين آقاياں تقليد مي‌كنيد؟ آيا در مجلس چند نفر هستند كه از اينها تقليد بكنند؟ يا نيست يا بسيار كم است و در ارتباط با اين مسأله ما نبايستي برويم هميشه در رابطه با بعضي از مسائل فتاواي مشهور بوده و فتواهاي شاذ و نادر بوده، ما به فتواي شاذ و نادر كه تمسك نمي‌كنيم. شوراي محترم نگهبان شش فقيه عاليقدري كه هستند اينها فقيه هستند، خودشان مجتهد هستند، آيا اگر اين شش فقيه درباره مسأله‌اي دو جور نظر داشته باشند، به نظر خودشان عمل مي‌كنند؟ ابدأ، تا آنجايي كه من خير دارم فقهاي شوراي محترم نگهبان در اين پنج دوره مجلس، هر قانوني را كه خواستند با شرع مقدس اسلام تطبيق بدهند، اگر اختلاف فتوا وجود داشته، فتواي امام را ملاك قرار مي‌دادند، نه غير از امام و اگر چنانچه امروز مقام معظم رهبري در اين رابطه نظر خاصي اعلام نفرموده باشند كه مقام معظم رهبري فرمودند همان فتاوي امام، ارجاع دادند به امام، اگر ايشان نظر خاصي داشته باشند خوب مي‌شود در اين رابطه هم به ولي امر مسلمين مراجعه كرد. در نظام جمهوري اسلامي كه نمي‌شود در ارتباط با يك مسأله بسيار مهم رفت به سراغ اختلاف فتاوي و بعد هم وقتي اختلاف هست انسان سراغ آنجايي كه مرجعيت بيشتري دارند و مقلدين بيشتري دارند نرود و برود سراغ بعضي از مجتهدين محترمي كه خوب حالا تازه مثلاً رساله‌اي چاپ کرده اند و البته براي ما همه‌شان محترم هستند. همان طوري كه مقام معظم رهبري در يكي از فرمايشاتشان فرمودند ما صد تا مجتهد در حوزه علميه قم داريم، اين طور^۱ نيست كه مجتهد كم باشد، خيلي ما مجتهد داريم، در حوزه قم در جاهاي ديگر. اما آيا نظر هر مجتهد

۱. در متن فوق عبارت «اين طور» جايجزين عبارت «اين جور» گرديد.

برای مجلس، برای کمیسیون قضائی، برای شورای نگهبان، ملاک است؟ ابدأً، من تقاضا دارم که در رابطه با این مسأله، همه ما متشرع هستیم، همه ما متدین هستیم، اگر کسی مجتهد است، به نظر خودش عمل می‌کند اگر مجتهد نیست کسانی که در مجلس هستند و مجتهد نیستند و مجتهد نباشند قطعاً مقلدند. ما باید ببینیم که فتوای مرجع چیست و مرجع هم امام - رحمه الله علیه - تا زمانی که بودند و بسیاری هم باقی بر امام هستند و اگر امروز بعد از امام یک کسی باشد که مرجعیت او مرجعیت عامه مسلمین باشد که ما الان چنین فردی نداریم و مقام معظم رهبری به عقیده من هم مرجعند و هم رهبرند، من در این زمینه هیچ تردیدی ندارم. بنابراین ما در اینگونه موارد کجا داریم می‌رویم؟ چرا این طور داریم بحث می‌کنیم؟ اگر خدا و پیغمبر و اسلام و مجتهد جامع الشرایط نظری داد همه ما مطیع هستیم، بحث‌های دیگر به نظر من بیجا است.

من این نکته را عرض کنم اگر ما بخواهیم این مسأله را قبول کنیم که دین اگر بر عهده کسی باشد بایستی به این شکل با مهر عمل شود که دین است عمل بشود تالی فاسد بسیار زیادی در جامعه دارد. یعنی دیگر بسیاری از قرض‌الحسنه‌ها و دین‌ها و دینی که کرایه منزل است، دینی که اجاره ملک است، دینی که مربوط به اجرت کارگر و بنا است، دینی که مربوط به کارمند و نیروی نظامی است، اگر این بدهکاری که دولت دارد مربوط به ده سال قبل باشد باید قیمت امروز را با تورم حساب کند. پس چرا می‌خواهید این بدهی را با قیمت (۱۰) سال قبل بدهید؟

بنابراین من خواهش می‌کنم که احساسات را کنار بگذاریم ملاک همه ما شرع است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱. در متن فوق عبارت «این طور» جایگزین عبارت «این جور» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۱۹

نایب رئیس. آخرین موافق را دعوت بفرمایید.

منشی (موحدي ساوجي). آقاي دري بفرمایید.

قربانعلی دري نجف آبادي. بسم الله الرحمن الرحيم

اقوال الله العظيم، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم و

اتوا النساء صدقاتهن غله»

به نظر يکي از بحثهاي بسيار مهمي است که در مجلس شوراي اسلامي دارد بحث ميشود و قطعاً همینطور که موافقين و مخالفين محترم هم فرمودند زحمت فقها، شوراي

محترم نگهبان، شوراي تشخيص مصلحت و مراجع را راجع به يکي از مسائل بسيار حساس يعني مسائل تغيير قيمت پول و کاهش قدرت خريد پول، زياد میکنند خودشان هم عنايت دارند و بايد بيش از اين به اين مسأله و در همه ابعاد در ابعاد ديون، ضمانات و اين قبيل تعهدات عنايت بيشتري داشته باشند و به هر كيفيت راه چاره مناسبي را ارائه کنند. من اول عرض میکنم که اين مسأله نسبت به آینده به صورت بسيار روشني قابل پيش بيني است و هيچ مشکلي از نظر فقهي هم ندارد. ولي در دفترچه هاي ازدواج و طلاق ميشود اين را شرط کرد در صورتي که جنس باشد، يا جنس با ارزش طلا و غيره باشد که هيچ مشکلي ندارد مهریه و در صورتي که پول رايج باشد شرط کرد که همراه با نرخ تورم يا به هر قيمت ديگري يا معادل مثلاً قيمتي که ميشود پيش بيني کرد، بنابراين از نظر آینده هيچ مشکلي ندارد، ميشود در دفترچه هاي ازدواج و طلاق که (۱۲) شرط منظور ميشود و شوهر تعهد میکند، يك شرط ديگر، دوتا شرط ديگر، پنج شرط ديگر هم اضافه بشود و نسبت به آینده يك مبناي مشخصي را در دفترچه هاي ازدواج و طلاق پيش بيني کنیم. حتي لازم شد ميشود گفت پول هم نباشد مثل همین سکه که ترتيب داده شده چون نرخ سکه و نوسانات سکه چه در بازار داخلي چه در بازار بين المللي نرخی نيست که به سادگي کلاه سر کسي برود و کلاه سر هيچ کسي نرود. مشخص است که اين مقدار طلا است، اين مقدار کالايي است که داراي ارزش هست داراي قدرت خريد هست، اين نسبت به آینده. نسبت به گذشته هم

تا آنجایی که تفاهم بین زن و شوهر و خانواده‌ها هست باز هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند، اینکه برادر عزیزمان آقای موحیدی‌ساوجی فتوای حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - را نقل فرمودند، خوب بود که رفتار عملی حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - را هم بازگو می‌کردند، آنچه برای جامعه ما مهم است الگو بودن امام - سلام الله علیه - در همه ابعاد زندگی ایشان است، از جمله در رابطه با خانواده مکرمشان است. احترامی که امام راحل نسبت به خانواده گرامیشان داشتند برای همه ما قابل غبطه است. همه ما در برابر این شیوه اخلاق و برخورد امام با همسر گرانقدرشان، با فرزندان عزیزشان واقعاً غبطه و حسرت می‌خوریم. خوب اگر در جامعه ما روابط خانوادگی مثل روابط خانوادگی امام - رضوان الله تعالی علیه - با همسر گرانقدرشان باشد که این برای کشور مسئله ایجاد نمی‌کند. اصلاً بحثی نیست که هر چه هست در اختیار همسر است، در اختیار شوهر است، تفاوتی نیست، اختلافی نیست، تبعیضی نیست، کسی احساس نمی‌کند به او ظلم می‌شده است. اما اگر یک مواردی در جامعه پیش آمد که شوهرها خدای ناکرده سوءاستفاده بکنند دعوا،

نزاع، به تفاهم نرسند، به مصالحه نرسند، اگر به تفاهم برسند به مصالحه برسند با یکدیگر، تفاوت و تبعیضی در کار نباشد باز هیچ مشکلی اصلاً ایجاد نمی‌کند. این برمی‌گردد به مواردی که اختلاف باشد که مهریه زن (۱۰) هزار تومان است، (۵۰) هزار تومان است، (۱۰۰۰) تومان، (۱۰۰) تومان است، چهل سال، پنجاه سال قبل الان هم حیثاً تحت ظلم و فشار است مراجعه می‌کند به مراجع حقوقی و مراجع قضائی، (۱۰۰) تومان امروز جواب نمی‌دهد، (۱۰۰) تومان آن روز یعنی (۱۰۰) دینار، (۱۰۰) تومان آن روز یعنی معادل لااقل (۱۰۰) پوند، قطعاً یعنی پنجاه سال، چهل سال قبل هر یک تومان در کشور ما معادل یک پوند بود، حالا امروز شما بگویید (۱۰۰) تومان یعنی (۱۰۰) تومان (مثلاً عرض می‌کنم) خوب این قطعاً درست نیست، از نظر اسلامی هم همه عزیزان یادتان

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۲۱

هست و يادمان هست كه شهيد مطهري ميگويد عدالت در سلسله علل احكام است.

اما بحث از نظر محتوايي اولاً كه مسأله پول يكي از مسائل مستحدثه است، مسأله طلا و نقره و درهم و دينار نيست، درهم و دينار خودش يك كالاي با ارزش و مرغوب فيه در گذشته بوده، امروز هم هست اما اين پولهاي كاغذي خودش ارزش نيست، اين ملاك ارزش است. آنكه ارزش است قدرت خريدي است كه پول مي‌تواند داشته باشد. اگر قدرت خريد پول را از پول بگيريد، اين كاغذ خودش ارزش و اعتباري ندارد، قدرت خريدش اصل است بايد به اين توجه كرد. خوب وقتي بحث قدرت خريد است، اگر فرض كنيد (۱۰۰) تومان، هزار تومان مطرح كردند، عرض كردم حالا مي‌شود براي آينده اصلاً گفت پول رايج نباشد، همواره معادل جنس باشد، هيچ مشكلي ايجاد نمي‌كند، من بعد كلييه موارد را بگويم معادل جنسي، معادل اين قدر طلا، معادل اين قدر نقره، معادل اين قدر مثلاً زمين، در همه موارد پول عمل شود (معادل براي شما مي‌گذاريم) كه هر گونه نوسان را شامل بشود، هيچ مشكلي ايجاد نمي‌كند، در شور دوم هم كميسيون محترم قضائي مي‌تواند به اين مسائل توجه كند، لازم شد با شوراي محترم نهيان هماهنگ كند، با شوراي تشخيص مصلحت هماهنگ كند كه از نظر شوراي محترم نهيان كه ضمانت مي‌كند كه فتواي حضرت امام هم در اين مسائل ملحوظ كنند و از نظر شوراي محترم تشخيص مصلحت كه قطعاً با نظر مقام معظم رهبري هم هماهنگي خواهند داشت، در مسأله هيچ ترديدي نخواهد بود. اما از نظر دفترچه‌هاي ازدواج هم مي‌شود كاملاً پيش‌پيني كرد هيچ مشكلي ندارد. نسبت به گذشته هم واقعاً پول يعني قدرت خريد پول، اگر نوسانات در رابطه با قدرت خريد پول كم باشد، هيچ مشكلي باز ندارد. در بعضي از كشورها تورم (۱٪) است، (۲٪) است، (۳٪) است، ما هم از نظر قانون نظام بانكداري اسلامي و قانون پولي و بانكي مصوب سال

۱۳۵۱ کشور و ۱۳۶۲ کشور و جمهوری اسلامی، یکی از اصول را که برای بانکداری پیش‌بینی کردیم حفظ قدرت خرید پول است. اگر بتوانیم به این اصل اساسی توجه کنیم و قدرت خرید پول را حفظ کنیم هیچ مشکلی باز ایجاد نمی‌کند. این بحث‌های تورم‌های دو رقمی و کمتر از (۵۰٪) اصلاً پیش نمی‌آید، قدرت پول کاهش پیدا نمی‌کند، اما اگر به اصطلاح تضعیف پول ملی را داشته باشیم دلار را تبدیل کرده باشیم دلار (۷) تومان به دلار (۳۰۰) تومان، (۴۰۰) تومان، (۱۷۵) تومان اگر کاهش پول داشته باشیم اصطلاح فرنگی آن این است که (Revolution) (ریولوشن) کرده باشیم، یعنی پول ملی، قدرت خرید را (۱٪) کرده باشیم (یک بیستم)، (یک سی‌ام)، اینجا است که این بحث مطرح می‌شود. پس در نوسانات جزئی هم اصلاً جای این بحث نیست، عرفاً پذیرفته شده است و هیچ مشکلی ندارد. اما اگر نوسانات خیلی شدید باشد، خود مرحوم شیخ انصاری، شیخ‌الفقهاء —

رضوان‌الله تعالی علیه — در مکاسب دارد اگر یک جنسی را تابستان یک قیمتی داشت، حالا زمستان می‌خواهیم تحویل بدهیم یا در یک منطقه‌ای یک قیمتی داشت در منطقه دیگری می‌خواهیم تحویل بدهیم و اصلاً قیمتش کلاً افت کرده (۸۰٪) یا صد در صد، دیگر آن ارزش واقعی را ندارد، در این قبیل موارد می‌گویند که آنکه ضامن است «علی‌الید ما اخذت حتی

تؤدیه^۱» که این روایت را کلیه فقهای شیعه و اهل سنت به آن استناد کرده‌اند و از رسول اکرم — صلوات الله و سلامه علیه — نقل شده (حضرار صلوات فرستادند) اصل بر ضمانت قدرت خرید پول است و اصل بر ضمانت واقعی است. بنابراین امکان

۱. در متن فوق عبارت «سال ۱۳۵۱» جایگزین عبارت «سال ۱۳۵۲» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «تؤدیه» جایگزین عبارت «تؤدی» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۲۳

ارزيابي آن هم توسط بانك مركزي يا غيره هست ، هر سه سال يك بار ، پنج سال يك بار ، ده سال يك بار ، مي شود شاخص هايي را مشخص كرد ، هيچ مشكلي از نظر فقهي هم مي تواند اين مسأله خاص نداشته باشد . به هر كيفيت ما مي گوييم فقه مان ، فقه پويا است ، براي هميشه پاسخگوي نيازهاي جامعه بشري تا قيام قيامت هست . اين هم يكي از آن مسائل بسيار حساسي است ، البته همان طوري كه برادران فرمودند ابعاد ديگري هم دارد ، اميدوارم اين بحثهاي داغ و حساس در مجلس شوراي اسلامي موجب بشود كه صاحب نظران و فقهاي بزرگوار ، مراجع عاليقدر ، رهبر معظم هم عنايت بيشتري بفرمايند .

والسلام عليكم و رحمة الله

نايب رئيس. متشكر ، نماينده دولت جناب آقاي منتظري بفرماييد .

منتظري (معاونت حقوقي و امور مجلس وزارت دادگستري). بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال و هذا

حرام»

نظر به اينكه طرح الحاق يك تبصره به ماده مربوط به مهریه خانها از ديروز تا به امروز بحث داغي را در مجلس محترم به خودش اختصاص داده ، ما هم با توجه به سوابقي كه چه از لحاظ استفتائي و چه از لحاظ حقوقي بررسي داشتيم ، خدمت مجلس محترم عرض مي كنم .

مسأله اي كه جناب آقاي موحي ساوجي با شدت و حدت مطرح كردند و موضوع را به نحوي القا فرمودند كه گويان اين خلاف بين شرع مقدس اسلام است و تعدادي هم لابد از اين خلاف بين شرع مي خواهند حمايت كنند ، يقيناً اينچنين نيست ، استفتائي كه كميسيون محترم قضائي از (۱۳ - ۱۲) نفر از آقايمان مجتهدين نمود ، صرف مجتهدين معمولي نبودند كه اكثر آنان از مراجع هستند و از جمله از محضر مقدس مقام معظم رهبري نيز استفتائي شده كه من به آن هم اشاره خواهم كرد .

مجموع نظر آقایان فقهای که به دست آمده از (۱۲) نظری که ما گرفتیم، به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته ای از آقایان نظرشان بر این است که ملاک و معیار همان پولی است که براساس آن عقد جاری شده و با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کند و لو ارزش پول پایین آمده باشد که بنده شخصاً با بعضی از آنها که خدمتشان شرفیاب شدم و بحث داشتیم نظرشان بر این است که پول همان پول است این قیمت‌ها است که تنزل یا ترقی پیدا می‌کند ارزش را برای پول قائل هستند.

دسته دوم از آقایان فقها^۱ که نظر دادند نظرشان مبنی بر این است که پول ارزش واقعی ندارد و آنچه که امروز وسیله داد و ستد است، این نمی‌تواند معیار و ملاک اصلی در ارزش باشد. نظر سوم آقایان هم تقریباً تفصیل قائل شده اند که من حالا نه اسم آقایان مراجع را عرض می‌کنم و نه به تفصیل نظرات آنان را عرض می‌کنم. تفصیل هم بر این بوده که بعضی از آقایان مراجع نظرشان بر این است که اگر چنانچه این خاکی که طلبکار مهریه است مطالبه کرده باشد و زوج ادا^۲ نکرده باشد باید به قیمت امروز ادا^۳ بشود و اگر چنانچه مطالبه نکرده، نه، عرض کردم تفصیل قائل هستند. بنابراین نظر مجموعه آقایان فقها^۴ به سه دسته تقسیم می‌شود، اینچنین نیست که ما بتوانیم اینجا صریحاً بگوییم آقا! این خلاف بین شرع است. من تعجب می‌کنم از آقای موحدی‌ساوجی به عنوان يك فاضل محترم چطور به خودش اجازه داده اند که این مسأله ای را که فقها^۵ اختلاف مبنایی روی آن دارند بگویند این خلاف بین شرع است؟! البته ایشان خلاف بین شرع نفرمودند که هست، ولی استفاده از کلام ایشان من هر چه دقت کردم این است، در حالی که یقیناً این نیست. هیچکدام از آقایان فقها^۶ این را خلاف بین شرع نمی‌دانند، منتها چون اختلاف در مبنا دارند، خواه ناخواه اختلاف در فتوا برایشان پیش می‌آید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۲۵

آنچه را هم كه جناب آقاي موحدي كرمانى ديروز پيشنهاد دادند كه (۶) ماه مسكوت بماند تا بررسى بشود، من فكر مي كنم اگر هر مقدار هم بماند چون آقاىان فقها^۱ اختلاف در مبنا دارند با گذشت زمان نمى شود اختلاف در مبنا را تغيير داد. مگر اينكه مبناي فقيه عوض بشود.

بنابراين، اين را ما به ضرس قاطع عرض مي كنيم طرحي كه تقديم شده يقيناً خلاف بين شرع نيست و به علاوه اينكه من بر خودم مجاز نمى دانم... ديشب من آخرين نظر مقام معظم رهبري را هم از دفتر ايشان گرفتم، منتها چون رسماً اعلام نكردند، من از بيان آن در اينجا معذور هستم چون از محضر ايشان استغنا^۲ شده بود و رسماً پاسخ دادند، اما به هرحال اينچنين نيست كه ما بتوانيم بگويم اين خلاف بين شرع است.

نايب رئيس. جناب آقاي منتظري! آقاي موحدي ساوجي هم نگفتند خلاف بين و اينها است، ايشان نظر مشهور را گفتند، گفتند نظر مشهور اين است، اختلاف نظر هم وجود دارد، جناب آقاي منتظري بفرماييد. **منتظري.** عرض مي شود كه مسأله بعد اين است (كه عنايت بفرماييد) در اظهاراتي كه شد مخصوصاً خواهرايى كه در موافقت با اين طرح صحبت كردند گاهي از اوقات مسير را از مسائل علمي و اين مبحث علمي يك مقداري شعارگونه اش مي كنند كه من تقاضا^۳ اين است كه واقعاً در اين گونه^۴ مسائل و اين گونه^۵ مباحث ما سعي كنيم كه از وسائل شعارگونه پرهيز كنيم. مسأله، مسأله طلاق نيست، عنايت بفرماييد، ديروز بعضي از خانها فرمودند كه... **فاكر.** از بيان آقاي منتظري اين طور فهميده شد كه مقام معظم رهبري موافق هستند بعد در تكميل

۱. در متن فوق عبارت «اين گونه» جايجزين عبارت «اين جور» گرديد.
۲. همان.

صحبت خود فرمودند که آقا، نظری ندادند. اینگونه صحبت کردن ...

نایب رئیس. همان دومی آن درست است که ایشان فرمودند، نظری هنوز از محضر ایشان اخذ نشده.

منتظری. من عرض کردم ایشان نظری رسمی هنوز نداده اند ولی بنده نظرشان را گرفته ام. اگر خواستید بعد تشریف بیاورید تا عرض بکنم. عرض می شود که ...

فاکر. بی سواد! چرا حرف بیجا می زنی؟ آدم بی دین! نظر مقام معظم رهبری را می دانی؟!

منتظری. من نظر مقام معظم رهبری را نگفتم.

نایب رئیس. جناب آقای فاکر! خواهش می کنم بفرمایید بنشینید. ایشان به هر حال به عنوان نماینده دولت، نظر دولت را می گویند، موافق یا مخالف به هر حال نظر دولت است.

منتظری. (خطاب به آقای فاکر) از اینکه اهانت فرمودید متشکرم.

فاکر. نه سواد داری، نه ادب داری. مقام معظم رهبری نخواسته ...

نایب رئیس. جناب آقای فاکر! خواهش می کنم بفرمایید، آقای فاکر از جناب عالی خواهش می کنیم بفرمایید بنشینید. به هر حال ایشان نماینده دولت است می توانند نظر دولت را به عنوان موافق یا مخالف بیان کنند.

فاکر. مکاسب را باز کنم نمی توانی بخوانی!

نایب رئیس. جناب آقای فاکر خواهش می کنیم حالا به هر حال ما اینجا که بحث نداریم که معیار درجات

...

فاکر. اسلام را با این بازی ها نمی شود ...

نایب رئیس. آقای فاکر! ایشان نظر دولت را می گویند موافق یا مخالف است. ایشان در مقدمه نقل

کردند ...

فاکر. نظر رهبری را من می دانم. آب در شیر می کنی؟!

منتظری. حاج آقا! اجازه بدهید خدمت شما عرض می کنم.

فاکر. بسیار بی ادبی!

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۲۷

نایب رئیس. بفرمایید حضرت عالی بحثان را ادامه بدهید.

منتظري. عرض می‌شود مسأله بعدی این است که ...
بیانك. آقای رئیس! اینجا مجلس است، محل برخورد افکار است، اجازه بدهید حرفهایشان را بزنند. با داد و فریاد ...

نایب رئیس. ببینید! اساساً ما نه باید عصبانی بشویم، نه باید برخورد لفظی داشته باشیم. جناب آقای منتظري به عنوان نماینده دولت می‌توانند نظرات دولت را بیان بکنند، فتاوایی هم که حالا دستشان رسیده ایشان می‌توانند نقل بکنند یا به فتاوی اشاره بکنند، بفرمایید.

منتظري. مسأله بعدی این است که آیا این موضوع به امر طلاق برمی‌گردد؟ بعضی از خانم‌ها دیروز می‌فرمودند که این امر موجب افزایش طلاق می‌شود، در حالی که مسأله طلاق نیست، بحث در حق زن است، این هم باز به سه دسته تقسیم می‌شود: یکی آنجایی که خانم می‌خواهد طلاق بگیرد و دیگر آنجایی که خانم فوت می‌کند و ورثه او می‌خواهند آنچه را که به عنوان مهریه او بوده است از مارتك شوهر جدا بکنند بین کسان تقسیم بکنند. مورد سوم آنجایی است که شوهر فوت کرده و بعد می‌خواهند حق خانم را از مارتك شوهر جدا بکنند.

بنابراین (عنایت بفرمایید) مسأله طلاق را ما خیلی مطرح نکنیم که الا و لابد حتماً آمار طلاق بالا و پایین می‌رود، اگر این را ما براساس قیمت فلان بگیریم بالا می‌رود و یا اگر براساس قیمت روز بگیریم، پایین می‌آید، به نظر ما این مسأله خیلی نمی‌تواند در امر طلاق نقش داشته باشد. به این معنا که حقیقتاً ما نمی‌خواهیم بگوییم که کلاً اینچنین نیست. آمار را نگرفتیم ولی اینچنین نیست که اکثر طلاق‌ها چون خانم‌ها مهرشان کم است بلافاصله مرد مهر او را می‌دهد و می‌گوید دنبال کارت برو.

مسأله سوم، دینی است که جناب آقای موحدی مطرح کردند، اینجا بحث این نیست که ما فقط دین را معترض بشویم. آن مهریه‌ای که دین است و وجه رایج است. چون جناب آقای موحدی مستحضر هستند که گاهی

طلا و نقره هم ممکن است دین باشد. اینچنین نیست که همه جا دین را ما بگوییم که تغییر پیدا می‌کند. بحث در آنجایی است که اگر چنانچه وجه رایج (۵۰) سال قبل با ریال و تومان مهر زن قرار داده شده است، امروز اگر چنانچه زوج می‌خواهد این مهر را بپردازد آیا براساس ریال قیمت امروز بدهد یا براساس قیمت آن روز که باید این مابه‌التفاوتش را توسط بانک مرکزی تعیین بکنند و استعلام بشود. بنابراین به نظر می‌رسد آنچه که ما روی این کار کردیم، هم خود بنده با عزیزانمان رفتیم در حوزه علمیه قم صحبت کردیم، هم استفتا^۱ از آنها

داریم و هم اینکه کارهای حقوقی که روی آن انجام گرفته است، به نظر می‌رسد این مسأله، مسأله خاصی نباشد که ما بتوانیم آن را به‌عنوان کار خلاف شرع تلقی بکنیم و خلاصه اینکه نظر ما با این مسأله موافق است و آنچه را که ما بتوانیم در شور دوم قید هم برایش ذکر بکنیم ممکن است، عزیزان اگر قیودی را پیشنهاد بدهند که بتواند جلو بعضی از مسائل بعدی را بگیرد بهتر آن است که در شور دوم یک قیودی را به آن اضافه کنیم (که مطالبه کرده باشد، نکرده باشد و سایر قیود) اما مطلق اینکه ما بتوانیم این امر را در قانون بیاوریم که بعضی از خانم‌هایی که مشکل این‌چنینی دارند به حقشان برسند، حالا چه امر طلاق مطرح باشد، چه زن بمیرد و بخواهند حقش را از شوهر بگیرند و به ورثه دیگر تقسیم بکنند و یا شوهر فوت بکند و بخواهند دین این زن را از ماترک زوج جدا بکنند و به بقیه ورثه بدهند. نظر دولت بر این مسأله محترم است و من باز هم این مسأله را تأکید می‌کنم که بنده در اینجا رسماً نظر و فتوای مقام معظم رهبری را عرض نکردم. ولی همان طوری که گفتم ابایی هم ندارم، سؤال کردم، نزد خود بنده مشخص است. والسلام

نایب رئیس. متشکر، خیر کمیسیون بفرمایید.

موسی قربانی (خیر کمیسیون امور قضائی و حقوقی)

بسم الله الرحمن الرحيم

فاکر. چرا این حرف را می‌زنی؟ (اشاره به غایبده

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۲۹

دولت) من گفتم، شما (مطلب) هیچی نداري!
نایب رئیس. آقای فاکر! شما طبق چه آیین‌نامه‌ای صحبت می‌فرمایید.

موسی قربانی. برای اینکه ان‌شاءالله حواس آقایان بیشتر جمع بشود و کدورت‌ها از بین برود آقایان یک صلواتی بفرستید.
(حضار صلوات فرستادند)

خدمت خواهران و برادران نماینده عرض کنم این طرحتی که مطرح است و اقلیت امر این است که تأثیرات فراوانی در جامعه ما خواهد داشت. خواهش من از برادران و خواهران این است که لطف و توجه بفرمایند، من توضیحات را پیرامون مسایلی که مطرح شد عرض بکنم به دور از احساسات و شعار، یک واقعیتی است که در جامعه ما وجود دارد و باید به این واقعیت در اینجا بپردازیم. من بحث را چهار محور قرار داده‌ام:

اولین مطلب اشاره‌ای به فرمایشات نمایندگان محترمی که به‌عنوان مخالف صحبت کردند. صحبت عمده‌ای که در فرمایشات آقایان بود من به آن اشاره می‌کنم. یکی به صورت ضمیمی شاید به متن استفتا^۱

اعتراض بود که این طور^۱ گفته شد که هر طور^۲ که سؤال بشود همان طور^۳ جواب می‌گیرند. اصلاً من سؤال را بهتر است که خدمت خواهران و برادران بخوانم. متن سؤال این طوری^۴ است: «با اهدای تخیات و آرزوی طول عمر با برکت برای جناب‌عالی، چون طرح الحاق یک

1. در متن فوق عبارت «این طور» جایگزین عبارت «این جور» گردید.

2. در متن فوق عبارت «هر طور» جایگزین عبارت «هر جور» گردید.

3. در متن فوق عبارت «همان طور» جایگزین عبارت «همان جور» گردید.

4. در متن فوق عبارت «این طوری» جایگزین عبارت «این جوری» گردید.

تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه (نسخه ضمیمه) در کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطرح می‌باشد به لحاظ اهمیت مطلب و جنبه‌های فقهی آن، تقاضا دارد نظر شریف‌تان را تفصیلاً^۱ جهت بهره‌برداری مرقوم فرمایید».

ببینید! از این بهتر نمی‌شد که، متن استفتا را تعیین نکنند. اصلاً فتوکپی طرح پیشنهادی ضمیمه شده با این متنی که تهیه شده است، بنابراین واقعاً سؤال به گونه‌ای نبوده که جواب خاصی بگیرند. فتوکپی نفس طرح را فرستادند و گفتند با توجه به اهمیت موضوع پاسخ بدهید و پاسخ‌ها داده شده. (این یک مطلب بود)

صحبت می‌شد که این مخصوص مهریه نیست، بلکه ما هم این را قبول داریم. تذکر هم داده شد، در فرمایشات آقایان هم بود، در استفتائات هم به این اشاره شده بود که این به خاطر مهریه به تنهایی نیست. بلکه اصلاً نه تنها این بحث به خاطر مهریه نیست بلکه اعتبار مهریه هم به خاطر دین بودنش است (که برادران هم در اینجا به آن اشاره کردند) در آن قسمتی که مهریه دین است این مباحث مطرح است اگر عین باشد که این مباحث مطرح نمی‌شود.

اشاره شد که این یک بحث فقهی است و شاید منظور این باشد که چرا در اینجا مطرح بشود؟ ببینید! قانون مدنی ما اساساً فقه است و مباحث فقهی است که در قانون مدنی و در بقیه قوانین است. قوانین ما نشأت از فقه می‌گیرد، بنابراین جایگاه آن مجلس است.

اشاره شد که کاش قیودی در کمیسیون به آن اضافه می‌کردند. اینگونه مباحث، مباحث شور دومی است و هر یک از آقایان و خانم‌ها پیشنهادی داشته باشند می‌توانند مطرح نکنند. یک اشاره‌ای هم کردند که بحثی از پول خارجی به

۱. در متن فوق عبارت «تفصیلاً» درج شده بود.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۳۱

ميان آمد و اظهار تأسف شد كه آقا! اسم دلار و دينار مطرح شده. برادران و خواهران! اين نکته قوت ما است، جهت اطلاع شما عرض بكنم، الان از قانون مدني ما بسياري از كشورها نسخه مي‌خواهند كه براساس آن كار بكنند. حتي در كشورهاي غربي آمدند از قانون مدني ما به عنوان يك قانون متقي استفاده کرده‌اند، چون فقه ما فقه متقي است و قانون مدني هم تنها قانون گذشته است كه براساس فقه تهيه شده. بنابراين الان خيلي از كشورها (اخبارش را از قوه قضائيه بگريد) در مذاكرات بين‌المللي كه دارند خواهان اين قانون هستند. بنابراين اگر ما يك قانوني تدوين بكنيم كه به درد ساير كشورهاي اسلامي هم بخورد چيز خوبي است (اين در بحث صحبت مخالفين محترم).

اما يك مسأله، مسأله شرع است. برادران و خواهران توجه بفرمائيد، واقعيت امر اين است كه نمي‌توان گفت اين خلاف بين شرع است و نمي‌توان هم گفت كه فتاواي صدرصد فقها^۱ دين است. اين يك واقعيت

روشي است، مسأله، مسأله اختلافي است و از ابتدائي انقلاب تاكنون بسياري از مسائلي كه در مجلس محترم مطرح شده با فتاواي عده‌اي از فقها^۱ مغايرت

داشته، براي همين هم قانون اساسي چاره‌اندوشي کرده. البته اين احساسات برادران و خواهران قابل ستايش است كه بر عقیده و نظري كه دارند جوش مي‌زنند، كار خوبي است. اما من مي‌خواهم بگويم هيچ نگراني نيست، چون در اين مجلس هرگز ما نخواهيم توانست قانون خلاف شرعي به دليل وجود شوراي محترم نگهبان تصويب بكنيم. تا كنون هم اين طوري^۱ بوده، در آينده هم ان‌شاءالله تا ظهور امام

زمان (عج) اينچنين خواهد بود. در مجلس شوراي اسلامي قانوني خلاف موازين شرع تصويب نخواهد شد.

۱. در متن فوق عبارت «اين طوري» جايجزين عبارت «اين جوري» گردید.

شورای نگهبان جلو آن را می‌گیرد و اگر اساساً مغایر شرع بود، هیأت رئیسه هم باید جلو آن را می‌گرفت که مطرح نشود. بنابراین نمی‌شود گفت که خلاف شرع است. بله، فتاوی در این زمینه مختلف است و ما هم خدمت آقایان و خانم‌ها عرض کردیم، دین را من عرض می‌کنم که موضوع از مسایل مستحدثه‌ای است که در بسیاری از اینگونه موارد با توجه به تغییر فاحش قیمت شاید به عنوان یک فتاوی جدید در جامعه مطرح شده باشد به خاطر فاحش قیمتی (که عرض کردم) وجود دارد و در بعضی از جاهای دنیا خیلی هم بالا است و این را هم عرض کنم که حتی مواردی مشاهده شد که (اگر آقایان خواستند من آن قانون را هم عرض می‌کنم) خود امام چون نظرشان این نبود، مقامات قوه قضائیه را ارجاع دادند که در این مسأله به فتاوی فلان فقیه عمل بکنید، چون فتاوی خودشان این نبود. این یک چیزی است که وجود داشته و هرگز نمی‌شود یک قانون مطابقت با فتاوی همه فقها داشته باشد. این بحث فقهی قضیه که اجمالاً

روشن است. مسأله، مسأله اختلافی است. موضوع بحث حقوقی دارد، از نظر حقوقی در دنیا پرداخت خسارت تأخیر تأدیه یک چیز متداول است. بنابراین از جهت حقوقی باز موضوع قابل تعمق است، در عرف حقوقی دنیا خسارت تأخیر تأدیه یک چیزی شبیه همین است و تا به حال هم وجود داشته، در نظام ما هم وجود دارد، بانک‌ها الان بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا خسارت تأخیر تأدیه را نمی‌گیرفتند، دیدند مواجه با مشکلاتی شدند، بالاخره رفتند صورت قضیه را به صورت مشخص برای شورای محترم نگهبان بیان کردند و بالاخره شورای محترم نگهبان به گونه‌ای به آنها پاسخ داد که اینکه شما می‌گویید خلاف شرع نیست و آنها الان دارند خسارت تأخیر تأدیه را از کسانی که اقساط بدهی خودشان را به موقع نمی‌پردازند دریافت می‌کنند. پس بحث خسارت تأخیر تأدیه هم یک بحثی است در عرف حقوقی دنیا و در نظام ما هم جایگاهش خیلی خالی نیست. (این یک بحث) بحث دیگر، بحث مصالح و مفاسدی است که بر این طرح مترتب است. اشاراتی اینجا می‌شد که استحکام

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۳۳

خانواده را ممكن است اين به هم بزند. من مي‌خواهم بگويم كه دقيقاً نظر طراحان و آتھايي كه نظر موافق دارند عكس اين است كه اين استحكام خانواده را تثبيت مي‌كند، برادران و خواهران! موضوع را فقط روي بحث طلاق نريد. الان در جامعه ما هستند كساني كه (بنده از خودشان شنيدم) وقتي مادرشان فوت كرده آمدند مهریه مادر خودشان را از ماترك براساس ارزش اقتصادي روز آن پرداخت كردند. خوب، اين باعث استحكام خانواده مي‌شود، چرا آن طرف قضيه را مي‌گيريم، بله، ممكن است مواردی سوِّ برداشت بشود،

اگر بحث اين است كه مهریه‌ها سنگين خواهد شد كه من خدمت شما عرض مي‌كنم الان بحمدالله با توجه به اين مسائلي كه در جامعه بوجود آمده كاهش قيمت پول كه در جامعه مطرح شده، الان همه زرينگ شده‌اند. الان مهریه‌ها روي سكه رفته و همين روزها است كه درباب مهریه‌ها بايد مجلس تعيين براي وجه نقد بگيرند. الان مردم روشن شده‌اند^۱ ديگر وجه نقد نمي‌گذارند و ممكن است آن را مبلغ زيادي بگذارند، بنابراين اصلاً بحث را جداي از پرداخت و عدم پرداخت مهریه شما در نظر بگيريد. اصلاً بحث تقسيم تركه است، بحث ارثيه است، در همه جا مصداق دارد. ما فقط مي‌آييم بحث را متمرکز مي‌كنيم روي اينكه زني مي‌خواهد يقه شوهر خودش را بگيرد كه الان مهریه من را بده! اين يك فرضي از قضيه است كه شايد فرض نادري هم باشد و من از جناب موحدی ساوجي و امثال ايشان يك سؤال مي‌كنم كه اگر مهریه خانم خود آقايمان مثلاً (۲۰۰۰ - ۱۰۰۰) تومان باشد (۵۰ سال پيش)، امروز بخواهند مهریه‌اش را پرداخت بكنند حضرت عباسي همان (۲۰۰۰ - ۱۰۰۰) تومان را پرداخت خواهند كرد؟ يا طور^۲ ديگري پرداخت مي‌شود. بحث پرداخت و عدم پرداخت به اين معنا مطرح نيست.

۱. در متن فوق عبارت «شده‌اند» جايگزين عبارت «شدند» گرديد.

۲. در متن فوق عبارت «طور» جايگزين عبارت «چور» گرديد.

خبرخواه . اخطار قانون اساسی دارم .

نایب رئیس . بفرمایید .

کامل خبرخواه . بسم الله الرحمن الرحيم

اصل شصت و یکم، من نظر نمایندگان محترم را جلب می‌کنم به اصل شصت و یکم قانون اساسی: «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد».

نمایندگان محترم! این مسأله‌ای که الان مطرح شده، من در صحبت‌های دیروز هم عرض کردم که خارج از ضابطه‌ای است که ما در اینجا می‌خواهیم تصویب بکنیم. این قانون نمی‌تواند باشد. اینجا مسأله تقلید است. اگر کسی بخواهد از مرجعی تبعیت بکند بایستی دادگاه بر حسب نظر مرجع او نظر بدهد. این مسأله قانونمند شدن نیست به این شکل که شما الان بیایید تصویب بکنید که آقا! مهر بایستی به قیمت روز باشد یا مهر به قیمت قبلی باشد، این را باید دادگاه تشخیص بدهد. دادگاه از طرفین دعوی می‌پرسد شما مقلد چه کسی هستید بر حسب نظر مرجع تقلید او بایستی نظر بدهد.

نایب رئیس . متشکر، اگر قانون شد و شورای نگهبان تأیید کرد، دادگاه بر همان مبنا عمل خواهد کرد.

قربانی . بنابراین خیلی چیزها را باید رها کنیم، خدمت شما عرض کنم ببینید! پس بحث مصالح و مفاسد را هم روی یک فرض نادری نباید ببریم، بحث پرداخت و عدم پرداخت هم واقعاً مطرح نیست، در بسیاری از جاها این مصداق دارد. بنابراین در بحث مصالح و مفاسدی که ممکن است متصور باشد ما فکر می‌کنیم مصلحت در تصویب این قانون باشد. (نایب رئیس - وقتتان تمام است) من عرض را تمام می‌کنم، حالا این نکته را عرض کنم که برادران و خواهران اگر پیشنهاد خاصی در این ارتباط داشتند ان‌شاءالله در شور دوم در صورتی که رأی بیاورد قابل پیگیری است و ان‌شاءالله

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۳۵

مشكل حل خواهد شد.

والسلام عليكم و رحمة الله

نایب رئیس. خیلی ممنون.

حسینی. تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

نایب رئیس. آقای حسینی بفرمایید.

سیدعلی‌اکبر موسوی‌حسینی. بسم الله الرحمن الرحيم

توجه هیأت رئیسه محترم را به ماده (۹۱) آیین‌نامه داخلی مجلس جلب می‌کنم. مفادش این است که «طرح‌ها باید بر اساس مفاد و عنوانش به کمیسیون مربوطه ارجاع شود».

ای کاش هیأت رئیسه محترم این طرح را به کمیسیون امور اقتصادی و دارایی ارجاع می‌دادند که این همه بحث در مجلس موافق و مخالف با نظرات مباین صورت نمی‌پذیرفت. ماهیت این طرح ماهیت اقتصادی و مالی است نه ماهیت قضائی، امیدواریم اگر این طرح رأی بیاورد در شور دوم از نظرات کارشناسی این کمیسیون کمال بهره‌مندی انجام بشود.

نایب رئیس. به هرحال قانون مدنی، هر ماده‌اش چه بخواهد اصلاح بشود، چه بخواهد اضافه بشود، چه کم بشود کمیسیون اصلی‌اش حتماً کمیسیون قضائی مجلس است. به هر حال یک تبصره‌ای را ما می‌خواهیم در قانون مدنی به یک ماده‌ای الحاق بکنیم، حتماً به کمیسیون قضائی مربوط می‌شود. حالا کمیسیون‌های دیگر هم به عنوان کمیسیون فرعی بخواهند نظر بدهند اشکالی ندارد، ولی حتماً کمیسیون اصلی همین کمیسیون خواهد بود.

دوتا تقاضا دست ما رسیده، یک تقاضا رأی‌گیری

...

فاکر. اخطار قانون اساسی دارم.

نایب رئیس. آقای فاکر بفرمایید.

محمد رضا فاکر. بسم الله الرحمن الرحيم

من ابتدائاً از همه آقایان محترم، نمایندگان محترم، با تمام وجودم از اینکه تند شدم نسبت به این آقا که

طوري صحبت کردند نسبت به مقام معظم رهبري که معني آن اين بود که ايشان موافق هستند و از اين جهت من چون مي دانستم اين طور^۱ نيست، عصباني شدم من از همه شما عذرخواهي مي کنم. اگر اين طور^۲ نبود، حرف هاي خودشان را مي زدند والله من تحمل مي کردم، همان طوري که در طول اين دو روز گذشته تحمل کردم. اساساً در بحث ها از رهبري مايه گذاشتن خلاف است. حالا من دليل خودم را بگويم که اين خلاف قانون اساسي است. در اين مسأله فقهاي ما از زمان مرحوم بحرالعلوم تا الان دو نظر دارند که پول را بچ اسکناس درآمده ...

عده اي از نمايندگان. چه اصلي است؟

بيانك. حاج آقا ببخشيد! اگر مخالف يا موافق صحبت مي کند ما بايد بدانيم.

نائب رئيس. آقاي فاکر! جناب عالي بيان همان اخطارتان را به حداقل اکتفا^۳ بفرماييد.

محمد رضا فاکر. چشم! من مي خواهم بگويم به چه دليل اين اصل خلاف شرع است و بنا بر هر دو نظر عرض کنم که خلاف شرع است وظيفه من است. (يکي از نمايندگان - اين در مخالفت است) ببينيد! اصل چهارم اصلاً اساس بر اين است که مطلب خلاف شرع را بگويند. اصلاً اصل چهارم قانون اساسي بر اين است که يعني اين مطلب خلاف شرع است و من مي خواهم دليلش را بگويم (يکي از نمايندگان - ديگر دليل نمي خواهد)، اجازه بفرماييد! شما نمايندگان اين مردم هستيد. آن کسانی که مخالف با صحبت کردن من هستند را عرض مي کنم شما مي خواهيد رأي بدهيد، روز قيامت براساس اين رأي هايمان بايد جواب بدهيم. حرف بنده را گوش کنيد بعد هر طوري که به نظرتان رسيد که عندالله مي توانيد جواب بدهيد، رأي بدهيد ولي عرض بنده را گوش کنيد. از زمان مرحوم

۱. در متن فوق عبارت «اين طور» جایگزین عبارت «اين جور»

گردید.
۲. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۳۷

بحر العلوم كه پول اسكناس درآمده علماي ما نسبت به اين مطلب بحث دارند. معظم و مشهور علماي ما همان طور كه اشاره كردند تا زمان امام و مرحوم آقاي اراكي و آقاي گلپايگاني نظرشان اين است كه پول خودش مال است ...

بيانك. آقاي روحاني! استنباط ايشان از خلاف شرع بودنش مربوط به چه اصلي است؟

وحيد دستجردي. اصل قانون و تشخيص آن با شوراي محترم نگهبان است.

نايب رئيس. بله، درست است تشخيص اصل چهارم با شوراي نگهبان است هر نماينده مجلسي هم اگر احساس كرد قانوني، قسمتي خلاف شرع است مي تواند با توضيح مختصري به اصل (۴) استناد كند. اين اخطار اشكال ندارد، منتها از آقاي فاكركر خواهش مي كنيم سريعتاً اين اخطارشان را بيان كنند و تمام كنند. چون حداكثر وقت پنج دقيقه است. اكثر وقت ايشان گذشته است.

محمد رضا فاكركر. بعضي ها ميگويند پول و خود اسكناس مال و كالا است و ميگويند خود اسكناس كالا است، چك نيست، با چك فرق مي كند. چك سند است، اسكناس سند نيست. هرچند قيمتش مثل طلا بالا و پايين مي رود، ولي سند نيست، مال است. آن كساني كه اين را ميگويند، آن آقايمان فتوايشان اين است كلاً در مورد صداق اگر با وجه رايج باشد دين است و زن طلبكار است و چون طلبكار است و مؤجل نيست يعني زمان مشخصي ندارد، هر وقت بخواهد مي تواند مراجعه بكنند اگر خواسته و مراجعه كرده و شوهر به او نداده و اين مسأله به منازعه كشيده شده، از آن به بعد هر چه قيمت اسكناس تغيير بكنند و ضرر به زن وارد بشود به عهده مرد است. اما اگر منازعه نشده و اين پول در دست شوهر بوده و زن مطالبه نكرده مثل پولي است كه در بانك است، بعد حق ندارد بگويد اينقدر قيمتش كم شد به من بدهيد. يد شوهر روي اين پول يد امني است، يد عدواني

نیست. این مال فتوای آنها (نایب رئیس - جناب آقای فاکر وقتتان تمام است) اما فتوای این متأخرین^۱، فتوای این چند نفری که آقایان رفتند گرفتند. فتوای اینها این است که خود پول مثل چک می‌ماند. بنابراین اگر از ارزشش کم شد زن طلبکار است. اما خود آنها هم باز به چند دلیل این طرح را که الان آمده نباید بپذیرند که الان عرض می‌کنم. یکی از آن این است (نایب رئیس - حالا دیگر از اخطار خارج است) در موردی که اختلاف فتوا باشد باید یا کمیسیون در ...

نایب رئیس. آقای فاکر! خواهش می‌کنم در حد اخطارتان بیانتان را فرمودید. **فاکر.** دلیل دوم مانده است.

نایب رئیس. لازم نیست همه دلایل را بیان کنید. **فاکر.** یک دقیقه اجازه بدهید. در موردی که آنها می‌گویند پول مثل چک می‌ماند و ارزشش به ... آنها می‌گویند در مورد اختلاف فتوا حکمی که می‌خواهد در مملکت اجرا^۲ بشود یا باید حکمی باشد که متفق‌علیه

همه علمای ما است، همه روی آن نظر دارند مثل مصالحه کردن. یا باید مراجعه بشود به فقیه حاکم و کمیسیون محترم نه مصالحه را در اینجا آورده، نه مراجعه به فقیه حاکم کرده و از این نظر اشکال دارد. بنابراین اول و دوم، هر دو از نظر شرعی اشکال دارد.

نایب رئیس. متشکر.

انصاری. تذکر دارم.

نایب رئیس. آقای انصاری بفرمایید.

مجید انصاری. تذکر من خیلی مختصر است و خدمت حضرت‌عالی می‌باشد که مدیر محترم جلسه امروز هستید این است که تا به حال هم معمول نبوده که در برداشتهای مختلف از شرع یا قانون اساسی این طور

۱. در متن فوق عبارت «متأخرین» جایگزین عبارت «متأخرین» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۳۹

عمل بشود خصوصاً در موضوعي (نایب رئیس - شما چه ماده اي را تذكر مي‌دهيد؟) من همان اصل چهارم قانون اساسي است (نایب رئیس - شما پس اخطار قانون اساسي داريد) بله، جناب آقاي روحاني! در مجلس بحثي مطرح شده كه استثنائاً قبل از طرحش بيش از ده نفر از فقيهان بزرگ کشور كه شش نفر از آنها صاحب رساله هستند نظر صريح فقهي دادند.

نایب رئیس. پس شما چه اخطاري داريد؟ شما مي‌گويد با اصل (۴) موافق است، پس ديگر اخطاري نداريد. **انصاري.** اخطار بنده اين است كه شما در اداره مجلس تحت عنوان اخطار قانون اساسي در واقع به نوعي اجازه يك مخالفت آن هم بعد از توضيح مختصر و نماينده دولت داده شد. لااقل قبلش بود آقايمان جواب مي‌دادند، خوب اين به نوعي استفاده از يك اخطار در مخالفت است و چا دارد كه يك موافق راجع به اين مطلب صحبت بكنند.

نایب رئیس. خيلي خوب، حالا آقاي انصاري! جناب عالي كه در كميسيون آئين‌نامه هستيد همچا اصلاح بفرماييد بعد از بيان مختصر ديگر اخطار نشود داد. ما حرفي نداريم، شما اگر در آئين‌نامه اصلاح بكنيد به هرحال براي مدير جلسه هم آسانتر است. ما تا زماني كه اعلان رأي نكرديم، قاعداً نمي‌توانيم جلو اخطار يا تذكر را بگيريم طبق آئين‌نامه، ولي اگر جناب عالي آئين‌نامه را اصلاح بفرماييد و مجلس هم رأي بدهد، ما هم حرفي نداريم بعد از اينكه مختصر صحبت نهايي را كرد ديگر جاي اخطار نباشد.

آستانه. اخطار قانون اساسي دارم. **نایب رئیس.** جناب آقاي آستانه اصل چند است؟ بفرماييد.

محمود آستانه. بسم الله الرحمن الرحيم **اصل هفتاد و يكم (۷۱).** مجلس شوراي اسلامي در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسي مي‌تواند قانون وضع كند و اصل (۷۲) مي‌فرمايد، «مجلس شوراي اسلامي نمي‌تواند قوانيني وضع كند كه با اصول و احكام مذهب رسمي کشور يا قانون اساسي مغايرت داشته باشد. تشخيص اين امر به ترتيب كه در اصل

(۹۶) آمده بر عهده شوراي نگهبان است». آن چيزي که از اصل (۷۱) استنباط مي‌شود تنها مرجع قانونگذاري به استناد قانون اساسي مجلس شوراي اسلامي است به اضافه مواردی که به مجمع تشخيص مصلحت ارجاع داده می‌شود و آن را هم قانون اساسي روشن کرده. (نایب رئیس _ اخطارتان کجا است؟) اخطار بنده این است که تشخيص این امر که این موضوع مغایرت با قانون اساسي یا شرع دارد از عهده مجلس و نمایندگان مجلس خارج است. این امر به مرجع دیگری که شوراي محترم نگهبان است برمی‌گردد، مجلس رأی خودش را می‌دهد.

نایب رئیس. خیلی خوب، جناب آقای آستانه! اگر اخطار جنابعالی اخطار دقیقی باشد معنایش این می‌شود، در مجلس هیچ کس اخطار قانون اساسي نمی‌تواند بکند، حالا چه بگوید از لحاظ قانون اساسي، چه بگوید شرع، هر دو فرق نمی‌کند. چون مرجع هر دو شوراي محترم نگهبان است. اینجا اخطار یا تذکر عمدتاً فقط برای توجه نمایندگان است، یعنی نمایندگان محترم به این اصل یا به این میزان شرعی توجه داشته باشند، والا بله مرجع نهایی ما نیستیم، مرجع نهایی طبق قانون اساسي شوراي محترم نگهبان است، هر نظری داد، آن نظر محترم است. دو تقاضا از نمایندگان محترم مجلس به دست ما رسیده، يك تقاضا این است که رأی با ورقه علي يعني با اسم باشد و يك تقاضا این است که رأی مخفی با ورقه، به هرحال فرقی نمی‌کند، هر دو رأی، با ورقه را خواستار شده‌اند (منتها یکی علي و دیگری مخفی) ما چون طبق روال آنکه اول دست ما می‌رسد همان را مناسبت قرار می‌دهیم. اولین نامه‌ای که دست ما رسید دیروز بود که رأی با ورقه علي تقاضا شده بود، امروز هم البته رأی علي مخفی تقاضا شده، بنابراین رأی با ورقه خواهد بود، علي خواهد بود يعني اسمشان را یادداشت می‌فرمایند و امضا می‌کنند که مشخص باشد که اسمی ثبت بشود.

(تقاضاکنندگان رأی علي با ورقه عبارتند از: احمد مهدوي بهري — احمد ناطق‌نوري — محمدباقر ذاکري

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۴۱

— محمد قمي — حسين زاجكانيها — محمدحسين نخيه الفقهايي — حمدرضا خباز — سيد محمود علوي — غلامرضا اشراقي — سيد غلامرضا شيرازيان — شهربانو امانيانگنه — مرضيه صديقي — فائزه هاشمي — فاطمه رمضانزاده — مرضيه وحيد دستجردي — نفيسه فياضبخش — سهيلا جلودارزاده — خدا بخش كردعنبداني — كمال دانشيار — حسن غفوري فرد — محمد مهدي شجاعيفرد — عزت الله اكبري — مهدي رضا درويشزاده — علي رضا افقهي — سيد ابوالقاسم رضايي).

حاضر ۲۰۹ نفر، گلدانها را براي گرفتن آرا

آماده كنيد، كليات اين طرح هم فعلاً مطرح است. (نمايندگاني كه رأي سفيد داده اند عبارتند از: سيدمظهر كاظمي — عبدالله نوري — مجيد انصاري — سيد رضا نوروززاده — الياس حضرتي — شمشون مقصودپور — حسين زاجكانيها — ابوالقاسم سرحدي زاده — لطف الله زارعيقنوا تي — سيد حمدرضا ميلانيحسيني — فرامرز گلشي — نفيسه فياضبخش — محمدحسين نخيه الفقهايي — سيد رضا اكرمي — محمدباقر ذاکري — فاطمه رمضانزاده — آرطاواس باغوميان — وارطان وارتانيان — سيدحسين مرعشي — سيدعلي موسوي نسب — سيد محمود دعايي — سيدعلي ميرخليلي — امين بيانك — حمدرضا خباز — بهاالدين ادب — مرضيه صديقي — محمود آستانه — محمد قمي — سيد محمد حسيني — حسن روحاني — پرويز رواني — احمد ناطقنوري — داود دانش جعفري — مرضيه حديدچي (دياغ) — عباس شيباني — مرضيه وحيد دستجردي — حمدرضا راه چهي — حسن غفوري فرد — قدرت الله نظري نيا — حبيب الله اسماعيلزاده — عين الله علا — سيد غلامرضا شيرازيان — سيد طاهر طاهري — سيد محمود علوي — غلامرضا عبدالوند — سيد ماشاالله شكيبي — عبدالرضا سپهوند — حسن سبحاني — مجيد دبستاني — اميدوار رضايي ميرقائيد — اسدالله رضوي — محمد رضايي — محمد مهدي رهبري املشي — حبيب الله رشيددي كوچي —

سید ابوالقاسم رضایی - سید محمدحسین دانا -
 مهدی رضا درویش زاده - اسماعیل دوستی - سید محمد رضا
 جعفری نسب - حمید رضا حاجی بابایی - علی اصغر
 احمدی - خدانظر قاسمی - حشمت الله تراپی زاده -
 ابراهیم پیرنعمتی - حسین انصاری راد - حسین انواری
 - شهربانو اماني انگنه - منوچهر الیاسی -
 حمدرئوف قادری - محمد مهدی قهرمانی - کورش
 فولادی - عبدالله قاسمی پور - قربانعلی قندهاری
 - صمد قاسم پور - موسی قربانی - احد
 قضائی نیاری - سید معروف صمدی - ذبیح الله صفایی
 - عباسعلی نورا - سید مصطفی هاشمی ریس -
 علیرضا محجوب - عبدالله کعبی - علی نعمت زاده -
 احمد مهدوی بهری - سید محمد هاشمی - عزت الله نوری
 - علی مروی - منیره نوبخت - سید حسین شریفی - علی
 یعقوبی - علی سهرابی - قربانعلی دری نجف آبادی -
 غلامعباس آقا علیخانی - رجب رحمتی - سهیلا^۱
 جلودارزاده - سیدمرتضی صالح خوانساری - ابرج
 صفاتی دزفولی - محمد نبوتی - جعفرقلی راهب - عبدالله
 حاجیانی - مصطفی احمدیه - احمد رمضانپور نرگسی -
 سید محمد رضا موالی زاده - حسن الماسی - محمد باقر
 نوبخت حقیقی و محمود جمالی).
 (نمایندگانی که رأی کیود داده اند عبارتند
 از: سید محمود نوری زاده - صالح اکبری - کامل
 خیرخواه - احمد ناصری گهر - محمد مهدی خزائی - احمد
 پیش‌بین - محمد سقایی - میرحسین سیدزاده - سیدعلی رضا
 عبادی - بهمن محمدیاری - خدابخش رئیس - حسن
 رزمیان مقدم - جعفر گلباز - علی احمدی - عبدالعزیز
 دولتی‌بخشان - حسن دهگان - سیدعلی اکبر حسینی‌نژاد -
 بهمن اخوان - محمد کریمیان - سیدمرتضی نبوی - علی
 معلمی - محمدعلی شیخ - علی موحدی ساوجی - سید محمود
 ابطحی - محمد مهدی مفتاح - عباس عباسی - محمدحسن

۱. در متن فوق نام «سهیلا» جایگزین عبارت «سهیلا» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۴۳

جمشيد اردشيري - غلامرضا معتمدني - غلامحسين نوذري - سيدعباس موسوي - حسين ايراني - علي آل كاظمي - خدا بخش كردتمنداني - ميرفخرالدين موسوي - ننه كران - عباس محمدي - عباسعلي كرامتليو - حميد كريسي - حاجي انور حبيبزاده بوكاني - مرتضي فضلعلي - احمد نجابت - سيد محمدعلي موسوي - محمد رضا مجيدي - مصطفى مطورزاده - سيد ابوقاضل رضوي اردكاني - سيد جاسم ساعدي - عبدالحمد رستاد - رحمان قلبي قلبيزاده - غلامرضا حيدري داراني - فريبرز انصاري - يدالله طاهر نژاد - همت بيگميرادي - عليرضا غنيزاده - سيد مجتبي موسوي اجاق - عنايتالله تورنگ - عباس جندقي - محمد شريف فتوح - محمدعلي موحيدي كرمان - حسين عسكري - حسينعلي قاسم زاده - ابراهيم كريمي منجر موئي - علي اصغر هادي زاده - فرامند هاشمي زاده - سيدعلي اكبر ابوترابي فرد - وليالله احمدي زادسراي - شهريار قرمزي - عبدالزهره حريزاي - منوچهر بهنيا - عباس ميرحسيني - صالح اكبري - بلال سرقندي و چند امضا [ناخوانا].

(نمايندگاني كه رأي زرد داده اند عبارتند از: عبدالرحيم نوربخش - سيدحاجي محمد موحد - سيد عبدالله حسيني - محمد عظيمي طرقدري - محمد رضا علي حسيني عباسي - اسماعيل جبارزاده - غضنفر عيدي گل تپه اي - سيد محمود حسيني واعظ - طاهر آقاي رزگرتي كمه داش - سيدعلي موسوي كوزه كناني - حميد رضا ترقي - رحمان قلبي قلبي زاده و سيد مصطفى سيد هاشمي - قدرتالله نجفي و چند امضا [ناخوانا].

(اخذ رأي با ورقه بعمل آمد و نتيجه به شرح زير اعلام گرديد)

نايب رئيس. نتيجه آرا [بدين صورت بود نسبت به الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهرية، كل نمايندگان محترمي كه در مجلس حضور داشتند، ۲۰۹ نفر بودند، آرا [سفيد ۱۰۶ رأي، آرا [كيود ۷۹ رأي، زرد ۱۷ رأي، بنا بر اين كليات اين طرح به تصويب رسيد. (حضر صلوات فرستادند).

شماره ۱۳۷۵، شماره ۱۸۲

دوره پنجم - سال اول
ترتیب چاپ ۴۳۸
۱۳۷۶ - ۱۳۷۵
۱۸۲ - ۳۲۶
تاریخ چاپ ۱۳۷۵/۱۰/۹
شماره دفتر ثبت ۱۲۹

پیشنهادهای واصله در خصوص طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

پیشنهادهای واصله در خصوص طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه

۱. تبصره زیر به جای تبصره طرح پیشنهاد میشود:
تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج و دین باشد زوجه میتواند ضمن عقد شرط کند، موقع پرداخت مهر در صورتی که به علی قدرت خرید پول کاش یافته باشد باید مهریه بر حسب میزان قدرت خرید در زمان اجرای عقد محاسبه و پرداخت گردد.
مرجع تشخیص قدرت خرید پول و تغییر آن و شاخص قیمتها بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران میباشد.
۲. در صورت صلاحدید به جای پیشنهاد سابق این تبصره جایگزین شود:

تبصره. از تاریخ تصویب این قانون در صورتی که مهریه وجه رایج و دین باشد باید معادل آن طلای مسکوک یا غیر مسکوک محاسبه و تعیین گردیده و در قبالة ازدواج ذکر شود و در موقع مطالبه و دریافت مهر زوجه اختیار دارد که وجه رایج و یا طلای معادل آن در زمان اجرای عقد را مطالبه و دریافت نماید.

علی موحدی ساوجی

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۴۵

۱. پیشنهاد تبصره الحاقی:

این قانون ناظر بر وقایع نکاح پس از تصویب است و عطف به ماسبق نمی‌شود.

۲. پیشنهاد تبصره الحاقی:

این قانون در صورتی لازم الاجرا است که زن پس از وقوع نکاح (خواندن صیغه) مهریه مقرر را از شوهر مطالبه نماید و در صورت استنکاف شوهر از پرداخت مهریه زن در مراجع قانونی ذیصلاح مطالبه طرح و مراحل قانون را طی نموده باشد و موفق به اخذ مهریه خود نگردد.

۳. پیشنهاد تبصره الحاقی:

این قانون شامل مهریه‌ای خواهد بود که هنگام طلاق با عنایت به تبصره فوق مطالبه شود و سایر دیون و همچنین سایر حقوق زوجیت از جمله مهریه از ارث از شمول این قانون مستثنی است.

عباس عباسی

۱. دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها را ضمن عقد نکاح شرط نمایند.
۲. قانون رعایت شاخص قیمت‌ها وقت تأدیه مهر فقط در مورد ازدواج‌هایی که قبل از فروردین ۱۳۷۴ انجام گرفته اجرا می‌شود.
۳. پس از تصویب این قانون در هر ازدواجی که مهریه یک سال پس از اجرای عقد پرداخت شود چنانچه زوجه مطالبه مهریه نموده باشد مهریه طبق قانون فوق پرداخت می‌شود.

محمدعلی موحدی کرمانی

تبصره پیشنهادی

تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج باشد و با مطالبه زن و تمکن شوهر به او پرداخت نشده باشد هنگام^۱ تأدیه متناسب با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر

۱. در متن فوق عبارت «هنگام» جایگزین عبارت «هنگام» گردید.

قدرت خرید نسبت به سال مطالبه مبلغ مهریه محاسبه و پرداخت گردد.
 آیین‌نامه اجرایی این تبصره حداکثر ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ضمن هماهنگی با قوه قضائیه تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

علي معلمي

تبصره‌هاي پیشنهادي

تبصره. در دفترچه‌هاي ازدواج شرط جديدي اضافه شود که در صورتی که پول رایج به‌عنوان مهریه منظور گردد معادل چقدر طلا و یا سکه محاسبه شود و یا مکانیزم دیگری منظور گردد تا محاسبه آسان باشد و یا معادل قدرت خرید پول قید گردد.

تبصره. میانگین قیمت‌ها حداقل در هر سه سال یک بار و تا ده سال یک بار توسط سازمان برنامه و بودجه^۱ و بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی با توجه به شاخص‌هاي گوناگون اقتصادی اعلان و این مبناي محاسبه خواهد بود.

تبصره. نسبت به گذشته‌ها تا پایان سال ۱۳۷۵ در صورت عدم حصول توافق و تفاهم و مصالحه با نظر کمیسیوني مرکب از نمایندگان قوه قضائیه، بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه^۲ شاخص‌ها به صورت سال به سال یا ده سال به ده سال اعلان و براساس آن عمل خواهد شد.

تبصره. آیین‌نامه اجرایی این قانون با پیشنهاد وزارت دادگستری، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه^۳ و بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱. در حال حاضر «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور».

۲. همان.

۳. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۴۷

دري نجفآبادي

شماره ۵۵۲، چاپ ۱۳۷۵ - سال اول

شماره ترتیب ۵۵۲
شماره چاپ سابقه ۱۸۲ - ۱۳۷۶ - ۴۳۸
شماره دفتر ثبت تاریخ چاپ ۱۳۷۵ / ۱۲ / ۲۰ - ۱۲۹

شور دوم

شماره ۴۰/ك ق
تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰
گزارش کمیسیون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه به شماره ترتیب چاپ ۱۳۲۶ که جهت رسیدگی شور دوم به عنوان کمیسیون اصلی به این کمیسیون ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور نمایندگان پیشنهاد دهنده و کارشناسان ذي ربط مطرح گردید و پس از بحث و بررسی و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس شوراي اسلامي می گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائي و حقوقي سیدمحمد نوري زاده

ضمناً گزارش کمیسیون فرعي امور اقتصادي و دارايي و تعاون تا این تاریخ و اصل نگردیده است.

اداره كل قوانين

۱. شماره چاپ «۳۲۶» مربوط به گزارش شور اول است.

باسمه تعالی

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني
در خصوص مهریه

ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني الحاق می‌گردد:
تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد.
آیین‌نامه اجرایی این تبصره حداکثر ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون^۱ توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

شماره ۱۳۷۶/۷/۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۷

(مندرچ در روزنامه رسمی شماره ۱۵۳۲۶ مورخ

۱۳۷۶/۷/۱۷)

دوره پنجم. اجلاسیه اول

۱۳۷۶ - ۱۳۷۵

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز سه‌شنبه ششم

خرداد ماه ۱۳۷۶

(جلسه ۹۴)

۸. تصویب طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲)

قانون مدني در خصوص مهریه

رئیس. دستور بعدي را مطرح بفرمایید.

منشی (اکرمی). گزارش شور دوم کمیسیون امور

قضائی و حقوقی در مورد طرح الحاق يك تبصره به

ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه.

رئیس. خبر کمیسیون بفرمایید.

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از طی مراحل قانونی صحیح به نظر نمی‌رسد.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۴۹

موسي قرباني (نخبر كميسيون امور قضائي و حقوقي).

بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش از كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه به شماره ترتيب چاپ (۳۲۶)^۱ که جهت رسيدگي شور دوم به عنوان كميسيون اصلي به اين كميسيون ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور نمايندگان پيشنهادهنده و کارشناسان ذي ربط مطرح گرديد و پس از بحث و بررسي و تبادل نظر با اصلاحاتي به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت. اينک گزارش شور دوم آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي سيد محمود نوري زاده

(ضمناً گزارش كميسيون فرعي امور اقتصادي و دارايي و تعاون تا اين تاريخ واصل نگردیده است)
من خدمت نمايندگان محترم عرض بکنم که حتماً حضور ذهن داريد يکي از طرح هاي حساسي که در مجلس پنجم مطرح شد همین طرح است. در كميسيون قضائي هم انصافاً روي اين طرح خوب کار شد. از دست اندرکاران مختلف، مسئولين محترم وزارت امور اقتصادي و دارايي، بانک مرکزي و قسمت هاي ديگر دعوت و مفصل بحث شد که قبلاً هم در شور اول بعضي از مسائل اينجا مطرح شد. در نهايت آنکه به نظر كميسيون صحيح آمد اين بود که به صورت ساليانه (با توجه به شاخص تغيير قيمتها) قرار بگيرد. مسائل مختلفي که مطرح ميشد در جريان هستيد به صورت ساليانه اگر تبديلي در قيمتها بوجود آمد، ملک ساليانه باشد براساس آنچه بانک مرکزي اعلام ميکند و من خدمت شما عرض ميکنم الان بانک مرکزي

۱. شماره چاپ «۳۲۶» مربوط به گزارش شور اول است.

از سال‌های ۱۳۰۳ به این طرف متوسط شاخص تغییر قیمت‌ها را تا الان دارد. بانک مرکزی به صورت ماهیانه اعلام می‌کند ولی چون در اینجا به صورت سالیانه آمده، قطعاً معدل هر سال منظور خواهد بود. اینها چیزهایی است که الان وجود دارد، برای محاکم هم سه‌الوصول است. کافی است که بانک مرکزی تغییرات و نوساناتی را که وجود داشته از همان سال‌ها که تقریباً به میزان سن یک نسل می‌شود را در اختیار دستگاه قضائی قرار بدهد و در عمل هم محاکم با مشکلی مواجه خواهند شد. برادران و خواهران کاملاً در جریان این بحث هستند و ان‌شاءالله

که رأی خواهند داد.

رئیس. پیشنهادات را مطرح بفرمایید.

منشی (اکرمی). آقای موحیدی‌ساوجی پیشنهاد

داده‌اند: چنانچه مهریه وجه رایج و دین باشد، زوج می‌تواند ضمن عقد شرط کند موقع پرداخت مهر در صورتی که به علی قدرت خرید پول کاهش یافته باشد باید مهریه برحسب میزان قدرت خرید در زمان اجرا عقد محاسبه و پرداخت گردد. مرجع تشخیص قدرت

خرید پول و تغییر آن و شاخص قیمت‌ها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

رئیس. آقای موحیدی! پیشنهادتان را مطرح بفرمایید.

علی موحیدی‌ساوجی. بسم الله الرحمن الرحیم

در ارتباط با این طرحی که تقدیم شده ما باید تلاش کنیم طرح را به شکلی که اشکال شرعی نداشته باشد به تصویب برسانیم که هم در واقع تا آنجایی که امکان دارد حقوق خانم‌هایی که مهریه‌شان به صورت دین هست مراعات بشود و هم ما قانونی را برخلاف شرع تصویب نکنیم. در ارتباط با این مسأله ما می‌توانیم بگوییم که اگر چنانچه مهریه وجه رایج کشور بود و به صورت دین هم بود، اگر نقد باشد که اصلاً موضوع منتفی است و موضوع این تبصره هم این مسأله نیست. اما اگر به صورت ذمه و دین بود این وجه رایج را زوج می‌تواند در حین عقد ... همان‌طور که شرایط دیگری هم الان در

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۵۱

قباله‌های ازدواج می‌توانند تعیین بکنند و در صورتی که زوج بپذیرد هر شرطی را در ضمن عقد می‌شود آورد. یکی از این شرایط را هم در قانون ما ذکر می‌کنیم و آن این است که زوجه شرط می‌کند، (شما فرض کنید) می‌گوید (۵۰۰) هزار تومان یا یک میلیون تومان مهر من قرار دادید و در واقع در ذمه هم هست و بعد از عقد، نقد هم الان نمی‌پردازید، شما اگر چنانچه چند سال دیگر (۲۰ - ۱۰ - ۵) دیگر، اگر بعداً خواستید بپردازید بایستی که چنانچه ارزش این پول پایین آمد باید قدرت خریدی را که امروز این پول دارد آن روز حساب کنیم و ببینیم که در اثر تورم، در اثر پایین آمدن ارزش پول (فرض کنید) چقدر من متضرر می‌شوم؟ خوب این ضرر باید که دیده بشود و اگر ما این معنا را شرط نکنیم در واقع اشکال شرعی دارد. شما الان اگر بخواهید این طور حساب بکنید تمام کسانی که در بانک‌ها سپرده دارند، اگر سپرده پنج ساله باشد (۱۸٪) به او سود می‌دهند در صورتی که تورم گاهی تا (۳۰٪) بالا می‌رود. یعنی در واقع نه تنها چیزی گیر او نیامده بلکه آن پولی را هم که گذاشته ضرر کرده. اگر قرار باشد که شما این مسائل را مطرح کنید در تمام دین‌ها و بدهی‌ها این مسأله جاری است و به نظر من، هم واقعاً وجه شرعی ندارد و هم اگر ما بخواهیم بیاییم به شکلی که همه جا ساری و جاری باشد مسأله را مطرح بکنیم، اولاً حیثیت و اعتبار مملکت و پول مملکت ما زیر سؤال می‌رود و ثانیاً مغایرتی با موازین شرعی دارد. این است که من این پیشنهادی که تقدیم کردم در واقع برای رفع اشکال شرعی آن است. حالا آقایان خودشان می‌دانند.

والسلام علیکم و رحمة الله

رئیس. مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (موالی‌زاده). مخالف خانم صدیقی هستند، بفرمایید.

مرضیه صدیقی. بسم الله الرحمن الرحيم

حاج آقا در مورد مسائل شرعی و اشکالات شرعی اشاره فرمودند، در این رابطه ما فتوای چند نفر از

علما محترم را در رابطه با شرعی بودن این حکم داریم و از آن گذشته مسأله تطابق با شرع از وظایف شورای نگهبان است که ان شاء الله در آنجا این مسأله حل خواهد شد.

ولی مشکل اصلی که اصلاً باعث شد این طرح به مجلس بیاید يك معضل اجتماعی بود. ما قبول داریم که این طرح يك بعد اقتصادی دارد، یعنی ممکن است شبیه این کار دامنه اش به سایر دیون برگردد ولیکن هر مسأله ای جای خودش ان شاء الله در طرح خودش با ملاحظات

خودش باید دیده بشود، مسأله سیستم بانکی را مطرح فرمودند، این جای خودش را دارد. ما در واقع اینجا منهای مسأله اقتصادی که داریم لحاظ می‌کنیم می‌خواهیم يك معضل اجتماعی را حل کنیم. این معضل اجتماعی الان گریبانگیر زناني است که (۵۰-۴۰-۳۰) سال است دارند زندگی می‌کنند، نه زناني که امروز می‌خواهند عقد بکنند و ما بیاییم جزو شروط ضمن عقدشان این مسأله را لحاظ بکنیم، چون الان مستحضر هستید در فرهنگ امروز ما به دلیل همین مسأله افت پول اکثراً مهریه را یا سکه لحاظ می‌کنند یا ملک یا سایر کالاها و کمتر خانواده ای است که وجه رایج را در مهریه لحاظ بکند. لذا ما این مشکل امروزمان نیست که بگوییم این را در شرایط ضمن عقد لحاظ می‌کنیم برای (۴۰) سال آینده جلو مشکل را می‌گیریم. عملاً مشکل، مشکل امروز است مربوط به خانم‌هایی است که چندین سال از زندگی آنها گذشته، زمانی بوده که مهریه آنها (۵۰۰) یا (۱۰۰۰) تومان بوده و الان در سنین پیری، میان سالی بدون پشتوانه اقتصادی در جامعه می‌خواهند رها بشوند، معضلات اجتماعی این قشر گریبانگر دولت خواهد شد، گریبانگیر بهزیستی و کمیته امداد و مردم ما خواهد شد و ما برای اینکه حرمت این قشر حفظ بشود و اینها در واقع به آن بنیه اقتصادی که باید برسند و آن فلسفه وجودی مهریه را در موردشان از نظر بنیه اقتصادی و پشتوانه اقتصادی حفظ بکنیم این طرح را دادیم و لذا الان باید قضیه این مهریه را، این طرح را با سایر دیون و مسائل

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۵۳

بانكي جدا ببينيم. اين يك طرح خاص خودش است، فقط معضل خاص اجتماعي خودش را ببينيم و اين را در ذهن داشته باشيم كه اصلاً فلسفه وجودي اين طرح مربوط به گذشته است، مربوط به خانواده هايي است كه (۵۰ - ۴۰) سال از زندگي آنها مي گذرد و الان به بن بست زندگي خورده اند^۱ و اكثرأ خانم ها مورد ظلم قرار مي گيرند، رها مي شوند بدون اينكه سوادي داشته باشند، بدون اينكه شغل و درآمدي داشته باشند و مسأله مهریه آنها هم هيچگونه پشتوانه اي براي شان لحاظ نمي شود. لذا من استدعا دارم كه به اين پيشنهاد نظر مثبت ندهيد و در واقع همان نظريه كميسيون را ما مورد نظرمان است كه ان شاء الله تصويب بشود.

والسلام عليكم و رحمة الله

رئيس. متشكر، موافق صحبت نمي كند دولت بفرماييد.

منتظري (معاون امور حقوقي و مجلس وزارت

دادگستري). بسم الله الرحمن الرحيم

حاج آقا موحدي توجه دارند كه هدف طراحان و كساني كه اين طرح را تقديم كردند براي رفع مشكل امروز جامعه اي است كه تعدادي از خانم هايي كه در سنين بالا، (۵۰ - ۴۰) سال يا كمتر يا بيشتر با مقدار مبلغ كمی عقد ازدواج شان بسته شده امروز مشكل دارند با مبلغی كه مثلاً (۵۰۰) يا (۱۰۰۰) تومان است مي خواهند دريافت بكنند كه راجع به مسأله در شور اول به طور مستوفي بحث شد. پيشنهاد ايشان پيشنهاد خوبي است منتها رفع مشكل امروز را نمي كند. جناب آقاي موحدي! حضرت عالي مي فرماييد رفع مشكل امروز را ما چه كار بكنيم؟ برگرديم به (۵۰) سال قبل از اين عقدها را دوباره تكرار كنيم و در ضمن عقد اين شرط را بياوريم؟ چون امروز اگر

۱. در متن فوق عبارت «خورده اند» جايگزين عبارت «خوردند» گرديد.

چنانچه این قانون وضع بشود، به^۱ محاکم ابلاغ بشود و بین زوجین این شرط در عقد ازدواج بیاید برای بعد از آن مفید است. اما بحث در این است که برای گذشته چه کار باید کرد؟ همانطور که خواهر محترمه فرمودند امروز اکثر قریب به اتفاق عقدهای ازدواج دیگر روی وجه رایج نیست، یا سکه است یا املاک است یا چیزهایی است که به هر حال دچار این سرنوشت و گرفتاری این امروز را نخواهند داشت. بنابراین به نظر آنطور که فرمودند که این خلاف شرع است، چون به هر حال در اینجا اختلاف فتوا هست و نهایتاً شورای محترم نگهبان هم می‌آید نظر نهایی را می‌دهد، به نظر ما می‌رسد که اینجا خیلی نباید روی خلاف شرع بودن این مسأله مانور داد و واقعاً این مسأله را باید به صورت یک معضل و یک مشکلی که برای بسیاری از خانواده‌ها مطرح است عزیزان لحاظ بکنند و با توجه به این مسائل آنچه که در کمیسیون تصویب شد به نظر ما بهتر است و پیشنهاد ایشان رفع مشکل را خواهد کرد. والسلام

رئیس. کمیسیون بفرماید.

موسی قربانی (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً من این نکته را عرض بکنم که فرمودند این بحث مربوط به کل دین است، خوب ممکن است حالا یک وقتی راجع به دین هم مطرح بشود. الان چون این طرحی که داده شده در ارتباط با مهریه است، خوب قاعده‌تاً ما هم باید در ارتباط با مهریه رسیدگی کنیم، این یک مطلب.

مطلب بعدی این است که پیشنهاد حاج آقاي موحدي چند اشکال در آن هست. یکی اینکه در پیشنهاد ایشان کاهش قیمت آمده و حال اینکه آنچه مدنظر هست تغییر قیمت است، آمد یک وقت افزایش قیمت پیدا کرد. آن طرف قضیه را هم باید ببینیم، فرقی نمی‌کند هر دو طرف قضیه، پس این یک اشکال پیشنهاد

۱. در متن فوق عبارت «به» جایگزین عبارت «در» گردید.

ايشان است كه در متن پيشنهادي ايشان آمده «در صورتی كه به عللی قدرت خرید پول كاهش یافته باشد» و حال اینکه تغيير ملك است. آمد يك وقتی افزایش قیمت هم داشت آنجا هم به همان طریق عمل می‌شود، این يك بحث است.

مطلب دوم فرمودند كه ضمن عقد شرط بشود، خوب این را برادران و خواهران اشاره كردند، هر چند شرط نشود الان تقریباً مردم متوجه شده‌اند^۱ و كمتر پیدا می‌شود كه وجه نقد را مهریه بكنند. الان حتی بدون شرط هم مشكل نسبت به آینده حل است، آنچه مورد بحث است وضعیت مهریه‌های موجود است كه در گذشته و زمان‌های دور گذاشته شده.

ایراد سومی كه به این پیشنهاد وارد است این است كه زمان در آن مشخص نشده. اگر فرض بفرمایید كه در فروردین ازدواج كرد و در خرداد طلاق داد آیا این باز هم جاری می‌شود؟ در آنجا ما ملك را تغییر سالانه قرار دادیم اینجا زمان هم مشخص نشده ممكن است (۱۱) ماه بشود و (۱۱) ماه واقعاً تغییر هم پیدا بكنند اما این پیشنهاد این نقص را هم دارد، نه زمان در آن هست و هم كاهش را آورده، افزایش را شامل نمی‌شود مضافاً به اینکه مشكل، مشكل گذشته است كه با این حل نمی‌شود.

رئیس. متشكر، حضار ۱۹۰ نفر، پیشنهاد را قرائت بفرمایید.

منشي (اكرمي). پیشنهاد این است «چنانچه مهریه

وجه رایج و دین باشد زوجه می‌تواند ضمن عقد شرط كند موقع پرداخت مهر در صورتی كه به عللی قدرت خرید پول كاهش یافته باشد باید مهریه برحسب میزان قدرت خرید در زمان اجرای عقد محاسبه و پرداخت گردد. مرجع تشخیص قدرت خرید پول و تغییر آن و شاخص قیمت‌ها بانك مركزي جمهوری اسلامی ایران

۱. در متن فوق عبارت «شده‌اند» جایگزین عبارت «شدند» گردید.

می‌باشد».

رئیس. حضار ۱۹۰، موافقین با این پیشنهاد قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) اصلاً تصویب نشد.

منشی (اکرمی). آقای دري پیشنهاد دارند، بفرمایید.

قربانعلی دری نجف آبادی. بسم الله الرحمن الرحيم

صفحه (۴) يك تعدادي پیشنهاد بوده که من دادم برای اینکه این مشکل حل بشود. حالا پیشنهاد اول را مطرح می‌کنم عنایت بفرمایید که پیشنهاد اول در حقیقت اضافه کردن يك تبصره است به این ماده‌ای که توسط کمیسیون عتیم تصویب شده. حالا من مقید هم نیستم که صد درصد رأی بیاورد ولی طرح اینجا خوب است چون در دفترچه‌های ازدواج حتماً این مطرح بشود. من به خاطر این مسأله مطرح می‌کنم. پیشنهاد این است: در دفترچه‌های ازدواج شرط جدیدی اضافه شود عنایت می‌فرمایید که در دفترچه‌های ازدواج گفته‌ایم يك شرط جدید اضافه بشود اضافه بر آن (۱۲) شرطی که هست در صورتی که پول رایج به عنوان مهریه منظور گردد این اصلاً آن اصل ماده واحده که خاتم صدیقی فرمودند سرجای خودش است ولی از این به بعد شرط می‌کنیم که اگر پول رایج باشد گفتیم (۱۰۰) هزار تومان، (۵۰) هزار تومان، يك میلیون تومان و (۲۰) یا (۳۰) سال دیگر نوسان بود از همین الان معلوم است این شرط ضمن عقد است که این یعنی قدرت خرید امروز منظور است که قدرت خرید امروز فرض کنید معادل مثلاً (۵۰) سکه است، معادل مثلاً چقدر کالا است، معادل چیست، همین محاسبه برای (۵۰) سال بعد هم مبنای محاسبه قرار بگیرد که این دیگر جای هیچ بحثی نباشد. این شرط ضمن عقد است، شوهر هم امضا می‌کند دیگر کاملاً از نظر

شبهات شرعی هم جای هیچگونه بحثی نیست. پس عبارت این می‌شود «که در صورتی که پول رایج به عنوان

مهریه منظور گردد معادل چقدر طلا و یا سکه محاسبه شود و یا مکانیزم دیگری منظور گردد تا محاسبه

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۵۷

آسان باشد و يا معادل قدرت خريد پول قيد گردد» حالا يا آنها طلا و نقره چقدر، معادل چقدر يا معادل قدرت خريد پول، قدرت خريد پول امروز مشخص است كه چقدر است، همين قدرت خريد پول سال آينده چقدر است، سال بعد چقدر است يعنى نرخ تورم كه از آن كم بشود ميشود قدرت خريد پول. (۵۰) سال ديگر بر مبناي مثلاً سال ۱۳۷۵ نرخ قدرت خريد پول منتهي تورم مشخص است كه چقدر است. بنا بر اين، اين به صورت شرط ضمن عقد ذكر ميشود و شوهر هم امضا

ميكند، عقد بر اين مبنا خوانده ميشود، اين نوسانات اگر تا (۵۰) سال ديگر پيش آمده ديگر جاي هيچگونه شبهه اي از نظر شرعي و غير شرعي نيست. بنا بر اين تا الان كه خانم صديقي يا محير يا معاونت محترم وزارت دادگستري فرمودند، آن متن ماده واحده به جاي خودش هست كه الان بانك مركزي نسبت به گذشته ها محاسبه ميكند. از اين به بعد هم در دفترچه هاي ازدواج شرط ميشود كه منظور قدرت خريد پول است. بنا بر اين من اصل طرحش را لازم ميدانستم حالا بحثش را برادران بفرمايند، براي اينكه دولت و وزارت دادگستري حتماً در دفترچه ها اين قيد را اضافه كنند.

رئيس. اين يك تبصره الحاقى است. مخالف صحبت نمى كند، موافق هم صحبت نمى كند، دولت بفرماييد توضيح بدهيد.

منتظري (معاون حقوقى و امور مجلس وزارت دادگستري). بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً اين تبصره اي كه پيش نهاد دادند هيچ رنگ قانون و مسائل حقوقى را ندارد، ثانياً اينكه يك كلمه بيگانه هم در آن هست (رئيس - حالا آن مكانيزم را روش مي گذاريم، آن چيزي نيست) ثالثاً اينكه اصولاً آنچه كه به عنوان مشكل در اين طرح آمده براي رفع مشكل گذشته است و براي آينده چه! اگر چنانچه بانك مركزي ما يك بانك اطلاعاتي نداشت و نتواند (۲۰) سال آينده بيايد ريال امروز را محاسبه كند كه چقدر طلا است، اين پيش نهاد خوب است، اما وقتي كه ما بانك مركزي را

داریم و یک بانک اطلاعاتی قوی دارد و (۲۰) سال آینده می‌تواند بیاید و بگوید در سال ۱۳۷۶ ریال معادل چقدر طلا بوده، به نظر ما هیچ ضرورتی ندارد که ما در اینجا این مسأله را مطرح بکنیم. یک قید اضافی است و لذا موافق نیستیم.

رئیس. کمیسیون مخالف است، حضار ۱۹۰ نفر، پیشنهاد را هم خود آقای دري قرائت کردند به عنوان یک تبصره الحاقی می‌شود، نمایندگان محترمی که با پیشنهادی که آقای دري قرائت کردند و توضیح دادند موافق هستند قیام بفرمایند.
(عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

منشی (اکرمی). آقای معلمی پیشنهاد دارند، بفرمایید.

علی معلمی. بسم الله الرحمن الرحيم

من از پیشنهاد آقای موحدی ساوجی واقعاً تعجب کردم که شرط ضمن عقد اصلاً نیازی به قانون ندارد، اگر زوجه خواست ضمن عقد هرگونه شرطی بگذارد مجاز است و نیاز به قانون ندارد و دیگر اینکه فرمودند سعی کنیم که با موازین شرعی منطبق باشد، حرف بسیار درستی است (خواهران و برادران حوصله کنند و این حرف‌ها را بشنوند من خیلی کوتاه عرض می‌کنم) سعی کنیم که کمتر مصوبات مجلس از شورای نگهبان تحت عنوان مغایر با موازین شرعی برگردد و کلیت این طرح به تصویب رسیده، راه حل پیدا کنیم. بهترین راه حل این است، این تبصره پیشنهاد می‌شود: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد و با مطالبه زن و تمکن شوهر به او پرداخت نشده باشد هنگام تأدیه متناسب با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید نسبت به سال مطالبه، مبلغ مهریه محاسبه و پرداخت گردد». این مطابق فتوای امام

راحل است و معضل اجتماعی را نمی‌گویم صد درصد بلکه بخش عمده اش را حل می‌کند و مغایر با موازین شرعی هم نیست. اگر بدون این قید، قید مطالبه زن و تمکن شوهر از ادا و لی ادا نکرده باشد، اگر زن مهریه (۵۰) سال قبل را مطالبه نکرده باشد، خودش تحمل کرد، امروزه ما بخواهیم برای او تعیین تکلیف

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۵۹

بکنیم در شرایطی که خودش اصلاً چنین چیزی را نخواستہ بود ولی اگر زن مطالبہ کرده باشد، وظیفہ قانونگذاری است کہ برای رعایت حق او این چارہ اندیشی را داشته باشد. بنابراین برادران و خواهران یک بار دیگر دقت کنند در متن پیشنهادی: «چنانچہ مهریہ وجہ رایج باشد و با مطالبہ زن و تمکن شوہر بہ او پرداخت نشدہ باشد هنگام تأدیہ متناسب با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید نسبت بہ سال مطالبہ، مبلغ مهریہ محاسبہ و پرداخت گردد». این تبصرہ پیشنهادی بندہ است.

والسلام علیکم

رئیس. مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (موالی‌زادہ). مخالف خانم دستجردی هستند، بفرمایید.

مرثیہ وحید دستجردی. بسم الله الرحمن الرحيم از جناب حاج آقا معلمی تشکر می‌کنیم کہ در تبصرہ پیشنهادی خود الحمدلله از اصل طرح حمایت کردند و پیشنهادی ہم کہ مطرح کردند بہ نظر من تقریباً همان طرح اصلی و مصوبہ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس است. یکی دو کلمہ اضافه در آن هست و در قسمت آیین‌نامہ اجرایی‌اش ہم یک تغییری با مصوبہ اصلی دارد کہ من فکر می‌کنم مطلبی را نہ تنها حل نمی‌کند، بلکه ممکن است کہ یک مشکلاتی را ہم ایجاد بکند.

اولاً مادہ (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریہ این طور است کہ «بہ مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند ہر نوع تصرفی کہ بخواہد در آن بنماید» و قطعاً ما می‌دانیم مسألہ پرداخت مهریہ در موقع مطالبہ است و ہمہ این را می‌دانند کہ عندالمطالبہ پرداخت می‌شود و در موقع پرداخت ہم مسألہ تمکن مالی شوہر در نظر گرفتہ می‌شود. الان در تمام دادگاہ‌های ما و ہمہ دعاوئی کہ مطرح هست حتی در مورد نفقہ مسألہ تمکن مالی مرد در نظر گرفتہ می‌شود و اگر تمکن نداشته باشد بہ طریق دیگری برخورد خواہد شد. متن قوانین ما و بستر تمام قوانین

در کشور ما شریعت مقدس اسلام است. بنابراین همه این قوانین در سایه شریعت هستند که خودشان را نشان می‌دهند و عمل خواهند شد. مطلبی که ایشان می‌فرمایند یک مطلبی است که امروز هم اجرا خواهد شد، فردا هم با هر مصوبه دیگری باز به او به عنوان اینکه شرع مقدس اساس قوانین ما است و پایه و ریشه قوانین ما است به آن عمل خواهد شد، بقیه قسمت‌هایی که ایشان تغییر دادند و فرمودند، اینها قطعاً در آیین‌نامه اجرایی این طرح ان شاء الله

بعد از تصویب دیده خواهد شد. مشکلی که پیشنهاد ایشان مطرح می‌کند این است که ایشان اولاً زمان نوشتن آیین‌نامه را کوتاه کرده‌اند که ممکن است واقعاً در آن زمان نشود این آیین‌نامه نوشته بشود.

مطلب دیگر این است که وزارت اقتصاد و دارایی را از اینجا حذف کرده‌اند در حالی که لازم است، این طرح و آیین‌نامه اجرایی او با نظر وزارت اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی و همینطور دستگاه قضائی کشور نوشته بشود. بنابراین ما فکر می‌کنیم که پیشنهاد ایشان هر چند پیشنهاد خوبی است ولی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه ممکن است بر مشکلات اجرایی انجام این طرح بعد از اینکه ان شاء الله

تصویب هم بشود و به صورت قانون هم در بیاید بیفزاید. بنابراین از خواهران و برادران محترم غایبده می‌خواهیم که به همان مصوبه اصلی کمیسیون که کار کارشناسی بسیار پخته‌ای هم روی آن شده و دستگاه قضائی و همه پیشنهاد دهندگان محترم هم در کمیسیون حضور پیدا کردند و نظریه نهایی کمیسیون یک نظریه واقعاً پر محتوا و کاملی است به همان رأی بدهند و به این پیشنهادات جانبی که ممکن است مشکل‌زا هم باشد رأی ندهند.

والسلام علیکم ورحمة الله

رئیس. متشکر، موافق را دعوت بفرمایید.

منشی (موالی‌زاده). موافق آقای موحدي‌ساوجي هستند،

بفرمایید.

علي موحدي‌ساوجي. بسم الله الرحمن الرحيم

قاعدتاً كسانی كه این طرح را به مجلس تقدیم كردند نمی‌خواهند يك قانونی كه در واقع خلاف شرع باشد تصویب بشود. وقتی كه اینچنین است خودشان هم میدانند كه بالاخره مقلد امام بودند و حالا هم یقیناً از این كسانی كه سؤال كردند و نظرشان این طور است معلوم نیست كه مقلد این آقایانی باشند كه این نظر را مطابق سلیقه و خواسته مثلاً این امضاكنندگان داشته. يك امری است كه يك امر اختلافی بین فقها است و نظر غیر مشهور است. اینکه بگوییم اگر مهریه دین باشد وجه رایج باشد، بعد ما بیاییم ببینیم قیمت یا قدرت خریدش در آن روز چقدر بوده و براساس آن حساب بکنیم يك عده کمی از آقایان در واقع این نظر را داده‌اند و از مراجع و فقها معروف و مشهور هم نیستند. در طول تاریخ هم یعنی در طول تاریخ غیبت کبرای امام عصر – روحی و ارواح العالمین له الفداء – مراجع تقلید و فقها شیعه، فقهای اسلام این طور نگفته‌اند^۱ كه الان امضاكنندگان و یا طرفداران طرح دنبالش هستند كه به این شكل قضیه را تصویب بکنند. من معتقدم پیشنهاد جناب آقای معلمی تا حدود زیادی اشكال شرعی را مرتفع کرده، لااقل جمعی از فقها نظرشان این است كه بالاخره این مهر اگر دین هم باشد بایستی كه عندالقدره و المطالبه حتماً مدیون كه زوج است بپردازد. حالا اگر چنانچه زوجه كه حقیقتش است مطالبه بکند، مطالبه هم کرده ولی با اینکه او میتواند بپردازد، نپرداخته و نداده، خوب این حق است. یعنی يك امر درست و صحیح و مشروعی است كه بگوییم چون در آن روز باید می‌پرداخته و نداده و با این پول در آن روز زوجه

۱. در متن فوق عبارت «نگفته‌اند» جایگزین عبارت «نگفتند» گردید.

می‌توانسته مثلاً ارزشی داشته که امروز آن ارزش را ندارد حالا بگوییم خیلی خوب باید خسارتش را در واقع زوج بپردازد و خسارتش این است که به نرخ امروز حساب بشود. اما در آنجایی که زوجه مطالبه‌ای نکرده یا زوج تمکن نداشته به نظر من این قانون در آن شرایط دیگر با موازین شرعی سازگار نیست. لذا من با پیشنهاد آقای معلمی به عنوان اینکه تا حدودی اشکالات شرعی را رفع و کم می‌کند موافقم.

رئیس. دولت بفرماید.

منتظری (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری). بسم الله الرحمن الرحيم

همان‌طور که در شور اول خدمت عزیزان بیان شد و همه مستحضر هستید نظر فقهي فقها^۱ در اینجا به سه

دسته تقسیم می‌شود. بعضی‌ها مطلقاً فرموده‌اند که اشکال ندارد و بعضی اشکال دانسته‌اند و بعضی هم این مطلبی را که جناب آقای معلمی به عنوان تبصره مطرح کردند مقید به این قید کرده‌اند. یعنی فرموده‌اند در صورتی که زوجه مطالبه کرده باشد و زوج با تمکن پرداخت نکرده باشد اشکال ندارد. بنابراین چون در اینجا اختلاف فتوا هست من از برادر عزیزم جناب آقای موحدي تقاضا دارم که این شعار خلاف شرع، خلاف شرع را ما در اینجا ندهیم. اگر چنانچه ما می‌آمدیم از امام - رضوان الله علیه - یا از مقام معظم رهبری استفتا^۲ می‌کردیم و جواب

استفتا^۳ ما را صریح داده بودند دیگر آن فصل‌الخطاب

تمام می‌شد. بحث در این است که موضوعی در مجلس محترم مطرح شده، استفتا^۴ هم شده بر سه نظر فقها^۵ فتوا

داده‌اند. الان مجلس محترم يك نظر می‌دهد و نهایتاً به شورای محترم نگهبان می‌رود و نظر خواهد داد که آیا این به نظر فقهای محترم شورای نگهبان مطابقت با شرع دارد یا ندارد؟ بحث در این است.

من اشکال اجرایی این پیشنهاد جناب آقای معلمی را عرض می‌کنم. ایشان می‌فرمایند در صورتی که زوجه مطالبه کرده باشد و زوج با تمکن پرداخت

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۶۳

نكرده باشد، در اينجا براساس محاسبه روز بايد حساب بشود. من ميگويم اين اول دعوي و درگيري بين زوجين خواهد شد و مرتب به دادگاهها مراجعه ميكنند، خوب كجا ... در تمام كشور شما بگريد يك مورد پيدا خواهيد كرد كه زوجه بتواند ثابت بكنند كه آقا! من رفتم از زوج مطالبه كردم و ايشان هم ممكن داشته و نپرداخته. بنابراين اصلاً اين قابليت اجرا نخواهد داشت و مرتب به مراجع قضائي و دادگاهها مراجعه خواهند كرد و مشكل امروزي را كه عرض كرديم اين پيشنهاد حل خواهد كرد. والسلام
رئيس. كميسيون هم مخالف است، حضار ۱۸۸ نفر، پيشنهاد آقاي معلمي را قرائت بفرماييد.
منشي (دريجفاآبادي). پيشنهاد حاج آقا معلمياين است:

تبصره. چنانچه مهریه وجه رايج باشد و با مطالبه زن و ممكن شوهر به او پرداخت نشده باشد، هنگام تأديه متناسب با افزايش شاخص قيمتها و تغيير قدرت خريد نسبت به سال مطالبه مبلغ مهریه محاسبه و پرداخت گردد.

آييننامه اجرايي اين تبصره حداكثر ظرف مدت دو ماه از تصويب اين قانون^۱ توسط بانک مركزي جمهوري اسلامي ايران ضمن هماهنگي با قوه قضائيه تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.
رئيس. حضار ۱۸۸ نفر، موافقين با اين پيشنهاد قيام بفرمايند.

(عده كمی برخاستند) تصويب نشد.
آقاي موحديكرماني پيشنهاد دارند، بفرماييد.

علي موحديكرماني. بسم الله الرحمن الرحيم
بنده دو سه پيشنهاد داشتم كه بعضي از آنها در كميسيون تأمين شده، (راجع به يك سال) و تنها يك پيشنهاد را مطرح ميكنم و آن اين عبارت است كه البته به عنوان تبصره الحاقی است و آن اين است:

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از طي مراحل قانوني صحيح به نظر نميرسد.

«دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها را ضمن عقد نکاح شرط نمایند».

قربانی. این همان پیشنهاد آقای دري است.
موحدي کرمانی. خیر، با پیشنهاد آقای دري تفاوت دارد، خیلی نزدیک است ولي تفاوت دارد. اولاً همان‌طور که آقایان مطرح کردند مسأله مورد وفاق علما و فقها نیست، مسأله مورد اختلاف است و از نظرهای متفاوت است که بعضی از آقایان براساس اینکه اوراق نقدیه را می‌گویند خود اوراق ملکیت دارد آن وقت مشکلات ریزی دنبال خواهد داشت. در هر حال مسأله مورد وفاق علما نیست ولي آنچه که بنده الان ذکر کردم مورد اتفاق و وفاق همه علما است. نسبت به گذشته مهرهایی که بوده همان مصوبه کمیسیون، مصوبه قوی است که متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه مهریه محاسبه و پرداخت می‌شود. اما از حالا به بعد برای اینکه ما جمله‌ای بگوییم که همه علما و فقها اتفاق نظر دارند این است که دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها را ضمن عقد نکاح، شرط نمایند که موظف است وقتی عقد را می‌خواند و صیغه را اجرا می‌کند این را در ضمن عقد قید بکند. نتیجتاً دیگر هیچ شبهه‌ای نیست و همه علما می‌گویند شرط ضمن عقد لازم، لازم الاجرا است.

اینکه گفته شد جناب آقای دري فرمودند عین آن است، نه عین آن نیست. جناب آقای دري فرمودند در دفترچه‌های ازدواج شرط جدیدی اضافه شود. در دفترچه‌های ازدواج ... (شما ملاحظه کردید) چیزهایی ذکر شده و به زوج می‌گویند آقا! این شرایط را قبول داری یا نه؟ چه بسا که بگوید من قبول ندارم و بالنتیجه شرط ضمن عقد نمی‌شود و ما شاهد این معنا بودیم. دفاتر به زوج تحمیل نمی‌کنند، می‌گویند اینها شرایط است اگر می‌پذیری بسیار خوب، ممکن است بگوید نمی‌پذیرم و امضا نمی‌کنم. یک، یک شرایط را

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۶۵

اگر امضا کرد، پذیرفته، اگر امضا نکرد پذیرفته نیست. ولي پیشنهاد بنده این است که نه، این را دفاتر ازدواج موظف هستند که ضمن عقد نکاح، شرط کنند. نتیجتاً هیچ شبهه‌ای هم باقی نمی‌ماند و مسأله‌ای است که مورد وفاق همه علما است. والسلام **رئیس.** متشکر، مخالفی ثبت‌نام نکرده‌اند، موافق هم صحبت نمی‌کنند. کمیسیون بفرماید.

موسی قربانی (نایب‌الرئیس امور قضائی و حقوقی). من یک توضیح مختصری بدهم ضمن احترام کاملی که برای حضرت آیت‌الله موحدی قائل هستیم. خود موظف کردن باز ایجاد مشکل می‌کند. ببینید! دفاتر ازدواج موظفند، حالا یک کسی خواست شرط نکند. ظاهراً خود موظف کردن است که باید این شرط را بپذیرند. باز یک اشکال دیگری ایجاد می‌کند چون اگر شرط است یک کسی می‌خواهد، می‌پذیرد یکی هم نمی‌خواهد، نمی‌پذیرد. بنابراین خود وظیفه ایجاد کردن باز یک اشکال دیگری بدنبال دارد. **رئیس.** حضار ۱۹۸ نفر، پیشنهاد را قرائت بفرماید.

منشی (دريجفا آبادي). پیشنهاد آقای موحدی کرمانی این است، تبصره اضافه می‌شود: «دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها را ضمن عقد نکاح شرط نمایند».

رئیس. حضار ۱۹۸ نفر، موافقین با این پیشنهاد قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. متن را قرائت بفرماید.

منشی (باهنر). ماده واحده - دو تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می‌گردد:

تبصره ۱. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲. دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها را ضمن عقد نکاح شرط نمایند. آیین‌نامه اجرایی این ماده واحده حداکثر ظرف

مدت سه ماه از تصویب این قانون^۱ توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

رئیس. حضار ۱۹۲ نفر، نمایندگان محترمی که با اصل این ماده واحده و تبصره‌های ذیل آن موافق هستند قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) با اکثریت قاطع تصویب شد.

شماره ۶/۲۱/۸۱۹ تاریخ ۷۶/۳/۲۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۰۱۶ - ق مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۲ و پیرو نامه شماره ۷۶/۲۱/۷۲۷ مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۱: طرح^۲ الحاق دو تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در خصوص مهریه که در جلسه مورخ ششم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و شش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۸ شورای نگهبان مطرح و بدین شرح اعلام نظر می‌گردد:

اطلاق تبصره‌ها نسبت به مورد عدم تراضی طرفین مطابق موازین شرع شناخته نشد.

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

۱. استفاده از عنوان «قانون» قبل از طی مراحل قانونی صحیح به نظر نمی‌رسد.
۲. به جای استفاده از عنوان «طرح»، پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی، استفاده از عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۶۷

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶/۴/۱۴
شماره ۱۸۲ - ۳۲۶

دوره پنجم - سال دوم
چاپ ۷۱۴
شماره ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷
شماره ۱۸۲ - ۳۲۶
شماره ۴۳۸ - ۵۵۲
تاریخ چاپ ۱۳۷۶/۴/۱۴
شماره دفتر ثبت ۱۲۹

اعاده شده از شوراي نگهبان

شماره ۴۰/ك ق
تاریخ ۱۳۷۶/۴/۹
گزارش از کمیسیون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الخاق دو تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدني در خصوص مهریه که پس از تصویب مجلس شوراي اسلامي مورد ایراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه روز یکشنبه ۱۳۷۶/۴/۸ کمیسیون با حضور نمایندگان محترم آن شورا و کارشناسان ذي ربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتي به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینك گزارش آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامي می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائي و حقوقي سیدفتح مرتضوي

۱. به جاي استفاده از عنوان «طرح»، استفاده از عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

اصلاحات کمیسیون داخل کادر مشخص شده است

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح^۱ الحاق دو تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی
در خصوص مهریه

ماده واحده. دو تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می‌گردد:

تبصره ۱. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲. دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها را ضمن عقد نکاح شرط نمایند.

آیین‌نامه اجرایی این قانون^۲ حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

طرح^۲ الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی

در خصوص مهریه

ماده واحده. یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می‌گردد:

تبصره ۱. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. □□□□.

۳. همان.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۶۹

با تغيير شاخص قيمت سالانه زمان تأديه نسبت به سال اجراي عقد كه توسط بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران تعيين مي‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اينكه زوجين در حين اجراي عقد به نحو ديگري تراضي کرده باشند. آيين‌نامه اجرايي اين قانون^۱ حداكثر ظرف مدت سه ماه از تاريخ تصويب توسط بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران با همكاري وزارت دادگستري و وزارت امور اقتصادي و دارائي تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۲۰

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۲۰

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۵۴۰۴ مورخ

۱۳۷۶/۱۰/۲۰)

دوره پنجم. اجلاسيه دوم

۱۳۷۶ - ۱۳۷۷

صورت مشروح مذاكرات جلسه علي روز يكشنبه بيست و

نهم تير ماه ۱۳۷۶

(جلسه ۱۰۷)

۱۲. تصويب اصلاحيه كميسيون در خصوص طرح^۲ الحاق يك

تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني درخصوص مهریه

(جهت تأمين نظر شوراي محترم نگهبان)

رئيس. دستور بعد را مطرح بفرماييد.

منشي (باهر). گزارش كميسيون امور قضائي و

حقوقی در مورد طرح^۳ الحاق يك تبصره به ماده

(۱۰۸۲) قانون مدني درخصوص مهریه. خير كميسيون

بفرماييد.

جعفر گلباز (خير كميسيون امور قضائي و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

گزارش از کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح^۱ الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی درخصوص مهریه که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود، در جلسه روز یکشنبه ۱۳۷۶/۴/۸ کمیسیون با حضور نمایندگان محترم آن شورا و کارشناسان ذیربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی

سیدفتاح مرتضوی

موحدی ساوجی. نظر شورای محترم نگهبان چیست؟

رئیس. آقای گلباز توضیح بفرمایید.

جعفر گلباز. خدمت همکاران ارجمند عرض کنم شورای محترم نگهبان از اطلاق این طرح^۲ این ایراد را گرفته بود که اگر در موردی زوجین قرار باشد که همان مبلغی که در حین عقد به ریال توافق کرده اند حال قرار باشد بعد از (۳۰) یا (۴۰) سال، بعد از گذشت زمانی همان مبلغ را که به تراضی قبول کرده اند دریافت کنند، اطلاق این اصلاحیه به این شکل خواهد بود که این موارد را هم مجبور می‌کنند که اینها بروند، آن مورد تراضی خودشان را تقویم کنند. شورای محترم نگهبان این ایراد را گرفته بود، ایراد آن شورا در جلسه کمیسیون مورد توجه قرار گرفت و بنابراین، این طرح^۳ با آن صورتی که شورای محترم نگهبان می‌خواست اصلاح شد.

والسلام علیکم ورحمة الله

منشی (باهر). آقای عباسی مخالف هستند، بفرمایید.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۷۱

عباس عباسي. بسم الله الرحمن الرحيم
من ايراد شوراي محترم نگهبان را ميخوانم، اصلاحيه
كميسيون محترم را هم ميخوانم، بعد عرايضم را تقديم
ميدارم.

ايراد شوراي محترم نگهبان اين است: «اطلاق
تبصره ها به مورد عدم تراضي طرفين مطابق موازين
شرع شناخته نشد». اين نظر محترم شوراي نگهبان است.
اصلاحيه اي كه كميسيون دارد اين است: «چنانچه
مهریه وجه رايج باشد متناسب با تغيير شاخص قيمت
سالانه زمان تاديه نسبت به سال اجراي عقد كه
توسط بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران تعيين
ميگردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اينكه
زوجين در حين اجراي عقد به نحو ديگري تراضي کرده
باشند».

(در اين هنگام آقاي حسن روحاني «نايب رئيس»
رياست جلسه را به عهده گرفتند)

ببينيد! شوراي محترم نگهبان يك ايرادي گرفته كه
به نظر من حالا اگر توضيحات بعدي روشن شد و معلوم
شد هماني كه واقعاً بايد باشد، ما حرفي نداريم.
شوراي محترم نگهبان ميفرمايد «اطلاق تبصره ها (نه

تبصره ۱) نسبت به مورد عدم تراضي طرفين مطابق
موازين شرع شناخته نشد». اگر غايندگان محترم

مستحضر باشند بيشترين موضوع بحث، مهریه هاي قبل از
تصويب اين قانون^۱ است و مهریه هاي مربوط به ازمنه
قبل است. در گذشته توافق و تراضي بر اين مبلغ
بوده، حالا اگر بنا باشد، جدا باشند و يا بالاخره
فوت پيش بيايد، اين چه؟ تراضي روي يك موضوعي
قرار گرفته كه الان يك طرف اصلاً فوت کرده و نيست
تا رضایت بدهد يا ندهد و يا اينكه درخواست جدائي
کردند و يك طرف قضيه يعني شوهر مثلاً ميگويد، من

1. همان.

فقط همان مهریه قبل را می‌پردازم و لا غیر. زن هم اصرار دارد که مهریه به نرخ روز محاسبه بشود. اینجا تراضی طرفین محقق نمی‌شود، تکلیف چیست؟ اگر تکلیف این باشد که همچنانچه در صدر آمده که تراضی باشد یا نباشد، باید مهریه به نرخ روز محاسبه بشود، به نظر من اشکال به قوت خودش باقی است. این قیدی که آقایان در اصلاحیه آورده اند که «بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند» آنکه اصلاً مورد بحث نیست،

«المؤمنون عند الشروطهم» این اصلاً هیچوقت کسی اشکالی

نگرفته و مورد اشکال هم نیست. اگر زن و مرد حین اجرای عقد یا به عنوان شرط ضمن عقد به این نتیجه رسیدند که کل مهریه مثلاً برای همیشه (۱۰۰) تومان باشد، کسی حریف ندارد. اصلاً به این نتیجه رسیدند که به نرخ روز باشد، خودشان توافق کردند به عنوان شرط ضمن عقد. باز کسی بحثی ندارد، بحث در آنجا است که عقده منعقد شده روی مبلغ معین، این چه؟ عرض کردم موقع تقسیم ارث، شوهر فوت کرده، ورثه ملزم به چه هستند؟ به پرداخت مهریه اولیه یا نرخ روز، نرخ روز که یک طرف قضیه نیست که تراضی بکنند. موقع جدایی، مرد حاضر نیست غیر از همان مبلغ قید شده بپردازد، این واقعاً باز نظر شورای محترم نگهبان این است که اگر فوتی پیش آمد و یا در صورت جدایی و طلاق باز مرد حاضر نشد به نحو دیگری موافقت بکند و فقط همان مبلغ مندرج در سند به عنوان مهریه می‌گوید من می‌پردازم و حاضر نشد بحث دیگری را بپردازد این چه می‌شود؟! اشکال اینجا است، نه آنطوری که خودشان ضمن اجرای عقد و حین عقد و به عنوان شرط ضمن عقد خودشان به توافق برسند.

به نظر بنده اشکال شورای محترم نگهبان رفع نشده و اشکال همچنان به قوت خودش باقی است. والسلام

نایب رئیس. موافق را دعوت بفرمایید.
منشی (باهنر). موافق خام وحیددستجردی هستند،

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۷۳

بفرمایید.

مرضیه وحیددستجردی. بسم الله الرحمن الرحيم
در مورد طرح^۱ الحاق دو تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی که با نظریه شورای محترم نگهبان، کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس این طرح^۲ را تبدیل کردند به طرح^۳ الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه، صحبت‌های فراوانی در شور اول و در شور دوم در مجلس محترم انجام شده. من بایستی نظر برادر گرامیمان جناب آقای عباسی را به این مطلب جلب بکنم که ایشان الان بیان فرمودند و در حین صحبت‌هایشان فرمودند که آقایان راضی نیستند در زمانی که می‌خواهند همسرشان را طلاق بدهند (یا حالا در غیر آن) مهریه را آن چیزی که قید شده غیر از آن چیزی که قید شده بپردازند. در جواب جناب آقای عباسی من فکر می‌کنم بایستی ما این را عنوان بکنیم که نظریه برخی از آقایان در اینجا شرط نیست، بلکه نظر شرع مقدس در اینجا مطرح است. همچنانکه در شور اول هم صحبت شد، استفتائات فراوانی از مراجع محترم و روحانیون عظام در این زمینه گرفته شده و در مورد قضیه نرخ پول و در آنجایی که مهریه وجه رایج زمان باشد، این برای همه برادران، لازم نیست که ما اقتصاد را بدانیم که روی این مطلب بخواهیم قضاوت بکنیم. وضعیت جوامع کاملاً مشخص است. براساس نرخ رشد و تورم و کم شدن قدرت خرید پول، یک مطلب واضحی است که در طی زمان این قدرت خرید پول کاهش پیدا می‌کند و در آنجایی که مهریه، نرخ پول باشد یعنی اسکناس باشد و وجه رایج زمان باشد بایستی متناسب با زمان با آن برخورد بشود و روی آن حساب بشود. در حالی که اگر مهریه چیز دیگری باشد، ملک باشد، مستغلات باشد یا یک جنسی باشد،

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

ما می‌بینیم که از قیمت آن کم نمی‌شود. متأسفانه جناب آقای عباسی که امروز این مطلب را مطرح می‌کنند، در شور اول هم اینجا یک قضیه‌ای را مطرح کردند که باعث گرفتاری‌های فراوانی برای ما در کشور شد. هر جا که ما رفتیم، از ما سؤال کردند که مقصود جناب آقای عباسی از این قضیه ثمن و مثنی چه بود؟ و واقعاً ما انتظار نداریم از مجلس محترم که با این قضیه بسیار مهم و بسیار حیاتی و ضروری اینگونه برخورد بکنند. شما به طور واضح این را می‌بینید، یک خانگی (۲۰) یا (۳۰) سال پیش ازدواج کرده، در آن زمان مهریه او (۱۰۰۰) تومان بوده (۲۰۰۰) تومان بوده، حتی (۱۰۰) تومان بوده، خواهر گرامیمان سرکار خانم فیاض‌بخش از قول حضرت آیت‌الله مظاهری نمایندۀ محترم ولی‌فقیه در استان اصفهان نقل می‌کردند، می‌گفتند در تماسی که با ایشان گرفتیم، ایشان این طور فرمودند، گفتند برای مثال مهر مادر من (۱۰۰) تومان بوده. در آن زمان با این (۱۰۰) تومان می‌شد یک ده خرید، ولی امروز اگر بخواهد مهر این خانم به او پرداخت بشود (۱۰۰) تومان چه چیزی خواهد شد؟ آیا این انصاف است؟ آیا عدالت است؟ آیا شرع مقدس اسلام این مطلب را می‌گوید که حالا اگر یک زنی را مردی بعد از سال‌های عمر طولانی که برای او خدمت کرده، در منزل زحمت کشیده، حالا می‌خواهد او را طلاق بدهد باید با همان (۱۰۰) تومان، با همان (۱۰۰۰) تومان، با همان (۲۰۰۰) تومان یا (۱۰) تومان طلاقش بدهد؟! جناب آقای عباسی می‌فرمایند که مردان حاضر نیستند، خوب خیلی‌ها حاضر نیستند. آن مردی که به عدالت معتقد نیست، آن مردی که به مسائل اسلامی معتقد نیست، ممکن است راضی نباشد ولی مجلس محترم و شرع مقدس، اینها در این قضیه مسأله دارند و نظر دارند. ما نظر فقها را در این زمینه جلب کردیم و می‌دانیم مشخص است که واقعاً نرخ در طی زمان تفاوت می‌کند. ارزش اسکناس، ارزش خود همین یک تکه کاغذ نیست، بلکه ارزش پشتوانه آن است، بلکه قدرت خرید آن پول است. ما آن بار هم در خدمت نمایندگان محترم (مخالفین) گفتیم که شما در نظر بگیرید

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۷۵

اگر خود اين اسكناس ارزش داشت چرا وقتي نظام‌ها و حكومت‌ها تغيير مي‌كردند اسكناس‌ها تغيير مي‌كردند؟ چرا اصلاً اين ورقه‌هاي كاغذ تغيير مي‌كردند و عوض مي‌شدند؟ امروز در بسياري از كشورهاي دنيا شما مي‌بينيد كه متناسب با نرخ تورم، حتي در يك نظام، سال به سال آن پول را جا به جا مي‌كنند، مقدارش را بالا و پايين مي‌برند. اين امروز ارزش اقتصادي كالاها را به ما نشان مي‌دهد. در اين زمينه بسيار مهم كه نظريه شوراي نگهبان هم آمده، شوراي محترم نگهبان فرموده‌اند كه بايستي با تراضي طرفين باشد. خوشبختانه كميسيون محترم قضائي و حقوقي به اين قضيه بسيار خوب رسيدگي كردند، آن چيزي كه در اصلاحيه كميسيون قضائي به آن اشاره شده، قضيه تراضي طرفين را حل کرده. در اينجا آمده كه «مگر اينكه زوجين در حين اجراي عقد به نحو ديگري تراضي کرده باشند». بنابراین، ان شاء الله با مصوبه مجلس محترم اين قانون ما خواهد شد و اين ظلمي كه ما نسبت به زنان در برخي از موارد مي‌بينيم انجام مي‌شود، شما برادران و خواهران محترم نماينده شاهد هستيد، چه تعداد از زنان بي‌سرپرست، چه تعداد از زنان كه مجبور به طلاق شده‌اند، چه تعداد از زنان كه طلاق داده شده‌اند و به ما و شما مراجعه مي‌كنند و ما هم كاري از دستان برنمي‌آيد. اگر اين زن اين (۲۰) سال، (۳۰) سال، (۴۰) سال عمر خودش را در يك اداره‌اي كار كرده بود امروز بازنشستگي مي‌گرفت، مستمري بازنشستگي مي‌گرفت، در طي آن سال‌ها حقوق مي‌گرفت، ولي آن زني كه در خانه شوهرش كار کرده، باصفا، با صداقت، باصميميت و همه اينها را براي مسأله استحكام خانواده انجام داده، امروز كه اين زن طلاق مي‌گيرد همچگونه پشتوانه اقتصادي ندارد، در حالي كه ما اصلاً قضيه مهر را به عنوان پشتوانه اقتصادي و مالي براي زن محسوب مي‌كنيم.

ما در خدمت برادران محترم گفتيم، وقتي كه از ائمه اطهار و بزرگوار ما سؤال مي‌كنند كه چرا بايستي ارث زن نصف ارث مرد باشد، پاسخ مي‌دهند به

خاطر اینکه زن مهریه و نفقه دارد. اگر قرار باشد که مهریه یک چیزی باشد که به این ترتیب ارزش آن پائین باشد آن موقع ارزش پشتمانه اقتصادی پیدا نمی‌کند. اگر ما می‌خواهیم که از خیل عظیم زنان بی‌سرپرست کم بشود، اگر می‌خواهیم که اینها بار بر دولت نشوند، اگر می‌خواهیم که حق و حقوق واقعی آنها به آنها پرداخت بشود، اینها که در طی سالها در منزل کار کرده‌اند، امروز که فرتوت شده‌اند، پیر شده‌اند، کسانی هستند که دچار بیماری هستند، نیازمند به حمایت و کمک هستند بدون اینکه پشتمانه مالی و اقتصادی داشته باشند و آن کسی که در طی سالها از خدمت آنها استفاده کرده، امروز نتواند آنها را از نظر مسائل اقتصادی تأدیه بکند چه کسی واقعاً می‌تواند جوابگوی آنها باشد؟

ما این طرحی^۱ که در کمیسیون محترم قضائی هم در مورد آن در حقیقت یک اصلاحیه‌ای صورت گرفته و به نظر می‌رسد اصلاحیه، اصلاحیه صحیحی باشد و قضیه تراضی طرفین را حل کرده باشد به نظر ما نظریه خوبی است و نظریه صحیحی است. از نمایندگان محترم مجلس، از برادران و خواهران محترم که در شور اول و در شور دوم هم به این طرح رأی دادند و واقعاً این طرح به‌عنوان یکی از مرفی‌ترین مصوبات مجلس، پیشنهاد داده شده و دل بسیاری از زنان را امروز شاد کرده و آنها از مجلس از شما نمایندگان محترم راضی هستند و برای شما دعا می‌کنند، باز هم ما از اینجا از شما می‌خواهیم که به این اصلاحیه کمیسیون محترم قضائی و حقوقی رأی بدهید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

عباسی. تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

نایب رئیس. آقای عباسی ماده چند است؟

عباسی. ماده (۷۷) است.

نایب رئیس. مگر فرمایش شما تحریف شده؟ حالا

۱. «مطوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۷۷

حضرت عالي فقط در يك جمله آن قسمتي كه تحريف شده را بفرماييد.

عباس عباسي. بسم الله الرحمن الرحيم

من ضمن احترام گذاردن به خانم وحيددستجودي و ساير عزيزاني كه اين نظر را دارند، تقاضا مي كنم مسائل و موارد حقوقي و شرعي را با احساسات برخورد نکنند. من يك اشكالي كه ...

نايب رئيس. آقاي عباسي ببينيد! اينگونه كه مي گوييد، بعد ايشان هم حق دارد ...
عباسي. حق داشته باشد.

نايب رئيس. اين نمي شود، اينكه تسلسل لازم مي آيد، يعني تا ظهر بايد شما صحبت كنيد، ايشان صحبت كنند. ببينيد آقاي عباسي! لطفاً توجه كنيد، اگر فرمايش جناب عالي را ايشان تحريف کرده همان قسمت را فقط بيان بفرماييد.

عباسي. من عرض كردم شوراي محترم نگهبان آن ايراد را گرفته و اصلاحي كه كميسيون آورده، به نظر من رفع اشكال نشده و در صورتي كه مشخص بشود كه واقعاً نظر كميسيون منطبق با ايراد شوراي محترم نگهبان هست و نظر شوراي نگهبان با اين اصلاحيه موافق است، من هم حرفي ندارم، هيچ كسي هم حقي ندارد حرف داشته باشد. چون مرجع اصلي و نهايي آن است. ايشان پرداختند به آن قسمتي كه اصلاً عمدتاً مي پردازند در شور اول و بعد مسأله را كشيدند به اينكه در شور اول وقتي ايشان صحبت كردند نمي دانم از ما سؤالاتي مي كردند ... رفتند روي مسائلي بدون اينكه اصلاً جواب اشكال بدهند. ايشان به هيچ عنوان جواب اشكالي را كه به نظر بنده رسيد ندادند و صحبت هاي شان احساساتي نبود، ربطي هم به اين مسأله نداشت. والسلام

نايب رئيس. نه، حالا احساساتي كه نبود، ايشان هم مستدل صحبت كردند، هميشه هم خانم وحيددستجودي جز

نمايندگاني هستند كه مستدل صحبت مي كنند. اما حالا صحبت جناب عالي هم معلوم شد كه تحريف نشده، منتها يك بخشي را جناب عالي مي گوييد در شور اول من گفتم، سركار خانم وحيددستجودي آنها را جواب دادند. بسيار خوب كميسيون بفرماييد.

جعفر گل‌باز (نایب‌رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

لازم است که یک مقدار توضیح در مورد نظر شورای محترم نگهبان داده بشود.

شورای محترم نگهبان مرقوم فرمودند: «اطلاق تبصره‌ها نسبت به مورد عدم تراضی طرفین مطابق موازین شرع نشناخته نشد». دو تبصره به ماده

(۱۰۸۲) الحاق شده بود، یکی از تبصره‌ها با حضور بعضی از اعضای محترم شورای نگهبان در جلسه اصلاحیه کمیسیون حذف شد، یعنی تبصره (۲) بود به این مضمون: «دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمت‌ها

را ضمن عقد نکاح شرط نمایند». این تبصره حذف شد،

برای اینکه بحث انجام شرط از وظایف و حقوق طرفین است نه از وظایف و حقوق دفاتر. به همین خاطر این تبصره حذف شد. اما اشکال عمده‌ای که الان همکار ارجمندمان جناب آقای عباسی مطرح می‌فرمایند لازم است که یک مقداری تبیین بشود.

اصل تبصره (۱) اطلاقش به این شرح بود: «چنانچه

مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد». شورای محترم نگهبان نظرش این

بود که اطلاق این تبصره (۱) آنجایی را هم می‌گیرد که زن و مرد در حین انعقاد عقد نکاح با هم شرط کردند که این مهر وجه رایج باشد و هر وقت هم که تأدیه می‌شود، همان مبلغ نقدی تأدیه بشود و در حقیقت تعمیم نشود. شورای محترم نگهبان نظرش این بود که اگر ما به آن شکل مطلقش این تبصره را قبول کنیم، عدم تراضی زوجین نسبت به این تبصره در حقیقت مورد دقت و لحاظ قرار نگرفته، بنابراین باید که این قسمت را هم کمیسیون در نظر می‌گرفت. بنابراین ما در حضور بعضی از اعضای محترم شورای نگهبان با رعایت نظر آنان به شکلی که نظر آنها تأمین شد، در کمیسیون این قسمت را به تبصره (۱) اضافه کردیم و

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۷۹

به اين شكل تصويب شد «مگر اينكه زوجين در حين اجراي عقد به نحو ديگري (يعني برخلاف تبصره (۱) تراضي كنند) تراضي کرده باشند». بنا بر اين در حضور بعضي از اعضاي شوراي محترم نگهبان با رعايت كامل نظر محترم شوراي نگهبان اين قسمت به تبصره (۱) اضافه شده و تبصره (۲) هم حذف شده و نظر محترم شوراي نگهبان كاملاً تأمين شده است.

والسلام عليكم و رحمة الله

نايب رئيس. متشكر، حضار ۱۹۶ نفر، اصلاحي كه كميسيون براي تأمين نظر شوراي محترم نگهبان انجام داده است را قرائت بفرماييد.

منشي (باهنر). ماده واحده به اين ترتيب اصلاح شده:

ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني الحاق ميگردد.

تبصره ۱. چنانچه مهریه وجه رايج باشد متناسب با تغيير شاخص قيمت سالانه زمان تأديه نسبت به سال اجراي عقد كه توسط بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران تعيين ميگردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اينكه زوجين در حين اجراي عقد به نحو ديگري تراضي کرده باشند.

آييننامه اجرايي اين قانون^۱ حداكثر ظرف مدت سه ماه از تاريخ تصويب توسط بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران با همكاري وزارت دادگستري و وزارت امور اقتصادي و دارايي تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

نايب رئيس. نمايندگان محترمي كه با اين اصلاح كميسيون براي تأمين نظر شوراي محترم نگهبان موافق هستند قيام بفرمايند.

(اكثر برخاستند) تصويب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۵۷/۱۰/۲۹، جلسه ۱۰۷۹، ص ۱۰۷۹، «تصويب»

۱. «صوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

مجلس شورای اسلامی

شماره ۱۲۵۷ - ق

تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۹

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۶/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است در اجرای اصل یکمصد و بیست و سوم قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد.

علی‌اکبر

ناطق‌نوری

رئیس مجلس شورای

اسلامی

باسمه‌تعالی

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲)

قانون مدنی در خصوص مهریه^۱

ماده واحده. یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می‌گردد:

تبصره ۱. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت

۱. چنانچه در ابتدای این مبحث «مبحث ششم» گفته شد، عبارت «در خصوص مهریه» در عنوان قانون، اضافی است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۰۸۱

وزيران خواهد رسيد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علي
روز يكشنبه مورخ بيست و نهم تير ماه يك هزار و
سيمصد و هفتاد و شش مجلس شوراي اسلامي تصويب و در
تاريخ ۱۳۷۶/۵/۸ به تأييد شوراي نگهبان رسیده
است.

علي اكبر ناطق نوري
رئيس مجلس شوراي اسلامي

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۵۴

شماره ۱/۱۳۷۵

شماره ۱۳۷۵، تهران، دفتر

دوره پنجم - سال اول
ترتیب چاپ ۵۰۱
۱۳۷۵ - ۱۳۷۶
شماره چاپ
سابقه.
تاریخ چاپ ۱۳۷۵/۱۲/۴
ثبت ۱۹۷

طرح

طرح اصلاح ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و الحاق دو تبصره
به آن

کمیسیون های ارجاعی: اصلی: امور قضائی و حقوقی
فرعی: آموزش و پرورش - امور بهداری و بهداشتی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
از آنجا که حمایت از تربیت کودک و تلاش در جهت رشد
و کمال او به عنوان امانت الهی از وظایف والدین و
از مسئولیت ها و وظایف حکومت اسلامی است و با
توجه به اینکه ابهام در قانون و عدم صراحت آن،
موجب ضعف در اجرا و احیاناً اعمال سلیقه شخصی
می گردد، جهت حفظ مصالح کودک در جهت تبیین و تعیین
مصادیق عدم مواظبت و اخطاات اخلاقی مطروحه در
ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، اصلاح ماده و تبصره های
ذیل پیشنهاد می گردد.

بدیهی است ضرورت پیشگیری از ظلم به کودکان که
باعث نابودی حقوق اساسی انسان ها می شود، از
ضروریات اولیه تربیت انسان ها است که بعضاً به
دلیل سستی والدینی که فرزند تحت سرپرستی شان است،
دچار لطمه های شدید شده و زمینه انحرافات و

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۰۸۳

بزهکاری‌های دوران نوجوانی می‌گردد.
فیاض‌بخش - رمضان‌زاده - فائزه هاشمی - حشمتیان - قدسیه علوی - حدیدچی - بیانک - شیرازیان - شریفی - رزمیان - نوبخت - رضائی - عزیززی - غی‌زاده - سیدزاده - توکلی - محبوب - عرب باغی - اکبری - عزت‌الله نوری - خدادادی - قهرمانی - زرین‌گل - شاهی - مداحی - ادب - قاسمی‌پور - مهدوی - قنبری - کریمیان - سیدطه هاشمی - قاسم‌پور - سیدمحمد هاشمی - نعمت‌زاده - حبیب‌زاده - هادی‌زاده - جندقی - سرقندی - دهگان - موسوی - سیدعلی‌اکبر حسینی - ناصری‌گهر - رئیسی - قربانی - رهبری - رسول‌نژاد - موالی‌زاده - جلودارزاده - غفوری‌فرد و چند امضای ناخوانا.

طرح اصلاح ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن

ماده واحده. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه مکلف است به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

تبصره ۱. طفل در این ماده کودک است که به سن بلوغ و رشد مذکور در این قانون نرسیده باشد.

تبصره ۲. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد به الکل و مواد مخدر و قمار به نحوی که موجب آزار سوء در خانواده و تربیت فرزند گردد.

۲. معروف بودن به فساد اخلاق، فحشا که در خانواده تسری یافته و یا طفل در معرض انحراف و سوء تربیت قرار گیرد.

۳. محکومیت یا غیبت طولانی و یا جنون پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است به نحوی که به تربیت او ضربه بزند.

۴. رها کردن طفل در محیط خالی از سکنه، به نحوی که موجب ضرر روحی یا جسمی طفل گردد.
۵. جرم بر علیه سلامت جسمانی یا روحی طفل یا اجبار او برای ورود در صحنه‌های فساد و دیدن مناظر ضد اخلاقی مانند تکدی‌گری و واسطه قاچاق.
۶. ضرب و شتم و تأدیب خارج از حد که باعث نقص عضو یا ضربه روحی شود.
۷. سوءاستفاده از توان روحی، جسمی، مالی و اقتصادی طفل مانند اجبار او به بیگاری، فساد و هر مورد دیگری که به تشخیص قاضی از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی است.

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی
مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹

ماده ۱۱۷۳. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

ماده ۱۱۷۳، قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹

دوره پنجم - سال دوم
ترتیب چاپ ۷۰۵
۱۳۷۷ - ۱۳۷۶
سابقه ۵۰۱
تاریخ چاپ ۱۳۷۶/۴/۴
دفتر ثبت ۱۹۷
شماره
شماره چاپ
شماره

شور اول

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۸۵

شماره ۷۰/ك ق
تاريخ ۱۳۷۶/۴/۲
گزارش كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتيب چاپ ۵۰۱ كه جهت رسيدگي شور اول به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۴/۱ كميسيون با حضور طراحان و نمايندگان دستگاههاي مربوطه مطرح گرديد و پس از بحث و بررسي به تصويب نرسيد و رد شد.
اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي
سيدفتاح مرتضوي
اداره كل قوانين

باسمه تعالي

دلايل رد:
اولاً. عدم مواظبت و انحطاط اخلاقي از جمله اموري است كه قاضي رسيدگي كننده بايد با توجه به اوضاع و احوال و شرايط ... نسبت به آنها اتخاذ تصميم نمايد.
ثانياً. وجود قيد (به خطر افتادن صحت جسماني و يا تربيت اخلاقي طفل ...) كه در ادامه ماده ذكر شده مبين اين مطلب است كه عدم مواظبت يا انحطاط اخلاقي هر يك از والدين به تنهائي شرط كافي براي سلب حضانت نيست بلكه اثر آن كه همانا به خطر افتادن صحت جسماني و يا تربيت اخلاقي طفل است نيز بايد احراز گردد.

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن

ماده واحده. هرگاه در اثر عدم مواظبت يا انحطاط اخلاقي پدر يا مادري كه طفل تحت حضانت او است، صحت جسماني و يا تربيت اخلاقي طفل در معرض خطر باشد، محكمه مكلف است به تقاضي اقرباي طفل يا

به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

تبصره. طفل در این ماده کودکي است که به سن بلوغ و رشد مذکور در این قانون نرسیده باشد.

تبصره ۲. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر يك از والدین است:

۱. اعتیاد به الكل و مواد مخدر و قمار به نحوی که موجب آثار سوء در خانواده و تربیت فرزند گردد.

۲. معروف بودن به فساد اخلاق، فحشا که در خانواده تسری یافته و یا طفل در معرض انحراف و سوء تربیت قرار گیرد.

۳. محکومیت یا غیبت طولانی و یا جنون پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است به نحوی که به تربیت او ضربه بزند.

۴. رها کردن طفل در محیط خالی از سکنه، به نحوی که موجب ضرر روحی یا جسمی طفل گردد.

۵. جرم بر علیه سلامت جسمانی یا روحی طفل یا اجبار او برای ورود در صحنه‌های فساد و دیدن مناظر ضد اخلاقی مانند تکیه‌گري و واسطه قاچاق.

۶. ضرب و شتم و تأدیب خارج از حد که باعث نقص عضو یا ضربه روحی شود.

۷. سوءاستفاده از توان روحی، جسمی، مالی و

اقتصادی طفل مانند اجبار او به بیگاری، فساد و هر مورد دیگری که به تشخیص قاضی از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی است.

شماره ۱/۱۱۰/س

تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱۹

گزارش کمیسیون آموزش و پرورش به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتیب چاپ (۵۰۱) که به‌عنوان کمیسیون فرعی به این کمیسیون ارجاع گردیده بود طی جلساتی با حضور طراحان محترم و

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۸۷

همچنين كارشناسان محترم وزارت دادگستري مورد بررسي قرار گرفت و با الحاق يك تبصره به اصل ماده به شرح ذيل به تصويب رسيد. اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون آموزش و پرورش
سيدعلي اكبر موسوي حسيني

اصلاح كميسيون:

تبصره زير به ماده (۱۱۷۳) الحاق گرديد:
تبصره. مصاديق عدم مواظبت و اخطاات اخلاقي طي آييننامه اي كه به تصويب رئيس قوه قضائيه خواهد رسيد، به محاكم ابلاغ خواهد گرديد.

شماره ۱۲۹/ب/ك

تاريخ ۱۳۷۶/۱/۲۰

گزارش كميسيون بهداري و بهزيستي به مجلس شوراي اسلامي

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتيب چاپ ۵۰۱ كه به كميسيون بهداري و بهزيستي به عنوان كميسيون فرعي ارجاع گرديده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۷ با حضور كارشناسان و مسؤولان دستگاههاي اجرائي مورد بحث و بررسي قرار گرفت و با اصلاحاتي به شرح ذيل به تصويب رسيد.
اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

دكتور اميدوار رضائي
نائب رئيس كميسيون بهداري و بهزيستي

اصلاح كميسيون

۱. در متن فوق عبارت «دستگاههاي» جايزين عبارت «دستگاه» گرديد.

ردیف (۴) تبصره ۲ ماده واحده به شرح زیر اصلاح گردید:

۴. رها کردن طفل در محیط خالی از سکنه یا خودداری از انجام اقدامات درمانی لازم، به نحوی که موجب ضرر روحی یا جسمی طفل گردد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶/۱۱/۱۹

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۵۴۲۸ مورخ

۱۳۷۶/۱۱/۱۹)

دوره پنجم. اجلاسیه دوم

۱۳۷۶ - ۱۳۷۷

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه هشتم

مرداد ماه ۱۳۷۶

(جلسه ۱۱۱)

۹. بحث و بررسی در خصوص طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳)

قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن

رئیس. دستور بعد را مطرح بفرمایید.

منشی (غفوری فرد). گزارش شور اول کمیسیون امور قضائی و حقوقی در مورد رد طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن. خبر محترم کمیسیون بفرمایید.

جعفر گلپاز (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش از کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتیب چاپ (۵۰۱) که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۴/۱ کمیسیون با حضور طراحان و نمایندگان دستگاههای مربوطه مطرح گردید و پس از بحث و بررسی به تصویب نرسید و رد شد. اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی. سیدفتاح

مرتضوی

برای رد این طرح همین مقدار کافی است که همکاران ارجمند به اصل ماده (۱۱۷۳) توجه و نگاه کنند. این ماده با رعایت قواعد حقوقی تنظیم شده، دو مرتبه هم به عنوان اصلاح و هم به عنوان الحاق در کمیسیون امور قضائی همکاران ارجمند ما طرحی را آجا آورده اند، در حقیقت رد شده و ما فکر می کنیم این طرح که دنبال این است که مصادیقی را برای اخطاط اخلاقی و در معرض تربیت قرار گرفتن طفل مطرح کند، این مصادیق نه تنها این ماده را از کلیت می اندازد، آن را بلااثر می کند. برای اینکه این ماده قانون مدنی دارای یک سابقه طولانی است و در این ماده آمده است که اگر در اثر عدم مواظبت یا اخطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل در حضانت او است، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد دادگاه باید در مورد حضانت طفل تصمیم جدی بگیرد. بنابراین ما فکر می کنیم که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط باید دادگاه تصمیم بگیرد، صرف اینکه ما بیاییم یک مصادیقی را به عنوان اینکه اینها دارای اخطاط اخلاقی هستند و اگر در نزد یکی از والدین باشند، قطعاً بودن طفل در نزد یکی از والدین موجب اخطاط اخلاقی می شود این را کمیسیون صلاح ندانست و کمیسیون بر این باور است که اصل این ماده قانون مدنی در حقیقت یک قانون مثبتی است. بنابراین با کلیات این طرح کمیسیون مخالف است، به همین خاطر این طرح رد شده است.

والسلام علیکم ورحمة الله

منشی (غفوری فرد). اولین مخالف رد خانم فیاض بخش هستند، بفرمایید.

نقیسه فیاض بخش. بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در مورد ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی است که ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی مطرح می کند «که هرگاه در اثر عدم مواظبت یا اخطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی

طفل در معرض خطر واقع بشود».

نکته ای که در اینجا است ماده (۱۱۷۳) به خاطر کلیت و شمولی که دارد و به خاطر ابهامی که دارد و به خاطر اینکه مواردش احصاء نشده، متأسفانه خاصیت اجرائی اش را در دادگاهها از دست داده ما شاهد هستیم که این ماده قانونی عملاً هیچ اجرا نمی‌شود. دادگاهها رویه شان به این صورت است که پس از طلاق، فرزندان را عموماً به خاطر ولایت قهری که پدر دارد، در اختیار پدر قرار می‌دهند و یا اگر زیر (۲) و (۷) سال باشد (پسر ۲ سال و دختر ۷ سال) در اختیار مادر قرار می‌دهند. در حالی که نکته ای که در اینجا است ما خواستیم تعریف بشود که منظور از انحطاط اخلاقی پدر یا مادر چیست؟ مشکلی که هم‌اکنون دادگاهها دارند این است مواردی است که پدر معتاد است، خصوصاً اعتیادهای بسیار خطرناک مثل حشیش و یا هروئین، اعتیادهایی که قهراً خانمانسوز است و پدر به خاطر این اعتیادش تمام اثاث خانه را می‌فروشد، هرچه دارد و ندارد می‌فروشد، شاید دست به سرقت می‌زند به خاطر اینکه آن نیاز اعتیادش را برطرف بکند. متأسفانه ما شاهد هستیم که با این حال فرزندان را در اختیار پدر قرار می‌دهند. متأسفانه گاه در شهرستان‌ها حتی در تهران مراجعه شده، مواردی که پدر فرزندش را به خاطر اعتیاد فروخته! و یا مواردی که چه مشکلاتی برای دختر پیش آمده! اگر شما بزهکاری‌های اخلاقی بچه‌ها را یک بررسی بکنید، قانون اصلاح و تربیت وزارت دادگستری و یا امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش یا هر جایی که راجع به بزهکاری‌های اخلاقی کار می‌کند را مشاهده کنید بچه‌هایی که فاسد شده‌اند یا حتی انسان‌های فاسد (این موردی که اخیراً خفاش شب نشان می‌دهد) هر موردی که شما بررسی کنید، می‌بینید ریشه در خانواده دارد و مشکلات تربیتی که از همان ابتدا در خانواده توسط پدر یا مادر بوده است. چه بسا مواردی که خصوصاً پدرها (چون آمارها اعتیاد را

در مورد پدر بیشتر نشان می‌دهد) معتاد بوده‌اند بررسی شده، حتی مهدکودک‌هایی که تربیت فرزند می‌کنند، بچه‌ها را نگهداری می‌کنند، بازی‌هایی که بچه‌های پدران معتاد در مهدکودک می‌کنند، این بازی‌ها حتی روی بچه‌های دیگر تأثیر گذاشته. می‌گویند معمولاً بچه‌هایی که در خانواده پدر معتاد هستند دوست دارند یک چیزی را مخفی کنند، دوست دارند فرار از پلیس داشته باشند، بازی‌هایشان یک طوری است که کاملاً نشان می‌دهد این بچه در یک خانواده‌ای که اعتیاد و مواد مخدر رد و بدل می‌شود زندگی می‌کند و متأسفانه علی‌رغم این همه مشکلات ما در دادگاه‌ها شاهد هستیم که بلافاصله پس از طلاق طبق ولایت قهری بچه را به پدر می‌سپارند، حتی اگر پدر معتاد به حشیش باشد، حتی اگر معتاد به هروئین باشد، حتی اگر این بچه را به‌عنوان واسطه در تکدی‌گری استفاده می‌کند و یا حتی اگر حالا غیر از پدر زیر (۲) و (۷) سال باشد، ولی عمدتاً آن چیزی که در آمارها گرفته شده بیشتر در مورد مردان هست و حتی اگر اعتیاد در مورد زنان هم باشد، باید بررسی بشود.

غیر از اعتیاد مواردی که دچار جنون هست. خوب مشخص است، پدر یا مادری که دچار جنون باشد دادگاه باید این را یک دلیل قاطعی بداند که صلاحیت تربیت فرزندش را ندارد. یا مواردی که به‌عنوان ادله ثابت کرده که این فرزند به‌عنوان واسطه در تکدی‌گری استفاده می‌شود. الان در تهران یا بعضی از شهرستان‌ها ملاحظه می‌فرمایید از بچه‌ها به‌عنوان واسطه در تکدی‌گری استفاده می‌کنند. من در اینجا اشاره می‌کنم، مفسرین قانون مدنی از جمله یکی از مشهورترین اینها آقای دکتر کاتوزیان این نکته را در تفسیر ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی لحاظ کرده‌اند. ایشان نوشته‌اند که در ماده (۱۱۷۳) خصوصاً انحطاط اخلاقی پدر یا مادر در هیچ متن حقوقی تعیین نشده و رویه قضائی نیز هنوز مجال آن را نیافته است تا در این باره رهگشایی شود. یعنی مفسرین قانون مدنی هم به این نکته اذعان دارند که این ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی ابهام دارد، کلی

است، شفاف نیست و به خاطر این کلیت و ابهام عملاً هیچ خاصیت اجرایی ندارد. در شهرستان‌ها که واقعاً کولاک می‌کند! من همین الان با تعدادی از نمایندگان محترم شهرستان‌ها صحبت می‌کردم، آنها می‌فرمودند ما بسیار شاهد بودیم پس از طلاق خیلی راحت این بچه را به خاطر مشکلاتی که داشته یا اعتیادش یا نمی‌توانسته نگهداری کند، فروخته و در حین طلاق هم خیلی راحت بچه مثلاً در اختیار پدر قرار گرفته است.

این طرح یک طرحی است که برای نسل آینده است، برای این امانت‌های الهی است که خدا در اختیار ما گذاشته است و حقیقتاً صلاح و سعادت جامعه در اختیار این است.

این نکته را هم اشاره کنم، متأسفانه حالا کمیسیون قضایی به هر دلیلی (حالا دلایلش را هم نوشته ولی کاملاً مشخص است و پاسخ داده می‌شود) رد کرده ولی کمیسیون محترم بهداری و کمیسیون آموزش و پرورش این طرح را با قاطعیت تأیید کردند. چرا که دلایل وضوح کاملاً روشن است. ان شاء الله نمایندگان محترم با امعان نظری که دارند رأی مثبت می‌دهند، تشکر می‌کنم.

رئیس. متشکر، موافق رد را دعوت بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). موافق رد آقای موحیدی‌ساوجی هستند، بفرمایید.

علی موحیدی‌ساوجی. بسم الله الرحمن الرحيم

در ارتباط با این طرحی که داده شد، مسأله حضانت حقی است از حقوق شرعی زن و مرد و در مواردی که قاضی دادگاه و حاکم شرع تشخیص بدهد که در اثر انحراف هر کدام از زوجین و یا انحطاط اخلاقی که اگر بخواهد این بچه را مرد یا زن پیش خودش نگهدارد، این نگهداری و تربیت به زیان این بچه منجر می‌شود و لطمه می‌زند. حالا اخلاقی، روحی، جسمی به فرزند لطمه می‌زند و آنجا است که در واقع طفل را از، حالا یا مادر یا پدر اگر چنانچه دید که واقعاً شایستگی ندارد و لطمه به این فرزند می‌زند، از او می‌گیرد و به دیگری می‌دهد و این را

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۹۳

ما نمي‌توانيم در موارد خاصي احصاء كنيم، به جهت اينكه تشخيص مسأله با قاضي است كه تشخيص بدهد كه آيا اين خلافي كه مرد يا زن مي‌كند يا گناهي كه مرتكب شده يا اشتباهي كه دارد به گونه‌اي است كه به صلاحيت او در جهت داشتن و تربيت فرزند لطمه مي‌زند يا نمي‌زند! شما در ميان بسياري از پدران و مادران ملاحظه مي‌كنيد، ممكن است مثلاً يك اشتباهي، يك خطائي، يك لغزشي، يك گناهي داشته باشند. يكي است كه نسبت به نماز و عبادتش مثلاً بي‌اعتنا است،

يكي ممكن است كه دروغ مي‌گويد، اين خودش يك گناه و معصيت است. انحطاط اخلاقي يعني چه؟ هر واجبي كه ترك كند يا هر گناهي كه مرتكب بشود، اين خودش در واقع ضعف اخلاقي است. اما اگر به آنجايي برسد كه بگويند اين فرد از لحاظ اخلاقي يك آدم منحطي است به گونه‌اي است كه اگر بخواهد اين بچه را نزد خودش نگهدارد نه تنها نمي‌تواند مصلحت اين فرزند را رعايت كند و آتیه درخشاني براي اين بچه تضمين بكند، بلكه لطمه مي‌زند و آينده فرزند را تخریب مي‌كند. اين مسأله‌اي نيست كه در قانون شما بيايد بگويد كه حالا مثلاً معتاد ... حالا اگر چنانچه يك فردي فرض كنيد در يك دوراني به چيزي معتاد شد ممكن است از نظر اخلاقي در حدي كه نتواند بچه‌اش را نگهدارد منحط نباشد و چه كسي از او براي نگهداري فرزند بهتر است؟

به نظر من با اين طرحي كه در اينجا داده شده در واقع خواسته‌اند يك مشكلي را رفع كنند اما مشكلاتي را پديد خواهند آورد و لذا من موافق با رد طرح هستم و فكر مي‌كنم اين طرح درست نيست و ما بگذاريم قاضي با توجه به پرونده، مدارك و دلايلي كه در اختيار دارد، او ببيند كه آيا اين مرد يا اين زن مي‌تواند بچه‌اش را نگهدارد و مصالح بچه‌اش را حفظ كند يا نه؟ والسلام عليكم و رحمة الله منشي (غفوري‌فرد). دومين مخالف رد سركار خانم دستجردي هستند، بفرماييد.

مرضيه وحيد دستجردي. بسم الله الرحمن الرحيم
من نظر برادران و خواهران محترم نماينده را به اين

مطلب جلب می‌کنم که ما الان در مورد حضانت فرزندان واقعاً در دادگاه‌هایمان مشکل داریم.

آنچه که در قانون مدنی آمده و ما همگی معترف و معتقد به این هستیم که قانون مدنی ما از بهترین و مرقی‌ترین قوانین است. همچنانکه محترم کمیسیون هم فرمودند، بندهای آن در اختصار و با متانت کامل مسائل را توضیح دادند، این يك مطلبی است که بر همه روشن است. ولي اشکالی که امروز وجود دارد این است که متأسفانه در دادگاه‌هایی ما در عمل به آنچه که در قانون مدنی آمده وحدت رویه وجود ندارد. متأسفانه قضات محترم و رؤسای دادگاه‌ها، آنجا که به آنها اختیار برای دادن حکم داده شده، سلیقه‌ای عمل می‌کنند. وقتی که در قانون مدنی در ماده (۱۱۷۳) نوشته شده که «هرگاه در اثر عدم

مواظبت یا اخطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل و یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند»، متأسفانه می‌بینیم که در

دادگاه‌ها، در تطبیق این عناوین با مصادیق دچار اشکال می‌شوند. یعنی مشکل ما، مشکل قانون نیست، مشکل تطبیق است. خواهر محترمان سرکار خانم فیاض‌بخش توضیح دادند، آیا ما اعتیاد زیان‌آور، آیا آن اعتیادی را که منجر به این شده که يك فردی از خانه و زندگی خودش جدا شده و در کوچه و خیابان زندگی می‌کند آیا این اعتیاد را برای کودک و برای حضانت کودک و برای تربیت آینده او و برای سرنوشت او مضر نمی‌دانیم؟! متأسفانه من این را خدمت مجلس محترم عرض کنم که موارد بسیار فراوانی در دادگاه‌هایی ما اتفاق می‌افتد.

يك خانمی به دادگاه مراجعه می‌کند و به خاطر اعتیاد شوهر تقاضای طلاق می‌کند. اعتیادی که قابل درمان هم نبوده، بارها و بارها رفته، ترك هم نکرده و به جای خودش بازگشته و زندگی او و زندگی فرزندان او در معرض خطر قرار گرفته. رئیس

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۹۵

دادگاه محترم حكم مي‌كند و حكم طلاق صادر مي‌شود ولي آن چيزي كه هست در مورد فرزندان و در مورد اين اطفال معصوم و بي‌گناه، بعد سرنوشت و تربيت و حضانت آنها را همين دادگاه به دست چه كسي مي‌سپارد؟ به دست پدر معتاد، به دست پدري كه قطعاً سرنوشت بچه‌ها به دست او بهتر از وضعيت خودش خواهد بود يا ما احتمال زياد اين طور مي‌دهيم. ما در تعيين مصاديق مي‌بينيم رؤساي دادگاههاي ما بعضي‌هايشان اشكال دارند. اگر اين مطلب آمده كه قانون مدني ما مشخص بشود، مصاديق مشخص بشود، به اين خاطر است كه عناوين لازم الاتباع قانوني پيدا بشود. اين به هيچ وجه دست قاضي را نمي‌بندد. بلكه بعضي از مصاديق را مشخص مي‌كند. آن مصاديقي كه متأسفانه در دادگاههاي ما وحدت رويه در مورد او وجود ندارد.

من نظر برادران و خواهران محترم را به يك مطلب ديگر جلب مي‌كنم. گاهي يك مرد به علت بيماري رواني، به علت جنون... موارد بيماري رواني موارد فراواني است. امروز دايره بيماري‌هاي رواني بسيار گسترده است. يكي از اين بيماري‌ها، بيماري سولې يا «پارانويا» است. شما در روزنامه‌ها

مي‌خوانيد كساني هستند صبح كه بلند مي‌شوند زن و فرزندان خودشان را مي‌كشند! به همين خاطر، به علت مسجل شدن يك بيماري بدخيم، دادگاه طلاق زن را صادر مي‌كند. زن از شوهر جدا مي‌شود ولي باز فرزندان براي سرپرستي به دست همين فرد سپرده مي‌شوند، همين فردي كه يك بيماري رواني شديد دارد و جان آنها در معرض خطر قرار مي‌گيرد. مگر قانون مدني ما در اينجا نمي‌گويد كه اگر صحت جسماني كودكان در معرض خطر قرار بگيرد، حتي در معرض خطر هم نه، بيم آن هم برود بايسي رئيس دادگاه حضانت را به فرد ديگري كه صاحب صلاحيت هست واگذار بكنند. ما موارد فراواني را از اين قبيل داريم. آنچه كه در اين طرح آمده اين است كه در معروف بودن به فساد اخلاق و فحشا كه موجب مي‌شود در خانواده هم اين مسأله تسري پيدا بكنند و طفل در معرض انحراف و سولېت

قرار بگیرد. حالا این فساد اخلاق در هر کدام از طرفین باشد. شما اگر طرح را ملاحظه فرمایید می‌بینید نگفته در مرد یا در زن، گفته در هر یک از آنها اگر این موارد و مصادیق وجود داشته باشد، آن موقع حضانت به طرف دیگری که صاحب صلاحیت است سپرده بشود. ما چگونه راضی بشویم که وقتی کسی پرونده‌های مختلف فساد اخلاق دارد، مشهور به فساد اخلاق هست آن وقت یک طفل بی‌گناه (دختر یا پسر) را به دست او بسپاریم فقط به خاطر اینکه این مصداق برای رئیس دادگاه ما مشخص نیست.

باز می‌بینید در اینجا آمده که ضرب و شتم و تأدیب خارج از حد، ما شاهد هستیم (در دفتر نمایندگان که نشسته‌ایم) افرادی به ما مراجعه می‌کنند، زنی مراجعه می‌کند که مورد تأدیب و ضرب و شتم قرار گرفته، دستش شکسته، صورتش شکسته، فکش شکسته، به همین خاطر طلاق صادر شده، به همین خاطر دیه بریده شده، ولی بعد می‌بینیم این فرزندان بی‌گناه به دست همین مرد سپرده می‌شوند. آیا ما بایستی بنشینیم و بپذیریم که در دادگاه‌های ما به خاطر عدم وحدت رویه این مسائل اتفاق بیفتد؟ اگر که این طرح آورده شده دقیقاً به خاطر مسئله عدم وحدت رویه و سلیقه‌ای عمل کردن بعضی از قضات است. متأسفانه ما نباید خودمان این طرح را می‌آوردیم! این کاری بود که بایستی در قوه قضائیه آنها رأساً انجام می‌دادند ولی به علت موارد فراوان اشکالاتی که اتفاق می‌افتد واقعاً مجبور شدیم این طرح را به مجلس محترم ارائه بکنیم! من نظر برادران و خواهران محترم را به این مطلب جلب می‌کنم که اگر این مسائل و مصادیق مشخص نشود، شما مطمئن باشید این صحنه‌ها و این ماجراها ادامه پیدا خواهند کرد و آن وقت کاری خواهد شد که ما دیگر نمی‌توانیم جلو آن را بگیریم.

جناب آقای موحدي ساوجي فرمودند که در اینجا دست قاضی بسته می‌شود، به هیچ وجه این طور نیست. مشخص شدن تعدادی از عناوین فقط برای قاضی مشخص می‌کند که اگر چنین مواردی اتفاق بیفتد بایستی حضانت به فرد دیگر صاحب صلاحیت سپرده بشود ولی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۰۹۷

باز هم قاضي بنا بر اختيار خودش و بنا بر تشخيص خودش در موارد ديگر حكم خواهد كرد. همچنانكه شما مي بينيد در بند (۷) اين طرح آمده «فساد و هر مورد ديگري كه به تشخيص قاضي از مصاديق عدم مواظبت يا انحطاط اخلاقي است» يعني دست قاضي اينجا باز است، هر مورد ديگري كه تشخيص داد، حكم صادر خواهد كرد. بنا بر اين خواهان و برادران محترم! آنچه كه ما امروز در دادگاهها مي بينيم مسأله مطلوبی نیست. مسائل فراواني را براي زنان و براي کودکان و براي هر يك از طرفين درگير كه در مورد مسأله حضانت به دادگاهها مراجعه مي كنند ايجاد مي كند. من براي نمونه چند مورد را خدمت شما گفتم.

يك مطلبي را از يكي از روزنامه ها خدمت شما عرض مي كنم، يك بريده اي است كه من دلم مي خواست امروز در اين مجمع محترم بيان بكنم. دادخواهي دختري به نام مريم در پنجشنبه (۲۸) فروردين ماه در روزنامه ايران در دادخواهي اين دختر (۹) ساله به نام مريم آمده «من قرياني جدائي والدينم شده ام و

حالا مي خواهند مرا از مادرم جدا كنند» در اين نوشته آمده كه ما در روز قبل سرگذشت يك دختر ديگري به نام نرگس را نوشتيم و امروز اين مريم يا ما تماس گرفته (داستان زندگي مريم آمده) بعد آمده كه (۱۰) سال پيش اين زن و مرد از هم جدا شدند، مرد به علت فساد اخلاق و موارد مختلفي كه داشته زن و فرزند خودش را رها كرده، مدتي زنداني بوده، حالا برگشته آمده و مي خواهد اين دختر خودش را تحويل بگيرد. از بچه سؤال كردند، قاضي دادگاه رو به دختر بچه كرد و از او پرسيد: مريم خانم! پدرت آمده دنبال تو را يا خود

پدر، آيا حاضر هستي با او به خانه اش بروي؟

مريم. نه، آقاي قاضي من پدر ندارم.

قاضي. اين حرف را نزن، آيا مادرت چنين حرفي به تو زده؟

مريم. نه، هيچ كس چيزي به من نگفته. آقاي قاضي!

من در کلاس دوم دبستان هستم و حالا حدود (۹) سال دارم و خوب و بد را تشخیص می‌دهم. مهر و محبت و قهر و آشی را خوب بلدم. آقای قاضی! اگر پدرم با مادرم اختلاف داشت با من که طفل یک ساله‌ای بودم اختلاف نداشت، پس چطور در مدت هشت سال یک بار به دیدن نیامد و حتی یک بار برای نامه ننوشت و حالی از من نپرسید. وقتی شبها ما چیزی برای خوردن نداشتیم آن موقع دختری به نام مریم وجود نداشت، اما حالا چطور مریم او شده‌ام؟!

قاضی اینجا جواب می‌دهد: (رئیس - وقت حضرت‌عالی تمام شد) چشم، حاج آقا! یک دقیقه دیگر ... دخترم! هرگاه زن و شوهری از هم جدا بشوند (برادران و خواهران توجه بفرمایید! این مطلبی است که قاضی می‌فرماید) طبق قانون پسرشان پس از دو سال و دخترشان بعد از هفت سال باید با پدرش زندگی کند. این قانون است و کاری از دست ما ساخته نیست.

برادران و خواهران محترم! ما اینجا وظیفه داریم گره‌های قانونی را از جلو پای دادگاهها و رؤسای محترم دادگاهها برداریم، آنجایی که می‌خواهند حکم بدهند، بتوانند انشاالله حکم بکنند. این مطلب دقیقاً

در این جهت است، به هیچ وجه مسأله خلاف قانون مدنی نیست، دست قاضی را باز گذاشته، به خاطر رفع اشکالات موجود که اشکالاتی است که شما برادران و خواهران محترم هم قطعاً با آن رودرو هستید، ما از شما نمایندگان محترم درخواست می‌کنیم و تمنا داریم که به این طرح رأی بدهید، اگر اشکالاتی هم به نظر شما می‌رسد قطعاً در شور دوم در کمیسیون محترم اصلاح خواهد شد.

والسلام علیکم و رحمة الله

رئیس. موافق رد را دعوت بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). دومین موافق رد آقای صالح‌خوانساری هستند، بفرمایید.

سیدمرتضی صالح‌خوانساری. بسم الله الرحمن الرحیم

موضوع طرح برادران و خواهران استفسار انحطاط اخلاقی پدر و مادر است در جهت حضانت طفل. آنچه را هم که تا الان خواهران و برادران در موافقت

اين طرح بياناتي داشتند، نوعاً اظهار مورد بوده است در حالي كه براي تفسير و استفسار بايد به يك حاصل جمع برسيم.

بنده معتقدم اخطا اخلاقي پدر و مادر يا هر كس در اين عالم قابل ضبط و حد و مرز نيست. عوامل فساد درباره بشر فراوان و مختلف است حالات انسان‌ها هم مختلف است. نگاه كه مي‌كنيم علماً محترم و بزرگان اخلاق، هنوز به يك جمع‌بندي و تعريف جامع و مانع در احصاء و شمارش گناهان كبيره و صغيره نرسيده‌اند. گاهي گفته‌اند گناه كبيره نسبت به گناه بالاتر صغيره است و نسبت به گناه پايين‌تر كبيره است. پس مقوله اخطا اخلاقي، مقوله تشكيكي و مبهم است، قابل ضبط و اظهار مصداق نيست. در طرح قيد شده «اخطا اخلاقي به خطر اندازنده

سلامت جسم و سلامت اخلاقي فرزندان، موضوع قانون مطرح شده» بنا بر اين ممكن است اخطا يا فساد يا سوء

اخلاقي باشد كه به خطر اندازنده سلامت جسم و اخلاق فرزندان نباشد، اين هم ابهام دوم.

بهترين وضع اين است كه واگذار كرد موضوع را به همان قرائن زماني و مكاني در دادگاه و نظر قاضي با توجه به فرد مجرم و محكوم و مقتضيات آن دادگاه. براي هيچ كس قابل تفسير و مقرر كردن مصداق و مصاديق نيست در عين اينكه نمي‌دانيم تفسير اخطا اخلاقي براي طراحان محترم طرح چه اثري در حفظ حقوق مادران و اطفال دارد.

جمله سوم بنده اين است: نمي‌دانم عزيزان طراح توجه به اين بعد قضيه داشته‌اند يا نه؟ مسأله حضانت پدر و مادر مطرح است و اخطا اخلاقي پدر و مادر. و پدر و مادر را در امر حضانت و اخطا اخلاقي، ردیف هم آورده‌اند. خدای ناکرده این طور نشود اینکه به جایی برسیم که مسأله ولایت پدر که ذاتی و الهی و آسمانی است، کم‌کم لوٹ و به دست فراموشی سپرده شود، چون مرتب پدر و مادر در امر حضانت، پدر و مادر در امر اخطا اخلاقي اینها را موضوع قرار بدهیم، این ردیف قرار دادن پدر و

مادر در این مسایل معیشتی، ما و جامعه ما را به جایی نرساند که مسأله ولایت ذاتی پدر لوث و فراموش بشود. بنابراین از نظر بنده قابل تفسیر نیست و باید به همان محکمه و نظر قاضی واگذار کرد.

والسلام علیکم و رحمة الله

رئیس. متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (غفوری فرد). مخالف بعدی خانم جلودارزاده هستند، بفرمایید.

سهیلا جلودارزاده. بسم الله الرحمن الرحيم

در ارتباط با طرحی که در دستور کار مجلس محترم قرار دارد مطالب زیادی مطرح شده و فکر می‌کنم هر کدام از برادران و خواهران محترم غایبند که با مردم حوزه انتخابیه خودشان هم بخصوص خانم‌ها در تماس باشند به این مشکل پی برده باشند، منتها من چند مطلبی را در ارتباط با اشکالات مخالفین محترم (یعنی موافقین رد) عرض می‌کنم.

مطلبی که مطرح می‌شود، قضیه به این شکل به نظر می‌رسد که هر آقای که مثلاً دروغی را در منزل می‌گوید یا یک وعده نمازش را ترك کرده یا یک جرم و گناه کوچک، صغیره یا کبیره‌ای را مرتکب شده باشد، خانم‌ها رغبت دارند که زندگی‌شان را متلاشی بکنند، طلاق بگیرند و حضانت بچه‌هایشان را که یعنی قبول مسئولیت تربیت، تغذیه و امنیت یک عمر یک خانواده را به تنهایی به دوش بکشند، در مقابل یک مشکل کوچکی که در خانواده پیش آمده.

برادران و خواهران محترم نمایند! همه شما می‌دانید که اصلاً قضیه به این شکل نیست. خانم‌ها بارها و بارها همسرانشان دستگیر می‌شوند، به زندان می‌روند، ننگ همسر یک زندانی بودن را، یک مجرم بودن را تحمل می‌کنند، سختی تأمین آذوقه، امنیت، اجاره‌خانه، مسائل ناشی از بدون همسر بودن را تحمل می‌کنند و تا دوران زندانی همسرشان به پایان می‌رسد دوباره همسرشان برمی‌گردد، جشن می‌گیرند که آغاز یک زندگی جدید را دارند و دوباره شوهرشان مرتکب جرم می‌شود، دوباره به مصرف مواد مخدر، به انواع و اقسام بزهکاری‌ها روی می‌آورد و این

دوباره مجبور است كه يك پروسه ديگر تحمل سخي‌ها را تحمل كند. آنقدر اين قضيه تكرر مي‌شود تا حتي مواردی را كه خود ما شاهدش بودیم، يك چرخ خیاطی دستی كه تنها وسیله امرار معاش خانواده به وسیله زن بوده، توسط همسرش در نیمه شب می‌خواسته به سرقت برود و به فروش برسد. خانمی كه می‌رود كه چرخ خیاطی‌اش را از دست همسرش بگیرد، به وسیله همسرش با همان چرخ خیاطی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و ضربه مغزی می‌شود و الان يك عنصر باصطلاح غیر قابل استفاده است و وضعیت خانواده‌اش را نمی‌تواند ادامه بدهد. این همسر به چه درد این زن می‌خورد؟ كجا این ولایت مورد نظر اسلام و قرآن و طبیعت و خلقت را دارد اعمال می‌كند؟ اینكه اصلاً دارد هر چیزی را كه به عنوان يك مقدس در ذهن این خانواده است مخدوش می‌كند و از بین می‌برد و مورد سؤال قرار می‌دهد؟! ما این‌گونه^۱ موارد را می‌گوئیم. چرا حالا در مورد این مسأله ما تقاضای استفساریه کرده‌ایم. به دلیل اینكه قضات محترم شاید تحت تأثیر احساسات، شاید به دلیل اینكه مصادیق بارز و مشخص این قضیه را ندیده‌اند و شاید به دلیل وجود خصلت‌های مردانه به این مسائل توجه نمی‌كنند و حضانت اینگونه اطفال را كه مادرشان واقعاً دیگر به تنگ آمده و برای حفظ این فرزندان ضرورت می‌بیند كه طلاق بگیرد، می‌بینیم كه حضانت را به پدر می‌دهند، پدر از این بچه‌ها به عنوان عوامل رد و بدل كردن مواد مخدر یا عوامل كمکی در بزه‌كاری‌هایش استفاده می‌كند. لازم است كه يك سری به كانون‌های اصلاح و تربیت زده بشود یا مراكز نگهداری بچه‌های زندانی‌ها و ببینیم كه واقعاً چه عواملی باعث می‌شود كه اینها به بزه‌كاری بيفتند و یا اینكه مجبور بشوند مثلاً در این مراكز به تنهایی و دور از مادرشان زندگی

۱. در متن فوق عبارت «این‌گونه» جایگزین عبارت «این‌جور» گردید.

بکنند؟ به دلیل اینکه حضانت به پدر داده شده و پدر صلاحیت نداشته.

پس جمع بندی این قضیه اینکه هیچ وقت زنی حاضر نمی‌شود در مقابل جرم کوچکی که همسرش انجام داده تقاضای طلاق بکند و وقتی واقعاً به تنگ آمد و با اصطلاح صحت و سلامت جسمی و روحی خود و فرزندان را در معرض خطر کاملاً جدی دید، آن وقت است که تقاضای طلاق می‌کند و اینجا جا دارد که حضانت بچه‌هایش را واقعاً به عنوان یک نشانه قدردانی از این حسن نیتش به او بدهیم و حتی از او حمایت هم در زمینه نگهداری فرزندان بشود، چرا که این دارد مسئولیت یک عمر خانواده را به تنهایی تقبل می‌کند.

مطلب دیگری که لازم است به آن توجه بشود، این است که فرزندان اینگونه افراد مجرم و بزهکار وقتی که تحت حضانت پدرشان قرار داشته باشند، اینها از یک آینده خوب هم محروم می‌شوند. وقتی با مادرشان زندگی بکنند، حداقل این است که می‌گویند، پدر ما فوت کرده و ما پدر نداریم و می‌توانند یک زندگی خوب داشته باشند. ولی اگر فرزند یک مرد معتاد باشند، شما فکر کنید که چه کسی حاضر است با دختر یک فرد معتاد که نیمی از عمرش را مدام در زندان‌ها و با قاچاق‌فروش‌ها و با معتادین زندگی می‌کند و معتادین را به خانه‌اش می‌آورد و منزلش شده مرکز استعمال مواد مخدر، چه کسی حاضر است با دختر این ازدواج بکند؟ و اگر یک جوانی هم وارد این خانواده بشود، واقعاً خانواده آن پسر نگران آینده فرزندان هستند. ما این طوری^۱ آینده اینگونه افراد را هم به خطر می‌اندازیم با دادن حضانتشان به پدرانشان. و خود این فرزندان واقعاً احساس خفت و ننگ از وجود اینگونه پدران دارند. (رئیس — وقت حضرت‌عالی تمام شد)

۱. در متن فوق عبارت «این طوری» جایگزین عبارت «این جور» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۱۰۳

در مورد دیگر من واقعاً تعجب می‌کنم (عذر می‌خواهم که این را عرض می‌کنم) بعضی از مخالفین محترم یعنی موافقین رد، این طرح را تا آخر نخوانده‌اند. در بند (۷) این مشخص کرده که بعضی از مصادیقی را که ما واقعاً نداریم در این استفساریه هم نمی‌آید و می‌فرمایند که ممکن است مصداق این باشد در اختیار قاضی است، یعنی اینجا اشاره شده «و هر مورد دیگری که به تشخیص قاضی از

مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی است». ما عرض می‌کنیم که مصادیق بارز آن را در استفساریه بیاورید و مصادیقی که مشخص نیست، هر وقت علماً

به نتیجه رسیدند که این انحطاط اخلاقی است یا قاضی خودش به نتیجه رسید آنجا قضاوت بکند و اینجا دست قاضی را باز گذاشته و مشکلی را هم ایجاد نخواهد کرد، خیلی ممنون.

رئیس. متشکر، موافق بعدی رد را دعوت بفرمایید.
منشی (غفوری‌فرد). موافق بعدی رد آقای

دري‌نجف‌آبادي هستند، بفرمایید.
قربانعلی دری‌نجف‌آبادی. بسم الله الرحمن الرحيم
نمایندگان گرامی عنایت بفرمایند که یک قانون مدنی چه مفادی دارد و حالا این طرح چه مشکلی را حل می‌کند؟!

مفاد قانون مدنی این است، یعنی عبارت قانون مدنی که یکی از قوانین مادر و متقن و متون بسیار معتبر در قانون‌نویسی است و به سادگی نباید این متن بسیار دقیق را (به قول ما طلبه‌ها مثل جواهر مثل متن شرایع) دستکاری کرد. متن این است: «هرگاه

در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد (پیدا است که دوتا مسأله عمده هم است به خاطر انحطاط اخلاقی پدر یا مادر) صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ

کند». در حقیقت این جزّ اختیارات دستگاه قضائی است که در این چارچوب است. دستگاه قضائی و هر محکمه‌ای می‌تواند رسیدگی کند، شکایت است این «می‌تواند» یعنی درحقیقت اجازه قانونی است، این معنایش این نیست که می‌تواند سر باز بزند. نه، یعنی وقتی شکایت طرح شد، او موظف به رسیدگی است. این «می‌تواند» یعنی وقتی شکایت در محکمه طرح شد، او موظف به رسیدگی و اقدام است. حالا در این طرح که داده شده است چه کار کرده‌اند؟ این کلمه «محکمه می‌تواند» را کرده‌اند «محکمه مکلف است» بعد آمده‌اند یک تبصره گذاشته‌اند. «طفل در این ماده کودک است که به سن بلوغ و رشد مذکور در این قانون نرسیده باشد». یک تبصره گذاشته‌اند طفل را تعریف کرده‌اند. تبصره بعد یک مواردی را ذکر کرده‌اند به عنوان مواردی که نشان‌دهنده انحطاط اخلاقی است. مواردی هم که ذکر فرموده‌اند^۱، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، قمار، معروف به فساد اخلاق، فحشا، مثلاً غیبت طولانی یا غیبه، رها کردن طفل در محیط خالی. این ضرب و شتم تأدیب خارج از حد، چند مواردی اینگونه ذکر کرده‌اند، آخرش باز دیدند که این نمی‌تواند این قانون را کامل تفسیر کند، در حقیقت باز این متن جامع و مانع نیست. اگر ما می‌خواهیم مصادیق را ذکر کنیم، تعریف نمی‌شود، باید جامع و مانع باشد. بگوییم منظور از مثلاً انحطاط اخلاقی اینها است، تعریف روشنی را دست بدهیم. والا باز به عهده دستگاه قضائی کشور و محکمه است. لذا در بند (۷) مجدداً فرموده‌اند، «سو» استفاده از توان روحی، جسمی، مالی و اقتصادی طفل مانند اجبار او

۱. در متن فوق عبارت «فرموده‌اند» جایگزین عبارت «فرمودند» گردید.

به بيگاري، فساد و هر مورد ديگري». دوباره آن هر موردی که در متن قانون بوده دوباره در بند (۷) آورده اند، گفته اند. دیده اند، آخرش با ذکر چند تا مصداق مسأله حل نمی شود، آخرش باید مشخص کند یعنی دستگاه قضائي است که نهایتاً باید تصمیم بگیرد.

خوشبختانه خانم دکتر وحید می فرمودند که قانون مدني از مرقی ترین قوانین است. بعضی از مصداق را ذکر کردند، باز به همین نکته هم اشاره کردند و فرمودند که «وحدت رویه نیست». خوب، وحدت رویه به فرض بگویم لازم باشد، با يك بخشنامه رئیس قوه قضائیه است. مگر با اینکه ما چند تا مصداق را ذکر کنیم، وحدت رویه ایجاد می شود؟! همه عزیزان بدانید و بدانیم که، هم موضوع و هم حکم تابع شرایط، تابع اشخاص، تابع مناطق، تابع وضعیت جغرافیایی، تابع شرایط روحی، شرایط خانوادگی، شرایط فرزند، شرایط پدر، شرایط مادر، شرایط وابستگان، شرایط محیط های اصلاح و تربیتی است. مگر می شود مثلاً يك چیزی را که در (۵۰۰) شعبه قضائي در سراسر کشور ممکن است اختلاف نظری هم باشد با توجه به شرایط مناطق مختلف کشور، يك حکمی در خوزستان با يك نحوه باشد، به خاطر شرایط آنجا، شرایط خانوادگی، آن قاضی باید تمام این عوامل و شرایط را در نظر بگیرد و حکم بدهد. آیا این بچه را که می خواهد بلاكلیف کند یا مثلاً از عهده پدرش به عهده مادرش وظیفه اش را بگذارد یا به عهده پدر بزرگ بگذارد، واقعاً ظرفیت و توان و استعداد و قابلیت هست یا نه؟ از چاه به چاله و از چاله به چاه نباشد. فرار از مطر به میزاب و از میزاب به مطر نباشد. همینطور که راحت نمی شود حکم داد. من خودم اگر قاضی باشم، وجداناً تمام موارد را باید کامل بررسی کنم، مثل اینکه در فقه، ما علل مخففه داریم، علل مثقله داریم، علل مشدده داریم، يك جرمی تشدید می شود، يك جرمی تخفیف پیدا می کند، ماه رمضان باشد يك شرط پیدا می کند، در حرم خدا باشد يك شرط دیگر پیدا می کند، در این موارد هم

همینطور است. باید گفت آنجایی که قاضی تشخیص می‌دهد که براساس تشخیص قاضی سرنوشت این فرزند و این طفل از نظر اخلاقی و روحی یا از نظر جسمی در خطر است و باید مصلحت این طفل را منظور کرد، اینجا است که قاضی باید به حکم برسد. حالا ممکن است اصلاً این اعتیاد نداشته باشد، اما بداخلاقی داشته باشد به مراتب بدتر از اعتیاد! بعد اگر بنا باشد این عناوین را ما در قانون بگذاریم، فردا دنبال این است، فرض کنید که خانمی می‌خواهد حکم بگیرد، دنبال این است که فحشا^۱ شوهرش را العیاذ بالله اثبات بکند. اصلاً ما اینها را از نظر قانون‌نویسی باید در قانون بیاوریم؟ با عفاف اجتماعی سازگار است؟ فردا دهها دعوی دیگر در دادگاهها طرح نمی‌شود که زن می‌خواهد اثبات کند که مردش چنین و چنان است، اهل فحشا^۱ است العیاذ بالله، مرد می‌خواهد از خودش دفاع کند؟! این تعبیرها وقتی بار قانونی دارد، تحویل دستگاه قضائی داده می‌شود، دنبالش هم توجه داشته باشیم که چه تبعات فراوانی برای جامعه خواهد داشت. بنابراین من خواهم این است که ما به سادگی متن قانون محکم و متقن و مترقی که تعبیر خانم وحید بود، قانون مدنی را تغییر ندهیم و با اضافه کردن چند اصطلاح یا چند کلمه به عنوان فساد، اعتیاد، فحشا^۱ و غیره، بعد هم نگوییم آقا! بعد هم موارد دیگر! ممکن است واقعاً صد درصد اینها ملاک نشود، تازه اول دعوی می‌شود که این اهل فحشا^۱ است، اهل فساد است، اهل بیماری‌های روانی است، اهل صرع است یا نه، تازه ما یک دعوی جدیدی را در دادگاه مطرح می‌کنیم. بجای^۲ اینکه ما یک فکری برای این بچه‌های بیگناه بکنیم، تازه یک دعوی جدید خانوادگی را در دادگاه مطرح می‌کنیم. به نظرم می‌آید اگر مشکل

۱. در متن فوق عبارت «بجای» جایگزین عبارت «بجایی» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۰۷

وحدت رویه است، خواهران و برادران پیشنهادشان را به رئیس قوه قضائیه بدهند، این از اختیارات مسلم رئیس قوه قضائیه است که يك نامه‌اي بنویسد، زمینه برای وحدت رویه را در مجموع دستگاه قضائی کشور فراهم کند. با ذکر مثال باز وحدت رویه حاصل نمی‌شود، برای اینکه شرایط مناطق مختلف، قاضی‌های مختلف، افراد مختلف، خانواده‌های مختلف، اوضاع زمان و مکان ... همه اینها واقعاً در هر نوع حکمی، هر نوع تشخیص موضوعی و هر نوع تفکیکی و جدا کردن طفل از پدرش و دادنش مثلاً به مادر و غیره، این مسائل جدیدی را برای جامعه مطرح می‌کند که اختیار واقعی آن همان است که قانون مدنی گفته و متن قانون مدنی است.

بنابراین با توجه به اینکه این تعاریفی که برادران و خواهران فرمودند با این مصادیقی که ذکر کردند، نه، تعریف روشنی نیست، جامع افراد نیست، مانع اغیار نیست و خیلی از موارد هست که واقعاً ممکن است چیز^۱ انحطاط اخلاق باشد در این

مثالها نیاید. ممکن است در این موارد اثبات این موارد که این فحشا است، معتاد است، خطرناک است، چنین و چنان است، در دستگاه قضائی خودش يك کار مشکلی باشد، يك دعوی جدیدی را مطرح کند.

من خواهم این است که به اصل متن قانون مدنی موافقت باشد، همان که هست و با این طرح با این کیفیت موافقت نشود و رد کمیسیون قضائی را مجلس محترم موافقت بفرماید که همان ردی که کمیسیون قضائی هم که کمیسیون اصلی است بررسی فرمودند و فرمودند رد، همان رد به قوت خودش باقی باشد.

رئیس. متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). آقای عزیزی بفرمایید.

ابراهیم عزیزی. بسم الله الرحمن الرحيم

اول بهتر است صورت مسأله يك مقداری روشنتر بشود تا جان کلام جا بیفتد. ماده واحده که در حقیقت ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی است آنجا دارد «هرگاه در اثر

عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی

طفل در معرض خطر باشد، محکمه مکلف است به تقاضاي اقرباي طفل يا به تقاضاي قيم او يا به تقاضاي مدعي‌العموم هر تصميمي را که براي حضانت طفل مقتضي بدانند، اتخاذ کند». (رئيس - مکلف است در متن اصلي ندارد، مي‌تواند) بله. متن اصلي «مي‌تواند» هست که در اینجا ماده واحده با يك «مکلف است»

اصلاح شده و مهم‌ترين بحث آن در تبصره است که توضيح مي‌دهم. بنا بر اين براي اينکه يك محکمه اي قيمومت طفل، حضانت طفل را از پدر يا مادر بگيرد، بایستي عدم مواظبت پدر نسبت به طفل يا عدم مواظبت مادر نسبت به طفل و همچنين اخطاات اخلاقي پدر يا مادر نسبت به طفل حتماً يك عنصر است. يعني اگر يك پدري يا يك مادري اخطاات اخلاقي داشت، يکي از عناصري که مي‌تواند قرار بگيرد که دادگاه مکلف باشد حضانت را از آن پدر يا مادر بگيرد تحقق پيدا کرده است. لکن علت تامه نيست، علت تامه هنگامي مطابق اين ماده واحده تحقق پيدا مي‌کند که علاوه بر اخطاات اخلاقي پدر، علاوه بر عدم مواظبت پدر، علاوه بر اخطاات اخلاقي يا عدم مواظبت مادر، اين عدم مواظبت و اين اخطاات اخلاقي به ترتيب به صحت جسماني يا تربيت اخلاقي طفل به طوري ضرر بزند که آن را در معرض خطر قرار بدهد. بنا بر اين، اين نکته بسيار اهميت دارد. عنايت داشته باشيد اگر صرفاً اخطاات اخلاقي، تحقق پيدا کرد، حضانت از پدر يا مادر گرفته نمي‌شود. اگر عدم مواظبت تحقق پيدا کرد، صرفاً به اين اعتبار حضانت از پدر يا مادر گرفته نمي‌شود. آن عدم مواظبت باعث مي‌شود که حضانت گرفته شود که باعث بشود به صحت جسماني طفل يك ضرر جبران‌ناپذير که در معرض خطر آن را قرار بدهد. يا آن اخطاات اخلاقي که تربيت طفل را در معرض خطر قرار بدهد. حالا در اين موارد، احصا

شده است از جشي از مصاديق بارز عدم مواظبت و اخطاات اخلاقي. بنا بر اين عنايت داشته باشيد اگر اينجا موردی مطرح شده، اعتياد به الكل و مواد مخدر يا معروف بودن به فساد اخلاق، اين در حقيقت

يك عنصر تعريف شده، مصاديق يكي از عناصر تعريف شده كه عدم مواظبت يا اخطا اخلاقي است تحقق پيدا کرده. آن ديگر وظيفه قاضي است كه تشخيص بدهد اين اخطا اخلاقي، اين عدم مواظبت، اين معروف به فساد بودن، اين اعتياد آيا تربيت طفل را در معرض خطر قرار مي‌دهد؟ آيا سلامت جسماني طفل را در معرض خطر قرار مي‌دهد يا نه؟ حالا اين نکته اساسي در اينجا مطرح شده، نكاتي است كه واقعاً كسي روي آن اختلافي ندارد، حصري هم نيست. عنايت داشته باشيد، دست قاضي بسته نشده، بلكه در حقيقت دستگاه قضائي براي وصول به عدالت، هدايت و راهنمايي شده. اين مصاديق عبارت است از اعتياد به الكل و مواد مخدر، اعتياد نه اينكه يك بار مصرف کرده باشد، معتاد به مواد مخدر باشد و اين اعتياد موجب آثار سوء^۱ در خانواده باشد،

تازه مي‌گويند اين اخطا اخلاقي شد. حالا اين اعتياد اگر به تشخيص قاضي، تربيت طفل را در معرض خطر قرار داد، حضانت گرفته مي‌شود. والا اگر باز اين اعتياد باعث نشد به تربيت اخلاقي كودك، به صحت جسماني طفل ضرري وارد نكرد، قاضي مكلف نيست كه به عدم حضانت رأي بدهد. اين را دقت داشته باشيد از مصاديق بارز قسمت‌هاي احصاء^۲ شده،

آنگاه هم آمده «موارد ذيل از مصاديق است». حالا اين شور اول است، عبارتش قطعاً مي‌تواند كم و زياد بشود، اصلاح بشود ولي ضرورتش قطعاً انكار ناپذير است. وقتي كه دستگاه قضائي مي‌خواهد صبغه^۳ دفاع از مظلوم داشته باشد يكي از مواردش اين است كه قوانين آن راه را براي وصول به عدالت تسهيل بکند، قاضي روشنتر بشود. وقتي قاضي مي‌آيد روشن مي‌شود، مي‌تواند در رأيش در وصول به عدالت قطعاً تسهيل کند و او را موفقتر بکند. اين موارد است كه قطعاً كسي روي آن اشكال ندارد، براي چه برخي

۱. در متن فوق عبارت «صبغه» جاگزين عبارت «سبقه» گرديد.

از این مصادیق ذکر شده؟ چون ما دیگر از این مصادیق بارز نباید عقب نشینی بکنیم. یعنی اگر واقعاً ما حکومت یا غیبت طولانی یا جنون پدر یا مادر، اینهایی که با این قید به تربیت ضربه بزند، به صحت و سلامت ضربه بزند، از مصادیق ندانیم پس از چه بدانیم؟ در حقیقت آدمی جمع خیرین در این صورت گرفته که هم خدای ناکرده نکند یک پدر یا مادری که انحطاط اخلاقی دارد، عدم مواظبت دارد، به سلامت طفل، به تربیت طفل ضرر جدی و غیر قابل جبران وارد می‌کند، نکند برخی از مصادیقی که واقعاً واضح است ما از بیان خودداری بکنیم که از آنها هم بیفتیم. بنابراین ما باید بیاییم در حقیقت هم مواردی که واقعاً روشن قطعی است، به عنوان برخی از مصادیق بگوییم که از آن دیگر عقب نشینی نشود آن هم به عنوان یکی از عناصر که تحقق می‌دهد با عنصر دیگری که واقعاً ضرر غیر قابل جبران می‌زند، در حقیقت آن طفل را در معرض خطر قرار می‌دهد اگر جمع بشود به نظر قاضی می‌تواند مصداق آن باشد و عدم حضانت را بگیرد.

خواهش من از برادران و خواهران نماینده عنایت داشته باشید از این مواردی که واقعاً می‌توانیم برای خودمان باقیات‌الصالحات تحصیل کنیم و موجب بشود که ان شاء الله هر چه بیشتر در قانونگذاری تقویت بکنیم صبغه^۱ دفاع از مظلوم را، از اینها غافل نشویم و ان شاء الله در شور دوم قطعاً در کمیسیون اصلاحات لازم صورت می‌پذیرد و امیدواریم که ان شاء الله نمایندگان محترم عنایت داشته باشند و به این مورد (به اصل طرح) رأی بدهند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
رئیس. متشکر، ما یک موافق و مخالف بعدی را داریم، دولت و کمیسیون را هم داریم، یکی از طراحان را

۱. در متن فوق عبارت «صبغه» جایگزین عبارت «سبق» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۱۱

هم داريم. چون رد شده از طراحان هم بايد صحبت بكنند، بنابراين بقيه بحث را براي جلسه بعد ميگذاريم.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶/۱۲/۵

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۵۴۴۰ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۵)

دوره پنجم. اجلاسیة دوم ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷

صورت مشروح مذاكرات جلسه علي روز سه شنبه چهاردهم مرداد ماه ۱۳۷۶ (جلسه ۱۱۳)

۶. تصویب کلیات طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن

رئيس. دستور را مطرح بفرمایید.
منشي (نویشت). اولین دستور، شور اول طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن است که تعدادي از موافقين و مخالفين محترم صحبت فرمودند. آخرين مخالف محترم رد که صحبت کردند جناب آقای عزيزي بودند، الان موافق محترم رد بايد صحبت بکنند. آقای سيدعلي اکبر حسيني بفرمایید.

سيدعلي اکبر موسوي حسيني. بسم الله الرحمن الرحيم همان طور که اعلام کردند گفتگو در باره طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن است. بنده در موافقت با رد صحبت ميکنم.

طراحان محترم در متن ماده تغييری نداده اند جز اینکه کلمه «مي توانند» را به کلمه «مكلف است» تبديل کرده اند که اين از نظر حقوقي و قضائي چیزی را تغيير نمی دهد، در وظیفه دادگاه چیزی را نمی افزاید. چون در عرف حقوقي کلمه «مي توانند» همان

۱. در متن فوق عبارت «مي توانند» جایگزین عبارت «مي توانند» گردید.

وظیفه‌ای را القا می‌کند که کلمه «مکلف است». بنابراین ضرورتی ندارد که ما کلمه «می‌تواند» را به کلمه «مکلف است» تغییر بدهیم، فایده‌ای هم ندارد.

دو تبصره به این متن ماده افزوده‌اند، تبصره اول طفل را تعریف کرده، این تعریف بین بلوغ و رشد مردد است و چون تعریف مردد بین بلوغ و رشد است، نمی‌تواند تعریف رسایی باشد. در تعریف طفل باید ضابطه مشخصی داد که تردیدی نباشد.

در تبصره (۲) طراحان محترم سعی کرده‌اند ابهامی که در کلمه «عدم مواظبت و اخطاات اخلاقی» تصور شده، این ابهام را با بندهایی بزدایند و در باره عدم مواظبت و اخطاات اخلاقی مصادیقی را ذکر کرده‌اند. مثلاً در بند (۱) تبصره (۲) اینچنین آورده‌اند:

۱. اعتیاد به الکل و مواد مخدر و قمار، بیان مصادیقی است از اخطاات اخلاقی ولی چون دیده‌اند که هر اعتیادی و هر ابتلای به قمار و مواد مخدری، مشمول اخطاات اخلاقی نمی‌شود، خودشان آورده‌اند: «به طوری که موجب آثار سوء در خانواده و تربیت فرزند بشود». بنابراین خودشان هم باور دارند که اعتیاد، مواد مخدر، ابتلای به قمار در هر صورت مصداق به اخطاات اخلاقی که برای کودک زیانبار باشد نیست، بلکه آن اعتیادی که موجب آثار سوء در خانواده و موجب آثار سوء در تربیت فرزند باشد، مصداق اخطاات اخلاقی است. بنابراین همان گونه که تشخیص اخطاات اخلاقی در متن ماده قانونی با قاضی و محکمه است، اینجا هم تشخیص آثار سوء با قانون و محکمه است، چیزی تغییر پیدا نکرده و چیزی تبیین نشده.

مثلاً در بند (۲) نوشته‌اند: «معروف بودن به

فساد اخلاق و فحشا^۱. باز اين را مقيد کرده اند که در خانواده تسري يافته و يا طفل را در معرض انحراف و سوء تربيت قرار دهد. ملاحظه مي‌فرماييد اينجا هم تشخيص را به قاضي و محكمه واگذار کرده اند.

در بند (۳) هم همین طور است، در پايان آورده اند: «به نحوي که به تربيت طفل ضربه بزند».

در بند (۴) هم همین طور است در پايان بند آورده اند: «که موجب ضرر روحي يا جسمي طفل گردد» و همین طور تا پايان بند (۷) که بيش از اين توضيح نمي‌دهم و چون ديده اند^۱ که اين مصاديق، مصاديق جامع و مانعي نيست، در پايان آورده اند «و هر مورد ديگري که به تشخيص قاضي از مصاديق عدم مواظبت يا انحطاط اخلاقي است».

ملاحظه مي‌فرماييد طراحان محترم سعي کرده اند که کلمات «عدم مواظبت و انحطاط اخلاقي» را که در متن ماده (۱۱۷۳) قانون مدني است با بيان مصاديقي تعريف کنند. اما خود ديده اند که اين بيان مصاديق رسا نيست و لذا ذيلي براي هر بند آورده اند که تشخيص اثربخشي و سوء اثر آن به دادگاه واگذار شده.

بنابراين بر متن ماده قانوني چيزي اضافه و کم نشده جز اينکه مصاديقي در انحطاط اخلاقي بيان شده که آن مصاديق هم جامع و مانع نيست.

خلاصه اينکه طراحان خواسته اند ابهام موجود در کلمه «انحطاط اخلاقي» را با بيان مصاديقي رفع کنند

که در اين کار چندان توفيق نداشته اند و حتي نتوانسته اند با برشمردن مصاديق تعريف جامع و مانعي را ارائه کنند و هرچله از مصاديق را با عبارتي که تشخيص حدود آن به قاضي و محكمه واگذار

۱. در متن فوق عبارت «ديده اند» جاگزين عبارت «ديدند» گرديد.

شده، آورده اند.

بنابراین به نظر بنده این طرح نمی تواند فایده چندانی در رفع ابهام عبارت «اخطاط اخلاقی و عدم مواظبت» داشته باشد، هرچند که تصویب آن نیز زیبایی نخواهد داشت جز اینکه شأن قانون و قانونگذار را تا بیان مصادیق تنزل می دهد. اختیار با مجلس محترم است.

رئیس. چون موافق دیگری نیست، بنابراین دیگر آقایان صحبت نمی کنند، طرح هم هست یکی از طراحان صحبت بفرمایند.

منشی (غفوری فرد). آقای شیرازیان بفرمایید.

سید غلامرضا شیرازیان. بسم الله الرحمن الرحیم درخواستم این است که با توجه به اهمیت بحثی که مطرح است چند لحظه ای عزیزان به دلایلی که ما به عنوان طراحان برای این مسأله در ذهن داشتیم، توجه بفرمایید.

دو دلیل را برای رد، کمیسیون محترم عنوان فرمودند که دقیقاً همین دو دلیل هم دلیل تعریف طرح بوده است: اول اینکه بحث لغت اخطاط اخلاقی را ما برایش تعریف می خواستیم، در یادداشتی که مرکز پژوهش ها در این رابطه تهیه فرمودند توضیح دادند که طبق نظر حقوقدانان معاصر، این بحث فاقد ابهام و اجمال است و تشخیص موارد نیز برای قاضی ایجاد مشکل نخواهد کرد.

یک طرف دیگر در کتاب حقوق مدنی نوشته آقای کاتوزیان بحث این است که عبارت «اخطاط اخلاقی» در ماده (۱۱۷۳) تعریف نشده، لذا رویه واحدی در بین قضات وجود ندارد. همین دو استنباط از دو مرجع بررسی کننده نشان دهنده این واقعیت است که این عبارت «اخطاط اخلاقی» نیاز به تعریف دارد.

بحث اساسی که در اینجا مطرح است، هدف این قانون است. هدف این قانون، تعالی انسان است و به عبارتی بوجود آوردن آینده سازان جامعه که در نظام جمهوری اسلامی تعریفی بسزاتر از بقیه نظام ها برایش داریم. بحث خلیفه الله شدن انسان مطرح است.

آيا كسي كه به عنوان خليفه الله مي خواهد مطرح بشود مي تواند در آغوش يا در دامن يك مادر يا خدای ناكرده پدر بزهكار بزرگ بشود؟

بحث باز شدن كلمات يا باز شدن مسايل مختلفه اي كه عزيزان در مخالفت قضيه عنوان فرمودند چند نکته ريز را بايستي عرض بكنم و آن اينكه ما در بحث خانواده، الان براي پدر يا مادر به طور مشخص حق خاصي را قائل نيستيم، بلكه به اين اعتقاد هستيم كه هر کدام از اين دو عضو خانواده داراي مشكلات اخلاقي باشند كه اين مشكلات اخلاقي اخلاقي كه حاج آقا حسيني هم ذكر فرمودند كه ما ذكر مصاديق را سعي كرديم مطرح بكنيم، اصلي ترين معضل، همين بحث مصاديق است. به عبارتي باز بودن دست قاضي در تشخيص مصاديق، گرچه خدای ناكرده ممكن است اين فرضيه را در ذهن بياورد كه شأن قانونگذار را ما در حد مصاديق پائين برده ايم، اما به دليل اينكه عرض كردم، مسأله، مسأله مهمي است، مسأله، مسأله تربيت نسل آينده است. مسأله، مسأله خانواده است. مسأله، مسأله از هم پاشيده شدن يا پاشيده نشدن خانواده است.

به همين دليل و به دليل اينكه در مراجع حقوقي (عرض كردم) مسايل مختلفه اي را كه بيان كردند، عنوان شده است كه نمي توان براي اين اخلاقي تعريف مشخص ذكر نمود، لذا تنها راه حلي كه به نظر رسيد ذكر مصاديق بود. رد اين قضيه در يكي از كميسيون هاي مجلس مطرح شده است. اما در دو كميسيون ديگر (آموزش و پرورش و بهداري و بهزيستي) اين مسأله مورد تأييد قرار گرفته است. چرا؟ چون در بحثي كه ما بحث تربيت طفل را مطرح كرديم، كميسيوني كه با مسايل تربيتي، مسئول مسايل تربيتي است، اين نکته ظريف را تأييد فرمودند و تأكيدها کرده اند كه بايستي اين مسأله مطرح بشود و در متن قانون به صراحت ذكر شود.

در مورد مسايل جسماني دقيقاً دليل دوم رد عزيزان هم به همين دليل آمده است كه عنوان فرموده اند بعد از اينكه جرم واقع شد يا خدای

ناکرده کودکي مورد سو استفاده قرار گرفت از نظر جسماني يا از نظر تربيت رواني، تربيت صحيح نشد، آن وقت است که قانون به داد او برسد. در حالي که تعريفی که براي قانون داریم و علتی که در دو کمیسیون دیگر مورد تأييد قرار گرفته است این است که این پیشنهاد سعی بر این دارد که قبل از وقوع جرم، قانون را نافذ کند. قبل از اینکه اتفاقی براي فرزند بیفتد به قاضي و محکمه یادآوری کند که مصادیق انحطاط اخلاقی چه مصادیقی است. متأسفانه در جامعه مثالهاي زیادی وجود دارد که همین مصادیقی که ما به این سادگی داریم از آن رد می‌شویم، براي خیلی از خانواده‌ها و براي خیلی از انسان‌هاي جوان و یا کودکانی که آینده سازان این جامعه هستند مسأله بوجود آورده است.

به هرحال من توجه اکید عزیزان را به این نکته جلب می‌کنم که در اینجا بحث، بحث ولایت و سرپرستی نیست. بحث نگهداری است، بحث، بحث حضانت است. اگر حتی در دوران رضاع، در دورانی که مادر هم از نظر قانونی مجاز است فرزندان را در اختیار داشته باشد، اگر این انحطاط اخلاقی وجود دارد بحث ما این است که برایش فکری بشود و این حضانت در اختیار کسی باشد که صلاحیت بیشتر را دارد. اگر بعد از این دوره رضاع هم باز صلاحیت را حقوقدانان و قضاتی که تصمیم گیر هستند براساس این مصادیق به یکی از اولیا لازم می‌دانند که داده بشود، این تصمیم بتواند با این ریزه‌کاري‌ها روی افراد مختلفه گرفته بشود.

به هرحال کلیت پیشنهاد طرح این است که سعی بشود ان شاء الله قبل از وقوع جرم، قبل از اینکه فرزندی بد تربیت بشود، قبل از اینکه مورد سو استفاده جسماني قرار بگیرد، ان شاء الله قانون بتواند تحکم بیشتری بکند، قانون بتواند با صراحت بیشتری به قاضي دادگاه و بالاحص به افرادی که به عنوان استفاده کننده قانون به قاضي مراجعه می‌کنند با استناد به مصادیق ذکر شده و ادله کافی

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۱۷

براي مصاديق ذكر شده بتوانند حق و حقوق خود را داشته باشند. به هرحال توجه خاصي به اين مسأله از نظر فقهي حتماً معطوف است، درخواست ما هم اين است كه كميسيون هاي مربوطه و كارشناسان فقهي كه در مجلس تشريف دارند، ان شاء الله روي اين مسأله نظريات فقهي شان را هم اعمال بفرمايند و ما سعي كنيم كه قانون را تكميل كنيم. وقتي كه خود قانون دانان الان توضيحي دارند كه ابهامي در اين جمله وجود دارد، حتي سرور ارجمندمان حاج آقا حسيني هم كه اشاره فرمودند، تأكيد فرمودند كه ابهامي در اين قضيه انحطاط اخلاقي وجود دارد، اما اين ابهام را چگونه بايد رفع كرد؟ بعضي ها ميگويند در كتاب هاي قانون بنويسند. خوب، قانون نويس ها هم اين مشكل را داشته اند و بحث كرديم كه آنها هم اين كمبود را احساس مي كنند. پس وظيفه كيست؟ وظيفه ما است كه به عنوان قانونگذار حتي اگر شده است در حد مصاديق، جاگاه خودمان را پائين بريم ولي نسل آينده را ان شاء الله در معرض خطر سواستفاده اخلاقي و جسماني قرار ندهيم.

والسلام عليكم و رحمة الله

رئيس. خيلي متشكر.

اماني. تذكر آيين نامه اي دارم.

رئيس. خام اماني بفرماييد.

شهريانو اماني انگنه. بسم الله الرحمن الرحيم

ماده (۴۷) تبصره (۲) – من عين تبصره را قرائت مي كنم، انتظار دارم كه مجلس محترم هم توجه بفرمايند.

تبصره ۲. گزارش كميسيون فرعي در مجلس به همراه كميسيون اصلي قرائت مي گردد و در مواردی كه نظرات كميسيون فرعي با مصوبات كميسيون اصلي متفاوت باشد، در هر مورد مانند پيشنهادهاي اصلاحي، نخست بخير كميسيون فرعي توضيح داده، سپس مخالف و موافق مذاكره نموده و در آن مورد رأي گيري بعمل مي آيد.

در اينجا كميسيون فرعي كميسيون بهداري و بهزيستي و كميسيون اصلي كميسيون آموزش و پرورش

بود^۱، با توجه به اینکه کمیسیون بهداری و بهزیستی فرعی بوده و با عنایت به اینکه در اکثر موارد سازمان بهزیستی متولی اینگونه بچه ها هست، انتظار داریم که خبر کمیسیون بهداری و بهزیستی به دلیل اینکه اصل طرح را قبول داشتند همراه با کمیسیون آموزش و پرورش تشریف بیاورند و دلایل خودشان را بر قبول اصل طرح عنوان نکنند. والسلام علیکم و

رحمة الله

رئیس. خوب، حالا اینجا کلیاتش مطرح است. آنجا در مورد مواردی است که معمولاً ناظر به شور دوم است. در مواردی که در این قصه مخالف هستند چنین کاری را می‌کنند. مخالف و موافق کلیات صحبت کردند. «در مواردی که نظرات کمیسیون فرعی با مصوبات کمیسیون اصلی متفاوت باشد ...» مصوبات کمیسیون اصلی اطلاق می‌شود ... چون آن کلیات که مصوباتشان نیست، این یک مصوبه است! بنابراین ناظر بر شور دوم می‌شود. در آنجا اگر شما نقطه نظراتی داشته باشید و با کمیسیون اصلی متفاوت باشد، می‌توانید به این ماده عمل نکنید. نماینده دولت بفرمایید.

منتظری (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری). بسم الله الرحمن الرحيم

نظر به اینکه این طرح موضوعی را مورد بحث قرار داده و مطرح نموده است که دقیقاً جایگاه فقهی آن مشخص است و فقهایی بزرگوار ما این موضوع را در کتابهای فقهی مطرح کرده‌اند، من قبل از اینکه نسبت به اصل مسأله اظهار نظر بکنم، یک^۲ تتبعی در فقه داریم ببینیم که نظر فقهی در این خصوص چیست؟ البته شأن علمای بزرگوار مجلس اجل از این است که

۱. لازم به ذکر است که کمیسیون اصلی «کمیسیون امور قضائی و حقوقی» بوده است. کمیسیون‌های آموزش و پرورش و امور بهداری و بهزیستی به عنوان کمیسیون‌های فرعی طرح را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲. در متن فوق عبارت «یک» جایگزین عبارت «یک» گردید.

من اين عرايض را خدمت آنها عرض كنم، نسبت به برادران و خواهران تقاضا دارم كه عنايتي بفرماييد كه اين مسأله از بعد فقهي اش اول روشن بشود و بعد هم هرگونه كه مجلس محترم تصميم گرفتند. حضانت به معني نگهداري و مراقبت و پرورش كودك است و با ولايت فرق مي‌كند. حضانت حقيقي است كه خداوند متعال به پدر و مادر داده كه در مقطعي مربوط به پدر است و در مقطعي هم مربوط به مادر است.

من اين مسأله را از تحريرالوسيله امام خدمت عزيزان عرض مي‌كنم، مسأله شانزدهم، باب «القول في احكام الولاده و ما يلحق بها» مي‌فرمايند «الام احق بحضانه الولد و تربيته و ما يتعلق بها من مصلحه حفظه مده الرضاع أي الحولين اذا كانت حره مسلمه عاقله، ذكراً كان او انثى...» (تا اينكه مي‌فرمايند) ... فاذا انقضت مده الرضاع فالاب احق بالذكر و الام بالانثى حتي تبلغ سبع سنين من عمرها ثم يكون الاب احق بها، و ان فارق الام بفسخ او طلاق قبل ان تبلغ سبع سنين لم يسقط حقها ما لم تتزوج بالغير، فلو تزوجت سقط حقها عن الذكر و الانثى و كانت الحضانه للاب».

حضانت فرزند تا مدت (۲) سال (چه پسر و چه دختر) حق مادر است. بعد از گذشتن (۲) سال حق حضانت در پسر به پدر برمي‌گردد و در دختر تا (۷) سال حق مادر است. بعد از اينكه (۷) سال دختر تمام شد، مجدداً حق به پدر برمي‌گردد. اين حضانت هم تا زماني است كه كودك به سن بلوغ و رشد برسد. بعد از اينكه كودك به سن بلوغ و رشد رسيد، ديگر پدر و مادر حق حضانت ندارند.

مسأله بعد اين است كه حضانت غير از ولايت است. مرحوم صاحب جواهر در اين خصوص بحث مبسوطي در كتاب جواهر دارد و آنچه كه من مي‌خواهم خدمت عزيزان عرض كنم و به آن توجه بيشتري عنايت بفرماييد اين است. هم امام - رضوان الله عليه - در تحريرالوسيله و هم ساير فقها و مشهور از فقها

بحثی را دارند که آیا این حضانت مثل ولایت قابل اسقاط هست یا نیست؟ بعد از بحث نتیجه گیری کرده اند که حق حضانت قابل اسقاط است یعنی مادر می تواند بگوید که من حضانت را متقبل نمی شوم و در ازای آن اجرت مطالبه کند، این یک نکته.

نکته دوم حق حضانت را مشروط به چهار شرط کرده اند و بیشتر از این چهار شرط، هرچه تتبع کردم (در حد وسعم) در کتب فقهیه من ندیدم، امام - رضوان الله علیه - هم بیش از این چهار شرط نفرموده اند.^۱ آن چهار شرط چیست؟

یکی عبارت است از اینکه مادر باید حر باشد. دوم اینکه مسلمان باشد در آنجائی که فرزندی مربوط به شوهری است که او مسلمان است.

سوم اینکه باید عاقله باشد.

چهارمین شرط اینکه مادر باید غیر مزوجه باشد. یعنی اگر جدا شدند و رفت شوهر کرد، حق حضانت از مادر سلب می شود.

غیر از این چهار مورد، هیچک. ... از جمله امام - رضوان الله علیه - به عنوان شرط دیگر چیزی نیاورده اند.^۲ مرحوم صاحب جواهر بحثی را دارد که اگر چنانچه کسی به مرض مسری مریض بشود یا به یک بیماری که صعب العلاج باشد، آیا این حق از او سلب می شود؟ بعد از بحث نتیجه گیری کرده اند^۳ که خیر، این سلب نمی شود زیرا استنباه در اینجا جایز است.

از قول بعضی از فقهاء نقل کرده اند که بعضی از فقهاء فرموده اند^۴ شرط عدالت هم هست و بعضی گفتند

۱. در متن فوق عبارت «نفرموده اند» جایگزین عبارت «نفرمودند» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «نیاورده اند» جایگزین عبارت «نیاوردند» گردید.

۳. در متن فوق عبارت «کرده اند» جایگزین عبارت «کردند» گردید.

۴. در متن فوق عبارت «نفرموده اند» جایگزین عبارت «نفرمودند» گردید.

شرط عدالت نيست، بلكه عدم الفسق شرط است. بعد از بحث ايشان نتيجه گيري کرده اند^۱ بر اينكه اطلاق ادله حضانت هيچيك از اين شرايط را به خود نپذيرد. يعني دلايلي كه حق حضانت را براي مادر و براي پدر مقرر کرده اطلاق دارد، جز آن چهار شرطي كه اجماعي هست، ما ديگر نمي توانيم آن را مقيد به قيد ديگري بكنيم.

در بحث اطلاق، عزيزان مستحضر هستند آنجائي كه متكلم و گوينده حكيم در مقام بيان مطلبي باشد به معونه مقدمات حكمت، وقتي كه مطلبي را به صورت مطلق بيان مي كند اين اطلاق حجت است و ما نمي توانيم آن را مقيدش بكنيم.

با اين وصف عزيزان عنايت فرمائيد! ما يك ماده قانوني داريم كه اين ماده قانوني الان معتبر است، ماده (۱۱۷۳) قانون مدني است. اين قانون به صورت مطلق آمده مطلبي را ذكر کرده و مي گويد: «هرگاه در اثر عدم مواظبت يا انحطاط اخلاقي پدر يا

مادري كه طفل تحت حضانت او است صحت جسماني و يا تربيت اخلاقي طفل در معرض خطر باشد ...» واضع اين

قانون، حالا به هرحال مستند فقهي شان چه بوده، يك بحثي است (با توجه به اين نكاتي كه من خيلي مختصر اشاره كردم) اما به هرحال اين قانون الان هست و اطلاق هم دارد، مقيد به آن قيود چهارگانه هم در اينجا نشده، البته در متن فقه آمده است.

مسأله جنون است كه اگر چنانچه پدر يا مادر چنين باشد اين ديگر نمي تواند از طفل حضانت بكنند. خوب، اين را مي گيرند، اگر (فرد قبلي) مادر است به پدر مي دهند، اگر پدر است، مي دهند به مادر. اما اينكه ما بياييم اين اطلاق در ماده (۱۱۷۳) قانون مدني را مقيدش كنيم ... ببينيد عزيزان! در حقيقت وقتي كه طراحان محترم آمدند مسأله را به اين صورت مطرح كردند كه اين انحطاط اخلاقي را به

۱. در متن فوق عبارت «كرده اند» جاگزين عبارت «كردند» گرديد.

اعتیاد، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، معروف بودن به فساد اخلاق، محکومیت یا غیبت طولانی، رها کردن طفل در محیط، جرم علیه سلامت جسمانی کودک، احصا

کنیم، همه اینها در حقیقت مقید کردن يك حق است که خداوند متعال به پدر و مادر داده و ما هم نمی‌توانیم این حق را از پدر و مادر سلب کنیم مگر در آن مواردی که توسط شارع مقدس در کتب فقهی ما ذکر شده است. در همان چهار مورد ما می‌توانیم این حق را سلب کنیم. اما در غیر این موارد گرفتن حق از پدر یا مادر، فرق نمی‌کند، به هر حال این احتیاج به مجوز شرعی دارد (رئیس - وقت حضرت‌عالی تمام شد) حق است که شارع مقدس اسلام برای پدر و مادر قرار داده، گرفتن این حق از پدر و مادر به هر حال احتیاج به مجوز دارد و چون با اطلاق سازگار ندارد و در حقیقت این طرح مقید کرده به قیودی که وجه شرعی آن برای ما روشن نیست، ما نمی‌توانیم نسبت به این مسأله موافق باشیم و بعلاوه نهایتاً (جمله آخرم این است) در این طرح هم اگر عزیزان عنایت کنند بالاخره به تصمیم دادگاه برمی‌گردد. یعنی باید این مسأله در دادگاه برود و ثابت بشود. اگر در دادگاه انحطاط اخلاقی ثابت شد، حالا چه در بعد اعتیاد، چه ابعاد دیگری که ذکر کردند، در آنجا دادگاه حکمش را صادر می‌کند. خلاصه همین را دادگاه می‌تواند از اطلاق ماده (۱۱۷۳) به دست بیاورد. والسلام

رئیس. متشکر، خیر کمیسیون بفرماید.

جعفر گل‌باز (نایب کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر می‌کنیم از موافقین محترم رد این طرح که مطالب بسیار روشنگر و ارزنده‌ای را ارائه دادند. فقط یکی دو نکته مانده که این را تذکر بدهیم و تصریح به آن بکنیم.

در ماده (۱۱۷۳) طراحان محترم دو تغییر اساسی را به نظر می‌رسد که خواهان هستند: یکی اینکه در اصل ماده آمده است که «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او

است، صحت جسماني يا تربيت اخلاقي طفل در معرض خطر باشد محكمه مي‌تواند ...» طراحان محترم آمدند اين «محكمه مي‌تواند» را تبديل كردند به اينكه «محكمه مكلف است». طبيعتاً وقتي محكمه مكلف است بايد كه در مصاديق هم يك جزميتي بيان بشود، در حالي كه در الحاق دو تا تبصره اين جزميت را بيان نكرده‌اند. به بيان ديگر اگر در اثر عدم مواظبت يا انحطاط اخلاقي پدر يا مادري كه طفل تحت حضانت او است، صحت جسماني يا تربيت اخلاقي طفل با اين مصاديقي كه بيان شده در معرض خطر باشد بايد در تبصره‌ها و بندهايي كه ذكر كردند مي‌آمد كه حتماً در اين موارد دادگاه بايد مكلف باشد كه حضانت را از پدر يا مادري كه طفل در حضانت او است بگيرد. در حالي كه در خود همين موارد طراحان محترم با سكوت يا غير تصريح صحبت كردند و در همه اين بندها كه از مصاديق انحطاط اخلاقي يا عدم مواظبت ذكر شده، آنجا هم مسأله را به تشخيص دادگاه و محكمه واگذار كرده‌اند. در حقيقت اين همان كاري است كه در اصل ماده (۱۱۷۳) الان وجود دارد و با اين بيان كاملاً مشخص است كه طراحان محترم نتوانسته‌اند آن چيزي كه خودشان آن را مي‌خواستند مطرح كنند به آن واقعاً جزم و يقين پيدا كنند و فقط مصاديق را ذكر كردند و در حقيقت با جزم نتوانستند بگويند كه حتماً اين مصاديق از آن موارد انحطاط اخلاقي است و بايد دادگاه حتماً حضانت را از پدر يا مادري كه طفل تحت حضانت او است از آنها بگيرد.

مثلاً بند (۱) اعتياد به الكل، مواد مخدر، قمار، از مصاديق انحطاط اخلاقي است. طبيعتاً بايد طراحان محترم مي‌گفتند كه اينها از مصاديق انحطاط اخلاقي است و بايد دادگاه حتماً از پدر يا مادري كه مبتلا به اعتياد الكل يا مواد مخدر يا قمار است، در اين سه مورد حضانت را سلب كند. در حالي كه در ذيل اين بند اين طور آمده «اعتياد به الكل، مواد مخدر و قمار به نحوي كه موجب آثار سوء

در خانواده و تربیت فرزند گردد».

خوب، چه کسی باید این را تشخیص بدهد؟ لذا اصل این تشخیص با محکمه است. بنابراین محکمه ارکان بررسی این موارد است و اصل ماده هم همین را گفته بود.

بنابراین ما فکر می‌کنیم که این طرح ضمن اینکه مسائل را روشن بیان نکرده، خود اصل ماده يك ماده روشنی است. سالیان متمادی به آن عمل شده. در سلب حق حضانت پدر یا مادری که طفل در حضانت او است باید که دست دادگاه را باز بگذاریم، اوضاع و احوال و شرایط را ببینند و کمیسیون محترم قضائی همه این شرایط را لحاظ کرد و به همین خاطر با این طرح مخالفت داشت. به هرحال ما تابع نظر مجلس محترم هستیم، به هرطریقی که بخواهند تصمیم بگیرند.

والسلام علیکم ورحمةالله

رئیس. متشکر، نمایندگان محترم در جریان هستند که وقتی يك طرح یا لایحه‌ای در کمیسیون رد می‌شود، رأی که گرفته می‌شود برای اصل طرح و لایحه رأی گرفته می‌شود نه برای رد آن یعنی موافقین با اصل طرح و لایحه در رأی‌گیری قیام می‌کنند.

حاضر ۲۱۶ نفر، کلیات طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن به رأی گذاشته می‌شود. موافقین با اصل طرح قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

بین منشی‌ها اختلاف است اگر موافق هستید ما کتی رأی بگیریم؟ (نمایندگان - موافقیم) بسیار خوب، حاضر ۲۲۱ نفر، گلدان‌ها را جهت رأی‌گیری آماده کنید. اصل طرح به رأی گذاشته می‌شود، موافقین رأی سفید و مخالفین رأی کبود می‌دهند.

(اخذ رأی با ورقه بعمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید)

رئیس. نتیجه رأی‌گیری با ورقه:

حاضر ۲۲۱ نفر، موافقین ۱۱۱ نفر، بنابراین تصویب شد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۱۲۵

شماره ترتیب

دوره پنجم - سال دوم
چاپ ۸۲۴
شماره چاپ سابقه ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷
۷۰۵ - ۵۰۱
تاریخ چاپ ۱۳۷۶/۶/۱۲
شماره دفتر ثبت ۱۹۷

پیشنهادهای

پیشنهادهای واصله در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳)
قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن

اداره كل قوانین

باسمه تعالی

پیشنهادهای واصله در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳)
قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن

۱. (ماده واحده) ... در معرض خطر باشد محکمه صالحه به تقاضای اقربای درجه یک طفل یا قیم او یا تقاضای قاضی دادگاه رأی مقتضی برای حضانت طفل، صادر خواهد گردید.
۲. (تبصره ۲) موارد ذیل بنا به تشخیص قاضی محکمه از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر متولی حضانت طفل محسوب می‌گردد:
۳. بند ۱ (تبصره ۲)
 ۱. اعتیاد به الكل و مواد مخدر و ارتكاب قمار به نحوي كه سلامت جسمي یا اخلاقي طفل در معرض خطر قرار گیرد.
 ۲. اشتهار به فساد اخلاق و فحشا به طوري كه طفل در معرض انحراف اخلاقي واقع شود.
 ۳. بند ۴ حذف شود.
 ۴. (بند ۵) ارتكاب اعمالی كه سلامت جسمانی یا روحی

۱. در متن فوق عبارت «خطر» بعد از عبارت «معرض» اضافه شد.

و اخلاقی طفل را به خطر افکند و یا اجبار او برای حضور در صحنه های فساد و دیدن مناظر ضد اخلاقی مانند گدائی و قاچاق و فحشا.

۷. عادت به ضرب و شتم و تأدیب خارج از حد شرع و قانون ... تا آخر.

علي موحدي ساوجي

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران

شماره ترتیب چاپ	دوره پنجم - سال دوم
	۸۵۹
شماره چاپ سابقه ۵۰۱	۱۳۷۶ - ۱۳۷۷
	۷۰۵ - ۸۲۴
شماره دفتر ثبت	تاریخ چاپ ۱۳۷۶/۷/۱
	۱۹۷

شور دوم

شماره ۷۰/ک ق
تاریخ ۱۳۷۶/۶/۳۱
گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتیب چاپ ۷۰۵^۱ که جهت رسیدگی شور دوم به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور پیشنهاددهندگان و کارشناسان دستگاههای اجرایی مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحات و الحاقاتی در عنوان و متن به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

۱. شماره چاپ «۷۰۵» مربوط به گزارش شور اول است نه طرح.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۲۷

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي سيدفتح مرتضوي

ضمناً گزارش كميسيون فرعي آموزش و پرورش تا اين تاريخ واصل نگرديد.

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني

ماده واحده. ماده ۱۱۷۳ قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱۱۷۳. هرگاه در اثر عدم مواظبت يا اخطا اخلاقي پدر يا مادري كه طفل تحت حضانت او است، صحت جسماني و يا تربيت اخلاقي طفل در معرض خطر باشد، محكمه مي تواند به تقاضاي اقرباي طفل يا به تقاضاي قيم او يا به تقاضاي رئيس حوزه قضائي هر تصميمي را كه براي حضانت طفل مقتضي بداند، اتخاذ كند.

موارد ذيل از مصاديق عدم مواظبت و يا اخطا اخلاقي هر يك از والدين است:

۱. اعتياد زيان آور به الكل، مواد مخدر و قمار.
۲. اشتهار به فساد اخلاق و فحشا.

۳. ابتلا به بيماري هاي رواني با تشخيص پزشكي قانوني.

۴. سوء استفاده از طفل يا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقي مانند فساد و فحشا، تكديگري و قاچاق.

۵. تكرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

شماره ۱۵۹/ب/ك

تاريخ ۱۳۷۶/۵/۲۱

گزارش كميسيون بهداري و بهزيستي به مجلس شوراي اسلامي

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتیب چاپ ۷۰۵^۱ که به کمیسیون بهداری و بهزیستی به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع گردیده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۹ با حضور مسئولان دستگاههای^۲ اجرایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به شرح ذیل به تصویب رسید.

اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

دکتر سیدشهاب‌الدین صدر
رئیس کمیسیون بهداری و بهزیستی

اصلاح کمیسیون

در سطر اول ماده واحده عبارت «انحطاط اخلاقی» حذف و عبارت «عدم صلاحیت» جایگزین گردید.

شماره ۷۰۵، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، سال ۱۳۷۷، شماره ۴

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۵۵۳۶ مورخ

۱۳۷۷/۴/۱۳)

دوره پنجم - اجلاس دوم

۱۳۷۷ - ۱۳۷۶

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه یازدهم

آبان ماه ۱۳۷۶

(جلسه ۱۳۹)

۹. تصویب طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و

الحاق دو تبصره به آن

نایب رئیس. دستور بعد را مطرح بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). گزارش شور دوم کمیسیون امور

۱. شماره چاپ «۷۰۵» مربوط به گزارش شور اول است نه طرح.

۲. در متن فوق عبارت «دستگاههای» جایگزین عبارت «دستگاه» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۲۹

قضائي و حقوقي در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن. محضر كميسيون بفرماييد.

نفيسه فياض بحث (عضو كميسيون امور قضائي و حقوقي) — بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش از كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن به شماره ترتيب چاپ (۷۰۵)^۱ كه جهت رسيدگي شور دوم به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور پيشنهادهندگان و كارشناسان دستگاههاي اجرايي مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحات و اخلاقياتي در عنوان و متن به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور دوم آن تقديم مجلس شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي. سيدفتح مرتضوي

(ضمناً گزارش كميسيون فرعي آموزش و پرورش تا اين تاريخ واصل نگرديده است).

طرح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و اصلاح دو تبصره به آن كه در طي جلسات مكرر مجلس شوراي اسلامي مورد بحث و بررسي قرار گرفته بود، در جلسه كميسيون قضائي مجلس مطرح شد. با توجه به اينكه عدم شفافيت برخي از مواد قانون مدني و ابهام آن مواد باعث اين شده است كه وحدت رويه اعمال نشود و سلايق مختلف قضات در اين زمينه امكان اجرايي داشته باشد، نياز مبرم است كه در اين مواد با تبصرههاي اصلاحي كه صورت ميگيرد شفافيت و صراحت لازم كه بتواند آن قاطعيت ضروري را در اجراي داشته باشد، صورت بگيرد. به خاطر همين، ماده (۱۱۷۳) قانون مدني كه در واقع به

۱. شماره چاپ «۷۰۵» مربوط به گزارش شور اول است نه طرح.

این صورت بود که «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا اخطا اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند».

این ماده اولیه که در واقع در طرح هم لحاظ شده بود در جلسه شور دوم کمیسیون مطرح شد، تنها تغییری که صورت گرفت عبارت «مدعی‌العموم» بود. با توجه به اینکه بهترین مصداق عینی مدعی‌العموم در قانون دادگاههای عام عبارت است از رئیس مجتمع‌های قضائی در شهرهای بزرگ و نیز رؤسای دادگستری‌ها در شهرهای کوچکتر، این عبارت به عبارت «رئیس حوزه قضائی» اصلاح شد و نیز در شور اول کمیسیون که واژه «طفل» تعریف شده بود با توجه به اینکه در ماده (۱۱۹۳) قانون مدنی طفل را تقریباً تعریف کرده و نیز ماده (۱۲۱۰) قانون مدنی مصوب ۶۱/۱۰/۸ و نیز همان ماده مصوب ۷۰/۸/۱۴ تعریف سن بلوغ را برای «طفل» کرده که (۱۵) سال برای پسر و (۹) سال برای دختر است، به خاطر همین کمیسیون محترم قضائی در جلسه شور دوم تکرار تعریف «طفل» را غیر ضرور تشخیص داد و آن را حذف کرد و در شور اول آن برخی از همان مواد لحاظ شد، نظرات پیشنهادکنندگان نیز لحاظ شد، فقط برخی مواد تقریباً اصلاح شد و مختصرتر به صورتی که وجاهت قانونی داشته باشد در نظر گرفته شد. ماده اول به این صورت اصلاح شد:

۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار.

۲. معروف بودن به فساد اخلاق و فحشا که در خانواده تسری یافته به این صورت اصلاح شد:

«اشتهار به فساد اخلاق و فحشا».

ماده (۳) ابتلاً^۱ به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشک قانونی بود.

در مصوبه شور اول مجلس شورای اسلامی تشخیص پزشک قانونی نیامده بود. در واقع مشخص نشده بود که تشخیص بیماری روانی توسط چه مرجع قانونی باید صورت بگیرد و ضرورت داشت که مشخص بشود. همان‌طور که عرض کردم مهمترین اشکالی که ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی داشت، ابهام آن و عدم شفافیت ماده بود. یعنی ماده‌ای است بسیار درخشان و بسیار لازم ولی به دلیل عدم شفافیت و عدم صراحت آن، نمی‌توانست از آن قاطعیت لازم اجرایی برخوردار باشد. بنابراین همان ماده عیناً در شور دوم تکرار شده فقط برخی بندهای^۲ آن اصلاح شده. (عرض کردم) واژه «مدعی‌العموم» هم که در قانون دادگاه‌های عام مصادق عینی آن عبارت است از رؤسای دادگستری شهرستان‌ها و رؤسای مجتمع‌های قضائی هم اصلاح شده که تغییر ماهوی محسوب نمی‌شود.

«بیماری‌های روانی» با توجه به اینکه یکی از مهمترین مشکلات جامعه مدرن و جامعه صنعتی حقیقتاً وجود بیماری‌های روانی است، بیماری‌های اسکیزوفرنی، پارانوئید و سایر بیماری‌های روانی که حقیقتاً مشکل جدی در جامعه ایجاد کرده، شاید در برخوردهای عادی و مختصری که افراد در اجتماع با هم داشته باشند این بیماری را متوجه نشوند، اما در برخوردهای ممتد عمقی در خانواده و یا حتی در محیط کار این بیماری بروز و ظهور پیدا می‌کند که در بند (۳)^۳ ماده به صورت «با تشخیص پزشک قانونی» اصلاح شد.

۱. در متن فوق عبارت «بندهای» جایگزین عبارت «مواد» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «بند ۳» جایگزین عبارت «تبصره ۳» گردید.

بندهای^۱ (۵) و (۷) شور اول مجلس هم به صورت بند^۲ (۴) اصلاح شد که عبارت است از «سو^۳ استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا^۴، تکدی‌گری و قاچاق»، بند^۵ (۶) شور اول کمیسیون هم به صورت بند^۶ (۵) اصلاح شد «تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف».

بنابراین همان ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی ذکر شده، تنها چند بند^۷ به آن به منظور شفافیت و صراحت قانون اضافه شده، تشکر می‌کنم.

نایب رئیس. متشکر... پیشنهادات را مطرح بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). کمیسیون‌ها پیشنهاداتشان را مطرح نمی‌فرمایند.

روانی. پیشنهاد حذف قسمتی از بند (۵) را دارم.

نایب رئیس. بفرمایید.

پرویز روانی. بنام خدا

در طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی که به صورت ماده واحده آورده شده، در بند (۵) این طرح که می‌گوید «تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف».

بنده اینجا پیشنهاد دارم که در بند (۵) کلمات «خارج از حد متعارف» حذف بشود. برای اینکه ضرب و

جرح دیگر حد متعارف ندارد، وقتی که ضرب و جرحی انجام بشود که ثابت بشود ضرب و جرح است، مثلاً آوردن اینکه ضرب و جرح متعارف خلاف است و موجب و هن قانون است. بنابراین، حالا ضرب و جرح نباید انجام بشود، خوب ما می‌گوییم حالا انجام شد ولی اگر

۱. در متن فوق عبارت «بندهای» جایگزین عبارت «مواد» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «بند» جایگزین عبارت «ماده» گردید.

۳. همان.

۴. همان.

۵. در متن فوق عبارت «بند» جایگزین عبارت «تبصره» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۳۲

تكرار و ثابت شد ديگر در واقع حكم عدم سازش صادر بشود و گفتن اينكه ضرب و جرحي در حد متعارف است به نظر بنده در قانون مصلحت نيست و موجب وهن قانون است. بنابر اين بند (۵) را بنده پيشنهاد دارم فقط به صورت تكرار ضرب و جرح اصلاح بشود. چون هيچ ضرب و جرحي در حد متعارف نيست و آوردن آن در قانون صحيح به نظر نمي‌رسد، متشكر. **نايب رئيس.** مخالف و موافق صحبت نمي‌كنند، دولت مخالف است، كميسيون بفرماييد.

نقيسه فياض بخش (عضو كميسيون امور قضائي و حقوقي). من يك نكته‌اي را در توضيح پيشنهاد برادر محترم جناب آقاي رواني عرض بكنم، با توجه به اينكه مصاديق ذكر شده در اين ماده به صورت حصري نيست و در واقع دست مقامات قضائي را نمي‌بندد و مشكلي ايجاد نمي‌كند، شايد مورد ديگري علاوه بر اينها باشد و مي‌تواند مقام قضائي براساس آن تشخيص بدهد كه اين صحت و سلامت جسمي و روحي كودك را خدشه وارد كرده. بنابر اين با توجه به اينكه به صورت حصري نيست مي‌تواند موارد ديگري هم در نظر گرفته بشود، مي‌تواند ضرب و شتم، ضرب و جرح به هرصورتی كه باشد ايجاد مشكل بكنند و در واقع سلب حضانت بكنند و مصاديق به صورت تمثيلي مطرح شده، نكته‌اي كه بايد در اين خصوص مطرح بشود، ضرب و جرح با توجه به اينكه اگر خارج از حد باشد موجب ديه مي‌شود و در قانون اين نكته پيش‌بيني شده كه ديه بايد برايش در نظر گرفته بشود، به نظر مي‌رسد كه وجود آن در كميسيون ضرورت داشت و اين پيشنهاد در كميسيون قضائي مجلس مطرح شد و مورد موافقت قرار نگرفت. **نايب رئيس.** متشكر، حضار ۱۹۶ نفر، پيشنهاد حذف قسمتي از بند (۵) است، بند (۵) را قرائت بفرماييد.

منشي (غفوري‌فرد). پيشنهاد حذف آن عبارت «خارج از حد متعارف» است.

نايب رئيس. بسيار خوب، بخشي از بند (۵) است، حضار ۱۹۶ نفر، نمايندگان محترمي كه با اين پيشنهاد

موافق هستند قیام بفرمایند.
(عده کمی برخاستند) تصویب نشد.
اگر پیشنهاد دیگری نیست ماده واحده را برای
رأی‌گیری قرائت کنید.
منشی (غفوری‌فرد). طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون
مدنی
ماده واحده. ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی به شرح زیر
اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۷۳. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط
اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است صحت
جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد،
محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفلی یا به
تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی^۱
هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند
اتخاذ کند.
موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط
اخلاقی هر یک از والدین است:
۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و
قمار.
۲. اشتهار به فساد اخلاق و فحشا^۲.
۳. ابتلا^۳ به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی
قانونی.
۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود
در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا^۴، تکدی‌گری و
قاچاق.
۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.
نایب رئیس. حضار ۱۹۳ نفر، نمایندگان محترمی که با
این ماده واحده موافق هستند قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

۱. در متن فوق عبارت «حوزه قضائی» جایگزین عبارت «حوزه
قضائیه» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۰

مجلس شورای اسلامی، اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۰، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۰.

۱۵۶۴ - ق

۱۳۷۶/۸/۲۴

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني و الحاق دو تبصره به آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۶/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد.

علی‌اکبر ناطق‌نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه‌تعالی

قانون اصلاح ماده (۱۱۷۳) قانون مدني

ماده واحده. ماده (۱۱۷۳) قانون مدني به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۷۳. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا اخطا اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا اخطا اخلاقی هر يك از والدین است:

۱. اعتیاد زیان آور به الكل، مواد مخدر و قمار.

۲. اشتهار به فساد اخلاق و فحشا.

۳. ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی.

۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود

در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری

و قاچاق.

۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.
قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علی
روز یکشنبه مورخ یازدهم آبان ماه یک هزار و
سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در
تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده
است.

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۷

قانون اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني

شماره ۱۳۷۷/۸/۲۷

تاريخ چاپ ۱۳۷۷/۸/۲۷

دوره پنجم - سال سوم
ترتيب چاپ ۱۳۲۶
شماره چاپ ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸
سابقه .
تاريخ چاپ ۱۳۷۷/۸/۲۷
تبيت ۴۰۷

طرح

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني
كمييسيون هاي ارجاعي: اصلي: امور قضائي و حقوقي
فرعي: امور اقتصادي و دارايي و تعاون - امور
بهداري و بهزيستي - نهادهاي انقلاب - امور زنان،
جوانان و خانواده

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

ولا تقربوا مال اليتيم الا بالتي هي احسن حتي يبلغ
اشده
«به مال يتيم نزديك نشويد، مگر به بهترين نحو (كه
رشد و بالندگي در مال صغير ايجاد نمايد) تا زماني
كه صغير به سن بلوغ برسد»

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
جناب آقاي ناطق نوري
احتراماً، همانگونه كه استحضار داريد پس از فوت
پدر، جد پدري ولايت قهري طفل صغير را در كلييه
امور مالي و حقوق قانوني وي به عهده دارد و در
صورت اثبات خيانت و يا عدم لياقت او در اداره
اموال، طبق ماده (۱۱۸۴) قانون مدني، به تقاضاي
اقرباي طفل و يا اداره سرپرستي حاكم يك نفر امين
به ولي منضم مي كند كه در بسياري موارد و طبق نظر

کارشناسان اداره سرپرستی، این نه تنها مشکل را حل نکرده، بلکه موجب بروز اختلاف و کشمکش بین ولی قهری و امین می‌شود و اساساً نیز امضا و دخالت امین به تنهایی هیچ اعتبار قانونی ندارد، بنابراین هدف از ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی که جلوگیری از حیف و میل اموال صغار توسط جد پدری است، به هیچ وجه رهگشا نمی‌باشد، بعلاوه که پرونده‌های بسیاری هم اکنون موجود است که جد پدری به واسطه کبر سن، ناتوانی جسمی، دوری مکان زندگی جد پدری از محل سکونت صغار، بی‌سوادی، اختلافات خانوادگی موجب ضررهای جسمی و معنوی بسیاری بر صغار گردیده است که اموال آنها نه تنها به غو مطلوب استفاده نگردیده بلکه کاهش فاحش و یا در معرض نابودی قرار گرفته است. لذا ضروری است فتوای حضرت امام در تحریر الوسيله در کتاب الحجر (مساله ششم) در متن قانون مدنی تصریح گردد:

«هر وقت به قرائن احوال، برای حاکم آشکار شود که پدر و جد پدری به مولي عليه (فرزند) ضرر می‌رساند، باید آنها را عزل و از تصرف در اموال او جلوگیری نماید.»

طرح زیر جهت تصویب تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد:

نفیسه فیاض بخش - سهیلا جلو دارزاده - علوي - صدیقي - مرضیه وحیددستجردي - زادسر - شیرازیان - فولادي - ساعدي - نخبه‌الفرقهائي - شجاعی‌فرد - رحمانی - داودي - قاسم‌پور - مقدمی‌زاد - جادري - باغبانیان - عباسپور - باهنر - امیدوار رضایی - رضوي اردکانی - زرگر - غفوری‌فرد - سیدابوالقاسم رضائی - صدر - حریزاي - سیدعباس موسوي - پالک‌نژاد - زارعی قنواي - فاطمه کروی - یحیوي - نیره اخوان بیطرف - الهه راستگو - توکلي - تاج الدین - راه‌چینی - ذاکري - فائزه هاشمی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی

ماده واحده. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولي عليه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب حیف و میل گردد، حاکم ولی قهری را

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۳۹

از دخالت در اموال مولي عليه منع و فرد صالحی را به عنوان قيم تعيين می نماید. همین حکم در موردی نیز جاری است که ولي قهری طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولي عليه نباشد.

ماده ۱۱۸۴ قانون مدني
مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولي قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولي عليه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب حیف و میل گردد به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای مدعی العموم بعد از ثبوت عدم لیاقت یا خیانت او در اموال مولي عليه به طرفیت مدعی العموم در محکمه حاکم یک نفر امین به ولي منضم می کند. همین حکم در موردی نیز جاری است که ولي طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولي عليه نباشد.

مجلس شورای ملی - تهران

دوره پنجم - سال سوم
ترتیب چاپ ۱۴۴۷
۱۳۷۷ - ۱۳۷۸
سابقه ۱۳۲۶
تاریخ چاپ ۱۳۷۷/۱۲/۸
ثبت ۴۰۷

شماره
شماره چاپ
شماره دفتر

شور اول

شماره ۱۴۹/ک ق
تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۵
گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای

۱. در متن فوق عبارت «مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹» جایگزین عبارت «مصوب ۱۳۰۷» گردید.

اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۳۲۶ که جهت رسیدگی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲ با حضور نماینده طراحان و کارشناسان دستگاههای ذربط مطرح گردید و با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی سیدفتح مرتضوی

ضمناً گزارش کمیسیون فرعی امور اقتصادی و دارایی و تعاون تا این تاریخ واصل نگردید.

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی

ماده واحده. ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح میگردد:

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضائی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین مینماید.

همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم میگردد.

شماره ۱۴۲۵/ب/ک

تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴

گزارش کمیسیون بهداری و بهزیستی به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به شماره ترتیب

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۴۱

چاپ ۱۳۲۶ كه به كميسيون بهداري و بهزيستي به عنوان كميسيون فرعي ارجاع گرديده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۳ با حضور طراحان و مسؤولان و كارشناسان دستگاههاي^۱ اجرايي مورد بحث و بررسي قرار گرفت و با اصلاحاتي به شرح ذيل به تصويب رسيد.

اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون بهداري و بهزيستي
دكتور سيدشهابالدين صدر

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني
ماده واحده. ماده (۱۱۸۴) قانون مدني به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولي قهري طفل لياقت اداره كردن اموال مولي عليه را نداشته باشد به تقاضي اقرباي طفل يا به تقاضي رئيس حوزه قضائي بعد از ثبوت عدم لياقت او در اموال مولي عليه در محكمه، حاكم يك نفر امن به ولي منضم ميکند همين حكم در موردني نيز جاري است كه ولي طفل به واسطه كير سن يا مرض يا امثال آن قادر به اداره كردن اموال مولي عليه نباشد.

همچنين هرگاه ولي قهري به طفل ضرر برساند و در مورد اموال مولي عليه مرتكب حيف و ميل گردد، حاكم ولي قهري را از دخالت در اموال مولي عليه منع و فرد صالح به عنوان قيم تعيين مي نمايد.

شماره ۸۷

تاريخ ۱۳۷۷/۹/۱۶

گزارش كميسيون امور نهادهاي انقلاب به مجلس شوراي اسلامي

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني به شماره ترتيب

۱. در متن فوق عبارت «دستگاههاي» جايگزين عبارت «دستگاه» گرديد.

چاپ ۱۳۲۶ که جهت رسیدگی شور اول به عنوان کمیسیون فرعی به این کمیسیون ارجاع گردیده بود در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۵ مطرح و مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و کلیات آن با اکثریت آراء به تصویب رسید.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور نهادهای انقلاب سیدباقر موسوی جهان آباد

شماره ۱۹ / ک خ

تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۳

گزارش کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۳۲۶ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود در جلسه روز چهارشنبه مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۸ مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده وحید دستجردی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی

ماده واحده. ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی‌علیه را نداشته باشد به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی بعد از ثبوت عدم لیاقت وی در اداره اموال مولی‌علیه نزد محکمه، حاکم یک نفر امین به ولی منضم می‌کند. همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولی‌علیه نباشد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۴۳

تبصره. هرگاه ولي قهري به طفل ضرر برساند و در مورد اموال وي مرتكب حيف و ميل گردد، حاكم او را از دخالت در اموال مولي عليه منع و فرد صالح به عنوان قيم تعيين مي نمايد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۲/۷

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۶۰۶۷ مورخ ۱۳۷۹/۲/۷)

دوره پنجم. اجلاسیة چهارم
۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

صورت مشروح مذاكرات جلسه علني روز سه شنبه شانزدهم فروردین ماه ۱۳۷۹ (جلسه ۳۶۹)

۸. تصویب کلیات طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني

رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرمایید.
منشي (موالي زاده). گزارش شور اول کمیسیون امور قضائي و حقوقي در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني.

رئيس. آقاي قرباني بفرمایید.
موسي قرباني (مخبر کمیسیون امور قضائي و حقوقي).
بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش کمیسیون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني به شماره ترتيب چاپ (۱۳۲۶) که جهت رسيدگی به اين کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلي ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۷۷/۱۲/۲ با حضور نماينده طراحان و کارشناسان دستگاههاي ذي ربط مطرح گردید و با اصلاحاتي به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اينك گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامي مي گردد.

رئيس کمیسیون امور قضائي و حقوقي
سيدفتاح مرتضوي

من جهت استحضار همکاران محترم عرض کنم که بحث در مورد ولایت قهری است، یعنی جایی که براساس قانون و شرع سرپرستی صغار به عهده ولی قهریشان یعنی پدر، پدر بزرگ و اینها ... قرار می‌گیرد، بحث بر سر این طور موارد است که اگر ولی قهری مصلحت و غبطه صغار را رعایت نکند و یا اقداماتی به ضرر افراد صغیر انجام بدهد. دست دادگاهها در شرایط فعلی باز نیست، دادگاه در شرایط فعلی نسبت به ضم امین اقدام می‌کند و به صورت کلی دادگاه نمی‌تواند ولی را از تصرفاتش منع کند.

در اینجا براساس اصلاحیه‌ای که صورت گرفته (البته متن ممکن است ایراداتی داشته باشد که چون شور اول است قابل اصلاح است). به دادگاه اجازه داده شده که ولی قهری را از هرگونه تصرفی در اموال صغیر منع کند و دادگاه به تقاضای اقربای صغیر یک فرد دیگری را برای سرپرستی اموال صغیر تعیین می‌کند. حالا عبارت عزل صحیح باشد یا نه، در هر حال اقدامی شبیه به همان عزل انجام می‌دهد، حالا اگر عزل درست باشد، ولی قهری را عزل می‌کند و یا اگر هم این عبارت درست نباشد جلو تصرفاتش را می‌گیرد. این برای اینکار است در مواردی که ولی قهری مصلحت صغار را رعایت نمی‌کند و یا به ضررشان اقدام می‌کند، دادگاه امکان جلوگیری از دخالت ولی قهری داشته باشد و بتواند فردی که صلاحیت دارد و غبطه صغار را رعایت می‌کند، مصالح آنها را مدنظر دارد و به آنها ضرر نمی‌زند، دادگاه آن فرد را برای رسیدگی به اموال آن صغار تعیین بکند. چون شور اول است من به همین مقدار توضیح اکتفا می‌کنم، اگر بحث مخالفی بود باز در پایان توضیح عرض خواهم کرد. مسأله در تحریرالوسیله هم آمده. بنابراین کلیات آن اشکال شرعی ندارد، مطابق فتوای امام هم هست و ان شاء الله برادران و خواهران به آن رأی خواهند داد.

رئیس. متشکر، مخالفی ثبت‌نام نکرده، موافق هم صحبت نمی‌کند، دولت هم موافق است، شور اول طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی است. کلیات این طرح به

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۴۵

رأی گذاشته می‌شود. حضار ۲۰۲ نفر، موافقین با کلیات این طرح قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۲/۱۴

دوره پنجم - سال چهارم
ترتیب چاپ ۱۹۱۰
شماره چاپ سابقه ۱۳۷۹ - ۱۳۷۸
۱۳۲۶ - ۱۴۴۷
تاریخ چاپ ۱۳۷۹/۲/۱۴
شماره دفتر ثبت ۴۰۷

شور دوم

شماره ۱۴۹ / ك ق
تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۳
گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۴۴۷ که جهت رسیدگی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۳ کمیسیون با حضور نمایندگان محترم دستگاههای اجرائی مطرح گردید و به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی
سیدفتاح مرتضوی

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۴۴۷» مربوط به گزارش شور اول است نه طرح.

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی

ماده واحده. ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضائی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید.

همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌گردد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۳/۱۸

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۱۰۰ مورخ

۱۳۷۹/۳/۱۸)

دوره پنجم. اجلاس چهارم

۱۳۷۹ - ۱۳۷۸

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه اول

خرداد ماه ۱۳۷۹

(جلسه ۳۸۵)

۸. تصویب طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.

منشی (رضایی). گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی.

رئیس. خبر کمیسیون بفرمایید.

موسی قربانی (خبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

ماده واحده ای که در اختیار همکاران محترم قرار

گرفته و بحث اصلاح آن امروز مطرح است، اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدني است.

در اين ماده بحث جايي مطرح است كه ولي قهري، مصلحت صغير را در نظر نگیرد و اقدامات ولي قهري به ضرر صغير و مولي عليه باشد. اصلاحيه اي كه صورت گرفته در قانون قبلي در اينگونه موارد ضم امين صورت ميگرفته. يعني وقتي كه ولي قهري غبطه صغار را رعايت نميكرده، قاضي يك ضم اميني اضافه ميكرده و در واقع يك نفر ديگر را ضميمه به ولي قهري ميکردند تا نظارت بكنند و از ضرري كه به وسيله ولي قهري به مولي عليه وارد ميشود جلوگیری بكنند.

اما واقعيت خارجي اين مطلب را ثابت کرده كه با اين ماده به صورت قبلي از ضرر رساندن به طفل جلوگیری نشده و همچنان ولي قهري اقداماتي ميكرده كه به ضرر صغير بوده و غبطه صغير رعايت نميشده. ماده به اين شكل اصلاح شده كه در اينگونه موارد به تقاضاي يكي از اقربا يا با تشخيص رئيس دادگستري، دادگاه در صورت احراز اين مطلب كه اقدامات ولي قهري به ضرر صغير است، او را از ولايت در اين قسمت و از تصرف عزل ميكنند. بحث هم بحث مسائل مالي است، والا ولي را نميشود از ولايت عزل كرد، بحث تصرف در اموال صغير است. بنا بر اين به اين شكل ماده را ميخوانم: هرگاه ولي قهري طفل رعايت غبطه صغير را ننمايد و مرتكب اقداماتي شود كه موجب ضرر مولي عليه گردد به تقاضاي يكي از اقرباي^۱ وي و يا به درخواست رئيس حوزه قضائي پس از اثبات، دادگاه ولي مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغير منع و براي اداره امور مالي طفل، فرد صالحی را به عنوان قيم تعيين مي نمايد.

ببينيد! براي اينكه احياناً برداشت غير صحيح نشود مخصوصاً اينجا آمده «براي اداره امور مالي

۱. در گزارش شور اول و دوم كميسيون امور قضائي و حقوقی عبارت «اقارب» آمده بود.

طفل، بنابراین عزل در این قسمت است در قسمت تصرفات مالی است.

با این اصلاحیه مشکلی که در دادگاهها وجود داشت و ضرری که از ناحیه ولی قهری به اموال صغیر وارد می شد جلوگیری می شود. من بیشتر از این نیاز به توضیح نمی بینم، این از تحریر هم گرفته شده، کلمه «عزل» هم در تحریرالوسیله آمده که اگر نیاز بود توضیح داده خواهد شد.

رئیس. متشکر، مخالفی ثبت نام نکرده، موافق هم صحبت نمی کنند، متن را قرائت بفرمایید.

منشی (رضایی). طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی **ماده واحده.** ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده (۱۱۸۴). هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضائی پس از اثبات، دادگاه، ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می نماید.

همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می گردد.

رئیس. متشکر، حضار ۱۸۶ نفر، موافقین با ماده واحده قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۰۳، ۱۱۴۸

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۱۴۹

۱۳۷۹/۳/ ۸

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
طرح اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی که در جلسه
علی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۹/۳/۱ مجلس شورای اسلامی
با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان
رسیده است، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم
(۱۲۳) قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد.

علی‌اکبر ناطق‌نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه تعالی

قانون اصلاح ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی

ماده واحده. ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷^۱

به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۸۴. هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضائی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید.

همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول خرداد ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی

۱. مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ صحیح است.

حضرت جندالاسلام و المسلمین جناب آقاي لاطقنوري
رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
(۱۰۴۱) اصلاحي قانون مدني، ازدواج قبل از بلوغ
ممنوع گردیده، لكن به استناد تبصره ذیل آن نکاح
قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت
مولىعليه صحيح مىباشد. اين ماده باعث بروز
نواقضاريهاىي در امر ازدواج دختران و پسران
خصوصاً از جنبههاي سلامت جسمي و تلاشي قانون
خانوادگي بعد از رسيدن به سن بلوغ گردیده است و
ملاً اثرات نامطلوبى در تشكيل زندگي خانوادگي
باقى گزارده است اين قانون نه تنها در محافل
بينالمللى موجب ايجاد مشكلات عديده براى نظام جمهوري

اسلامی شده، بلکه موجب^۱ سوء استفاده افراد غیر صالح گشته و در واقع اصل اختیار را که در عقد نکاح از شروط اساسی است محدود می نماید و در خارج از اراده و اختیار پسران و دختران جوان آثار زوجیت را بر آنان بدون اختیار و آگاهی تحمیل می نماید که اثرات سوء آن پس از رشد بر جسم و روان آنان باقی می ماند.

جهت رفع آن مشکلات، پیشنهاد می گردد که تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی حذف گردیده و تبصره پیشنهادی که موجب اعمال نظارت قانونی بر تکوین خانواده و در نتیجه حفظ بنیان آن و استحکام بیشتر روابط بین زوجین و کاهش میزان طلاق های مبتنی بر عدم توافق بین زوجین می گردد جایگزین آن گردد، خصوصاً که کسب نظر دادگاه منوط به کسب نظر کارشناس و تأیید قابلیت صحت زوجین برای ازدواج خواهد بود، این امر از جنبه های تضمین آمادگی جسمی، روحی و اجتماعی نیز منشأ اثرات مثبت خواهد بود.

صدیقی - جلودارزاده - شیرازیان - کروی - راستگو - باغبانیان - فائزه هاشمی - وحید دستجردی - ترقی - چادری - خواجه پور - زرگر - سید هاشمی - حشمتیان^۲ و چند امضای ناخوانا.

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد از

قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح می گردد:

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۴) سال

۱. در متن فوق عبارت «موجب» جایگزین عبارت «موجبات» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «حشمتیان» جایگزین عبارت «حشمتیان» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۵۳

تمام شمسي و پسر قبل از رسيدن به (۱۷) سال تمام شمسي منوط به تحصيل اجازه از دادگاه مي باشد.

ماده (۱۰۴۱) قانون مدني مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱ ماده ۱۰۴۱. نكاح اناث قبل از رسيدن به سن ۱۵ سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذلك در مواردی كه مصالحی اقتضا كند با پيشنهاد مدعی العموم و تصویب حكمه ممكن است استثناً معافيت از شرط سن اعطا شود ولي در هر حال اين معافيت نمی تواند به انائي داده شود كه کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذكوري شامل گردد كه کمتر از ۱۵ سال تمام دارند. قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ ماده ۱۰۴۱. نكاح قبل از بلوغ ممنوع است. تبصره. عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي عليه صحيح مي باشد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹

دوره ششم - سال اول
ترتیب چاپ ۷۲
۱۳۸۰ - ۱۳۷۹
شماره چاپ
سابقه .
تاریخ چاپ ۱۳۷۹/۴/۱۴
دفتر ثبت ۶۵

طرح

۱. در متن فوق عبارت «مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱» جایگزین عبارت «مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸» گردید.

**طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی
از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰**

این طرح براساس ماده (۱۴۱) آیین‌نامه داخلی و تقاضای بیش از بیست و پنج نفر از نمایندگان محترم در دستور کار مجلس قرار گرفت.

**کمیسیون‌های ارجاعی: اصلی: قضائی و حقوقی
فرعی: فرهنگی**

اداره کل قوانین

باسمه‌تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
با استناد به ماده (۱۴۱) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمائید تا طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ که از دوره پنجم معوق مانده است در جریان رسیدگی قرار گیرد.
موسوی‌جهان‌آباد - مصوری‌منش - هاشمی - کدیور - سیده‌فاطمه خاتمی - سیدهادی خامنه‌ای - کولایی - شکوری - حقیقتجو - رضازاده - ذاکری - طالقانی - رحمانی خلیلی - مجید انصاری - صفایی - موسوی‌اجاق - تکفلی - قندهاری - علیخانی - وزیری - ترکاشوند - خوشرو - پورفاطمی - مؤدب‌پور - ربوشه - یوسفیان - کهرام - عظیمی - اللهیاری - یاری - مرتضی شیرزادی - انصاری - علی‌هاشمی - نوری - حسینی - رمضان‌پور - طاهری‌نجف‌آبادی - شاه‌عربلو - هزارجریبی - نعیمی‌پور - جبارزاده - خالقی - شهربانو امانی - سیدمحمد رضوی - ابراهیم‌بای‌سلامی - کروب‌ی و چند امضا ناخوانا.

**طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی
از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰**

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۴) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۷) سال تمام

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۵۵

شمسي منوط به تحصيل اجازه از دادگاه مي‌باشد.

ماده (۱۰۴۱) قانون مدني
مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱

ماده ۱۰۴۱. نكاح اناث قبل از رسيدن به سن ۱۵ سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذلك در مواردی كه مصالحی اقتضا كند با پيشنهاد مدعي‌العموم و تصويب محكمه ممكن است استثناء معافيت از شرط سن اعطا شود ولي در هر حال اين معافيت نمی‌تواند به انائي داده شود كه کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذكوري شامل گردد كه کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

قانون اصلاح موادي از قانون مدني
مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴

ماده ۱۰۴۱. نكاح قبل از بلوغ ممنوع است.
تبصره. عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي‌عليه صحيح مي‌باشد

شماره ثبت: ۶۵ / تاريخ چاپ: ۱۳۷۹/۴/۲۹ / شماره چاپ: ۷۲ / ترتيب چاپ: ۱۰۳ / دوره ششم - سال اول

شماره ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹ / تاريخ چاپ: ۱۳۷۹/۴/۲۹ / شماره چاپ: ۷۲ / ترتيب چاپ: ۱۰۳ / دوره ششم - سال اول

شور اول

۱. در متن فوق عبارت «مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱» جایگزین عبارت «مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸» گردید.

شماره ۳۳ / ک ق

تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۸

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ به شماره ترتیب چاپ ۷۲ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۶ با حضور کارشناسان دستگاههای ذیربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر کلیات آن عیناً مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی
سیدناصر قوامی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی

از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح میگردد:

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۴) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۷) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه میباشد.

شماره ۵/۱

تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۷

گزارش کمیسیون فرهنگی به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ به شماره ترتیب چاپ ۷۲ که به کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۷ کمیسیون با حضور جمعی از طراحان و کارشناسان دستگاههای اجرایی ذیربط مطرح و پس از بحث و بررسی کلیات آن

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۱۵۷

به تصويب رسيد.
اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي
اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون فرهنگي
احمد پورنجاتي

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۶/۲

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۶۱۶۵ مورخ
۱۳۷۹/۶/۲)

دوره ششم. اجلاسیة اول
۱۳۸۰ - ۱۳۷۹

صورت مشروح مذاكرات جلسه علي روز چهارشنبه
نوزدهم مرداد ماه ۱۳۷۹
(جلسه ۱۹)

۸. تصويب كليات طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱)
قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰

رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرماييد.

منشي (جبارزاده). دستور بعدي گزارش شور اول
كميسيون قضائي و حقوقي در مورد طرح اصلاح تبصره
ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادي از قانون مدني
مصوب ۱۳۷۰ است. آفای كاظمي، خير محترم كميسيون
قضائي بفرماييد.

محمد كاظمي (خير كميسيون قضائي و حقوقي).
بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي
اسلامي

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادي
از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰ به شماره ترتيب چاپ
(۷۲) كه جهت رسيدگي شور اول به اين كميسيون
به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود، در جلسه
مورخ ۷۹/۴/۲۶ با حضور كارشناسان دستگاههاي
ذي ربط مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر كليات
آن عيناً مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور
اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. سیدناصر قوامی

جهت اطلاع همکاران محترم عرض کنم که ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۰ درباره شرط سنی دختران و پسرانی که می‌خواهند ازدواج کنند اینگونه پیش‌بینی شده بود که برای دختران در سن (۱۵) سالگی و برای پسران در سن (۱۸) سالگی مجوز ازدواج صادر می‌شد. البته بر این قاعده یک استثنا هم وارد شده بود که اگر مصلحت ایجاب کرد که دختری قبل از سن (۱۵) سال یا پسری قبل از سن (۱۸) سال ازدواج کند، به استناد پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب دادگاه، ما شرط معافیت سنی را برداریم و این افراد بتوانند ازدواج کنند. باز هم شرط دیگری اضافه شده بود و آن این بود که هیچ دختری قبل از سن (۱۳) سال و هیچ پسری قبل از سن (۱۵) سال حق ازدواج را ندارد. در فاصله سال‌های ۶۱ تا ۷۱ برخی از مواد قانون مدنی با اصطلاح قانون اصلاح موادی از قانون مدنی تصویب شد و بر این اساس هم ماده (۱۲۱۰)^۱ اصلاح شد که سن بلوغ را برای دختران (۹) سال تمام و برای پسران (۱۵) سال تمام پیش‌بینی کرد و هم ماده (۱۰۴۱) به این صورت تصویب شد که ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است منتها تبصره‌ای به این ماده (۱۰۴۱) اضافه شد که در این تبصره آمده است که ازدواج قبل از بلوغ به شرطی که مصلحت مولی‌علیه ایجاب کند بلامانع است. در اینجا آن شرط مراجعه به دادستان و تصویب دادگاه که باعث می‌شد فردی که می‌خواهد ازدواج کند به پزشکی قانونی معرفی بشود و به لحاظ استعداد جسمانی و بلوغ فکری مورد تحقیق قرار بگیرد، این شرط حذف شد. اشکالی که طراحان محترم این طرح بر این تبصره وارد کردند این است که این تبصره که به پدر یا جد پدری دختر و پسر زیر سن بلوغ اجازه ازدواج داده، ممکن است از این اجازه سوءاستفاده بشود. به هرحال ازدواج

۱. در متن فوق شماره «۱۲۱۰» جایگزین شماره «۱۲۰۱» گردید.

یک شرایطی دارد، بلوغ جسمانی، بلوغ فکری، توان اداره زندگی مشترک، اینها مسائلی هستند که بعضی از آنها کارشناسی است و نیاز به استفاده از نظر کارشناسان دارد و اینکه ما تشخیص را کلاً به عهده ولی و قسیم آن فرد بگذاریم، ممکن است اسباب سوءاستفاده بشود. خصوصاً اینکه می‌دانیم در بعضی

از مناطق کشور ما به ازدواج به عنوان یک مسأله مادی نگاه می‌کنند و گاهی ممکن است ولی آن طفل صغیر و آن فردی که به سن بلوغ نرسیده مصلحت خودش را بر مصلحت آن فرد ترجیح بدهد.

امروز در دادگاه‌های خانواده بسیاری از پرونده‌های طلاق، پرونده‌های افرادی است که در سنی ازدواج کرده‌اند که از خودشان اراده‌ای نداشته‌اند و اراده پدر یا جد پدری به جای آنها تصمیم گرفته. عموماً این خانم‌ها بعد از اینکه به سن بلوغ می‌رسند، قانون خانوادگی‌شان دچار تشنج می‌شود، ناهنجاری‌هایی در زندگی‌شان بوجود می‌آید. به لحاظ پزشکی (همان‌طور که خانم دکتر خاگی امروز عرض می‌کردند) بسیاری از خانم‌هایی که شرایط لازم را برای ازدواج نداشته‌اند به هنگام زایمان متأسفانه خودشان و نوزادشان از بین رفته‌اند. پیشنهادی که در جهت رفع این مشکل، طراحان محترم به مجلس ارائه کردند این است که اگر دختری قبل از سن (۱۴) سال و پسری قبل از سن (۱۷) سال تصمیم به ازدواج گرفت علاوه بر تشخیص مصلحت او توسط پدر یا جد پدری، یک مراجعه‌ای هم به دادگاه بشود تا دادگاه به لحاظ بلوغ جسمی و مسائل فکری و اجتماعی تحقیقاتی بکند، اگر دادگاه این مسأله را تصویب کرد، آن وقت اجازه ازدواج را صادر کنند. کلیات این بحث در شور اول در کمیسیون قضائی به تصویب رسید. والسلام

رئیس. مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (شکوری‌راد). اولین مخالف آقای یثربی هستند، بفرمایید.

سیدعلی‌محمد یثربی. بسم الله الرحمن الرحيم
مطالبی که برادرمان آقای کاظمی (به عنوان مدیر کمیسیون) گفتند، کلیات آن مورد قبول است، ولی با

این تغییر سن، منظور نظر تهیه‌کنندگان این قانون تأمین نخواهد شد. همان‌طور که ایشان هم گفتند این تغییر سن منحنی داشته که هر زمانی به خاطر یک مشکلاتی که پیش آمده سن را تغییر داده‌اند. وجه صحیح آن این است که ازدواج علاوه بر بلوغ نیاز به رشد و عدم ضرر دارد. این چیزی است که فتوای امام راحل عظیم‌الشان است، وجه فقهی و حقوقی دارد و قاعده لاضرر که بر همه ابواب فقه حاکم است می‌تواند ملاک موجهی باشد، هم مسأله رشد که در متن فقه و در حقوق ما به آن توجه شده. اگر امروز ما این سن را تغییر بدهیم، فردا باز دو مرتبه می‌گویند این سن را بالاتر ببرید، به خاطر مسائل مختلف یا از لحاظ ظاهر ممکن است بگویند سن را پایین‌تر بیاورید و به قول آقای دکتر الهیاری که در یک موردی می‌گفتند، این مسأله Psycho, Social, Prejuvenile یعنی هم بعد زیستی دارد، هم بعد روانشناختی دارد، هم بعد اجتماعی دارد و این مسأله از مهمات و فتوا در آن از مشکلات است و اگر ما خود ملاک را در متن ماده وارد نکنیم که ازدواج علاوه بر بلوغ، نیاز به رشد و عدم ضرر دارد. البته احراز آن منوط به تشخیص دادگاه است. اگر این مسأله مطرح بشود واقعاً نیاز اجتماعی رفع می‌شود، مشکلاتی که در نظر آقایان است رفع می‌شود و از نظر شورای نگهبان هم تأیید خواهد شد. بنابراین بنده با آن مسائلی که در نظر آقایان بوده برای تغییر سن، موافقم ولی با ذکر سن خاص موافق نیستم. این احتیاج به یک پیشنهاد اصلاحی دارد که من با حضرت حجت الاسلام آقای قوامی^۱ صحبت کردم، پیشنهاد اصلاحی را ان شاء الله خواهیم داد و در شور بعدی مطرح خواهد شد. والا اگر با این وضع تصویب بشود باز هم آن مشکلاتی که بوده به یک نحو دیگری بروز می‌کند. مبتلا به یک مسائل دیگری می‌شود و اعتراضات مختلفی از نظر حقوقدان‌ها به آن خواهد شد، مخالف و موافق دارد، هر جهتی که روی آن

۱. در متن فوق عبارت «من» بعد از عبارت «قوامی» حذف شد.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۱۶۱

تکیه بشود یک موافقی و یک مخالفی دارد. بنابراین حالا ما اگر بخواهیم با این وضع تصویب نکنیم همان طور که عرض کردم منظور نظر تأمین نمی شود مگر اینکه ملک این تغییر سن را معین کنیم و تشخیص و احراز آن هم با دادگاه خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله

رئیس. اولین موافق را دعوت بفرمایید.

منشی (شکوری راد). سرکار خانم امانی هستند که تشریف ندارد، آقای خباز بفرمایید.

ممد رضا خباز. بسم الله الرحمن الرحيم

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ مطرح است که خوب، دوستان عزیز چون قضیه خیلی روشن است، من وقت عزیزان را نگیرم. برادر ارجمند جناب حاج آقا یثربی هم مطالب بسیار خوبی را فرمودند. ولی فرمایشات ایشان دقیقاً به شور دوم مربوط می شد. خودشان هم در بیاناتشان اظهار فرمودند که با یک سری تغییراتی موافق هستیم و فرمودند که من این پیشنهادات را به ریاست محترم کمیسیون قضائی داده ام و با همفکری و هماهنگی ان شاء الله آن نظر فقهی که در شرع مقدس اسلام است،

در آن لحاظ خواهد شد. بنابراین چون ایشان با اصل موضوع مخالفی نکردند جایی هم برای سخن گفتن زیاد باقی نیست. اصل موضوع مورد قبول همگان است. مطلب بسیار روشن است به دلیل اینکه وجود چنین قانونی الان یک سری از مشکلات و معضلاتی که گریبانگیر بعضی از خانواده ها شده را حل خواهد کرد. جلو ازدواج را در سن کمتر از (۱۴) سال برای دختر و (۱۷) سال برای پسر را نخواهد گرفت منوط به اجازه دادگاه که من معتقدم چون ایشان مطلبشان را بیان فرمودند و با اصلاح موافق هستند دیگر جایی برای زیاد صحبت کردن باقی نیست.

والسلام علیکم ورحمة الله

پورنجاتی. تذکر آیین نامه ای دارم.

رئیس. توجه هم داشته باشید که در ارتباط با موضوع باشد، بفرمایید.

احمد پورنجاتی. بسم الله الرحمن الرحيم

حاج آقا! در ارتباط با موضوع است. ماده (۱۳۰)؛ در مورد طرحهای قانونی، ذیل ماده (۱۳۰) ارجاع طرحها به کمیسیونهای مربوط تأکید شده که باید بشود. تلقی ما این است مسائلی که به امور زنان و خانواده مربوط می شود با توجه به اینکه موضوعاً مربوط به کمیسیون فرهنگی می شود، اولاً در ارجاع این طرح به عنوان کمیسیون اصلی باید به کمیسیون فرهنگی ارجاع می شد که حالا گذشته.

اما ظلم مضاعفی که به کمیسیون فرهنگی شده این است که به عنوان کمیسیون فرعی هم که در آن کمیسیون مورد بررسی قرار گرفته و تصویب شده و گزارش آن هم در موعد مقرر تقدیم شده، در گزارش محترم کمیسیون قضائی اشاره نشد. بنابراین دو تذکر در این عرض بنده می شود: یکی اینکه این طرح باید به کمیسیون فرهنگی ارجاع می شد و ان شاء الله از این به بعد هیأت رئیسه محترم عنایت خواهند فرمود. نکته دوم اینکه در گزارش محترم اشاره نشد که کمیسیون فرعی هم نظر بر تصویب کلیات این طرح داشته، معذرت می خواهم.

رئیس. بحث اول فرمایش شما قطعاً وارد نیست. چون مسأله قضائی است، مدنی است و به آنجا می رود. اما بحث دوم فرمایش شما جا داشت که محترم یادآوری بفرمایند و درست است. مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (شکوری راد). آقای قربانی مخالف هستند، بفرمایید.

موسی قربانی. بسم الله الرحمن الرحيم من ابتدائاً عرض می کنم ممکن است گفته بشود که عرایض بنده هم مربوط به شور دوم می شود ولی در هرحال هم برای حضور ذهن نمایندگان محترم و هم اینکه بالاخره حالا طرحی که اساس آن يك ماده است، غیر از این نمی شود برای کلیات آن هم صحبت کرد.

خالف من به این جهت است که دو بحث دارم: یکی اینکه من خواهش می کنم نمایندگان محترم عنایت بفرمایید چرا (۱۳) سال و (۱۷) سال؟ بالاخره ما تصمیمی که می خواهیم بگیریم يك ملاک باید داشته باشد، یا باید بگوییم آنچه شرع مقدس فرموده است

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۶۳

كه خوب مشخص است سن بلوغ چه سني است. يكي هم عرف عقلايي است كه در دنيا براي خودشان براساس يك حساب و كتابي و يك كار كارشناسي يك سن و سالي را مطرح كردند كه معمولاً (۱۸) سال و اينها است. (۱۷) سال براساس کدام كار كارشناسي و کدام ملك به دست آمده؟ واقعاً براي خود بنده هم مبهم است و همچنين (۱۳) سال در مورد دختران، باز براساس چه ملاكي به دست آمده؟ اين هم مبهم است. ما يا بايد واقعاً آن بحثي كه در دنيا مطرح است را بگيريم كه آن وقت قاعدتاً اين سن نخواهد بود. حداقل (۱۸) سال خواهد بود يا همان شرع را بگيريم كه باز هم اين سن نخواهد بود. اينكه بيابيم حد وسط را بگيريم واقعاً فاقد ملك كارشناسي شده معتبري است. هيمنطوري... من واقعاً (۱۷) سال را نمي دانم، چرا؟ در هيچ كجا هم شما در قوانين ما (۱۷) سال را نمي بينيد. چطور مي شود كسي كه مي خواهد رئيس جمهور انتخاب بكنند، عضو خيگان انتخاب بكنند، نماينده مجلس انتخاب بكنند، با كمتر از (۱۷) سال اين اجازه را به او مي دهيم اما پسري كه مي خواهد براي خودش زن بگيرد، اين كمتر از (۱۷) سال امكان ندارد و حتماً بايد به دادگاه برود كلي برود و بيايد و اين حرفها تا بخواهد اجازه ازدواج بگيرد! واقعاً نمي دانم چطوري است كه حالا... به هرحال قوانين ما بايد با هم يك همخواني و هماهنگي داشته باشد. اگر بحث اين است كه اين رشد اجتماعي و سياسي ندارد، خوب همه جا بايد به همين شكل باشد، اگر رشد دارد چطور در يك جا رشد دارد و يك جا رشد ندارد. ملك اينكه چرا (۱۷) سال، واقعاً براي خود بنده محرز نيست. اين يك مطلب است.

مطلب دوم اينكه ايرادي كه بعد وارد خواهد شد (آقايا و خانها توجه بفرماييد) تبصره ماده تغيير پيدا کرده. وقتي تبصره تغيير پيدا كرد معنای آن اين خواهد شد كه ازدواج افراد غيربالغ مطلقاً ممنوع است. آن وقت افراد بالغ تا اين سن نياز به اجازه دادگاه دارند. چون ماده قبلاً به اين شكل بوده «نكاح قبل از بلوغ ممنوع است».

تبصره. نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط

رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد. ما تبصره را اصلاح کردیم به گونه ای که گفتیم برای دختر قبل از (۱۳) سال و برای پسر قبل از (۱۷) سال نیاز به اذن دادگاه دارد. بنابراین ماده به قوت خودش باقی است، تبصره اصلاح شده. معنای آن این خواهد شد که نکاح افراد غیربالغ مطلقاً ممنوع است حتی با اذن ولی و برای افراد بالغ تا این سن نیاز به اذن دادگاه دارد. بنابراین من فکر می کنم که اگر واقعاً رد بشود بهتر است ولی اگر قرار باشد که این رأی هم بیاورد باید اصلاحات اساسی روی آن انجام بشود والا اشکالات عدیده ای برای آن مترتب خواهد بود. والسلام

رئیس. موافق بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (شکوری راد). جناب آقای قشقایی بفرمایید.

حسن قشقایی. بسم الله الرحمن الرحيم

ملاحظه بفرمایید! ایراد مخالف محترم اول این بود که مینا باید رشد باشد نه بلوغ. در حالی که در اینجا پایه سنی (۱۴) و (۱۷) به نوعی و بازگذاشتن دست قاضی اشکالی را که جناب آقای بیثربی فرمودند کاملاً مرتفع می کند. یعنی بخاطر اینکه چون بحث رشد به اعتبار تنوع مزاج، آب و هوا، شرایط اقلیمی و جسمی در مناطق مختلف کشور فرق می کند ما آمدیم چکار کردیم؟ این را در اختیار دادگاه قرار دادیم. پس پایه این بلوغ نیست که شما فرمودید چرا بلوغ را گرفتند و رشد را توجه نکردند. چون (۱۴) که برای دختر سن بلوغ نیست. شرعاً (همان طور که آقای قربانی فرمودند) و یا برای پسر (۱۷) سالگی. در واقع یک بسط یدی برای دادگاه قائل شدیم که یا با مناط بلوغ یا با مناط رشد بیاید تعیین تکلیف بکند.

اما اشکالی که جناب آقای قربانی وارد کردند که اصلاً وارد نیست. چرا؟ چون اگر تبصره حذف شده اینجا متعرض عدم بلوغ و یا بلوغ نشده. این به معنی این نیست که آن را نفی کرده. چرا؟ چون می گوید قبل از (۱۴) سال. خوب قبل از (۱۴) سال شامل ایام قبل از بلوغ هم می شود دیگر، از سال اول تا (۱۴) سال. پس شامل قبل از بلوغ هم

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۶۵

مي شود. قبل از (۱۷)، شامل قبل از بلوغ هم مي شود. بنابراين شما چطور مي فرماييد كه به آن تبصره اي كه متعرض به قبل از بلوغ بوده توجهي نكرده ؟ شما يك بار ديگر اين تبصره را ملاحظه فرماييد، مي گويد قبل از (۱۴) سال براي دختر اعم از بلوغ و رشد و عدم بلوغ و رشد، فرقي ندارد، قبل از (۱۷) سال براي پسر اعم از هر دو شرايط هيچ فرقي ندارد.

اما نکته ديگري كه مخالفين محترم بايد توجه داشته باشند، عزيزان! اين شور اول است. يعني احياناً اگر شما نظري را مثلاً معتقد هستيد سن (۱۴) نباشد، (۱۵) باشد، قطعاً جاي بحث اين الان نيست. آن در شور دوم بحث جزئيات است و ممكن است كسي ديدگاه كارشناسي داشته باشد. ولي به نظر من اين بسيار طرح خوبي است، واقعاً نکته اي كه الان بالاخره محاكم ما گرفتار آن هستند، بحث ازدواج هاي قبيله اي، سني، سنت هاي غلطي كه هيچ ريشه ديني هم ندارد. در عين حال ممكن است ريشه هاي قبيله اي، عشائري و چيزهاي ديگر داشته باشد و ما اجازه بدهيم كه اين را در واقع دادگاه بيايد تشخيص بدهد. قطعاً در تشخيص دادگاه، هم رشد است، هم بلوغ است و بالاخره عنايت مي كنند و در آن صورت نظر مي دهند. بنابراين من خواهش مي كنم كه عزيزان به اين طرح رأي بدهند.

رئيس. متشكر.

يژري. تذكر آيين نامه اي دارم.

رئيس. بفرماييد.

سيد علي محمد يژري. بسم الله الرحمن الرحيم

ماده (۷۷)؛ صحبت آقاي قشقاوي به صحبت هاي من اشاره داشت و ظاهراً ايشان يك كمّي توجه نداشتند. گفتند كه ... (رئيس - ببينيد آقاي يژري! ماده (۷۷) اين است كه خداي ناكرده اهائي ...) حاج آقا! تحريف شد، حالا شما تغليظ نكنيد. ايشان گفتند كه «مخالف بلوغ را در نظر نگرفتند». اولاً

حالا من خواستم در آن صحبت بگويم. بنده استاد حقوق خانواده هستم، كتاب نوشته ام، كتاب تدريس

می شود و متوجه ابعاد مختلف این مسأله هستم و عرض کردم که علاوه بر بلوغ، نیاز به رشد و عدم ضرر دارد و منظور نظر طراحان هم تأمین می شود. به هیچ وجه ذکر سال معین، در سن تأثیر ندارد.

رئیس. آقای پثربی! اصلاً مخالف و موافق معنایش این است که حرف همدیگر را محترمانه رد می کنند.

پثربی. نه، اشتباه از من نقل قول کردند. شما داشتید صحبت می کردید. اینها که می آیند با شما صحبت می کنند اسباب زحمت می شوند.

رئیس. مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (شکوری راد). آقای دکتر شیخ مخالف هستند، بفرمایید.

محمدعلی شیخ. بسم الله الرحمن الرحيم

صحبت‌ها در باب این طرح شد، بنده يك مطلب عرض می‌کنم، ما يك وقت به طور آزاد در قانونگذاری دستان باز است تابع ... (حالا من صریحتر عرض کنم) در نظام خاصی قرار نداریم، يك وقت نه، ما مقیدیم به يك نظامی که بر ما حاکم است و بنا بر آن میانی و اصول باید قدم برداریم. چون ما مقیدیم وضع ما نوع دوم است و به طور آزاد ما قوانین وضع نمی‌کنیم باید از آن چارچوب خارج نشویم.

الان دختری که به سن بلوغ نرسیده، آیا ولي او می‌تواند او را به عقد و ازدواج کسی در بیاورد یا نه؟ این سؤال بنده است. خوب، آنهایی که با فقه آشنا هستند همه می‌دانند می‌شود و می‌تواند. بنابراین در این طرح من به طور قطع می‌دانم اگر به شورای نگهبان برود و ما تصویب کنیم، رد می‌کنند، برای اینکه ما همان سن رشد را باید ملاک قرار بدهیم علاوه بر بلوغ و به قول جناب آقای قربانی اصلاً (۱۴) سال یا (۱۳) سال اینها هیچکدام ملاک نیست، بلوغ است و رشد، حالا رشد را باید دادگاه تشخیص بدهد ولي این قید که قبل از رسیدن به سن (۱۴) سال باید دادگاه اجازه بدهد اصلاً این نه ملاک شرعی دارد و نه ملاک ... حالا تعبیر دیگر بیاوریم، به هرحال هیچ محملی برایش نداریم و من با این ترتیب این را خلاف شرع می‌بینم و واقعاً تصویبش هیچ وجهی ندارد چون چیز دیگری اضافه ندارد. به هرحال

همه مسأله همین است دیگر چیزی ندارد که شور دوم بخواهد اصلاح بشود. من استدعا می‌کنم به این رأی ندهید، روی قانون مدنی ما خیلی زحمت کشیده شده، با دقت تهیه شده و متکی به شرع مقدس اسلام است، تغییرات در قانون مدنی خیلی باید با احتیاط انجام بشود برای اینکه واقعاً تهیه‌کنندگان ... یکی از قوانین بسیار مهم دنیا قانون مدنی ایران است، هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ عبارت حتی خیلی با دقت تهیه شده. من استدعا می‌کنم همکاران گرامی به این رأی ندهند چون خلاف شرع به نظر می‌آید.

رئیس. متشکر، موافق بعدی را دعوت بفرمایید.

کولایی. اخطار قانون اساسی دارم.

رئیس. خانم کولایی بفرمایید، اصل چند است؟

الله کولایی. بسم الله الرحمن الرحيم

اصل دهم و اصل بیست و یکم، اصل دهم قانون اساسی خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی کرده که همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی است و در اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و اولین اصلی که در این زمینه مطرح می‌شود ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او است و حمایت از مادران و مباحث دیگری که مطرح شده.

حاج آقا کروی! ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در بسیاری از مواقع حقوق زنان بویژه در مورد مسأله‌ای که الان مطرح شده، حقوق انسانی دختران، دختر جوان یا دختر بچه‌ای که در سن هفت، هشت سالگی تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی در چنین رابطه‌ای قرار می‌گیرد، عرض من این است که ما تذکر داشته باشیم نسبت به این اصولی که در قانون اساسی در مورد

1. در متن فوق عبارت «اصولی» جایگزین عبارت «موادی» گردید.

آن تصریح شده ، ظرف قانونی مناسبی را برای احیای این شرایط ، برای دختران و دختر بچه ها در جامعه فراهم بیاوریم . این را من خواستم به همه کسانی که الان باید رأی بدهند به این اصلاحیه در شور اول ، علی رغم اینکه نیاز به اصلاحاتی برای شور دوم دارد به این اصول^۱ توجه داشته باشند ، خیلی متشکر .

رئیس. خوب ، حالا ما حرم نگه داشتیم چیزی عرض نکردیم ، منتها سرکار می‌توانستید ثبت نام کنید همین مطالب را صحبت بفرمایید ، منتها ما دیگر حوصله کردیم و گوش دادیم ، اخطار قطعاً وارد نیست ، این طرح هیچ مخالف با قانون اساسی نیست ، این مطالب شما به جای خودش حق است منتها به عنوان موافق باید صحبت می‌فرمودید . حالا ما دیگر این دفعه چون ... خواهش می‌کنیم که آن وقت باب نشود لابلای اخطار مطالبشان را بگویند . چکار کنیم خیلی باید احترام خانها را نگه داشت ، والا می‌گویند ... بفرمایید .

منشی (شکوری راد). موافق بعدی خام جلودارزاده بودند که نوبتشان را به آقای انصاری داده اند ، بفرمایید .

مجید انصاری. بسم الله الرحمن الرحيم

من از همکاران محترم خواهش می‌کنم چون اینجا شبهات شرعی مطرح شد ، عنایت بفرمایید . سن شرعی بلوغ بر حسب نظر اکثر فقها^۲ برای دختران (۹) سال ذکر شده

و برای پسران (۱۶) سال یعنی (۱۵) سال تمام ، منتها اولاً در این سن اختلاف نظرهای جدی هست بخصوص این اواخر که بحثهای علمی هم مطرح شده ، کتابهای متعددی در حوزه های علمیه در خصوص سن بلوغ تدوین شده و فتوای برخی از مراجع فعلی غیر از این است . بعضی ها سال مشخصی را ذکر کرده اند ، مثلاً (۱۳) سال برای دختران و (۱۶) سال برای پسران ، بعضی از

۱. در متن فوق عبارت «اصول» جایگزین عبارت «مواد» گردید .

علمای فعلی هم^۱ فتوایشان این است که اصولاً بلوغ يك امر تكوینی است نه يك امر قراردادی که بگوییم (۹) سال باشد، (۱۳) سال باشد، اگر در منابع شرعی هم سن خاصی ذکر شده از باب تقلید آن جامعه و آن زمان و مکان بوده و هم اکنون بلوغ در سرزمین‌های مختلف در اقوام مختلف با توجه به شرایط اقلیمی، آب و هوایی، وراثتی و غیره متفاوت است، در برخی از مناطق حاره دنیا دقیقاً دختران در (۹) سال و یا (۱۰) سال به سن بلوغ می‌رسند که علام بلوغ را هم شرع مشخص کرده هم در دختران و هم در پسران، خود تعیین علامت بلوغ نشان از تکوینی بودن بلوغ دارد نه قراردادی بودن بلوغ، حالا این يك بحث فقهی است که خارج از حوصله این جلسه است. من فقط خواستم توجه بدهم که سن بلوغ يك سن قطعی تعیین شده‌ای نیست، فتوای علما^۲ هم متفاوت است، شاید نزدیکترین نظر به واقع همین باشد که بلوغ شناور است، متناسب با شرایط مختلف جغرافیایی، تغذیه‌ای، وراثتی و مسایل مختلف که وجود دارد. صرفنظر از این بحث فقهی در موضوع بلوغ در قانونگذاری همیشه قانونگذار وضعیت غالب جامعه را در نظر می‌گیرد و استثنائات باید با يك مکانیزم خاص قانونی تعیین تکلیف شود. در جامعه ایران واقعاً دختران زیر (۱۴) سال اغلب در سن رشد نیستند اگر بر فرض ما سن شرعی بلوغ را (۹) سال بگیریم که عرض کردم در همان هم الان تردید وجود دارد. فرض کنیم سن (۹) سال سن شرعی بلوغ است می‌دانیم در ازدواج غیر از بلوغ، رشد هم لازم است، قابلیت ازدواج هم لازم است که این قابلیت ازدواج در شرایط کنونی ایران به لحاظ وضعیت تغذیه و غیره زیر (۱۴) سال نادر است، مواردی که به سن رشد و آمادگی ازدواج برسند.

۱. در متن فوق عبارت «علمای فعلی هم» جایگزین عبارت «علمای هم فعلی» گردید.

همچنین در پسران هم گرچه ممکن است بلوغ در (۱۵) سالگی و حتی موارد نادری داریم و داشته‌ایم که قبل از آن علائم تکوینی بلوغ ظهور کرده اما اینها موارد استثنایی است. رشد در پسران که بتوانند به نقطه ازدواج برسند به طور غالب زیر (۱۷) سال نادر است. بنابراین قانونگذار برای ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از تضییع حقوق باید قانونی بگذارد که غالب را دربرگیرد برای موارد استثنا^۱

هم فکر بکند، هیچ هم خلاف شرع نیست. جناب آقای دکتر شیخ فرمودند ما در نظام اسلامی هستیم باید مقررات نظام اسلامی را توجه کنیم، در نظامات عقلایی غیر اسلامی ممکن است شیوه‌های دیگری داشته باشند. اولاً در مسایل اجتماعی نوعاً شرع مقدس سیره و شیوه عقلاً^۲ را امضا^۳ کرده است و اصولاً این یک بحث

اساسی فقهی است که در مسایل اجتماعی آیا احکام شرع تأسیسی است یا تنفیذی که نوعاً^۴ احکام شرع تنفیذی است نه تأسیسی، یعنی شرع نیامده است برای جامعه مسلمین شرایطی خلاف تکوین، خلاف طبیعت، خلاف سیره عقلاً^۵ وضع بکند، بلکه شیوه اجتماعی عقلاً^۶ را

آجا که برخلاف مصلحت بشر نبوده امضا^۷ کرده است و به شیوه‌های عقلایی در اداره جوامع متناسب با زمان و مکان متفاوت هست، من توجه همکاران عزیز را به یک رکن اساسی در مبنای فقهی امام — سلام الله علیه — جلب می‌کنم که مبنای تحول فکری و تحولی که ایشان در بینش اسلامی بوجود آورد همین دیدگاه بود که امام می‌فرمود عنصر زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در فقه و اجتهاد است و اگر ما به عنصر زمان و مکان در اجتهاد توجه نکنیم، اجتهاد ما یک اجتهاد ایستا و اسلام ما یک اسلام متحجر و ایستا خواهد بود. با توجه به این مسایل من می‌خواهم عرض بکنم

۱. در متن فوق عبارت «نوعاً» جایگزین عبارت «نوع» گردید.

وقتي كه در ايران به طور غالب دختران زير (۱۴) سال و پسران زير (۱۷) سال در سن رشد نيستند حتي در بلوغشان هم شك است، بنابراين، اين طرح، طرح بسيار خوبي است، در طرف مقابل تضییع حقوق می شود. عزیزان توجه دارند متأسفانه در بعضی عشیره ها، قبایل در ایران، بعضی مناطق بر اساس سنت هاي غلط اجتماعي دختران را به زور و با ... حالا زور ممكن است در حد اكراه نباشد اما در مسائل خاص فاميلي و خانوادگي قرار می دهند طرف را در سن (۹) سالگي، در سن (۱۰) سالگي ازدواج می دهند، مشكلات عديده اي را بوجود می آید، بنده خودم مواردی را سراغ دارم كه دختر را در سن (۱۲) سالگي، (۱۱) سالگي به ازدواج دادند به يك مردی كه در سن (۳۰) سالگي، (۴۰) سالگي بوده و طرف از روز اول زندگی دچار مصیبت و مشكل بوده تا آخر ... پسراني هستند در رودربایستی، فاميلي در سن (۱۶) سالگي اينها را با اصرار پدر یا مادر یا جد و غیره وادار به ازدواج می کنند اين ازدواج ها ناپايدار است، فرزندان ناشي از اين ازدواج ها مشكلاتي در جامعه بوجود می آورند، جامعه اسلامي بايد يك جامعه متعادل باشد و ناهنجاري هاي كه اين روزها ما در دادگاه هاي خانواده ناظر آن هستيم غالباً ناشي از اين است كه در سن ازدواج در موقع ازدواج توجه به اصول علمي، اصول شرعي و مسائل قانوني نمی شود بعد جامعه بايد به اضعاف مضاعف خرج و هزینه كند تا ضايعات ناشي از اين بی توجهی ها را حل كند.

لذا من فكر می كنم پیشنهاد، پیشنهاد بسيار خوبي است، طرح خوبي است كه گفته است سن عرقي، قانوني و شرعي ازدواج در ايران (۱۴) براي دختران، (۱۷) سال به بالا براي پسران باشد، اگر كسانی مایل بودند زير اين سن ازدواج كنند بروند از دادگاه گواهي بلوغ و رشد را بياورند. خوب، دادگاه هم طبيعي است كه اين موارد را به متخصصين پزشکی ارجاع خواهد داد و آنها گواهي خواهند كرد، دادگاه براساس نظر كارشناس كه پزشكان هستند نظر خواهد داد و رأي صادر خواهد كرد. من فكر می كنم

این کار مطلوبی است.

یک اشکالی را جناب آقای قربانی کردند آن اشکال در شور دوم قابل رفع است. اشکال آقای قربانی این بود که اگر این تبصره جایگزین شود تبصره قبلی حذف می شود. در تبصره قبلی اذن ولی را هم شرط دانسته بود، اذن ولی شرعاً شرط است، این اشکال وارد است، اما در شور دوم این را اضافه می کنیم. بنابراین کلیات تصویب شود در شور دوم تبصره را می گذاریم با اذن ولی و اذن دادگاه که اذن ولی شرعاً قطعی است و اذن دادگاه هم به لحاظ رفع مشکلاتی است که عرض کردم. لذا بنده با این طرح موافق هستم و خواهش می کنم به کلیات رأی بدهید، متشکرم.

شیخ. تذکر آیین نامه ای دارم.

رئیس. بفرمایید، ماده چند؟ (شیخ — ماده ۷۷) ببینید! اگر این طور باشد پس هر کسی حرف دیگری را نباید ...

محمدعلی شیخ. اجازه بفرمایید عرض کنم آن وقت اگر نبود (رئیس — بفرمایید) ما از بیانات مفصل ایشان استفاده کردیم و یک جمله ای هم آخرش گفتند که تصویب که کردید آن وقت ... مثل اینکه جناب آقای انصاری این را مسلم می دانند که تصویب می شود. به هرحال عرض کنم که اشاره به یک مطالبی کردند که صراحت فقه (حالا تا حدی که بنده هم الفبایی بلدم) اگر خواندید آمده سن (همان طوری که خودشان هم گفتند)، (۹) سال گفتند دیگر تکوینی و تشریعی و این حرفها آنجا در کتب فقهی نیست، گفته بنده را تحریف کردند، من لازم است عرض کنم (رئیس — آقای دکتر! کجایش تحریف شد؟) حالا عرض می کنم ایشان گفتند که اشاره نشده که این امر اگر راجع به سن گفته شده این آیا تکوینی است یا تشریعی، بنده به این مطلب اصلاً اشاره ای نداشتم، عرض می کنم ما تابع نص هستیم، اگر بگوییم العیاذ بالله نماز یک نوع ورزش است خوب ما چیز دیگری را به جای آن جایگزین کنیم، بگوییم نماز چون حرکات بدنی است پس ما باید عوض کنیم. حالا هم بیاییم ما هر چیزی را یک توجیه و تعبیری برایش بیآوریم،

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۷۳

آنچه كه كتب فقهي دارند اين است ، ما مقيد به نص هستيم . نص اين را گفته ، رشد را هم گفته ، بلوغ را هم گفته خوب ، رشد با دادگاه است ، ديگر ما چه احتياجي داريم سن (۱۴) سال يا (۱۵) سال بياوريم؟
رئيس . اولاً آقاي انصاري مي فرمايند من اين عبارت را به اين طوري نگفتم . ثانياً ببينيد! (انصاري – من گفتم اين ادله اجتهادي است) بله ، ببينيد! آقاي دكتور! اين حل بحث است ، الان در حوزه ها هم همان طوري كه اشاره كردند صحبت و بحث مي كنند ، الان تپه هايي مثل آيت الله صانعي ، آقاي جنبي ديگران بحث هايي داشته اند ، اصلاً در هيمن نكته اي كه ايشان در آخر اشاره فرمودند ، حتي رسول خدا وقتي مبعوث شد قوانين جاهليت دو دسته بودند ، يك سري قراردادها ، عقود ، قوانين را صحه گذاشت ، يك سري را رد كرد ، يعني آنچه كه معقول و منطقي بود ، خواست مردم بود اسلام صحه گذاشت ، آنچه كه خلاف فطرت و خواست مردم نبود آنها را رد كرد .

به هرحال ببينيد! بگذاريد ما امروز اينجا اين قضيه را تمام كنيم ، مثل اينكه الحمدلله اعتبارنامه ها و مقدمات مجلس و كميسيون ها دارد تمام مي شود ، مجلس دارد جدي بحثش را شروع مي كند ، اين طبيعي است كه موافق و مخالف كه صحبت مي كنند حرف همديگر را رد مي كنند . اولاً از موافقين ، مخالفين ، نمايندگان استدعا مي كنم در خلال صحبت هاي شان كه مي فرمايند و حرف طرف مقابل را در بحث رد مي كنند كاملاً رعايت همه جهات و جوانب بشود .

ثانياً اينكه اگر جاهايي هم مطلب رد مي شود اين طبيعي است .

ثالثاً اگر يك تذكري هم دارند دوستان بنويسند به من بدهند كه من اينجا ياد آوري كنم و بگويم از اين عبارت منظور فلاني اين بوده اينچنين ... اما اگر بنا باشد اخطار كنند و بحث كنند اين ديگر كار ما را مشكل مي كند كه سركار خام كولايي اين باب را بر روي ما باز كرد ، بفرماييد .

علايي طالقاني . اخطار دارم .

رئيس . بفرماييد .

وحيده علايي طالقاني . بسم الله الرحمن الرحيم

من فکر می‌کنم در این مسأله چند کلمه معنی واقعی نشده (رئیس — خانم! با استناد به چه صحبت می‌کنید؟) مبنای خانواده، مبنای جوامع ازدواج است و می‌بینیم که معنی رشد، معنی بلوغ را، معنی جسمی کرده اند، معنی فکری نکرده اند، وقتی می‌گویند بلوغ (رئیس — خوب، آخر این اخطار قانون اساسی است، تذکر آیین‌نامه ای است، کدام است؟!) وقتی می‌گویند رشد، معنی جسمی کرده اند در صورتی که این معنی جسمی را فقط روی زن متمرکز کرده اند و روی بلوغ فکری او اصلاً فکر نکرده اند ...

رئیس. این جزو تذکرات دوران بعد از دوم خرداد است و مجلس ششم است و چیز دیگری نیست (علاسی‌طالقانی — اصلاً روی بلوغ فکری فکر نکرده اند، مخصوص روی بلوغ زن فکر نکرده اند، متشکرم) اصلاً آقای انصاری باید در آیین‌نامه یک ماده ای هم باز کند «تذکرات دوران بعد از دوم

خرداد» ما هم واقعاً می‌خواهیم حرم را نگه داریم نگوییم. نماینده دولت بیایند توضیح بدهند. خواهش و استدعا می‌کنم نمایندگان که همه فعال و عزیز هستند حتماً در طرح‌ها و لوایح به‌موقع ثبت‌نام کنند که بتوانند صحبت‌هایشان را بفرمایند. حالا دیگر از آن فضای اولیه مجلس کارمان پایان یافته و ان‌شاءالله در قوانین و طرح‌ها و لوایح غرق می‌شویم، کمیسیون‌ها فعالند دارند ما را تغذیه می‌کنند و کار برای ما آماده می‌کنند. لذا به‌موقع ثبت‌نام کنند، نقطه نظراتشان را در خلال موافق و مخالف بیان بفرمایند. آقای منتظری از طرف دولت بفرمایید.

منتظری (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری). بسم الله الرحمن الرحيم

من جهت استحضار بیشتر نمایندگان محترم یک سابقه ای را از این طرح که در مجلس پنجم تقدیم شد عرض می‌کنم و بعد یک بررسی بکنیم ببینیم آیا آنچه که منظور نظر طراحان بوده با این اصلاحیه ای که داده شده است تأمین می‌شود یا نمی‌شود. من توجه نکردم که محترم کمیسیون نسبت به اصل این ماده در محضر

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۷۰

نمایندگان محترم اشاره اي به سابقه هم داشتند یا نه، من حالا اجمالاً مروري مي‌کنم.

ماده (۱۰۴۱) در قانون مدني قبلاً به اين صورت بود که «نكاح اناث قبل از رسيدن به سن (۱۵) سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن (۱۸) سال تمام ممنوع است. معذلك در مواردی كه مصالحی اقتضا

کند^۱ با پیشنهاد مدعي‌العموم و تصویب محكمه ممكن است استثناء^۲ معافيت از شرط سن اعطا^۳ شود ولي در هر حال اين معافيت نمی‌تواند به انثائی داده شود كه کمتر از (۱۳) سال تمام و به ذكوري شامل گردد كه کمتر از (۱۵) سال تمام دارند».

این ماده (۱۰۴۱) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۴ بوده، شوراي محترم نگهبان به اين ماده قانوني ايراد شرعي گرفتند و در سال ۱۳۷۰ اين قانون اصلاح شد، به اين صورت درآمد «نكاح قبل از بلوغ ممنوع است».

تبصره. عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي‌عليه صحيح مي‌باشد.

در راستاي تأمین نظر شوراي محترم نگهبان در سال ۱۳۷۰ اين قانون به اين صورت اصلاح شد. مسایلي در سراسر کشور در بعضي از قبایل و در بعضي از جاها اتفاق افتاد كه موجب شد تعدادي از نمایندگان محترم در دوره پنجم طرحي را تقديم مجلس بکنند و جلو يك سري ناهنجاري‌ها و مشكلات اجتماعي و خانوادگي كه در ازدواج‌هاي سنين پايين خصوصاً براي دختران پيش مي‌آيد گرفته بشود. بمنظور اين كار و براي تأمین اين نظر به نظر طراحان رسیده بود كه اگر ما تبصره ماده را حذف كنيم و به جایش اين تبصره را بیاوریم اين نظر تأمین مي‌شود. آیا واقعاً اينچنين

۱. در متن فوق عبارت «كه» بعد از عبارت «كند» حذف گردید.

۲. در متن فوق عبارت «استثناء» جایگزین عبارت «استثناً» گردید.

۳. مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱ صحيح است.

است؟ اگر چنانچه این تبصره قانونی که فعلاً اعتبار دارد حذف بشود آیا ببینیم نظر را تأمین می‌کند یا تأمین نمی‌کند؟ اولاً به نظر ما تأمین نمی‌کند.

ثانیاً حذف تبصره فعلی یکی از احکام مسلمه شرعی است که اگر چنانچه مجلس محترم هم حذف بکند می‌رود در شورای نگهبان مواجهه با مشکل خواهد شد، چون عزیزان استحضار دارید که از نظر شرعی در مواردی (که داریم می‌گوییم) در مواردی که! ولی یک ولی باشد عاقل، مصلحت اندیش، تمام جوانب امر را رعایت بکند، موردی پیش آمده است مصلحت این دختر بر این است که او را شوهر بدهد، در سن قبل از بلوغ است، حالا ما بیاییم این را حذف بکنیم اگر چنانچه این را حذف بکنیم در حقیقت قانون ناقص می‌شود. شما می‌فرمایید که آقا! در کجا چنین مسأله‌ای اتفاق می‌افتد؟ به هر حال باید قانون جامع باشد یعنی اگر چنانچه ولو در سراسر کشور یک مورد پیدا شد که فردی بخواهد قبل از بلوغ ازدواج بکند قانون باید تکلیف او را تعیین کرده باشد و این تبصره در شرایط فعلی وضعیت را مشخص کرده، در صورتی که مصلحت مولی علیه اقتضا^۱ بکند، ولی می‌تواند اجازه

بدهد و این عقد ازدواج با اجازه و اذن ولی در صورتی که به مصلحت او باشد صحیح خواهد بود. بنابراین حذف این تبصره به مصلحت نیست چون قانون ناقص می‌شود و یکی از احکام شرعی را ما حذف کرده‌ایم.

اما آنچه که مورد نظر طراحان محترم بوده است یعنی یک سری ازدواج‌هایی را که در سنین کوچکی برای دختران زیر سن بلوغ یا بالای سن بلوغ شرعی (۱۰) ساله، (۱۱) ساله، (۱۲) ساله انجام می‌شود و به علت عدم رشد عقلانی یا عدم رشد جسمانی دختر، موجب ناهنجاری‌هایی در جامعه می‌شود و به تعبیر یکی از خواهران در کمیسیون می‌گفتند افرادی هستند که دختران خودشان را به این وسیله می‌فروشند، مبلغ کلانی می‌گیرند تحت عنوان ازدواج برای اینکه خودشان به پول و مال و منال برسند، خوب این دختر را بدبخت می‌کنند، جلو این ناهنجاری

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۷

بايد چگونه گرفته شود؟ آيا جلو اين ناهنجاري را ما مي‌توانيم با حذف تبصره بگيريم؟ به نظر ما مي‌رسد كه خير نمي‌شود و بايستي كه از راه ديگري وارد شد و به ترتيب ديگري در اينجا تبصره ديگري اضافه كرد يا يك ماده‌اي اضافه شود و با نظر كارشناسان بيابيم هم كار كارشناسي انجام بدهيم ، هم اينكه ببينيم آنچه را كه منظور نظر بوده و آنچه كه ممكن است در جامعه ما گهگاهي مشكل پيش بيايد و يا سوءاستفاده‌اي از اين ماده و تبصره آن بشود، جلو آن را بگيريم.

يكي از عزيزان مخالف (ظاهراً جناب آقاي قرباني بودند) گفتند كه خوب ما چرا سن (۱۴) سال و سن (۱۷) سال يا (۱۸) سال را در اينجا ملاك قرار داديم؟ حقيقتش همين است ما روي چه ملاكي سن را بيابيم روي (۱۴) سال و (۱۸) سال بگذاريم؟ اگر بنا بر تشخيص است خوب ، بايستي كه يك پارامترهايي را ما ذكر بكنيم يك سري شرايطي را در قانون بياوريم و دادگاه را مكلف بكنيم كه با رعايت اين پارامترها و اين ضوابط و شرايط بررسي بكنند آيا چنين موردی را مي‌توان اجازه ازدواج داد يا نه؟ بنا بر اين به نظر ما مي‌رسد كه اين قانون، اين طرح با اين كيفيت نه تنها مشكل‌گشا نيست، بلكه موجب اين خواهد شد كه شوراي محترم نگهبان اين را رد بكنند چون باعث حذف تبصره‌اي شده است كه قبلاً در سال ۱۳۷۰ در راستاي تأمين نظر شوراي محترم نگهبان اين تبصره آمده ، حالا ما اين را حذف بكنيم . حذف كردن تبصره مصلحت نيست ، هم قانون ناقص خواهد شد، هم در راستاي تأمين نظر شوراي محترم نگهبان بوده و هم اينكه آنچه را كه منظور طراحان محترم بوده است با حذف اين تبصره تأمين نخواهد شد، چون به هرحال اگر هم ما اين تبصره را حذف بكنيم وقتي كه به دادگاه مراجعه بشود، دادگاه وقتي كه قانون نداشته باشد، طبق قانون اساسي و طبق قوانيني كه ما الان

جاري در آيين دادرسي مدني^۱ داريم ، دادگاه مكلف است به منابع فقهي مراجعه بكنند و با استناد به منابع فقهي حكم قضيه را صادر بكنند. خوب وقتي شما اين تبصره را حذف كرديد اگر يك مورد پيش آمد دادگاه مكلف است به منابع فقهي مراجعه بكنند و براساس منابع فقهي حكم قضيه را صادر كنند.

به هرحال به نظر ما مي‌رسد اين هدي كه منظور نظر طراحان محترم بوده به اين وسيله تأمين نمي‌شود، اگر چنانچه مجلس محترم به كليات اين طرح رأي دادند من تقاضا دارم از كميسيون محترم قضائي كه در شور دوم حتماً كار كارشناسي جامع و كاملي روي آن انجام بشود كه هم تأمين نظر شوراي محترم نگهبان شده باشد و هم طراحان محترمي كه بدنبال رفع ناهنجاري‌هاي اجتماعي هستند بتوانند با اين قانون ان شاء الله به

هدفشان برسند. والسلام

رئيس. كميسيون بفرماييد.

محمد كاظمي (مخبر كميسيون امور قضائي و حقوقي). ضمن تشكر از موافقين و مخالفين محترم ، من خدمت آقاي دكتور شيخ مي‌خواهم عرض كنم كه واقعاً ما هم معتقديم كه قانون مدني ما از يك استحكام و واقعاً پشتمانه عظيم فقهي برخوردار است و اي كاش شرابطي پيش مي‌آمد كه ما اصلاً قانون مدني را حك و اصلاح نكنيم و آن مشكلي هم كه الان پيش آمده ، دليلش اصلاح قانون مدني در سال ۷۰ است. به اعتقاد من اگر زمينه اي بود كه ما همان ماده (۱۰۴۱) قانون ۱۳۰۷ را اجرا مي‌كرديم چنين مشكلاتي پيش نمي‌آمد. قانون مدني هم سن رشد را (جناب آقاي دكتور يثربى!) برداشته ، سن رشد در ماده (۱۲۱۰) قانون مدني سابق

۱. در متن فوق عبارت «آيين دادرسي مدني» جايجزين عبارت «آيين مدني» گرديد.

۲. در متن فوق عبارت «سال ۷۰» جايجزين عبارت «سال ۷۱» گرديد.

۳. ماده «۱۰۴۱» مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱ است نه سال ۱۳۰۷.

(۱۸) سال بود، الان اين سن و اين ماده در اصلاحات سال ۷۰ نسخ شده و ملك ازدواج را ما بلوغ (۹) سال دختران و (۱۵) سال پسران را دانستيم. آقاي منتظري اشاره كردند اگر ولي و پدري كه همه شرايط را داشته باشد و بيايد دخترش را به ازدواج درياورد مگر اشكالي دارد؟ سؤال ما اين است آيا همه كساني كه پدر هستند و قيم و سرپرست دختران زير (۹) ساله هستند آيا اينها شرايط لازم را دارند كه مصلحت مولي عليه خودشان را تشخيص بدهند؟ آيا آن پدري كه دختر زير (۹) سالش را به ازدواج مي دهد و اراده خودش را به جاي اراده دخترش جايجزين مي كند، اين دختر در آينده چه مشكلاتي را براي اداره زندگي اش خواهد داشت؟ علاوه بر آن ما معتقديم كه بجز بلوغ جسمي، بلوغ عقلي، بلوغ فكري و بلوغ اداره و زندگي هم واقعاً ملك است. اين تبصره اختيارات ولي، اختيار قيم و سرپرست آن دختر و پسر زير سن بلوغ را نمي خواهد حذف كند، مي خواهد يك شرطي را اضافه كند و آن شرط اين است كه اگر ولي و پدر دختر اين مصلحت را تشخيص داد، در كنار ولي دادگاه و مدعي العموم و دادستان كه حامي حقوق جامعه است، دادستان هم بيايد شرايط اين دختر را بررسي كند و ببيند كه اين دختر مي تواند يك زندگي مشترك را اداره كند يا نه؟ ما بيايم مشكلات عملي اجراي اين قانون را در دادگاه پيشيني كنيم.

در ماده (۱۰۴۱) قبلي و در ماده (۳) قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ پيشيني شده بود كه اگر فردي با شخصي كه واجد شرايط نيست، با دختر زير (۱۵) سال ازدواج كند اين محكوم به حبس مي شود، يعني يك ضمانت اجرايي براي اجراي اين ماده پيشيني شده بود، ولي حالا سؤال اين است كه اگر پدري دختر (۹) ساله خودش را شوهر داد و اين دختر در مراحل مختلف فرض كنيد وقت زايمان به لحاظ اينكه مشكلات جسمي داشت و نمي بايست ازدواج مي كرد، تلف شد و يا آن نوزاد از بين رفت، دادگاه ما براساس چه ماده قانوني بيايد با اين پدر برخورد كند؟ هيچ ضمانت اجرايي در اين قضيه وجود ندارد. آنچه كه طراحان محترم اين طرح را وادار به تنظيم اين طرح و تقديم آن به مجلس كرده

دقیقاً مشکلات و مخاطرات اجتماعی و مشکلاتی است که ما در دادگاهها و محاکم روزانه با آن روبرو هستیم.

در هر صورت بعضی از ایرادات و مخالفت‌هایی که نمایندگان محترم داشتند ما هم معتقدیم که باید در شور دوم به این جزئیات پرداخت و بگونه‌ای این تبصره را اصلاح کرد که ان‌شاءالله نظر شورای نگهبان هم تأمین شود و شورای محترم نگهبان هم این تبصره را بعد از تصویب ان‌شاءالله تأیید کند.

رئیس. متشکر، حضار ۲۱۳ نفر، کلیات طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ به رأی گذاشته می‌شود. موافقین قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

خدمت شورای نگهبان هم می‌شود عرض کرد که این تصویب دو سوم هم شد. اگر جزو چیزهای ضروری هم باشد کلی می‌گویم، می‌دانم در مواد ریز ... در زمین شهری بحثی شد که مجلس کلیت آن را می‌خواهد ...
یک تذکر خیلی احتیاطی جناب آقای پورنجاتی دادند که تذکر بدهم، برای اینکه ایشان تذکر دادند. همان‌طور که عرض کردم (بعد وارد دستور بعدی می‌شویم) دوستان گاهی تذکر می‌دهند و وظیفه ما هست که باید خواهران و برادران صحبت کنند، بعد هم می‌بینیم اخطار وارد نیست، اگر بگوییم اخطار وارد نیست، فوراً قطع می‌شود، نمی‌خواهیم چنین کاری بکنیم، لذا مدارا می‌کنیم. من جمله خانم طالقانی فرمایشاتی که داشتند من یک مزاح کردم، گفتم که آقای انصاری شما یک ماده هم در آیین‌نامه بگذارید راجع به بعد از دوم^۱ خرداد و مجلس دوم^۲ خرداد. ایشان می‌گوید نکند یک وقت تعریض به حماسه

۱. در متن فوق عبارت «دوم» قبل از عبارت «خرداد» اضافه شد.

۲. همان.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۱۱۸۱

دوم^۱ خرداد باشد، شما نظرتان این نبوده، دیگران چنین چیزی نگیرند. اصلاً قطعاً اینطور چیزی نیست، ما خودمان ... حالا نمی‌خواهیم چیزی بگوییم. از سربازان بالاخره جدي و پادو این حماسه بودیم که این حماسه متعلق به ایران است، حتی متعلق به آقای خاگی هم نیست. آقای خاگی رئیس‌جمهور محبوبی است که خالقش مردم هستند و این حماسه را بوجود آوردند. بنابراین همه می‌دانند ما جزو طرفداران یاقصر و محکم دوم^۲ خرداد هستیم، تعریض به دوم^۳ خرداد حتما نداریم. گفتند چون محیط متاسفانه مقداری مسموم است نکنند يك وقت چنین چیزی شود. حماسه دوم خرداد حماسه جاویدی است از ملت شریف ایران که رئیس‌جمهور محبوب و جابسته‌ای را ملت انتخاب کردند.

□□□□□□□□□□.□□□□□□□□□□

شماره دوره ششم - سال اول
ترتیب چاپ ۱۹۴
۱۳۷۹ - ۱۳۸۰
سابقه ۷۲ - ۱۰۳
تاریخ چاپ ۱۳۷۹/۵/۳۰
ثبت ۶۵

پیشنها دا

پیشنهادهاي واصله در مورد طرح اصلاح تبصره ماده
(۱۰۴۱)

قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰

اداره کل قوانین

بِسْمِ اللَّهِ

1. همان .
2. همان .
3. همان .

پیشنهادهای واصله در مورد طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰

- اصلاح زیر در مورد تغییر ماده ۱۰۴۱ ارائه می‌گردد:
«ازدواج علاوه بر بلوغ منوط به رشد و عدم ضرر می‌باشد و احراز آن با تشخیص دادگاه است.»
تبصره. «ازدواج قبل از بلوغ به شرط عدم مفسده و رعایت مصلحت مولی‌علیه و تأیید تشخیص ولی از طرف دادگاه بلامانع است.»
(توجه دارید دو کلمه رشد و عدم ضرر دارای ملاک و بار فقهی و حقوقی است و منظور نظر طراحان از تغییر سن را نیز تأمین خواهد نمود.)

سیدعلی‌محمد یثربی

- **تبصره.** ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۵) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۸) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

شهربانو امانی

شماره ۲۲۴ - چاپ ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹

دوره ششم - سال اول
شماره ترتیب
شماره چاپ سابقه ۷۲
- ۱۰۳ - ۱۹۴
تاریخ چاپ ۱۳۷۹/۶/۱۷
شماره دفتر ثبت ۶۵

شور دوم

شماره ۳۴ / ک ق
تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۶
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۱۱۸۳

از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ به شماره ترتیب چاپ ۱۰۳ که جهت رسیدگی شور دوم به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود با حضور مسئولین و کارشناسان دستگاههای ذی ربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر عیناً به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی
سیدناصر قوامی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی

از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۴) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۷) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۸/۲۱

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۳۰ مورخ

۱۳۷۹/۸/۲۱)

دوره ششم - اجلاس اول

۱۳۸۰ - ۱۳۷۹

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه هشتم

آبان ماه ۱۳۷۹

(جلسه ۴۰)

۱۲. تصویب طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۰۳» مربوط به گزارش شور اول است نه طرح.

اصلاح موادي از

قانون مدني مصوب ۱۳۷۰

رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرمایید.
منشي (جبارزاده). دستور بعدي گزارش شور دوم
 کمیسیون قضائی و حقوقی در مورد طرح اصلاح تبصره
 ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادي از قانون مدني
 مصوب ۱۳۷۰. خبر محترم کمیسیون قضائی بفرمایید.
 (در این هنگام آقای بهزاد نبوي «نایب رئیس»

ریاست جلسه را به عهده گرفتند)

محمد کاظمي (خبر کمیسیون قضائي و حقوقي).

بسم الله الرحمن الرحيم
 گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای
 اسلامی

طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادي
 از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰ به شماره ترتیب چاپ
 (۱۰۳)^۱ که جهت رسیدگی شور دوم به این کمیسیون
 به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود با حضور
 مسئولین و کارشناسان دستگاههای ذی ربط مطرح گردید
 و پس از بحث و تبادل نظر عیناً به شرح زیر مورد
 تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس شورای اسلامی
 می‌گردد.

رئيس کمیسیون قضائي و حقوقي. سيدناصر قوامي

همان‌طوري که در جریان تصویب کلیات این طرح
 خدمت همکاران محترم عرض کردم، این ماده قبل از
 اصلاح سال ۶۱ و ۷۰ برای ازدواج پسران و دختران سن
 (۱۵) سال و (۱۸) سال را تعیین کرده بود که این
 شرط سنی در شرایطی به (۱۳) سال و (۱۷) سال هم
 تقلیل پیدا می‌کرد یعنی اگر اولیا يك فرد دختر خانم
 زیر (۱۳) سال و پسری که به سن (۱۵) سال رسیده
 قصد ازدواج برای اینها را داشتند به دادگستری

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۰۳» مربوط به گزارش شور اول است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۸۵

مراجعه مي‌كردند و توسط مدعي‌العموم اين فرد به پزشكي قانوني معرفي مي‌شد و در صورت تجويز پزشكي قانوني از دادگاه به وسيله مدعي‌العموم صدور حكم معافيت شرط سن داده مي‌شد، حكم صادر و ازدواج انجام مي‌شد.

در سال‌هاي ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ برخي از مواد قانون مدني بر مبناي تطبيق اين مواد با موازين فقهيه اصلاح شد. از جمله موادي كه مورد اصلاح قرار گرفت ماده (۱۰۴۱) قانون مدني بود. در واقع اين ماده بر مبناي اين نظر فقهيه كه ولي كه همان پدر و جد پدري است براي فرزند صغير خود در هر سني كه باشد مي‌تواند (اجازه) ازدواج (صادر) كند اصلاح شد. صدر ماده مي‌گويد كه «ازدواج قبل از سن بلوغ ممنوع است» و در ذيل اين ماده در تبصره اين ماده آمده

است كه «ازدواج زير سن بلوغ به شرط رعايت مصلحت مولي‌عليه و با اجازه ولي مجاز مي‌باشد». خوب، اجراي

اين ماده در عمل مشكلاتي را بوجود آورده، درست است كه ولي اين افراد قاعده‌تاً مصلحت را رعايت مي‌كنند، اما ممكن است در يك شرايطي سرپرست و ولي فرد نابالغ نتواند به درستي مصلحت مولي‌عليه خودش را تشخيص بدهد و يا گاهي موارد ممكن است يك پدري و سرپرست يك فردي مصلحت و منافع خودش را بر منفعت فرزندش ترجيح بدهد كه اين موارد كم هم نيستند و هر كدام از ما موارد را سراغ داريم كه فردي منفعت خودش را بر منفعت فرزندش در امر ازدواج ترجيح داده و از طرفي به هرحال ازدواج در سنين پايين در سن زير سن بلوغ كه مي‌دانيم باز يكي از اصلاحات قانون مدني در ماده (۱۲۱۰) اين است كه سن بلوغ را در مورد دختران (۹) سال تمام قمری و در مورد پسران (۱۵) سال تمام قمری دانسته، خوب ازدواج در شرايط سني زير (۹) سال براي دختران يا زير (۱۵) سال براي پسران به لحاظ صحت و سلامت جسمي و فكري اين افراد براي اداره زندگي گاهي اوقات نياز به مراجعه به پزشك قانوني و تشخيص متخصصين دارد. فلذا واقعاً اجراي اين ماده بعد از

سال ۱۳۷۰ مشکلاتی را بوجود آورده، طلاق‌های متعددی را باعث شده و بسیاری از پرونده‌های دادگاه‌های خانواده پرونده‌هایی است که افرادی در چنین سنی ازدواج کردند و بعداً (دچار) مشکلات مختلفی شدند و به دادگاه مراجعه کردند.

در جهت رفع این مشکلات و بمنظور نظارت بیشتر بر این قبیل ازدواج‌ها و حفظ استحکام نهاد مهم خانواده و همچنین کاهش میزان طلاق، طراحان محترم این طرح را تقدیم مجلس کردند که کلیاتش تصویب و در کمیسیون بعد از ارسال، تغییر خاصی هم در این عبارات بوجود نیامده است.

ممکن است سؤال این باشد یا بعضی از همکاران محترم نظرشان این باشد که این شرط و این طرح خلاف شرع است، چون به هر حال شرع مقدس اسلام برای ازدواج سن (۹) سال و (۱۵) سال را پیش‌بینی کرده و حال آنکه من خدمت شما عرض می‌کنم که این طرح ممنوع نکرده، پیش‌بینی کرده که اگر دختری زیر این سن و یا پسری زیر سن (۱۵) سال خواست ازدواج کند، اجازه دادگاه را به همراه داشته باشد و این ممنوعیت نیست، یک قید است.

من عین آنچه را که تصویب شده خدمت همکاران یک بار قرائت می‌کنم.

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۷۰/۸/۱۴ به شرح زیر اصلاح می‌گردد.

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به سن (۱۴) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن (۱۷) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

والسلام

نایب رئیس. متشکر، پیشنهادات را مطرح بفرمایید.
منشی (جبارزاده). خانم امانی پیشنهاد دارند، بفرمایید.

شهربانو امانی‌انگنه. بسم الله الرحمن الرحيم
ضمن تقدیر و تشکر از نمایندگان محترم، در ارتباط با اینکه در شور اول به طرح پیشنهادی رأی دادند، دوستان مستحضر هستند که واقعاً امر ازدواج خصوصاً در کشور اسلامی با توجه به ابعاد

گسترده ... از جمله با عنايت به اينكه اصل و اساس جامعه خانواده است، رسالت و مسئوليت تشكيل خانواده را همه عزيزان و نمايندگان محترم مستحضر هستند كه در شور اول به اين طرح رأي دادند. من ميخواهم عرض كنم با عنايت به اينكه ما براي فعاليتهاي اجتماعي يك سري معيارهاي داريم از جمله درخصوص دريافت گواهينامه، به محض اينكه يك جوان و نوجوان شناسنامه را تقديم مسئولين ذي ربط كردند وقتي كمتر از (۱۸) سال دارند اجازه ثبتنام براي اخذ گواهينامه داده نميشود. در ارتباط با اخذ گذرنامه همينطور، اگر يك جوان شما كمتر از (۱۸) سال سن داشته باشد اجازه دريافت و حتي فرم را به عزيزان نميدهند.

در ارتباط با حساب پس انداز، اگر جواني كمتر از (۱۸) سال داشته باشد و بخواهد بخشي از درآمدهاي خود را در حسابي متمرکز كند اجازه پس انداز نميدهند و حتماً بايد با پدر مراجعه كند (خصوصاً با پدر) چون زن ها هم اجازه ندارند كه براي بچه هايشان حساب پس انداز باز بكنند.^۱ طرح دعوي همينطور و سن اعزام مشمولين هم با (۱۸) سال تمام اعمال ميشود. سن رأي (۱۶) سال تمام براي يك فعاليت عظيم اجتماعي كه اگر جوان و نوجواني در انتخاب آن حتي روش درست و انتخاب صحيح را نداشته باشد جامعه طوري حركت ميكند كه انتخاب اصلاح اتفاق بيفتد. در سن اشتغال هم همين اعمال

۱. قانون اجازه افتتاح حساب پس انداز براي اطفال مصوب ۱۳۵۷/۱/۲۱ كه در مجموعه قوانين سال ۱۳۵۷ صفحه ۱ به چاپ

رسيده است به شرح زير است:

ماده واحده. اطفالي كه به سن دوازده سال تمام رسيده باشند ميتوانند به نام خود در بانكها حساب پس انداز باز نمايند. حق برداشت از اين حسابها منحصرأ با دارنده حساب ميباشد. دارندگان اين حسابها ميتوانند پس از رسيدن به سن پانزده سال تمام از حساب خود برداشت نمايند. **تبصره.** مادر ميتواند به نام فرزند صغير خود حساب پس انداز باز كند و حق برداشت از اين حساب تا رسيدن صغير به سن ۱۸ سال تمام فقط با مادر است.

نظر را ما داریم که کمتر از (۱۶) سال يك جوان به اشتغال مبادرت نداشته باشد.

سؤال بنده اینجا است که آیا تربیت جوان، آیا تشکیل زندگی، آیا تربیت نسل آینده درواقع کمتر از کدامیک از این فعالیت‌های اجتماعی است؟ من چون همیشه دفاع از حق و حقوق زنان کرده‌ام اینجا می‌خواهم عرض کنم که يك پسر (۱۷) ساله واقعاً توان این را برای تأمین معیشت خانواده، برای پدري خانواده و برای تأمین نفقه زن دارد یا ندارد؟ لذا پیشنهاد بنده این است که سن ازدواج برای دختران (۱۵) سال که حداقل يك منشأ عرفی داشته باشد و برای پسران کمتر از (۱۸) سال ممنوع باشد، مگر به اذن دادگاه و تشکر می‌کنم که اذن دادگاه را به این استدلال در شور اول اضافه فرمودید که خدای ناکرده در بعضی از جاها مخصوصاً در مناطق دورافتاده، خاصه در ارتباط با ازدواج دختران خدای ناکرده به اسم ازدواج، خرید و فروش نشود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

منشی (جبارزاده). مخالفی ثبت‌نام نکرده است.

نایب رئیس. پس موافق هم صحبت نمی‌کنند، متن پیشنهاد را قرائت بفرمایید.

منشی (جبارزاده). من متن پیشنهاد خانم امانی را برای رأی‌گیری قرائت می‌کنم. متن پیشنهاد عبارت است از:

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۵) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۸) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

نایب رئیس. حضار ۲۰۶ نفر، موافقین با پیشنهاد خانم امانی قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

منشی (جبارزاده). باتوجه به اینکه ماده واحده‌مان همان يك تبصره بود دیگر نیاز به رأی مجدد نداریم. من اینجا ماده واحده را می‌خوانم:

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۸۹

تبصره را هم كه پيشنهاد خانم امانى بود قرائت كردم و مجلس محترم هم رأى دادند، همين بود.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۸/۱۴

۲۷۹ - ق
۱۳۷۹/۸/۱۴

شورای محترم نگهبان طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادى از قانون مدنى مصوب ۱۳۷۰ كه در جلسه علىى روز يكشنبه مورخ ۱۳۷۹/۸/۸ مجلس شورای اسلامى با اصلاحاتى به تصویب رسیده است، در اجرائى اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسى جهت بررسى و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می‌گردد.

مهدى كروبی
رئيس مجلس شورای اسلامى

طرح^۱ اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادى از قانون مدنى مصوب ۱۳۷۰
ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادى از قانون مدنى مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:
تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۵) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۸) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.
طرح^۲ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علىى روز يكشنبه مورخ هشتم آبان ماه يك هزار و سیصد و هفتاد و نه به تصویب مجلس شورای اسلامى رسیده است.

-
۱. به جاي عبارت «طرح» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
 ۲. به جاي عبارت «طرح» عبارت «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، تهران

۷۹/۲۱/۱۱۶۱
۷۹/۸/۱۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه شماره ۲۷۹ - ق مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۴:
طرح^۱ اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی
از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ مصوب جلسه مورخ هشتم
آبان ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس
شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۸ شورای
نگهبان مطرح شد که خلاف شرع شناخته شد.

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۹۹۱

شماره ۳۸۹ - دوره ششم - سال اول

شماره ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹ شماره چاپ سابقه ۷۲ - ۱۰۳ - ۱۹۴ - ۲۲۴ تاريخ چاپ ۱۳۷۹/۹/۱۶ شماره دفتر ثبت ۶۵

اعاده شده از شوراي نگهبان

شماره ۳۳ / ك ق تاريخ ۱۳۷۹/۹/۱۴ گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي طرح^۱ اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادى از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰ كه پس از تصويب مجلس شوراي اسلامي مورد ايراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود، در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۳ كميسيون با حضور نمايندگان محترم آن شورا مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر كميسيون بر مصوبه مجلس اصرار نمود و آن را تصويب كرد. اينك گزارش آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون قضائي و حقوقي سيدناصر قوامي

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح^۲ اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادى از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰ ماده واحده. تبصره ذيل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادى از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذيل اصلاح ميگردد:

۱. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

۲. همان.

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۵) سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۸) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

مجلس شورای اسلامی در جلسه روز شنبه ۱۳۷۹/۱۰/۱۳

با تصویب ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۷۱ مورخ

۱۳۷۹/۱۰/۱۳)

دوره ششم. اجلاس اول

۱۳۸۰ - ۱۳۷۹

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه بیست و

هفتم آذر ماه ۱۳۷۹

(جلسه ۵۸)

۱۰. تصویب مجدد طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱)

قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ و

ارجاع آن به جمع تشخیص مصلحت نظام

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.

منشی (جبارزاده). دستور بعدی گزارش کمیسیون

قضائی و حقوقی در مورد طرح^۱ اصلاح تبصره ماده

(۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب سال

۱۳۷۰ (اعاده شده از شورای محترم نگهبان). خبر محترم

کمیسیون قضائی تشریف ندارند، نایب رئیس کمیسیون

بفرمایید.

رئیس. توضیح مختصری بدهید، بفرمایید.

غلامعلی عابدی (نایب رئیس کمیسیون قضائی و

حقوقی). بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس محترم شورای

اسلامی

طرح^۲ اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی

از قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۰^۳ که پس از تصویب

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

۳. مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱ صحیح است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۹۳

جلس شوراي اسلامي مورد ايراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مورخ ۷۹/۹/۱۳ كميسيون با حضور نمايندگان محترم آن شورا مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر كميسيون بر مصوبه مجلس اصرار نمود و آن را تصويب كرد. اينك گزارش آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون قضائي و حقوقي. سيدناصر قوامي

عزیزان! همانگونه كه مستحضر هستيد ماده (۱۰۴۱) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷ اعلام کرده بود كه نكاح اناث قبل از رسيدن به سن (۱۵) سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن (۱۸) سال تمام ممنوع است، معذلك در مواردی كه مصالح اقتضا كند با پيشنهاده مدعي العموم كه همان دادستان اطلاق ميشود و تصويب محكمه ممكن است. در سال ۱۳۷۰ يك اصلاحيه اي به اين ماده اضافه كردند به اين ترتيب كه «نكاح قبل از بلوغ ممنوع است، منتها عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي عليه صحيح است». خوب، در اینجا با توجه به وضعيت بعضي از اوليا و كثرت اولاد ممكن بود كه بچه هايشان را به افرادي بفروشند، بدهند كه واقعاً موجب تضییع حق مولي عليه بشود، طرحي به مجلس داده شد كه اين مصلحت را دادگاه تشخيص بدهد كه خدای ناکرده اگر ولي خواست اين بی احتیاطی را بکند و یا رعايت مصلحت مولي عليه خود را نکند، دادگاه حداقل اين رعايت را در مقوله اين فرد انجام بدهد كه در كميسيون به تصويب رسيد در صحن مجلس آمد، تقريباً به اتفاق آرا تصويب شد، به محضر شوراي محترم نگهبان رفت، شوراي محترم نگهبان اين را خلاف شرع تشخيص دادند، به كميسيون قضائي برگشت و كميسيون قضائي به

نظریه مجلس اصرار ورزید، حالا هر طور خودتان صلاح می‌دانید به هرحال تصمیم بگیرید، خیلی متشکرم.

رئیس. مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (جبارزاده). مخالف آقای موسوی اصل هستند.

موسوی اصل. من موافق اصل طرح هستم.

منشی (جبارزاده). مخالف آقای ابوترابی هستند، البته حاج آقا! این را هم عرض کنم اصل این طرح بحث شده مخالف و موافق... کمیسیون الان هیچ تغییری نداده، روی همان مصوبه قبلی خودش صحبت کرده یعنی اگر به این شکل داشته باشیم قبلاً روی همین مصوبه مخالف، موافق صحبت کرده، مجلس رأی داده، الان چون کمیسیون قضائی هیچ تغییری نداده، روی مصوبه قبلی خودشان باز اصرار دارند و مجدداً آن را تصویب کردند با این لحاظ قاعداً چون قبلاً صحبت شده و تغییر جدیدی نیست، اگر اجازه بفرمایید دیگر مخالف و موافق صحبت نکنند چون قبلاً یک بار صحبت کرده‌اند.

ابوترابی‌فرد. باید بحث را داشته باشم.

منشی (جبارزاده). اصلاً اینجا جای صحبت نیست، چون تغییری نداده.

رئیس. اصلاً محل صحبت نیست، چون چیز جدیدی نشده، یک وقت هست که کمیسیون تغییری می‌دهد، در تغییر می‌آیند دوباره صحبت می‌کنند، اما مطلب همان است یعنی نظر کمیسیون به قوت خودش باقی است (ابوترابی‌فرد - عرایض را که عرض کنم می‌بینید که مناسب است) آقای رضوی هم موافق است، موافق که حق ندارد صحبت کند، آقای رضوی! در اعاده شده موافق صحبت نمی‌کند ما الان تحت عنوان اعاده شده باز می‌گوییم... تکرار از باب تذکر است، آقای ابوترابی بفرمایید.

سید محمدحسن ابوترابی‌فرد. بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و عرض تسلیت به مناسبت فرا رسیدن ایام شهادت امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب - علیه السلام - و عرض تبریک روز وحدت حوزه و دانشگاه.

محضر سروران عزیز عرض کنم قوانینی که مجلس تصویب می‌کند باید مطابق با احکام اولیه شرع

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۱۹۵

مقدس اسلام باشد و شوراي محترم نگهبان هم كه مصوبات مجلس را بررسي مي‌فرمايد از جهت انطباق يا عدم انطباق با موازين و احكام شرع، ظاهراً نگاهشان همان احكام اوليه شرعي است. لذا در مواردی كه مجلس به نظرشان مي‌رسد الان شرايط خاصي است كه در آن شرايط خاص اقتضا مي‌شود حكم ثانوي

را ما در قوانين و مقررات كشوري و شرعي‌مان داشته باشيم، در اينگونه موارد كه به نظر بنده اين مورد مطرح مي‌تواند از مصاديق آن باشد كه بعضي از نمايندگان محترم مطرح فرمودند، كميسيون هم بررسي کرده مبني بر اينكه الان احساس مي‌شود حقوق بعضي از شهروندان ما، خواهان ما رعايت نمي‌شود، قبل از آنكه به آن بلوغ و رشد لازم دست بيابند ممكن است منافع آنها توسط كسي كه بايد حافظ او باشد حفظ نشود، لذا پيشنهاد فرمودند براي جلوگيري از اين سن ازدواج به فلان زمان افزايش پيدا كند، اين چون با قوانين اوليه اسلام انطباق ندارد، لذا شوراي نگهبان هم بايد قاعده‌تاً رد كند، بنده فكر مي‌كنم در اينگونه موارد نظر مجلس شوراي اسلامي به عنوان يك نظر كارشناسي كه احساس مي‌شود در اين مقطع بايد اينچنين عمل بشود بايد به جمع تشخيص مصلحت نظام ارجاع بشود كه ظاهراً با اختيارياتي كه از طرف ولي فقيه آن مجمع دارد و نام آن هم حكايت از اين مي‌كند، اگر احساس كردند الان مصلحت اقتضا مي‌كند در اين مقطع زماني ...

لذا بايد زمانش هم مشخص باشد مثلاً براي يك مدت يا تا آن زماني كه فرضاً تشخيص داده بشود ديگر يك چنين شرايط خاصي در جامعه وجود ندارد كه حق خاتمه تضييع بشود اين قانون عمل بشود.

لذا به نظر مي‌رسد نظر شوراي نگهبان درست است، حالا آفايان هم اگر بر نظرشان هستند اين نظر به جمع تشخيص مصلحت نظام ارجاع مي‌شود اگر آنگاه هم تشخيص دادند (كه الان اقتضا مي‌كند كه چنين

حكمي‌باشد) يقيناً عمل خواهند كرد.

والسلام عليكم و رحمه الله و برکاته

رئيس. ببينيد، معمول نبوده كه در اعاده شده

شورای نگهبان موافق صحبت کند، تغییر هم اینجا داده نشده حالا ما رعایت کردیم چون حضرتعالی خواستید صحبت کنید صحبت فرمودید، اما چون جنابعالی صحبت فرمودید من خودم یکی، دو، سه کلمه توضیح حضورتان بدهم، اتفاقاً خوب شد به تناسب همین مسایلی که انشاالله پس فردا اگر عمري بود چند جمله ای صحبت می‌کنیم.

آقای ابوترابی‌فرد ببینید! آنچه مسلم است از نظر مجلس، براساس قانون اساسی میزان و معیار، برداشت و نظر شورای نگهبان است، بحثی در این نیست. منتها دو نکته هم وجود دارد، یک نکته این است که موازین اسلامی مطرح است که خلاف موازین اسلامی نباشد، موازین اسلامی یعنی آنهایی که همه فقها متفقند و نظرشان یکی است، والا در

مواردی که فقها نظرشان مختلف است حداقل این حالا محل بحث است، این نکته اول.

نکته دوم در همین مورد که شما فرمودید با احکام ثانوی، این طوری نیست، من خودم همین روزها از بعضی مراجع تقلید سؤال کردم این مسأله هیچ اشکالی ندارد بر اساس همانکه حضرت عالی فرمودید ما هم اشاره کردیم مجلس هم تصویب کرده که در جامعه ما که یک سلسله حوادثی دارد رخ می‌دهد که منافع آن دختر لحاظ نمی‌شود، این حکم ثانوی نیست، براساس اینکه یک معامله، یک ازدواج، هر چه که می‌خواهد باشد باید منافع آن طرف هم رعایت بشود اینجا رعایت نشده، چون رعایت نمی‌شود لذا طبعاً مجلس این را اجازه داده. حالا به هرجهت من می‌خواهم بدانید که این مسأله این طوری نیست که حتمی جز احکام

اولیه تثبیت شده باشد، بلوغ بله، اما این طور موارد نه، می‌گویند اگر ضرر برایش داشت نباید... و من مخصوصاً با یکی، دو نفر از مراجع تقلید این روزها به این تناسب صحبت کردم، حالا دیگر رئیس کمیسیون قضائی هم (جناب آقای قوامی) می‌خواهد صحبت کند، آقای ابوترابی هم می‌خواهد صحبت کند، هر دو هم سید هستند، هم روحانی

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۹۷

هستند، هم اهل قزوین هستند، اگر بگوییم ایشان هم صحبت کند آن وقت دیگر خیلی ناجور می‌شود، دیگر صحبت نمی‌کنیم، برای رأی بخوانید. به هیچکدام از شما اجازه نمی‌دهم، حالا آیین‌نامه را هم برای بعد بگذار، الان خانم حقیقت‌جو هم مدتی است می‌خواهد از حقوق خانم‌ها به شدت دفاع بکند، شما هم می‌خواهید از اسلام دفاع کنید هر دو هم یکی است، بخوانید. این را رأی بگیریم (قربانی - تذکر دارم) مخلص آقای قربانی هستیم می‌دانم چه می‌خواهید بگویید، می‌خواهید بگویید آیین‌نامه ساکت است، بفرمایید.

منشی (جبارزاده): کمیسیون روی مصوبه قبلی مجلس باز اصرار دارند، من مصوبه قبلی را جهت اطلاع و رأی نمایندگان محترم قرائت می‌کنم اگر نمایندگان محترم مجدداً به این رأی دادند با توجه به اصرار مجلس بر مصوبه قبلی به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود، چون ما تغییری انجام ندادیم، عین همان است، برای رأی قرائت می‌کنم.

ماده واحده: تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد.

تبصره: ازدواج دختر قبل از رسیدن به پانزده سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۸) سال تمام شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

رئیس: حضار ۲۰۱ نفر، همان پیشنهاد قبلی کمیسیون قضائی است یعنی مصوبه کمیسیون قضائی به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

بنابراین با توجه به اینکه مجدداً کمیسیون همان نظریه قبلی خود را تأیید کرد از اینجا به مجمع تشخیص مصلحت می‌فرستیم آنجا دیگر ببینیم چه می‌شود.

شماره ۳۸۱ - ق

شماره ۳۸۱ - ق

۱۳۷۹/۹/۲۹

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای هاشمی
رفسنجانی

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام
مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص طرح اصلاح تبصره
ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد از قانون مدنی
مصوب ۱۳۷۰ که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار
گرفته بود، مجدداً در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ
۱۳۷۹/۹/۲۷ مجلس شورای اسلامی مطرح و نظر قبلی
تصویب گردید.

علی‌هذا در اجرای اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲)
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه مجلس همراه
با نظر شورای محترم نگهبان جهت استحضار و طرح در
جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام و اعلام نتیجه به
پیوست ایفاد می‌گردد. ضمناً کلیه سوابق نیز ضمیمه
می‌باشد.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه تعالی

طرح^۱ اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد
از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰

ماده واحده. تبصره ذیل ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح
مواد از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذیل
اصلاح می‌گردد:

تبصره. ازدواج دختر قبل از رسیدن به (۱۵) سال
تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به (۱۸) سال تمام
شمسی منوط به تحصیل اجازه از دادگاه می‌باشد.

طرح^۲ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی
روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آذر ماه یک هزار و
سیصد و هفتاد و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۱۹۹

رسیده است.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی - تهران

۲۴۶۳۳/۰۱۰۱

۱۳۸۱/۴/۳

پیوست: ۱ برگ مصوبه

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای کروی
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی
بازگشت به نامه شماره ۳۸۱ - ق مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۹
در باره «طرح^۱ اصلاح تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح
موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰» که مورد ایراد
شورای نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکصد و
دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
به جمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، به
پیوست مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۴/۱ مجمع تشخیص مصلحت
نظام برای طی مراحل قانونی ابلاغ می‌گردد.

اکبر هاشمی‌رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۴/۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام
در باره اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی
«طرح^۲ اصلاح تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح موادی از
قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰» که در جلسه مورخ

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

۱۳۷۹/۹/۲۷ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود و در اجرای اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی به جمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، در جلسه رسمی مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ذیل به تصویب رسید:

ماده واحده. ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح مواد ۱ از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و تبصره آن به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در اجرای اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۴/۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

«این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.»

«این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.»

۲۱۷۱- ق

۱۳۸۱/۴/۱۲

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
طرح اصلاح تبصره ماده (۱۰۴۱) قانون اصلاح مواد ۱ از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۷ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به دلیل ایراد شورای نگهبان به تبصره آن و براساس اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲)

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۰۱

قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به جمع تشخيص مصلحت نظام ارسال و با اصلاحاتي در عنوان و متن به تصويب آن جمع رسيد، در اجراي اصل يكصد و بيست و سوم (۱۲۳) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به پيوست ارسال ميگردد.

مهدي كروبي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

قانون اصلاح ماده (۱۰۴۱) قانون مدني موضوع ماده (۲۴) قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب ۱۳۷۰

ماده واحده. ماده (۱۰۴۱) قانون مدني موضوع ماده (۲۴) قانون اصلاح موادي از قانون مدني و تبصره آن مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ به شرح ذيل اصلاح ميگردد.
ماده ۱۰۴۱. عقد نكاح دختر قبل از رسيدن به سن ۱۳ سال تمام شمسي و پسر قبل از رسيدن به سن ۱۵ سال تمام شمسي منوط است به اذن ولي به شرط رعايت مصلحت با تشخيص دادگاه صالح.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علني روز يکشنبه مورخ بيست و هفتم آذر ماه يك هزار و سيصد و هفتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ ۱۳۸۱/۴/۱ با اصلاحاتي در عنوان و متن به تصويب جمع تشخيص مصلحت نظام رسيده است.

مهدي كروبي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

«.....»

...../...../.....

.....

دوره پنجم - سال سوم
ترتيب چاپ ۱۱۹۸
۱۳۷۸ - ۱۳۷۷
سابقه ۰
شماره
شماره چاپ

تاریخ چاپ ۱۳۷۷/۵/۵
شماره دفتر ثبت ۳۶۰

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني
كميسيون هاي ارجاعي: اصلي: امور قضائي و حقوقي
فرعي: كار و امور اجتماعي - شوراها و امور
داخلي کشور - زنان، جوانان و خانواده

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
احتراماً، همچنان كه مستحضر هستيد پرونده هائي كه
دادخواست طلاق از طرف زوجه بوده و به موجب ماده
(۱۱۳۰) قانون مدني از مصاديق عسر و حرج محسوب
ميگردد از طولاني ترين دادرسي هاي مدني در محاكم
ميباشد كه گاه موجب صرف ساليان سال از عمر زنان
جوان در محاكم ميگردد. از طرف ديگر تفاسير مختلف
ماده و در نتيجه رويه هاي مختلف قضائي كه ناشي از
ابهام و اجمال ماده است، ضرورت تعيين برخي مصاديق
بارز و مبتلايه مردم را كه متأسفانه شيوع فراوان
در محاكم دارد، قطعي مي كند، لذا طرح ذيل جهت
سهولت امر قضا و ايجاد رويه واحد قضائي پيشنهاد
ميگردد.

شيرازيان - علي رضا محبوب - دوستي - باغبانيان -
حضرتي - وحيد دستجردي - مرضيه صديقي - علوي -
نفيسه فياض بخش - منيره نوجنت - زهرا پيشگاهي فرد -
فائزه هاشمي - شهربانو امانی - چلودارزاده -
جبارزاده - سيد محمد حسين حسيني - اكبري - عاشوري -
فاطمه كروبي - غي زاده و يك امضاي ناخوانا.

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني
ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده
(۱۱۳۰) قانون مدني الحاق گرديد:
تبصره. موارد ذيل از جمله مصاديق عسر و حرج محسوب

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۰۳

ميگردد:

۱. ترك خانواده توسط زوج به مدت ۶ ماه.
۲. اعتياد به يكي از انواع مواد مخدر.
۳. استنكاف از دادن نفقه و عدم امكان الزام او به تأديه نفقه توسط دادگاه.
۴. عقيم بودن زوج.
۵. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدي كه عرفاً براي زوجه قابل تحمل نباشد.
۶. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجراي عدالت.
۷. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار و حرفه منافي مصالح خانوادگي و حيثيات زن مانند اشتغال به قاچاق مواد مخدر و يا تكديگري.

ماده (۱۱۳۰) قانون مدني
(اصلاحيه ۱۳۷۰)

ماده ۱۱۳۰. در صورتي كه دوام زوجيت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وي مي‌تواند به حاكم شرع مراجعه و تقاضي طلاق كند، چنانچه عسر و حرج مذكور در محكمه ثابت شود، دادگاه مي‌تواند زوج را اجبار به طلاق نمايد و در صورتي كه اجبار ميسر نباشد زوجه به اذن حاكم شرع طلاق داده مي‌شود.

شماره ۱۳۷۷/۱۱/۵ - تاريخ چاپ ۱۳۷۷/۱۱/۵

دوره پنجم - سال سوم
ترتيب چاپ ۱۴۲۱
۱۳۷۷ - ۱۳۷۸
سابقه ۱۱۹۸
تاريخ چاپ ۱۳۷۷/۱۱/۵
ثبت ۳۶۰

شور اول

شماره ۱۳۴ / ك ق

تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۳

گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۱۹۸ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۲ با حضور طراحان و کارشناسان دستگاههای اجرایی مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با توجه به اینکه:

اولاً. عبارت موجود در متن ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی جامع بوده و مصادیق مندرج در طرح پیشنهادی را به طور کامل شامل می شود.

ثانیاً. مواردی را که طراحان در مقام احصاء مصادیق ذکر نموده اند غالباً فاقد وصف حقوقی عسر و حرج می باشد.

ثالثاً. شروط ضمن عقد مندرج در عقدنامه های فعلی وافی مقصود می باشد.

لذا کلیات آن با اکثریت آراء رد شد.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می گردد.

نایب رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی
علی سهرابی

ضمناً گزارش کمیسیون فرعی شوراها و امور داخلی کشور تا این تاریخ واصل نگردیده است.

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی
ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی الحاق گردید:
تبصره. موارد ذیل از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد:

۱. ترك خانواده توسط زوج به مدت ۶ ماه.

۲. اعتیاد به یکی از انواع مواد مخدر.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۰۵

۳. استنكاف از دادن نفقه و عدم امكان الزام او به تأديه نفقه توسط دادگاه.
۴. عقيم بودن زوج.
۵. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدي كه عرفاً براي زوجه قابل تحمل نباشد.
۶. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجراي عدالت.
۷. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار و حرفه منافي مصالح خانوادگي و حيثيات زن مانند اشتغال به قاچاق مواد مخدر و يا تكدي گري.

شماره ۴۸/۳ ك ك تاريخ ۱۳۷۷/۵/۲۵
گزارش كميسيون كار و امور اجتماعي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني به شماره ترتيب چاپ ۱۱۹۸ كه به كميسيون كار و امور اجتماعي به عنوان كميسيون فرعي ارجاع گرديده بود در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۵/۲۰ با حضور كارشناسان مورد بحث و بررسي قرار گرفت و با اصلاحاتي به شرح ذيل به تصويب رسيد.
اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

نائب رئيس كميسيون كار و امور اجتماعي
سيدولي الله توکلي

اصلاحات كميسيون

- در بند (۱) تبصره ماده واحده عبارت «۶ ماه» حذف و عبارت «حداقل يك سال» اضافه گرديد.
- در انتهاي بندهاي (۵) و (۶) عبارت «با تشخيص قاضي» اضافه گرديد.

شماره ۱۶۰ / ب / ك

تاریخ ۱۳۷۷/۵/۲۶

گزارش کمیسیون امور بهداری و بهزیستی به مجلس شورای اسلامی

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۱۹۸ که به این کمیسیون به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع گردیده بود با حضور طراحان، کارشناسان و مسئولان دستگاههای^۱ اجرایی در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۵/۲۵ مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به شرح ذیل به تصویب رسید. اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون بهداری و بهزیستی سیدشهاب‌الدین صدر

اصلاحات کمیسیون

- بند (۱) تبصره به شرح ذیل اصلاح گردید:
۱. ترك عمدي همسر توسط زوج بیش از ۶ ماه به تشخیص دادگاه.

۲. در بند (۲) عبارت «یکی از انواع» حذف گردید.

۳. بند (۴) به شرح ذیل اصلاح گردید:

۴. عقیمی غیر قابل درمان زوج

شماره ۱۲ / ك خ

تاریخ ۱۳۷۷/۵/۲۸

گزارش کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده به مجلس شورای اسلامی

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۱۹۸ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود در جلسات متعدد کمیسیون با حضور کارشناسان و مسئولان دستگاههای مربوطه مطرح گردید و پس از

۱. در متن فوق عبارت «دستگاههای» جایگزین عبارت «دستگاه» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۰۷

بحث و بررسي با اصلاحاتي به شرح زير كليات آن مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون امور زنان، جوانان و خانواده وحيد دستجودي

اصلاحات كميسيون

تبصره به شرح ذيل اصلاح گرديد:
تبصره. موارد ذيل ميتواند از جمله مصاديق عسر و حرج محسوب گردد.
بند (۲) به شرح ذيل اصلاح گرديد:
۲. ابتلا به هرگونه اعتياد مضري كه به تشخيص دادگاه به اساس زندگي خانوادگي خلل وارد آورد و ادامه زندگي زناشويي را غير ممكن سازد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۸/۱۲/۱۶

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۶۰۳۱ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۶)

دوره پنجم. اجلاسيه چهارم
۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

صورت مشروح مذاكرات جلسه علني روز چهارشنبه
چهارم اسفند ماه ۱۳۷۸
(جلسه ۳۵۸)

۸. تصويب كليات طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني

رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرماييد.

منشي (رضايي). گزارش شور اول كميسيون امور قضائي و حقوقي در مورد رد طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني.

رئيس. آقاي قرباني بفرماييد.

موسي قرباني (مخبر كميسيون امور قضائي و حقوقي).

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش كميسيون امور قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ (۱۱۹۸) که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۷۷/۱۰/۲۲ با حضور طراحان و کارشناسان دستگاههای^۱ اجرایی مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با توجه به اینکه:

اولاً. عبارت موجود در متن ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی جامع بوده و مصادیق مندرج در طرح پیشنهادی را به طور کامل شامل می‌شود.

ثانیاً. مواردی را که طراحان در مقام احصاء مصادیق ذکر نموده اند، غالباً فاقد وصف حقوقی عسر و حرج می‌باشد.

ثالثاً. شروط ضمن عقد^۲ مندرج در عقدنامه‌های فعلی وافی مقصود می‌باشد.

لذا کلیات آن با اکثریت آراء رد شد.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی. علی سهرابی

(ضمناً گزارش کمیسیون فرعی شوراها و امور داخلی کشور تا این تاریخ واصل نگردیده است).

من ابتدا^۱ ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی را خدمت

خواهران و برادران قرائت می‌کنم.

ماده (۱۱۳۰) اصلاحیه بعد از انقلاب هم هست «در

صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد،

۱. در متن فوق عبارت «دستگاههای» جایگزین عبارت «دستگاه» گردید. در گزارش شور اول کمیسیون مذکور نیز عبارت «دستگاههای» به کار رفته بود.

۲. در متن فوق حرف «و» بعد از عبارت «عقد» حذف گردید. در گزارش شور اول کمیسیون مذکور حرف «و» وجود نداشت.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۰۹

وي مي‌تواند به حاكم شرع مراجعه و تقاضاي طلاق كند، چنانچه عسر و حرج مذكور در محكمه ثابت شود، دادگاه مي‌تواند زوج را اجبار به طلاق نمايد و در صورتي كه اجبار ميسر نباشد زوجه با اذن حاكم شرع طلاق داده مي‌شود».

اين قانون ماده (۱۱۳۰) فعلي است كه در واقع تقاضاي اصلاح براي اين ماده از ناحيه تعدادي از نمايندگان تقديم مجلس محترم شده. من سه مطلب را خدمت شما عرض مي‌كنم:

اولين مطلب اينكه واقعيت امر اين است در اين قبيل موارد كه يك عنواني بكار رفته و اين عنوان تفسير در اختيار قاضي است و مي‌تواند هرگونه تفسير از آن داشته باشد اگر ما بتوانيم در اين قبيل موارد يك چارچوب مشخصي را ارائه بدهيم تا رويه واحد در دادگاه‌ها اعمال شود كار بسيار مطلوبي است. گرچه طبق قانون اساسي تفسير قوانين در مقام دادرسي با دادرس است و دادرس دادگاه در مقام دادرسي مي‌تواند قانون را تفسير كند و برداشت خودش را از قانون اعمال كند، اما با توجه به سلائق مختلف و برداشتهاي گوناگوني كه از قانون مي‌شود، بعضاً آرا^۱ متفاوتي صادر مي‌شود و در

بحث طلاق با توجه به نكوهشي كه طلاق در شرع مقدس اسلام شده، آن هم وقتي كه زوجه تقاضاي طلاق مي‌كند دادگاهها احتياط مي‌كنند و سختگيري بيشتري مي‌كنند. نتيجه در جاهايي كه قاضي احتياط بيشتري مي‌كند، سختگيري بيشتري را روا مي‌دارد قاضي به سادگي در مورد عسر و حرج رأي به طلاق صادر نمي‌كند و در جاهايي كه سختگير نيستند به سادگي رأي بر طلاق به تقاضاي زوجه صادر مي‌كنند. بنابر اين، اين اختلاف رويه به صورت فاحش وجود دارد. اصل قضيه را من مي‌خواهم عرض كنم كه اگر ما بتوانيم به يك تعريف جامعي برسيم كه مورد تأييد فقهاي ما هم باشد كار بسيار خوبي است تا از اختلاف رويه و آرا^۲

متفاوتي كه فاصله زيادي از همديگر دارد جليوگيري شود، اين مطلوب است. اما يك پاسخي كه راجع به اين طرح هست، اين است كه نسبت به ازدواج‌هايي كه

از (۱۵، ۱۰) سال قبل به این طرف صورت گرفته و زوجین شرایط مهرنامه و دفترچه‌ای ازدواج کرده باشند که واقعاً مشکلی وجود ندارد، چون همین موارد به اضافه چیزهای دیگری در زمان عقد از ناحیه زوج شرط شده و یا به عبارت دیگری وکالت طلاق گرفته شده، منتها زمان اجرای این وکالتنامه و تقاضای طلاق تحقق هریک از این موارد است، برای اینکه وکالت باید منجز باشد، نمی‌شود وکالت را به انجام شرایطی مقید کرد، وکالت قطعی است، اما زمان اجرا و استفاده از این وکالت تحقق هریک از این موارد است. در آنجا دیده شده (اگر ازدواج‌ها مربوط به حالا باشد) اگر مربوط به آینده باشد که باز هم شامل آن می‌شود، می‌ماند ازدواج‌های خیلی قدیمی که این شرایط مهرنامه را ندارد، در آنجا مشکل پیدا می‌شود. بنابراین نسبت به بخشی از ازدواج‌ها شرایطی که در مهرنامه‌ها گذاشته‌اند پاسخگو است. از این گذشته مواردی که در اینجا هست اگر به همین شکل بخواهیم تصویب کنیم یک قدری مشکل است، به صورت مطلق برخورد کردن با این شرایط... یعنی هریک از اینها را شما نگاه کنید، واقعاً ترک خانواده به مدت شش ماه در هر حال موجب عسر و حرج است، این قدری مشکل است. ممکن است در موردی ترک خانواده برای سه ماه هم موجب عسر و حرج بشود، ممکن است برای یک سال هم در مورد دیگری موجب عسر و حرج نشود. به صورت مطلق این موارد را عسر و حرج معرفی کردن، یک مقداری مشکل دارد. همچنین بحث اعتیاد و بقیه مواردی که در اینجا هست. من می‌خواهم بگویم اگر ما بخواهیم به هر یک از اینها به صورت مطلق نگاه کنیم قدری سخت است، ولی ممکن است در بعضی از خانواده‌ها به همین شکل عسر و حرج باشد، در بعضی از خانواده‌ها نباشد. اگر قرار باشد که ما راه و چاره‌ای برای این ماده پیدا کنیم نیاز به کار، بررسی و تحقیق بیشتری دارد تا به صورت جامع و مانع عسر و حرج تعریف شود و در جاهایی که مصداق می‌تواند شامل همه موارد شود در آنجا بیاید و در جاهایی که شامل همه این موارد نمی‌شود حداقل قیودی برای آنها

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۱۱

گذاشته شود تا اين قيود بتواند موضوع را روشنتر بکند و لذا بنده خدمت برادران و خواهران عرض ميکنم که دستيابي به يك راه حل مناسب مطلوب است، منتها آنچه در اينجا آمده است راه کار مناسبی نیست و به صورت مطلق نمی شود اين موارد را مصداق عسر و حرج دانست. اگر صحبت ديگري باشد بعد از صحبت مخالفين و موافقين عرض خواهم کرد. **رئيس.** شما هم خيلي جدي مخالفت نکرديد، خوب اين در شور دوم اصلاح ميشود. نظر آقاي قرياني هم اين است که در شور دوم ميشود اصلاح کرد. مخالف اول رد را دعوت کنید.

منشي (رضايي). مخالف اول رد جناب آقاي معلمي بودند که وقتشان را به خانم نوبخت داده اند، بفرماييد.

منيره نوبخت. بسم الله الرحمن الرحيم

من از مجلس محترم درخواست ميکنم ... چون نمايندگان عزيز عادت دارند هم صحبت ميکنند و هم گوش ميکنند، البته از عهده هر دو کار هم خوب برميآيند، ولي خواهش ميکنم چند لحظه فقط گوش کنند، چون موضوع مهمي است.

اولين نکته اي که من توجه نمايندگان محترم را جلب ميکنم اين است که خوشبختانه عملکرد خانمها در مجلس، خصوصاً مجلس چهارم و پنجم به شما و به مجلس اثبات کرد که خلاصه خانمها دنبال يك سري مسايل به دور از واقعيتها نيستند، شعار بيخودي هم براي زنان نمیخواهند بدهند، اگر مشکل خاصي براي زنان وجود دارد دنبال حل آن مشکل هستيم، اين روشن باشد. الحمدلله من مطمئنم که اين ديد را مجلس محترم هم نسبت به موضوعات مربوط به خانمها پيدا کرده. ثانياً بحث خود ازدواج و طلاق را ببينيد! البته همه شما اهل فضل و علم هستيد، من در اين بحث وارد نمی شوم، آيات و روايات بسيار فراواني تأکيد بر امر ازدواج و اهميت ازدواج کرده، به طوري که محبوبترين بنا نزد خدا بناي خانواده است و رواياتي هم داريم که مذمت طلاق را کرده به نحوي که مذمومترين عمل را هم نزد خداوند متعال طلاق شمرده. هر دو اينها را هم قبول داريم، خدای

ناکرده کسی این تصور را پیدا نکند که ما می‌خواهیم مذموم بودن را خلاصه یک کمی کمرنگ کنیم، این مطلب نیست. اما من توجه نمایندگان محترم را به این جلب می‌کنم واقعیتهایی که امروز در جامعه ما وجود دارد این است که اهمیت لازم را الحمدلله به ازدواج داده‌اند، در امر طلاق توجه کافی نشده. ازدواج برای این است که یک محیط مناسبی برای دو همسر و برای رشد فرزندان باشد. اگر در جایی این هدف منتفی شد ادامه این زوجیت نه تنها منفعت ندارد، بلکه صدمه‌د مضر به حال دو زوج و مضر به حال فرزندان است. متأسفانه مذموم بودن طلاق در جامعه ما امروز به حدی است که حتی در عرف ما هم جامعه ترجیح می‌دهد با هر شرایطی خانواده ادامه پیدا کند و خانم از همسرش جدا نشود، ولو اینکه هزاران اتفاق درون این خانواده دارد می‌افتد، این خانواده تبدیل به یک محیط کاملاً نامناسب، ضد اخلاق و ضد تربیت برای زوج و برای فرزند شده، این فضایی است که امروز باید تعدیل بکنیم. علت اینکه ما امروز این بحث را در مجلس تقدیم کرده‌ایم همین است که در این فضا یک مقداری افراط است، ما این فضای افراطی را باید بتوانیم تعدیل کنیم. چه مشکلی وجود دارد؟ در دادگاهها امروز (همان‌طور که محترم کمیسیون اشاره کردند) بخصوص وقتی که درخواست طلاق از ناحیه زوج و هست قاضی و قضات محترم اکثراً با احتیاط برخورد می‌کنند، یعنی اینقدر این پرونده و دادخواست طولانی می‌شود ... من هشت سال است که در مجلس هستم، بیشترین مراجعات را از خانم‌ها در این قسمت داشته‌ایم. خانمی مشکل داشته، شوهرش حالا به همان دلایلی که عسر و حرج است، مصادیق عسر و حرج است، وارد دادگاه می‌شود، (۸،۷) سال می‌گذرد همین الان که من با شما صحبت می‌کنم خانمی با من صحبت کرده (البته نظیر این خانم‌ها زیاد هستند) شوهر او یک بیماری روانی شدید دارد، جان او و فرزندانش در معرض خطر است، دادگاه در نهایت تأنی و آرامش دارد همین‌طور کار خودش را می‌کند، یک روزی هم ممکن است ما خبر بشویم که آقا تهدیدی که کرده عملی کند، نفت را روی سر

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۱۳

خود و دو بچه اش بریزد و آتش بزند و این خانم هم دربه در است. قطعاً شما (مجلس محترم) بدانید در این قصه ما مشکل داریم. من به عین جملات محترم کمیسیون استناد میکنم، فرمودند که این رویه هست، وقتی که زوجه درخواست طلاق میکند فضات با احتیاط برخورد میکنند، زمان را به ادله مختلف طولانی میکنند که شاید این طلاق صورت نگیرد. به صورت عادی این مفید است، ولی در خیلی از جاها این به خانمها دارد لطمه میزند. محترم فرمودند که ما قبول داریم که این وضع موجود باید اصلاح شود، اما با یک تعاریف مشخص! پس ببینید! کمیسیون سه دلیل برای رد آورده، من هر سه دلیل را به شما میگویم.

دلیل اول فرمودند اولاً عبارت موجود در متن قانون جامع بوده و مصادیق مندرج در طرح را دارد. این صحبت اصلاً درست نیست، عین ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی را من میخوانم: «در صورتی که ادامه

زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد ...» (تا تمام شود) یعنی کدام مصداق عسر و حرج را روشن کرده؟ تعبیر عسر و حرج جامع و کامل نیست، پس خود کمیسیون محترم هم عنایت داشته اند که این کلی است که باید از ابهام خارج باشد، ثانیاً فرموده اند موارد احصا شده در طرح، در عقدنامه ها شروط ضمن

عقد آمده، همان هم باز مصادیق کلی است، اولاً باید از ابهام خارج شود و ثانیاً اگر کفایت می کرد ما در همین عقدهایی هم که با همین عقدنامه های بعد از استقرار نظام جمهوری دارد انجام میشود با مشکل مواجهیم، مشکلات فقط مربوط به عقدهای (۲۵، ۳۰) سال پیش نیست و نهایتاً کمیسیون فرمودند که نیاز به کار بیشتر دارد. ببینید! توقع ما از کمیسیون کارشناسی مجلس این است، مسلم است طرحی که تعدادی از نمایندگان امضا میکنند نکاتی را از قانون

دارد و ابهامات و نارسائیهای دارد. خوب، آقا! کمیسیون جای رفع این ابهامات است، جای رفع این ضعفها است، شما آمده اید اصل طرح ما را رد کرده اید، بعد میفرمایید که اصلاح کارشناسی

میخواهد. شما فرموده اید که موارد ذکر شده در مقام احصاء فاقد وصف حقوقی است! خوب، شما بفرمایید وصف حقوقی آن چیست؟ شما کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس هستید، ما توقع نداریم که شما با استدلال بر اینکه ... خود شما قبول دارید که الان در رویه دادگاهها اشکال است ... اولاً خود شما قبول دارید باید به یک تعاریف مشخصی برسیم و از این سلیقه‌ی عمل کردن قضات، زن‌های دچار مشکل را رها کنیم.

ثالثاً فرمودید احتیاج به کار کارشناسی دارد. من صحبت‌م را تمام می‌کنم. عرض می‌کنم جای کارشناسی همین امروزی است که الان بحث شده. ان‌شاءالله در بحث‌های

موافقین و مخالفین ... من خواهش می‌کنم اگر مخالفین محترم مواردی را برای اصلاح دارند ... چون همه ما مسلم گرفته‌ایم و می‌دانیم که این اصلاح قانون مدنی را نیاز داریم. ان‌شاءالله خواهان و برادران اگر

نظراتی در موافقت و مخالفت دارند اشکالات را بفرمایند و ان‌شاءالله کمیسیون هم این اشکالات را در

شور دوم برطرف بکند و اجازه بدهید که اینکه یکی از مشکلات دیرینه زنان هست و تعداد آن هم زیاد نیست، این طور نیست که حالا مشکل در واقع یک چیز حادی باشد. اما آخر جمله ام این را خدمت مجلس محترم یادآوری می‌کنم، ما خدمت مقام معظم رهبری هم که مکرر در طول این هشت سال رسیده ایم ایشان مکرر به ما فرموده اند، خانم‌ها در خانواده‌هایشان بیشتر دارد به آنها ظلم می‌شود، شما زنان نماینده از راه‌های قانونی مشکلات و ظلم‌هایی را که در خانه‌ها بعضاً به زنان می‌شود را برطرف کنید، امروز تکلیف قانون این است که به هر جهت مشکلی را که برای تعدادی از خانم‌ها وجود دارد ان‌شاءالله حل بکند. من

پیشنهادهایی دارم که در شور دوم اساساً طول مدت این دادرسی و رسیدگی را کوتاه بکنیم. (۸،۷) سال نشود، زن اسیر می‌شود، زن آواره می‌شود، در خانه شوهر جایش نیست، در خانه پدر مشکل دارد، بچه‌هایش آواره اند، (۸،۷) سال همینطوری باید در این اجتماع

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۱۵

سرگردان و بلاكليف بگردد تا بالاخره يك روزي دادگاه يك حكمي را براي او تصويب كند. ما در شور دوم حتماً بايد در ارتباط با زمان دادرسيها بحث كنيم و با ادله ... ما نه ميگوئيم كار عجلانه انجام بشود، لعنت به كاري كه با عجله بشود، اما آقايمان! پرهيز از عجله اين نيست (رئيس - وقت شما تمام است) كه زن دچار مشكل را (۷) سال اسير كنيم، بين دادگاه، بين خانواده و بين فاميل هيمنطور سرگردان و اسير (۸،۷) سال ... من مطمئنم مجلس محترم در شور دوم راههاي بسيار خوبي را پيدا خواهد كرد كه اين اطاله دادرسي را در دادگاه کوتاه كند، بحث روشن شود. اينكه ما در يك کوتاه مدتي با منطق و با ادلة شرعي و قانوني ميتوانيم پيش روي قاضي دادگاه بگذاريم كه تشخيص بدهد، اين خانم دچار عسر و حرج هست يا نيست. ان شاء الله با رأي خداپسندانه خودتان در جهت رفع مشكلي از مشكلات قديمي خانمهاي جامعه به مجلس محترم كمك ميكنيد. والسلام

رئيس. متشكر، موافق رد را دعوت بفرماييد.

منشي (رضايي). موافق رد جناب آقاي موحدي ساوجي هستند، بفرماييد.

علي موحدي ساوجي. بسم الله الرحمن الرحيم

در ارتباط با مسأله طلاق همانطوري كه شرع مقدس اسلام تا آنجايي كه امكان داشته باشد راه طلاق را بسته، يعني تا آنجايي كه زن و شوهر بتوانند با هم زندگي كنند، حالا مشكل و اختلافي در يك زندگي مشترك زناشويي پيدا ميشود بالاخره در طول (۱۰)، (۲۰) و گاهي (۵۰) سال و بيشتر كه زن و شوهر با همديگر زندگي ميكنند خواه، ناخواه در كنار خوشيها، نعمتها، لذتها، آسودگيها يقيناً ممكن است سختيها، تلخيها و اين طور چيزها هم پيش بياييد. اسلام نيامده كه اگر يك مشكل و سختي پيش آمد بگويد خيلي خوب، فوراً حكم عسر و حرج را صادر كند و بعد بگويد كه طرف ميتواند طلاق بگيرد.

من فكر ميكنم ماده قانون مدني كه ما در اينجا داريم اين ماده قانوني هيچ مشكلي ندارد. شما ماده (۱۱۳۰) قانون مدني را ملاحظه بفرماييد!

عين ماده اين است: «درصورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وي میتواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضاي طلاق کند چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه میتواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده میشود». به نظر من همه چیز در این ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی نهفته است. این مواردی را که طراحان محترم آورده اند ... هفت مورد را اینها گفته اند که از مصادیق عسر و حرج است، یعنی قاضی دادگاه دیگر ملزم است اگر هرکدام از این موارد اتفاق افتاد و زوجه تقاضاي طلاق کرد دست قاضی دیگر بسته است، قاضی باید حکم صادر کند که این عسر و حرج است حتماً طلاق بگیرند. در صورتی که برادران، خواهران، نمایندگان محترم! مسلماً شرایط زناشویی يك خانواده در آن منطقه جغرافیایی که هستند، حتی فرهنگ حاکم بر آن محله، منطقه و طایفه متفاوت است، شما افراد بسیاری را دارید که شش ماه چیست؟ ممکن است يك سال هم زندان اتفاق بیفتد ولي واقعاً عسر و حرج نباشد. بله، يك مقداری که همسر خانگی به زندان می افتد، حالا این زندان ممکن است انواع و اقسامی داشته باشد، گاهی به خاطر يك جرم زشت و بد و سنگین باشد، گاهی ممکن است به خاطر يك تصادف باشد، گاهی ممکن است بنده خدا به خاطر اینکه چکی کشیده و نتوانسته تأمین کند، به زندان افتاده، هرگونه زندانی به آن معنا نیست که اگر شش ماه زندانی اتفاق افتاد این عسر و حرج بشود و در اینجا من این نکته را عرض کنم که بالاخره گاهی يك خانگی در زندگی (ولو شوهرش هم در زندان نباشد) با مشکلات مواجه میشود، با فقر شوهر، بیکاری شوهر، با مشکلات زندگی ... این به معنای عسر و حرج نیست، در کنار هم زندگی میکنند و با هم می سازند. این طور که شما دارید راه را باز میکنید در واقع طلاقى که «ابغض الاشياء» است، بدترین چیز است، شما دارید راه این را تسهیل و هموار میکنید و این درست نیست. خیلی از موارد

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۱۷

می‌شود که در يك شرایطی ممکن است يك خانگی ناراحت شود و بعد تقاضای طلاق هم می‌دهد، ولی بعد پشیمان می‌شود که چرا این تقاضا را داد و منجر به طلاق شد. من تقاضا دارم خانگی محترم مجلس، مسأله را به صورت جامع ببینند. اینکه شما می‌فرمایید فلان خانگی پیش من آمده، پیش همه ما می‌آیند و گاهی می‌بینیم که يك زن و شوهر با همدیگر اختلافی دارند، بالاخره اختلاف حل می‌شود. اگر دادگاه یا قاضی احتیاط می‌کند این احتیاط هم درست، هم مشروع و هم معقول است. یعنی ضربه جدایی گاهی خیلی سنگین‌تر است از زندگی که يك مقدار ممکن است توأم با مشکلات باشد و بعد هم همدیگر را قبول و درك می‌کنند و می‌پذیرند و شما بسیار دارید زن و شوهری که ممکن است دو روز با هم قهرند و روز بعد با همدیگر خوب می‌شوند. این چه حرفی است تا يك مسأله‌ای اتفاق افتاد ولو زندان باشد، یا مثلاً شوهر عقیم است، خوب این عقیم بودن ممکن است قابل معالجه باشد. با امکانات مدرن پزشکی امروزی ممکن است مشکل بچه‌دار شدن آنها برطرف شود. بنابراین به این شکلی که در این طرح آمده است قطعاً درست نیست و ما اجازه بدهیم که قضات محترم در استان‌ها، در شهرستان‌ها، در مناطق مختلف (بستگی به مورد خاص و پرونده خاص دارد) دقیقاً بررسی کنند، ببینند اگر واقعاً عسر و حرج به گونه‌ای است که این زندگی نمی‌تواند دوام بیاورد، خیلی خوب، اجازه طلاق می‌دهند. اما اگر این زندگی امکان دوام آوردن را دارد و این عسر و حرج و صعوبت برطرف می‌شود، ما این را (يك عسر و حرج موقتی را) باعث از هم پاشیدن يك خانواده و آثار سوء بعدی آن نشویم. من تقاضا دارم که نمایندگان محترم توجه کنند و در این رابطه من فکر می‌کنم که واقعاً مشکلی وجود ندارد و کمیسیون امور قضائی و حقوقی کار کارشناسی کرده، از دستگاه‌های مختلف دعوت کرده، نظر و تشخیص داده‌اند که این طرح ضرورتی ندارد.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته
رئیس. متشکر.

منشی (رضایی). مخالف بعدی رد حاج آقا ناطق‌نوری هستند، بفرمایید.

علی‌اکبر ناطق‌نوری. بسم الله الرحمن الرحيم

به نظر من این طرح خیلی بحث ندارد. همان‌طور که خبر محترم کمیسیون هم بیان کردند اگر به بحث‌های جناب آقای قربانی گوش می‌دادیم بخش اعظم فرمایشات ایشان در موافقت با اصل طرح بود، یعنی به‌عنوان یک قاضی که سال‌ها در قوه قضائیه ایشان بوده‌اند، مسئولیت قضائی داشته‌اند، از نزدیک با قوه قضائیه و با محاکم و نظرات متعدد و مختلفی که قضات در این مسائل دارند آشنایی دارند. اگر یک موضوعی شفاف و مشخص نباشد، اولاً این رویه‌های متفاوت مشکلاتی را ایجاد می‌کند، در یک جایی قاضی با برداشت خودش این عسر و حرج را یک‌طوراً تشخیص می‌دهد، دیگری همان را عسر و حرج تشخیص نمی‌دهد و مشکل بوجود می‌آید، مخصوص برای خانواده‌ها. اگر آدم از نزدیک از مشکلاتی که در دادگاه مدنی نسبت به خانواده‌ها هست اطلاع و آگاهی داشته باشد که واقعاً این مسایلی که در آنجا می‌گذرد چقدر دردناک است و ظلم‌هایی که گاهی می‌شود، براساس غرور، خودسری، احساس اختیاری که مرد می‌کند که گاهی می‌گوید طلاق نمی‌دهم ولو اینکه موی سرت مثل دندان سفید شود، من طلاق نمی‌دهم هرکاری می‌خواهی بکنی، بکن! با تمام بدبختی‌ها این بیچاره‌ها باید تحمل کنند به خاطر غروری که او دارد و یا سوءاستفاده‌ای که از یک قانون دارد می‌کند.

اینجا هم جناب آقای موحیدی‌ساوجی عنایت دارند که چیزی بیش از آنچه که در ماده (۱۱۳۰) آمده، نمی‌خواهد. همین ماده را می‌گویند آقا! این را یک مقداری شفاف کنید، همان‌طور که خود آقای خبر بیان کردند، منتها آقای قربانی فرمودند که این، این طور مطلق نباشد، یک قیدهایی به آن بخورد. من دیدم کمیسیون خانواده وقتی که بررسی کرده، خود

۱. در متن فوق عبارت «یک‌طور» جایگزین عبارت «یک‌جور» گردید.

آنها اصلاحاتي را در شور دوم پيشنهاد داده اند. كميسيون بهداري و بهزيستي اصل طرح را پذيرفته اند، منتها با اصلاحاتي، كميسيون ديگري باز بررسي کرده، اصل را پذيرفته، باز پيشنهاد اصلاحاتي را داده، حرف منطقي هم هست. بنده هم همين را قائل هستم. ما مطلق نگذاريم. مثلاً به بندهاي (۶،۵،۴) و بعضي از اينها در شور دوم ميشود يك قيدي زد، «با تشخيص رئيس دادگاه»، اما مشخص و شفاف باشد و اين تعدد رويه و اين حرفها نباشد، اين يك نکته.

بحث ديگر اين است، يعني كارشناسي كه ميگويم، خيلي خوب اصلاً همانطور كه اشاره شد مجلس در شور دوم كارشناسي و بررسي كند، آقايمان نظر دارند، كارشناسان نظر دارند بيايند و بدهند، اما اصل مطلب به نظر من مطلب حقي است كه بايد به آن رسيدگي شود. اين را هم كه جناب آقاي موحدي ساوجي فرمودند كه حالا يك كسي تصادف ميكند و به زندان ميروند، اصلاً اين مورد بحث نيست! ترك خانواده كه با يك زندان در اثر يك تصادف يا يك چك و غير چك نيست، ترك خانواده به اين اطلاق نميشود، ترك خانواده اين است كه مرد زن را بگذارد و برود، نيابد، اين ترك خانواده ميشود. بنابراين به نظر من در اين مسأله اي هم كه اتفاقاً بيشتر روي اين تكيه فرمودند، والا چيز جديدي را بيان نكردند، به اين اطلاق ترك خانواده نميشود (مثل زندان). روي اين حساب پيشنهاد بنده اين است كه ما به كلياتش رأي بدهيم، همانطور كه كميسيونهاي متعدد گفته اند براي اصلاحات در شور دوم واقعاً هر كس نظر دارد نظر كارشناسي را به كميسيون بدهد و آقايمان هم از قوه قضائيه نظر كارشناسي شان را بدهند و اين را شفافتر كنند و خود قوه قضائيه همواره به دنبال پيدا كردن وحدت رويه است. خوب، اين را شفاف كنيم يك وحدت رويه هم براي قضاات در اين رابطه بوجود مي آيد. روي اين حساب خيلي هم بحث ندارد، اگر اين را انجام بدهيم به نظر من در شور دوم بتوانيم ان شاء الله يك چيز روشنتر و مفيدتر را داشته باشيم و اين ظلمي را كه بعضيها از

اقتدارشان در زندگی سو استفاده می‌کنند و یا سو استفاده‌ای که از قانون می‌کنند، جلو این ظلم را ما بگیریم ان شاء الله، خیلی متشکر.

رئیس. موافق بعدی رد را دعوت بفرمایید.
منشی (رضایی). موافق بعدی رد جناب آقای ایرانی هستند، بفرمایید.

حسین ایرانی. بسم الله الرحمن الرحيم ابتدائاً عرض می‌کنم با توجه به جامعیت قانون مدنی نیازی به این طرح دیده نمی‌شود. مشکلاتی هم که ذکر فرمودند به اجرا برمی‌گردد. خوب، بنابراین نیست که هر کجا با مشکل (عدم اجرا) یا

سو اجرا در برخی از محاکم برخوردیم، بیاییم فوری تصمیم بگیریم با یک طرح قانون را جابه‌جا نکنیم. یا اگر یکی ظلم کرد ما قانون داریم و باید (اگر همسری در حق زوجه اش ظلم کرد) با ظالم برخورد بکنیم. در هر صورت این کارساز نیست که ما در برخورد با مشکل فوری دست به جابه‌جایی و دستکاری در قانون بزنیم و با یک طرح یا مصوبه بخواهیم قانون را اصلاح کنیم، بعد از مدتی دیگر هم باز می‌بینیم این مشکلاتی دارد و یک اصلاحیه دیگر بخواهیم بر همین اصلاحیه بیاوریم.

نکته دوم اینکه ما باید دقت بکنیم که مصوبات منطبق با قانون اساسی و شرع و اسلام باشد. درست است شورای محترم نگهبان روی این دو مورد دقت لازم را می‌کنند ولی قبل از اینکه به شورای نگهبان برود و برگردد خود مجلس وظیفه دارد بررسی کند. ملاحظه بفرمایید! در اصل دهم می‌فرماید: «از آنجا که

خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». این اصل دهم قانون اساسی است با کمال صراحت در اصل تشکیل خانواده، حفظ و پاسداری

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۲۱

همه را مسئول مي‌داند كه قداست خانواده حفظ بشود و استواري روابط خانوادگي، آن هم بر پايه حقوق و اخلاق اسلامي. حالا اگر يك كسي اخلاق اسلامي را رعايت نكرد، با او بايد برخورد كرد، نه اينكه ما قانون را به گونه‌اي برگزار كنيم كه حقوق و اخلاق اسلامي در آن رعايت نشود.

در اصل چهارم باز همين معنا هست، در بند (۱۴) اصل سوم دقت بفرماييد: «تأمين حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ايجاد امنيت قضائي عادلانه ...».

نكته ديگر اينكه ما در واقع مي‌خواهيم خانواده‌ها را ثابت نگه‌داريم و اين روابط را تحكيم كنيم. آمار کودکان و زنان بي‌سرپرست را داريم، ايكاش يك كسي اينجا ارائه مي‌كرد و در جمع، اين خدمت به خانم‌هاست يا به نوي خيانت مي‌شود و با اينكه دو نفر، پنج نفر مراجعه بكنند، يك خانمي يا ده خانم مشكلاتشان را در طول دوران نمايندگي‌ها گفتند، اين سخن از يك سوي سكه است. تمام پرونده را بايد ملاحظه كرد و اينكه خدائي ناكرده با مسائل برخورد احساس‌ي نشود. دادگاه با آن وظايفي كه دارد، قاضي با آن عدالتي كه دارد و آن علم و اشرافي كه نسبت به پرونده دارد، خوب ما بگذاريم با تشخيص مناسب، با دادن فرهنگ و شرايط خاص جامعه و خانواده‌ها تصميم بگيرند.

از طرفي آن همه توصيه اسلام به مسأله ازدواج، شما ببينيد با اين شرايط ما به كجا مي‌خواهيم برويم. نرخ ازدواج را اين خانم‌ها بفرمايند بين (۳۰) تا (۳۵) و برخي بيشتري الان دارند آمار مي‌دهند. نرخ ازدواج به اينجا رسيده. آن مذموميت طلاق در اسلام و بناي اسلام بر وصل و ازدواج كه «ما بني في الاسلام بنا» مثل الزواج يا «ابغض الحلال عندالله

۱. در متن فوق سه نقطه «...» اضافه شد. ادامه بند «۱۴» اصل سوم چنين است: «براي همه و تساوي عموم در برابر قانون».

الطلاق».

ما براي وصل کردن آمديم
فصل کردن آمديم

بعلاوه در برنامه هاي جديد بسياري از موارد دیده شده و اختیاراتي به زوجه و خانها داده شده است. مسأله عسر و حرج يك راه حل اساسي و حقوقي و الهی و انسانی است. براي رفع بنبستها و شكستن بنبستها، نه اینکه چماقي بشود براي جداسازيها، بلكه خود اين اصل و قاعده عسر و حرج يك قانوني براي رفع كسريها و بازسازيها است.

استناد فرمودند به توصيه مقام معظم رهبري - مدظله العالی - در ملاقاتي كه خانها داشتند. خوب، خود شما فرموديد كه مقام معظم رهبري فرمودند شما بررسی بكنيد، در درون خانوادهها مشكلات آنها را برطرف كنيد، برويد حل بكنيد، نه اینکه صورت مسأله را حذف كنيد و بگوييد يك راه حل نهايي عرضه ميكنيم كه كل خانواده از هم جدا و متلاشي بشوند. در هر صورت والامر اليكم. والسلام عليكم
منشي (رضايي). مخالف بعدي رد خانم جلودارزاده هستند، بفرماييد.

سهيلا جلودارزاده. بسم الله الرحمن الرحيم

توجه برادران و خواهران محترم را به اين نکته جلب ميكنم كه اگر چنين طرحي را ما مطرح كرديم به جهت احساس تكليفي بود كه در ديدار مقام معظم رهبري و از فرمايشات ايشان احساس شد. چرا كه ايشان فرمودند «خانهاي نماينده قوانيني وضع كنند تا از

زن در خانواده حمايت بشود» من از همنجا جواب برادر بزرگوارمان را عرض ميكنم كه اگر ما طلاق را در نهايت به عنوان يك راه حل پيشنهاد كرديم اين طلاق ميتواند يك عامل بازدارنده هم باشد و مردان ديگري كه ميخواهند در اين زمينه ها سوءرفتار داشته باشند متوجه خواهند شد كه نتيجتاً مجبور هستند كه زندگي را رها كنند و به اين شكل دچار خسران خواهند شد.

در ارتباط با مسأله مصاديق عسر و حرج توضيحات لازم داده شده. هم اكنون دادگاهها در حدود هفت، هشت سال حتي طول مي‌كشد و يك خانمي نمي‌تواند خودش را از زندگي جهنمي كه به آن دچار شده راحت بكنند.

اگر عرض مي‌كنم زندگي جهنمي، آيا اينكه يك مرد مي‌تواند معتاد باشد و مدام راه زندان و منزل را طي بکند و آبرو و حيثيت دختران و پسران جوانش و همسرش را در محله و در فاميل بريزد و همه به يك چشم ديگر به آنها نگاه كنند و هيچ نفقه و خرجي و مسئوليتي نپذيرد و وقتي اين خانواده به كميتي امداد يا به بهزيستي مراجعه مي‌كنند، مي‌گويند شما همسر داريد، همسران زنده است و چون هست ما شما را تحت پوشش قرار نمي‌دهيم. آيا يك زن بي‌پناه با چند بچه، مستاجر، اين غير از مصداق عسر و حرج است؟ آيا اين فرج است؟ اگر هر كدام از ما يك دختری داشته باشيم (خداي‌ناكرده) كه چنين مشكلي را داشته باشيم آيا حاضر نيستيم همه زندگي‌مان را وسط بگذاريم و او را از اين وضعيت نابسامان رها كنيم؟ آيا مگر رشد و كمال براي زن و مرد در خانواده هدف اصلي نيست؟ خانواده‌اي كه مرد او معتاد است، خانواده‌اي كه نان شب ندارد، خانواده‌اي كه مدام مجبور است از اين خانه به آن خانه به خاطر اعتياد همسرش اثاث‌كشي بکند و بعد بيرونشان بكنند، آيا اين خانواده محل رشد و به كمال رسيدن است؟ آيا آرامشي در اين خانواده وجود دارد كه ما بخواهيم يك زن را يك عمر در اين خانه اسير بكنيم؟ آيا اين زن حق ندارد يك زندگي سالم داشته باشد؟ آيا حق ندارد كه يك نماز با آرامش بخواند؟ آخر اين چه زندگي است كه ما مي‌خواهيم به خاطر حفظ آن، اين زن را اسير بكنيم؟ مسأله ديگر كه اينجا خيلي مطرح است، سوءرفتارها است. خانم پزشكي به من مراجعه کرده

پاي چشم او يك برآمدگي بزرگ است مي‌گويد همسر مرا كتك زده! شما خودتان سال‌هاي گذشته ديديد يك خانمي كه بارها تهديد شده بود بالاخره توسط همسرش و بچه‌هاي خواهرش هم به آتش اين سوختند و به هرحال

کشته شدند. ما تا چه وقت می‌خواهیم این مسائل را با شعارهای کلی که می‌دهیم ندیده بگیریم که در خانواده‌ها دارد به زن‌ها ظلم می‌شود، کتک می‌خورند، گرسنگی می‌کشند. خجالت می‌کشند، بدبختی می‌کشند و این دارد نسل به نسل منتقل می‌شود. اگر همسر یک مرد لایق طلاق بگیرد حداقل وقتی که از سر کار خسته و کوفته برمی‌گردد کتک نمی‌خورد تا دستمزد روزش را هم به شوهرش بدهد برود هروئین یا تریاک بکشد! من خواهش می‌کنم، همه شما موظف هستید در جامعه برای قیام به قسط حرکت بکنید. واقعاً این شرایطی که الان زن‌های ما دارند و به دادگاه‌های ما می‌روند، آقایان قضات می‌فرمایند مصداق آن برای من روشن نیست، بله، آدم تا زن نباشد، تا سختی نکشیده باشد، تا کتک نخورده باشد، تا بچه‌اش را نفروخته باشند نمی‌فهمد که این عسر و حرج هست یا نیست؟ خوب، این را اگر ما داریم فریاد می‌زنیم (نه به جهت اینکه ... حالا انتخابات هم تمام شده و هیچ نفع باصطلاح سیاسی هم نداریم!) واقعاً این مشکل زنان جامعه است. همه توجه کنند و ان شاء الله به این رأی بدهند تا این مجلس پنجم یک باقیات‌الصالحاتی در رها کردن این زنان که اینها هم حق دارند رشد کنند، زنی که شوهرش واقعاً آدم ناجوری است حتی یک جلسه قرآن را نمی‌تواند شرکت کند یا جامعه‌پذیری برای او وجود ندارد یا اینکه خودش دیگر حال و رغبت و حوصله ندارد. من از شما خواهش می‌کنم به این مسأله توجه کنید. به بچه‌هایی که در یک کانون نابسامان دارند می‌سوزند توجه کنید. بچه‌ها می‌گویند ترا به خدا ننگ این پدر را از سر ما بردارید، دخترها می‌خواهند ازدواج کنند، پدرشان تابلو، دولا شده می‌آید داخل، خوب، هیچ کس حاضر نیست با اینها ازدواج کند. آیا شما حاضرید برای پسران یک دختری را بگیرید که در یک خانواده نابسامان و دارای این مشکلات بزرگ شده؟ واقعاً اینها مسأله است. خوب همه حتی از سلامت پسرهایشان می‌ترسند. به این مسأله توجه کنید، بگذارید خانواده‌ای که الان با مشکل دارد ادامه می‌دهد سالم بشود و بتواند حکومت

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۲۵

و با كمك دولت راهش را ادامه بدهد. اگر كه اين مسأله مشكلي نبود پس چرا كميته امداد و بهزيستي خانوادههايي كه شوهرشان معتاد است و زنده است تحت پوشش قرار ندهند. واقعاً به اين مسأله توجه كنيد و ان شاء الله بـه اين رأـي بدهيد و باقيات الصالحات بشود.

والسلام عليكم و رحمة الله

رئيس. موافق بعدي رد را دعوت بفرماييد.

منشي (رضايي). موافق بعدي رد جناب آقاي خيرخواه هستند، بفرماييد.

كامل خيرخواه. بسم الله الرحمن الرحيم

گرچه به اعتقاد من بحث به اندازه كافي درباره طرح پيشنهادي انجام گرفت، اما در عين حال لازم مي دانم به چند نکته اشاره كنم.

اولين نکته اين است كه موافقين و پيشنهاد دهندگان اين طرح، نمي دانم تابع کداميك از اين دو نظري كه اكنون وجود دارد هستند! آيا مي خواهند هم صدا با آنچه كه در دنيا در مورد آزادي و آسايش زنان مطرح مي شود همراهي بكنند و اين چيزي است كه در دنياي آزاد امروز برخلاف تصور از طلاق بسيار نكوهش مي كنند و طلاق را زشت مي دانند و از خرده هايي كه به اسلام عزيز مي گيرند اين است كه مي گويند چرا اسلام براي زنان طلاق منظور كرده و حق در زن و شوهر اين است كه مستمر و مدام باشد، نه در وسط راه مرد يا زن بتوانند از هم جدا بشوند و اين خلاف طبيعت و شخصيت زن و شوهر در ادامه زندگي مشترك است. بنا بر اين طلاق از ديدگاه جهان آزاد هم مذموم و مورد نكوهش است.

اگر از ديدگاه اسلام بخواهيـم بررسي كنيم شنديد كه طلاق بسيار مذموم است و در تعابير روايي ما فراوان ديده مي شود كه با اين عمل عرش خدا به لرزش در مي آيد. من نمي دانم خواهـران گرچه مطمئنم كه با قصد خدمت به جامعه زنان اين طرح را ارائه داده اند، در قصد اصلاحي شان هيچ ترديدي نيست اما اشتباه در اين است كه چگونه بايستي عمل بشود تا حق زن محفوظ بماند و حيثيت او

(خدای ناکرده) تضییع نگردد. این مواردی که به عنوان عسر و حرج تلقی و تعبیر شده هفت مورد است. آیا واقعاً با توجه به این موارد متعدد طلاق بسیار فراوان صورت نخواهد گرفت و آیا بر آمار و ارقام طلاق بیش از گذشته افزوده خواهد شد؟ به کجا می‌خواهیم برویم؟ آیا می‌خواهیم به جامعه زنان خدمت کنیم یا می‌خواهیم زنان را (بلا پژوهش این تعبیر را می‌گویم) در خیابان‌ها ولگرد کنیم و اینها را اجیر این و آن کنیم؟ اینکه پشتیبانی از زن نیست، اینکه حمایت از جامعه زنان محسوب نمی‌شود. ترک خانواده توسط زوج به مدت شش ماه. اگر واقعاً یک زوجی به قصد تجارت و به قصد تأمین معاش از خانه و کاشانه بیرون رفت و شش ماه نیامد، آیا به زن اجازه بدهیم برای تأمین هزینه همین زن و زندگی، او به دادگاه برود و شکایت کند که شوهر من شش ماه رفته و از من احوال نگرفته یا به خانه برنگشته و او ادعای طلاق بکند؟ یا اعتیاد به یکی از انواع مواد مخدر، اگر شما نگوئید واقعیت‌ها که تغییر پیدا نمی‌کند. چقدر افراد الان معتاد به مواد مخدر هستند. اما زندگی آبرومندانه دارند. خواهران! اگر یک مردی دارای اعتبار و حیثیت اجتماعی و خانوادگی است ولی متأسفانه به مرحله یک اعتیادی دارد آیا شما به عنوان یک زن پاسدار حرمت زنان به آن همسرش اجازه می‌دهید که برود از دست شوهرش شکایت بکند و بالاخره از او طلاق بخواهد و جدا بشود؟ راه را باز نکنید، شیاطین ورود می‌کنند و بالاخره خیلی‌ها از بستر آماده برای مقاصد شومشان بهره‌هایی را می‌گیرند.

من گرچه این اعتقاد را دارم که مواردی اتفاق می‌افتد، خانم‌ها با شوهرانشان مشکل پیدا می‌کنند و در برخی از جاها دادگاهها برخلاف انتظار مشکل مابین زن و شوهر را بایستی حل بکنند، به درازا می‌کشانند، به خاطر برخی از موانع و یا برخی از اعتقادات دینی که وجود دارد و به اعتقاد من هم آنها خیلی درست و منطقی نیست. این مشکل در برخی از دادگاهها وجود دارد. اما راه حل آن این است که با این طور طرح‌های نسیم‌بند و غیرکارشناسانه

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۲۷

بیاييم مشكل را پیچیده‌تر و در جامعه زنان مشكل را بیشتر بکنیم. به اعتقاد من به هیچ وجه این طرح حلال مشكلات موجود زنان نیست و خواهش من از خانم‌ها این است که از طرح ارائه شده خودشان چشم‌پوشی نکنند، به حرمت قانون و مخصوصاً حرمت خانم‌ها از این طرح واقعاً صرف‌نظر نکنند و از نمایندگان محترم هم تقاضا این است که به این طرح ارائه شده رأی ندهند. والسلام

عده‌ای از نمایندگان. تذکر ماده هفتاد و هفتی داریم.

صدیقی. تذکر دارم.

رئیس. بفرمایید.

مرضیه صدیقی. بسم الله الرحمن الرحيم

من واقعاً متأسف هستم از اینکه آقای خیرخواه با جمله‌ای که فرمودند و خوب به هرحال ایشان در مقام روحانیت قرار دارند و از ایشان انتظار نمی‌رفت، مسأله‌ای که ایشان عنوان فرمودند که این طرح در واقع موجب خواهد شد (یعنی ما طراحان می‌خواهیم) زن‌های جامعه را ولگرد کنیم و به خیابان‌ها بریزیم. این مسأله نشانگر این است که ایشان متأسفانه شناخت از مفاسد موجود جامعه ندارند. الان متأسفانه زمینه‌های مفاسدی که هست عمده‌تاً به خانم‌هایی برمی‌گردد که در اثر داشتن شوهرهای لایالی، شوهرهایی که همسرانشان را رها کرده‌اند، شوهرانی که در دام اعتیاد افتاده‌اند و زنانشان را به خودفروشی وادار می‌کنند ما این مفاسد را در خیابان‌ها داریم و اگر زن بتواند در سیستم دادگاهی ما جواب درست بگیرد ده سال این پله‌های دادگاه را بالا و پایین نرود و بتواند شرعاً طلاق بگیرد خوب به کار، اشتغال می‌ورزد و این طرح زمینه‌های فساد را در جامعه کم می‌کند و ایشان (رئیس - خیلی ممنون ...) یک نسبت خلافی را به طراحان دادند و در مجموع توهین به زنان جامعه کردند و جا دارد ایشان از تمام طراحان و آقایانی که قرار است به این طرح رأی مثبت بدهند، ان شاء الله

عذرخواهی کنند، خیلی ممنون.

رئیس. متشکر.

خیرخواه. من قصد توهین نداشتم و توهین هم نکردم.
رئیس. بله، آقای خیرخواه می‌فرمایند من قصد توهین نداشتم و توهین هم نکردم. «الاعمال بالنیات» نیست بدی نداشتند. پیشنهاد کفایت مذاکرات آمده، آقای قنبری بفرمایید.

علی قنبری. بسم الله الرحمن الرحيم
 من خواهش می‌کنم که همکاران عزیز توجه داشته باشند. واقعیت این است که الان مسائل و مشکلاتی در جامعه هست و زنان جامعه که حداقل نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند با مسائل و مشکلاتی مواجه هستند. این طرح هم برای رفع این مسائل و مشکلات و تعیین مصادیق است و همینطور که حاج آقا ناطق هم فرمودند و دوستان هم در موافقت این طرح فرمودند ما باید مصادیق را مشخص بکنیم اگر عیب و نقصی هم هست در شور دوم اصلاح می‌شود. کما اینکه دوستانی که فرمودند یا خود حاج آقا خیرخواه هم که فرمودند این شش ماه کم است یا مواردی که ترک می‌کند اینها باید در شور دوم اصلاح و تکمیل بشود. بنابراین من فکر می‌کنم که اصل و ضرورت قضیه روشن است، خواهش می‌کنم که دوستان با توجه به ضیق وقت مجلس به کفایت مذاکرات رأی بدهند و نظرات اصلاحی که لازم است ان شاء الله در شور دوم

اعمال خواهد شد.

رئیس. متشکر، مخالف کفایت مذاکرات را دعوت بفرمایید.

منشی (غفوری‌فرد). جناب آقای معلمی بفرمایید.

علی معلمی. بسم الله الرحمن الرحيم
 با کفایت مذاکرات به این دلیل مخالفم که ابهامی وجود دارد و هنوز در گفتار موافقین و مخالفین نیامده و آن ابهام این است که اصل عسر و حرج در فقه ما پیش‌بینی شده. منتها اگر به عهده حاکم شرع گذاشته شده آن حاکم شرعی را که فقه پیش‌بینی کرد و همه ما به ذهن داریم فقیه عادل واجد شرایط مخصوص به خودش است. در صورتی که الان محاکم ما را قضات منصوب اداره می‌کنند در چنین صورتی اگر مصادیق عسر و حرج مدون و احصا بشود، قدمی در امر پیشبرد

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۲۹

قضا^۱ برداشته مي‌شود و ديگر اينكه بعضي از عزيزان، طراحان را متهم کرده اند به اينكه خواسته اند طلاق گسترش پيدا بکند، اين نيست. (رئيس - در كفايت مذاكرات صحبت كنيد) بله، كفايت مذاكرات عرض كردم اين عنوان هنوز ابهام دارد. عسر و حرج در فقه پيش‌بيني شده، اما در صورتي كه قاضي مجتهد عادل باشد تشخيص عسر و حرج با او است. الان محاكم ما قضاتي كه هستند آيا تشخيص عسر و حرج را بهتر از مجموعه نمايندگان مجلس مي‌توانند تشخيص بدهند؟

رئيس. حضار ۱۸۴ نفر، موافقين با كفايت مذاكرات قيام بفرمايند.

(اكثريت برخاستند) تصويب شد. دولت بفرمايد.

منتظري (معاون حقوقي و امور مجلس وزارت دادگستري). بسم الله الرحمن الرحيم

طرحي كه خدمت عزيزان است از معدود طرح‌هايي است كه به نظر ما هم استدلال موافقين محترم و هم استدلال مخالفين محترم قابل توجه و عنايت خاص است.

همه عزيزان يقيناً در جهت رفع ظلم به خانواده‌ها و خانم‌هاي هستند كه گرفتار شوهران ستمكار و متجاوز به حقوق خانم‌هايشان هستند. اما واقع امر اين است كه هم ما از لحاظ كارشناسي كه روي اين طرح انجام داديم و هم در كميسيون محترم امور قضائي كه مطرح شد و بحث‌هاي مختلفي روي اين طرح صورت گرفت، هر دو طرف قضيه مشكل دارد. از يك طرف اگر ما بخواهيم موارد عسر و حرج را احصا^۲ بكنيم (كمي

اينكه در طرح آمده) مشكلاتي را خواهد داشت به اين صورت كه فرض بفرماييد مسأله اعتياد به يكي از انواع مواد مخدر را ذكر کرده اند. يقيناً خانم‌هاي محترمي كه جز^۳ مدافعين سرسخت اين طرح هستند به اين

مورد و مصاديق هم توجه دارند كه اعتياد به مواد مخدر همه جا موجب عسر و حرج نيست و يا فرض بفرماييد ترك كردن خانواده در همه جا موجب عسر و حرج نيست. از آن طرف مصاديق ديگري داريم كه همه شما عزيزان، برادران و خواهان مي‌دانيد كه اعتياد به اين نوع از مواد مخدر موجب عسر و حرج است و يا

انواع دیگری از ترك خانواده یا سوءرفتار و معاشرت زوج با زوجه مصادیقی را داریم که حقیقتاً از مصادیق بارز و روشن عسر و حرج است. بنابراین اگر ما بخواهیم طبق همانچه که در قانون مدنی داریم صرف عسر و حرج به صورت مطلق در قانون ذکر بشود مشکلاتی را داریم که بعضی از مخالفین محترم رد، مطرح کردند و واقع امر هم این است که ما الان در محاکم و دادگاهها پرونده‌هایی داریم که برای دادگاه مسأله عسر و حرج محرز نمی‌شود. در حالی که مواردی داشته‌ایم خود رئیس قوه قضائیه وقتی در جریان امر و جزئیات قضایا قرار می‌گرفتند نظرشان بر این بود که این از مصادیق بارز عسر و حرج است و چرا دادگاه رأی بر عسر و حرج نمی‌دهد؟ از طرف دیگر هم اگر بنا باشد که این مصادیق را ما به‌عنوان مصادیق عسر و حرج از دم بشماریم خوب، خواهان محترمی که شما اینقدر دفاع از حقوق خانها می‌کنید و یقیناً آقایان محترم هم دفاع می‌کنند، این طور نیست که خانها فقط مدافع حقوق زن‌ها باشند. اگر چنانچه از طرف دیگر هم ما دریچه این عسر و حرج را آنقدر باز بگذاریم که تا هر موردی از مسأله اعتیاد مطرح شد بلافاصله خان برود استناد کند به این بند از قانون و از دادگاه تقاضای طلاق بکند و بگوید آقا! این از مصادیق عسر و حرج است و دادگاه مکلف بشود به اینکه بخواهد طلاق بدهد. یقیناً خود خواهان محترمی که در اینجا مسئولیت غایب‌دگی را عهده‌دار هستند می‌دانند که اگر بخواهد دریچه اینقدر باز باشد یقیناً آمار طلاق خیلی بالا خواهد رفت. اجمالاً ما روی بحث کارهای کارشناسی که داشتیم حقیقتاً تعیین مصداق برای عسر و حرج یک محسناتی دارد که الان دادگاههای ما با آن مواجه هستند. یعنی مصادیق خیلی بارز عسر و حرج را دادگاه می‌گوید آقا بر من محرز نشده. از طرفی هم اگر بخواهیم عسر و حرج را احصا نکنیم مشکلاتی که مردم دارند، مشکلاتی که خانها دارند... به نظر ما می‌رسد اگر چنانچه ما بیایم این مصادیق را اولاً محدود بکنیم نه آنچه که در اینجا احصا شده، هفت

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۳۱

مورد را احصا فرمودند (به عنوان مصاديق عسر و حرج) كه به نظر ما بعضي از اين مصاديق يقيناً نمي تواند عسر و حرج باشد و بعضي ها هم به حسب مورد است. يعني موارد دي داريم كه عسر و حرج تلقي ميشود و موارد دي داريم كه عسر و حرج تلقي نميشود. اجمالاً من عقیده ام اين است اگر مجلس محترم نهايتاً تصميم بر اين امر گرفتند كه مصاديق براي ماده قانون مدني احصا

بشود، بايد كار كارشناسي روي آن انجام بگيرد. كليات اين طرح در دولت كه مطرح شده، دولت نظرش را به عنوان موافق اعلام کرده اما ما از لحاظ ذكر مصاديق و كار كارشناسي اعتقادمان بر اين است كه حتماً بايد كار بشود. هم نمايندگان محترمي كه صاحب نظر در اين مسأله هستند و هم ديگراني كه خارج از مجلس محترم يا خارج از تشكيلات قضائي واقعاً روي اين مسأله عنايت دارند و صاحب نظر هستند نظراتشان را بدهند به هرحال ما بايستي كه از يك طرف جلو مسأله طلاق را بگيريم، برادران و خواهران! شما مي دانيد آمار طلاق در جامعه ما چقدر بالا رفته؟ شما مي دانيد كه براي بسياري از مسايل جزئي كه قابل حل است خانم مي رود به دادگاه مراجعه مي كند و تقاضاي طلاق مي كند. همان طوري كه تعدادي از عزيزان فرمودند خوب، اين حديث رسول اكرم را همه مي دانيد كه «ابغض الاشياء عندي الطلاق» ما بايستي كه بياييم

و فيلترهاي قوي و محكمي را براي خانواده ها ايجاد كنيم كه به هرصورت فوراً نروند تقاضاي طلاق كنند آن هم شرايط امروز جامعه ما، از طرف ديگر هم ما واقعاً مصاديق و موارد دي داريم كه خانواده ها دچار مشكل شديد هستند و دادگاه هم مي گويد آقا! براي من محرز نشده، به هرحال مي گويد آقا! چطور محرز نشده، عرض كردم من خير دارم موارد دي را كه وقتي به رئيس قوه قضائيه ارائه داده بودند رئيس قوه قضائيه نظرشان بر اين بود كه اين از مصاديق محرز عسر و حرج است.

بنابراين براي اينكه هر دو طرف قضيه لحاظ بشوند، هم جلو طلاق هاي آنچناني گرفته شود، هم

مشکلات خانوادها از این نظر حل بشود، دولت هم اعلام کرده ما با کلیاتش موافق هستیم منتها باید کار کارشناسی دقیق انجام بشود، با عجله نمی‌شود این کار را انجام داد و به هرحال بایستی که هر دو طرف این قضیه کاملاً لحاظ بشود که ان شاء الله يك قانون محکم و مستحکمی باشد که هم جلو از هم پاشیدن خانوادها گرفته بشود و هم اینکه مشکلات تعدادی از خانم‌ها یا خانوادهایی که به علت عدم احراز عسر و حرج در دادگاه مشکیشان همچنان ادامه دارد به نحوی حل شود. والسلام

رئیس. متشکر، حضار ۱۸۳ نفر، اصل طرح به رأی گذاشته می‌شود، موافقین با کلیات طرح قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۱۲۳۳

[illegible]

شماره

دوره پنجم - سال چهارم

ترتیب چاپ ۱۸۶۸

شماره چاپ سابقه ۱۳۷۹-۱۳۷۸

۱۱۹۸-۱۴۲۱

تاریخ چاپ ۱۳۷۸/۱۲/۲۱

نیت ۳۶۰

پیشنها دا

پیشنهادهاي واصله در مورد طرح اخاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني

اداره کل قوانین

بِسْمِ اللَّهِ

پیشنهادهاي واصله در مورد طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی

تبصره. موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

۱. ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه.

۲. ابتلا به هر گونه اعتیاد مضری که به زندگی خانوادگی صدمه وارد سازد و دوام زندگی زناشویی را دشوار سازد.

۳. ترك انفاق و عدم امکان الزام زوج به دادن نفقه.

۴. عقیم بودن زوج به طوری که قابل علاج نباشد.

۵. سوخلق و رفتار زوج در حدي که عرفاً براي زوجه قابل تحمل نباشد.

۶. عدم مراعات عدالت میان همسران.
۷. اشتغال به کار و حرفه خلاف شرع و قانون یا منافی با حیثیت خانواده مانند قاجاق و گدائی.

عبارت ذیل به انتهای تبصره الحاق گردد:

دادگاه در صورت اثبات هر یک از مصادیق عسر و حرج مذکور و عدم امکان اصلاح زوج، میتواند زوج

را اجبار به طلاق نماید و در صورت عدم امکان اجبار، زوجه با اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

علی موحدی‌ساجی

بندهای ذیل تبصره به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. ترک خانواده توسط زوج در صورتی که علت و تقصیر از جانب زوجه نباشد.
۲. اعتیاد به یکی از انواع مواد مخدر در صورت صدمه وارد شدن به خانواده و عدم امکان ترک و معالجه اعتیاد.
۳. استنکاف از دادن نفقه در صورتی که علت از طرف زوجه نباشد مثل نشوز زوجه.
۴. عقیم بودن در صورتی که امکان معالجه نباشد، زن می‌تواند درخواست طلاق کند.
۵. سوء رفتار و معاشرت زوج در صورتی که علت از طرف زوجه نباشد و قابل اصلاح نیست.
۶. اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطاعت بر اجرای عدالت به تشخیص دادگاه مربوطه.

صالحی‌خوانساری

شماره ۱۳۳۴، سال چهارم - شماره ۱۱۹۸

دوره پنجم - سال چهارم
 ۱۳۷۹ - ۱۳۷۸ شماره چاپ سابقه ۱۱۹۸
 - ۱۴۲۱ - ۱۸۶۸
 تاریخ چاپ ۱۳۷۹/۱/۲۴ شماره دفتر ثبت ۳۶۰

شور دوم

شماره ۱۳۴ / ک ق
 تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۱
 گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۳۵

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني به شماره ترتيب چاپ ۱۴۲۱ كه به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ با حضور كارشناسان دستگاههاي ذي ربط و پيشنهاد دهندگان مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتي به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت.

اينك گزارش شور دوم آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون امور قضائي و حقوقي سيدفتح مرتضوي

گزارش كميسيونهاي فرعي «شوراها و امور داخلي كشور»، «امور بهداري و بهزيستي» و «زنان، جوانان و خانواده» تا اين تاريخ واصل نشده است.

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني الحاق گرديد:
تبصره. عسر و حرج موضوع اين ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعي كه ادامه زندگي را براي زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشكل باشد و

-
1. شماره ترتيب چاپ «۱۴۲۱» مربوط به شور اول كميسيون مذكور است نه طرح. به نظر ميرسد گزارش شور دوم بايد با مضموني به شرح زير تهيه شود:
«لايحه يا طرح ... به شماره ترتيب چاپ ... كه مجلس شوراي اسلامي در جلسه علني مورخ ... در مورد شور اول آن اتخاذ تصميم نموده و با شماره ترتيب چاپ ... براي بررسي شور دوم به اين كميسيون ارجاع گرديده، در جلسه مورخ ... الي آخر».
 2. در متن فوق شماره «۱۳۷۹» جاگزين شماره «۱۳۷» گرديد.

موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

موارد ذیل از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد^۱:

۱. ترك عمدي همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.
۲. اعتياد مضر به يکي از انواع مواد مخدر.
۳. استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأديه.
۴. ابتلاي زوج به امراض مسري صعب‌العلاج يا هر عارضه ديگري که دوام زناشوئي، سلامت زوجه را به خطر اندازد.
۵. عقيم بودن زوج به نحوي که مانع اولاددار شدن زوجه شود.
۶. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدي که عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعي، اخلاقي، روحي و از نظر مکاني و زماني براي زوجه قابل تحمل نباشد.
۷. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجراي عدالت.
۸. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار يا حرفه‌اي که منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.
۹. محکوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتکاب جرائمی که مغاير با حيثيت خانوادگي و شئون زوجه باشد.

شماره ۸۵/۴ ک ک

تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۵

گزارش کمیسیون کار و امور اجتماعي به مجلس شوراي

۱. با توجه به عبارت آخر تبصره مذکور به نظر می‌رسد سطر بالا که مقرر می‌دارد «موارد ذیل از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد» اضافي است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۳۷

اسلامي طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني به شماره ترتيب چاپ ۱۴۲۱ كه به كميسيون كار و امور اجتماعي به عنوان كميسيون فرعي ارجاع گرديده بود، در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ با حضور مسئولين مورد بحث و بررسي قرار گرفت و با اصلاحاتي به شرح ذيل به تصويب رسيد. اينك گزارش شور دوم آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون كار و امور اجتماعي
ابوالقاسم سرحدي زاده

اصلاحات كميسيون

- در بند (۱) تبصره ماده واحده عبارت «۶ ماه» حذف و عبارت «حداقل يك سال» اضافه گرديد.
- در انتهاي بندهاي (۵) و (۶) عبارت «با تشخيص قاضي» اضافه گرديد.

فهرست مطالب: ۱. مقدمه ۲. بيان مسأله ۳. مباني قانوني ۴. تاريخچه ۵. اهداف ۶. روش تحقيق ۷. نتايج ۸. پيغام

(مندرچ در روزنامه رسمي شماره ۱۶۰۸۷ مورخ

۱۳۷۹/۲/۳۱)

دوره پنجم. اجلاسيه چهارم

۱۳۷۹ - ۱۳۷۸

صورت مشروح مذاكرات جلسه علي روز يكشنبه هجدهم

ارديبهشت ماه ۱۳۷۹

(جلسه ۳۷۹)

۷. تصويب طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰)

قانون مدني

۱. شماره ترتيب چاپ «۱۴۲۱» مربوط به گزارش شور اول كميسيون مذكور است.

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.
منشی (موالی زاده). گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی در مورد طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی.

رئیس. خبر تشریف ندارند، یکی از اعضا توضیح بدهند. چون شور دوم هم هست فقط برای حضور ذهن، توضیح کوتاهی بفرمایید.

نقیسه فیاض بخش (عضو کمیسیون امور قضائی و حقوقی). بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش شور دوم کمیسیون امور قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ (۱۴۲۱)^۱ که به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۷۹/۱/۲۱ با حضور کارشناسان دستگاههای ذربط و پیشنهاد دهندگان مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس شورای اسلامی میگردد.

همانطوری که نمایندگان محترم مستحضر هستند ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی در سال ۶۱ و يك بار در سال ۷۰ مورد تغییر قرار گرفت. ماده سال ۶۱ مواردی را در مورد تقاضای طلاق از جانب زوجه مطرح کرده بود، یعنی در كل قانون مدنی تنها موردی که زوجه میتواند تقاضای طلاق بکند و دادگاه به جای شوهر، زن را مطلقه بکند این موارد را قبلاً ذکر کرده بود که عبارت بود از:

یکی مورد ترك اتفاق که هم اکنون در ماده (۱۱۲۹) قانون مدنی تصریح شده، دیگر در مواردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفا ممکن نباشد. مورد دوم سوء معاشرت شوهر

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۴۲۱» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۳۹

بود به حدي كه ادامه زندگي را براي زن غيرممکن بسازد. مورد سوم در صورتي بود كه به واسطه امراض مسريه صعب‌العلاج دوام زندگي زناشويي براي زن موجب مخاطره باشد.

با توجه به اينكه در همان موقع شوراي محترم انقلاب و شوراي عالي قضائي اين موارد را غير كافي تشخيص داد، استفتائي از امام - رحمه الله عليه - كردند و از امام خواستند كه آيا ما مي‌توانيم اين موارد را برداريم و از واژه عسر و حرج به طور اعم استفاده كنيم؟ يعني مواردی كه زن مواجه با عسر و حرج می‌شود و ادامه زندگی او با شوهر مشقت و ضرر شدیدی را متحمل می‌شود آيا او مي‌تواند تقاضاي طلاق بکند و دادگاه به جاي شوهر او را مطلقه بسازد و اين اصل كلي كه «الطلاق بيد من اخذ بالساق» انحصاراً در اختيار شوهر است، آيا

اين قابل شكستن است؟ امام - رحمه الله عليه - پاسخ قطعي و صريحي فرمودند كه: البته هيمنطور است. مواردی كه ادامه زندگی زن با شوهر موجب عسر و حرج و مشقت شدیدی برای زن باشد، دادگاه مي‌تواند زن را مطلقه بسازد. اين قانون در سال ۶۱ و باز در سال ۷۰ تصويب شد. در طول گذشت هشت سال متأسفانه كلي بودن واژه عسر و حرج مشكلاتي را در محاكم ايجاد كرد. به طوري كه برخي قضات با وسعت نظر خيلي شديد به محض تقاضاي طلاق از جانب زوجه و اظهار نارضايتي خيلي راحت اقدام به طلاق زن می‌کردند و بالعكس مواردی بود كه علی‌رغم اينكه درخواست بسيار شدیدی از جانب زوجه بود و مشكلات شدیدی كه زوجه در زندگی شوهرش متحمل می‌شد، اما متأسفانه دادگاهها اقدام به طلاق نمی‌کردند.

چه بسيار دارم مواردی كه پنج سال، شش سال يا بيشتر يك دادخواست طلاقي در دادگاه مطرح بود. براي قاضي محترم مشخص هم بود كه اين زندگی فصل به وصل نمی‌انجامد، اما متأسفانه اقدام به طلاق نمی‌کردند. تا اينكه در جلسه مسئولان اجرايي قوه قضائيه، حضرت آيت الله يزدي پس از اينكه چند نمونه

از آراء متناقض قرائت شد، آرایي که بسیار با هم تفاوت داشت در مورد همین مسأله عسر و حرج و تفسیر کاملاً ضد و نقیضی که چند نفر از قضات محترم از این ماده قانونی داشتند، حضرت آیت الله یزدی امر فرمودند که مدیرکل امور اجرایی شان از تمام قضات سراسر کشور کسب نظر بکنند و قضات محترم نظرشان را در مورد مصادیق عسر و حرج بگویند، بلکه به یک وحدت نظری (حداقل تقریب نظری) بینجامد. من متن دستور حضرت آیت الله یزدی رئیس محترم قوه قضائیه وقت را خدمتتان می خوانم. ایشان فرمودند که:

دفتر امور زنان قوه قضائیه می بایست از تمام قضات محاکم مدنی کشور کسب نظر بکند و برای رفع ابهام و مضبوط شدن این عنوان پیشنهاد روشنی را ارائه بکند. (رئیس - متشکر، دیگر چون شور دوم است، فقط برای یادآوری بود) تشکر می کنم. بله، من می خواستم فقط به طور خلاصه خدمت نمایندگان عرض کنم، این طرح به دنبال خواست ریاست محترم وقت قوه قضائیه به خاطر مشکل بسیار حادی که در محاکم بود و نیز اختلاف نظری که در آراء قضات بود، در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و نظرات قضات محترم هم اکنون حدود (۱۰۰) صفحه در اینجا هست و کمیسیون در شور دوم مواردی را که پیشنهاد شده بود با دقت نظر بررسی کرد. (۹) مورد است که ان شاء الله نمایندگان محترم به همه آن موارد رأی خواهند داد.

رئیس. متشکر، شور دوم است. اگر پیشنهادی هست مطرح بفرمایید.

منشی (موالی زاده). آقای موحدی ساوجی پیشنهاد دارند، بفرمایید.

علی موحدی ساوجی. بسم الله الرحمن الرحیم پیشنهاد بنده در ارتباط با این تبصره الحاقی این است که موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد:

۱. ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت (۶) ماه.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۴۱

۲. ابتلاً به هرگونه اعتياد مضري كه به زندگي خانوادگي صدمه وارد سازد و دوام زندگي زناشويي را دشوار سازد.

۳. ترك انفاق و عدم امكان الزام زوج به دادن نفقه.

۴. عقيم بودن زوج به طوري كه قابل علاج نباشد.

۵. سوء خلق و رفتار زوج در حدي كه عرفاً براي زوجه قابل تحمل نباشد.

۶. عدم مراعات عدالت ميان همسران.

۷. اشتغال به كار و حرفه خلاف شرع و قانون يا منافي با حيثيت خانواده مانند قاجاق و گدايي.

در پيشنهادي كه بنده داده ام اولاً در بندهايي كه آوردم به نظرم كاملتر است و ثانياً در هفت بند من مصاديق را احصاء کرده ام ولي در شور دوم اين را (۹) بند کرده اند. در ارتباط با مسأله مثلاً «ابتلاً» زوج به امراض مسري صعب‌العلاج كه دوام زناشويي سلامت زوجه را به خطر اندازد» خوب، علاوه بر «بیماري مسري صعب‌العلاج» گفته اند «هر عارضه ديگر» يعني اگر شوهر اين خانم مريض شد، مسري هم نيست و صعب‌العلاج هم نيست چون اين را گفته اند در برابر بيماري مسري صعب‌العلاج آمده اند عارضه ديگر را آورده اند كه سلامت زوجه را به خطر اندازد.

خوب اگر بيماري مسري باشد و به اين زودي‌ها هم خوب‌شدني نباشد، سلامت زوجه را به خطر مي‌اندازد اما در غراين صورت هر بيماري ديگر كه سلامت زوجه را به خطر نمي‌اندازد و من اين نكته را عرض كنم معمولاً وقتي كه ما اين طور موارد را مي‌آوريم موجب مي‌شود كه طلاق در كشور افزايش پيدا بکند. ما الان در شرايطي هستيم كه متأسفانه ازدواج رشد مناسب ندارد و حتي سن ازدواج خيلي بالا رفته. از آنطرف طلاق دارد افزايش پيدا مي‌کند. با اين مسائلي كه ما اينجا ذكر مي‌كنيم جدائي بين زن و شوهر را بيشتري مي‌كنيم و ما تصور

می‌کنیم که داریم خدمت می‌کنیم. یک زن و شوهر پنجاه سال با هم زندگی می‌کنند. در این زندگی مریضی هست، فقر هست، گرفتاری هست، با همدیگر می‌سازند. خوب، یک وقتی هم اگر با همدیگر یک اختلافی دارند بعد یک نفر می‌آید (یک ریش سفیدی) واسطه می‌شود یا به دادگاه مراجعه می‌کنند و دادگاه سعی می‌کند و اصلاح می‌دهد. اما وقتی شما به این شکل آمدید طلاق را تسهیل کردید، طلاق که «ابغض الاشیا»

در اسلام است، خوب این موجب می‌شود که طلاق در جامعه زیاد بشود و در موارد دیگری هم مثلاً فرض کنید در ارتباط با «اعتیاد مضر»، گفتند «اعتیاد

مضر به یکی از انواع مواد مخدر»، بالاخره به هر ماده از مواد مخدر که کسی معتاد بشود مضر است. مگر می‌شود گفت مضر نیست؟ چه تریاک باشد، چه هروئین باشد، چه مواد دیگری باشد، اگر کسی معتاد شد قطعاً مضر است. اصلاً اعتیاد مضر است و شما می‌گویید به صرف اعتیاد اینها بتوانند از هم جدا بشوند و حال آنکه می‌توانند با هم زندگی بکنند. حالا اگر یک اختلاف جزئی پیش آمده چرا شما اینجا دارید مسأله را تسهیل می‌کنید؟ گاهی می‌بینید که دارای چند فرزند هستند و این طلاق آینده و آتیه و سرنوشت فرزندان را تباه و نابود می‌کند. من تقاضا دارم کسانی که از اینگونه بندها دفاع می‌کنند یک مصداق، یک مورد، دو مورد را مراجعه و ملاحظه کرده‌اند خیال می‌کنند همه همینطور است.

بنابراین من پیشنهاد این است این مواردی که بنده عرض کردم بجای آن (۹) بندی که در گزارش کمیسیون آمده، جایگزین بشود. والسلام علیکم ورحمة الله

رئیس. متشکر، خانم جلودارزاده مخالف بودند که وقت خودشان را به آقای انصاری داده‌اند، بفرمایید.

مجید انصاری. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران محترم عنایت دارند که این قانون، قانونی فوق‌العاده مهم و اثرگذار در کل کشور و در زندگی مردم است. لذا استدعا می‌کنم با عنایت ویژه به پیشنهادهایی که همکاران محترم مطرح می‌کنند توجه

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۷۴۳

بفرمایید چون کمترین غفلت در قانونگذاری‌هایی که مربوط به حقوق اجتماعی و روابط مردم با یکدیگر است، ممکن است ضایعات جبران‌ناپذیری را داشته باشد.

پیشنهاد جناب آقای موحدي‌ساوجي جایگزین کردن تبصره با (۷) بند به جای تبصره‌ای است که کمیسیون قضائی با (۹) بند تصویب کرده. اولاً جناب آقای موحدي طوري صحبت کردند کانه بلافاصله بعد از هر دعوي زناشويي يا به صرف يك اعتياد يا يك روز نيامدن به منزل، دادگاه مي‌خواهد به زور کسی را طلاق بدهد، طلاق بگیرد، اصلاً این طور نیست. شما می‌دانید زمانی دعوي زوجين به دادگاه ارجاع می‌شود که شیوه‌های کدخدامنشی، وساطت فامیل و بزرگان اثر نکرده و خود زن‌ها در ایران به خوبی می‌دانند که با چه مشکلاتی بعد از طلاق مواجه هستند. واقعاً زنی که از دادگاه تقاضاي طلاق اجباري می‌کند به آخر خط زندگی رسیده، کارد به استخوان رسیده، هیچ راهی برای رفع مشکل او کارساز نبوده است که رو به طلاق آورده! چون در طلاق در حقیقت زن است که در عسر و حرج جدی قرار می‌گیرد، مرد که مشکل آنچنانی پیدا نمی‌کند. لذا با توجه به این موضوع باید همکاران عنایت داشته باشند که اصولاً طرح موضوع طلاق در دادگاه غالباً در مواقعی انجام می‌شود که تمام راههای مسالمت‌آمیز قبلی بی‌اثر بوده. اما فرق پیشنهاد آقای موحدي با پیشنهاد کمیسیون در یکی، دو جا هست که به نظر من ظلم به خانم‌ها خواهد شد و مشکل ایجاد می‌کند.

ایشان مسأله حبس ابد را نیاوردند، محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرائمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شؤون زوجه باشد. در حالی که شما می‌دانید ممکن است زوج جرمی را مرتکب شود که به حبس ابد محکوم شده باشد. خوب، خانم جوانی است، یک سال، دو سال از زندگی‌اش گذشته، شوهرش جرمی را مرتکب شده که به حبس ابد محکوم شده آیا ما بگوییم که او الی‌الابد باید صبر کند به امید اینکه شاید (۱۵) سال دیگر مشمول عفو بشود؟

مورد بعد مسأله صرف اعتیاد را ایشان گفتند. به محض اعتیاد که کسی نمی‌رود تقاضای طلاق بکند. اما ما زیاد داریم افرادی که معتاد شده‌اند و کانون خانواده را از بین برده‌اند. بنده مدتی که مسئولیتی در سازمان زندان‌ها داشتم، گاهی کودکان کم‌سن و سال پنج، شش ساله‌ای را می‌آوردند که اینها در اثر اعتیاد پدر به مواد افیونی و مصرف زیاد آن این بچه‌های پنج، شش ساله هم معتاد شده بودند، خوب اگر کسی اعتیاد دارد و حاضر به ترک اعتیاد هم نیست، کانون خانواده را جهنم مصرف مواد مخدر کرده است. خوب، ما به چه مجوز شرعی می‌خواهیم یک زن را محکوم کنیم تا آخر عمر با یک فرد معتاد بی‌توجه به حقوق انسانی همسرش زندگی بکند؟

من البته اگر پیشنهادات بعدی بود در اینجا آرا فقها عظام را یکی، یکی آورده‌ام مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه الوثقی، فتوای مرحوم شیخ اعظم انصاری در بخشی از کتاب مکاسب در اینجا موجود است. استفتا

شورای محترم نگهبان از حضرت امام - سلام الله علیه - در اینجا موجود است. فتوای مرحوم آیت‌الله خویی هست و موارد بسیار زیادی از فتاوای علمای سلف و معاصر را در موارد مشابه داریم که تصریح فرمودند که از جمله اینها مسأله حبس است که مرحوم طباطبایی و برخی دیگر از فقها در خصوص حبس زوج که طولانی باشد و عسر و حرج برای همسر پیش بیاید، عسر و حرجی هم که مطرح کردند هم عسر و حرج ناشی از ترک نفقه است و هم عسر و حرج ناشی از عدم سرپرستی و مسائل دیگر در زندگی است. جناب آقای موحدی! نگهداشتن دو زوجی که در اوج اختلاف هستند به هیچ وجه حاضر به سازگاری نیستند. شوهری که با اعتیاد بی‌غیرتی را به خانه می‌آورد، شما فکر می‌کنید خدمت به فرزندان آن خانواده است که این زوج را همینطور نگهداریم و اینها را در برزخ اختلاف نگهداریم؟ بچه‌ها هر روز شاهد دعوا و کتک و زجر و شکنجه مادر در محیط خانواده باشند، بعد

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۴۵

اين بچه ها تربيت اسلامي مي شوند؟ خدائي ناكرده اگر چنين حادثه اي در خانواده هر يك از ما پيش بيايد ما چه توقعي را از حكومت جمهوري اسلامي داريم؟ (رئيس - وقت شما تمام شد) لذا من واقعاً پيشنهاد آقاي موحدي را با پيشنهاد كميسيون تطبيق دادم. ديدم موارد بسيار خوبي را كميسيون منطبق با فتاواي مراجع عظام و فقه شيعه آورده اند كه در پيشنهاد آقاي موحدي مورد غفلت قرار گرفته، ضمن اينكه تشخيص هم با دادگاه است. بالاخره آنجايي كه طرف معتاد است تشخيص اينكه اين اعتياد باعث عسر و حرج شده همسر و زن را به مشقت انداخته با دادگاه است و دادگاه هم كه هيمنطوري عمل نمي كند. لذا من با پيشنهاد جايگزيني آقاي موحدي مخالف هستم. اجازه بدهيد همين پيشنهاد كميسيون قضائي كه پيشنهاد جامعي است ان شاء الله در دفاع از حقوق زنان، يادگار خوبي از مجلس پنجم باشد.

والسلام عليكم ورحمة الله

رئيس. موافقي ثبتنام نكرده، دولت بفرماييد.

منتظري (معاون حقوقي و امور مجلس وزارت

دادگستري). بسم الله الرحمن الرحيم

من براي اينكه به خاطر و ذهن عزيزان نكاتي كه گفته ميشود يادآوري از گذشته هم شده باشد عرض مي كنم كه ما به طور كلي با ذكر مصاديق در قانون موافق نبوديم. به خاطر اينكه در قانون مدني آنچه كه الان مورد عمل است به نحوي است كه مشكل را ميشود حل كرد. اما واقعيتهايي هم در جامعه است كه اين واقعيتها را هم نميشود نادیده گرفت. طراحان محترم براي اينكه مشكلاتي را كه در جامعه است بتوانند به نحوي حل بكنند آمدند چنين طرحي را دادند. راجع به كليات اين طرح وقتي من با قوه قضائيه صحبت مي كردم، قوه قضائيه هم نظرش بر اين است كه به هرحال ما چه ذكر مصاديق بكنيم و چه ذكر مصاديق نكنيم، نکته مهم اين است كه مسأله عسر و حرج بايد در دادگاه صالح احراز بشود. ممكن است ما ده تا مصاديق را هم در اینجا بياوريم اما يك مصاديق يازدهمي پيدا بشود كه دادگاه وقتي

رسیدگی می‌کند و واقعاً از مصادیق بین عسر و حرج باشد، در حالی که در اینجا نیامده.

(در این هنگام آقای حسن روحانی «نایب رئیس»

ریاست جلسه را به عهده گرفتند)

بنابراین مسأله عسر و حرج را نمی‌توان به آنچه در اینجا احصا می‌شود، محدود کنیم. چه در آن متنی

که در کمیسیون مطرح تصویب شده و چه در پیشنهادی که جناب آقای موحدي دادند خواستند مصادیق را منحصر به همین موارد بکنند. گفتند «از قبیل»، خوب،

معنایش این است که ما چه (۷) مورد، چه (۹) مورد و چه (۲۰) مورد در اینجا ذکر بکنیم ممکن است به هر حال در خارج ... یعنی آنچه در خارج واقع شده است و در محکمه مطرح است از مجموعه مصادیق مذکور در قانون خارج باشد و دادگاه هم وقتی رسیدگی می‌کند آن را از مصادیق عسر و حرج تشخیص بدهد. بنابراین ملاک و معیار برای این مسأله تشخیص عسر و حرج در دادگاه است.

دو نکته در مصوبه کمیسیون است که این دو نکته در پیشنهاد جناب آقای موحدي نیست. من کار به آن مصادیق ندارم که حالا ایشان مصادیق را هفت‌گانه ذکر کردند، در کمیسیون نه‌گانه ذکر شده و مسأله امراض مسری و صعب‌العلاج را با بررسی‌هایی که در کمیسیون کردند گفتند ما از مصادیق تلقی کنیم و ایشان می‌فرمایند که نه، این از مصادیق ذکر نشود. به هر حال چه ذکر بشود و چه ذکر نشود باید به دادگاه برود و دادگاه با رعایت ابعاد مختلفی که برای تشخیص عسر و حرج باید داشته باشد آنها را ملاک قرار می‌دهد. ممکن است بگوید آقا! این از امراض صعب‌العلاج یا مسری که موجب عسر و حرج بشود هست یا نیست. آن دو نکته‌ای که در مصوبه کمیسیون است اما در پیشنهاد جناب آقای موحدي نیست این است که در مصوبه کمیسیون اولاً عسر و حرج تا حدودی بیان شده. به این صورت «عسر و حرج

موضوع این ماده عبارت است از بوجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۴۷

ساخته و تحمل آن مشكل باشد». حالا البته در اينكه مفاهيم قانوني حتماً در خود آن قانون هم بايد تفسير بشود يا تفسير نشود و طبق قانون اساسي اصولاً تفسير قانون در مقام مراجعه به دادگاه به عهده خود قاضي است و اگر ما بخواهيم حتي منحصر هم بكنيم شايد مغايرت با قانون اساسي داشته باشد. اما به هرحال اين از امتيازاتي است كه ميشود در اينجا ذكر كرد كه براي دادگاه ما يك ملك و معياري را در قانون بيان كرديم و آن تشخيص عسر و حرج است.

مسأله دوم اين است كه در مصوبه كميسيون موارد ذيل را گفتند در صورت احراز توسط دادگاه از مصاديق عسر و حرج محسوب ميگردد. يعني بايستي اين مسأله در دادگاه احراز بشود. اينچنين نيست كه اگر چنانچه يك فردي بايد ادعا بكند كه همسر من معتاد است و تقاضاي طلاق ميخواهد بكنند، بلافاصله بگويند بنا بر اين اين مصداق در قانون به عنوان اعتياد مضر ذكر شده و به عنوان مصداق عسر و حرج شناخته ميشود و حكم طلاق را صادر بكنند. به هرحال آنچه كه مهم است اين است كه بايستي اين مصاديق در دادگاه به عنوان عسر و حرج محرز بشود. مصداق ذكر كردن در قانون اگر چنانچه ما بياييم آن موارد را بيان بكنيم ظاهراً بهتر است. چون در مصوبه كميسيون از جمله مسائلي كه آنجا مطرح شده، مسأله ابتلا زوج به امراض مسري و

صعبالعلاج است به هرحال اين ميتواند از مصاديق عسر و حرج باشد. اما پيشنهاد جناب آقاي موحدي اين را ندارد به لحاظ اينكه مصوبه كميسيون هم در بيان تعريف مصداق و هم در بيان ذكر مصاديق جامعتر است و لذا به نظر ما ميرسد اگر مجلس محترم موافقت داشته باشند كه با همين مصوبه كميسيون موافق شوند جامعتر خواهد بود. والسلام

نائب رئيس. متشكر، كميسيون بفرماييد.

نقيسه فياض بخش (عضو كميسيون امور قضائي و

حقوق). بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوري كه مشخص است كميسيون هم مخالف است. من

فقط نکته‌ای را در توضیح صحبت‌های جناب آقای منتظری خدمتتان عرض کنم، ایشان فرمودند ما اصولاً (عین صحبتشان) با این پیشنهاد و طرح موافق نبودیم. من خدمت نمایندگان محترم متن دستور رئیس محترم قوه قضائیه وقت، حضرت آیت‌الله یزدی را تقدیم کردم که ایشان از تمامی قضات سراسر کشور در مورد مصادیق عسر و حرج تقاضای نظر کرده بودند به علت آرا بسیار متناقض و متغییری که در جلسه مسئولین

اجرایی قوه قضائیه مطرح شده بود و دفتر امور زنان و مدیرکل روابط عمومی قوه قضائیه را مسئول این قضیه کرده بودند حدود (۱۰۰) صفحه است نظراتی که ما از قضات سراسر کشور به خاطر دستور رئیس محترم قوه قضائیه هم‌اکنون در اختیار داریم و نمایندگان محترم می‌توانند آن را ملاحظه بفرمایند.

همان‌طوری که مشخص است کمیسیون هم مخالف است. بنابراین قوه قضائیه کاملاً با این طرح موافق و پیشنهاد خودش جهت طرح در مجلس بود.

نایب رئیس. متشکر، حضار ۱۸۰ نفر، پیشنهاد را قرائت بفرمایید.

منشی (موالی‌زاده). متن پیشنهاد را آقای موحدی خواندند.

نایب رئیس. خیلی خوب، حضار ۱۸۱ نفر، نمایندگان محترمی که با این پیشنهاد موافقت قیام بفرمایند. (عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

پیشنهاد دیگری اگر نداریم خود ماده واحده را به رای می‌گذاریم.

حضار ۱۸۱ نفر، ماده واحده را قرائت بفرمایید.

فاکر. اخطار قانون اساسی دارم.

نایب رئیس. بفرمایید.

محمد رضا فاکر. بسم الله الرحمن الرحيم

برادران محترم و خواهران گرامی! اعتراض من به مناسبت مخالفت این طرح با اصل چهارم قانون اساسی است. بیشتر از پنج دقیقه وقت برای صحبت ندارم، دو، سه جمله را عرض می‌کنم.

اول اینکه من حاضرم یک جلسه محرمانه در همین مجلس تشکیل بشود و اعلم این آقایانی که صحبت

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۴۹

كردند كه جناب آقاي انصاري هستند تشریف بیاورند همان عبارت «عروه و مكاسب» را اینجا پشت تریبون بخوانند و من ببینم چطور آن عبارت‌هایی را كه ایشان می‌فرمایند دلالت دارد بر اینکه ما بیاییم بگوییم این مصداق عسر و حرج است. يك چیزی را مشخص بکنیم و بگوییم این شش ماه غیبت مصداق عسر و حرج است، یعنی قاضی باید هر جا كه این را دید بگوید عسر و حرج است، اصلاً آیا عسر و حرج قابل تحدید است یا در انحصار قاضی است؟

خانم‌ها كه صحبت كردند (هركدامشان برای خودشان مرجع تقلید هستند) در این طور موارد كه می‌شود ... خانم وحیددستجردی كه جناح راست است با آن خانم رفسنجانی كه جناح چپ است هر دو با هم متحدند وقتی به مسایل مربوط به زن‌ها می‌رسد، این خانم آن روز می‌گفتند كه اگر مردی دیوانه بشود چطور این زن بدیخت باید يك عمر با او زندگی كند؟ این خانم نرفته از پیش‌نماز مسجدشان سؤال كند كه اگر مرد دیوانه شد اصلاً زن نیاز به طلاق هم ندارد، اصلاً خودش همان عقد را فسخ می‌كند می‌رود در خانه‌اش می‌نشیند ...

نایب رئیس. آقاي فاكرا! شما اخطارتان را بفرمایید.

فاكرا. اینها خلاف موازین شرعی است، من درخواست می‌كنم روزهای آخر این مجلس ما يك چیزی تصویب نکنیم كه روز قیام گرفتار بشویم، شما را به حق خدا، به حرف این خانم‌ها در این طور مسایل گوش نكنید (خنده حضار) این آقاي انصاري هم كه اینجا نشسته‌اند، والله مثل آن سخنگوی قوه قضائیه هر دو باید بروند درس بخوانند، برای رضای خدا این را تصویب نكنید، روز قیامت گرفتار خواهید شد، به این چند روز باقیمانده مجلس برای خودتان وزر و وبال درست نكنید، بگذارید به كمیسیون برگردد یا كمیسیون كاملش كند، یا اینکه برای مجلس ششم بماند، مجلس ششم كه قرار است خیلی انقلاب بكنند، این يك انقلاب را هم بكنند.

نایب رئیس. متشكر.

انصاري. اخطار دارم.

نایب رئیس. بفرمایید.

مجید انصاری. بسم الله الرحمن الرحيم

خواهش می‌کنم عنایت کنید. طبق ماده (۷۷) ایشان واقعاً به بنده اهانت کردند، ولی من از آن صرف‌نظر می‌کنم چون ما به فرمایشات آقای فاکر در این زمینه عادت کرده‌ایم، من از حق خودم در آن قضیه می‌گذرم.

اما اخطار من اصل چهارم قانون اساسی است. ببینید! من خواهش می‌کنم وقتی که صحبت از فقه و فقه‌ها و شرع می‌شود به گونه‌ای صحبت نکنیم که نظر تمام فقه‌های شیعه را که خلاف آن نظر است بگوییم خلاف اسلام مطرح کردند. من فرمایش مرحوم شیخ انصاری را که ایشان اشاره کردند می‌خوانم. بنده عبارت‌های قانون مدنی و دیگر قوانین را اینجا آورده‌ام. مرحوم شیخ انصاری در پایان کتاب مکاسب، به مناسبتی به این موضوع اشاره کردند و ترجمه جمله‌ای از آن این است که «چنانچه زندگی مشترک

زناشویی با عسر و حرج مواجه شده باشد مثل اینکه شوهر جذامی باشد یا مبتلاً به برص باشد (مرض برص

همان پیسی است که بر اثر بیماری، پوست بدن خال‌های مختلفی پیدا می‌کند به این برص می‌گویند) وقتی که شیخ انصاری بیماری برص را برای حق فسخ ازدواج و اجبار زوج به طلاق کافی می‌دانند، آیا بیماری ایدز که آن موقع نبوده و امروز اگر کسی مبتلاً به بیماری ایدز شد و شوهر هم حاضر نیست

طلاق بدهد، ما او را وادار به ادامه زندگی زناشویی کنیم؟ آیا از رهگذر بیماری ایدز همسر و تمام بچه‌های او ایدز خواهند گرفت؟ عبارتی هم از مرحوم سیدکاظم طباطبایی‌یزدی صاحب عروه الوثقی دارم که امیدوارم جناب آقای فاکر فرصت داشته باشند مجدداً اینها را مطالعه بکنند که در اینجا باز مصادیقی را ذکر کرده‌اند، روایات مختلفی را که آوردند، مسایلی مثل ترك نفقه، من خواهش می‌کنم به این جمله عنایت کنید می‌فرمایند «این‌براین به طریق اولی وقتی که ترك نفقه موجب فسخ

عقد می‌شود و می‌توان شوهر را اجبار به طلاق کرد به طریق اولی وقوع زن در معصیت در اثر ترك خانه و امثال اینها به طریق اولی باید موجب طلاق بشود».

فتاوی حضرت امام - سلام الله علیه - هم که هنوز بسیاری از مکلفین ...

نایب رئیس. آقای انصاری من فکر می‌کنم در حد اخطار دیگر کافی است ...

انصاری. چشم، اجازه بدهید این جمله را عرض کنم. حضرت امام هم که اکثر مردم هنوز بقاء بر ایشان

هستند با صراحت اینجا هست بیایند ببینند، اجازه بدهید يك جمله را عرض کنم در (۵۷) سال پیش مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی که از اعظم فقهای شیعه هستند، ایشان در بعلبک لبنان تشریف بردند، مرحوم محسن امین صاحب کتاب اعیان الشیعه، به ایشان شکایت کردند که در لبنان حدود (۲) هزار زوج جوان زندگی‌شان را ترك کردند و به کشورهای دیگر از جمله آمریکا و کانادا رفته‌اند، نه نفقه درست و حسابی می‌دهند، یا نفقه می‌فرستند اما پرنگشته‌اند^۱ و زن‌های جوان آنها در عسر و حرج هستند، مرحوم آیت الله آقاسید ابوالحسن اصفهانی فی المجلس با اعمال ولایت شرعی (۲) هزار نفر را يك جا مطلقه کردند و فرمودند شما بعد از عده طلاق بروید ازدواج کنید.

خوب، اینها فتاوی فقها و علما است و من يك مجموعه‌ای از این چیزها را گردآوری کرده‌ام و خواهش می‌کنم که به اخطار قانون اساسی ... از آنجایی که تضییع کردن حقوق زن‌ها خلاف شرع است و این قانون شرعاً در جهت استیفای حقوق آنان است، لذا وفق قانون اساسی است ضمن اینکه شورای محترم نگهبان هستند، اگر واقعاً جایی خلاف شرع تشخیص دادند، حکم بین مجلس و قوانین، شورای محترم نگهبان هست، اجازه

۱. در متن فوق عبارت «پرنگشته‌اند» جایگزین عبارت «پرنگشتند» گردید.

بدهید نظر فقهي را آقایان بدهند که از حضرت امام هم خود فقهاي شوراي نگهبان استفتا^۱ کرده اند، خیلی متشکر هستم.

نایب رئیس. متشکر، حضار ۱۸۸ نفر، ببینید! اخطار برای توجه نمایندگان است به هرحال هرکدام از آقایان به قانون اساسی اشاره کردند برای اینکه برای رأی دادن توجه پیدا کنید دیگر اینجا بحث که نمی‌خواهیم بکنیم، نه بحث فقهي است، نه کلاس فقه است به هرحال، اخطار قانون اساسی شد توجه کردند حالا هرطوری که بخواهند رأی بدهند (عباسی — یک موضوع فقهي است یک بحث اساسی است. اجازه بدهید بحث شود) اخطار را که گوش کردید حالا هر چه نظرتان است در رأی‌تان اعلام بفرمایید. حضار ۱۸۸ نفر، ماده واحده را قرائت بفرمایید.

منشی (موالی‌زاده). ماده واحده — یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی الحاق می‌گردد: **تبصره.** عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از بوجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوج با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد. موارد ذیل از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد^۱:

۱. ترك عمدي همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.
۲. اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر.
۳. استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیه.
۴. ابتلا^۲ زوج به امراض مسري صعب‌العلاج یا هر

۱. با توجه به جمله آخر تبصره مذکور به نظر می‌رسد سطر بالا که مقرر می‌دارد: «موارد ذیل از جمله مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد» اضافی است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۳

عارضه ديگري كه دوام زناشويي، سلامت زوجه را به خطر اندازد.
۵. عقيم بودن زوج به نحوي كه مانع اولاددار شدن زوجه شود.
۶. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدي كه عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعي، اخلاقي، روحي و از نظر مكاني و زماني براي زوجه قابل تحمل نباشد.
۷. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجرائي عدالت.
۸. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار يا حرفه اي كه منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.
۹. محكوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتكاب جرايمي كه مغاير با حيثيت خانوادگي و شؤون زوجه باشد.
نائب رئيس. نمايندگان محترمي كه با اين ماده واحده موافقت قيام بفرمايند.
(اکثر برخاستند) تصويب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۰

۳۷۵۳ - ق
۱۳۷۹/۲/۲۰

شوراي محترم نخبهان
طرح الخاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني كه در جلسه علني روز يكشنبه مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۸ مجلس شوراي اسلامي با اصلاحاتي به تصويب رسيده است در اجرائي اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسي جهت بررسي و اظهارنظر آن شوراي محترم به پيوست ارسال مي‌شود.

علي‌اکبر ناطق‌نوري
رئيس مجلس شوراي اسلامي

طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني
ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گرديد:
تبصره. عسر و حرج موضوع اين ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعي كه ادامه زندگي را براي زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشكل باشد و موارد ذيل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصاديق عسر و حرج محسوب ميگردد:
 ۱. ترك عمدي همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.
 ۲. اعتياد مضر به يكي از انواع مواد مخدر.
 ۳. استنكاف از پرداخت نفقه و عدم امكان بر الزام او به تاديه.
 ۴. ابتلاي زوج به امراض مسري صعبالعلاج يا هر عارضه ديگري كه دوام زناشوي، سلامت زوجه را به خطر اندازد.
 ۵. عقيم بودن زوج به نحوي كه مانع اولاددار شدن زوجه شود.
 ۶. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدي كه عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعي، اخلاقي، روحي و از نظر مكاني و زماني براي زوجه قابيل تحمل نباشد.
 ۷. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجراي عدالت.
 ۸. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار يا حرفه اي كه منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.
 ۹. محكوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتكاب جرائم كه مغاير با حيثيت خانوادگي و شئون زوجه باشد.
 طرح فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علني روز يكشنبه مورخ هجدهم ارديبهشت ماه يك هزار و

۱. «صوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۲۵۵

سيصد و هفتاد و نه به تصويب مجلس شوراي اسلامي
رسيده است.

علي اكبر ناطق نوري
رئيس مجلس شوراي اسلامي

مجلس شورای اسلامی

الف. نامه مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۹

۷۹/۲۱/۳۹۶

۱۳۷۹/۲/۲۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه شماره ۳۷۵۳ - ق مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۰
طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی
مصوب جلسه مورخ هجدهم اردیبهشت ماه يك هزار و
سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی، به لحاظ عدم
فرصت رسیدگی بدین وسیله استمهال می‌گردد:

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

ب. نظریه مورخ ۱۳۷۹/۳/۴

۷۹/۲۱/۴۸۳

۷۹/۳/۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه شماره ۳۷۵۳ - ق مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۰ و
پیرو نامه شماره ۷۹/۲۱/۳۹۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۹
طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی
مصوب جلسه مورخ هجدهم اردیبهشت ماه يك هزار و
سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی در جلسه
مورخ ۱۳۷۹/۳/۴ شورای نگهبان مطرح شد که نظر
شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

۱. عناوین مذکور در طرح خود به خود مساوی با
عسر و حرج نیست فلذا خلاف شرع شناخته شد.
۲. در صورت نیاز قضات دادگاهها به شرح موارد
عسر و حرج قوه قضائیه می‌تواند با توجه و دقت
شرعی مواردی را تعیین و برای تصویب ضمن لایحه ای
به مجلس تسلیم دارد.

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

دبیر شورای نگهبان
احمد جنتی

شماره دوره ششم - سال اول
ترتیب چاپ ۱۰
۱۳۸۰ - ۱۳۷۹
سابقه
تاریخ چاپ ۱۳۷۹/۴/۵
دفتر ثبت ۸

اداره کل قوانین

شور دوم این لایحه^۳ در جلسه علنی روز ۱۳۷۹/۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی تصویب و طبق اصل (۹۴) قانون اساسی جهت اظهار نظر در مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۰ به شورای محترم نگهبان ارسال گردید. شورای محترم نگهبان پس از بررسی در جلسه ۱۳۷۹/۳/۴ ایرادات مستند در داخل کادر را نسبت به لایحه^۴ اعلام که

1. همان.
2. همان.
3. اولاً: مصوبه مذکور به صورت «طرح» تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده است نه لایحه. ثانیاً: «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
4. همان.

جهت اصلاح و تأمین نظر آن شورا به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید.

با پایان یافتن دوره پنجم قانونگذاری، از آنجا که برابر ماده (۱۸۵) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اینگونه مصوبات تا زمان اعلام نظر نهائی شورای نگهبان از دستور خارج نمی‌شوند، لذا به منظور بررسی ایرادات مربوطه و تأمین نظر شورای محترم نگهبان، لایحه^۱ فوق در دستور کار مجلس قرار گرفت.

باسمه‌تعالی

متن مصوبه مجلس

طرح^۲ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گردید:

تبصره - عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

۱. ترك عمدي همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.

۲. اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر.

۳. استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیه.

۴. ابتلا^۳ زوج به امراض مسري صعب‌العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشوئی، سلامت زوجه را به خطر اندازد.

۵. عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاددار شدن زوجه شود.

۶. سوءرفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً با

۱. همان.

۲ مصوبه مجلس صحیح به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۹

توجه به اوضاع و احوال اجتماعي، اخلاقي، روحي و از نظر مكاني و زماني براي زوجه قابل تحمل نباشد.

۷. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجراي عدالت.

۸. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار يا حرفه اي كه منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.

۹. محكوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتكاب جرائم كه مغاير با حيثيت خانوادگي و شئون زوجه باشد.

مصوبه فوق در تاريخ ۱۳۷۹/۲/۱۸ به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيد.

متن ايراد شوراي نگهبان به طرح مذكور:

۱. عناوين مذكور در طرح خود به خود مساوي با عسر و حرج نيست فلذا خلاف شرع شناخته شد.
۲. در صورت نياز قضاات دادگاهها به شرح موارد عسر و حرج قوه قضائيه مي توانند با توجه و دقت شرعي موارد دي را تعيين و براي تصويب ضمن لايحه اي به مجلس تسليم دارد.

شماره ۱۳۷۹/۴/۱۵ تاريخ چاپ ۱۳۷۹/۴/۱۵ دفتر ثبت ۸

دوره ششم - سال اول
ترتيب چاپ ۷۸
شماره چاپ ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹
سابقه ۱۰
تاريخ چاپ ۱۳۷۹/۴/۱۵
دفتر ثبت ۸

اعاده شده از شوراي نگهبان

شماره ۱۲ / ك ق
تاريخ ۱۳۷۹/۴/۱۵
گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۰ که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۴ کمیسیون با حضور نمایندگان محترم آن شورا مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی سیدناصر قوامی

اصلاحات کمیسیون داخل کادر مشخص شده است

اداره کل قوانین

باسمه‌تعالی

طرح^۲ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گردید:

تبصره. عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

در سطر بالا عبارت «در صورت احراز توسط دادگاه صالح» حذف و عبارت «در صورتی که دادگاه حرجی بودن آنها را تشخیص دهد» جایگزین گردید.

۱. ترك عمدي همسر توسط زوج حداقل به مدت شش

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد نه طرح.

۲. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۶۱

- ماه بدون عذر موجه.
۲. اعتياد مضر به يکي از انواع مواد مخدر.
۳. استنكاف از پرداخت نفقه و عدم امكان بر الزام او به تأديه.
۴. ابتلاي زوج به امراض مسري صعبالعلاج يا هر عارضه ديگري كه دوام زناشوئي، سلامت زوجه را به خطر اندازد.
۵. عقيم بودن زوج به نحوي كه مانع اولاددار شدن زوجه شود.
۶. سوي رفتار و معاشرت زوج در حدي كه عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعي، اخلاقي، روحي و از نظر مكاني و زماني براي زوجه قابل تحمل نباشد.
۷. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر اجراي عدالت.
۸. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار يا حرفه اي كه منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.
۹. محكوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتكاب جرائم كه مغاير با حيثيت خانوادگي و شئون زوجه باشد.

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۷۹/۴/۲۹
مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۷۹/۴/۲۹

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۶۱۳۵ مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۹)
دوره ششم. اجلاسيه اول
۱۳۷۹ - ۱۳۸۰
صورت مشروح مذاكرات جلسه علي روز يكشنبه نوزدهم
تير ماه ۱۳۷۹
(جلسه ۱۲)
۸. تصويب مجدد طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰)
قانون مدني
رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرماييد.

منشی (جبارزاده). دستور بعدی گزارش کمیسیون امور قضائی و حقوقی در مورد طرح^۱ الخاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی (اعاده شده از شورای محترم نگهبان).
از خبر محترم کمیسیون قضائی و حقوقی آقای کاظمی دعوت می‌کنیم جهت گزارش کمیسیون تشریف بیاورند، بفرمایید.

محمد کاظمی (خبر کمیسیون قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش از کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح^۲ الخاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ (۱۰) که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مورخ ۷۹/۴/۱۴ کمیسیون با حضور نمایندگان محترم آن شورا مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. سیدناصر قوامی

من توضیحی را لازم است خدمت نمایندگان محترم بدهم. ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی به زوجه این اختیار را داده در صورتی که دوام زوجیت را با عسر و حرج مواجه دانست به دادگاه مراجعه کند و تقاضای صدور حکم طلاق را به دادگاه تقدیم کند. دادگاه بررسی می‌کند و چنانچه تشخیص داد که زندگی زوجه توأم با عسر و حرج است حکم طلاق را صادر می‌کند.
عنوان عسر و حرج یک عنوان کلی در این ماده

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

است. در نتیجه قضاات محاكم و قضائى كه در دادگاه خانواده اين پرونده ها را رسيدگى مي كنند، معمولاً در تشخيص موضوع رويه هاي مختلفى را دارند. از طرفى باتوجه به اينكه امر طلاق در شرع مقدس اسلام مذموم است و عرف جامعه هم اين امر را مذموم مي دانند معمولاً قضاات دادگاههاي خانواده در تشخيص عسر و حرج بودن موضوع دچار شك و ترديد هستند و به سختي اين احكام را صادر مي كنند. فلذا رسيدگى به پرونده هاي طلاق در دادگستري و دادگاههاي خانواده از رسيدگي هايى است كه معمولاً چندين سال به طول مي انجامد و خانمي كه اين دادخواست را داده و عملاً از شوهرش جدا زندگى مي كند بايد سال ها مسير بين منزل و دادگستري را طي كند تا ببيند حكم طلاق صادر مي شود يا خير.

در جهت رفع اين مشكل يعني كمك به قضاات در تشخيص مصاديق عسر و حرج و اتخاذ تدبيري كه اين پرونده ها زودتر به حكم برسد نمايندگان محترم مجلس پنجم تبصره اي را به اين ماده اضافه كرده اند و در اين تبصره مواد^۱ نه گانه اي را به عنوان مصاديق عسر و حرج آورده اند و در مجلس به تصويب رسيده است. مصوبه براي تأييد شوراي نگهبان رفته، شوراي نگهبان دو ايراد از اين مصوبه گرفته كه يكي از ايرادهاي آن (كه عيناً خدمت نمايندگان محترم عرض مي كنم) اين است كه عناوين مذكور در طرح خود به خود مساوي با عسر و حرج نيست، فلذا خلاف شرع شناخته شد.

ايراد شوراي محترم نگهبان اين است كه اين مصاديق نسبت به همه افرادي كه در پرونده مطروحه هستند، نمي توانند عسر و حرج را ايجاد كنند. فرض كنيد در يكي از اين بندهاي نه گانه آمده است كه «اعتياد مضر به مواد مخدر باعث عسر و حرج و صدور حكم طلاق است» ولي ممكن است فردي در عين اينكه

۱. «بندهاي» صحيح است نه «مواد».

اعتیاد مضر به مواد مخدر دارد بتواند زندگی خودش را اداره کند و تکالیف زندگی مشترک را به خوبی انجام بدهد. یا در بند اول این تبصره آمده است «اگر مردی شش ماه بدون عذر موجه زندگی خانوادگی را ترک کرد این از مصادیق عسر و حرج است و دادگاه بایستی حکم طلاق صادر کند». ممکن است در عین رسیدگی این خواننده دعوی در دادگاه حضور پیدا کند و مدعی شود که می‌تواند ادامه زندگی را به عهده بگیرد و تکالیف خودش را در خانواده انجام بدهد.

به همین جهت جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۴ در کمیسیون با حضور نمایندگان محترم شورای نگهبان داشتیم جمله‌ای از عبارت تبصره قبلی به این صورت که «در صورت احراز توسط دادگاه صالح» این جمله حذف شده و جایگزین این جمله، این است «در صورتی که دادگاه حرجی بودن آنها را تشخیص دهد حکم به طلاق صادر می‌کند». اگر دادگاه تشخیص داد که اعتیاد

واقعاً موجب ایجاد حرج در زندگی خانوادگی شده حکم طلاق را صادر می‌کند و اگر تشخیص او این نبود چنین حکمی را صادر نمی‌کند. در واقع هم نظر شورای نگهبان تأمین شده و به اصل موضوع هم زیاد خللی وارد نیامده است. این توضیحات را عرض کردم، اگر مسایل دیگری باشد در خدمت شما هستیم. (یکی از نمایندگان - راجع به تفاوت موضوع صحبت بفرمایید) تفاوت موضوع این است: در تبصره‌ای که در ابتدا

تصویب شده خود به خود احراز مصادیق نه‌گانه باعث صدور حکم طلاق می‌شود، ولی در تبصره جدید و در تغییراتی که به وجود آمده این موارد در صورتی موجب صدور حکم طلاق خواهد شد که حرجی بودن آن را دادگاه تشخیص بدهد. اگر دادگاه تشخیص حرجی بودن

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۶۵

را نداد حكم طلاق را نمي‌تواند صادر كند. والسلام
رئيس. متشكر، مخالف را دعوت بفرماييد.

منشي (شكوري‌راد). مخالف آقاي محمد رئيسي هستند
(رئيسي - آقاي انصاري صحبت مي‌كنند) بفرماييد.

جيد انصاري. بسم الله الرحمن الرحيم
با تشكر از جناب آقاي رئيسي كه نوبتشان را با بنده عوض كردند و وقتشان را به بنده دادند. من از همكاران بزرگوار خواهش مي‌كنم به بحثي كه مطرح است دقت ويژه‌اي مبذول بفرماييد مطمئناً در موافقت با پيشنهاد كميسيون قضائي يا محرم محترم روي مسايل شرعي تكيه خواهند كرد، ما ببينيم واقعاً مصوبه مجلس پنجم ايراد شرعي داشته است و آيا اصلاحيه‌اي كه در كميسيون قضائي به عمل آمده رافع مشكل جامعه زنان كشور ما هست يا نيست؟

به عقیده من اصلاحیه‌ای که در کمیسیون قضائی برای رفع ایراد شورای نگهبان به عمل آمده در حقیقت لغو این قانون است. چون در محاکم فعلی اگر دادگاه تشخیص عسر و حرج داد خوب، رئیس دادگاه طلاق را انجام می‌دهد. این قانون به این جهت در مجلس پنجم آمد که وحدت رویه در کار نبود، محاکم مردم را معطل می‌کنند. ما بسیار فراوان داریم، دختر جوانی که ازدواج کرده از همان روز اول گرفتار فرد معتاد لایبالی بوده و الان سه، چهار سال دارد راه دادگستری را طی می‌کند، قاضی پرونده می‌گوید برای من اثبات نشده که عسر و حرج است، شما عسر و حرجی ندارید. اگر قرار بود با تشخیص رئیس دادگاه عسر و حرج اثبات شود احتیاجی به این قانون نبود، چون همکاران جدید در مجلس ممکن است در جریان موضوع نباشند من یک توضیح مختصری عرض کنم.

در این طرح که خود بنده هم از طراحان آن بودم و در آخر دوره پنجم تقدیم مجلس کردم عبارت از این بود که در موارد نه‌گانه مصداق عسر و حرج باشد و اگر زن تقاضای طلاق کرد تقاضای او مورد قبول واقع شود. چون می‌دانید شرعاً طلاق از اختیارات مرد است و زن نمی‌تواند ابتداءً تقاضای طلاق بکند، جز در مورد عسر و حرج. ما به عنوان یک

مرجع عرفی قانونگذاری مصادیق بین عسر و حرج را مشخص کردیم. گفتیم اینها از مصادیق قطعی عسر و حرج است، مایه تعجب است شورای محترم نگهبان در مقام بیان حکم و مفتی وارد موضوعات شده اند، تعیین موضوع، شأن فقیه نیست، شورای محترم نگهبان نمی‌تواند بگوید اینها از مصادیق عسر و حرج است یا نیست، ربطی به شورای نگهبان ندارد. شورای نگهبان می‌تواند بگوید این حکم شرعی است یا نیست، یعنی اگر موردی مصداق عسر و حرج بود شرعاً زن می‌تواند تقاضای طلاق کند یا نه؟ هیچ فقیهی نگفته، نمی‌تواند. شورای نگهبان هم نگفته اگر مصداق عسر و حرج بود زن نمی‌تواند تقاضای طلاق کند. شورای نگهبان وارد بیان مصادیق شده و این شأن فقیه نیست و از اختیارات شورای محترم نگهبان هم نیست. مجلس به عنوان جایگاه تعیین عرف قانونگذاری برای وحدت رویه و بررسی که در سطح جامعه کرده، گفته اینها از مصادیق عسر و حرج است. من یکی، دو نمونه از آنها را می‌خوانم شما ببینید اینها عسر و حرج است یا نیست؟

ترك عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه، عذر موجه را هم دادگاه تشخیص می‌دهد. يك مرد لایبالی بدون عذر موجه شش ماه زنش را رها کرده و رفته، آیا بگوییم این زن همینطور بسازد و بسوزد؟ این در زندگی این زن عسر و حرج نیست؟

دوم، اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر. خیلی جالب است، دوستان کمیسیون قضائی می‌گویند چه اشکال دارد، طرف معتاد به مواد مخدر است، ولی می‌گوید من زندگی می‌کنم و خرجتان را می‌دهم، خانه برایتان تهیه می‌کنم! عزیزان، همکاران محترم در کمیسیون امور قضائی! مگر نیاز يك زن در زندگی فقط خرج است، مگر فقط نان و آب است؟ زن می‌خواهد زندگی کند، طرف رفته معتاد به مواد مخدر شده، دهنش بوی جهنم می‌دهد و اخلاقش بدتر از اهل جهنم، ما بگوییم چون او نان و آب خانه را تأمین می‌کند عسر و حرجی در کار نیست. يك زن می‌خواهد يك عمر با يك معتاد زندگی کند، مگر نیاز زن در زندگی

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۶۷

فقط خوردن و خانه و اینها است؟! او شریک زندگی است، عواطف و مسایل انسانی چه می‌شود؟ لذا ما گفتیم که اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر هم مصداق عسر و حرج است، استنکاف از پرداخت نفقه است، ابتلا^۱ زوج به یکی از امراض مسری

صعب‌العلاج است. شما می‌دانید امراض مسری صعب‌العلاج این روزها شکل پیچیده‌ای پیدا کرده (رئیس - آقای انصاری! وقتتان تمام است) عذر می‌خواهم بقیه موارد را نمی‌خوانم، خدمتتان هست. جمع‌بندی عرض من این است که خواهش می‌کنم به اصلاحیه کمیسیون قضائی رأی ندهید، چون اصلاحیه کمیسیون قضائی گفته «به تشخیص رئیس دادگاه»، خوب رئیس دادگاه

تشخیص نمی‌دهد، بعد هم وحدت رویه از بین می‌رود، در دو محکمه یک قاضی داریم ارحم الراحمین است، یکی اشدالمعاقبین است، یک قاضی (۳۰، ۳۲) ساله هنوز ازدواج نکرده، اصلاً نمی‌فهمد مسأله زن و بچه چیست، یکی این مسایل را می‌داند و ما برای جلوگیری از تضییع حقوق مردم و برای ایجاد وحدت رویه قضائی این قانون را تصویب کردیم. اگر قرار باشد ما این (یعنی مصوبه کمیسیون قضائی) را بپذیریم معنایش این است که مورد به مورد باید قاضی تشخیص بدهد (رئیس - آقای انصاری! برادر عزیز! وقتتان تمام است) چشم، من عذرخواهی می‌کنم، خواهش می‌کنم به این اصلاحیه کمیسیون قضائی رأی ندهید، مجلس بر مصوبه خودش پافشاری کند، نهایتاً اگر ... به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود. بالاخره حق زن‌ها با این اصلاحیه واقعاً ضایع خواهد شد. والسلام

رئیس. موافق بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (شکوری‌راد). موافق آقای قربانی هستند، بفرمایید.

موسی قربانی. بسم الله الرحمن الرحيم

من خواهش می‌کنم برادران و خواهران محترم نماینده

۱. در متن فوق عبارت «ارحم» جایگزین عبارت «الرحم» گردید.

عنايت بفرمایند! بحث سر هيچ است. چيزي که برادران و خواهران روي آن حساسيت نشان مي‌دهند نشانگر اين است که عنايت کافي را به مفاد طرح^۱ نکرده‌اند. من خواهش مي‌کنم عنايت بفرمایید! بحث الحاق يك تبصره به يك ماده از قانون مدني است. همه مي‌دانند که تبصره نمي‌تواند خلاف مفاد ماده باشد. تشخيص دادگاه در خود ماده آمده، اين يك مطلب. در خود ماده (۱۱۳۰) آمده که عسر و حرج به تشخيص دادگاه، بنا بر اين تشخيص دادگاه را نمي‌توانيد حذف کنيد، اين يك.

دوم، در مصوبه‌اي که ما الان براساس ايراد شوراي نگهبان داريم اصلاح مي‌کنيم در خود مصوبه باز تشخيص دادگاه آمده، بنا بر اين تشخيص دادگاه در مصوبه قبلي مجلس بوده و ما نمي‌توانيم تشخيص دادگاه را الان حذف کنيم. به خاطر اينکه شوراي نگهبان به تشخيص دادگاه ايراد نگرفته، مصوبه را عنايت بفرمایید! در مصوبه‌اي که الان بحث آن است دارد «موارد ذيل در صورت احراز توسط دادگاه صالح

از مصاديق عسر و حرج است». بنا بر اين تشخيص دادگاه امري نيست که بخواهيم تشخيص دادگاه را نفي کنيم. هم در خود ماده آمده و تبصره نمي‌تواند خلاف ماده باشد، هم در مصوبه قبلي آمده که ما نمي‌توانيم آن را حذف کنيم، اين دو مطلب.

مطلب سوم، ببينيد! چيزي که من مي‌خواهم اينجا خدمتتان عرض کنم اين است که شوراي نگهبان يك برداشتي کرده که ممکن است بگويم موارد ذيل بدون تشخيص عسر و حرج از موارد طلاق مي‌شود. همه مي‌دانيم اصلاً ما در مقام بيان مصداق عسر و حرج بوديم، اين خيلي روشن است، مجلس در مقام بيان مصاديق عسر و حرج برآمده، چطور مي‌تواند چيزي را بگويد که عسر و حرج نباشد؟ من از برادران و خواهران تعجب مي‌کنم! ما گفتيم موارد ذيل مصداق

۱. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر مي‌رسد.

عسر و حرج است، مگر می‌شود مصداق عسر و حرج، عسر و حرج نباشد؟ بنابراین، این خیلی روشن است. می‌خواهیم مصداق تعیین کنیم (عنایت بفرمایید!) می‌گوییم ماده گفته در صورت عسر و حرج، زوجه از دادگاه می‌تواند تقاضای طلاق کند، مجلس آمده، گفته موارد ذیل مصداق عسر و حرج است، پس شما نمی‌توانید عسر و حرج بودن را ... (معذرت می‌خواهم، نمایندگان محترم! عنایت بفرمایید، تحمل بفرمایید) ما آمدیم مصداق را ... مگر می‌شود بگوییم مصداق عسر و حرج، خودش عسر و حرج نباشد؟! اصلاً این چیز نادرستی درمی‌آید. وقتی ما برای عسر و حرج ... (معذرت می‌خواهم) اگر گفتند که مثلاً فقیر را، مصداق فقرا را بگویید، يك آدم پولدار را نمی‌شود گفت، با اینکه ما بگوییم آدم پولداری فقیر، او فقیر می‌شود؟ با گفتن ما که مفاهیم و معنا عوض نمی‌شود. وقتی ما می‌خواهیم مصداق عسر و حرج را مشخص کنیم قطعاً حرجی بودن در آن نهفته است. بنابراین نمی‌توانیم موردی را بیاوریم که عسر و حرج نباشد، این هم يك مطلب.

آقای انصاری فرمودند که شوراي نگهبان نمی‌تواند وارد مصداق شود، شأن شوراي نگهبان و مجلس یکی است. ما هم قانونگذار هستیم و آنها هم تأیید می‌کنند که خلاف شرع و یا خلاف قانون اساسی هست یا نیست. بنابراین شأن هر دو ما قانونگذاری است. اگر شوراي نگهبان نمی‌تواند وارد مصداق شود، مجلس هم نمی‌تواند وارد مصداق شود، چه فرقی می‌کند؟ شأن مجلس و شوراي نگهبان واحد است. بنابراین اختیارات ما مثل هم است، مضافاً اینکه چرا نمی‌تواند وارد مصداق شود؟ اگر شما امروز و فردا آمدید تصویب کردید و يك امر بسیار جزئی را گفتید این عسر و حرج است که بین باشد عسر و حرج نیست، واقعاً می‌شود جلو شوراي نگهبان را گرفت که نباید وارد مصداق شود؟ بنابراین بنده خدمت برادران و خواهران عرض می‌کنم ... (رئیس - وقت جناب‌عالي تمام است) چشم، تمام می‌کنم. اصلاً ما نمی‌توانیم موضوع عسر و حرج را جدا کنیم، همه فقها

می‌گویند در صورتی که عسر و حرج باشد زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند و ما وقتی مصداق عسر و حرج را تعیین می‌کنیم، نمی‌توانیم چیزی را بگوییم که واقعاً عسر و حرجی بودن را از آن بگیریم و تشخیص دادگاه هم لامحاله در ماده هست، قابل انفکاک نیست. والسلام

رئیس. حضار ۲۳۲ نفر، این نکته را هم عرض کنم که مخالف و موافق متعدد ثبت‌نام کرده‌اند، بخصوص مخالف بیشتر ثبت‌نام کرده، بعضی از اعضای خود کمیسیون هم مخالفند، مثل آقای موسوی رامهرمز که می‌خواهد صحبت کند.

راکعی. اخطار قانون اساسی دارم.

رئیس. خانم راکعی بفرمایید. حتماً می‌خواهید از حقوق خانها دفاع کنید؟

فاطمه راکعی. بسم الله الرحمن الرحيم

براساس اصل بیست و یکم قانون اساسی که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد، یکی از آن امور این است: «ایجاد زمینه‌های

مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او». یکی از مصادیق عسر و حرج را، این را

تأکید می‌کنم آنجا نوشته‌اند، یکی از مصادیق عسر و حرج از این نه ماده‌ای^۱ که برشمرديم (که حاج آقا قربانی روی مصداق تأکید می‌کنند) این طور عنوان نشده، اما تأکید من بر این است که آیا همین مسأله اعتیاد که آن هم اعتیاد مضر، نفس اعتیاد وقتی هست آیا امکان اعتیاد زن و بچه‌ها را در محیط خانواده (همان‌طور که حاج آقا انصاری فرمودند) فراهم نمی‌آورد؟ و آیا واقعاً حقوق مادی و معنوی زن تأمین می‌شود؟ یکی دیگر از مصادیقی که ما اعلام کردیم محکومیت قطعی زن ... (رئیس - تذکر قانون اساسی می‌دهید یا در مخالفت صحبت می‌کنید؟)

۱. عبارت «بندي» صحیح است.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۷۱

ببینید! مخالف هستم ولی بر طبق قانون اساسی. محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرایمی که مغایر با حیثیت خانواده اش ... آیا این به تنهایی ... حتی ما می‌گوییم خود به خود، حتی ما به چیزهایی هم که در مجلس پنجم تصویب شده و به شورای نگهبان رفته و ایراد گرفته و برگردانده ... (رئیس - این اخطار نیست، اخطار را می‌دهند و تمام می‌شود) خواهش می‌کنم، منظور من این است که به هیچ وجه وجود اینها خود به خود کیان خانواده و شأن معنوی و مادی زن را به خطر می‌اندازد و بنابراین باید ... (رئیس - اجازه به بنده بدهید، مطلبتان را فرمودید ...) فقط خواهش ما این است که به این رأی ندهید تا کار کارشناسی

بهتری روی آن انجام شود.
رئیس. متشکر، حضار ۲۳۰ نفر، توجه داشته باشید اگر اصلاحیه رأی نیامورد، اگر اصلاحیه کتبی داشته باشیم آن (با صحبت) به رأی گذاشته می‌شود، اگر نه، پیشنهاداتی که اینجا بدهند، یعنی اگر پیشنهادات کتبی نداشتیم پیشنهاد شفاهی، اگر پیشنهاد شفاهی هم کسی اینجا ندهد مجدداً همان مصوبه قبلی را رأی‌گیری می‌کنیم و به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود، این را توجه بفرمایید. اصلاحیه برای رأی قرائت شود.

منشی (جبارزاده). متن اصلاح کمیسیون قضائی و حقوقی به این شرح است، در متن تبصره (در سطر بالای تبصره) عبارت: «در صورت احراز توسط دادگاه صالح» حذف و عبارت «در صورتی که دادگاه حرجی بودن آنها را تشخیص دهد» جایگزین گردید.

رئیس. حضار ۲۳۰ نفر، موافقین با اصلاحیه قیام بفرمایند.

(عده کمی برخاستند) تصویب نشد.
همان‌طور که عرض کردم طبق روال آیین‌نامه، اگر پیشنهاد کتبی داریم مطرح شود، اگر پیشنهاد کتبی نداریم و پیشنهاد شفاهی کسی از حضار محترم و نمایندگان عزیز دارد، مرحمت بفرمایند، اگر ندارند همان رأی‌گیری قبلی می‌شود، یعنی همان مصوبه مجلس پنجم

رأی‌گیری می‌شود ... کسی پیشنهاد نداده؟
منشی (جبارزاده). قبلاً پیشنهاد کتبی به ما نرسیده و اگر الان هم نمایندگان محترم پیشنهاد دارند پیشنهادشان را بنویسند و به ما بدهند ... (اظهاری نشد)

رئیس. قرائت بفرمایید.

منشی (جبارزاده). پیشنهاد قبلی را من جهت رأی‌گیری قرائت می‌کنم.

رئیس. این دیگر ماده محکمی می‌شود، دوتا مجلس تصویب کرده است، خیلی مهم است.

منشی (جبارزاده). طرح^۱ الحاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی

ماده واحده. یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گردید:

تبصره. عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

۱. ترک عمده همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.

۲. اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر.

۳. استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیه.

۴. ابتلای زوج به امراض مسری صعب‌العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی، سلامت زوجه را به خطر اندازد.

۵. عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاددار شدن زوجه شود.

۶. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۳

باتوجه به اوضاع و احوال اجتماعي، اخلاقي^۱، روجي و از نظر مكاني و زماني براي زوجه قابل تحمل نباشد.

۷. اختيار همسر ديگر در صورت عدم استطاعت بر^۲ اجراي عدالت.

۸. عدم رعايت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به كار يا حرفه اي كه منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.

۹. محكوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتكاب جرايمي كه مغاير با حيثيت خانوادگي و شؤون زوجه باشد.

رئيس. حضار ۲۳۰ نفر، موافقين قيام بفرمايند.
(اكثريت برخاستند) ميتوان گفت كه با دو سوم تصويب شد. يعني اگر دو سوم باشد آن فرمايشات حضرت امام هم هست در مواردی كه مجلس موردی را با دو سوم تصويب مي كند ديگر شوراي نگهبان اشكال نمي كند.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۴/۱۹

۰۳۷ - ق
۷۹/۴/۲۰

شوراي محترم نگهبان
عطف به نامه شماره ۷۹/۲۱/۴۸۳ مورخ ۷۹/۳/۴ مورخ ۱۳۷۹/۳/۴ و ۷۹/۲۱/۳۹۶ مورخ ۷۹/۲/۲۹ و پرونامه شماره ۳۷۵۳ - ق مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۰ طرح^۳ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني كه در جلسه علني روز يكشنبه مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۹ مجلس شوراي اسلامي نظر قبلي مجلس

۱. در متن فوق حرف «و» بعد از عبارت «اخلاقي» حذف گرديد و علامت «،» جايگزين آن گرديد. در متون قبلي حرف «و» وجود نداشت.
۲. در متن فوق عبارت «بر» جايگزين عبارت «براي» گرديد. در متون قبلي عبارت «بر» وجود داشت.
۳. «صويه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

عیناً به تصویب رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می‌گردد.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه تعالی

طرح^۱ الحاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی
ماده واحده. یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گردید:
تبصره. عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:
۱. ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.
۲. اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر.
۳. استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیه.
۴. ابتلای زوج به امراض مسری صعب‌العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی، سلامت زوجه را به خطر اندازد.
۵. عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاددار شدن زوجه شود.
۶. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی، روحی و از نظر مکانی و زمانی برای زوجه قابل تحمل نباشد.
۷. اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطاعت بر اجرای عدالت.
۸. عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع

۱. همان.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۷۵

اشتغال به كار يا حرفه اي كه منافي با مصالح خانوادگي يا حيثيت زوجه باشد.
۹. محكوميت قطعي زوج به حبس در اثر ارتكاب جرائمي كه مغاير با حيثيت خانوادگي و شؤون زوجه باشد.
طرح^۱ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علني روز يكشنبه مورخ نوزدهم تيرماه يك هزار و سيصد و هفتاد و نه به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسیده است.

مهدي كروبي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۹

۷۹/۲۱/۶۳۶
۷۹/۴/۲۹

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
عطف به نامه هاي شماره ۳۷ - ق مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۰ و شماره ۳۷۵۳ - ق مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۰ و پيرو نامه هاي شماره ۷۹/۲۱/۴۸۳ مورخ ۱۳۷۹/۳/۴ و شماره ۷۹/۲۱/۳۹۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۹:

طرح^۲ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني كه با اصلاحاتي در جلسه مورخ نوزدهم تيرماه يك هزار و سيصد و هفتاد و نه مجلس شوراي اسلامي به تصويب رسیده است در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۹ شوراي نگهبان مطرح شد كه اصلاحات بعمل آمده رافع اشكال نمي باشد و ايراد شوراي نگهبان كماكن به قوت خود باقي مي باشد.

دبير شوراي نگهبان
احمد جنتي

۱. «صوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

۲. همان.

مجلس شورای ملی
روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۰۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۳

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۰۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۳)
دوره ششم. اجلاس اول
۱۳۸۰ - ۱۳۷۹
صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه سوم
مهر ماه ۱۳۷۹
(جلسه ۲۹)
۶. ارجاع طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰)
قانون مدنی
به جمع تشخیص مصلحت نظام

رئیس. دستور را مطرح بفرمایید.
منشی (جبارزاده). بسم الله الرحمن الرحيم
اولین دستوری که خدمت نمایندگان محترم قرائت شد
طرح^۲ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی
بود که من با اجازه از ریاست محترم مجلس توضیحی
عرض کنم.

این طرح^۳ در جلسات قبلی مجلس مورد ایراد شورای
محترم نگهبان بود که کمیسیون محترم قضائی تغییری را
داد که مجلس و جلسه علنی به تغییر کمیسیون قضائی
رأی ندادند و بر مصوبه قبلی خودشان رأی مجدد
دادند که براساس آییننامه قاعدتاً باید این به
جمع تشخیص مصلحت نظام می‌رفت که الان با دستور
حضرت عالی باید این مصوبه به جمع تشخیص مصلحت
نظام برود.

رئیس. بله، اینکه ما بحثی روی آن نداریم، همان‌طور
که آقای دکتر و آقای قربانی تذکر دادند و خود من
هم قبلاً گفتم به جمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود.

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

۳. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۷

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ۵/۷/۱۳۷۹

مجلس شورای اسلامی

۱۸۲- ق

۱۳۷۹/۷/۵

حضرت حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي هاشمي رفسنجانى رياست محترم مجمع تشخيص مصلحت نظام مصوبه مجلس شوراي اسلامي در خصوص طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني كه مورد ايراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود، مجدداً در جلسه علي روز يكشنبه مورخ ۱۳۷۹/۷/۳ مجلس شوراي اسلامي مطرح و نظر قبلي تصويب گرديد. علي هذا در اجراي اصل يكصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران، مصوبه مجلس همراه با نظر شوراي نگهبان جهت استحضار و طرح در جلسه مجمع تشخيص مصلحت نظام و اعلام نتيجه به پيوست ايفاد ميگردد. ضمناً كليه سوابق نيز ضميمه ميباشد.

مهدي كروبي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

باسمه تعالي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گرديد: تبصره. عسر و حرج موضوع اين ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعي كه ادامه زندگي را براي زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشكل باشد و

۱. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

۱. ترك عمدي همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.
 ۲. اعتياد مضر به یکی از انواع مواد مخدر.
 ۳. استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیه.
 ۴. ابتلاي زوج به امراض مسري صعب‌العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی، سلامت زوجه را به خطر اندازد.
 ۵. عقيم بودن زوج به نحوي که مانع اولاددار شدن زوجه شود.
 ۶. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی، روحی و از نظر مکانی و زمانی برای زوجه قابل تحمل نباشد.
 ۷. اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطاعت بر اجرای عدالت.
 ۸. عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیت زوجه باشد.
 ۹. محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرایمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شؤون زوجه باشد.
- مصوبه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سوم مهر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، تهران، روز دوشنبه ۱۳۹۸/۰۸/۰۱

**مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۴/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام
درباره طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰)
قانون مدني**

طرح^۲ «الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني» كه در جلسه ۱۳۷۹/۷/۳ مجلس شوراي اسلامي به تصويب رسیده و مورد ايراد شوراي نگهبان قرار گرفته و در اجرائي اصل يكصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، در جلسه رسمي مجمع به شرح ماده واحده ذیل به تصویب رسید.

ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق ميگردد:
تبصره. عسر و حرج موضوع اين ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعي كه ادامه زندگي را براي زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشكل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصاديق عسر و حرج محسوب ميگردد:

۱. ترك زندگي خانوادگي توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالي و يا ۹ ماه متناوب در مدت يك سال بدون عذر موجه.

۲. اعتياد زوج به يكي از انواع مواد مخدر و يا ابتلا^۳ وي به مشروبات الكلي كه به اساس زندگي خانوادگي خلل وارد آورد و امتناع يا عدم امكان الزام وي به ترك آن در مدتي كه به تشخیص پزشك براي ترك اعتياد لازم بوده است.

در صورتي كه زوج به تعهد خود عمل ننماید و يا پس از ترك، مجدداً به مصرف موارد مذکور روي آورد، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد.

۳. محكوميت قطعي زوج به حبس ۵ سال يا بيشتر.

۴. ضرب و شتم يا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج كه عرفاً با توجه به وضعيت زوجه قابل تحمل نباشد.

۱. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

۲. همان.

رئيس مجلس شوراي اسلامي

قانون الحاق يك تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۱۳۰) قانون مدني مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق ميگردد:

تبصره. عسر و حرج موضوع اين ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعي كه ادامه زندگي را براي زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشكل باشد و موارد ذيل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصاديق عسر و حرج محسوب ميگردد:

۱. ترك زندگي خانوادگي توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالي و يا نه ماه متناوب در مدت يك سال بدون عذر موجه
۲. اعتياد زوج به يكي از انواع مواد مخدر و يا ابتلاي وي به مشروبات الكلي كه به اساس زندگي خانوادگي خلل وارد آورد و امتناع يا عدم امكان الزام وي به ترك آن در مدتي كه به تشخيص پزشك براي ترك اعتياد لازم بوده است.
- در صورتي كه زوج به تعهد خود عمل ننمايد و يا پس از ترك، مجدداً به مصرف موارد مذكور روي آورد، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد.
۳. محكوميت قطعي زوج به حبس پنج سال يا بيشتر.
۴. ضرب و شتم يا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج كه عرفاً با توجه به وضعيت زوجه قابل تحمل نباشد.
۵. ابتلاي زوج به بيماريهاي صعبالعلاج رواني يا ساري يا هر عارضه صعبالعلاج ديگري كه زندگي مشترك را مختل نمايد.

موارد مندرج در اين ماده مانع از آن نيست كه دادگاه در ساير موارد ي كه عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حكم طلاق صادر نمايد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علي روز يكشنبه مورخ سوم مهر ماه يك هزار و سيصد و هفتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ ۱۳۸۱/۴/۲۹ با اصلاحاتي به تصويب مجمع تشخيص مصلحت نظام رسیده است.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲

صفحه ۱۳۸۱/۱۳۸۰

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲

دوره ششم - سال دوم
ترتیب چاپ ۱۰۷۰
۱۳۸۰ - ۱۳۸۱
شماره چاپ
سابقه ۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۱۱/۲
شماره دفتر ثبت ۴۰۸

طرح

طرح اصلاح موادی از قانون مدنی

کمیسیون‌های ارجاعی: اصلی: قضائی و حقوقی

کمیسیون فرعی: فرهنگی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
نظر به وجود برخی مشکلات در خصوص حقوق خانواده
از جمله نفقه زوجه، طلاق، حضانت کودکان و قیمومت
آنان که ناشی از گذشت زمان نسبتاً طولانی از تاریخ
تصویب اولیه قانون مدنی ایران و بروز تحولات
عدیده اجتماعی در این ایام می‌باشد، اصلاح پاره‌ای
از مواد قانون مذکور ضرورتی انکارناپذیر جلوه
می‌نماید. بنابراین طرحی به شرح ذیل جهت طی مراحل
قانونی برای تصویب تقدیم می‌گردد:

کولانی - راکعی - خلیلی - خانزادی - ناصری‌پور
- فاطمه خاتمی - عدالت - مرادی - پیرمؤذن - انواری
- اکبرزاده - حضرتی - افقهی - توحیدی - شدیدزاده
- جعفری - اسماعیلزاده - کعبی - کیانوش راد -
سعدایی‌جهرمی - امینی - علی‌رضا نوری - جلودارزاده
- جلالی‌زاده - طباطبائی - محسنی - مختاری - نعیمی‌پور

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۲۸۳

- حقیقتجو - یوسفیان - عظیمی - سازگارنژاد -
کهرام - گرزین - سیدنجیب حسینی - خیرآبادی - دادفر -
موسوی خوئی - قوامی - میدری - میثم سعیدی -
رمضانپور - اسماعیلی - قشقائی - آقامیری - علی -
حسینی - لقمانیان - بهاروند - سلیم بهرامی -
سیدمهدوی - نظری - هادی زاده - حسنونند - شجاع -
پوریان - ذاکری - بت کلیا - نی زاده - اطاعت -
داود سلیمانی - شعردوست - پورنجاتی - کامبوزیا -
شیرزاد - سیدحسین مرعشی - اللهیاری - سیدامرا...
موسوی - باقر کرد - طالقانی - افخمی - علی حسینی -
حسین امیری - انصاری راد - محتشمی - بورقانی -
رضازاده - مصوری منش - محمد رضا خانی - کدیور و چند
امضای دیگر.

طرح اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده ۱. ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۱۰۷. نفقه، عبارت است از همه نیازهای زن از قبیل مسکن و البسه و غذا و اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد.

ماده ۲. ماده (۱۱۱۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۱۱۰. در عده وفات زن حق نفقه دارد. این مبلغ از ماترک زوج در صورت رضایت وراث محاسبه می شود.

ماده ۳. ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۱۱۳۳. مرد هر وقت که بخواهد همسرش را طلاق بدهد، باید به دادگاه مراجعه کند تا براساس قانون اقدام شود، مگر آنکه زوجین در مورد طلاق توافق داشته باشند.

ماده ۴. ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۱۱۶۹. نگاهداری پسر و دختر تا سن بلوغ در صورت عدم ازدواج مادر با مادر است.

ماده ۵. ماده (۱۱۷۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹

به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۷۰. اگر مادر در مدتی که حضانت با او است مبتلا به جنون یا هر بیماری مسری خطرناک یا لاعلاج گردد، حضانت با پدر خواهد بود.

ماده ۶. يك تبصره به شرح زیر به ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ الحاق می‌گردد:

تبصره. در صورت احراز عدم شایستگی و کبر سن ولي قهری، دادگاه قیمومت طفل را به مادر واگذار می‌کند.

ماده ۷. يك تبصره به شرح زیر به ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ الحاق می‌گردد:

تبصره. در صورت احراز عدم شایستگی و کبر سن ولي قهری، دادگاه قیمومت طفل را به مادر واگذار می‌کند.

شماره ۱۳۸۱/۱/۲۸ تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۱/۲۸ ثبت ۴۰۸

دوره ششم - سال دوم
ترتیب چاپ ۱۲۰۴
۱۳۸۰ - ۱۳۸۱
سابقه ۱۰۷۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۱/۲۸
ثبت ۴۰۸

شور اول

شماره ۱۷۱ / ك ق
تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۶
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۰۷۰ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور طراحان و کارشناسان مربوطه مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر، نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۵ با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۸۵

اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون قضائي و حقوقي
سيدناصر قوامي

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح اصلاح موادي از قانون مدني

ماده ۱. ماده (۱۱۰۷) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زير اصلاح ميشود:

ماده ۱۱۰۷. نفقه، عبارت است از مسكن، غذا، البسه، اثاثيه منزل متناسب با وضعيت زن و هزينه هاي بهداشتي و درماني متعارف و خادم در صورت عادت يا احتياج.

ماده ۲. ماده (۱۱۱۰) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زير اصلاح ميشود:

ماده ۱۱۱۰. در عده وفات، زن حق نفقه ندارد لكن پرداخت معادل آن از ماترك زوجه^۱ با رضايت وراث بلامانع است.

ماده ۳. ماده (۱۱۳۳) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱۱۳۳. مرد ميتواند با وجود شرايط، همسر خود را طلاق دهد.

ماده ۴. ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ به شرح زير اصلاح ميگردد:

ماده ۱۱۶۹. حضانت و نگاهداري طفل تا سن بلوغ حق و تكليف مشترك والدين است و مادر تا سن هفت سالگي اولويت دارد و پس از آن در صورت حدوث اختلاف با رعايت مصلحت كودك با تشخيص و تأييد دادگاه ميباشد.

ماده ۵. ماده (۱۱۷۰) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ به شرح زير اصلاح ميگردد:

۱. عبارت «زوج» صحيح است.

ماده ۱۱۷۰. اگر مادر در مدتی که حضانت با او است مبتلا به جنون یا بیماری مسری خطرناک یا لاعلاج گردد یا با فرد دیگری ازدواج نماید، حضانت او ساقط می‌گردد.

شماره ۶۸/۱

تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۱

گزارش از کمیسیون فرهنگی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره چاپ ۱۰۷۰
که به کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون فرعی
ارجاع شده بود طی دو جلسه کمیته زنان، جوانان و
خانواده و کمیسیون با حضور کارشناسان دستگاههای
اجرایی ذربط مطرح و پس از بحث و بررسی، کلیات
آن در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۰ کمیسیون به تصویب
رسید.

اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای
اسلامی می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی
ولی‌ا... شجاع‌پوریان

شماره ۶۸/۱، تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۱

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۷۵ مورخ

۱۳۸۱/۳/۱۱)

دوره ششم. اجلاس دوم

۱۳۸۰ - ۱۳۸۱

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه بیست و

نهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۱

(جلسه ۲۲۴)

۱۳. تصویب کلیات طرح اصلاح موادی از قانون
مدنی

نایب رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.

منشی (خالقی). دستور بعدی گزارش شور اول
کمیسیون قضائی و حقوقی درمورد طرح اصلاح موادی
از قانون مدنی. جناب آقای کاظمی محترم کمیسیون

بحث چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۸۷

بفرمایید.

محمد کاظمی (نماینده کمیسیون قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ (۱۰۷۰) که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور طراحان و کارشناسان مربوطه مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۵ با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. سیدناصر قوامی

آنچه در موادی از قانون مدنی که تعدادی از همکاران طرح اصلاح این مواد را داده اند، مربوط است به نفقه و حضانت و نگهداری اطفال، طلاق، پرداخت هزینه زندگی زوجه ای که همسرش فوت کرده است در ایام عده و همچنین سقوط حضانت زوجه و خانگی که نگهداری اطفال به عهده او واگذار شده است و شوهر اختیار میکند.

احتمالاً تحولات اجتماعی که بی تأثیر در نظام خانوادگی نیست و باعث تغییر در شیوه زندگی و روش های زندگی شده است، موجب گردیده است که برخی از مواد قانون مدنی که مربوط به مسائل خانوادگی و روابط بین زن و شوهر است، تغییر کند و این تغییر اجتنابناپذیر است، البته تغییر در چارچوب شرع

انور و موازین فقهی خواهد بود.

مثلاً اگر در گذشته در بحث نفقه زوجه مسائل بهداشت و درمان خیلی جایگاهی نداشت و قابل توجه و مهم نبود، ولی امروزه بحث بهداشت و درمان یکی از مباحث مهمی است که بخشی از هزینه های زندگی یک زوجه را تشکیل میدهد و در اصلاحیه این ماده از قانون مدنی این بحث مورد توجه قرار گرفته. یا در بحث حضانت و نگهداری اطفال، آنچه که در حال حاضر در ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی آمده است این است که

«پسر فقط تا دو سالگی پیش مادر است و دختر تا سن هفت سالگی»، در این اصلاحیه آمده است که چه فرزند پسر و چه فرزند دختر تا سن هفت سالگی پیش مادر باشند و بعد از آن هم به تشخیص دادگاه عمل بشود. در بحث نفقه، زوجه ای که همسر او در ایام عده فوت می‌کند، آنچه که در قانون مدنی آمده است این است که «پرداخت نفقه از زمان فوت همسر قطع می‌شود»، اما بخصوص این مسأله از دیدگاه فقهی هم قابل توجه و دیدگاه‌های مختلفی است و یکی از نظرات این است که در ایام عده وفات با رضایت وراث از ماترك متوفي هزینه زندگی زوجه پرداخت بشود. در مبحث طلاق هم آنچه که در قانون مدنی آمده است این است که «مرد هر موقع بخواهد می‌تواند همسر خود را طلاق بدهد»، يك اصلاحیه آمده است که «مرد در صورت احراز شرایط می‌تواند همسر خود را طلاق بدهد».

در ماده (۱۱۷۰) که باز هم اصلاح شده این است که «اگر زنی که حضانت اطفال به عهده او واگذار شده ازدواج کند، اطفال از او گرفته می‌شود و به پدر سپرده می‌شود»، باتوجه به نقشی که مادر در تربیت اطفال دارد، اصلاحیه آمده است که «زن می‌تواند بعد از اختیار کردن شوهر باز هم اطفال خودش را تا سن هفت‌سالگی و بعضاً تا سن بلوغ (اگر ان‌شاءالله تصویب بشود) حفاظت و نگهداری کند».

در هر صورت آنچه که در این (۵)، (۶) ماده قانون مدنی آمده است و تغییراتی که با نظر کمیسیون انجام شده درجهت حفاظت و حمایت بیشتر از حقوق زن‌ها و حقوق خان‌ها است و امیدواریم که

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۸۹

همكاران محترم به اين مصوبه^۱ و به كليات اين مصوبه^۲ رأي مثبت بدهند، ان شاء الله در شور دوم نياز به تغييراتي در بعضي از مواد است كه ان شاء الله انجام خواهد شد. والسلام

نايب رئيس. مخالفی ثبت نام نکرده است، موافق هم طبعاً صحبت نمی کنند، دولت هم نظری ندارد. حضار ۱۹۴ نفر، کلیات طرح اصلاح موادی از قانون مدنی به رأي گذاشته می شود، موافقین با کلیات این طرح قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

۱. به جای عبارت «مصوبه» که منظور «مصوبه کمیسیون» مذکور است، عبارت «طرح» یا «تصمیم کمیسیون» صحیح به نظر می رسد.

۲. همان.

قانون مدنی، ماده ۱۱۱۰

دوره ششم - سال سوم	شماره ترتیب
چاپ ۱۲۸۳	
۱۳۸۲ - ۱۳۸۱	شماره چاپ سابقه
۱۲۰۴-۱۰۷۰	
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۳/۲۰	شماره دفتر ثبت
۴۰۸	

پیشنهادهای واصله در مورد طرح اصلاح موادی از
قانون مدنی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

پیشنهادهای واصله در مورد طرح اصلاح موادی از
قانون مدنی

۱. ماده (۲) طرح در ارتباط با ماده (۱۱۱۰)
قانون مدنی به صورت زیر اصلاح شود:

«در عده وفات، هزینه زندگی زن، تا تقسیم ارث،

از ثلث ماترك زوج تأمین میشود».

۲. ماده (۳) طرح در خصوص ماده (۱۱۳۳) قانون
مدنی به صورت زیر اصلاح شود:

«هر يك از زوجین میتواند با مراجعه به

دادگاه، تقاضای طلاق کنند».

۳. ماده (۴) طرح در ارتباط با ماده (۱۱۶۹) که
موضوعش حضانت طفل است، به خاطر قانونی که اخیراً
در ارتباط با حضانت به تصویب رسید، موضوعیت
ندارد و حذف شود.

۴. ماده (۵) طرح در ارتباط با ماده (۱۱۷۰)
قانون مدنی، چنانچه عبارت «یا با فرد دیگری

ازدواج نماید»، قید شود، بهتر است اصولاً از طرح حذف

شود، چون هدف طراحان، قید این مساله بوده،
وگرنه قانون فعلی در این خصوص، ایرادی ندارد.

بجش چهارم : اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۲۹۱

فاطمه راکعی. اکرم مصوري منش

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران

دوره ششم - سال سوم	شماره ترتیب چاپ
۱۳۶۴	
۱۳۸۲ - ۱۳۸۱	شماره چاپ سابقه
۱۳۸۳-۱۳۸۲-۱۳۸۱	
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۵/۱۹	شماره دفتر ثبت
۴۰۸	

شور دوم

شماره ۱۷۱ / ک ق
تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۵
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره ترتیب چاپ ۱۲۰۴ که جهت رسیدگی شور دوم به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور طراحان و کارشناسان مربوطه و پیشنهاد دهندگان مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی
سیدناصر قوامی

اداره کل قوانین

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۲۰۴» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است نه طرح. به نظر میرسد گزارش شور دوم باید با مضمونی به شرح زیر تهیه شود:
«لایحه یا طرح ... به شماره ترتیب چاپ ... که در جلسه علنی مورخ ... مجلس شورای اسلامی در مورد شور اول آن تصمیم گیری شده و با شماره ترتیب چاپ ... برای بررسی شور دوم به این کمیسیون ارجاع گردیده، در جلسه مورخ ... الی آخر».

بحث چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۲۹۳

باسمه تعالی

طرح اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده ۱. ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱۰۷. نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، الیسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

ماده ۲. ماده (۱۱۱۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱۱۰. در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه در صورت نیاز از سهم الارث اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است تأمین خواهد شد.

ماده ۳. ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۳۳. مرد می‌تواند با وجود شرایط، همسر خود را طلاق دهد.

تبصره. زن نیز می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

شماره ۷۲/۲

تاریخ ۱۳۸۱/۳/۲۰

گزارش از کمیسیون فرهنگی به مجلس شورای اسلامی
طرح اصلاح موادی از قانون مدنی به شماره چاپ ۱۲۰۴
که به کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون فرعی
ارجاع گردیده بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۳/۱۹
کمیسیون با حضور کارشناسان دستگاههای اجرایی^۲
ذیربط مطرح و پس از بحث و بررسی، ماده (۱) طرح
عیناً تصویب شد، ماده (۴) طرح حذف گردید و مواد

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۲۰۴» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است نه طرح.

۲. به نظر می‌رسد ذکر نام دستگاههای اجرایی در گزارش کمیسیون می‌تواند مفید فایده باشد.

(۲)، (۳) و (۵) طرح به شرح ذیل اصلاح گردید.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای
اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون فرهنگی
احمد پورنجاتی

اصلاحات کمیسیون:

ماده ۲. ماده (۱۱۱۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷
به شرح زیر اصلاح می‌شود.
ماده ۱۱۱۰. در عده وفات هزینة زندگی زن تا تقسیم
ارث از ثلث ماترک زوج تأمین می‌گردد.
ماده ۳. ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰
به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۳۳. هر یک از زوجین می‌توانند با مراجعه
به دادگاه تقاضای طلاق نمایند.
ماده ۵. ماده (۱۱۷۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹
به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۷۰. اگر مادر در مدتی که حضانت با او
است مبتلا به جنون یا بیماری مسری خطرناک گردد
یا با فرد دیگری ازدواج نماید، حضانت او ساقط
می‌گردد.

مجلس شورای اسلامی - تهران - ۱۳۸۱/۴/۱۶

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۵۶ مورخ

۱۳۸۱/۴/۱۶)

دوره ششم. اجلاسیه سوم

۱۳۸۱ - ۱۳۸۲

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه سوم

شهریور ماه ۱۳۸۱

(جلسه ۲۴۳)

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۹۵

۸. تصويب طرح يك فوريي^۱ اصلاح موادي از قانون مدني

رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرماييد.
منشي (جبارزاده). دستور بعدي گزارش شور دوم كميسيون قضائي و حقوقي درمورد طرح اصلاح موادي از قانون مدني است، از طرف كميسيون آقاي عابدي بفرماييد.

غلامعلي عابدي (نايب رئيس كميسيون قضائي و حقوقي). بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح اصلاح موادي از قانون مدني به شماره ترتيب چاپ (۱۲۰۴)^۲ كه جهت رسيدگي شور دوم به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور طراحان و كارشناسان مربوطه و پيشنهادهندگان مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتي به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور دوم آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون قضائي و حقوقي. سيدناصر قوامي
ماده (۱). ماده (۱۱۰۷) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ را، اصلاح ميكنند ماده (۱۱۰۷) قانون مدني مطلب هزينه هاي درمانی و بهداشتی خانمها را كه الحاق نشده بود، طراحان اين مطلب را هم به آن اضافه كردند. به اين منظور نفقه عبارت است از همه نيازهاي متعارف و متناسب با وضعيت زن از قبيل مسكن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزينه هاي درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت يا احتياج به واسطه نقصان يا مرض. كلييه اين موارد به استثنای

۱. چون طرح مذکور به صورت دو شوري مورد بررسی قرار گرفته، لذا عبارت «يك فوريي» صحيح نیست.

۲. شماره ترتيب چاپ «۱۲۰۴» مربوط به گزارش شور اول كميسيون مذکور است.

هزینه‌های درمانی و بهداشتی در ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی ملحوظ است، این مطلب هم باتوجه به اینکه واقعاً این روزها هزینه‌های درمانی و بهداشتی سرسام‌آور است برای رعایت حال خانم‌ها طراحان این مطلب را هم الحاق کردند که کمیسیون این را به تصویب رساند.

ماده (۲). ماده (۱۱۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه در صورت نیاز از سهم‌الارث اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است تأمین خواهد شد. خوب، مستحضر هستید که مطابق شرع زوجه در ایام عده وفات، مستحق نفقه نیست، ولی اگر زوجه‌ای بعد از فوت شوهر معسر بود و چیزی برای جبران هزینه‌های زندگی نداشت طراحان این مطلب را مطرح کردند و کمیسیون هم هزینه عده زمان وفات را به عهده اقارب واجب‌النفقة گذاشتند.

ماده (۳). ماده (۱۱۳۳) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
مرد می‌تواند با شرایط، همسر خود را طلاق دهد.
تبصره. زن نیز می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون از دادگاهها تقاضای طلاق نماید.
منشی (جبارزاده). خیلی ممنون. باتوجه به اینکه طرح در مرحله شور دوم است، پیشنهادی هم تا کنون به ما واصل نشده، لذا با اجازه ریاست محترم مواد طرح را جهت رأی نمایندگان محترم قرائت می‌کنم:

طرح اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده (۱). ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده (۱۱۰۷) نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

رئیس. حضار ۱۹۹ نفر، موافقین با متن قرائت شده قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

منشی (جبارزاده). ماده (۲) - ماده (۱۱۱۰) قانون

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۹۷

مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:
ماده (۱۱۱۰). در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه در صورت نیاز از سهم الارث اقاربی که پرداخت نفقه به عده آنان است تأمین خواهد شد.
رئیس. حضار ۱۹۹ نفر، متن قرائت شده به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

منشی (جبارزاده). ماده (۳) - ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده (۱۱۳۳). مرد می‌تواند با وجود شرایط، همسر خود را طلاق دهد.

تبصره. زن نیز می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.
خیلی متشکر.

رئیس. حضار ۱۹۷ نفر، متن قرائت شده به رأی گذاشته می‌شود موافقین قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

توجه دارید ضمن اینکه تصویب شده بود و به اداره قوانین و هیأت رئیسه داده شده بود، اما به درخواست خانم‌های مجلس، در اولویت قرار دادیم به مناسبت هفته‌ای که در پیش است، تولد حضرت زهرا، هفته خانم‌ها، این هم تصویب شد. حالا نمی‌دانم یک شوخی هم بکنم یا شوخی نکنم، دو ماده مهم داشتیم که یکی از آنها این بود که ابتدا نوشته بود خادم و کلفت هم بگیرد. خودمان کلفتشان هستیم کم است، کلفت هم برایشان بگیریم!! این یکی، اما آن یکی که به نفع مردان شد که هر وقت خواستند طلاق بگیرند، بروند و طلاق بگیرند! ما را هم طلاق بدهند!

□□□□□ □□□□ □□□□□□□□

۸۱/۳۱/۱۵۳۸

۸۱/۶/۲۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه شماره ۲۳۱۰ - ق مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ و پیرو
نامه شماره ۸۱/۳۰/۱۴۸۹ مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۸:

«طرح^۱ اصلاح موادی از قانون مدنی»

مصوب جلسه مورخ سوم شهریور ماه يك هزار و سيمصد و هشتاد و يك مجلس شوراي اسلامي در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ شوراي نگهبان مطرح شد كه نظر شورا به شرح زير اعلام ميگردد.

۱. چون مطابق موازين شرعي نمي توان نفقه را از سهم الارث اقارب بدون رضاييت آنان برداشت بلكه آنان مي توانند نفقه را از غير سهم الارث بپردازند بنا بر اين حكم به تأمين نفقه از سهم الارث اقارب موضوع ماده ۲ خلاف شرع تشخيص داده شد. لکن اگر اقارب مذکور از پرداخت نفقه خودداري^۲ کنند زوجه متوفي مي تواند به دادگاه ذي صلاح مراجعه نمايد.

۲. كلمه (شرائط) در ماده ۳ مبهم است پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۳. در تبصره ماده ۳ اگر مقصود از عبارت (شرائط مقرر در قانون) همان شرابطی است كه در قانون مدني (مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰) آمده است، نيازي به ذكر نيست و اگر غير از آن است معلوم شود تا اظهار نظر گردد.

دبير شوراي نگهبان
احمد جنتي

۱. عبارت «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد نه طرح.

۲. در متن فوق عبارت «خودداري» جايگزين عبارت «خودداري» گرديد.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۲۹۹

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۸/۷
شماره ۱۳۸۱/۸/۷

دوره ششم - سال سوم ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲
شماره ترتیب چاپ ۱۵۱۷
شماره چاپ سابقه ۱۰۷۰-
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۸/۹
شماره دفتر ثبت ۴۰۸

اعاده شده از شورای نگهبان

شماره ۱۷۱/ك ق
تاریخ ۱۳۸۱/۸/۷
گزارش کمیسیون قضائي و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح^۱ اصلاح موادي از قانون مدني که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسات متعدد با حضور نمایندگان محترم آن شورا و پیشنهاد دهندگان مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ با اصلاحاتی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائي و حقوقی
سیدناصر قوامی

اصلاحات کمیسیون داخل کادر
مشخص شده است.

اداره كل قوانین

باسمه تعالی
طرح^۲ اصلاح موادي از قانون مدني

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
۲. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

ماده ۱. ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱۰۷. نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

ماده ۲. ماده (۱۱۱۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱۱۰. در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه در صورت نیاز از سهم الارث اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است تأمین خواهد شد.

ماده (۱۱۱۰) به شرح زیر اصلاح گردید:
ماده ۱۱۱۰. در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.

ماده ۳. ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۳۳. مرد می‌تواند با وجود شرایط، همسر خود را طلاق دهد.
تبصره. زن نیز می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

ماده (۱۱۳۳) و تبصره آن به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده ۱۱۳۳. مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید.
تبصره. زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹)، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۰۱

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۰۱
مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۰۱

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۶۸۳۲ مورخ
۱۳۸۱/۹/۱۸)
دوره ششم. اجلاسيه سوم
۱۳۸۱ - ۱۳۸۲
صورت مشروح مذاكرات جلسه علي روز يکشنبه نوزدهم
آبان ماه ۱۳۸۱
(جلسه ۲۶۳)
۷. تصويب اصلاحات كميسيون درخصوص طرح^۱ اصلاح
موادي از قانون مدني
(جهت تأمين نظر شوراي محترم نگهبان)

رئيس. دستور را مطرح بفرماييد.
منشي (جبارزاده). بسم الله الرحمن الرحيم
اولين دستور گزارش كميسيون قضائي و حقوقي در مورد
طرح^۲ اصلاح موادي از قانون مدني (اعاده شده از
شوراي محترم نگهبان) است. آقاي كاظمي خير محترم
كميسيون قضائي بفرماييد.

محمد كاظمي (خير كميسيون قضائي و حقوقي).
بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي
اسلامي

طرح^۳ اصلاح موادي از قانون مدني كه پس از تصويب
مجلس شوراي اسلامي مورد ايراد شوراي محترم نگهبان
قرار گرفته بود در جلسات متعدد با حضور
نمايندگان محترم آن شورا و پيشنهاد دهندگان مطرح
گرديد و پس از بحث و تبادل نظر نهايتاً در جلسه
مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ با اصلاحاتي به شرح زير مورد
تصويب قرار گرفت. اينك گزارش آن تقديم مجلس محترم

۱. «صوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

۲. همان.

۳. همان.

شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. سیدناصر قوامی

آنچه که توسط مجلس به تصویب رسیده و شورای محترم نگهبان ایراد گرفته است، مربوط به مواد (۱۱۱۰) و (۱۱۳۳) قانون مدنی است. در ماده (۱۱۱۰) ما تصویب کردیم که «در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه از سهم الارث اقارب متوفی پرداخت خواهد شد». شورای محترم نگهبان ایرادی که به این ماده آورده این است که پرداخت نفقه از سهم الارث اقارب بدون رضایت آنها خلاف شرع است و اگر این افراد پرداخت نفقه به عهده‌شان باشد، می‌توان از اموال خودشان و یا با رضایت خودشان از سهم الارث پرداخت نمود. در جهت تأیید و رفع ایراد شورای محترم نگهبان آنچه که در کمیسیون قضائی تصویب شده این است که «در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد» که با این اصلاحیه، نظر شورای نگهبان تأمین شد.

اصلاحیه بعدی مربوط به ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی است، در گذشته و آنچه که الان در این ماده آمده است این است که «مرد هر وقت بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد» اصلاحی که در کمیسیون قضائی انجام شد و مجلس محترم هم رأی داد این بود که «مرد با وجود شرایط می‌تواند همسر خود را طلاق دهد و زن هم با رعایت شرایط مقرر در قانون می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند». شورای محترم نگهبان ایرادی که به این ماده و تبصره آن آورده این است که کلمه شرایط که در ماده (۱۱۳۳) آمده مبهم است پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد و همچنین در تبصره در آنجا که مربوط به تقاضای طلاق توسط زن از دادگاه است، آورده است که اگر مقصود از عبارت شرایط مقرر در قانون همان شرایطی است که

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۰۳

در قانون مدنی آمده است نیازی به ذکر نیست. ما در جهت شفاف سازی موضوع موادی را که به استناد آن مواد زن میتواند به دادگاه مراجعه کند و تقاضای طلاق کند در این تبصره آورده ایم، گفته ایم که «زن نیز میتواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹)، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون از دادگاه تقاضای طلاق نماید» که این موارد مربوط است به عسر و حرج زن، پرداخت نکردن نفقه و شروط ضمن عقدی که معمولاً در سندهای ازدواج است، ما این مواد را بالمصاحه در این تبصره آوردیم تا ان شاء الله نظر شورا هم تأمین بشود. از همکاران محترم انتظار داریم که به این دو مصوبه ان شاء الله رأی مثبت بدهند. والسلام

مزروعي. مخالف هستم.

منشي (جبارزاده). خیلی متشکر، آقای مزروعي با اصلاحیه اول مخالفید یا دوم؟ (مزروعي - اصلاحیه اول) در مورد خارج زندگی است، بفرمایید.

رجبعلی مزروعي. بسم الله الرحمن الرحيم

با دفاعی که حاج آقا از خانها کردند من هم با این اصلاحیه مخالفت کنم به دلیل اینکه فکر میکنم يك ابهام در آن نهفته است و امیدوارم خبر کمیسیون توضیح بدهد. به نظر من این اصلاحیه هیچ مشکلی را حل نکرده به اضافه اینکه يك ابهام ایجاد کرده. ببینید! در ماده ای که قبلاً تصویب شده گفته ایم «در

صورت نیاز از سهم الارث اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است» در این ماده ای که الان جایگزین میشود نوشته ایم «از اموال اقاربی که پرداخت نفقه

به عهده آنان است». به نظر من این کاملاً جای ابهام

دارد، سهم الارث کاملاً مشخص است و خانها به راحتی میتوانند از آن سهم الارث نفقه خودشان را مطالبه کنند، ولی اموالی که اینجا گفته میشود این اموال آیا متعلق به افرادی است که بایستی نفقه بدهند یا جز سهم الارث است؟ چون اگر از اموال خود آن

افراد باشد دلیلی ندارد که برای این کار بیایند و نفقه بدهند، بنابراین من تقاضا می‌کنم حالا این توضیح داده بشود. به نظر من کلمه «اموال» که جای «سهم الارث» قرار داده شده کاملاً ابهام دارد و طبیعتاً آن افراد هیچ اجباری برای پرداخت از اموالشان به عنوان نفقه نخواهند داشت چون اموال شخصی خودشان است، در ملکیت آنها است و به نظر من اینجا با این اصلاحی که صورت گرفته در واقع بحث اصلی که تأمین نفقه زنان بوده، دارد فراموش می‌شود. بنابراین من با این اصلاحیه به این شکل مخالفم مگر اینکه توضیحات کافی داده بشود.

منشی (جبارزاده). آقای یثربی موافق هستند، بفرمایید.

سیدعلی محمد یثربی. بسم الله الرحمن الرحيم سلام علیکم، همان‌طوری که برادر عزیزمان آقای مزروعی گفتند برای ایشان یک قدری ابهام دارد که بنده با اجازه آقای کاظمی توضیح می‌دهم. عرض کنم که اشکال شورای نگهبان این نبوده است که اقارب خارج زوجه متوفی را نپردازند. ما یک نفقه زوجه و یک نفقه اقارب داریم. نفقه اقارب یک شرایطی دارد، نادر بودن منفق علیه، دارا بودن منفق. شورای نگهبان گفته است که اقارب ملزم نیستند که حتماً از سهم الارث بپردازند. در صورتی که این برعهده‌شان باشد می‌توانند از سهم الارث بپردازند، می‌توانند از اموال^۱ دیگرشان بپردازند. کسی که می‌خواهد یک خارجی به یک کسی بدهد، ما نیایستی او را ملزم کنیم که حتماً از این سهم الارث بدهد مخالف پرداخت نفقه منفق دارا به منفق علیه نادر نیستند.

این یک قدری اشکال شورای نگهبان درست‌تقریر نشده. پس از این جهت مخالفی هم با نظر آقای مزروعی مبنی بر پرداخت نفقه با شرایط آن ندارد،

۱. در متن فوق عبارت «اموال» جایگزین عبارت «امول» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۰۵

منتها شوراي نگهبان گفته است الزام نيست حتماً از همان مال سهم الارث بپردازد، از مال ديگرش بپردازد، آن را ما مي‌خواهيم موظف بکنيم به آن وظيفه‌اي که در قبال زوجه متوفي دارد اقدام و قيام بکند، متشکريم.

منشي (جبارزاده). خيلي متشکر، آقاي مزروعي نسبت به توضيحاتي که داده شد قانع شدند. اصلاحات جهت رأي مجلس محترم قرائت مي‌شود. ماده (۱۱۱۰) به شرح زير اصلاح گرديد:

ماده (۱۱۱۰). در ايام عده وفات، مخارج زندگي زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربي که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمين مي‌گردد.

رئيس. حضار ۲۰۴ نفر، موافقين قيام بفرماييد.

(اکثر برخاستند) تصويب شد.

منشي (جبارزاده). اصلاحيه بعدي در ماده (۱۱۳۳) و تبصره آن است که به شرح زير انجام گرفته است:

ماده (۱۱۳۳). مرد مي‌تواند با رعايت شرايط مقرر در اين قانون با مراجعه به دادگاه تقاضاي طلاق همسرش را بنمايد.

تبصره. زن نيز مي‌تواند با وجود شرايط مقرر در مواد (۱۱۱۹)، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) اين قانون از دادگاه تقاضاي طلاق نمايد.

رئيس. حضار ۲۰۵ نفر، متن قرائت شده به رأي گذاشته مي‌شود موافقين قيام بفرمايند. (اکثر برخاستند) تصويب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۰۵، ۱۳۸۱/۸/۱۹

۱۸۱۶۲

۱۳۸۱/۹/۱۰

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقاي سيدمحمد خاتمي
رياست محترم جمهوري اسلامي ايران

طرح اصلاح موادي از قانون مدني که در جلسه علي روز يکشنبه مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ مجلس شوراي اسلامي با اصلاحاتي تصويب و به تأييد شوراي نگهبان رسيده

است در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه‌تعالی

قانون اصلاح موادی از قانون مدنی

ماده ۱. ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱۰۷. نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

ماده ۲. ماده (۱۱۱۰) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱۱۰. در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.

ماده ۳. ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۱۳۳. مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید.

تبصره. زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹)، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

قانون فوق مشتمل بر سه ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ نوزدهم آبان ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۳۰۷

قانون اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴

شماره ۱۳۸۰/۹/۳

تاريخ چاپ ۱۳۸۰/۹/۳

دوره ششم - سال دوم
ترتيب چاپ ۹۸۲
۱۳۸۰ - ۱۳۸۱
سابقه ۰
تاريخ چاپ ۱۳۸۰/۹/۳
ثبت ۳۷۴

طرح
طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴
كميسيون هاي ارجاعي: قضائي و حقوقي

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي

با توجه به لزوم توجه عاطفي به اطفال و اقتضا
تربيت فرزندان زير سن ۷ سال توسط مادران كه هم
از لحاظ پزشكي و روانشناسي ضرورت آن اعلام و هم
از لحاظ شرعي منعي بر آن مترتب نشده لذا جهت
رعايت غبطه اطفال زير سن ۷ سال طرح ذيل تقديم
ميگردد:

شهربانو امانی - فاطمه خاکی - قوامی -
جلودارزاده - پورفاطمی - قمی - نعیمی پور - خالقی
- جبارزاده - خیرآبادی - رمضانپور - عدالت -
کولانی - حقیقتجو - علی هاشمی - مصوری منش - اطاعت
- ناصری پور - ناطقنوری - سیدجلال موسوی -
حسنزادگان - امیدوار رضائی - خسته بند - داویدیان
- جلالی زاده - بورقانی - کیافر - کیانوش راد -
شیرزاد - ادب - عظیمی - شعر دوست - صالحی لردگان -
پرتو - رحمانی خلیلی - برزگر - تاج الدین - سیدهادی
خامنه ای - محبوب - توکلی - اسماعیلزاده - امرالله

حمدي - سيدمحمد رضوي - محي‌نيا - سيدهاشمي - خدادادي - شكيبي - سيدابوالفضل رضوي - گرزين - دادفر - حيدري زادي - موسوي جهان آباد - پيشين - داسه - شكوري راد - آيتي - بهرامي - رضازاده - سيدمحمد رضا خامي - قنبري - موسوي خوئيني‌ها - خباز - رشيدان - پورجزايري - موسوي (كرج) - سيدام‌الله موسوي - ديرباز - اكبرزاده - صديقي - سيدمهديوي - سرحدي زاده - رئيسي - پيران - طلاني‌نيك - اعلمي - ميثم سعدي - كديور - عاشوري

طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زير اصلاح مي‌گردد:
ماده ۱۱۶۹. براي نگاهداري طفل، مادر تا هفت سال از تاريخ ولادت او اولويت خواهد داشت. پس از انقضا اين مدت حضانت با پدر است.

ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰
ماده ۱۱۶۹. براي نگاهداري طفل مادر تا دو سال از تاريخ ولادت او اولويت خواهد داشت. پس از انقضا اين مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث كه تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود.

مجلس شورای ملی - تهران - ۱۳۱۴

دوره ششم - سال دوم
 ترتيب چاپ ۱۰۷۷
 شماره چاپ ۱۳۸۱ - ۱۳۸۰
 سابقه ۹۸۲

۱. تاريخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحيح است.
۲. تاريخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحيح است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۰۹

تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۱۱/۳
شماره دفتر ثبت ۳۷۴

شور اول

شماره ۱۵۴ / ك ق
تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۳
گزارش کمیسیون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴ به شماره ترتیب چاپ ۹۸۲ که جهت رسیدگی شور اول به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلي ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور طراحان مطرح گردید و پس از بحث و بررسی نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲ کمیسیون کلیات آن عیناً مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامي می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائي و حقوقي
سیدناصر قوامي

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۶۹. براي نگاهداري طفل، مادر تا هفت سال از تاريخ ولادت او اولويت خواهد داشت. پس از انقضا این مدت حضانت با پدر است.

مجلس شورای اسلامی - تهران - ۱۳۸۰/۱۱/۳

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۱۳ مورخ

۱۳۸۰/۱۲/۱۸)

دوره ششم. اجلاس دوم

۱۳۸۱ - ۱۳۸۰

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه بیست

و چهارم بهمن ماه ۱۳۸۰

(جلسه ۱۹۳)

۷. تصویب کلیات طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون

مدنی مصوب ۱۳۱۴

رئیس. دستور را مطرح بفرمایید.

منشی (خالقی). دستور اول، گزارش شور اول

کمیسیون قضائی و حقوقی درمورد طرح اصلاح ماده

(۱۱۶۹) قانون مدنی است. آقای کاظمی خبر محترم

کمیسیون بفرمایید.

محمد کاظمی (خبر کمیسیون قضائی و حقوقی). .

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای

اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ به

شماره ترتیب چاپ (۹۸۲) که جهت رسیدگی شور اول به

این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده

بود، در جلسات متعدد با حضور طراحان مطرح گردید

و پس از بحث و بررسی نهایتاً در جلسه مورخ

۱۳۸۰/۱۱/۲ کمیسیون کلیات آن عیناً مورد تصویب

قرار گرفت. اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم

شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی^۱ و حقوقی. سیدناصر قوامی

همکاران محترم می‌دانند که حضانت یعنی نگاهداری و

تربیت اطفال چه به لحاظ شرعی و چه به لحاظ قانونی

هم به عهده پدر و هم به عهده مادر (مشترکاً)

واگذار شده است. منتها درمورد اطفالی که پسر

هستند قانونگذار روش تربیتی مادر را تا دو سال و

۱. در متن فوق عبارت «قضائی» جایگزین عبارت «قضای» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۱۱

در مورد اطفالي كه دختر هستند قانونگذار روش تربيتي مادر را تا (۷) سال به عهده مادر گذاشته است و اين روش را بر روش انتخابي پدر ترجيح داده است. البته تا زماني كه والدين با هم زندگي مي كنند و اختلافي ندارند و مشتركاً زندگي مي كنند، خوب، تربيت اطفال هم مشكلي را بوجود نمي آورد. اما هرگاه بين پدر و مادر اختلافي روي بدهد و دادگاه حكم طلاق صادر كند، قطعاً تكليف اطفال متعلق به اين پدر و مادر را هم بايد مشخص كند. آنچه كه در حال حاضر قانونگذار در ماده (۱۱۶۹) آورده است (عين ماده را من خدمت همكاران قرائت مي كنم) اين است:

ماده (۱۱۶۹). براي نگاهداري طفل، مادر تا دو سال از تاريخ ولادت او اولويت خواهد داشت. پس از انقضاي اين مدت حضانت با پدر است، مگر نسبت به اطفال اناث كه تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود.

اين ماده قانون مدني با نظر مشهور فقهي هم دقيقاً منطبق و سازگار است. طرحي كه به عنوان الحاق اصلاح ماده (۱۱۶۹) توسط تعدادي از همكاران محترم تقديم مجلس شده است اين است كه باتوجه به اينكه به لحاظ عاطفي فرزند چه پسر باشد و چه دختر لازم است تا سن (۷) سالگي تحت تربيت و حضانت و نگاهداري مادر باشد، فلذا ماده (۱۱۶۹) اين طور اصلاح بشود كه «فرزند چه پسر باشد و چه دختر تا سن (۷) سالگي تربيت، نگاهداري و حضانت آن به عهده مادر باشد».

تفاوت آن با ماده فعلي و آنچه كه در حال حاضر در قانون مدني آمده است اين است كه پسر بعد از دو سالگي تحويل پدر مي شده، ولي در اينجا مقرر شده كه پسر هم تا (۷) سالگي در اختيار مادر باشد. اين بحث در كميسيون مطرح شد و به تصويب رسيد، از همكاران محترم هم انتظار دادن رأي مثبت به اين طرح هستيم. والسلام

منشي (خالقي). مخالفني ثبت نام نكرده است.

رئيس. دولت هم كه نظر خاصي ندارد ... حضار ۱۹۴ نفر، كليات طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني

۱۳۱۲ مشروح مذاکرات قانون مدنی

مصوب^۱ ۱۳۱۴ به رأی گذاشته می‌شود، موافقین قیام
بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۱۲

دوره ششم - سال دوم	شماره ترتیب
چاپ ۱۱۶۲	
۱۳۸۱ - ۱۳۸۰	شماره چاپ سابقه
۹۸۲ - ۱۰۷۷	
تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۱۲/۲۲	شماره دفتر
ثبت ۳۷۴	

پیشنهادهای
پیشنهاد واصله در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹)
قانون مدنی

اداره کل قوانین

باسمه‌تعالی
پیشنهاد واصله در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹)
قانون مدنی

برای نگهداری طفل، مادر تا سن بلوغ اولویت
خواهد داشت.
رضازاده - مصوری‌منش - جلودارزاده - وحیده
طالقانی - کولائی - فاطمه خاتمی - راکعی

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۱۲

دوره ششم - سال دوم	شماره ترتیب چاپ
۱۲۵۰	
۱۳۸۱ - ۱۳۸۰	شماره چاپ سابقه
۹۸۲ - ۱۰۷۷ - ۱۱۶۲	

۱. در متن فوق عبارت «مصوب» جایگزین عبارت «مصوبه» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۱۳

تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۲/۳۱ شماره دفتر ثبت ۳۷۴

شور دوم

شماره ۱۵۴ / ك ق
تاریخ ۱۳۸۱/۲/۳۰
گزارش کمیسیون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴ به شماره ترتیب چاپ ۱۰۷۷ که جهت رسیدگی شور دوم به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلي ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور پیشنهاد دهندگان و کارشناسان مربوطه مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۰ با اصلاحاتی در متن به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامي می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون قضائي و حقوقي
غلامعلي عابدي

اداره كل قوانین

باسمه تعالی

طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۶۹. برای حضانت و نگهداري طفل، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن در صورت حدوث اختلاف با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص و تأیید دادگاه می‌باشد.

-
۱. شماره ترتیب چاپ «۱۰۷۷» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است نه طرح.
 ۲. تاریخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحیح است.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه ملی

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۸۳ مورخ
۱۳۸۱/۳/۲۲)
دوره ششم. اجلاس سوم
۱۳۸۱ - ۱۳۸۲
صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه هشتم
خرداد ماه ۱۳۸۱
(جلسه ۲۲۷)
۱۲. تصویب طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی
مصوب ۱۳۱۴

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.
منشی (خالقی). دستور بعدی گزارش شور دوم کمیسیون
قضائی و حقوقی در مورد طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹)
قانون مدنی است. محترم کمیسیون جناب آقای کاظمی
تشریف بیاورید.

محمد کاظمی (مخبر کمیسیون قضائی و حقوقی).
بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای
اسلامی

طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ به
ترتیب شماره چاپ (۱۰۷) که جهت رسیدگی شور دوم به
این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده
بود، در جلسات متعدد باحضور پیشنهاد دهندگان و
کارشناسان مربوطه مطرح گردید و پس از بحث و تبادل
نظر نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۰ با اصلاحاتی در
متن به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش
شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. غلامعلی عابدی

۱. اولاً: شماره «۱۰۷۷» صحیح است. ثانیاً، شماره ترتیب چاپ
«۱۰۷۷» مربوط به گزارش شور اول کمیسیون مذکور است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۱۵

همان طوري كه در جريان تصويب كليات اين طرح خدمت همكاران محترم عرض شد، بحث حضانت يعني نگهداري و تربيت اطفال مشتركاً هم به عهده پدر و هم به عهده مادر است. اما زماني كه بين اين زوج اختلاف پيش مي آيد و الزاماً اطفال بایستی پيش پدر يا مادر بمانند، در حال حاضر آنچه كه ماده (۱۱۶۹) قانون مدني ميگويد و مقرر کرده است، اين است كه طفل پسر تا (۷) سالگي فقط پيش مادر است و طفل دختر تا (۷) سالگي براي حضانت پيش مادر است و بعد از اين مدت تحويل پدر ميشود. آنچه كه طراحان محترم اين طرح پيشنهاده اند^۱ اين بوده است كه با توجه به اينكه طفل پسر هم تا زمان (۷) سالگي بايد تحت تربيت فكري، جسمي و رواني مادر باشد، فلذا چه در مورد پسر و چه در مورد دختر تا سن (۷) سالگي فرزند پيش مادر باشد.

به هر حال اصلاحيه اين طور است كه:

ماده (۱۱۶۹). براي حضانت و نگاهداري طفل، مادر تا سن (۷) سالگي اولويت دارد و پس از آن در صورت حدوث اختلاف با رعايت مصلحت كودك و به تشخيص و تأييد دادگاه ميشود.

از همكاران محترم استدعا داريم به اين مصوبه كميسيون راي بدهند.

منشي (خالقي). پيشنهادي نيست، بنا بر اين اصل طرح قرائت ميشود.

رئيس. آقا يان بفرماييد بنشينيد ميخواهيم راي گيري كنيم ...

منشي (خالقي). طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴

ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زير اصلاح ميشود:

ماده (۱۱۶۹). براي حضانت و نگاهداري طفل، مادر تا سن (۷) سالگي اولويت دارد و پس از آن در صورت

۱. در متن فوق عبارت «كرده اند» جاگزين عبارت «كردند» گرديد.

۲. تاريخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحيح است.

حدوث اختلاف با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص و تأیید دادگاه می‌باشد.
رئیس. نمایندگان محترم توجه بفرمایید! طرح اصلاح همان ماده در رابطه با حضانت است و شور دوم هم هست، متن طرح هم قرائت شد، حضار ۲۲۸ نفر، موافقین قیام بفرمایند.
(اکثر برخاستند) تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۳/۱۳

۲۰۹۵-ق
۱۳۸۱/۳/۱۳

شورای محترم نگهبان
طرح^۱ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ که در جلسه علی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۱/۳/۸ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می‌گردد.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه تعالی

طرح^۲ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰^۳ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۶۹. برای حضانت و نگهداری طفل، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن در صورت

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

۳. تاریخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحیح است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۱۷

حدوث اختلاف با رعايت مصلحت كودك و به تشخيص و تأييد دادگاه مي‌باشد.
طرح^۱ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علي روز چهارشنبه مورخ هشتم خرداد ماه يك هزار و سيصد و هشتاد و يك مجلس شوراي اسلامي به تصويب رسیده است.

مهدي كروبي
رئيس مجلس شوراي اسلامي
رئيس قوه قضائيه، قاضي عظيم

۸۱/۳۵/۷۰۸
۸۱/۳/۲۲

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
عطف به نامه شماره ۲۰۹۵ - ق مورخ ۱۳۸۱/۳/۱۳:
«طرح^۲ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴»
مصوب جلسه مورخ هشتم خرداد ماه يك هزار و سيصد و هشتاد و يك مجلس شوراي اسلامي در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ شوراي نگهبان مطرح شد كه نظر شورا به شرح زير اعلام مي‌گردد:
«مصوبه فوق خلاف شرع تشخيص داده شد و متن فعلي ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مطابق فتواي مشهور فقها^۳ و منطبق با مساله ۱۶ از مسائل «القول في احكام الولاده و ما يلحق بها» از كتاب تحريرالوسيله حضرت امام (قدس‌سره) مي‌باشد.»

دبير شوراي نگهبان
احمد جنتي

۱. «صوبه مجلس» صحيح به نظر مي‌رسد.
۲. «صوبه مجلس» صحيح به نظر مي‌رسد.

فصلنامه حقوقی

دوره ششم - سال دوم
۱۳۴۳
شماره ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱
شماره چاپ سابقه ۹۸۲-
۱۰۷۷-۱۱۶۲-۱۲۵۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۵/۲
شماره دفتر ثبت ۳۷۴

پیشنهادهای

پیشنهادهای واصله در مورد طرح^۱ اصلاح ماده
(۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴
اعاده شده از شورای محترم نگهبان در اجرای ماده
(۱۸۶) آییننامه داخلی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

پیشنهادهای واصله در مورد طرح^۲ اصلاح ماده
(۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴
پیشنهاد حذف مصوبه مجلس در خصوص اصلاح ماده
(۱۱۶۹) قانون مدنی و برگشت به قانون فعلی را
دارم.

قربانی

پیشنهاد می‌گردد ماده (۱۱۶۹) به شرح ذیل اصلاح
گردد:
ماده ۱۱۶۹. برای حضانت و نگهداری طفل، مادر تا
هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن اولویت با
پدر است و در هر حال و در صورت حدوث اختلاف با
رعایت مصلحت کودک به تشخیص و تأیید دادگاه
می‌باشد.

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۱۹

سيدكاظم مرتضوي

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۵/۱
مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۵/۱

دوره ششم - سال سوم ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲
شماره ترتیب چاپ ۱۳۲۹
شماره چاپ سابقه ۹۸۲-
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۵/۲
شماره دفتر ثبت ۳۷۴

اعاده شده از شوراي نگهبان

شماره ۱۵۴ / ک / ق
تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح^۲ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۵/۱ با حضور نماینده محترم آن شورا مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر مبادرت به رأی‌گیری شد و کمیسیون بر مصوبه قبلی خود اصرار نمود. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی
سیدناصر قوامی

۱. شماره ترتیب چاپ «۱۳۴۳» که مربوط به گزارش کمیسیون امور قضایی و حقوقی در مورد مصوبه مجلس اعاده شده از شورای نگهبان است، در ردیف شماره چاپ سابقه از قلم افتاده است.
۲. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح^۱ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب
۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۶۹. برای حضانت و نگاهداری طفل، مادر تا
سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن در صورت
حدوث اختلاف با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص و
تأیید دادگاه می‌باشد.

این ماده از قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰
ماده ۱۱۶۹، در صورتیکه در این ماده تغییری
نیست.

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۳۳ مورخ

۱۳۸۱/۵/۱۹)

دوره ششم. اجلاسیه سوم

۱۳۸۱ - ۱۳۸۲

صورت مشروح مذاکرات جلسه علی روز یکشنبه ششم

مرداد ماه ۱۳۸۱

(جلسه ۲۳۷)

۱۱. تصویب مجدد طرح^۲ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون

مدنی مصوب

۱۳۱۴ و ارجاع آن به جمع تشخیص مصلحت نظام

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.

منشی (جبارزاده). دستور بعدی گزارش کمیسیون
قضائی و حقوقی درمورد طرح^۳ اصلاح ماده (۱۱۶۹)
قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ (اعاده شده از شورای محترم
نگهبان) است. آقای کاظمی مجری محترم کمیسیون قضائی

۱. همان.

۲. تاریخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحیح است.

۳. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۴. همان.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۲۱

بفرمایید.

انصاري. تذكر دارم.

رئيس. آقاي انصاري تذكر آييننامه اي دارند، بفرمایید.

جيد انصاري. بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقاي كرويي، رياست محترم مجلس! تذكر من مربوط به ماده (۱۸۶) آييننامه داخلي و در رابطه با نحوه رسيدگي به طرحها و لوايج^۱ است كه مورد ايراد شوراي نگهبان قرار ميگيرد.

ما شاهد هستيم كه بعضي طرحها و لوايج^۲ (۵)، (۶) مرتبه بين شوراي نگهبان و مجلس رفت و آمد ميكنند. خواهش من اين است كه حضرت عالي به عنوان رئيس مجلس به شوراي نگهبان تذكر بفرمایيد كه اولاً شوراي نگهبان جمعبندي جامعي از نظرات شورا داشته باشند و به داخل كميسيون بيايند و وقتي كه كميسيون عيناً نظر نماينده شوراي نگهبان را ملحوظ ميكنند، دوباره نگويد اين نظر شخصي من است، در شوراي نگهبان نمي دانم چه ميشود. اين بارها اتفاق افتاد. من اين ماده را ميخوانم ملاحظه بفرمایيد.

ميگويد كه «مصوبات عادي و يك فوريي مجلس كه از طرف شوراي نگهبان رد شده است، به كميسيون مربوطه ارسال ميشود و با اعلان وقت قبلي با حضور نماينده شوراي نگهبان، موارد اعتراض براي اصلاح مورد بحث قرار ميگيرد. در صورت عدم حضور نماينده شوراي نگهبان در موعد اعلام شده، كميسيون با ملحوظ نمودن نظر شوراي نگهبان كار خود را انجام ميدهد». بنده خودم در كميسيون برنامه و بودجه

شاهد بودم، دوستان اعضاي كميسيون هم شاهد هستند، ما مصوبه اي داشتيم كه (۴) مرتبه در كميسيون اصلاح شد، دفعه چهارم ما به نمايندگان

۱. به جاي عبارت «طرحها و لوايج» عبارت «مصوبه مجلس» صحيح به

نظر ميرسد.

۲. همان.

محترم شوراي نگهبان که آيت الله رضواني و جناب آقاي عليزاده بودند عرض کردیم که ما نمیخواهیم این مورد به جمع تشخیص مصلحت برود. آن عبارتی که فکر میکنید رفع اشکال شوراي نگهبان را میکند شما بنویسید، ما راجع به آن رأی گیری نکنیم. تقریباً نیم ساعت با همدیگر شور و مشورت کردند، عبارتی را مشترکاً جناب آقاي رضواني و جناب آقاي عليزاده نوشتند و گفتند این ایراد شوراي نگهبان را برطرف میکند. ما هم به رأی گذاشتیم، اعضاي کمیسیون رأی دادند. به شوراي نگهبان رفت، باز نوشتند اشکالات قبلی عیناً به قوت خود باقی است. فلسفه حضور نماینده شوراي نگهبان در کمیسیون این است که عین نظر شوراي نگهبان را منتقل کند، نه به عنوان یک فرد! به عنوان نماینده شورا باید بیاید. واقعاً وقت مجلس گرفته میشود و این چالش بین شوراي نگهبان و مجلس رو به دامن زدن است. ضمناً در برخی از موارد هم ما دعوت میکنیم علی رغم هماهنگی و نامه قبلی آقایان تشریف نمیآورند.

خواهش من این است حضرت عالی اولاً تذکر بفرمایید، در جلساتی که هماهنگ میشود، دستور هفتگی هم چاپ شده، آقایان موظف به شرکت در کمیسیون هستند و ثانیاً نماینده شوراي نگهبان با اختیار تام و نظر شورا در جلسه بیاید که اگر نظر شورا تصویب شد، دوباره این رفت و برگشت نکند و هم وقت مجلس گرفته نشود و هم موجب وهن شوراي نگهبان نباشد، خیلی متشکر.

رئیس. از آقای انصاري متشکریم، یعنی تذکر کاملاً وارد است. منتها با توجه به اینکه ما بنا داریم یک جلسه مشترکی با شوراي محترم نگهبان داشته باشیم که خود شوراي نگهبان هم قبلاً تمایل داشتند، من هم درخواست کردم که یک جلسه ای تشکیل بشود. آيت الله جنی هم گفتند بگذارید بعد از تعطیلات مجلس. من در همین دورانی که مجلس تعطیل بود خواستم، منتها هفته قبلی، دیگر من پیگیری نکردم که وظیفه من بوده پیگیری کنم. یک جلسه مشترکی هیأت رئیسه با شوراي نگهبان دارد، در آنجا این فضا را مطرح میکنیم

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۲۳

و باز اگر نقطه نظر ديگري هم داشتيد، مرحمت بفرماييد كه آنجا با آقايمان محترم شوراي نگهبان مطرح كنيم. اين يك واقعيي است نظر نماينده اي كه معرفي مي كنند بايد پذيرفته بشود، حالا ببينيم آنها چه مي فرمايند.

منشي (جبارزاده). كميسيون قضائي آقاي دولت آبادي بفرماييد.

حمدرضا دولت آبادي (نايب رئيس كميسيون قضائي

و حقوقي). بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح^۱ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴ كه پس از تصويب مجلس شوراي اسلامي مورد ايراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۵/۱ با حضور نماينده محترم آن شورا مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر مبادرت به رأي گيري شد و كميسيون بر مصوبه قبلي خود اصرار نمود. اينك گزارش آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي مي گردد.

رئيس كميسيون قضائي و حقوقي. سيدناصر قوامي

همانگونه كه برادران و خواهران عزيز استحضار دارند قانون قبلي در رابطه با حضانت از كودكان در رابطه با پسر دو سال و در رابطه با دختر هفت سال را مدنظر قرار داده بود كه در اختيار مادر باشد. مصوبه اي را كه كميسيون قضائي مجلس و نهايتاً مجلس شوراي اسلامي داشت، براي حضانت و نگهداري طفل مادر را تا سن هفت سالگي اولويت دادند، در صورت حدوث اختلاف با نظر دادگاه بچه را به پدر يا مادر بدهند. با اين وصف مادران تا هفت سالگي حضانت كودكان را در اختيار دارند.

چون مصوبه قبلي مجلس شوراي اسلامي و نظريه كميسيون قضائي با نظريه شوراي محترم نگهبان

۱. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر مي رسد.

مغایرت داشت، کمیسیون قضائی بر نظر قبلی خود اصرار ورزید و لذا خدمت برادران و خواهران نماینده مطرح می‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
منشی (جبارزاده). خیلی ممنون، آقای قربانی مخالف نظر کمیسیون هستند، بفرمایید.

موسی قربانی. بسم الله الرحمن الرحيم خدمت نمایندگان محترم عرض کنم، در اینکه طراحان محترم و مجلس محترم نسبت به این موضوع حسن نیت داشتند، هیچ تردیدی وجود ندارد. من یک نکته را می‌خواهم عرض کنم که برادران و خواهران محترم عنایت بفرمایید! این قبیل قوانینی که مکرر ما داشتیم، خصوصاً در جهت اصلاح تعداد زیادی از مواد قانون مدنی که واقعاً از قوانین استخوان‌دار کشور ما است، مکرر نسبت به اصلاح آن اقدام شده است. من می‌خواهم از شما سؤال کنم که واقعاً همه مواردی که این قبیل اصلاحات را ما انجام داده‌ایم، مشکل حل شده است یا یک سری موارد را ما می‌آییم اینجا مطرح می‌کنیم و مشکل هم همچنان باقی است. بنده هم معتقدم که این قبیل موارد واقعاً مشکل را حل نکرده است، بلکه به دست خودمان به نوعی بنیان خانواده را متلاشی می‌کنیم. موجبات سهل شدن طلاق را فراهم می‌کنیم. در قسمتهای مختلف این وجود دارد و متأسفانه خیلی هم راحت می‌خواهیم همه چیز را به جمع تشخیص مصلحت نظام بفرستیم.

من می‌خواهم خدمت شما عرض کنم، ببینید قانون فعلی این طور نیست که اگر مادر، اولویت حضانت دارد، این حضانت را نمی‌شود از او گرفت. ما در مجلس پنجم (و ادامه آن هم ظاهراً به مجلس ششم کشید) طرحی را تصویب کردیم در صورتی که پدر نااهل باشد و تربیت فرزند به خطر بیفتد، حضانت را از او می‌گیرند. الان من می‌خواهم بگویم این قوانین وجود دارد. اگر جایی پدری مشکل داشته باشد یا مادری مشکل داشته باشد، واقعاً قانون وجود دارد که سلب حضانت از او می‌شود و می‌شود از این قوانین استفاده کرد، آنچه مشکل وجود دارد، مشکل را برطرف کرد، ولی هر روز ما قانون مدنی

را دستکاری و عوض نکنیم. بنده معتقدم که در شرایط فعلی با قانون فعلی آنچه مدنظر طراحان محترم است انجام شدنی است و واقعاً دلیلی وجود ندارد که وقتی شورای نگهبان تقریباً کلیت این طرح^۱ را گفتند خلاف شرع است و خلاف فتوای مشهور فقها است، ما بیاییم به مجمع تشخیص مصلحت نظام بفرستیم و بخواهیم به این شکل مشکل را حل کنیم که معلوم نیست واقعاً این معضل نظام باشد (معضل که نمی‌خواهم عرض کنم) یا معلوم نیست که مصلحت بر این باشد که حتماً این ماده به این شکلی که مطرح است اصلاح بشود، علی‌رغم اینکه بنده معتقدم قانون فعلی این اجازه را به کسانی که مشکل دارند می‌دهد که به دادگاه مراجعه کنند و در دادگاه حق خودشان را بگیرند. قانون هیچ منعی قائل نشده است و بلکه این اختیار را برای کسانی که حرفی برای گفتن دارند، داده است تا بروند و حق خودشان را در دادگاه بگیرند. چیزی که همین جا هم آمده است. همین جا هم گفته است «در صورت اختلاف،

دادگاه مشخص بکند». خوب این قانون فعلی هم همین را گفته است. به نظر من این طرح^۲ پیام جدیدی ندارد و مجلس محترم خوب است که در جهت تأمین نظر شورای محترم نگهبان تلاش کند.

منشی (جبارزاده). خیلی ممنون، موافق اصلاح کمیسیون آقای دکتر امینی هستند، بفرمایید.

سیدابراهیم امینی. بسم الله الرحمن الرحیم آنچه که در ارتباط با اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، این مطلب است که در ارتباط با پسرها هم حضانت تا سن هفت‌سالگی به مادرها داده بشود و مادرها در این خصوص اولویت داشته باشند که این مطلب هم خیلی بدیهی و روشن است، با توجه به وابستگی طفل (صرف

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. همان.

نظر از جنسیت) به مادر و نقش اساسی که مادر در سنن اولیه در ارتباط با تربیت و نگهداری طفل ایفا می‌کند، اگر ما بیاییم در سن دو سالگی طفل

را در اوضاع و احوال و شرایط کنونی از مادر جدا کنیم و در اختیار پدر قرار بدهیم، آن هم پدر که اگر از نظر شرایط و وضعیت اخلاقی و مصلحت‌های دیگر صلاحیت لازم را داشته باشد، با توجه به اینکه غالب آنها به دنبال کار و زندگی روزمره خودشان هستند و کمتر در محیط خانواده حضور دارند، طبیعی است که نیازهای اخلاقی، روانی و تربیتی طفل را نمی‌توانند به نحوی که شایسته و بایسته جامعه اسلامی است به عهده داشته باشند. بر همین اساس مجلس شورای اسلامی این ماده را تصویب کرد که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته. در جلسه کمیسیون هم با حضور نماینده شورای نگهبان بررسی شد که اگر امکان‌پذیر باشد در این اصلاحیه به نحوی ایراد مطرح شده برطرف بشود که امکان‌پذیر نشد و باتوجه به اینکه شرایط امروزی اقتضائاتی بیشتر از شرایط گذشته و قرون گذشته می‌طلبد و در ارتباط با عسر و حرج هم شاهد بودیم که جمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه مجلس شورای اسلامی را تأیید کرد، نظر اکثر اعضای کمیسیون قضائی این بود که این مصوبه هم به تأیید جمع تشخیص مصلحت نظام خواهد رسید و لذا بر مصوبه خودشان اصرار ورزیدند و ما هم انتظار داریم که همکاران محترم رأی بدهند. ان شاء الله مصوبه مجلس در مجمع تشخیص مصلحت

نظام با توجه به اوضاع و احوال کنونی جامعه و نیاز اطفال به مادر در سنن اولیه زندگی به تأیید برسد و این مشکل هم حل بشود.

منشی (جبارزاده). خیلی ممنون. کمیسیون و دولت نظر خاصی ندارند؟ (صفایی - موافقم) دولت هم نظر کمیسیون را تأیید می‌کنند. طرح^۱ اصلاح ماده

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۲۷

(۱۱۶۹) قانون مدني مطرح است، كميسيون به مصوبه قبلي خودشان اصرار دارند كه من ماده (۱۱۶۹) اصلاح شده كميسيون را قرائت مي كنم. «براي حضانت و نگهداري طفل، مادر تا سن هفت سالگي اولويت دارد و پس از آن در صورت حدوث اختلاف با رعايت مصلحت كودك و به تشخيص و تأييد دادگاه مي باشد».

رئيس. حضار ۱۹۷ نفر، متني كه قرائت شد (كه همان متن قبلي است) به رأي گذاشته مي شود (آقاي قرباني هم مخصوصاً به اين قضيه رأي بدهند) موافقين قيام بفرمايند. (اكثراً برخاستند) تصويب شد. طبعاً دوستان مي دانيد كه با توجه به اينكه كميسيون مجدداً نظر قبلي اش را تأييد کرده است به جمع تشخيص مصلحت نظام^۱ مي رود.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۵/۸
شماره ۱۳۸۱/۵/۸

۲۲۲۱ - ق
۱۳۸۱/۵/۸
حضرت حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي هاشمي رفسنجانى رياست محترم مجمع تشخيص مصلحت نظام مصوبه مجلس شوراي اسلامي در خصوص طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴ كه مورد ايراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود، مجدداً در جلسه علني روز يكشنبه مورخ ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شوراي اسلامي مطرح و نظر قبلي مجلس درمورد ماده واحده عيناً تصويب گرديد. علي هذا در اجراي اصل يكصد و دوازدهم (۱۱۲)

۱. در متن فوق عبارت «جمع تشخيص مصلحت نظام» جايجزين عبارت «جمع مصلحت» گرديد.

قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران، مصوبه مجلس همراه با نظر شوراي نگهبان جهت استحضار و طرح در جلسه مجمع تشخيص مصلحت نظام و اعلام نتیجه به پيوست ايضاد ميگردد. ضمناً کليه سوابق نيز ضميمه ميباشد.

مهدي کروي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

باسمه تعالي

طرح^۱ اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدني مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زير اصلاح ميگردد:
ماده ۱۱۶۹. براي حضانت و نگاهداري طفل، مادر تا سن هفت سالگي اولويت دارد و پس از آن در صورت حدوث اختلاف با رعايت مصلحت کودک و به تشخيص و تأييد دادگاه ميباشد.
طرح^۲ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علني روز يکشنبه مورخ ششم مرداد ماه يك هزار و سيصد و هشتاد و يك به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيده است.

مهدي کروي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

شماره ۱۳۸۲/۹/۱۰

۳۲۱۳۰/۰۱۰۱

۱۳۸۲/۹/۱۰

حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي کروي
رئيس محترم مجلس شوراي اسلامي

۱. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.
۲. تاريخ «۱۳۱۴/۱/۱۹» صحيح است.
۳. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۲۹

پازگشت به نامه شماره ۱۸۲ - ق مورخ ۱۳۷۹/۷/۵ در خصوص «طرح»^۱ اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی (حضانت طفل) مصوب مورخ ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکمصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، به پیوست مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۹/۸ مجمع برای طی مراحل قانونی ابلاغ می‌گردد.

اکبر هاشمی‌رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۹/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام
موضوع «اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴
(حضانت طفل)»^۲

طرح^۳ «اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ (حضانت طفل)»^۴ مصوب مورخ ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکمصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، در جلسه رسمی مجمع به شرح ماده واحده ذیل به تصویب رسید.

ماده واحده. برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن ۷ سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

تبصره. بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. عبارت «حضانت طفل» در عنوان مصوبه اضافی است.

۳. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۴. عبارت «حضانت طفل» اضافی است.

می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در اجرای اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جلسه روز شنبه مورخ هشتم آذر ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و دو شورای جمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.

اکبر هاشمی‌رفسنجانی
رئیس جمع تشخیص مصلحت نظام

این مصوبه در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۸۱/۵/۶ شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به دلیل ایراد شورای محترم نگهبان به آن و براساس اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جمع تشخیص مصلحت نظام ارسال و با اصلاحاتی به تصویب آن جمع رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد.

۶۸۲۰۰
۱۳۸۲/۹/۲۲

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری طرح اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به دلیل ایراد شورای محترم نگهبان به آن و براساس اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جمع تشخیص مصلحت نظام ارسال و با اصلاحاتی به تصویب آن جمع رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

باسمه‌تعالی
قانون اصلاح ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴
ماده واحده. ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی مصوب

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۳۳۱

۱۳۱۴/۱/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:
ماده ۱۱۶۹. برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.
تبصره. بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ششم مرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۸ با اصلاحاتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران
مجله حقوقی، شماره ۱۳۸۱/۳
مهر ۱۳۸۱، شماره ۱۳۸۱

دوره ششم - سال سوم
ترتیب چاپ ۱۵۶۰
۱۳۸۱ - ۱۳۸۲
سابقه ۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۹/۳
ثبت ۵۶۰
شماره چاپ
شماره دفتر

یک شوری
طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون
مدنی مصوب ۱۳۷۶

کمیسیون‌های ارجاعی: قضائی و حقوقی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

نظر به اینکه برخی از قضاات محاکم در مقام اجرا و محاسبه میزان مهریه به نرخ روز به لحاظ اختلاف برداشتی که از متن ماده^۱ به وجود آمده با اشکال مواجه شده‌اند از جمله اینکه برخی معتقدند محاسبه به نرخ روز و پرداخت آن تا زمان صدور حکم می‌باشد و برخی زمان تأدیه را ملاک قرار می‌دهند، لذا جهت رفع مشکل و تفسیر موضوع، طرح زیر تقدیم می‌گردد.
سیدناصر قوامی - غلامعلی عابدی - سیدمحمدکاظم مرتضوی - رضا عبداللّهی - ابوالفضل شکوری - فاطمه خاتمی - محمدرضا دولت‌آبادی - محمدباقر ذاکری - قدرت‌الله علیخانی - اسدالله کیان‌ارثی - محمد

۱. در متن فوق عبارت «متن تبصره» صحیح است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۳۳

رئيسي - نورمحمد ربوشه - شهربانو امانی - طاهره رضازاده - اکرم مصوري-منش - اعظم ناصري-پور - هميله کديور - مهرانگيز مروتی - سهيلا جلوذارزاده - فاطمه راکعي و سيدابراهيم اميني.

طرح استفساريه تبصره ذيل ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب ۱۳۷۶

موضوع استفساريه

ماده واحده. آيا ملك محاسبه مهریه به نرخ روز موضوع تبصره ذيل ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹، زمان صدور حكم است يا زمان تأديه آن؟

ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ ماده ۱۰۸۲. به مجرد عقد، زن مالك مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفي که بخواهد در آن بنماید. ----- قانون الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني در خصوص مهریه مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ ماده واحده. يك تبصره به شرح ذيل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدني الحاق می‌گردد: تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأديه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستري و وزارت امور اقتصادي و دارائي تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.
--

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۳۵

مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۳۵

دوره ششم - سال سوم	شماره ترتیب
چاپ ۱۶۲۳	
۱۳۸۲ - ۱۳۸۱	شماره چاپ سابقه
۱۶۱۰-۱۵۶۰	
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۱۰/۳	شماره دفتر ثبت
۵۶۰	

يك شورى

شماره ۲۲۱ / ك ق
تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی
طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ به شماره ترتیب چاپ ۱۵۶۰ که جهت رسیدگی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور کارشناسان مربوطه مطرح گردید و نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۶ به شرح زیر تفسیر و مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی
سیدناصر قوامی

اداره كل قوانین

باسمه تعالی
طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶
موضوع استفساریه

ماده واحده. آیا ملاك محاسبه مهریه به نرخ روز موضوع تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹، زمان صدور حکم است یا زمان تأدیة آن؟

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۳۳۷

مجلس شورای ملی
مجلس شورای عالی

دوره هفتم - سال اول
چاپ ۱۹۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۳/۴/۲۰
سابقه چاپ ۰
شماره ۱۷۱

يك شورى

طرح استفساريه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب ۱۳۷۶

در اجرائي ماده (۱۴۱) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و براساس تقاضاي بیست و پنج نفر از نمایندگان محترم (ابوترابي - اخوان بیطرف - مروتی - رهبر - قربانی - بلوکیان - فیاض‌بخش - آلیا - خوش‌چهره - نجابت - ابوطالب - توسلی‌زاده - سعادت - نادران - علی عباسپور - ذوالانوار - سروري - کوچک‌زاده - کاتوزیان - امیدوار رضائی - مظفر - ریاض - افتخاری - امین‌زاده - رفعت بیات و چند امضا دیگر) در جلسه ۱۳۸۳/۴/۱۷ در دستور کار مجلس

قرار گرفت.

کمیسیون‌های ارجاعي، اصلي: قضائي و حقوقی
فرعي: ۰

اداره كل قوانين

باسمه‌تعالی

طرح استفساريه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب ۱۳۷۶

موضوع استفساريه

ماده واحده. آیا ملاك محاسبه مهریه به نرخ روز موضوع تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹، زمان صدور حکم است یا زمان تأدیة آن؟

نظر کمیسیون:

منظور از زمان تأدیه، زمان صدور حکم قطعی و لازم الاجرا^۱ است.

ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ ماده ۱۰۸۲. به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. ----- قانون الحاق يك تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ ماده واحده. يك تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می‌گردد: تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.
--

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۳/۶/۱۱

دوره هفتم - سال اول
چاپ ۳۶۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۳/۶/۱۱
سابقه چاپ ۱۹۰
شماره
شماره ثبت ۱۷۱

گزارش يك شوري

1. تاريخ «۱۳۱۴/۱/۱۷» صحيح است.

بجش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۳۳۹

شماره ۶۱ / ك ق
تاريخ ۱۳۸۳/۶/۸

گزارش کمیسیون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح استفساريه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون
مدني مصوب ۱۳۷۶ به شماره چاپ ۱۹۰ که جهت رسیدگی
به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلي ارجاع شده
بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۶/۸ با حضور کارشناسان
ذیربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر به
شرح زیر تفسیر و مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامي
ميگردد.

رئيس کمیسیون قضائي و حقوقي
سيدمحمدتقي محصل همداني

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح استفساريه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون
مدني مصوب ۱۳۷۶
موضوع استفساريه

ماده واحده. آيا ملاك محاسبه مهريه به نرخ روز
موضوع تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدني مصوب
۱۳۷۶/۴/۲۹، زمان صدور حکم است يا زمان تأديه
آن؟

نظر کمیسیون:

- منظور از زمان تأديه، زمان اجرائي حکم قطعي و
لازم الاجرا است.

شماره ۶۱ / ك ق، تاريخ ۱۳۸۳/۶/۸، شماره ۱۹۰ چاپ، جهت رسیدگی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلي ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۶/۸ با حضور کارشناسان ذیربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر به شرح زیر تفسیر و مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۷۵۶۵ مورخ
۱۳۸۴/۲/۳۰)

دوره هفتم. اجلاسیه اول

۱۳۸۴ - ۱۳۸۳

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز سه‌شنبه بیست و هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۴ (جلسه ۱۰۹)

۹. تصویب طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.
منشی (حاجی بابایی). دستور بعدی گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی در مورد طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ است. خبر محترم کمیسیون قضائی و حقوقی جناب آقای دکتر دهقان بفرمایید.

محمد دهقانی نقندر (خبر کمیسیون قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ به شماره چاپ (۱۹۰) که جهت رسیدگی به این کمیسیون به‌عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۶/۸ با حضور کارشناسان ذی ربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر به شرح زیر تفسیر و مورد تصویب قرار گرفت.
اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. سید محمد تقی محمدانی

همکاران محترم استحضار دارند که در سال ۱۳۷۶ تبصره ماده (۱۰۸۲) به اینگونه تصویب شده. این تبصره را من خدمت شما قرائت می‌کنم، بعد توضیح اینکه ان شاء الله عزیزان با دقت بیشتر رأی بدهند.

تبصره. چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد. مگر اینکه

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۴۱

زوجين در حين اجراي عقد به نحو ديگري تراضي کرده باشند.

در واقع اين تبصره كه در سال ۱۳۷۶ تصويب شد، معروف شد به پرداخت مهریه به قيمت روز كه اگر مهریه اي در (۵۰) سال، (۲۰) سال، (۱۰) سال پيش وجه رايج بوده، امروز به خاطر تحقق عدالت و به خاطر اينكه ظلمي به زوجه نشود، تصويب شد كه متناسب با افزايش تورم كه بانك مركزي اعلام مي‌كند، قيمت مهریه داده شود. منتها اشكالي كه بوجود آمده و منجر به اين شده كه نمايندگان محترم طرحي بدهند و قانون را استفسار كنند، اين بوده كه بعضي مواقع وقتي كه بين زن و شوهر اختلاف مي‌شود و موضوع به دادگاه كشیده مي‌شود، آيا زمان صدور حكم بايد ملك تأديه باشد يا زمان اجراي حكم بايد ملك تأديه باشد. استحضار داريد، به خاطر پيچيدگي روابط خانوادگي گاهي حكم صادر مي‌شود، اما به دلايل مختلف اجراي حكم به تأخير مي‌افتد. يا شوهر توان مالي پرداخت مهریه را ندارد يا ملاحظاتى هست و زوجه به خاطر اميد به برگشت به زندگي ممكن است كه در اجراي حكم سختگيري نكند يا هر دليل ديگر، بعضاً اجراي حكم ممكن است چند سال از زمان صدور حكم به تأخير بيفتد.

بنابراين طراحان محترم اين سؤال را داشتند كه آيا زمان صدور حكم بايد ملك پرداخت مهریه باشد يا زمان اجراي حكم؟ اين به كميسيون آمده و كميسيون هم به اينگونه تصويب کرده كه منظور از زمان تأديه، زمان اجراي حكم قطعي و لازم‌الاجرا است. بنابراين آنچه كه الان تصويب شده اين است، من خواهش مي‌كنم در اين مورد دوستان عنايت كنند و رأي بدهند كه حقوق زوجه‌هايي كه به هرحال حق آنها ضايع مي‌شود و نيازي به اخذ مهریه دارند و در واقع حق استحقاق دريافت مهریه دارند، حقوق اينها تضمين و تأمين شود و يك موضوع ديگر هم كه فكر مي‌كنم در اینجا براي ثبت در مشروح مذاكرات عرض كنم خوب است و آن اين است كه منظور از زمان تأديه، زمان اجراي حكم قطعي و لازم‌الاجرا است، اين بازگشت به سؤال مي‌كند. چون كه سؤال اين است

که آیا زمان صدور حکم است یا زمان اجرای حکم ما این جواب را دادیم. اما الزاماً نظر کمیسیون به این معنا نیست که هر موقع مهریه بخواهد پرداخت شود باید حکم قطعی و لازم‌الاجرا صادر شود. مهریه ممکن است به صورت توافقی پرداخت شود و هیچ نیازی به مراجعه به دادگاه نباشد. ممکن است مهریه از طریق اجرائیه دفاتر ازدواج و طلاق صادر شود و اصلاً نیازی به صدور حکم مراجعه به دادگاه نداشته باشد.

بنابراین چون که سؤال راجع به این است که آیا زمان اجرای حکم است یا زمان صدور حکم؟ کمیسیون نظر داده که زمان اجرای حکم است که حقوق خانها بیشتر تضمین شود. اما این نفی ماعدا نمی‌کند. بقیه مواردی که به صورت توافقی یا به صورت صدور اجرائیه دفاترخانه‌ها مهریه دریافت و پرداخت می‌شود، این حکم کمیسیون و حکم قانونی که ان‌شاءالله الان قانون می‌شود، ناظر به آن موارد نیست. خواهش من این است که عزیزان با یک رأی قاطعی ان‌شاءالله این را تصویب کنند که عدالت بیشتر

رعایت شود. والسلام

رئیس. مخالف را اعلام بفرمایید.

منشی (حی‌نیا). آقای دکتر! براساس آیین‌نامه یک نفر می‌تواند مخالف صحبت کند، آقای مقنن‌ان ثبت‌نام کرده‌اند. صحبت می‌فرمایید؟

رئیس. بفرمایید.

محمدعلی مقنن‌ان. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران دقت کنند! نظریه‌ای که کمیسیون محترم درارتباط با این استفساریه داده، بیشتر ابهامی را به وجود آورده تا روشن‌گری کند. منظور از استفساریه این است که روشن‌گری کند تا مجریان قانون، قانون را به صورت روشن بتوانند اجرا کنند.

ما وضعیت قضائی در کشور خودمان را می‌دانیم. اگر خانگی بخواهد درخواست مهریه خود (به خاطر مطالبه مهریه خود) از همسرش را تقدیم دادگاه کند،

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۴۳

با توجه به كثرت متقاضيان در مراجع ذيصلاح حداقل بعضاً دو سال طول مي‌كشد تا يك پرونده به سرانجام برسد. بنا بر اين ظرف دو سال دوندگي مي‌رسد به جايي كه وقت دادرسي تعيين شود و قاضي محترم اقدام به صدور رأي كند. خوب، دقيقاً قاضي هم در زماني كه اقدام به صدور رأي مي‌كند، بايد براساس نرخ روز (آنچه كه اين ماده اشاره دارد) محاسبه خودش را انجام دهد و مهریه را تعيين كند و در رأي قيد كند كه مبلغ مهریه اين خانم به نرخ روز اين قدر ريال است. اين بعد از تأييد نهايي در دادگاه تجديد نظر قابل وصول است. حالا بعد از اينكه اين مبلغ تعيين شد و براي اجرا^۱ به اجراي احكام رفت، احتمال دارد يكي، دو سالي نيز طول بكشد تا اين مبلغ وصول شود، شايد طرف فراري باشد، شايد نداشته باشد، شايد توافقاتي باز بين زوجين بعمل بيايد.

بنابراين همين باعث مي‌شود دو سال از صدور حكم مي‌گذرد. وقتي در اينجا عزيزان همكار ما در كميسيون آورده اند كه منظور از زمان تأديه زمان صدور حكم قطعي و لازم الاجرا است^۲، مشكل را به وجود مي‌آورد. اگر مي‌آوردند كه دقيقاً زمان صدور حكم قطعي مورد نظر است، فكر مي‌كنم مشكل حل مي‌شد. چون زمان صدور قطعي حكم، همان روز مبلغ را تعيين کرده و براي وصول به اجراي احكام فرستاده. اما اين استفساريه نشان مي‌دهد، يعني زماني كه مي‌خواهند حكم را اجرا^۱ كنند. اگر دو سال از زمان صدور حكم براي اجرا^۱ فاصله بيفتد، اين فاصله را چه كسي بايد محاسبه كند و مازاد آن را از آن بدهكار يا شوهر مطالبه كند؟ بنا بر اين به اعتقاد من بايد زمان صدور حكم قطعي و لازم الاجرا^۱ بودن را

۱. تصميم كميسيون مذکور عبارت است از: منظور از زمان تأديه، زمان اجراي حكم قطعي و لازم الاجرا است.

همان دقیقاً ... زمان تأدیه را از زمان صدور حکم تعیین کنند، نه از زمان اجرا. والسلام

رئیس. خیلی متشکر، موافق را دعوت بفرمایید.
منشی (عینیا). موافق سرکار خانم فیاض بخش هستند، بفرمایید.

نقیسه فیاض بخش. بسم الله الرحمن الرحيم
من در ابتدا تشکر می‌کنم از جناب آقای ندیمی که لطف فرمودند و وقتشان را در اختیار من گذاشتند. خدمت همکاران عزیز عرض کنم در سال ۷۶ مجلس پنجم یک مصوبه‌ای داشت که حقیقتاً گام بلندی در جهت احقاق حقوق زنان بود. حتی شاید خاطر عزیزان باشد، رادیوهای بیگانه که همیشه در کم‌لطفی به مجلس کوتاهی می‌کنند، ولی این مصوبه مجلس به قدری تأثیرگذار بود که خودشان به سخی اقرار کردند که امروز مجلس گام بلندی در جهت احقاق حقوق زنان برداشت. آن موقع کمیسیون قضائی از مقام معظم رهبری، مراجع عظام استفتا کرده بود و بحمدالله با نظر مثبت مراجع این مصوبه را تصویب کرد.

این مصوبه بدین صورت بود که اگر مهریه خانها به وجه رایج زمان خودشان باشد و با گذشت زمان در اثر تورم، ارزش آن کاسته شود چه باید کرد؟ مثلاً کسی که (۲۰) سال پیش، مهریه اش (۵۰) یا (۷۰) هزار تومان بوده و علی‌رغم گذشت (۲۰) سال آیا باید همان مبلغ به او پرداخت شود، یا اینکه ارزش امروز اقتصادی آن مورد توجه قرار بگیرد. به هر صورت بحمدالله مجلس این را تصویب کرد و شورای نگهبان هم به محض اعلام وصول با رأی موافق آن را تصویب کرد و بدیهی هم بود که می‌بایست تصویب شود. مهریه یک پشتوانه‌ای برای زن است و بدیهی است که با گذشت زمان مثل سایر دیون نباید مشمول کاهش ارزش اقتصادی شود.

متأسفانه مشکلی که پس از تصویب این قانون،

۱. به جای عبارت «تصویب» عبارت «تأیید» صحیح است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۴۵

محاكم با آن مواجه بودند و گاه موجب اختلاف رويه قضائي در بين محاكم و يا دواير صدور اجرا بود، بدین صورت بود که برخی ملك مهریه و ملك احتساب آن را زمان صدور حکم در نظر می‌گرفتند و برخی آن را زمان اجرای حکم در نظر می‌گرفتند. همان‌طوری‌که مخالف محترم و جناب محیر هم توضیح دادند، گاهی دو، سه سال به دلائل مختلف، حتی اگر هیچ دلیل خاصی هم نباشد، بوروکراسی موجود در محاکم به طور عادی حتی‌الامکان کمتر از یک سال و یک سال و نیم ... به طور عادی آن دو سال نیست. خوب، طبیعی است الان ما اگر نرخ تورم را هم (۱۵) درصد در نظر بگیریم، دو سال می‌شود (۳۰) درصد، سه سال می‌شود (۴۵) درصد، بیشتر بشود، قطعاً بیشتر. اگر به این صورت اجرا شود قطعاً خانم‌ها و آن کسی که متقاضی

مهریه‌اش بوده متضرر خواهد شد و اصلاً فلسفه اجرایی این قانون از دست می‌رود.

بنابراین یک استفساریه‌ای از کمیسیون محترم قضائی شده بود که آیا ملك محاسبه مهریه، زمان صدور حکم است، یا زمان اجرای حکم؟ بجمده الله کمیسیون نظر بسیار خوبی ارائه فرمود، به این صورت که زمان اجرای حکم قطعی و لازم‌الاجرا است. بنابراین هیچ تردیدی نیست و با توجه به وضعیت موجود محاکم و بوروکراسی و سیر اطاله دادرسی که تقریباً در اکثر پرونده‌ها موجود است، خواهشمندم که نمایندگان محترم به مصوبه کمیسیون قضائی رأی بدهند.

من تأکید می‌کنم، امروز اولین مصوبه مجلس هفتم در ارتباط با مشکلات زنان است و حقیقتاً این مشکلی است که خانم‌هایی که تقاضای مهریه خود را دارند و این ازدواج‌ها، ازدواج‌های قدیم هم هست، مستحضر هستید در چند سال اخیر دیگر کسی به وجه رایج مهریه‌اش را در نظر نمی‌گیرد و واقعاً مورد ظلم واقع شدند، تقاضای مهریه کردند، چند سال طول کشیده، بین محاکم اختلاف رويه است و واقعاً باید یک حکمی عادلانه و منصفانه در این صورت به منظور ایجاد هماهنگی بین تمام آرا محاکم صادر شود. من خواهشمندم

نمایندگان محترم با رأی قاطع به این مصوبه کمیسیون قضائی رأی مثبت بدهند، تشکر می‌کنم.
رئیس. آقای محینیا! مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.
منشی (محینیا). یک نفر بیشتر نباید صحبت کند، تمام شد.

رئیس. بله، تمام شد. متن استفساریه را قرائت بفرمایید. (سیدمرتضی موسوی - من مخالف هستم) آقای موسوی تذکر دارید یا می‌خواهید مخالف صحبت کنید؟ (موسوی - من می‌خواهم به عنوان مخالف صحبت کنم) جناب آقای موسوی! طبق آیین‌نامه یک مخالف و یک موافق بیشتر نمی‌تواند. (موسوی - چون شما دنبال مخالف می‌گشتید، گفتیم ما هم مخالف هستیم. دلایل ما هم ...). نه، من فکر کردم که حضرت عالی تذکر دارید، خیلی ببخشید، متشکرم. آقای حاجی‌بابایی متن را قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). متن استفساریه: طرح استفساریه تبصره ذیل ماده ...

رئیس. عده‌ای از نمایندگان در جای خود ننشسته‌اند، اجتماعات پراکنده‌ای در مجلس به چشم می‌خورد. خواهش می‌کنم برای رأی دادن دوستان بفرمایند در صندلی‌های خودشان قرار بگیرند، چون می‌خواهیم رأی‌گیری کنیم. آقای حاجی‌بابایی متن استفساریه را قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶.

موضوع استفساریه

ماده واحده. آیا ملاک محاسبه مهریه به نرخ روز، موضوع تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹، زمان صدور حکم است، یا زمان تأدیه آن؟

نظر کمیسیون. منظور از زمان تأدیه، زمان اجرای حکم قطعی و لازم‌الاجرا است.

رئیس. خیلی متشکر. برای این استفساریه‌ای که قرائت شد، رأی‌گیری می‌کنیم. دستگاه‌ها روشن است، دوستان در جای خودشان قرار بگیرند. اعلام رأی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۴۷

بفرمایید، اگر نمایندگان محترم همه در رأی‌گیری شرکت کردند پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنیم. حضار ۱۹۹ نفر، با (۱۳۱) رأی مثبت به تصویب رسید.

«.....»

.....

۱۷۱/۷۵۵۷۴

۱۳۸۴/۳/۹

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ که به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علی روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ مجلس مطرح و نظر تفسیری مجلس به شرح پیوست تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد.

غلامعلی حدادعادل
رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶
موضوع استفساریه

ماده واحده. آیا ملاك محاسبه مهریه به نرخ روز موضوع تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹، زمان صدور حکم است یا زمان تأدیه آن؟

نظر مجلس

- منظور از زمان تأدیه، زمان اجرای حکم قطعی و لازم‌الاجرا است.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علی روز سه شنبه مورخ بیست و هفتم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی

تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.

غلامعلی حدادعادل
رئیس مجلس شورای اسلامی

این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.
تاریخ چاپ ۱۳۸۵/۳/۱۰
شماره ثبت ۵۵۰

دوره هفتم - سال سوم
چاپ ۱۳۴۸
تاریخ چاپ ۱۳۸۵/۳/۱۰
شماره ثبت ۵۵۰

یک فوریتی

طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶)
قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن
یک فوریت این طرح در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۵/۳/۱۰ به تصویب رسید.

کمیسیون‌های ارجاعی:

- اصلی: قضائی و حقوقی
- فرعی: امنیت ملی و سیاست خارجی

۱. رویه در این مجموعه به این شکل بوده است که تغییرات صریح در قانون مدنی را شامل شود. مورد اخیر از مواردی است که بطور ضمنی با قانون مدنی ارتباط دارد. دلیل وجود این مصوبه در این مجموعه، به این خاطر است که متن طرح و گزارش بعدی آن، بندهایی از ماده (۹۷۶) قانون مدنی را به طور صریح اصلاح و تبصره‌ای به آن الحاق می‌نمود. ولی نهایتاً منجر به قانونی با عنوان فوق گردید. با ورود این مصوبه در این مجموعه، امید است در چاپ‌های بعدی، مصوبه جمع تشخیص مصلحت نظام در مورد اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ نیز لحاظ شود.

باسمه تعالي

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي

با توجه به اينكه در طول سالهاي گذشته شرايط خاص زماني و مهاجرت اتباع كشورهاي بيگانه به كشور، زمينه ازدواج مردان خارجي با زنان ايراني و تولد فرزندان در ايران را فراهم نموده است كه در حال حاضر اين فرزندان به لحاظ هويتي بلاكليف بوده و از لحاظ معيشتي خود و مادرانشان داراي مشكلاتي ميشوند و نظر به اينكه برخي ابهامات در ماده (۹۷۶) قانون مدني منجر به برداشتهاي متفاوت از آن گرديده است و از آنجا كه حل اين مشكل نبايد منجر به اختلال در نظم مواد قانون مدني در مورد تابعيت گردد لذا طرح زير با قيد يك فوريت تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

محمد دهقان - موسي قرباني - حاجي باباي -
نفيسه فياض بخش - لاله افتخاري - اخوان بيطرف -
حسين فدائي - سيدكاظم دلخوش - سيدقياد مرتضوي -
پرويز سروري - علي عسكري - عشرت شايق - فاطمه
رهر - هاجر تحريري نيك صفت - حميد بهرامي احمدي - حسين
سبحاني نيا - سيدفضل... موسوي - محمد حسين فرهنگي

طرح اصلاح بندهاي (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶)

قانون مدني و الحاق يك تبصره به آن

ماده واحده. بند هاي (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدني به شرح زير اصلاح و يك تبصره به عنوان تبصره (۲) به اين ماده الحاق ميشود:

۴. كساني كه در ايران از مادر ايراني و پدر خارجي متولد شده اند مشروط بر اينكه پدر آنان داراي پروانه اقامت معتبر بوده و ازدواج آنان بر طبق ماده (۱۰۶۰) اين قانون به ثبت رسيده باشد.

۵. افرادي كه در ايران از پدر و مادر خارجي متولد شده و تا پايان سن هجده سال تمام با پروانه اقامت معتبر در ايران مقيم بوده و بلافاصله پس از آن حداقل يك سال ديگر هم در ايران اقامت كرده باشند و قبل از رسيدن به سن ۲۰ سال تمام اقدام به اخذ شناسنامه نمايند و الا قبول شدن آنها به تابعيت

ایران بر طبق مقررات مربوط به تحصیل تابعیت است.
۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند مشروط بر اینکه از او صاحب فرزند شود یا دو سال از تاریخ ازدواج وی گذشته باشد.
تبصره. فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی و پدران خارجی که از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تا تاریخ تصویب این قانون در ایران متولد شده‌اند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام با اعلام رد تابعیت غیر ایرانی و تقاضای تابعیت، ایرانی محسوب می‌شوند.
افراد مذکور قبل از رسیدن به سن هجده سال نیز از کلیه امکانات معیشتی، آموزشی و تربیتی، بهداشتی و درمانی و بیمه خدمات درمانی برخوردار می‌باشند.

ماده ۹۷۶ قانون مدني
مصوب ۱۳۱۳/۱۱/۲۷

ماده ۹۷۶. اشخاص ذيل تبعه ايران محسوب ميشوند:

۱. كليه ساكنين ايران به استثناي اشخاصي كه تبعيت خارجي آنها مسلم باشد. تبعيت خارجي كساني مسلم است كه مدارك تابعيت آنها مورد اعتراض دولت ايران نباشد.

۲. كساني كه پدر آنها ايراني است اعم از اينكه در ايران يا در خارجه متولد شده باشند.

۳. كساني كه در ايران متولد شده و پدر و مادر آنان غير معلوم باشد.

۴. كساني كه در ايران از پدر و مادر خارجي كه يكي از آنها در ايران متولد شده به وجود آمده اند.

۵. كساني كه در ايران از پدري كه تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسيدن به سن هجده سال تمام لااقل يك سال ديگر در ايران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعيت ايران بر طبق مقرراتي خواهد بود كه مطابق قانون براي تحصيل تابعيت ايران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجي كه شوهر ايراني اختيار كند.

۷. هر تبعه خارجي كه تابعيت ايران را تحصيل کرده باشد.

تبصره. اطفال متولد از نمايندگان سياسي و قنسولي خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

ماده ۹۷۷ قانون مدني مصوب ۱۳۱۳/۱۱/۲۷

ماده ۹۷۸ قانون مدني مصوب ۱۳۱۳/۱۱/۲۷

ماده ۹۷۹ قانون مدني مصوب ۱۳۱۳/۱۱/۲۷

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۷۰ مورخ
۱۳۸۵/۴/۱۴)
دوره هفتم. اجلاسیه سوم
۱۳۸۶ - ۱۳۸۵
صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه دهم
خرداد ماه ۱۳۸۵
(جلسه ۲۲۶)

۱۱. اعلام وصول طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶)
ماده (۹۷۶) قانون مدنی
و الحاق یک تبصره به آن با قید یک فوریت و تصویب
فوریت آن

رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.
منشی (حاجی‌بابایی). درخواست یک فوریت برای طرح
اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون
مدنی و الحاق یک تبصره به آن شده است. یکی از
طراحان محترم صحبت بفرمایند.

رئیس. آقای دهقان بفرمایید.

محمد دهقانی‌نقندر. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران عزیز! یکی از مواردی که تا الان در این
(۲۰) ماه گذشته مجلس پیگیری می‌کرده و دنبال حل
مشکل بوده مسأله فرزندان متولد از مادران
ایرانی بوده. تعدادی از نمایندگان محترم در گذشته
طرحی داده بودند و همزمان لایحه‌ای هم از سوی دولت
به کمیسیون رسیده بود. کمیسیون به خاطر وجود
لایحه از تصویب طرح خودداری کرد و طرح در صحن علنی
مجلس رد شد. ما روی لایحه چندین جلسه هم نشسته و
کار کرده بودیم، لایحه مربوط به تابعیت. عزیزان
عنایت کنند بحث تابعیت فرزندان متولد از زنان
ایرانی است، من خواهش می‌کنم عنایت کنند.

در این مورد روی لایحه با کارشناسان مختلف از
وزارتخانه‌های خارجه، کشور، اطلاعات و مدیران
اتباع خارجی نیروی انتظامی نشستیم کار کردیم، کار
کارشناسی آماده شد، تا آن موقع لایحه هم در دستور
کار مجلس قرار گرفت، روزی که قرار بود کلیات لایحه
را مورد بحث قرار دهیم، دولت لایحه خودش را استرداد

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۳

کرد. ما به خاطر اينكه به هرحال اگر ميخواستيم آن طرحي را كه قبلاً پيگيري كرده بوديم ... روي لايحه هم كار كرده بوديم، كار كارشناسي پخته اي هم انجام شده بود، اگر ميخواستيم اين را به صورت عادي بدهيم، طبيعتاً ممكن بود يك سال، دو سال طول بكشد و اين موضوع به عمر اين مجلس دست ندهد و اين موضوع در مجلس هفتم نتواند حل شود.

لذا همانچه كه در كميته كارشناسي كميسيون قضائي و حقوقي روي آن كار كرده بوديم، خلاصه اي از آن را البته در اين طرح آورديم به صورت فوريي مطرح كرديم كه فوريت آن را عزيزان رأي بدهند و با توجه به اينكه كار كارشناسي خوبي هم روي اين انجام شده، انشاالله در كميسيون هم دوباره در بين اعضاي محترم كميسيون و با استفاده از نظرات ساير نمايندگان محترم بتوانيم اين طرح را پخته ترش هم كنيم و انشاالله زودتر اين مشكل حل شود.

آنچه كه در اين طرح آمده در واقع (۳) تا پيام دارد. اولين پيام آن اين است كه براي آينده در واقع با توجه به ابهامي كه تا الان در قانون داشتيم و از اين ابهام سوءاستفاده هايي هم شده، ما براي آينده جلو اين ابهام را گرفته ايم و افراد بيگانه اي كه بخوانند وارد كشور شوند، اينها قطعاً بايد با رعايت ماده (۱۰۶۰) قانون مدني يعني با اجازه دولت فقط حق دارند با زنان ايراني ازدواج كنند. لذا از تاريخ تصويب اين طرح (اگر تصويب شود)، ما براي آينده مشكلي را كاملاً شفاف و حل كرده ايم كه كسي نتواند در آينده سوءاستفاده كند.

نسبت به گذشته به هرحال ما با يك واقعيت موجود و با يك واقعيت عيني مواجه هستيم، براي آنها در تبصره (۲) كه پيشنهاد الحاق آن را به ماده (۷۶) داده ايم و طرح آن را مطرح كرده ايم، در آنجا ما درنظر گرفته ايم كساني كه از مادر ايراني متولد شده اند از همه امكانات معيشتي، تربيتي، آموزشي تا قبل از رسيدن به سن (۱۸) سال برخوردار شوند، اما اعطاي تابعيت به آنها معلق

می‌شود تا زمانی که اینها به سن (۱۸) سال برسند که درواقع خود آنها تشخیص بدهند بعد از سن رشد که آیا اینها می‌خواهند تابعیت پدر خارجی خودشان را بپذیرند یا تابعیت مادر ایرانی خودشان را

... .

ندیمی. تذکر دارم.

رئیس. آقای دهقان ببخشید! آقای ندیمی! راجع به همین موضوع است؟

ندیمی. خیر!

دهقانی‌نقندر. با توجه به اینکه فوریت این ... معمولاً طرح‌هایی که به صورت فوری می‌آید یکی به خاطر این است که مشکلی وجود دارد، یکی هم به خاطر این است که به هرحال کار برای نمایندگان روشن است. چون ما موضوع را قبلاً کارشناسی کرده ایم و نیازی به گذران وقت برای اعمال کارشناسی به اندازه زیاد نداریم، لذا ما فوریت این را از این جهت کاملاً موجه می‌دانیم، از جهت دیگر هم که به هر حال ما با یک مشکلی در کشور مواجه هستیم و الان تعدادی از افرادی که پدر و مادر آنها خارجی هستند، اینها هم به توقع اینکه بتوانند روزی ایرانی شوند در کشور مانده‌اند و کشور را ترک نمی‌کنند، درحالی که ما در این طرح به دنبال این هستیم که فرزندان متولد از مادران ایرانی (در گذشته) مشکل اینها به شکل کارشناسانه حل شود، اما فرزندان متولد از پدر و مادر خارجی (اینها) متوقع نباشند و پدر و مادرهای خارجی اینجا در واقع به امید اینکه روزی بشود مشکل آنان را حل کرد همچنان بلامتکلیف نباشند و اینها بروند خانه‌های خودشان و به کشور خودشان باز گردند، با توجه به اینکه مشکل کشور خودشان حل شده.

لذا برای تعیین تکلیف واقعاً این موضوع اولویت و فوریت دارد. خواهش می‌کنیم که دوستان به فوریت

۱. در متن فوق عبارت «از این جهت» جایگزین عبارت «از اینجهت» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۵

اين طرح رأي بدهند.
رئيس. تشكر مي‌كنم، اگر مخالفني براي فوريت هست، اعلام بفرماييد.
منشي (قرباني). مخالف اول آقاي بزرگيان هستند، مخالف دوم آقاي محمودرضا حسنونند و سوم هم آقاي سلیماني.

ندي. تذكر دارم.
رئيس. آقاي ندي! الان ما فقط تذكري مي‌پذيريم كه به اين دستور مربوط باشد، اگر به اين دستور مربوط نيست بگذاريد براي بعد.

منشي (قرباني). آقاي سلیماني بفرماييد.

حسن سلیماني. بسم الله الرحمن الرحيم
مطالبی كه جناب آقاي دهقاني براي فوريت امر بيان كردند رد و استرداد لايحه بود و انجام كار كارشناسي كه روي طرح انجام گرفته، اگر كار كارشناسي روي طرح انجام گرفته، در كميسيون مطرح است، انجام بگيرد، در كميسيون تصويب بشود، تقاضاي قسمت تبصره (۲) ماده (۱۰۲) با (۵۰) نفر بكنيم، خارج از نوبت رسيدگي كنيم، فوريت براي چه؟ اگر نه جهات بعدي بود كه بيان كرديد براي رفع ابهام و رسيدگي به يك واقعيت عيني يا درنظر گرفتن يك نياز كه الان مشكلاتي وجود دارد و نگفتيد اين مشكلات از چه وقتي ايجاد شده است و ابهام چيست! مي‌خواهيد ماده (۱۰۶۰) قانون مدني را حاكم كنيد؟ اينكه بوده و هست! مگر در زماني كه اين عزيزان اين اتفاق را داشتند و اين ازدواج را كردند ماده (۱۰۶۰) حاكم نبوده است؟ مگر الان شما مي‌خواهيد دولت را مكلف به دادن اجازه بكنيد؟ به جاي اينكه ما بررسي كنيم چرا ماده (۱۰۶۰) را نقض كردند و چرا اين اتفاقات افتاده و چرا با (۱۵)، (۲۰) سال رسيدگي نشده، ما مرتباً مي‌آييم قوانين و اوامري كه وجود دارد و نقض مي‌شود، به نقض كننده آن پاداش مي‌دهيم! مي‌گويم حالا نقض كرديد، بيا ما آن را قانوني كنيم! مثل كاري كه براي زمين‌هاي مستحدثه مي‌خواستيم انجام بدهيم. اينجا هم (۲۰) سال كار انجام گرفته، حق نداشته است ازدواج كند! برخلاف قانون ازدواج كرده، صاحب فرزند شده، دولت

دخالت نکرده، مسئولین مملکتی مربوط دخالت نکرده اند^۱، الان ما می‌خواهیم بگوییم آقا! نتیجه تعلل کار شما را مجلس باید با افزایش جمعیت تکافو و جبران کند، این چه فوریتی دارد، چرا این (۲۰) سال فوریت نداشته است؟! بنابراین مطلبی در فوریت نگفتند، در ضرورت نگفتند، در حل مشکل و ابهام هم چیزی وجود ندارد، اجازه بدهید طرح عادی آنجا رسیدگی بشود، ان شاء الله با (۵۰) نفر تقاضای اولویت

بکنیم مطلب حل می‌شود.

منشی (قربانی). موافق آقای گرامی‌مقدم ... آقای عباسی ... آقای ندیمی هستند.

رئیس. آن تذکرتان را هم ضمن همین صحبت بفرمایید.

ایرج ندیمی. بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر من که شما اشاره کردید آقای دکتر حداد عادل! اول تبریک عرض می‌کنیم، انتخاب مجدد جناب عالی و همه عزیزان را ... آیین‌نامه حاکم بر روابط شما و ما است، طرحی را که سلب یک فوریت بود، جناب آقای دخوش، بنده، آقای حق‌شناس، آقای ثروتی و دیگران تهیه کردیم. آقای دخوش به آقای حاجی‌بابایی مطرح کرد که آقا! من می‌خواهم صحبت کنم، بنده هم به عنوان اینکه این بحث اهمیت دارد، در موافقت می‌خواستیم که این بحث مطرح بشود، خوشحالیم که این بحث مطرح شد و رأی آورد. اما واقعاً هیأت‌رئیس محترم باید توجه داشته باشند، طرح صاحب دارد، صاحب آن اعلام موجودیت کرد. ما حق نداریم تحت عناوین رأی یا دوستی یا هر عنوان دیگری این امر را به دیگری واگذار کنیم. بنابراین من به جهت آیین‌نامه این را عرض کردم.

اما در مورد موافقت، دوستان ببینید! این یک بار مطرح شد، آنجا شما قول دادید یا قول گرفته شد که این بحث تحت عنوان لایحه مطرح بشود، یعنی آنکه بالاخره تکلیف این جماعت و جمع معلوم بشود که آیا

۱. در متن فوق عبارت «نکرده اند» جایگزین عبارت «نکردند» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۵۷

از نظر هویت، از نظر شناسنامه، از نظر مسایل دیگر ما چگونه با اینها رفتار کنیم؟ طبیعی است که اولاً به جهت آن قولي که پیشتر دادیم، از باب «والموفون بعهدهم اذا عاهدوا» ثانیاً به لحاظ اهمیت

این موضوع، البته موافقان و مخالفان میتوانند در مباحث بعدی مطرح کنند، خوب بعضیها معتقدند که جمعیت زیاد میشود، بعضی دیگر نظر دیگری دارند و لی برای ما مهم این است که در ایران هیچکس بی شناسنامه نگردد، هیچکس بی هویت نباشد. مفاسد و مسایل و بزهکاری و مانند آن امکان پیدا نکند.

بنابراین من از باب اینکه دوستان کاملاً با توجه به بحثهایی که در گذشته تحت عنوان طرح داشتیم، استحضار دارند و میدانند موضوع چیست، خواهش میکنم به این فوریت رأی بدهید، چرا که به هر صورت تعیین تکلیف جمعی که در ایران زندگی میکنند، اما از جهت شرایط هویت و مانند آن قابل شناسایی نیستند یا از جهت امکان بروز خطا آنها

زمینه بیشتری دارند، حداقل آن، این است که جامعه آنها را به تحویل و رسمیت نمیگیرد، تعیین تکلیف بشود. بنابراین من به لحاظ اهمیت این موضوع خواهش میکنم به آن رأی بدهید.

رئیس. آقای حاجیبابایی برای رأیگیری قرائت بفرمایید. حضار را به من اعلام کنید.

منشی (حاجیبابایی). يك فوریت طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدني و الحاق يك تبصره به آن مطرح است.

رئیس. حضار ۲۱۴ نفر، نمایندگان محترم اعلام رأی بفرمایید. پایان رأیگیری را اعلام میکنم، با (۱۲۵) رأی تصویب شد.

مجلس شورای ملی، روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۹۴ مورخ

۱۳۸۵/۵/۱۱

دوره هفتم. اجلاسیه سوم

۱۳۸۵ - ۱۳۸۶

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه
بیست و یکم تیرماه ۱۳۸۵
(جلسه ۲۳۸)

۸. رد تقاضای بررسی طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و
(۶) ماده (۹۷۶)

قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن طبق اصل (۸۵)
قانون اساسی

رئیس. دستور بعدی را مطرح فرمایید.

منشی (حاجی بابایی). دستور بعد هم در رابطه با
طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶)
قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن است. اگر کسی
به عنوان پیشنهاد صحبت نمی کند مخالف صحبت کند،
مخالف را دعوت فرمایید.

منشی (محمدصادقی). مخالف جناب آقای سیدجلال حسینی
هستند، بفرمایید.

سیدجلال حسینی. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران عنایت داشته باشند! هشتاد و پنجمی کردن
اصلاح قانون تابعیت از آنجایی که بحث بسیار مهم و
مبسوطی را می طلبد و عواید، عواقب و پیامدهای
بسیار منفی را برای کشور به لحاظ تشدید مهاجرت
در صورت تصویب به کشور و نقض مفاد ماده (۹۸۲)
قانون مدنی که اتباع خارجی در صورت حتی تحصیل
تابعیت نمی توانند پست های کلیدی، سیاسی، امنیتی،
اجتماعی و انتظامی در کشور را به عهده بگیرند در
صورت تصویب، ناقض این موارد خواهد بود و از
لحاظ اینکه اگر بحث، بحث ضرورت است چون فوریت این

طرح در مجلس به تصویب رسیده پس در وقت کارشناسی خودش به شیوه عادی که می‌تواند در اولویت برنامه کاری کمیسیون ذی‌ربط قرار بگیرد، پس نگرانی اطاله شدن رسیدگی مراحل تصویب این طرح منتفی می‌شود و نیازی به هشتاد و پنج شدن این طرح حال به نظر نمی‌رسد.

چون از طرفی هم قانون تابعیت تغییراتی می‌خواهد در آن ایجاد بشود، بحث بسیار مهمی است و نیاز به اخذ کارشناسی دولت و وزارت امور خارجه هم هست که همه ابعاد آن را در نظر بگیرند و از طرفی هم نمی‌شود قانون تابعیت را چون قانون مهمی است به صورت آزمایشی و بلا تکلیفی اتباع خارجه، چه آنهایی که می‌خواهند تحصیل تابعیت بگیرند، چه آنهایی که به هرحال تابعیت گرفته‌اند و مواردی که اشاره شده می‌شود حدوداً از (۲۵۰) تا (۱) میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه بکند، نیاز به کار کارشناسی می‌سوطی است، اجازه بدهیم با توجه به اینکه فوریت آن به تصویب رسیده و موضوع هم موضوع مهمی است، تغییر در قانون تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران است، تقاضای من از همکاران این است که به هشتاد و پنج شدن این طرح رأی ندهند. والسلام

منشی (محمدصادقی). موافق جناب آقای ندیمی هستند (ندیمی - صحبت نمی‌کنم) صحبت نمی‌کنید! آقای عباسی (عباسی - صحبت نمی‌کنم) شما هم صحبت نمی‌کنید! آقای شافعی؟ آقای کلهر؟ آقای رسولی‌نژاد؟ آقای پاپی؟ آقای یوسفیان؟ آقای مرحبا شما صحبت می‌کنید؟ بفرمایید.

شاپور مرحبا. بسم الله الرحمن الرحيم همکاران محترم مسبق هستند که ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی موجب این شده است که فرزندان از اینها بی‌هویت و بلا تکلیف باشند. ما می‌پذیریم عده‌ای خواسته یا ناخواسته با این مشکلات روبرو هستند و خود دولت و مجلس باید این مشکلات را حل کند و در واقع به این صورت رها کردن هم به ضرر نظام ما است و هم اینکه این عده تکلیف خودشان را باید بدانند و مشکلات اینها باید حل شود.

ما يك مطلب داریم، مطلب این است که آیا ما بیاییم بدون کارشناسی، بدون اینکه در کمیسیون بررسی شود، بیاییم (۳۰۰) هزار نفر را بدون مطالعه به کشور و به جمعیت خودمان اضافه کنیم و به اینها تابعیت بدهیم که در واقع ما باید برای این افراد اقامت صادر کنیم، نه تابعیت که صدور این تابعیت هم بار مالی برای کشور ما دارد، هم امنیتی دارد، هم به تعداد جمعیت خودمان اضافه می‌کنیم، هم احتمال ورود آینده اینها به دستگاههای دولتی ما خواهد بود. بنابراین این نیاز به بررسی بیشتر است. ما می‌خواهیم به يك عده‌ای نزدیک به حدوداً (۳۰۰) هزار نفر تابعیت بدهیم. این نیاز به بررسی بیشتری است و ما می‌خواهیم قانونی را تصویب کنیم، باید مطالعه کنیم، آینده آن را بررسی کنیم، نقطه نظرات کارشناسی را بگیریم. علی‌هذا اگر چنانچه در کمیسیون تمام جوانب این با نظر وزارت امور خارجه، کارشناسان و همکاران محترم بررسی بیشتری شود که ما به اینها اقامت بدهیم بهتر از تابعیت است، به نظر من اگر این به کمیسیون برگردد خیلی بهتر است.

منشی (عمدصادقی). مخالف آقای دکتر دهقان هستند، بفرمایید.

محمد دهقانی‌نقندر. بسم الله الرحمن الرحيم

من خواهش می‌کنم دوستان توجه کنند، ماهیت این طرحی که ارائه شده و فوریت آن هم در مجلس به تصویب رسیده خیلی مهم است. ماهیت، ماهیت تابعیت است. تابعیت يك امر حاکمیتی است که در احوال شخصیه انسان‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. تابعیت را نمی‌شود به صورت آزمایشی نسبت به آن قانون وضع کرد. تکلیف دائمی افراد را نمی‌شود به صورت آزمایشی بگوییم (۵) سال، (۴) سال بیایید شما در این مورد قاعده وضع کنید. لذا ضمن آن مواردی که قبلاً گفتم، به خاطر اینکه وقت مجلس گرفته نشود که اصلاً بحث ضروری بود، بحث مواردی که در قانون اساسی بر آن تأکید شده، بحث آزمایشی بودن، بحث اینکه اصلاً ما فوریت این را تصویب کردیم، اینکه فوریت آن تصویب شده، در کمیسیون هم در کمیته تمام شده،

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۶۱

يكشنبه هفته آينده هم در دستور جلسه كميسيون است كه ان شاء الله در كميسيون هم تصويب مي‌شود، حالا ما بياييم الان يك وقت بگذاريم و يك وقت دوباره برويم در كميسيون، بعد باز يك زماني بياييم در مجلس و روي آزمائشي بودن آن حرف بزنيم، ضمن اينكه يك موضوعي را كه عزيزان حتماً بايد به آن توجه كنند اين است هر موضوعي را كه شما به عنوان اصل (۸۵) پذيرفتيد، يعني دست كميسيون در سلب موضوع ديگر بسته است. از مفهوم قانون اساسي و از قانون آئيننامه داخلي مجلس اينطور برمي آيد كه شما كليات يك امري را پذيرفته ايد حالا مي‌خواهيد به كميسيون بفرستيد كه چگونه آن را تنظيم كند درحالي كه ممكن است واقعاً اراده شما هم الان اين نباشد.

بنابراين من خواهش مي‌كنم كه به اين هم بعنوان اصل (۸۵) راي ندهيد، فوريت اين تصويب شده، يكشنبه در دستور كار كميسيون است و بعد هم ظرف مدت خود كه خارج از نوبت بود بايد بيايد، تكليف مردم مشخص بشود، نه به صورت آزمائشي. لذا من خواهش مي‌كنم عزيزان، هم به خاطر وضعيت شكلي، هم به خاطر وضعيت ماهوي اين طرح به اصل هشتاد و پنجي شدن اين راي ندهند.

منشي (محمدصادقي). موافق آقاي ميرميرادزهي هستند، بفرماييد.

هدايت الله ميرميرادزهي. بسم الله الرحمن الرحيم عزيزان توجه داشته باشند، شما ببينيد در استان هاي مرزي تعدادي از زن ها هستند كه مردهاي خارجي با ويزا به استان هاي مرزي داخل كشورمان مراجعه کرده اند و زن هاي ايراني را به صورت رسمي

رئيس. آقاي ميرميرادزهي! يك لحظه تأمل بفرماييد، كسي از مجلس خارج نشود، چون عده اي از نمايندگان به مناسبت سفر رئيس جمهور به آذربايجان تشريف برده اند و بعضي ها هم در مأموريتهاي ديگر هستند، نصاب ما شكنده است. از نمايندگان خواهش مي‌كنم در مجلس تشريف داشته باشند. آقاي ميرميرادزهي ادامه بدهيد.

میرمراذ زهی. خدمت همکاران عزیز عرض کردم، مردمانی هستند در استان‌های مرزی که در استان‌ها مراجعه کرده‌اند و تابعیت را گرفته‌اند. الان هم از این استان‌ها به صورت رسمی ازدواج کرده‌اند و حاصل ازدواج آنها تعدادی از بچه‌ها هستند که خودشان را ایرانی حساب می‌کنند، مادرشان ایرانی است، پدرشان ایرانی است و شوراها تأمین آن منطقه آنها را می‌شناسند، اما به نمایندگانی مراجعه کرده‌اند و به آنها گفته‌اند که تکلیف ما باید روشن شود. در گذشته طبق فرمایشات آقای دکتر دهقان، کلیات مصوب شده، ما باید تکلیف این افراد را مشخص کنیم. به ما در تهران مراجعه می‌کنند، بچه‌های زیادی هستند که سنشان به سن مدرسه و حتی بالاتر رسیده ولی متأسفانه در مدارس و در فضاهای آموزشی از تحصیل و از امکانات ایرانی محروم هستند. انتظار من از همکاران عزیز این است که با توجه به وضعیتی که ما در کشور ایران داریم، آنچه که ما تابعیت را پذیرفتیم باید تکلیف دائمی آنها مشخص شود تا بچه‌های اینها بتوانند از امکانات ایرانی استفاده کنند.

منشی (حاجی‌بابایی). آقای رئیس! رأی‌گیری کنیم. طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن برای هشتاد و پنج شدن مطرح است.

رئیس. حضار ۱۹۴ نفر، دوستان اعلام رأی بفرمایید.

پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۱۳۶۳

□□□□□□□□ □□□□□□□□

شماره	دوره هفتم - سال سوم
شماره	چاپ ۱۴۶۱
	تاریخ چاپ ۱۳۸۵/۶/۱۱
	سابقه چاپ ۱۳۴۸
شماره ثبت ۵۵۰	

پیشنهادها در مورد طرح يك فوريتي اصلاح بندهاي
(۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدني
و الحاق يك تبصره به آن

- متن ذیل جایگزین بند (۴) گردد:

«از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج قانونی زن ایرانی با مرد خارجی یا زن و مرد خارجی که یکی از آنها در ایران به دنیا آمده متولد شوند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام در صورت ارائه تقاضا و رد تابعیت خارجی، ایرانی محسوب می‌شوند.»

محمد دهقان. نفسہ فاض بخش

- متن ذیل جایگزین تبصره ماده واحده گردد:

تبصره. فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد شده یا می‌شوند در صورت رسیدن به سن هجده سال تمام با اعلام رد تابعیت غیر ایرانی و ارائه تقاضا ایرانی محسوب و به آنها شناسنامه داده می‌شود.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت و اخذ شناسنامه نیز از کلیه امکانات اقامتی، معیشتی، آموزشی و درمانی برخوردار می‌باشند.

محمد دهقان. نفیسه فیاض بخش

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۶۵

جمهوري اسلامي ايران - مجلس شوراي اسلامي - وزارت عدليه - اداره حقوق

دوره هفتم - سال سوم ۱۴۷۳
تاريخ چاپ ۱۳۸۵/۶/۲۰ شماره چاپ
سابقه ۱۳۴۸ - ۱۴۶۱ شماره ثبت ۵۵۰

گزارش يك فوريتي

شماره ۲۲۵/ك ق
تاريخ ۱۳۸۵/۶/۱۳
گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح اصلاح بندهاي (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدني و الحاق يك تبصره به آن به شماره چاپ ۱۳۴۸ كه با قيد يك فوريت به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود در جلسات متعدد و با حضور كارشناسان ذي ربط مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر نهايتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۲ با اصلاحاتي در عنوان و متن به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت.
اينك گزارش آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

نائب رئيس كميسيون قضائي و حقوقي محمدحسين فرهنگي

ضمناً گزارش كميسيون فرعي امنيت ملي و سياست خارجي تا اين تاريخ واصل نگرديده است

طرح تعيين تكليف تابعيت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ايراني با مردان ايراني

ماده واحده. فرزندان حاصل از ازدواج زنان ايراني با مردان خارجي كه در ايران متولد شده يا حداكثر تا يك سال پس از تصويب اين قانون در ايران متولد ميشوند، ميتوانند بعد از رسيدن به سن هجده سال تمام تقاضاي تابعيت ايراني نمايند. اين افراد در صورت نداشتن سوابق پيشينه كيفري يا امنيتي و اعلام رد

تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تصویر ۱. چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد بایستی حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تیمبره ۲. از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته میشوند.

[illegible]

(مندرچ در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۴۳ مورخ

(۱۳۸۵/۷/۱۰)

دوره هفتم. اجلاسیه سوم

١٣٨٥ - ١٣٨٦

صورت مشروح مذاکرات جلسہ علنی روز یکشنبہ دوم

مهرماه ۱۳۸۵

(جلسہ ۲۵۵)

٧. تصويب طرح يك فوري تي تعين تڪليف تابعيت

فرزند ان حاصل

از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۶۷

نایب رئیس. جناب آقای حاجی بابایی دستور اول جلسه را مطرح بفرمایید.

منشی (حاجی بابایی). اولین دستور گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی در مورد طرح يك فوریتی اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و الحاق يك تبصره به آن است. محترم کمیسیون قضائی و حقوقی برادر سلیمانی بفرمایید.

نایب رئیس.... جناب آقای سلیمانی بفرمایید.
حسن سلیمانی (مخبر کمیسیون قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و الحاق يك تبصره به آن به شماره چاپ (۱۳۴۸) که با قيد يك فوریت به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد و با حضور کارشناسان ذی ربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر نهایتاً در جلسه مورخ ۸۵/۶/۱۲ با اصلاحاتی در عنوان و متن به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی میگردد.

نایب رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی. محمدحسین فرهنگي

(ضمناً گزارش کمیسیون فرعی «امنیت ملی و سیاست

خارجی» تا این تاریخ واصل نگردیده است).

در رابطه با اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی کلاً عنوان طرح به طرح تعیین تکلیف ... (جناب آقای باهنر! کسی گوش نمیدهد که من صحبت کنم؟) عنوان طرح به طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی تبدیل شد. یعنی اینکه ... (چه کسی گوش میدهد؟ برای چه بحث میکنم؟) زنانی از ایران با توجه به شرایط انقلاب با مردان خارجی ازدواج کرده اند و از این ازدواج فرزندان حاصل شده و این فرزندان ... (همهمه نمایندگان)

آقای باهنر! بگویید گوش کنند، کسی گوش نمی‌دهد. از همکاران عزیزم خواهش می‌کنم این بحث مهمی است ما حدود (۱۲۰) هزار نفر را می‌خواهیم وارد تابعیت ایران کنیم لااقل گوش بدهید من بحث کنم، اگر گوش نمی‌دهید من بروم بنشینم و حرف نزّم.

نایب رئیس. آقای سلیمانی شما چند لحظه تحمل بفرمایید! ... بفرمایید.

سلیمانی. همکاران عزیزم عنایت بفرمایند در طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این طرح که يك فوریت آن هم تصویب شده بعد از تصویب کلیات ان‌شاءالله وارد شور دوم در همین مجلس خواهیم شد اگر زنان ایرانی با مردان خارجی ازدواج کردند و تا تاریخ تصویب این قانون و يك سال بعد از تصویب این قانون فرزندانی از این ازدواج حاصل شده و یا می‌شود این فرزندان به تابعیت ایرانی پذیرفته شوند یعنی اعطای تابعیت ایران بشوند، به شرط اینکه سابقه کیفری مؤثر یا سابقه امنیتی نداشته باشند.

بنابراین تا تصویب این طرح فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با افغانه و یا سایر ملیت‌هایی که بنا به ضرورت جنگ و انقلاب وارد این مملکت شده‌اند و ازدواج کرده‌اند روشن خواهد شد و نیاز به طی تشریفات که الان در قانون مدنی برای اعطای تابعیت هست، نیست. علت اساسی این طرح این است، نه اینکه الان ما قانون نداشته باشیم یا قانون ما سکوت یا اجمال داشته باشد. تشریفات دارد که طی آن تشریفات و انجام آن تشریفات مانعیت اعطای تابعیت است. این طرح اعطای تابعیت را تسهیل می‌کند و اجازه می‌دهد افراد حاصل از این ازدواج با رعایت شرایط مذکور در این ماده و تبصره آن به تابعیت ایرانی پذیرفته بشوند.

بعد گفته شده که «وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه اقامت ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌کند».

بنابراین مأمور اجرای این قانون هم وزارت کشور

می‌شود، احراز ولادت می‌کند، اجازه ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی می‌دهد، ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یعنی اینکه زن ایرانی اگر بخواهد با تبعه خارجی ازدواج کند باید از دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه بگیرد تا آن ازدواج رسمیت داشته باشد والا حق ازدواج با تبعه خارجی ندارد و اگر ازدواج کرد ازدواج مورد پذیرش و مورد حمایت و صیانت نظام نیست. شرط حمایت و صیانت و رسمیت اعطای اجازه به زن ایرانی برای ازدواج با تابعیت خارجی است.

حالا می‌خواهیم آنهایی که ازدواج کرده‌اند و این شرایط را رعایت نکرده‌اند تنفیذ کنیم، بیاییم بگوییم آقا! آنهایی که انجام داده‌اید قبول کردیم، به رسمیت می‌شناسیم، بچه‌های حاصل از ازدواج را به رسمیت می‌شناسیم، با تقاضا و با شرایط مقرر این قانون بعد از رسیدن به سن (۱۸) سال اگر دوست دارند ایرانی بشوند به آنها تابعیت ایرانی می‌دهیم و برای بعد از این تاریخ هم و در تبصره (۲) که درحقیقت تعارضی با ماده (۹۷۹) از نظر اقامت بوده، در مقام حل بوده، گفته اگر کسی از این تاریخ به بعد هم می‌خواهد با زن ایرانی ازدواج کند الزام دارد ماده (۱۰۶۰) را رعایت کند، حتماً اجازه بگیرد، حتماً بعد از اینکه به سن (۱۸) سال رسید یعنی بالغ شرعی و قانونی شد و بعد توانست خودش را اداره کند و اهلیت استیفا پیدا کرد آن موقع با موافقت ماده (۹۷۹) یعنی آن پنج سال اقامت ضرورت ندارد او بیاید تقاضای تابعیت کند و ازدواج او هم رسمی شده باشد و به ثبت هم رسیده باشد برای این تاریخ به بعد.

یعنی در حقیقت در دو مرحله این طرح دارد حرف می‌زند، یکی از ازدواج‌هایی که از تاریخ قبل از انقلاب تا الان انجام گرفته و رعایت مقررات قانونی در ثبت و اجازه آن نبوده بچه‌ای حاصل شده آن بچه گرفتار است الان می‌خواهیم از تاریخ تصویب این طرف یک سال تعیین تکلیف کنیم و بعد نسبت به ازدواج‌هایی که از این تاریخ به بعد می‌خواهد انجام بگیرد و بچه‌هایی که از آنها حاصل می‌شوند الزاماتی

را مقرر می‌کند آن الزامات باید رعایت بشود تا اینکه بچه‌های حاصل از آن ازدواج‌ها بتوانند به عنوان ایرانی تقاضای تابعیت ایرانی بکنند. اگر دوستان و عزیزان محبت کنند به شور اول رأی بدهند با توجه به اینکه فوریت طرح قبلاً تصویب شده باید وارد شور دوم بشویم، خواهش می‌کنم که دوستان لطف کنند و با رأی بالایی به کلیات آن رأی بدهند که اگر ایرادات و پیشنهاداتی داشتند به عنوان شور دومی بلافاصله شروع می‌شود نظرات خدمت شما عرض می‌شود و ان شاء الله رفع ایرادات آن هم به عمل خواهد آمد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نایب رئیس. اولین مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (محمدصادقی). اولین مخالف آقای کامران هستند، بفرمایید.

حسن کامران دستجردی. بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت شما در رابطه با افغانه ... (بله، حاج خانم! خانم فیاض بخش می‌خواهید و قتم را به شما بدهم؟)

یک بحثی که راجع به افغانه است (به قول خانم فیاض بخش می‌فرمایند تابعیت) من هم عقیده شما هستم، منتها این واقعاً اگر رأی بیاورد اشکال ندارد آن را کمیسیون اصلاح کند.

در ایران بعضی از افغانه زن گرفته‌اند و در همه شهرها هم این هست و دارای اولاد شده‌اند. حالا اینها را می‌خواهید چکار کنید؟ حالا یک وقتی است که او می‌خواهد بیاید در ایران کار بکند و قاچاقی هم می‌آید، خلاف هم می‌آید خوب، جلو آن را بگیرد. این همه امکانات دست وزارت کشور، دست مبادی قانونی ذی ربط است، ولی ما آثاری هم ندیدیم، فقط همه آن مصاحبه است در این تاریخ ما اینها را بیرون می‌کنیم و می‌روند و بعد هم می‌بینیم «کالاول» یعنی شما

دیده‌اید در واحدهای تولیدی و در جاهای دیگر ... منتها این بحث مربوط به آنهایی است که در ایران زن گرفته‌اند. یعنی شما آمده‌اید با اختیار در مراسم، در عقدشان، در عروسی‌شان شرکت کرده‌اید، به هرحال در حمله به آنها کار داده‌اید و اینها مسلمان هم

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۱

هستند و گاهي هم مثلاً ميخواهد ثبتنام كند با مشكل مواجه ميشود.

ياد كنم از حضرت آيتالله طباطبايي-نژاد امام جمعه معززمان كه يك روز افتتاح حوزه در اصفهان براي خارجيها بود. ايشان حرف به حرفي فرمودند، گفتند حالا اگر يك نفری كه در اين اصفهان برادر ما است و در حوزه درس ميخواند و بچه هم دارد و اينجا هم ازدواج کرده خوب، چه گناهي دارد؟ به هرحال مگر ميشود ما اينها را ... يعني در شهري كه زندگي ميكنيم و ميگوئيم «كلکم راع و كلکم

مسئول عن رعيته» ما دو نگاه داشته باشيم. اين است حالا شما اسم را ميخواهيد تابعيت بگذاريد يا اين تابعيت را برداريد تا مشكل قانوني اينها حل بشود.

اين است كه من به اين دليل اينجا موافق هستم كه اين كار انجام بشود البته به عنوان تابعيت ... (نايب رئيس - جناب آقاي كامران شما مخالفيد يا موافق؟) عرض من بر اين است كه در تابعيت مخالف نيستم ... (نايب رئيس - شما از نوبت مخالفين استفاده كرديد حالا بالاخره مخالفيد يا موافق؟) بنده موافق هستم كه كار اينها حل شود ... حالا اگر مخالف هم اعلام كردند بنده درواقع ... (نايب رئيس - شما آقاي كامران معمولاً دقيقتر صحبت ميكرديد) نه، شايد هم من آنجا اشتباهي نوشته باشم، نميدانم ولي عرض من اين است كه اينها بايد سروسامان بگيرند.

نايب رئيس. بسيار خوب، آقاي محمدصادقي! اگر مخالفی وجود دارد اعلام بفرماييد.

منشي (محمدصادقي). آقاي كامران البته به امضاي خودشان اينجا نوشته اند.

كامران دستجردي. حالا شايد اشتباه شده باشد. منظور من اين است كه وضع اينها روشن بشود.

نايب رئيس. يك نوبت موافق را پاي شما حساب ميكنيم.

كامران دستجردي. اشكالي ندارد.

نايب رئيس. اگر مخالفی هست دعوت بفرماييد.

منشی (محمدصادقی). آقای اختی مخالف هستند.

نایب رئیس. آقای اختی بفرمایید.

عباسعلی اختی. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران گرامی، برادران و خواهران محترم عنایت بفرمایند! ما برای حل مشکل کسانی که از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده اند یک مشکل گسترده دیگری را فراهم نکنیم. عنایت داشته باشید که افرادی از منطقه شرق کشور ما با اهداف سیاسی و اهداف غیرمنقح اقدام می‌کنند و فرزندان زیادی را در این کشور به وجود می‌آورند.

توجه داشته باشیم که تابعیت دادن به کسانی که هیچگونه اشرافی بر خطشان، بر فکرشان، بر عقایدشان و بر رفتار و ارتباطشان با خارج از کشور نداریم چه پیامدهایی خواهد داشت؟ بدون تردید فرزندان تحت تأثیر افکار و عقاید پدران قرار می‌گیرند، گرچه مسلمان هستند و لکن در خیلی از چیزها مبانی حکومتی و مبانی عقیدتی ما را قبول ندارند اینها موجب می‌شود ما به قشر زیادی از افراد جامعه تابعیت بدهیم با اینکه خیلی از مبانی حکومتی ما را قبول ندارند.

خوب، این مسأله را کشورهای دیگر هم دارند چه ضرورتی دارد که ما تابعیت بدهیم و بعد بر اثر تابعیت یک سری از لوازم آن را هم تحمل کنیم؟ نمایندگان محترم عنایت بفرمایید ما که نمی‌توانیم همه مسائل را از تریبون مجلس بیان کنیم، اما به واقعیت‌ها توجه داشته باشیم.

نکته دیگری که من می‌خواهم عرض کنم این است شما به جای تابعیت بیایید به اینها مجوز اقامت بدهید. مگر بسیاری از کشورهای اروپایی در رابطه با مردم ایران و افرادی که از اینجا می‌روند همینطور رفتار نمی‌کنند؟ شما با تصویب این قانون به کسانی تابعیت می‌دهید که نمی‌دانید چه می‌کنند و چه حرکتهای سیاسی انجام می‌دهند. گاهی در موقع مخالفت با کلیات حتماً خیر محترم کمیسیون می‌فرمایند طبق معمول که شما به کلیات رأی بدهید جزئیات در شور دوم ملحوظ می‌شود، پیشنهادات مطرح می‌شود. با توجه به اینکه این طرح یک فوریتی است بعد از تصویب کلیات بلافاصله باید

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۳

به جزئیات هم عزیزان رأی بدهند و من فکر نمی‌کنم رأی دادن به چنین طرحی و تصویب تابعیت برای افرادی که در این ماده واحده نام برده شده به صلاح کشور و به صلاح نظام اسلامی و جامعه باشد. نباید برای رفع یک مشکل (۱۰) مشکل دیگر بعد از آن طبق قانون برای خودمان درست کنیم.

بنابراین من با کلیات این طرح مخالف هستم و از محضر محترم نمایندگان عزیز تقاضا می‌کنم عنایت کنند و با یک آینده‌نگری و دوراندیشی این طرح را مورد تصویب قرار ندهند. والسلام علیکم ورحمة الله

نایب رئیس. موافق را دعوت بفرمایید.

منشی (محمدصادقی). موافق آقای ندیمی هستند.

ندیمی. آقای دهقان صحبت می‌کنند.

نایب رئیس. آقای دهقان بفرمایید.

محمد دهقانی‌نقندر. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران عزیز به این موضوعی که مطرح و بحث بسیار مهمی است عنایت کنند. تابعیت از موارد حاکمیتی کشور است و معمولاً نباید به قواعد مربوط به تابعیت دست زد مگر در موارد ضروری و بویژه تابعیت جمهوری اسلامی ایران هم یک تابعیت طلایی است و با همه این موارد و با لحاظ همه ظرایفی که به ذهن دوستان می‌رسد که حاج آقا اختی هم فرمودند آن ظرایف را اشاره کردند و ما کاملاً آن ظرایف را قبول داریم و دقت کرده‌ایم، با همه آن ظرایف ما به این طرح رسیدیم. شش ماه است که در قالب یک طرح دیگری بود، در کمیسیون و در کمیته بحث کردیم. بعد از مدتی آن مطرح شد، بخاطر اینکه لایحه آمد، گفتیم لایحه را در دستور کار قرار می‌دهیم، لایحه استرداد شد دوباره طرح فوری‌تری نوشتیم، یعنی حداقل ما شش ماه روی این طرح کار کردیم. همه ظرایفی که به ذهن دوستان برسد توسط کارشناسان محترم وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت خارجه و نیروی انتظامی، تمام این ظرایف و مسائل و آن اشکالاتی که در ذهنشان است حتی نمی‌توانند دوستان بگویند همه اینها را در کمیته تخصصی بررسی کردیم و شما اگر دقت کنید این طرح یک نوسانات زیادی هم داشته، یعنی از یک

موضوعی که بالاخره تابعیت ذاتی را اعطا می‌کرد به تابعیت اکتسابی رسیده و با توجه به این، الان این طرح در دستور کار آمده و یک کار پخته همه‌جانبه روی آن انجام شده، این مقدمه بحث. متن بحث این است که به هر حال ما در این طرح دو مطلب داریم، یکی راجع به آینده که قانون ما دارای اشکالاتی است و بخاطر ابهاماتی که در قانون ما تا الان بوده در مورد فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی، برخی از دادگاهها به نوعی رأی دادند، برخی دادگاهها به نوع دیگری رأی دادند. در بند (۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی یک اختلاف نظر حقوقی است. یک موضوع هم راجع به گذشته است، راجع به گذشته به هرحال این کشور بخاطر اینکه کشورهای همسایه دارای بحران بودند تعدادی از مردان کشورهای همسایه در این کشور آمدند و به هر دلیلی با زنان ایرانی ازدواج کردند. تعدادی از آنها بچه‌هایی در این کشور متولد کردند، دارای بچه‌هایی هستند و بعضی از آنها فوت کردند، بعضی از آنها به کشورشان برگشتند، اما زنان ایرانی با بچه‌هایشان در ایران مانده‌اند و تا الان هیچ سرنوشت معلومی هم نداشتند. مردان رفتند یا فوت کردند یا اینکه اصلاً مردانشان هستند ولی بچه‌ها در داخل کشور فاقد هویت هستند، هر چند بعضی ممکن است بگویند اینها هویت خارجی دارند، بعضی‌ها ممکن است بگویند نه، چون که در ایران هستند از مادر ایرانی متولد شدند اینها دارای هویت ایرانی هستند. اما به هرحال وضعیت اینها از لحاظ قانونی باید روشن شود.

می‌دانید که بی‌هویتی در یک کشور و عدم تعلق به یک سرزمینی که فرد دارد در آن زندگی می‌کند، این بزرگترین خطر است. بیشترین بزهکاری و جرم‌زایی را باید از کسانی انتظار داشت که هویت ندارند. ما برای مصلحت جامعه و برای مصلحت افراد باید این مشکل را به یک نوعی ظریف و دقیق با همه ظرایف حل می‌کردیم و ما الان اینکار را کرده‌ایم. آمدیم در مورد گذشتگان، گفتیم کسانی که تا الان در ایران متولد شده‌اند، یعنی در واقع ما موضوع را دو بخش

کردیم، کسانی که تا الان در ایران متولد شده اند و به سن (۱۸) سال رسیده اند، بالاخره اینها هم متعلق به پدر خارجی هستند، هم متعلق به مادر ایرانی. ما گفتیم که اینها خودشان در (۱۸) سالگی یعنی به سن رشد که رسیدند تعیین تکلیف کنند، یا تابعیت پدرشان را اعلام رد کنند و بعد بیایند تقاضای تابعیت ایرانی بکنند و شرایط را اگر داشتند به تابعیت ایران پذیرفته شوند و قبل از آنکه به (۱۸) سال هم برسند از امکانات اقامت استفاده کنند، مجاز به اقامت در ایران باشند، یعنی کارت اقامت بگیرند و اگر کارت اقامت گرفتند طبیعتاً از امکانات آموزشی و اینگونه مسائل هم برخوردار باشند. کسانی در ایران زندگی کنند، مشکل آموزشی داشته باشند، مشکل معیشتی داشته باشند و هویت هم نداشته باشند، تجربه هم ثابت کرده که اینها به هیچ وجه به کشور پدر برنگردند. تا الان هم بیش از (۹۶)، (۹۷) درصد طبق آماری که کارشناسان محترم دادند اینها در داخل ایران مانده اند.

حتی بعضاً اگر اینها با شوهران و بچه هایشان به خارج رفتند، مدت بسیار کوتاهی اینها با هزار بدبختی باز به ایران برگشتند. یعنی اینها به هرحال در ایران هستند، در ایران متولد شدند، تا الان در ایران زندگی کرده اند و تا آخر هم در ایران زندگی می کنند و در ایران خواهند مرد. لذا باید تکلیف اینها به عنوان افرادی که در ایران زندگی کردند مشخص باشد. چطور ما اگر یک پدری که دو نسل گذشته رفته آمریکا، رفته اروپا زندگی کرده، بچه هایش اصلاً رنگ ایران را ندیدند، اصلاً شاید نتوانند ایرانی صحبت کنند، ما آنها را می گوییم شما ایرانی هستید. چون که پدر ایرانی بوده، سه نسل هم رفته در کشورهای خارجی زندگی کرده، تعلق خاطر آنچنانی به ایران ندارد. البته براساس قاعده خون، ما این را پذیرفتیم و قاعده درستی است هر چند که در بعضی از موارد در آن مورد قاعده خون ما افراط کرده ایم اما در عین حال این قاعده پذیرفته شده حقوق ما است و ما پذیرفتیم.

اما در اینجا قواعد حقوق مدنی ما این امکان را هم فراهم کرده که ما از قاعده خاک هم استفاده کنیم. کسانی که در ایران متولد شده‌اند و (۱۸) سال مانده‌اند^۱ و خواهند ماند اینها را هم می‌توانیم طبق قواعد حقوقی، تکلیفشان را روشن کنیم و مصلحت کشور هم همین را اقتضا می‌کند. مصلحت افراد، بالاخره ما مسلمان هستیم، ما نمی‌توانیم نسبت به افرادی که در این کشور متولد شده‌اند، دارای مشکل هستند و الان دارند زندگی می‌کنند، ما نسبت به اینها که نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم. تعدادشان هم زیاد نیست، ما حدود (۳۰) هزار ازدواج ثبت شده بعد از آنکه وزارت کشور اعلام کرد زنایی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند^۲ بیایند ما ازدواجشان را به ثبت برسانیم، (۳۰) هزار ازدواج ثبت شده داریم که در واقع دارای این شرایط هستند. طبق نظر کارشناسان محترم، حدود (۱۰۰) الی (۱۲۰) هزار نفر، طبق آنچه که شناسایی شدند، کسانی هستند که در واقع مشمول این متن می‌شوند که این (۱۲۰) هزار نفر به هرحال اگر از حالا به بعد تکلیفشان روشن شود و اگر ایرادی نداشته باشند، به تابعیت ایران پذیرفته شوند، هم مشکل آنها حل می‌شود، هم مشکل جامعه حل می‌شود.

نسبت به آینده من باید حتماً این موضوع را عرض کنم، ببینید نسبت به آینده عرض کردم بند (۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی ما دارای ابهام است. حتی در اول مجلس هفتم، دوستان وزارت اطلاعات یک لایحه استفساریه آوردند در مجلس، بخاطر اینکه کمیسیون آن استفسار را در راستای همین متن این طرحی که الان داده شده تصویب کرد، از طرف دولت استرداد شد، لایحه هم^۳ استرداد شد و از آن متن بند

۱. در متن فوق عبارت «مانده‌اند» جایگزین عبارت «مانند» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «کرده‌اند» جایگزین عبارت «کردند» گردید.
۳. در متن فوق عبارت «هم» جایگزین عبارت «همه» گردید.

(۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی، استنتاج‌ها و برداشت‌های مختلف می‌شود و بعضی‌ها می‌روند از دادگاه رأی می‌گیرند و شناسنامه می‌گیرند، بعضی‌ها نمی‌توانند، چون که در روستاها زندگی می‌کنند، مشکلات خاص دارند، اصلاً پول وکیل ندارند، اصلاً بلد نیستند، آنها همین طور مانده‌اند.^۱

لذا ما برای آینده هم اینجا وضع را شفاف کردیم. برای آینده گفتیم چه؟ این خیلی مهم است که همه ملت ایران باید این را بدانند، بویژه دختران ایرانی از حالا به بعد بدانند که این بسیار مهم است که اگر ان‌شاءالله مورد عنایت

نمایندگان محترم قرار بگیرد، از حالا به بعد این تصویب‌نامه^۲ و این قانون^۳ به این شکل می‌شود مردان خارجی که می‌خواهند با زنان ایرانی ازدواج کنند از حالا حتماً باید اول مجوز دولت را بگیرند، ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی باید رعایت شود. تا الان بدون مجوز ازدواج می‌کردند، بچه‌هایی را در کشور به‌جا می‌گذاشتند و می‌رفتند. از الان هم در واقع باید یک نوع فرهنگ‌سازی شود، هم قانون باید شفاف شود. قانون آمده گفته از حالا اگر یک مرد خارجی می‌خواهد با یک زن ایرانی ازدواج کند این متنی که ما اینجا در کمیسیون تصویب کردیم، اینها باید حتماً بروند از ابتدا، یعنی قبل از ازدواج مجوز دولت و مجوز ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی را بگیرند. اگر آن مجوز را گرفتند و بعد بچه (۱۸) سال در ایران زندگی کرد و بعد از (۱۸) سالگی تقاضای تابعیت ایرانی داشت، آنها دیگر به تابعیت ایران پذیرفته شوند. لذا نسبت به آینده هم وضعیت را کاملاً شفاف کردیم که این هرج و مرجی که متأسفانه

۱. در متن فوق عبارت «مانده‌اند» جایگزین عبارت «مانده» گردید.
۲. در متن فوق عبارت «تصویب‌نامه» اضافی است. منظور «طرح» است.
۳. «طرح».

الان در مورد تابعیت وجود دارد بخاطر آن ابهام قانونی، این هرج و مرج برطرف شود. نسبت به گذشته هم مصالح جامعه را دیدیم، مسائل امنیتی را دقت کردیم، ببینید! همه کارشناسان این چند وزارتخانه در کمیسیون بودند، دقت شده البته ممکن است بعضی پیشنهادات هم در شور دوم هست، به نظر من دوستان عنایت کنند، همه به کلیاتش رأی بدهند. اگر واقعاً موارد خاصی باشد، ایرادی وجود داشته باشد می‌توانند پیشنهاد حذف یا پیشنهاداتی که الان مکتوب داریم و چاپ شده است مطرح شود و این مشکل حل شود.

لذا من خواهش می‌کنم با توجه به اینکه حداقل شش ماه، حداقل من عرض می‌کنم، شش ماه روی این طرح کار کارشناسی شده، نه فقط مجلس بلکه کارشناسان مختلف چند وزارتخانه‌ای که عرض کردم و همچنین مرکز پژوهش‌ها و تقریباً یک طرح پخته دقیقی الان ارائه شده که من خواهش می‌کنم عزیزان دقت کنند ما بین گذشته و آینده تفکیک کردیم و برای هر کدام حکم خاصی قائل شدیم که ان شاء الله عنایت کنند

به کلیات این رأی بدهند تا شور دوم. والسلام
نایب رئیس. متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.
منشی (محمد صادقی). مخالف بعدی سرکار خانم بیات هستند، بفرمایید.

رفعت بیات. بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض خسته نباشید به همکاران گرامی، چون بحث بعد از (۱۸) سالگی در این متن آمده، هم در ماده واحد و هم در تبصره (۲) موجود در این بحث، همان طور که آقای دکتر دهقان گفتند تابعیت یک امر بسیار با اهمیت و حیاتی است و در عین حال من می‌خواهم این را عرض کنم که این بحث فعلی فقط منوط به یک کشور همسایه نیست، این مسأله بسیار کلی و به نظر می‌رسد کلان و دراز مدت است و در تاریخ یک کشور می‌تواند مؤثر باشد.

اما یک سؤال اینجا هست که من از همکاران گرامی کمیسیون سؤال می‌کنم، اینجا چرا به سن (۱۸) سالگی آوردیم؟ تا (۱۸) سالگی وضع چه می‌شود؟ یعنی همان می‌شود که الان در کشور حساسیت ایجاد شده،

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۷۹

لذا شايد من مخالف آن عبارت وجود سن (۱۸) سالگي در اين مورد هستم پيشنهاد مي كنم كه اين ماده واحده رأي نياورد، همان متن اصلي كه نوشته «مي توانند تابعيت ايراني اخذ كنند و اين افراد در صورت نداشتن» و شرايط اصلي كه در قانون مدني است. به همين دليل من مخالف هستم چون تا (۱۸) سالگي وضعيت فرزندان به دنيا آمده از مادر ايراني و پدر خارجي كاملاً نامشخص است. لذا من پيشنهاد مي كنم كه اين ماده واحده رأي نياورد كه برگرديم ان شاء الله به ماده اصلي رأي بدهيم. بخاطر اينكه موقعيت فعلي فرزندان به دنيا آمده از مادر ايراني و پدر خارجي همين خواهد بود كه الان هست، آينده هم همين گرفتاري را خواهيم داشت. تا (۱۸) سالگي وضعيت چه مي شود؟ اين (۱۸) سالگي كه ما آورديم يك مشكلات سياسي، فرهنگي، آموزشي و نوعي بي هويتي كه خود آقاي دكتر دهقان فرمودند ايجاد خواهد كرد كه الان هم هست. ما به دليل اينكه بي هويتي فرزندان به دنيا آمده از مادر ايراني و پدر خارجي را اذيت مي كند، داريم اين طرح را مي آوريم ولي دوباره كلمه اي آورديم (تا سن ۱۸ سالگي) كه هيچ مشكلي را حل نخواهد كرد. لذا ماده قبلي كه در قانون مدني هست بدون در نظر گرفتن سن، يعني فرزندي كه از مادر ايراني به دنيا آمده و پدر خارجي هست، ايراني فرض مي شود، تابعيت دارد مگر اينكه از (۱۸) سالگي به بعد خودش اين تابعيت را حذف كند، تابعيت خارجي را بگيرد. لذا ما در قانون داريم اگر اين رأي بدهيم متأسفانه همان گرفتاري فعلي را خواهيم داشت، تا (۱۸) سالگي فرزندان اين عزيزان بي تكليف خواهند بود. هرچند كارت زندگي و آموزشي و بيمه و اينها را هم داشته باشند.

نائب رئيس. موافق بعدي را دعوت كنيد.

منشي (محمد صادقي). جناب آقاي ميرتاج الديني

بفرمایید.

سیدمحمد رضا میرتاج‌الدینی - عزیزان عنایت کنند این قانون^۱ با توجه به اینکه یک فوریت آن هم در مجلس رأی آورده بود، بعد در کمیسیون، ابعاد گوناگون آن با حضور کارشناسانی^۲ از وزارت کشور و وزارت اطلاعات بحث شده و به این شکلی که الان مطرح است یکی از مسائل بسیار مهم است و موافقین و مخالفین هم بحث‌های مهمی را مطرح کردند، در هر دو طرف هم نکته‌های حساس و قابل توجهی وجود دارد یعنی اگر از یک جهت نگاه کنیم بین دو محذور قرار گرفته‌ایم، در بین‌المختورین هستیم. حالا باید نگاه کنیم ببینیم که مزایا و امتیاز کدامیک بیشتر است و به آن طرف رأی بدهیم و من با مقایسه مجموعه این بحث‌ها در گذشته هم بوده، امتیازهای جنبه موافقت را بیشتر می‌دانم حالا خدمتتان عرض می‌کنم. اولاً الان ما یک مشکلی را در جامعه داریم بسیاری از بچه‌هایی که از مادر ایرانی متولد شده‌اند و پدران آنها خارجی هستند، حالا پدرانشان هم در ایران اقامت دارند یا بعضی از آنها به خارج رفته‌اند^۳ ولی مادران و بچه‌ها در ایران مانده‌اند^۴. اینها در این آب و خاک و در این سرزمین و با این فرهنگ بزرگ شده‌اند و دوست دارند که در همین جا تابعیت بگیرند و هیچ تابعیت کشور دیگری را قبول نکنند. ما این معضل و مشکل را چکار کنیم؟ همین چند روز قبل دانشجویی به من مراجعه کرده بود، کلی هم نامه نوشته بود که من الان به سن تکلیف رسیده‌ام، گذشته‌ام، دانشگاه آمده‌ام ولی این تابعیت من را نمی‌پذیرند، همین شرایط را داشت، با چه مشکلاتی روبرو شده‌ام و

۱. «طرح».

۲. در متن فوق عبارت «کارشناسانی» جایگزین عبارت «کارشناسان»

گردید.

۳. در متن فوق عبارت «رفته‌اند» جایگزین عبارت «رفتند» گردید.

۴. در متن فوق عبارت «مانده‌اند» جایگزین عبارت «مانده» گردید.

دنبال اين بود كه اين قانون^۱ كه در مجلس مطرح شده است يك اميدي در اينها ايجاد کرده است بلكه مشكلش حل شود.

تابعيت ندادن به اين تعداد از كودكان و بچه هايي كه بزرگ شده اند، اولين مشكلش اين است كه اينها بدون هويت مي مانند. اينها شناسنامه ندارند چون در كشور ديگري هم نبوده اند^۲ كه تابعيت داشته باشند بلكه در ايران هستند، پدرشان تابعيت دارد ولي خودش در ايران است، مادرش در ايران تابعيت دارد ولي خود بچه هيچ چيز ندارد، بي هويت است. تعداد زيادي از بچه ها را كه حالا گفتند (۳۰) هزار نفر، مادر ايراني كه ازدواجشان اين چيني و ثبت شده است، تعداد فرزندان اينها را شا در نظر بگيريد. آيا قبول مي كنيم كه اينها در كشور بدون هويت بمانند؟

نكته دوم اين است كه در گذشته، بخصوص بعد از انقلاب اين قضيه خيلي روشن نبوده، قانوني هم نبوده و زنان ايراني با مردان خارجي ازدواج کرده اند، گناه اين بچه ها چيست؟ يك «عقاب بلا

بيان» ما برايشان صادر مي كنيم، بچه هايي كه با اين شرايط خاص در ايران بزرگ شده اند و در اين قانون هم دقيقاً مشخص کرده اند به سن (۱۸) سالگي برسند، خودشان با آگاهي بيابند تابعيت ايران را بپذيرند، بعد پيشينه كيفري هم نداشته باشد، تابعيت ديگر هم نداشته باشد، يعني كاملاً يك امر شفاف و مشخصي را در اين قانون^۳ تعيين کرده اند. اگر ما اين مقدار هم به اينها اين اجازه را ندهيم در واقع اين تعداد فرزندان را به امري محكوم کرده ايم كه خودشان به هيچ وجهي در تحقق آن

۱. «طرح».

۲. در متن فوق عبارت «نبوده اند» جايجزين عبارت «نبودند»

گردید.

۳. «طرح».

شرایط مؤثر نبوده اند. در واقع عقاب بلا بیان درباره آنها انجام شده است.

دوستان نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی نسبت به بعضی از کشورهای همسایه دارند که در آینده باز این قضیه ادامه داشته باشد و مشکلات بافت جمعیتی برای کشور ما و امثال اینها بیاورند. دقیقاً عزیزان در کمیسیون قضائی این مشکل را هم حل کرده‌اند، هم محترم کمیسیون این را توضیح دادند هم جناب آقای دهقان این را خوب توضیح دادند، ببینید! یک قضیه نسبت به گذشته است، یک موضوع نسبت به آینده است. نسبت به گذشته تا تصویب این قانون^۱ از این تاریخ قضیه را حل کرده‌اند که سن (۱۸) سالگی با آن شرایط برسند، نسبت به آینده دیگر این قانون^۲ به این شکل شامل نیست، نسبت به آینده هم از اول قضیه را مقید کرده‌اند. گفته‌اند^۳ زنان ایرانی، دختران ایرانی اگر بخواهند با مردان خارجی ازدواج کنند حتماً باید قبلاً در وزارت کشور بیایند اطلاع بدهند، مجوز آنها را بگیرند و وزارت کشور هم اگر مشکلاتی در این مسأله ایجاد شود و تغییر بافت جمعیتی و مواردی دیگر اینها را در آینده رعایت می‌کند، اجازه نمی‌دهد، راهنمایی می‌کند، تبیین می‌کند، آگاه می‌کند. بنابراین هم اینها مشکل گذشته را که برای (۳۰) هزار خانواده است این را حل کرده‌اند، ما نمی‌توانیم قضیه را همین طور رها کنیم و همینطور نگه بداریم، قانون این است که مشکل موجود را حل کند. اگر شما به این مسأله رأی ندادید در واقع این مشکل همچنان باقی خواهد ماند.

بنابراین مشکل گذشته حل شده، برای آینده هم پیش‌بینی‌های خوبی شده و تمهیدات خوبی آورده‌اند^۴ تا

۱. همان.

۲. همان.

۳. در متن فوق عبارت «گفته‌اند» جایگزین عبارت «گفتند» گردید.

۴. در متن فوق عبارت «آورده‌اند» جایگزین عبارت «آوردند» گردید.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۸۳

مشكلات جديدي ايجاد نشود. درخواست من اين است كه با توجه به شرطهايي هم كه در خود قانون^۱ آمده و در كميسيون قضائي بحث شده و وزارتخانه هاي ذي ربط، (وزارت كشور، وزارت اطلاعات) هم نظر خودشان را دادند، نظر موافق به اين طرح بدهند، ممنون هستم. **نايب رئيس.** خيلي ممنون، مخالف بعدي را دعوت بفرماييد.

منشي (محمدصادقي). مخالف جناب آقاي پايي هستند، بفرماييد.

نايب رئيس. آقاي پايي مخالف هستند، پس كفايت مذاكرات را بحث كنيد.

منشي (حاجي بابايي). آقاي زماني بفرماييد.

پايي. من مخالف هستم.

نايب رئيس. ببينيد! اگر دو مخالف، دو موافق صحبت كنند، ما مي توانيم كفايت مذاكرات را به رأي بگذاريم. دوستان فكر مي كردند ديگر مخالف ندارد، گفتند كفايت مذاكرات را به رأي مي گذاريم، الان اگر شما بخواهيد صحبت كنيد پس ما مجبوريم اول كفايت مذاكرات را به رأي بگذاريم، اگر رأي نياورد آنوقت شما صحبت كنيد. اگر هم صرفنظر كنيد كه ديگر منتفي مي شود. آقاي زماني پيشنهاده كفايت مذاكرات دارند، بفرماييد.

حسن زماني. بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض قبولي طاعات براي همه همكاران گرامي خودم. با توجه به توضيح مفصلي كه خير كميسيون دادند و دو نفر موافق و دو نفر مخالف كه در رابطه با موضوع كلي توضيحات لازم را دادند من فكر مي كنم مجلس آماده دادن رأي است و نياز به توضيح بيشتر نيست. من خواهي كه از همه همكارانم دارم اين است كه با رأي خود به كفايت مذاكرات اجازه بدهند مجلس روند بعدي كار خودش را داشته باشد. والسلام **نايب رئيس.** بسيار خوب، مخالف آقاي طلايينيك هستند، بفرماييد.

۱. «طرح».

رضا طلایی‌نیک. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران گرامی خواهش می‌کنم عنایت داشته باشند با این دو دلیلی که عرض می‌کنم فکر می‌کنم ابهامات زیادی در مورد این طرح وجود دارد و اجازه بدهیم حداقل یکی، دو نفر دیگر صحبت کنند و این ابهامات برای تصمیم‌گیری مشخص شود. این موضوعی است که سال‌ها است به دلیل همین ابهامات هنوز در قانونگذاری شفاف نشده و متأسفانه در این طرح هم یک زمینه‌ای دارد فراهم می‌شود که یک تصمیم کلی برای همه اتباع خارجی گرفته شود. فقط بحث اتباع افغانی نیست، یعنی اگر فقط اتباع افغانی بود و یک الگوی خاصی برای این اتباع در اینجا می‌آمد، باز قابل اغماض بود اما ما داریم اینجا یک حکمی ... به یک قانونگذاری می‌خواهیم دست بزنیم برای همه اتباع خارجی استفاده خواهد شد و این می‌تواند آثار و عوارض سنگین امنیتی، اجتماعی، حقوقی و حتی اقتصادی و سیاسی در پی داشته باشد. لذا با توجه به اینکه این ابهاماتی که در سخنان مخالفین محترم بود، در سخنان موافقین به صورت کامل پاسخ داده نشد و موکول به آینده شد و ابهام، شفاف‌سازی نشد.

از طرف دیگر ما در این قانون به مجوزی می‌خواهیم پردازیم که خود آن یک ابهامات جدیدی در پی دارد که در سخنان بعدی ممکن است اینها مطرح شود و یک قانونی است که بسیار می‌تواند آثار و عوارض دائمی داشته باشد، فقط مخصوص یک پدیده خاصی که الان در کشور ما در استان‌های همجوار ما هست، نیست. چون حکم جاری و کلی و ثابتي را برای همه اتباع خارجی در آینده می‌تواند در پی داشته باشد و عوارض زیادی در پی داشته باشد اجازه بدهید مخالفین و موافقین بعدی هم، حداقل یک یا دو نفر صحبت کنند، متشکرم.

نایب رئیس. متشکر، حضار ۲۰۶ نفر، پیشنهاد کفایت مذاکرات مطرح است، نمایندگان رأی خودشان را در رابطه با کفایت مذاکرات اعلام بفرمایند. عزیزان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت کنند. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنیم، تصویب شد. دولت موافق، کمیسیون خیلی کوتاه بفرمایید.

حسن سليماني (مدير كميسيون قضائي و حقوقي).

بسم الله الرحمن الرحيم
با تشكر از رأيي كه همكاران عزيزم درخصوص كفايت مذاكرات دادند، من چون دو بحث از طرف مخالفين محترم مطرح شد، يكي در رابطه با اينكه اين نه تنها مشكلي را حل نمي كند بلكه مشكلي به مشكلات اضافه مي كند، مي خواهم عرض كنم نه، ما هم مشكلات را مي شناسيم و هم اين ماده را واقعاً براي حل مشكلات آورديم، به اين دلایلي كه عرض مي كنم.

در اينجا مطلق اجازه داده نشده هر بچه اي كه از زن ايراني آن هم در ايران متولد مي شود به تابعيت ايران پذيرفته شود، بلكه با شرايطي اينجا داده شده. اول بايد رد تابعيت ايراني كند، سو

پيشينه كيفري يا امنيتي نداشته باشد. بنا بر اين مقامات ذي صلاحتي كه بايد اين مسائل را احراز و اعلام كنند، تشخيص مي دهند آن آدمي كه پدرش با هر شرايط و با هر نيتي در ايران ازدواج کرده است الان به عنوان يك فرزند در ايران مانده، از نظر امنيتي مصلحت هست كه تابعيت پذيرفته شود يا نه، بعداً اين تابعيت به او اعطا خواهد شد و از نظر سو

پيشينه كيفري هم به همين صورت. بنا بر اين شرايط مشخصي براي آن در متن ماده در نظر گرفته شده و گفتند كه رد تابعيت غرايراني، بايد تقاضاي رد كند و اصل هم تابعيت خارجي است، بعد از (۱۸) سال، سركار خانم بيات! به اين خاطر گفتيم كه (۱۸) سال اماره قانوني اهليت است. براي اينكه اهليت بايد داشته باشد، بايد صاحب صلاحيت شود، بايد بتواند اين حرف را بزند و اين (۱۸) سال اماره قانوني اين اهليت قانوني است كه اگر كمتر از (۱۸) سال باشد فرض قانونگذار همان باقي ماندن به تابعيت پدر هست و بر مبناي اين شرايطي كه عرض كردم مستحضريد كه دنيا بر مبناي تابعيت خون يا خاك يا مختلط عمل مي كند و اساس ما در اينجا تابعيت خون است، مي خواهيم تابعيت خاك را نسبت به اينها اعمال كنيم، با اين شرايط اعطاي تابعيت كنيم، نه ذاتاً ايراني باشند يا ذاتاً ايراني

شناخته شوند و از همه حقوق يك ایرانی و ایرانی بودن از آن حاصل می‌شود برخوردار باشند، مشمول محرومیت‌های اجتماعی ناشی از اکتساب تابعیت هم هستند. یعنی به مقامات، اینها نمی‌توانند دست پیدا کنند، رئیس‌جمهور نمی‌شوند، نماینده نمی‌شوند، انتخاباتی که باشد نمی‌توانند به عنوان منتخب مجلس یا شوراها شرکت کنند و سایر مقاماتی که در قانون مدنی احصا کردیم و گفتیم اینها جز محرومیت‌های

تابعیت اکتسابی است و همه دنیا همین محرومیت‌ها را دارد، بلکه از يك سري حقوق شهروندی برخوردار می‌شوند. در این فاصله بین تولد تا (۱۸) سال چه می‌شود، بلاتکلیفند؟ نه، بلاتکلیف نیستند. قسمت دوم ماده واحده است، گفتیم به آنها پروانه اقامت بدهند و این افراد هم مانعیت تحصیل ندارند، مجاز به اقامت در ایران هستند، بین پروانه اقامت و اجازه اقامت تا تابعیت فاصله است، آنها ایرانی می‌شوند و برخوردار از حقوق ایرانی، غیر از آن محرومیت‌هایی که تابعیت می‌دهد ولی اینها اقامت می‌گیرند، تحصیل می‌کنند، کوپن دارند، همه مسائلشان حل می‌شود و در اینجا آن تعیین تکلیف شده. پس تعیین تکلیف شده است، برای کسانی که زیر (۱۸) سال هستند تعیین تکلیف شده است، برای کسانی که بالای (۱۸) سال هستند، اگر نیستند به آن صورت حمایت شوند، آن هم برای کسانی که فقط در این فاصله و آن شرایط و با آن اضطرارها به نحوی متولد شده‌اند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نایب رئیس. حضار ۲۰۸ نفر، عزیزان دقت بفرمایند طرح بسیار مهمی است، خواهش می‌کنم همه عزیزان در رأی‌گیری شرکت کنند و رأی خودشان را اعمال بفرمایند. عنوان طرح را قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). کلیات طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مطرح است.

نایب رئیس. بسیار خوب، اصل طرح مطرح است، نمایندگان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت کنند.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۸۷

نمایندگان محترم خواهش می‌کنم همه در رأی‌گیری شرکت بفرمایند. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب شد. پیشنهادات را مطرح بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). خاتم بیات در سطر سوم، پیشنهاد حذف (۱۸) سال تمام را دارند، بفرمایید.

رفعت بیات. بسم الله الرحمن الرحيم

پرو عرایض قبلی که تقدیم حضور مجلس کردم عرض می‌کنم، بحث تابعیت یک مسأله بسیار بسیار مهم است و کسی که با شرایط تابع یک کشوری می‌شود، باید همه‌گونه شرایط زندگی را از زمان تولد تا زمانی که خودش می‌خواهد تابع آن کشور باشد داشته باشد، هیچ فرقی با دیگری که اساساً تابع ایرانی هستند نباید داشته باشد، مگر قانون برای او تفاوتی اعلام کرده باشد.

بحث این است همکاران گرامی که تا (۱۸) سالگی را آوردند پاسخ بدهند فرزندان به دنیا آمده از مادر ایرانی و پدر خارجی تا (۱۸) سالگی در کشور ایران باشند یا نباشند و تأکید این است که باشند، چه شرایط فرهنگی، آموزشی و حقوقی باید داشته باشند؟ این یک سؤال بسیار بسیار مهم قانونگذاری است و الان برای این یک پاسخ شفافی داشته باشیم که تا همین مشکلی که الان فرزندان از مادر ایرانی از پدر افغانی همین است که الان دارند، نمی‌دانند باید با آن چکار کنند، تا (۱۸) سالگی اگر اتفاقی برای آنها بیفتد، حالا مثبت یا منفی، یا بزهکاری یا مثبت یا فرض کنید مسائل دیگر، همین که فرزندان ما، همه چه نوع زندگی دارند، ما چه نوع زندگی داریم؟ مشکلاتی که برای آنها پیش می‌آید، مسائل آموزشی آنها، الان آقای تاج‌الدینی فرمودند که فرزندی از اینها کنکور قبول شده، نمی‌داند باید با آن چکار کند.

همکاران گرامی این عبارت تا (۱۸) سالگی وضعیت کشور ما را، وضعیت کسانی که فرزند ایرانی هستند و نمی‌دانند باید تا (۱۸) سالگی چکار کنند بدتر از وضع فعلی خواهد کرد. اینکه یک فرد در ایران باشد، ایران به دنیا بیاید، ایران زندگی کند، در ایران ببرد، اینها به نظر من یک مسائل فرعی

است. کسی که تابع ایران باشد، حالا در هواپیمایی فوت کند، عربستان و آمریکا و هر کجا که برود فوت کند، یعنی می‌گوییم چون بیرون فوت کرده شرایط تابعیت بر او حاکم نیست. اینها به نظر من یک مسائل فرعی است که دارد اضافه می‌شود. اصل قضیه این است: فرزندی که از مادر ایرانی (که در رگ او خون ایرانی است) و از پدر خارجی به دنیا آمده ... اصلاً به نظر من هر جای دنیا باشد، ما باید شرایط تابعیت مرد را، اقامت همسر خارجی را سخت کنیم، مثل کشورهای خارجی. مگر آمریکا وقتی که یک خانم آمریکایی با یک مرد ایرانی ازدواج می‌کند همین لحظه به او تابعیت می‌دهند، خیلی طولانی است. الان اقامت در کانادا ببینید با چه شرایطی ... (۱۰) سال بعد دوباره باید، دو سال دو سال چه‌ها ثابت شود، بزه نداشته باشند، کیفری نباشند و، و، و ...

ما قانون نیروی انتظامی، قانون تابعیت و ورود و خروج خود را محکم کنیم، اما این فرزند ایرانی که واقعاً ایرانی است و مادر او هم ایرانی است چه گناهی دارد که ما لب مرزهای خود، مسائل اطلاعات و ضد اطلاعات و همه اینها را تقویت نکنیم و بعد بگوییم فرد از (۱۸) سالگی به بعد باید تابع ایرانی باشد.

من خیلی وقت را نمی‌گیرم، از همکاران گرامی خواهش می‌کنم به حذف این عبارت رأی بدهید که قانون اینطوری شود: «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که از تاریخ ۵۸/۱/۱ تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد شده یا می‌شوند تابعیت ایرانی را خواهند داشت».

من پیشنهاد می‌کنم به سن (۱۸) سالگی حذف شود. همین پیشنهاد را برای تبصره ذیل (۶) دارم که در موقع خودش دفاع خواهم کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نایب رئیس. بسیار خوب، کسی مخالف صحبت می‌کند.

منشی (محمد صادقی). مخالف آقای میرتاج‌الدینی هستند.

نایب رئیس. آقای تاج‌الدینی صحبت می‌کنید؟ اگر

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۸۹

صرفنظر كنيد رأي گيري كنيم.

منشی (عمد سادقي). البته آقاي مهندس افراد ديگري هم هستند.

نايب رئيس. افراد ديگر هم ميخواهند صحبت كنند؟ اگر صرفنظر ميكنيد كه رأي گيري كنيم ديگر مسأله را ... بسيار خوب. كميسيون توضيح بدهيد، البته اگر آن جمله هم حذف شود، چند نكته اي كه گفتم بفرماييد.

حسن سليماني (مدير كميسيون قضائي و حقوقي).

بسم الله الرحمن الرحيم

ببينيد! بحث پيشنهاد حذفي كه سركار خانم بيات مطرح فرمودند بايد نسبت به مصوبه باشد، مصوبه اي كه الان مجلس رأي داد اين است كه من خدمت عزيزان ميخوانم: «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ايراني با مردان خارجي كه در ايران متولد شده يا حداكثر تا يك سال پس از تصويب اين قانون در ايران متولد ميشوند، ميتوانند بعد از رسيدن به سن (۱۸) سال تمام تقاضاي تابعيت ايراني نمايند». اگر

رسيدن به سن (۱۸) سال تمام را حذف كنيم با اين متن مصوبه كه خدمت شما قرائت كردم اين ميشود «ميتوانند تقاضاي تابعيت ايراني نمايند». اين

بچه هايي كه در بالا خوانده شد. يعني بچه يك ساله و دو ساله تقاضاي تابعيت كنند؟ مگر نبايد متقاضي، اهليت قانوني داشته باشد، يعني اگر ما سن را حذف كنيم اهليت حذف ميشود ديگر نمي ماند، پيشنهادي كه مطرح كردند، وقتي قرائت كردند نسبت به اصل طرح است، اصل طرح كه الان ديگر اينجا مطرح نيست. مصوبه كميسيون كه تغييرات كلي در متن، در عنوان بود، الان مطرح شد و رأي گيري شد و رأي آورد به عنوان گزارش مصوبه كميسيون در صحن. بنابراين هر تغييراتي و هر اصلاحي مگر جايزين ... و حالا جايزين اگر پيشنهاد داده نشد، حذف نسبت به اين مطلب بايد انجام بگيرد و اگر اين قسمت حذف شود جواب همان سؤال اولشان بود كه من در كليات عرض كردم، سني باقي نمي ماند و افراد بايد در سن قانوني داراي اهليت شوند، عمل

قانونی اهلیت هم (۱۸) سالگی است و کمتر از این اگر باشد هیچ قانونی به رسمیت نمی‌شناسد، حتی شرع ما. بالاخره باید اول به بلوغ برسد، یعنی بچه‌ای که به بلوغ نرسیده چه پسر و چه دختر می‌تواند استیفا کند؟ بنابراین از این جهت ما مخالف هستیم.

بیات. تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

نایب رئیس. بله، متشکر، مسأله روشن است. خانم بیات می‌خواهید تذکر آیین‌نامه‌ای بدهید؟ چه آیین‌نامه‌ای؟ بفرمایید.

رفعت بیات. آقای مهندس! همکار ما مطلبی که من گفتم طور دیگری به مجلس تفسیر کردند... **نایب رئیس.** شما آن (۳) کلمه‌ای که گفتید حذف شود مجدداً بفرمایید.

بیات. آقای مهندس! من يك توضیح بدهم.

نایب رئیس. نه، همه توضیحات را دادید دیگر، ما فقط می‌خواهیم ببینیم آن متن چه می‌ماند.

بیات. آخر ببینید! ایشان گفتند فرزند يك ساله برود تابعیت اعلام کند. پیشنهاد این است که این تابع ایرانی است، از (۱۸) سالگی بگوید من نیستم. آخر این مشکل ایشان ذهن را يك مقدار تشکیك می‌کند.

نایب رئیس. سرکار خانم بیات! يك لحظه گوش می‌دهید؟ من میکروفون شما را باز کردم که شما توضیح بدهید کدام (۳) کلمه حذف شود، اصلاً قرار نیست شما پاسخ آقای سلیمانی را بدهید.

بیات. بله، می‌خوانم. آخر ایشان يك سال گفتند، ذهن همه را...

نایب رئیس. آخر شما که حق ندارید اینکار را بکنید، بفرمایید.

بیات. فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا يك سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، در صورت نداشتن سوپیشینه کیفری یا

امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایرانی پذیرفته می‌شوند. کلمه من که حذف می‌شود

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۹۱

«می‌توانند» تا «این افراد».

نایب رئیس. متشكر. حضار ۲۱۴ نفر، كسانی كه با این پیشنهاد حذف موافق هستند اعلام رأی بفرمایند. عزیزان اعم از مخالف، موافق و ممتنع در رأی‌گیری شركت كنید. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌كنم، تصویب نشد. پیشنهاد بعدی را اعلام بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). آقای مهندس! سركار خانم فیاض‌بخش آن پیشنهادی كه شما مطرح كردید، مكتوب است، اگر می‌خواهید مطرح كنید این می‌شود جایگزین ماده واحده، نوشته اید متن زیر جایگزین بند (۴) گردد، جایگزین ماده واحده می‌خواهید مطرح كنید؟ **فیاض‌بخش.** بله.

نایب رئیس. خانم فیاض‌بخش بفرمایید.

نقیسه فیاض‌بخش. بسم الله الرحمن الرحيم

همكاران محترم طرح بسیار مهمی كه همه عزیزان در جریان هستند به خاطر مشكل حادی كه كشور با آن مواجه بود با فوریت آن موافقت فرموده بودید و الان به دلیل پیچیدگی‌هایی كه داشت كمیسیون كار كارشناسی خیلی عمیقی انجام داد، اما متأسفانه به طور شفاف وضعیت این بچه‌ها، زیر (۱۸) سال متأسفانه مشخص نشده.

در پیشنهادی كه اینجانب و جناب آقای دكتر دهقان آن هم پس از كار كارشناسی زیاد و صحبت‌هایی كه با مسئولین كشوری و كارشناسان مطرح شد، مورد طرح قرار می‌گیرد به این صورت است كه فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت و اخذ شناسنامه نیز از کلیه امكانات اقامتی، معیشتی، آموزشی و درمانی برخوردار می‌باشند.

سروران! مستحضر هستید هم‌اکنون طبق آمارها حدود (۱۲۰) هزار فرزند وجود دارد كه متأسفانه بدون هویت هستند و متأسفانه از هیچ مكان معیشتی برخوردار^۱ نیستند، اینها در ایران زندگی

۱. در متن فوق عبارت «برخوردار» جایگزین عبارت «برخورد» گردید.

می‌کنند، درست است مصوبه کمیسیون مصوبه خوبی است، اما به طور شفاف وضعیت زیر (۱۸) ساله‌ها را مشخص نکرده، قطعاً جناب آقای سلیمانی می‌خواهند بفهمانند که بله در پاراگراف دوم ذکر شده که مجاز به اقامت در ایران می‌باشند. جناب آقای سلیمانی! این قطعاً کافی نیست، صرف طرح اینکه مجاز به اقامت در ایران می‌باشند این کافی نیست، باید صراحتاً و به طور شفاف مشکل امروز را حل کنیم. مشکل امروز این است که اینها در مدرسه نمی‌توانند شرکت کنند، یک شهرستان بخواهند سفر کنند سوار قطار نمی‌توانند بشوند و متأسفانه مشکلات عدیده و بسیار زیادی که با آن مواجه هستند و اصلاً طرح به خاطر آنان تدوین شد.

من خواهش می‌کنم همکاران محترم به خاطر اینکه شفاف در پیشنهاد ما مطرح شده که از امکانات اقامتی، معیشتی، آموزشی و درمانی بهره‌مند شوند و شفاف هدف طرح را مطرح کرده، خواهشمندم که به این پیشنهاد رأی بدهند، تشکر می‌کنم.

نایب رئیس. مخالف کسی ثبت‌نام کرده؟
منشی (محمد صادقی). مخالف آقای طلایی‌نیک هستند، بفرمایید.

رضا طلایی‌نیک. بسم الله الرحمن الرحيم
پیشنهادی که مطرح است با توجه به اینکه در ماده واحده در پاراگراف دوم به صراحت آمده «فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند». وقتی ما مجوز اقامت

می‌دهیم این مقدمه و مرحله‌ای قبل از تابعیت است که بعداً گفته شده اگر به سن (۱۸) سالگی برسند، خودشان تقاضای تابعیت بدهند، می‌توانند تابعیت ایرانی را هم بگیرند. همین مقداری که ما داریم تصویب می‌کنیم مشکلات جدی را برای مسائل اجتماعی و مسائل حقوقی و حتی سیاسی در آینده در پی خواهد داشت. حالا اگر ما بخواهیم یک تعهدات بیشتری برای دولت ایجاد کنیم نسبت به اینکه قبل از (۱۸) سالگی هم دولت تعهداتی نسبت به فرزندان اتباع بیگانه داشته باشد، این دیگر مشکل را مضاعف

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۹۳

خواهد كرد.

من فكر مي‌كنم نظر سركار خانم فياض‌بخش در حدي كه مورد انتظار ايشان است اينجا تامين شده، چون گفته شده اينها مي‌توانند مجوز اقامت داشته باشند تا قبل از تحصيل تابعيت. وقتي ما مي‌گوئيم مجوز اقامت يعني هر كسي كه اجازه اقامت در ايران دارد، قبل از تحصيل تابعيت اجازه استفاده از امكانات عمومي را هم دارد. موارد را كه فرموديد استفاده از وسائط نقليه عمومي و امكانات عمومي و استفاده از فضاي عمومي کشور در چارچوب قانون، در اينجا پيش‌بيني شده، كميسيون اين را با صراحت آورده. اما اگر ما بخواهيم تعهدي براي دولت ايجاد كنيم، اين تعهد مي‌تواند بار حقوقي و مشكلات اجتماعي بعدي را هم در پي داشته باشد. ضمن اينكه كسي كه زير (۱۸) سال است يا ولي دارد يا قيم. وقتي ولي يا قيم او تابعيت ايراني گرفته باشد، مي‌تواند از مزايای اين تابعيت استفاده كند و نسبت به فرزندان زير (۱۸) سال هر گونه مسأله و نيازي داشته باشد، آنها را قانوناً تامين كند.

لذا نيازي به پيشنهاد جديد نيست، اگر اين پيشنهاد بخواد ... اينطور كه آقاي حاجي‌باباي فرمودند جايزين مطرح شده، اگر بخواد جايزين شود، بخشي از مصوبه كميسيون را مخدوش مي‌كند و آن دقي هم كه كميسيون داشته اين قانون كمترين عوارض را داشته باشد، اين عوارض را تشديد خواهد كرد، متشكر.

نائب رئيس. موافق چه كسي صحبت مي‌كند؟

منشی (محمد صادقي). موافق آقاي كامران هستند، بفرماييد.

حسن كامران دستچردي. بسم الله الرحمن الرحيم

ضمن تشكر از آقاي دكتر دهقان و خانم فياض‌بخش كه اين پيشنهاد را داده‌اند. ببينيد! ما كه تعارف نداريم، آجايي كه در قانون شفاف مي‌آوريم يك آيين‌نامه‌هاي تنظيم مي‌كنند كه زيرآب قانون را هم مي‌زنند. من موارد دي داشتم كه مي‌گويم خوش‌غرث‌ها اين قانون با اين آيين‌نامه واقعاً مغاير هم هست. بنده

خودم يك زماني كه رفتم در پاكدشت و قيامدشت براي تحقيق همين بچه هايي كه كشته بودند، بعضي از آنها همين بچه هايي بودند كه زن آنها ايراني بودند و مرد آنها افغاني، ميگفتند هويت آنها معلوم نيست، حتي به هر حال اسمي به كلان تري داده باشد، تحقيقي شده باشد. از طرفي هم حالا اين پيشنهاد خانم فياض بخش و آقاي دكتر دهقان چيزي را كه بدتر نميكنند، ميگويد شما بياييد اين را شفافتر كنيد، فردا بچه مدرسه اي دارد ميخواهد اسم بنويسد. بهداشت و درمان، مسائل قضائي، مسائل اجتماعي. وقتي كه شما كلي ميآوريد دستگاههاي اجرايي ميگويند ببخشيد! شما در قانون اينطور آورديد. من يادم هست آن دوره گفته بوديم وام ازدواج بدهيد تا (۵۰۰) هزار تومان، بانكها ميگفتند ما (۲۰) تومان ميدهيم، (۵۰) تومان ميدهيم، گفتيم چرا اين كار را ميكنيد؟ گفتند «تا» آورديد، چون «تا» آورديد ما نميتوانيم (۵۰۰) هزار تومان را بدهيم، همان (۵۰) تومان را ميدهيم.

ببينيد خواهان و برادران! وقتي كه تفسير مختلف از قانون ميكنند، همه هم كه من و شما نيستند يا همه هم كه يك جا مسئوليت تا قيامت ندارند، آدمها عوض ميشوند، اگر قانون شفاف نباشد خيلي انقلاط ميآورند و بچه هايي كه در ايران هستند، بعضي از آنها هم بچه هاي باهوش، با سواد، بچه هاي خوب، زير (۱۸) سال هم هستند، حداقل خود بنده مراجعه داشتم، يعني آمده ميگويد آقاي كامران ما چكار كنيم؟ در واقع با اين وضعيت مشكلات ما دو چندان شده، ضمن اينكه دست كميسيون درد نكند همين مجوز را هم آورده، ولي كارساز نيست. پيشنهادي را هم كه خانم دادند چيزي نيست كه آن را خنثي كند يا آن را كم رنگ كند يا آن را منتفي كند، ايشان پيشنهادي كه دادند تقويت كننده آن است و لذا تقاضا است كه خواهان و برادران به اين پيشنهاد رأي بدهند، قطعاً هم بعداً دوباره مجري گير پيدا نميكنند. چون اگر مجري بيايد و بگويد كه خير ببخشيد اينها در قانون نبوده، كالاول دوباره نميشود طرح داد يا دولت لايحه بياورد، وقت مجلس و وقت خودشان

بحث چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۳۹۵

گرفته شود. پس خوب است ما قانون هایی که تصویب می‌کنیم متن، محکم، غیرقابل تفسیر از سلیقه‌های مختلف و خیلی شفاف باشد. خواهش من از خواهران و برادران این است که به این پیشنهاد رأی بدهید، جای چیزی را هم کم نمی‌کند، می‌گویند کار از محکم‌کاری بهتر نیست و لذا این پیشنهاد می‌تواند خیلی از مشکلات موجود را برطرف کند که دل یک مسلمان را هم ما خوشحال کردیم. بعضی‌ها هم وضع مالیشان خوب نیست، یا بالاخره مقنی هستند یا کارگر هستند، بالاخره ایرانی‌ها هم تفاهم کردند به اینها زن دادند دیگر. ان‌شاءالله که امیدوار هستم رأی بدهید، خیلی ممنون.

نایب رئیس. بسیار خوب، دولت با پیشنهاد مخالف است، کمیسیون فرماید.

حسن سلیمانی (نماینده کمیسیون قضائی و حقوقی).

بسم الله الرحمن الرحيم

من از همکاران عزیزم خواهش می‌کنم توجه فرمایند که چه پیشنهادی مطرح شد و آثار پیشنهاد چیست و قبلاً شما به چه رأی دادید، این یک، دوم، خواهش می‌کنم از عزیزان همکار که در موافقت و مخالفت صحبت می‌کنند لااقل متن را هم مورد توجه قرار بدهند که الان بحث راجع به چه هست و بحث‌هایی که مطرح می‌کنند، چون بدون توجه به متنی است که پیشنهاد شده یا متنی است که تصویب شده، اظهاراتی می‌شود که شبیهات متعدد ذهنی ایجاد می‌کند.

اتفاقی که با این مصوبه اگر این جایگزینی تصویب شود خواهد افتاد که تحت عنوان متن ذیل جایگزین تبصره ماده واحده می‌گردد که باید جایگزین ماده (۱) شود که در حقیقت خود ماده هم هست و قسمت زیر آن می‌گوید: پس در صورت رسیدن به سن (۱۸) سال تمام با اعلام رد تابعیت غیر ایرانی و ارائه تقاضا، ایرانی محسوب و به آنها شناسنامه داده می‌شود. کل اساس طرح همین جا است، ما نمی‌خواهیم اینها ایرانی باشند، ما می‌خواهیم به اینها تابعیت ایرانی بدهیم. آقای کامران! درد اینجا است، می‌شوند «بچه غول برره». فردا همه

اینها (۱۲۰) هزار نفر ایرانی هستند، رئیس‌جمهور می‌شوند، رئیس مجلس شما می‌شوند، ایرانی محسوب ... نمی‌خواهیم اینطور باشد، می‌خواهیم به اینها تابعیت بدهیم که آن محرومیت‌ها را داشته باشد. بنابراین بحث اکتساب تابعیت است، نه ایرانی و ذاتاً ایرانی بودن. بقیه مسائل آن حل شده، در آنجا آمده، روشن است. گفتیم وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر، فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند و در تبصره (۱) هم آوردیم ظرف مدت یک سال تقاضای تابعیت کنند، هیچ مانعیت تحصیلی هم ندارند، هیچ مطلبی ندارند، به آنها اجازه تابعیت و اقامت هم داده می‌شود، از همه حقوقات^۱ هم برخوردار می‌شوند، ولی ایرانی نیستند، تحصیل تابعیت ایرانی می‌کنند. شما می‌خواهید اینها را ایرانی بدانید و ما با این اساس مخالف هستیم، بقیه مسائل آن مشترک است و خواهش می‌کنم عزیزان رأی ندهند.

نایب رئیس. بسیار خوب، برای رأی‌گیری قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). پیشنهاد این است در این قسمتی که پیشنهاد چاپ شده، پاراگراف دوم که قرائت می‌کنم: وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده

...
بیات. مخالف هستم و می‌خواهم طبق آیین‌نامه صحبت کنم.

دهقانی‌نقندر. تذکر دارم.

نایب رئیس. مخالف و موافق صحبت کردند، بحث تمام شد. ببینید! ما اعلام کردیم مخالف، موافق نبود، دولت و

۱. عبارت «حقوق» صحیح به نظر می‌رسد.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۹۷

بعد كميسيون صحبت كردند، الان داريم ... آقاي دهقان شما تذكر داريد؟ مخالف كه وقتش گذشت، ديگر نمي‌شود صحبت كنيد. آقاي دهقان تذكر دارند، بفرماييد.

محمد دهقاني‌نقندر. آقاي مهندس ببينيد! بخشي كه الان مطرح شد آنچه كه الان آقاي حاجي‌بابايي دارد مطرح مي‌كند با آن چيزي كه محترم آقاي سلیماني توضيح دادند، متفاوت است. ما بخش اول آن را تأمین شده و در واقع انجام شده دانستيم، بخش دوم را سرکار خانم فياض‌بخش مطرح فرمودند، همه تبخيري كه در اين پيشنهاد جديد با آن چيزي كه در كميسيون تصويب شده هست در اين است كه در آنجا گفته فرزندان حاصل از اين ازدواج مجاز به اقامت هستند، در اينجا طبق پاراگراف دوم گفته فرزندان موضوع اين ماده قبل از تحصيل تابعيت و اخذ شناسنامه نيز از كليۀ امكانات اقامتي، معيشتي، آموزشي و درمانی برخوردار مي‌باشند. همان طور كه خانم فياض‌بخش تصريح كردند، موضوع شفاف شدن است، يعني آن بحث اولي كه آقاي سلیماني فرمودند اصلاً منتفي است.

نايب رئيس. پيشنهاد را براي رأي‌گيري قرائت بفرماييد.

منشي (حاجي‌بابايي). پيشنهاد آقاي دهقان و سرکار خانم فياض‌بخش اين است: «وزارت كشور نسبت به احراز

ولادت طفل در ايران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدني اقدام مي‌نمايد و نبروي انتظامي نيز با اعلام وزارت كشور پروانه اقامت براي پدر خارجي مذکور در اين ماده صادر مي‌كند. فرزندان موضوع اين ماده قبل از تحصيل تابعيت و اخذ شناسنامه نيز از كليۀ امكانات اقامتي، معيشتي، آموزشي و درمانی برخوردار مي‌باشند». اين

قسمت جايزين پاراگراف دوم ماده واحده مي‌شود.

نايب رئيس. حضار ۲۱۰ نفر، عزيزان رأي خود را در رابطه با اين پيشنهاد جايزين اعلام بفرمايند. نمايندگان محبت كنند در رأي‌گيري شركت بفرمايند، پايان رأي‌گيري را اعلام مي‌كنم، تصويب نشد.

پیشنهاد دیگری هست؟

منشی (حاجی‌بابایی). آقای سبحانی پیشنهاد دارند.

نایب رئیس. آقای سبحانی بفرمایید.

حسن سبحانی. بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران ارجمند! در سطر چهارم ماده واحده گفته

است که این افراد در صورت نداشتن سو^۱ پیشینه کیفری

یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت

ایران پذیرفته می‌شوند.

سو^۲ پیشینه کیفری به لحاظ قانون قابل احصا^۳ و

تعریف شده است، اما سو^۴ پیشینه امنیتی تعریف شده

نیست و چون قرار است به کسانی که مشمول این

ضوابط می‌شوند و تقاضای تابعیت می‌کنند، اگر

تقاضای آنها پذیرفته شد، تابعیت ایرانی داده

شود، قاعدتاً قانون باید از واژه‌ها و الفاظ غیر

قابل تفسیر و روشی برخوردار باشد تا در اجرا با

مشکل مواجه نشود. از این گذشته اگر کسی دارای

سو^۵ پیشینه امنیتی بود فرض بر این است که این سو^۶

پیشینه در دادگاه بررسی شده و فرد کیفر می‌بیند.

یعنی اگر سو^۷ پیشینه کیفری بماند و امنیتی حذف شود،

هم يك واژه تعریف نشده را حذف کرده‌ایم^۸، هم هیچ

چیز را از دست نداده‌ایم^۹. چون کسانی که مسأله

امنیتی مؤثری داشته باشند و دادگاه آن را وارد

تشخیص داده باشد، قاعدتاً آنها را کیفر می‌کند.

بنابراین به خاطر اینکه این مقوله در عمل با

مشکل مواجه نشود و با سلايق مختلف کسانی تحت این

عنوان که سو^{۱۰} پیشینه امنیتی دارند، دچار مشکل

نشوند، پیشنهاد من حذف کلمه «امنیتی» است که می‌شود

«در صورت نداشتن سو^{۱۱} پیشینه کیفری». البته حذف

۱. در متن فوق عبارت «کرده‌ایم» جایگزین عبارت «کردیم» گردید.

۲. در متن فوق عبارت «نداده‌ایم» جایگزین عبارت «ندادیم» گردید.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۳۹۹

«امنيتي» به معنای بی‌اثر کردن آن نیست، اگر مؤثر بوده باشد خودش را در كيفري قاعدتاً نشان داده است.

نایب رئیس. متشكر، مخالف کسی ثبت‌نام نکرده. دولت مخالف است، کمیسیون هم نظر ندارد. پس برای رأی‌گیری اعلام بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). در سطر چهارم در ماده واحده کلمه «امنيتي» حذف شود.

نایب رئیس. حضار ۲۱۰ نفر، عزیزان رأی خود را اعلام بفرمایند. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد. پیشنهاد دیگری هست؟

منشی (حاجی‌بابایی). آقای سبحانی پیشنهاد دیگری که مطرح نمی‌فرمایید؟ آن «و» را ... رفع ابهام نیست. در تبصره‌ها آقای سبحانی حذف تبصره (۲) را پیشنهاد دارند، بفرمایید.

حسن سبحانی. بسم الله الرحمن الرحيم

در تبصره (۲) گفته است کسانی که رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی را کرده‌اند، یعنی مادر ایرانی با کسب مجوز از دولت با مرد خارجی ازدواج کرده است، فرزندان پس از رسیدن به سن هجده سالگی، ظرف يك سال به تابعیت پذیرفته می‌شوند. پیشنهاد حذف از آن جهت است که اصولاً تبصره (۲) ارتباطی به ماده واحده ندارد، چون ماده واحده به طور ویژه درخصوص کسانی است که در بیست و چند سال گذشته در ایران با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند و مراحل قانونی مندرج در قانون مدنی را نگذرانده‌اند. حالا اگر کسی رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی را کرده باشد، قانون فعلی راه تحصیل تابعیت را برای او هموار کرده است. بنابراین هیچ لزومی ندارد که تبصره (۲) بیاید، منتها اگر در ذهن بعضی از دوستان این باشد که تبصره (۲) درواقع تکرار قوانین موجود است و لذا ضرری ندارد، عرض می‌کنم که فراتر از تکرار قوانین موجود است. برای اینکه متأسفانه در تبصره (۲) برخلاف آنچه که در قانون مدنی هست هجده سال تمام اقامت در ایران ذکر نشده است، البته این مشکل درخصوص اصل ماده واحده هم

وجود دارد ولی آنجا مجلس پذیرفت. به عبارت دیگر اگر فردی، یک زن ایرانی با اجازه قانون با مرد خارجی ازدواج کرده باشد و فرزند او در ایران متولد شده باشد و بعد این فرزند از ایران خارج شده باشد، هجده سال در خارج از کشور باشد، برگردد، مطابق تبصره (۲) که در اینجا گفته شده باید به او تابعیت داد، یعنی اقامت هجده ساله در ایران حذف شده است.

آن نکته ای هم که دوستان گفته اند «حداکثر ظرف

مدت یک سال به تابعیت ایران پذیرفته می شود» استدلال می کنند که منظور ما این است که بعد از هجده سال اگر نبود یک سال بیاید اینجا بماند، درحالی که از این لفظ این اراده بیرون نمی آید، گفته ظرف مدت یک سال به تابعیت ایران پذیرفته می شوند، یعنی طول مدت پذیرفته شدن تابعیت یک سال است، نگفته است که یک سال در ایران بماند.

اگر تبصره (۲) تصویب بشود باید این فرض را ما بپذیریم که کسی در ایران از پدر ایرانی متولد شده، بلافاصله از ایران خارج شده و هیچ سالی در ایران نبوده، بعد از اینکه به هجده سالگی رسیده وارد ایران شده، تقاضا کرده، بعداً هم بدون اینکه اقامتی بکند خارج می شود و ما مطابق تبصره (۲) باید به او تابعیت بدهیم، درحالی که این ناسازگار است با روح قانون مدنی در این زمینه، ضرورتی هم ندارد که وجود داشته باشد. مسأله این طرح، تعیین تکلیف تابعیت فرزندان بود که موضوع ماده واحده هستند. تبصره (۲) یک مقوله اصلاح قانون مدنی به شیوه دیگری است که اقامت را دارد لغو می کند. لذا پیشنهاد حذف آن را دارم.

نایب رئیس. متشکر، مخالف و موافق دارد؟

منشی (محمد صادقی). مخالف آقای تمدن هستند، صحبت می فرمایید؟

نایب رئیس. آقای تمدن صحبت نمی کنند، بسیار خوب، می ماند دولت و کمیسیون که نظرشان را داشته باشیم. از جناب آقای ابوترابی هم خواهش می کنیم برای اداره جلسه تشریف بیاورند.

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۴۰۱

دولت نظر ندارد، کمیسیون بفرمایید یک توضیحی بدهید.

توکلی. من صحبت می‌کنم.

منشی (عمد صادقی). آقای مهندس باهنر آقای توکلی صحبت می‌کنند.

نایب رئیس. دیگر عبور کردیم، مخالف هستید؟ (توکلی – موافق هستم) مخالف کسی صحبت نکرده است که شما صحبت کنید. آقای سلیمانی بفرمایید.

حسن سلیمانی. دچار یک عارضه هستم در اینجا، برای اینکه من خودم مخالف نیستم^۱، من موافق نظر ایشان هستم، ولی باید نظر کمیسیون را بگویم.

نایب رئیس. حالا دیگر هرطور که مصلحت می‌دانید، نمی‌خواهید دفاع کنید بدهید شخص دیگری از کمیسیون صحبت کند یا اصلاً می‌توانید صحبت نکنید، چون ما اصرار نداریم صحبت کنید.

سلیمانی. ایشان حرفشان درست است، منتها چه بگویم؟!

نایب رئیس. نه، ببینید! از نظر کمیسیون شما باید دفاع کنید، اگر زبان دفاع ندارید دفاع نکنید، ولی خلاف آن را نمی‌توانید صحبت کنید، متشکرم. رأی‌گیری می‌کنیم. حضار ۲۱۴ نفر، پیشنهاد آقای سبحانی را قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی). تبصره (۲) – از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا^۲ با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی

به ثبت رسیده باشد پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پیشنهاد حذف این تبصره است.

نایب رئیس. حضار ۲۱۳ نفر، نمایندگان رأی خودشان را در رابطه با حذف این تبصره‌ای که قرائت شد

۱. در متن فوق عبارت «نیستم» جایگزین عبارت «نیستیم» گردید.

اعلام بفرمایند. عزیزان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت بفرمایند، بسیار خوب، پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد.
(در این هنگام آقای سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد ریاست جلسه را به عهده گرفتند)
منشی (حاجی‌بابایی). ماده واحده را با تبصره‌ها برای رأی‌گیری قرائت می‌کنم.

طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

ماده واحده. فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱. چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد بایستی حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲. از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۰۳

ماده واحده و عنوان، همه را با هم رأي‌گيري بفرماييد، اصل ماده واحده است.
نائب رئيس. حضار ۲۱۴ نفر، اصل ماده واحده است، همكاران محترم اعلام رأي بفرماييد، پايان رأي‌گيري را اعلام مي‌كنم، تصويب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵/۷/۱۵
رئيس مجلس شورای اسلامی

۵۵۰/۱۰۹۵۷۱
۱۳۸۵/۷/۱۵

جناب آقاي دكتور محمود احمدي‌نژاد رئيس محترم جمهوري اسلامي ايران

در اجرائي اصل يكصد و بيست و سوم (۱۲۳) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران قانون تعيين تكليف تابعيت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ايراني با مردان خارجي كه با عنوان طرح يك فوريتي اصلاح بندهاي (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدني و الحاق يك تبصره به آن به مجلس شوراي اسلامي تقديم گرديده بود، با تصويب در جلسه علني مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ و تأييد شوراي محترم نگهبان به پيوست ارسال مي‌گردد.

غلامعلي حدادعادل
رئيس مجلس شوراي اسلامي

قانون تعيين تكليف تابعيت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ايراني با مردان خارجي

ماده واحده. فرزندان حاصل از ازدواج زنان ايراني با مردان خارجي كه در ايران متولد شده يا حداكثر تا يك سال پس از تصويب اين قانون در ايران متولد مي‌شوند مي‌توانند بعد از رسيدن به سن هجده سال تمام تقاضاي تابعيت ايراني نمايند. اين افراد در صورت نداشتن سوءپيشينه كيفري يا امنيتي و اعلام رد تابعيت غير ايراني به تابعيت ايران پذيرفته

می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱. چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲. از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه دوم مهر ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۲ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید.

غلامعلی حدادعادل
رئیس مجلس شورای اسلامی

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون
مدنی ۱۴۰۵

این قانون در جلسه علنی روز شنبه مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۱ در مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی (تصویب) تصویب شد.

مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی

دوره ششم - سال دوم
ترتیب چاپ ۸۱۵
۱۳۸۰ - ۱۳۸۱
سابقه ۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۶/۵
دفتر ثبت ۳۲۰
شماره
شماره چاپ
شماره

طرح

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی
مصوب ۱۳۰۷

کمیسیون های ارجاعی:

اصلی: قضائی و حقوقی

فرعی: فرهنگی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

محاسبه اجرت برای کار خانگی زنان و رسمیت یافتن آن
در قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب
۱۳۷۰/۱۲/۲۱ (تبصره ۶) در مجلس شورای اسلامی و
سپس در مجمع تشخیص مصلحت نظام که موجب تأمین آتیه

۱. در مورد لازم الاجرا شدن مواد ۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی به

پیشگفتار این مجموعه مراجعه شود.

۲. لازم الاجرا از سال ۱۳۰۷ صحیح است نه مصوب ۱۳۰۷.

۳. تاریخ مذکور مربوط به تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی

است، تاریخ تصویب نهایی آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱۳۷۱/۸/۲۸ است.

زنان و دریافت بخشی از حقوق مادی آنان - حین طلاق - گردید، ما را بر آن داشت تا به منظور پاسخ به زنانی که سالیان متمادی با زحمت فراوان و انجام کارهای متنوع و مختلف - و با صرف جوانی و آسایش خود - موجب قوام و دوام خانواده، همسر و فرزندان شدند و با هدف احترام به شخصیت زنان و حفظ جایگاه ارزشی آنان و پیشگیری از نابسامانی این عزیزان، درخواست کنیم تا حق قانونی اجرت با استناد به مواد (۲۶۵)، (۳۰۱)، (۳۰۲) و (۳۳۶) قانون مدنی که ماهیتاً ناشی از حیات و کار است و نه ممات و طلاق و اصل عدم تبرع مندرج در آخرین ماده، برای پس از فوت همسر، منظور گردد. از این رو طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی در بحث میراث زوجه تقدیم می‌گردد.

رضازاده - کولائی- ناصری‌پور- جلو دارزاده - راکعی- مصوری‌منش- امانی- طالقانی- فاطمه خاتمی- عدالت- کدیور- حقیقت‌جو- جلالی‌زاده - سلیم بهرامی- افخمی- بت‌کلیا- حسنونند- شعر دوست- افقهی- شکوری- شایسته- بهرامی- ندیمی- نعیمی‌پور- وهابی- حسینی (جنورد) - سعدایی جهرمی- جماعتی- امرا... محمدی- سیدآبادی- هاشم زهی- مهرپرور- شیرزاد- نظری- رضوی (نائین) - سیدامرا... موسوی- نارویی- خوشرو- خانزادی- موسوی (تبریز) - علیخانی- زحمتکش- حسینی‌نسب- میرزا کوچکی- موسوی جهان آباد- باقر امامی- مرادی- سیدافضل موسوی- گل‌باز- مزروعی- خلیلی- آرمین- عبائی‌خراسانی- موسوی اجاق- شاه‌رخي- کاظمی- تاجرنیا- سازگارنژاد- صفایی- قوامی- وحیدی- کامبوزیا- محشمی‌پور- نوری- ذوالقدر- عظیمی- میدری- سیدناصر موسوی- روستا- نوش‌آبادی- امینی- غلامحسن آقائی- رحمانی‌خلیلی- ذاکری- انصاری‌راد- جبارزاده- محمد قمری- ناصر خالقی- شکوری‌راد- سلیمانی- بهاروند- پورفاطمی- صابری- برزگر- حسین‌زاده - یثربی- قبادی- طلائی‌نیک- صفائی‌فراهانی- هجوب- شکیبی- خامنه‌ای- حداد عادل- حضرتی- داویدیان- خسته‌بند- ادب - عباس‌پور- رمضان‌پور- کوزه‌گر - موسوی کرج - شیخ - هادی‌زاده- طباطبائی- صدیقی- علی حسینی- رعیت- سیدمحمد رضا خاتمی-

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۰۷

پورنجاتي- حسن زادگان.

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ به شرح زير الحاق ميگردد:
تبصره. زوجه مي تواند در صورت مطالبه، اجرت المثل ايام زندگي مشترك خود را از مترك زوج متوفي با جلب نظر كارشناس و با رعايت بند (الف) تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه كند.

سوابق قانوني

- لازم الاجرا از سال ۱۳۰۷ صحيح است نه مصوب ۱۳۰۷.
- لازم الاجرا از ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است نه مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸.

مواد (۲۶۵)، (۳۰۱)، (۳۰۲)، (۳۳۶)، (۹۴۶)،
(۹۴۷) و (۹۴۸) قانون مدنی
لازم الاجرا از تاریخ ۱۳۰۷/۲/۲۰

ماده ۲۶۵. هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می‌تواند استرداد کند.

ماده ۳۰۱. کسی که عمدتاً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند.

ماده ۳۰۲. اگر کسی که اشتبهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید.

ماده ۳۳۶. هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهابی آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

ماده ۹۴۶. زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لیکن زوجه از اموال ذیل:

۱. از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

۲. از ابنیه و اشجار.

ماده ۹۴۷. زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می‌گردد.

ماده ۹۴۸. هرگاه در مورد ماده قبل ورثه از ادا قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می‌تواند حق خود را از عین آنها استیفاً نماید.

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب
۱۳۷۰/۱۲/۲۱

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق

ماده واحده. از تاریخ تصویب این قانون زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاه‌اند (آن‌طور که قرآن‌کریم فرموده است) حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حقیقت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سر دفتر خاطی، سلب صلاحیت بعمل خواهد آمد.

تبصره ۱. نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین‌نامه اجرایی آن ظرف ۲ ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید.

تبصره ۲: گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد.

تبصره ۳. اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوج (اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به

۱. تاریخ فوق مربوط به تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است. تاریخ تصویب نهایی مصوبه مذکور در مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۱/۸/۲۸ است.

صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آن چه بذل شده) و یا رضایت زوجه و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق‌الذکر.

تبصره ۴. در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجة مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است. و در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر، صورت جلسه طلاق تکمیل و ثبت می‌گردد، صورت جلسه تکمیلی طلاق با امضا زوجین و حکمین و

عدلین و سردفتر و مهر دفترخانه معتبر است.

تبصره ۵. دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می‌تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات، مشاور زن داشته باشد.

تبصره ۶. پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبني بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدو از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می‌نماید و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق آن عمل می‌شود. در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف. چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

ب. در غیر مورد بند «الف»، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید.

تبصره ۷. گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط

پزشك ذيصلاح و آزمونپيشگاه مربوطه بايد تحويل
گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ۷ تبصره كه
در جلسه علي روز چهارشنبه مورخ بيست و يكم
اسفند ماه يك هزار و سيصد و هفتاد مجلس شوراي
اسلامي به تصويب رسيده و تبصره ۶ آن مورد
اختلاف مجلس و شوراي نگهبان قرار گرفته، در
اجراي اصل يكصد و دوازدهم قانون اساسي در
جلسه روز پنجشنبه بيست و هشتم آبان ماه يك
هزار و سيصد و هفتاد و يك مجمع تشخيص مصلحت
نظام بررسي و تبصره ۶ مصوبه مذكور با
اصلاحاتي به تصويب رسيده است.

رئيس مجمع تشخيص مصلحت نظام
اكبر هاشمي رفسنجاني

قانون^۱ تفسير تبصره هاي (۳) و (۶) قانون اصلاح
مقررات مربوط به طلاق مصوب مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۸
مجمع تشخيص مصلحت نظام
(مصوب ۱۳۷۳/۶/۳ مجمع تشخيص مصلحت نظام)

موضوع استفساريه

نظر به اينكه در مورد تبصره ۳ و ۶ «قانون اصلاح
مقررات مربوط به طلاق» كه با اصلاحاتي در تاريخ
۱۳۷۱/۸/۲۸ به تصويب مجمع تشخيص مصلحت نظام
رسيده است، جمعي معتقدند كه مستفاد از تبصره ۳
قانون مذكور اين است كه تمام حقوق زوجه نسبت
به زوج اعم از نفقه و جهيزيه و مهر و غير آن
(كه اجرتالمثل خدمات زوجه و نخله كه در تبصره ۶
آمده نيز از حقوق زوجه است) بايد قبيل از
اجراي صيغه طلاق به زوجه تاديه شود و در
حقيقت تبصره ۶ مصداق براي تبصره ۳ تعيين
ميكند، و مكمل آن است.

و جمع ديگر معتقدند كه تبصره ۶ مستقل از تبصره
۳ هست و اجرتالمثل و نخله كه در اين تبصره آمده
پس از اجراي صيغه طلاق با درخواست مجدد زوجه از
دادگاه رسيدگي و حكم داده مي شود و رسيدگي به

آنها قبل از اجرای صیغه طلاق وجهه قانونی ندارد.

مستدعی است نظریه جمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص اعلام گردد.

نظر جمع تشخیص مصلحت نظام:

ماده واحده. منظور از کلمه «پس از طلاق» در ابتدای تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۸ جمع تشخیص مصلحت نظام، پس از احراز عدم امکان سازش توسط دادگاه است، بنابر این طبق موارد مذکور در بند ۳ عمل خواهد شد.

تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز پنجشنبه مورخ سوم شهریور ماه یک هزار و سیمصد و هفتاد و سه جمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است.

رئیس جمع تشخیص مصلحت نظام
اکبر هاشمی رفسنجانی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی - تهران

دوره ششم - سال دوم
ترتیب چاپ ۱۰۵۵

۱. «مصوبه جمع تشخیص مصلحت نظام» صحیح است. این تفسیر رأساً توسط جمع مذکور به تصویب رسیده است و از موارد اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان نیست.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۱۳

شماره چاپ ۱۳۸۱ - ۱۳۸۰
سابقه ۸۱۵
تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۱۰/۲۰
ثبت ۳۲۰

شور اول

شماره ۱۳۳ / لك
تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۷
گزارش کمیسیون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷ به شماره ترتيب چاپ ۸۱۵ كه جهت رسيدگي به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ كميسيون مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر كليات آن عيناً مورد تصويب قرار گرفت.
اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون قضائي و حقوقي
سيدناصر قوامي

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۲

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۳ به شرح زير الحاق ميگردد:
تبصره. زوجه ميتواند در صورت مطالبه، اجرت المثل ايام زندگي مشترك خود را از مترك زوج متوفي با جلب نظر كارشناس و با رعايت بند (الف) تبصره

-
۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
 ۲. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
 ۳. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است.

(۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه کند.

شماره ۵۷/۱

تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲

گزارش کمیسیون فرهنگی به مجلس شورای اسلامی
طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی
مصوب ۱۳۰۷ به شماره ترتیب چاپ ۸۱۵ که به
کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده
بود، ابتدا در کمیته زنان، جوانان و خانواده با
حضور جمعی از طراحان و کارشناسان دستگاههای
اجرایی ذریعط مطرح و پس از بحث و بررسی گزارش آن
در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۸/۱ کمیسیون توسط رئیس محترم
کمیته ارائه و کلیات آن به تصویب رسید.
اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس محترم شورای
اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون فرهنگی
احمد پورنجاتی

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۰/۸/۲

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۰۹ مورخ

۱۳۸۰/۱۲/۱۳)

دوره ششم. اجلاسیه دوم

۱۳۸۰ - ۱۳۸۱

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه چهاردهم

بهمن ماه ۱۳۸۰

جلسه (۱۹۱)

۱۳. تصویب کلیات طرح الحاق یک تبصره به ماده

(۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷^۲

نایب رئیس. دستور بعدی را مطرح بفرمایید.

۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

۲. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۱۵

منشي (خالقي). دستور بعدي گزارش شور اول كميسيون قضايي و حقوقي درمورد طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷. محترم كميسيون جناب آقاي كاظمي بفرماييد.

محمد كاظمي (مخبر كميسيون قضايي و حقوقي).

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش كميسيون قضايي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷ به شماره ترتيب چاپ (۸۱۵) كه جهت رسيدگي به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بوده، در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ كميسيون مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر كليات آن عيناً مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور اول آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

رئيس كميسيون قضايي و حقوقي. سيدناصر قوامي

در بحث روابط مالي فيمابين زن و شوهر گذشته از سرفصلهاي جهيزيه و نفقه و مهریه و مسائلي از اين قبيل در سالهاي اخير به انگيزه حمايت بيشتر قانوني از حقوق زنان، مبحثي بعنوان اجرتالمثل ايام زندگي مشترك زن و شوهر مطرح شده و آن عبارت از دادن حق مطالبه اجرتالمثل ايام زندگي در هنگام طلاق است. در سال ۱۳۷۱ در مقررات و در اصلاح مقررات مربوط به طلاق اينطور آمده است كه هرگاه بين زن و شوهر اختلاف افتاد و اين اختلاف به دادگاه كشيده شد و دادگاه تصميم به صدور حكم طلاق گرفت، قبل از صدور حكم طلاق اگر زوجه مدعي شد كه در ايام زندگي مشترك با همسرش كارهاي را براي زندگي ايشان انجام داده كه اين كارها جز وظايف قانوني و شرعي اين خانم نبوده و همچنين تربعاً هم اين كارها را انجام نداده ميتواند از دادگاه

۱. همان.

۲. همان.

تقاضا کند که اجرت‌المثل کارهایی را که برای زندگی این همسرش انجام داده مطالبه بکند و دادگاه با ارجاع مسأله به کارشناسی، مبلغ را مشخص کند و به این خانم بدهد و مورد حکم قرار بدهد.

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی هم درواقع در ادامه همین طرح و مسأله است که توسط تعدادی از نمایندگان محترم تقدیم مجلس شده و به اینصورت است که هرگاه همسری فوت کرد، مردی فوت کرد همسرش بتواند به دادگاه مراجعه کند و مدعی شود که در ایام زندگی با همسرش کارهایی را برای زندگی او انجام داده که این کارها وظیفه او نبوده، فلذا می‌تواند تقاضا داشته باشد و دادخواست به دادگاه بدهد و اجرت‌المثل کارهایی را که انجام داده مطالبه کند که اگر دادگاه با رعایت تبصره (۶) مقررات مربوط به طلاق بررسی کرد و تشخیص داد که واقعاً چنین کارهایی انجام شده، علاوه بر آن ارثیه‌ای که از ماترك متوفي به زن می‌رسد که شامل اعیانی، ابنیه و اشجار است می‌تواند حکم بدهد که مبلغی را که کارشناس نظر داده بعنوان اجرت‌المثل از ماترك همسر متوفي کسر کنند و به این خانم پرداخت کنند. ماحصل طرح این است که حالا عبارت طرح را هم من عرض می‌کنم.

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ به شرح زیر الحاق می‌گردد.

تبصره. زوج می‌تواند در صورت مطالبه، اجرت‌المثل ایام زندگی مشترك خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر کارشناس و با رعایت بند «الف» تبصره (۶)

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه کند.

این طرح در کمیسیون قضایی و حقوقی مورد تصویب قرار گرفته از همکاران محترم هم استدعای دادن رأی مثبت را دارم. والسلام

نایب رئیس. خیلی متشکر، مخالفی ثبت‌نام نکرده،

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۱۷

خوب طبيعي است كه خانم‌ها مخالفت نيكند، آقايمان هم كه با اين، جرأت مخالفت ندارند، بنابراين مخالفي صحبت نيكند، موافق هم طبعاً صحبت نيكند، دولت هم نظري ندارد. حضار ۱۹۶ نفر، طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱ در شور اول مطرح است، موافقين با كليات اين طرح قيام بفرمايند.

(اكثري برخاستند) تصويب شد.

شماره ۱۲۶۱ - چاپ ۱۳۸۱ - ۸۱۵ - ۱۰۵۵ - تاريخ چاپ ۱۳۸۱/۳/۲ - شماره دفتر ثبت ۳۲۰

شماره ترتيب
شماره چاپ سابقه
شماره ۱۲۶۱ - چاپ ۱۳۸۱ - ۸۱۵ - ۱۰۵۵ - تاريخ چاپ ۱۳۸۱/۳/۲ - شماره دفتر ثبت ۳۲۰

شور دوم

شماره ۱۳۳ / ك ق^۲
تاريخ ۱۳۸۱/۲/۳۱
گزارش كميسيون قضائي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۲ به شماره ترتيب چاپ ۱۰۵۵^۳ كه جهت

۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
۲. از شماره ۱۳۳ / ك ق در گزارش شور اول نيز استفاده شده بود. به نظر مي‌رسد در گزارش شور دوم بايد شماره جديدي به گزارش مذكور، اختصاص يابد.
۳. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
۴. شماره چاپ «۱۰۵۵» مربوط به گزارش شور اول كميسيون مذكور است نه طرح.

رسیدگی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی
ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۱ کمیسیون
با حضور کارشناسان مربوطه مطرح گردید و پس از
بحث و تبادل نظر با اصلاحاتی به شرح زیر مورد
تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای
اسلامی می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی
غلامعلی عابدی

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۴۱۹

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ به شرح زير الحاق ميگردد:
تبصره. زوجه مي تواند اجرت المثل ايام زندگي مشترك خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر كارشناس و با رعايت بند (الف) تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه كند.

پيوست

دوره ششم - سال دوم	شماره ترتيب
چاپ ۱۲۶۱	
۱۳۸۱ - ۱۳۸۰	شماره چاپ سابقه
۸۱۵ - ۱۰۵۵	
تاريخ چاپ ۱۳۸۱/۳/۴	شماره دفتر ثبت
۳۲۰	

شور دوم

شماره ۷۰/۲
تاريخ ۱۳۸۱/۳/۴
گزارش كميسيون فرهنگي به مجلس شوراي اسلامي
طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني
مصوب ۱۳۰۷^۲ به شماره ترتيب چاپ ۱۰۵۵^۳ كه جهت
رسيدگي به كميسيون فرهنگي به عنوان كميسيون فرعي
ارجاع شده بود ابتدا در كميته زنان، جوانان و

-
۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است نه مصوب ۱۳۰۷.
 ۲. لازم الاجرا شدن از ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است.
 ۳. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
 ۴. شماره چاپ «۱۰۵۵» مربوط به گزارش شور اول كميسيون مذكور است نه طرح.

خانواده با حضور کارشناسان دستگاههای اجرایی
ذیربط مطرح و پس از بحث و بررسی گزارش آن در
جلسه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۱ کمیسیون ارائه که با
اصلاحاتی به شرح زیر به تصویب رسید.
اینک گزارش شور دوم آن تقدیم مجلس محترم شورای
اسلامی میگردد.

رئیس کمیسیون فرهنگی
احمد پورنجاتی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی
مصوب ۱۳۰۷

ماده واحده. یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی
مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ به شرح زیر الحاق میگردد:
تبصره. زوجه میتواند اجرت المثل کارهایی که شرعاً
به عهده او نبوده و در ایام زوجیت انجام داده
است، از ماترک زوج متوفی مطالبه نماید.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۵/۲۳

(مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۳۶ مورخ

۱۳۸۱/۵/۲۳)

دوره ششم. اجلاسیه سوم

۱۳۸۱ - ۱۳۸۲

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز چهارشنبه نهم

مردادماه ۱۳۸۱

جلسه (۲۳۸)

۸. تصویب طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸)

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۲۱

قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱

رئيس. دستور بعدي را مطرح بفرماييد.
منشي (جبارزاده). گزارش شور دوم كميسيون قضايي و حقوقي درمورد طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب (۱۳۰۷)^۲ است. آقاي كاظمي خير محترم كميسيون قضايي بفرماييد.

محمد كاظمي (خير كميسيون قضايي و حقوقي). بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش كميسيون قضايي و حقوقي به مجلس شوراي اسلامي

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب (۱۳۰۷)^۳ به شماره ترتيب چاپ (۱۰۵۵)^۴ كه جهت رسيدگي به اين كميسيون به عنوان كميسيون اصلي ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۱ كميسيون با حضور كارشناسان مربوطه مطرح گرديد و پس از بحث و تبادل نظر با اصلاحاتي به شرح زير مورد تصويب قرار گرفت. اينك گزارش شور دوم آن تقديم مجلس محترم شوراي اسلامي ميگردد.

نائب رئيس كميسيون قضايي و حقوقي غلامعلي عابدي

من بطور خلاصه خدمت همكاران محترم عرض ميكنم كه در سال (۱۳۷۰)^۵ مقررات مربوط به طلاق توسط مجلس وقت در قالب يك ماده واحده اصلاح گرديد. براساس

-
۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
 ۲. همان.
 ۳. همان.
 ۴. شماره ترتيب چاپ «۱۰۵۵» مربوط به گزارش شور اول كميسيون مذكور است.
 ۵. قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق در تاريخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۱ به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيده و تبصره «۶» آنكه مورد اختلاف مجلس و شوراي نگهبان قرار گرفته و در اجرائي اصل ۱۱۲ قانون اساسي به جمع تشخيص مصلحت نظام ارجاع و مجمع مذكور در تاريخ ۱۳۷۱/۸/۲۸ آن را به تصويب نهايي رسانده است.

تبصره (۶)^۱ این ماده واحده هرگاه دادگاه بخواهد حکم طلاق صادر کند زوجه می‌تواند از دادگاه تقاضا کند چون در ایام زندگی مشترک با همسرش کارهایی را برای زندگی همسرش انجام داده که شرعاً انجام آن کارها به عهده وی نبوده است. فلذا حال که بنا است این زوج و زوجه از هم جدا بشوند، دادگاه اجرت‌المثل را محاسبه کند و مورد حکم قرار دهد. البته بشرط اینکه تقاضای طلاق از طرف همسر نباشد و یا اینکه طلاق مستند به سوءرفتار و تخلف زوجه

از وظایف شرعی و قانونی خودش نبوده باشد. آنچه که همکاران محترم بعنوان طرح در رابطه با اصلاح ماده (۹۴۸) قانون مدنی که مربوط است به ارث بردن زوجه از قیمت ابنیه و اشجار، این است که هرگاه زوج فوت کرد، زوجه بتواند همین اجرت‌المثل را از محضر دادگاه مطالبه کند، یعنی ادعا کند و مدعی شود که در ایام زندگی مشترک با همسرش کارهایی را انجام داده و همسرش را در بدست آوردن اموال و املاک کمک کرده و اجرت‌المثل این ایام را مطالبه کند که براساس این مصوبه دادگاه بررسی می‌کند و حکم لازم را صادر می‌کند.

من عین تبصره را خدمت همکاران محترم عرض می‌کنم. **تبصره.** زوجه می‌تواند اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک خود را از ماترک زوج متوفی با جلب نظر کارشناس و با رعایت بند «الف» تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه کند.

انشاءالله همکاران محترم به این مصوبه رأی مثبت

خواهند داد.

منشی (جبارزاده). پیشنهادی درمورد طرح وجود ندارد (رئیس - شور دوم هم هست) بله، کمیسیون فرهنگی یک نظر دیگری دارند، می‌خواهند پیشنهادشان را مطرح کنند؟ (کمیسیون - مطرح نمی‌کنیم) مطرح نمی‌کنند. اگر اجازه بفرمایید من

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۲۳

طرح را بخوانم.

طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ بشرح زير الحاق ميگردد:
تبصره. زوجه ميتواند اجرتالمثل ايام زندگي مشترك خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر كارشناس و با رعايت بند «الف» تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه كند.
رئيس. حضار ۲۰۴ نفر، ماده واحده و يك تبصره به رأي گذاشته ميشود، موافقين قيام بفرمايند.
(اكثـر برخاستند) تصويب شد.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۵/۱۴

شماره ۲۲۳۵ - ق
تاريخ ۱۳۸۱/۵/۱۴

شوراي محترم نگهبان
طرح^۲ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱ كه در جلسه علي روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۱/۵/۹ مجلس شوراي اسلامي با اصلاحاتي به تصويب رسيده است، در اجرائي اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران جهت بررسي و اظهارنظر آن شوراي محترم به پيوست ارسال ميگردد.

مهدي كرويي
رئيس مجلس شوراي اسلامي

طرح^۳ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني

۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است نه مصوب ۱۳۰۷.
۲. لازم الاجرا شدن از ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است.
۳. «صوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.
۴. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
۵. «صوبه مجلس» صحيح به نظر ميرسد.

مصوب ۱۳۰۷^۱

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۲ به شرح زیر الحاق می‌گردد:

تبصره. زوجه می‌تواند اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر کارشناس و با رعایت بند (الف) تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه کند.

طرح^۳ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علي روز چهارشنبه مورخ نهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و يك مجلس شورای اسلامي به تصویب رسیده است.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامي

مجلس شورای اسلامي، تهران، ۱۳۸۱/۶/۲

شماره ۸۱/۳۰/۱۳۹۷
۱۳۸۱/۶/۲

ریاست محترم مجلس شورای اسلامي
عطف به نامه شماره ۲۲۳۵-ق مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۴ و پرو
نامه شماره ۸۱/۳۰/۱۳۳۹ مورخ ۸۱/۳۰/۱۳۳۹^۴:

«طرح^۵ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني

مصوب ۱۳۰۷^۶»

مصوب جلسه مورخ نهم مرداد ماه يك هزار و سیصد و هشتاد و يك مجلس شورای اسلامي در جلسه

۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
۲. لازم الاجرا شدن از ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است.
۳. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر می‌رسد نه طرح.
۴. شماره و تاريخ اخير در مورد استمهال شورای نگهبان، به لحاظ عدم فرصت رسیدگی در مورد مصوبه مجلس شورای اسلامي است.
۵. «مصوبه مجلس» صحيح به نظر می‌رسد.
۶. لازم الاجرا شدن از ۱۳۰۷ صحيح است نه مصوب ۱۳۰۷.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۴۲۵

مورخ ۱۳۸۱/۵/۳۰ شوراي نگهبان مطرح شد كه نظر شورا
به شرح زير اعلام ميگردد:
«اطلاق تبصره ماده واحده نسبت به مواردی كه كار
زوجه به دستور زوج با عدم قصد تبرع زوجه باشد ولي
دستور زوج ظهور یا صراحت در مجانیت داشته باشد
یا جری عرفی بر مجانیت باشد خلاف موازین شرع تشخیص
داده شد.»

دبیر شوراي نگهبان
احمد جنتي

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران
مجموعه کتب خطی، دفتر ثبت و ضبط

دوره ششم - سال سوم
چاپ ۱۴۸۸
شماره چاپ سابقه ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲
۸۱۵ - ۱۰۵۵
۱۲۶۱
تاریخ چاپ ۱۳۸۱/۸/۱
شماره دفتر ثبت ۳۲۰

اعاده شده از شوراي نگهبان

شماره ۱۳۳/ک ق^۱
تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۹
گزارش کمیسیون قضائي و حقوقی به مجلس شوراي
اسلامی
طرح^۲ الخاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی
مصوب ۱۳۰۷^۳ که پس از تصویب مجلس شوراي اسلامی
مورد ایراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود در
جلسه مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ کمیسیون با حضور نماینده
محترم آن شورا مطرح گردید و پس از بحث و تبادل
نظر، کمیسیون برنظر قبلی خود اصرار نمود و مجدداً
آن را تصویب کرد.
اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شوراي اسلامی
می‌گردد.

رئیس کمیسیون قضائي و حقوقی
سیدناصر قوامی

۱. از عبارت «شماره ۱۳۳/ک ق» در گزارش شور اول و دوم کمیسیون مذکور نیز استفاده شده بود. به نظر می‌رسد برای هر گزارش باید شماره جدیدی اختصاص داده شود.
۲. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
۳. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۲۷

اداره كل قوانين

باسمه تعالي

طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۲

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۳ به شرح زير الحاق ميگردد:
تبصره. زوجه مي تواند اجرت المثل ايام زندگي مشترك خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر كارشناس و با رعايت بند (الف) تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه كند.

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۸/۲۳

مجلس شورای اسلامی

(مندرج در روزنامه رسمي شماره ۱۶۸۱۲ مورخ

۱۳۸۱/۸/۲۳)

دوره ششم. اجلاسيه سوم

۱۳۸۲ - ۱۳۸۱

صورت مشروح مذاكرات جلسه علني روز يكشنبه پنجم

آبان ماه ۱۳۸۱

جلسه (۲۵۷)

۸. تصويب مجدد طرح^۴ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۵ و ارجاع آن به مجمع تشخيص مصلحت نظام

رئيس. دستور را مطرح بفرماييد.

۱. «صوبه مجلس» صحيح به نظر مي رسد.

۲. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.

۳. لازم الاجرا شدن از ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است.

۴. «صوبه مجلس» صحيح به نظر مي رسد نه طرح.

۵. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.

منشی (جبارزاده) . بسم الله الرحمن الرحيم

اولین دستور گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی درمورد طرح^۱ الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷^۲ (اعاده شده از شورای محترم نگهبان) است. آقای کاظمی محترم کمیسیون بفرمایید.

محمد کاظمی (مخبر کمیسیون قضایی و حقوقی) . گزارش

کمیسیون قضایی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی طرح^۳ الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷^۴ که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ کمیسیون با حضور نماینده محترم آن شورا مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر، کمیسیون بر نظر قبلی خود اصرار نمود و مجدداً آنرا تصویب کرد. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

**رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی
سیدناصر قوامی**

خلاصه طرح، خدمت همکاران محترم عرض کنم که طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) این است.

همچنانکه بند «الف» تبصره (۶) قانون اصلاح

مقررات مربوط به طلاق در سال ۱۳۷۱ به زوج اجازه می‌دهد که در هنگام طلاق اجرت‌المثل کارهایی را که در ایام زندگی مشترک با شوهرش بطور مجانی انجام نداده بخواند و دادگاه هم براساس نظر کارشناسی موظف باشد که مبلغ این اجرت‌المثل را در حکم بیاورد و زوج موظف به پرداخت آن بشود، این تبصره در رابطه با زمان فوت شوهر و زوج هم عمل بشود، یعنی زنی که همسرش فوت شده بتواند اجرت‌المثل

۱. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

۳. «صوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۴. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

کارهایی را که در ایام زندگی مشترک با همسرش به صورت غیرمجانمی و غیرتبرعی انجام داده از دادگاه بخواهد و این مبلغ و این میزان از ماترک متوفی کسر بشود و به زوجه پرداخت بشود.

ایرادی که شورای محترم نگهبان به این تبصره آورده است این است که ممکن است زوجه بعضی از کارهایی که برای شوهرش انجام داده واقعاً قصدش این نبوده که مجانی این کار را انجام بدهد، ولی از طرفی در مقابل ممکن است با دستور شوهر این کار را انجام داده باشد و نیت شوهر هم این بوده باشد که همسرش این کارها را تبرعی و مجانی انجام بدهد و از طرفی عرفاً هم در زندگی‌های مشترک زن‌شویی بسیاری از کارهایی را که زوجه انجام می‌دهد، عرف این حکایت را دارد که به هر حال همسر این کارها را تبرعی و مجانی انجام می‌دهد.

به لحاظ این دو مورد شورای محترم نگهبان این مصوبه را خلاف شرع دانسته است. اما آنچه که در کمیسیون مطرح شد این بود اولاً باتوجه به اینکه همسر فوت کرده است، واقعاً احراز این مطلب که آیا قصد همسر از کارهایی که به زوجه اش می‌داده تبرعی بوده یا غیرتبرعی، واقعاً احراز قصدش ممکن نیست و از طرفی هم این طرح به انگیزه حمایت مالی از زنان شوهرمرده‌ای است که در طول زندگی مشترک با همسرشان توانایی خودشان را برای جمع‌آوری اموال و دارایی‌ها و مایملک همسرشان فراهم کرده‌اند و زحمت کشیده‌اند و حالا بعد از مرگ شوهرشان بایستی دست خالی خانه را ترک کنند و چیزی به آنها تعلق نگیرد.

در واقع به لحاظ حمایت مالی از همسرانی است که شوهرشان فوت شده تنظیم شده و از طرفی اصل اصلاح قانون مقررات طلاق را خود مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۷۱ تصویب کرده و ممکن است این مصوبه اگر به مجمع برود در مجمع به سبب مواد قبلی ان‌شاءالله تصویب بشود.

فلذا نظر کمیسیون بر این است که این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود، همکاران محترم هم ان‌شاءالله رأی خواهند داد. والسلام علیکم ورحمة الله

منشی (جبارزاده). خیلی متشکر، مخالف آقای دکتر شیخ هستند، بفرمایید.

محمدعلی شیخ. بسم الله الرحمن الرحيم

می‌دانیم که یکی از مبانی قوانین، عرف است. در مورد زندگی مشترک زوجین هم ما عرف اسلامی داریم که براساس تفاهم و حسن معاشرت و اینها است.

من نمی‌دانم از طرفی دیگر هم قانون مدنی ما که ام‌القوانین است، از لحاظ عبارت و از لحاظ محتوا یکی از مجموعه قوانین معتبری است که همه جا قبولش دارند (نه تنها ایران) حالا ما چرا با این به اسم الحاق و طرح و از این قبیل مسائل می‌آییم وارد یک قوانینی می‌شویم که واقعاً از استحکام لازم برخوردار است؟

اینجا گفته‌ام زوجه اجرت‌المثل زندگی مشترک خود را می‌تواند از ترکه همسرش مطالبه کند. ملاحظه بفرمایید، بیشتر کارهایی که زوجه در زندگی مشترک انجام می‌دهد، پذیرایی از میهمان است، نظافت محل مسکونی‌شان است، همه می‌دانیم اینها تیرعی است، والا باید اگر میهمانی برای همسرش رسید و یک کمی به آب آبگوشت اضافه کرد باید یک دفتر جلوی او باشد و از طرف امضا بگذرد که امروز (۴) نفر میهمان

آمده است و من بیشتر پذیرایی کرده‌ام و استدلالی که محترم داشتند برای اینکه ما نمی‌دانیم، همسر الان وجود ندارد، همسر فوت کرده و نمی‌دانیم قصد تبرع داشته است یا نه، اینها را واقعاً عرف حل کرده است. یعنی اگر هر دو آنها هم بودند و در یک مسائلی گفتگویشان شد، واقعاً اینجا ما دلیلی بر مسئله نداریم و هر کاری که وظیفه شخص نباشد اگر انجام داد مسلم است که اجرت طلب دارد. اگر معلوم شد که واقعاً زوجه کاری فوق‌العاده و رای آن وظایف و تکالیف زوجیت خود انجام داده، اینها را قوانین معین کرده است و مسلم است که هر کاری اجرت خودش را دارد. اگر اجرت معین باشد که همان خواهد بود، اگر معین نشده اجرت‌المثل می‌گیرد. این احتیاج ندارد که ما این قانون را بیاوریم.

ما باید قبول کنیم بعضی جاها شورای نگهبان واقعاً با دقت برخورد می‌کند. نهادهای ما که باید

با هم تفاهم داشته باشند، اگر یکجایی ایراد، منطقی باشد قبول کنیم. واقعاً ایراد شورایی نگهبان اینجا وارد است. حالا بنده می‌خواهم عرض کنم یکجای دیگر ممکن است من هم شخصاً نظر شورایی نگهبان را قبول نداشته باشم و واقعاً استدلال شورایی نگهبان که جناب آقای کاظمی هم نقل کردند بسیار استوار و محکم است. اصلاً نیازی به این نداریم. من نمی‌دانم اصلاً کمیسیون از این الحاقیه چه منظوری دارد و ما زندگی مشترک را محدود نکنیم، بگذاریم با تفاهم زندگی کنند، زوجه ارث خودش را می‌برد و اگر آن ارثیه هم کفاف نداد، زوجه که واجب‌النفقه فرزندان است خرجش را می‌دهند. حالا چه چیزی است که ما بیاوریم اینها را اضافه کنیم و واقعاً قانونی به آن محکمی که قانون مدنی ما است با این الحاقات که به هر حال هیچ تناسبی با اصل ندارد، ما آن قانون محکم را متزلزل کنیم.

من استدعا می‌کنم نظر شورایی نگهبان را اینجا قبول کنیم و واقعاً به این الحاقیه رأی ندهیم.

منشی (خالقی). موافق، آقای سلیمانی بفرمایید.

حسن سلیمانی. بسم الله الرحمن الرحيم

استدعایی که خدمت همکاران دارم توجه به این مسئله است که برای خانم‌ها حساسیت دارد و استاد عزیزم جناب آقای دکتر شیخ هم مطالبی که فرمودند یکمقدار باز بشود که آیا کمیسیون قضایی خواسته است برخلاف شرایط عرفی و وضعیت موجود عمل کند یا نه، حقی را که برای خانم‌ها بعنوان یک حق وجود دارد، دنبال احقاقش است.

ملاحظه می‌فرمایید که در آنجا شرط تعلق این امر انجام عمل بدون قصد تیرع و بدون اینکه وظیفه‌اش باشد هست و مبنای آن هم مطالبه است. بنابراین اگر یک عمل عرفی انجام گرفت و مطالبه‌ای هم در پی نداشت که پولی به زن داده نخواهد شد. زن باید یک عمل غیرمتعارف انجام داده باشد، به نحوی که در استدلال شورایی محترم نگهبان آمده است دستور هم ظهورش در مجانیت نباشد یا عرفاً انجام آن امر مجانیت را در پی نداشته باشد. برای این قسمت که کسی حرفی ندارد. باز جایی است که مرد دستور

داده، زن انجام داده و زیادتى در ثروت مرد حاصل شده است. اگر که مردى مطابق مقررات قانونى حق ندارد به زن خود دستور بدهد و مطابق همان مقررات اولیه اسلامى زن هیچ وظیفه‌اى برای انجام کار در منزل جز تمکین ندارد.

خوب، وقتى غیر از این ایفای وظیفه زوجیت، زن وظیفه‌اى ندارد، هر وظیفه‌اى انجام می‌دهد خارج از آن وظیفه اصلى قانونى‌اش است. حالا این وظایف کم و زیاد می‌شود. ما اسم عرف را آورده‌ام برای اینکه مقررات شرع را عوض کنیم. وقتى مقررات شرع است یعنى آنچه را که باید بگویند گفته‌اند، مسائل عرفى که نمی‌تواند مسائل شرعى را تحت تأثیر قرار بدهد و حق زن را اینجا ضایع کند و همین حق هم در رابطه با طلاق داده شده. گفتند اگر زنى به دستور مردش کارى کرد و آن کار باعث زیادت ثروت شد در آن حقى دارد. حالا این حق در زمان حیات مرد امکان ادا ندارد. گفته است بعد از فوت اگر زن

مطالبه کرد. مطالبه نکرد که دادگاه دنبال آن نمی‌گردد که بگوید خانم بیا شوهرت مرده است ما یک پولی به تو بدهیم یا اینکه ورثه خودشان نمی‌روند که دادخواست بدهند. این زن در استیصال قرار می‌گیرد، فرزندان نااهل دارد، حق و حقوقش را نمی‌دهند، می‌خواهد حق خودش را بگیرد. دادگاه امکان قانونى داشته باشد، اجتماع دعوا کند و بعد هم بر مبنای مکتسبات رسیدگی کند، زیادت اعسار کند، متعارف، بر مبنای آنچه که این زن در طول مدت زناشویی توانسته است مؤثر در افزایش ثروت باشد، متناسب با آن تناسب آنچه را که او تشخیص می‌دهد، دادگاه به او بدهد.

عمل مناسبی است. بر مبنای مصلحت هم انجام شده، الان هم چون امکان انجام اولیه‌اش بر مبنای اصول اولیه نیست، کمیسیون قضایی تقاضایش این است که مطابق شرایط اولیه که برای طلاق داشتیم نشد و مجمع تشخیص مصلحت تصویب کرد، الان هم با همین قدر متیقن و ملاک‌گیری برود به مجمع و این مقدار هم بر مبنای مصلحت برای خانم‌هایی که مطالبه بکنند و

بخش چهارم: اسناد و مدارک و مشروح مذاکرات تغییرات قانون مدنی ۱۴۳۳

آن زیادت حاصل شده باشد، این حکم در اختیار قضات ما قرار بگیرد. ان شاء الله که عزیزان رأی بدهند و این مشکل هم حل بشود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

منشی (خالقی). کمیسیون بفرماید.

محمد کاظمی (نایب رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی). ضمن تشکر از همکار عزیزم جناب آقای دکتر شیخ خدمتان عرض کنم، درست است که به هر حال براساس عرف زن و شوهر و براساس تفاهم و توافقی که دارند زندگی مشترکشان را انجام میدهند. اما به هر حال وقتی که بعد از فوت شوهر همسر مدعی میشود که قصدش از انجام بعضی از کارها واقعاً تبرع نبوده است و با قصد عدم تبرع یکسری از کارها را انجام داده، دادگاه باید بپذیرد. چاره ای نیست.

از طرفی جمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۱ براساس یک بررسی کارشناسانه اینطوری تصویب کرده است که حتی اگر در ایام زندگی مشترک زوجه کارهایی را هم انجام نداده باشد، اصلاً کاری به طور مجانی هم برای همسرش انجام نداده باشد، ولی به هنگام طلاق به هر حال دادگاه براساس وضعیت مالی شوهر موظف است که یک مبلغی را بعنوان بخشش یا تحله قطعی کند و به زن پرداخت کند.

به هر حال وقتی که ما در ایام حیات شوهر به هنگام طلاق این اجازه را دادیم که مبلغی از مال شوهر به زن پرداخت بشود، به سیاق همین مصوبه همکاران محترم این طرح را داده اند که بعد از فوت شوهر هم همسر و زوجه بتوانند مطالبه اجرت المثل کارهایی را که در زمان زندگی شوهرش با قصد عدم تبرع انجام داده است از دادگاه مطالبه کند و این یک امر مسلمی است که به احتمال قوی جمع باز هم به این مصوبه رأی مثبت خواهد داد. فلذا با مخالفت با نظر جناب آقای دکتر شیخ از همکاران محترم استدعا دارد که رأی به ارسال این مصوبه به مجمع بدهند. والسلام

منشی (جبارزاده). خیلی متشکر، دولت؟ (واحدی - موافق نظر کمیسیون هستیم) دولت هم موافق نظر

کمیسیون است. کمیسیون بر مصوبه قبلی خودشان مجدداً اصرار دارند. مصوبه قبلی را من برای رأی می‌خوانم.

طرح^۱ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۲

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۳ به شرح زیر الحاق می‌گردد:

تبصره. زوج می‌تواند اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر کارشناس و با رعایت بند «الف» تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه کند.

اگر مجدداً نمایندگان محترم به این رأی دادند به جمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع خواهد شد.

رئیس. حضار ۲۱۹ نفر، متنی که قرائت شد به رأی گذاشته می‌شود، موافقین قیام بفرمایید. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

منشی (جبارزاده). مصوبه به جمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌شود.

...
منشی (جبارزاده).^۴ تشکیک درمورد مصوبه قبلی اصلاح شورای نگهبان است. کمیسیون قضایی اصلاحیه‌ای داشت (البته نه اصلاح) اصرار بر مصوبه قبلی خود که ماده واحده‌ای است که يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۵ به شرح زیر الحاق می‌گردد:

تبصره. زوج می‌تواند اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

۲. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

۳. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحیح است.

۴. از عبارت «منشی (جبارزاده)» تشکیک در مورد «...» الی آخر

این گفتار از صفحات ۱۵ و ۱۸ مشروح مذاکرات جلسه مذکور

(جلسه ۲۵۷ مورخ ۱۳۸۱/۸/۵) استخراج شده است.

۵. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحیح است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۳۵

خود را از ماترك زوج متوفي با جلب نظر كارشناس و با رعايت بند «الف» تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه كند. ما اين را به رأي گذاشتيم، چون نظر كميسيون بر مصوبه خودش بود به رأي گذاشته شد كه همكاران عزيز نسبت به تصويب مجدد اين و ارجاع موضوع به جمع تشخيص مصلحت نظام تشكيك كردند. لذا ماده واحده و اين تبصره اي كه خدمتتان قرائت كردم مورد تشكيك قرار گرفته مجدداً رأي ميگيريم. موافقين با اين تبصره رأي سفيد، مخالفين كبود و ممتنعين هم كارت زرد داخل گلدان خواهند ريخت. حضار ۲۰۱ نفر. **رئيس.** گلدانها را خدمت غايندگان محترم بچرخانيد. اخذ رأي با ورقه بعمل آمد و نتيجه بعد از شمارش اعلام گرديد.

...
رئيس. اجازه بدهيد من اين نتيجه تشكيك را هم بخوانم. حضار ۲۰۲ نفر، تعداد آرا^۱ مأخوذه (۱۲۶) رأي، آرا^۲ سفيد (۱۰۶) رأي، آرا^۳ كبود (۱۵) رأي و آرا^۴ ممتنع (۵) رأي. بنابراين نظر قبلي كه تصويب شده بود تأييد شد (همان كه با قيام و قعود انجام شد) كه به جمع تشخيص مصلحت ارجاع ميشود.

شماره ۲۳۷۸-ق تاريخ ۱۳۸۱/۸/۷

حضرت حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي هاشمي رفسنجاني رياست محترم جمع تشخيص مصلحت نظام مصوبه مجلس شوراي اسلامي درخصوص طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱ كه مورد ايراد شوراي محترم نگهبان قرار گرفته بود،

۱. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.

مجدداً در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ مجلس شورای اسلامی مطرح و نظر قبلی مجلس در مورد تبصره ماده واحده عیناً تصویب گردید.

علی‌هذا در اجرای اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه مجلس همراه با نظر شورای نگهبان جهت استحضار و طرح در جلسه جمع تشخیص مصلحت نظام و اعلام نتیجه به پیوست ایفاد می‌گردد. ضمناً کلیه سوابق نیز ضمیمه می‌باشد.

مهدی کروبی

رئیس مجلس شورای اسلامی

طرح^۱ الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷^۲

ماده واحده. یک تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۳ به شرح زیر الحاق می‌گردد:

تبصره. زوج می‌تواند اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک خود را از مآثرک زوج متوفی با جلب نظر کارشناس و با رعایت بند (الف) تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مطالبه کند.

طرح^۴ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ پنجم آبان ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و یک به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کروبی

رئیس مجلس شورای اسلامی

۱. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد نه طرح.

۲. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

۳. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحیح است.

۴. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.

بحث چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون
مدني ۱۴۳۷

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱/۸/۵
مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵/۱۰/۳۰

۴۸۳۰۸/۰۱۰۱

۱۳۸۵/۱۰/۳۰

جناب آقای دکتر حداد عادل
رئيس محترم مجلس شورای اسلامی
بازگشت به نامه شماره ۲۳۷۸-ق مورخ ۱۳۸۱/۸/۷ در
خصوص «طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون
مدني مصوب ۱۳۰۷^۲» مصوب ۱۳۸۱/۸/۵ مجلس شورای اسلامی
که مورد ايراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته و
در اجرائي اصل یکصد و دوازده (۱۱۲) قانون اساسي
به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود، به
پیوست مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ شورای مجمع تشخیص
مصلحت نظام برای طی مراحل قانونی ابلاغ می گردد.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئيس مجمع تشخیص مصلحت نظام

مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ شورای مجمع تشخیص مصلحت
نظام

در خصوص طرح^۳ الحاق يك تبصره به ماده ۹۴۸ قانون
مدني مصوب ۱۳۰۷^۴

طرح^۵ الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني

-
۱. مصوبه مذکور در دوره ششم مجلس شورای اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده ولي مجمع مذکور در سال سوم مجلس دوره هفتم آن را بررسی و ابلاغ نموده است. لازم به ذکر است که مجلس ششم در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۷ افتتاح و در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۶ خاتمه یافته است. مجلس هفتم در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۶ افتتاح و علی‌الاصول در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۶ پایان خواهد یافت.
 ۲. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.
 ۳. «مصوبه مجلس» صحیح به‌نظر می‌رسد.
 ۴. لازم‌الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.
 ۵. «مصوبه مجلس» صحیح به‌نظر می‌رسد.

مصوب ۱۳۰۷ که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود، در شورای جمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ذیل به تصویب رسید:

ماده واحده. عبارت زیر به عنوان تبصره ذیل ماده ۳۳۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ تصویب گردید.

تبصره. چنانچه زوجۀ کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

مصوبه فوق مشتمل بر ماده واحده و در اجرای اصل یکمصد و دوازده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در جلسه رسمی روز شنبه مورخ بیست و سوم دی ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج شورای جمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

شماره ۳۲۰/۱۷۳۵۴۴
تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۱

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد

شماره ۳۲۰/۱۷۳۵۴۴

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۱

در اجرای اصل یکمصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳۳۶) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ مصوب جلسه

1. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.
2. همان.
3. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.
4. «مصوبه مجلس» صحیح به نظر می‌رسد.
5. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحیح است.

بخش چهارم: اسناد و مدارك و مشروح مذاكرات تغييرات قانون مدني ۱۴۳۹

علي مورخ ۱۳۸۱/۵/۹ مجلس كه با عنوان طرح الحاق يك تبصره به ماده (۹۴۸) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۱ به مجلس شوراي اسلامي تقديم و مطابق اصل يكصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به مجمع محترم تشخيص مصلحت نظام ارسال گرديده بود با اصلاحاتي در عنوان و متن از سوي آن مجمع موافق با مصلحت نظام تشخيص داده شد^۲ كه به پيوست ارسال ميگردد.

غلامعلي حدادعادل
رئيس مجلس شوراي اسلامي

قانون^۳ الحاق يك تبصره به ماده (۲۳۶) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷^۴

ماده واحده. يك تبصره به ماده (۲۳۶) قانون مدني مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸^۵ به شرح زير الحاق ميگردد:
تبصره. چنانچه زوجه كارهايي را كه شرعاً به عهده وي نبوده و عرفاً براي آن كار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و براي دادگاه نيز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل كارهاي انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حكم ميگزايد.

قانون^۶ فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علي روز چهارشنبه مورخ نهم مردادماه يكهزار و سيصد و هشتاد و يك مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ از سوي مجمع تشخيص مصلحت نظام موافق

-
۱. همان.
 ۲. به جاي عبارت «موافق با مصلحت نظام تشخيص داده شد» عبارت «به تصويب مجمع تشخيص مصلحت نظام رسيد» صحيح به نظر ميرسد.
 ۳. «صوبه مجمع تشخيص مصلحت نظام» صحيح به نظر ميرسد.
 ۴. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷ صحيح است.
 ۵. لازم الاجرا شدن از سال ۱۳۰۷/۲/۲۰ صحيح است.
 ۶. «صوبه مجمع تشخيص مصلحت نظام» صحيح به نظر ميرسد.

با مصلحت نظام تشخیص داده شد^۱.

غلامعلی حدادعادل
رئیس مجلس شورای اسلامی

۱. به جای عبارت «موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد»، عبارت «به تصویب جمع تشخیص مصلحت نظام رسید» صحیح به نظر می‌رسد.